١٠	٢	٨
٤	٧	٦
٥	١١	٣

جهت محبت مجرب است از برش گفته است بدوح ٢ اصطفقد ١١٣٥ طالب محمد ٩٢ مطلوب فاطمه ١٣٥

اول ناری	س طا	مطلوب ب	ب
٢ مطر	د	٢ ناری	٣ ط ب
د	اول مطر	اول طا	٣ ناری
[illegible]	٣ ناری	ح	٣ مطر

١٣١

١١٣٥	١١٣		ب
١٤٧	د	١١٥١	٨٠
د	١٣٦	٩٢	١١٤٩
٩٤	١١٢٩	ح	١٥١

اسم طالب و مادرش را و اسم مطلوب و مادرش را عدد در آورده بر آید

مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی

الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب ای انزل القرآن علی نبیه اشرف عباده و افضل انبیائه لیکون للعالمین بشیرا و نذیرا
والصلوة والسلام الاتمان الاکملان الاشرفان علی من شرف بتشریفه المصطفی یعنی صاحب التاج والمعراج واللواء والکوثر [illegible]
ابا القاسم محمد المصطفی المجتبی العلی الزکی الاوفی و آله و عترته سیما صاحب [illegible] غالب کل غالب و مطلوب کل طالب امیر المؤمنین و امام
المتقین و یعسوب الموحدین علی بن ابی طالب علیه و آله الصلوة [illegible] الی یوم الجزاء **اما بعد** غرض از تحریر این کتاب آنکه کمترین
بندگان ابن محمد محمود [illegible] علی الخصوص
[illegible] از قواعد علم تکسیر و ضوابط جفر جامع و خافیه شمسی و خافیه قمری و اسرار اعداد وفق و کیفیت حروف و نقطه و جواهر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مشتمل است بر مقدمه و دوازده فصل
و خاتمه و بالله التوفیق و علیه التکلان **مقدمه** در بیان [illegible] حروف [illegible] **فصل اول** در قاعده
کتاب جفر جامع و ضابطه [illegible] **فصل دوم** در طریقه کتابت خافیه شمسی و ضوابط آن
فصل سیم در شرح خافیه قمری و بعضی از قواعد [illegible] حروف و اعمال آن **فصل چهارم** در کیفیت استخراج اسما از الواح
[illegible] **فصل پنجم** در شرح و فواید لوحی که مشهور به خاتم سلیمانست و قواعد [illegible] الواح [illegible]
بانواع مختلفه **فصل ششم** در قواعد دعوت اسماء الله [illegible] **فصل هفتم** در ذکر قواعد دعوت [illegible]
و بعضی [illegible] **فصل هشتم** در [illegible] الواح [illegible] و بعضی دیگر از الواح
[illegible] **فصل نهم** در [illegible] حروف [illegible] **فصل دهم**
در کیفیت اعداد و اقلام و طلسمات و قواعد [illegible] **فصل یازدهم** در ذکر [illegible]
کواکب [illegible] **فصل دوازدهم** در اختیارات اعمال [illegible] **خاتمه** در فواید متفرقه
از علوم [illegible] **مقدمه** بدان ارشدک الله تعالی که حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین و حبیب

رب العالمین

رب العالمین اسد الله الغالب و مطلوب کل طالب الامام ابو الحسنین علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام فرموده اند که انا
[illegible] نقطه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **شعر** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ع [illegible]
[illegible] ع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ع [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]

٢ وبباید دانست که تا بمقدار [illegible] بخدمت عالیمقداری نرسد قدری پیدا نمیکند **مولفه** و ماغ جان چه سر زلف یار میبوید [illegible]
حکایت مشک تتار میگوید عجب مدار اگر خادم [illegible] که خار و گل همه از یک درخت میروید اگر کیفیت نور شمع با خبری
بگو که خاطر پروانه زو چه میجوید چه حالتست که بلبل بوقت [illegible] گل نمیزند دم و در وقت وصل میبوید مگو [illegible] عیان طریق عشق
که او بپای ادب [illegible] طریق میپوید پس اینجا استاد شریعت در دبیرستان طریقت از زوایای حقیقت تفسیر [illegible] میکند بر
صفحه این اوراق رقم زده کلک تحریر خواهد ساخت والله المستعان **مولفه** یارب از انجا که عنایات تست دیده دل سوی هدایات تست
بر من مسکین نظر خیر کشای بودم از غیب دری بر کشای در حضرت [illegible] قوتی بخش راه بمنزل تحقیق بخش بدان اعزک الله
وتعالی بمقتضای کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف چون ایجاد ممکنات خواست از [illegible] ذات بیچون خود بر ذات بیچون
خود جهت اظهار نعوت و صفات [illegible] کرد در [illegible] نور ذات [illegible] مستور و مخفی بود و تجلی فرمود و لفظ مخفی که در حدیث قدسی وارد شده
عبارت از خفای نعوت و صفات [illegible] نور ذات مستور بود [illegible] نور ان تجلی [illegible] هویت باشد که ان اصل نور ذات حضرت رسالت
پناه محمدی بود صلی الله علیه و آله وسلم و لفظ نقطه [illegible] نور است چنانچه قدوة المحققین شیخ اوحد الدین محمد کرمانی در جام [illegible] که
شعر صورت وحدت [illegible] همه تمثال نقطه [illegible] و چون ان نقطه [illegible] بر انشا هذا [illegible]
حال **شعر** [illegible] شد [illegible] شد [illegible]
[illegible]
احمدیت [illegible] وجود [illegible] اول ما خلق الله [illegible] نوری [illegible] اول ما خلق الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
المؤمنین علی ابن ابو طالب علیه الصلوة والسلام فرموده [illegible] العلم نقطة [illegible]
[illegible] حضرت محمدیت [illegible]
کما قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابو طالب علیه الصلوة
والسلام [illegible]
وعالم و عارف اسرار [illegible] حضرت محمدیت صلی الله علیه و آله وسلم قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم یا علی ما عرف الله
الا انا و انت و ما عرفنی الا الله و انت و ما عرفک الا الله و انا [illegible]
[illegible]
تعالی است چنانچه حدیث قدسی [illegible]
باشد صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابو طالب علیه الصلوة والسلام [illegible]
[illegible] حضرت محمدیت [illegible] حدیث قدسی [illegible]
[illegible] حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله [illegible] انا و علی من نور
واحد و معلوم باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]

شاه نور الدین

شاه نور الدین نعمت الله قدس سره العزیز فرموده اند ابیات **شعر** ما [illegible] نقطه [illegible]
[illegible] الف [illegible] احد [illegible]
[illegible]
[illegible] سید قاسم انوار قدس الله سره فرموده اند ابیات **شعر** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
که حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند [illegible] الاعظم اشاره [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] نظام الدین محمود [illegible] قدس سره العزیز [illegible] **شعر** [illegible]
[illegible]
روح حضرت رسالت پناه محمدیت صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] مطلق [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة
والسلام [illegible]
حروف [illegible] حضرت سید نعمت الله قدس سره العزیز [illegible] فرموده اند که **شعر** [illegible] الف
[illegible] حضرت [illegible] صلوات الله الملک القدیر فرموده اند
[illegible] انا مدینة العلم و علی بابها [illegible]
[illegible] حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]
[illegible]
علیه و آله وسلم بود کما قال علیه السلام یا علی انت منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لا نبی بعدی [illegible]
[illegible] حضرت محمدی صلی الله علیه و آله وسلم فرموده که کنت انا و علی [illegible]
[illegible] قبل ان یخلق ادم باربعة عشر الف عام فلما خلق ادم [illegible]
[illegible] عبد المطلب [illegible] انا و علی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت محمدی صلی الله علیه و آله وسلم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت شیخ نجم [illegible] قدس سره [illegible] فرموده که **شعر** [illegible]

۳

در کلیت پوشیده باید ولی الله بنبی ظاهر نماید و همچنانچه در عالم معنی ولایت بر نبوت مقدم است در عالم صورت نبوت
بر ولایت تقدیم دارد و بر این تقدیر در این بحث سؤال و جوابی لازم می آید حقیقت سؤال آنکه چون در عالم معنی ولایت بر نبوت
مقدم است بعکس عالم صورت که نبوت بر ولایت مقدم می آید پس هر آینه ولایت اولیا بر نبوت انبیا مقدم باشد حاشا که نه چنین است
و سؤال دیگر آنکه هرگاه که ولایت بکمال این مرتبه رسید نبوت حاصل نمی شود پس فرق میان انبیای سابق و حضرت رسالت پناهی کجا بوده باشد
و این نیز حاشا که نه چنین است که فرق نباشد حقیقت سؤال اول الجواب آنست که ولایت بر نبوت مقدم است در عالم معنی آنست که
ولایت هر شخص که ولی عهدی بوده باشد بر نبوت نبی آن عهد مقدم است بلکه ولایت که مخصوص همان نبی است بر نبوت خویش تقدیم
دارد و ولایت اولیاء عصر او بعد از نبوت اوست و کشف شد که ولایت مطلقه باطن حضرت محمدیست و نبوت مطلق ظاهر
امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام صاحب علم باطن آنحضرت است بلا مشارکت غیری کما هو که در علم باطن که مخصوص
آنحضرت کاهی عالم و عارف باشد بسیار ظاهر است که در علم ظاهر نیز چنین خواهد بود و الا هیچ جوازی است در این معرفت داخل اما
هیچکدام در درجه او نیستند و افضلیت او در رتبه کمالات انبیا در صورت و معنی و شاهد این قول آیت افضل احکام
قاطع خبیر و حقیقت سؤال دوم را جواب آنست که مقام روح حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم احدیت جمع الجمع است و همان احدیت
۱۰۱۳
جمع الجمع معراج آنحضرت بوده در عالم صورت و حضرت شیخ محیی الدین در این باب فرموده شعر مقام دلکشا برزخ جمع است حال
جانفزا برزخ جمع الجمع است در این مقام هر یک از انبیا و اولیا که از حضرت شریف بهره مند شدند و مقام و معراجش ارفع و اعلی این مقام و معراج
انبیا و اولیا است و نبوت و ولایت سابق بر نبوت و ولایت جمیع انبیا و اولیاست و در جنب محمد جمیع انبیا و اولیا در تحت لوای مرتبه
او خواهند بود چنانچه حدیث همان حضرت از آن خبر می دهد که آدم و من دونه تحت لوائی یوم القیمة و شاهد مسابقتش بر جمیع انبیا
که فرموده کنت نبیا و آدم بین الماء والطین و انبیاء سابق از هر کدام ولایت و نبوت از مقام روح خود حواله شد و در همان مرتبه
همان درجه تمام شد و صاحب کمال شدند و ظاهر است که هیچ یک بمقام روح در صدد مقام روح محمد صلی الله علیه و آله و سلم نبوده
بمقتضی فرموده درجات بعضها فوق بعض هر یک به مرتبه بوده اند و تفاوت میان بسیار است و مقرر است که چون روح مبارک حضرت احدی
از قاب قوسین او ادنی در فضای قرب کما هو حق جلوه نمود بر کشف و شهود هر یک و چهار هزار ... متفاوت از او در مجلس ... از ذوق
عالم لاهوت تا سقف عالم ناسوت حالی که منتهای ملکوت بتفاوت تنزل نموده و در هر مرتبه از مراتب علم بالا قرار گرفت و حضرت
حکم علم از هر قطره روح یکی از انبیا را افرید و خلق کرد چنانچه از این صد و بیست و چهار هزار انبیا نیز رسالت مشرف شدند سیصد
سیزده تن بوده اند و باقی بالهام نبی بوده اند و از این سیصد و سیزده پنج اسم شریف ایشان در ترتیل مجید در قرآن مجید مسطور است بیست نه
نفر اند و از این بیست و نه پنج نفر بخلعت اولوا العزم سرافراز شدند پنج نفر اند که مقدم ایشان و خاتم ایشان در معنی و صورت حضرت رسالت
پناه محمدی بوده صلی الله علیه و آله و سلم چنانچه لفظ قرآن بیان شاهد است قوله تعالی و منک و من نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن
مریم صدق الله و از این پنج نفر آنکه مقدم است در معنی و در صورت هم او خاتم است خلاصه اولوا العزم او است و هم چنین که نبوتش
او بر جمیع انبیا سابق است صاحب ولایتش که حضرت امیرالمؤمنین علی است علیه الصلوة والسلام بعد از وجود شریف آنحضرت بر جمیع
خلق و حال است و بر جمیع مقدم است اکنون چون از نقطه و حرف و در معنی کلام و در نظام حضرت اسد الله الغالب و مطلوب کل طالب
امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام چند کلمه گفته شد و در طریق بعضی از ادیا ... اعلام آنحضرت شد و چون چنان
جز این باو چیزی ... گفته شود ... به طریق توحید بر طالبان تحقیق و استقرار کیفیت قوس
دایره احدیت و واحدیت در خاطر ایشان نقطه اعلی سبیل الکنایه ... دایره الله ... بصفت جمال و جلال الهی
احدیت و واحدیت چنانچه قبل از این اشاره بدان رفت بل بمقتضای الحر یکفیه الاشاره حسب اند ... ان شاء الله بطریق اشاره
کرده ... تقریر این عبارت فی الجمله ... اشاره را ... تحقیق است که طالبان ... شود

و الادر هویت مطلق عقل انسان کامل انسانست و حقیقت اینجنس آنستکه این نقطه بشارالیه از دوره ظاهریت و باطنیت که داشت متصف
شد و صفت بود و بهمین جامل و متصف و مکو بود که در هر مکان مشاهده تجلی الهی را از مصادر شد و از این سر نقطه طولی الف احدیت که مقام
اسم شریف احمدی و منشاء مفردات عالم امر است صورت بست چنانچه از پیش گذشت و شرح این بتفصیل در رساله مرآت الحقایق که از
تالیفات این کمینه است مبسوطست و مکرر از آن در این نسخه چندان متعرض نشد اکنون بنا بر شرح نقطه اصل و نقطتین مذکوره
الصفتین که بمیانه مجمع مفردات حروف در عالم امر و منشاء مرکبات کلام الله در عالم الخلق شمرده گو هویت مطلقه و دایره قوسین احدیت
و واحدیت مستفاد شد به همچنانکه معلمان در مکتب خانهای قال الفا را اول از نقطه بحرف و از حرف بمرکبات آشنا میسازند همچنین
سهولت مدارست کلام معلمان مکتب خانهای حال بر طالبان طریق توحید که فی الحقیقه طفل مکتب اثبات شده هم چنین اول از نقطه
بحرف و از حرف بمرکبات آشنا میسازند تا مطالعه علم توحید بر ایشان آسان باشد و معلوم و مقرر است که اصل کلام آلهی و احادیث
حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم و سخنان حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام و جمیع علوم منقول
و معقول مرکب از مفردات حروف و حروف مرکب از نقطه و تمیز حروف هم به نقطه میشود و ما از اینجا آنکه همین نقطه و حروف بحض بعضی
و بحر بحساب اصل حقیقت موجودات الکاینات بنوعیکه طایفه نقطویان و حروفیان بر آن رفته اند بنا بر خود قرار داده اند چنانچه گویند
نقطه را ذات اصل توحید را ذات و یا حرف را ذات حقیقت اشیا را ذات است جهات نظم این شیوه نیز راه اهل توحید بود و بین
طی بطریق اهل تقرید بود فاعلم که صوفیه موحده بر آن رفته اند که همان نقطه و حروف امریست اعتباری و حقیقت لفظ و معنی کلام
فی الجمله از روی تقریر آن در معنی توان یافت آنکه حقیقت اشیا در همین نقطه و حروف علم توحید علیحده حالی که قال اصلا در آن کجا
بیت و حضرت شیخ جنید بر کشف آن فرموده بیت معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر قلزم اندر ظرف ناید و معنی الکلام صفة المتکلم
بنوعیکه طایفه حروفی با خود مقرر داشته اند نه چنانکه در معنی طایفه صوفیه مقرر است خلاصه حقیقت اینجنس آنستکه کلام هر متکلم یک
صفت از جمله صفات او خواهد که متکلم است و حقیقت ذات آن متکلم را بالکلیه از روی کلام او نمی توان دانست بلکه جمیع صفات آن متکلم
هم از روی کلامش دریافتن نتوان یافت چه جای حقیقت ذات واجب تعالی و تقدس پس معنی بود و افتاده که جلالت حقیقت کلام الهی که بیان صفت است
جلال صفات مقدس ذوالنور خود مناسب قبرح بیت که کما هو حقه را حاطه حقیقت او تواند کرد و حضرت مولوی معنوی در مثنوی فرموده
شعر حرف قرآن را مبین که ظاهر است زیر ظاهر باطنی بس قاهر است زیر آن باطن یکی بطن دگر خیره گردد اندر او فکر و نظر و این سخنان از جهت
حدیث حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده ان للقرآن ظهرا و بطنا و لکل بطن بطن الی سبعة ابطن و بعضی از محققین
گفته اند که بطن اول اشارت بعبث و مقالات ان و بطن ثانی طریقت است و دلالت بطن ثالث حقیقت و حالات اند و چهار بطن دیگر مستور است
که برین صاحب اسرار الهی است حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم کی بر آن دانست و حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام
خازن آن بوده بمقتضای کلام خطبة البیان که فرموده انا الذی عندی مفاتح الغیب لا یعلمها بعد محمد غیری صدق ولی الله و اگر چنین نبودی
که حقیقت ذات از روی کلام دانسته شدی یا حقیقت موجودات در همین نقطه و حروف ابجدی حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله و سلم
نمی فرمودی که اللهم ارنی الاشیا کما هی و اکنون حقیقت اشیا با خبر بود از روی علم که حق تعالی بوی عطا فرموده تا بهم بفرموده که الشریعة
اقوالی والطریقة افعالی والحقیقة حالی پس از این کلام معلوم میشود که حقیقت حال در قال نمی آید و زبان از بیان تقریر حال عاجز است
چون حدیث آنحضرت که فرموده بعثت بجوامع الکلم و اللهم ارنا الاشیا کما هی همان حضرت فرموده اینجا معلوم میشود که حقیقت اشیا و
شناخت ذات بیچون واجب تعالی از روی دانستن تقسیم نقطه و حروف که اگر چنین بودی آنحضرت تحصیل حاصل نمی فرمود بلکه میتوان بود
که چون در خاطر و ظن هیچ هر بنده از فرقت که تعبیر از حرف بیان آید معلوم ذات شریفش بوجه حسب تفهیم و تعلیم امت این الفاظ فرموده باشد
تا هر آینه تکذیب سخن آن فرقه مخالف ظاهر شود و موجب نزاع اعتقاد مخلصان امت باشد در راه تحقیق و بناشد که تابع آن سخنان شوند
و در راه بیابان که غلط با حق در راه طلب قدم نرم چاه حق خود نمی بینید با لایق هست هشدار که بر این پیچ با لاحمق حاصل کلام آنکه حرف حقیقت

نفسه فقد عرف ربه بدانکه بجهت تفصیل نقطه یا بجهت تقسیم حرف حاصل شود و اگر حقیقت شناخت و تحقیق معرفت از این با حقیقی میسر
نگشود بتحقیق هرکدام از پادشاهی در عالم توحید عربی اسلام ملا بودی و اگر بتحقیق از آن کمتر رسید حاصل که آن این چند داند
بکثرت که قطعه این باب نشان آن عزیز علم تحقیق و معرفت نفس و در بیان چنین سیر بیت تا سالها وجود شخص در ربقه ریاضت تا ابد
آفتاب تحقیق بر وی نتابد و راه بطلبد العیاذ ارباب تحقیق بنا بر آن نظر طریق مجاهده است و طریق مجاهده بخودی خود نمیتوان رفت زیرا که
در آن مغلطهای بسیار واقع میشود و این طریقه را مرد می باید راه بین دانا که سلسله تحقیق منتهی از آن حضرت صاحب ولایت
اعنی اسد الله الغالب علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام رسد زیرا که وجود آنحضرت با وجود حضرت رسالت پناهی محمد صلی الله علیه و آله
یکیست تا اینکه بجائی برسد و تحقیق حاصل کند و اگر بخودی خود خواهد رفت یقین است که بی سبیل خواهد افتاد و در این معنی
از استاد مناسب حال می نماید چنانچه گفته اند **بیت** اگر کسی صفی داغ نکرده است گر از نقد و رخ کسی خام برآید یعنی اگر که
سلسله مجاهده منافی باشد و باوامر و نواهی شریعت کار نکرده باشد اگر بخودی خود چندین سال در دو رخ ریاضت سوخته شود که همگی
بیرون آمدن خام خواهد بود **بیت** من نقطه و حرف انجمن میدانم وین درس عیان انجمن می خوانم حالا اعجاز الوقت **شعر**
سخن دراز شد و مقصود در رفتار مقصود عنان حرف سیلام با انجه مقصود است اما حکم کار که هر دیگر حق الهام حکم حق
[illegible] از بیم حکم و کلام این تحقیق سوال و جواب در روی کتاب نظر کرده در حال تحریکم جاری حیث چون این دو نوشته و در حقیقت
حال نه با اختیار هر کس الهیست نه صاحب اختیار بحسب اختیار کرده که ادمی نادانست و در این باب بعینی مناسب از استاد واقع است که
بیت چاره چه بکند در تقدیر در دریای محیط نه بهادم میدهد که آب در باز نشود امید که خاتمه کار بخیر و خوبی باشد ان شاء الله تعالی
لمؤلفه کز دانه نقاب رخ کند جانانم کر جان بکشد رخ تا جانم که افکند در ظلمات حیرانم کز راه دهد بحشمة حیوانم اللهم احینی فی
محبة احبابک و اولیائک واستر علی الایمان الصحیح واحشرنی مع النبیین والائمة المعصومین والصدیقین تحت لواء رسولک محمد صلی الله
علیه وآله وسلم اللهم اجعلنی من السعداء المقبولین بعزتک ولا تجعلنی من الاشقیاء المردودین بکرمک اللهم لا تقتلنی بغضبک ولا تهلکنی بعذابک
وعافنی قبل ذلک یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام آمین حالا شروع میشود در آنچه مقصود است و در صدد کتاب [illegible] و غرض
از آن مقصود بیان قواعد کتابت جفر و کیفیت رموز نقطه و سر حرف و خواص الواح عددی و کیفیت عدد منحات و خواص بعضی از اسماء الهی
و غیره الهامات بیان آن عزیز میکردند چند حرف در بیان نقطه از پیش گذشت و در این مختصر چند کلمه از رموزات و سر حروف مجرب
می باید و بعد از آن شروع در قواعد تکسیر و اسرار اعداد میرود بسم الله الرحمن الرحیم
بدانکه بسم الله مشتمل بر معنی بسیار است چنانکه **الف** از سه نقطه مشکل است اگر چه بعضی بر آن رفته اند که از چهار نقطه مشکل است فاما از بقاعده رمل آنکه از حکم
طبایع اربع بر آن می دانند و آن طریق بکوشند از این با بجهت دخل ندارد و مدار تمیز حرف و نام و نقطه است و حروف از نقطه صورت دارد
چنانچه همان الف که ذکر کرده شد کاهی که در بعضی مینویسند و نقطه در تحت آن بنهند حرف **با** ظاهر شود و اگر نقطه را دو کنند و بر زبر حرف
مذکور بنهند حرف **تا** شود و اگر بر زبر حرف مذکور نهند حرف **ثا** ظاهر شود و قس علی هذا الی آخر الحروف و نقطه حروف نیز از سه زیاده نیست
چنانچه حروف ملفوظی هم از سه حرف زیاده نمیباشد و هرگاه که لفظ شطر را بنویسند حرف نون از او ظاهر میشود که سه نوع نقطه و بیوت
و مدار این حرف سه چیز هست که بعضی از آن متحرک باید و حرف نون از حروف مدار است یعنی حرفیست که بجهت مقتضی میشود و اول و آخر
یکیست یعنی حرف اول هم آن حرف آخر است و در میان حروف سه حرف این حال هست و آن سه حرف در ترتیب الفبی چو یکی یکی است چنانچه حرف
میم اول الف و نون وسط و واو آخر و همین سه حرف اند که از دوایر بر هم جمع است که مستخرج میشوند و ابتدای استخراج از همین میم است که
مفتاح اسم شریف حضرت رسالت پناهی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ختم اسم او میم است و تفصیل این در رساله کشف الاسرار که آن نیز در
این فقیر است هست و بکوی ازین اقدام که در بیان معادل این سه حرف از بعد الحروف مشتمل است و لوح حال بمقتضای خیر الامور اوسطها حرف نون
در وسط دو حرف دیگر است و مذکور شد که حرف نون مفتاح حرف نبوت است کما قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم اول ما خلق الله نوری

و انا و علی من نور واحد و قال ایضا کنت نبیا و آدم بین الماء والطین و گفته اند این حیثیت کرده اند ولایت در باطن نون نبوت واضح
الف اسرار الهی در باطن واو ولایت و شرح حدیث انا مدینة العلم و علی بابها که حضرت رسالت پناه فرموده اند در شأن حضرت امیر
المؤمنین علی علیه السلام از اینجا معرفت چنانچه حضرت مولانا شرف الدین علی یزدی بیان فرموده اند فرق علانیه از بینات
حرف الف ملفوظی و آن بر این تیم بیانات **الف علی** و اینجا این حقیر در شرح الف تقریر میکند اینکه الف در عدد جمل یکیست و یکی
سر عین وجود است **یکی سعی** حرف قمر جمل و بینه معنی اسم احد است بقاعده و جمل احد سیزده است و سیزده عدد حرف میم است
در کتب اعداد جفر یکی که مرتبه سیزدهم واقع است و حساب جمل صغیر احد است چنانچه جمل میم نیز در صغیر جمل است و یکی که معنی اسم احد است
و جمل جمل است مطابق جمل حرف میم و آن حرف میم اسم حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و اسم حضرت امیر المؤمنین
علی علیه الصلوة والسلام ظاهر میشود بدین دستور **میم بینات المیم احمد علی امام** و این دو نکته شریف

که در حقیقت یک نور مطلق اند با یکدیگر مطابقت تام دارند
و در دو حرف میم نون و در دو باطن نون واو حاصل است
مصطفی زوج زهرا بیانات مصطفی بینات مرتضی
در بیان صاحب تقوی حاجت تفصیل ندارد و قلم مختصر
اگر حرف الف را قیاس معرفت باطن بینات بیرون نویسند و باستخراج اسماء مشغول شوند تمام از اسرار الف بر عالمیان ظاهر شود و در وقت
استخراج [illegible]

چون بعضی از اسرار الف ظاهر شد این سر حرف نون شروع می شود که مفتاح نقطات است هرگاه که حرف نون را بحساب ملفوظی باعداد کنند
جمع کنند حاصل جمع در عدد یکصد و ده میشود که مطابق با عدد اسم امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام است و تفصیل آن بدین وجه است
نون واو حرف جمل نقطه حرف جمل حروف بینات جمل ملفوظی جمع الاعداد **علی** و همچنین عدد مطابقت بالکلمه لا اله الا
هو و نکته نادر که در این اسرار محققت آنست که چون آنکه از بینات اسم حضرت احمدی صلی الله علیه و آله و سلم نیز همچنان بیش بود
شد کلمه **علی امام** صورت پذیرفت و توافق عددی از بینات اسم **علی** علیه الصلوة والسلام و اسم **محمد** صلی الله علیه و آله و سلم نیز همچنین
تطابق عددی دارد بدین طریق **بینات اسم علی حروف مقطع جمل البینات نیز الاسم جمع الاعداد محمد**
بیان این استخراج معلوم شد ی ن ا م ا ۶ ۱۰۲ ۱۱۰ ۲۰ ۲ ۲۲۰
که میان حضرت رسالت پناهی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام دوئی نیست و تفاوت میان هر دو از هر سه است
و حدیث دیگر که در باب حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام وارد است اینست که یا علی کنت مع الانبیاء سرا و معی جهرا و شرح این
حدیث نیز آنکه در بینات رسل با بینات علی بر ترتیب الحروف والعدد مطابق است بدین وجه **رسل علی**
بینات ی ا ن ا م **بینات ی ن ا م ا**
و در جمیع وجوه که گذشت شرح و بیان که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام حرف و اخلیفه چهارم گفته اند
نزد انکه مقصود از بیان این دو معنی که حضرت خلیفه چهارم است از خلفای حق تعالی و تفصیل آن بدین وجه است
اول دویم سیوم چهارم

اکنون بعد از تفاصیل گذشته بقیه رموز حرف مفتاح نقطه که نوشته است که اگر نون ملفوظ را با دو نقطه او حساب کنند یکصد و هشت
می‌شود مطابق اسم حق و مطابق اسم نبی و ولی و اگر جمل صغیر نون نیز منظور دارند پنج است که موافق حروف ها است که آن مفتاح حق
هو بیست و مطابقت دارد با عدد حضرات خمس و هو الرحمن و این حروف ها مرکز مربع سه در سه است که اول اوجهیت از الواح وفق 108 108
عددی و این خانه مرکز لوح مذکور منفرد است چنانچه با هیچ خانه از مجموع طبایع نیامده و صفی عدل باصطلاح اعداد یان عبارت از
عدد و خانه لوح مربع بیست یا مثنی که دائم درست آید ما دام که در قرآن نظم طبیعی بوده باشد و باز اگر همین حروف ها را ملفوظی نگه
حساب کنند شش صد و بیست می‌شود و جمل حروف واو است و از این دو حرف اسم هو ظاهر می‌شود و اگر واو را ملفوظی حساب کنند سیزده می‌شود مطابق
اسم احد چنانچه بعد از هویت احدیت است و هرگاه که واو ملفوظی را با های ملفوظی بحساب در آرند نوزده عدد حاصل آید که جمل
اسم واحد است چنانچه بعد از احدیت واحدیت است و این عدد نوزده با عدد وجه و عدد وجود مطابق است بدین طریق و چهره وجود
19 19 19 19
پس چون غرض از این تقاریر توضیح اسرار عدد بیست در آن چند حرف گفته می‌شود بدانکه نقطه در اصل سه است که اس الف است چنانچه
مکرر اشاره بدان رفته و سه را هرگاه در نفس خود ضرب کنند حاصل الضرب نه باشد که عدد بیوت مربع سه در سه است و عدد
حروف آحاد و همین نیست و باید دانست که مربعات وفقی هم از سه زیاده نیست اول از فرد الفرد و آن سه در سه و هفت و نه است و هم چنین
تا بالا رود دوم زوج الزوج و آن چهار و هشت و دوازده است و همچنین تا بیش رود سیم زوج الفرد یا فرد الزوج هر کدام که بگویند
زیرا که در این بحث که ذکر الواح عددی میرود هر یک در هر وجه ملتبس می‌شوند و آن شش و ده و چهارده است و همچنین تا بی اوقات [illegible]
کار ضرب سه نقطه اول کیفیت مربع فرد الفرد معلوم شد هرگاه که چهار نقطه را در نفس خودش ضرب کنند حاصل الضرب شانزده باشد که عدد بیوت
مربع اول زوج الزوج است و هرگاه که نقطه را من حیث الشکل تصور کنند بلکه خواهد بود و چهار حروف ملفوظی تا به پنج نقطه دیگر از
نظر آید که مجموع شش نقطه باشد و این شش را از جهت آنکه نفس خودش ضرب کنند حاصل الضرب سی و شش می‌شود که عدد بیوت مربع اول
زوج الفرد یا فرد الزوج است هر کدام که بگویند و هم چنین که هرگاه که حروف ملفوظی نقطه را تمام منظور دارند ده حرف باشد که عدد رعد از مربع
کان لوح سه در سه است و چون نقطه مقرر را اضافه باو نمایند سود که عدد وفق لوح مذکور است و موافق است با جمل جوا و هو وده و داود
15 15 15
و اگر مجموع با او نقطه را در سه ضرب کنند که سه نقطه است حاصل الضرب جمل دو پنج باشد که عدد مساحت لوح مربع سه در سه است و مطابق
با جمل آدم علیه السلام و اگر مجموع حروف نقطه را با اعیان محل او که آن با اعتبار یکی است بعدد در آورند مطابق باشد با سر حروف مربعات لوح
سه در سه و این عدد بتفصیل خواهد آمد و تفصیل نقطه این است من حیث الشکل و من حیث العدد و مجموع و این عدد مطابق کلمه لا اله الا الله
165
و مجموع این عدد در صغیر و عدد بسیط هم در سطر است در صغیر سه عدد داست که مطابق ... همان سه نقطه اصل است و موافق
165 12 3
سه حرف اصل ترکیب کلمه لا اله الا الله عدد و در بسیط دوازده است که مطابقت با حروف ... مجموع کلمه مذکور و حروف محمد رسول الله
و حروف علی ابن ابی طالب و هم چنین موافق است با اسامی حروف ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین و موافق است با حروف اولاد آدم
12 12 12
و حوا و اگر حاصل همین عدد که پنج و پنج و شش و یک است او را حذف کنند باقی یکصد پنجاه و سه باشد که عدد هفت و سه است و از حروف
شعر سه جمع آدم و حوا و خوانده است چنانچه از این نیز منظور بدارند عدد اسم آدم و از حروف هفت و عدد رکعات نماز است بر است محمد صلی الله علیه
و آله و سلم و همین هفت و عدد اسبی است و اگر از جمل اصل آن یکصد و شصت و پنج است چهل و پنج که عدد آدم است حذف کنند باقی یکصد
بیست باشد که موافق عدد مطالع و مطابق عدد مکین است و سه مربعات حروف لوح سه در سه این عدد است و همین عدد غایت لوح مذکور
120 120
و موافقت با جمل اولاد آدم و حوا در صورت و معنی شرح سوره تا آنکه لفظ اولاد آدم و حوا دوازده حرف مطابق مذکورات سابق و عدد یکصد
بیست را چون به حرف اعتبار کنند دوازده است و شرح معنیش آنکه اگر جمل دوازده حرف مذکور را ملاحظه کنند یکصد و هشت باشد که مطابق نام
حق است و موافق عدد محب و محبوب و حبیب یکصد و هشت چون دوازده حرف اضافه کنند همان یکصد و بیست حاصل آید اکنون شروع
میرود در بعضی از اسرار حروف الف بدانکه الف ملفوظی سه حرف است و جمل این سه حرف یکصد و یازده است برین نسق 111 یعنی سه یک

و هرگاه که صورت این سه یک را او را زایل کنند یکصد و هشت باقی ماند که عدد حق است و دیگر آنکه الف قطب الحروف است
زیرا که در عدد ملفوظی مطابق عدد قطب است و صاحب کفایت از آن جهت که موافق با اسم کافی است و متعلق بوجود آدم یا دم من حیث الصورة
و مطابق است با عدد ناس و گفته شد که الف سه حرف است و یکصد و یازده عدد او است و چون مجموع سه حرف را با او جمع کنند چهل و
111
چهار به شود که عدد جامع و عدد سوره مبارکه باشد و سه صد و یکی را این عدد است که این عدد مطابق است با عدد وجه و موافق
114 114 114
با عدد عدم و موازنه است با عدد ملفوظی وجه و مطابق بسیط بر این نهج واو ج ی م واو دال و اگر این عدد دیگر چهار
114 114
و ده یک است که شش یکشد مطابق حرف واو پس هرگاه که شش را از این عدد بر دارند یکصد و هشت ماند که عدد اسم حق است
این تقریر معلوم شد که سوای وجود حق هر وجودی که آن را در اعتبار مقید است عدم خواهد شد و آنچه باقی خواهد بود وجود حق
بیت گیا هر یکی جز دو کون نقش چیز سوی الله والله ما فی الوجود و گفته شد که الف در جمل عبارت یکیست و کافی که بیان از صد و یک
که گذشت یکصد و سیزده مطابق که عدد اسم باقیست باقی و این صد و سیزده در صورت همان پنج است که جمل حروف ها است و عدد صغیر
113
حروف نون و باقی یکصد و هشت میماند که عدد اسم حق است بیت گر او مایل بعدد باشد باش از همه بی خود و در هر بقا باش

فصل اول

در قاعده کتاب جفر جامع بسیار بسیار بدیع و نافع است و هر کس که متوجه کتاب ازین مشهور
کار منتهیات محض ناشد و در یکی و در حفظ است کوشد و باو و مستوجب کتاب کامل متوجه کتاب کرده و در نظرات سعده و ساعات
سعیده کتاب کند و این جفر در اصل بیست و هشت جزو است و هر جزوی بیست و هشت صفحه است و هر صفحه بیست و هشت
سطر و هر سطر بیست و هشت خانه و در هر خانه چهار حرف کتابت کرده می‌شود بطریق عناصر اربعه و طریق کتابت و اصول از این
کار از جزو اول و صفحه اول در سطر اول در خانه اول رقم چنین باید نهاد خانه خانه خانه خانه و هم چنین تا
1111 111ب 111ج 111د
پنجم بعد از سه حرف الف حرف هم باید نوشت و در خانه ششم بعد از سه الف حرف وا و هم چنین تا در خانه بیست و هشتم که اوسط
اول صفحه اول جزو اول است سه الف با غین نوشته شود و در سطر دوم صفحه اول از جزو اول رقم چنین باید نهاد خانه خانه
11ب1 11ب ب
خانه خانه و هم چنین تا خانه بیست و هشتم که اوسط دوم است از صفحه اول این نوشته شود خانه و بدان در سطر سیوم
1ب ج 1ب د 11بغ
از صفحه اول جزو اول خانه اول این است خانه خانه خانه خانه و قس علی هذا الی آخر الصفحه و باید در صفحه دوم
11ج1 11ج ب 11ج ج 11ج د
از جزو اول خانه اول این است خانه خانه خانه خانه و در سطر دوم همین صفحه خانه اول این است خانه خانه
1ب11 1ب1ب 1ب1ج 1ب1د 1بب1 1ب ب ب
خانه خانه و باقی کتابت بر صاحب وقوف مخفی نخواهد بود زیرا که در این نسخه کفایت بدان این بیست ع که مخصوص
1ب ب ج 1ب ب د
کس است بکم و بیش است اکنون خاصیت این کتاب آنست که جمیع اسماء الهی بهر لغت و هر عبارت که باشد در این کتاب بتکسیر تمام
می‌شود و فواید کلی و بعضی آنست و اگر صاحب مداومت باشد سر شود که این کتاب را من اوله الی آخره تمام رساند بشرط و حکم از بستی
که گذشت شک نیست که مقصود در بعضی وجود بنوعی ظاهر می‌شود و انواع فتوحات صوری و معنوی او را دست خواهد داد و
چنانچه گفته اند ع ذوق این باده ندانی بخدا تا نچشی یعنی تا کتابت این خانه شروط و لوازم تکنی نمانی که چه می‌شود حالا شروع
در بعضی از شرح این کتاب و کیفیت حساب آن میرود اول باید دانست که این کتاب من حیث التفصیل و الاجمال بسیار قریب ذات است اگرچه جامع
جمیع کواکب سبعه سیاره است و در فلک شمس فاما چون که در اصل بیست و هشت جزو است و بیست و هشت صفحه و بیست و هشت
سطر و بیست و هشت خانه نسبتی تمام با قمر و منازل او دارد پس بر این قاعده از روی اجمال هر جزوی منزلی متعلق باشد از
منازل فلکی و صفحه اول به سبب رجحان آن منزل و سطور نیز به قیاس آن و حروف نیز بنوع آن و حاکم چنین بکرت بیست بکره صور است
صفحه اول از جزو اول نیز بطریق مذکور متعلق است که اول جمل است و اول و دوازده آن بحساب می آید و صفحه آخر از جزو اول متعلق است
منزل بیست و هشتم که آخر جزو اول است پس بنابر این دوازده جزو اول الکتاب مذکور متعلق باشد دوازده سیر قمر و منازل او چنانکه عبارت
از سیصد و شصت و شش و نیم روز باشد تقریبا چنانچه اگر بحساب آنها که بر دوازده ماه و چند روز معین باشد اگرچه بعضی کبیره و نیم

از این کتاب را بسیر یکماه تمام میدهند از غره تا سلخ وگاهی که چنین باشد از حساب سیر منازل هیچ وقت نباید غم کرد که این مسئله
را فتنی است و مشکلست پس هرگاه که قمر یکدور فلک را بکا بیش بیست و هشت شبانروز بکسری تمام میکند گاهی که از
غره تا سلخ حساب کنند که باز نو شود یکبار بیش بیست و نه شبانروز یا سی شبانروز نخواهد بود و البته باین منازل [illegible] باید و منازل
در این بین تفاوت خواهد رفت زیرا که فرض کنیم که مثلا ماه محرم که اول تاریخ عرب است قمر را اول درجه حمل که ابتدای منزل شرطین
از منازل بیست و هشتگانه نو شد و در این وقت افتاب در پانزده درجه حوت اتفاق در این سی و هشت شبانروز که قمر
دوره خود کرد از نقطه اول حمل رسید بنقطه اخر حوت که منتهای منازل است و افتاب در این مدت بیست و هشت درجه فلک را
هم قطع کرده خواهد بود که بالفعل در سیزدهم درجه حمل باشد و قمر را از تحت الشعاع نکرده یکبار بیش به ده درجه مرئی نمیشود که حساب [illegible]
نو کرده پس چنانچه ماه صفر در بیست و چهارم درجه حمل نو خواهد شد بلکه زیاده چنانچه یکبرج تفاوت کند تا باز اول [illegible]
و حال انکه جزو دوم که حرف با است مخصوص است باین منزل و کاتبش در وقت قمر در همین منزل [illegible] نبود اتفاقا کتاب حرف با
متعلق میشود بمنزل دبران که رسید حرف دال است و نیز حساب غلط خواهد بود و مطلب حاصل نخواهد داشت چنانچه مقرر است و
هر ماه هم چنین تفاوت بیش هست و بدون سیر منازل [illegible] کتاب [illegible]
بسیر قمر در منازل [illegible] باشد حصول مطلوب خواهد بود با سرع حال و بجزو همین کتاب فقط
مدعا حاصل است چه حاجت انکه [illegible] از طریق دعوت و استخراج اسما [illegible] اعوان پیش برد و تسخیر روحانیات علوی و سفلی
و حصول امور کلی هم چنین از [illegible] حساب سیر و دور خودش که عبارت [illegible] ده جزو تمام کتاب
باید کرد چنانچه در ششصد و هفتاد [illegible] جزو کتاب
[illegible] حساب کتاب از من حیث الاجمال و اما من حیث التفصیل انستکه هر صحیفه از صفحات جفر جامع متعلق کرده بیک دوره قمر چنانچه هر
سطری از ان سطور متعلق بمنزلی باشد و بدین قیاس سطر اول از صفحه اول جزو اول متعلق بمنزل شرطین داشته باشد خواه [illegible]
گیرند خواه عربی و هر خانه متعلق بساعتی داشته باشد از ساعات شبانروزی و لیکن این موقوفست که اول ماه قمر در منزل شرطین و اول
درجه حمل نو شود که [illegible] است پس چون هر خانه بساعتی [illegible] بیست و چهار ساعت تمام شود و چهار
خانه که میماند از چهار خانه مختص ساعات شرف مریخ که با [illegible] مناسبتی دارند باید [illegible] تمام کند مثلا [illegible] چهار ساعت
شبانروز است و چهار خانه [illegible] ساعت متعلقست بکواکب [illegible] چنانچه [illegible]
که نوبت ساعت شمس [illegible] خانه که متعلق براس [illegible]
[illegible] در ساعت مریخ [illegible] تمام شود [illegible]
[illegible] است چنانچه [illegible] هر ساعتی [illegible]
باشد [illegible] حرف [illegible] کرده شود [illegible]
حرف از [illegible] راس و ذنب خواهد بود [illegible] حرف [illegible] الکنون فرض کنیم
که در روز یکشنبه که اول ماه محرم است و در این روز قمر را اول درجه حمل که ابتدای منزل شرطین است نو میشود [illegible]
چهار ساعت باشد این منزل [illegible] سطر اول از صفحه اول از جزو اول [illegible] متعلقست چنانچه در ساعت [illegible]
باشد چهار حرف خانه اول این سطر [illegible] ساعتی [illegible] باشد و اتفاقا [illegible] ساعت اول روز یکشنبه متعلق
با فتاب [illegible] یکساعت دو حرف از هشت حرف راس [illegible] ساعت [illegible] و در ساعت [illegible]
که با نوبت افتابست دو حرف دیگر هم از هشت حرف راس [illegible] این ساعت [illegible] بازهم همین شبانروز [illegible]
حرف دیگر از هشت حرف راس [illegible] ساعت افتاب [illegible] در ساعت بیست و دوم همین شبانروز دو حرف دیگر [illegible]

هشت حرف راس

هشت حرف راس بعمل اورده باشند تا تمام هشت حرف [illegible] ساعت شمس تمام شود و هم چنین بترتیب ساعات همین شبانروز [illegible]
نوبت بمریخ رسد دو حرف از هشت حرف ذنب با او بعمل اورند و باز که دو ساعت بمریخ رسد در همین شبانروز دو حرف [illegible]
هم چنین تا هشت حرف ذنب [illegible] ساعات مریخ بعمل اید [illegible] و باید دانست که در هر شبانروزی [illegible]
چهار ساعت هشت [illegible] بیست و چهار [illegible] تمام میکند
درجات [illegible] و در این بیست و چهار ساعت تمام طلوع [illegible] معلوم کنند که راس و ذنب کدام درجه از درجات
فلک [illegible] اتحاد واقع است [illegible] درجات فلکی [illegible] طلوع [illegible]
حروفات درجه بعمل اورند [illegible] حساب [illegible] دوازده حرف است
[illegible] حروفات [illegible] درجه فلکی [illegible]
درجه حمل حساب کنند [illegible] از خانه اول سطر اول صفحه اول از
جزو اول و از خانه دوم همین سطر هم چنین [illegible] درجه [illegible]
درجه [illegible] حروف [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] حساب کنند [illegible] تمام [illegible] بیست و هشت سطر صفحه اول بیست و چهار
[illegible] درجات رسد [illegible] باشد [illegible]
درجات [illegible] والله اعلم و احکم الکنون [illegible] کتاب [illegible]
حضرت رسالت پناه محمد مصطفی صلی الله علیه و اله و سلم تا [illegible] تاریخ وقت [illegible] طرح باید کرد [illegible]
بیست و هشت خواهد ماند [illegible] صفحات [illegible] رجوع کنند [illegible] کدام اقلیم
[illegible] کدام شهر [illegible] کدام محله [illegible] خانه [illegible] سطر [illegible] خانه
الکنون فرض کردیم که از هجرت [illegible] صلی الله علیه و اله [illegible] سال گذشته [illegible] بیست و هشت
طرح کردیم باقی بیست و چهار ماند که [illegible] طرح [illegible] بیست و چهارم [illegible]
جزو حرف خا است پس معلوم شد که در [illegible] است که [illegible] متعلق [illegible] بیست و چهارم ان
اجزاء جفر جامع که ان حرف خا است [illegible] سال [illegible] رجوع بصفحات جفر است [illegible]
و بیست و دوم درجه [illegible] رجوع با صفحات [illegible]
دوم [illegible] حرف خا است [illegible] متعلق [illegible] صفحه حرف خا با حرف تا باشد [illegible] مقصود [illegible]
[illegible] باب [illegible] که در اصل کتاب [illegible] درجات فلکی تعلق دارد [illegible] هجرت [illegible]
طرح بیست و هشت بیست و هشت [illegible] است [illegible] رجوع بصفحات [illegible] است چنانچه
فرض کردیم که [illegible] حساب اول [illegible] صفحه اول جزو اول شماره کردیم [illegible] بیست و چهارم جزو و صفحه بیست و چهارم
جزو حرف الف با خا است پس [illegible] که افتاب در [illegible] سطر [illegible]
متعلقست و چون افتاب در [illegible] خانه [illegible] سطر متعلق [illegible] خانه [illegible]
این حساب [illegible] صفحه [illegible] تمام شود [illegible]
غالبا [illegible] معلوم [illegible] مقصود [illegible]
بصفحات باید کرد [illegible] افتاب [illegible] برج [illegible] صفحه [illegible]
مطلوب خواهد بود و چون چنین باشد [illegible] تمام [illegible]

در هر جزو بین تقدیر حکم بر زیاده از ده یا نه صفحه نبوده باشد و باقی صفحات در این حساب بکار نخواهد بود و ظاهراً چنین بخت
بر در این طرح و حساب البته رمزی مستور است که از ابیات ... باید کرد والله اعلم بالصواب

فصل دوم

در طریق کتابت جامع شمسی و ادوار و ضوابط آن بعون الله الملک المنان

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ارشدک الله تعالی که کتابت جفر جامع بی‌نهایت است و بعضی برآنند که منتهی نمی‌شود فاما این از عقل دور است لیکن بجهت آنکه حافظ
از یاد داشت عدد صفحات کتابت ... حد ... بیان نموده‌اند مجملاً قاعده این کتابت مطلقاً بر ... کتابت و ...
کتاب بر بیست و هشت حرف ... است از الف تا ... بیان کند و تکسیر ... مقدم و موخر کند تا همان سطر اول ... و آخر سطور
باز کرده و غرض از تکسیر و مقدم و موخر آنست که حرفی که در اول سطر واقع است ... و حرفی که در آخر سطر است ...
و طریق کتابتش آنست که حرفی از آخر سطر اول در اول سطر دوم باید نهاد که بعد از او حرف اول سطر بنویسند و بعد از آن حرف ...
حروف آخر سطر اول باید نوشت که دیگر بعد از او حرف دوم سطر اول بنویسند و قس علی هذا تا تکسیر تمام شود و سطر آخر ...
همان سطر اول است ... و بعضی ... بنویسند بنابر ضابط ... تکسیر است که ملاحظه نمایند که
مبادا در اثنای تکسیر حرفی ... غلط ... باشد ... و لاحاجت بنوشتن نیست و ضابط این کتابت بنوعیکه حضرت
امام بحق ناطق امام جعفر صادق علیه و علی آبائه التحیة والسلام تعیین فرموده‌اند بعد از حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب ...
نوع است که ... میشود ... اول کلام الله ... و قاعده تکسیر ... اینجا معلوم می‌شود ا ب ت ث ج

ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی
ی لا ا ب ه ت و ث ن ج م ح ل خ ک د ق ذ ف ر غ ز ع س ظ ش ط ص ض
ض ی ص لا ط ا ش ب ظ ه س ت ع و ز ث غ ن ر ج ف م ذ ح ق ل د خ ک ک ض خ ی د ص ل
ا ق ط ح لا ذ ش دوم چنین باید تکسیر کرد تا در سطر ... زمام صفحه بعینه ... که آن زمام مکرر است و ...

بصفحه کتابت شده صفحه دویم را ... اوایل سطور صفحه اول ... چنانچه از سطر دوم بنیاد کنند که حرف ... است
بعد از آن حروف ... و بعد از آن حرف کاف تا در آخر حرف الف بنویسند و باز این سطر ... بقاعده که صفحه
اول تکسیر کردند تکسیر کنند تا ... زمام در سطر ... همین صفحه مکرر شود ... همین صفحه ... کنند که با صفحه اول ...
... حروف اوایل سطور ... و قاعده صفحه اول ... تکسیر کنند تا صفحه سیوم تمام شود و سطر ...
... همین صفحه ... کنند که در صفحات ... تا ... صد و بیست صفحه تمام شود و هرگاه که خواهند که
حروف اوایل سطور صفحه ... صد و ... بترتیب ... که زمام ... زمام اول باشد بلا زیاده و نقصان و این
علامت تمامی این زمامات ... صد و بیست صفحه صد و بیست سطر ... و ...
... کنند ... هر ... در زمام ... سطر ... هر سطری از این سطور ... تکسیر ...
... تکسیر متوسط ... هر سطری ... سطر کتابت کرده شود و ... سطر ... حساب این سطور ...
و ... سطر ... هر سطری ... تکسیر کرده شده ...
... سطر ... و قاعده تکسیر متوسط ... نوع است که ... سطور ... حرف ... و ...
... هر سطری ... تا ... متوسط تمام شود ... نمونه ... این است

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی
ض ص ط ش ظ س ع ز غ ر ف ذ ق د ک خ ل ح م ج ن ث و ت ه ب لا ی
ک د خ ق ل ذ ح ف م ج ر غ ن ز ع دوم چنین تا ... سطر ... متوسط ... میشود اکنون ... هر ...

... هر گاه که ...
نو سطر ... قسمت درجات هر ... سطر خواهد بود ... درجات ... هرگاه که ...
از این سطور درجات ... زمام اول تکسیر کنند یکصد و بیست صفحه خواهد شد که ... صد و بیست ... مکرر شود ...
و کاهیکه چنین شود هر درجه را سیصد و شصت ... خواهد بود و این تکسیر بقاعده است از این ... اکنون چون درجات
این بروج مجموع ... طلوع ... چنین مقرر داشته‌اند که مجموع زمامات بروج دوازده که ... یکهزار و
هشتاد زمام است ... سطری ... ساعات ... قسمت کنند چنانچه سالی سیصد و شصت و پنج شبانه روز است و
... ساعاتش هشت هزار و هفتصد و شصت ... و چون یکهزار و هشتاد را این ساعات قسمت کنند هر هشت ساعت
... زمام خواهد رسید ... ساعت ... سیصد و شصت و پنج روز خواهد ماند ...
بلش اکنون چون بعضی ... چنین گفته‌اند که ... زمام ... استخراج ...
کرد که این ساعات ... باید کرد ... قرار داده ...
الا کاهیکه زمامات کتابت متعلق باشد ... درجات فلکی ... احتیاج ... آفتاب
این درجات را سیصد و شصت و پنج شبانه روز ... ملاحظه کنند که آفتاب در هر برج
که بوده باشد ... برج را قطع میکند ... مثلاً آفتاب ... برج حمل ... شبانه روز قطع ...
که عبارت از هفتصد و چهل و چهار ساعت باشد ... ساعت ... شبانه روز زیاده است ...
زیاده ... سطور ... ساعات ... هفتصد و بیست ... و صد ...
روز ... و این چنانست که هر شبانه روزی بیست و سه ساعت ... دقیقه ... باشد تا هفتصد و بیست
ساعت ... شبانه روز ... ساعات ...
دهند ... ساعات ... اضافه است ...
مذکور ... درجات ... ساعات ...
... آفتاب ... درجه معین ... مسئله ... مشکلست ...

و بدان که آفتاب قطع درجات بروج را باین دستور میکند

حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد
۳۱ یوم	۳۱ یوم	۳۲ یوم	۳۱ یوم	۳۱ یوم

سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
۳۱ یوم	۳۰ یوم	۳۰ یوم	۲۹ یوم	۲۹ یوم	۳۰ یوم	۳۰ یوم

پس ... این بروج ... آنچه تفاوت در که ...
و زیاد ساعات ... میزان و عقرب و دلو و حوت و آنچه تفاوت زیاده دارند حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله
و آنچه کم دارد قوس و جدی است ... درجات بروج ... تفاوت ... هر برجی ... درجه تمام است ... چنین
باشد حساب ساعات ... درجات ... درجات ... زمامات مذکوره با درجات فلکی ...
و ... حاجت ... اضافه ... واقعات ... زمامی ... استخراج
می‌توان ... که قرار داده ائمه هدی علیهم السلام است ... اکنون ... کتاب
این ... که ... حاصل کنند ... زمامات یکصد و بیست را
... کتاب باید کرد ... قسمت کنند ... تکسیر متوسط ... زمامات یکهزار و هشتاد ...
و این یکهزار و هشتاد را بسیصد و شصت درجه فلکی قسمت باید کرد چنانچه هر درجه ... زمام ... زیاده و نقصان ...
این قسمت ... آفتاب در کدام درجه
از درجات فلک ... آفتاب ... ساخت ... مطلوب حاصل

۸ انشاء الله تعالی چنانکه اگر مضروبات حاصلیت زمام را مضروب عمل باید کرد و اگر از مضروبات حاصلیت زمام ابجد مقلوب باید کرد
که عمل کنند فافهم اکنون فرض کردیم که هنگامیکه آفتاب در سیوم درجه اسد است مدار بر وی واقع است پس آن سه زمام که متعلق باین
درجات است بیرون آمدیم و دو زمامش را طرح کردیم و معلوم شد که زمام اخر خاتم نیز که از ابتدای عمل تا انتهای آن یک صفحه
بیش کتاب نمی‌توان کرد از برای آنکه اسماء ملائکه و اسمای اعوان و اسماء اعظم را استخراج میباید کرد که عزیمت کنند و هرگاه که
چنین باشد کی ممکنست که مجموع زمامات را عمل کنیم پس به زمام اخر اکتفا میکنیم تا اتمام کتاب را بر منتهای درجه مذکور بوده تا
و ما یرید بعده و الاکثر غرابت از مقصود دور میشویم بگو فهم کن که این مسئله مشکل دانستنی است روشن تر از این بیان شود
بدانکه در پیش گفته شد که هر زمامی از این زمامها یکصد و بیست صفحه کتاب هست چنانچه سه زمام را سیصد و شصت صفحه بوده باشد و
کاهی که چنین قسمت شود از ابعد دقایق درست باید داشت و کجا ممکنست که کسی از عهده آن بیرون آید نیز که هر دقیقه را معادله
صفحه خواهد رسید و این دقیقه را آفتاب بر نیم ساعت و ربع ساعت طی میکند و چون حل کرده گفت بعضی از کتاب این
دقیقه جهت هم و مقصود دیگر هست درست نمیشود اگر چه جمعی بیان کرده اند که زمام را استخراج میباید کرد و از نه عدد ادوار
خمسه خاتم [illegible] میباید نماید این است اما در هنگامیکه خواهند زمامی بیرون آورند و لیکن اگر عمل خواهند که بکنند
بطالع درجه که آفتاب در آن است لازم میشود که کتاب را صحیح کرده تصحیح مخارج اسمای اعظم و اسمای ملائکه و اسمای اعوان جهت عزیمت لا
ممکن نیست اکنون جهت سهولت مطالب [illegible] را بهمان کار کتاب کنند هر زمام را از ادوار خمسه [illegible]
این کتاب قواعد بسیار و ریاضت بسیار هست و کسی از عهده آن بیرون نیاید مگر انبیا و معصومین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین
که بقوه ولایت [illegible] تا مستعد بر قرب باشد
الا این عمل بسیار مشکلست و کتاب این بنهایت حالا باید دانست که ادوار خمسه [illegible]
در این کتاب منصوب [illegible] است که [illegible] حضرت قدوة المحققین زبدة العلما و الشرفا [illegible]
و الدین [illegible] استخراج زمامات [illegible] هر زمامی که خواهند بیرون توانند
نمود و این قاعده دانستنی است تا احکام احتیاج بر عامل آسان باشد و [illegible] ادوار [illegible] حروف [illegible] اول یکحرف
حرفی که [illegible] دیگر حرف سیزدهم سطر است خواه زمام ترتیب ابتثی باشد و خواه [illegible]
حرفیکه در سیزدهم زمام واقع است در هر سطر از سطور در همان خانه [illegible] ترتیب ابتثی که ا ب ت ث تا اخر زمامی باشد این حرف
حرف [illegible] است ش که در سیزدهم این زمام واقع است دوم دو حرف دو حرفیکه [illegible]
یکحرف اول زمام است و یکحرف اخر زمام که از این دو خانه [illegible] زمام ابتثی باشد از آن دو حرف الف و یا است
و اگر [illegible] ابتثی باشد [illegible] حرف [illegible] ای که در اول و اخر این زمام
واقع است سیوم سه حرف [illegible] زمام [illegible] ابتثی این حروفات غ ق
که در همان مذکور واقع است چهارم هشت حرف هشت حرفیکه [illegible] و این حرف [illegible]
و هفدهم و [illegible] زمام است [illegible] زمام که باشد و از زمام ابتثی این حروفات ب ذ ظ ظ ع ن لا
که در همان مذکور واقع است پنجم پانزده حرف [illegible]
و ششم و هفتم و هشتم [illegible]
و هفتم زمام است [illegible] زمام که باشد از زمام ابتثی این حروفات ت ث ج ح خ د [illegible]
که در همان مذکور واقع است اکنون اگر زمام اصلی ترتیب ابتثی است حروفات [illegible]
ابتثی افتاده باشد [illegible]

از سر زمامی [illegible]

از سر زمامی که ببرج [illegible] سیوم برج اسد متعلقست خواهند که بعمل آورند علاحده اینکه زمام ابتثی را بر [illegible] بنویسند و
تحت ان حروف زمام سیوم از سر زمامی که ببرج [illegible] سیوم اسد متعلق است باید نوشت و چون این هر دو سطر را نوشته شد
قرار کتاب را بر صفحه صد و بیستم نهند از زمام اخیر که [illegible] سیوم اسد متعلق دارد و ان زمام را بنویسند ان
صفحه را کتابت کنند و [illegible] کنند که مدعا حاصل است روشن تر از این گفته شود که این شرح مشکلست بدانکه گفته
شد که هر زمامی صد و بیست صفحه کتاب دارد اکنون از سر زمامیکه [illegible] سیوم اسد متعلق است که مقصود ما است زمام
اخر بیش نمی باید داشت که بنویسند چون در این زمام صفحه اخر [illegible] دانست که صفحه صد و بیستم از کتاب این زمام
باشد علاحده اینکه [illegible] صد و بیست را [illegible] طرح کنیم و ببینیم که طرح چه منتهی میشود و در کدام خانه [illegible]
میباید نوشت بنویسیم والله اعلم و احکم اکنون زمامی فرض میکنیم و این زمام را [illegible] از سر زمامیکه [illegible] اسد متعلق
و طرحش درست [illegible] تا آسان باشد مبتدیان در یافت این اولا زمام ابتثی می نویسیم و در تحت این زمام مفروض را مینویسیم
تا معلوم شود که کدام حرف قایم مقام کدام حرف خواهد بود تا طرحش بیان قاعده حروف اصل بعد [illegible] باشد و این [illegible] انچه گفته شد

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی
ج د ر ذ ز س ش ا ب و ه م ل ک ن ف ق لا ت ث ح ط ع خ ظ ص ض ی غ

اکنون در زمام مفروض ما حرف جیم قایم مقام الف است و حرف دال قایم مقام حرف ب و حرف را قایم مقام حرف ت
و حرف ذال قایم مقام حرف ث و هم چنین تا اخر که حرف غین قایم مقام حرف ی شد اکنون الف را در ده و در حروف [illegible]
دو بیست پس حرف جیم را که قایم مقام اوست در عدد فرض باید کرد که حرف الف را در یکصد و بیست را دو
طرح کردیم باقی ماند [illegible] نگاه کردیم که الف را در دوم خانه بیست و نهم سطر بود پس حرف جیم را در خانه بیست و نهم سطری
که استخراج خواهیم کرد نوشتیم و هم چنین یکحرف یکحرف را ملاحظه کرده صد و بیست را از آن طرح کردیم [illegible]
باید خانه اش را دیدیم که کدام است و حرف مذکور را در آن خانه نوشتیم تا سطر یکجا عبارت از بیست و نه حرف باشد تمام شد
[illegible] که دو حرف از آن [illegible] توان یافت [illegible] این طریقه [illegible] منسوب که عدد اول در تحت هر حرف علامت
عدد بیست که بعد از طرح باقی ماند چنانچه مثلا اگر خواهیم که صفحه چهلم را از این صفحات صد و بیست [illegible] هر جا چهل را طرح
باید کرد از حروف مثلا از حرفیکه قایم مقام الف است عدد طرح باید کرد که باقی [illegible] حرف مذکور را در خانه بیست
و نهم که [illegible] الف است باید نوشت این شرح روشن تر از این گفته شود بدانکه عدد دیگر بر سر حروفات ابتثی نوشته
خواهد شد عدد بیست که انچه خواهند طرح کنند [illegible] عدد طرح باید کرد [illegible] چهل را طرح خواهند [illegible]
[illegible] عدد [illegible] طرح کنند همان عدد طرح کنند [illegible]
که چه عدد باقی [illegible] طرح هر حرف رجوع کنند که آن علامت خانه است در همان خانه [illegible] حرف [illegible]
[illegible] حرف صاد [illegible] نوشته شده و [illegible] حرف صاد [illegible]
[illegible] حرف صاد در طرح [illegible] باقی [illegible]
[illegible] طرح باید کرد [illegible] حرف که قایم مقام همین حرف شود طرحش از [illegible]
[illegible] طرح باید کرد که باقی [illegible] همان عدد را در تحت حرف صاد [illegible]
[illegible] همان عدد [illegible] نوشته که علامت خانه [illegible] استخراج میکنند [illegible]
[illegible] حرف صاد [illegible] مقام حرف صاد [illegible] و هم چنین [illegible] تا اکنون [illegible] علامت [illegible]
و تحت حروف ابتثی نوشته شده از آن فوق علامت عدد طرح آن حروف و آن [illegible] علامت [illegible] آن حروف [illegible]

[illegible]

٩ یعنی در آن خانه مثلا فرضا حرف صاد قایم مقام حرف شین شده و طرح او یکبیت بی جمل بایستی یا یکمرتبه یکیک از او طرح کردیم تا تمم
البته یکی ماند نگاه کردیم که در تحقیق در پای این سیزده نوشته شده بود حرف صاد در خانه سیزدهم سطر کشید قایم نوشتیم و قس علیها

اکنون از زمام اول تا زمام اخر ترتیب ابجد که در قبل از این نوشته شد اتمام یافت و هر زمام که خواهند از این دایره
استخراج میتوان کرد که بعد از آن جمل او رند گفته نازل میا نکه هرگاه کز زمام صد و بیستم خواهی که بیرون بیا وریکه طرح میکنی صد نود به
طرح کنی و انچه باقی ماند از دایره زمام مذکور بیرون بنویس و چون بیرون نوشتی آن زمام را القاعده صفحه موجو بگیر کن تا سطر
زمام بعینه مکرر شود و مخارج اسما اعظم و ملایکه و اعوان هم از صفحه معلوم کن و اسامی مذکور را استخراج کن و صد صفحه مذکور را
طلسم الکتابه کن کن از زمام صد و بیستم است که تراود که لازمست فیما انکه صد و بیست را طرح کنی و هیچ که زمام که استخراج کرده شد صفحه
آن زمام را کتابت میباید کرد جهة مخارج اسما که بعزیمت مشغول شوند و بعضی بکار دارند تا مقصود حاصل شود و بدانکه این نکته بسیار
عزیز است که ذکر رفت و از نامحرم مخفی دارند اگر هر وقت که خود در حساب درجات و مراتب غلط نکنی و طرح عدد در دایره
بیابی و طالع وقت را ملاحظه کنی و بکتابت مشغول شوی اسما استخراج کنی و بخوانند اسما مشغول شوی با بخور طیب مطلوب تو را حاصل شود

چهرم خواهد بود فاما این بی طهارت تمام و اکل حلال و ترک خوردن حیوان و صوم و صلوة و صلوات و نکاه داشتن دل
از جمیع محرمات میسر نیست و اگر کسی این عمل را متوجه این کار میشود خانه عمر خود میکند تا دانسته باشی زیرا که اینکس را حکم بر روحانیات
علوی و سفلی میباید کرد و ایشان را اجابت میباید نمود طوعا و کرها و مادامیکه چنین باشد اگر اینکس را فی الجمله بی طهارت
و طیب خاطر مناسبتی با روحانیات نباشد قصد کشتن میکنند و هلاک میشود پس در این امور آنرا تقوی تمام و طهارت بر دوام
و نکاهداشت جمیع اعضا از ناشایست و ناشایست و ناشروعات از جمله فرایض است و ترک اکل حیوان هم از سنن سنین این
عملت تا دل او در جمعیت است و ترک حلال میباید و لباس که اندر مکان کند الله تعالی از خلوتهم باعث ترقیات معنوی میشود
والله اعلم واحکم تبارک امور
فصل سیم
در شرح حافیه قمری و بعضی از قواعد بسط و تکسیر حروف
و اعمال آن بعون الله الملک المنان بسم الله الرحمن الرحیم بدانکه
در این باب هر بزرگ بنوعی عمل فرموده اند مثل شیخ ابوالعباس بونی و شیخ ابوالحسن نصیبی و شیخ سعدالدین محمد حموی و شیخ محیی
الدین العربی و غیر ذلک و قواعد تمام در کمال صحت است اول قاعده که طالع وقت را در آن مدخل تمام است آنست که حروف بیست
و هشتگونه را که منازل قمر قسمت کرده اند باید دانست که بچه سوالست و ان بر این نوع است شرطین بطین ثریا دبران
هقعه هنعه ذراع نثره طرفه جبهه زبره صرفه عوا سماک غفر زبانا اکلیل قلب شوله
ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق
نعایم بلده ذابح بلع سعود اخبیه مقدم موخر رشا پس چون این حروف منازل
ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ دانسته شد هرگاه که خواهند
متوجه عمل شوند جهت محبت یا عزت اگر طالع شخص و عامل معلوم باشد و درجه طالعش معلوم باشد باید دید که کدام
از این منازل تعلق دارد و کدام حرف باو متعلق میشود و مثلا طالع شخص ثور است بدو از ده درجه اصل طالعش منزل ثریا است
و حرفیکه باو متعلقست حرف دال است و قس علی هذا و اگر طالع و درجه طالع معلوم باشد بقواعد مختلف قرار داده اند که چه
باید کرد اما آنچه اندک تحقیق یافته اند آنست که اسم شخص را با والده اش حرف بحساب جمل وسیط جمع کنند و بعد از جمع دوازده
دوازده طرح کنند از آنچه باقی ماند دوازده است یا کمتر اگر مثلا یک باقی ماند حمل و اگر دو ماند ثور و اگر سه جوزا تا دوازده که حوت
رسد و جمل وسیط آنست که حرف کاف را بیست گیرند و حرف لام سی و حرف میم چهل و قس علی هذا پس چون طالع مقرر شد درجه طالع
را چنان بدانند که اسم شخص را با اسم پدرش حرف حرف بجمل وسیط جمع کنند و بعد از جمع سی سی از آن طرح کنند آنچه باقی ماند سی خواهد
بود یا کمتر هر قدر که درجه را برابر همان عدد دهند والله اعلم اکنون شخص را طالع معلوم است و درجه طالع نیز معلوم است از روی آنچه
صحیح چنانچه حاجت باستخراج ندارد مثلا عمل محبت نسبت بشخصی میکنیم که او را حسین نام است و طالعش ثور است بدو از ده درجه
معلوم ملاحظه کردیم هنگام که قمر بمنزل ثریا رسید که عین درجه طالع حسین است حرف را از اول اسم حسین با حرف دال هم
وقتی کاغذ پاکیزه بزعفران و گلاب نوشتیم و چون از برای محبت بود کذاشتیم تا قمر بمنزل رسید که درجه اصل طالع بود
حرف این منزل ایلان دو حرف ضم کردیم و کذاشتیم تا وقتیکه قمر باز به برج نجم منزل رسید و آن حروف را کرفتیم و با اسم ضم کردیم
و ملاحظه کردیم که حروفات مذکوره را چه طبیعت غالبست عمل این طبیعت قرار دادیم والله اعلم مثلا گفتیم که در این عمل مطلوب
و طالب محبت است اینجا طالع مطلوب منظور است و عمل بطالع اوست و مطلوب را طالب ساختیم طالب را مطلوب دانستیم و خدم کرا
مکتوب بسیار محبت است و نادر کتب و بعضی عمل ندیدم که از این در این باب افشا نمیکنند اگر افشا کنند بی جهالت تمام کرد چنانچه
گفتنی است شود و همچنین در سوق العلم هر برجی که طالع شخص شد برج دوم کیسه او است و سیم برادران و چهارم مقام و پنجم دوستان
و ششم خدمه و هفتم خانه نکاح و شرکا و هم چنین تا دوازده هم که هر برجی منسوب است بر آنچه نسبت باشخص خواهند از حروف آن برج

که مقصود است

که مقصود است عمل باید کرد مثلا اگر جهت کسب مطلوب است و طالع ثور است دوم جوزا است که تعلق بکسب دارد و حروف که تعلق
متعلقست با حروف اسم امتزاج میباید داد که عمل کنند والله اعلم اما قاعده دیگر آنست که مثلا شخصی اراده است باید دید که
حرف اول اسم شخص حبیب و کذا رند تا قربان حرف رسد یعنی منزل یکیکه از آن حرف اول اسم شخص باین منزل متعلقست بپرهیز کنند
قربان منزل حروف مذکوره را بعد عمل کیمیا پیش در دو رق پاکیزه کتابت باید کرد که نگاه دارند تا وقتیکه قمر بکواکب حلول کند بمنزل
که حرف دوم اسم شخص باین متعلقست از حرف دال و جمل کبیر باحرف اول ضم باید کرد و هم چنین تا تمام حروف اسم آن شخص بوقت
خود کتابت کرده شود و پس چون کتابت تمام شد از آن حروف اسم از اسماء الهی مناسب حال پیدا باید کرد که بعد دعوت شروع نماید
در همان دعیه قمر که بهمان منزل نسبت باشد و تجویز شود نیز عدد مجموع حروف را بر بعضی موافق نهاده که طبیعتی که برای غالب است
عمل او و حکم نظر بهاده دو انموذج این عمل اینست مثلا اسم شخصی که اراده تسخیر او هست حسین است و عدد حروف اسم حسین در جمل صغیر
اینست ح س ی ن و اسماء الهی همین عدد را پیدا باید داد در عدد و تفصیل اسما اینست حمید حبیب حکیم حلیم حامد
حفیظ حی حافظ سید سند سمیع سریع سلام سامع نور نافع ناصر نصیر ناصر و کلامش را بطریق باید خواند بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم انی اسئلک بحق احاطتک یا حمید یا حبیب یا حکیم یا حلیم یا حامد یا حفیظ یا حی یا حافظ ان تسخر لی حسین بن فلان بحق اسمائک
و اسئلک بحق سلطنتک یا سید یا سند یا سمیع یا سریع یا سلام یا سامع ان تسخر لی حسین بن فلان بحق اسمائک و اسئلک بحق
قیومیتک یا نور یا نافع یا ناصر یا نصیر ان تسخر لی حسین بن فلان بحق اسمائک و اسئلک بحق نور یا نور یا نافع یا ناصر یا نصیر ان تسخر لی حسین
بن فلان بحق اسمائک یا مسخر و این کلام را بعدد شخص باید خواند چهار روز و در آن که اسم شخص چهار حرف است و بعد از آن نقش هر منازل باید
خواند و بعضی گویند باید سوخت و عدد اسما را بعضی و فقی باید نهاد که با خود دارند که بانک زودتر تسخیر شود انشاء الله تعالی و بعضی
او طالب که این انموذج بسیار مجربست و اکثر از اعمال و در باب بوده باشد از این قاعده العلم امری که خواهی پیش نظر آرد
که حصول پذیرد بامر الله تعالی عرض کند از این باب و بنا باشد متوجه اعمال شود که خود را هلاک نمی و بعضی را به بقا نظر خبر باید کنی
که در نظر همین است اما قاعده دیگر در این اعمال آنست که بعضی هر حرف را با حروفات بعضی از روزها یا ماه داده اند و این ترتیب
منازل القراتست و قاعده این چنانست که هر روز که اول ماه بوده باشد الف بان متعلقست و روز دوم باء و روز سیوم جیم و هم
چنین تا روز بیست و هشتم ماه که حرف غین از آن است و تا این جا نقد این حروفات تمام شوند است از جهت آنکه ماه را در این بیست
هشت شبانه روز نمی بینند و در این حروفات اعمال حالی میکنند مثل محبت و تسخیر و جلب و فتوحات و هر روز بیست و نهم و سیوم حرف
لام الف را عمل ماه ادا میشد جهت جمیع اعمال جمالی و طریقه این اعمال آنست که چون جلب شخصی اراده کنند در روزی که عمل میخواهد بر بیست
از ماه چند گذشته است دانسته شد که از ماه رفته باشد بحروف ابجدی شمار کنند تا بعدد آن رسد پس ملاحظه کنند که روز عمل ماه در کدام برج
از بروج اثنی عشر چنانچه اگر در ماه و برج او باشد در ساعت سوم همین روز ابتدای اراده عمل کرده آن عمل میباید نمود مانند آنکه
عمل جلبی که مطلوبست در روز دوشنبه که هفتم ماه بوده باشد عمل میشود و از جوزاه که باشد و حرف این روز حرف زاست و قمر را
در همین روز ماه در برج اسد است پس ساعت پنجم همین روز ابتدای عمل است و آنچنانست که بر بیع مسطح باید کشید که در وسط مربع
مذکور خط مدوری بکشند بعد از آن چهار زوایای آن اربعه مقرر دارند و در زوایای اربعه مربع اسم برج و اسم صاحب برج و اسم ساعت عمل
و عدد ساعت بقاعده که نموده خواهد شد بنویسند و حرف ابجدی از حروف را که مطلوب است جدا کرده حروف حرف بپرهیزند خط مربع
رسند تا به حرف واو منتهی شود و بنویسند که هر طرح هفت حرف نوشته باید و در مرکز عدد و اسم بر بدعا بنویسند و کاهی که این عمل کنند عمل
نرم و در یک قطعه رحمتی که بموم سرخ داشته باشند باید نوشت و از آن نوشته در حضور پیش خود حاضر باید ساخت و حیلی یا جبلی که در حسن
و عقیده تمام باشد پیش خود باید نشاند و از موم آن درخت باید خورد و بخور از عود و در وقت آن درخت باید سوخت و بعد از فراغ
عمل نوشته را در محراب مسجدی معمور که هر روز مردم در آنجا جمع کنند دفن باید کرد و غیر سپرده کلام حرف باید خواند بعد

و از موم فرموده

که بیت و هشت نوبت که مو تر است بموده مذکور ابیست بر این قاعده
و کاهیکه عمل به عکس حالی باشد یعنی عمل جلالی باشد در زیر درخت ام غیلان یا درخت
کنتری مذاشتر باشد باید نوشت فکر به یا سکی یا مسموتی بر ایجوز نشت و بعد از آن
چوب همان درخت و دود همان درخت باید سوخت و نقل بحرف لام الف باید کرد در
دو وقت نیت چنانچه ماه که در تحت الشعاع بوده باشد و وقت شتر را در قبر سپرد و هف
باید کرد و در این عمل دایره بکاری بزرگ باید کشید و هم چنان بر یکی دایره سی عدد
الف بر دور باید نوشت و اندرون دایره سی عدد در یک لام الف باید نوشت
و اینجه مدعاست در وسط دایره منقطع باید نوشت بعد و هر دو میان دایره بطلسمی
سر در سر باید کشید و صد صد عدد دران موفق باید کرد و جهت تفریق عداوه ابعد الف بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیمة باید نوشت
چنانچه خطوط حواشی سه در سه همین ایر باشد و این دعا باید نوشت که کذلک اتعادی فلان بن فلان و اگر برای جدائی باشد فرقت بین
فلان بن فلان و ۴ ۴ کما فرق صدا بین الارض و السما لا یجتمعون ابدا الا اذا اجتمعت الارض مع السما فرقت بینهم فرقة لا بد بعدها
اللهاحد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و بعضی این عمل معتقد رزق است یعنی
مقلا از رق و صورت دایره مذکوره ابیست و در ایام دایره عدد مطلسم زیرا که چون عمل جلالی
اول است که موقوف باشد از انجهت که نفوس خلق بسیار را هموار است و نزد و متوجه اعمال تسخیر
میشوند پس اعمال است که این عمل باید کی بوقوف باشد اگر چه صاحب فهم را حاجت بیان زیاده
ازین نیست اما باید که عامل در هر باب از انصاف نگذرد و حق حق دا را بکار دارد تا به مطلب بنفتد و نیما
نیما که انصاف و عمل بایدداشت تا سالم باشند اما قاعده دیگر در تحقیقی مریض است که چون علاج بیمار و مصروع اراده کنند اولا
تشخیص مرض او باید کرد که بعد از آن بعلاج مشغول شوند و این تحصیل از غرایب وجهات که تشخیص مصروع بار بر نحو چنین باید کرد که
ناخن انگشتان خنصر با مصروع ضرب این کلمات که مذکور میشوند بنویسند و کف دست او بر نجس کنند و عزیمت که مذکور خواهد شد
بخوانند تا کیفیت حال او معلوم شود بعد از آنکه از علاج در واقع معلوم ضرب باشد بعلاج روحانی بپردازند فاما این عمل کسی تواند
کرد که صاحب عمل باشد و کار هر کس نیست تا در روحانیات حروف متابعت کنند و الا عمل بر عکس خواهد بود و اما اینجه بر انگشتان
های دست مریض باید نوشت اینست الابهام سبابه وسطی بنصر خنصر و عزیمت که باید خواند اینست
و در راه تیزی هفت نوبت و بخورش این است فرفر بربر ظلظر کفر مرر و عزیمتی که باید خواند اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا صاحب الشرطین شرطی علیک بحق محمد سلیمان بن داود علیهما السلام و بالاسم الذی ارسلکم
الی بلقیس و کتب الیها انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین چون این کلمات هفت نوبت خوانده شد این عزیمت
را باید خواند بندای قوی عزمت علیکم یا معاشر الطاروش و یا بنی فطوش و یا بنی هیش و یا بنی دو بید و یا عبید او جن عزمت علیکم
و علی قبایلکم کلها الصامت منکم و الناطق ان تسرعوا الی کف هذا المریض ان کان به سحر او عین سوء فکفوا و ان کان به خیلا او صرعا فارفعوا
نکف الارض و ان کان به جنیا من بنی آدم او نبات تحل فعوجا بحق اهیا شراهیا ادونای اصباوت آل شدای و چون هفت نوبت
این عزیمت خوانده باشد علامتی از بیمار ظاهر میشود چنانچه اگر مسحور است ارتعاش به پیش پیدا میشود و اگر جن او را گرفته یا مصروع است
دست بر زمین خواهد زد و اگر چشم زخم باشد بر سبیح و ازان جار است و مستعد علاج پیدا میکند و اگر اصلا مستعد بجای خود
هیچ حرکت نکرد از مرض بیمار است و علاج طبیب میباید کرد و اسا علم بر چه از این حالات که نشد یکی از او ظهور آید علاج
بنوعیکه بعد از این مرقوم خواهد شد چنانچه اگر مسحور است فاتحة الکتاب را معکوس در حالی باید نوشت مدور که بشوید و بیاشامند

او وابر طاکه در وسط فاتحة الکتاب و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا بنویسند و همین ایهارا تکبیر کنند که بعو
کنند و هفت روز نابسر دهند فاتحه را معکوس بنویسند و بشویند و بخور آنست که به میشود انشاء الله تعالی و اگر از چشم زخم باشد
باشد این و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک الی اخر السوره تکبیر باید کرد که تعویذ کنند و سپند بر بچوشند و اگر اجنا و مصروع
باشد یا جن گرفته باشد باید بتحقیق ان علیقرم کرد که از کدام قسمت آتشیت یا خاکیت یا بادی یا آبی و بعد از آن علاج باید نمود
هر کدام علامتی دارند اول اگر خاکیت علامتش آنست که مصروع است هم وقت دعوت هف دل در کردن و اگر آتشیت تمام علامتش
علامت موت و کف دهان او و دست و پای کج شدن و اگر بادیت علامتش آنست که اعضا بلرزند و اگر آبی است
علامتش آنست که شخص مرتعش باشد و این علت اکثر را باحوال بشخص واقع میشود در وقت عصر بیشتر میباشد
و مصروع در آن وقت ازدهان بیرون میرود و در کوه قرب یکطرف میکند پس چون علامت معلوم شد اگر خاکیت
علاجش آنست که معلم اسم شخص را با رتبه با نحو جمع کند بطرح ۱۲ ۴۲ ۱۲ ازان و ما بقی را مقرر دارد و اسم صاحب طالعش را بنویسد
و اسما از آن استخراج کند و جن را قسم دهد تا مصروع را بگذارد و دیگر باره مزاحم نشود و اسم اینجه خاکیت قطش است و دعا علاجش
اینست که مثلا طالع شخص اسد بود و اسم شمس را که صاحب طالع است بسط باید کرد که از آن اسما استخراج کند و حسب ابجد قمری ش
ث لا شم او به م ا م یاء ب س س ت ی ن واستخراج اسم چنانست که هر حرفی از حروف بسط مفتاح اسمی از اسما الهی بوده باشد
شهید و ثابت و لطیف و تواب و مکرم و اول و ..... و بعضی از اسما را باید کرد بس حرف مصروع و مصروع
باید بود و بعد و عزیمت که باید خواند اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیک یا قطش و اقسمت علیک بحق هذه الاسماء العظیم
شهید ثابت لطیف الی اخر الاسماء ان لا تعارض علی هذا الشخص فانت تعلم من الحکم و الا ارسل علیک الخرج من جوف هذا المریض و لا تعارض علیه
و اگر خواهند که عمل اقوا باشد لجابی اخرج لفظ انطق باید گفت و عزیمت مکرر باید کرد تا قطش جن را بخواند و قسم دهد و بعد از آن
بنماید که دیگر متعرض حال او نشود و اگر جن با بعاد اقسم باید داد و عزیمت کفت انطق فقد نطق الجبال انطق فقد نطق البحار انطق
انطق فقد نطق السموات انطق فقد نطق الارضون بحق الشهید الثابت الی اخر الاسماء المذکوره و اسما مستخرجه را باسم قطش باید
نوشت که در پهلوی گوش مصروع بیاویزند و عدد اول که ذکر شد که این اعمال را عامل میتواند کرد و معتقد برداری دستی بیست
تا دافع است بر آنکه این و البته معرفت که قبل از عمل ایا مال کرده باشد و رو حالتی آن را بخور حلم کرده باشد و الا فایده نخواهد داشت
عمل خاکی و علاج عمل آبی آنست که طالع وقت را ملاحظه باید کرد که در آن ساعت که شخص را صرع گرفته یا بیماری دست داده طالع
وقت بوده مثلا فرضا در وقتیکه شخص را صرع گرفته یا بیماری رخ نموده در همان وقت طالع حمل بوده اسم طالع را بسط باید کرد به
مثال ح شم ا ن ع ا م ادر ب ع م ی ن ل ث ل ث ی ن د م چنین ... از این حروف اسمای الهی استخراج باید کرد بهمان نوع که در
عمل خاکی گذشت و قسم این عمل را چنین باید داد و علتش تمام بقاعده اول باید نمود و اسما را باید نوشت که بشویند و مصروع را با بیمار
کرد بشربت بیاشامد و اگر خواهند که اسم جن را بهمان نوع عمل کنند که در عمل اول گفته شد و همان را دیگر بندد و اگر اجنا
عمل بادی باشد صاحبش در فتنه است و در این عمل اسم مصروع یا بیمار را بسط باید کرد که اسما از آن استخراج کنند و عزیمت قسم
باید خواند بنوعیکه در آن دو عمل گذشت مثلا اسم بیمار یا مصروع حسن است بسط چنین ح ا ث م ا ن ی س
ن خ م س ی ن د و اسما الله همان نوع است که هر حرفی مفتاح اسمی بوده باشد و این اسما را تمام باید نوشت که بشویند و مصروع
یا بیمار با آب یا شربت بخورد و بعضی بجمیع شما اند است که بیوشانند و هر که مصروع را بپوشانند و اگر عمل آبی است صاحبش در عذاب
و علاجش آنست که در ساعتی که شخص را علت طاری شده اسم صاحب آن ساعت را بسط کنند و اسما را از آن استخراج کنند بهمان نوع
که در اعمال گذشته گفته شد مثلا شخص بیمار در ساعت شمس از روز یکشنبه در آن بیماری طاری شده و ساعت شمس از روز یکشنبه متعلق
بعطارد و اسم عطارد را بسط باید کرد که اسما از آن استخراج کنند و قسم بمذهب دهند و بسط عطارد در این چنین با بیک

۱۲

ع س ب ع ی ن ط ت س ع ه ا اح د س ا ت ی ن د ا ر ب ع ه و این حروف مفتاح اسماء الهی میباید بنود بطریق مذکور والله اعلم واحکم

فصل چهارم

در کیفیت استخراج اسماء از لوح سه در سه و نکات اسرار عددی ان بعون الله الملک المنان

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ایدک الله که لوح سه در سه عددیست که اسماء آنرا استخراج کرده‌اند اسم اعظم را بانواع استخراج میتوان کرد و انچه از وی اسماء استخراج است الله وهاب ملک بدیع هادی طیب حبیب جمیل ولی واسماء اعوانش اینست واح زهج بطد وزب اهط جهد بدوح و این نیز برای تجلیات و تحبیبات مباید و اسماء سبعه ملائکه اینست محارجیش مفتاح میلاق جهدک دنوق مباحت مبابطه عاینیم وعدد راس این است که عدد مغلاق را در عدد عاینیم ضرب کند و حاصل الضرب را انچه شود با مفتاح بهم اورند و نیم و نیم بیلغان بروند و باقی بحرف بند والهل اضافه کرده ماشد و باز همان عدد را باعدد مغلاق بهم آورند و اسم دیگر حاصل کنند و همچنین تا هفت اسم تمام شود ببین ق عدد و اسماء اینست اول غلائیل دوم غلطائیل سیم غلمائیل ۴ عمدائیل ۵ عمدائیل ۶ عمطائیل ۷ عمطائیل و این اسم رئیس املاک سه را است و در عمل عکس طرحش سیصد و نود و نه میباید کرد که بعوض این عدد لفظ طیش در آخر کلام افراید و بر بین قیاس اسم اول اینست در این عمل و سطیش تا قی بر دانند معلوم است حاجت استخراج نداوند و اسماء اعوانش بعکس اعوان اول است بر این طریق حاو قائم ودر بدیع ابجد ط بابیکت و اسماء اعظم در این عمل اینست الد باد و ط ملک حکم جلی دهر طیب هوح و عزیمت بهشت که تشخیر و نیز این لوح مغلقت باید خواند و در عمل عکس عزیمت بزجل باید خواند و این دو عزیمت معتبر است که بعد از این نوشته خواهد شد فاما باید که عامل و سبدار هیچکس نباشد والا رجعت عمل دکار است با انکه اسرار این بر پیرون اورده فاما و قع رجعت عمل را بسته و شافیه حاله شمابین بر اکهان مریب رحیمی و تا تحقق قابل آن شود باید کف وشوان نوشت و اکر بوی تیف آتم باشد از وی منع معد و بسیار بد که معلوم نیست که تسخیر بدست کنند و بنظر که رسید و چو تسخیرات این خاصیت مارنگ کرد و مبادا نظر نامحرم رسید و دفع رجعت بکوشد و از صد و هیچ کرد و هر ابتدا این مقر نوشته باشد حالا انکیاه باید کسی که خواهد که بعمل اصول بشغول شود هر ابتدا از رجعت ان این تسخیر عزیمت کنند که اولاست و دیگر باید دانست که مقصود کلی از ایجاد آدمی و درد بامادم محبت و عشق است و این ماده عشق و محبت بر اهر کسی بنوعی یافته و باجود قرار یافته و انچه حقیقت اینست نه ده ست هر کس به با هر کس و هرند با جیا و هر کس است و با اینکه جمع خلق در مقام آ شد و بدانند که ما حب عشق و محبتیم همیشه همیشه این فقیر این حال را در رسائل بیان کرده تا هر کسی در بابد که در چه مقامند بدانکه از روی مثل این گلستان اینست بهر کل و هر کس از این گلستان بنوعی بوی پسندی دارند و چیزی خوش کرده اند چنانچه بعضی بدیدن کل ها پلید و بعضی بچیدن کل و بعضی بکرفتن کلاب از کل جسب فواید و بعضی برفتن کل در مجالس و محافل اکنون تو اکر مرد ان راه میدانی که غرض از این الفاظ چیست و از این بیان انچه بعرت است یا کت و بعضی که مبیدانی که چه حال دارد و معلوم است که مقصود کلی از این بستان حاصل گلهاست که فایده کلاب از خطوره اندیل نکرد از این کار دخان با عشق و محبت عمر عزیز صرف میکنند در معرفت حضرت حق تعالی انخمیش کلاب بکر است که مردان راه اند و باقی که با بقا تشغول شد دوست کوشند و اوقات ضایع میکنند انند اکرچه تفاوت بسیار است از انکه بیند تا انکه بچیند تا انکه ببوید و تا انکه بکرفتن عالی و محافل ببرند و هم حق نظ تفسیر او دانسته اشی حالا چند حقی از اسرار لفظ محبت و محبوب و نکات عددی ان کفته شود نکته بدان ایها العزیز که لفظ محبت در جمل پنجاه است و پنجاه عدد حرف نون است و نون ملفوظی دو نقطه دارد و جمع صد و شش است که مجموع صد و هشت باشد مطابق اسم حق و بینات محب اینست ح ی م ۱۱۲ که مجموع پنجاه و دو باشد مطابق اسم علیا که اسم حضرت امیر المومنین است علی بن ابیطالب صلوات الله وسلامه علیه و عدد ملفوظی محب مطابق است با لفظ ضرع و عدد ضرع مطابق است و اکر اب عدد مسنطق بیان نند حروف استنطاق از ملفوظی بعد صد و نود و بهشت و دو جا میتوبر این طرایق قاف یا دو حی ۱۸۴

صورت عددی این

صورت عددی این راجع کنند سیزده باشد که مطابق اسم احد است و باقیش مطابق اسم سامع است که ان اینست ۱۷۱ اکنون اکر این حروف محب که پنجاه و دو است همان صورت عددیش برد ارند با قی جمل پنج بماند که عدد اسم ادم است و عدد محبوب پنجاه و هشت است و این عدد با عدد محب که جمع شود یکصد و هشت میشود مطابق حق و بینات محبوب شش است موافق مجرجی و جمل حروف حی همین است که مفتاح اسم شریف حضرت سید عالم است صلی الله علیه و آله و شرح این حروف بعد از این بیان خواهد شد در بیکه این حروف در میان حروف نورانی است از ان جهت که ظاهرش مثل باطن است و مساوی است در جمل و بروی بین و چون عدد ملفوظی محبوب را به بینند صد و هشتاد و نه بوده باشد و استنطاقش اینست قی ح و بینات این حروف اینست اف ۱۱ که مطابق اسم جلیل است و مقرر است که محبوب در نظر محب جلیل است هرچند چنان باشد و اکر از عدد کل ملفوظی محبوب کران صد و هشتاد است اصل شکل او را برد ارند باقی صد و هشت بماند که موافق حق است و مطابقت با جمل نیز بی محب محبوب و هر کاه که صورت عددی این محبوب را بر دارند باقی جمل و پنج بماند که بیانست هر دو با هم مطابقند و کمی نیز بیش یک بیت نکته بسیار است و هر نکته دان که درجهان کیستم و رسی که بادی کردم از نونکه خوان نکته بکو انکه هر کاه که عدد زبر محبوب با عدد بینات محبوب جمع کنند یکصد و ده میشود که مطابق کلمه لا الا الاهو است و موافق است با اسم حضرت امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلام و اکر بینات محب را با عدد زبر محبوب جمع کنند یکصد و دوازده باشد موافق جمل ولی الله و عدد زبر جهره و مطابق اسم حق بکثر بکی و اکر عدد صد و دوازده را حاصل عددی او حذف کنند کان یک و دو و یک است باقی صد و هشت بماند که عدد اسم حق است لیکن تا مکن که در این چه سرهاست و اکر عدد الف ملفوظی را با نقطه اش جمع کنند همان صد و دوازده بشود و حاصل این بر نهج برد ارند باقی صد و هشت بماند که همان عدد اسم حق است و اکر زبر و بینات عدد نکه صورت عددی او است بر دارند باقی نود و نه باشد که اسماء نود و نه است کما قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ان لله تسع و تسعون اسما من احصاها دخل الجنة ای من قرأها دخل الجنة و سر چهارم اینکه در این عدد است و هم چنین هر کاه که مطابق جذر صورت عددی بجمیع تا شعر کاسه حضرت اقدس از عدد حروف بترتیب ابجدی از الف تا صد که حرف قاف است مرتبی میشود ج س ب ع اف ص ط ق خ

۶۳ ۲۲ ۸۱ ۹ ۲۷

و بکو بیان که حروف سین ملفوظی که یکصد و بیست است سر مخر و نکات لوح سه در سه است ط ی ح ز خ ل ف م ن م ت

۹ ۱۹ ۲۷ ۳۱ ۴۴ ۴۹

کران بدوح باشد و همچنین مطابق الطفاست و این حرف بر خاصیت است و ظاهر این حرف مطابق اسم حی سلام حق و در مفتاح سکینه و سلامتی و سر چهارم را امر عالم بکه در سوره یس که قلب القرآن است واقع است متوج تاج سینا استعانه چنانچه حدیث است که بعد که قلب القرآن یس و قلب یس سلام قولا من رب رحیم و این حرف مفتاح اینها که حرف سین است اشارت بوجود سید انبیاء محمد صلی الله علیه و آله و سلم چنانچه از بینات معلوم است ی ۹۲ ال محمد و مقرر است که سبب علاقه ادم محمد است و غرض از این مقالات خاصیت حرف سین است که حرف بیست و بنج است و جمل ملفوظی این حرف صد و بیست است که سر و نکات لوح سه در سه است چنانکه این عدد را در وفق سه در سه و لوح سه در سه بکار رفته محبت اثری تام بحد و محبوب مسخر شود دیگر ملفوظی سین اینست و سین استنطاق عدد بین محبوب ع باید نکته از این معنی کتبه و همچنین باشد دیگر معلوم باشد که مقصود اهل تحقیق و مطلوب ایشان از حق بیشتر این ناکه چنانچه ان بیش و هم چنان بیش کذشته و از باطن و ظاهر محب و محبوب به مجوع شد ان باطن مطلوب هم ظاهر است بر این طرایق مطلوب حروفش جلش جمش حق دا کرده و نقطه باو اضافه کنند صد و ده میشود که عدد لا اله الا هو است و مقرر است که ملکوت

۱۰۸ ۱۱۷ ۱۰۰ ۱۱۲ ۱۱۲ ۹۶

اهل توحید عدد این بینت و بکو بیان که حروف احادیش که صاحب بیوت و ربع سه در سه را اند چهار ار ان بر سبعه اند که بدوح است و جمع عدد از جهت جمع بکو بیمانست که در شرف قمر بکار رند بشاعتی مناسب در ما صاحب وقوف قاعده نگاشتن ان بوجه نبشته و کرده عدد که ممکن باشد در مربع نگاشتن و هیچ از ان حروف نشده حروف مفرده کران احجار است و جمع عدد ان از جهت جمع سه ساعت است که ساعت زحل و وعدو اویاساعت بخش بکار بند در ملک سه در سه که هم بدارد و در این دو عدد سه در بیان است عدد ان تا این حق

بین نسخت اعلام است که کسی که متوجه این عمل شود کیفیت آن بداند و در هر کار که دست دهد داند که چه باید کرد و علاج درد
حکیمانه بیان و چنانچه مثل مشهور است که در نسخ مسبوق ذکر کتاب والالواح عددی از سه در سه تا صد در صد و مکرر زیاده
از آن هم با انواع میتوان نگاشت که در آن امر نقاشی و استادی نقاشانه مرعی باشد از نقد الکتاب بوزد القطرین و دو المرکز و دو الاوله
و معلق و مطلق و دو المبادی و مصفر و مصیت و مشکر و مجزی الی دو قطع نظر از آنها در مربع سه در سه و مثلث هندی و در بای
انواع عدد با کسر و غیر که میتوان نگاشت و در نگاشتن انواع نقاشی و نیز عمل میتوان آورد فاما مقصود کلی از نگاشتن الواح حصول
مدعاست و در این امر دانستن نقاشی عدد با وفق این مدار آن عدد است فاما چون صاحب عمل بر مجموع اطلاع نداشته باشد چه
از آن نقاشی اعلامی بینم که بجز نقاشی که کسی را از نمود چندان نقشهای مختلف بر صحیفه الواح رقم میزنند که اگر اعمال ما بالعلاج برای
عمل خود واقف شود از آن بر عالی نمود عالم با حکمت در این است که مانند که بجز وجهین که مثل آن مانند باشد که خانه تقویم مسهل مضر است
و حقیقت آن اندانسته باشد که از آنچه مقدار و چه حد بجز که مبا به مادر که فصل که مطلوب است بکند بجز نشد مثلب و وزن و مبتدا رکن
ملاحظه مزاج صفرائی و غیر صفرائی که بجز که کسی بجز آن یقین است که کاری خواهد کرد اما بمقتضای حکمت خواهد بود و از این جهت هم علاج
نه جای صحت بلکه بر مرض است و باعث زوال و موجب فساد است و در بعضی مزاج هم میتوان بود که اصلا فعل نکنند بلکه ناخود
مقدار است پس بر این نقد بر باران که صاحب وقوف و در مثلث هندی عدد بای هر عدد که بجز آن وضع میکنند اگر از روی
حکمت خاصیت عمل خود بدانند بد نیست لیکن در موضع تمام دارد که مشهور است و صلاح حال در این است بلی این قدر میباشند که این تبدیل
کم سهلت و عمل خواهد کرد فاما از روی که بجهت چند وجه دانسته اند حکیم در این عمل است که بدارد و بگرد بد هد بجاره شود و
بد اورد که دیگر که بد هد صحیح المزاج سقیم کردد و باز علاج سقیم نتواند نمود که شخص در آن بجاری مرده و خون کرده باشد غرض از این
نقش مدارند است که دانا از این علم یعنی آنانکه از فواید نیز دارای این علم میرسند و بعلاوه بسیار که کار خود شخص را بر بعض بکنند
اما از ایشان که بدانند که بجز مرض است زیرا که فعل عمل خود تحقیق نمیدانند که چه خواهد بود عاقبتش آنکه اعتقاد داشته باشند که فلان
مریض بسبب بیمار خواهد شد الا آنکه بیمار شد که چه سبب خواهد بود بلذات الجنب یا ذات الریه یا غیر ذلک یا خبر نشد که اگر دانسته
علاج خود میتوانستند بود حال آنکه در عدد مثلث هندی بجا در علاج نتوانستند نمود که در عقرب ها که بیش ه افراد پیشو دای یاد در دیگران
این علم هم بدعت دعوت یافت و در کتب مدارس این علم آن را که مانند که مستی و دعوت و اشتباه باشند که اگر مسموم شد بنظر ایشان رسیدی
که بنفس خود تریاق بگو مخوانند تا به شود و اگر متقلبی بر ایشان در این به نوعی جانبی دانند تا معلوم شود و فاما بنشری که در آن مدت هلاکت موجب
او باشد فاما این زهر و تریاق در دکان هاو شما بهت زیرا که نفس مادر عادت جهل و غضب است و برای اینکه چیزی زهر که تا بعد بیم
دریاق نکاه میدارم تا آنکه بعد از چند روز زهر اعضائی هم نموده تریاق هم بجهت آن هم بیرون جهت چنین است الله اعلم بدانند که اینچنین
منفی را زهر و تریاق در دکان بوده باشد با آن دکان دیگران نسبت نیز اندازد و حکم کردم بعضی را که این علم شر میجهد و سپس زبان نداید
خود ساخته که اعمای عمر واقع میزند و با این مساو فی پنهان و مردی چگانه یای مردی حرام را باعث میشوند جهت جهد و با زبانه
زن با شوهر جوش باعث تفرقه و طلاق میشوند نسبت با نجیب که با زنای منظور دعا بتقیا سیاه زردی و غیر که با عث فعل اعلام میشد
و قطع نظر از این مناسبت خاطر هوسناک خود مسکر نفس که زن را محرم را تصرف کند یا جوانی را صاحب بودن و اعلام مطیع خود
سازد اعاذنا بالله منها بیت علم از کجا و این هوس ابلهان کجا ادم کجا و سیرت ابلیس از کجا این عمل نیست که بدین عمل اشتغال کند
جهت بیکاری متحمل انداختن باری باشد با جهت شاطری عیار و خاطری کوردند و با اینهم بعبارت سعی بسیار که بعضی مردم جاهل معتقد
بو دعا باشند و نفوس معطله خود نگاشته تا کاه من حیث الاتفاق بجهت صورت بندد و از آن امر دیگری کسند که فلان چنین کاری کرد و بعضی را بجان
که دیگری را توقع کنند از قوت اصلاح بفعل باید تا فیض عقیده خود لازم کنند و باز بر عکوس ایشان بکسی بر باکنند که فلان کار دفع با بهتان
یا مال مردم خوردست و آن تن بر رو سیاهی بنشسته داده است در باخت و مفرداتی است که شخص که چنین کند در کار بوده باشد عاقبتش چنین

باشد چهره علم حاصل کرده باشد و غرض از هر علم معرفت است که حاصل شخص باشد تا موجب رفع درجات او باشد امید که
جهان و نعم جهل را از جهال و تعصب نفس نگاه دارد و این نوع رسان خاق و نتایج حال از نظر ناحیوان دوست ما اصلات محفوظ دارد
زیرا که غرض از این ادا اکثر آنچه خواست مثل تفسیر وارد این علم حقیقت در این علم که این علم را سبب کسب معرفت ساخته اند نه سبب
ردد مر دوبا و اصول دنیوی که آن پیش شرح داده شد و ظاهر است که میان آنکس که کسب این علم جهت معرفت کند یا در کوره باشد تا
آنکس که جهت اغراض دنیوی در این علم بکار باشد تفاوت بسیار است و اگر این دعاوی بعرض افتد بغیرت که غالب شخص
بود که صاحب معرفت است چنانچه حضرت خواجه حافظ شیرازی قدس سره فرموده که بیت بانک کاوی کی صدا باز دهد
عشوه مخر سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد غرض که این علم را شاید معرفت کسب باید کرد نه جهت اغراض دنیوی
چنانچه مقرر است که هر چه غرض بر آن مترتب است خالصا لوجه الله نیست و آنچه خالص نبوده باشد شرکت خفای هم داشته است
شرکت خفی جلی پاک کرد از آن حضرت محمد و آله الامجاد و همه را از نعم و لابت بهره مند سازد که ما دمنه وجه لمولفه بار بقا را
بعفوی روش کن دین بلطف جهد این گلشن کن رو به ما از غیر بکردان سوی خود بعنی بطف خود بسوی من کن
پس بدان ای برادر عزیز که غرض کلی از اصل شجره انسان ثمره معرفت که از او بظهور رسد و همچنین که از ذات مخلوقات عالم
متوقع است از ادمی معرفت سزاوار است و کلام الوحی الحق بر اینست که و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون و بعضی از ایشان در
تفسیر لیعبدون نوموده اند که ای لیعرفون بلی تا شخص معرفت معبود حقیقی حاصل نکند امر بعبد و او تحقیق نباشد بلکه
عبادتش درست نبود زیرا که عبادت معبود از روی شناخت حالی حالی دیگر دارد نسبت بابند و متعبد و این ثمره معرفت
مخصوص شجره انسانیت و اگر این شجره را این ثمره نبوده باشد اگرچه از دیگر بهتر فرضا بهشت باشد که عاقبت الامر هیزم آتشکده
خواهد بود و این معنی ظاهر است که باغبان در باغ شجری را که تربیت نمود اگر در هنگام میوه حاصل بنداد از آنها میبرد و تقسیم هیزم
میفروشد یا میسوزاند همچنین شجره وجود انسانی که در دامن باغ دهقان می پرورد از جهت ثمره معرفت که این
بار ثمره بیرون حشر از نفس تن که میوه رود و عالم بالا نتواند بود و الا که شجره اش را که ثمری نبوده باشد آتشکده و قود ها الناس
و الحجاره خواهد بود اعاذنا بالله منها الخصال مجرد مطهورت در بعضی از الواح تکسیری و عددی که ام مقاصد است مبادی
ای عزیز که اسرار حروف و اعداد بیحد و بی نهایت و بسیاری از آن را هیچکس نیک تحقیق نکرده و کم کسی است که ایشان به غلط افتاده اند مکر
صوفیه رو که حق عمر خود را در انجام اسرار ولایت اند و کما بینکم هم چنین اند در ایشان بیچون بعد از آنکه حقیقت عدد دانسته
حضرت سید قاسم انوار بیان فرموده اند که بیت اعداد بشمرم همه سیحه یکی بود چون جمله یکی باشد مادر چه شماریم و تحقیق
حروف انست که محقق گفته که بیت هر حرف اسم فاعل است از نقطه نیست چیزی که تو حقیقت آن بیابد فاما این بیان در بیان نشانی
دارد و از این بیان و از آن نشان بسیار کسی بغلط افتاده اند که در وقت مطالعه این وفق و او در طلب بیان حقیقت آن افتد فرق
نکرده اند که اگر در نشاند آن ملک مناسبتی باشند در عمل بخاطر آن تمام بسبها هست چنانچه لمولفه بی نشان نشان رو نیز ز انس و نون است
ان فی ذلک این جزو نیز است و عدد طبیعت نیز نجات داده اند و ما به برو آن ابدا در گوش مکنند و میسوزانند علی ای حال
انچه اعداد کردیم جهت است مخارات و آنچه اعداد مفرده است منابع غنا و صحو در در سطر این هم عدد خاصیت و اقعات است
و با صطلاح صوفیه این معهد و صالح و حیات الحی مکویند و آن به عقد در درو میزی ترتیم و تصحیح اجزا مجملها میکنند که این شجره گفتار
تا می نماید که اشاره بهر حال که هرکاه که حروف مزوجه و اکثر آن بصحیح است مفصل بکار مند بر این طریق ب ا د ا ل و ا د ح
ده حروف میشود و مطابق با اصل حروف بسم الله قرآن و مفتاح هر چهار حرف نابست و موافق است با حروف مفصول و نقطه
کران بهر سه کانست بر این نسق ن ه و ب ت ق ا ف ط ا م او حروف بدوح را که نقطه بیش نیست در صورت معرفت چنانچه گفته اند
بیت بدان که بیش نیست غم عشق و این عجب کز هر زبان که میشنوم نامکرر است و در حروف بدوح را شصت عدد حایت

باشد وجهی خدمتگزار

کہ موافق حروف سین است و مطابق عدد بینه حروف اسم محبوب کہ از پیش گذشته و موافقت با جمل هو الحی و چون حروف بینه
ملفوظی یکصد و بیست است این عدد یکصد و بیست با انواع از حروف ببدوح حاصل است نوع اول آنکه ضرب شصت را که
در اول ببدوح ضرب کنند حاصل الضرب همان عدد است نوع ثانی آنکه از استنطاق عددش در لفظ حاصل است بدین تفصیل
ب ا دال و او ح الستطاقه عینه و نوع ثالث آنکه هرگاه که عدد ببدوح که آن بیست است در عدد حروفش که چهار است ضرب
کنند حاصل الضرب هشتاد میشود و چون عدد بینات ببدوح را که چهل است داخل آن کنند صد و بیست میشود و نوع رابع که آن
هم تام و اعلا نسبت آنکه هرگاه که مدار بعد حروفش نهند آن را نطعو آید بدین ترتیب ب ب د د د د و و و و
و و ح ح ح ح ح ح ح ح و بینات ببدوح اینست ا ا ا ل ا ل ا ل ا ل او او او او او ا ا ا ا ا ا ا
عدد بینات و این عدد مطابقت با اسم اعظم الله لا اله الا هو و مجموع حروف ملفوظی ببدوح بطریق بسط بنجاه حروف ملفوظ
محب و عدد مجموع حروف ببدوح در بسط دو بیست و نود و شش میشود موافق جمل اسم منور هرگاه که سه عدد از یکصد و ده
کنند یکصد و هفده باشد که موافق عدد معز است و هم چنین همین صورت عددی را که ذات است حذف کنند باقی یکصد و هفت
باشد که عدد اسم حق است پس مجموع اعداد حروف ببدوح یکصد و بیست میشود چنانچه از پیش گذشت و از ترکیب حروفش چند
اسم از اسماء الهی جلوه مینماید بر این طریق اول احد ودود و عدد زبر ببدوح مطابق اسم ودود و موافق اسم هادی است
و لفظ حب و عدد بینه از و ظاهر است و معلوم است که این حروف مجتمع است و عدد بینش همچنان و عدد بینات ببدوح چهل است
که جمل میم محمدیت صلی الله علیه و آله و سلم و هرگاه که شصت که عدد زبر و بینه ببدوح است در چهار که حروف ببدوح است ضرب کنند
حاصل الضرب دویست و چهل میشود که عدد مقصود است و هرگاه که از این عدد عدد زبر ببدوح که آن سی است حذف کنند
باقی دویست و ده باشد که اصل عدد مجتباست و اگر عدد شصت را با عدد حروف لفظ ببدوح ضرب کنند هشتاد میشود و مطابق سر عینی
وجود و موافق لفظ کن را اگر دو عدد شصت را جمع کنند یکصد و هشت میشود و مطابق حق دانند بدین نسق است نصفه
ربعه ثلثه سدسه خمسه عشره نصف السدس ثلث الخمس نصف العشر ثلث العشر سدس العشر
جمع حق و این عدد موافق جمل محب و محبوبیت و اگر استنطاق این عدد را جمع کنند چهارده حروف میشود بدین طریق
س ل م ی ک ب ی و ع د ج ب ا مطابق با چهارده حروف نورانی فواتح و موافق با جمل طه و جواد و وهاب و اگر این
حروف را بلا تکرار ملاحظه کنند یازده حرف باشد موافق جمل اسم هو بدین طریق س ل م ی ک ب و د ج ا و اگر حروف بینش
را و اگر حروف اصلش را که آن سین است بگذارند باقی ده حرف باشد که همان لفظ ببدوح است و از این حروفات چند اسم استخراج
میشود که حکام قوانین مجتمع و مجمل صفحه قسم ملائکه باشد و اسما اینست اول الله و واحد و وهاب و ودود و کهیعص و اگر عدد مجموع که عبارت
از عدد ملفوظی ببدوح است با عددی که از گسور آن بهم رسد جمع کنند یکصد و شصت و هشت میشود و مطابق مصطفی است و معلوم
که عدد ببدوح مصطفی و مقصود من الاثنین است که آن محب و محبوب است نکته در شرح عدد یکصد و بیست که عدد ملفوظی ببدوح است
آنکه این عدد سر مطالع و سر مکین است و هرگاه که اجزاء این عدد را جمع کنند بدین دستور مجموع دویست و بیست باشد که عدد
مقابرات نصفه ربعه سدسه ثلثه خمسه عشره ثمنه ثلث العشر
ربع العشر ربع الثلث ثمن الثلث جمع الاعداد این عدد مطابق بسم طور بسته موافق اسم یا صاحب یا نجی
و عدد محب در اصل همین است و از این عدد سیصد و دو منتزع میشود که متعلقست بمحبوب و از این عدد است و استخراج این
عدد چنین است از عدد دویست و بیست نصفه ربعه خمسه عشره نصف العشر مراتب الاعداد جمعا
و از این عدد با این عدد اول حاصل است بدین دستور نصفه ربعه مراتب الاعداد جمعا و همهای این فن این
اعداد را استخراج کرده اند و در هیچ رساله توضیح مشکلات آن نکرده اند الا ابهام عبارت و بعضی که بر این شرحی نوشته اند در بیان

کرده اند با لفظ محب و محبوب هیچ مناسبتی ندارد و آنچه این فقیر در این باب یافته آنست که هرگاه که لفظ محب و محبوب را حساب کنند بهم
یکصد دارای دو عدد حاصلست که از آن عددی بهم رسد بهم رسید و این نکته را کسی درنیافت و تا غایت استماع این از کسی نشنیده و عدد هیچ
رساله هم مرقوم نبوده و بیست تا ابدالی و از این بین نیز همچنان است م ح م ح ا ب ح ا ب ا و ا و ب ا
جمعا له الله یقول الحق و هو یهدی السبیل بدانکه الغرض که اعداد را با یکدیگر مناسبتی هست و دانستن مناسبات اعداد اهل این
علم را از واجبات است پس بعضی از آن مرقوم میشود تا استخراج آن فایده هم خالی نباشد اول آنکه جمل پنج که عدد آدم است عدد حرف
دم که مینویسند یکی پنج و یکی چهار که نه باشد و جمل اسم محب و محبوب نیز که یک هشت است و یک همان نه است و جمل اسم حق نیز
همان نه است و لفظ نه پنجاه و پنج است که جمل صغیر و کبیر نون باشد که مفتاح نقطات است و مناسبتی دیگر که میان عدد محب و محبوب
و عدد ببدوح است اینست که محب و محبوب را حساب کنند بر این طریق تا مناسبتهما معلوم شود محب محبوب آس حروفش
نقاطش جملش جمعش جمل ببدوح نیز چنانکه از پیش گذشت ۱۲۰ استنطاق عدد مذکور بدین استنطاق عدد بینه
و هرگاه که عدد حروف لا اله الا الله عدد چهار محب و محبوب در او و در نقطه همان باشد چنین یکصد و بیست باشد و اگر حروف ادم
محمد رسول الله صلعم را او و دو نقطه همان است باشد و اگر عدد حروف ملفوظی امام را در او و نقطه همان باشد و اگر حروف امیر المؤمنین را داخل کنند
همان باشد و اگر حروف علی ابن ابیطالب را داخل کنند همان باشد دیگر صورت عدد یکصد و بیست با اصغر دوازده است و عدد صغیر
سر و این دو عدد بسیط و صغیر بینش مطابقت با عدد بسیط و صغیر عاشق و معشوق بدین طریق عاشق معشوق
مجمل این حالات صغیر بدانکه از محب و محبوب و عاشق و معشوق حاصل است چون جمع کنند
و این لفظ نهایت پنجاه و پنج آمد هرگاه که صورت عددی آن که دو و پنج است از وی حذف کنند همان جمل پنج باشد که جمل آدم است
و هرگاه که صورت عددی را که دو و پنج است از وی حذف کنند همان جمل دو و پنج باشد که جمل آدم است و هرگاه که صورت جمل پنج را
که پنج و یک چهار است از او حذف کنند باقی سی و شش باشد که جمل الله است بیت کجا عیسی و کو حیدر و کو تشریف سوی الله
ذات الوجود بپرهیز که آنچه دو خاص حروف و اعداد متحابه بین المحب و المحبوب گذشت متعلقست بمربع سه در سه که در شرح مربع قمر بسط
که مصطفی و مقصود بینهما حاصل شود در شرح خطی متعالی قمر و خواص آن مرتبت و موشحش بینی و تحقیق اعداد جمال که بعد از این خواص
معزه این مربع که آخر طرات اینست که همچنین اعداد متحابه از یکدیگر مستخرج میشود حروف معزه و اعداد آن از حروف معزه مربع مجموع
و عدد آن هم حاصل میشود و طریقش بدین نوع است که چون عدد آدم را ضافه عدد حروف ببدوح کنند که آن یکصد و بیست است مجموع
یکصد و شصت و پنج میشود که آن سر حروف اجزا است و تفصیل آن بدین نوع است ا ج ج ج ه ه ه ه ه ه
ز ز ز ز ز س س س س ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط جمع این عدد مطابق کلمه لا اله الا الله است و عدد نکو
حروفهای شعشعه فیمشترکست بیان اعمال جمالی و جلالی چنانچه در ببدوح پنهان کار است و شرح آن در عمل خود بیان میشود
خواهد شد نزد که این حروف مرکز مربع سه در سه است و با هیچ خانه محبط بعد از آن پس عدد احیزه جلالیت و عدد
جلالی بکار برند المحب بحرف ملاحظه میشود که هر چند تحقیق مینماید بعید جواب در نظر نیست و اگر که با ظاهر الفعل با عددی
منظور میشود که در آن عددی بوده باشد چنانکه ملاحظه کرده میشود در ضمن از دیگر مستوراست از انجا با وجود آنکه
عدد سر حروف احیزه است که متعلقست بمثلث سه در سه و در دوره عمل ساعت او حجت بیان اسم مطوف در این عمل است
و از انجا نیز بعضی از اسماء الهی ظاهر میشود که بلفظ بیت بدین طریق ل ق ی م ا ا ا هو السبحان بینات کل بقیم
ح م ع م ا جمع اعداد الحروف یا کریم و جمل کلمه طیبه مطابق جمل اعظم
با آنکه بعضی از این رحمه الله که این کلمه جلالیست علی الاجمال شعر بدین وجه اندیشه نمیاید بود تا بود الا این انشاء ببوس
هشدار عبادانی که از عالم حدوث بخاطر مرحمات غباری برسد معلوم باشد که از چند حرفی در باب اعداد حروف جلالی گفته میشود

[illegible]

مزاز روی تعصب نفس است بل بسبب آنستکه هرجا تعریفی کامل کند ذکر خارج ناچار است اگرچه در حقیقت تمام ذکر کامل است که کرده ۱۵
میشود و حواری در این بستان نیست و حق جلیست که با وجود آنکه و تونیکه در این علم داشته که اگر ذکر آن رود موجب خود
ستائی میشود هرکه از برای هیچکس و از برای هیچ غرض مرتکب عملی نشده نه نسبت با خود نه نسبت با غیر و بسیار واضح و نفیست که
که بجهت نفس مرتکب عملی نشده باشد نسبت با غیر البته نخواهد بود و این معنی را تقسیم موکد میسازد ذکر با اسم العظیم که چنین است
و غرض از این مبالغه نصیحت طالبان این علم شریف است که این باب را نه اندرون غرض مطالعه کنند بلکه مطالعه این باب را وسیله
معرفت سازند تا سری چند که در این علم مخفیست بدیشان ظاهر شود مثال ان اینست که هم چنانچه از حروف نزد جبر مقابل محب و
محبوب و عاشق و معشوق بر هر حرف شده و صحیح و مقصود از آن میان جمع کشود از عدد مفرده نیز اسمی چند ظاهر میشود که از آن
برقرار و غلبه بود و اول الاستنطاق عدد مذکور اینست قسع و بینات این اف ی ن ا و از حروف بینات لفظ افی و قفی و فاق
وناقی ظاهر است و از مجموع لفظی را استنطاق الف مکرر جهت آنکه نشد باقی این حروف باشد ق س ه اف ی ن و عدد ۲۱۱
حروف اینست ۲ بم که مطابق اسم قاهر و موافق جل جلاله است و استنطاق این عدد تعریف شیاطین جز است در الواح تسخیری
کران لفظ ترس باشد و هرگاه که بر بین عدد عدد اسم آدم اضافه کنند مجموع سیصد و پنجاه و یک شود که مطابقت با جمل مقصود بیک
در باب ع کفتم لطف و مکرر و هرکهکم چون از پیش مذکور شد که در ضمن هر بوی ینگی هست و حضرت خواجه حافظ شیرازی قدس سره ۳۵۱
در این باب فرموده بیت بحرف هیچکس منه انگشت اعتراض ان بیت کلک صنع که خط خطا کشد * حالا در باب این دو عدد حرف
چند گفته شود اگرچه بکلیه اندرون استخراجات گذشته معلوم شد تا واضح شود که یکی را بعدی رایج است و حدیث قدسی انا عند
خیر بعبد که سبقت رحمتی غضبی بدانکه لا یزال [illegible] و بعد دم آنحضرت است حجت اسرار حکمت الهی و هر که از این اسرار چیز بسید و آن
کسانیکه اندک مناین مطلع شده اند انگشت فضول انحرف هر کس و هر چیز کوتاه کرده اند زیرا که دانسته اند که کثرت و قلیل وقوع در
باب جبر کثیر است پس علی ای حال جز خواهد بود و عدد را بمعنی کرده [illegible] با آنجهت که دارد از جهت اسرار حکمتا الهی حضرت شیخ عطار
در گلشن راز بیتی فرموده بیت بر بین عالم همه در هم سرشته ملک در دیو و شیطان در فرشته یکی تا شیر و رخ نمای قدر [illegible]
پیدا نشود و تا کار [illegible] بجهت [illegible] محبت ما بهر سخن مختصر بیان که عدد و جیب که از جمله
متخالفات است هر عدد مفرده در باطن او ست و بین دو نوع محب محبوب بینات استنطاق

محب بینات استنطاق محبوب بینات
اف ب ا | ا ی م ح اب ا و اب ا ی ی ح | ا ی م ح اب ا ق ب ب ۱۰۲ | اف ۱۱

مجموع این عدد بینات جمع که عدد هر دو انجرحکا و هرگاه که حروف استنطاق ۱۱۸ محب و محبوب را بلا تکرار حروف اف اف ۱۱ ۱۵۵
جمع کنند و بنویسند لفظ قبح از او پیدا شود اما اگر عدد او را حساب کنند لفظ اللطف است که همان یکصد و بیست باشد
که عدد مصنوع بیحج است میکوید انکه جمع حروف مفرده در اصل بیت و بیخ است و استنطاق اینست و بینات این حروف
اینست و اجزاء عدد بینات اینست مجموع عدد این اینست و چون از این عدد کسر کم ر ایات انت حذف کنند باقی عدد کم ۱۲۳ ۱۲۱ ۲ اف ا
بیست با آنکه همان عدد حروف بیحج است و مناسبت دیگر که این عدد را با هم اینست که عدد محب و محبوب صد و هشت است
و استنطاق اینست و بین استنطاق اینست و عدد حروف مفرده اجزا استنطاق اینست و بین استنطاق اینست ق ح
در بین استنطاق من حیث الحروف و العدد مساوات دیگر بدانکه مجموع حروفات بر دو قسم است قسمی نورانی و قسمی ظلمانی اف ا اف ا کم
و هم چنین کرده را عداد امیجتگی هست در حروفات هم هست چنانکه بعضی از حروف که ظلمانیست باطن نورانیست و بعضی که نورانی
باطن ظلمانی است اولا الف از جمله حروف نورانیست و حرف فا که در داخل اوست از جمله حروف ظلمانیست و با ید در داخل حروف
الفست که نورانیست و همزه و قیقه را ابجد در جمیع حروف کا اینست اول الفقر هر که فهمید این سرا بجا باید که از آن بشما بر ما جمع
در صفات عدد و حروف چند کلمه گفته شد و در خواتم نیز چند کلمه گفته شود تا نسخه بجهت طالبان را عزیزکه خواه عدد و خواه

حروف

حروف در صورت تقسیم بر دو قسمند و این دو قسم را خواه نورانی گیر خواه ظلمانی و خواه جمالی و خواه جلالی که معیشت بکیت و اگر
متجانب و مبتاعد هم کوی همان غرض که از این دو شق بیرون نیست در حروف جمالی و عدد جمالی تجلیات و تجبیات و در
حروف جلالی و عدد جلالی تبغیضات و تغلبات و حروف نورانی جمالی مقطعات قرآنیست و غیر مقطعات تمام ظلمانیست و
وقاعده این عمل آنستکه صاحب کار بایستی هنگام عمل ملاحظه کند که چه عمل خواهد کرد و نسبت با چه کس خواهد بود و در الفاظ آن
مدعا که وارد با اسم الکمی که خواهد چند حرف بیرون امد و آن حروف از زندگی استعمال اسم کمیت در بند و آن قرار عمل نخوار
و در کیفیت آن حروف مدهد و انحصار آن ابکت میشود به انکه چون حروف با یکدیگر امیجتگی پیدا شود در یکی و بدی ملاحظه باید
کرد که هر حرفی در چه لفظ آن الفاظ با چه اسم آن اسما بجز مستعملست حکم و خوف و بعدی ان بر اغلبیت استعمال اثر باید نهاد مثلا اگر
خار از حروف ظلمانیست و با آنکه در باطن نورانیست هست اما با آنکه در مفتاح خوف و حزانی و خون و خطر و حزان و جنابت و خواری
واقعست باید که در مفتاح خیر و هوی و حق و حقی [illegible] است لیکن چون استعمال ان در الفاظ بعید بیش از یکی است حکم آن بدان باید نهاد
و حروف سین حرفیست نورانی مطلق بالطاف و ظاهرا در استعمال در سلامتی و سکون و سرور و تسکین و سوء و سرمدی بیشتر از تیست
وستی سکینت حکمش چنین باید نهاد و باقی حروف در جناس و در هر زمانی چنین و در هر کجا ناز در در تجنیس خطی و طرد العکس
ترکیب و انقلاب بکار آید هر او ملاحظه باید نمود که الفاظ مستحسن در او بیشتر است یا مستحسن حکمش را بدان باید نهاد و این بسیار دقیق است
چنانچه صاحب گلشن راز فرموده بیت چه میگویم من اسرار بابل شب روشن میان روز تاریک میان ابعزمانکه حجت ابن
مسئله بسیار صحیحت و در این دستور مثال بیان میشود تا اندک مدعا از پرده بیرون افتد مثلا خواهند با شخصی عمل کنند [illegible]
با بدی با بید و دید که از ترکیب اسمی شخص در طرد العکس و انقلاب حروف و تجنیسات خطی چه لفظ ظاهر است حکم بکی و بد بر آن قرار باید
باید داد مثلا شخصی کرده نسبت با شخص فتوحات بخواهیم و در اسم او چنین ملاحظه رفت در ترکیبات الفاظ فسادی باید داد لفظ صلاح
بود پس در این عمل علاج بود که حرفی چند انفادیم باخلاق ترکیبات در شود تا الفاظ صلاح بر فساد بیفزاید و عدد عاصی و [illegible]
والاسمی نیکو بوده است خواه من حیث الطبعه و خواه من حیث الحروف و این شیوه در طب الاعمال تمام است زیرا که هم چنین که طبیب حاذق
مزاج شخصی که غلبه حرارت باشد [illegible] ملایم او را علاج میکند تا حرارت در طبیعت او رضا دهد کند در این اعمال
همین نوع است و در شرح و خواص همین نکته که ایست نیک در باب که اگر هرچند در این عمل سهو کرده باشی و این دقیقه را نداشته
[illegible] در اثر علت بر خطا است چند که [illegible] در این باب که از آنها یکی از انبیا است اندکی در این دقیقه عامل شده باشد که
در آن در این علم کوشیده اند [illegible] از این کل [illegible] ایشان [illegible] با وجود آنکه این حقیر بوده اند [illegible]
برداشته هنوز انعقاد او از این شرح باقیست که شرح [illegible] بیاید که [illegible]
صلاح حال و رایت که این نوع کسانی که در این علم صاحب [illegible] آن جهت که ابن در وقت خود
سه صفت قاطع در محل خود [illegible] و این دو شق [illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
جهل جو ظلم و جهل [illegible]
متخلع شده بصفت انسانیت و اطوار ملکیت موصوف شده باشد حالا از این سخن کوتاه کنم چنانچه گفته اند سخن بسیار دانی
اندکی گوی یکی را صد مگو صد را یکی گوی [illegible] در این فصل گذشته مرقوم شد [illegible]
[illegible]
قال [illegible]
از قید [illegible] چنانچه فرموده اند بیت [illegible]

کسان منکر را احسان خویش دید و فرو بکر بیان خویش در دیگر جای دیگر بیان شده که بیت تمام و سخن نگفته باشد عیب ١٦
هنرش نهفته باشد پس بدین واسطه که شرح داده شد این در این نسخه کردن مراد آن بود که حضرت ... اشتر ... مقام
لوح ... نخواست که بعضی از عزیزان در دقیقه مطلع باطن باشند بلکه ایشان را ارشادی بود در قواعد معرفت این علم شریف
اکنون امید بکرم عزیزان السنکه مسعود اللسان اگر سرزده باشد از این ده اصلاح بپوشانند و از بوالی مباحث که کفته و نفقه
مانده فقیر را بعد دعا یاد کنند و کفه حضرت قدوة المحققین شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی قدس سره منظوره دارند که بیت فهم سخن
گر نکند مستمع قوت طبع از متکلم مجوی فسحت میدان ارادت بیار تا بزند مرد سخن گوی گوی امید که سبحانه و تعالی این پرده که
بکوی آن نظر نامحرمان پوشیده دارد بمنه و کرمه ختم این فصل بمقتضای خیر الکلام قل و دل در چند بیت معتبر مناسب مینماید لمؤلفه
نیکی همه در دو فق جمیلست و جمال مانند بدی که در جمیل است و جلال در این دو طریق شوق اضافی بکیر تا پنجه و دید شود
هویدا زفعال در دو فق مربع و مثلث هر باب بیکار بوقت و ساعتای بیک خصال با این دو عدد بهر پنج خواهد بود هم
میکن و بیکاره دو وقت جمال در لوح مربع و مثلث اسما مراد پدید کرم مبارز مقال و آنگاه بیوی خوشی تا خوش میکن
معانی بوصال جز با اعمال چون باشی باینقدر فراموش مکن در وقت دعا عیان پنهفته حال بر عکسان بپوشی تا مانکه چون
این نسخه را بحد رسید این فقیر اولی دانست و دید که زبان در کام کشیده قلم تحریر را ز دست بینداز دو بمقتضای من صمت نجی عمل نماید
لیکن چون فصول گذشته مطالعه بعضی از عزیزان رسید بکی از این عزیزان ... گاشت و این فقیر بر این داشت که باین فصول
گذشته اضافه نوایق نماید پس بنابر خواست آن عزیز عنان اختیار را بدست ... گذاشت تا بعد از این نسخه را خود این نسخه
باشد از اعمال الواح عددی و تکسیری و قواعد دعوت اسماء والتی یعتبر فی ذلک مفصل با خبر صحیح اوراق بتحریر آورده و در این
ماب از ارواح مطهر حضرت رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین اسد
الله الغالب علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام و حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین الی یوم الدین استمداد همت
بتحریر آن مشغول شد امید که الله سبحانه و تعالی از سهو و خطا محفوظ دارد بمنه و فضل جوده والله المستعان و علیه التکلان
لمؤلفه این نسخه چو یافت تا بحد انجام از صدق اصدقی بین بانجام کی تا در عیان بپاک ضمیر از دل بود اعمال که این نامه
تم الخیر والسعاده

فصل پنجم

در شرح و فواید لوحی که مشهور بخاتم سلیمانیست و قواعد کتابت
الواح سه در سه و اسرار عدد آن بتوفیق الله الملک المنان بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

رباعی یا رب در کی از غیب بروی بکشای لوح دلم از نقش و سادس بزدای دارم چو عیان ببدرت نتیجه امید تا مقصد
صدق راه حاجتم بنمای بدان ایها العزیز که اولاد حق که قابل عمل تام است از الواح عددی لوح سه در سه است که بعضی از وی ... ×
من وجه و مضره آن قبل از این سخن بخیر باشد و خواص این لوح و حروف آنست که صاحب بیوت این لوح را از خیر فقیر بر تحریر ...
است و بسیاری از بزرگان در خواص این لوح و حروفات آن نسخها ترتیب داده اند و رسایل نوشته اند اکثر آن از عالم ...
هر کسی که اندک اطلاعی بر اسرار حروفات و این عدد باشد و رساله و نسخه در فواید آن ترتیب دهد هنوز اینجا مقصودات
در پرده سر بالخفا خواهد بود و کسی نخواهد آن پرده را بکشاید الا با بتجدید قواعد و بعضی نکات اضافه بر آن که هر کس را آن
حکمی غریب ضبط شده تحریر آن نا چار است و بجهت فهم مبتدیان و تعلیم متاخران این فقیر هم در این باب چند کلمه مسطور ساخت
امید که موافق طبع هوشیاران باشد و بالله التوفیق و علیه التکلان اولا بباید که اعداد حروف ابجد را بجای خود ثبت کند
بنوعی که عدد در فق پنج باشد و حاصل آن عدد پانزده باشد و بیان خاصیت چند ذکر میکند از جمله آنکه جهت فتوحات از یمین تمام دارد
از این قاعده سم میکند ٣ ٢ ٢ و حروف آن سه بدین نوع است ب ا د چون و فق تمام که عبارت از اعداد و
اضلاع باشد از وی ظهور عمل رسد این لوح را موافق می خوانند و الا آن خاصیتی که موده از خالی نخواهد بود بعضی

از حروف ابجد و هوز لوحی ترتیب میدهند بطریق خاتم سلیمانی و از حروف مذکور با از عدد حروف مذکور بسیار
و آن متضمن بسیار فواید هاست و در سرعت اجابت از لوح سه در سه اسرع است و وفق این لوح چهار ده است موافق و وفق
و عدد رفعت هاست موافق ابد و مساحتش بیت و هشتاد است که عدد ابجد تمام است و در مرکز این لوح هر عدد که خواهند
میتوان نوشت که بوفق درست آید فاما این لوح هم چون در اصطلاح وفق بیاورده این را هم موفق بهند اند و لیکن خاصیتش خالی
کم کفته شد و این لوح موشح مثلث است که در صورت شد پس برآمد و بخاتم سلیمانی معروف و شرح خاتم مذکور از تحریر
بیرون علی ای حال صورت لوح مذکور بدین طریقت فاما از این کشاده تو میباید کشید تا عدد
مد عادوان توان نگاشت بدین صورت و در این لوح هر عدد که خواهند میتوان نگاشت که
عدد در این لوح نهباشد زیرا که قاعده این لوح انست که خانه اخیر که میباید داد که عدد مدعا تمام
باشد تمام است و این لوح صحیح مبارکست و صاحب وقوف را در تصرف این لوح اگر فهم تیز باشد
که هر عدد که باشد عدد را از دو این لوح چون میتوان نگاشت در این نوع هم میتوان نگاشت
که عدد وفقش دوازده باشد و در عدد هفت باشد و مساحتش همان
بیت و هشت باشد که تمام حروف ابجدیات بدین صورت
غرض که تصرف در وفق این لوح با انواع میتوان کرد و هر این مربع
را هر کس که با خود داشته باشد بشرط آنکه در ساعتی مناسب مرقوم شده باشد به ...
برکت و حفظ بود و اگر در میان امتعه و اقمشه از بهر قطاع الطریق محفوظ ماند و این خاتم را در شرف ... و بعارف
جمیع کواکب میتوان آورد و نیکو صاحب بیوت سعد است و خانه مرکز این ب تعلق دارد و با قی بیوت بر باقی کواکب فافهم
و اگر خواهند که عددی در این لوح مرقوم شود که ما فوق چهارده است وفق او باشد اگر خواهند جمیع بیوت وفا کنند در جمیع بیوت
اضافه باید کرد و الا که خواهند جمیع بیوت وفا نکند از اینکه را اضافه در مرکز باید کرد که بکار برند که در وفق مدعا درست می آید
در ضا عددی میخواهیم که با بیت و وفق او باشد که وفق و مجموع است لوح را بدین دستور میکاریم
و اگر شانزده هم خواهیم که باشد عدد مرکز بر او می نهیم یا اگر بخانه چهارم یکی هم افزاییم تمام میکنیم
و اگر خواهیم که عدد وفق جهل و پنج باشد که عدد آدم است و عدد عدل را پنج باشد که عدد حوا است و عدد مساحت هفتاد و پنج
باشد که عدد ملک است بدین طریق نوشته میشود و اگر خواهیم که هفده عدد وفق او باشد از خانه اول تا
کرده با نطرح میکنیم و از نه جای عدد نماند تمام میکنیم بدین دستور و اگر
خواهیم که هیچ عدد وفق باشد همین عدد را یکی در مرکز بیفزاییم که تمام است و قس علی هذا و اگر جهت
طالب و مطلوب عمل کنیم بنوعی میکاریم که اعداد تمام باشد در هر دو شق خواه موافق و خواه مخالف حالا بیان نمودیم این فقیر
مؤلف این لوح را بنوعی میکارد که تمام اصحاب وقوف هر عمل که خواهد از روی آن تواند کرد فاما نهایت و هزار نهایت که کاملا
مرکب این اعمال قصیده را مشروع شود و از نقاده حق و حساب بیرون نرود و در رعایت تخطیط با ربع تمام و تقریب رسول خدا و غضب
صاحب ذو الفقار نگردد باید که صحبت این فقیر بمولف را منظور بدارد والعهدة علیه زیرا که اموز نجح صحیح معرفت نزد بعضی اعتراف
اکنون فرض نمایم آن ط و مط علی هذا و مثل منظور است اسم اینجا هم چهار در مرکز لوح نوشتیم و اسم ط را در خانه لوح نوشتیم
و اسم مط در سر خانه دیگر و اگر خواستیم عدد بر او اضافه کردیم و اگر نخواستیم نکردیم و در وقت این عمل وقت اجتماع بین این است و ط
لوح را با خود دارد که بطلوب مناسب او غربت یعنی مشغول شود و مط را مسخر خود کند و در وسط لوح مذکور نام اینجا هم جمعا با غیر
این اینجا مناسب بعضی مدعا اولی تر باشد باید نوشت فاما در نوشتن باید نوشت که اسماء را در خط با هم نگاهدارد با موعضی ...

١٧

وقت در ساعت زهره و در روز مشتری یا عکس این که در روز زهره و ساعت مشتری باشد می باید
نوشت فاکی اجتماع مزبور منظور بدارند در وقت نوشتن باید که قمر ناظر به زهره باشد با مشتری
یا به نظر مثلث یا تثلیث و همچنین ساقط از طالع و در عمل عکس محبت ساعات عکس این ساعات
عکس این باید نوشت و مطلوب اسمی را ثبت بکند بکر باید داد و اینها با اسمی مناسب آن مرکز
باید نوشت و العاقل یکفیه الاشاره و هذا نسخه محبت و اسما و قسم العزیز این است بسم الله الرحمن الرحیم اقسمت علیکم یا خدام
هذا اللوح الشریف بالاسماء الحسنی و الجود و الجزان ان تحرکوا و تهیجوا روحانیة السکندر فی قلب علی محبت بحق الله البارئ
الجلیل الدائم الهادی الوهاب الزکی یا خدام هذا اللوح عجلوا عجلوا بارک الله فیکم و علیکم الرحیم در این لوح دیگر بخان هست
به همین اکتفا نموده چند لوح دیگر از این قسم به سبیل تفنن نگاشته می شود بدین طریق

بر صاحب بصیرت پوشیده نیست که تصرف در این الواح چند نوع می توان نمود دیگر شروع در لوحی می نماید که صاحب دوازده
خانه باشد و صاحب فواید بسیار باشد اول آنکه بعدد نظم طبیعی باشد عدد عدد اش سیزده است مطابق اسم احد و نقش
مثمن و ششم است بعدد اسم طاهر و صاحب هشت و هشت است بعدد اسم حکیم و عدد پوتش دوازده است بعدد
بروج افلاک موافق با حروف کلمه طیبه لا اله الا الله دیگر آنکه قواعد عظیمه مضمر باشد به نوعی که دوازده اسم از اسماء الهی که مشتمل
هر اسم بابی باشد نگاشته می شود بدین نوع
چون بعضی از الواح عزیز و قاعده نگاشتن
آن مسطور شد شروع در لوح سر در سر
و اسرار خواص آن می رود که آن لوحیست عجب
عدد تمام و وفق تام معدان العزیز که اکثر طالبان این علم بیابند و حکمای قدیم
هم در این معنی بیان کرده اند که نوع احادی که مثل لوح سر در سر بیافت در دهر عملا اثری تمام دارد و هر کسی این مثل را برای
خاص بیان کرده اند و چنین گفته اند که هر کس که اسرار این حروف و این را دانست و از قواعد و اصطلاحات با خبر شد او را حاجت
به هیچ لوح دیگر نیست در اصول این وجوه و مقصود کلی و جزوی از این تحصیل می رسد شرط دانستن اوقات و ساعات و اعمال
سخن در است لیکن موقوف بر بسیار ریاضت و وقوف تمام کرد در علم نجوم داشته باشد طبایع حروف و قواعد مختلفه که هر کس شرح
داشته اند دانسته باشند و الا بی شبهه قولی با سوره کرده باشد لوح بکار برند و مدعای خود را از خواهد فعل بخشد
آید بلکه باعث پریشانی خاطر خواهد بود و اینکه جمعی در این عمل خود را عامل می دانند و از آن میدان که قد یلاقوا و باتوا و انداختم
بانداو اجابت کردم سببش آنست که این فعل خیثان است و میکبان این اعمال جمع حیثیت و جمعیت علت آن است و از آن جهت به تحقیق
هم میرسد و الا آنکه جسته دا بکنند یا بستر را بگشایند یا بیماری را از مرض نشفا رسانند کاری بس مشکلست نه برکرد عمل و حاجات
طبیعت است و تا عامل را مناسبتی با ایشان حاصل نشده باشد عمل او اثری نخواهد بود و این معنی بسیار واضح است حالا کسانی که مجرد
نقاشی که در این علم دانسته اند الا ماهر مشد و ماهیچ از اثبات قادر بر این نیست که توانند مریضی با علاج او و علاج کرد و این
سبب فی استحقاقیست غرض که دانستن اسرار این لوح و این اعمال موقوف بر ریاضت و در بند غرض نبودن و بغرض کار نکردن تا

و سمعی ... بند

سمعی رخنما بد و در و حاجات طبید را دعوت کنند اجابت نمایند و این فقیر مؤلف بر آنست که کاهی که خواهند که متوجه این اعمال
شوند اولا قبل از شروع در اعمال یکدوره قمر ریاضت باید کشید و آن وقتیکه قمر در منزل شرطین باشد باید بنیاد نمود و
و در بیست و هشت روز نیست و هشت حروف را دعوت صغیر باید کرد زیرا که دعوت و بسط و تکسیر این شوار است و در هر
روزی که حرفی را دعوت میکند اسمی از اسماء الهی که افتتاح آن اسم همان حرف باشد بعدد حرفی باید خواند و بعضی باید شوق
و این دعوت را الا للعزیمن باید کرد تا مکرر تسبیر و حاجت حاصل شود و بعد از آن اگر شروع در عمل کند ممکنست و الا فی این دعوت
چندان مفید نخواهد بود و قاعده این دعوت در نتیجه الالواح که هم از تالیفات این کمترین است مشروحا گذشته بتکرار نمی پردازد
و در اول این کتاب و اشاره این کتاب اند کی اشاره و اجمالی بدان رفته حالا قبل از شروع در نگاشتن الواح از اسمای که به وفق
حضرت و احادیث منقول در کاس مسدس ترتیب داده می شود تا صاحب خفقان قلب چون بدان مواظبت نماید و مداومت کند
از علت شفا یابد و این عطیه از برکت روح پر فتوح حضرت رسالت پناه محمدی است صلی الله علیه و آله و سلم زیرا که اسم طه
با حضرت منسوبست و سر دیگر مثلث که گفته شد عدد و ثبت از آنها اعظم که قبل از این فی الجمله شرحی بر آن گذشت و کاس مسدس
همان شکل خاتم سلیمانیست که اکثر چند مرتبه از پیش نگاشته شده و عدد این لوح هشت عدد است که جمل صغیر این است و این
کلمه اسمیست که بخاتم البینین متعلقست و در هر دو کلمه که طه و یس باشد اسم حضرت امیر المومنین علی ابن ابوطالب علیه الصلوة
والسلام هم مخفیست و شرح این مبسوطات در رساله اسرار التوحید این فقیر نوشته ام اینجا احتیاج بتکرار نیست و در این نسخه
غرض خاصیت لوح است که نموده شود و بمقتضای مثل نوره کمشکوة فیها مصباح این لوح که بخاتم سلیمان فی مشهور است
انفع و اسرع از جمیع الواح عددی و تکسیریست و در وقتیکه قمر در منزل شرطین کامل النور باشد و ناظر بیکی از سعدین یا
واقع باشد بین السعدین این لوح را باید کشید به نوعیکه خطوط الواح هر چا بکلمه طه باشد چنانچه نموده خواهد شد و در دو این
در محیط لوح مذکور هم باید کشید که میان دائرتین فاصله انقدر باشد که سطری در میان توان نوشت و ابن الله نور السموات
و الارض و در میان دائرتین باید نوشت عنبر و زعفران و گلاب و اسم نور در اعداد خانه های لوح باید نوشت با عدد
از ایام اعظم و در وقت نوشتن بخور یکانی باید سوخت و اینچه مذکور شد در لیالی که ز اعداد النور باشد تا وقت بدبهر شب
معین که از عدد نور است باید خواند و اسم نور را بهمین عدد تکرار باید کرد و در لیالی که قمر ناقص النور است ذکر لا اله الا الله
باید گفت که فایده کلی می بخشد و اگر احیانا
صاحب دلی را رفتنی شود که بدین نوع که
گفته شد مداومت نماید شرط با مجره کرده نظری
و لفقره حلال و احتراز از نامشروعات بواسطه
این ذکر با آنکه فتوح چندان اثر در دل نخص
پیدا شود که بنج راست نماید چنانچه هر چه
از نظر غیب بعت کرده شد علی عجیبی و مستوره شد
و فتوحات از برکت فتوحات ربعانی تحقق
شود ان شاء الله و ایام آتی به نهی مراتب
دولت ناهی عجیب عیانی این جز اخبار خلق
هست عجیب بود که تجدید توفیق یاد بکند که تا تو دانی
برین موزونات عجیب و انموزج لوح مذکور این است

٦٨ و این لوح را اگر بر نقره نقش کنند بوقتیکه گفته شد و با خود دارند بهتر است و اگر ممکن نباشد بر رق آهو یا کاغذ ختائی
رقم زنند و اگر این هم میسر نشود بر صفحه کاغذی پاکیزه بمشک و زعفران رقم کنند و بعلاوه اسم نورونا بعدد مذکور مشغول شوند
که نتیجه کلی میدهد انشاء الله تعالی اکنون چون بعضی از الواح خاتم سلیمانی و خواص آن نوشته شد شروع میرود در نقوش
الواح سه در سه و اسرار آن بدان ای عزیز که کاهی که خواهند که مدار جمیع اعمال جمالی و جلالی بر این لوح است و حکما و علما
از همین لوح در گذشته اند و هر اراده جزوی و کلی که منظور داشته اند از همین لوح بعمل آورده اند و بغایت رسیده اند
و قواعد اعمال آن موقوف بر بعضی از اسرار این لوح است که بیان شد و الا بمجرد تقسیم و تقسیم آن فایدها باکثیر صورت نمی بندد و لکن
قاعده آنست که از حروف احادی که صاحب بدوح شعر این مربع است تکسیر نماید بطریق بسط و ... و از آن اسما استخراج کند
و متوجه عمل شوند و حروف شعر مذکور و مصدر راس کهیعص و حمعسق است بنوعیکه حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین اسد الله
الغالب الامام الهمام علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام فرموده اند که چون حروف شعر تکسیر کرده شد ازین مفتوح باید
ساخت که اسماء ملائکه و اسماء اعوان بوده باشد و طلسم العلوی از آن بیرون توان ... و قسم علی کهیعص و حمعسق باشد و غیر متفق
و آن مرتب دارند و بتحریر آن نپیوندند ... اسماء مشغول شوند و در ساعتی مناسب بعمل مطلوب عمل کنند تا بمدعا حصول رسد
و این نوع عمل نسبتی با دیگر اعمال ندارد و این در کمال صحت و در غیبت مصحح است ... عبارت مثل بر ...
ذلک که اختلاف بسیار در الفاظ آن هست و هرکسی از معنی آن تجرید این علیت که چون بخط اهل وقوف میرسد ...
مشهور و قاعده را در هم باید اگر اجابت حاجتی بهوی در اعمال واقع شود از آنکه نتوان نمود و ان ... اعمال بیشتر
اگر دانسته باشد بیاید و این فقیر موافق این قاعده را به همت امیر المؤمنین امام علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام در باب
و حرف کردن این قاعده هست آنکه در هیچ عمل احتیاج باسم ط و مط ندارد که داخل لوح کند از آن جهت که حکم مطلق
بر دو حامل آنست که بیخ مدعای صاحب عمل باشد و دعای ... و قرائت عزیمت از آنکه ایشان طوعا و غیر متوجه ساختن
آن مهم شوند و در این عمل اکثر مواضع از دست نتوان داد و الا بیم هلاک عامل است هرچند که عامل صاحب با قوت باشد بلکه
مطلقا در نتیجه عمل نباید کرد چه اگر نسبت بخصمی یا عدوی بدی خواهند بمقتضای جزاء سیئة سیئة مثلها مقرر است و ...
صاحب علم گفته اند که متوجه عمل بد نباید شد که حق تعالی غالب و مشتق است و براو هیچ پوشیده نیست و جزاء عمل هرکس میدهد
و حضرت خواجه حافظ شیرازی قدس سره مناسب این معنی بیان کرده بیت کار خود گر بخدا بازگذاری حافظ ای بسا عیش که
با بخت خداداده کنی علی ای حال اکثر حروف شعر و استخراج اسماء و تقسیم حروف بر کواکب مطلب العمل و حالات و اسماء
اعمال جمالی و جلالی اینست و اسماء قسم لوح سه در سه اینست کهیعص حمعسق و طلسم الکواکب که تعلق باین لوح است
سدخ دی مل بب دائره سیر این نوع است که مسطور شد آفتاب روز یکشنبه الطهر و مجد لب
ابجد هوز حط قمر روز دوشنبه بالطهر و مجد مریخ روز سه شنبه مجد بالطهر عطارد روز
طاح ب ز ج و د ه چهارشنبه و بالطهر و مجد مشتری روز پنجشنبه هزمجد باط زهره روز جمعه و مجد بالطهر
هط د ا و ح ج ب ز زحل روز شنبه ... راس روز یکشنبه هد بالطهر و مجد ذنب روز سه شنبه
زه ب ط ج د ح ا و الطهر و مجد بالطهر شنه الطهائیل زوجائیل حدبائیل طهزائیل و مجائیل دبائیل
و ز ا ه ح ب د ط ج مهائیل اسمای اعوان اعمال جمالی اینست هطاهوش جوزهوش بدجوش زهطوش
ج و ط ز د ا ب ه ح مجوبوش اهوبوش ههوش و طلسم العمل جمالی و عطایات اینست طاحی زحوه
ه ح ه د ب ط ز د هطبه ادیج بوزه بطهد حاوه زاهج بدجلج جبطه داهر مجهد و طاه
د ح د ج اه طو ب زجاو طوبیه دحطه زهحاه اطهون نیابد که اسماء اعمال جلالی نوشته میشود که
ب ه د ح ط ز ه ج ا
ا ب ج د ه و ز ح ط

بواقی ان موقوف فهم المطیش زوجطیش حدیطیش طهزطیش و مجطیش دباطیش مهطیش بدان ایعزیز
که این حروف شعر چهار مزوج اند و چهار مفرده و در عدد مساوی بیکدیگر اند و حروف وسط این حروف شعر که صاحب
مربع مذکور است اگرچه مفرده است اما شرکت میان اعمال جمالی و جلالی چنانچه برهرکدام اضافه شود تا نتیجه عمل بواسطه او ست که
مفتاح اسم اعظم الهی است بلکه خود اسم اعظم است از آن جهت که جمیع مخلوقات محتاج اوست که عدد حروف واو باشد و از ترکیب مفرده
حروف اسم هو ظاهر شود در همین حرف ه در مربع لوح سه در سه رابع ... اعداد ... تعدد اشرفیت دیگر آن و مفرده
محتاج بسیط و مزج آن بخارج حروف نیست و ظهور تجلیات الوهیت و الکلیه منحصر است در هیچ حضرت که از آن حضرات حق بنیاد متعالی این عدد
حروف مذکور است و از چهار حرف مزوج حروف شعر کلمه بدوح که اشاره بحب و وجود است ترکیب میباید و چهار حرف مفرده
این کلمه طهزجا و بعضی که حروف مفرده این لوح را بلفظ اجهزط میخوانند از این نکته بیخبر اند که در لفظ طهزجا چه سر هست و اگر حرف
داخل حروف مفرده مذکور شود طهزجا صورت میباید و چون داخل حروف مزوج شود اسم هو و از ترکیب ظاهر شود و میزان
مجموع حروف شعر و تقسیم طبایع آن اینست که مزوده شد و دیگر چهار حرف مزوج که کلمه بدوح مرکب از آنست و در اعمال جمالی است
بنوعی باید کرد که بیت و چهار کلمه که بعضی گویا ناف
نظهور باید تا هر کلمه از کلمات ساعتی از ساعات
شبانروز متعلق باشد بترتیب و دیگر حروف مفرده
که کلمه اجهزط از آن مرکب است برعکس باید کرد تا هم
چنان که از زمامات حروف مزوجه کلمه بدوح طالع
شد از زمامات حروف مفرده کلمه طهزجا ظاهر
و صورت تکسیر حروف مزوجه که مذکور شد بدین
نوع است که در اینجا نوشته میشود تا بر طالب
آسان باشد در یافتن آن و آن تکسیر اینست
و بر هوشمند ظاهر است که بهمین نوع باید کرد

٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦
ب د و ح ب د و ح ب د و ح ب د و ح
د و ح ب د د ح ب ح ب د و ح ب د د
و ح ب د ح ب د و د و ح ب د ح ب د
ح ب د و د ح ب د د ح ب د د د ح ب

١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤
ب د و ح ب د و ح و اسمای این تکسیر را بطول بهم باید داشت که بخوانند و مجموع این اسما
و ح ب د د ب ح و بیست و چهار است متعلق به بیست و چهار ساعت شبانروز و نه عدد بجلال و نه
ح ب د و ب ح د د کواکب سبعه سیاره و تکسیر طهزجا هم بدین نوع باید کرد و حسب اعمال جلالی
د و ح ب د د ب ح و حاجت طرد العکس نیست زیرا که تقطیر طرد العکس است و در وقت
این تکسیر بنوعی بر عی شد که هرجا لفظ بدوح در سر هر سطر این سطور و اول تکسیر بحضار است و این نکته باید گفت و اسما جلالی
از این تکسیر شد و حاجت بتکرار نیست صاحب وقوف تحقیق نتوان اهد بود لو الفهم که بیاد داشته اسم بیشک ...
و کتاب بدین چه اجابت روحانی دعوت و عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم با ملائکة الموکلین لسر حروف الابجد
یا الطهائیل و یا زوجائیل و یا حدبائیل و یا طهزائیل و یا مجائیل و یا دبائیل و یا مهائیل ان تعجلوا و حاجتی السالکین

19

فی بطون سکان هذا البلد ذکورا واناثا وصغیرا وکبیرا علی محبتی ومودتی بحق کهیعص حمعسق عجلوا یا اعوان الملائکه

یا صطایوش ویا جوذ بوش الی الحب الاسراع اقتضوا حاجتی بحق بدوح وبحق اهیا شراهیا وبحق هذه الحروف الطاهرات طاجب زجهود

ههطید الاحد العجل العجل الساعة الساعة الساعة بارک الله فیکم وعلیکم اما بدانکه این عزیمت لوح اصل است که مجموع

حروف متعدد آن باشد وعزیمت لوح جمالی ولوح جلالی عزایمست از رجال الغیب بدان رضوان الله دو محل لوح است نزد جوف

مشاعفر دیشا تابلی واسماء اول آن اسما ابشت الهطیلس الی آخرها اکنون عمل بدین لوح واین کیفیت واشیب تفهم ودانش ودقیق

عامل است زیرا که این عمل مخصوص اکثرواست که او صاحب ریاضت بوده باشد ومتقی و پرهیزکار باشد ودعوت حروف نیکو کرده باشد

والا که بدین صفت موصوف نباشد ومتوجه این عمل شود خواه در اعمال جمالی وخواه در اعمال جلالی بزیان خواهد رسید بلکه خطرها

هست تابلی واسرار بسیار دارد این عمل مندرج است وافشای آن باعث تضییع این مؤلف میشود زیرا که مبادا نفسی بشطری ناافشایی

برسد وعمل باصواب مرتکب شود واین فقیر باعث آن شود اعاذنا الله منه که شخص که است بکرو من است مبت مبت شیر شاه محب

علی دلی که نسبت دوداد این جوجعت ابلیس زمین بوحه بجوع ابلیس هزار ضیغ خفی وهزار ضیغ جلی هر آینه که در این علوم

دکران عمر خود برعم ناپسندی ودعلی اگرچه بعلم ودیر طریق بود لیکن در این طریق ندادم طریقی بعملی منکم علام علی عملاقد

عبا ایشم من وشهود در وکلای علی بیان ای عزیز که دعا جمالی جند عمل بیان میکند وقاعده آن مینماید تا آسان باشد بجا آورده

شود مانند براینان اول آنا باید دانست که هرگاه که عمل جمالی میکند لوح را چنان رقم باید زد که هر طرف از حروف وجه در محل خود نبود

شود ودر مرکز آن که محل حروف هاست اسم ط و هط اضافه باید نمود که در میان دایره حرف ه بنویسند بلکه اشاره امر وج

ومتصل در میان ومتصل در میان هاء وسند ببرقم نشود واگر اجبا تا لوح را در کل رقم نمایند حرف ه را منتفی در باید نوشت که

اگر عمل جمالی مشغول شوند باید دانست بطرف راست حروف مذکور نظر کنند وانداز وی بسط خاطر بهماوا دو ضمیر کیفی رانند و اگر بعمل

جلالی مشغول باشند باید بجانب چپ نظر مربح حروف مذکور نظر کنند از روی قبض خاطر وکلالت ونهاد او مغمور کیفی رانند مبت این

این دو راز مسیاق درباب وباد مهداد کاین کتابت تا رک در انتظام این کار اکنون عمل جمالی باسم محمود محمود در لوح بدوح بجهت

رقم کرده رقم کرده میشود واسبیح از دوی این امور نیچ جان واعمال امری توان یافت واموز نیچ اینست ٢ح٢ د ٢ح ٢ ودد اسم

وامر نیچ باید کرد ٢ح٢ح٢ ودد حروف اسم که مرنیچ شد متصل باید ساخت بدین طریق محمد ودود وحروف متصل را

در میان حروف آن که در مرکز لوح مذکور است باید نوشت وحروف بدوح را بنوعی که در این لوح نوشته شد رقم باید کرد که بسبیل

شماره بیوت هر کدام در محل خود واقع چنانچه خانه دوم حرف ب که قمر دو چهارم حرف دال

وششم حرف واو ودر هشتم حرف ح وحرف ه در مرکز که خانه پنجم است بجای خود واست و

مداد در فوق بیاورد آنچه با وضع شود خواه که این دو اسم ممزوج باشد وخواه عبارتی دیگر

یا اسمی دیگر از اسما الهی یا آیه از آیات قرآنی دو دعوی وست میابد ولوح کلیا شرایطش ورست

خواهد شد بعد از این وبعضی عبارات واسماء حسنه بهم دو چه دعا که مجموع حروف هر یک بنه

حرف بوده باشد علیحده رقم خواهد شد ونرخش سطوری خواهد گشت وعمل بر آن عبارات و

آن اسما بنوعی مذکور خواهد شد که لطف آن بر ارباب این علم باشد وبالله التوفیق اکنون بدانکه این حروف تسعه اعدادی نزد علمای مغاربه

چنین معتبر است که ا ه ط آتشی وگرم وخشک است و ب و ح خاکی وسرد وخشک است ودر خشکی ترکیب و ج ز هوائی است

گرم وتر و د ح آبی است سرد وتر ودر تری شریکند با هم وحروف بابیه نزد ایشان اینست ا ب ه و ط وحروف رطبه

ج د ز ح ولوح بدوح را در عددی ودیگری چنین رقم زنند

واشکال ایسر دو سر دولاب

هر نمط چنین قسمت کرده اند که سطور اول الواح در هر فصل اینست

صیف خریف

خ ا و و ذ ب

سطر اول

ستا ربیع واشکال طلسمی در لوح سر دو سر اینست بتقاطع مطبق زیج واح وسطور این اشکال طلسمات این ب ط د

د ٢ ط ٣

سطر دوم ه ط د ح ح

سطر زیج ج ب اح وعزیمت معیری بتقاطع الشان وتقاطع بوناپان در لوح سر دو سر بنحو که سطور مقرر میخوانند

٣ ٢ ٣ ٣ ١

اول آنکه در هر خانه از خانه های لوح مذکور که عدد بهشت اسمی که با آن عدد مناسبت دارد بهمان عدد میخوانند چنانچه در خانه

اول که یکبار میخوانند که آه آه آهیا آهیا ودر خانه دوم که عدد بهشت دو بار میخوانند که نقطریال نقطریال ودر خانه

سیم سه بار میخوانند جلیش جلیش ودر خانه چهار چهار نوبت میخوانند دمیال دمیال ودر خانه پنجم پنج نوبت میخوانند که هطلوش

هطلوش هطلوش هطلوش ودر خانه ششم شش نوبت میخوانند که والوهیم والوهیم ودر خانه هفتم هفت نوبت میخوانند

که نقطاییل نقطاییل ودر خانه هشتم هشت نوبت میخوانند که حدایتر حدایتر ودر خانه نهم نه نوبت میخوانند که طفیال طفیال

وعزیمت آن اینست شهقاب تیغاب هیلوب بهیلیا وبالطوب طاطوب طاطوب طاطویا طرشی طرشیایا طرطروش مرش

علمرش توکلوا واسرعوا یا ایها الروحانیة بحلیب ٢ الحب ٣ وبرجای این مقصود احتیاج داده باشد ذکر میکنند مثل توکلوا بتحبیب

فلان بن فلان من فلان مکان باشرو توکلوا وتحرقوا قلب ٢ وجمیع ساکنین هذه البلدة فی محبتی ومودتی باشرو توکلوا وتحرکوا

روحانیة السائر فی بطون ٢ ٢ علی محبة ٢ ٢ اسرعوا واجیبوا طائعین العجل العجل الساعة الساعة الساعة وبعضی دیگر چنین

را بتقاطع سطور مربع سه در سه میخوانند که مثلا اگر لوح بدوح عدد ١٥ باشند نقطریال نقطریال طاطوش طا

طوش دمیال دمیال منه بال منه بال هاموت هاموت جرایال جرایال واه واه ایه ایه حدایتر حدایتر اجیبوا باحکام هذا اللوح

وتوکلوا بحق هذا الباب وهذا الرجال وهذا مثل ذلک هر ایامه که دو داشته باشد میگویند ودرآخر میگویند که اسرعوا بحق بطد زهج واح

وبعضی که لوح ابجد را در حل عمل میکنند دو دایره عمل آن اسماء ذکر میکنند هر اسمی هفت نوبت تکرار میکنند واسما اینست ایه

ایه جلیش جلیش هطلوش هطلوش نقطاییل نقطاییل طاطوش طاطوش باحکام هذه الاسماء توکلوا اقتضوا حاجتی کذا و

کذا افعلوا ما تؤمرون ودر مربع بدوح که رقم میزنند این اسما را تکرار میکنند هر اسمی هفت نوبت نقطریال نقطریال دمیال

دمیال والوهیم والوهیم حدایتر حدایتر توکلوا باحکام هذه الاسماء وبحلیب ٢ ٢ الحب ٣ اسرعوا اسرعوا العجل العجل الساعة

الساعة دیگر بباید دانست که حروف تسعه که لوح سر دو سر از آن موقوف میشود الف متعلق بزحل است وعدد پنجشنبه ودو یکشنبه

متعلق بکوکب آفتاب بین الغراج زحل تعلق بآفتاب داشته باشد فافهم وحرف ب متعلق بمشتری ودر عدد دوشنبه

ودر عدد شنبه مخصوص قمر است بین حرف ب بمزاج مشتری متعلق بقمر است وحرف ج تعلق بمریخ دارد ودر عدد سه شنبه ودر عدد

سه شنبه تعلق بمریخ دارد چنانچه بمزاج خود نیز تعلق بخود داشته باشد وحرف د متعلق است بآفتاب ودر عدد چهارشنبه

ودر عدد چهارشنبه از عطارد است بین حرف د بمزاج آفتاب تعلق بعطارد دارد وحرف ه تعلق بزهره دارد ودر عدد پنجشنبه

ودر عدد پنجشنبه از مشتری است بین حرف ه بمزاج زهره تعلق دارد بمشتری وحرف و تعلق بعطارد دارد ودر عدد جمعه

از زهره است بین حرف و بمزاج عطارد تعلق بزهره دارد وحرف ز تعلق بقمر دارد ودر عدد شنبه منسوب بزحل

بین حرف ز بمزاج تعلق بزحل دارد وحرف ح تعلق بزحل دارد ودر عدد یکشنبه از آفتاب بین حرف ح بمزاج زحل

رابعی تعلق بآفتاب دارد وحرف ط تعلق بمریخ دارد ودر عدد سه شنبه از مریخ است بین حرف ط بمزاج مریخ

تعلق بمریخ دارد فافهم واشکال کواکب سبعه که متعلق بایام سبعه است والله اعلم علما اینست یوم الاحد

یوم الاثنین یوم الثلثا یوم الاربعا

ه ٧ ح ح ل ٥ ٥

مهمه ح ح ه عد ط مه ح ح م ٢ ا ه ٥ ق م ه ا ا ص ع ر ک ر م د ک ص ذ

م ل ق ض ذ ن ش غ یوم الخمیس ه ٥ م ط ل

یوم الجمعة وسع عمه ولاک دوں دف یوم السبت له محمو اگرچه در این نقشها دیگر

[marginal note: که اسم ...]

نیز الخلاف و بخلوص است فاما این نیز معتبرست زیرا که از روی خط حضرت قدوة الواعظین حسین الواعظ الشهیر بکاشفی
نقل شد و آن بزرگ البته درست نوشته خواهد بود و از این جهت معتبرست و در اعمال جلالی که عکس اعمال جمالیست زمانا نعوذ بالله
جهاندند و نقل تفریق منقول است یعنی باید کشید که بجای حروف طرحها رقم زنند و حرف ه متفرقه در مرکز بنویسند
و اسم کسی که هر اسمی بر حسبه از حروف ه بنویسند بنوعی که پشت هر حرف به یکدیگر باشد تا ابد و القینا بینهم العداوة والبغضاء
والعزیمة خطوط لوح باید کرد و لوح اینست و خطوط لوح تمام باید نوشت زیرا که فقیر ترک و این احتراز در این اعمال کامیست
زیرا که سنت قدما است پرده پوشی کردن اما عمل بکرد در اعمال جمالی حسب فتوحات رقم زده
میشود و امتزاج جمیع اعمال از این لوح میتوان یافت و این عمل با تمامی لوح است
و عمل بر حروف بسم الله الرحمن الرحیم است بدان ان الله که بسمله ترکیبش از نوزده حرف
که صحیح حروف آن نوزده است و یکی نیز الطاف که آن حرف ایست و اگر حروف را بدون تکرار
ملاحظه کنند ده حرفست که بیکی از فرق الطاف و مفرق نوزده است و این نه حرف نوزده را
بقاعده تکسیر صدر و مؤخر باید نوشت که نه سطر شود و هر سطری در خانه از لوح مذکوره رقم زنند با عدد خاص خویش و خطوط
لوح مذکوره تمام حروف ب بی بوده باشد و غیر از تمام این لوح اگر بسمله فرقان کشته اطلاست و اسماء الملکان این لوح اگر بقاعده که
کرده کتاب در رساله صد مذکوره است استخراج کنند نیاست و عدد اول این کتاب این قاعده را فقیر که کرده صاحب کیانست
و قاعده تکسیر مکاشفی لوح مذکور سبب نجست و تعوانی حروف و اسماء و آیات و صلوات که در اثنای الواح تعیلانهم نوشته

س م ا ل ه د ح ن ی	شد از برای هر یک مجموع نه حرف نه حرفست و بدین نوع
ی س ل م ح ا ل م	کرده حروف بسمله بنوعیه شد عمل باید کرد که یدا آیه
ه ی ل س م ن ا م ح	خدو و نقلوع که طرها العکس باید نوشت و عزیمتی که
ح م م ی ا ل ن س ب	بیشها لطین بین در اعمال جلالی باید خواند اینست
م ح س ه ن م ل ی ا	عزیمت عقید دعلی اعوانک یا ابو مره بن حارث آن
ا ی ح ل س م ن ه	تفرقوا بین ۲۳ و ۲۳ بحق من له الحکم والامر علیکم
ن ا م ر م ی س ح ل	و بحق طاعته لدیکم و بحق بر خلطوا رق تفرق غش
م ل ر ن ی ح م ا س	

خاطر خواطید قطیهود برشان موشلخ برهشلاء و شیطح فرقوا بین ... العجل العجل الساعة الساعة
و بجای ان تفرقوا اینجا ارادت است باید گفت و در راه باید گفت که اجب یا ابو مره واطع یا ابو مره و بکیه در اعمال ... هستی
دعای دعوت للدلالت بنهای جلالی این عمل که بچه باید نوشت و بچه باید نوشت تا باعث ... و صحبت ... بیابد ...
بیان است که این اعمال جلالی است فاما چونکه ... اصلا ... اعمال متوجه ... ذکر ایام ... و شرح آن
حکم به مجملی از خواص ... که از کتب ... المحققین شیخ شرف الدین ... در ... لوح
سه در سه کفتر است ... این لوح را ... رقم زنند ... اولی ... اکثر ... ب
لوح خالی باشد و آن نوشتن مط را بعنوان باشد و شکل قلب ... نوشتن ط ... باشد که
قلب مط خود و باشد و هم چنین ... سیابیر است ... خود کلمه
دالیکشد ... ایها الذین آمنوا لاتکونوا کالذین آذوا
موسی فبرأه الله مما قالوا وکان عند الله وجیها ... در باب ... که سه عدد ... آهنین سه ...
بتانند ... حجاب الوهو

وبعضی دوم

وبعضی دوم این دعیفوطوه و بعضی سوم این طعطعوه و بعضی چهارم بنظر ابرو نقش کنند و این است یس صوفی
بکشند که بکف ماند باشد و آن کف سارق تصور کنند و بگویند هذا کف سارق مال ۲۳ من فم فم
و بعضی از آن سر نوع مطر قمرا آن صورت بگویند و هم چنین و بعضی دیگر بعضا از آن بگویند و عزیمتی که
مذکور میشود بخوانند و بعضی بسوزانند که سارق را کف ... ساعد و حال بروه ... وقت و صو
کف را باید بنوع باید کشید امادر و بعضی دیگر صورت کف چنین بود و عزیمتی که
باید خواند اینست قبهوش قبر هوش هاهوش شقمهوش شقر هوش قند هوش مجبهوش شقر هوش مصرهوش اجیجاهوش
ماهوش شقرهوش بالعظیم الشدید القوی بارو ماهانا احذ کف السارق متاع ۲۳ بن ۲۳ بالقربات فلا تقبلها یا برهم
ولا یحمل که عقل هذه الاسماء علیکم و بیان ... قدوة المشایخ شیخ محی الدین اعرابی قدس سره ... فی شرح الابجد در باب
خواص لوح سه در سه بیان فرموده مسطور میشود و آن عجیب ترین است اشکال ... باسم هر که خواهند باید ... بالاطلاق
اصلا ... عنکبوت و آب ... و صورت ... خواهند ... شعر ... آن
صورت نقش کنند با این ابیات ... فاذاهم جمیع لدینا محضرون العقل یا ام ۲ بن ۲۳ قال السموات والارض ...
طوعا او کرها ... حروف ... صورت باید نوشت الراس کتف الایمن کتف الایسر کف
الایمن کف الایسر موضع القلب فخذ الایمن فخذ الایسر محل الفرج ان کان ... و بجهت تصور عضو چنین که نقش
کار کلی ... باسم ... نقش کنند ... الراس منکب الایمن منکب
جنب الایمن جنب الایسر قلب و ماحواه فخذ الایمن الی القدم فخذ الایسر الی القدم محل الفرج ... حرف عضو علی
را تراشند ... اثر ... بخوانند ... الکرسی با ابر شل ...
بخقوق فی ... بخوانند ... لوح سه در سه ... نوشتن ... باسمای مذکوره ... سوره
اخلاص بخوانند ... باعث برکت باشد ... سوره اخلاص که بخوانند ... اخلاص
باید ... باشد ... و مجرب
این عمل ... و این لوح ... سطر اول ب سطر دوم سطر سیم و بر ... سوم
لوح این سه اسم باید نوشت ... سوره اخلاص ... بیان کرده که اگر ... در
وقت ... لوح سه در سه ... سطر اول ان واح و سطر دوم زهج و سطر سیم ... باد
باشد و ... این سه اسم ... لوح قیانا و ... لوح ... و ... لوح مهمابل ... صورت
اخلاص ... لوح ... کتابت کنند لوح مذکور ... باعث برکت باشد و اگر ...
... لوح سه در سه ... باعث برکت باشد و اگر ... ملح
کرده ... لوح سه در سه ... سطر اول ... بطهد و سطر دوم ... ذیج
و سطر سیم واح و ... لوح این سه اسم ... سهول ... لوح هامایل ... لوح ... منهور و این ...
... اللهم ... قایل ... الله ... الملک المجید ...
... بالحجب العالیة ... الذی خلقهن ... الغار ...
... الله لاغلبن انا ورسلی ان الله لقوی عزیز ... بکم ... که
مربع مستطیل بکشند ... سه در سه ... باشد و حروف ... در امتزاج نوشته خواهد شد
چنان مربع ... مستطیل ... و اسم ... خواهد که این

محتجب پیدا کند یا حاجتی ازاو توقع داشته باشد در اثنای مربع مستطیل چنانکه نموده خواهد شد بنویسند و مربع را تر کرده
و در مقدم عمامه نهند و برابر شخص مذکور رود و نفس خود [illegible] است و اگر مفردات لوح را با اسم مدعی در نحاس نقش کنند و با خود
[illegible] مرض الم [illegible] فی النجوم الی سقیم [illegible] بخوانند و [illegible] کنند و در وقت [illegible] عقرب [illegible]
تحت [illegible] کننده [illegible] شود و اگر [illegible] مفردات [illegible] خشک [illegible] بنویسند و [illegible]
کرده [illegible] باشند و در وقت [illegible] بکوب [illegible] ۲ [illegible] ۴ [illegible] قواعد
[illegible] اللّه و اگر [illegible] مفردات لوح [illegible] بنویسند
و در [illegible] بخوانند و بگویند هل الجلال [illegible] بکوبند هل الجلال [illegible]
[illegible] کنند و در روز پنجم همان و در روز هفتم همان و در روز نهم همان و در روز یازدهم همان [illegible]
[illegible] و بگویند [illegible] الله تعالی [illegible] مربع مستطیل [illegible] است
و اگر لوح [illegible] بنویسند یکم سطر اول **ابجد** و سطر دوم **زحج** و سطر سیم **واح** باشد
[illegible] ساعت اول [illegible] لوح **[illegible]** و [illegible] لوح **[illegible]** و [illegible] لوح **[illegible]**
بنویسند و لوح [illegible] و صفت [illegible] آیة الکرسی با آیه مثل الذین ینفقون فی سبیل اللّه
الی آخر الآیه [illegible] لوح [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و در روز [illegible] باشد [illegible]
[illegible] دست راست خود **[illegible]** بنویسند [illegible] دست چپ
خود بنویسند **[illegible]** [illegible] دو رکعت نماز [illegible]
[illegible] حاجت [illegible] باشد [illegible]
حاجت [illegible] اللهم [illegible] الاسماء [illegible] کذا و کذا [illegible] لوح [illegible]
[illegible] باشد [illegible] لوح [illegible] این کلمات باید گفت [illegible]
[illegible] سلام قولا من رب رحیم [illegible] افلال [illegible]
۱۴۲ [illegible] ۱۴۱
لوح [illegible] ساعت [illegible] ساعت سعود [illegible] لوح را با خود دارند [illegible]
و کلمات [illegible] لوح نوشته باشد [illegible] باید گفت [illegible] اللهم بحق
هذه الاسماء و الکلمات [illegible] سطر اول **واح** سطر دوم **زهج** سطر سیم **ب طد** دیگر
[illegible] لوح [illegible] باید [illegible] باطططهیال بحق [illegible]
و [illegible] باطططهیال [illegible]
[illegible] ان تقضوا حاجتی کذا و
کذا [illegible] لوح و [illegible]
[illegible] اجیبوا [illegible]
یا خدام هذه الاسماء اقضوا حاجتی کذا و کذا [illegible] و جمیع این اعمال [illegible]
[illegible] **[illegible]** [illegible]
چنین [illegible] بسم اللّه الرحمن الرحیم اللهم [illegible] ۴۲ [illegible]
[illegible] اللهم [illegible] ۲۴۲

بحق [illegible] ان ماء من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح **ح م** اللهم [illegible] ان تقضی
حاجتی بحق **م** هو اللّه الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم **ی** اللهم [illegible] ان تقضی
حاجتی بحق **ی** یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم و لا شفیع یطاع **ع** اللهم [illegible]
[illegible] ان تقضی حاجتی بحق **ع** علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس و اللیل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس **س** اللهم
[illegible] ان تقضی حاجتی بحق **ص** [illegible] الذین کفروا فی عزة و شقاق **ق** [illegible]

ک ه ی ع ص

[illegible] و داشته کانه کرد [illegible] از اسمای کهیعص **ق س ع م ح**

و حمعسق [illegible] لوح [illegible] و در
[illegible] باشد [illegible] و مقصود [illegible]
[illegible] با اسامی کواکب [illegible] جمیع قواعد [illegible]
[illegible] **روز شنبه و شب چهارشنبه** [illegible] و ملک علوی [illegible]
[illegible] **روز یکشنبه و شب پنجشنبه** [illegible] و ملک علوی [illegible]
[illegible] **روز دوشنبه و شب جمعه** [illegible] و ملک علوی [illegible]
[illegible] **روز سه شنبه و شب شنبه** [illegible] و ملک علوی [illegible]
[illegible] **روز چهارشنبه و شب یکشنبه** [illegible] و ملک علوی [illegible]
[illegible] **روز پنجشنبه و شب دوشنبه** [illegible] و ملک علوی [illegible]
[illegible] **روز جمعه و شب سه شنبه** [illegible] و ملک علوی [illegible]
[illegible] لوح [illegible]
[illegible] لوح [illegible]
[illegible] بسم اللّه الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح **ح م** هو اللّه الذی لا اله الا
هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم **م ی** یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین من حمیم و لا
شفیع یطاع [illegible] **ق** [illegible] ۴۲ [illegible] ۴۲ [illegible]
[illegible] **[illegible]**
[illegible]
[illegible]
[illegible] الواح [illegible]
[illegible] مربع [illegible]
[illegible]
[illegible] بایدکرد [illegible]
[illegible] لوح مذکور [illegible] و اللّه اعلم [illegible] **[illegible]** [illegible] ۹

جهت دولت کهیعص المص حروفه ۹ جهت فتوحات الر حمعسق حروفه ۹ جهت ترابه حال دل هو الله احد
حروفه ۹ جهت محبت دنف عطوف نیس حروفه ۹ جهت دفع دشمن حمب جلیل ص حروفه ۹ ایضا الرمد اجاد
حروفه ۹ جهت گرفتاری مدعی خذو مغلوب حروفه ۹ ایضا مشتم قهار حروفه ۹ جهت هلاک عدو و شتق قهار
حروفه ۹ جهت شفاء مریض شافی معافی حروفه ۹ جهت عقد اللسان کهیعص حمعسق حروفه ۹ جهت حل المعقود مفتح
فتاح ن حروفه ۹ ساضلیه سقر حروفه ۹ لا تنجیون حروفه ۹ اکنون بجهت هر مدعا و مقصود اسامی که در این مثالها ذکر شد
که هر یک از حرفی تکسیر باید کرد هر کدام را که خواهند که عمل اورند و هم چنین عبارات که معبارات این نوشته میشود حروف همان
عبارات را مجرد باید تکسیر کرد که بقاعده اسماء عمل اورند و قسم العزیمت بکسی مذکور شده و تفصیل عبارات اینست باطل السحر
شفاء امراض خلاص محبوس فتوح معنوی فتح و حجت تسخیر ملوک طرد دشمنان جلب دوستان عقد الالسن
عقد الرجال عقد النسوان فیض روحانی جلب الذکور جلب النسوان جذب القلوب تسخیر قلوب جلب الرجال
جلب الریاح عقد الریاح جلب السحاب عقد السحاب ظفر بالعدو مذلت الاعادی سعادت احبا موافقت خلق
محبت احبا اکتساب رزق تسخیر کال تسخیر جن تسخیر حیوان و اشکال الالواح سر دو سر اینست که با نواع گوناگون مشهور
تا اسمون بحی حاصل کرده

اکنون جهت هر مقصودی که هر مدعای که داشته باشند ایهای از ایات قران یا اسماء الله تعالی که موافق و مناسب عمل مطلوب باشد
باید که گرفت که در لوح سر در سر عمل آورده و حروف ابتدا و اسم بود در لوح بنویسند و نظم طهوری تمام کنند و عزیمت قرائت
کرده بخور بسوزند مثلا جهت حل معقود ایه مرج البحرین یلتقیان و یخرج من بین الصلب و الترائب و اینها فاذا جاء وعد ربی جعله
دکا و کان وعد ربی حقا مناسبت که عقد که تسخیر عمل آورند و از جهت دفع که یا اطفال ایه الغرض هذه الحدیث تعجبون و تضحکون و لا
تبکون مناسبت و از جهت دفع همه اولیا انما یبلو اکم ثلاث ما بی سبین و ان داده دفعا مناسبت و جهت عقد اللسان ایه
صم بکم عمی فهم لا یعقلون و حروف صوامت مناسبت که عمل آورند حکمیه الاشاره و مجموع اعمال این لوح فی قرائت عزیمت و ختم
بخور اثر کلی بدارد و مخفی که اکثر علما و مشایخ قرائت کرده اند عزیمت بجهت اسب و در الفاظ ابن عزیمت از روی ه نسخه
تفاوت و تفاوت بسیار هست و اعتماد این عزیمت بنوعیکه اینجا بوده باشد چنانچه که حضرت قدوة المشایخ محی الدین ابن عربی
در کتاب مجید در شرح الاجد بیان کرده اند و آن بیست که کلام موافق وجه اینست و کلمات مذکور اینست بسم الله الرحمن الرحیم

بسرهتید کوبر تتلیه طوداق مزجل بنجل توقب برهش غلیش خولطر قلنهود بوشانه عوشلخ هولکوه
لشلیخ فرفر مزمز ابعید لنشط قرلث عنیاصا کیدهولا شمیثا کعیثا طولیثا سیارثا
طفتیا شمخاهر سبحان الواحد الاحد سبحان العزیز الصمد سبحان من لم یتخذ صاحبة ولا ولدا سبحان الذی لم یلد
ولم یولد ولم یکن له کفوا احد اجیبوا یا معاشر الارواح الکرام بحق هذه الاسماء العظام وبحق هذه العهد المأخوذ علیکم
الاقتدار فیما امرکم به بعزة العزیز فی عزه واوفوا بالعهد اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم
کفیلا الحبیوب الحبیوب یا معاشر الارواح بارک الله فیکم وعلیکم اجابت کنید که جمیع استادان در لوح سرد ... رسیده اند
اینست بسم الله الرحمن الرحیم اقسمت علیکم ایها الارواح الناصعین بسر هذه الاسماء المکتوبة علی هذا اللوح الشریف
یا جبرائیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل یا شمکائیل یا شرطائیل یا نفائیل یا سطرفون اجیبوا یا مذهب یا ابیض یا احمر یا
برقان المتوح یا شمهورش یا زوبعه یا صاحب الرئیس الا تعصوا یا میمون یا اوقع اجیبوا ادعوا الله ومن لا یجیب یا احد فلیس بمعجز
فی الارض اقسمت علیکم یا ملائکة الله الکرام باسماء الله العظام وعیون الانعام وبمخالف الغمام اجیبوا باسم الله فی البلاد الا ما
تجی کا دان شاء الله وشقاق ق الاقتدار فیما امرکم باحضار هذه الاسماء المطیعین بما ان تفعلوا کذا وکذا بحق العزیز العزة وعزه
عن بلعاد وفوا بالعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا بحق العزیز بیبرت انصح قال عفریت
من الجن انی علیکم بم واذ قال ابراهیم العزیز حکیم تم

فصل ششم

در قواعد دعوت اسماء الله و
تعیین مراتب قراءات آن بعنایت الله الملک المنان

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ایدک الله که قاعده دعوت اسماء الله هر کسی از علما بنوعی بیان نموده اند ... در کمال صحت است و در این نسخه بعضی از قواعد
کدام است نوشته خواهد شد اول باید دانست که هر اسمی از اسماء الهی را که دعوت کند باید صوم و ترک اکل حیوانی و تقوی تمام ورزید
و خلوت داشتن ضرورست خواه دعوت صغیر باشد و خواه وسیط و خواه کبیر و خواه عظیم و ریاضت در این باب ... که گفته است
و اوسط آن اربعین و کبیر ... باشد و عظیم ... باشد جهل چله است و این که گفته شد ... یکی
... نوع که ... و ... که این کار ... ست
... ادای بعضی
چله ... که ... شروع ... بجمیع لوازم آن ... حاصل شود و بلقوح
... اسماء مشغول ... بخواند ... استمداد همت
... دعوت که ... باشد ... افتتاح ... قرآن ... ذات ... مذکور ... شود
... بخواند و بعد از آن شروع در دعوت اسماء ... بسم الله الرحمن الرحیم ... علی اللهم
صل علی محمد ... اعوذ بالله من الشیطان الرجیم هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی
لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له
ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم اللهم افتح علینا ابواب ... الی ... متوجها
... یا قدوس یا قدوس یا ... الحجاب ... الی الروحانیین ... رحمتک
یا ارحم الراحمین اکنون ... قواعد دعوت اسماء ... خواهند که دعوت کنند عدد
ظاهر و باطن را ملاحظه باید کرد ... اسم ... دعوت ... اسم ... عاد و ضمیر ... اسم
اول ... آن اسم ... عدد ... اسم ... باشد اول ... عدد ... اسماست ... اند
وعدد عاد و ضمیر بکیرند ... و بعد از آن ... حروف اسم ... باشد ... اسمای ... اسم ... عدد حروف

کرد
بخوانند و عدد عاد و ضمیر بکیرند و بعد از آن بتفصیلی که نوشته خواهد شد قراءت کنند و طریق عمل قراءت ... قاعده که
شد در اسم علیم که یکی از اسماء الهیست نموده میشود جهت حصول علم و معرفت ... باشد و قاعده دعوت آن
چون این اسم را دعوت میکنند اول یکبار بایستی خواند که مقصود ... که ... این اسم چهار حرفست مرتبه دوم چهار بار
باید خواند که مقصود ... مرتبه ... و چون ... این اسم ... حرفست بدین طریق ع ی ن ل ا م ی ا م ی
بار ... باید خواند که مراد ... عدد ... است ... عدد ... که عدد ... مکتوبی
و چون ... ملفوظی این اسم ... میشود ... باید خواند که ... مکتوبی
و ملفوظی این اسم چهار صد و پنجاه و دو میشود ... عدد ... خواند و مقصود ... مرتبه ششم خوانده شد مرتبه
هفتم عدد چهار صد و پنجاه ... هفت و چهار ... حاصل الضرب ...
... همان عدد ... قراءت تمام است ... مرتبه ... چهار و سه ...
چهار ده است ... قراءت ... مرتبه هفتم ... چنین ...
چهار صد و پنجاه و ... حاصل الضرب ... قراءت کنند ...
کنند و بعد حاصل الضرب ... و بعد حاصل الضرب ... مجموع ... مرتبه قراءت
باشد بعد از ... عدد اینست علیم اول عدد اسم دوم عدد حروف اسم سیم عدد ملفوظی
چهارم ... اسم پنجم ... اسم ششم ... العدد فی ... هفتم ضرب عدد در چهار ده ... اعداد ...

١٤	در	٤٥٢	٣٠٢	١٥٠	عین لام یا میم	١٥٠	
٦٣٢٨			٤٥٢		٩٠ ١١ ٧١ ١٣٠		
					٣٠٢		

مراتب قراءت ... بنویسند که علمای ...
داده اند ... بر این نوع است که ٣٠٢ ... این اسم ... دعوت کرده میشود و تفصیلش چنین است ...
تفصیل ... اطلاق ... که درست است مرتبه اول چون ... این اسم چهار حرفست چهار
نوبت باید خواند و این عدد ظاهر اسمست مرتبه دوم چون چهار عدد حروف همین اسمست در چهار ضرب کنند ...
شود همین عدد باید خواند و این عدد ... باشد مرتبه سیم چون ... این اسم ... پنجاه است ... عدد باید
و این عدد ... اسمست مرتبه چهارم چون ... این اسم سیصد و دو میشود همین عدد باید خواند و این را
عدد صغیر این اسم ... مراتب ... اسم عدد ... عدد مرتبه اول
و مرتبه دوم ... عدد متوسط ... عدد متوسط
که ... است ... مرتبه سیم ... عدد ... مرتبه سوم صد و پنجاه است
چون ... عدد ... عدد متوسط ... است
عدد ... مرتبه پنجم چون جمع عدد ... اسم علیم چهار صد و پنجاه
و دو میشود همین عدد ... عدد متوسط ... این عدد است مرتبه ششم ... بسط
حروفات اسم ... اول ... اسم ... است ع ی ن ل ا م ی ا م ی م ...
١٩٢ ... ٥٧٥ ...
ثلاث ... احد ... اربع ... عشر ... احد ... اربع ... جمع الاعداد
١٩١ ١٣ ٣٣٣ ٥٧٥ ١٣ ٣٣٣ ٥٧٥ ٣٣٣ ٤٠١١٣
این عدد را ... مرتبه هفتم چون حاصل الضرب عدد ... اسم که چهار صد
و پنجاه ... هشت و چهار ... هشت ... همین عدد ... این را ...
مرتبه هشتم چون حاصل الضرب عدد اکبر ... مراتب اعداد مذکور است ... اسم علیم ...
... همین عدد ... مرتبه نهم چون حاصل الضرب عدد کبایر ... مرتبه

۲۴

خودش که ان هیج است یکصد وچهل وشش هزار و پانصد وشصت میشود بهمین عدد میخوانند واین عدد را اکر کباریر میکویند و در
این قاعده مراتب قرآت از ترتیب بیت بعد افلاک تسعه و بعضی کرده اند بر این قرار داده اند نوعی دیکر است اکنون در هر
اسم از اسماء الهی که اراده کند خواندن عددش بر این نوع است که نوشته شد اما قاعده خواندن این چنانست که روز اول که
اعاده دعوت میکند اسم مذکور عدد را اول بعد دخان میخوانند و بعد از آن بعد متوسط و در سه روز همه عدد که تمام شود طلب
مدعا از حق تعالی بکنند و بعد از آن شروع در خواندن مراتب کنند و هر عددی هفت مرتبه و اکر مقرر شد بخوانند مرتبه
اول و اقبل از نماز صبح مرتبه دوم بعد از نماز صبح مرتبه سیم بعد از نماز پیشین مرتبه چهارم بعد از نماز دیکر مرتبه پنجم بعد از
نماز شام و مرتبه ششم بعد از نماز خفتن و مرتبه هفتم در وسط اللیل بعد از نماز تهجد یا قبل از آن و در سه روز عدد که تمام بخوانند
طلب مدعا بایکرد اکر مدعا بحصول پیوست بها والا شروع در اربعین کنند و چهل روز بعد دیکبار و اکبر کبار میخوانند
نوعی دیکر عدد این جمع کرده بچهل قسمت کنند در هر روز قسمتی از آن بخوانند و طلب مدعا کنند و اکر احیانا عدد بقسمت
خواندن منعقد باشد از آن بهفت قسمت کنند و نوعی دیکر عدد قسمت بعد از آن بیش رفت مداومت مقرر که مونه شد بخوانند
و بیا باشد که از بعضها اول کذشته مدعا بحصول رسد کار و دانست و بیت تخصیص است و توجه و تقوی و دوام علیه که در
کذشت عدد دکبار و اکر کبار این است ۱۵۱۱۷۲ و این عدد را اکر بچهل قسمت کنند هر قسمتی سه هزار و هفتصد و نود و شش
باشد و هر روز که روزه داشته باشد که داخل روز اول باروز آخر بایبخواند عدد هر روز آنکه ویکبد فهم خواندن منعقد
به هفت قسمت کنند که هر قسمتی بیضد و چهل و دو بار است و دو که وارد و کسرش را در آخر وقت اضافه عدد بایبخوانند
والله اعلم و احکم اما قاعده دیکر در تسخیر و حاجات اسمی باید و اسم با اسم شخصی که اراده او داشته باشد بر این نوع است که وضع
اسم کامل را تسخیر میکنند اول حرف اول اسم کامل را مطابق بیند اکتند و ان بر دو نوع است یکی آنکه اسم کریم با اسم کافی با اسم کبیر که حرف
اولش همان حرف اول اسم است بعد در معین بخوانند و تعیین عدد بعد از این ذکر میشود و یا شروع در حرف معدوم کند که حرف
میم است و اسم مالک یا ماجد یا اسمی از اسماء الهی که حرف اول او میم باشد و مناسب عمل مطلوب باشد بخوانند و یا شروع
حرف میم اسم کنند که اول حرف الف است و آن اسم از اسماء الهی که اول آن اسم الف باشد مثل اول و آخر و عزیز بخوانند و یا شروع
در حرف لام کرده اسمی از اسماء الهی که اول حرف او لام باشد مثل لطیف بعد در معین بخوانند و نوعی دیکر آنستکه حرف اول اسم کامل
که کاف است و عدد ملفوظ کاف صد و یک اسمی که مطابق این عدد باشد بخوانند بعد از آن حرف میم که نود است اسمی که بهمین عدد
پیدا باید کرد که بخوانند عدد بکر الفی که صد و یازده است بهمین عدد پیدا کرده باید خواند و بکر حرف لام که هفتاد و یک است اسمی بهمین
عدد پیدا کرده باید خواند و عزیمتش از این باید که ذکر با این عدد عبارت بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک
بکاف کرمک و بمیم منتک و بالف الفتک و بلام الطفک ان تصلی علی محمد و آل محمد و تسخر لی خدام اسمائک بحق اسمائک و صفاتک
کشفی قلب ... بالاجابة ... این عبارت که کذشت بیت عزیمت باید خواند که بعد از آن عزیمت روحانیات کنند و عزیمت روحانیات
اینست یا معاشر الروحانیة و یا خدام اسماء اللطیفة عزمت علیکم باسماء العظام الکرام الکریم اللطیف ان تقضی
حاجتی و تنجحوا و حاجتی الساکنة فی قلب کامل بن فلان علی محبتی و مودتی ... عجلوا عجلوا ... الحکم والامر علیکم
عجلوا ولا تتهاونوا ... بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین بارک الله فیکم و علیکم و تفصیل انواع
مذکور بر این نظر است نوع اول جمع منفصل ک کریم تعیین عدد اول ۲ دوم ۱۱۱ سیم عدد کریم ۲۷۰ م ملیک
تعیین عدد اول ۴ دوم ۹۰ سیوم عدد ملیک ۱۰۰ ا الله تعیین عدد اول ۱ دوم ۱۱۱ سیم عدد اسم ۶۶
۲۶۶ ل لطیف تعیین عدد اول ۳ دوم ۷۱ سیم عدد اسم لطیف ۱۲۹ جمع مجمل اول عدد دوم و سیم این عدد اعتصام
عدد جمع الجمع ۱۲۲۷ اختتام ۳ نوع دوم ک ۱۰۱ مهو ۱۰۱ م ۹۰ ملک ۹۰ ا ۱۱۱ کافی ۱۱۱

ل ۷۱ حاسب ۷۱ جمع مجمل ۳۷۳ جمع الجمع که حاصل الضرب عدد مجمل و چهار که عدد حروف است اینست ۱۴۹۲
اختتام ۷۱ اما نوع دیکر در تسخیر کامل آنستکه باید اسمی که باشد حالا چون کامل در حیات اول آنستکه اسم پنج حرفی است
مثلا کفتیم که تسخیر کامل منظور است حرف اول از اسمش کاف است و اسم کافی این اسم را دو بیت و ده نوبت باید بخواند
دویم میم و اسم مجید و این اسم را هفتصد و بیست نوبت باید بخواند و حرف سیم الف و اسم الله و این اسم را شصت نوبت باید بخواند
و این قاعده اسماء از قاعده خود کفته باشد و حرف چهارم لام و اسم لطیف و این اسم را چهارصد و شصت و پنج بار باید بخواند
و این دعوت را اعتصام بیت و ده نوبت است که مجموع اسماء را بخوانند و اختتامش سی و یک بیت که مجموع اسماء را بخوانند
کل مجموع اسماء را نود و یکبار باید بخواند و اکر تسخیر کلی خواهد در اعتصام و اختتام نقد معین بیت الاعداد عوض نوع ...
بکهزار و دو و بیست و هشتاد بار باید بخواند که عدد تسخیر است کافی مجید الله لطیف و عدد تسخیر اینست
۲۱۰ ۹۲۰ ۱ ۴۶۵ ۳۴۶۲
غ ب ر و اکر بعد دکل اسما بخواند که یکهزار و چهارصد و نود و شش است هم ممکنست و عزیمتش اینست بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بکاف کرمک و بمیم مجدک و بالف الفتک و بلام لطفک یا کافی یا مجید یا الله یا لطیف ان تقضی
علی محمد و آل محمد و تسخر لی کامل بن فلان الله علی محبتی و قضیت الاجابة حبیب و این عزیمت را بعد از تسخیر باید خواند یا اکرم الاکرمین
دعوت میبایدکرد که بعد دخودش تمام کند و شروع در حرفی دیکر کند و آن بدین نوع است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک بکاف کرمک ان تسخر لی کامل بن فلان بحق کرمک یا کافی یا کافی یا کافی و این اسم را دو بیت و ده نوبت باید خواند بعد
از آن شروع در حرف دویم و اسم دویم کرده بخوانند که بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بمیم مجدک ان تسخر لی کامل
بن فلان بحق مجدک یا مجید یا مجید یا مجید و این اسم را هفتصد و بیست نوبت بخوانند و بعد شروع در حرف سیم و اسم سیم
کرده بخوانند که بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بالف الوهیتک ان تسخر لی کامل بن فلان بحق الوهیتک و الوهیتک
یا الله و اکر این اسم را بعدد الف ملفوظ که یکصد و یازده است یا بعدد خودش که یک است و شصت است بخوانند هم درست است
و این قاعده بکبار است و بعد شروع در حرف لام و اسم لطیف کرده بخوانند که بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک
بلام لطفک ان تسخر لی کامل بن فلان بحق لطفک یا لطیف یا لطیف یا لطیف و هم چنین این اسم را بخوانند تا چهارصد و شصت و پنج
نوبت تمام شود والله اعلم و نوعی دیکر در این اسم آنستکه اسمی مطابق اسم کامل که ان کامل است یا مالک نود و یک بعضی
بیت نوبت بر بیت اعتصام و سی نوبت بر بیت اختتام و نود و یک نوبت به بیت دعوت باید خواند و عزیمت روحانیش باید
کرد و دعا اینست این اسم بچند نوع میتوان استخراج کرد و از آنجمله این سه نوع است کامل استنطاق اسم ملک اسم عددی
نوع دوم عمل بحروف است بدین قسم اسم ملک جعون نوع سیم عمل بعدد اسم است بطرح و اضافه بر این نهج عدد کامل
طرح با ۴ استنطاق اسم ملک اسم عون و عزیمت که تصریف در هر اسم و هر عمل که در انها داخل است که در ذقه عمل ملکی شد
تا عمل او قوی باشد قاعده دیکر انکه اراده مقصودی کرده باشد و این بر اسم محمد نوشته میشود مثلا محمد را دولت مطالب است
عملش اینست ۴ ۳ ۲ د حروف م عدده ۹۲ استنطاق عدد آن د ص ب دولت حروف م عدده ۴۴۰ استنطا
عددش د م ت جمع الحروف العدد حروف ۸ عدده ۵۳۲ استنطاق عددش ح ث ل ب بر عدد جمع را در جمع
جمع ضرب باید کرد که حاصل الضرب را ملاحظه کند فرضا عدد جمع که اینست ۵۳۲ در هشت ضرب کردیم حاصل الضرب اینست
۴۲۵۶ بر همان عدد جمع را که اینست ۵۳۲ بهشت قسمت کردیم هر قسمی این شد ۶۶ و کسرش چهار ماند اکنون آمدیم بر
سر استخراج عدد حاصل الضرب عدد حاصل الضرب استنطاقه دع ر ن د این اسم اعظم است عدد حاصل قسمت اینست ۶۶
استنطاق و س اسم ملائکه مسائیل که عدد ۲۵۶ ع م استنطاق د اسم ملائکه د ابیل حروف حاصل از اعداد چون ترکیب است
ترکیب اسم چهار حرفی میشود بدین طریق دصید بمخش لب این اسامی اعوانست اکنون اولی آنستکه مطابق اسم اعظم

٣٥

آیه از کلام الله پیدا کنند یا بعضی از اسما الهی وانرا ذکر کنند و اگر میسر نباشد همان حروف ابجد باید کشف و مجموع اسما را
معرب باید ساخت که اول عدد اسما اعوان ابجد جمع که ٦٣٢ است بخوانند و بعد از آن اسماء ملکی بعدد حاصل قسمت
که ٦٦ است بخوانند و بعد از آن اسماء ملائکه بعدد حاصل قسمت که ٦٦ است بخوانند و بعد از آن اسم اعظم بعدد حاصل
الضرب که اینست ٤٢٥٦ بخوانند و بخور لازم است در این عمل و جمیع اعمال د اسمائی که مطابق اسم اعظم این عمل باشد اینست
مالک الملک عالم السر غیاث المستغیثین جمع اسما ٤٢٥٦ استنطاق عدد مذکور دوع ذ ن و وانرا اسما
ما وقت قرائت بیاء نداء باید خواند والله اعلم و احکم اما قاعده دیگر در مراتب اعداد بنوعیست که علمای مشایخ بعضی
عدد اسما را بان طریق قرار داده اند و در این نسخه اسم فتاح عمل مراتب اعداد با اسم علیم کرانیش شرح داده شده مسطور میشود
اول عدد حروف اسم دویم حاصل الضرب چهار در چهار سیم جمل مکتوبی اسم چهارم جمع بین دویم و سیم پنجم جمل
ملفوظی اسم ششم جمل مکتوبی و ملفوظی اسم هفتم حاصل الضرب عدد جمع بین د ر هفت و چهار و سه که چهار رقم باشد ٤٢١٠
و مشایخ هند را قرار داده اند مراتب اعداد هفتگانه دعوت اسما بر این طریقست مثلا در اسم علیم اول عدد حروف اسم دویم
عدد حاصل الضرب ٤ در ٤ سیم جمل مکتوبی اسم علیم چهارم حاصل الضرب عدد سیم در چهار که عدد حروف اسم است پنجم
حاصل الضرب عدد چهارم در چهار حروف اسم علیم ششم حاصل الضرب عدد پنجم است در چهار حروف علیم هفتم حاصل الضرب
عدد ششم در چهار حروف اسم و در اصطلاح اهل خطا بعد از اول را عدد نظام اسم میخوانند و دویم را عدد دین میخوانند و سیم عدد
صغیر و چهارم عدد کبیر میگویند و پنجم را عدد اکبر و ششم را عدد کبار و هفتم را عدد اکبر کبار مینامند والله اعلم و احکم و بعضی
از علمای مغاربه قرار مراتب اعداد حروف را بر این نهج داده اند که نوشته میشود اول انکه در حروف اسم یا کلمه هر حرف که مشدد است
انرا دو حرف حساب بکنند چنانچه در اسم محمد سه حرف نیم معتبر میباشد بدین طریق محمد و عدد این حروف یکصد و سی و چهار میشود
و در بسط اسم و غیر بسط اسم از جمل صغیر و حروف هر یکی کنند و هم حاصل از جمل حروف نهاده مراتب اعداد امتزاج هند و در
جمل حروف باصطلاح علمای مشایخ قرشی حرف تخالف دارد و شرح این تخالف در عمل خود بیان میشود و مراتب اعداد در جمیع احکام
قرائت دعوت این اسما نزد این طایفه بدین دستور است که در جمل اسم محمد بیان خواهد شد اول عدد حروف اسم محمد ٥
دویم حاصل پنج در پنج ٢٥ سیم جمل اسم مکتوبی اسم محمد ١٣٢ چهارم جمل ملفوظی اسم محمد ٣١٤ پنجم عدد بسط مکتوبی اسم بدین
طریق م ا ی ح ا ث ل ث ی ن ا ث ن ی ن ١٧٥٧ ششم بسط عدد ملفوظی اسم بدین طریق ث ل ا ث م ا ی ع ش ر ه
اربعه ١٩٣٩ هفتم عدد جمع مراتب ستست بدین نهج ٤١٢٢ ٥ ٢٥ ١٣٢ ٣١٤ ١٧٥٧
١٩٣٩ اما قاعده دیگر که بعضی از مشایخ بر این نهج قرار داده اند مراتب عدد اینست که در اسم محمد بقاعده جمل مشارقه
نموده میشود اول عدد اساس اسم محمد ١ دویم عدد حروف اسم محمد ٤ سیم عدد حروف ملفوظی اسم محمد ١١ چهارم حاصل
چهار در چهار ١٦ پنجم حاصل الضرب یازده در یازده ١٢١ ششم جمل مکتوبی اسم ٩٢ هفتم جمل ملفوظی اسم ٢٢٤
و غیر این قاعدها که مذکور شد اختلاف قواعد بسیار هست که هر کسی بان عمل نموده اند چنانچه بعضی بعدد جمل صغیر معتبر است
و نزد بعضی جمل کبیر و نزد بعضی جمل وسیط و قاعده ختم عدد جمل اسم یک نوع است که جمل ظاهری اسم را ملاحظه کنند که چند است عدد
حروف آن اسم ضرب کنند و حاصل الضرب خاتم آن اسم دانند و بعضی ان عدد اکتفا کنند و یک نوع دیگرش آنست که در ضمن عدد اسم بوده
دو بوده و بود و بلحاظ اوست و این دو عدد را جمع باید کرد که مسعود و دو ضرب کنند و حاصل الضرب عدد ختم باشد اما
قاعده دیگر در دعوت اسماء الهی که به نه عدد باید خواند بدین نوع است اول عدد کلمه دویم عدد حروف کلمه سیم عدد
حروف ملفوظی کلمه چهارم عدد ضرب حروف در حروف پنجم عدد جمل کلمه ششم عدد ملفوظی کلمه هفتم عدد مکتوبی و ملفوظی
کلمه هشتم عدد انچه مذکور شد از اول تا هفتم نهم عدد بسط مکتوبی جمع دهم عدد بسط ملفوظی جمع یازدهم جمعین

ابجد و عدد

این دو عدد را مع انچه هر دو عدد بسط باشد دوازدهم عدد جمع الجمع سیزدهم عدد اعتصام چهاردهم عدد اختتام
پانزدهم عدد قفل که عبارت از عدد اعتصام و اختتام باشد شانزدهم عدد دور که مجموع کل اعداد باشد والله اعلم و احکم
و قاعده و کیفیت اعتصام و اختتام و دور و قفل و غیره ذلک این است بیان ارشد که الله تعالی که در این فن عدد و این علم غرض از
لفظ اعتصام و معنی این دو عدد آنست که فرضا اگر کسی اسمی از اسما الهی را دعوت میکند حرف که در اول آن اسم واقع است از ط
اعتصام میگویند و حرف اخر اسم را اختتام و در دعوات و عزایم اعتصام دعا گفت یا اینکه قبل از شروع در خواندن دعا
کار را خواهند خواند مثل دعای سیفی یا حزب البحر یا عزایم بخوانند و بعد از این ادعیات دعا یا آیاتی چند از قران مقرر است
که انرا میخوانند اعتصام دعا میگویند و بعد از آن شروع در اصل دعوات سیفی یا حزب البحر یا غیر ذلک میکنند هم چنین بعد از آن
که یکی از این دعوات مذکوره که خواندنش … بخوانند و انرا اختتام دعا مینامند اما در این قاعده که اعمال تکسیر
و عدد نیست غرض از اعتصام کلمه اول عامت بالحروف اول اسم و غرض از اختتام کلمه اخر عامت با حروف اخر اسم و غیر تقدیر هر یکی
از علمای این علم انواع عددی مقرر داشته اند و هم در دست و از ان جمله بجهت اطلاع چند قسم نوشته میشود اول عدد اعتصام مثلا کلمه
که در اسم را اعداد و مداومت میکند حرف اول اسم اعتصام اوست و حرف اخر اختتام اوست و عدد بش عدد همان حرفست مثلا اسم
فتاح که کسی جهت فتوحات این اسم را مداومت نماید اعتصام این اسم بدین قاعده هشتاد است که جمل حرف فا است و بدین قاعده
هشت که جمل اخر اوست و بقاعده ثانیه نه است زیرا که در ترتیب حروف ابتثی حرف مذکور در نهم واقع است و بقاعده ثالثه
هفت است زیرا که در ترتیب حروف ابجدی در هفتم مرتبه واقع است این عدد اعتصام اسم فتاح بقواعد مذکوره اسمها
بوده باشد اول دویم سیوم چهارم و دیگر قاعده دیگر سه هزار و دویست و چهل است زیرا که عدد هشتاد است وان نیز تا هشتاد (١٢ ٣٠ ٩ ٨)
چون جمع کنند سه هزار و دویست و چهل باشد و کاهی که عدد اعتصام را اقرار این دهند عدد جمل حرف ما قدام چنین عدد باید کرد و این
عدد دوره دعوت کبیر اسم میباید چنانچه اعداد مجموع این اسم این باشد ف ت ا ح مجموع اعداد اسم هشتاد و سه هزار و (٣٢٤ ٩١ ١ ٣٦)
چهار صد و هفتاد و هفت عدد تمام این اسم است و عدد اختتامش سی و شش است و عدد قفلش عدد اعتصام و اختتام است
و دور قاعده چنانچه از پیش ذکر آن رفت عدد اعتصام و اختتام را عدد قفل اوست و عدد بعضی از اصطلاحات این فن عدد زبر
و عدد بین بنوع قرار داده که عزیمت اولست وان چنین نهج است که فرضا ده اسم را کسی مداومت مینماید بقاعده خاص اینها
قواعدی که ذکر رفت فرضا ده اسم را بقاعده جمل مقرر عدد کرده چنانچه اسم فتاح در آن میان چهار صد و هشتاد و نه است و این
بقاعده مقرره این فن است و نه اسم باقی بر همین قیاس عدد کرده و بر فرض همین اسم فتاح در اول واقع است یا بر فرض در اخر
واقع است بدین قاعده همین اسم اعتصام اسما مذکور است و مجموع اسما را بعدد همین اسم به نیت اعتصام باید خواند و اگر این
اسم در اخر است اختتام باید خواند و اگر این اسم در اخر است مجموع این اسما را بعدد همین اسم در اخر به نیت اختتام باید خواند
که اسمی که در اول واقع باشد عددش یکی زیر مجموع اسما را بان عدد بخوانند به نیت اعتصام و عدد اعتصام و اختتام را با هم جمع کنند
و مجموع اسما را بهمان عدد بخوانند که عدد قفل آنست و این بدین قاعده است و قاعده دیگر در همین ده اسم آنست که عدد هر ده اعتصام
ده است بعدد اسما و عدد اختتامش هم چنین ده است و قفلش بیست است و لیکن در این قاعده انواع مراتب بدین دستور است
اعتصام چون ده اسم است اختتام هم چنین قفل ٢٠ زبر چون جمل حرفست بینات مجموع جمل مقرر هر ده جمل کان عدد
مقرره انچه باشد فتاح ٤٨٩ کریم ٢٧٠ رحیم ٢٥١ حمید ٦٢ باطن ٦٢ وهاب ١٤ رحمن ٢٩٨ محسن ١٤٨ رفیع
٣٨٠ مجید ٥٧ و عدد بینات این اسما دو هزار و دویست و هشتاد است اکنون عدد اعتصام و عدد زبر چون از این جمع کنند
باقی عدد زبر نصاب اسما مذکور است بدین نهج عدد اعتصام ١ عدد اختتام ١٠ عدد قفل ٢٠ عدد زبر ٣٠ عدد منقوط
که عبارت از عدد اعتصام و عدد زبر باشد عدد مجموع اسما که بعدد بینات مقرر است و کم بود از این عدد ٥ باقی نصاب اسما
١٩٧٨ ٢٠٢٨

اکنون باصطلاح این طایفه این عدد را چون در عدد مراتب اعداد ضرب کنند حاصل الضرب عدد کبیر است و مراتب این اعداد
چهار است چنانچه در صورت خطی واقع است بر این طریق ۱۹۷۸ اکنون حاصل الضرب این عدد چهار را این مقدار باشد که اینست
۷۹۱۲ و این عدد کبیر است بجهة القصوی یکی که انچه تو رسید از عدد صغیر و کبیر و متوسط و غیر ذلک معامات و غیر از این
نیست باید که بدانی هر بزرگی قاعده در این اعداد مقرر کرده اند بهر درستی و در کل الحق بیت و در هر یکی حکمتی هست و بشنو
نکتی که بحث است اولاد و قاعده زبر و بینات انچه مقرر است اینست که در اسم فتاح حروف ف و ت ع ا و ح زبر این اسم است الف
بین او ست و در قاعده که گذشت عدد زبر این اسم چهار حرف که ابتدا است و عدد بینات او عدد چهار حرف مذکور که بعد از عدد
حمل باشد بدانکه بکی ربعها از برای تفهیم است زبر که این قاعده ها را تشنوانست و شنیدن و از روی شنیدن امو حتی حالا چون
وقت شد و کس دیگر امو ختن نیست لازم شد بنوشتن که مطلقا مترک باشد و در این دو چیز منظور است یکی انکه بعد از
سکنا عشا مرزش بوده باشد که صاحب عمل دعای خیری کند و دیگر انکه معلوم شود که این کمینه بقدر استطاعت کسی عملی که بعد کار فرمود
صورت صحت صوری و معنوی حالی نبوده هر چند بواسطه کرفتاری های صورت نتوانستم که بجا هی که متوجه دعوت اعمال
این اعمال زیرا که بعضی شروط لازم در ان بوده و این فقیر را بواسطه کثرت عیال و عجز ذلک متعسر این بوده از ان جهت متوجه نشد
والا عملی ان نقد ر در باطن فقیر و با این اندک وقوف با هیچ و فرمان از اراده و در مقام بدی ها انتقام نبوده و اگر با ملامی برنج بوده به بیت
مردان مرد این کلمه گوده در مقام نا امید بوده مدار روزی بی استطاعتی بلکه از روی که شکسته ام و از این رهگذر بی و فا ام باش عز نیز که
عشق نبوده چنانچه که فرموده مرثیات که گفته اند حبل رشا اعلو برار تحلیت حبیحانی مکند هر جا دلیست امید که هر کس از اهل
دعا تمام این نصیب کند که در بند انتقام نباشد و کار خود را بخدا باز گذارند که حضرت حق سبحانه و تعالی نعم الوکیل است و در این باب
حضرت خواجه حافظ شیرازی قدس الله سره بیتی مناسب فرموده کار خود گر بخدا باز گذاری حافظ ای بسا عیش که با بخت خدا
داده کنی اما قاعده دیگر در تعیین عدد رضاب و زکوة و عدد زکوة و عدد عشر و عدد فضل و عدد دور و مدور و عدد رسل و عدد
ختم مذکور میشود و این قاعده خواندن اسما عظام که بجهة اسم معروف مقرر است اگر چه در هر اسم از اسما الالهی عملی چون آورده
فاما در ان عمل مقرر است و کرر اشعار بر ان رفته که قواعد دعوت اسماء الله و تسخیر روحانیات علوی و سفلی همه بزرگی بنوعی قرار داده الله
و مجموع در کار اند تحقیق صحت و غرض اشکال اگر کسی متوجه عمل شود و جز بنوع از این انواع که خواهد اگر عمل نباید فاما کامل حاصل خواهد گردد
بشروطی که گذشته مگر انکه در شروط خلل نکند اثت نماید والا بقاعده و شرط عمل کند البتر با عث خیر کلی خواهد بود علی ای حال تفصیل
مقدمات اینست **عدد رضاب** و ان عدد یست که در ضمن این اسم از اسما الهی دعوت میکنند و این اسم چهار حرفست و مکرر اورده ایم
اسم هست مثل اسم فتاح پس هر حرف از حروف این اسم را هزار عدد اعتبار باید کرد چنانچه مجموع چهار هزار باشد و با این چهار هزار
را در عدد حروفش که چهار است ضرب باید کرد که حاصل الضرب شانزده هزار باشد و این عدد رضاب اسم است و اگر احیانا ده حرفی
نکوار باشد مکرر را باید گذاشت هم در عدد کر بیش و هم در ضرب عدد **عدد فضل** و در عدد مدور و عدد ختم در هر اسمی از اسما عظام
الهی در در هر دعوت خواه جمل اسم و خواه غیر ان اعداد مذکور در این نهج است مقتضا الی بزرگ **عدد فضل** بعدد درجات فلکی ۳۶۰
عدد دور و مدور و ان مقدار است که مقدار رضاب است بلا زیاده و نقصان **عدد رسل** بعدد کواکب سیارات است که هر یکی هزار
کیرند و در هر اسم و هر بد عاعد رسل الهی است ۷۰۰۰ **عدد ختم** بعدد بروج اثنی عشر است که هر یکی صد گیرند در هر اسم
و هر بد عا عدد ختم همین است و تغییری ندارد ۱۲۰۰ **عدد زکوة** در ضمن دو همین اسم هستند انکه نصف رضاب بوده باشد در
هر اسم و هر کلمه زکوة عدد نصف عدد رضاب است بلا زیاده و نقصان **عدد عشر** نصف عدد زکوة است که در ضمن هر دو اسم فتاح
چهار هزار بوده باشد در هر اسم و هر کلمه عدد عشر نصف عدد زکوة است بلا زیاده و نقصان و در این قاعده اعتصام و اختتام
مقرر نیست و این عدد در ان معنی کلام حضرت اسد الله الغالب و مطلوب کل طالب علی ابن ابیطالب مقرر داشته اند که **خنجوفا**

دقایق

وقل الفاس بر این تقدیر در هر اسم که باشد حرف از یکی هزار اعتبار کنند و عدد دور و مدور که چند روز باید خواند از روی عدد جمل
اسم است چنانچه اگر چهار حرفست چهار روز و اگر زیاده یا زیاده و اگر دعوت اسمی که خواهند بکنند سوای عددی چند مقرر کرده
بیش رفت چهار روز در هر روز چهار هزار بار این اسم را باید خواند به نیت دعوت و بدانکه هیچ دعوتی غریب تر و محققتر نیست و
اسمی که دعوت میکنند قسم نیست و استخراج ان و قواعد ترتیب غریب تر از پیش که گذشته اعاده در این قاعده که گذشت بنوعی بیان
خواهد شد که با این دستور عمل کنند زیرا که در این اعمال چنین مقرر است اند که گفته شد که این قاعده جمل اسم است و در دعوت ان جمع
چنین است یکی از اسما جمل اسم را امو خته میکند این حقیر یاد داشته باش مثلا دعوت اسم او منظور است و اسم اینست سبحانک لا اله الا
انت یا رب کل شی و وارثه و رازقه و راحمه و این اسم حروفش مکرر هفتده است و عدد بش هفتده هزار است و این عدد را چون
در هفتده ضرب کنیم دویست و هشتاد و نه هزار میشود و این عدد رضاب است و نصف عدد زکوة است و نصف عدد زکوة عدد عشر و
فضل سیصد و شصت است و عدد و صد و دور همان عدد رضاب بود بدانکه هفت هزار و ختم هزار و دویست اکنون که تعداد اینها دانستی این
اعداد در مدت معین بخوانی باشد هفتده روز دیگر بهمت دعوت هر روز هفده هزار نوبت باید خواند در جمیع قرائت بعد
باید و غریب است باید خواند عدد خواندن از ترتیب تعبیه نوبه نوبه نام که نوبه نوبه بار باشد باید خواند عدد هر روز این اسم را
چنان استخراج باید کرد که عدد جمل اسم مذکور به بینند که چند است عدد لوح موفق بجا رسند و ساعتی سعد بگیرند اسم مذکور بکنند خواه
موفق و خواه صد در موجود باشد دارند و از لوح عددی اسمای و معانی استخراج کنند بنوعی که مکرر شرح ان از پیش گذشت و قسم
الفیه هم همان اسم است که دعوتش بنا نهند در ضمن اسمی را دعوت کنند که عدد ان اسم و هزار باید و در ضمن ان باشد این عدد را
در لوح چهار در چهار موفق باید ساخت که اسما و معانی از ان استخراج کنند در ضمن لوح اینست
و هر و را تعلق این عدد نیست و همین عدد اسم اول جمل اسم است تقریر جمل همین اکنون چون این لوح
مربع است عدد اسم اول از نصف عدد عدد این لوح استخراج میشود زیرا که اگر لوح مفرد
بودی اسم اول از عدد مرکز لوح میبایست استخراج کرد که از عدد رقم نیست پس علی ای حال عدد
عدد این لوح هزار و دویست و هشتاد و دو شش است که نصف ان ششصد و چهل و سه باشد پس اسم اول از این عدد استخراج میشود
و باقی بتفصیل که مرتب خواهد شد و چون عدد تا بر طرح است پنجاه و یک از طرح میشود کرد و احتیاط اول اضافه شود و نیخ
اسم از این لوح استخراج میشود و این نسق که مرقوم خواهد شد **اسم اول** از عدد نصف عدد که ان اینست **۶۴۳** طرح
۵۱ باقی **۵۹۲** نصف اینست **اسم دوم** از عدد مسمای لوح که ان اینست **۶۵۱** طرح **۵۱** باقی **۶۰۰** خاتمه **اسم سوم** از
عدد عدد کل که ان اینست **۱۲۸۶** طرح **۵۱** باقی **۱۲۳۵** عزیزه **اسم چهارم** از عدد دفق لوح که ان اینست **۲۵۷۱**
طرح پنجاه و یک باقی **۲۵۲۱** نفیسه **اسم پنجم** از عدد کل لوح که ان اینست **۱۰۲۸۴** طرح **۵۱** باقی **۱۰۲۳۳** ...
در ترکیب عزیمت بکوات موده شد حاجت تکرار ندارد والله اعلم بحقایق الامور اکنون بدانکه باید دانست که قواعد بکه در باب اسماء الله
و غیر ذلک که گذشت موقوفست بچند شرط دیگر که ذکر ان شروط در این مختصر از جمله ابهامات اول معرفت طبایع حروف بقواعد مختلفه
و تقسیم ان بکواکب ثانیا دانستن قواعد تکسیرات حروف و اسما و موفق داشتن ان در الواح مناسب و قواعد بسط ثالث معرفت تقسیم حروف
بر وجه تقواعد مختلفه اول معرفت طبایع حروف بقواعد مختلفه بدانکه اسم که جدول حروف از زمان حضرت آدم صفی الله علی نبینا
و آله و علیه السلم الی الان بر این نهج است **جدول آدم** صلوات الله علی نبینا و آله و علیه السلام ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س
ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی **جدول ادریسی** علی نبینا و آله و علیه السلام ا ب ج د ه و ز ح ط ی
ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ حروف الکواکب منسوب بحضرت ادریس است **جدول حضرت امیر المؤمنین علی**
ابن ابیطالب علیه السلم ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی

٢٧

جدول امام جعفر صادق ؑ ابتدای حروف از جفر کرده و این را خافیه نام نهاده و اعتماد بر اعظم فشـد کرده و بطلان بریدوبا نهاد یکی را رغام خوانند و یکی را تکسیر نام جدول مشایخ هند ای قغ ب ک د ج ل ش د م ت ه ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ جدول شیخ ابو علی سینا اج ه ب و ز د ی ک ش خ ل س ث ط م ف ذ غ ن ت ص ض ع ح ظ ق جدول یونانی و این را ابجد یونانی خوانند ذ ز د غ س ط ش ع ا ب ت ث ک م ل ی ذ خ ج ص ض ح ظ ق و ه جدول خواجه ابو شمس مغربی ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ اکنون طبایع حروف که نموده میشود و هر طایفه در اعمال تکسیر بقاعده عمل نموده اند و مجموع در کال صحت است

جدول حضرت آدم صفی ؑ

ا	ب	ت	ث
ج	ح	خ	د
ذ	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط
ظ	ع	غ	ف
ق	ک	ل	م
ن	و	ه	ی

جدول ادریس ؑ

ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

جدول امیر المؤمنین ؑ

ا	ب	ت	ث
ج	ح	غ	ذ
د	ر	ز	س
ش	ص	ض	ط
ظ	ع	غ	ف
ق	ک	ل	م
	و	ه	ی

در قطعات این جدول ما جدول آدم ؑ

جدول ابو علی سینا

ا	ج	ه	ب
و	ن	ر	د
ی	ک	ش	خ
ل	س	ن	ط
م	ف	ذ	غ
ن	ت	ص	ض
ع	ح	ط	ق

جدول یونان

د	ز	ذ	غ
س	ط	ش	ع
ا	ب	ت	ث
ک	م	ل	ن
ی	ز	ح	ج
ص	ض	غ	ف
ط	ق	و	ه

جدول شیخ محی الدین اعرابی

ا	ف	ث	ج
ع	ی	ل	م
ه	ص	ز	د
ط	غ	ت	ب
ح	ظ	ن	خ
ف	ک	و	ت
ش	ض	د	ذ

جدول شیخ یونی

ا	ب	ه	س
ح	ذ	ل	ج
ق	د	ط	ص
س	ن	ث	ف
ع	ظ	ن	ت
ک	غ	ر	خ
ی	د	ض	م

جدول بعضی از مشایخ که بان عمل کرده اند

ا	خ	ش	ث
ب	ط	ع	ث
ج	ی	ف	خ
د	ک	ص	ذ
ه	ل	ق	ض
و	م	ر	ظ
ز	ن	ش	غ

جدول مشایخ هند

ایقغ بکر جلش
دمت هنث وسخ
زعذ حفض طصظ
و ترتیب این حروف با افلاک بر این نوع است فلک اعظم فلک ثوابت فلک زحل فلک مشتری

فلک مریخ منث فلک شمس وسخ فلک زهره زعذ فلک عطارد حفض فلک قمر طصظ

تقسیم جدول مشایخ هند بطبایع بر این طریقست ابجد هوزح طیکل منسع فصقر شتثخ ذضظغ تقسیم موالید ثلاثه / العقل الاول النفوس القلوب النار الهواء الماء التراب

حیوانی نباتی معدنی

ا د ز ی م ع ق ت ذ غ ب ه ح ک ن ف ر ث ض ج و ط ل س ص ش خ ظ دوتیم مغرق

تکسیر و بسط بقواعد مختلفه بدا و فقک الله که هر بزرگی در تکسیر و بسط اسما و حروف بقاعده عمل کرده اند و از ان جمله بعضی مختصر وارد در این مختصر نموده میشود و سوای تکسیر جفر جامع و جفر جانیه که قواعد ان در فصل سابق شد اکنون مدار این تکسیر بر طریق امتزاج در چند حرف معین و چند اسم معین خواهد شد بر این طور بقاعده تمیز قاعده اول زیاده حروف تکسیر میشود قاعده دیگر در اسم معین قاعده دیگر فرضا هشت حرف

چون بعضی از قواعد تکسیر نموده شد شروع میشود در قواعد بسط حروف و اسماء و کلمات و غیر ذلک بر این طریق قاعده اول در بسط حروف ناری اینست که بجهت امتزاج برای طالبان ذکر کرده شده است وهو هذا

ا واحد بیناتر اولف ال عدد بیناتر ۱۴۹ زبر واحد عدد زبر ۱۹ مخارج بیناتر قم مخارج زبر لی

ه خمسه بیناتر الف ی ن ا عدد بیناتر ۱۱۲ زبر خ م س عدد زبر ۷۰۸ مخارج بیناتر سون مخارج زبر ه ذ

ط تسعه بیناتر ا ی ن عدد بیناتر ۱۲۲ زبر تسعه عدد زبر ۸۳۶ مخارج بیناتر سوق مخارج زبر ه لث

م اربع ی ن

ف ثمانین

ش ثلثمایه

ذ سبعمایه

بواقی حروف بهمین نهج است که ذکر شده و بعضی امتزاج عمل کنند در حروف بادی و آبی و خاکی بلا زیاده و نقصان والله اعلم

قاعدهٔ دوم در بسط الف ام لف یم لف وهم چنین تا هفت مرتبه تمام شود قاعدهٔ دیگر الف

ا ح د محارج ا ث ن ی ن مخارج ستم
واحد ثمانیة اربعة ح ص خ غ واحد اثنین خمسین عشره خمسین ۲۸۳۰ الف
۱۹ ۶۶ ۲۷۹ ۱۳۶۹ ۱۹ ۷۱۶ ۷۶۰ ۶۷۶ ۷۶ سبغ ض

قاعدهٔ دیگر در بسط الف واحد تسعة عشر الف مایه عشر سبعمایه اثنین اربعین وهم چنین در حروف
۱۱۱ ۱۹ ۱۱۱۰ ۲ ۴ ۷ ۸۲
الف بسط مبسوط تا حقیقت که عدد مکرر شود تمام است فافهم قاعدهٔ در بسط دیگر قاعدهٔ دیگر در بسط

لام الف میم با اثنین واحد وهم چنین عدد الف واحد ثلثین ثمانین الف لام فا
۱۹ ۱۰۹۰ ۶۵۱ ۱۱۰۱ ۱۶۳
ی م فا الف ۱۱ ۶ ۱۹
۴ ۶ ۴ قیاس تا حقیقت که حروفات تمام بسط شود وهم چنین تا هفت مرتبه تمام شود

بعضی دیگر از قواعد بسط در فصول آینده مرقوم خواهد شد در این فصل بقواعد گذشته اکتفا نمود شروع در تقسیم حروف بر بروج اثنی عشر میرود قسم تقسیم حروف بر بروج بقواعد مختلفه که بعضی از علما و مشایخ بان عمل نموده اند قاعدهٔ اول بطریقی که حکما عمل کرده اند

حمل ثور جوزا سرطان اسد
ا ع م ج ر ب ق ی ص س ل ن ه ط ح

سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت و در این تقسیم
و ب خ ص غ ظ ز ث ن ح ف ش خ ث ذ ظ ک ض ن و د

بعضی حروف مشترکست میان دو برج تا هر برجی را دو سه حرف رسیده باشد تا فشکر کلی از یکدیگر دارد چنانچه کاتب و مؤلف است و در تقسیمات بعد از این هم همین حال دارد قاعدهٔ که شیخ ابو علی سینا عمل نموده و کنوز المعزین صغیر نوشته حمل ثور

جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس
ه ر ش ب د خ ع ل م ک ی ف ش ث ذ خ ط غ م ن غ ا و ی ج ز ک

دیگر قاعدهٔ شیخ الدین
جدی دلو حوت حمل ثور جوزا سرطان بعضی از مشایخ
ا ه ط ب و ی ج ز ک د ح ل
ف ت ح ذ ص ظ غ ض ق
اسد سنبله میزان عقرب قوس
م ر ف ن ش ع ش ک س ق ل ع ر ف ذ ث
جدی دلو حوت
ص ت ض ق ش ظ م خ غ

قاعدهٔ شیخ ابو العباس بونی و بعضی از مشایخ حمل ثور جوزا
ا ح ی ق ب ج ص ب ذ ق
سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی دلو حوت
ه ل ط ق س ع ص ف ت د ن ظ ط ث ذ ع ک ی ض خ م ظ غ د ز ض

قاعدهٔ که سید حسین اخلاطی بان عمل کرده حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب
ا ح ش ج ب ذ ه ل ط ق س ع ص ف ت و ن ت
قوس جدی دلو حوت
ی ک خ م ظ غ د ز ض

و در این تقسیم تکرار حروف نیست و اگر خواهی بیان تقسیمی که شیخ ابو العباس بونی عمل کرده عمل باید کرد الا که بهمین اکتفا کنند ممکن و صحیح است بلا تفاوت و مخالفتی که میان علما و مشایخ در معانی در حاصل حروف و طبایع آن واقع است بدین تفصیل است که مرقوم میشود اولا در جمله حروف ببینها شش حرف که مخالف دارد و آن شش حرف است
س ش ص ض ظ غ قاعدهٔ مشارقه س ص ش ض ظ غ قاعدهٔ مغاربه ص ض س ظ غ ش
۶۰ ۹۰ ۳۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰ ۶۰ ۹۰ ۳۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰
و طبایع حروف بقاعدهٔ مشارقه و مغاربه بنوعیست که مذکور میشود تا معتقد بان از اعتراض ایشان

معلوم شد

معلوم باشد قاعدهٔ مشارقه تجسیم قاعدهٔ مغاربه تثلیث اکنون کاهیکه خواهند که این طبایع بر بروج قسمت کنند طبایع

نار	هوا	ماء	تراب	نار	تراب	هوا	ماء
ا	ب	ج	د	ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح	ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل	ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع	م	ن	ص	ع
ف	ص	ق	ر	ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ	ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ	ذ	ظ	غ	ش

بر بروج را منظور باید داشت که هر برجی بچه طبیع است انشاء حمل آنرا حرف موافق آن چنانچه بر طبایع قسمت باشد خواه در ابتدی خواه در ابجدی تیرت طبع قسمت کنند و بکی از حروف در هر برجی مستحق است از برای در ستی قسمت تا هر برجی سه حرف منحصر باشد چنانچه از پیش مکرر نوشته شد و هکذا هم چنین حروف را بساعات شبانه روزی تقسیم کرده اند چنانچه هر ساعتی از ساعات بجزو از حروف متعلق است و بر اسمی از اسماء الهی و در این تقسیم اختلاف هست بعضی از روی طبایع قسمت کرده اند و بعضی بغیر آن و از آن جمله در دو نوع حسب المرتج نوشته میشود و شرح هر دو را جدا جدا بیان خواهد شد و ابتدا از ساعات اول روز یکشنبه میشود که مناسبت تمام با الف دارد اگر چه بعضی از روز شنبه از ساعات اول شروع کرده اند و ترتیب تقسیم بر این نوع است

روز یکشنبه و ساعات آن · روز شنبه و ساعات آن · شب یکشنبه و ساعات آن · روز یکشنبه و ساعات آن

و همین قدر هم	ا	ب	ج	د	م	ن	س	ع	ذ	ض	ظ	غ
بجهت امتزاج	ه	و	ز	ح	ف	ص	ق	ر	ا	ب	ج	د
کافیست	ط	ی	ک	ل	ش	ت	ث	خ	ه	و	ز	ح

شب دوشنبه و ساعات آن · روز دوشنبه · شب سه شنبه · روز سه شنبه

ط	ی	ک	ل	ش	ت	ث	خ	ه	و	ز	ح	ف	ص	ق	ر
م	ن	س	ع	ذ	ض	ظ	غ	ط	ی	ک	ل	ش	ت	ث	خ
ف	ص	ق	ر	ا	ب	ج	د	م	ن	س	ع	ذ	ض	ظ	غ

شب چهارشنبه · روز چهارشنبه · شب پنجشنبه · روز پنجشنبه

ا	ب	ج	د	م	ن	س	ع	ذ	ض	ظ	غ	ط	ی	ک	ل
ه	و	ز	ح	ف	ص	ق	ر	ا	ب	ج	د	م	ن	س	ع
ط	ی	ک	ل	ش	ت	ث	خ	ه	و	ز	ح	ف	ص	ق	ر

شب جمعه · روز جمعه · شب شنبه · و بهمین تقسیم حروف طبایع را بعضی

ش	ت	ث	خ	ه	و	ز	ح	ف	ص	ق	ر	مقرر داشته اند که ابتدا از نصف
ذ	ض	ظ	غ	ط	ی	ک	ل	ش	ت	ث	خ	شب شنبه کرده اند و بقاعدهٔ اول تقسیم
ا	ب	ج	د	م	ن	س	ع	ذ	ض	ظ	غ	قسمت کرده اند و اگر ابتدا از

روز یکشنبه کنند و بقاعدهٔ طبایع عمل کنند طریق اسطقسات را مرعی دارند چنین است که نموده میشود

روز یکشنبه · شب دوشنبه · روز دوشنبه · شب سه شنبه · روز سه شنبه

ا	ه	ط	م	ث	ض	ج	ف	ع	ج	ر	ط	و	ی	ن	ص	ظ	د	ح	ل
ف	ش	ذ	ب	ک	س	ق	ت	ا	ه	م	ث	ض	ج	ن	غ	ر	ح	ع
د	ی	ن	ص	ظ	ذ	ح	ل	ف	ش	ذ	ب	ک	س	ق	ت	ا	ه	ط	م

٢٩

شب جمعه	روز پنجشنبه	شب پنجشنبه	روز چهارشنبه	شب چهارشنبه
ع ر خ ق	ث ض ج ذ	ا ه ط م	ک س ق ث	ف ش ذ ب
ا ه ط م	ک س ق ث	ق ش ظ ب	ظ د ح ل	و ی ن ص
ف ش ذ ب	ظ د ح ل	و ی ن ص	ع ر خ غ	ت ض ج ر

	شب یکشنبه	روز شنبه	شب شنبه	روز جمعه
معدان ابجد که	ک س ق ث	ف ش ذ ب	ظ د ح ل	و ی ن ص
الله که هر	ظ د ح ل	و ی ن ص	غ ر خ غ	ت ض ج ذ
ساعتی از	ع ر خ غ	ت ض ج ر	ا ه ط م	ک س ق ث
ساعات				

شبانروزی پانزده درجات و هر درجه چهار دقیقه و درجات فلکی سیصد و شصت است و هر درجه شصت دقیقه و اسامی ساعات بلفظ عرب اینست **نهار** شروق بکور غدو ضحی هاجره ظهیره رواح عصر قصر اصیل عشی غروب **لیل** شفق غسق قبهه سدفه جهمه ذوال زلفه بهره سحر فجر صباح و مردم ساعات شبانروزی مبنی از دوازده زیاده نمیباشد در حساب علی ای حال از دو مقتضیات گذشته مرعامل صاحب وقوف بوده بجهت که اگر قاعده مغایر عمل کند چون تقسیم باید کرد و اگر قاعده این خواهد میتوانند بود و صاحبان عمل حروف از این حروفات را اسمی مقرر داشته اند از اسما الهی چه عوت آن کرده اند و ان بدین منوال است که بعضی حرف اول اسم را منظور داشته اند چنانچه الف الله و با بدیع و جیم جمیل و هم چنین تا حرف غین که اسم غنی با ان متعلق است و بعضی حرف آخر اسم را منظور داشته اند چنانچه در حرف الف احیا و اعلا و در حرف با حبیب و طبیب و در حرف جیم فارج و در حرف دال مجید و حمید و هم چنین تا بحرف غین رسد که ابلغ و اسبغ بوده باشد و بعضی حرف اول اسم و آخر اسم هر دو را منظور داشته اند چنانچه حرف الف الم اتجاه و در حرف با بدیع الوهاب و در حرف جیم جبار الفارج و هم چنین تا حرف غین که غنی البالغ و چون بجمل حروف رضا الله و سر قلم مطلق جمل منظور داشته اند چنانچه در الف که صد و پانزده است اسم کافی قرار داده اند و حروف بی را که با احساب بجمله الله دوازده است اسم الوهاب مقرر داشته اند و جیم بچهار و سه عدد دارد و حامد اسم است الکون و بعضی گفته اند که عامل میبایدکه ساعات شبانروزی برده وقت از اوقات فصول اربعه بعد از آنکه قسمت کند بتفاوت چنانچه در ایام که روز بلند ساعت برسد از این سه دوازده قسمت کند قسمت روز و شب بیست و چهار ساعت را زیاده از این ایام بدوازده قسمت و این کم و زیاد ساعات در بعضی بلاد تفاوت تمام دارد غرض که چون روز را بدوازده قسمت کند و شب بدوازده قسمت در هر فصلی که بوده باشد حرف که بان وقت تعلق دارد با اسم مناسب ان ذکر کند و در دعاها تا را حکم کند که بمقصود او متوجه شوند که اصلا خطا ندارد و لیکن این دانسته باید که عامل است که در تنجیم وقوف داشته باشد و اگر احیانا و اگر احیانا این معنی ممکن نباشد ساعت اول هر روز با ساعت اول هر شب را حاجت بتقسیم نیست ان حرف ساعت اول را عمل کند و باقی حروف را با اسامی الله علی التعیین بخواند که مقصد است غرض که قرار بر یکجا از این باید داد که ساعت اول هر روز باشد که تا ساعت هشتم هم از روز تخالف ندارد و با ساعت اول هر شب باشد که تا ساعت هشتم شب تفاوت نیست و اما این قواعد که ذکر رفت قاعده که حرف اول اسم را با حرف ساعت مناسبت باشد بعضی آنست و الحق این طریقست الله بدیع جمیل دائم هادی وهاب زاکی حکیم طبیب یحیی کریم لطیف مجید نور سمیع علیم فتاح صمد قیوم رحمن شهید تواب ثابت خبیر ذو الطول ضامن ظاهر غنی و عون الکون بیلند اما اسم ملائکه اسم عون در این دستور العمل چنانکه اسم اعظم الهی را عدد گرفته مستطق سازند و الف از خارج اضافه کنند اسم ملائکه شود و عکس اسم

ملکعون

ملائکعون جا اسم الله اسم اولست و جلش شست و شش بوده و استنطاقش وا و وسی است برانطریق وس وا بل را از خارج از خارج که اضافه شود سه اسم ملک میشود و عکس او عون میشود چون بوش اضافه کنند اقتعش میشود و باقی حروف ب ابجد اسم و عزیمت مرتب باید ساخت و بخور باید سوخت و ملک و عون او را با اسم الله قسم باید داد که رجوع کنند بمهمات شروع عامل عهد ایشان سامان باید و اگر با ساعات شبانروزی مقید بباشد و خواهند که مطالب معین عمل کنند و حروف مراد ابان درست سازند باین باید عمل کرد که تقسیم حروف بر بروج واقعست باین طریق که مذکور میشود و بر عامل صاحب وقوف ظاهر است

حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت	و این تقسیم سه دوره است و هر کدام
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	ببین طریق حروف را دوره دهند
م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	تا دوازده دوره تمام شود هر برجی
ذ	ض	ظ	غ	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	را بیست و هشت حرف رسد بتکرار
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	حروف و تکرار چندان نیست این حرف
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ا	ب	ج	د	حروف هر برجی را به درجات برج باید
ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	قسمت کرد که در هنگام طالع از هر برج
ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	معین حرفی که با او متعلق باشد با اسم

اعظم ملک و اسم عون او بعمل آورند و آن چنانستکه هر چهار درجه و ده دقیقه و کسری دقیقه از هر برج بحرفی متعلق باشد چنانچه چهار درجه و ده دقیقه و کسر دقیقه از اول برج حمل با الف متعلقست و دقیقه و درجه بخم با چهار درجه دیگرش متعلق باشد بحرف میم و هم چنین تا اخر و اگر مدار بر ساعات طلوع و افول نهند تقسیم آن از پیش گذشت و احتیاج بتکرار ندارد و بعضی دیگر از صاحبان این علم چنین قرار داده اند که بعکس اسم مطلوب که باشد عدد آن منظور دارند و مطابق آن عدد اسمی یا دو اسم یا سه اسم از اسما الهی بدست آورند و بهمان عدد مضاعف بخوانند که مدعا حاصلست و بیانش آنستکه مطلوب کسی شخص معین منظور است و اسم آن شخص محمود است اسمی مطابق همین اسم در عدد پیدا باید کرد که بخوانند مثل حمید که نود و هشت است مطابق محمود دقیق علی هذا هم چنین بعضی از علما علیهم که در شرح اسمای حسنی الله ذکر کرده اند که هر یکی اسمی یا دو اسم قرار داده اند بعضی ازین جدول که بکیفیت بعضی از اسرار الهی ببیعت الف داده اند ببینند ترتیب است که رقم میشود الله الاله امر صنع معین مجیب مبدع معدل حکیم جبار مبین الذی حی و هاب مالک اول علی حق ملک الاکرام موصل بری ودود هادی معدل کریم حبیب طبیب مفضل عزیز مدرک مومن مبدع مهون ... مبدع مقتدر قاهر ملیک واجب طیب ودود محمد بهت ملک حامد مهیمن بالق محمد کافی کبیر ماجد کافی رفیع حبیب فعال تواب عظیم اول باسط واحد نافع احد مومن حی لطیف خالق ملیک کافی حاکم مبدل اسوی جواد رقیب احسان عالم مرتب مبقی مغنی نسب بار مظهر دوان طاهر الکون عامل صاحب وقوف اجازت است که در تعیین اسما و تطبیقات تغییر اسمی باسم دیگر دهد شرط آنکه در عدد موافق باشد دیگر چون در اسمای شرح قواعد دعوت اسما الله مذکور شد که بعضی از علما مدار اعتماد را در قرائت اسما الهی بعدد مضمر داده اند و واجبست امور عمل آن تا صحیح بود در یافت آن آسان باشد و انموذج این قاعده را فقیر مؤلف با اسم خود خواهد نوشت تا بیان و تفهیم ان کند که محققان این علم چنین بیان نموده اند که هر فردی از افراد موجودات را مرجعی و اسمی از اسما الهیست و آن اسمیست که در عدد بوسط یا کبیر یا صغیر مطابق او باشد چنانچه هر آدمی را اسمی ربی و ذات وی اسم دیگر که حضرت اسمی ذات اوست و در تربیت او بیشتر بر این نقد بهر آدمی را هشت مرتب باشد چنانچه تفصیل **اول** اسم مطابق اسم شخص **دویم** اسم مطابق لقب او **سیم** اسم مطابق کنیت او **چهارم** اسم مطابق صاحب طالع او **پنجم**

اسم مطابق اسم و لقب او ششم اسم مطابق اسم و لقب و کنیت او هفتم اسم مطابق اسم و لقب و کنیت و صاحب طالع او [illegible]
اسم [illegible] ذات مشخص است و اسم مطابق لقب مرتبه اشتغال افعال او و اسم مطابق کنیت مرتبه نتایج افعال او و اسم مرتبه صاحب طالع
آثار افعال نتایج بروز کار او و [illegible] حضرت واجب الوجود تعالی و تقدس علی ای حال اسم کمینه مؤلف با لقب و کنیت و
صاحب طالع اینست مفصلا

اسم	لقب	کنیت	صاحب طالع	مجموع اعداد	عدد بلا مرتبه
محمود ٩٨	دهدار ٢١٤	ابومحمد ١٠١	نصیر ٢١٧	۶٣٠	٩

مطابق اسما بالفاظ مذکوره فوق اینست /
اسم ٩٨ حق ٩٨ لقب ٢١٤ لا اله الا هو الواحد الوحید ٢١٤ کنیت ١٠١ [illegible] ١٠١ صاحب طالع ٢١٧ لا اله الا
هو الحبیب الطبیب ٢١٧ اسم و لقب ٣١٢ قریب ٣١٢ اسم و لقب و کنیت ٤١٣ لا اله الا هو المحسن الجمیل اسم و لقب و کنیت
و صاحب طالع ۶٣٠ لا اله الا هو الرزاق العلیم ۶٣٠ مدخل کبیر اسامی بعد ١٩١٨ عدد بلا مرتبه ٨ اکنون مدخل
کواکب سبعه سیاره جمع باید نمود تا عدد اسم بلا مرتبه منظور سازند بدین ترتیب زحل مشتری مریخ شمس
زهره عطارد قمر جمع اعداد عدد بلا مرتبه و مطابق عمل قرانات آنکه عدد صغیر اول که آن نه است در عدد صغیر
ثانی که آن پنج است ضرب کنند و عدد حاصل الضرب را مانند بلا مرتبه منظور سازند بدین طریق که عدد نه در پنج ضرب چهل و پنج حاصل
است و همین عدد بلا مرتبه نه میشود و مانند این نه را در عدد بلا مرتبه کواکب سبعه که آن هشت است ضرب باید کرد که حاصل الضرب
هفتاد و دو میشود و مطابق اسم باسط و اسمای مطابقه را هفتاد و دو روز در یک جهت معین بهمین عدد باید خواند و بخور طیب بباید
سوخت و احتراز از معاصی و ملاهی باید نمود که باعث ترقیات دینی و دنیوی و فتح فتوحات صوری و معنوی است و اگر
هر روز ده مطابق اوراد اسمای مذکور را در عقب صلوة خمس بخوانند بعد صغیر هفتاد و دو که نه است بجا آرند موجب حفظ است
از جمیع آفات و بلیات باذن الله تعالی و اگر حروف اسم و لقب و کنیت و صاحب طالع از حروف مکرر خالی سازند و حروف غیر مکرر را با
اسمای الهی بموجب عدد حروف بران مواظبت نمایند فایده کلی خواهد داد و این قاعده نیز در اسم این کمینه مؤلف بدین طریق است
ا ب و م ح م د د ه د ا ر ح م د د ر م ح حروف بلا تکرار اینست ا ب و م ح د ه ر ز حروف عدد بلا تکرار ٢٢٣
مطابق این اسماء را لا اله الا هو الحامد الماجد این اسما را بهمان دو وجه هفتاد و دو روز بخواند باید حق الله که بعد از آن اسما
مطابق بخوانند اسمای مطابق و در این هم رنج اینست الله باسط وهاب مجید حکیم دائم باری رزاق [illegible] و الله اعلم
بحقایق الاسماء و الافعال

فصل هفتم

در ذکر قواعد دعوت فاتحة الکتاب و بعضی از سور قرآن بعون الله الملک المنان

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ایدک الله تعالی که بعضی از علما آیات سبعه فاتحة الکتاب را از اول تا آخر بکواکب سبعه منسوب نموده اند چنانچه آیه اولش بزحل
متعلقست و آیه آخرش بقمر متعلقست بترتیب مقررات افلاک و بعضی بعکس این رفته اند که آیه اولش بقمر داده اند و آیه آخرش را
بزحل و بعضی بترتیب ایام سبعه قرار داده اند و ابتدا از روز یکشنبه کرده اند که با آفتاب متعلق است و دوشنبه با ماه و سه شنبه بمریخ
و چهارشنبه بعطارد و پنجشنبه بمشتری و جمعه بزهره و شنبه بزحل و آیات فاتحة الکتاب را بهمین ترتیب که هفت قسمت کرده اند و بعضی
بترتیب افلاک قرار داده اند و ابتدا از فلک قمر کرده و ختم بمریخ کرده اند و آیات فاتحه را بهمین تقسیم قرار داده اند و در این تقسیمات
اختلاف هست [illegible] در اوان تکلیف که متعلقست ذکر آن کواکب باید نمود [illegible] چنانچه حضرت امام [illegible]
جعفر بن محمد الصادق علیه و علی آبائه الصلوة و السلام در تقسیم حروف و آیات فاتحة الکتاب قرار داده و صاحب کتاب عاقبة الحکیم از
حضرت نقل کرده و چنین است که [illegible] اسمای ملائکه و اسمای [illegible] اعظم در آیات فاتحة
الکتاب را با حروف ابجدی بهمان نوع قرار میدهد لیکن در حروف ابجدی تقسیم از زحل است تا قمر و مجموع بدین ترتیب قرار داده
و حضرت امام علیه السلم در این باب بیانی نفرموده اند علی ای حال اگر تقسیم حروف ابجدی را بقاعده فاتحة الکتاب قرار دهند

ترتیبش اینست

و اگر بقاعده که از پیش گذشته قرار دهند ترتیبش اینست

مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس
ذضظغ	شتثخ	فصقر	منسع	طیکل	هوزح	ابجد

ابجد از زحل و ذضظغ از قمر است و عمل این [illegible] که این حقیر مؤلف [illegible] نسخه را تا [illegible] کند شرح دعوت سوره
کریمه فاتحة الکتاب و قاعده ترتیب قرائت آن بنوعی که اتم و اعلا باشد بیان خواهد شد بدان ایدک الله تعالی که دعوت
فاتحة الکتاب از شرح مستغنیست و فایده کلی بدان مترتبست و هر چند کسی در این دعوت تقوی و ورع را زیاده کند و
[illegible] باشد شک نیست که ابواب فتوح و ابواب فیوضات غیبی بر او مفتوح خواهد شد [illegible]
ابواب مفتوح است و هر کس سعی و همت [illegible] اما نسبت باکسان که در کار آن میکنند و نکرده اند [illegible] مسدود است
و چون توجه کنند بدین ریاضت آن در را بیابند و همانا برایشان مفتوح میشود اولا دعوت این سوره چهار نوع است اول صغیر
دوم وسیط سیم کبیر چهارم عظیم و دعوت صغیر هفت هفتاد است و دعوت وسیط بیست و یک هفتاد است و دعوت
کبیر هشتاد هفتاد است و دعوت عظیم صد و چهارده هفتاد است و چون کسی این دعوت عظیم و کبیر و وسیط [illegible]
[illegible] دعوت صغیر [illegible] میشود و شرح آن مسطور میگردد اولا باید دانست که هر کس که اراده ریاضت داشته باشد خود قرار ایام آن را
میباید داد که چند روز خواهد بود و همان مقدار ایام ریاضت قبل از شروع در ریاضت خود را [illegible] میباید ساخت و مستعد
میباید شد چنانچه اگر خواهد که چهل روز ریاضت بکشد چهل روز قبل از آن خود را بالکلیه میباید داشت و در تقلیل غذا و کم خوردن
حیوانی [illegible] و کم گفتن و کم خفتن و از ناشروعات مطلقا محترز بودن و باطن را طاهر داشتن میباید کوشید تا
روز اول که شروع در ریاضت میشود فی الجمله مناسبتی با روحانیان حاصل کرده باشد و چون دعوت صغیر [illegible] فاتحة الکتاب [illegible]
مقرر است [illegible] قبل از شروع در دعوت خود را [illegible] میباید داشت و در دوشنبه و پنجشنبه روزه میباید بود و شبها
بیداری میباید کشید و [illegible] لا اله الا الله عبادت میباید کرد و لباس و مکان و غذا تمام میباید که حلال باشد و پاک باشد
[illegible] شروع در ریاضت میباید کرد و شرح ریاضت آنست که خلوتی [illegible] که [illegible] باشد اختیار میباید نمود [illegible]
[illegible] باشد [illegible] از وجه حلال باشد [illegible]
باشد [illegible] بهم رسد که کسی را در آن مالکیت نباشد [illegible]
و غذا [illegible] افطار کند از حیوانی نباشد [illegible] از وجه حلال بهم رسیده باشد [illegible]
که در چراغ سوزد هم از وجه حلال میباید و چراغدان نیز هم از وجه حلال [illegible] باشد بهتر است [illegible]
باشد و بخور از عود و عنبر [illegible] الذکر باید سوخت [illegible] اجزای بخور [illegible]
[illegible] بتقوی و طهارت میباید کرد و در این ایام هفت
هفته [illegible] خلوت [illegible] باشد و ظرف آب پاکیزه از جهت طهارت از وجه حلال [illegible]
باشد [illegible] طهارت که آن آب [illegible] باشد و آب [illegible] میباید و آب هم که غصب
نباشد [illegible]
تمام این اسباب از وجه حلال [illegible] باشد [illegible] این شروط [illegible]
باید تا [illegible] ریاضت شود [illegible] این شروط [illegible] اکنون چون این شروط [illegible]
[illegible] خلوت [illegible]
باید کرد که در آن وقت [illegible] باشد و طالع مسعود هم باشد که [illegible] قدم [illegible] در خلوت [illegible]
متوجه باید شد که غسل کند [illegible] قدم در خلوت [illegible] یکشنبه [illegible] طهارت [illegible]
[illegible] بخور [illegible] تمام در خلوت میباید که موجود باشد [illegible] قدم در خلوت [illegible]

۳۱ بر بالای مصلی دو رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز یکصد نوبت درود بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم بفرستد و از ارواح انبیاء و اولیاء استمداد
همت نموده فاتحه بخصوص بارواح مقدس ایشان روانه کند و صدق تمام و قلبی خالی از وسوسه متوجه شود و منزل بخور دود
خوش کند یعنی خلوت و محفوظ در زمین خلوت باید و جلوت هر کدام که ممکن باشد بکند و در اثنای خط کشیدن آیة الکرسی بخواند
و این آیه را هم بخواند که ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین فیه آیات بینات مقام ابراهیم ومن دخله کان آمنا
و همچنین لعیان مانند نور بکشیند شروع در خواندن فاتحة الکتاب بکند و سوختن بخور با خواندن فاتحة الکتاب و یکصد و بیست و یک نوبت
سوره فاتحة الکتاب را هر روز بخواند با اعتصام و اختتام و ترتیب چنان کند که در این خواندن از ابتدای ساعت اول روز یکشنبه باید
باشد که شروع در خواندن اعتصام کند و سوره که بعد از اعتصام و اختتام بیست و یک نوبت دیگر بخواند و این بیست و یک نوبت در هر
نوبت که باید قراءت نماید برسد که شمس متعلق است این هفت نوبت بخواند از آن بگذرد و از آیات باقی بخواند
بیست و یک نوبت هفت بیست و یک نوبت ایرکه شمس متعلق است خوانده شود و هم چنین در صباح روز دوشنبه الخ که قمر متعلق است
هم هفت نوبت میباید خواند و در هر نوبتی که فاتحه را با اعتصام خوانند و مجموع این هفت هفت و در صباح قبل از ساعت اول از روز
یکصد و بیست نوبت را فاتحه را مجموعا میباید خواند و بعد از آن در هر ساعت از ساعات روز یکشنبه بیست و یک نوبت فاتحه را با اعتصام و
اختتام میباید خواند بنوعی که در هر بار این متعلق باین کوکب را هفت بار بخواند و بعد از آن در عقب هر فرض دیگر که غیر آن
فرض صبح است الخ از فاتحه که این متعلق است با او حضرت خوانده شود و هر روز میباید خواند و هر شب منتظر
باید بعد از حجاب خدای مطلق و از ذکر و صلوات ساکت نباید شد و خواب اندک باید کرد و غذا اندک باشد از افطار بهما چند کم باشد
تا خواب غلبه نکند که از ذکر باز ماند و چون مدت هفت هفته باین نوع باتمام رسید کیفیتی دست خواهد داد که شرح راست نیاید چنانچه
گفته اند نظم قدر این باده ندانی بخدا تا نچشی و اعتصام فاتحة الکتاب اینست اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی حبیبک و نبیک محمد و آله و صحبه و سلم تسلیما کثیرا کثیرا نادعلیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم سینجلی
یا علی یا علی یا علی اللهم انی اسئلک بمفاتیح خزائن اسرار کنوز جوامع اسمائک و مفردات تامات کلماتک و بقرائة سوره کتابک
و بذکر وجوه آیاتک و بتلفظ جمیع اوصافک و بتکلم کل اشیائک بالکلیات و الجزئیات الف با تا ثا جیم حا خا دال ذال را زا
سین شین صاد ضاد طا ظا عین غین فا قاف کاف لام میم نون واو لام الف یا الف ان تصلی علی محمد و آل محمد و در اثنای خواندن
حروف تهجی از الف تا را انگشتان دست باید بست و از حرف را باید گشاد تا حرف قاف و هم چنین از حرف قاف باید بست تا
الف آخر و در عقب که ان تصلی علی محمد و آل محمد گفته شد نه نوبت صلوات میباید فرستاد که عقود اصابع را بکشاید و دست بدعا
بر داشته بخواند اللهم افتح علی ابواب الدخول فی شیئ کل الاشیاء و المحجوب و بخواند سه نوبت و تفتح علی ابواب الدخول فی شیئ کل
الاشیاء و بیابکل الدعاء و مقرونا دعوتها بالاجابة و متوجا اتبعها بالیشیا المنکا کل شیئ قدیر و بالاجابة جدیر برب سهل و تیسر ولا تعسر
هذه العزیمة و سخر لی خدام آیات کتابک و روحانیة ملازم احکام اسمائک بحق اسمائک و صفاتک یا رب العالمین یا حضرت صفاتک و بعظم جلالک
و عزة جمالک و طهارة اسمائک و بعصمة انبیائک و بنور اولیائک و بتقدیس اصفیائک و بمحبة احبائک و بدیع شهدائک و بذکر
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و تسخر لی هذه العزیمة و تسخر لی جمیع المخلوقات الروحانیات من العلویات و السفلیات انک مجیب
الدعوات و قاضی الحاجات آمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین تمت الاعتصام و در روز یکشنبه که متعلق
بآفتاب است در وقت آن روز در هر بار که فاتحه میخوانند هفت بار این ورد را الحق میباید کرد چنانچه هفت بیست و یکبار این ورد خوانده
شود که بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین یا حی یا قیوم اجب یا جبرائیل التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات الروحانیات من العلویات و
السفلیات سامعا مطیعا لله رب العالمین بحق الحی القیوم و بحق الملک الموکل بقائمة العرش مشعیوش الطعن یا ابا عبد الله ملائکه هب
بحق من له الحکم و الامر علیک بعد از آنکه هفت بیست و یکبار بخواند آن و در بار فاتحه را تمام باید کرد و یکبار دیگر این عبارت و ایات و اعتصام

باید خواند که دیگر بار فاتحه بخوانند تا بیست و یک نوبت که فاتحه تمام خوانده شود و در هر بار از این بیست و یکبار هفت بار همین
ایرد عبارت که گذشت باید خواند و در اوراد هر روز هفت بیست و یک میباید خواند که چون باین وزن بخوانند هفت نوبت بخوانند
بعد از هفت نوبت فاتحه را تمام کنند اما در روز دوشنبه که نوبت قراءت فاتحه را با اعتصام بنیاد باید کرد که بخوانند و چون که
بآخر نوبت این روز رسند هفت نوبت اول بخوانند و تتمه فاتحه را بخوانند مکان این عبارت بعد کنند فاتحه در روز دوشنبه
که ساعت اول شب هفت در هر نوبت خواندن فاتحه را میخوانند الله ایاک نعبد و ایاک نستعین یا سریع یا قریب یا معبود یا مستعان
اجب یا جبرائیل علی التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات الروحانیات من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا بحق السریع القریب المعبود
المستعان و بحق الملک الموکل بقائمة العرش و ضظیموش المطیع یا ابا النور ملائکه بحق من له الامر و الحکم علیک شرح چون بکرد از بر
گذشته حاجت تقریب بذکر آن شروع در نوشتن و در روز سه شنبه که متعلق بمریخ است در ساعت اول شب هر نوبت که فاتحه
خوانند با اعتصام و اختتام این ورد را هفت بار باید خواند اینست غیر المغضوب علیهم و لا الضالین یا قاهر یا عزیز اجب یا سمسمائیل
علی التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات الروحانیات من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا بحق القاهر العزیز و بحق الملک الموکل بقائمة
العرش و بحق طیکوش المطیع یا ابا الحجر ملائکه احمر بحق من له الامر و الحکم علیک و در روز چهارشنبه که متعلق بعطارد است در هر بار که فاتحه خوانند
هفت بار باید یکی از کرد این است مالک یوم الدین یا مقلب القلوب یا هادی اجب یا میکائیل علی التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات الروحانیات
من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا بحق مالک یوم الدین و بحق مقلب القلوب الهادی و بحق الملک الموکل بقائمة العرش شمخیوش
المطیع یا ابا العجائب ملائکه برقان بحق من له الامر و الحکم علیک و در روز پنجشنبه که در هر بار که فاتحه خوانند هفت بار این ورد را تکرار
کنند و متعلق بمشتری است اینست صراط الذین انعمت علیهم یا الله یا حکیم یا علیم اجب یا صرفیائیل علی التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات
الروحانیات من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا بحق الله الحکیم العلیم و بحق الملک الموکل بقائمة العرش هموذ جیوش المطیع
یا ابا الولید ملائکه شمهورش بحق من له الامر و الحکم علیک و در روز جمعه که در هر بار که فاتحه خوانند این ورد را هفت بار باید خواند
و متعلق بزهره است اینست الرحمن الرحیم یا رحمن یا رحیم یا رئوف یا عطوف یا الوف اجب یا عنیائیل علی التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات
الروحانیات من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا بحق الرحمن الرحیم الرئوف العطوف الالوف و بحق الملک الموکل بقائمة العرش
ضفدعیوش المطیع یا ابا الحسن ملائکه زوبعه بحق من له الامر و الحکم علیک و در روز شنبه که در هر بار که فاتحه خوانند این ورد را هفت
بار تکرار باید کرد و بزحل منسوب است اینست اهدنا الصراط المستقیم یا قادر یا مقتدر اجب یا کسفیائیل علی التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات
الروحانیات من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا بحق القادر المقتدر و بحق الملک الموکل بقائمة العرش اجید یوش المطیع یا ابا النوح ملائکه
میمون بحق من له الامر و الحکم علیک ما تکرر مفصلا در آن باب را بتحریر پیوست و بجای حصار آن در باب میکوید و ممکن است و بعضی بر
جای کعبه آن را حصار آن میگویند و بر هر منعقدت و تمکنت و اختتام فاتحه اینست اللهم ان لیس فی السموات دورات و لا فی الارض
غمرات و لا فی البحار قطرات و لا فی الجبال مدرات و لا فی الاشجار ورقات و لا فی الاجسام حرکات و لا فی العیون لحظات و لا فی النفوس خطرات
الا وهم بک محیطات و علیک دالات و لک شاهدات و علیک عالات و فی ملکک متحیرات و فی تحت جبروتک متلاشیات بحق القدرة
التی تحیرت بها اهل الارض و السموات سخر لی قلوب جمیع المخلوقات الروحانیات من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا بحق ملکک و جمالک
انک علی کل شیئ قدیر و بالاجابة جدیر یا قریب یا مجیب یا سریع یا قریب و اینچه در هر روز در اول آن روز بعد از اعتصام اول باید خواند مع
الاعتصام و الاختتام تمام فاتحه است که چون در اثنای خواندن هر بار بوده در روز مذکور برسند و هفت بار بخوانند و فاتحه
را تمام کنند و تمام فاتحه که هر روز نیست و یکبار باید خواند اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
یا حی یا قیوم اجب یا جبرائیل علی التسخیر لی قلوب جمیع المخلوقات الروحانیات من العلویات و السفلیات سامعا مطیعا لله رب
العالمین بحق الحی القیوم و بحق الملک الموکل بقائمة العرش مشعیوش المطیع یا ابا عبد الله ملائکه مذهب بحق من له الامر و الحکم علیک الخ

٣٢

الرحيم يا رحمن يا رحيم يا رءوف يا عطوف يا الوف اجب يا عنيائيل على التسخر لى قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات
سامعا مطيعا بحق الرحمن الرحيم الرءوف العطوف الالوف وبحق الملك الموكل بقائمة العرش دفسقريوش الطمعى يا ابو ليس ملك وبحق
من له الامر والحكم عليك مالك يوم الدين يا مقلب القلوب يا هادى اجب يا سمكائيل على التسخر لى قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من
العلويات والسفليات سامعا مطيعا بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب الهادى وبحق الملك الموكل بقائمة العرش ستخيوش
الطمعى يا ابو العجائب ملك برقان بحق من له الامر والحكم عليك اياك نعبد واياك نستعين يا سريع يا قريب يا معبود يا مستعان اجب يا جبرائيل
على التسخر لى قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سامعا مطيعا بحق السريع القريب المعبود المستعان
وبحق الملك الموكل بقائمة العرش دصلطفيوش الطمعى يا ابو النور ملك بيض بحق من له الحكم والامر عليك اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر
اجب يا كسفيائيل على التسخر لى قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سامعا مطيعا بحق القادر المقتدر وبحق
الملك الموكل بقائمة العرش ابجيدبوش الطمعى يا ابو النوح ملك ميمون بحق من له الامر والحكم عليك صراط الذين انعمت عليهم يا الله يا حكيم يا عليم
اجب يا صرفيائيل على التسخر لى قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سامعا مطيعا بحق الله الحكيم العليم وبحق الملك
الموكل بقائمة العرش هوزحيوش الطمعى يا ابو الوليد ملك شمهورش بحق من له الامر والحكم عليك غير المغضوب عليهم ولا الضالين يا قاهر
يا عزيز اجب يا سمسمائيل على التسخر لى قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات سامعا مطيعا بحق القاهر العزيز و
بحق الملك الموكل بقائمة العرش طيكلوش الطمعى يا ابو المجد ملك احمر بحق من له الامر والحكم عليك ايات فاتحه را تمام رسيد واعتصام واختتام آن در
هر يك باب كه از فاتحه بايد خواند از پيش اين شرح شده و صاحب كتاب مذاوره ومداومت تعز بالى بايد كرد كه بعد قدر هذا اين كه تمام انى ميعد
دعوت فاتحه اتمام يافت و قاعده ديگر يافت كه صاحب كتاب ابو الفتح قرار داده و بالله التوفيق و عليه التكلان بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين رب الاولين والاخرين مكون الاكوان ومدون الدواوين ومقدر الاقوات الخلائق اجمعين الملك العظيم الوهاب
الكريم الرحمن الرحيم مالا رحم العباد العاصين والطائعين احتجب عنهم فلا يعرفه من عليهم بغير الورى احتجب عنهم فلا عين عنه وهو بين ايم
بعين الرحمة والى الغير سبحانه وتعالى وهو بالمنظر الاعلى اللهم انا قد علمنا بانك الهنا والخالق لنا ولا نعبد سواك لا اله الا انت لا معين سواك
رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبالقرآن كتابا وبسيدنا محمد صلى الله عليه وسلم نبيا ورسولا وبابائنا على المرتضى وليا واماما لا اله الا انت انت
وبك نستعين وبك نستعين وبك وسلك اللهم اجعلنا يا مولانا من نطق بسيرك الملك والثناء والعزة والتمكين مالك يوم الدين اللهم اسئلك بحق محمد صلى الله
عليه وآله وسلم الذى انعمت به الدين القويم وفضلته بالشفاعة وبالسبع المثانى والقرآن العظيم ان تشفع فيه ولا تحرمنا عنه واجعلنا من
الراغبين فيما عندك الذين انت على كل شىء قدير وحسبنا الله على فى هذا الذى اصبحت مشتغلا في نعمة وعافية وستر وصلاح احوالى واجمل ...
فابجار مطلبى وتمهيد صبرى وحقى اللهم فى صباحى هذا مثلك رضاك وافتح على من فضلك مع الرزق الفسيح يا من هو حق بالحقيقة واسم الحق
معلوم لا اله الا انت اياك نعبد بالتحقيق فاهدنى الى اقوم طريق لان الاراده عين عدم وجودى وجودى عدم يا مرشد يا هادى ارشدنى
واهدنى وعلمنى وفهمنى ما شئت بما شئت وكيف شئت ومتى شئت كيف شئت بما شئت وانت يا فتى اللهم الرشد والهداية الى الرب الاعلى با آلهى
دلت تفقنى بين الحق فانا فقير حيرة فاعرف اللهم واغشنا باجل المغفرة واللطف وانت اعلم بحالى منى وعالم بالحال وغنى عن السؤال اليك اللهم على هذا
الطلب استكان واياك نستعين يا معين اللهم انى توكلت على عطاء والاجابة وقصدت منك الارادة لا من خوفى الذى قلت ادعونى
استجب لكم دعوتك يا مولاى بلا لسان ولكثرة عصيانى اللهم محلا بانجاح هذا الطلب يا مفرج الكربات الذى بعد عن الاوطان وتغرب عن
الاخوان وهاني المخلوقين وانت القوى المتين ... امرى وحسب نفسى بالرزق الكثير ومعى كسبا قلبى بغيا الطلب طلب من رزقك
اللهم بك امنا وعليك توكلنا اهدنا الصراط المستقيم يا كريم يا مقيم يا حكيم يا عليم يا عليم يا كريم اكرمنى بالطاعة واعصمنى من خلقك
من كل ميلان لا تبالعه يا مقيم القى من مقام قوم يا عليم علمنى علما نافعا ينفعنى كشفه بدعوتى يا حكيم حكمنى اللغات الاربع وصدق اللهم عنهم
وبينى وبينهم لا تجعل يا عليم جهلى من فطنتك عظمة تلك وجودى ظاهرا وباطنا وافقنى باحسن الموقوتات واتقين على طاعتك متبعا فاهدنى

باب الينا صراط صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين بحق جودك ووجودك امين اللهم اجعلنى
من الفائزين المطمئنين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون كهيعص حمعسق طس يس ق ن لله الامر من قبل ومن بعد و
يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله ينصر من يشاء وهو القوى العزيز فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين اللهم من على يا جبار الارباب
يا رب الارباب ومربى الارواح وفالق الاصباح اللهم لك الحمد اولا واخرا وظاهرا وباطنا حمدا حامدا مصونا يا معين يا انت من انا وانت
اللهم انى اصبحت منك فى نعمة وعافية وستر فاتمم نعمتك وعافيتك وسترك على يا ارحم الراحمين واجعلنى من ورثة جنة النعيم اللهم انى
اسئلك رضاك والجنة وخير الدنيا والاخرة واعذنى من عاقبة النار وشر الدنيا والاخرة برحمتك استغيث لا اله الا الله محمد رسول
الله صلى الله عليه وآله اللهم انى اصبحت بخير اطلب منك الامان من النار وادخل الجنة لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه وآله اللهم انى اصبحت
لا ادرى ان اعيش الى العشاء فانتظر منك الغفران وامسيت لا ادرى ان اعيش الى الصباح فتب على يا حنان يا منان يا فتاح لا اله الا الله
محمد رسول الله صلى الله عليه وآله اللهم انى اصبحت برزق الله الكريم الرحمن واطلب التباعد من النفس والهوى والشيطان لا اله الا الله محمد رسول الله
صلى الله عليه وآله اللهم انى اعوذ بك من فتنتهم وكيد الدنيا وتحت الدنيا يا جزيل العطاء يا غنى الاغنياء لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله
الله اللهم انى اصبحت وعمرى فى نقص وذنبى فى زيادة استغفرك اللهم واتوب اليك من كل ذنب عملت فى ليل ونهار لا اله الا الله محمد رسول
الله صلى الله عليه وآله اللهم انى اسئلك بانك انت الله الذى لا اله الا انت اللهم لك الحمد ومنك النعماء يا واسع العطاء يا عظيم الرجاء اجعلنى فى
فى بحار الجمال والجلال يا كريم يا متعال طلبتك يا ذا الجود يا واسع العطاء يا منتهى الشكوى يا مغنى الفقراء يا جبر كسرى يا رحيم برحمتك وعلى
نعمة عمرى بالميسرى يا جابر الكسير ويا مغنى الفقير ومن هو على كل شىء قدير مولاى بالنجاح الاعظم فى هذا الصبح من خير الكرم اكشف عنى ذلك
اعلم به منى سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم والحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين
ازقاعده مقدم از قواعد فاتحه الكتاب بتوجه كه مقتضى ان عمل يافت الله باتمام رسيد ... وبكرده على فاتحه صفت اين باب خواندنى
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اسئلك يا ملك ... يا مبدع السموات والارض اسئلك بانك انت الله الذى لا اله الا
انت الاحد الصمد الفرد الوتر الحى القيوم الحنان المنان ذو الجلال والاكرام ان تصلى على محمد وآله وان تعوذ على بركة ذلك فى دينى ودنياى
واخرتى واحفظنى من الشيطان باسمك الحى يا نور النور ... فاتحه بايد خواند

واسم سيوم اينست علم ربع عمعيفا قيل واسم چهارم اينست حد ربع عمعيفا فيكل وقرب هذا الى اخر الا
اكنون انچه فقير مؤلف دراين باب بيان كرده مستحسن ومقبول هو شما را باشد چنين عمل كنند والا هيات كه صاحب تكسير ابجد
قرار داده قرار وصد معتبد خواهد بود انشاء الله تعم تمام شد قواعد نصف مؤمن والله اعلم والحكم بالصواب

فصل هشتم

در قواعد الواح تکسیری و عددی از سه در سه تا ده در ده بطریق وفق و بعضی دیگر از الواح غیر متداول بعون الله الملک الفاعل بسم الله الرحمن الرحیم

للمؤلف بهر هر از ان دو لوح ای پسر که هستند این هر دو پر شور و شر

بدانک ایدک الله که شرح لوح اول از این الواح سه در سه انست که در اصل وفق لوح مذکور عدد حروف سبح ملفوظ است باصطلاح علمای مشارقه و صاحب لوح سیصد و شصت میشود که عدد ملفوظ همین حروف باصطلاح علمای مغاربه و همین عدد در جانب شرقی و حروف مذکور مفتاح اسم سمیع است و ذکر این اسم از برای قبول القول تاثیر عظیم دارد و اجابت مقرونست و وفق این لوح متضمن بسیار فواید است و حروف این بلا تکرار هفت میشود بدین طریق ا ط ی ل م س ع و از ترکیب سطورش بنوعیکه در لوح مذکور موده شده الفاظ خاص صورت ظهور می یابد و چند اسم از اسمای الهی از حروف او ظاهر است بدین نسق سلام سمیع سلیم عالم علام علیم سامع مطلع معطی عالی علی بسط الم طس طسم س دیگر این عبارات شامل این دو اسم هست ال ایل و عال این لوح انستکه چون در وقتیکه مسعود باشد بر خاتمی از نقره نقش کند حاملش مقبول القول باشد و در نظر مردم عزیز و محترم گردد و حروف لوح با بجد آنست بعدد وفق لوح سه در سه بنظم طبیعی مقرر و حروف بلا تکرار هفت است بعدد کواکب سبعه و عدد حروف سبعه بلا تکرار دویست و بیست است که عددی از اعداد متحابه است و اگر حروف سبح که مدار لوح بر چهار دست از حروف سعد و سبع کنند حروف سه ابق اسم المطیع است و مجملا شرح این لوح از حد تقریر بیرونست حالا بهمین قدر اختصار کرده دو سه حرفی در خواص لوح دوم از الواح سه در سه کشیده میشود بباید دانست که این لوح بجهت تفریق است و در هر خانه او چهار حرف کاف مسطح می باید نوشت بنوعیکه در خانه اولش نوشته شده و عدد از اول آن ابتدا می باید کرد که بجهت تمام کنند و این دو لوح نوشته می باید خواند که ذکر دعا کنند که مفید است و زیاده از این شرح این لوح حاجت نیست بهمین اکتفا کرده در خاصیت لوح سوم چند کلمه بیان میکند لوح مذکور بنظم طبیعی ناقص است و اسمائیکه در هر خانه مسطور شده عدد صغیر با عدد همان خانه مساویست و سوره الکوثر را که بطریق تکسیر مسطور شده قرائت می باید کرد با اسامی که بنحوی که کار دارند و ذکر حاجت بکنند که مفید است و الواح باقی فلان چنان مرقوم شده که بر متامل صاحب وقوف خاصیت شرح ندارد و خلاصه آنستکه مجمع بجمع ابق این عبارات می باید خواند ان الله علی و عبد القادر الکل دروه عن الطریق عوض دالوضع دقهه و عن تقصیر عجز ان سلک التواه انجرو هوا دوه هر چه در تعزیر میمون و مسعود است و از جلب غایب حرف سه در سه را در خرقه که بوی غایب داشته باشد می باید نوشت با عدد وفق موج و در قبله باید کرد که بار دیگر نسبت طلب در بجز رسد

ومربع بکشند

ومربع بکشند بسوی بعد وانه من سلیمن وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین ولما جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک الصعقا الی امر الله فلا تستعجلوه یوم نبطش البطشة الکبری انا منتقمون توکلوا بحق الاتوح فی احضاره ۳ من ۴۲ تعجیل الصعوبة وان بحب محبت حروف سه در سه بیند از حرفها باید نوشت که بیعها از حرفی باشد بیدان وانما اهن الیک باید خواند فرد که الی امر کی تفرق بینهما ولا تحزن اقبل باعلان بن فلان الذی قال لا اله الا انا وانقت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بینهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم اقبل بفلان بن ۳ الغفران ما بین نجمعهم جمعا الا الاثنان الی بتقلیم التی بن فلان بحب ۲۳۰ ۲ بحرمان المطلوب باید خواند و بجهت مقبول دیدن و مهمات همچنین عمل محبت کلمات بدوح بجهت حب حسابیان باید نوشت بر این نقش که بر هر آن ده حب حرف ب بنویسند در برده و این ده حب حرف د بنویسند در برده و این ده حب حرف و در برده و این ده حب حرف ح و بر یکجا کلمه بدوح با التمام تا حاجات چهار ورشود و اسم مطلوب بر هر حب از آن باید نوشت و مجموع در روز یکشنبه باید نوشته و حاجات را هر روز هفت حب باید بجز دیگر در هفت روز چهار ساعت اول روز و سه ساعت آخر روز و در روز هشتم هفت حب را در ساعت اول روز یکبار باید سوخت چنانچه حب که بدوح بتمام دران نوشته آخر همه بسوزند بترتیب حروف چهار را باید سوخت که مفید است و اگر معربات لوح سه در سه را در کوشش که بر سه بنویسند و بکوشی او بگویند طلاق فلان بن ۳ من ۴۲ بینهما جدائی شود و همچنین این عمل کند بر سر حب خلاف می باید و همچنین اگر معربات را بر هفت ورق سفال یا آجر خصمین باید نوشت و در قبر باید سوخت که تفرقه میشود و همچنین محبت حریان دم حرف معربات باسم شخص بر آن صاحبش باید نوشت در دو دو شن مربع بر این آیات و قطرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر بسم الله مجریها و مرسیها اذا السماء انشقت الی قوله والقت ما فیها دم ۲ من ۴۲ و هفت دمها و سوزنها از ان آب باید خواند که احتیاج یابد بر سر کار که تند بر عمل دو صاصر را سوراخ کنند که بر بالای آن ده حب بسیار ذبح کنند اعراب و ذبح می باید کرد در ستاره زیر پشت حوض که آنرا باید در وقت ذبح و بجهت صندل سرخ و کبریت در صاصر در مر باید وان دفن می باید کرد و طلاق این عمل بعد آورده در صاصرات و شتن و سکستن و این همه گفته الله که صورت آن موم بباید بنام آنکه خواهد هلاک شود و در مرحل در دو ماغ باشد در اول روز زباغ و آن صورت را بالاره قطعه قطعه بیند در باب بیعان انسان تعداد آیات بجا نشد و اینجا باید نوشته شد در شکم صورت تنشد والله اعلم و بعد شروع میرود الآن در الواح چهار در چهار با انواع مختلف نمی شود

این سه لوح عددی حجرا موزونخ کشته اعداد نوشته شده تا مبتدی مراد یابد وقت نگاشتن عدد و عدد عاد دران ملاحظه نماید و کسر لوح را بیان کرده که کدام خانه را اضافه باید نمود در قاعده نگاشتن

لوح مضمر و مظهر اینست موزونه میشود آیه لا تخافا اننی معکما اسمع و اری بنوع از جهت ایمنی از دشمن مفید است دیگر این لوح فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین مشکل است بجهت قطع اعدا ظالم باید نهاد در زیر شیب کرده هر خانه کلمه باشد در وفق لوح عدد تمام آیه باشد ظاهر و عدد آیه مذکور اینست ۲۹۹۹ و چند لوح دیگر چهار در چهار بطریق مظهر و مضمر و ذو الکتابه نوشته میشود که در هر کدام حاجتی است بجهت تعلیم طالبان این علم و ان الواح در ظهر این ورق در صفحه اینجا مسطور است در اینجا کنجایش این الواح نبود والله اعلم و احکم

بدان ارشدک الله که این دو لوح را بر این نهج اختراع حضرت است و در این دو لوح جهت امتزاج اعداد متحابه وضع شده و عدد علی
صغیر طالب عدد اسم شریف علی است و عدد منتهای لوح عدد طالب و عدد مبتدای لوح مطلوب و عدد ... صغیر مطلوب
عدد محب محمد است و می‌باید که چون این لوح را اطلاع حاصل کنی مولف را ... فراموش نکنی و بعد این دو لوح صورت
مربع کاری معدود باید کشید که مربع در بطن او درج کنند زیرا که معدود اکمل اشکال است و این دو لوح جهت طالب و مطلوب ...
کرده شده و در یک قطعه کاغذ بنگارند و کاغذ مذکور را چنانچه تمام کنند که خطوط ضلع اول ... بالای یکدیگر باشد ... و در مرکز
اول اسم طالب و در مرکز ثانی اسم مطلوب تحریر کنند و بیوت ... هر دو لوح از اعداد متحابه پر سازند چنانچه بر لوحی که اسم طالب
مشتری
مرکز است از عدد محبوب موافق سازند و بر لوحی که اسم مطلوب بر مرکز است از عدد محب موافق سازند و در تمام این لوح در ...
ساعت زهره و مشتری ... باید کرد ... معطر سازند و طالب ...

بعد ازانکه شش در شش معتدل الله و در هر عدد که خواهند دران میتوان نگاشت خواه باکسر و خواه بی کسر و این لوح سیل تا عدد
ما فتاب منسوب است و در و رنگ سبز و شب پنجشنبه والله اعلم

و اگر خواهند که در این لوح تکرار عدد نباشد از ترتیب الوف و وجب کم باید کرد در هر خانه و به مرتبه عشرات باید افزود در
در هر خانه یک سی و پنج اول الف است فافهم اگرچه تکرار عدد که در این لوح واقع است با عدد حروف مکرر دنیست و مجانبت والله
اعلم بالصواب اسامی لوح ۹ در ۹ خواه مکسر و خواه منطق معتدل و خواه از کتابت [illegible]

دوم آنکه قدرت بر بیان دادن تا اهل معنی دارند تا فاتحه کلی دست دهد الا که صحبت دارم بر بیان دادی تو والی ده کردن تو باشد این فقیر بصرف
بکرات اظهار کرده که در این اعمال شروع ممکن الا با آنکه کمال التقوی والورع والصفا و هیچ فرد از افراد در مقام مبتدی واشتغال
مباش که حضرت حق تعالی اشتغال است مبادا که غفلت ... کنند و در ان پریشان شوی بدان ای عزیز که عدد تمام سوره از اخلاص الا الهم صمد
عدد شهرا ... بیست و سه میشود و چون ... این لوح ابجد فقیر ... و عدد ... جلد یک یکی حساب باید
نمود تا در نقش لوح مذکور در ده سطر ... پنج باشد ... ابجد الواح ده در ده است

اما لوح ده در ده دو الکتابه ملحق بسیار مشکل است چنانچه فقیر در هیچ کتاب ... در بیان بود و جناب امیر عبدالله ... المشهود
بکذا ... که کسی نمیتواند نگاشت این مولف ... این عبارت ... لوح مذکور ... تا بر همگنان پوشیده نماند و لوح ...

ابجد

ابجد الواح عددی و مکتوبی از سه در سه
تا ده در ده با انواع مختلف اتمام یافت حالا شروع
میرود در بعضی از الواح عزیز ...
التوفیق بدان وفقک الله تعالی که استادان
در لوح وضع کرده اند یکی سوره از ان لم
و یکی سوره تبت یدا ابی لهب ...
و امثال ذلک ... فقیر در ... ان این ده
لوح وضع کرده که یکی سوره کریمه اخلاص است مع
بسمله و یکی آیه کریمه الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء وهو القوی العزیز که هر گاه این
لوح را بعمل آورند ... یکی از ده لوح ...
البته ... ندارد ... صاحب موقوف میدانند که ... این الواح تا بچه غایت ... کرده وقت نگاشتن این
لوح سوره اخلاص باید خواند

ابجد عزمت علیکم ایها الالواح
الطاهر المطیع بهذا اللوح اقسمت
علیک بحق بسم الله الرحمن الرحیم قل
هو الله احد الله الصمد لم یلد
ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
ان تقضوا حاجتی کذا و کذا بحق
هذه الکلمات ...
...
...
الاسماء العظام کهیعص ...
صادق هو اکنون بدانکه عدد این سوره کریمه مع بسمله یکهزار و ... و هشتاد و هشت است و بلا بسمله ... و عدد ...
و عدد حروف مع بسمله ... است مطابق اسم اعظم الله و سوره کریمه بلا بسمله ... حروف ... عدد اسم
احد و مجموع بسمله با سوره ... حروف ... که عدد ... عناصر است و این اسماء عظام که در ... الکتاب ...
نظر ... سوره اخلاص است مع بسمله ... این لوح ...
در صاحب موقوف ... این لوح ... کرده وقت نگاشتن این
لوح شریف ... مقصود شروع باید خواند ابجد بسم الله الرحمن الرحیم عزمت
علیکم یا ارواح الطاهرات ... و باحترام هذا اللوح الشریف اقسمت علیکم ... الاسماء
العظام کهیعص ... ان تقضوا حاجتی کذا و کذا بحق بسم الله الرحمن الرحیم
قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ... [illegible]

و تکرار این سوره که هر که برای دعوت صغیر باشد شصت و شش است و که هر که دعوت بسیط باشد یکهزار و دویست و که هر که دعوت کبیر
باشد عدد وقت اسم الهی دعوت عظمی این سوره کریمه عدد ملفوظ تمام حروف و که هر که این لوح را نگاشته باشد در روز مشتری
و ساعت زهره یا عکس این در روز زهره و ساعت مشتری اثر خطوط متعالی قرابت متوجه تمام سعود و جمیع معنوی و صفای کل بلاد
و در اثنای کتابت تلاوت نجوی باید کرد که روا باشد و بکرات سعادت نتیجه که تقوی تمام و کمال حلال ایمان مکان باکرم معطر باید دوست
و ترک ما لا یعنی ناعمال اتمام بد هد والا فلا و شرح اثر اللطیف بعباده یرزق من یشاء الی القوی العزیز آنست که هر و احدا لوح سته و این اسم
مرکب از شانزده حرف و عدد هر یک از حروف یکهزار و دویست و هشتاد و شش است و چون هر و را یکی حساب کرده داخل کنند عدد آن یکهزار
و دویست و هشتاد و هفت میشود و عدد حروف با هر سی و هشت و هر سی و هفت یکی موافق اسم الله یکی مطابق اسم نک
و این لوح جبر لوح از الذی نه یکسند جا پنجم لوح سوره اخلاص جبر لوح ثبت و تصرف در این لوح بر طالب صاحب توفیق محقق نیست و
عزیمت این لوح اینست بسم الله الرحمن الرحیم اقسم علیکم یا معاشر الارواح الروحانیة بالایات المحکمات و الفتنا بها تی
بکلمات الله التامات المبارکات ان تقضوا حاجتی کذا و کذا بحق الله اللطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز عجلوا عجلوا یا معشر
الارواح و اجیبوا دعوتی بحق من له الامر و الحکم علیکم بارک الله فیکم و علیکم و بحق لوح هفت فتوحات قطعات سرها بکر شرح این لوح از جهت
محرم چه تقریب پر وقت دعوی بسیار مبارک است
و صاحب کتاب شمس الافاق در بعضی از فواید این
لوح گفته که این لوح هفت فتوحات فی الطال السرائر
عظیم دارد و فیبا رنیبا صفید است عزیمتی
که با این لوح از اسرار حروف طا و ها که سبیع هم
سزاوم و خواست دلیل و حصر سر وجود حضرت
رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله و سلم مرکب
باشد و باسماء طا نبات و طهطیلیه مشهور است
و قسم العزیمة از جمله اسم مقرر که جمیع حروف آن
بلا تکرار پانزده حرف باشد که مطابق مجمل هو
در اسم ذات که الله است مقر بشه و اشتیاقات
با این قسم عزیمه بسیار کارها که به اندوز شرح آن بسیار است و عزیمت مذکور با قسم العزیمة اینست بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم و اقسمت علیکم یا سموه و یا شمهورش و یا اجرم یا مذهب و یا لمه و یا قیلهم و یا برقان و یا بترو بن حارث بحق الطهطیل مهطهطیل
قهطیطیل مهطبطیل مهطیطیل جلطیل لمهطیطیل و بخاتم لمقفیل و بحرمت هذه الاسماء العظام جلیل جلیل مجیل لطیف مجیب
مهیمن مبین ان تبطلوا سحر جمیع السحرة عن فلان بن فلان انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین بارک الله فیکم
و علیکم و بحق این عزیمت حساب آن دعا و اینست مجموع اسماء طهطیلیه هفت حرفی و آن واقع است و اسماء عظام الهی نیز هفت است و ترکیب
کل اسما از این پانزده حرف مرتب ب ج هـ ط ی ل م ن ف ق خ و قلم طلسم اسمای طهطیلیه بدین نوع است چنانچه مجموع پانزده
حروف طلسم این باشد ب ج هـ ط ی ل م ن ف ق خ و قلم طلسم بدین نوع است ا قلم اعلم
للطهطیل ا ۶ ۶ ۶ ۲ ۷ ۷ ۷ ۶ ۶ ۶ ۲ ۲ و بعضی بیکوان استادان بعزیمت حزب ب
عمل کرده اند و از عزیمت التواقیف گفته اند و هر چیز را که خواسته اند که طلسم باشد از عزیمت و اکان
فرموده اند و آن عزیمت اینست قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم و من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم

بعض

بعض او قفه اقطوش یحیی بارنج بیرنج بیرنج یلخا اجیخ یا صوران ستیهون یح اشارخ اشارخ هیلوشخ اهاموش هوش
ماهوش انطرش طارش طارش هو الله جبار الجبابرة سارت ینج هنج لج محمع اسجد وقفه ابا القلان یا ابا الالاء اکرخوا
کرآب اینه ابها الله باید گفت بعزة الله و عظمته الله یسجد من فی السموات و الارض طوعا و کرها اجیبوا و اسمعوا و اطیعوا الخ
هذه الاسماء بتعال البتلع و فقوهم انهم مسئولون و من یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر و الحق ان لنا مو بالحق و نل و بعزیمتی
عزیمت کالنج هذی و هاور جاد القرابین و حیلتیت و عفر الجاه و شعر انسان و دو بیشتر اشتر است کرمل التعصی باشد هنگامیکه وقت
سرا صرف باشد و این عزیمت بتوقیف باید خواند و اسما و عزیمت طهطیلیه را باید نوشت که چهار داران برچهار طرف مکان خود
کرم تنید و عزیمت خواندن بنه بند و دو اسم که اسمای پنج و شش باشد در استانه مکان باید نهاد و اسم هفتم در دست راست باید
گرفت و اسم هشتم که خاتم اسمات از برای اذهاب عدو مفید است این طلسم جهت دشمن بر طریق محرف مفید است اینست

ب ج ۷ ه ۱۱ طه ط ۹ ا ۱ ه ۱۱ ۱ ه ۱۱ ۱۱ ۹ ۹ ۱۱ ط ۱۱ ۹

و فقد نا فینا السرپر و افینا البالی و ابابه امیان الله الله الله الحی العظیم ۹ ۹ ۱۱۱ ۹ ۹ ۹ ۱۱۱ ۲۲
و حسنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بدانکه لوح محبت از تعلیقات تعویذات جهت
والفت میان خلایق اثری عظیم دارد
و این لوح را در شرف زهره باید نگاشت
که اسم داخل کنند و با خود دارند که باعث
تسخیر خلایق است و مقناطیس قلوب
و آیات که در لوح مذکور خواهد شد
نگاشتن و نگاه داشتن باید خواند و
خدام این را قسم میباید داد بدین
یا این عبارت که یا معاشر الارواح تیجوا و معاشیر الساکنه فی قلوب بنی آدم و بنات حوا علیکم بطاعتی یا علی محبت من سن مو بحق هذه الایات
المبارکات و بحق هذه الاسماء بارک الله فیکم
و علیکم و بحق این لوح شکر سجند و صاف باید
کرد و فقه در این لوح و اسم و نام و داشت عاملی است
و این لوح در بالوجودات محبوبا خود داشتن
فایده مید هد چنانچه جای خواندن عزیمت لوح
اینست دیگر جهت انشراح صدر این لوح
شریف را در روز مشتری و ساعت عطارد
باید نگاشت که با خود دارند که اثر تمام دارد
و در هنگام نگاشتن عزیمت بخور باید کرد
و لوح انشراح در طهر و قمر مسطورات
که اینجا کتابت آن شد و عزیمت این لوح
انشراح چنانکه هفت نوبت مذکور
مذکور را باید خواند اگر هشت نوبت

بحق الله عزیزست و معبدا ان اینه ما بحق الله الاهم انی اسئلک یا اول الاولین و یا آخر الآخرین یا الم نشرح لک صدرک ان تشرح لی

بالاسم الذی شرحت به قلب محمد صلی الله علیه و آله و سلم بالاسلام یا سلام یا اسلام اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا

قولی یا مومن یا مهیمن یا الله یا الله یا الله بالقول الذی قلت فی حق سیدنا محمد صلی الله علیه و آله و سلم و رفعنا لک ذکرک یا و من ...

لی یا الله یا الله یا الله اسئلک بحق اسمک الکریم الذی ... بمخلوق الذی ... یا ظاهر یا باطن لم یخف ... عن الابصار اخفی من ...

الظالمین یا الله یا الله یا الله اسئلک بالاسم الذی رفعت به السموات و بسطت به الارضین و رفعنا لک ذکرک یا رافع ... الذین

الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار

انت رفیع ... من القوم الظالمین یا الله یا الله یا الله اسئلک بحکم ... یا من ... اعز ... ان عزت ... امری الله ...

الآخرة یا ... یا الله یا الله یا الله ... مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا ... یا الله یا الله یا الله فاذا فرغت فانصب و الی ربک

فارغب اسئلک یا ... بالآیات البینات و الذکر الحکیم ان ... علی ... حتی ... هذه السورة

المبارکة ... یا لطیف یا حفیظ یا لطیف یا حفیظ یا لطیف یا حفیظ

دعوتی ... هذه السورة الشریفة المبارکة ... بحکم و الامر علیکم و برکاته ... دیگر بجهت ... لوح سورة القریش

را باید ... که با خود داشته این لوح را ... وقت ... از چوب عود

باید سوخت ... این لوح ... را باید خواند ... این لوح ... این سوره که ... نوبت ...

... و اذا ... صلوات ... نوبت ... ها

... اللهم ... کل شیء ... یا ... کل شیء ...

السمیع البصیر فتح مجمعت ... این لوح را ... باید ... داشت که ... است ...

... آیه

و لوح اینست

دیگر این شکل و این طلسم نام هر که خواهند در روز جمعه بمشک و زعفران رقم باید زد هنگامیکه زهره و خورشید ... معطر کرده در ... باید ... در ... خود ... باید کرد ... این لوح ... مسطور شد ...

دیگر لوح ... و ... است ... که ... دارد و این که ... لوح ... و ... دارد ... شاء الله ...

دیگر اگر در نیمه شهر رجب یا شعبان یا رمضان در هر کدام که خواهی شب باشد این لوح سوره اخلاص را با ... بر کشند و با خود دارند باعث ... صوری و معنوی است و لوح سوره اخلاص در ظهر ورق مسطور است

که در روی این صفحه ... آن بوده است

هذا در ظهر مسطور است

دیگر اگر آنکه دو مربع بیت و شش در بیت و شش
۱۰ بر خطی را بنهر آکیوبه وقطعن ابد بعین و تکون
حاشر لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك
کریم را در ساعت مسعود رقم زند و بر دو
لوح مذکور چهار آیه که در هر آیه ده قاف است
بنویسند و بر هر طرف لوح بیت و پنج حرف قاف
بنویسند و مطالب اعتبار بر حوالی آن بنویسند
باشد ابجد و لوازم عزیمت و بخور و صوم و اکل و غیره
که من بعد مذکور خواهد شد و با خود نگاه
دارند باعث حب دلها و خاطرها است و باید
که این مربع را چنان بکشند که خانهای او چهار گوشه
درست باشد نه طولانی و آیات مذکور و قاف و اسمای ملائکه را بعد بنوعی که گفته شد بر دور آن باید نوشت چون اراده نگاشتن این لوح

کنند شرط است که اندر دو یکشنبه که ماه زاید النور باشد تا یکشنبه دیگر که عبارت از هشت روز باشد در هر روز باید داشت که چهار مجرد ...
در هر روز بعد از هر نماز هفت نوبت باید که در لوح مکتوب است باید بخوانند و بعد از آن تا آیه هشت نوبت باید تا که مذکور خواهد شد باید

مخزن دولت

هو الله بعد از عزیمت و بابا سوخت که بجهت محبت خلایق و جلب خاطرها اثری عظیم دارد و عزایمت یا الله هشت نوبت یا رحمن
هشت نوبت یا رحیم هشت نوبت لا تخفی الی الصنوع حفظ ما ملکتنی اللهم احفظ فیما ملکتنی ما انت املک به منی و امددنی بجبرائیل و میکائیل
المحیط الذی حفظت به نظام الموجودات و اکسنی برعایة کفایتک وقلدنی سیف نصرتک و حمایتک و توجنی تاج عزک و کرامتک و ردنی
رداء ملك وسکنی فی ظل وقایتک و رکبنی علی مرکب النجاة فی المحیا و بعد الممات و امددنی بجیش من رقائق اسماء القهار تدفع عنی من اراد
بی سوء من جمیع الموذیات و قلوب لا تبرح تخضع لها کل جبار عنید و شیطان مرید یا عزیز یا جبار اللهم اولعنی من هیبتک و محبتک و کرامتک
و نعوت ربوبیتک ما تبهر به و تقهر به النفوس و تبتدر به الابصار و تخضع لها کل جبار یا عزیز یا جبار یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله
یا رحمن هشت نوبت یا رحیم هشت نوبت یا واحد یا احد بالاجابة لا تخفی الی الصنوع حفظ ما ملکتنی اللهم احفظنی فیما ملکتنی و امددنی بنور قیمتک
من اسماء المحیط الذی حفظت به نظام الموجودات و اکسنی برعایة کفایتک وقلدنی بسیف نصرتک و حمایتک و توجنی بتاج عزک
و کرامتک و ردنی رداء ملکتک و عظمتک و اسکنی فی ظل وقایتک و قلدنی و ارکبنی مرکب النجاة فی المحیا و الممات و امددنی بجیش من رقائق
اسمائك القهریات تدفع بها عنی من اراد بی سوء من جمیع الموذیات و قلوب لا تبرح تخضع بها رقاب کل جبار عنید و نکار یا عزیز یا جبار یا واحد
یا احد یا قهار اللهم سخر لی جمیع خلقك کما سخرت البحر لموسی علیه السلم و سخرت النار لابراهیم علیه السلم و سخرت الثقلین لسلیمان و البراق لمحمد صلی الله علیه
و آله و سلم و الین لی قلوبهم کما الینت الحدید لداود علیه السلم فانهم لا ینطقون الا باذنك نواصیهم فی قبضتك و قلوبهم بیدك تقلبها
کیف شئت یا مقلب القلوب یا علام الغیوب طهرت غضب الناس علی الا الله و استجلبت محبتهم لی بمحمد رسول الله و علی ولی الله و طه
ران و اکبرنه و قطعن ایدیهن و قلن حاش لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك کریم یا کریم یا رحیم سخر لی جمیع خلقك بهم مندی و سلطتك و تجاوز خاطبك
در برای محبت یا سلطان یا سلطان یا خلاق یا رحمن اجب دعائی و اقض حاجتی بحق و کرمك یا ارحم الراحمین و یا اکرم الاکرمین تمت

دیگر شرح خاتم طاعت است که هشت روز روزه باید داشت که ترک اکل حیوانی کنند و اگر نان با زیت یا زیت بخورند اولی است و هم
همین باید بخورند که در آب و دو اول روز چهار شنبه این خاتم را به عدد فی با یکدیگر کتابت کنند به زعفران و در قبلهٔ کلاب در آنجا رفته
باشند و بجای احجیوا ملون کتابت کنند و نوشته را از آن دولب بخون دهان نگاه
معتکف مشغول از سر باید بابد آورد که بخود در رحمت نوشته باشد و باید او را
حرکت بدهد باشد که معتمد است طلبا آن الا که بخور رش کنند و این هشت روز
در عقب هر نماز پنج بیت و یکهزار بار این عزیمت را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم
اهیا اشراهیا ادونای اصباوت آل شدای - الذات اللوح والقلم یا برنا وصول الفکا ۲۸ بنام ۲ دو هار
لفظ النقل با بخار ... دو ... ذکر ... شلیطیع اشماطوش الطوش بعکیشین بعکیشین بوشش بعلیبون الا رکابا طهیوش
یا رعیت علشیتن عشقوم ... ساقش هواقش افشاقش بلحمطط یلبوش لعرقویش قلشاقوم علشاقش هواقش اجیبوا
ایها الصداح و توکلوا بجلب فلان بن فلان بالاسم الاعظم المکنون المخزون بین الکاف والنون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له

کنیکون اجب یا شامل واجب باسمون یجیّ من لد الحکم والامر علیکم العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا دیگر لوح عزّ جهت علو مرتبت
وعظمت وجاه ودر شرف کواکب سیّاره بنوان نگاشت و صورت لوح این است دیگر این لوح قادر قدرت ومنزلت ودر شرف آفتاب باید نوشت

دیگر این لوح جهت وسعت رزق وبرکت وهیبت در شرف آفتاب ودر مشتری نظر بنویسد باشد باید در زر ذکر مفید است تا مشغول نگاشتن لوح هر دو صاحب و مغفرت
که عدد اسامی که در لوح موفق شده حساب کنند ودر هر یکم
اعداد رقم شده موفق دارند قرائت اسماء تمامتر مشغول
کردند که مفید است ودر هنگام نگاشتن لوح بجز از عود
قماری و عنبر باید سوخت و اکر عزیمت این لوح عدد استخراج
کرده روحانیات را با اسمای تامه رقم دهند با عزیمت
احابت خواهد بود و قاعده استخراج اسماء و عزیمت در این
نسخه کوبی نوشته شده در این محل احتیاج کوار نداریم تمام
ودیگر جهت عزت وامور نوع لوح چند را اعلام مقرر
میکردند تا بعد بقواعد نگاشتن الواح عدد عزم چند اول
آسان باشد و غرض از نگاشتن الواح عزیمت تعلیم مبتدی است

والاعالمان این علم را احتیاج باین الواح هست والواح مذکور این است

دیگر بدانکه در شرح و خواص این لوح سخن بسیار گفته شده و این لوح جهت اعمال جلالی وضع شده و پیش اهل علوم لوازم بسیار دارد و بعضی
اشاره شده و بعضی را مخفی داشته که مبادا انصاف را منظور ندارد و در بقای ارسال
شود و این کمتر خواص معمور و مقصود است اگر چه بر عامل و صاحب وقوف مخفی نیست و احتیاج
بشرح این اقسام اظهار نشده و احتیاج کل بصفات است فقیر بکتابت تفسیر کردم ودر
حالا شروع و صورت نگاشتن بعضی بکی از الواح کرده و هر کدام خاصیتی هست و این
لوح را جهت غنا و توانگری در وقت شرف مشتری با شرف آفتاب رقم باید زد و
جهل در دنیا بود جهل رعیت هم بین ابرکر بیعود
لوح نوشته شده تکرار باید کرد که نظر سعد بر این لوح آمد
که باعث غنای صوری و معنویست و در وقت
نگاشتن بخور باید کرد و این عزیمت باید خواند
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم ایتها
علیکم یا ملائکة الله الموکلین بالقاف القدرة بحق
هذه الاسماء العظام الکرام قیوم قادر قائم
قابل قاضی قوی قدیم قدوس قریب قدیر ان
تقضوا حاجتنا کما وکذا بحق من له الامر والحکم علیکم
بارک الله علیکم اجیبوا بالحق بهذا اللوح الشریف
وعجلوا بقضاء حوائجی الساعة الساعة الساعة ذاکر
اسامی که در عدد باید و تکرار بخون شده ذکر کنند و بعضی آن بفال آیند بشرط اکر معبود اسمای قابل و قاضی قاهر و فاتح ذکر کنند دیگر لوح
غنا و توانگری که مناسب این رکن بحق قل اللهم مالک الملک اشتغال نوشته میشود بنوعی که و این لوح را در وقت بنجم بعد مشتری است
ساعت عطارد باید رقم زد باید طالع که فراز اوفق و مسعود باشد و نظر نحس بر وی نباشد که باعث غنا و توانگری ظاهری و باطنی میشود
باذن الله تعالی و در وقت نگاشتن این لوح بخور باید رفت نیستان و عود قماری باید کرد و لوح را با خود نگاه باید داشت و لوح این است

فصل نهم

در قسمت حروف بر منازل قمر بترتیب مخارج
و قاعده دعوت حروفات و تحویلات و خطابات
کواکب بعون الله الملک الوهاب
بسم الله
الرحمن الرحیم بدان ارشدک الله که قسمت حروف
بر منازل قمر در مشرب اهل تصوف چنین وارد شده
که ابتدا از روی مخارج قسمت میکنند بعضی بل
اکثر بر این نوع است که مسطور میگردد فتح
صوفیه موحده میگویند که نفس انسانی از روی
مثال مطابق نفس رحمانیست و چنانچه نفس
انسانی سبب عروض هیأت و حروف مختلفه که مخارج
طاری او میشود صوت و هیأت حروف میگردد از ترکیب آن حروف کلمات متحقق میباید فهمید نفس رحمانی که او [illegible] کلمه و کتاب مسطور
و رق منشور گویند چون در خارج تعین یافته جوهر باشد که بمنزله صوت و جوهر [illegible] بتفاصیل [illegible] مرتبه وجود شود [illegible]
حروف و از ترکیب ایشان اشیا متحقق یابد که بمنزله کلمات کما قال الله سبحانه و تعالی فی کتاب کریم قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر
قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا و چنانچه طبیعت انسانی مقتضی آنست که صوت از باطن او نفس ظاهر میشود [illegible]
مقتضی آنست که حقایق و صور که در او مستور است بدیدار گردد و هر مرتبه از مراتب [illegible] که در منازل [illegible]
و حقیقت معرفت حروف و بعضی از اسماء الهی بر هیچ که بیابد [illegible] از فتوحات مسطور است مرقوم میگردد و الله اعلم بحقایق
اسرار اول العقل اول که محیطست بحقایق اشیا بر وجه اجمال و او را عرش مجید و لوح قضا و ام الکتاب و قلم اعلی و روح القدس و روح
اعظم و حقیقت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و روح مصطفی و آدم معنوی و ظل اول گویند مناسب اسم البدیع است یعنی مبدع و هر ویرا که آن
عبارت از ذات است [illegible] که در مکتبات [illegible] مرتبت از منازل قمر و نفس کلیه که محیط است بحقایق اشیا بر وجه تفصیل و او را عرش کریم و
لوح قدر و لوح محفوظ و کتاب مبین [illegible] و یا قوت حمرا گویند و حضرت شیخ محیی الدین اعرابی در فصوص الحکم گفته هو الروح المنفوخ
فی الصور المستوا بعد تعدیلها مناسب اسم الباعث است و حرف هاء [illegible] که کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و طبیعت کل او را [illegible]
گویند مناسب اسم الباطن است و حرف عین [illegible] کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و قیصری در شرح فصوص که الطبیعة
عندهم عبارة عن معنی روحانی سار فی جمیع الموجودات عقولا کانت او نفوسا مجردة و غیر مجردة او اجساما و الذات عند اهل النظر من نوع
تلک الطبیعة الکلیة و جوهر هبائی که صور اجسام در او ظاهر شده مناسب اسم الآخر است و حرف حاء [illegible] که کوکب و منزلیست
از جمله منازل قمر و جسم کل که اورا غراب گویند مناسب اسم الظاهر است و حرف غین معجمه و هقعه که کوکب و منزلیست از منازل قمر
و حضرت شیخ محیی الدین اعرابی در باب [illegible] از فتوحات میگوید که طبیعت و هبا [illegible]
و طبیعت با هبا نکاح کرد جسم کل متولد شد و شکل کل مناسب اسم الحکیم است و حرف خاء معجمه و هنعه که کوکب و منزل دیگر است از
منازل قمر و عرش مناسب اسم المحیط است و حرف قاف و ذراع که کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و کرسی مناسب اسم الشکور است و
حرف کاف و نثره که کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و فلک اطلس مناسب اسم الغنی است و حرف جیم معجمه و طرف که کوکب و منزل
دیگر است از منازل قمر و ظهور ایام از این فلک است و او مظهر عرش رحمانیست که عقل اول عبارت از آنست و خطاب از کوکب سادس است و فلک

منازل مناسب اسم المقتدر است و حرف شین معجمه و جبهه که چهار کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و بحسب درجات صعود
و شش است مطابق عدد شین ملفوظ [illegible] فلک البروج جنت و سقف جنم و مظهر روحانیت کرسی که نفس کلیه عبارت از آن است و
مقر کواکب و ثوابت [illegible] و مذکور است و فلک زحل مناسب اسم الرب است و حرف با و منطقه [illegible] و زبره که کوکب
و منزل دیگر است از منازل قمر و اقلیم اول از این فلک منسوب و روز شنبه متعلق است و در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام و علی نبینا و
آله علیه السلام و فلک مشتری مناسب اسم العلیم است و حرف میم معجمه و اقلیم ثانی و حضرت موسی کلیم الله علی نبینا و آله [illegible] و روز
پنجشنبه و صرفه که یک کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و فلک مریخ مناسب اسم القاهر است و حرف لام و اقلیم ثالث و حضرت هارون
علی نبینا و آله و علیه السلام و روز سه شنبه و عوا که پنج کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و فلک شمس مناسب اسم النور است و حرف نون
و اقلیم رابع و حضرت ادریس علی نبینا و آله و علیه السلام و روز یکشنبه و سماک الاعزل که یک کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و فلک زهره
مناسب اسم المصور است و حرف را مهمله و اقلیم خامس و حضرت یوسف صدیق علی نبینا و آله و علیه السلام
و روز جمعه و غفر که سه کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و فلک عطارد مناسب اسم المحصی است و حرف طاء مهمله و اقلیم سادس و حضرت
عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام و روز چهارشنبه و زبانا که دو کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و فلک قمر مناسب اسم المبین است و حرف دال
مهمله و اقلیم هفتم و حضرت آدم صفی علی نبینا و آله و علیه السلام و روز دوشنبه و اکلیل که سه کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و کره آتش
و حرف تاء معجمه بنقطتین فوقانی و قلب که یک کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و کره آب مناسب اسم الحی است و حرف سین مهمله و نعایم
که چهار کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و کره زمین مناسب اسم الممیت است و حرف صاد مهمله و بلده که خالیست از کواکب و منزل
دیگر است از منازل قمر و معادن مناسب اسم العزیز است و حرف ظاء معجمه و سعد ذابح که دو کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و
نبات مناسب اسم الرزاق است و حرف ثاء مثلثه و سعد بلع که دو کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و حیوان مناسب اسم المذل است
و حرف ذال معجمه و سعد السعود که دو کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و ملائکه مناسب اسم القوی است و حرف فا و سعد الاخبیه
که چهار کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و جن مناسب اسم اللطیف است و حرف یاء معجمه بدو نقطه تحتانی و فرغ مقدم که دو کوکب
و منزل دیگر است از منازل قمر و انسان مناسب اسم الجامع است و حرف میم و فرغ مؤخر که دو کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و مرتبه
جامع انسان مناسب اسم الرفیع است و حرف واو و رشا که یک کوکب و منزل دیگر است از منازل قمر و رفیع الدرجات در عدد سی و
شش است مطابق درجات فلکی و بعضی دیگر در تعیین حروف بر منازل غیر این هم قرار داده اند از آن جمله سیادت و نقابت و افادت
پناه قطب فلک سیادت و مرکز دایره سعادت سید جمال الحق و الشریعه و الطریقه و الحقیقه و الدنیا و الدین سید حسین اخلاطی قدس سره
العزیز در خواص حروف و اسماء و آیات قرآن و دعا و دعوت و هکذا حروف بر منازل قرار داده است از آن که بطریق ابجد
الی آخر قسمت فرموده اند و مناسب هر منزل حرفی و اسمی و آیتی مقرر داشته اند و توحید بر این ترتیب داده اند و قاعده دعوت حروف
و آن ترتیب میباید که پیش گیرند که اولا در این باب آنست که اگر کسی اراده دعوت حروف کند باید که در کمال تقوی
و طهارت باشد و در خلوت پاکیزه شود و خلوت را معطر کند و لباس را معطر دارد و بعضی از عزایم را با عود سوخت بنوعی که تفصیل
آن نوشته خواهد شد و عدد آن که تمام حروف را دعوت کرده باشد بتفصیلی که شرح آن مرقوم خواهد شد عدد آن شروع در مقصود
کند و از جهت اعمال حلال در مقام خود و دوشنبه و مرغ سبز و خرم نشیند خاطر مقام را باید که دور از عیوبات و امثال آن
باشد و بپوشد و طعام لذیذ افطار باید کرد بنوعی که از وجه حلال بهم رسیده و از جهت اعمال الجلال در مقام تیره که بنقش خالی از [illegible] باید بود و لباس
مناسب آن باید پوشید و از طعامی که نمکی و شوری داشته باشد باید خورد و در هر روز عمل بخوری مناسب آن باید سوخت و تفصیل حروف
منازل قمر و حروف و آیات و اسماء بر این نوع است و بعضی قرار داد منازل این دعوت باید کرد شرطین حرف ا اسم ٩٩
الله نور السموات و الارض الالف مجرده مثلث الکون عزائم را الف دعوت عدد ٢١ روز ورق و قمر ٢١ ورق پوست

الذرون پیشتم دانه پوست فندق بهمانک این بخور را در روز دعوت حرف الف در ساعت آفتاب باید سوخت که ساعت
اول و هشتم روز یکشنبه باشد در فصل بهار و تابستان علی الخصوص که در یکشنبه که قمر در حمل باشد این ترتیب ممکن است و الا که
بخور را در ساعات کوکب باید سوخت که در دعوت [illegible] **بطین** حرف **ب** اسم **باسط** اثبتر بدیع السموات
والارض **الات بخوره** عود و صندل سرخ و سفید از هر یک مثقالی بنفشه و برگ آس خشک کرده از هر یک دانگی با بوره
شاهتره خشک کرده از هر یک بهمانک این بخور را در روز دعوت ب در ساعت قمر باید سوخت که ساعت اول و هشتم روز دوشنبه
باشد در فصل بهار و تابستان **ثریا** حرف **ج** اسم **جواد** اثبتر جنات تجری من تحتها الانهار **الات بخوره** کشنیز نیم مثقال
سنبل نیم مثقال چوب کاج نیم مثقال اشق نیم مثقال [illegible] نیم مثقال این بخور در روز دعوت حرف جیم در ساعت مریخ باید سوخت
که سه شنبه باشد **دبران** حرف **د** اسم **دایم** اثبتر درجات منه و مغفرة و رحمة **الات بخوره** مازریون [illegible] درم
مازریون [illegible] درم طلق بهمانک این بخور در روز دعوت حرف دال در ساعت عطارد باید سوخت اما در نسخه اصل در ساعت مشتری بود
هقعه حرف **ه** اسم **هادی** اثبتر هو الله لا اله الا هو **الات بخوره** دارکدو یک مثقال چوب عود دو مثقال سعد دو
مثقال اشک سفید نیم درم اسپند نیم درم سنبل دو مثقال این بخور را در روز دعوت حرف ه در ساعت مشتری باید سوخت اما در
نسخه اصل ساعت زهره نوشته بود **هنعه** حرف **و** اسم **وهاب** اثبتر وسعت کل شیء رحمة و علما **الات بخوره** هلیله
سه درم شاهتره خشک سه درم [illegible] سه درم سعد سه درم این بخور را در روز دعوت حرف واو
در ساعت زهره باید سوخت اما در نسخه اصل در ساعت آفتاب بود **ذراع** حرف **ز** اسم **زاکی** اثبتر [illegible]
حب الشهوات **الات بخوره** ورق گل سرخ یک مثقال ورق عود یک مثقال سر بنفشه یک مثقال صندل سفید یک مثقال مازریون
یک دانگ این بخور در روز دعوت حرف ز در ساعت زحل باید سوخت اما در نسخه اصل در ساعت مشتری نوشته بوده است
نثره حرف **ح** اسم **حفیظ** اثبتر حم تنزیل من الرحمن الرحیم **الات بخوره** افیون نیم درم [illegible] خشک کرده
دو دانگ اشق سه درم و طباشیر بهمانک کندر سه درم [illegible] در روز دعوت حرف ح در ساعت
آفتاب بسوزند در نسخه اصل عطارد نوشته بود **طرفه** حرف **ط** اسم **طیب** اثبتر طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی
الات بخوره ملح سرخ سه درم [illegible] هر کدام [illegible] قلیا سه درم [illegible] نیم درم پوست [illegible] این بخور
در روز دعوت حرف ط در ساعت زحل باید سوخت اما در نسخه اصل در ساعت مریخ نوشته بود که باید سوخت **جبهه**
حرف **ی** اسم **یس** اثبتر یهدی الله لنوره من یشاء و یهدی من [illegible] **الات بخوره** مازوج پوست [illegible] قلیا
از هر کدام یک مثقال این بخور در روز دعوت حرف ی در ساعت مریخ باید سوخت اما اگر ترتیب بخور بر ساعت [illegible]
[illegible] **زبره** حرف **ک** اسم **کافی** اثبتر کلما اوقدوا نارا
للحرب **الات بخوره** اسپند [illegible] سفید [illegible] یک مثقال [illegible] پوست [illegible]
کشته از هر یک مثقال این بخور در روز دعوت حرف کاف در ساعت مشتری باید سوخت **صرفه** حرف **ل** اسم
لطیف اثبتر له مقالید السموات والارض **الات بخوره** [illegible] سه درم [illegible] سنبل از هر یک [illegible]
پوست انار [illegible] خشک کرده [illegible] سه درم این بخور در ساعت عطارد باید سوخت **عوا**
حرف **م** اسم **مالک** اثبتر مالک [illegible] **الات بخوره** مازوج [illegible] بادام [illegible] پوست [illegible]
تخم حنظل نمک سرخ قلیا [illegible] پوست [illegible] سه درم در ساعت [illegible] مریخ [illegible]
این بخور را باید سوخت **سماک** حرف **ن** اسم **نور** اثبتر نعم المولی و نعم النصیر **الات بخوره** [illegible] سه درم
یک مثقال سعد سه درم [illegible] سه درم [illegible] پوست [illegible] سه درم اشق یک مثقال این بخور را در روز

دعوت حرف ن

دعوت حرف ن در ساعت مشتری بخور باید کرد و من بعد [illegible] **غفر** حرف **س** اسم **سمیع** اثبتر سلام
قولا من رب رحیم **الات بخوره** موم عود ورق [illegible] از هر یک یک مثقال عنبر [illegible] اشق کندر هر یک ده مثقال سنبل
سعد هر یک سه مثقال این بخور در روز دعوت حرف س در ساعت مشتری باید سوخت [illegible]
زبانا حرف **ع** اسم **علیم** اثبتر عم یتساءلون عن النبأ العظیم **الات بخوره** ملح سرخ یک مثقال قلیا سه درم [illegible]
دو باید هر کدام باشد یک مثقال پوست گردکان ده مثقال نفط سفید یک مثقال استخوان کلاغ [illegible] سه درم این بخور در ساعت عطارد
باید سوخت **اکلیل** حرف **ف** اسم **فتاح** اثبتر فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا **الات بخوره** ورق [illegible]
[illegible] چهار مثقال عنبر [illegible] این بخور در روز دعوت حرف ف در ساعت
مشتری باید سوخت **قلب** حرف **ص** اسم **صادق** اثبتر صم بکم عمی فهم لا یبصرون **الات بخوره** [illegible] ده درم
ده درم [illegible] سه درم موم سفید [illegible] مثقال زعفران نیم مثقال سنبل سه مثقال این بخور در ساعت زهره [illegible]
باید سوخت **شوله** حرف **ق** اسم **قادر** اثبتر قل جاء الحق و زهق الباطل **الات بخوره** عود یک مثقال [illegible] یک مثقال
[illegible] اشق یک مثقال ورق [illegible] یک مثقال اسپند ده مثقال این بخور در روز دعوت حرف ق
در ساعت عطارد باید سوخت [illegible] **نعایم** حرف **ر** اسم **رحمن** اثبتر رب المشرقین و رب المغربین
الات بخوره دارکدو سه درم [illegible] سفید سه درم مغز پسته سه مثقال مغز فندق سه مثقال [illegible] نیم مثقال
سنبل [illegible] مثقال [illegible] ۲۲ عدد [illegible] سه مثقال سعد سه مثقال تخم ریحان یک مثقال [illegible] خشک کرده [illegible]
این بخور در ساعت زهره باید سوخت **بلده** حرف **ش** اسم **شکور** اثبتر شهد الله انه لا اله الا هو **الات بخوره**
پوست گردکان [illegible] قلیا از هر یک سه مثقال استخوان [illegible] ده مثقال [illegible] هر کدام باشد یک مثقال [illegible]
[illegible] کلاغ [illegible] یک مثقال [illegible] دو مثقال این بخور در ساعت زحل [illegible] باید سوخت
ذابح حرف **ت** اسم **تواب** اثبتر [illegible] **الات بخوره** عود یک مثقال [illegible] صندل سرخ سه مثقال
اسپند دو مثقال مصطکی یک مثقال سعد یک مثقال [illegible] سه درم [illegible] دو مثقال در روز دعوت حرف ت در ساعت مریخ
[illegible] **بلع** حرف **ث** اسم **ثابت** اثبتر ثم النظر الی [illegible] **الات بخوره** [illegible]
[illegible] در ساعت عطارد [illegible] اسپند سه مثقال اشق سه مثقال عود سه
مثقال [illegible] باید سوخت در ساعت
زحل [illegible] سه مثقال [illegible] یک مثقال پوست گردکان سه مثقال پوست چهار چیز سه درم [illegible]
[illegible] **سعود** حرف **خ** اسم **خبیر** اثبتر خالق کل
شیء **الات بخوره** طلق [illegible] سنبل [illegible] شاهتره خشک
سه درم پوست [illegible] سه درم [illegible] این بخور [illegible] حرف خ در ساعت شمس باید سوخت [illegible]
اخبیه حرف **ذ** اسم **ذوالقوة** اثبتر ذو العرش المجید فعال لما یرید **الات بخوره** افیون نیم درم ورق [illegible]
دانگ اشق سه درم کندر سه درم سنبل نیم درم [illegible] این بخور [illegible] حرف
ذال در ساعت زحل [illegible] مطلوب باید سوخت [illegible] **مقدم** حرف **ض** اسم **ضار** اثبتر ضرب الله مثلا
[illegible] **الات بخوره** [illegible] یک مثقال [illegible] نیم درم اشق سه درم [illegible]
[illegible] نیم مثقال سعد [illegible] این بخور [illegible] حرف ض در ساعت مشتری [illegible] طالب مطلوب
باید سوخت **موخر** حرف **ظ** اسم **ظاهر** اثبتر ظهر الفساد فی البر و البحر **الات بخوره** کافور نیم درم پوست [illegible]
[illegible] درم

تخم خنظل سه درم پوست چهار چیز سه درم تخم کدو سه درم تخم کدو یکدرم تخم کشنیز یکدرم دانه هلیله سه درم کشنیز دو درم شاه ترج خنظل سه درم این بخور در ساعت آفتاب باید سوخت **رهشا** حرف **غ** اسم **غیاث** الغیاث المغیث غافر الذنب وقابل التوب **آلات بخوره** صمغ عربی یکدرم سرانج نیم درم اکلیل الملک سه درم بادام دو مثقال ماش ده درم شامامه یکدرم سنبل درم عود مثقالی این بخور در روز دعوت حرف غین در ساعت زهره باید سوخت بر هیئت حسن الصوت بدانکه گاهی که دعوت حروف از برای استجلاب روحانی کنند بخوردان بنوعیکه بعد از این نوشته میشود باید سوخت و گاهی که دعوت از برای عمل جلالی یا جمالی باشد بخوردان بنوعیکه در پیش نوشته شد در تحت هر یک از حروف باید سوخت و مآل این سخن آنستکه هر کس بنوعی قرار داده اند و غالبا بخور یکه در تحت هر منزل نوشته شده بخوریست که مناسب با کواکب آن منزل دارد و الاکثر بر کواکب دیگر کواکب عمل کنند بخور غیر اینها باید در ترتیب سوختن بخور در دعوت استجلاب روحانی چنین اولا آنکه ملاحظه کنند که دعوت یکحرف در منزل اشرطین است که ابتدای دعوت میکنند و حرف **الف** را با اسم و آیه تلاوت میکنند چه دعوات و از کدام کوکبست بخوردان کوکب باید در ساعات آن کوکب باید سوخت و در همان روز بخور قوی طلب ساعتی که بر سه تقسیم از همان روز طلب باید سوخت چنانچه **روز یکشنبه** با آفتاب متعلقست **۲ شنبه** بقمر **۳ شنبه** بمریخ **۴ شنبه** بعطارد **۵ شنبه** بمشتری **روز جمعه** بزهره **روز شنبه** بزحل و در این روزها که گفته شد ساعت اول همان روز متعلقست بصاحب روز و ساعات بعد از آن بکوکب مذکور تعلق دارد و باقی ساعات روز بکواکب باقی بترتیب چنانچه روز یکشنبه اول شمس با آفتاب و دوم از زهره و سیوم از عطارد و چهارم از قمر و پنجم از زحل و ششم از مشتری و هفتم از مریخ و هشتم از آفتاب و نهم از زهره و دهم از عطارد و یازدهم از قمر و دوازدهم از زحل و ساعت بیزدهم متعلق بساعت اول از شب دوشنبه باشد و بهمین ترتیب و قس علی هذا الی آخر الایام و اللیالی و بخور کواکب بنوعیکه مذکور شد مفصلا اینست **شمس** زعفران کلاب صندل سرخ **قمر** صندل سفید کلاب **مریخ** صندل سرخ و کندر **عطارد** حضا لبان **مشتری** عود و لبان و کندر **زحل** عنبر **زهره** شکر سفید و کندر الکند شد که هر یک از اینها بقول بعضی بخوری خاص کرده اند و منازل قمر بکواکب بنوعی خاص قسمت کرده اند که آن زمان که ساعت خانه هر یک از کواکب در برج دارد باین نوع است **زحل** ذراع سماک بلده ذابح **مشتری** شرطین مرفق مقدم شوله **مریخ** ثریا اکلیل جبهه بلع **شمس** هقعه طرف قلب غفر **زهره** بطین دبران عوا جبهه **عطارد** زبانا نعائم سعود غفر **قمر** هنعه نثره زبیر رشا از جمله منازلیست که هشتاد و هشت منزلست که تحت برابر نجم ارتفاع آنکه بر این چرخ بر این دارد و ماه این هر فصل اسب کرکوم شوله و اخبیه نثره طرف دبران بلده ذابح اکلیل فرع از اسماک و هفتم حروف بکواکب با نظر است که نوشته میشود و این هم باید در حروف و کواکب که قبل از این نوشته شد **شمس** ح م ی ع **زهره** ش و ظ ث **عطارد** ب ز س ذ **قمر** ج ل ر ف **زحل** ن د خ **مشتری** ط ق ک ض **مریخ** ا ت ه ص علی ای حال طالب باید که در هر یک بنوعیکه مطابق یکی از این قسمتها باشد عمل نماید من اوله الی آخره حالا بیت است احکام دعوت حروف که ذکر آن از پیش رفت نوشته شود بعد از آن لوح حضرت سید حسین اخلاطی قدس سره العزیز بحرفی اسمی ذاتی که قرار داده لوح هم بیان ترتیب او نشد و بخراج اسم ملک همان حروف نمود بنوعیکه ایراد خواهد شد بعده لوح از آن الواح جهت حروف نوشته میشود و باقی را بر طالب علم عالم نگاه خواهد بود زیرا که ذکر اسم و حروف آنجا پیش کرده شده و بخور آنهم نوشته شده بهمراه هر صاحب و مقامات الواح چنانست که در دعوت هشتاد و چهار روز وی که دعوت حروف میکنند در هر شبانه روزی لوحی باید نوشت که حرفی از آن روز متعلقست باسم ذاتی تجرد و یا بخاسطوی باشد و اسم ملکی که موکل آن حرفست مکسر ترکیب کند و همان حروف را بعد دو مع یکدیگر در چهار گوشه لوح بنویسد چنانچه اگر لوح حرف **الف** باشد در هر گوشه از چهار گوشه لوح اینها الف **ا** مکتوب بقلم کند و اگر لوح حرف **ب** در هر گوشه از آن لوح دو حرف **ب** مکتوب بقلم زیند و هم چنین تا آخر حروف یعنی که در چهار گوشه آن لوح در هر گوشه هزار حرف **غ** مکتوب باید نوشت و لوح را چنان باید کشید که در اصل مربعی باشند که خطوط

سطح از مربع

سطح از مربع ایمتا سب همان حرف باشد که لوح باو متعلقست و در میان مربع مذکور مربعی دیگر بکشند بنوعیکه خطوط سطح آن مربع اسمی باشد که تعلق بهمان حرف داشته باشد و آن مربع دویم را بکتابت قسمت کنند بهفت در هفت حروف اسم ملک موکل آن حرف در آن بیوت بسبب مربع مکسر بنوع کنند و بخوانند این اسم را بر مشغول شوند و بعد حملی مضمون آیه از تلاوت کنند و در بیوت که مابین آن حروف میخوانند بیت و هشت ایضا بخوانند و قسم عزیمت همان اسم و همان آیه کنند که قرآنست بوده ان شاء الله تعالی و الواح مذکور اینست که از ابجد دو لوح نگاشته میشود یکی دو حرف کرمزی از شرطین متعلقست و یکی دو حرف که بمرطین منسوبست و باقی الواح بیست و هشتگانه از روی این دو لوح قیاس باید کرد

بدانکه این لوح را در جمیع الواح عددی و مکسری و عددی و حرفی قسمت بکار بیچکار و در حساب باید کرد بنوعیکه اصلا تفاوت نکند و آنچه در میان این نوشته میشود صریح و خوانا باشد که حل و اصلاح شود و این مناظر بعینه بر اصل است و اسماء ملائکه حروف بیست و هشتگانه جمیع حروف بیست و اول اسم ملائکه همان حرفیست که از او دعوت میکنند و اسامی باتمام اینست

اهتطیل بهتطیل جهتطیل دهتطیل ههتطیل وهتطیل زهتطیل حهتطیل طهتطیل یهتطیل کهتطیل لهتطیل مهتطیل نهتطیل سهتطیل عهتطیل فهتطیل صهتطیل قهتطیل رهتطیل شهتطیل تهتطیل ثهتطیل خهتطیل ذهتطیل ضهتطیل ظهتطیل غهتطیل و استخراج این اسما بنوعیکه بخط این فقیر بمولف رسیده که از خط حضرت سید حسین البرانی اسمها را از عدد لوح سر در سر استخراج نموده باشد بلکه مدار حرف بر همانست که مفتاح اسم از همان حروف مقرر داشته اند دعوت کرده میشود **و اییل** از خارج اضافه کرده اند و تحقیقا که چنین است چنانچه حرف مرکز و مغلاق سر در سر که آن حرف ها و حرف طا است بر اول و آخر اسم قرار داده باشند و عدد مضاعف لوح مذکور را که از چهل و پنج است در سر که عدد بیست لوح مذکور است ضرب کرده باشند **و اییل** از خارج اضافه کرده باشند و حرف اول اسم از حروف **ابجدی** بترتیب داخل کرده باشند و آن بدین طریق است که حرف اسم اول که **اهتطیل** است حرف اول حرف اول **ابجد** و حرف ثانی حرف **مرکز** لوح سر در سر و حرف ثالث و رابع استنطاق حاصل الضرب عدد مضاعف لوح سر در سر در سر و حرف خامس حرف **مغلاق** لوح سر در سر **و اییل** از خارج اضافه شده بدین ترتیب **حرف** اول ابجد و حرف اول سر در سر **حرف** مرکز سر در سر **حرف** استنطاق حاصل الضرب ۴۶ **حرف** مغلاق سر در سر **حرف** اییل که از خارج اضافه کرده اییل **جمع** اسم مذکور بموجب تفصیل و باقی اسامی اخلاط کرد او در تغییر حرف اول اسم است که بترتیب ابجد بیش بر در چنانکه در اول حرف با **بهتطیل** است در ملاحرف جیم **جهتطیل** و قس علی هذا الی آخر الاسامی اما اقامه عدد دیگر در خواندن دعاهای حروف بنحوی بنوعیکه هم از حضرت سید حسین اخلاطی قدس سره

۴۲

العزیز بود و ثابت کرنج حسن ابرقیمتی ان عمل بعونه بسم الله الرحمن الرحیم یا من هو الحق الواحد [illegible] اسما صفاته
اللهم انی اسئلک وادعوک بکل اسمائک الذی دعاک بها جمیع خلقک فی السموات والارضین علی سایر اللغات المختلفات المرکبات
الملفظ والمشار باستخراجات هذه الحروف الکلمات التامات من المکتوبات والملفوظات اا ادی ااا یا بوبی ببب تانوتی
تتت ثاثوثی ثثث حاجوجی ججج حاحوحی ححح خاخوخی خخخ دادودی ددد ذاذوذی ذذذ راروری
ررر زازوزی ززز ساسوسی سسس شاشوشی ششش صاصوصی صصص ضاضوضی
ضضض طاطوطی ططط ظاظوظی ظظظ عاعوعی ععع غاغوغی غغغ فافوفی ففف قاقوقی
ققق کاکوکی ککک لالولی للل ماموی ممم نانونی ننن واوودی ووو هاهوهی ههه
یایویی ییی یا بوبی ببب جاجوجی ججج وادودی ذذذ ... ککک
اموری کلها فی الدنیا والاخرة وسخر لی کل انسان والحروف یا هو یا من هو یا من لا هو الا هو اهیا شراهیا ادونای اصباوت آل شدای
انت الله الذی لا اله الا هو من حیث هو تبارک وتعالی یا منتهی العالمین عزیمت لدفع الاعداء اللهم انی اسئلک باسمائک المبسط
فمنه الکلمات التامات الملفظ بجمیع اللغات المختلفات المتفق [illegible] من حیث هو تبارک القدیم الواحد الاحد
الابد یا ا ح ع خ ک ر ث ج ش ز ض ل ن د ظ د ت ظ ذ س ز ث ص ف ب پ م ق و یا هو یا من هو اهیا
شراهیا ادونای اصباوت آل شدای الوهیم [illegible] انت الله الذی لا اله الا هو [illegible] امور کلها فی الدنیا والاخرة و
اعدائی یا مهلک الاعداء بقهر المنیع الغالب القوی الجبار المذل الخافض المنتقم الشدید [illegible] از صاحبان این علم تقسیم حروف
باقالیم سبعه [illegible] بعونه الله [illegible] طبیعت قسمت کرده تعیین اعمال
جهت هر چیز بعونه الله [illegible] شد و تفصیل مذکور می باشد

وهم چنین هر امری که ان مخفی و غیبی باشد مثل پنهان کردن چیزها و عقد السنه رجال و اهل ظلم و جمیع عقود در ربعهای
اول شب و ربعهای چهارم روز عمل باید کرد و انچه تعلق بفتح و فرج و بسط خاطر و گشادکارها و افتتاح امور کلی و جزوی بود
و دنیا در ربعهای اول روز و ربعهای اخر شب عمل باید کرد و هم چنین نزد این طایفه ساعات روز و ساعات
روا نوده است [illegible] بهمین نهاده اند [illegible] اما جمال تقسیم بعونه حروف این قسمت کرده اند چنانچه هر
ساعتی را حرفی داده اند [illegible] سبع و شعت [illegible] این ساعت که این حرف [illegible]
و تفصیل این بنوعی که مبتدی [illegible] خاطر نشان شود مسطور میکرده تا انکه قبل از این بکرات امور [illegible] گذشته تقسیمی
دیگر است [illegible] و تفصیل مذکور اینست ربع اول روز یکشنبه [illegible] روز دوشنبه [illegible] روز
سه شنبه [illegible] روز چهارشنبه [illegible] روز پنجشنبه [illegible] روز جمعه [illegible] روز شنبه [illegible]
ربع دوم روز یکشنبه [illegible] روز دوشنبه [illegible] روز سه شنبه [illegible] روز چهارشنبه [illegible]
روز پنجشنبه [illegible] روز جمعه [illegible] روز شنبه [illegible] ربع سیم روز یکشنبه [illegible] روز
[illegible] روز سه شنبه [illegible] روز چهارشنبه [illegible] روز پنجشنبه [illegible] روز جمعه [illegible] روز شنبه
[illegible] ربع چهارم روز یکشنبه [illegible] روز دوشنبه [illegible] روز سه شنبه [illegible] روز چهارشنبه
[illegible] روز پنجشنبه [illegible] روز جمعه [illegible] روز شنبه [illegible] اکنون از قرار این تقسیم ربع اول
شب یکشنبه و شب دوشنبه و شب سه شنبه و شب چهارشنبه و شب پنجشنبه و شب جمعه و شب شنبه را تمام حروف خاکی باید داد چنانچه
در ربع چهارم هر روز نوشته شد و ربع دوم هر شب هفته را تمام حروف آتشی باید داد چنانچه در ربع سیوم هر روز
نوشته شد و ربع سیم هر شب هفته را تمام حروف آبی باید داد چنانچه در ربع دوم هر روز نوشته شد و ربع چهارم هر شب
تمام حروف هوائی باید داد چنانچه در ربع اول هر روز نوشته شد و این که [illegible] چهار حرف نوشته شد علامت ساعات
[illegible] چهار ساعت [illegible] چنانچه حرف اول از ساعت اول و حرف دوم از ساعت دوم و حرف
سیم از ساعت سیم و حرف چهارم از ساعت چهارم و این تقسیم از قرار کتوب المغربی است [illegible] فقیر رسید انکه
تقسیم حروف بساعات [illegible] گذشته غلط خواهد بود [illegible] بعونه [illegible] حرف داده [illegible]
[illegible] هر قسمی حرفی دارد چون تواند بود [illegible] تقسیم حروف بر کواکب بدین طریق
کیوان روز شنبه و شب چهارشنبه ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] آفتاب روز
یکشنبه و شب پنجشنبه ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] ماه روز دوشنبه و شب جمعه ربع
[illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] مریخ روز سه شنبه و شب شنبه ربع [illegible] ربع [illegible] ربع
[illegible] ربع [illegible] عطارد روز چهارشنبه و شب یکشنبه ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] ربع
[illegible] برجیس روز پنجشنبه شب دوشنبه ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] ناهید
روز جمعه شب سه شنبه ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] ربع [illegible] دیگر بدانکه [illegible]
حروف چنانکه هر حرف رقمی و لفظی و عددی منسوب اند مجموع [illegible] حرف [illegible] تکسیر میکنند و هر سطری
از سطور تکسیر را کلمه ساخته [illegible] بطریق بسط [illegible] الف [illegible] کرموزه میشود
الف
اکنون این حروف است [illegible] حروف بلا تکرار الف تکسیر میباید کرد که کلمات
بقول آن | لفظی آن | عددی آن حروف بلا تکرار | حاصل کند و بخوانند و بخوید [illegible] که هر حرف را که عنق کنند
ا | الف | واحد | الف ف ا ح د

باید که مخرج از ایشان شد چه از واجبات این عمل است دانستن مخارج و تفصیل مخارج حروف این است

حروف حلق و آن شش است اول ء ه دوم ع ح آخر غ خ حروف لهات که از ان الاذه کوچک است و آن دو حرفست غلصمی ق عکدی ک حروف ضرسی یعنی دندان که بیشتر حرکت کار زبان است و آن سه حرف است ج ش ی

حروف لثه یعنی رستنگاه دندان چون سر زبان بر بن رستنگاه چهار دندان بالا افکنند از پیش این حرف حاصل آید ل

حروف سر زبان در بن دندانهای پیش ن / قایم مقام حرف نون که از مخرج یکی اند / و در بن بعضی حرف لام و نون و را هر یک یک مخرج است و مجموع این سه حرف را

لثوی میخوانند و بعضی دیگر این حرف را ذلقی میدانند و معنی ذلق گفته خواهد شد بعد از این

حروف

که از میان کام و زبان بر آید و آن سه حرف است ی ش ج

حروف

نطعی که از شکنهای کام بالا است چون سر زبان بان موضع نهند این حروف حاصل آید ط د ت

حروف

ذلقی و آن تیزی سر زبان است و آن سه حرف است ذ ظ ث

حروف

شفوی یعنی لبها و آن چهار حرف است ف و ب م

حروف

اسلی یعنی باریکی زبان و بن دندانهای پیش از بالا و آن سه حرف است ص ز س

حروف

مهموسه و آن ده حرف است ت ث ح س ش ص ف ک ه خ

حروف

مجهوره و آن شانزده حرف است ج ذ ظ ا ص ض ر ن ی ب ز ا ل م و د غ

حروف

مطبقه و آن چهار حرف است ص ض ط ظ

حروف

قلقله و آن پنج حرف است ق ط ب ج د

حروف

هادی یک حرف است ا

حروف

مجهوره و آن نوزده حرف است ء ا ب د ذ ج ر ز ض ص ط ظ ع غ ق د م ن ل ی

حروف

شدید و آن هشت حرف است ا ب ج د ط ک ق ت

حروف

استعلا و آن هفت حرف است ق ط خ ص ض غ ظ

حروف

صفیریه و آن سه حرفست ص ز س

حروف

متفشی ش

حروف

مستطیل ض

حروف

منحرف ل

گفتن بعضی از استادان دوازده اسم از اسماء الهی که جامع جمیع حروف تهجی است انتخاب کرده اند و به بروج اثنی عشر قسمت کرده اند

تا کسی در این اسما از اسماء الهی که متعلق بکواکب سبعه است و جامع الفواید است و چنین گفته اند که هر کوکبی که این

اسماء را دعوت نماید بعد و معین که در تحت اسم نوشته خواهد شد بهر کاری شروع کند که شروع کند از بهر باسانی بحصول

واکرهم بعدد دونی بقصد و قصد وقت بخوانند بعد درجات علی و جمیع مهمات شروع کند که بکند میسر شود و ستر شود

واگر این اسماء دوازده گانه را اسمی که در برج و در شب متعلق باشد عامل بخواند از همه آفات سالم باشد و هم چنین در هر عمل از

اعمال که کند کی اسما آنها بخواند اسمی بوده است خواه عمل بادی و خواه هوایی و خواه آبی و خواه خاکی اما طریق خاندن این اسماء

و روشن ترا این بیان شود تا سبب جدی با تقان آسان باشد مثلا اگر طریقه خواندن این اسما چنانکه فرضا روز چهارشنبه

بنیاد میکند که یکی از این اسما بخواند باید دانست که آن روز عطارد است و برج جوزا از بروج دوازده گانه خانه اوست

اسمی که بان خانه متعلق است مخصوص عطارد است مجمل که بر شمرده باید خواند در ساعت اول در روز چهارشنبه مذکور خاتم

در همان ساعت اول تمام خواند شود و بخور باید سوخت و علاوه بر این در ساعت دیگر باید خواند تا اجابت کند و هم چنین در شب

یکشنبه که بعطارد متعلق است اسمی که برج سنبله تعلق دارد که هم خانه اوست بعد دیگر باید خواند در ساعت اول اگر

شب و بخور باید سوخت و علاوه آن شب و لهجه باید خواند تا اجابت کند و حکمت که این دو اسم را با هم ضم کرده در دو روز

و شب بعد خود بخوانند و باقی دو روز هاو شبها بهمین طریق و تسبیح تمجید کواکب که بعضی از آن اسما باید خواند من بعد

نوشته میشود و در این اخطاب کواکب سبعه را منظور باید داشت که بخوانند چنانچه اگر در منقاب باشد و اسمی که به برج او متعلق

هو ادا باشد خطاب اقتاب باید خواند و خطاب ثوابت را منظور باید داشت زیرا که از آن عملی اثابت و شرح آن در آخر

تمجیدات و خطاب نوشته خواهد شد و ترتیب اسما الحکم مذکور شد بدین نوع است که در اینجا ثبت شده است

حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس
مریخ	زهره	عطارد	قمر	شمس	عطارد	زهره	مریخ	مشتری
یا مبدی	یا جمیل	یا حفیظ	یا لطیف	یا مغنی	یا صانع	یا شافی	یا خالق	یا قدوس
١٠١	٨٣	٩٩٨	١٢٩	١١٠٠	٢١١	٣٩١	٧٣١	١٧٠

جدی	دلو	حوت
زحل	زحل	مشتری
یا باری	یا ثابت	یا زکی
٩١١	٩٠٣	٣٧

و تمجیدات کواکب اینست تمجید واجب الوجود افتتح الکتاب رب العالمین النور الاعلم الاعظم القوی الاعز الاکرم قیام الاثبات کلها واجب الوجود ناظم العوالم صاحب الجود الباسط و النور الاقهر و البهاء الارفع و الضوء الاشد الذی لا یتناهی صنع

الدهر السرمد القیوم مبدا الازل بالابد القائم بالسطوة القاهر علی سائر الماهیات ادوم مددا و ارکیبات انقا الوجید الذی له

الوحدة المطلقة من جمیع الوجوه فعال العجایب واهب العقل و الحیات مظهر الهویات الذی هو عین الفضیلة و الشرف و الوصف

و النطق و الحجة لا اشارة الا الاعلی نور الانوار تقدست و تمجدت و تسبحت برب العالمین تمجید آخر تعالیت یا مولانا امک

السلام و الیک السلام انت واجب الوجود من جمیع الوجوه لا واجب فی الوجود غیرک و انت اله العالمین توحدت بالمجد الارفع و البها

الاعظم و اللاهوت الاکبر و النور الاقهر و الجلال الاعلی و الکمال الاتم و الجود الاعم و المجد الاوسع و البهاء الاشرف و العز الاکمل و الضیاء

الاظهر و الکبریاء الاقوی و الطول الافضل و الملک الاوسع و الجمال الابهی و البقاء الاکرم و الجبروت المقدس و الملکوت الطاهر

سبحانک مبدع الکل اول الاوائل مبدی المبادی موجود جمیع الماهیات مظهر کل الهویات مسبب الاسباب رب الارباب فعال

العجایب و ما هو اعجب من العجایب متقن اللطایف و ما هو الطف من اللطایف اله العقول الفعاله و الذوات المجردة التی هی الانوار

القاهرة المفارقة مرجع الاجرام الذین هم الکاملون الاقوی و اله النفوس الناطقة البریة عن حلول المکان و الانطباع فی

الاجسام المدبر للاجرام بالاتصال و المحبة المستفیدة من العالم العقلی منشا مبدعها و الیک منتهاها و اله الاجسام الشریفة

و الفلکیة و المرجع العنصریات و بسایطها و مرکباتها تمجید آخر اللهم یا حی یا قیوم یا سبوح یا قدوس یا رب الملائکة الاعلی الانور یا

نور النور صانع السرمد و الدهر منشا الازل و الابد موحد کلما اتصف بعرضیته او جوهریته او کثرة او وحدة او عقیلة او

معلولیة و الیک نهایات الرغبات عرفت ذوات المقدسین فی سجایا و ارکب دائم عیون القدس شعاع ذاتک العالی المعرق و باحاطتک

احاطتک المتعالیات القاهر بجمیع الاثبات بنورک الذی لا یتناهی و لا یقهر لشیء من الاشیاء و لا یتصل بشیء و لا ینفصل عنک

احتجب بشدة ظهورک و کمال نورک تسبیحا لعبید الانوار القاهرین الالهیین اللاهوتیین المجردین من الابدان و المواد و الصور

و لا دوا له لا فنا لا ابتداء الشراینهم و لا و نصحیحا الفهم بربیبة علی البقیة و لا یکشف و حجبه و رجحوان تنا علی من بحر فی و قتهم

والطمس سینا مجموع اعظم طبقة تجزا و اسفل عن وصف اسعدها بهیة کثرة بین زعم الا الکیفیة او کمیة او آن او وضعا

او حجما او عنصر الاعراضات فوق الصفة و الشرف الکمال انت اعلم انوار انور المحمود بالسلب سلب انت فوق

سلب سلب فوقکت عن تصور الکیفیات علیک انت فوق لا بتناهی بالاشیاء ای سلب انت فیض علی الانوار الشریفة و تعلق بمعرفة اسرارک

الشریفة و ان تو ید انا بالنور و تمتحنی بالنور و تعصمنی بالنور و تحشرنی الی النور و اسلک الشوق الی لقائک و الانعام فی ما لک یا

اهل النور و الاشراق و بارک فیهم و قدس سرهم الی ابد الآبدین و دهر الداهرین تمجید آخر یا حی یا قیوم یا کل مبداء یا کل

یا نور کل نور یا تفهم کل حیز و جود حضصنا الی مشاهدة عالم ربوبیتک بنجاهد قید الهیولی اذقنا برد عفوک و حلاوة صفاتک یا ربنا

٤٧

ورب كل عقل ونفس ارسل على قلوبنا رياح رحمتك واخرجنا عن القرية الظالم اهلها وادخلنا [illegible] واجمعنا بكمالك وادخلنا على سكان
انوار حضراتك ليرينا العروج الى السماء القدس والاتصال بالروحانيين ومجاورة المعتكفين في حضرة الجبروت المطمئنين في زمرة
المدبرات الروحانية التي هي وراء الوراء سبحانك ما عرفناك حق معرفتك سبحانك ما عبدناك حق عبادتك يا من لا يشغله سمع عن سمع
سبحانك انت المتجلي بنورك في الجبال والسموات والارضين **تعاليت يا** علام الغيوب رب الارباب لا اسمك بالتقديس الواقفون
بالباب يستغفرون بعد الاعتراف بكثرة المعاصي والذنوب وان كثرت ذنوب الساهين رحمتك المقدسة لا يحد بكمها النهايات امط
للشاهين الذين لا [illegible] ان يدين نقطة من نجوم لقضت الاقطار ان هبت حاجة من نفحات [illegible] درست الاثار لا ملجأ سواك
ولا نجاة غير لستغفر خطايانا احسنت الينا في النشأة الاولى بالانعام فمن واسطة اعمالنا فاعف بما هكذا في النشأة الاخرى فان الطريق
ذا احسك والنفوس حفاة عرج والمقصد بعيد والعيون [illegible] رمد والرفعات قدامهم والجاذبات خلفهم وان وقعت فترات [illegible]
لها الهلكات بالجود الاتم على العالمين [illegible] باعلى العلا [illegible] مبادي الحركات [illegible] على [illegible] ما دمت له
في عالم الطبيعة **البسيط البهمن نور وهو العقل الاول** اقدس حبيب الله وحجاب الله الاعظم نور الله الاكبر صنع الله الاعلى المثال
الاول القدسي الاقرب ملك الملائكة رئيس الانوار القاهرة [illegible] الملكوت في حضرة الله **بهمن نور فلك الاطلس وهو الفلك**
المحدد والعقل الثاني اقدس [illegible] الرفيع [illegible] عن الافات الجرم [illegible] منتهى الاشارات والحركات [illegible] المشتعلة
بشعاع بهمن نور صاحب البسطة والحسن والبريق الناظر في العليين **العقل الكرسي** قدس الانوار القاهرة العليين [illegible] العزة
والبهاء والكمال والشرف وارباب طلسمات السموات والارضين كلها [illegible] الجبروت عباد الله الطاهرين الاكرمين اصحاب السلطان [illegible]
والاشعة اللامعة والسحاب المقدسة والرتب المتعالية [illegible] بامر الله ثم **الملائكة** اقدس النفوس الناطقة [illegible]
الاجسام عشاق الانوار القاهرة [illegible] القدس محركات الاجرام بطاعة الله [illegible] العلانية [illegible] السموات والارض [illegible]
النفوس الثوابت اقدس اصحاب الثوابت الانوار القاهرين الاكرمين الكاملين [illegible] المجردين عن الابدان [illegible]
القدس الكبرياء الكواكب [illegible] [illegible] العظمة [illegible] عز جلاله وكبريائه وعظمة
الجبار المتكبر [illegible] والقادر [illegible] الكبير [illegible] متضرع اليه سائل
منك بشفاعة الفلك الدوار والنفوس والعقول المجردة [illegible] وجه الله [illegible] عظمة لاهوتية الاعلى [illegible]
ان تتعلق الخيرات والسعادات [illegible] [illegible] من طيب المعيشة والعلوم النفيسة [illegible] القبول
[illegible] والاعمال والنظر [illegible] بعين الرضا واحل البركة في المال واعطني القربة [illegible] الى حضرة الملوك والسلاطين [illegible]
والاشراف والسادات والعلماء والزهاد والاكابر [illegible] الاله الحق المعبود المطلق مفاتيح العلوم [illegible] بتحقيق
بالهداية والبلاغ الى معرفة النفس الناطقة ومعرفة مبدعها [illegible] للعبد [illegible] الانسانية وادخلني من الاسرار اللاهوتية
المتعالية وجميع العقول والنفوس والاجرام الفلكية اجب دعوتي واقض حاجتي [illegible] فاحسن [illegible]
الخالقين بالاسماء الحسنى والقدرة الاعلى رب السموات والارض وما بينهما ورب العرش [illegible] الملك القدوس سبحانه اعظم شانه
[illegible] [illegible] ومصوري [illegible] [illegible] تبارك الله
العالمين تبارك الله احسن الخالقين [illegible] تبارك الله رب العالمين تبارك الله احسن الخالقين
[illegible] [illegible] [illegible] **الفلك الثوابت**
اقدس الثوابت [illegible] العالي الشريف الرفيع المنيف **شرح الدعوات الكواكب** اين مستجاب كردن آن احتياج [illegible]
الى [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] كه [illegible] كوكب كه خواهد [illegible] كه خواهد [illegible] [illegible]

كه آن مقصود حاصل آيد

كه آن مقصود حاصل آيد و هر كوكبي را دو حظ است يكي از براي مقابله و يكي از براي مماثلت ماثلت آن بود كه اگر كوكب گرم و
بود و طبع خود اگر كوكب گرم بود درج چيزي گرم بود و اگر سرد بود درج چيزي سرد بود و فعل آن سرد بود و هم چنين اگر تر بود يا مثل آن خود
چيزي موافق آن بود چنانكه گفته شد و در مقابله بضد آن چنانچه اگر كوكب گرم بود درج كوكب گرم بود و فعل سرد بود و آن حالت اول
از براي استجلاب بود يعني كشيدن چيزي و حالت دوم كه آن مقابله است از براي دفع يعني دور كردن چيزي از چيزي
اما بخور هايي چاره است هر يك كوكبي را دو بخور يكي مقابله و يكي مماثلت **مستجاب زحل** چون كسي را بمشايخ و قضات و مزارعان
و اصحاب ضياع حاجتي باشد يا از دو مي بهره داشته باشد يا از زيبق سوداوي كوفت باشد يا از دهقان باشد يا حبي
با اصحاب قلم و اهل مسكنه بحاري و كوهستان و سياهان داشته باشد آن حاجت از زحل طلب بايد كرد و اگر آن حاجت
مكر از مشتري استعانت كند زيرا كه مشتري بر زحل كار خواهد كرد و هيچ زحل افساد كند مشتري اصلاح كند و باشد كه آدمي آن
كوكبي طلب حاجتي كند كه مخالف آن كوكب طبع آن كوكب باشد و آن حاجت از آن كوكب بر بايد بر چنان دايست كه آن كار بر آن كند
تا كفاره مشود و بخور زحل دعا آن در سرد و خشك بخور مثل قطونا و كمكم و بوست كف دريا و اشباه آن مماثلت بخور
زحل در مقابله كرم و حسك طبان و حب طبان و مشك و اگر زعفران يا بر دعا فرايند مقابله **خطاب زحل البيت**
بان القوة الماسكة لاجرام زحل العالم الحافظ عليها [illegible] الحق ما تقدم [illegible] الكل في لزوم النظام في ترتيب جميعها في
البقاء والدوام فيظهر بالوجود [illegible] من الكمال والتمام بل مستقر كل في مكانه مركزه [illegible] الى [illegible] ويثني الطبع [illegible]
استقامة الوثاقة والاتقان [illegible] من [illegible] والسلامات [illegible] ذوي العزائم [illegible] [illegible] الحاس [illegible]
[illegible] عند [illegible] المعزمات [illegible] من [illegible] الصبر [illegible] السكون [illegible] والسكينة والحلم والوقار ودوات المنع
[illegible] على انفس البشر [illegible] سكون حركاتهم وخمود شهواتهم وخضوع اصواتهم واشتمال الظلم على اهل الظلم العالم [illegible]
[illegible] الاعظم لقد احل [illegible] العقل [illegible] الصور [illegible] الروحية [illegible] الجواهر النيرة [illegible] المعرات
[illegible] الهيولى المرابة من [illegible] الطبيعة [illegible] الملكوت ومحل اعلاه الاعلى انت
الكيوان ورحل وشيخ البارد اليابس [illegible] السكون والقرار والحلم والوقار يا ايها السيد العزيز الوحيد المعبود البعيد [illegible]
الصادق القول [illegible] بالغم والحزن [illegible] الفرح [illegible] الوقار [illegible] والاتقان [illegible] السلامات [illegible]
[illegible] الحق [illegible] [illegible] [illegible] الشرايع [illegible] الخطة [illegible] [illegible]
الشرايع الارتق [illegible] اهل الحقائق معرفة [illegible] الى [illegible] [illegible] الحق
من [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] والاخرة [illegible]
من الهم والفكر الشديد واشفني عن [illegible] المرض عاجلا واعطني [illegible] عاجلا [illegible] درجات الحقائق معرفة وعلما وبلغني المنى
[illegible] في كل الامور [illegible] جميع الاحوال [illegible] **الفلك الزحل** اقدس [illegible] الله النور
القاهر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] المشتري الذي هو طالعه
مستجاب مشتري چون كسي را حاجتي باشد [illegible] مال [illegible] [illegible] [illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] [illegible] كوكب مشتري [illegible] طلب بايد كرد [illegible] مشتري [illegible] [illegible] [illegible] عفران
و در مقابله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] **خطاب مشتري** انت [illegible] المشتري [illegible] السيد
السعيد المبارك الحكيم الديني الزاهد العظيم [illegible] [illegible] الكريم [illegible] [illegible] السعد الاكبر [illegible] العظيم [illegible]
صاحب [illegible] [illegible] والكرامة والاحسان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
من المعرفة [illegible] والحقائق العقلية [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

٤٧

واعصمني من الزلل والخطاء في القول والعمل واقض حوائجي هذه من العين والبركة والعزة والرفق وتوفر المال الى درجة الكمال وزيادة حسن صناعتي فاجتهم والتماسي منهم تعادلا وصوابا على احسن الوجوه مع النفع جاذبا انعامهم وزيادة الجاه فالرجوع ان ذلك بيدك سهل والرب تعالى به عليم خبير اسئلك بحق مبدعك عليك وباجلاك الحب واقوالك النفيسة افض علينا من نورك الباقية ما نذل الائمة العزة والراحة والبركة والعافية ونيل الامان من المعاش والاحوال وما نذوق العلوم الشريفة والابلاغ في تدبير وتعليم المعادين لي من الاعداء والحساد والمخاصمين مع الاعمال مستعملا بالعزة والامر منهم ونظرهم بعين الرضا والاخوة والصدق وتعلق المسمى بالسعد الاكبر بالحق الكبير **فلك المشتري** اقدس لتعظيم الله النور القاهر الشديد ذو العز القوي والغلبة العظيمة والهيبة المالك رب المريخ الذي هو ظلم **مستجاب مريخ** چون كسى را حاجتي باشد با ارباب صلاح و سياه و ترکان و لشكري و اهل حرب و مثل ذلك و قهر بر اعادى از كوكب مريخ بايد طلبيد و بخور مريخ اندران مقام كرم و خشك مثل عود و فلفل و هرچه تيز و تند و گرم است و بلبان و اشق و مقل و مصطكى در اين مقام برسد تا هيبت التعلق حى العالم معظا الدائمي و ببك پوش و خنجار و سپاه و نشان **خطاب مريخ** انت البهرام والمريخ وصاحب باب الصنوع الاجل البدر والسطوة والابدان الشديد الشجاعة والنجدة مثل الحاسم والقاهر والتغلب العظيم العزيمة الشوكة والبسالة فطنة والجراءة والبطش والجلالة كثرة الاعوان والعون للسلطان وبني الارض الاعظم ومعين قوام العالم ومعهم بالجيش العزوم ومرتضاة الامام طالب الرياسة وصاحب العزمات ومهيج الحركات بحو المقاصد والغايات لتستقيم كل حال الدين ويبلغ الى الكون من اجله فتظهر الحيض على تحرق الاستيلاء فيقوم به ما يحصل منه ويتصل الكون والوجود ويثبت الفضايل من البرج وتحرك كل امر يحتاج ويستعين به على تجاسر ومحترس من اعدائه كل ذلك باذن من علينا الله الحق والمبدأ الواحد الاول المحض الذي لا يتكثر بوجه من الوجوه ومنه يستمد كل واحد وحده بتدبيره اسرى اليك من فضل قوته بجلال الفاعل على الانفس والاجساد بالقوة التي هي اجبرها وحي الفضايل الخمسة من كل الموجودات فانت المعين على الانتصار من ذوي العدوان المستمرين لهدا البغي ما لمعتدي والطغيان تقتح الدنانير فيقد الطالبين العباد وتخمد الطلاب وتجند الاحناد البلاد وتشد الاحقاد لتهيج المسكين ويهيج المطمئن عن المطالب من بين مغلوب وغالب كي لا يجد قوة النزاع وينطق بسورة العزيمة والادماع فيطلب بحجة الحاجات ويتبدل الحال ويقطع الشهوات الباعثة الحيوانات بحو البلاد اللايفة لتستنفق صنف باعنه ببحفظ الوجود وما كم يحرج المعدوم الى الوجود وتقسم يبسط النفس وتصحيح نير النفس وعلامة بهيمية لوثير ومراكب بجهاد وتوديد الى مقاصدها وصاحبها استلك بكمال اللوايح في الانفس اثار فضائلك والعقول النيرة بانوار حياتك علينا ان تعينني بالنصر على من عاندني وعاداني وشاورني وسالمني لا لابتغ الخير صانع التبعية من كل موقف من المواقف وتؤيدني في طلب الحق لا ارتقي الى درجات اهل المعالي فانا امر كل فضيلة منتهاها بجرها اليك فبعد العالم ليس اهلها خطاؤا واعلاها شأنا وعلا علاء اسئلك بما اعطاك الباري المبدأ الاول الاله المطلق الواحد جميع الوجوه ان تنصرني على الاعداء وتوقني في طلب هذا الامر الوصول الى المراد والظفر على الاستعداد على احسن الوجوه وذي القوة الطبيعية والهيبة في اعين الناس وتنزلني البغية من اصحاب الجيش والجند واهد في الحبل الشهوات اقض حاجتي وبلغني في طلبتي ومرادي بالنجاشي عن ذات المسمى بالنجاع باستجلاع باستجلاع **فلك المريخ** اقدس لتعظيم الله النور القاهر الشديد بالفاضل القوي الاقهر العظيم العزة الكبرى الشريف المنير شمس الملكوت زينة العالم المعمور بالشمس الذي هو ظلم **مستجاب شمس** چون كسى را ملوك و اشراف باشد با ملاح جاهي و شوكت داشته باشد از كوكب آفتاب بايد طلبيد و بخور شمس در مقابله سرد و ترچون ارجونيا كد و بوي خوش مدان باشد چون كافور و عود مثل ابتدا در مقام كرم و خشك هرچه در ان دهنيتي باشد **خطاب شمس** انت المهر والشمس ... ذا القوة الفضل والفضيلة القصوى وبعد عالم الاعلى ... والسلطان والعز والجلالة وعلوك لك ولما اعطيت الانفس تمامها بالطاقة والادعان ... تناوب ... الوجود ... وطلب ... تميزت في كل زمان رابط العالمين الاعلى والادنى وجامع القوتين اللطيفة والطبيعية تولد بين الجامد والانبات بعون من اجلها القدر ويثبت الصورة في المادة

القوة الرابع

الفصل الرابع في ... الموجودات ...

بقوة المريخ والزهرة ويقترب من العقل الفعال والعلم المستفاد بقوة المشترى والعطارد وترتيب اصناف الموجود الكلم الميتة ... ملك الاملاك الامهات وواسطة الافلاك لتربط الكل بالكل وتخرج القوة الى الفعل فينظم مراتب الموجودات مطردة من ادناها الى اقصاها ... بلطائف قواها الى الافق الاعلى انت معدن اللطيفة ومجمع القوى وجنب العلة الاولى الكل والواحد المحض للنعم باعث على العالم وعيلت ما منحت من مواهب القسم التي وجبت بها اصناف الموجودات من الجماد والنبات والحيوان وحفظهما على صلاح احوالها ... الطبايع المؤلفة ... واكرم منقول ... الاول الواهب ... جلالة ... الحيات حين ... لتفيض على ... ان ... الاعطاء والبذل للكثير ... والمودة الثابتة ... الاعمال الصالحة والمساعي ... وجميع الاكابر والاشراف والملوك ... صنعتي ... ومن الخلق بحق واجب الوجود بجميع الوجوه **فلك شمس** اقدس لتعظيم الله النور الباهر الشديد الجميل الصبيح صاحب الحسن والحب كامل العشق القدسي المشرق المعني ... الزهرة التي هي ظلم **مستجاب زهره** چون كسى را حاجتي باشد ... از كوكب زهره بايد طلبيد و بخور زهره در مقام كرم و تر ... **خطاب زهره** انت الناهيد والزهرة ... المستنير ... الضاحكة الصبيحة الوجه صاحب الحلي والزينة والذهب والفضة والطرب واللهو والنعيم الذي ... والمعتدل المزاج المودة ... العزيز المتوابل ... العشق ... في عالم الملكوت ... الانكشاف على اسرار الحقيقة والتهييج والعزيمة الى درجة ... الشهوات الى الفضاء العقليات ... الرتبة العزيزة والتودد المتمكن ... والمواهب التامة ... الخاصة والتودد من النساء والمؤمنين ... الفرح والطرب ... زيادة الجمال ... **فلك زهره** اقدس لتعظيم الله النور القاهر ... رب عطارد الذي هو ظلم **مستجاب عطارد** چون كسى را حاجتي باشد ... از كوكب عطارد بايد طلبيد ... **خطاب عطارد** انت ... والعطارد ... القوة ... ارواح العالم واجسادها ... بين مقاديرها ... اللطائف ... لتنبيه ... الصورة والاحسان ... اعدادها ... الطبيعية والنفسانية

١٧٦٥		
٥٨٣	٥٨٨	٥٨١
٥٨٢	٥٨٤	٥٨٦
٥٨٧	٥٨٠	٥٨٥

٤٨

فیقرون کل بکل فتظهر بان العالم العقلی عالم الحس العبادات والبیان ... [illegible] ... فی الهیولی للاولی والنبات والصبی

فی الثالث بان انفجرت الانهار وانغرست الاشجار وازهرت واستکملت الثمار کل ذلک بالاعطاء الالهی من القوة المودعة لصور الموجودات

بالتکامل والتناسل والمولّف ... [illegible] ... الاجماع ... [illegible] ... من الکتب

... [illegible] ... العقل بحکم ... [illegible] ... ذلک ... [illegible] ... الذی ضمنها هذه القوة واودع هذه

الفضیلة ... [illegible] ... فی رتبة العالم ... [illegible] ... المناسبات التی جلبت ... الموجودات لا ... [illegible]

الذی ... [illegible] ... الذی ضمنها هذه القوة واودع علیه هذه الفضیلة ان تترقی الی

مراتب ... فی رتبة العالم ... العلوم الغامضة ... والفهم والذکا والقدرة علی ... الفصاحة فی الکلام ...

... [illegible] ... واهل العلوم الغامضة ... الطبع بالطبع ... بالطبع **قلب العطارد**

اقدس ... [illegible] ... **مستجاب قمر** ... [illegible]

باشد ... [illegible] ... کوکب قمر ... [illegible]

سرد ... [illegible] ... شاخ یاسمن ... [illegible]

وقاقلی و یاسمن ... [illegible] ... مجموع این بخورات را سوده ... [illegible]

خطاب قمر انت ماه ... [illegible] ... السعید المبارک ... البارد الرطب الطیب المعتدل الجمیل

الفرح المجید ... [illegible] ... صاحب الرسل والبرید ... [illegible]

... [illegible] ... الکریم الحکیم ... الکتابة ... [illegible]

... [illegible] ... المعصومة ... [illegible] ... الجبار المتکبر القادر

خالقنا وخالقک وخالق کل شیء ... [illegible]

... [illegible] ... والعقول المجردة ... [illegible]

الله ... [illegible] ... جمیع السموات والارض ان

... [illegible] ... الفلک ... [illegible]

... [illegible] ... الافلاک ... [illegible]

... [illegible] ... والکتابة ... [illegible]

... [illegible] ... بنی آدم ... [illegible]

... [illegible] ... الکشف عن احوال المخلوق والاطلاع علی مراتب ...

الروحانیات ومقاماتهم ... [illegible] ... القاضی ... یا قاضی

فلک قمر ... صاحب طلسم الماء ... صاحب طلسم الارض ... طلسمات المعادن وارباب طلسمات

النبات ... المعادن والنبات **شرح اصحاب الثوابت** چون ... [illegible]

... [illegible] ... نماز ... [illegible]

... [illegible] ... السموات ... [illegible]

... [illegible] ... دعوات ... کوکب

ثابته ... کوکب ... کواکب ثابته ... [illegible]

با ... مزاج کدام کوکبند ... کواکب ثابت ... [illegible]

کواکب ثابته که ... قدر اول ... شناسد ... کدام کوکبند ... کوکب ... [illegible]

... [illegible] ... مزاج کدام کوکب ... [illegible]

... [illegible] ... کوکب زهره ... [illegible]

عطارد یا قمر ... کدام از کواکب ... [illegible]

... [illegible] ... دعوات ... حضرت حق تعالی ... [illegible]

... [illegible] ... کوکب مطلوب ... [illegible]

... [illegible] ... تمام حاصل ... ان شاء الله تعالی ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]

... [illegible] ... والله اعلم بحقایق الاشیاء ...

فصل دهم

در کیفیت اعداد و اقلام طلسمات و قواعد عزیمت و ضبط اسما و کلمات و ...

بسم الله الرحمن الرحیم — نعوذ بالله القاضی الحاجات

بدان ارشدک الله که انتظام احوال کلیه جهان صوری ... [illegible] ... عالم معنوی منوط ...

و ضبط اسمای حسنی ... [illegible]

مظاهر اجسام روحانیه ... [illegible]

و خواص ... [illegible] ... عدد ... [illegible]

عدد ... [illegible]

... [illegible]

کنند ... اسم اعظم ... اعداد ... [illegible]

... [illegible] ... الارواح والاشباح ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ... [illegible]

... [illegible] ... عشرات ... [illegible]

... ١٠ ٢٠ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠ ... [illegible]

... ١٠٠ ٢٠٠ ٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ... [illegible]

... ١٠٠٠ ٢٠٠٠ ٣٠٠٠ ٤٠٠٠ ٥٠٠٠ ٦٠٠٠ ٧٠٠٠ ٨٠٠٠ ٩٠٠٠ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

۴۹

که مجموع اعداد بر چهار قسمند توافق و تداخل و تشارک و تباین و شرح این اقسام چنانکه میان دو عدد از اعداد تسعه
خالی از حال بیست اولا آنکه عدد اقل عدد اکثر را میکند یا نمیکند و مراد بعد آنکه هر گاه که اقل را از اکثر نقصان کنند چند نوبت
از اکثر چیزی نماند هم چنانکه سه را شش را بیست که عد کردند هیچ باقی نماند این قسم را عدد متداخلین میگویند و اگر عدد اقل
عدد اکثر را نمیکند بر دو قسم است اولا اگر عدد ثالث غیر واحد یافت میشود که عد ایشان کند یا نه اگر یافت میشود ایشانرا متشارکان
و متوافقان میخوانند و عدد ثالث را عاد عددین مذکورین میگویند چنانچه میان شش و چهار که اگر چهار را عدد شش میکند اما دو
عدد هر دو میکند و اگر عدد ثالث واحد باشد که عد دو عدد مذکورین را عد کند ایشانرا متباینان گویند مثل چهار و هفت که عدد
ثالثی که عد ایشان کند غیر از یک نیست پس هر گاه که خواهیم که میان دو عدد تداخل و تشارک و تباین و توافق بدانیم تمیز را یک
قسمت کنیم اگر در قسمت چیزی باقی نماند ایشانرا متداخلان گوئیم مانند دو و چهار که چهار را بر دو قسمت کردیم هیچ نماند و اگر چیزی
ماند تمیز را عدد مقسوم علیه را بر باقی قسمت کنیم تا وقتیکه چیزی نماند مثلا خواستیم که میان بیست و شش بدانیم که چه حالت بیست را
بر شش قسمت کردیم دو باقی ماند مقسوم علیه را که شش است بر دو قسمت کردیم هیچ باقی نماند پس معلوم کردیم که میان ایشان توافق
و تشارک هست و اگر در میان دو عدد و مفروض یک باقی ماند میان ایشان تباین حاصل است چون پنج و شش که هر گاه پنج را از شش
دفع یابیم یک ماند و تباین حاصل شد و بعضی دیگر در تعریف عدد چنین گفته اند که بعضی تام اند و بعضی زاید و بعضی کامل و غرض
از عدد تام آنکه اجزاء او مثل اصل او باشد چون شش که اجزاء او مثل اصل اوست بدین وجه اصل ٦ نصف ٣ ثلث ٢ سدس ١
و غرض از عدد زاید آنکه اجزاء او زیاده از اصل اوست بدین تفصیل اصل ١٢ نصف ٦ ثلث ٤ ربع ٣ سدس ٢ و غرض از
عدد ناقص آنکه اجزاء او کمتر از اصل او باشد مثل هشت که اجزای او کمتر از اصل اوست بدین طریق اصل ٨ نصف ٤ ربع ٢ ثمن ١
و غرض از عدد کامل الصورت هفت است که جمعیت ثلاثه و اربعه لازم اوست و هم چنانکه کامل الصوره تام است در مرتبه ظهور واحد
هفت را نیز کامل الصوری تام است در مرتبه … و هم چنین بعضی از استادان در تعریف عدد دیگر گفته اند که بعضی از او بر دو
قسم متحابه و قسمی متباغضه و قسم متحابه را بر دو قسم شمرده اند قسمی زاید و بعضی ناقص و این هر دو نام است متعلق بمحبوب داشته اند و این قسم را
محب نام کرده اند و این برخلاف قاعده اسمعیل بن علی است که این قسم را نام محب و قسم ناقص را محبوب داده و شرح استخراج
این اعداد بالتفصیل … در بیان خواهد شد و بعضی دیگر از عالمان این علم در کیفیت اعداد چنین گفته اند که اعداد بعضی زوج الفرد است
و بعضی زوج الزوج و بعضی فرد الزوج و بعضی زوج الفرد و تفصیل از بیان این نوع است که در این جانب ثبت میشود

فرد الفرد			زوج الزوج			فرد الزوج			زوج الفرد			
١	١	١										و عدد فرد الفرد نادر است مثل یک و پنج و نه
٣	٣	٣	٣	٣	٢	٣	١	٢	١	٣	١	و سیزده تا بالا رود و عدد زوج الزوج
٥	٥	٥	٤	٤	٤	٤	٣	٤	٣	٤	٣	خاصیت چون چهار که دو بار دو باشد و هشت
			٦	٦	٦	٦	٥	٦	٥	٦	٥	

و دوازده و شانزده هم چنین تا بالا رود اما فزایند عدد فرد الزوج هو آنیست مثل دو و شش و ده و چهارده و هم چنین هر چند
که بالا رود و افزایند و عدد زوج الفرد آنیست مثل سه و هفت و یازده و پانزده تا بالا رود غالب را بانفع خاصیت هست و خاک را باید
و هم چنین آتش را هوا دوست بکند تا آب و خاک هم چنین مناسبت در دوستی دارد با هوا هم چنین مناسبات دارد و …
و غرض از این مقدمات تنبیه خاصیت الالواح عددیت که عاملان این باشند که از هر عدد چه کار برمی آید با هر عدد چه بباید کرد و
هر لوح را خاصیتی مرتب است و مقصود بهر نوع میباید نگاشت و لوح اعمال این مطالب بقاعده استخراج اعداد تام و زاید و ناقص و متحابه
شد و بالله التوفیق و علیه التکلان **قاعده استخراج** ابتدا ١ مضاعف ٢ مضاعف ٤ مضاعف ٨ مضاعف ١٦ مضاعف جمع الکل ٣١
اما کیفیت آنکه چون یک را با دو جمع کنند سه میشود و این عدد اول است که چون سه را در دو که جمله های جمع است ضرب کنند
حاصل الضرب شش باشد که عدد تام است و دیگر از یک تا هشت چون جمع کنند پانزده میشود پانزده را در هشت که …

جمع اوست

جمع اوست حاصل الضرب یکصد و بیست شود و این هم عدد تام است و هم چنان الا حال الفروض و دیگر چون یک با دو و چهار جمع کنند هفت
میشود و این هفت عدد اول بیست چون این هفت را در چهار ضرب کنند بیست و هشت باشد که عدد تام کامل است و دیگر چون چهار را با هفت
افزایند یازده شود و چون همین یازده را در چهار اضافه ضرب کنند حاصل الضرب چهل و چهار باشد که عدد ناقص است و هم چنین اگر
یک را با چهار اضافه هشت کنند سیزده شود و همین عدد را چون در چهار ضرب کنند حاصل الضرب پنجاه و دو باشد که عدد ناقص است
دیگر عدد چهار را چون در عدد تحت چهار که سه باشد ضرب کنند حاصل الضرب دوازده باشد که عدد زاید است و هم چنین اگر هشت
را در سه ضرب کنند حاصل الضرب بیست و چهار باشد و این هم زاید است و اگر عدد چهار را در عدد فوق او که پنج است ضرب کنند حاصل الضرب
بیست باشد که این هم عدد زاید است و اگر یک را با شانزده جمع کنند هفده باشد و شانزده را چون در سه ضرب کنند حاصلش چهل
هشت باشد و چون در پنج ضرب کنند حاصلش شصت باشد و چون ده را در هفت ضرب کنند حاصلش صد و دوازده باشد و چون
ده یازده ضرب کنند حاصلش صد و هشتاد و شش باشد و چون در سیزده ضرب کنند حاصلش دویست و هشت و مجموع این عددهای حاصل
الضرب هر کدام عدد زاید است دیگر از یک تا چهار چون جمع کنند هفت شود بدین طریق ١ ٢ ٤ جمع ٧ و چهار که عدد آخر است
بر هفت بیفزایند یازده شود و چون از جمع هفت دو که عدد وسط است کم کنند باقی پنج ماند و یازده را چون در پنج ضرب کنند
حاصل الضرب پنجاه و پنج شود و همین عدد را در چهار که عدد وسطی جمع هفت است ضرب کنند حاصلش دویست و بیست باشد که عدد
متحابه است و این از جمله عدد زاید است که بقول اسمعیل متعلق بمحب باشد دیگر یک را با هشت چون جمع کنند نه شود و نه را در
هشت ضرب کنند حاصلش هفتاد و دو باشد پس همان یک را از حاصل کم کرده باقی هفتاد و یک را در چهار ضرب کنند حاصل الضرب
دویست و هشتاد و چهار باشد که عدد متحابه است و از جمله عدد ناقص است که بقول اسمعیل متعلق بمحبوب میشود و دیگر عدد را از
یک تا … تضعیف نموده بدین نسق ١ ٢ ٤ ٨ ١٦ ٣٢ و آن عقد یک تا شانزده چون جمع کنند سی و یک
شود و همین عقد شانزده را با او اضافه کنند چهل و هفت شود پس هشت از عدد سی و یک کم کنند باقی بیست و سه با بقای این عدد را
در چهل و هفت ضرب کنند تا هزار و هشتاد و یک حاصل آید و باز این عدد را در همان شانزده ضرب کنند حاصلش هفده هزار و دویست
و نود و شش باشد که عدد متحابه زاید است دیگر چون چهار را با سی و دو اضافه کنند سی و شش شود و همین عدد را چون در سی
و دو ضرب کنند حاصلش هزار و صد و پنجاه و دو باشد چون یک را از آن عدد کم کنند و باقی در شانزده ضرب کنند هیجده هزار و چهار صد
و شانزده حاصل شود که عدد متحابه ناقص است و تفصیل عدد متحابه زاید و ناقص که از پیش ذکر رفت الحال ثبت کرده با خاصیت آن میشود

عدد متحابه زاید ٢٢٠

اصل	نصف	ربع	خمس	عشر	نصف العشر	جمع الاجزاء
١	١١٠	٥٥	٤٤	٢٢	١١	٢٨٤

عدد متحابه ناقص ٢٨٤

اصل	نصف	ربع	جمع الاجزاء
١	١٤٢	٧١	٢٢٠

دیگر قاعده استخراج
اعداد متحابه بقول اسمعیل
ثعالبی چنانکه اول عدد صحیح است
ما منظور دارد که جزو بداده و آن عدد یازده است
و این عدد را در عدد بجفت اول که پنج است ضرب کنند که
حاصلش پنجاه و پنج است و این عدد اصل است … پس بر این عدد …
اول … … اضافه کنند تا هفتاد و یک شود و همین …

عدد متحابه ناقص ١٨٤١٦

اصل	نصف	ربع	ثمن	نصف الثمن	جمع الاجزاء
١	٩٢٠٨	٤٦٠٤	٢٣٠٢	١١٥١	١٧٢٩٦

[illegible]

یک را در چند اول … ضرب کنند تا حاصلش دویست و هشتاد و چهار شود که عدد متحابه ناقص است و بقول اسمعیل
مذکور متعلق بمحبوب است و دعا با اجزای این عدد دویست و بیست حاصل است و محبوب تعلق دارد … که بر ایشان تاثیر قاعده می آید و اینست
که هر گاه از عدد دویست و بیست ١٢ ١٢ بقاعده بروج طرح کنند چهار باقی میماند و عقیده عدد برج سرطان سرطان منسوب میشود که
خانه قمر است و چون از عدد دویست و هشتاد و چهار ١٢ ١٢ طرح کنند ٨ باقی میماند و برج عقرب منسوب میشود که خانه مریخ است

۵۰ و این خانه سقوط قرانست و اول سعادت و ثانی نحس و آنچه سعادت متعلق بمحبوب و آنچه نحوست متعلق بمحب والله اعلم

این دو برج در مثلث ملاء واقعند پس حاصلست بینهما نظر تثلیث و مودت و هم چنین دلو با سرطان ارفع است از عقرب و دلیل

دلیل ثانی اول اطالت دو بکر برج عقرب پنجم سرطان است و خانه پنجم خانه محبتست و جمیع تصرفات در عالم سفلی و حاجت قوت

و سرعت سیر دارد و مریخ دوست اوست بواسطه جلب مطلوب اثناء و دهم طالب دوست و در حساب درجات برج چون عدد دو

و بیست را از اول سرطان که خانه قرانست و اول بجهت آن برج مرتفع کثیر المطالع حساب کند منتهی بدهم درجه دلو میشود و اگر عدد

دویست و هشتاد و چهار را از ابتدای برج جدی که اول بجهت آن برج منخفض قلیل المطالع و بیت و بال قمر و سعد برج اول است

حساب کند منتهی میشود بچهارم درجه برج میزان و از درجات بام متناظر اند بتثلیث متساوی [illegible] در [illegible] مستقیم و میشود

صد و بیست درجه واقعست در مطالع استوا [illegible] و عدد را از اول برج سرطان حساب کند واقع شود بیک مه برج دلو و بیک برج حمل

و این جز نظر تثلیث واقعست والله اعلم بحقایق الامور علی ای اقوال الحکماء [illegible] مربع باشد

اعداد متحابه را و در ان نقش کند چون ان خاتم [illegible] باشد بام دوستی

پیدا کنند و نقش خاتم مذکور اینست و اگر لوحی [illegible] مربع [illegible] در ان لوح بکشند و در میان [illegible]

ده در ده و خطوط مربع بسم الله الرحمن الرحیم باشد و این ده اسم را در ان لوح موفق بیکار برند

و ده اسم اینست قیوم قایم قدیم قدیر قادر قهار قاهر قوی قدوس قریب و الملائکه

بر اطراف بنویسند [illegible] قل اللهم مالک الملک [illegible] الی آخر [illegible]

القاهر فوق عباده با آیات [illegible] بر اطراف لوح بنویسند [illegible]

دایره بنویسند چنانچه بر [illegible] بسم الله [illegible] باشد اعداد متحابه [illegible] لوح [illegible]

میشود [illegible] حرف اول اسم ط و حرف اول اسم مط [illegible] مربع [illegible]

با اعداد متحابه [illegible] ط و مط غالب [illegible] مغلوب [illegible]

اضافه کند [illegible] عدد ناقص ۲۳۰ [illegible] ۲۸۴ [illegible] غالب و مغلوب [illegible]

بر ط و مط [illegible] عدد اسم ط بر مط غالب باشد [illegible] باط و

در لوح اعداد متحابه [illegible] وجیه [illegible] حال [illegible]

و اگر [illegible] ۲۶ تا تحت ۳۱ است جمع کرده [illegible]

و خاکستر [illegible]

در ده [illegible] باب [illegible] حاجت [illegible]

جمعی [illegible] امام [illegible] تمام [illegible]

[illegible] امام مذکور [illegible] تفصیلت ۲۱ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ازهرماه امام [illegible]

۲۶	۲۵	۲۴ ۲۳	۲۲	۲۱	۲۰ ۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱

ازهرماه امام [illegible] ازهرماه امام [illegible] ازهرماه [illegible] ازهرماه امام [illegible]

۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ اما [illegible] خواهد [illegible]

ازهرماه امام [illegible] [illegible] [illegible] مضاعف [illegible]

و اگر جمعیت خواهند [illegible] جمعیت [illegible] شود و اگر [illegible]

اسم [illegible] عدد [illegible]

سازند

سازند و اگر طلب نفع کنند عدد اسم مطلوب را بعدد اسم طالب قسمت کنند تا نهایت قسمت و این مقالات در شش باب مودت

تفصیل مییابد باب ۱ در خواص عدد تضعیف باب ۲ در خواص عدد جمع باب ۳ در خواص عدد تفریق باب ۴ در

خواص عدد تنصیف باب ۵ در خواص عدد ضرب باب ۶ در خواص عدد قسمت اما چون خواهند که کسی را مال و جاه زیاد

شود اسم او را هر چند خواهند مضاعف کنند و بنویسند [illegible] تضعیف در طلسم [illegible] بنویسند و [illegible] دارد اما باید که ساعت

ساعت که عمل میکنند سعد باشد و سعدی از آن در مطالع باشد مثال در اسم حسن خواهیم که او را مال و جاه زیادت شود و لا

اسم حسن [illegible] است اعداد مضاعف کرد [illegible] هر چند [illegible] هر [illegible] عدد حاصل کرده اسمی [illegible] از اسماء الله

بیان [illegible] اگر [illegible] عدد [illegible] مطابق باشد [illegible] باب اول [illegible] نوع [illegible] اول تضعیف [illegible] نوع دوم تضعیف بجمع

تضعیف بجمع			تضعیف بر اول		
اسمای مطابق اعداد مضاعف		حسن	اسمای مطابق اعداد مضاعف		حسن
حی ملیک	۱۸۱	۱۱۸	حی ملیک	۱۸۱	۱۸۱
کفیل وفی	۲۳۴	۲۳۶	کفیل وفی	۲۳۴	۲۳۶
رشید کریم	۴۷۲	۴۷۲	احد ناصر	۳۵۴	۳۵۴
حق مکرم مفرج	۹۴۴	۹۴۴	رب کریم	۴۷۲	۴۷۲
این اسماء را قرائت باید نمود		۱۸۸۸	این اسماء را قرائت باید نمود		
		۳۷۷۶			

و هم چنین هر چند مرتبه تضعیف زیاد میشود مطابق هر مرتبه اسمای مناسب [illegible] پیدا کرده پهلوی ان عدد نوشته همان اسما را بعدد وی معین باید قرائت نمود و نحو مناسب باید سوخت باب ۲ در جمع و خواص ان جمعیت و الفت

در میان دو کس الفت مطلوبست یکی را نام محمد و دیگری را نام علیست اکنون [illegible] ازین مراتب

مطلوب	طالب
ع ل ی	م ح م د
۱۱۰	۹۲

سمین باید و اسم از اسماء الله مناسب فعل مطلوب که الفت مطابق باید ساخت که بخوانند [illegible] الفاظ مودت و الفت با تمام اعداد مطابق کرده باید خواند مثلا باید خواند که هیجت قلب علی علی محبت و مودت محمد اما چنین الفاظ عبارات را چنان مطابق با جمیع مراتب جمع باید کرد تا تفاوت نداشته باشد

۱		جمع	
۲	۱۲۳ [illegible]	مرتبه اول	۲۰۲
۳	۱۲۳ [illegible]	مرتبه دوم	۲۹۴
۴	۱۲۳ [illegible]	مرتبه سوم	۳۸۶
۵	۱۲۳ [illegible]	مرتبه چهارم	۴۷۸
	۱۲۳ [illegible]	مرتبه پنجم	۵۷۰
			۶۶۲

و طلسمات این عدد را با نواع میتوان نگاشت اول که [illegible] عدد مرتبه خامس ۶۶۲ بنویسند و عدد مربع کرده در مربع چهار در چهار موفق میدانند

۱ ۶ ۵ ۱۶۸ ۱۷۱ ۱۵۱

۱ ۷۰ ۱۵۹ ۱۶۴ ۱۶۹

۱ ۶۰ ۱۷۳ ۱۶۶ ۱۶۳

۱ ۶۲ ۱۶۲ ۱۶۱ ۱۷۲

در چهار سطر رقم زنند بدین دستور نوع دیگر آنست که پنج خط بکشند طولانی چنانچه این اعداد در ان گنجد و عدد مذکور را از طلب بنهاد ده بر بالای خطوط رقم زده باشد تا وقتی که بعدد ششصد و شصت و دو برسد که تمام است وفق عدد

رقم زدن این طلسم آنستکه عدد اول بر خط اول و عدد دوم بر خط دوم و عدد سیم بر خط سیم و عدد چهارم بر خط چهارم و عدد پنجم بر خط پنجم و عدد ششم باز بر خط پنجم و عدد هفتم بر خط چهارم و عدد هشتم بر خط سیم همین ترتیب تا بعدد ۶۶۲ برسد که تمام

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ... ۵

۲ ۹ ۱۶ ۱۹ ۲۲ ۲۵ ۲۲ ۲۹ ۳۳ ۳۴ ۴۹ ۵۲ ۵۹ ۶۲ ۹ ۶ ۳ ۷ ۷ ۹ ۷ ۲ ۸

۳ ۸ ۱۳ ۱۸ ۲۳ ۲۸ ۳۳ ۳۸ ۴۳ ۴۸ ۵۳ ۵۸ ۶۳ ۶۸ ۷۳ ۷۸ ۸۳

۴ ۷ ۱۴ ۱۷ ۲۴ ۲۷ ۳۴ ۳۷ ۴۴ ۴۷ ۵۴ ۵۷ ۶۴ ۶۷ ۷۴ ۷۷ ۸۴

۵ ۶ ۱۵ ۱۶ ۲۵ ۲۶ ۳۵ ۳۶ ۴۵ ۴۶ ۵۵ ۵۶ ۶۵ ۶۶ ۷۵ ۷۶ ۸۵

این خطوط را الف در طولانی باید کرد که اعداد بر ۲۶۶ برسد **باب ۳** در تفریق و این عمل جهت عدد و وقتی که عمل کنند
می‌باید که یکی از نحسین در طالع باشد و ساعت نحس باشد فرضا میان عمرو و زید جدالی منظور است و زید می‌باید که از عمرو غالب شود
عدد اسم زید که بیست و یک است از عدد اسم عمرو که سیصد و شانزده است می‌باید رفت و در هر مرتبه موافق عددی که باقی می‌ماند اسمی
از اسماء الله که تفریق را شاملست پیدا باید کرد که بخوانند و صورتش اینست **زید** **عمرو**

عمرو ۳۱۶	منها ۲۱
باقی ۲۹۵	منها ۲۱
باقی ۲۷۴	منها ۲۱
باقی ۲۵۳	منها ۲۱
باقی ۲۳۲	منها ۲۱
باقی ۲۱۱	منها ۲۱
باقی ۱۹۰	منها ۲۱
باقی ۱۶۹	منها ۲۱
باقی ۱۴۸	منها ۲۱
باقی ۱۲۷	منها ۲۱
باقی ۱۰۶	منها ۲۱
باقی ۸۵	منها ۲۱
باقی ۶۴	منها ۲۱
باقی ۴۳	منها ۲۱
باقی ۲۲	منها ۲۱
باقی ۱	

باب ۴ در تنصیف و این جهت خرابی حال خصمانست که از ایشان بجان رسیده باشی ۲۱
ولیکن در این باب بلکه در هر باب اضافه مرعی باید داشت و از زیاده حق بجانب رنجانیده کرد
و مثال این عمل در اسم فرعون می‌نماید فرضا عدد اسم فرعون چهارصد و شش است و این
عدد تنصیف میشود و در هر مرتبه اسماء مطابق می‌باید که بجهت قرائت مشغول شوند و اسماء
مناسب فعل مطلوب باید و مثالش اینست **باب ۵** در عمل ضرب و این جهت دوستی و محبت
فرعون جهان تحصین و این تا بجا در مرتبه قرار داده اند که عدد دو را در یکدیگر ضرب کنند
۴۰۶ و حاصل الضرب هر مرتبه پنجم باشد مطابق اسماء الهی بعدد بخوانند و بعضی تا هشت مرتبه
۲۰۳ هم رفته اند عمل و مثالش با اسم جلال و جمال دعوت میشود و یک مرتبه با هم ضرب میشود
۱۰۱ و این عمل جهت تسخیر جالست فرضا **ط** جلال و **مط** جمال است اسم طالب با اسم مطلوب
۵۰ ضرب باید کرد و حاصل الضرب را با اسم مطلوب ضرب کرده حاصل الضرب ثانی را باز
۲۵ با اسم مطلوب ضرب کنند که حاصل الضرب ثالث است و هم چنین این حاصل الضرب را
۱۳ با اسم مطلوب ضرب کنند که چهار مرتبه شده خواهد بود و در هر مرتبه اسماء الهی مطابق
۷ از عدد و مناسب مطلب پیدا باید کرد که بخوانند و مثالش اینست که
۳ یک مرتبه ضرب شده تا مرتبه دیگر بدین دستور **مطلوب** **طالب**
۲ ضرب باید کرد چنانچه دو عدد را با هم ضرب جمال **۷۴** جلال **۶۴**
۱ ضرب کردیم حاصل الضرب این شد **۴۷۳۶** باز عدد این عدد را با عدد
۷۴ عدد مطلوب ضرب باید کرد تا چهار مرتبه که تمام است **باب ۶** در خواص قسمت و این باب جهت تسخیر بهائمست
و در این عمل اسم مطلوب بر اسم طالب قسمت میشود مقداری که قسمت پذیر باشد و مثال این عمل با اسم فاطمه و اسم زید میشود فرضا
ط فاطمه و **مط** زید عدد زید ۲۱ عدد فاطمه ۱۳۵ منها ۲۱ باقی ۱۱۴ منها ۲۱ باقی ۹۳ منها ۲۱
باقی ۷۲ منها ۲۱ باقی ۵۱ منها ۲۱ باقی ۳۰ منها ۲۱ باقی ۹ اکنون مطابق هر مرتبه اسماء مناسب عمل پیدا باید
کرد که بخوانند و در هر عمل از این اعمال قاعده تطابق اسمای الهی مناسب فعل مطلوب مرعی می‌باید داشت و قرائت اسماء و تعقیب
معین مشغول می‌باید شد و بجهت زمان مناسب هر عملی باید کرد البته تا مقصود از نوع فعل آید والله اعلم و احکم و بجهت سهولت ترتیب
احادیات نظم نوشته میشود و هر کلمه از کلمات این نظم علامت جذر و مجذور و بیان است **ببد بجی ببح ببی**
بوبب بزبد ببطیح ببکب بجبو بجطحبب بجبهجبج جزکا جحکی جطکز ددبو
دهکه دوکیو دزنح دحلب ههکه هوکل هزکه دحلو هجهکه وکلو ونهب و
حجح وطند ونمکه زحتو زطیح حسد حطعب ططقا ده احادش ازحاجی حس جی الی آخره
دیگر کیفیت اعداد آنکه بعضی غالب و بعضی مغلوب و در این باب از اینها تا نیز معتبر است که اگر خواهند که در دو عدد
بدانند که کدام غالب و کدام مغلوب قاعده آنست که از هر عدد نه نه طرح کنند و از باقی هر یک نتیجه بایشان غالب و مغلوب

نماید

نماید و در این باب حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام
چند کلمه طریق نظم فرموده اند **نظم** وفی الزوج والافراد یسموا اقلهما * واکثرهما عند التخالف غالب * ویغلب مطلوب
الزوج استوى * وعند استوى الفرد یغلب طالب * وان تفاوت العددان او الاسم واحد * فاصغرهما سنا بلا شک غالب
و ترجمه این ابیات بفارسی چنین گفته اند **منظوم** غالب ای خواجه چون دو نام را کردی حساب طرح کن نه نه از آن
تا خود چه ماند پیش و کم طاق کم با طاق بیش و جفت کم با جفت بیش جفت با طاق کم از خود طاق هم با جفت کم دهد
نصیر الدین طوسی علیه الرحمة فرموده **نظم** دو عدد چون زوج بعد از اعداد کم است و مختلف شوند تا نا که زوج است که
زوج مستوی شده مطلوب میبرد و دو فرد مستوی شده طالب مظفر است **ایضا** اجزای حیثی کم بودن خوش است
و مخالف مجتمع بودن خوش است و در عدد مساوی هر دو را احسان بود هر که سالش خرد غالب آن بود **ایضا** کر غالب
مغلوب بخواهی اندر پیش مر نه طرح کن ز نام هر یک منه بیش که هر دو موافقند طالب غالب از جفت کم است و از طاق
بیش وحید و لغالب و مغلوب اینست اکنون از اینها عدد فرضا چهار مانده و از یک ده شش **عم** و **۶** بر شش غالب است
و ۹ بر ۸ غالب و اگر عدد هر دو مساوی باشند آنکه سال کوچکتر است
غالب است و هر یک عالم و عالم بر جاهل غالب است والله اعلم و احکم اما
تصرف در کشف الواح عددی با انواع است و هر نوع مقتضی حاجتی
و هر یک از استادان در این عمل تصرفات بدیع کرده اند و در اعمال
جمالی و جلالی الحال استنوعم نوشته اند و نیز بعضی اعمال جمالی و جلالی
اینست که سطر بخواهد شد و با اصطلاح بعضی این اعداد صغری
کبری و سعد و نحس می‌باشد عمل این اعمال مشکل اینست **اعداد سعد**
اکبر که مشتمل اعداد عمل باشد اینست که ثبت شده در اینجا

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰۰	۵۰	۹۰	۲۷۱	۴۶۱	۷۰	۶۹	۱۰۹	۱۴	۱۹۵	۲۷۱	۲۳۱	۱۸۱	۷۱

و این اعداد مقطعات قرآنست مثل **الم** و **المص** و **الر** و **المر** و غیر ذلک تا آخر مجموع چهارده اسم باشد بلا تکرار و
اعداد سعد اصغر اینست

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۱۰	۴۰	۸	۶	۹۹	۷	۱۰	۵	۲۰	۲	۳	۱	

و این اعداد حروف مقطعاتست
بلا تکرار و ترکیب این حروفات اینست **الر کهیعص طس حم ق ن** و اعداد نحس اکبر اینست
و این اعداد حروف ظلمانی است مطلق

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰۰۰	۹۰۱	۱۰۵	۷۳۱	۸۰۱	۵۱	۴۰۱	۳۶۰۱	۸	۱۳	۲۴	۵۳	۳	

و **اعداد نحس اصغر** اینست

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰۰	۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	۴۰	۳۰	۱۰	۷	۶	۴	۳	۲

و این اعداد حروفات ظلمانیست جز بعضی خلی حالا چون بعضی از اعداد که بهات اعداد و اسرار این مرهون شد لوحی چند بطریق
اختراع دقیق مرقوم میکرد در هر باب تا مستعد را
عمل بان سهولت بوده باشد و ما بالله التوفیق و لا
جهت طالب و مطلوب با اعداد متحابه فرضا طالب
محمود است و مطلوب محمد و اعداد متحابه اضافه شود ج ا

بدانکه قاعده آنستکه بعضی که اگر خواهند
مربع موفق سازند ملاحظه آن عدد معین
میکنند که چه حال دارد فرد الفرد باشد یا
زوج الفرد یا فرد الزوج یا زوج الزوج و
واز این انواع هر کدام که مربع را بدان طریق
میکارند و این نکته بسیار عزیز است و
لوحی چند در این باب جهت امتزاج مرقوم
مرقوم میشود باسم طالب و مطلوب و مثال اول که عدد زوج الفرد بوده میشود باسم فرهاد و شیرین طرفها مطا شیرین ۲۹۰
جمع بین عددین ۲۹۰ طرح ۶ باقی ۲۸۴ ربع بلا کسر ۷۱ لوحش اینست و این اعداد از ان زوج الفرد مناسب دارد که بحکم
از اسمین را که نصف میکنیم عدد نصفش فرد می آید پس زوج که اگر زوج آمدی پس زوج الزوج بودی
اکنون باعتبار انکار رقم بیوت این مربع را هر یک چون تنصیف کنند بعضی در نصف فرد
می آید و بعضی در نصف زوج بلا تفاوت این اعداد را زوج الفرد میباید دانست با الکلیه رقم
بیوت همچنان فرد نیست و این از جمله صنایع این عمل است و لوحی دیگر نوشته میشود باسم طالب
و مطلوب بعمل زوج الزوج و طالب محمد است و مطلوب حق مدین دستور ط مط محمد حق
جمع بین عددین ۳۰۰ طرح ۱۲۰ باقی ۱۸۰ بالربع ۴۵ لوحش اینست مجموع اعداد که در بیوت مرقوم شد ۹۲ ۱۰۱
زوج الزوج است زیرا که در نصف زوج می آید اکنون لوحی چند هر قسم بجز بیعی الی
تا امتزاج کلی باشد متبد را و الواح هر یک بقاعده خاص مسطور میکردد اول لوح
فرد الفرد باسم مهر و مشتری دان بر این طریقست

اکنون باید دانستکه عددی فرد الفرد را
اگر خواهند که در مربع چهار در چهار بیست
و در سه موافق دارند شرط انکه عدد هر خانه
فرد مشکلست از ان جهت که کسر خواهد داشت
و هم چنانچه که در مربع سه در سه ممکن نیست در مربع چهار در چهار شرط اعداد ممکن نیست پس اگر ناچار شود که عدد معین فرد الفرد
که در قسمت سه در سه کسر داشته باشد مانند چهار صد و هفت که دو کسر دارد است با لوح چهار در چهار که عدد وفق او خواهند که صد و یازده
باشد و در هر خانه عدد فرد باشد و هم چنین کسر دارد علاجش انستکه عدد مذکور را در سه ضرب کنند تا کسر شود و عدد سه در سه
موفق دارند و اینچه در چهار در چهار خواهند در چهار ضرب کنند درست دارند و پنداری عددی دارم صد و یازده و عدد دیگر دارم
صد و یک و عدد و صد هر یک را در مربع سه در سه نخواهیم که موفق دارم و این عدد دو کسر دارد و در این لوح ممکن نیست پس این عدد
صد و یک را در سه ضرب کردیم سیصد و سه شد در مربع سه در سه کذاشتیم بدین نوع کرده
هر خانه عدد فرد باشد و صد و یازده را خواستیم که در لوح چهار در چهار درج سازیم
هم موفق سازیم بهمان شرط که عدد بیوت مربع مذکور فرد باشد این عدد صد و یازده
را در چهار ضرب کردیم حاصل الضرب ۴۴۴ پس در مربع موفق داشتیم بدین طریق

اینست و در لوح دیگر بطریق فرد الزوج نوشته میشود بانواع مختلف و ان دو لوح اینست
هر لوح از این الواح در نظر باید کرد تا
و در کردش نظر چهار نوع مختلف دارد
چون باید نوشت و بر عکس کرد
هم چنین و عطای این علم را در نکاشتن
طریقهای خاص است که فانهای کلی بیان میشود و یک دو لوح
دیگر از آن نکاشته میشود باسم طالب و مطلوب بدین دستور طالب محمود است و مطلوب محمد و عدد مطلوب در میان
عدد طالب درج شده و چون عدد هر دو زوج است لوح
با اعداد زوج پر شده و اگر احیانا عدد معرد باشد اعداد
بیوت را تمامی معرد باید نهاد و اگر یکی معرد باشد و یکی زوج
عدد زوج را معرد باید داد و عدد معرد را نیز زوج که تمام
کند و این نکته بسیار عزیز است ضبط باید کرد که از نامحرم مخفی
دارند و قاعده دیگر در نکاشتن الواح عددی اینست که در لوح وفق اسمای الحی القیوم نکاشته میشود و عدد این اسما در وفق
وسی و شش است مطابق عدد کن فیکون است و لوحش چنین است که در الفلام تعریفه وفق میشود و قاعده این دو کارا
که بعد از نماز تهجد بخوانند که باعث رزق و کشایش است و مرتبه قیام و حیات وجود با برکت بهم معبود و اگر بدین نوع بخوانند که یا حی
یا قیوم برحمتک استغیث فانی اتم اثر باشد و صورت لوح این اسمای اعظم بوعبکه از پیش کذشت اینست قاعده دیگر جمع
الف میان طالب و مطلوب در لوح عددی فرضا چنین است که میان دو
شخص الف مطلوب لوح از ان چنین باید نکاشت که باسم محمد و علی نوشته میشود
بجهت انکه وفق این لوح
عدد نجم نام جمیل باشد
یک عدد بر کم ان نظر بیبی
مرقوم شده و اگر در دو قاعده پیش مرقت عدد اسمین وفق لوح
و اگر احیانا کلمات را چنین منظور دارند که نجم نام جمیل در لوح
مربع در وام تمام است و قاعده دیگر در نکاشتن الواح عددی چنین است که اگر فرضا لوح سه در سه را رقم زنند عدد بیت
اول سه چند عدد دوم شش و عدد سیوم نه و هم چنین سه عدد سه عدد پیش بروند و لوح تمام کنند و اگر لوح چهار
در چهار رقم زنند عدد خانه اولش چهار بنویسند و عدد دوم هشت و عدد سیوم دوازده و هم چنین چهار چهار اضافه
کرده تمام کنند و لوح پنج در پنج عدد اولش پنج بنویسند و عدد دوم ده و عدد سیوم پانزده و هم پنج پنج اضافه کرده پیش
بروند و هم چنین از شش در شش تا نه در نه همین طریق ملاحظه کنند و این قاعده اینست متحصن و احیانا اگر عددی داشته باشد
معرد و خواهند که بعمل آورند اولا آنستکه ملاحظه کرده متجانس را متجانبه و یا غضنفر ایشا غضنفر و متوسط الحیز متوسط و منع
البغض متوسط العمل مذکور بلکه در هر عددی ملاحظه کنند که موافق با چه اسم و با چه کلمه است و ان اسم یا ان کلمه با فعل مطلوب مناسبت
داده باشد و بعد از این ملاحظه العمل مشغول شوند و غریب هر لوح را بعد اعمال کلمه که مناسب فعل مطلوب است بخوانند و در هر امری
از امور و بجهت نکاشتن الواح باید که اشته نامقیم اثر از قوه بفعل آید و کلمات که بجهت کل اسم هم عدد شی باید دید اینها است

٥٣

فتح عقد حل بغض غضب صبر مرض وقس على هذا باقی الفاظ تمامی مرکب الحروف

۴۸۸ ۱۷۴ ۳۸ ۱۸۰۲ ی ن ا ذ ا ۶۶ ۲۹۲ ۱۰۴ والعدد است اگرچه بعضی گفته اند که جمع عقد

حل باید خواند وجمع حل عدد عقد ده دقیق و بسط هیچ این و حضرت قدوة المحققین والکاملین سید جمال الحق والحقیقة

والطریقة والشریعة والدنیا والدین حسین اخلاطی قدس الله سره العزیز بحجت هریم و هر بمقصود باین تمامات تزایی یا حروف چند

از حروف طبایع مقرر شد که عدد آن را در مربع بکار برند در وقت مناسب وفایده آن را حاصل کنند و از آن جمله بعضی مرقوم می گردد

تا مبتدی را در یافتن آن آسان باشد فتوحات غنا عذاب خصم دولت محبت اعدا

سعت رزق فقر ما فتح الله علیکم هو الغنی الحمید عذاب الحریق الیک یصعد عذاب شدید

وانت خیر الرازقین ومن یکن رفیقها ۴ف وذ اج ذغ ۴ب

لب صص ۱۲ ۱۳ ۴ ۹۲ ۱۷۹۱

۱۹۶۶ ۱۷ ۷۶۷ ۱۲۲۵ ۱۱۴۳ د ب

موت رفع حزن قتل امراض فرح سلطنت عزت نعمت

ان الله یحیی الموتی اذهب عنا الحزن علیهم القتال وفی قلوبهم مرض حتی اذا فرحوا انه علیکم سلطان امراة العزیز نعم الرب

نث تظ عح کش ح٤ رد طق ۴ف

۹ ۱۴ ۷ ۱۶ ۱۱ ۱۰ ۱۲

۱۳۱۶ ۹۲۶ ۷۱۷ د ۱۴۶ ۷۰۷ ۳۷۲ ۴۹۶

ط ز و ب ۴ ج ۱

بدان ایدک الله که حروف مذکور در تحت آیات نوشته شده حروف کوکب و عدد تحت آن عدد صغیر همان حروف و عدد

تحت آن عدد آیه است وحروف تحت استنطاق عدد صغیر ایه و تقسیم حروف بر کواکب و تقسیم کلمات بر ملائکه از جمله قواعد

حضرت مشار الیه است زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر جبرئیل

میکائیل اسرافیل عزرائیل ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ و در اعمال کلمه قرار داد این نکواد این است که تفصیل نوشته خواهد شد ان شاء الله

نفع کلی ظفر قهر شرور اسرار بطون

ان شانئک هو الابتر وقال الشیطان لما قضی ادعوا الله ادعوا انا نازل الاکثر وما هو بمیت ومن باطن حروف ما

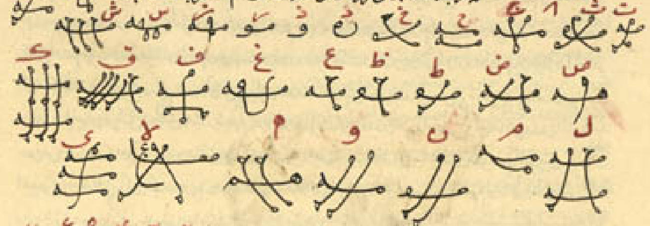
نعلم حیث یبدم امرنا الامر ان الله وعدکم ننقصها من اطرافها وبانه عذاب غلیظ منظور باشد اداره ی

بان الامر محیص وما الحق حطی کلمن ثخذ ضظغ سعفص قرشت ۲۲۱ این عدد بکار آید

ابجد هوز

بطون حروف حالا جهت بعضی از کیفیت اعداد و نگاشتن الواح عدد مرقوم شد شروع می رود در اقلام که

ا و ی ل م ن ف که هر یک را اسامی حقیقی قرار داده نوشته اند اول قلم نقطه را بر آن است



۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

دیگر قلم طبیعی و این قلم را به هوس حکیم است و مثال آن ابجد هوز است ا ے د ٣ ٦ ٢ ٦

۹ ۸
× ۴

دیگر قواعد عزیزه در بسط اسماء و کلمات و این قاعده ایست که حضرت شیخ محی الدین اعرابی و خواجه عین القضات همدانی و شیخ

محمود صنوبری ان عمل کرده اند و در رساله صدر الحروف و کنج الحروف و کلید الحروف ایشان شرح بسط و لازمست و منتخب

از آن و این نسخه مرقوم می شود و بالله التوفیق الله واو سین جیم لام قاف هاشین واو شین

جیم صاد نا طا میم تا الف نا با با ذال ها میم ذال تا کاف صاد ۴۹۳ ۳۶۶ ۳۰۵ ۱۴۳ ۶۶

بمقتضای تلک عشرة کاملة ده مرتبه بسط شد ۶۴۹ ۶۰۱ ۷۱۲ ۷۴۶ ۸۲۷ ۹۱۴

در هر مرتبه از این لوح عددی می باید نگاشت که اسم اعظم از این عدد ذکر کنند و این بطریقی مخرج است در جمیع اسماء

الهی و عزیزه الله طریق دیگر بر این نوع است الله اوی ن ای ن لف ی ن ی ن اف لف یم اف

لف یم ا لف ین اف لف ون ا ای ذ اف ای م اف ا م اف ی م اف اف ۶۶ ۶۷ ۶۱ ۱۷۰ ۱۴۱ ۲۴۱

۱۸۱ ۲۵۱ ۱۶۷ ۱۴۱ ۱۳۲ ۱۲۳ ۲ ۱۲ این بسط بود از ده مرتبه

مرتبه و در جمیع اسماء الهی چنین عمل باید کرد که در هر مرتبه از مراتب لوحی می باید نوشت و بهمان عدد قرائت می باید نمود و طریق

دیگر اینست الله بینات قصج بینات فلو بینات قکط بینات
قسق لف ام ام ا اف ادی م اف ام او اف اف ا
بینات قس ۱۹۳ بینات قسو ۱۳۶ بینات صج ۱۲۹ بینات ۱۶۳
افی ن م اف او لف اف اد او ادی م
۱۹۱ ۱۹۶ ۹۳ ۵۵ این طریق هفت مرتبه بسط بینات
اسم است و طریقی چند دیگر در بسط کواکب نموده میشود و جمیع اسماء و کلمات را باین قاعده میتوان کرد و در این بسط کالی
فنون مرعی شده و مثال مها باید نمود زحل بعد از آن طرح دوازده ۴۵
قاعده اول ده مرتبه بسط میشود هامیم واوصاد حاقاف صادقاف واوعین از جمله حروف است
قاعده ثانی ۹۶ ۱۰۹ ۱۹۰ ۲۷۶ ۳۴۴ و حروف آحاد مرتبه
خود و حروف اول باب اشاره دالکیم هافانا حافانا الفصادنا زاحا مرتبه بسط عشره قاعده
اول است بر این دستور ۴۱۵ ۴۱۸ ۴۹۱ ۶۰۷ ۶۰۹ که نموده میشود اینست
یا الف یا واوکاف لام الف یا واوکاف لام الف یا واوکاف لام الف یا واوکاف
۱۱ ۲۶ ۳۰ ۱۱ ۲۶ ۳۰ ۱۱ ۲۶ ۳۰ ۱۱ ۲۶ ۳۰
لام الف یا واوکاف لام الف یا واوکاف لام الف یا واوکاف لام ۱۱ ۱ این عدد
۱۱ ۲۶ ۳۰ ۱۱ ۲۶ ۳۰ ۱۱ ۲۶ ۳۰ ۱۱ عدد استنطاق یا نکه واستنطاق شود
جمع الاعداد اسما و مطابقه
قاعده اول قاعده ثانی غنی سلام حفیظ غفور جامع بصیر رقیب واحد ابی
۳۷۳۹ ۴۸۳ ۱۰۱۱ ۳۱ ۹۹۸ ۱۲۸۶ ۱۱۴ ۳۰۲ ۳۱۳ ۱۹
یکی اعداد است و مجموع کواکب را چنین عمل میباید نمود و قاعده دیگر اینست که کوکب مشتری میشود باین طریق دراین عمل اینجا
مشتری اسمای مطابقه ۱۰۷۳
۹۵ ونا اون اون ن ظا ۸۷ ۶۷ ۹ جمع الاعداد ۱۰۷۳ مؤمن رحیم عدل علی مجیب ولی رب
۲۹۸ ۲۵۸ ۱۰۴ ۱۱۰ ۵۵ ۴۶ ۲۰۲
و باین طریق مجموع کواکب را عمل میباید نمود و قاعده اینست که در کوکب مریخ عمل می شود باین طریق
مریخ ۲۲ باعتبار طرح دوازده است اسمای الهی مطابق باید کرد که قرائت کنند و در لوح بنگارند و قاعده دیگر در کوکب شمس
قاعده اول قاعده ثانی
مریخ باکاف دال فی ۲۲ باکاف کاف زایا تا الف تا یا ۱۱ شمس
۲۲ ۱۰۴ ۲۴ ۳۰ ۱۲ ۱۹ ۱۲۴ ۵ ۵ جمع الاعداد ۱۳۶۱
دالکیم حاکاف واوکاف طابا الفکاف بالام طابا قاعده دیگر مطابق این اعداد
۲۸ ۲۶ ۳۰ ۲۱ ۳۲ ۱۴ ۲۲ در کوکب شمس عدد شمس
جیم بلا اعتبار صفر ۳ چهارصد است و سه حرف دارد
۸ جمع الاعداد ۲۴۲ بلا اعتبار صفر جمع الاعداد ۱۶۷ در چهار مرتبه مطابق شده
چنانچه سه چهارصد باشد سه هزار و دو دویست دارد بینات حروف شمس سه حرف بلا تکرار حاصل است که این باشد ی م ن
و عدد این حروف یکصد است و عدد صفر همین حرف شانزده است باعتبار طرح دوازده و همین بلکه کلمات و شمس ۱۲

یک کلمه

یک کلمه چنانچه مجموع اعداد این باشد عدد همین سه مرتبه ۱۲ عدد همین ۱۰ عدد صغیر همین ۱۶ عدد کلمات ۲
جمع الاعداد ۱۳۱۸ مطابق است با قاعده اول اسمای مطابقات ۱۳۱۸
قاعده دیگر در کوکب زهره نموده میشود بدین طریق قدوس مؤمن باسط نور عالی باعث
۱۷۰ ۱۳۶ ۷۲ ۲۵۶ ۱۱۱ ۵۷۳
زهره
زا ها را کافرا باشین جیم سین جیم لام تا دالام طابا الفکاف بالام دال یا اف اف جمع الاعداد
۲۲ ۳۲ ۳۶۴ ۵۳۳ ۳۷ ۱۹ ۲۱ ۳۲ ۱۴ ۲۲ ۱۰ ۹۸۱ ۱۹۰۷
اسمای مطابقه اینست فتاح علیم واسع حق قیوم اجل باذل و قاعده دیگر در کوکب عطارد اینست
۴۸۹ ۱۵۰ ۱۳۲ ۱۰۸ ۱۵۶ ۴۴ ۷۳۳
عطارد ۲۸۴
دال فارا زا باشین الفلام واوکاف لام الفعین ذالام طایا جمع الاعداد اسمای مطابقه
۳۱۷ ۳۱ ۲۶ ۳۰ ۷۱ ۳۷ ۱۹ ۲۱ ۸۳۶
ملک حکیم حکم جلیل ماجد نصیر لطیف و قاعده دیگر در کوکب قمر باین طریق است نموده میشود
۹۰ ۷۸ ۶۸ ۷۳ ۴۸ ۳۵ ۱۲۹ قمر ۳۴۰
قاعده اول
قاعده دوم قمر اف یم اب ل ق م شن یم بن باقاف دالکاف حاکاف واوکاف لا
۳۴۰ ۸۱ ۵ ۲۱ ۳ ۱۰ ۱۱۰ ۲۴ ۲۸ ۲۶ ۳۰ ۲
اینست م شن جمع کلمات عدد صغیر قمر اینست الف یا جمع الاعداد اسمای الهی مطابق همین کرده باید خواند
حروفه یم بن ۹ ۴ ۴ ۵ ۵ ۲۶ ۶۱۸
م ش ب ل ق م ۶ پنج جمع الاعداد کبیر رزاق و عابد کرده مجموع این قواعد در اثنای قرائت این اسما الله
هو احد صاحد ۶۱۸ اسمای مطابقه خواندن اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
عدده ۶۱۸ اسئلک باسمائک الکبیر تعالی یا مرید یا هو یا من هو هو یا لا اله الا هو یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
برحمتک استغیث و در اثنای ذکر هر صبح و شام این کلمات را شانزده نوبت باید خواند و کلمات اینست العظمة لله
القدرة لله الملک لله الواحد القهار یا هو یا من هو هو یا لا اله الا هو قواعد در تکسیرات اسمای الهی اول طریق
تکسیر طولی که سطور تمام بر قرار باشد و این اصول ذخ و در سه اسم نموده میشود و بهمین قاعده تکسیر اسمای دو حرفی و سه حرفی
و چهار حرفی و پنج حرفی و زیاده میباید کرد که تمام اسم تکرار شود فافهم ب اس ط ب اس ط ب اس ط
ق وی ق وی ق وی
ی ق ق و ی ق اس طب اس طب ب اس ط ب اس ط ب اس ط
ی ق ق و ی ق س طب ا س طب ا طب اس طب اس س طب ا
طب اس طب اس س طب ا اس طب س طب ا طب اس اس طب
ب س ب س س طب ا س طب ا اس طب اس طب طب اس
ب ب
این مثبت و تکرار اسم صغیر یک دور تمام چهار حرفی و در تمام اصلا تخلف ندارد اصل بینات بلا تکرار حروف بسط لا تکرار ا ب س ط ا ل ف ی ن
دیگر در اسم باسط مع بینات عدد حروف باسط ۷۲ جمع بینات العدد ب ۸۱
در لوح نزد و ربه تکسیر باید کرد که ضبط خاطر او در عالم احیاء او بر هیبت از هیبته مربع در منزل هم اسم باسط بنویسند و عمل
طبیعی یا ان دعم نزنند و بقرائت اسم مذکور مشغول شوند فاعله اش
اتم و اعلا است و در لوح سر عجیب مسطور است دیگر قواعد تکسیر اسمای
نوع کتابت جامع در اسماء دو حرفی و سه حرفی و چهار حرفی مجموع
اسما دو حرفی چهار کلمات و هفت حرف که دوازده باشد مجموع اسما

دو حرفی چهار کلمات و هشت حرف که معادله باشد و مجموع اسمای سه حرفی سیصد و هشت کلمه است و هشتاد یک حرف که
صد و هشت باشد مطابق اسم حق و از جمله کلمات سه حرفی انچه جامع سه حرفست شش اسم است و باقی سیصد و باب کلمه دیگر
تابع اوست و از جمله کلمات چهار حرفی و اسمای چهار حرفی صد و بیست و پنجاه و شش کلمه صورت وقوع دارد و بعد سوره و بیست و چهار
اسم چهار حرفی در او پیداست و تمام ایام مطابق تابع ان شارة لوح الله تبی عیکه نموده مشهود در اینجا و بدین دستور است

و تمت کلمه باب صدق و عدلا لا مبدل لکلماته و هو السمیع العلیم صدق الله العلی العظیم در قواعد کتاب جفر جامع

جفر جامع

جفر جامع که بدانی مخزن اسما بود قفل این گنجینه حکمت هیست ما بود طول و عرض این جدول را بر آن در بابد و بجموع قسم کن انتخاب
کانه در مثال شجاعا از این پیدا بود ااا ااا ب ااا ج عرض ان طول او ااا ا ج ا آ د ا اهوا بود شهر ثانی
ما الف ما ب بتر د عرض طول عرض اااب اب طول اب ب ا اب ج ابود شهر ثالث ما الف ما جیم و رابع را ما ل
خامس با م و سادس و او سابع زا بود چون الف با عین چو شدی شهر کا فتح پس بدین اکتبه کاظم ثالث ما بود
قاعده انکه کاتب کتاب جفر جامع کند ابند عا را انجا بخواند که باعث قاید های کلمات و دعا اینست اللهم افتح
قلبی [illegible] و الفلاق کلام احمعین یا الرحمن کان قادرا عالما [illegible] الا انت قریب مجیب
اقرب من قریب یا قریب یا مجیب یا سریع بفضلک الواسع و برحمتک یا ارحم الراحمین یا ذا الفضل و الاحسان قاعده دیگر دو
تکسیر ضرب و حاصل الضرب و این قاعده دو اسم نموده میشود یکی الحی و یکی القیوم و در این قاعده در حاصل الضرب انچه کسر
بجا اورد و عدد ما موزیح اسمی اینست که اسمی را ملفوظ بنویسند بدین طریق الف لام حا یا الف لام قاف
یا واو میم و بعد از ان هر کدام را تکرار حذف نموده حروف خالی باید کرد پس انچه از الحی بلا تکرار ال ف م ح ی ع
القیوم بلا تکرار ال ف م ق ی و اکنون این دو اسم را یکدیگر ضرب میشود که استخراج حروف حاصل الضرب بشود بدین

نوع	ال ف م ح ی	در این حاصل الضرب انچه کرر ما فوق الوف و مات و عشرات واقع شده منظور بیست و هفتاد و دو
ا ا	ل ف م ح ی	بیست قسم است مثلا الف در الف حاصل الف و لام در لام منصد که ظا باشد بلا تکرار فا
ل ل	ظ ت د م ش	در لام سه هزار حاصل است که اعتبار کرده و هزار دیگر طرح نموده از الف و دو هزار و شش
ف ف	ت ث د م ض	هزار و چهار صد است شش هزار را طرح که و چهار صد که کی کرات نوشته الله فض
م م	ر د ح ک ت	
ق ق	غ غ غ ض غ	هذا معز بمان این ضرب و قمت کرت حروف اوست که حاصل شود تا ان اسما استخراج
ی ی	ش ض ت ف ق	کند و بخوانند با مفاتیح اسما اخر نکر کنند با هم این دو اسم بعید مجموع بخوانند تمام است
و و	ف ف م ح س	اثر اجابت دارد قاعده دیگر و تکسیر خاتم حروف با خاتم اسم ذیضا اسم شخص تکسیر کرده تی

با کلمه و غرض از این تکسیر حرف خاتم است که در تکسیر ظاهر شود مثلا امور ایج باسم معین الدین محمد نموده میشود م ع ی ن
ال دی ن م ح م د حروف بلا تکرار ان م ع ی ن ال د ح هشت حرف دو حرف دیگر از تمیمات این هشت حرف تمیم کرده
کرده در تیخ و صحیح بیست چنانچه مجموع ده حرف بلا تکرار باشد اکنون از این حروف حرف خاتم منظور است و تکسیر شد بدین نوع

م ع ی ن ا ل د ح و ف	ف ا ح ن ع	ع ح ن ا	ا ح	در این قاعده چنانکه رسم اول که تمام شد
ف م ح ع ح ی د ن ل ا	ع ف ن ا ح	ا ع ن ح	ا ع	حرف مقصود حی الزمان باید کرد که
ا ف ل م ن د ع ی ح	ح ع ا ف ن	ح ا ن ع	اح	کر زمانی بیان شد و تکسیر کنند و چون تمام شد
ح ا ی ف ع ل د م و ن	ن ح ف ع ا	ع ح ن ا	ح	شود مقصود بین الزمان باید بر جا شند و ثانی
ن ح و ا م ی و ف ل ع	ا ن ع ح ف			سازند و تکسیر کنند تا وقتیکه تکسیر باین حروف رسید ان حرف مشهور خاتم
ع ن ل ح ف د ا ی م				
م ع ی ن ا ل د ح و ف	ف ا ح ن ع			از تکسیرات و ان مفتاح اسمای الهی باید ساخت که عزیمت سازند و

خاتم

بود حاجت ان حرف خاتم را اسم دعوت کرده مقصود حاصل شود با مرالله و قدرته و این نوع اعمال ان نوادر این علم است و الله اعلم

فصل یازدهم

در ذکر دعوت و زناه ارتعیه و قواعد ارتعیه و طلسمات کواکب

بروح و بحیره الف بعون الله الملک المالک بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ارشدک الله که در کتب که حضرت سلیمان را علی نبینا و آله و علیه السلام سیصد و شصت و ... سیصد و شصت بود
ان معما ن و ... که و زناه ادمیان آصف برخیا است که مشهور است و تکسیر کند زناه جفر چهار گانه که اسامی ایشان

بزبان ان ایام است که بعد از ان اسامی عظامیست مذکور خواهد شد و اسامی عظام اینست ۱ طرباط ۲ شوغال
۳ هذلیاج ۴ سعیق و اسامی وزراء اربعه اینست که مجموع اسامی حروف هر یک نه حرفست بعدد بیوت لوح سه در سه
چنانچه هر یک را صفت حرف اصل اسم است و دو حرف تعریف اسم که ان دو حرف عبارت از وش است که در اخر اسامی واقع
اول هشمشلهکوش ۲ کنکشلیعوش ۳ بحتهشلطوش ۴ سططلطکلکوش بس چون اراده دعوت این وزرا
و عظام کند ابتدا از روز یکشنبه باید کرد و هفت روز روزه باید داشت و با تقوی باید بود و حیوانی نباید خورد و معتکف
خلوت باید بود و در مقامی دور از اصوات خلق و لباس و مکان و سجاده پاک و معطر میباید که باشد و پاره کاغذ مربع بدست
مربعی در ان باید کشید و روز یکشنبه در یکضلع از مربع اسم وزیر اول و اسم عظیم اول و اسم ملک افتاب باید نوشت و عزیمت
که بعد از این نوشته میشود بیست و یک نوبت باید خواند و بخور افتاب باید سوخت در ساعت افتاب که ساعت اول روز یکشنبه است و در
شب دوشنبه در تحت نجوم نوشته نجم باید کرد و بخور نیکو باید سوخت و در اثنای نجم سوره کریمه ص و سوره مبارکه الذی
بیده الملک باید خواند و باز چون بعد شمس بنوبت رسد در ساعت اول ماه ان اسم وزیر دوم و عظیم دوم و ملک مریخ
در یکضلع دیگر همان مربع باید نوشت و بخور مریخ باید سوخت و همان عزیمت بیست و یک نوبت باید خواند و در شب چهارشنبه نجم
باید کرد و همان سورها که مذکور شد باید خواند و در روز چهارشنبه در ساعت اول در یکضلع دیگر همان مربع اسم وزیر سیم و عظیم
سیم و ملک عطارد باید نوشت و بخور عطارد باید سوخت و عزیمت بیست و یک نوبت باید خواند و در شب پنجشنبه نجم باید کرد
همان نوع که در شب اول و دوم گفته شد و در ایام و لیالی بخور میباید که سوزند و در روز سه شنبه در اول روز یکضلع دیگر همان
مربع اسم وزیر چهارم و عظیم چهارم و ملک زحل باید نوشت و بخور زحل باید سوخت و عزیمت بیست و یک نوبت باید خواند و در
شب یکشنبه نجم باید کرد بهمان نوع سه شب و بعد از ان در لوح از طلا یا حدید یا سرب یا هفت جوش هر کدام که میسر شود طلوع
علی الشمس باید کرد و نقاش باید که صایم باشد و با تقوی و لباس پاک داشته باشد و اگر میسر شود که نقاشی لوح را هم چنین در کتابت
مربع که گفته شد در چهار وقت معین بنویسد و بکشد اولی است و بعد از ان لوح را معطر در لفافه پاک پیچیده با خود باید داشت و هر گاه
که مهمی پیش اید چند بار اسماء مذکور را عزیمت کنند تا حاجت کفایت شود و صورت مربع لوح هرم و بدین نوع است که مرقوم شده

و عزیمت که باید خواند اینست بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم یا قوی و لا قوی غیرک
یا الله یا الله یا الله یا خالق اللیل و النهار
و مرسل الریاح و السحاب بر یکلا ربک
و محصی الرکاب القادر علی الاشیاء و یا
لا یخفی علیه شیء من الاشیاء و لا یخاف
عقابا و لا یحتاج الی القادر بقدرته
الرحیم برحمته عزمت علیکم یا ایها الارواح

باسم الرحمن الرحیم رب الروح الامین جبرائیل و الملک الرفیع میکائیل و الموکل بالنفخ اسرافیل و الملک المعظم المرهوب الذی ... عزرائیل
القابض ... العرش اجمعین باحضار الاعوان و الوزراء الکرام علی ما امرتم ان تقضوا حاجتی ... فی مرضاة الله
سلیمان بن داود علیهما السلام ... قال عفریت من الجن انا آتیک به قبل ان تقوم من مقامک و انی علیه لقوی امین انه من
سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین ... اللهم انی اسئلک ان تسخر لی الوزراء الکرام و العظام
الاربع ... بهشمشلهکوش کنکشلیعوش بحتهشلطوش سططلطکلکوش ... اجیبوا یا وزراء الکرام و العظام

یا طرباط

یا طرباط و یا شوغال و یا هذلیاج و یا سعیق بحق هذه الاسماء العظام اللهم رب ... یا عوج
داعوج فیعوج ... الساعة و در ... باید نوشت اللهم بحق هذه الاسماء ان تقضی حاجتی کذا و کذا
بحق هذه الملائکة و الاعوان و تسخر لی ... خواهند ذکر باید کرد اما تکیه توافق ...
ایشان کنند بعضی اما را باید ... معتبر و معتبرات و ان چنانست که هر فصلی از فصول اربعه را روحانی هست که چون در هر فصل
ان روحانیات را دعوت کنند مقصود حاصل ... باصطلاح بعضی ... اما تحقیق ... است
ان منقسم است بچهار فصل ایام سال ... است که ابتدای فصل ربیع است ...
دعوت نامیست و چهارم ... تمام باشد در فصل ربیع ... متعلقست ... این روحانیات
که در فصل ربیع کنند روزهای دوشنبه باید خواند و اگر در فصلهای صیف باشد روزهای یکشنبه باید خواند و اگر در فصل خریف
روزهای پنجشنبه باید خواند و اگر در فصل شتا باشد روزهای سه شنبه باید خواند ... در هر چهار فصل ...
هر فصل عزیمت ان فصل ... باید خواند ... هر فصلی از فصول اربعه بجهتی از جهات اربعه
تعلق دارد چنانچه فصل ربیع متعلق بقبله است و روحانیت ان جهت را عزیمت باید کرد و فصل صیف متعلق بشرق و روحانیات ان
جهت را باید خواند و فصل خریف متعلق بجنوب و روحانیت ان جهت را باید خواند و فصل شتا متعلق بغرب و روحانیات ان جهت
را باید خواند و هر روحانی را اعوان هستند و اسامی روحانیات و اعوان هر فصل از فصول اربعه این است

فصل شتا		فصل خریف		فصل صیف		فصل ربیع	
جهت غربی		جهت جنوبی		جهت شرقی		جهت قبلی	
اعوانش	روحانیش	اعوانش	روحانیش	اعوانش	روحانیش	اعوانش	روحانیش
جبرقیل، فنحائیل، ستوتیائیل	دردائیل	عرقیائیل، سرافیل	قیائیل جبائیل، جوکیائیل	رمیائیل، سعیائیل	دردهیائیل جبرائیل	دزعونیل طلائیل، الفعل الفلاح	اهنائیل

پس چون در فصل ربیع هر چه واقع شود روحانیت ان فصل که متعلق بجهت قبله است با اعوانش را قسم باید داد و عزیمت باید کرد
و در فصول دیگر بنوع دیگر تفصیل ان نوشته شد و عزیمت فصل اینست عزیمت فصل ربیع بسم الله الرحمن الرحیم اقسم علیک یا
اهنائیل و علی اعوانک دزعونیل و طلائیل و ... و علی الریاح ... و علی الشمس و القمر ...
و ... ان تکونوا اعوانی فی قضاء حوائجی باسماء الله الکرام العظام بسم الله بسم الله
رب الاخرة و الاولی لا غایة له ... ما فی السموات و ما فی الارض و ما بینهما و ما تحت الثری فانه یعلم السر و اخفی الله لا
اله الا هو له الاسماء الحسنی الله عظیم الآلاء دائم النعماء قاهر الاعداء رحیم ... قادر ... و علیم ... و عالم یوم الحشر
و النشور لا اله الا هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون
هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم اسئلک یا الله ... فی مقامی
هذا ... ان تقضی حاجتی کذا و کذا ... و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اسئلک
یا رب باسمک ... یا حی یا قیوم ... یا الله ... لا اله الا انت یا رب ... اسئلک
باسمک العظیم الذی ... علی جمیع ... اسئلک ان تسخر لی جمیع الروحانیات صاحب هذا الیوم و صاحب هذه اللیلة و صاحب
هذه الساعة ... و صفاتک ... علیک اقسم علیکم یا
معاشر الملوک الروحانیات ان تقضوا حاجتی بحق من له العزة و الجبروت ... الحی القیوم الباقی الدائم الذی لا یموت الذی لیس کمثله شیء
و هو السمیع العلیم الذی ... لا ... من الکتاب ... اسئلک یا الله
یا الله انت الذی لا اله الا انت ... اسئلک ان تقضی حاجتی و تسخر لی روحانیة الموکل علی هذا الیوم و هذه اللیلة

الساعة وهذه الفصل الربيعة انه على كل شيء قدير وبالاجابة جدير عجلوا واسرعوا والعجل بالبيغ عزيمت فصل صيف اقسم عليك ٥٧
يا كتيائيل وعلى اعوانك دوخيائيل وجرديائيل وسمعائيل وعلى الارياح كنج ومعصوص ودرجون وستهيون ومرعون
وعادون وعلى الشمس والقمر يا حل ديا جون وعجرميس وبرخلاس وسلسوت وبهوان وملهان ونكثا وروح بسم الله ربنا
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اسئلكم ان تكونوا اعواني في كل حوائجي بالله العلي العظيم اللهم اني اسئلك يا رب يا بانه حي لا يموت
وغالب لا يغلب وخالق لا يخلق وبصير لا يرتاب وسميع لا يشك وقاهر لا يقهر وباقي لا ينفد وقريب لا يبعد وشاهد لا يغيب
واله لا يضاد وقهار لا يظلم وصمد لا يطعم وقيوم لا ينام ومحتجب لا يرى وجبار لا يضام وعظيم لا يرام وعالم لا يعلم وقوي لا يضعف
ودائم لا يختلف وعدل لا يحيف وغني لا يفتقر وحكم لا يجور ومنيع لا يقهر ومعروف لا ينكر ووكيل لا يحقر ووتر لا يشفع وفرد لا تثنى
ووهاب لا يرد وسريع لا ينحل وجواد لا يبخل وعزيز لا يذل وعالم لا يجهل وحافظ لا يغفل ودائم لا يفنى ومعروف لا ينقص ومحتجب لا
ينام وباقي لا يبلى وواحد لا يشتبه ومقتدر لا ينازع لا اله الا انت يا رب العالمين عزيمتك ان تقضي حاجتي وتسخر لي جميع الروحانية
صاحب هذا اليوم وصاحب هذا الليل وصاحب هذه الساعة والناقة الصيفية وصاحب الناحية الشرقية بحق ... وحق الكريمات
ذلك عليك ... اقسمت عليكم يا معاشر الروحانية بالله العظيم وباسمه المكنون المخزون ان تقضوا حاجتي وتكونوا اعواني في كل حوائجي
بحق صاحب البينة العليا اجيبوا واطيعوا واسرعوا بالعجل واسرع والعجل يا مذهب **عزيمت فصل خريف** بسم الله الرحمن الرحيم اقسم عليك
يا اسرافيل وعلى اعوانك قبائيل ودرجائيل وحركائيل وعلى الارياح عنبد وبعقون ومنصور وكاهون وعلى الشمس والقمر
سمائيل وعيلل ومصوتيم ومصلاح والبوخ ودمبال وساوميد وروح اسئلكم ان تنزلوا ... بسم الله
العظيم الاعظم اسئلك بنور النور وبنور الانوار وعالم الاسرار انت الله الملك القهار لا اله الا انت ولا معبود سواك يا الله بحق
هذه الاسماء العظام الله الله الله الحي القيوم الله الله الله الفرد الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الله الله الله العلي العظيم
الله الله الله الحليم الكريم اسئلك بالعرش واستواك على عرشك ان تقضي حاجتي وتسخر لي صاحب هذا اليوم وصاحب هذا الليل وصاحب
هذه الساعة والناقة الخريفية وصاحب الناحية الجنوبية ... انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير يا الله يا الله يا الله
انت الله الذي لا اله الا انت امنت بك وتوكلت عليك انت الله الذي ... على جميع خلقك يا نور النور يا الله يا الله يا الله
القاهر الرفيع فوق عرشك فلا يصف عظمتك احد من خلقك يا نور النور ... واهل رضيك يا الله يا الله
تعاليت ... بكون الاشياء وتعظمت ان يكون لك ضد ... يا نور السموات والارض يا نور النور ... كل ... حامد ... عليك
كل مليك ... يا الله انت الباقي الدائم الذي لا يزول ... يا الله يا الله انت الرحمن الرحيم ...
... سعادة ... التي ... يا الله يا رحمن يا رحيم ... اسئلكم ان
تقضوا حاجتي وتسخر لي جميع الروحانية صاحب هذا اليوم وصاحب هذا الليل وصاحب هذه الساعة والناقة الخريفية وصاحب الناحية
الجنوبية ... العظام اقسمت عليكم يا معاشر الروحانية بالله العلي العظيم الكريم ان تقضوا حاجتي وتكونوا اعواني في كل حوائجي بعزة
رب العالمين اسرعوا واجيبوا واطيعوا واسرعوا بالعجل واسرع والعجل واجب يا ... **عزيمت فصل شتا** بسم الله
الرحمن الرحيم اقسم عليك يا ... وعلى اعوانك ... وعلى الارياح ... وعاد ...
... وعلى الشمس والقمر ...
... اسئلكم ان تقضوا حاجتي وتكونوا اعواني في كل حوائجي ... اللهم اني اسئلك
... يا عالم الاسرار انت الله الملك العزيز الجبار ... الغفار ... لا اله
الا انت اسئلك يا الله يا رب يا رحمن يا رحيم يا ملك يا محيط يا عليم يا قدير يا حكيم يا تواب يا بصير يا واسع يا بديع يا سميع يا
يا كافي يا رؤوف يا شاكر يا اله يا واحد يا غفور يا حليم يا قابض يا باسط يا حي يا قيوم يا علي يا عظيم ... يا غني يا حميد يا وهاب يا

قائم يا سريع

يا قائم يا سريع يا رقيب يا حسيب يا شهيد يا عفو يا مغيث يا وكيل يا فاطر يا قاهر يا لطيف يا قادر يا خبير يا محيي يا مميت
يا نعم المولى ونعم النصير يا حفيظ يا قريب يا مجيب يا قوي يا مجيد يا ودود يا فعال لما يريد يا كبير يا متعال يا منان يا خلاق
يا صادق يا وارث يا باعث يا كريم يا حق يا مبين يا نور يا هادي يا فتاح يا شكور يا غافر يا قابل التوب يا ذا الطول
يا رزاق يا ذا القوة المتين يا بر يا لطيف يا مقتدر يا باقي يا ذا الجلال والاكرام يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا قدوس يا
سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا باري يا مصور يا مميت يا معيد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد يا الله يا الله يا الله يا لا اله الا انت اسئلك يا رب بحق هذه الاسماء عندك وبعزتها لديك
ان تقضي حاجتي وتسخر لي جميع الروحانية صاحب هذا اليوم وهذا الليل وهذه الساعة والناقة الشتائية وصاحب الناحية
الغربية بعظمة ذلك وعزة صفاتك انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير اقسمت عليكم يا معاشر الروحانية ... والله العظام
الكرام ان تقضوا حاجتي وتكونوا اعواني في قضاء حوائجي بقدرة الله وقدرته اجيبوا واطيعوا واسرعوا السريع والعجل
واجب ... الحجاب الاعظم ... قال للسموات والارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين
چون ذکر ... تمام رسید شروع می شود در شرح طلسم ... که بکواکب سبعه ...
... طلسم ... است ...
در روز یکشنبه ساعت اول ... طلسم ... نوشته ...
شب ...
نوشته ...
ساعت اول روز یکشنبه ... صاحب ... است ... طلسم ...
... از ... روز پنجشنبه ساعت اول ... طلسم ... زعفران ... گلاب ...
... نوشته ...
... زعفران ...
... نوشته ...
... صاحب ... طلسم ...
... طلسم ... نوشته ...
... طلسم ... آفتاب ...
... آفتاب ... اسم یا الله ... الرفیع ...
... نوشته ... اسم یا الله الا ... الرفیع ...
نوشته ... آفتاب ... انت الذی ... الظلمات ...
... اسم ... نوشته ...
در جای ... آفتاب ... طلسم ...
... زعفران ... ساعت اول ...
... طلسم ...
معشوق ... طلسم ... زعفران ... نوشته ...

والباقوته

باقوفه

٥٨

وبیکه خطیب خطبه خواند ... نویسند و در زبان صنعت است دیگر طلسم عطارد ... با بابکا فوه نوشته
با ابنکه کافوی ... بنویسند و قفل ... در زمین ... دفن کنند باسم کسیکه خواهند ... بگیرد
در ساعت اول روز چهارشنبه ... عقد اللسان طلسم عطارد ... نوشته خصم ... کرد زبان شخص
که منظور است بسته گردد و اگر ... ساعت اول روز چهارشنبه ... با ابنکه کافور نوشته
کوزه ... اگر ... بنام آن شخص دفن کند ... دیگر طلسم
... نوشته ... زعفران و گلاب ... الطاف
عوام الناس ... و الله اعلم طلسم زحل

طلسم مشتری طلسم آفتاب

[illegible]

طلسم قمر

طلسم عطارد

[illegible]

مریخ

زحل

حروفه	ملکه	جانه	عونه	یومه	لیله
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	یوم السبت	لیلة الاحد
بخوره	لونه	طلسم	بیته	بیته	

مشتری

حروفه	ملکه	جانه	عونه	یومه	لیله
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	یوم الخمیس	لیلة الاثنین
بخوره	لونه	طلسم	بیته	طلسم القوس	بیته الحوت
عود	[illegible]		[illegible]		

مریخ

حروفه	ملکه	جانه	عونه	یومه	لیله
[illegible]	[illegible]	احمر	[illegible]	یوم الثلثا	لیلة الاربعا
بخوره	لونه	طلسم	بیته	طلسم الحمل	بیته العقرب

شمس

حروفه	ملکه	جانه	عونه	یومه	لیله
[illegible]	روقیایل	مذهب	ارطایل	یوم الاحد	لیلة الخمیس
بخوره	لونه	طلسم	بیته	طلسم	بیته
زعفران	اصفر		اسد		اسد

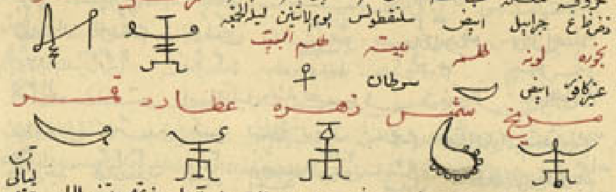
زهره

حروفه	ملکه	جانه	عونه	یومه	لیله
[illegible]	عنیایل	زوبعه	[illegible]	یوم الجمعه	[illegible]
بخوره	لونه	طلسم	بیته	طلسم الثور	بیته

عطارد

حروفه	ملکه	جانه	عونه	یومه	لیله
[illegible]	میکایل	برقان	[illegible]	یوم الاربعا	لیلة [illegible]
بخوره	لونه	طلسم	بیته	طلسم الجوزا	بیته السنبله

قمر خطوط طلسم کواکب سبعه ... بیت



چون ذکر طلسمات کواکب و بروج باتمام رسید شروع میرود در مطابق اسمای الهی با حروف تهجی و تفصیل ایام سبعه و
که بعضی از استادان خصوصا حضرت شیخ محیی الدین اعرابی ... قدس الله ... دایم
در این ایام ... اشتغال داشته اند ... بجای آورند تا
تجربه ... و بالله التوفیق و مطابق اسمای الهی با حروف

الف ب جیم دال هی واو زی حی طی یی کاف لام میم نون سین عین فی صاد قاف ری شین تی ثی خی ذال ضاد ظی غین

تفصیل ایام سبعه

یوم السبت: ذات، صفات

یوم الاحد	یوم الاثنین	یوم الثلثا
اسماء	افعال	آثار
مبین	مقدم	متین نافع

یوم الاربعا	یوم الخمیس	یوم الجمعه	یوم السبت
جسم ۱۰۳	روح ۲۱۴ / نفس ۱۹۰	قلب ۱۳۲ / کلام ۹۱	فهم ۱۲۶
الباسط ۱۰۳	سبحان المجید ۲۱۴ / قدوس ۱۹۰	ملک ۹۱ / هو الملک ۱۳۲	ملک ال ۱۲۶

یوم الاحد	یوم الاثنین	یوم الثلثا
عیسی ۱۶۰ علیم	موسی ۱۱۱ قوی	یعقوب ۱۷۲ حق حبیب

یوم الاربعا	یوم الخمیس	یوم الجمعه
صالح لطیف	اسحاق ۱۷۰ فتاح	محمد ۹۲ امان

یوم السبت	یوم الاحد	یوم الاثنین
شتر ۲۶۰ ملک ... ۲۶۰	جسم ۳۴۳ باری مکمل ۳۴۳	دست ۴۶۴ مجیب تواب ۴۶۴ / پای ۱۳ احد ۱۳
		پوست ۴۶۸ رافع معز ۴۶۸ / گوشت ۷۲۶ ... ۷۲۶

قمر

۵۹

یوم الثلثا یوم الاربعا یوم الخمیس

بهک	جون	شکم	بت	بهلو	دهان
۲۲۰	۶۶۶	۳۶	۷۰۲	۴۳	۶۰
وهاب جبار	متین قیوم	یا ملک	متین بر	هادی ابو الهو	والی احد
۲۰۲۰	۶۶۶	۳۶	۷۰۲	۴۳	۶۰

یوم الجمعه اسامی لیل و نهار بعربی و فارسی دیگر بعضی از اسما

زبان	کوش	شب	لیل	روز	یوم	نحیفا کی کواکب متعلق است	
۶۰	۳۲۶	۳۲	۷۰	۲۱۳	۶۶		
ولی واحد	قهار ودود	بصیر	احد	باری	مبدی	شاعشعان کوکب علیحده باید خواند	
۶۰	۳۲۶	۳۲	۷۰	۱۱۳	۶۶	سدبرن تقبل کرم قوم خواهد کرد	

زحل مشتری مریخ شمس زهره

یا تحیثا و یا تحیثا یا تبا و یا تحویثا یا بحخو یا منحونا یا سطغیا یا قطغیا یا سطیا یا سطیا

عطارد قمر روز شنبه روز یکشنبه روز دوشنبه

یا موطیثا یا موسطیثا یا دهیثا یا دهویثا یا هیاش یا هادش یا طیماش

روز سه شنبه روز چهارشنبه روز پنجشنبه روز جمعه و بعد از این اسماء در هر صباح و هر

یا صعوش یا معدوش یا قیش یا طهش تمام اسم یا با رفلا اسم کفوم یا بشر

ولا امکان او صفر سهصد و چهل بار باید خواند و بعد از آن ده نوبت یا غیاث من لا غیاث له و یا ابد شدای و یا ازلی شی شد

یا واحد یا احد یا صمد باید خواند هر روز بیست و چهار نوبت بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله القادر القاهر الکافی ما بین

ده روز و چهارده نوبت خطبه ادم باید خواند و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی الکبریاء ردائی والعظمة ازاری

والخلق کلهم عبیدی و امائی و محمد حبیبی و رسولی و نجی من حبیب الانبیاء لیس بدوا ما علی وحدانیتی استحقوا یا ملائکتی و سکان

سمواتی الی قدرتی و حجتی حوا لآدم خلیقتی ببدیع فطرتی و صنع قدرتی علی صدق و تسبیح و تقدیسی و تمجیدی و من آیه الکرسی

بشهادة ان لا اله الا انت و یا ادم و یا حوا ادخلا جنتی و کلا من ثمراتی و لا تقربا هذه الشجرة و سلام علیکما و در عقب رکعتی تحیة

وا آنرا این صلوات باید خواند هر صبح و شام اللهم صل علیه و آله بعدد مرحمة الله اللهم صل علیه و آله بعدد فضل الله

اللهم صل علیه و آله بعدد خلق الله اللهم صل علیه و آله بعدد قطرات الامطار اللهم صل علیه و آله بعدد ارمال القفار

اللهم صل علیه و آله بعدد الحبوب و الثمار اللهم صل علیه و آله بعدد الليل و النهار اللهم صل علیه و آله بعدد من صلی علیه

اللهم صل علیه بعدد من لم یصل علیه اللهم صل علیه و آله بعدد انفاس الخلائق اللهم صل علیه و آله بعدد کل شی فی الدنیا

والاخرة صلوات الله و ملائکته و انبیائه و رسله و حملة عرشه و جمیع خلقه علی سیدنا و نبینا محمد سید المرسلین و خاتم النبیین

و شفیع المؤمنین و اهل بیته الطاهرین من اهل السموات و الارضین برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر اسماء و اذکار مطابق با کلمات و

و صفات که متعلق بایام و شهور است بمطابقه بطریق اینست یوم السبت ذات یا خالق یا کافی یا مصرف

یوم الاحد یوم الاثنین یوم الثلثا

ص	ف	ا ت	ا	س	م	ا	ف	ع	ا ط
یا معطی یا ملک	یا کافی یا مقتدر	یا کافی	یا احد	یا مالک	یا کافی	یا ملک	یا کافی یا مکمل	یا قادر	یا الله

یوم الاربعا یوم الخمیس یوم الجمعه

ج	س	م	ن	ف	س	د	و	ح
یا حامد	یا احسان	یا ملک	یا مقتدر یا مجیب	یا ملک	یا احد	یا رفیع	یا جود	یا حی

محرم صفر ربیع الاول ربیع الاخر جمادی الاول

۸ ۲ ۸	۱۳۱۸	۲ ۵ ۰	۱۱۱۳	۱۲ ۳
یا واحد یا احد یا نور	یا باقی یا مجیب یا بصیر	یا معصوم یا وهاب	یا مغنی یا واجد	یا ولی یا طیب

جمادی الاخر رجب شعبان رمضان شوال ذی قعده

۹	۲ ۵ ۰	۴۲۳	۱۰ ۹ ۱	۳ ۳ ۲	۴۸۹
یا جبیر یا حکیم	یا جامع یا مالک	یا تواب یا وهاب	یا نصار یا منعم	یا جبار یا سلام	یا فتاح یا رحیم یا رفیع

ذی حجه آتش باد آب خاک

یا کافی یا منتقم یا کافی یا مصرف یا باطش یا ابواب یا کافی یا دافع یا کافی یا وهاب یا مستقی یا لطیف یا ابیب

فاوید اینها در ایامی که باین اذکار مشغول اند اینست که هر جا باید خواند اول در شنبه در اول صبح سوره والتین هفتاد

تا اخر یازده نوبت باید خواند و در شب پانزده نوبت اسم یا اله الا انت الرفیع جلاله و بعد از آن یکهزار اسم یا جبار و صفتی

ما باید خواند و شش نوبت یا خفی الالطاف نجنی مما اخاف و سه نوبت الحمد لله الکتاب لا ریب فیه لا ینفعون و بیست و چهار نوبت

لا اله الا الله محمد رسول الله و اولی الشکر سوره شش نوبت کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله باید خواند و هفتاد و یک نوبت

اسم یا اصل در شب شنبه سوره الحمد و کهف تا اخر نه بار باید خواند و هم پنجاه نوبت اسم یا الله الحق فی کل افعاله و ده نوبت یا ولی العافیه

و یکصد و شش بار یا مالک یا صاحب باید خواند و در روز یکشنبه سیزده نوبت سوره اذا بات باید خواند و بیست و هفت نوبت اسم یا حی

قیوم فلا یفوت شی علمه و لا یؤده باید خواند و چهارده نوبت یا بدیع السموات و الارض باید خواند و سه نوبت الله لا اله الا

هو الحی القیوم الی العظیم باید خواند و شش نوبت یا حی یا قیوم و یکصد و بیست نوبت اسم یا احسان باید خواند و در شب یکشنبه

شش نوبت سوره تبت یدا تا اخر باید خواند و پنجاه نوبت اسم یا واحد الباقی اول کل شی و اخره و شش نوبت یا حی یا قیوم و دو

و ده نوبت اسم یا رفیع باید خواند و در روز دوشنبه سیزده نوبت لایلاف تا اخر و ده نوبت اسم یا ملک الطاهر من افة نقصه

خواند و هشت نوبت الحمد لله الملک الحق الواحد الودود و ده و بیست نوبت اول سوره لم یکن الی حنفا باید خواند و بیست و ده نوبت

اللهم صل علیه و آله باید گفت و دویست و ده نوبت اسم یا رفیع باید خواند در شب سه شنبه سوره القدر نه نوبت و دوازده

نوبت اسم یا علام الغیوب فلا یفوت شی من حفظه و چهارده نوبت یا ذو الجلال و الاکرام و یازده نوبت یا ودود باید خواند و صد و

سه شنبه سوره التکاثر شانزده نوبت باید خواند و یازده نوبت اسم یا جلیل المتکبر عن کل شی بالعدل امره و الصدق وعده و هفتاد و

لا اله الا الله الحلیم الکریم باید خواند و چهارده نوبت انا اعطیناک و انا انزلناه تا الا العلی باید خواند و سی نوبت لا حول و لا قوة الا بالله

العلی العظیم باید گفت و شصد و ده بار اسم یا مستقی و در شب سه شنبه سوره القارعه یازده نوبت و هفتصد بار اسم سبحانک لا اله الا

انت یا رب کل شی و وارثه و هشت نوبت اسم یا قدوس یا جبار و نود بار اسم یا ملک باید خواند و در روز چهارشنبه سوره والعصر

هفتاد نوبت و هشتصد بار اسم یا حی حین لا حی فی دیمومیة ملکه و بقائه و بیست و دو هزار اللهم صل علی محمد سید ولد ادم و سه نوبت

والقرآن ذی الذکر الی و شقاق و هم شش نوبت سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر و هم پنج نوبت اسم یا اول باید خواند

و در شب چهارشنبه سوره اخلاص یازده نوبت و اسم یا رحمن کل شی و راحمه ده نوبت و هفتاد بار یا رحمن یا رحیم و دو نوبت و ده نوبت

اسم یا رفیع باید خواند و در روز پنجشنبه سوره الم نشرح هفت نوبت و هفتاد نوبت کفی بالله و اسم یا محمد الفعال ذو المن علی جمیع خلقه

بلطفه ده نوبت و بیست و یک نوبت سبحان الله رب السموات و الارض و چهارده نوبت سبحان ربی العظیم و هشت نوبت اسم یا الله و هفت

نوبت اسم یا هادی باید خواند و در شب پنجشنبه سوره الکوثر نه نوبت و یازده نوبت اسم یا دائم بلا فنا و لا زوال لملکه و یازده نوبت اسم

اسم یا هو و صد و بیست نوبت اسم یا احسان باید خواند و در روز جمعه سوره الفلق شش نوبت و اسم یا من هو قد بطن الشدید بنقمته

الذی لا یطاق انتقامه ده نوبت و هم پنجاه نوبت یا الله یا رحمن یا رحیم و هشت نوبت و القرآن المجید و دوازده نوبت استغفر الله ربی و اتوب الیه

و یازده نوبت اسم یا ودود باید خواند و در شب جمعه سوره الناس نه نوبت و دوازده نوبت اسم یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح عند کل کربه و معاذی عند کل شدة

و مجیبی عند کل دعوة باید خواند چهار ده نوبت یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن سی و پنج نوبت اسم یا دال و ده نوبت ن والقلم وما یسطرون الی العظیم باید خواند اما قاعده دیگر که از مشایخ مشهور است و آن بر این دستور است که نموده میشود

یوم السبت — یوم الاحد — یوم الاثنین

زحل یا ماد — شمس یا صمد کریا مؤمن — قمر یا ملیان یا مفصل
۴۵ — ۴۰۰ — ۳۴۰
جدی دلو — اسد — سرطان
یا ابدی یا زاهد یا باهی — یا داین — یا احسان یا مکرم
۱۷ ۳۰ — ۶۵ — ۳۰ ۲۰

حروف اصل — حروف اصل — حروف اصل

زی حی لام — شین میم سین — قاف میم ری
یا ابدی یا حی یا اصل — یا ناطق یا ملک یا احسان — یا صافی یا ملک یا ربح

حروف فرع — حروف فرع — حروف فرع

جیم دال بی دال لام واو — الف سین دال — سین بی حی الف نون
حامد دال هادی دال اول جود — یا کافی یا احسان یا دال — احسان ربح وجد کافی مبدی مجیب

یوم الثلثا — یوم الاربعا — یوم الخمیس

مریخ یا مجیر — عطارد دهاب کریم — مشتری یا مذل یا سمیع
۹۵ ۸۵ — ۲۸۴ ۲۸۴ — ۹۵۰ ۱۴
حمل عقرب — جوزا سنبله — قوس حوت
۷۹ ۳۷۲ — ۱۷ ۱۴۷ — ۱۶۶ ۱۴
یا مذل یا طالب یا مرسل — یا بادی یا علی یا اول — عزیز یا باسط علیم حسیب باسط واجب
۷۹ ۲۷۲ — ۱۴۷ — ۱۶۶ ۱۴ ۴

حروف اصل — حروف اصل — حروف اصل

میم ری بی حی — عین طی الف ری دال — میم شین ف ری بی
یا ملک یا ربح یا هادی یا مستغنی — مکمل ودود کافی ربح دال — ملک ناطق معرف ربح هادی

حروف فرع — حروف فرع — حروف فرع

حی میم لام عین قاف ری بی — جیم واو زی الف حی لام نون — قاف واو سین حی واو لی
حی ملک اول مکمل صافی ربح ابواب — حامد جود ابد کافی احسان مبدی مجیب ابواب امل وداد — صافی جواد احسان حی جود معرف

یوم الجمعة

زهره یا مهیمن یا باسط
۲۱۷ ۲۱۷
ثور میزان
۷۰۶ ۱۰۸
یا جبار یا متین یا حق

حروف اصل: ذی هی ری هی — یا ابدی یا ودود یا ربح یا وداد
حروف فرع: ق واو ری میم بی زی الف نون — تق جود ربح ملک هادی ابد کافی مبدی مجیب

نوعی دیگر روز شنبه

کیوان یا محیی یا ودود
۹۰۷
مرغ ۱۲۴ — سگ ۲۰
سمیع عظیم هادی وداد — ۹ — حب ۹

حروف اصل: کاف بی واو — امین هادی جود — الف نون — کاف مبدی مجیب
حروف فرع: مری هر دی عین — ملک ربح غنی — سین کاف — احسان امین

اوزانجیز

روز یکشنبه — روز دوشنبه — روز سه شنبه

مهر یا کبیر یا احد — ماه یا ولی — بهرام یا سمیع یا حکیم
۲۴۵ ۲۴۵ — ۴۶ ۴۶ — ۲۴۸ ۲۲۸
نهنگ ۱۲۵ — خرگوش ۱۱۲۶ — کوسفند ۲۲۰ — موش ۳۴۶
یا حکیم یا اول — یا ودود یا ظاهر — یا واحد یا نافع یا ماجد یا صبور
۱۲۵ — ۱۱۲۶ — ۲۲۰ ۳۴۶

حروف اصل — حروف اصل — حروف اصل

میم هی ری — جیم الف هی — لی هی ری الف میم
ملک وداد ربح — ملک کافی وداد — ابواب وداد ربح کافی ملک

حروف فرع — حروف فرع — حروف فرع

نون هی نون کاف — حی ری کاف واو شین — کاف واو سین فی نون
مبدی مجیب وداد مجیب امین — مستغنی ربح امین جود ناطق — امین جود احسان ملک مبدی مجیب

روز چهارشنبه — روز پنجشنبه — روز جمعه

تیر یا علی یا متین — برجیس یا جامع یا مانع — ناهید یا وهاب یا مبدی
۶۱۰ ۶۱۰ — ۲۷۵ ۲۷۵ — ۷۰ ۶۳
پلنگ ۱۰۳ — شاد ۲۴۱ — بوزینه ۸۱۰ — خوک ۶۲۶ — بقر ۳۰۲ — اسب ۶۳
یا مالک یا صبور یا عدل یا سلام — یا حسیب یا مؤمن یا ممیت — یا بصیر یا ولی یا صمد
۱۰۳ ۲۴۱ — ۸۱۰ ۶۲۶ — ۳۰۲ ۶۳

حروف اصل — حروف اصل — حروف اصل

ری سی بی ری — لی ری جیم لی سین — نون الف هی بی دال
یا معرف یا هادی یا ربح — مجیب کافی وداد هادی دال

حروف فرع — حروف فرع — حروف فرع

بی لام نون کاف میم — لی واو زی لی نون — لی قاف ری الف
ابواب امل مبدی مجیب امین ملک — هی حی واو کاف — ابواب هادی ربح کافی
الف ری — ابواب جود ابدی هادی مبدی — سین لی
کافی ربح — مجیب وداد مستغنی جود امین — احسان ابواب

این اسامی دهر روز مینباید خواند و حروف اصل و حروف فرع بترتیب باید خواند الله دهر و هفت از بروج و کواکب
تمار بسی متعرف جا ینجه تفصیلش گذشته اما رجعی اجعلوا عرب احط باید خواند تا انکه با هم نوکت و تفصیل عمار بروج

یوم السبت — یوم الاحد — یوم الاثنین

زحل جدی دلو — شمس اسد — قمر سرطان
۴۵ ۱۷ ۳۰ — ۴۰۰ ۶۵ — ۳۴۰ ۳۲۰
یا ماد یا ابدی یا زاهد یا باهی — یا صمد کریا مؤمن یا داین — یا ملیان یا مفصل یا احیا یا مکرم
۴۵ ۱۷ ۳۰ — ۴۰۰ ۶۵ — ۳۴۰ ۳۲۰

یوم الثلثا — یوم الاربعا — یوم الخمیس

مریخ حمل عقرب — عطارد جوزا سنبله — مشتری قوس حوت
۹۵ ۷۸ ۳۷۲
یا مجیر یا مذل یا طالب یا مرسل — یا فرد یا بهی یا قوام — مفصل موصل نجا ناطق

یوم الجمعه روز شنبه روز یکشنبه روز دوشنبه

زهره ثور میزان | کیوان مریخ | سلک | مهر نهنگ | ماه خرگوش

مبدع یا موقع مستجاب موافق ... | یا شرح یا ملیک یا مجزل | یا مراد یا مسبح یا وداد | یا مجاز | یا سبوح یا منیر

روز سه شنبه روز چهارشنبه روز پنجشنبه روز جمعه

بهرام موش گوسفند | تیر پلنگ مار | برجیس بوزینه خوک | ناهید بقر اسب

یا مرود یا مصیر ... یا متقی یا ابد | یا متبع یا اعلا یا معز ... | یا متبع ... یا سمیع ... | یا جامع ... یا بصیر ...

مبدء بصیره در اول

اوراد صبح هر اسمی بعددی که در تحت آن نوشته میشود باید خواند که عدد آن حرف

حمل موش جوزا پلنگ اسد نهنگ میزان اسب

یا حکیم | یا ماجد یا صبور | یا باری | یا بالا ... | یا ... | یا حکیم یا والی | یا حق | یا ولی یا مبین

قوس بوزینه دلو سلک — و اوراد شام هر اسمی بآن عدد که در تحت اوست باید خواند که ... حروف اسماست

یا عزیز ... | یا حسیب | یا ودید ... | یا حسیب

ثور بقر سرطان خرگوش سنبله مار عقرب گوسفند

یا جبار یا متین | یا بصیر | یا قهار ... | یا ودود ... | یا علی یا اول | یا سلام ... | یا کافی ... | یا واحد یا نافع

۸ ۴ ۸ ۸ ۶ ۷ ۹ ۸

جدی مرغ حوت خول — بدان ای عزیز که این قواعد که مذکور شد با کلیه و الجزو ... از اعمال ...

یا ... | سمیع ... | علیم ... | مومن مجیب

شیخ محی الدین اعرابی و خواجه عین القضات همدانی و خواجه

محمود مسعود است ... ایشان بانظر ... عمل ... الله ... بترتیب حروف ... از آیات مناسبه کلام الله ... و ...

... که عدد ابجد بوده باشد یا عدد حروف مفتاح ابجد ... در جمیع اعمال ... که این اعمال ... خواند ...

دایما ... و ترتیب حروف ... آیات ... مرقوم خواهد شد و علامات عدد که بر سر حروف واقع است علامت حروف ...

و بدان عدد ... باید خواند ... بعضی ... خواند ... الف ۴ الم الله لا اله الا هو الحی القیوم بی ۵ ...

الاولون جیم ۳ جنات ... دال ۳ ... ربنا ... هی ۴ هو الله الذی لا اله الا هو ...

واو ۴ والله ... زی ۵ ... حی ۴ حمعسق طی ۴ طه

ما انزلنا علیک القرآن لتشقی یی ... والقرآن الحکیم کاف ۴ کهیعص میم ... تنزیل ... السموات ...

عین ۴ عم یتساءلون عن النبا العظیم فی ۵ ... صاد ۳ ص والقرآن ذی الذکر قاف

ق والقرآن المجید ری ۴ ربکم ورب آبائکم الاولین شین ۹ شهد الله انه لا اله الا هو تی ۴ تبارک الذی بیده الملک وهو علی

کل شیء ... ثی ۷ ثم ... خی ۵ خلق الله السموات والارض ... لا یؤمنون

ذال ۴ ذلکم الله ربکم خالق کل شیء ضاد ۴ ضرب الله لکم مثلا ... ظی ۵ ظلکم الذی ... غین ۷ غلبت الروم

فی ادنی الارض و هر صبح و شام پیش از طلوع و غروب آفتاب بدین طریق باید خواند که ... و بعضی ... پیش از طلوع صبح پنج

پنج نوبت این کلمات را باید خواند و بعضی ... نوبت ... روز جمعه ... نوبت وقت

طلوع صبح باید خواند و کلمات این است لا اله الا الله والله اکبر سبحان الله ... سبحان الله بکرة و اصیلا ... روحانیات

ایام سبعه عمل چنین است که ... یوم السبت یوم الاحد یوم الاثنین یوم الثلثا

یا مهیمن کفیل | یا خالق یا باسط چرغ | یا دال یا معز یا عل ... | رافع ... کرکس باز باشق

یوم الاربعا یوم الخمیس یوم الجمعه — این اسماء را در هر روز ...

یا متکبر یا واحد یا موخر | یا قادر یا صمد یا اول | یا قیوم یا قوی یا منتقم یا حکم | یا ...

کبوتر قمری ناخشر | شاهین هما | طوطی کبک ... | بوم ...

۶۳۸ ۳۵۰ ۱۸۶ ۳۶۶ ۴۶ ۳۴ ۱۲۰ — ... باید داشت ...

هم ... است و کلیه بقاعده روحانیات ... باید خواند لیلة السبت

لیلة الاحد لیلة الاثنین لیلة الثلثا | یا ولی یا طالب یا اول

یا غفور یا جبار | یا غنی یا منتقم | یا مانع یا احد یا دال | کرکس مرغ کبک

گاو شیر | اسب کفتار | اشتر آهو راسو | لیلة الاربعا

لیلة الخمیس لیلة الجمعه | یا مقتدر یا صمدی یا ...

یا موخر یا حکم یا عدل | یا ماجد یا معز یا متکبر | خرگوش پلنگ تمساح

روباه کلب خوک | اشتر شیر سنجاب — هر شب ... باید خواند ... کرده ...

فصل دوازدهم

مجموع ... است والله اعلم بالصواب

در اختیارات اعمال حکمیات و عزایمات معتبره حسب هر مقصودی بعون الله الملک المجید

بسم الله الرحمن الرحیم بدان اسعدک الله که جمیع اعمال

تکسیری و عددی و ... عزایمات تمامی موقوف بدانستن اوضاع نجومیت و شناختن ساعات سعد و نحس و معرفت طالع

وقت و نظرات کواکب با یکدیگر و خصوصیات آن تا در عمل ... باشد ... باید چنانچه اگر اراده

... داشته باشد ... ساعات ... طالع وقت که ... کواکب ... سعد ...

... بدانستن اوضاع فلکی و احکام نجومی و شناختن ساعات سعد و نحس و تعیین طالع

وقت تا در اعمال ... مقصود ... بکشاید ... در فصول گذشته ... در این باب ...

... از ... حال ... که اینها ... حروف ...

... اعداد ... اعمال ... عزایمات ... ساعات ... اعمال ... خلاف ...

ایام ... کواکب منظور است ... مطلق عزایم است ... حاجات ...

کواکب ... العلی ... عزایم ... روحانیات ...

در ساعت سعد ... و در این سعد و نحس ... اختلاف ... انشاء الله ... نوشته میشود

... مشغول شوند ... الواح تکسیری و عددی ... بوده باشد ملاحظه این اوقات سعد و نحس ... کردن

... که در تحت هر کوکب مذکور میشود

زحل مشتری مریخ

جدی و دلو | قوس و حوت | حمل عقرب

سعد او روز شنبه ... | سعد او روز پنجشنبه ... | سعد او روز سه شنبه ...

نحس او روز ... | نحس او روز ... | نحس او روز ...

شمس زهره

اسد | میزان ثور

سعد او روز یکشنبه ... | سعد او روز جمعه ...

نحس او روز ... | نحس او روز ...

عطارد قمر

جوزا سنبله | سرطان

سعد او روز چهارشنبه ... | سعد او روز دوشنبه و شب جمعه

نحس او روز ... | نحس او روز ...

و بعضی از منجمان ... چنین ... اند که اگر صاحب ... ملاحظه طالع او باید کرد که چه برج طالع اوست و کدام کوکب متعلق بآن برج است و ... آن کوکب ... باید خواند ... ساعات

باایشان مضبوطست وساعات سعد بجهت معاملات ملوکیت وتسخیر ایشان مثلاً جهت تخصیص کنند که طالع اول است
واسد خانهٔ آفتابست و بعضی سرشت ساعات شب را جهت جلب اعمال غریبه خواند و بعضی گفته اند که در روز آفتاب که یکشنبه
باشد اگر یکشنبه است عمل باید کرد و عزیمت باید خواند در وقتیکه در همان روز یا در همان شب دوره ساعت بزهره رسد
چنانچه در روز یکشنبه که ساعت دوم باشد که ساعت زهره است یا در شب پنجشنبه ساعت دوم شب که بزهره متعلق است
در این باب همین امتزاج کافیست اما در اعمال کبریات و اعلانات موقوف بدانستن بعضی از حکایات نجومیست از جمله مختصری
قریب الفهم در این نسخه مسطور میشود تا مبتدیان را آسان باشد وبالله التوفیق بدان ارشدک الله که اکثر این اعمال موقوفست
و منوطست بقمر و برج و حالات او با کواکب دیگر از جهت که او سریع السیر از کواکب باقیست و بزمین نزدیکتر
از اتفاقات صلاح و فساد اعمال بواقی کواکب بیشتر منظورست اگرچه در جمیع کواکب این ملاحظات است اما لیکن بجهت اعمال ابتدا بیمن
و دوام اوقات و حلول او در هر برج و در هر منزل که مدار نقش چه میشاید کرد و چه کار باید ساخت و چه چیز باید خواند هم
لوح باید نوشت و قمر علی هذا الکون مدار اختیار بر اوست داده میشود و دانسته [illegible] برج پنج یعنی ده و سبیل تفصیل اینست

اعتبارات حلول قمر در بروج اثنی عشر **فی الحمل** اعمالیکه تعلق بسلاطین داشته باشد و در مهم اسفار توان ساخت **فی الثور**
اعمال تسخیر جمیع مباحها و مباحات زنان را نیکوست **فی الجوزا** اعمال عجیبات واعمال تسخیر را شاید **فی السرطان** اعمال معاملات را نیکوست
فی الاسد تصرف در امور ملکی و طلسمات صید و تسخیر سباع را شاید **فی السنبله** مهمات عبادت و مقابله و شرکت را شاید **فی المیزان**
اعمال محبت و ملت و وصال و امن جمیع بصدق و راستی را نیکوست **فی العقرب** قصد اعدا و دفع ظلم و طلسمات تفرقه و تبغیض را شاید
فی القوس تعلیم علم و طلب جودت ذهن و صفای فهم را شاید **فی الجدی** اعمالیکه بنزاع تعلق داشته باشد و دفع سحر و ازاله
مکر و مغشوش **فی الدلو** بیت جهد و بنیان و عمارت حصون و قلاع را شاید **فی الحوت** اعمال خیر و صلح و مصالحه میان اثنین و طلسم
محبت نیکوست **اما حلول قمر در منازل** **فی الشرطین** طلسمات و تسخیر و اعمال کیمیا و سیمیا را شاید **فی البطین**
ابتداء اعمال و طلب حاجات و معاملات نیکوست **فی الثریا** خواندن ادعیه و دعوت و هر چه جوهری و عمل محبت نیکوست **فی الدبران**
مهمات ملکی و طلب مال و طلسم حبیب را شاید **فی الهقعه** اعمال شر و تخریب و تعقید رجال را نیکوست **فی الهنعه** معالجات و سفر دریا
نیکوست **فی الذراع** طلب فتح و نصرت و مصالحات و دیدن اکابر نیکوست **فی النثره** تفرقه و تخریب و دفع سموم و تسلیط مرض
بر اعدا شاید **فی الطرف** قطعیت و عداوت و طلسم طیور نیکوست **فی الجبهه** بطلان سحر و طلسم حیات و عقارب نیکوست
فی الزبره مهربانی ملوک و عقد قلوب و جر منافع نیکوست **فی الصرفه** عبادت و خلوت و طاعت اولی است **فی العوا** اعمال تسخیر
و مهمات ملکی را شاید **فی السماک** اعمال و شغل و تفرقه را شاید **فی الغفر** اکثر اعمال را شاید خاصه دوستی را **فی الزبانا** دفع محاربه
ابطال سموم را نیکوست **فی الاکلیل** از جمیع اعمال احتراز اولی است **فی القلب** اعمال حرب و عقد اللسان و عقد الشوق نیکوست **فی الشوله**
تسخیر قلاع و تهیج حب و بغض را شاید **فی النعایم** بیرون آمدن بجهت دعوت و ابتدای کارها نیکوست **فی البلده** دفع ظلم و فتح قلاع و امن
از خوف نیکوست **فی الذابح** اکثر اعمال را شاید خصوصا عداوت **فی السعود** دفع امراض و سلامتی از آفات نیکوست **فی الاخبیه**
عمل با آب در جریان و حفر انهار و ادعیه نیکوست **فی المقدم** مهمات اسفار و اکثر اعمال را شاید **فی المؤخر** اعمال شر و آنچه تعلق بحرب
دارد میتوان کرد **فی الرشا** اعمال باغ و بستان و باغ و کاریز و چشمه را شاید **اما اعمال در طلوع صور بروج**
اثنی عشر **حمل** وجه اول یعنی ده درجه اول او دفع اعدا و تصرف در امور ملکی نیکوست **وجه دوم** طلب نصرت
و دفع [illegible] و جاه نیکوست **وجه سیم** هلاک دشمن و تخریب دیار ظلمه و دفع آفت کنون و غلبه در حرب را شاید **ثور**
وجه اول برای مهمات و بستان و دنیا [illegible] و دوام ساختن سرکشان و اصلاح حال زنان نیکوست **وجه دوم** [illegible]
و دفع قحط و [illegible] غلات و مهمات عمارت و تسلیط مرض بر خصم مناسبت **وجه سیم** خواری اعدا و خبر یافتن از اسرار و کشف

ودفع

و دفع مقوات و عیوب را شاید **جوزا** وجه اول حفظ اطفال و اعمال سفر وجه دوم عشق و محبت و غلبه و شجاعت را شاید
وجه دوم طلسم تسخیر و تفریق مناسبت وجه سیم برای [illegible] احوال و دفع سفر و فرار دشمن نیکوست **سرطان** وجه اول احتیاجات
و قوت حافظه و افزونی علم و حکمت نیکوست وجه دوم طلسم صید و صحبت ملوک و حاجات و نعمت و غلبه و فرح نیکوست وجه سیم اعمال [illegible]
و قبول اهل و [illegible] و تقویت مباشرت را نیکوست **اسد** وجه اول حصول حشمت و جاه و شفاء مریض نیکوست وجه دوم
دفع ریح و [illegible] و طاعون و مغلوب شدن خصم را شاید وجه سیم اعمال شر و قطعیت دشمنان مناسبت **سنبله**
وجه اول تقویت دین و قوت طاعت و ازدیاد رزق و برکت مکاسب و مزارع نیکوست وجه دوم صحت بدن و قبول خاطر و تهیج
طلب [illegible] را شاید وجه سیم تعلیم و تعلم و حفظ کتب و [illegible] و حرق و سرق و دفع معاملات را نیکوست **میزان** [illegible]
خصم یا طالع [illegible] و ازدیاد قدر و جاه نیکوست وجه دوم عمل سلاطین و عظما [illegible] سعادت و حصول [illegible]
شاید وجه سیم حصول مکارم اخلاق و دفع و سبکباری را مناسبت **عقرب** وجه اول اعمال اکابر و [illegible] اعدا و کثرت اموال
و نفاذ قول را شاید وجه دوم شرف [illegible] بکاری و حفظ اعمال محبت و تسخیر اکابر و خلائق را اعدا نیکوست وجه سیم دفع [illegible]
[illegible] آنچه تعلق با اشراف دارد نیکوست **قوس** وجه اول [illegible] قوت و غلبه و [illegible] و تسلیط [illegible]
وجه دوم اعمال [illegible] نیکوست وجه سیم [illegible] ازدواج مناسبست
جدی وجه اول اعمال اکابر و حفظ مال و ناموس و حصول حاجت [illegible] نیکوست وجه دوم [illegible] کردن دوستان و [illegible] کردن
دشمنان و حصول [illegible] نیکوست وجه سیم اخبار و [illegible] و غرایب و دانستن [illegible] و علوم غامضه و حل مشکلات **دلو**
وجه اول حبس دشمن و رهائی از خصم و تغلیب خوف بر اعدا مناسبت وجه دوم وسعت رزق و کفاف [illegible] امید و [illegible] غایب از سفر
نیکوست وجه سیم دفع امراض از دوستان و تسلیط مرض بر دشمنان مناسبت **حوت** وجه اول مجادله و دفع کسالت در
طاعت و [illegible] نیکوست وجه دوم عبادت و ذکر و اعمال نیکو [illegible] اخلاق عادت مناسبت وجه سیم دفع مکر و حرب
ابطال سحر و [illegible] خصم [illegible] سفر نیکوست وهم چنین در هر برجی [illegible] که طالع [illegible] عمل [illegible] کرد و شرح آن
در این کتب [illegible] اعمال صاحب [illegible] صلاح طالع [illegible] سعد [illegible]
طوالع خود عمل کند در اعمال [illegible] مناسب آن [illegible] اعمال ظاهر شود [illegible] در علم نجوم مهارت داشته
باشد همانا اولی است که [illegible] صورت بندد [illegible] دانستن که ساعت هر
کوکب در وقت طلوع برجی که خانه همان کوکب یا خانه شرف همان کوکب است سعادت و در وقت طلوع برجی که خانه وبال یا سقوط همان کوکب
نحس باشد چنانکه ساعت آفتاب در وقت طالع اسد که خانه اوست و در وقت طالع حمل که خانه شرف اوست سعید است و ساعت زهره
در وقت طالع ثور و میزان که هر دو خانه اوست و در وقت طالع حوت که خانه شرف اوست سعید است و ساعت عطارد در طالع
جوزا و سنبله سعید است و ساعت قمر در طالع ثور سعید است و ساعت زحل در طالع جدی و دلو و میزان سعید است و ساعت
مشتری در طالع قوس و حوت و سرطان سعید است و ساعت مریخ در طالع حمل و عقرب و جدی سعید است و هر برج هفتم هر برج
وبال همان کوکب است چنانچه ساعت آفتاب در طالع دلو که هفتم اسد است نحس و خانه وبال اوست و در طالع میزان که هفتم حمل است و خانه
سقوط اوست نحس باشد و ساعت زهره در طالع عقرب و حمل و سنبله نحس است و باقی بدین قیاس و در ساعات سعیده اعمال
مستحسنه مناسبت و در ساعات نحسه اعمال قبیحه شایسته است اکنون شرح مجملی از اتصالات و نظرات کواکب باهمدیگر کرده میشود تا
بر جمیع [illegible] بوده باشد نوشته میشود **اتصالات زحل با مشتری** **مقارنه** اعمال کلی **تسدیس** [illegible] **تربیع** تفریق ظلم
تثلیث اصلاح [illegible] **مقابله** اراده کردن اضداد **اتصالات زحل با مریخ** **مقارنه** اعمال شر **تسدیس** [illegible] بخصم
تربیع [illegible] **تثلیث** تسخیر قلاع **مقابله** حرب **اتصالات زحل با شمس** **مقارنه** قطع خصم **تسدیس**

٦٣

مهم مشایخ تربیع دفع منقد تثلیث صلح سلو طلب مقابله نکبت خصما **اتصالات زحل با زهره**
مقارنه عمل تسخیر تسدیس صلح ازدواج تربیع عقد الفت تثلیث خانه عزاء مقابله عقد النوم **اتصالات زحل**
با عطارد مقارنه طلب کرامات تسدیس طلب علوم تربیع مصالحه تثلیث تقویت قطع مقابله
دفع مکاید **اتصال زحل با قمر** مقارنه اعمال الملوک تسدیس زراعت تربیع حفر انهار مقابله
هیچ کار نشاید **اتصالات مشتری با مریخ** مقارنه دفع کید تسدیس دفع حسد تربیع تسلیط بر خصم
تثلیث مهم امراء مقابله دفع دشمن **اتصال مشتری با شمس** مقارنه امور کلی تسدیس اعمال …
تربیع دفع سحر تثلیث تسخیر قلوب مقابله مناظرات **اتصالات مشتری با زهره** مقارنه اعمال خیر
تسدیس طلب فضل تربیع کفایت مهم تثلیث طلب فاید مقابله حفظ ودایع **اتصالات مشتری با عطارد**
مقارنه خانه علماء تسدیس طلب کشف تربیع عقد الفت تثلیث طلب نعمت مقابله طلب صلح **اتصالات**
مشتری با قمر مقارنه مهمات خیر تسدیس طلب غنا تربیع رام کردن حیوانات تثلیث طلب ربح مقابله طلب حاجت
اتصال مریخ با شمس مقارنه حرب و مناظرات تسدیس مهم عساکر تربیع غلبه بر اعدا تثلیث تسخیر بلاد
مقابله غلبه بر خصم **اتصالات مریخ با زهره** مقارنه دفع جبل تسدیس مهم جوانان تربیع
تربیع طلسم صید تثلیث عمل محبت مقابله استخراج اسرار **اتصالات مریخ با عطارد** مقارنه کتب نقد
تسدیس مهم الحیات تربیع ابطال السحر تثلیث نفوذ قول مقابله تمریض خصم **اتصالات مریخ با قمر**
مقارنه طلب حاجات تسدیس طلب فتح و ظفر تربیع … تثلیث تسخیر قلاع و بلاد مقابله هیچ کار نشاید **اتصالات**
شمس با زهره اتصال شمس با زهره هیچ مقارنه است که احتراق زهره باشد و مصالحات را نشاید والله اعلم

اختیارات ایام اسابیع

بالکلیه که در هر روزی بجا اعمال
اشتغال توان نمود روز یکشنبه ساعت اول تعلق با امور جاه و رفعت و مهمات ملکی داشته باشد روز دوشنبه امور
مسافران و … از … و منع دزدان روز سه شنبه اعمال الشر و تخریب بیوت ظلمه روز چهارشنبه معالجات
امراض روز پنجشنبه طلب حاجات از اکابر و اشراف روز جمعه مهم ازدواج و اعمال محبت روز شنبه امور خفیه و
تحصیل و عزات

اختیارات ایام و لیالی سبعه

بالجزویه که چه عمل توان کرد

روز یکشنبه و شب پنجشنبه ساعات ۱ ۸ ساعات ۲ ۹ ساعات ۳ ۱۰ ساعات ۴ ۱۱ ساعات ۵ ۱۲ ساعات ۶ ساعات ۷
اعمال الملوک اعمال الکرامات تعلیم و تعلم اعمال الصالحه اعمال الزراعت طلب ارزاق مهمات …

روز دوشنبه و شب جمعه ساعات ۱ ۸ ساعات ۲ ۹ ساعات ۳ ۱۰ ساعات ۴ ۱۱ ساعات ۵ ۱۲ ساعات ۶ ساعات ۷
اصلاح امور اعمال الزراعات اعمال الشراب مهم محاربه طلب رفعت تحصیل … طلب علم و حکمت

روز سه شنبه و شب شنبه ساعات ۱ ۸ ساعات ۲ ۹ ساعات ۳ ۱۰ ساعات ۴ ۱۱ ساعات ۵ ۱۲ ساعات ۶ ساعات ۷
… رام ساختن … عمل محبت طلب حاجات … عمل هیبت مهمات زراعت طلب غنا

روز چهارشنبه و شب یکشنبه ساعات ۱ ۸ ساعات ۲ ۹ ساعات ۳ ۱۰ ساعات ۴ ۱۱ ساعات ۵ ۱۲ ساعات ۶ ساعات ۷
طلب علم و معاملات اصلاح اضداد کشف حقایق تسخیر دنیا زیادتی حرارت زیادتی جاه علم محبت

روز پنجشنبه و شب دوشنبه ساعات ۱ ۸ ساعات ۲ ۹ ساعات ۳ ۱۰ ساعات ۴ ۱۱ ساعات ۵ ۱۲ ساعات ۶ ساعات ۷
… تعبیر هیبت استیلاء بر خصم دفع قهر ملوک تسخیر حاجات خواندن عزائم
قبول عوام عمل مشایخ و مقتدا

روز جمعه و شب سه شنبه ساعات ۱ ۸ ساعات ۲ ۹ ساعات ۳ ۱۰ ساعات ۴ ۱۱ ساعات ۵ ۱۲ ساعات ۶ ساعات ۷
مهمات ملکی عمل صید و شکار سفر دریا قوت حفظ و دانش تسلیط فرح … عمل ملوک

روز شنبه و شب چهارشنبه ساعات ۱ ۸ ساعات ۲ ۹ ساعات ۳ ۱۰ ساعات ۴ ۱۱ ساعات ۵ ۱۲ ساعات ۶ ساعات ۷
تخریب بیوت ظلمه طلب منافع کلیه حصول کرامات … عزیمت سفر تسخیر جن دفع سموم مهمات الملوک

اما اختیارات ساعات شب و روز کواکب بقول ابی الطیب

تبریزی که از کتاب هندیه است و از علمای حروف و ارباب طلسمات …
اعتبار تمام دارد و همه ما این فن اصلی کلیست و از پیوسته منظور باید داشت روز و شب زحل در ساعت زحل …
از اهل ظلم … هیچ حال … کرفت و ساعت مشتری در این شبانروز عقد النوم و تسلیط و ساعت
مریخ در این شبانروز … ظلم و تفریق جمع الشیاطین و ساعت شمس در این شبانروز ابطال السحر و دفع … و ساعت
زهره در این شبانروز … زراعت و ساعت عطارد در این شبانروز تفریق جمع … و ساعت
قمر در این شبانروز تسلیط بر خصم … اما روز و شب مشتری در ساعت زحل در این شبانروز …
جمع کردن … و ساعت مشتری در این شبانروز طلب وسعت رزق و ساعت مریخ در این شبانروز ابطال السحر
دفع خصم و ساعت شمس در این شبانروز ایجاد محبت در قلوب سلاطین و ساعت زهره در این شبانروز محبت
و صلح و ساعت عطارد … و ساعت قمر طلب فتح و نصرت اما روز و شب مریخ
در ساعت زحل … و ساعت مشتری تنبیهات و تحریکات … و ساعت مریخ قتل و هلاک اعدا و
تمریض ایشان و ساعت شمس قبول … و ساعت زهره … و ساعت عطارد تسخیر …
و عضویات و ساعت قمر دفع اعدا و عقد اللسان اما روز و شب شمس در ساعت زحل قتل اعدا و غلبه بر اضداد
و ساعت مشتری کفایت کردن حاکم ظالم و ساعت مریخ … جرات و شجاعت و ساعت شمس هیبت در نظر خلق و قبول خاطر
ملوک و ساعت زهره قبول و اجلال و تعظیم خلق و ساعت عطارد … و ساعت قمر اخراج …
و دفع الام اما روز و شب زهره در ساعت زحل … و ساعت مشتری … و وسعت رزق
و ساعت مریخ … و ساعت شمس … و ساعت زهره طلسمات محبت و ساعت عطارد …
و ساعت قمر … اما روز و شب عطارد در ساعت زحل دفع اعدا و ظلم و ساعت مشتری عقد الفت
و ساعت مریخ … و ساعت شمس اعمال اهل … و ساعت زهره استخبار … در خواب …
عطارد معالجات کلیه و ساعت قمر … اما روز و شب قمر در ساعت زحل …
اعدا و ساعت مشتری … و ساعت مریخ قوت … و ساعت شمس …
بر خلق و ساعت زهره هیجان محبت و غلبه عشق … و ساعت عطارد در این شبانروز تطبیع … و تسخیر ارواح و ساعت
قمر در این شبانروز اعمال محبت … ساعات …
… حساب ساعات شبانروز کواکب …
… اعمال … ساعات کواکب … ترتیب … ساعات کواکب …
ساعات شبانروز … و بعضی … وقت معین …
… ساعات …
… ساعات …

64

وقت عمل کنند غلطست و در فهم و ابن ... مشکلست ان اکر ضابطه حساب ساعات دانند چنانچه در این باب ابن فهد ...
انکه هرکاه ساعات کواکب را از تحویل حمل ... ضابطه اش انکه ساعات اول ساعات هشتم ... بواسطه ...
ایام ... تخالف ... الساعات آخر روز با اول شب ... اکر از تحویل ... ساعات اول شب ... تا ساعت هشتم
هر شب تخالف نخواهد داشت ... ساعات اخر هر شب ... اکر ... و نوعی دیکر ... اول
... ساعت اول روز ... بواسطه ... انکه ... تخالف نخواهد داشت ...
انکه ... اول روز تعیین شد تا ساعت هشتم تخالف ندارد ... انکه تخالف ... شب ...
... اول شب تعیین شد تا ساعت هشتم ... تخالف ... روز ...
... از شب از ساعات اول تا هشتم ... تخالف ... از استادان کفته اند که هر کاه طالب ... باشد ... حاجت ...
طلب ملاحظه ساعات اولیست چنانچه ... ساعت ... بواسطه ... طلب باید کرد که
باجابت مقرونست و جهت ... ساعت زحل و مریخ بواسطه ... باید کرد و ...
جهت علوم ... ساعت مشتری و عطارد بواسطه ... باید کرد و ...
ارزاق و اموال ... ساعات ... بواسطه ... باید کرد که مفید است و ... احوال
مستحضر ... ایام ... است ... در ... قمر ...
یا در هبوط یا در ... یا محترق ... عقرب ... یا ... تحت الشعاع ... باید کرد ...
درجات فلکی ... طالع ... طالع ... است ...
الماحکیات ... اکرچه ... عناصر ... اند که
اتش خاک باد اب ... **اتش اب خاک باد** ... ابو العباس
... **اتش باد خاک اب** ... **اتش باد اب خاک** ... اختراع و ابداع حروف ...
صاحب کتاب ... الافاق ... المعتقدات است **اختراع اول اختراع ثانی ابداع اول**
ابداع ثانی و صاحب کتاب ... ادوصمذکدولا بتثجخزظطغفضی جزغش
... این جاده است **اختراع اول اختراع ثانی ابداع اول**
ابداع ثانی ادمصعکلهرولا حسطم ثتخذزشضظغفنق
ب ج ی و سعادت و نحوست کواکب ... قرار است که موده میشود **سعد**
نحس **قمر** شمس مشتری زهره
وطبایع بروج چنین قسمت نموده اند
زحل مریخ عطارد ذاید النور ناقص النور سعد نحس **ناریه هوائیه مائیه ترابیه** شرقی غربی شمالی جنوبی و قسم حروف
... شیخ محی الدین **ا ب ج د ه و ز ح ط ی** الی **غ** ... اینست
حکماء هند ... اینست **حمل اسد قوس جوزا**
شرطین بطین جبهه زبره صرفه بلده نعایم هقعه هنعه ذراع
ا ط م ... ش ...
میزان دلو
عفرزبانا اکلیل ... **سرطان عقرب حوت ثور سنبله جدی**
ن ص ت ض نثره طرفه قلب سوله مقدم مؤخر رشا سماک عوا دبران ثریا ذابح بلع سعود
وطریق سبعین اینست نطح بطین جبهه زبره صرفه بلده نعایم سماک عوا دبران
ثریا ذابح بلع سعود
ا ع م ط ح ف ش ج م د
ب خ ث ذ

وهقعه

هقعه هنعه ذراع غفر زبانا اکلیل اخبیه نثره طرفه قلب شوله مقدم مؤخر رشا
ق ی ص غ ظ ک ض س ل ز ث ن و د
و بعضی دیکر از استادان ... حروف ... اند که ... حروف ... اند و ان هفت حرف ...
... قاعده ... اینست **اول** ... **دوم** ... **سیم** ... **چهارم**
انجه ... حروف قایم است / ... حروف قایم است / ... حروف قایم است
و بقاعده ... که حروف ... **ا ق ک لا** **ب ت ث ج ح خ ز** **ج ل م** **ر د**
... نخوانند ... **ظ ف م ی**
حروف با الف قایم ... **پنجم** ... **ششم** ... **هفتم**
و ان حروف اینست انچه با ... حروف قایم است ... انچه ... حروف قایم ... این حروف ... است
س ش ع غ ن **ص ض**
ب ت ث ج خ ز ر ط ظ ف ق ی و عدد حروف سبعه بقاعده اول ... است
که عدد ... باشد و این ... چهار ... آید ... و ... است
کلمه ... و ... حروف سبعه ... جمع کنند همان ...
... حاصلست و اکر حروف الف ... حروف سبعه ... عدد ... و ... باشد
مطابق عدد ... و ... عدد ... حروف تمام ...
مجموع حروف ... که ... مطابقت ... که ... باشد ...
من ... اشاره ... حروف ... کرد ...
مطابق ... عدد ... است ... حروف ... اکر ... حروف دال ...
حروف مذکور است ... اسم ... است و ... ظاهر است و اکر ...
حروف مذکور ... حروف ... مطابق اسم ... حروف ...
... **م ی م حروف نقاط جمله جمیع** و حروف مذکور ... اسم ... است و بعضی از علماء ...
ان ... حروف ... باشد ...
... حروف ...
... رسد ...
...
... حروف ... حضرت شیخ محی الدین ... است که صاحب ...
...
ساعات ... باید کرد **دو شنبه ساعات آن ا د ی ل م ذ غ خ ز ک ش ف** ...
و ساعات ان **ث ح ه ر ش ت ذ ض ط ب د خ** ... و ساعات ان **ظ غ ص ق ا ق ل م ن ع ج**
... حروف ... حضرات خمس ...
اینست **قال المحقق** ... الکلیه خمسة **الاول**
عالم اللاهوت و هو عالم الذات ... و الوجود المطلق ... و حقیقة الحقایق ... الماهیات ... الغیب
و الغیب المجهول ... **والثانی** عالم الجبروت و هو عالم الصفات و جمع الجمع و برزخ البرازخ ...
و التعین الاول و العقل الاول ... العقل الکلی و النفس الکلیة ... **والثالث** عالم الملکوت و هو عالم الافعال ...

والربوبية والغيب والامر والباطن والنفوس والعقول لان الفلكية الكلية العلوية والمنطبعة الجزئية السفلية **والرابع** عالم
الملك وهو عالم الآثار والاجسام الدنيوية والشهادة والخلق والظاهر والكثيف والاجرام المحسوسات **والخامس** عالم
الناسوت وهو عالم الانسان الكامل والجامعية والمظهر والمرآت واخر التنزلات وخاتم الموجودات والعلم الاخر
فتلك العوالم الكلية الخمسة تمام الوجود وهو الحق واما العوالم الجزئية التفصيلية لا نهاية لها ولكن لا تخرج عن تلك
العوالم الخمسة المحيط بجميع العالم الروحانية والجسمانية والعلوية والسفلية والعقلية والنفسية والفلكية والعنصرية
والمعدنية والنباتية والانسانية والحيوانية هذه معنى البيت على الاجمال وتقسيم حروف بعوالم مذكوره بنوعيكه
صاحب كتاب شمس الافاق بيان نموده بترتيب ابجد **اب ت ث الى ى** بر اين نسق وبر اين شكل است كه خود ذكر شده
وانسان جامع جميع است كه عالم پنجم است وكلمات ابجدى متعلق بوجود انسان مبين قسمت

عقل روح نفس قلب نار هوا ماء
الف ابجد هوزح طيكل منع فصقر شتثخ

تراب اما قواى طبيعيه است بدين ترتيب
غاذيه نامية مولده مصوره وضطظغ
جاذبه هاضمه ماسكه دافعه مدركه محركه
وحواس ظاهر وباطن بتفصيله است مقتضاى
بمقتضاى تلك عشرة كاملة حواس ظاهر
باصره سامعه شامه ذائقه لامسه
باطن
مشتركه متخيله مفكره واهمه حافظه
باصره قوتيست در ملتقاى عصبتين
مجوفتين نابتتين از مقدم دماغ
سامعه قوتيست در عصب مفروش در مؤخر دماغ **شامه** قوتيست نابت در زائدتين نابتتين از مقدم دماغ مشابه بدو سر پستان
ذائقه قوتيست در عصب مفروش بر جرم لسان **لامسه** قوتيست مفروشه بر اكثر اعضا **مشتركه** قوتيست در مقدم اول بطن
دماغ كه هر چه بحواس پنجگانه ظاهر ادراك ميشود او ادراك ميكند وحواس ظاهر نيست بالوجوه اسپ انند **متخيله** قوتيست در مؤخر
دماغ واو خزانه حس مشتركست **واهمه** قوتيست در مقدم بطن ثالث از دماغ كه ادراك معانى جزئيه ميكند چون خوف از عدو
وشفقت مادر بفرزند **حافظه** قوتيست در مؤخر بطن ثالث از دماغ واو خزانه واهمه است **متصرفه** قوتيست در بطن اوسط از دماغ
كه متصرف ميكند بمعانى وصور به تحليل وتركيب وسلطنت او بر مقدم اين بطن است و هر يك از اينها متعلق بحرفيست از
حروف ومتصرف در صحت اين قواها دائم اين قواها عامل عارف
مير است شرط معرفت حروف انچنانچه تواند كه روحانيات حروف
را حكم كند واين قدرت كاملان اين علم است وهر كس را
ميسر نيست وقسمت حروف بر اعضاى انسان بر اين
نوع است كه درين در صورت مربوط نموده شده
وهاى شغفو تر متعلق است بقلب انسان مرتبه اول

[illegible]

اب ت ث ط ظ ف ل لا ى
اب ى ل ا ل د ى ن ع ب
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
د ا ل ل ج ا ص ى ل ا ل
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
د ى ن ع ب د ا ل ل ج ا
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ص ق ل ا ل د ى ن ع ب د
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ا ل ل ج ا ص ى ل ا ل د
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ب ى ن ع ب د ا ل ل ج ا ص
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ق ع ل ا ل د ى ن ع ب د ا
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ل ل ج ا ص ى ل ا ل د ى
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ق ن ع ب د ا ل ل ج ا ص ى
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ل ا ل د ى ن ع ب د ا ل
اب ت ث ط ظ ف ل ل لا ى
ل ج ا ص ى ل ا ل د ى ن
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ب د ا ل ل ج ا ص ى ل
اب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى
ا ل د ى ن ع ب د ا ل ل
اب ت ث ط ظ ف ل ل لا ى
ج ا ص ى ل ا ل د ى ن ع
اب ت ث ط ظ ف ل ل لا ى
ب د ا ل ل ج ا ص ى ل ا
اب ت ث ط ظ ف ل ل لا ى
ل د ى ن ع ب د ا ل ل م

ومعرفت در قلب انسان وانسه كال قدرت عامل است زيرا كه اين قلب منبع روح حيوانيست ومتصرفست دانا از قلب بكيفيت اشياء
فا فهم واجمعين اكثر اين عبارات كه بر جدف سميع وبه بصير وبه ينطق وبه يمشي وبه يبطش رسيده باشد رزقنا الله
واياكم وحضرت امير المؤمنين وامام المتقين يعسوب الموحدين على بن ابيطالب عليه الصلوة والسلام در باب معانى حروف
نسبت بانسان عبارات فرموده اند وان عبارات تا دو سطور مشهوده تا سالك طالب بانها خود را بمعرفت اين خصوصيات
برساند انشاء الله تعالى قال امير المؤمنين وامام المتقين اسد الله الغالب ابو الحسن على بن ابيطالب عليه الصلوة والسلام
الالف اظهار اسرار الالهية في قلب العارف بالله **الباء** بيان هذه الاسرار بلسان الاشارة على طريق الحكمة **التاء** توبة
العارفين عما سوى الله تعالى **الثاء** ثواب المجاهدين في مشاهدة رب العالمين **الجيم** جهاد النفس في محبة الله تعالى
والانقطاع عن الهوى **الحاء** حضور القلب مع الرب **الخاء** خطرات التحقيق على خاطر الطالب الواصل **الدال** دوام ذكر
الحبيب لغلبة الشوق **الذال** ذخيرة من الطاعات والخيرات **الراء** رياضة النفسية والبدنية لانطلاق الروح وطهارة القلب **الزاء**
زوار بيت الله الحرام امن قلب الانسان الكامل **السين** سيف قاطع يقطع التعلقات **الشين** شهود الحق بعد فناء البشرية
الصاد صدق انه كان صديقا نبيا **الضاد** ضجر قلبه عن ذكر الخلق وتقسيم العين **الطاء** طوالع النور الساطع في قلب جامع **الظاء**
ظلال الالوهية في مقام الربوبية **العين** عنايات الازلية وكفايات الابدية **الغين** غناء بالغنى المطلق والله هو غنى عن العالمين **الفاء**
فطرة الله التي فطر الناس عليها **القاف** قرب الرب في حضرة القدس **الكاف** كلمة الله العليا **اللام** لوائح انوار الغيوب في قلوب
السالكين **الميم** مصدر الموجودات ومنبع الواردات ومسكن الطيبات ومعدن الخيرات **النون** نور يشرق في مشرق الازل الى
سرابيل ابد في مظهر كون جامع باظهار النبوة الكاملة **الواو** وجدان الحق تعم في رتبته او كلامه من غير زيادة ونقصان الكلية
الهاء هوية القلبية في جميع الاحدية **الياء** يا نبى الخلق اشاء الله تعالى صدق ولى الله الغالب وقال رسول الله صلى الله
عليه واله وسلم خلق الانسان من اربعة اشياء الاربعة من الام والاربعة من الاب وستة من الله تعالى اما الاربعة التي من الام
اللحم والشحم والدم والشعر واما الاربعة التي من الاب العظم والجلد والعصب والعروق واما الستة التي من الله تعالى السمع والبصر
والذوق والشم واللمس والروح وقال ايضا صلى الله عليه واله ان الله خلق الملائكة وركب فيهم العقل وخلق البهائم وركب فيها الشهوة
وخلق بنى ادم وركب فيهم العقل والشهوة فمن غلب عقله شهوته فهو اعلى من الملائكة ومن غلب شهوته عقله فهو ادنى من البهائم صدق
رسول الله صلعم پس هر آينه مظهر جامع است واگر عارف بر وجود خود شود عارف گردد كه از وجود داشته مقتضاى من عرف
نفسه فقد عرف ربه صدق ولى الله اى من عرف اسراره بوجوده عرف ربه ومعرفت از لفظ اشياء بيجا نيست بتجميع تخصص انسان
من الصورة الى المعنى من غير نفس ناطقه بعضى از استادان علم حروف اقسام حروف را مجتهد هريكرا بمقصود تميز داده اند وبتفصيل
ان ابجد اول حروف نواطق **ب ت ث ج ح خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق ن ى** ديگر حروف صوامت
ا ح د ر س ص ط ع ك ل م و ه لا واعتقاد بعضى از استادان اين علم ابجد كه حروف صوامت مطلقا مسعود است ونحوست
نواطق تامى معنى وانا اين جمله مخصوص است انچه صاحب سه نقطه است نحس نحسين اعلا است وانچه صاحب دو نقطه است نحس
متوسط وانچه صاحب يك نقطه است نحس كمتر واين بر خلاف بعضى است كه در ابيات بر مسعود وظلمانيات منحوس
دانسته اند ديگر حروف منفصل **ا د ذ ر ز و لا** واين دا حروف ختم نيز گويند وديگر حروف متصل وان ابجد است
ب ت ث ج ح خ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن ى ديگر حروف شفا **ا ب ت ث ط ظ ف ك ل لا ى** واين باند معروف است
تعبد اسم هو وتفصيل اين بر اين نوعست كه صاحب دوره سكون نداده كه الف چهار نوع است اول الف قائمه دان يكيست
اين صورت **ا** دويم الفات مطوحه يعنى كشيده شده واين شش است چنانچه نوع **ب ت ث ف ك ى** سيم الفات
مطويه وان سه است بر اين طريق **ط ظ ل** واين الفات جامع است باء قائمه ومطوحه چهارم الف معطوف وآن

۴۴

یکیست برابر صورت لا پس الف را یازده صورت مشتمل بر چهارده نوع و چهارده الف زیرا که حرف ک و ل و لا
هر یک مشتمل بر دو الفست که مجموع چهارده باشد بعد منتصف حروف و این حروف از برای جمع مرضهاست چنانچه عضوی
از اعضا که درد کند یا جراحتی داشته باشد حرف اول آن عضو را با این حروف که مرید باید نوشت که تعویذ کنند که باعث صحت
دیگر حروف چنان که چهار اسم است که از ان ترکیب مشهور بدین طریق د ل ذ ل ص د ض ق ظ ک ف ط و و و اصل این هشت
حرف که الف او را از آن انداخته اند در بعضی نسخ هشت حرف است و د ص ض ق ک ل د و اکر این دیگر بمولف
نیز از حروف مشغول است و از بعد در بعضی نسخ تفصیل بعضی از قواعد اعمالست و چکیاتی که مبین کرده و کل
خواص این حروف از آن که حروف صامت جهت عقد اللسان و حروف ناطقه جهت نفوذ کلمات و حروف متصل جهت اتصالات
و حروف منفصل جهت انفصالات و حروف شفاجهت دفع امراض و حروف جن جهت رسیدن اطفال و صرع اعمال باید کرد و منها
و مثلا عقد اللسان تخصیص باجمیع منظور است عبارت باید نوشت که عقد اللسان م ۲ ب فی یوم الاربعا و جهت این عبارت را
حروف نوشته و حروف صامت را اضافه کرده شعر و نزاع از هم جدا باید کرد و حروف این دو لوح را باز نمی باید کرد ح ع
ا خ غ ج ر ک س ق ث ظ و عدد مجموع را باید کرفت و در دو لوح باید نهاد و حروفات مذکور را بر در دو لوح مذکور باید
نوشت که بر دور مربع بنظم طبیعی حروف تمام شود عدد در دو را خرین عدد بعد ما انچه باشد اضافه کنند و تمام کنند و در دیگر
در عقد الطریق مثلا عقد الطریق م ۲ ب م عن سبیل عراق این حروف را مقطع باید نوشت به طالع عطارد باید کرد و اشتی یا اشتی و یا اوی
یا دی و الی یا بدی و خاک نجاک و بعضا از حروف که کوکب عطارد که روز چهارشنبه متعلق است بان حروف تمام باید کرد و حروف
عطارد اینست ثر ت ش خ و بعضا ان تخصیص که به اسم آن نیز را بر متعلق باید افزود با حروف عطارد که عدد بکیرند و در مربع
نهند و حروف را بر دور مربع کتابت کنند و این هم موافقا عقد اللسان عددش باید نهاد و باید دانست که انچه بعقد تعلق دارد عدد
باید کشید که مربع بیان عدد و دو بیوبند و بر دور عدد دایرکه کلمات شغب الحی المیت نویسند از سوره رعد که از مجربات
و بعضی بر آنند که حروف تقویم طبیعی چنین بباید نوشت

ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ	لا							

و خاصیت حروف مذکوره آنست
حروف تقویم طبیعی در وقت طلوع
یکی از بروج ناری بود مانند ح بباید نوشت جهت تهییج نار و حروف بادی از این حروف بهمین قلم در وقت طلوع یکی از بروج هوائی
جهت تهییج هوا برو قسید باید نوشت و حروف ابی از این حروف بهمین قلم در وقت برج آبی باید نوشت جهت تهییج آب
مطر هنگام یکی طلوع یکی از بروج آب و حروف خاکی همین حروف را بهمین قلم که بوده شود بر ورق یا لوح باید نوشت در وقت
طلوع یکی از بروج خاکی جهت تهییج خاک و باید که ماه و برج طالع باشد و قوت تبعیت هر یک از جهت خالی حروف مذکوره را جهت
هر یکی بیت و یکبار باید خواند و هرگاه که بطلان عمل خواهند همان حروف را بعکس باید نوشت در وقت طلوع یکی از بروج
و حبس یکی بطلان عمل بیکند و این اعمال صاحب عملی را که تسخیر حروف کرده باشد میسر شود و کفته اند آکه نهر که بهم رسد و اوقات طالع
باید کرد که باید ضد و طالع این حروف اینست ناری ابتثحج هوائی دذرزسش آبی ضطظعغفق
ترابی کلمنوهلای الکون بدانکه ای عزیز که بعضی از علمای این فن چنین قرار داده اند که حرف که جمیع انسان بان تلفظ
کند در هر زبان و هر کیش و سی و شش است و اول آن از مبتدای شفتین است و آخر منتهای حلق و بعضی بعکس کفته اند که اول
منتهای حلق است و آخر مبتدای شفتین و حرف یکان مبتدای شفتین است حرف واو است و انچه از منتهای حلق است حرف
ها است و انچه زبان عرب بان متکلم است بیست و هشت حرف است و انچه در زبان عجم هست و در زبان عرب نیست چهار حرف است
و چهار حرف دیگر در تلفظ هند بانست که نه عرب و نه عجم بان تلفظ می کنند و این سی و شش حروف از مخارج از منتهای حلق است تا همه

عنی

نفس که از شفتین گذشته بهم میرسد و از مخرج او را خواص هر صورت مباینه و بعضی کفته اند که این امر بهیچ جای از مخارج
محتاج نیست و فی الواقع چنین است حالی این حروف سی و شش کاتب از برای حروف دیو از کاتب قسمت کرده اند چنانچه
هر مثلثه را از حروف بوده باشد و هر یکی را بحروف خواص برابر نوشته اند و از جمله خواص ان بعضی در اینجا که تفصیل تمام می
کرده شده نوشته شده بعضی دیکر را از آن حاجت نیست و تحاشی که در کیفیت خواص هست اینست که حروف الف را بقلم طبیعی بجای سبحانه باید
نوشت جهت تهییج مطر و الانواق حروف دیگر ذکر رفته و لیکن طبیعت حروف اینجا بیان آنچه است که از پیش گذشته اینجا از دو
قسمت مثلثات در بروج بیرون باید نوشت ناری بناری و هوائی بهوائی و آبی بآبی و خاکی بخاکی و طریق قسمت حروف از بروج
مخارج بر بروج اثنی عشر بدین نوع است که بتفصیل ثبت شده

مثلثه هوائی	مثلثه ترابی	مثلثه ناری	مثلثه مائی
جوزا	ثور	حمل	سرطان
میزان	سنبله	اسد	عقرب
دلو	جدی	قوس	حوت

مثلثه مائی چهار حرف زیره اخلافست با چهار حرف هندی و تکراری که در حروف واقع شده از آن جهت حمل بر غلط نکنند
و لیکن باید دانست که هر عمل از اعمال مذکوره عزیمتی و تسخیری خاص هست و بعضی عزیمت اند و بهر قرار داده اند
و بعضا این ذکرها عزیمت خواهند رفت و در این عمل طالع بروج کار و حساب باید کرد چنانکه اگر طالع شخص یا طالع شهری یا ملک
معلوم باشد حروف اوتاد آن طالع را باید ستد که بان تلفظ کنند و اگر طالع معلوم باشد طالع تعیین باید کرد که عمل کنند تا عمل
بحصول رسد و هرگاه که اراده عکس عمل داشته باشند حروف اوتاد را معکوس باید ستد که عمل او بدو حروف اوتاد حروف بیت
طالع است و بیت رابع و بیت سابع و بیت عاشر و هم چنین بدان که قمر که در برج حمل باشد چهار درجه و نیم حرکت کند چنانچه دو
هفت شبانروز و ثلث شبانروزی سیصد و شصت درجه تمام سیر کند و از این قرار هر برج که سی درجه است بدو شبانروز و
شش ساعت و چهل دقیقه عمل میکند چنانچه منزلی از منازل است و هشتاد و هشت منازل هر یک سیزده ساعت و سی و چهار دقیقه و کسری دقیقه
عمل میکند و اگر قرار عمل باید در شرف و خانه و وزری بینند از این قبیل عمل حساب باید کرد و اگر قرار عمل شمس و دوش حساب اوقع بینند
باید دانست که از روزی که آفتاب بنقطه اول برج حمل رسید از آن روز تا سیزده شبانروز الف را قوت تمام هست و دو علامات
روز چهارم تا روز بیست و ششم از نحو یا حمل حرف با قوت بابد از حروف دیگر است و از روز بیست و هفتم تا روز سی و نهم حرف
جیم غالب است و علی هذا القیاس تا سیزده روز آخر سال که دوران سیزده روز آفتاب بمنتهای درجات حوت میرسد قوت حرف غین غالبست
اگر چه بعضی از استادان چنین کفته اند که اصل حروف عربی پنج حرفست و آنهم در لوح محفوظ با این نوع مسطور است که بعربی بود
و حروف خمسه مذکور مفاتیح پنج اسم است از اسمای الهی و آن اینست و شرح آنها حروف خمسه اینست که

کفته اند که الف را چهارده شکل است یک شکل معروف بدین صورت ا و باقی اشکال منکرات و اجمله منکرات نه الف مسطوح صفت
شکل بدین صورت ب ت ث ن ک ل ی و از جمله کاف و لام هر کدام دو الفند و واو الف مبسوط اند و دو شکل بدین جهات

ط ظ ودو والف دیگر معطوف اند در یکشکل بدین نوع لا دوم چنین جیم را هفت شکل هست یکی معروف ج دیگری چماح دیکری منکوره غ کرانرا ارکان کوینه دو دوی دیگر محذوف د ذ ودوی دیگر شاخص ع غ دوم چنین حرف را نیز سه شکلست یکی معروف ه ر ودو دیگر منکوره ذ و دون را شش شکل هست یکی معروف ن دیگر منکوس س ش ص ض ق دهم را دو شکلست یکی ه و یکی منکوس ه و شکل این حروف بنوعیکه صاحب کتاب شمس الآفاق نموده چنین است وصورت این شکل این است

دیگر باید دانکه مثلثات اربعه را هر کدام روحانیتی
هست که ایشانرا در هنکام عزیمت باید یاد کرد
و هم چنین عناصر اربعه را نیز هر کدام روحانیتی
هست که اسم ایشان نیز در وقت عمل ذکر باید کرد
و عزیمتیکه شامل جمیع باشد بر طبق قول عزیز
ادوعیه این است و شرح این جمیع طول دارد اکر
این مختصر را کنجایش این نیست لهذا مجملا با ختصار
نوشته میشود تا محمل بر عدم علم و اطلاع
بر آن نمایند و بدانند که طریق ریاضت شاقه و
مشقت تمام هیچ مهمی صورت نمی بندد و قضای
مهمات علوی بتفصیل روحانیات بعضی از ایشان
اینست و عناصر نوشته میشود ان شاء الله

مثلث ناری	مثلث هوائی	مثلث مائی	مثلث ترابی
حمل اسد قوس	**جوزا میزان دلو**	**سرطان عقرب حوت**	**ثور سنبله جدی**
شراحیل شراطیل شمطاییل	سرافیل صهوائیل همکاییل	بتقائیل مرفائیل نقیبائیل	عزرائیل عقیبر شمکائیل

روحانیت عناصر اربعه اینست

نار	**هوا**	**ماء**	**تراب**
قلهم	قافیم	الفاآی	بنبا قا

روحانیات کواکب سبعه اینست

زحل	**مشتری**	**مریخ**	**شمس**	**زهره**	**عطارد**	**قمر**
اسقیائیل	الجوادائیل	بهقیائیل	طلیائیل	اسجیوائیل	الکیکائیل	تقوشیل

و عزیمت او و ساده اینست

بســــــــــم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم یا قدوس یا حی یا جبار یا متکبر یا عزیز یا مومن یا مهیمن لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا قریب یا علی یا مقتدر یا عزیز یا احد یا صمد یا صانع کل مصنوع یا منزل البرکات یا مجیب الدعوات یا من هو حی ابدا یا من هو قیوم شهید و هو حی قیوم جبار عظیم یا مالک العرش اجیبوا المنادی من کل مکان قریب یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج لهم ما یشاءون فیها ولدینا مزید اجیبوا و ازلوا بحق هذا الکلام العظیم القسم الکریم یا شراحیل و یا شراطیل و یا شمطاییل و یا سرافیل و یا صهوائیل و یا همکائیل و یا بتقائیل و یا مرفائیل و یا نقیبائیل و یا عزرائیل و یا عقیبر و یا شمکائیل و یا اسقیائیل و یا الجوادائیل و یا بهقیائیل و یا طلیائیل و یا اسجیوائیل و یا الکیکائیل و یا تقوشیل اجیبوا و ازلوا یا اصحاب الطبایع الاربعة یا قلهم و یا قافیم و یا الفاآی و یا بنبا قا اجیبوا و تصلوا حاجتی بحق القرآن العظیم و الکتاب الکریم فانه لقسم لو تعلمون عظیم بارک الله فیکم و علیکم **و عزایمات طبایع اربعه** این است **عزیمت حروف ناری** اعیطلاع عیطلا ع هیوش هیوش براخ براخ قدوس قدوس

دربالللکه قالوح

درب اللکه قالوح **ا ع ه ط ح ف ش** **عزیمت حروف و قلم طلسم آن اینست**
[illegible]

عزیمت حروف هوائی و طلسم آن اذوبیل ازوبیل عزبیل عزبیل عتبیل توبیل قراطبیل قراطبیل یذبال یذبال لا اله الا هو القدیم الحکیم المدبر العظیم **ق ی ص ظ ک غ ض**
[illegible]

عزیمت حروف و قلم طلسم آن
مجمغیال عبال اوغال اوغال یسوغال یسوبال ال ال الجلد علا الطایف الکافی **ج د ز ب**
و ملائکه این حروف بنوعیکه صاحب شمس الآفاق بیان کرده براینست **خ ت ذ**
[illegible] نوع است اسرائیل جبرائیل کلکائیل اهرائیل زوبائیل رقتائیل سرفیائیل نبائیل اسمعیل شرکیطائیل حدقودائیل طاطائیل تقیائیل حولائیل همرائیل لومائیل سرحائیل الجمحکائیل عطرائیل اهوائیل همرائیل عزرائیل میکائیل حمکائیل اسرافیل عطکائیل لوضائیل لوحائیل واستادان در طالع اعمال قرار چنین داده اند که از بروج هوائی درجات اول تا آخر ایشان نحوست و درجات وسط ایشان سعد چنانچه ده درجه اول این بروج با ده درجه آخر این بروج نحس و ده درجه او وسط ایشان سعد و در وقت عمل لاحظه درجات باید کرد که سعد را بسعد و نحس را به نحس عمل کنند و هم چنین بروج خاکی و آبی ده درجه اول ایشان و ده درجه آخر ایشان سعد است و ده درجه وسط ایشان نحس والله اعلم و بخور کواکب در عمل طلسمات که گذشت اینست **بخور شمس** [illegible] **بخور مشتری** صندل سفید [illegible] و عنبر **زهره** عود [illegible] **مریخ** فی اعمال الخیر لبان و فی اعمال الشر دم الساعر الهابس [illegible] **عطارد** مقل و لبان در اعمال [illegible] و در اعمال الشر بخور **زحل** در خیر لبان و در شر حلتیت و کبریت **قمر** فی نداها لوبن [illegible] و صندل سفید و فی نا نقص الثود کافور [illegible] صاحب کتاب مکتوم در کتاب مذکور میکوید که در تسخیر روحانیات کواکب سبعه هفت روز باید داشت و چنان باید که روز نخستین روزی باشد که کوکبی که روحانیت او را دعوت میکنند متعلق باشد چنانکه اگر روحانیت زحل باشد روز شنبه آخر صوم هفتم باشد و اگر مشتری باشد روز پنجشنبه آخر صوم هفتم باشد و قس علی هذا و در روز نا خر قربان باید کرد [illegible] بخور کواکب سبعه بدین تفصیلست **زحل** زاغ سیاه و سک سیاه در برابر کوکب زحل ذبح باید کرد و در شب هفتم **مشتری** بره که بچه بیرون آمده باشد در برابر مشتری ذبح کرده از جگر بره اندکی باید خورد و باقی تصدق دهد **مریخ** بط سیاه و خوک قربان باید کرد در برابر کوکب مریخ و از جگر او و از جگر او باید خورد و در شب هفتم **شمس** کوسالة قربان باید کرد در برابر کوکب [illegible] و از جگر او باید خورد و باقی را تصدق دهد **زهره** کبوتر سیاه و سفید ذبح باید کرد در برابر کوکب مذکور و از جگر شان باید خورد **عطارد** دو خروس قربان باید کرد در برابر کوکب اگر واقع شود یکی سیاه و یکی سفید و از جگر شان باید خورد **قمر** میش قربان باید کرد در برابر کوکب مذکور و از جگرش پاره باید خورد و دعوت ان کواکب انچه مفصل هست بعضی انچه در زیر باقی است هکذا باید کرد که کوکب مذکور معروف باشد و انچه دعوت [illegible] وقتی دعوت شان باید کرد که مشرق باشد و اول انکه کواکب در خانه خود باشد هنکام دعوت باید بر آن شرف و حالی از نحوس باشد و اشکال کواکب مذکوره چنین یاد کرده اند **زحل** پیری که در دست مرا می باشد و در دست چپش دستار و در کنگ نشسته و عصا بر خود دارد و ان داری جشان و صورت دیگر ش پیری برابر نشسته خشکی چهار دو پیرار خود میدارد و در دست چپ اوسیری و سیر را بر روی خود در آورده و در دست راستش نیشتر و جامه سیاه پوشیده **مشتری** مردی در دست راست او شیری بر هند و دو بعو آگه و در دست چپش کان در باجی نشسته و صورت

دیگری مردی بر کرسی نشسته جامهای ملون برنگ مختلف پوشیده و در دست چپ عودی گرفته **مریخ** جوانی بر وی شمشیر و سواد
در دست راستش شمشیری برهنه و در دست چپش تبرزینی صورت دیگری بر اسب خنگ نشسته و خودی بر سر نهاده و نیزه در
دست چپ گرفته و بر سر نیزه طراده لعل بسته و در دست راست او سرا دمی و جامه سرخ پوشیده **آفتاب** مردی بر دست
عصا گرفته و بر آن عصا تکیه زده و سر عصا بصفت ... دیگر نشسته و چهار ... را میکشد و ... دیگری
کلاه کوه صورت دیگری مردی ... او جهت طبقی و ... چهار اسب کرفته و جامه زرد پوشیده **زهره** زنی بر شتری نشسته
و بر طبلی بر کنار نهاده میزند و صورت دیگری زنی نشسته و چهار ... در دست راست او ... دیگر ایستاده و در روی ... مسکرد
و جامهای زرد و سبز پوشیده **عطارد** جوانی بطاوسی نشسته و در دست راست او ماری و در دست چپ او لوحی که او ...
میخواند و صورت دیگری مردی بر کرسی نشسته و مصحفی در دست دارد و میخواند و بر او تاجی و جامهای ملون پوشیده
قمر مردی در دست راست عصا گرفته و انگشتان دست چپ میجنباند چنانچه بشمار حساب میکند و بر او تاجی و بر کرسی
نشسته و چهار اسب او را میکشند **و اسامی ازواج کواکب** مذکور چنانچه صاحب کتاب غایة الحکیم یاد کرده و صاحب
مکتوم هم بر آن رفته اینست

قمر

اصل زبر زبر
عو بوش ماهوش ماهوش
یعنی گردنده یعنی پراکنده یعنی تیز دهنده
دست راست دست چپ پیش
بلطا طیماش دهوش
یعنی تکیه دهنده یعنی برانند یعنی زیبا بنده
عقب حرکت
عبالوش اعالوش
یعنی رحمت دهنده یعنی طرب دهنده

زحل

اصل زبر زبر
شهماس طوش خودش
یعنی کوبنده یعنی فرو کذارنده یعنی تیز شونده
دست راست دست چپ پیش
تهوش دد بهوش طاش
یعنی شتابنده یعنی دور کننده یعنی کرانه کننده
عقب حرکت
دروش هیطوش

مشتری

اصل زبر زبر
دماهوش درماش مطیش
دست راست دست چپ پیش
محیش وربش طمیش
عقب حرکت
فروش وهیدیش

مریخ

اصل زبر زبر
دهدیوش عاجندلیش عهد بوش
دست راست دست چپ پیش
معریش اردهوش هیدعوش
عقب حرکت
مهندیش وهیدیاش

آفتاب

اصل زبر زبر
بیندلوش جاش بیدوواش
دست راست دست چپ پیش
هقاش بطاش صعدیش
عقب حرکت
ماریش طهماریش
رمز حروف علة دهشفاش
ی
درعاهو لبیش تیز دودهنده تیز قوه دهنده

زهره

اصل زبر زبر
دهدریش عیلوش لهیدیش
دست راست دست چپ پیش
دهاریش الیلیاش شلهوش
عقب حرکت
ادهوش اهطاریش
و
طاهطرمش یعنی زر کفکو آرنده

عطارد

عطارد **اصل زبر زبر راست چپ پیش عقب حرکت**
بهوناش امراش هیطیش ساهیش واریش هیلیش برهیش بیهوکیش

و تصرفات روحانیات کواکب با رجا تو ذاهب در وجود آدمی زاد و محوای او بر این نوع است که ذکر میشود
زحل مشتری مریخ آفتاب زهره عطارد قمر زحل مشتری
قوة ماسکه قوت جاذبه قوة غضب حیوان شهوانی قوت فکر طبیعت سامعه لامسه
مریخ آفتاب زهره عطارد قمر زحل مشتری مریخ آفتاب
دافعه باصره شامه ذائقه جیشین بکپره کوش راست کوش چپ سوراخ راست بینی چشم راست
زهره عطارد قمر زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد
سوراخ چپ بینی زبان چشم چپ ایام پیری کهولت جوانی میانه عمر وقت بلوغ کودکی
قمر زحل مشتری مریخ آفتاب زهره
طفولیت شیرخوارگی ... ارکها و نطفه و مغز اکها رکرده و جوف دماغ و ... پیر ... وجگر
عطارد قمر
اکهای راست چپ ... اعصاب دست چپ و اعمال حل و عقد اگر کند عقد باد را و آتش عمل باید کرد و حل آن
در وقت اخذ و دزا ما حل بجهت قاعده که در مکتوم بیان کرده اینکه صورتی بزرگ از موم باید ساخت و بار بیضی سفید
از سر تا پا بر کرانه چپ کرد باشد باید آدمی سر میمیج که مذکور میشود بر کاغذی باید نوشت که در سینه صورت نشند و در زیر
سر تا پا مقدار ... میکند کرد ان و مسند بخور کند و در تحت دیگر بجهت این عمل اینست مشتمله زعفران و در بند عود قماری
هان عزیمت کرد بر کاغذ نوشته اند باید خواند و علامت اجابت عمل آنکه صورت متحرک شود از سر تا پا می باید داشت و در لعادگی
بچهار درجای پاک که کرم باشد دفن باید کرد اما که موم و ادار در تبه باشد که موم بگدازد کما اگر کداخت عمل سدا است ... عزیمت
اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ایا الاشد و یا ابا المعتصم و یا ابا بردة و یا ابا مالك و یا ابا الیونس بالله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم و عنت الوجوه و خضعت له الرقاب و خشعت له الاصوات و وجلت له القلوب و ذلت له
الخلایق و نزل له العرش و قام بامره الروح و انقادت له الجن و الانس و الشیاطین و الارواح و ادعنت المردة و تضعضعت
له العفاریت و خدم له المتمرد و مون و انقید له المتعین ان کلهم الا ما جیبوا و اطیعوا الا امرکم به بعزیمتی و کتابی هذا فانه کتاب
هو کتاب الله و انه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید و عزمت علیکم بعزیمة التی یوق کل عزیمة الجعل
الساعة الساعة بعزة من انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون و عزمت علیکم بعزیمة
محمد بن عبد الله بن عبد المطلب صلی الله علیه و آله و سلم و عزمت علیکم بعزیمة علی بن ابو طالب علیه السلم و عزمت علیکم بعزیمة
سلیمان بن داود علیهما السلم عزمت علیکم یا رئیس الودایع بحق شمعون و شمعشون و بحق اهیا شراهیا اصباوت آل شدای
عزمت علیکم بعزیمة الله العلا ... قد ... جبرئیل بکا ... و جعل بینکم و بین الجنة ... احرضت ابینا
تکونوا ... ان الله علی کل شیء قدیر ... و اجابة الجنة ... جون ... ۲ ... ۴ ... اهیا اهیا ... عجلوا
من ... الله ... و صلی الله علی النبی المختار محمد و آله الابرار ... بخور مرغ ... کرم اول
باید ... میکند ... صورت ... بر کاغذی ... بیضه ... آتش ...
و هان اسمار ... بر کرباسی ... بیضه در ... و بعد ... برده در ...
کن و آتش ... خاک ... بیضه دفن کن ... مشتعل کن ... و اسماء ... حاصل شود و اسما که
باید نوشت بر کرباس و باید خواند اینست ... **... عزیمت هم ... نیت** و ... الله القدیر ...

49

صد اسد نوبت احلا سه نوبت چهار سه نوبت هیئه سه نوبت اذو نای اصابوت آهیه دو نوبت یلخ
سه نوبت طلیه هون نوبت لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم وجعل
بينكم مودة ورحمة ان رحمت الله قريب من المحسنين فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم والنا له الحديد الى اخر الاية فلما راه
راه مستقرا عنده الى اخر الاية واين عمل محبت دفع ودوجه بايد وعلى بكويند اول مرغ ما بيست دكار يك سهيل يكدان
اسما بيضه نويسند اين عبارت يا شمعون يا شمعيثا يا املاثين والشياطين هجيع روحانية الساكن في قلب فلان بن فلانة
محبت فلان بن فلانة بحق هذه الاسمين اللهم الف بينهما حبا شديدا باحيا شراهيا اذو ناى اصبا وث الشداى وبالحق انزلناه و
بالحق نزل وبيضه مذكور را در نعلدان بکچیده درجای بالیفی بايد كرد كه بالای آن آتش مشتعل كند ومضمون نند بهم عبارت
كه نوشته شد تكلم كنند كه عزيمن يحول سدا اعاد تكون حضد وحل بابد خواند اينست عقعقت روحانية شهوة فلان بن
فلان على جميع الناس واخذتها بقوة الارواح الروحانية كعقد الجبال الصلبة وكتوثيق بايد خواند طلقت وطلت
عن فلان بن فلانة عقد شهوته المعقودة بحق الارواح الروحانية بحل الظلمة النور وانى كلا تركم ازجعت بحوبا بيد خواندن علاج بغض
يا ابهرة ويا بهما كال ويا جهد وك بحقوا وامر عوا البغض والتفريق بين فلان بن فلانة لا محبة ولا مودة ولا صلح بينهما الا العداوة
والبغضاء والبغض ههياه ههياه ههياه ... الساعة الساعة الساعة ابضا اين هفت اسم را بر هفت پاره كوبا سرباید
نوشته بنام شخصين دوالي ومهر بايد بكبار ان كوباس راهداب ودان بايد پوست تا نوشته ها محو شود اول الاخلاء يومئذ
بعضهم لبعض عدو الا المتقين دوم ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون سيم يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا
ما وعد الرحمن وصدق المرسلون چهارم قد بدت البغضاء من افواههم وما تخفي صدورهم اكبر پنجم انما يريد الشيطان ان
يوقع بينهم العداوة والبغضاء ششم بسم الله ومن الله مثل كلمة خبيثة الى قرار هفتم ان ياجوج وماجوج مفسدون
في الارض الى يسدا العجل العجل الساعة الساعة علاج محبت ودشمنان از موم عروسي بايد ساخت چنانچه صورت التقايم باشد
ووزن رجوع بايد باشد و در ميان دو چشم صورت هيئات التقايم نصب بايد كرد در صورت رأس برابر هركه التقايم جوق نايد
فرج بايد گشاده و در دهان هر دو صورت قدري مشك بايد نهاد و طالع حرب باشد در صورت بايد كشت شيد و هيكل بيك نعمت
در برج ثور طالع شود و با قمر بنظر مثلث باشد در اول روز جمعه كرسي بر ابر هرج بايد نهاد و هر دو صورت بر بكرسي بايد نشاند
و دو لان با مرو صاحب جمال يا ز حجيد را بايد گفت كه به هیئت راست هر دو صورت را در ربع مشتري بالای كرسي برابر مرحم بنشاند
و بخوری كه نوشته مي شود بايد سوخت در ان وقت و در ميان خطاب زهره را بايد خواند كه باتمام و عبارت الصور تها
با معانقه بايد كرد چنانچه هر آنچه در هر دو جوي شود و هم دلخان حرير بايد پيچيد در بطرف سفال نهاد و در ميان باغ
دفن بايد كرد و بخور اينست زعفران مشك شكر عنبر عود قماري قصب الزنبل سنبل الطيب لا
ربع جزو جزوی ... نيم جزو سه جزو جزو جزوى دانكي نيم جزو
مجموع را كوفته و بيحته با گلاب
بايد خمير كرد كه حب ساخته شود خطاب زهره اينست بسم الله الرحمن الرحيم عزيمتي عليك ايتها
الزهرة اللطيفة وناهيد الشريفة وسعد المنيفة يا سيدة المباركة الرطبة المعتدلة الحسنة صاحب الحلى والزينة والملاحة
والسكينة يا ملهمة الناس يا سعد الناس يا ذات الجمال والبهجة والطرب والسرور والنكاح بالصولة المحبة والشعف والعشق
با سعد السماء واحسن ما في العالم الاعلى اسئلك بحق كما انا المشفقة من برج الحوت حبيب المشتري وبحق عليك
ان تؤيدي على جلب قلب فلان بن فلانة بالمحبة الدائمة الباقية على فلان بن فلانة بتفريق زينت البلاد لقلوب الاحباب يا
باعثة السرور والفرح ويا طاردة الهموم والترح اسئلك بحق الملك الاعظم الذي فاض عليك النور الابهج الذي
لا تستطعت التباعد عنه اكثر من ثمن الفلك وبحق ملكك المجاور لك حركي روحانيتك الكائنة في قلب فلان بن فلانة

على محبت فلان بن فلانة محبة باقية حتى بقاء فلك تدوير بل بقاء فلك الخارج المركز بل بقاء فلك المثل بل بقاء
جوهر بل بقاء فلك البروج آمين آمين آمين آمين الكون در عبارت اين خطاب اينجا كه محل اسم شخصين است اگر باشد
خود كند على بايد گفت و بر جاى لفظ قلب فلان اگر قلوب الخلائق گويند بهتر است والله اعلم جهت محبت اين بعضي از عزايم
و حكايات مرقوم شد شروع ميرود در بعضي از عزايات معتبر كه محبت هر مقصود شروع تواند خواند وبالله التوفيق
ديباچه العزايم بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا شيخ ثشيخ ذ الاها موسيشطيون اجب يا عزرائيل
وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك من الاعوان الذين انت موكل عليهم بحق الذي له الاسماء الحسنى والصفات العليا
والضياء والبهجة والبهاء وبحق اللهم يا ذا الوطمين يوافوقاد بهوثون دموتود بهوثون اجب يا سرافيل وتوكل بقضاء حوائجي
انت ومن معك من الاعوان انت موكل عليهم بحق الذي هو مسبح بكل مكان ممدوح بكل لسان مذكور في كل اوان وبحق
اللهم يا رعش بنتوار عيشط وخلدخوث اجب يا شمخائيل وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك من الاعوان الذين انت
موكل عليهم بحق الذي سبقت اوليته كل قبل فلا قبل الاولات اللهم يا رحموت ارحا اهي ارحموت اجب يا قطائيل
وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك من الاعوان الذي انت موكل عليهم بحق الذي هو منبع الرحمة والرحمن الرحيم
الذي وسعت كل شيء علمه ورحمته وبحق اللهم يا حنو مهتو يا رقبش يا دعلبوت اجب يا صمصائيل وتوكل بقضاء حوائجي
انت ومن معك من الاعوان الذين انت موكل عليهم بحق الذي لا يليق التسبيح والتقديس الا به والتمجيد والتهليل الا له
وبحق اللهم يا اهيا اشراهيا اذوناى اصباوث اصباوث نوثن اجب يا سمسمائيل وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك
من الاعوان الذين انت موكل عليهم بحق الذي هو الحي القيوم ومحل الموف الذي قامت السموات والارض والخلق بامره وبحق
اللهم يا دهيثا دهليوا دهبلوت مهطورن اجب يا قوريائيل وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك من الاعوان الذين
انت موكل عليهم بحق الذي عنت الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات وذلت له الشمخ الباذخات الصعاب
وبحق اللهم يا بوذو ادعش ارعيشش لعنوش اجب يا فراقيائيل وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك من الاعوان الذين انت موكل
عليهم بحق الذي استضاء بنوره اهل السموات والارضين وانجلت به كل ظلمة وبحق وبحق اللهم يا شبرا اسمو شمخ
اشما اشفوش اجب يا روحائيل وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك من الاعوان الذين انت موكل عليهم بحق الذي له
العزة لعزته قهر كل شيء بقدرته وسلطانه وملكه وبحق اللهم يا ملكوتو املخا ملغوث اجب يا نورائيل وتوكل بقضاء حوائجي
انت ومن معك من الاعوان الذين انت موكل عليهم بحق هو الذي علا بعزته وقهر بجبروته واستاثر بقدرته وغلب بقوته
فلا شيء يقاومه اللهم يا علام ادعل ادعا ادعى ترعون اجب يا عزرائيل وتوكل بقضاء حوائجي انت ومن معك من الذين
انت موكل عليهم بحق هو العالم بكل شيء كان او يكون الخبير الذي لا يعزب عنه الغيوب وما تخفي الصدور وبحق اللهم يا شمخ
مشمخا امش لا صوت بين الكاف والنون انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه
ترجعون اللهم اني اسئلك بعزة هذه الاسماء الاعظم ان تسخر لي سائر الملوك والاعوان من الانس والجان وان تسهل
امري على يا رب يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على محمد وآله الانام برحمتك يا رب ايضا ديباچه العزايم بسم الله الرحمن
الرحيم يا شمخيثا وياشمخيثا ويا شمهوشيثا ويا شمخوثا اجب يا كسفيائيل على ما تسخر لي قلوب الناس اجمعين و بر جاي
اين عبارت هر عبارت كه خواهند بايد گفت بحق من له الحكم والامر عليك يا شثيثا ويا موسطيثا ويا شطيثا ويا
اجب يا مرجائيل على ما تسخر لي قلوب الناس اجمعين بحق من له الامر والحكم عليك يا شمهونا ويا شلهيوثا ويا دهيثا ويا
دهموشيثا اجب يا سمسائيل على ما تسخر لي قلوب الناس اجمعين بحق من له الحكم والامر عليك يا شطيع النور ويا قطيع
النور ويا نور النور ويا شعيثا بينخ اجب يا دوقيائيل على ما تسخر لي قلوب الناس اجمعين بحق من له الامر والحكم عليك

٧٠ يا طيموج يا طينموج ويا طمهموج ويا طيميرح اجب يا عنيائيل على ان تسخر لي قلوب الناس اجمعين بحق من له الامر والحكم عليك
يا مضيضي ويا شليكيفي ويا جهتي ويا طغاثث اجب يا مبدعائيل على ان تسخر لي قلوب الناس اجمعين بحق من له الامر والحكم
عليك يا اهيا ويا شراهيا ويا براهيا ويا قدمهيا اجب يا جبرائيل على ان تسخر لي قلوب الناس اجمعين بحق من له الامر والحكم عليك
اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وتسخر لي روحانيات الكواكب السبعة المرة ليعينوني على الاعداء انتم من حوائج
الدنيا ومناهج الآخرة برحمتك يا رب دعاى بشمخ بشم الاهاد خمار رحيما اللهم يا بشمخ بشمخ دالاها موسش طهون بسم الله
الرحمن الرحيم الذي له الاسماء الحسنى والصفات العليا والضياء والبهجة والبهاء اللهم يا ذا النور الذي يسبح بكل مكان
عليه تواحمدوح بكل لسان دموعتو ادموتون مذكور في كل اوان اللهم يا ادعيش ادمشطدخ لا خون الذي بيّنت
اوليتك كل قبل فلا قبل لاوليتك اللهم يا دهموث الذي هو ابدا ادخ الرحمن ارخيتا الرحيم اللهم يا حيتو ميثودا
ادقش دادعلوون الذي ملاء كل شيء عدله ورحمته اللهم يا اهيا شراهيا آدوناي اصباووت اصباقتون الذي لا يليق
التقديس والتسبيح والتمجيد الا له اللهم يا دهبش ادهيلو ميطوفون الذي هو الحي القيوم محيي الموتى اللهم يا يوم
وادهش ادهيش شفوون الذي قامت به السموات والارضون اللهم يا اهيا اشر اهيا شمخ اشما اشفون الذي خشعت
له الوجوه وخشعت له الاصوات وذلت له الشمخ الباذخات الصعاب الصلاب اللهم يا مكلوتو مليخا مليخون الذي
استضاء بنوره اهل السموات والارضين وانجلت لنوره كل حينا وبهجته ونوره اللهم يا علام ادعل لدعا ادعى
تريون الذي ذلت لا عزة لعزته وقهر كل شيء بسلطانه وقدرته وملكه اللهم يا مشمخ مشمخ افش كاهون
بين الكاف والنون الذي ملك بعزته وقهر بجبروته واستاثر بقدرته وغلب بقوته فلا شيء يقاوم العالم
بكل شيء كان او يكون الخبير الذي لا يعزب عنه الغيوب وما تخفي الصدور واذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون استاد كلام بشمخ چنين گفته الله كه هر كس اين دعا را بخواند ...
بوجه نفع ندبوجه شر هر كه بدى بوى رسد و بيمار نكرده واين عزيمت را هر بيمار كه بخواند بر وى شفا يابد عزيمت ثانيا
عزيمتي بركت واين دعا را خاصيت ... بسم الله الرحمن الرحيم عزطيها ل صعليكال
عمهيال ارنيال مشير مشرو جاوريب والملاء صفاصفا ياشلكيا يا مكفيا يا كفيا اهيال عمهيال لا اله الا هو كهيعص حمعسق
اياك نعبد واياك نستعين اغثني بعونك القديم واكرمني بكرمك يا اكرم الاكرمين ودعا اينست ... كه ابن ابتداء اين دعا
لذوا لوذوا لاى لاجنن لاذكير لذدبير ابتداء دعا قرثيا قرثيا جلاو مملا دنوشيا سنوتيا شموشيا
شموشا تكيا انفطا انطيا اندطيا عنطيا عنطيا طوطططن اهيا اشراهيا
الصمد الصمد الكبير العليم الخبير الجواد المالك الملك ذو الجلال والاكرام
القادر الفرد المنتقم الباسط القابض المقسط المعطي الباقي الحي القيوم
فدميثا هلمثا هلاميثا هلميدها هرجا اهوائيل الكوائيل جبطائيل خروائيل روامائيل
المدبر الاول الآخر الظاهر الباطن واين پنج اسم از اسماى ملائكه كه روحانيات
اشروقيا اشروقيا اشجبائيل اهرائيل
اعلائيل اكوائيل ترشوشائيل زكوحائيل اوقائيل حمور عاير ملك موكل برق بدان بيامر الدعا
تنقتائيل قنقائيل مهرائيل سقدرسائيل ميكائيل سركتائيل الى ابن ١٢ اسم از اسماى ملائكه موكل كرسى اند اه واه
فايمر بهموشيو الكوداسير منطوطره مشقوره محدوده برغا فقرغا نابيش الطريش ارتيش اوره
يا ستار الرحيم ... الرزاق الفتاح الجبار الوهاب السميع البصير العلام المتكبر المؤمن
اروه ونايه سبائيل الكنائيل حيائيل صمور روائيل نورائيل درداييل شمخائيل جمهائيل جمائيل لطيطائيل
المهيمن العزيز شمطائيل زوحائيل روحائيل اين اسماى ... ملك است كه موكلان لوح دفلنه صنطري صنطرى
ربي ربي

مودها

بودها بيروما ابروما ابيل انشكز اشكزى ارمائيل اهريائيل اهرسائيل الهامى اهاهي
دركير الغياث موكل شمس ابن ملكيز راك ... برزك ... برزك ... ملائكه ... اسماء ... شهونا شهونا شهوطا شامة
انهي ... الغفور المؤمن الكبير الجليل ... تبيشا مكوبتة سكوبتة شهطرشا
اهلي ومالي وولدي واولادي ابن ... اسم ازاسم بزرك اسمت ...
وما يحيط به شفقتي وقلبي بحق هذه الاسماء العزيزة والكرام البررة الروحيين والروحانيين وانقضى حاجتي يا رب العالمين
كذا وكذا العيدان بكيا راانيد عار ابخواند عددما علم الله وزنة ما علم الله وصفت نوبت اين صلوات بخواند ٩ اللهم صل على
محمد عبدك ونبيك ورسولك النبي الامي وآله وصفت نوبت اين دعا بخواند اللهم اغفر لي ولوالدي ولمن توالداني
ارحمهما كما ربياني صغيرا حجاب الانسان لابن العباس شهلم شهولكشلع طشلم اهلاميلع ادش ادش مادش
شهشهد طوشا وطوشا توكلوا ياحنام هذه الكلمات نبدا فواه اهل العالم وطمس اعينهم وذلك قابهم مثلنا بهم قلوبهم
فلا يستطيعون ردها ولا هم ينظرون حرز النافع حم قيوم طاب وكلاب فيا عن طعال عرجلوس عرجلوس طباهيا شراهيا
انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون اللهم احفظني من جميع المكروهات بحفظك يا حفيظ يا حفيظ حجاب الشمس بسم الله
الرحمن الرحيم بشماهوب المخزون الطاهر المبارك المكنون الذي تسبح به الملائكة حول العرش رب العالمين وتحرق العصاة
من نهاية نور السمائه مبطلها طهوت الذي قضاه مضمون وارم بين الكاف والنون اجب يا هفهفا بيل وات ميا
هلطفا بيل وات بالكهطا بيل وات يا صفايل اعينوني بعون الله ولمدوني بقوة الله فاني استعين بالله رب
وربكم على هؤلاء المتعرضين لبني آدم لفلان بن فلان ادموهم بشهب الحكم والهيكم بانوار كرمي حتى يصيروا كرماد اشتدت به الريح
في يوم عاصف فتضمحل مفطوطح مد هوطح يدهوطح بطح نوربهى اضياء فقطع ولمع واحرق من طرق الجن ما
الشياطين الحق بهم يا طفيا بيل واسرع بهم يا قوطيا بيل واحرقهم يا صرفيا بيل وادمهم يا حرميا بيل افعلوا ما تؤمرون
بحق ما تعلمون من اسماء الله وطاعة ربكم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ستورت الافلاك وتقدست الاملاك بنور
صاحب الانوار الجلية واللوامع البهية صاحب اللاهوت الاعظم والملك الاقهر رب النار والنور والظل والحرور دقيوم السموات
والارض قاهر الطغاة من الجن والانس نالوم سهشلوم طاهوت اهيب طهيوث الشلع يعويو بيبر احرقت الطغاة
بنور هذه الاسماء وقد كل شيطان مارد وخابت ضراوة الحكم يا معشر الجن والشياطين عن مرم ن مرم ليجام مزار النيران دقوا فيه
محرقات القران يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران فلا سبيل لكم الا من آمن بالرحمن ونعوذ بمعوذات الذكر والقرآن
خلوا سبيلا قبل ان يرسل عليكم الشهب المحرقات من الملك العظيم شانه البعيد مكانه الموكل بهذه الاسماء اهيا اهيا اهيلا اهيلا
اعوانا صاحب المجد الاخضر الذي يلمع حوله لمعا الذي اذا تكلم احاسبه الروحانيون واذا اهلل سبح معه الكروبيون صوته كا
الرعد القاصف وعيناه كالبرق الخاطف بيده عامود من نور فيه هرة او استد يجد به الفطرت الفه شرارة تحرق من عصى
وعصى لسانه هو الملك الذي يقال له الفرابن المخاطبون في تسبيحه عجبا لمن عرفك كيف يعصيك عجبا لمن يشق بالموت كيف
يفرح وفخوهم انهم مسئولون فلا سبيل لكم ولا راحة باسماء الله وعهوده ومواثيقه وتفنكم وحجتكم عن نفسكم وطردكم
ومنعكم عن من علق عليه كتابي هذا في حفظ الله وفي حرز الله وفي كنف الله وفي جوار الله ولا غالب الا الله العلي الاعلى
رب السموات والارض الطالب الغالب المدرك الفوت بعد الموت لا اله الا هو فاتخذه وكيلا حرز المجرب لدفع الحاد
بسم الله الرحمن الرحيم اعيذك يا بالله يا حامل كتابي هذا من الهول الذي لا يدفع والطارق الذي يطرق والهم
الا نفع والسبع الاذرع والذيب الادرع والفهد الاشنع والحية التي تلسع والعقرب الذي يلدغ والكلب الذي يولع
ومن يمشي على اربع ومن يمشي على بطنه ما دامت الشمس تطلع والماء ينبع حلت عن حامل الها اعينهم فلا تقشع وانا نهم فلا تسمع
وايديهم فلا ترتفع وارجلهم فلا تتبع واعن حامل كتابي فلان وماله واهله واولاده وما ملكت يمينه بما استعاذ به آدم وشيث

۷۱

وهابیل وادریس ولوط وابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب ویوسف وموسی وهرون ویحیی وزکریا والخضر و
الالیاس وعیسی ومحمد صلی الله علیه وآله وسلم وعلی علیه الصلوة والسلم والائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین و
بالف الف لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم **عزیمت معتبر** که جهت هر مقصود مشروع توان خواند بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بحرمة اسمائک یا الله ۷ نوبت یا رحمن ۷ نوبت یا رحیم ۷ نوبت ان تصلی علی محمد وآل محمد
وتسخر لی ملکک وجندک ... بحق ... علی ... من حوائج الدنیا ومناهج الآخرة انک علی کل شیء قدیر وبالاجابة
جدیر عزمت علیکم یا معشر الملائکة الکرام الموکلین المطیعین الخادمین لاسماء الله تعالی ان تجیبون وتطیعون کما
ابوا ... الراضیة ... العظیمة ... علی جلب الرزق وتسخیر الخلق ... بعبارت ... باشد باید که
بحق بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم الاول العظیم بارک الله فیکم وعلیکم **عزیمت**
اخراج فخرج منها خائفا یترقب ... الحجاب اخرج یا فلان بن فلان من هذا المکان کما خرج آدم علیه السلم من الجنة وکما
خرج الذکر من الانثی وکما خرج الجنین من بطن امه اخرج یا فلان بن فلان من هذا المکان سریعا باذن الله تعالی وبحوله وقوته
اجیبوا یا روحانیة ... هذا المقام واخرجوا ... بحق ... ترقیب ...
... وهؤلاء ... یا ملائکة ... اخرج فلان بن فلان مکان سریعا باذن الله ...
الساعة الوحا الوحا **حجاب الکبیر** ساه ساه سادم سادم هلوب هلوب طلسوم طلسم ... قیوم
طاب ... ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم **عزیمت**
مجربه بسم الله وبالله ومن الله والی الله ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم اقسم علیکم معشر الارواح الروحانیة والاشخاص
الستة الموکلین باقطار الارض الحاملین ما بین الربع والخفض الا ما فعلتم ما امرتکم به من امرکذا ... طیطل
طیطول ... طیطل الجبل ... شهوب ... شند ...
... اهیل اهیل ... اجیبوا ...
... اجیبوا وتوکلوا بامرکذا ... اللهم یا حی یا قیوم ... لا تاخذه سنة ولا نوم
یا من وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم یا علی یا عظیم اللهم انی اؤمن بک ایمان المؤمنین بک
وکتابک ورسلک لا نفرق بین احد منهم وانا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علینا اصرا ... ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین اللهم انی ... بالطاغوت
... بالعروة الوثقی لا انفصام لها والله سمیع علیم اجب دعائی واقض حاجتی کذا وکذا انک قریب مجیب والحمد لله رب العالمین
عزیمت مجرب ... والنور والظلمة ...
ذی العظمة والکبریاء ... ذی الهیبة والبرهان اللهم انی اسئلک بحق اسمک المرتفع الذی اعطیته من شئت من
اولیائک والعصمة الاصفیاء من احبائک ... تغنی به فقری وتقطع به علائق الشیطان من قلوب ...
الله الحنان المنان القدیم ... القدیم **عزیمت دفع البلاء** ...
... ماش ... الروح الامین بالنور الساطع والضیاء
اللامع وبالکلمة المقدسة ... الاجسام ... القاهر ...
... طلسوم ... والذی علی فوقه عرش ... تبارک الله
رب العالمین ... **شرح این عزیمت** ... کفته اند که اگر کسی
را امری باشد ... در روز پنجشنبه ... در خلوت ...

ازروزبنج

از روز پنجشنبه تا چهارده روز که قمر ... باشد در ان خلوت معتکف باشد ... غذای ... شب ...
از حیوانی باشد ... مذکور حاضر ... اورا کسی ... باید کرد ...
قبل از شروع در خلوت غسل ... مشغول شود ...
بعد ... بخواند ... بعد ... اب ... کند ...
... زعفران ... باشد ... عزیمت بخواند تا
تا حقیقت حال ... منکشف شود **عزیمت جهت فتوحات** بسم الله الرحمن الرحیم یا فتاح بلا
مفتاح افتح لنا ...
یا ... یعقوب علیه السلم یا مجری الفلک فی البحر ... بالناس رئوف
رحیم ... **عزیمت خفاء از خصما** ... که این عزیمت که مسطور میشود
بخوانند ... بسم الله الرحمن الرحیم یا عظیم الشان یا شدید السلطان
... فقح ...
... الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله قویا عزیزا قوله الحق وله الملک
... فلا یستطیعون ... وهو دائم ...
... لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ وجعلنا من بین ایدیهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ام ابرموا امرا فانا مبرمون ... **عزیمت بجهت** ...
اللسان ... ام ابرموا امرا فانا مبرمون ...
... باید کرد ...
... بخواند ...
... **امان و عزیمت ابست** بسم الله
الرحمن الرحیم ... فقط قال ...
قال ... الارض ...
... طسم ...
... سبع ...
ساعات وسبع لحظات ...
...
...
... ثم لا ...
...  ... **عزیمت**
توقیفات ...
...
... القیوم ...

و در هر روز بعد از نماز فریضه بیست و یکنوبت عزیمتی که مذکور میگردد باید خواند و حاجتی که نقش شده در انگشت چنانچه باید
کرد ابتدا هنگام قرائت عزیمت و در و دو نکشند دیگر که روز هشتم ریاضت باشد چون بانا باید آمد از خلوت که بعد از جهت
توفیق هر کس در هر چیز چون عزیمت مذکور هفت بار بخوانند موثر شود عزیمت اینست بطوا ل ال ال الهیتهیتش طهیش
کند دیوش هطیش هطش الکلخ ال تلغ یاه اه اه شروخ یاروخ بادوخ بجلجلش بوخ بماخ قرمز طها هیا
ان غلیلیط قرات الونج هندج کودش وقش واقش طرش طرقش طوش شکش بوه نوه و اعوج یا عوج فعج
و سعوج تعوج یبد ابیل با هید اهیل عود عود بید یا هوت اضاوت اضاوت شلشا و دیمتا و صفی کفی
تمیال مطهوال یا ال اقنوهم یا حلام هذه الاسما بحق طوشش طوشش جد ال ال اقنوهم یا حلام هذه الاسماء کلکم
خشب منکم عزیمتی که بجهت جمیع مهمات شرعیه موثر خوانند و شرح آن چنانست که استادان گفته اند که و هفت بیا ی
روزه باید داشت چنانچه روز لوسوم هفت بیات شده باشد [illegible] عزیمتی که مذکور خواهد شد
عقب هر فریضه بیست و هشت نوبت باید خواند و [illegible] باید سوخت و لوح مربع از طلق یا باید ساخت
که چهار و چهار خانه داشته باشد در آن لوح نقش کنند و [illegible] خواهد شد بقاعده حروف هر بیت آن موقوف
لوح را با خود دارند و عزیمت وی خوانده باشند که موثر است و بعضی بکار استادان در باب همین عزیمت گفته اند که عدد حروف
مددوده بطریق بسط باید گرفت و مقصودی که داشته باشد عدد را اضافه عدد مذکور باید کرد که ساعت سعد در بر مربع موفق
دارند و عزیمت بخوانند که مقصود حاصل است و حروف مددوده اینست میم نون واو اکنون بسط حروف و ساط این حروف
منظور است که از احرف [illegible] نوع ی او و بسیط این حروف اینست ع ش ر س ت ه و ا ح دیگری که
مکرر است از احرف باید کرد که باقی ده حرف بمقتضای ثلث عشره کامله [illegible] عدد آن اینست ۱۰۶۴ اکنون عدد
مقصود را بین عدد اضافه کرده موفق باید داشت و عزیمت مشغول باید شد و بعضی بکار استادان گفته اند که عزیمت مذکور
مشغول است بدون لوح سه در سه و اسمای قسم العزیمة اینست احد باسط جمیل دائم هو ودود ذکی حی طاهر و با عتقاد این
طایفه عزیمت مذکور [illegible] الواح [illegible] ذکر اسما از پیش گذشت الیست که ترتیب نموده

و طبایع حروف شعر که در لوح سه در سه
مسطور شده بیز هر طایفه بنوعیست بعضی بقول بعضی
ا این حرف ناریست در درجه اول بمذهب جمع
حکما و علما این علم ب این حرف هوائیست
بمذهب حکمای مصر و شام و مغرب و بمذهب حکمای هند

و تابعان ایشان ناریست بر تبه دوم ج این حرف بمذهب حکمای مصر و شام ناریست در درجه دوم و بمذهب اهل باطن [illegible]
در درجه اول و بمذهب حکمای هند ناریست در درجه دوم د این حرف نزد اهل مصر و شام خاکیست در درجه سوم و نزد اهل باطن
خاکیست در درجه اول و نزد اهل هند [illegible] ه این حرف هوائیست در درجه [illegible] و نزد اهل مصر و شام [illegible]
در درجه دوم نزد ارباب باطن هوائیست در درجه چهارم نزد اهل هند و حرف مائیست در درجه [illegible] نزد اهل مصر و شام
هوائیست در درجه [illegible] نزد اهل باطن و ناریست [illegible] نزد اهل هند ز این حرف [illegible] نزد اهل مصر و شام
و خاکیست در درجه سوم نزد اهل باطن و مائیست [illegible] نزد اهل هند این حرف [illegible]
دیگر خاکیست این حرف هوائیست در درجه دوم نزد اهل مصر و شام و خاکیست در درجه دوم نزد اهل باطن [illegible]
دوم نزد اهل هند [illegible] مسطور شد

عطارد زحل

بحروف
علی ای حال این لوح را اگر در نصف ضعیف تمام زنند ابتدا از وسط ضلع بالا که خانه دوم لوح است باید کرد و اگر در فصل
باشد از وسط ضلع ایمن که خانه چهارم لوح است ابتدا باید کرد و اگر در فصل شتا تمام زنند ابتدا از وسط ضلع پایین
که خانه هشتم لوح است ابتدا باید کرد و اگر در فصل ربیع باشد از وسط ضلع ایسر که خانه ششم لوح است ابتدا باید نمود و
حروف شعر لوح مذکور که متعلق بکواکب سبعه و جوهر ثابت است با خطوط اقلام ایشان اینست شمس ا قمر ب مریخ ج
عطارد د مشتری ه زهره و زحل ز راس ح ذنب ط و عزیمتی که شرح شد اینست بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم انی اسئلک باسمائک الحسنی
کلها ما علمت منها و ما لم اعلم یا هو یا من هو یا واحد یا احد یا هادی یا رب یا باری یا بصیر یا بدیع یا باسط یا باقی یا جلیل
یا جمیل یا جواد یا دائم یا دیان یا داعی یا وارث یا ودود یا وهاب یا زکی یا حی یا حلیم یا حق یا حکیم
یا مطهر اقض حاجتی بحق ذلک و صفاتک اجب [illegible] و اعوانک و خدام [illegible] من اهل السموات و الارضین بحرمت
الاسماء العظام و النبی الکرام اکنون این عزیمت که در دعوت [illegible] خوانند خطاب باید کرد [illegible]
و اگر در عزیمت [illegible] در هر روز خطاب [illegible] عنیائیل کمیائیل
جبرائیل عزرائیل میکائیل اسرافیل عزیمت [illegible] قاعده این عزیمت
چنانست که هفت روز [illegible] عزیمتی مذکور خواهد شد
بخوانند و در بین العشائین هر شب سوره و الشمس [illegible]
مرتبه این ابر را بخوانند [illegible] و عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم ایج
ایج بجوج هیلج هیلوج حابوج ایج یا معشر الارواح الروحانیة [illegible]
و کونوا معینی علی جلب الرزق [illegible]
عظیم انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون تنزیل من رب العالمین [illegible]
و علیکم عزیمت انتقام [illegible]
[illegible] عزیم [illegible]
در او فیها [illegible] ع م د و م ی خ ن
ط ح ق م د این حروفات را امتزاج باید داد [illegible]
[illegible]
فی فلک [illegible]
فی حرارة طبعه و تهیج فی حرارة ناریة [illegible]
[illegible] العذاب [illegible]
الظلمة الطاغیة [illegible]
[illegible] الانتقام و الاسقام [illegible]
بالقوی المحیط الطایق الحی القیوم النور المؤمن [illegible] الکواکب [illegible]
و بالله الواحد القهار [illegible] عزیمت [illegible]
بعضی از علمای [illegible]
نیست در ان شروع [illegible]

وعزیمتی معتبر مذکوردر که اسمای الهی [illegible] بوزیر دهین یدین یسین بیتم یا صبا یا
او این یاسخر العوات و [illegible] دیکو اسمای کواکب سبعه زحل مشتری مریخ
شمس زهره عطارد قمر
[illegible] تبدتارا چندر توتلا وعزیمت معتبر که هفت بابه بخوانند
وفعیلکنند که جمیع اعمال جهت عزیمت ابیت اوفعن هنون الک دهری وکی بالی بهکث الک جودك
هنون دالك مبین تودنی رابی نون دهین چاویس چچاهیس کو بابادیس بیرپی بیرینی دیس دیس
ریکاویس اته نابنه کیرباب چکاویس یتم منشا داویس اوفعن هدهدیت سواها نوع دیکر اوون دهین
بدم تندنتوریف هصه بت سواها اوون کلمات کدابتدای کلام این میکنند ربین یعنی الموجود العل
الذی لا احد مثله شد استوری یعنی این حال بیت ان کو حنا طوان بابدحل جلاله بیت سواها یعنی اعظم حاجتی و
چنین معلوم است که این عزیمت را در هر شب صد و هشتاد و یک بار بخوانند و این جوکیان هند کوکب زحل سعد اکبرات بخلاف
جمیع صاحبان رصد که از اعظم نحس اکبرمیدانند و این جهت که اکثر حالات هند بر عکس حالات دیگر مردم است عزیمتی
که جمیع روحانیات کواکب سبعه توان خواندبسم الله الرحمن الرحیم اللهم بندنوش هیمایش میحلاش
مجمقاریش نطیابش صغوبش صعفوبش هاریش طوریش شیغاب نیغاب هیلوب بهیلیاء دبا طوب طاطوب طالطو
طریش طرشیا وطرطر وشرش غامرش تعالیت یا اعظم الفضل والعطا واجب با ملامذهبات واعوانک تجیبوا
الاسما العظام ملا مذهبات [illegible] که روحانیت کواکب حاضر باشد و هر بابه کفت وباقی کواکب بدین قیاس
عزایمات وخطابات کواکب فرداً فرداً خطاب زحل ایها السید العظیم الرفیع القدر العالی الدرجة اسعد الکبیرات
الرجل الحامی البارد المظلم الصادق القول المتعود بالغم والحزن المتخلی من الفرح الجهال المکار العالم الفاضل الشیخ المقرب صاحب
ایها الاب الکبیر بحق الاسما العظام احلفک الکریم ان تفعل حاجتی مرادی ومقصودی کذا وکذا خطاب مشتری ایها السید المبارک
الحکیم الجلیل العالم الزاهد المتدین الفاضل البالغ الصادق صاحب العدل والدین عظیم الهمة الکریم السخی المعین الوفی بالعهد
والعهد اسئلک ایها الاب بحق اخلاقک الجمیلة وافعالک الحمیدة ان تفعل حاجتی مرادی ومقصودی کذا وکذا خطاب مریخ
ایها السید الفاضل الحار الیابس الشجاع القلب مهریق الدم القاهر الغالب البطاش صاحب الشر والعداوة والضرب والسجن و
الکذب والنمیمة الفضیلة المبالات بالقتال الحامل السلاح کثیر النکاح اسئلک ان تفعل لی مرادی ومقصودی کذا وکذا
خطاب آفتاب ایها السید المارة الباهیة المنیرة الحکیم ملکت قیاد الکواکب فانقادت لک وانت غالب علیها فانک
اذا بعدت عنها رجعت الیک ومن نورک یقتبس وبضیائک تشرق ولک الفضل علی جمیعها وانت ملک علیهم وهم بک یستعبد
اذ انظرت وتحس اذا جامعت اسئلک ان تفعل حاجتی مرادی ومقصودی کذا وکذا خطاب زهره ایها السیدة المبارکة الحاویة
المعتدلة الرطبة اللطیفة الفطرة الحسنة والخلقة الضاحکة صاحبة الحلی والزینة والذهب والفضة واللهو والطرب و
اللعب المزاح والمحبة کثیر النکاح المتاخرة العادلة صاحبة السرور اسئلک ان تفعل لی مرادی ومقصودی کذا وکذا
خطاب عطارد ایها السید الفاضل الصادق العقل الناطق الفهم الناظر العالم الکاتب الخاطب الشاعر الحاسب الشمس الا
قلیل الفرح المفسد للمال والتجارة صاحب الخبث والمکر والدهاء الساعد الفطن الصادق اللطیف الکیر الخفیف فلا یعرف لا یطبع
فلم یوجد لوصف انت مع السعود سعد ومع النحوس نحس ومع الذکور المذکر ومع الاناث المونث ومع النهاریة نهاری ومع
اللیلیة لیلی تمازجهم فی طباعهم وتشاکلهم فی تشاکلهم کل ذلک انت اسئلک ان تفعل حاجتی مرادی ومقصودی کذا وکذا خطاب قمر
ایها السید السعید البارد الرطب المعتدل الجید الفرح السعید الفانوع التدبیر والمحبة اللهو والهزل واللعب صاحب الرسل الا

وفقاً لکتاب [illegible]

وقال کتاب الاسرار البدر السخی الکریم الحکیم انت اقربهم الینا فلکا واعظمهم نفعا و [illegible] بین الکواکب والناقل النور
والمصلح بین بعضها ببعض وبصلاحک یصلح کلشی وفسادک یفسد کلشی واعطاک الله تعالی الکرامة والشرف والفضل
ان تفعل لی مرادی ومقصودی قسم العزیمة که بهر مهم ومقصودی توان خواند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رب الارباب یا عزیز یا وهاب یحیا الحق یعنی العرش الخاف [illegible] والطور
المعمور والسقف المرفوع بعیام یوم النشور بحیب العرش [illegible] الکرسی بضوء النهار بظلام اللیل بنور القمر بشعاع الشمس
الشجر بعذب الماء بعلو السماء بجبال البحر بسبط الارض بخلق الانس بصور الجن بحج الکعبة ببرکة القدس بنیة الحین [illegible]
الجبال بعبید الملائکة والخلق بعدم الرزق بجلة الانبیاء بوحی الغیب بعدد قطرات المطر بدوام البحر [illegible] بیوم الحشر
بعجایب الدنیا بنفخ الصور بیعث من فی القبور [illegible] ملفات الطیر بهبوب الریاح بمستقر الارواح بهدید الرعد
بلمیع البرق برقدة اهل الکهف بغنی البحر بثمرة الشجرة بصوام الفقر بلیلة القدر بطامة الحشر بوحی الرسل بجاه العزیز بهاء
المشرق بحر الصیف ببرد الشتاء بجلة النجوم بنبات الارض بنور الاعین بباطن الموت بظاهر الحیوة بکرامة العقل بسهو الجهل
بساعات الیوم بایام الجمعة بقرب الجنة ببعد النار بعدل المیزان بنعیم الجنان بسعیر النیران باهل النهی بساعات الدهور بخلافة
آدم ع بتاج حواء بکرامة الشیث برفعة ادریس بسفینة نوح بخلة ابراهیم بکبش اسمعیل برکت اسحق بناقة صالح بقمیص
یوسف بحزن یعقوب بصبر ایوب بتوبة داود بملک سلیمان بحکمة لقمان بدعاء یونس بعصای موسی بید هرون بتاج عیسی
بخاتم بعلم الحشر بمعراج محمد صلی الله علیه وآله وسلم بولایة علی بن [illegible] بطهارة فاطمة بعصمة حسن بحکم کبری بشهادة حسین
مجتبی ومحبین الشهید بکربلا وبفضیلة المهد [illegible] بطول السوداء بعجایب [illegible]
بکرامة الابرار بقوة الرحمن بما فوق الفوق بما تحت التحت بالملائکة المقربین وبالشهداء والصالحین باهل طاعتک اجمعین من
اهل السموات والارضین بالقبلة والقیام بالزمزم والمقام بشرایع الاسلام بالحج والحرام بالسرار الحواسین [illegible]
الحوامیم بتلاوة القرآن بصیام شهر رمضان بفضیلة آل عمران بالقاریات [illegible] بالنازعات غرقا بالناشطات نشطا بالنجم اذا
هوی باللیل اذا یغشی بالنهار اذا تجلی بالشمس وضحیها بالقمر اذا تلیها بالسماء والطارق بالمغارب والمشارق بنجمة السوء [illegible]
الاسود بالنور الساطع بالشهاب اللامع بالعرش ومن حوله بالحجاب الاقصی بمن علی العرش استوی بالعلم الاعلی بالنون والقلم [illegible]
بالعلم المکنون بین الکاف والنون بمن اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون برافة جبرائیل باقتدار میکائیل بنفخة اسرافیل [illegible]
عزرائیل بالشجرة طوبی بسدرة المنتهی بجنة الماوی بما یحیط بقدرتک من ملکوت السلطان بتسبیحین من رجب وشعبان [illegible]
ومنهاج الدین خیر الدنیا والاخرین ان تصلی علی محمد وآله اجمعین ان تسخر لی روحانیات اسمائک وخدام [illegible]
مااریدمنهم من حوایج الدنیا والاخرة برحمتک یا ارحم الراحمین یا [illegible] عزمت علیکم یا ارواح الطاهرة المطیع المسخر باسماء القوی القدیم
الغنی الکریم الذی لا اله الا هو الحی القیوم الفرد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد عزمت علیکم باسم الله
العظیم الاعظم الکریم الاکرم الذی لا ینام ولا یموت عزمت علیکم یا ارواح الروحانیة باسماء الله العظام و تجیبوا [illegible]
معنی فی امور الدنیا والدین بارک الله فیکم وعلیکم والله اعلم واحکم والیه المرجع والمآب خاتمة الکتاب
فی ابجد متفرقات علوم تکسیر و عددی و خواص بعضی از حروف بعون الله الملک الرؤف بسم الله الرحمن
الرحیم بدان ایدک الله تعالی که علمای حضرت که احبه کل عمل الطریق سفر ادم میکنند بعد از آنکه الفاظ عشره که در این عمل مقرر است
بسط کردند درجات عناصر را بآن اضافه میکنند چنانچه [illegible] بر اعلی درجه قرار داده اند حروف آن درجه و اسبط کرد [illegible]
موافق عمل هیما بنجد درجات عناصر که مذکور شد اثبت بالترتیب درجات حروف نار

درجات حروف هوا

درجه اول	درجه دوم	درجه سیوم	درجه چهارم
نار مستقیم	نار ما کلو [illegible]	نار [illegible]	نار خامده
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

خاتمة الکتاب

[illegible]

درجه چهارم	درجه سیم	درجه دوئیم	درجه اول
هوا دبادد مفسد جهت آنکه باشد این حروف را بسط می کنند	هوا لجمیع الطالب جهت آوردن کی ودل سوی این حروف را بسط می کنند	هوی العشق والمحبه جهت دوستی از هر باب این حروف را بسط میکنند	هوا ینفع الناس فی البر والبحر جهت تسخیر و امثال آن این حروف را بسط میکنند

درجات حروف مائی

درجه سیوم	درجه دوم	درجه اول
الماء الرعاف جهت جواب بیدل آن این بسط میکنند	الماء المنتن جهت نکبت بسط شغل بسط می کنند	الماء الحلو الفرات جهت محبت دوستان بسط میکنند

درجه پنجم	درجه چهارم
الثقیل علی الانسان جهت طرد دشمنان بسط	الماء المکدر الراکد جهت کدورت دیگری بسط

درجات حروف تراب

درجه سیم	درجه دوئیم	درجه اول
تراب الرماد برای محبت عظیم العمل می آورند	تراب جمیع المعادن برای نظر بند و امثال آن العمل می آورند	تراب الزرع والموکل جهت محبت متوسط بسط می کنند

درجه چهارم
تراب السباخ الذی لا ینفع منه ان برای نسخ و امثال آن العمل می آورند

والفاظ عشره که در این عمل بسط میکنند این است اول مطلوب دوئیم عنصر غالب سیم ... چهارم نام روز ... پنجم ساعت ... ششم اسم کوکب که ساعت ... بان تعلق دارد هفتم ... هشتم ... نهم درجه عنصر غالب ... دهم طالب الکون
قاعده این عمل بانواع مختلف است وعمل مشکل است واین مختصر ... وبسط این عمل تمامی ندارد و دستور این سلف ...
که استادان معتبر عمل کرده اند باین نوع است که انچه مقصود است حروف ان را بسط باید کرد و ملاحظه کند که در بسط حروف ...
کدام طبیعت غالب ... ان را بسط ... که بسط کند و عیار ان حروف موازین را باید شمرد که چند است اگر مفرد
باشد پنج نوبت بسط کند اگر ... باشد چهار نوبت بسط کند و ... حروف موازین بسط را شماره باید کرد که اگر مفرده آید اسما
ان خماسی ترکیب کند و اگر زوج آید اسماء را رباعی ترکیب کند و انچه از بسط اول از حروف حاصل آید اگر ... باشد باید
چهار نوبت بسط کند و اگر مفرد باشد پنج نوبت ... حروف جمیع این بسط دوئیم ... اگر مفرده است اسماء را خماسی
ترکیب کند و اگر ... باشد اسماء را رباعی ... دوئیم ... ترکیب کند و مثال این نوع
در جلب المال باسم محمود نوشته میشود ... بسم الله الرحمن الرحیم ج ل ب ث ل ث ه ث ل
ث ی ن ا ث ن ی ن حروف ۲۷۳۶ نصف ۱۳۶۸ ثلث ۹۱۲ ربع ۶۸۴ سدس ۴۵۶
ت و ن ح ذ ف ظ ا ب ی غ ش ح س د ی غ ع ز و ل
ثمن ۳۴۲ تسع ۳۰۴ الحال واحد ث ل ث ی ن اربع ی ن واحد ث ل ث ی ن حروف ۲۷۹۹۱
شد ... ۲۰۴ د ک ع ع ش ن ا
نار ۳ هوا ۹ ماء ۳ تراب ۶ عنصر غالب آتش
الف ۳ ۱۹۴ ث ۲ ۳۶۴
ب و ی ن ص ت ض ما عین لام الف دال ... ا
۱ ۲ ۳ ۴ ۳ ۲ ۲ ۱ ۱
ا ث ن ی ن س ت ه ع ش ر ه خ م
س ی ن ث س ع ی ن ا ر ب ع م ا ی ه ث م ا ن م ا ی ه حروف ۳۹۷۷ اسم
۳۸
مرتبه اول در بسط ل ح ج غ ظ ع ض
ع غ ذ د ل غ غ ث ن ا ج غ ظ ع ظ وچون حروف مفرده است پنج نوبت بسط میشود باین طریق
اول الف الف س ع م ا ی ه س ت ه ث ل ث ی ن الف الف خ م س م ا ی خ م س ی ن واحد ث ل ث ه

ارف

ال ف ث م ا ی س ب ع ی ن س ب ع ه حروف ۵۸۱۷۳ م دس ع غ ذ ف ج دوئیم خ م س ی ن
س ب ع م ا ی ه ث م ا ن ی ن ث ل ث ه حروف ۲۶۹ نصف ۱۳۴ خمس ۵۳ سدس ۴۴ تسع ۲۹ عشر ۲۶
د ک غ غ خ ص غ ش م ه ت ل ح ر ص ط ر س ط سیم الف الف س ت م ا ی ت س
ع ی ن حروف ۱۳۲۸ نصف ۶۶۴ ربع ۳۳۲ ثمن ۱۶۶ چهارم الف ث ل ث م ا ی ه
ع ش ر ی ن ث م ا ن ی ه حروف ۲۴۳ ثلث ۸۱ ا ک غ ت ل ح ص ا ی پنجم الف الف
ا ر ب ع م ا ی ه ث ل ث ی ن ث ل ث ه حروف ۲۶۷۶ نصف ۱۳۳۸ ربع ۶۶۹ ثلث ۸۹۲ سدس ۴۴۶
باب اول در ترکیب اسماء حروف ... ج ک غ ع ج ع ع و غ ش ل ح خ س ط م ص ب ت د م
چون حروف زوجات است اسماء رباعی ترکیب میشود ... دلکغ عثنالجغ
ظطرو سهفد لجدک غغضی غشم ثلحر صطرس طزیع سخج سدشل بقسو الکغ تجض ایجک غغغغ
دغشل ... ضضبت فاضل از ترکیب اسماء هرو مرتبه دوم در بسط حروف فاضل چون حروف زوجات چهار
مرتبه بسط میشود اول اربع ی ن س ت ه حروف ۲۹۸ نصف ۱۴۹ سبع ... ط ذ ص ج ...
دوم س ب ع م ا ی ت س ع ی ن ث م ا ن ی ه حروف ۱۳۸۴ نصف ۶۹۲ ربع ۳۴۶ ثمن ۱۷۳ ج ص غ ش
ف د خ ص ب ش ص ق غ ج سیوم الف ث ل ث م ا ی ه ث م ا ن ی ن ا ر ب ع ه حروف ۱۲۴۶ نصف ۱۲۳
ا ک غ غ ق ک ق غ ص ج چهارم الف الف م ا ی ه ع ش ر ی ن س ت ه حروف ۳۲۳ ا ج ی غ ش ج
باب ثانی در ترکیب اسماء حروف ... چون حروف مفرده است اسماء خماسی ترکیب میشود طذصحش صطقغی
جغشفف دخصبش موقیع الکفغق کوغج جغقیع فاضل از ترکیب اسماء ج مرتبه سیم در بسط حروف فاضل
چون حروف فاضل از ترکیب اسماء مفرده است پنج نوبت بسط میشود اول ث ل ث ه حروف ... ۲۰۷ منع ...
ر ذ دوئیم الف ث ل ث ی ن خ م س ه حروف ۱۹۰۶ نصف ۹۵۳ ص ی غ ظ و ظ ن ج سیم الف ...
ع م ا ی ه س ت ه حروف ... نصف ۵۸۱ ج ی غ ق س ب ث ... چهارم الف م ا ی ه س ت ی ن ا ث
ن ی ن حروف ۱۳۹ نصف ۴۹۰ پنجم الف م ا ی ن ... حروف ... انصف ... ربع ۲۷۱
ن ک غ ر ج ع خ م ط خ غ ص ج ی ظ ن د ت غ ذ
باب سیم در ترکیب اسماء حروف ... چون حروف مفرده است اسماء خماسی ترکیب میشود دغلهر نبغظ وظنج بعفب
ثغاوی غزصیج مطکفض جظند نغز ال ن هـ ا د واحد ث ل ث ی ن خ م س ی ن ع
س ه و ا ح د م ا ی ت ی ن حروف ۳۱۰۴ نصف ۱۵۵۲ ربع ۷۷۶ ثمن ۳۸۸ ال خ م ی س
ک ح ج غ ق د غ ث ل ب ذ غ و ش ف ح واحد س ت ی ن
س ت م ا ی ه ا ر ب ع ی ن ع ش ر ی ن س ت ی ن حروف ۳۰۳۵ اسم ک ط ج غ ن ج ال س ا ع ه
۲۹
واحد ث ل ث ی ن س ت ی ن واحد د ی ب ع ی ن خ م س ه حروف ۲۵۴۴ خمس ۵۰۹
۲۶ ث ط
ال اول واحد ث ل ث ی ن واحد س ت ه ث ل ث ی ن ک د غ غ ث م ه
حروف ۳۶۶۳ اسم ال م ش ت ر ی واحد ث ل ث ی ن ا ر ب ع ی ن ث ل ث م ا ی ه ا ر ب ع
۳۱
ک ا غ غ خ ج ا ی ه م ا ی ت ی ن ع ش ر ی ن حروف ۲۹۴۳ اسم ا ج غ ط م ج
ال خ ی ر واحد ث ل ث ی ن س ت م ا ی ت ی ن م ا ی ه ع ش ر ی ن م ا ی ت ی ن حروف ۲۷۱ اسم ک ج غ غ ذ ا ی
۲۵
ه و ا ی ن ف ع ال ن ا س ف ی ال ب ر و ال ب ح ر خ م س ی ن س ت ه واحد ه ع ش ر

خ م س ن ث م ا ن ی ن س ب ع ی ن ا ح د ث ل ث ی ن خ م س ی ن ا ح س ن ی ن ث م ا ن ی ع
ع ش ر ا ح د ث ل ث ی ن ا ث ن ی ن م ا ی ق ی ن س ت ه ا ح د ث ل ث ی ن ا ث ن ی ن ث م ا ن
م ا ی ت ی ن **حروف ١٢٥٣٣** **نصف ٦٢٤٧** ق ب ی ب ع غ ث ل د و غ د س ن **مرح مرود**
ا ر ب ع ی ن ث م ا ن ی ه ا ر ب ع ی ن س ت ه ا ر ب ع ه **حروف ٢١٦** **خمس ٤٠٣** ک د غ ع م ی ق ج

اکنون اسما بیکه در هر سه باب ترکیب شد با عوان بن مطلوب مقبول باید ساخت و بقرائت عزیمت مشغول باید شد که با مداد دو حاق مقصود از قوة بفعل آید و غرض از مقبول ساختن اسما آنست که موازین مطلوب را ملاحظه باید کرد و کرد هر مرتبه بعد از طرح سبعه چه باقی ماند موازین اسما را بعد از طرح سبعه با پنجه باقی ماند چنانکه با یکدیگر موازین مطلوب مطابق افتد و اگر مطابق افتد مقبولست و الا هر دو را اصلاح باید کرد ... نام است **اما نوع دیگر** آنست که حروف مدعا را بسط باید کرد و حروف آن را در چهار سطر نکسیر باید ... موخر و ازین چهار سطر بنیاد کرده از هر سطر سه حرف باید بستد ... اسما را قرائت کنند باز حروف مذکور را در تکسیر با تمام رسانند تا دوازده سطر مکرر شود **نوع دیگر** چنانست که اسم مدعا و مطلوب را عدد کرده ١٢
١٢ طرح میکنند و آنچه از طرح دوازده باقی ماند از حمل شماره کرده ببرج منتهی میرسانند و آن برج را طالع عمل میسازند ...
از همان عدد سی سی طرح کرده آنچه بماند از حساب میکنند و در حرفهای برج طالع را فرا میدهند و باز همان عدد را کرده
طرح سی سی باقی اعداد از حروف اول ابجد شماره میکنند تا بانچه منتهی شود آن حرف شمار ابیه اشتغبت میکنند ...
و بر همان ترتیب حروف ابجدی را سی سی شماره میکنند و حرف سوم را پیدا میکنند تا تمام دوازده حرف ...
دوازده حرف شماره میکنند ... تا هشت حرف تمام نوشته شود ...
ملاحظه میکنند که حروف کدام کوکب است ... و این اشرف انواع است ...
حجت کرده این دستور موازین حساب بر قرار است و اما قاعده طرح در حمل اسم ... الجمعین باید دانست که حروف ...
را بجمل صغیر جمع باید کرد که بعد از آن ... دوازده دوازده طرح ... جمع میکنند ...
جمع کرده دوازده دوازده ازان بطرح ... طالب و مطلوب ...
مطلوب را مقدم میدارند چنانچه در آن عمل گذشته ... حروف ...
دعوات حروف و علت و الله اعلم اگرچه بعضی بیان رفته اند که جهت هر مقصود ... ملاحظه طالع وقت کرده
... درجه معین ... باشد بر حروف نوشته ...
اسم منصوب از آن نام استخراج کنند و از اسماء ملائکه ... و اسمای اعوان شمارند ... نام

مذکور

مذکور را طلسم اعظم ساخته آنچه موقوفست اند رعایات بقاعده عزیمت و قسم بطلبند که بیرون ... صاحب این دو ده سرها یافت ...
معروض بیدا کردن کار دقیق است و عمل برای نام معروض ... است ...
والا مشکل است علی الحال ... نام ... استخراج اسمای ملائکه از آن سطر ...
دوازدهم و حروف سیزدهم و حرف هفدهم ... از حروف سطر مذکور بترتیب منصوب ...
با اضافه ایل بر آن از خارج و مقلوب ... حروف ... با اسم عوف ... حرف ...
هیتم ... و حروف ... سطر مذکور ... منصوب ... اسمای ملائکه ...
ایل بر آن از خارج و مقلوب ... حروف ... با اسم ... حروف سطر مذکور ...
طلسم العمل رعایات ... این دستور العمل ... اینه عمل ... احکام
شرف آفتاب وقت طلوع در درجه نوزدهم حمل که درجه شرف شمس است ... نوشته
بنوعیکه قبل از این سطور ... و بالله التوفیق و علیه التکلان **زمام صحیح درجه نوزدهم برج حمل این است**
ا ذ م د ح ر ک ج ن ث ت ص ش ز ل ا ظ ص ب غ ف ق م ح س ع ل و ط ی این زمام از زمامهای مخصوص ...
نوزدهم برج حمل که شرف آفتاب ... درجه بیستم ... درجه نوزدهم ...
عمل است ... و اسمای ...
ملائکه و اسمای اعوان و اسمای اعظم الهی ...
بقرائت عزیمت مشغول شوند ... این قاعده موقوف به بسط و شرح ...
کشرح خاتمه ... نوشته ... زمام مخصوص ...
تا طریق ... مذکور ...
کنند تا زمام مخصوص ... شرح داده شده ... مذکور ... فهم

ا ذ م د ح ر ک ج ن ث ت ص ش ز ل ا ظ ب غ ف ق ه خ س ع ل و ط ی
لا ذ ظ ش ض ص ب ت غ ث ف ن ق ج ه ک خ د س ح ع د ل م و ذ ط ا ی
ه ج ک ق خ ن ر ف س ث ح غ ع ت ر ب ل ض م ص د ش ذ ظ ط ز ا ل ا ی
د ت ب ع ل غ ص ح م ث ض س و ف ش ر ذ ن ظ خ ط ق ز ک ا ج ل ا ه ی
ش ف ر و ز س ن ض ظ ث خ م ر ط ح ق ص ذ غ ک ل ا ع ج ب ل ا ت ه د ی
ق ح ص ط ذ م غ خ ک ث ل ظ ا ض ع ن ج س ب ذ ل ا د ت ر م ف د ش ی
ع ض ن ا ج ظ س ل ب ث ف ک ل ا خ م غ ت م ر ذ ه ط ف ص د ح ش ق ی
د خ غ ل ا ت ک م ذ ر ث ز ب ه ل ط س ف ظ ص ج ... خ ن ش ض ق ع ی
ط ل س ه ف ب ظ ز ص ث ج د ر ذ ا م ح ک ل ا ت ش ل ا ض غ ق خ ع د ی

و این تقدیر سه سطر اول و دوم مخصوص نوزدهم درجه حمل است ... اند که در احکام طلوع درجه
مذکور ... آفتاب ... درجه ... این سه سطر ... نوع عمل ... کرد ... حروف هر سطر
اسم ملک و اسم عون استخراج نمایند ... سطر ... اسم ملک ... اسم عون حاصل ... باشد و قرائت
عزیمت مشغول شوند ... سطر ... سطر سوم ...
ملک و اسم عون ... قرائت مشغول شوند ... دستور العمل سطر ... اسمائی ...

٧٦

استخراج شود بدین نوع ه م ج ک ق خ ن ر ف س ث ح غ ع ت د ب ل ص ض ش ذ ظ ط ز ا ل ا ی

واسماء ملائکه از این سطر اینست حرفٌ حرفٌ حرفٌ حرفٌ اسم ملائکه بطریق منصوب غعلصائیل

ومقلوبش با اضافه یوش که اسم عون باشد اینست حرف حرف حرف حرف واسم ملائکه اینست بطریق

منصوب **کرذطائیل** واسم عونش اینست بطریق مقلوب **طذرکوش** و دوازده حروف سطر مذکور طلسم العلق

واسم اعظم در این عمل بعضی از حروفات مقطعات قرآنیست مثل **ق** و **ص** و **ن** اما بعضی برآنند که اسم قاعده اسماء اعظم

آنکه بیست و دو حرف است که اول حرف **مشتری** بگیرند دوم حرف **شمس** وسیم حرف **زهره** وچهارم حرف **عطارد** و پنجم حرف

قمر ومجموع مرکب ساخته اسم اعظم باشد و عزیمت سازکند واین دستور العمل موقوف بدانستن حروف کواکب که آورده اند

بدین نوع هم عمل میتوان نمود و بعضی بکمال استادان قاعده عمل را چنین بیان کرده اند که مثلا طالب را علم مطلوب بسط

حروف علم باید کرد و قاعده بسط و استخراج اسماء از آن بر این نوع است که نوشته میشود در اینجا برای طالب تا آسان شود

علم بسط لام مفوّق بسط عدد ی

حروفهم جمله حاصل الضرب جمله حروفهم جمله حاصل الضرب س ب ع ی ن ث ل ث ی ن ا ر ب ع

جابئیل تماثیل طاثیل طایئیل رصائیل اقائیل حروفهم جمله حاصل الضرب

جمع الاعداد ... **نغعکائیل** وهابئیل غنیهائیل نورائیل

واین اسم که از جمع الاعداد استنطاق شده نغعکائیل باشد خاتم این اسماء است

آنکه در تقدیم و تاخیر حروف اسماء که احاد بیرون آرند و عشرات بعد از آن و مآت بعد از آن و الوف بعد از آن همه ...

بعکس که الوف پیش باشد و مآت بعد از آن و عشرات و احاد بعد از آن که الان والله اعلم **فایده** در خواص حروف و اسمای

متعلق بآن **اول الالف** ذات معرّه صفات لاهوتی و اسمای که بدان متعلقست بدان اسعدک الله که صاحب کتاب شمس المعارف

الاعجب بیان کرده که هرگاه روز یکشنبه اول ماه در ساعت اول شمس حرف الف را بر کاغذی نویسند و با خود دارند و بعد از وقت اسماء

که بعد از این نوشته خواهد شد مشغول شوند باعث حصول مراد و الف خلایق باشد و هم چنین اگر یکشنبه دوم ماه باشد دو حرف الف

باید نوشت و اگر سیم ماه باشد سه حرف الف باید نوشت و همچنین تا یکشنبه است و بعد از آن و همه حرف الف بعدد آنچه

از ایام ماه گذشته باشد باید نوشت و ملاحظه سعادت قمر و وقت نوشتن باید کرد و احتراز در نوشتن از بودن قمر در طریقه

محترقه و تحت الشعاع باید نمود و اگر از اول تحویل آفتاب بحمل تا روز یکشنبه که اراده کرده باشد حساب کند که چند روز است

و بعدد هر چند روز الفی نوشته با خود دارند باعث حصول مراد است ... باشد که ...

مناسب در طالع عیکه زهره با شتری در اوج باشد حرف الف را بر کف دست راست خود و دست چپ بنجوی که از عضو خود

گرفته باشد بنویسند و ملاحظه موکل حرف الف را عزیمت کند و بخوری تش حسن بند بعد از آن با کسی که اراده داشته باشد

از کف دست را که الف بر آن نوشته بمالد که مطیع است و ادوح کواکب حرف عنت کرده ... مؤلف در طلب ... کرده است

اینست **جلج یوخیدیج هب دذ** اوج ... و ملاء موکل حرف الف بعضی گفته اند که قیائیل

بعدد ملفوظی او و بعضی گفته اند طائیل است بعدد حاصل الضرب ... و بعضی گفته اند که جابائیل

بعدد حروف ملفوظی و بعضی گفته اند اهیلائیل است بعدد ظاهر ... و بعضی گفته اند الفائیل است بحسب ظاهر ملفوظ و بعضی

گفته اند المیخائیل است بحسب ظهور و بطون آن و بعضی گفته اند انسائیل است و این با عتبار طرح ... است از عدد ملفوظی

او و بعضی گفته که ملک حرف الف و جمیع حروف نار بیه جبرائیل است و بعضی ... ملک جمیع حروف هوائیه اسرافیل است

و ملک جمیع حروف مائیه میکائیل است و ملک جمیع حروف خاکی عزرائیل است و بقاعده که شیخ ابو العباس بونی در کتاب

شمس المعارف

شمس المعارف مسطور است که موکل حرف الف بدوس است و خیفیداش عروس و اعوانش هرس و هاروس و بدروس و

شرح این گفته اگر جلب شخصی اراده باشد از موم شکل او را باید ساخت که نام وی و مادرش بر آن نقش کند و اسمای موکل

الف و خیفید و اعوانش و دو و اسم نقش کند در روز زهره و ساعت زهره و بخورش از مصطکی و لبان و عود

بسوزند و قرائت عزیمت مشغول شوند که مفید است و عزیمت بعد از اسمای که متعلق بحرف الف نوشته خواهد شد

و این عزیمت شامل جمیع حروفات است بنوعیکه در قرائت عزیمت هر حرف از حروف بیست و هشتگانه که بساید تبدیل آن

واسمای متعلق بحرف الف بقاعده بیان کتاب صاحب کتاب شمس المعارف اینست که در سه لوح سه مربع موفق باید نوشت که بقرائت آن مشغول

شوند و الواح ثلاثه اینست

واسمای که در این الواح باید

نوشت اینست آلٌ آخذ آمن

ابد احد اه اهیا اشرف

اعز اسرع اکرم ارحم اعلم **دیگر یای بها و بسط و بصیرة** اگر در روز دوشنبه که دوم ماه باشد دو حرف با بنویسند با

خود دارند بقرائت اسمای متعلق بآن مداومت و مواظبت نمایند باعث بهبود حال است نیز بقرائت عزیمت و سوختن بخور

و موکل حرف با اقسم دادند و موکل حرف مذکور بائیل است باصطلاح بعضی و بقاعده طبایع اسرافیل و احلافیکه در ملائکه حروف

بقواعد هر کس واقع است بعضی از آن در حرف الف شرح شد و قاعده صاحب ... که هر حرف قیاس بر این باید

بنوعیکه فکرش اقتضای صحت آن کند عمل نماید و موکل حرف را قسم دهد و بعد از این در تطابق این حروف احتیاج این شرح بسیط

نیست و اسمای متعلق بحرف با اینست بار باسط برهان باطن باری باقی باهی بعید بدیع بصیر بر باعث ...

اسماء را در لوحی که مشهور و صحت آن اینست موفق باید داشت که بقرائتش مواظبت نمایند و صورت لوح مذکور در فصل ...

از این کتاب نوشته شد رجوع باید نمود که از آنجا بیرون نویسند و اگر بحیثیت دفع رمد العین اسم بصیر را یکصد و دو بقرائت آن

مشغول شوند دفع رمد بشود انشاء الله و عزیمتی که در الف شرح آن گذشت اینست که در این حرف و جمیع حروف قاسم الله بسم الله الرحمن

الرحیم اقسمت علیکم ایها الملائکة الطیبة المبارکة الثابتة والنائیة والهوائیة والارضیة والعلویة والسفلیة فمن یطلع منکم بسرّ ... السبع

من الارض الی السماء و من یوافق الکواکب فی الامور الخفیة والجلیة و من یسبح النجوم و من یستضیئ بنور الشمس والقمر و من یحقق

تحت الارض و من یطیر مع طیر الهواء و من یاوی فی الشجر والبراری والقفار ... والطرق والمروج والجبال والآکام والمغارات

والسهل والوعر والاماکن والمواضع المظلمة والمضیئة وعلی من خلقه الله تعالی من نار السموم وعلی من هو سامع مطیع لاسماء الله تعالی و بکلمات

التامة والبعث والنشور و بالملائکة الذین لا یاکلون ولا یشربون طعام التسبیح و شرابهم التقدیس ... اسمائه الرآل

شداید اقسمت علیکم بالحی القیوم خالق الارض والسماء الذی خلق السموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین اقسمت

علیکم بمیکائیل واسرافیل و جبرائیل و عزرائیل و بالملائکة اجمعین الا اجبتم و حضرتم لی بطلب هذا و علیتم ... کنتم لی عونا

فی قضا حاجتی فی اسرع وقت و ابلغ ساعة فان فعلتم فلکم الکرامة والسلام وان ... نزل علیکم غضب من الله ... و ... ما

سوی الله من ... الساعة الساعة الوحا الوحا العجل العجل **دیگر جیم جمال و جلال** اگر

در روز سه شنبه که سیم ماه باشد سه حرف جیم را نوشته با خود دارند و با اسمای که بآن حرف متعلقست مواظبت و مداومت نمایند و بقرائت

قرائت عزیمت و سوختن بخور ... اسمای متعلق بحرف جیم اینست جواد جابر جبار جلیل

جمیل جامع جاعل این حرف ... است ... اسمی متعلق بکوکبی مخصوص بیکی از انبیا صلوات الله علیهم اجمعین بدین تفصیل

جواد جابر جبار جلیل جمیل جامع جاعل و اسمای مذکور را در لوحی ... موفق باید ساخت

ابراهیم هرون موسی ادریس یوسف عیسی آدم

۷۷ که با خود دارند و محبت جلب دوستان اسم جمیل را با کلمه بدوح در شرف قمر مربع باید نهاد و عجیب اذا کان الخصم اسم جلیل با کلمه الجبار
در شکنجه بعمل باید آورد که مفیدست و این عمل باعث تعجیل باید کرد **دیگر دال دیمومت** اگر در روز چهارشنبه چهارم ماه
چهار حرف دال را بر کاغذی پاکیزه نویسند و با خود دارند و اسمائیکه باین حرف متعلقست قرائت کنند و نگین کرده با خود دارند
خواندن عزیمت و سوختن بخور باعث دوام عمر و جمعیت است و اگر دو حرف دال الات بیکدیگر با اسم دو شخص بنویسند
خصومت پدید آید و این عمل نیز چند موقوفست که شامل صاحب تقویم الاطلاع بیان خواهد بود و اسمای متعلق بحرف مذکور اینست
دهر دیهور دیان دائم داعی دلیل دیموم و این هشت اسمست در هشت باید نهاد که با خود دارند **دیگر**
های هیبت و هیبه اگر در روز پنجشنبه پنجم ماه پنج حرف های مشقوقه را بر کاغذی پاکیزه نویسند و با خود دارند و اسمائی
که باین متعلقست بخوانند با عزیمت باعث هیبت شخص باشد در دلهای مردم و آیه اینست هو الله الذی لا اله الا هو و اسماء اینست
هو هادی هادم هو هن هو باهن و این پنج اسمست در پنج موفق باید نهاد که با خود دارند اگر از جمیع خوف ایمن
باشند بکسر و هشت نوبت بر دو هر سوم باذن الله قرائت کرده بر روی ایشان دمند که از شر ایشان محفوظ میگردند **دیگر واو**
وحدت و وجدان اگر در روز ششم ماه شش حرف واو بر کاغذی نویسند و با خود دارند و اسمای متعلق بحرف مذکور مواظبت
نمایند باینکه [illegible] از عالم وحدت یابد ما کان [illegible] الله غنی عن العالمین را با اسم [illegible] کرده بخوانند باعث استغنای معنوی
باشد و وجدان قلب [illegible] و اسمای مذکور اینست وهاب واسع وحید واحد ولی والی وارث وکیل ودود واجد
واهب وفی وافی این سیزده اسمست در سیزده موفق باید داشت که با خود دارند **دیگر زای زینت و زیب و زکا**
اگر در روز شنبه که هفتم ماه باشد هفت حرف زا نوشته با خود دارند و آیه و اسمای باین متعلق است مواظبت نمایند بشرط قرائت عزیمت
و سوختن بخور در [illegible] زینت شود [illegible] و آیه اینست زین للناس حب الشهوات [illegible] حسن المآب
اسماء اینست زاکی زارع زکی زاهی زاهد این هفت اسمست در هفت مربع باید نوشت که با خود دارند **دیگر**
حای حیات و حمایت اگر در روز یکشنبه هشتم ماه هشت حرف حا بر کاغذی پاکیزه نویسند و با خود دارند و اسما و آیه متعلق
بان مواظبت نمایند بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور باعث حیات [illegible] خواهد بود و آیه اینست حم تنزیل الکتاب من الله العزیز
الحکیم [illegible] و اسماء اینست حی حکم حلیم حمید حنان حسیب حفیظ حق این هشت اسمست در هشت
هشت باید نهاد که با خود دارند و اگر [illegible] آیات حجاب [illegible] حجاب
و آیات حجاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و حجابات اسماء [illegible] استخراج باید کرد [illegible] عزیمت کند [illegible] و اسمای حجابات
از اسمای [illegible] حجابیل [illegible] و عبارت چنین باید با اعتراف
[illegible] من اسماء الله [illegible]
و [illegible] **دیگر طای طیب و طهر** اگر در روز [illegible] نهم ماه نه حرف طا بر کاغذی نویسند
و با خود دارند و اسمای متعلق باین مواظبت نمایند باعث طیب خاطر و طهارت [illegible] بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور
و اسماء متعلق بحرف مذکور اینست [illegible] طیب طالب طاهر طهور [illegible] و نه کلمه باید کرد و دو کار
هر خانه [illegible] باید نوشت که با خود دارند **دیگر یای یقین** و [illegible] اگر در روز [illegible] دهم ماه باشد ده حرف یا بر کاغذی

یا کیزه نویسند و با خود دارند و اسماء متعلق باین مواظبت نمایند بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور باعث زیادتی یقین
و [illegible] و اسمای مذکور اینست [illegible] این هفت اسمست در هفت [illegible] باید
نهاد که با خود دارند **دیگر کاف کشف و کرامت** اگر در روز چهارشنبه که یازدهم ماه باشد یازده حرف کاف را نوشته
که با خود دارند و باسمای متعلق بان مواظبت نمایند بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور باعث رفع کدورات صوری و معنوی
و موجب مکاشفات روحانی و اسمای مذکور اینست کاشف کبیر کامل کریم کهیعص کافی کاسل این هفت اسمست که باید
در هفت و هفت نهاد که با خود دارند **دیگر لام لطافت و لطف** اگر در روز پنجشنبه دوازدهم ماه سی حرف لام بر کاغذی
نویسند و با خود دارند و اسما و آیات متعلقه باین حرف مواظبت نمایند بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور باعث لطافت قلب
و دریافت الطاف الهیست و اسماء و آیات اینست لطیف لا تدرکه الابصار [illegible] الله لطیف بعباده
[illegible] لوح این حرف اینست [illegible]
[illegible]
دیگر حرف میم محبت و مجد اگر در روز [illegible]
کاغذ نویسند و با خود دارند و باسمای متعلق بان مواظبت نمایند
[illegible] باشند و باعث جلب [illegible] و آیه و اسما اینست محمد رسول الله [illegible] مجید [illegible] محب
مؤمن مسهل منعم محبوب موجود مبین احمد محیی این سیزده اسمست در سیزده موفق باید داشت که با خود دارند
[illegible] و آیات مشغول شوند [illegible] و شرح این حرف [illegible]
[illegible] الملک
[illegible] **دیگر نون**
نور و نصرت اگر در روز [illegible] حرف نون بر کاغذی نویسند و باسمای متعلق بان مواظبت
بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور باعث نور قلب و نصرت [illegible]
المؤمنین نور نافع نعیم ناصر [illegible] این پنج اسمست در پنج موفق باید داشت که با خود دارند [illegible] مشغول شوند
دیگر سین سعادت و سلامت اگر در روز یکشنبه [illegible] ماه [illegible] حرف سین بر کاغذی نویسند و باسمای متعلق
بان مواظبت نمایند باعث سعادت و سلامت است و آیه و اسما اینست سلام قولا من رب رحیم سلام سمیع سبوح
[illegible] این [illegible] اسمست [illegible] باید [illegible] که با خود دارند [illegible] مشغول شوند
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **دیگر عین عز و علا** اگر در روز [illegible] هفتاد حرف عین نویسند و با خود دارند [illegible]
[illegible] اسم عالم [illegible] را هفتاد [illegible]
حرف اینست علیم علی عالی عادل عفو عاصم عزیز این هفت اسمست در هفت موفق باید داشت که [illegible]
[illegible] مشغول شوند [illegible] **دیگر فای فتح و فرج** اگر در روز [illegible] که هفتم ماه باشد هشتاد
حرف فا بر کاغذی نویسند و با خود دارند و باسمای متعلق آن مواظبت نمایند بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور باعث
فتوحات صوری و معنوی [illegible] فرج [illegible] فتاح فعال فاتح فارج فایض فیاض فاصل

۷۸

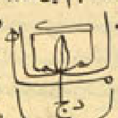
ففتحنا ابواب السماء الی قد قدر و این هشت اسم را در هشت باید نهاد که با خود دارند و از عجایب خواص متعلق
بحرف فا یکی آنستکه گفته اند که اگر خواهند که چون انگور را از تخم [illegible] شود در روز سه شنبه سفید [illegible] باید
ساخت که حروف فا [illegible] بر کاغذی بنویسند در جوف [illegible] نهاده در کنار آب [illegible] دفن کنند و [illegible] عزیمت کنند
با آیه مذکوره بدین عبارت که ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر الی تجری باعیننا الی اخره فانطلقا حتی اذا رکبا اهلها کذلک نجزی [illegible]
فلان فی دمه و ارسلنا علیهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع والدم کذلک نجزی [illegible] در همین کتاب
هست بالتمام و این از خاصیت حرف فا است و این حرف با حرف قاف اختلاف [illegible] و تفصیل شرح این حروف در حروف
قاف مسطور خواهد شد دیگر صاد صمد اینست و صفا اگر در روز چهارشنبه هیجدهم ماه [illegible] حرف صاد بر کاغذی
بنویسند و با خود دارند باعث صفای ظاهر و باطن است بشرط مواظبت و مداومت با اسماء و آیه متعلق بوی و قرائت عزیمت
و سوختن بخور و اسماء اینست صمد صادق صانع صابر صبور صالح صباد صاحب [illegible] و آیه اینست ص والقرآن ذی الذکر
این نه اسم را در نه مربع باید نهاد که با خود دارند [illegible] آیه مذکور را بجهت دفع اعدا بجا آرند مفید است دیگر قاف
قهریت و قدرت اگر در روز پنجشنبه نوزدهم ماه صد حرف قاف بنویسند و با خود دارند و با اسماء و آیه متعلق بان مواظبت نمایند
بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور باعث [illegible] اسماء و آیه اینست قیوم قوی قادر قریب قدیر قائم
قاضی قابل قدوس ق والقرآن المجید این نه اسم است و در نه مربع موفق باید داشت که با خود دارند [illegible] مفید است و بعضی
از استادان گفته که حرف قاف و حرف فا [illegible] حرف قاف [illegible] حرف فا با الف قائم است که همان حرف
وسط قاف است و بعضی گفته اند که حرف فا منقلب در [illegible] قاف است [illegible] حرف فا ظاهر است و با یکدیگر [illegible]
و قاف متعلق بمشتری و فا متعلق بقمر است و حروف مذکورین بجهت طالب و مطلوب عمل باید آورد و بهمین اکتفا کرده اند اما انچه
صلاحیت عمل داشته باشد آنستکه هنگامیکه قمر با مشتری [illegible] و صورت [illegible] طالب [illegible] بنام مطلوب
اسمیکه مفتاح این حرف قاف [illegible] در صورت [illegible] طالع [illegible] هشت اسم که مفتاح این حرف [illegible]
مطلوب [illegible] و صورتها را برابر یکدیگر داشته [illegible] تا وقت اجتماع [illegible]
طالب [illegible] باعث جلب مطلوب [illegible] در این باب نوشته شد [illegible] مولف [illegible]
صاحب کتاب نوشته بود که چهارده اسم باید نوشت از جهت طالب که مفتاح از حرف قاف باشد و طالع خود دارد و چهارده
اسم باید نوشت که مفتاح از حرف فا باشد و مطلوب با خود داشته باشد و این معنی [illegible] طالب و مطلوب [illegible]
[illegible] در این باب بخاطر این مولف میرسد [illegible] کدام را چهارده اسم [illegible] با خود داشته باشد [illegible]
[illegible] بواسطه آنکه [illegible] از اسمای [illegible] ظاهر است چنانچه [illegible] حرف قاف قاهر قهار قابض [illegible]
اضافه [illegible] اسم [illegible] حرف فا فاصل [illegible] فاتق [illegible] اضافه [illegible] اسم [illegible]
در وقت اجتماع [illegible] در صورت [illegible] با اسم مخصوص [illegible]
[illegible] نوشته محقق کرده باشد [illegible] تا ساعت استقبال [illegible]
[illegible] و لازم است [illegible] موقوف [illegible] شرط چند دیگر هست که اخفای آن [illegible] و صاحب وقوف را
احتیاج بتفصیل آن شروط نیست دیگر رای ربوبیت و رافت اگر در روز جمعه بیستم ماه حرف را [illegible] مرتبه نوشته
با خود دارند و با اسماء و آیه متعلق بان مواظبت نمایند باعث [illegible] بشرط قرائت عزیمت و سوختن بخور
و اسماء و آیه اینست رحمن رحیم رئوف [illegible] رافع [illegible] ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انک علی
کل شیء قدیر و این دوازده اسم را در دوازده [illegible] باید نهاد که با خود دارند دیگر شین شهود و شان اگر بند

شنبه بیست [illegible] ماه سی حرف شین بر کاغذی بنویسند و با خود دارند و اسماء متعلق بان مواظبت نمایند باعث [illegible] بشرط قرائت
عزیمت و بخور سوختن و آیه و اسما اینست شهد الله انه لا اله الا هو شاهد شهید شاکر شکور شدید شافع شفیع شریف
شافی شفیق [illegible] این دوازده اسم را در ۱۲ در ۱۲ موفق باید داشت که با خود دارند و در بعضی نسخه این اسم
دیگر را اضافه کرده اند [illegible] و گفته اند که اگر کسی عقد الطریق خواهد [illegible]
باید که [illegible] در مرکز [illegible] اسم شخص باید نوشت و در [illegible] اسم [illegible] حرف شین [illegible] خواهد شد
باید نوشت [illegible] شخص داشته باشد [illegible] که باید نوشت
و باید خواند اینست [illegible] عن [illegible] عن [illegible] و عن کل
[illegible] البطش الشدید ان الذی لا [illegible] دیگر تای توفیق و تقریب این حرف
بروز یکشنبه بیست و دوم ماه متعلق است [illegible] جمالی [illegible] اسم تواب و تام و [illegible]
انکه باعث پاکی [illegible] توفیق [illegible] بشرط مواظبت و مداومت [illegible] عزیمت اگرچه [illegible]
[illegible] اسم دیگر متعلق باین حرف هست [illegible] که گفته شد و اسما اینست [illegible] و اینچه متعلق
[illegible]
این عمل موقوف بچند شرط دیگر است اعاذنا الله دیگر ثای ثبوت این حرف مخصوص [illegible] شنبه بیست [illegible] ماه است و
در این حرف [illegible] اسم از اسماء [illegible] ثابت [illegible]
متعلق باین حرف [illegible] جلال بکار است بشرط قرائت عزیمت
و سوختن بخور و خواندن آیه مذکور [illegible]
ثم انزل علیکم [illegible] دیگر خای خبرت و خیر اگر در روز [illegible] شنبه بیست و چهارم ماه [illegible] اسم که باین اسم متعلق
[illegible]
باعث [illegible]
قرائت اسم مذکور مشغول شوند [illegible] دیگر ذال ذو العرش المجید اگر در روز [illegible] بیست و پنجم ماه این [illegible]
که مفتاح اسما حرف مذکور است [illegible] باعث
[illegible] ذو الجلال والاکرام ذو الحول ذو الطول [illegible]
القوه ذو الفضل ذو العرش دیگر ضاد ضوء ضیاء این حرف متعلق بروز پنجشنبه [illegible] و اسم
این حرف [illegible]
[illegible]
شرایط و اسم اول [illegible] دیگر ظاء ظهور و این حرف
متعلق بروز جمعه بیست و هفتم ماه است [illegible] ظاهر [illegible]
در هشت حرف [illegible]
دیگر غین غفران این حرف متعلق بروز شنبه بیست و هشتم ماه است و اسم غنی [illegible]
اسم [illegible] بشرط مداومت و مواظبت بر عزیمت و اسماء متعلق بحرف مذکور اینست غیاث غافر
غفار غفور غالب غلاب [illegible] این ده اسم را [illegible] موفق داشته با خود دارند که باعث [illegible]
بشرط [illegible] دیگر لام الف این حرف مشترکست و متعلق [illegible]

و شرح این حرف یکقاعده در فصل سیم همین کتاب نوشته شد و ذکر این حرف کلمه طیبه ۱۱ ۲ ۱ ۱ است کاو فواد خاص و عام ا
فانشرح مستغنیست و بعضی از استادان پنج اسم بااین حرف متعلق دانسته اند و اسما اینست لاطف لاهب لاحق لاج
لاسع والله اعلم بحقایق الامور **فایده در شرح خواتیم کواکب** و عزیز الدین اسعد اسعده الله که بعضی از استادان
خاتم هر کواکب را در الواح عددی چنین قرار داده اند که در زحل را تفویض داده اند و در روز شنبه و دعوت جبرایل و ملاک
دهشت و هشت را عطارد داده اند و روز چهارشنبه و دعوت میکاییل و ملک برقان و هشت و هشت را بمریخ داده اند
دعوت عینایل و ملاک ذو معتبر و شش در شش را بآفتاب داده اند و روز یکشنبه و دعوت روقیایل و ملاک مذهب و پنج در پنج
را بمریخ داده اند و روز سه شنبه و دعوت سمسایل و ملاک احمر و چهار در چهار را بمشتری داده اند و روز پنجشنبه و دعوت
اسرافیل و ملک شمهورش و سه در سه را بزحل داده اند و روز شنبه و دعوت عزرایل و ملک میمون و در این خاتم سه در سه
پنج قاعده مقرر داشته اند یکی طبیعی و یکی ناری و یکی بادی و یکی هوائی و یکی ترابی و سطور او اینست و در بعضی نسخ این نوع است
طبیعی **ح ا و** ناری **و ا ح** هوائی **ب ط د** مائی **د ز ب** ترابی **ب ز و** و چنین گفته اند که اگر کسی را عملی اراده بوده باید
مناسب آن عمل کند چنانچه اگر اراده با محبت خواهد ملک مذهب را قسم دهد و چنین بگوید که عزمت علیک یا مذهب این پنج
رو حانیة الشاکثه فی قلب م ۲ بن م ۲ علی محبتی و مودتی بحق و الطور و کتاب مسطور الی آخر و اسم شخص را بحروف کش
استخراج داده در کار مولادی نوشته دو داخل هند هم بت بجا اند مجرب و اگر بطلان بجو خواهد عزیمت ملک ابیض بجای
کرده حاجیت قمر است و اگر تبدیل عدو خواهد عزیمت ملک احمر بجا اند کرده حاجیت مریخ است و اگر دفع سر خواهد عزیمت
ملک ذو معتبر بجا اند کرده حاجیت زحل است و قس علی هذا و انچه صاحب کتاب شمس بعید در باب لوح سه در سه نوشته
بعضی از آن مرقوم میشود اولا چنین نموده که حروف ناری موافق است بعلم و حروف هوائی موافق است بعشق و حروف مائی
موافق است بزکوة و حروف ترابی موافق است بموت و هر یکی که بدی باشد و طبیعت حروف را باین نوع گفته **ا ب ج د ه و ز**
ح ط ی ک ل م ن **هوا** س ع ف ص ق ر ش **تراب** ت ث خ ذ ض ظ غ **ماء** **نار** و این قاعده شیخ بونیست که توالی را بر ماء مقدم
داشته و حجت هر یم با بجا نهجرد ر طبایع گفته شد عدد حروف آن طبع را در خاتم می نهند و بعضی گفته اند که عدد حروف مناسب جهت
امورات جلالی در این خاتم باید نهاد و حروف مناسب حرف ندیدن عقد **ا ف ق ک ل م ن ه و ی** و این
عکس حروف و عدد مقابلست و هم صاحب کتاب بعید در تعریف بعضی از ترکیب دکلمات گفته که اگر کسی را خون از دماغ روان
شود که بیهوش باشد این چهار کلمه که مذکور خواهد شد بخون خودش بر پیشانی او باید نوشت که می بندد و کلمات اربعه
اینست **شام هام کام شام** و برای بستن خون از دماغ گفته اند که این اسم را بعقب بنویسند که انگشت بر خون نهاد ببندد
چنانچه نوشته بر پشت دماغش برسد که خون می ایستد و می بندد و اینست کلها باه مستقر و سوف یعلمون و اینکه خام بعضی
کلمات در موضوعات اعداد و غیر ذلک در این کتاب متفرق نوشته شده و میشود بنا بر آنکه ما دانا القاهر ترکیب تمام عملی را
اعمال مطلع شده بنا واجب متوجه عملی شود و بانوع اشکر و هر کار در هر چه یکه سعی و کوشش بابن بخت عاقبت آن کمینه چند
بند هد ابقد و هشت که اکثر منابع از آن اشتقاق در این کتاب جمع است و مکلا در هر باب با انواع مسطور شده سعی بسیار نموده
که از اول تا آخر بدانند و بکه اکثر ارباب احوال هوقوفت و هر فراش بنا از دی دانش و عدم علم و فهم است و با این نظر فهرست
از فصول این کتاب اینجا مسطور شد که فی حد ذاته تمام است والله اعلم **فایده در خواص بعضی از تکبیرات** بدان وفقک
الله که بعضی از استادان مدار تکبیرات القهر را بر این قاعده نهاده اند که مسطور میشود اولا انچه شیخ بونی مقرر داشته اینست که هر گاه
این سه اسم را مکسر و مسطور نقش کنند باعث سعد و در انگشتری نقش کنند باعث فایده های کلی است و سه اسم اینست المجید الفتاح
المجید و تکسیر ش بدین نوع است **ا ل م ا ل ف ا ل م ح ی ط ا ط ر ج ی د** و دیگر گفته که هر گاه این سه اسم را در مسکن نگین انگشتری

نقش کند

خود نقش کند مکرر باعث توت و مکتسبات و سه اسم اینست الرؤف المنان الکریم و تکسیرش که در نگین نقش کنند
چنین باید کرد ا ل ا ل ا ل ر م ن ک و ع ف ا ن ی م و دیگر گفته اند که هرگاه بکشند یک هشت در چهار و یک چهار
در از و در واضح باشد و عدد اسم طالب و مطلوب کرده در چهار در چهار رقم زنند موفق و حروف اسم طالب و
مطلوب در هشت در چهار رقم زنند و مثال آن اینست **طالب**
مطلوب جمعین عدد دین و دیگر گفته اند که این ۲ دیم
۱۲۴ ۹۲ نور السموات الی العلیم چهل و هشت کلمه است و این
چهل و هشت عدد کامل است و مطابقت با **حم** و موافق است
با ماجد و سرش آنکه شش از اعداد کامل و هشت که اول
عدد زوج مکعب ضرب کنند حاصل الضرب چهل و هشت میشود
و این مذکور را عدد کرده در لوح موفق دارند چهل هشت
روز هر روز همین عدد این مذکور را قرائت کنند باعث
نور اینست باطن است و عوایه صوری و معنوی دارد چنانچه حضرت سید حسینی اخلاطی قدس سره فرموده در همین
باب **قطعه** که بخواند این سوره ای عزیز و دیگر اشراق حرف قاف کاف چاره دیگر که مضاف این کنی و از عین زیج باب
طبع بر خلاف و در مطالب باشی اند ضبط آن و در دو صد و بیست روی در کوه قاف و غرض از اشراق حرف قاف کاف
صبح صادق و کاذبست و چنین گفته اند بزرگان که هر که این دعا را که بعد ختم بخواند فایده کلی میدهد و این
عدد را خاصیت بسیار است و عدد این مذکور اینست ۱۱۶۱ و اگر قرائت سوره که بهم آید را هفت روز هر روز
هفت یکبار چنانچه فایده های صوری و معنوی میدهد که از شرح مستغنی و یکی هم میکرد قرائت سوره مذکور میکنند و قتی
که با بکار فی فلک تسبیحون رسد چهل و هشت نوبت این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا کامل الکل و یا محیط بالکل
و الیک الکل اما الکل لک یا حی یا محیا احیی کل ملطا نف لطف احیا یا محیا اهلاک افلا ککا یحکم احکاملک کلها فلک یحکم
کلا ملک الحکم الکامل بها ایات یا حکیم و الحکمة حیا جلالک یا جمیل یا خلیل یا ماالک کل ملا ما ملک لک لا ملک لا مالک
ملک الاملاک فی الکل لک لا یتجاوزک الا الیک فا کفل حالی فی کل حال یا مجیب و انیه اللهم الی الکل فی فلک یسبحون
اقسم علیک یا الله بالاسم الاعظم الاقدم الاکرم المکنون فیه ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی کذا و کذا کن
فیکون بعد از آن این روایه لهم انا حملنا الی آخر السوره تمام کند که مفید است والله اعلم **فایده در خواص بعضی**
از کلمات و غیره بدان اسعدک الله که بعضی از استادان در خواص کلمه انجب گفته اند که اگر در حبس بوجه باشد و در روز
دوشنبه کلمه مذکور را بنوعیکه مرقوم میشود با اسم محبوس می باید نوشت که محبوس با خود دارد که از حبس خلاص میشود
باذن الله تعالی و شکل کلمه مذکور اینست و بعضی گفته اند که همین شکل باید نوشت با اسم شخصی که
در محبس است و در استانه محبس دفن کنند از اندرون که مفید است و دیگر در باب همین
کلمه گفته اند که محبت انفت میان شخصین و در روز و ساعت قمر بنوعیکه مسطور میشود
بنویسند و طالب با خود دارد که بغایت مفید است بدین نوع باید نوشت





و بعضی در باره همین کلمه گفته اند که جهت اظهار سارق بنوعیکه مرقوم میشود بنویسند و در روز
مریخ و ساعت او در میان اوراق مصحف گذارند در دو سه روز دزد ظاهر شود و
شکل اینست و باید که در پشت همین شکل طهور سارق فلان بن فلان بنویسند



۸ وحریر بحر و مرینا الحجوه بیان کرده که هنگامیکه قرص خورشید آید و قمر زایل النور باشد یکی از آن وقت آهو صحرائی و بیران وحوش
جانوری بی‌مانند کنند که مزاج انجانور گرم و خشک باشد و دیده در صورت جانور حروف حارس بنویسند به موضع که خواهند
در دعای تحلیان صورت طایر اسم شخص را که طلب او می‌شاید بنویسند و بر سران طایر از اسماء حاره یا بیه و اسمای مزجه
بنویسند که بموضع خواهد شد بنویسند و از پا و پر بند شخص بد عا ان و جهد کند و اسماء حاره یا بیه و اسمای مزجیه اینها
طاش طشوش طهتوش کلداش صه قاش حاش حشوش این چهار اسم با عدد الثا ما ان سه اسم حاره یابسه
فاذ بجای اعمال او یکی که عکس حبیب این کلمات را باید نوشت که کار زیاید بطح بطم بطت احماحمها یا دیا مثلیثا و دیگر علیل
تعالی نقل میکند که هر گاه که خاتم مشتری یا بعض چهار درهم یا کسی و در روز پنجشنبه ساعت اول قمر مذکا علما اجوح زند و در
هنگامیکه طالع او وقت سرطان باشد و قمر ناظر مشتری باشد بنظر تثلیث با تدبیر دید و در لوح مذکور سوق الفقد بیاید
کتاب دلجو دارد مفتاح الحیل القلوب و در رساله خواص الحروف در باب کلمات حروف منقوط چنین بیان کرده بود بتث کلمه سریانی
و معنیش بکلام عرب یا قدیم است و اگر کسی این کلمه را در وقت صحبت بر انگشت خنصر خود بنویسد کسی او را بگیرد چهار پا بیچ بجحد
کلمه ترکیب و معنیش بکلام عرب با اقوایست هر کاین کلمه را در دو نجم ساعت زهره بنویسد و بکشد و دیوان بنویسند و در دو یکی
الکشتری بند جفت کند و اگر نقش خاتم کند او را ست و صورتش اینست دیگر رشعن کلمه یونانیست
و این کلمه را برای قطع دم که از هر عضوی روان شود مفید است و طعفع کلمه دیگر لغات ترکی و معنی آن
بکلام عرب با عقوایست و این کلمه از برای برکت در طعام مفید است کما بحرانند و قفت کند با بنویسند
و در میان اجناس خود دفن نمند اگر بر لوحی از سیم در ساعت سعد نقش کند با عنا بوده باشد وقتی
و معنی این کلمه بلغة عرب یکهیل است و کلمه در اصل عربی است اگر این کلمه را در وقت تحویل آفتاب با اول برج حمل در زمین رنگ عاجی بنویسد
و چهل روز قبل از آنکه چشم بکسی و اگر نظر بر آن اندازند و در آن سال از آفت برسد محفوظ باشند و اگر مجموع حروف منقوط را بنویسند
در روز عطارد ساعت قمر در پیشانی بمند و مشکل جوی و آن را عزیمت کند بعضی بنویسند نام بعض و را بیدوا اجزاء بدون خود را اگوی
و بعضی گفته اند که این کلمات نیز با حروف باید نوشت و با عزیمت باید خواند کلمات اینست یا کلیم یا کلم یا الحا یا معجلا یا معجلا یا تحجر
یا آن یا بر یا له یا لا بر یا حابه و ماید و ماید و هابه و هابه کلم کلم یا سر الله قم و در باب کلمات حروف صامت بعضی از ایشان چنین
گفته اند که اگر کلاه او این کلمه احد است و اسمیست از اسمای الهی بکلام عرب کسی و در روز چهارشنبه در جلدی جدید کند و با خود داشته باشد
این اسم را بنویسند و با خود دارند اگر کسی خواهد که او را اقتبال او ده بد منی از آن عادت حید ستو آید و در آن زنا در چشم و دل مردم و در
و معزز کرده و اگر کلمه دیگرش که رصص این کلمه عبرانیست و معنیش بکلام عربی قیوم است در ساعتی سعد کسی نوشته با خود دارد از آن حکم
زخم محفوظ باشد و کلمه دیگرش که طعکل است و این کلمه بمعنی قدرت است اگر بنویسد در ساعتی سعد مناسب و در دست خود نگاه
دارد و بمقابل کسی رود دارد و حاجتی توقع داشته باشد الحاجت او از آن شخص روا شود و اگر کلمه دیگر این حروف که آن موهلا و
و این قطبیت و معنیش معمولا بکلام عرب مقتدر است بر پوست قسط اسود یا دا اخضر کسی بنویسد و در میان افشره و معه
سفارسیر نوشته محفوظ ماند دیگر حروف النور اگر کسی در ساعت سعد بر طلا نقش کند چون آن لوح را بر کردن کسی آویزند که صاحب
مرضی بوده باشد بامر الله تعالی از آن مرض شفا یابد و اگر در آینه‌ای نقش کند چون صاحب لقوه بکند مقصد بر آن آینه بکرد
لقوه از او برطرف شود و حروفش اینست ححح لل لل م م م دیگر حروف الظلمه اگر کسی این حروف را یا بچیزی
بنویسد مر ظرفی و ازو ایشان آب رودی بصیر آیند و حروف اینست ص ص ص ع ع ع ن ن ن دیگر حروف الحرکة و
این حروف سرد و تر و گرم و تر است و در طبیعت منفق یکدیگر هر گاه کسی این حروف را کتابت کرده بر آن خوابند از رفیق راه
مانع شود و حروف اینست ق ق ق ذ ذ ت ت ت دیگر حروف السکون و این حروف نیز در طبیعت با یکدیگر

متفقند

متفقند اگر کسی این حروف را در لوحی که از نقره باشد در روز پنجشنبه نقش کند و با خود دارد جهت سعت رزق مفید آید
و حروف اینست ی ی ی ص ص ص ح ح ح و اگر کسی الواح را ملاء این حروف زایه کند دیبوهند درد کان
میان اجناس کنار هر جنس که در آن دکان بوده باشد بروز دی عز بجه شود دیگر حروف الحیات و حروف الموت و هر دو
اینست حروف الحیوة حروف الموت و شرح خواص این حروف موقوفست دیگر حروف النفس که هر کاین
حروف را بنویسد و با خود دارد دفع وسواس کند و حروف اینست ح ح ح ح ح ت ت ت ت ت
ا ا ا ا ا ب ب ب ب ب د د د د د دیگر حروف المتواخیه و آن در اصل هفت شکست و بجهت بحث
الفت اثری تمام دارد و حروف اینست ح ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ دیگر ترکیب حروف انتهی
و خاصیت کلمات آن هر کلمه از برای چیزهاء مفید است و چه کار را شایسته است و هر کدام کلمه بکدام کوکب تعلق دارد و تفصیل آن
اینست و این فواید از سید حسین اخلاطیست یا اَدْضِفْ یا بَنْجَلْ یا تُرْظِمْ یا تُزْعِنْ یا جُوعُ یا
حَشْ فَزْ یا خِضْ قِ جهت عطلت جهت غزت جهت جبه جهت مال جهت فقر جز
رفعت جهت قطع
س م د ر ل
۱۲۵ ۷۴۱ ۱۵۴ ۶۲۷ ۱۰۶۹
غد مسعود مجمس مبین رب
ی خ
۳۹۳ ۸۰۰
علیم قاهر عدد دیگر در تحت رمود کوکب شده بعد ترکیب کلمات است و اسمی کرده تحت هر عدد مسطور است
اسمیست که بجهت آن شرح کرده در تحت کلمات نوشته شده مفید است و ترکیب کلمات طالع نیز بعینه نیز بکار است و ترتیب
همین کلمات متعلق بکواکب سبعه است و عدد هر یک باید دید که بعمل آورند افیج عیلم همصرز طفب خطغ فکوت
شضذد دیگر در ترکیب بعضی حروف که با هم بنویسند صاحب ۱۲۴ ۱۵۰ ۳۰۲ ۱۵۱۱ ۱۵۵۱ ۶۰۶
۱۸۳
کتاب کنج الحروف چنین گفته که این دو حرف اگر کسی بر انجنای باق خود بنویسد در ساعت مشتری بطالع برجی که خانه مشتریست و اگر
صاحب طالع در خانه باشد بهتر اگر کسی این ورق را با خود نگهدارد و حروف اینست یه اگر یکنقطه از این دو حرف کم کرده همین دو حرف را
بر کاردی بنویسند در طالع خانه مریخ هنگامیکه طالع در خانه باشد و آن کارد را بر کسی بنمایند که اعدا رکام با تفاق بوده باشد
مرشو با مر الله تعالی و حروف چنین بنویسند به اگر کسی دانیج در یخ بوده باشد دو حرف که بعد از این رقم مسطور بر طشتی
بنویسند در شرف قمر در باب باران بشویند نایاب شاد که بر طرف شود و حروف اینست جه دیگر دو کلمه که نوشته خواهد شد اگر کسی
نوشته نگاه دارد و با بر بعضی در صندل در نظر عزیز و مکرم گردد و اگر همین دو کلمه را در وقتیکه زهره در برج خود باشد بطالع اسد
در ورق صندل سبز نقش کنند هر که با خود داشته باشد از شر شیطان محفوظ باشد و اگر آن در صندل سبز نقش کرده در آب اندازند
شفا یابد باذن الله تعالی و دو کلمه مذکور اینست یاه یاه دیگر اگر خواهند که جائی را آتش در گیرد با آتش در آنجا باید
آنچه حروف الترتیب را طلسمیکه بعبارات این رقم مسطور بر لوحی مس مریخ نقش کنند در روز دخل ساعت مریخ و مس باید که مشتعل
شده باشد و شعله آن عزیمت باد در میت شعله شود و لوح را در میان آن دعا عبید دفن کنند که اثر مید هد و عزیمت ادبیه
در همین کتاب هست در فصل عا اند م و تکرار شرح حاجت نیست اما حروف با این کلمات طلسم اینست ام طم فش ذملذ
صد ضد قفلکنلود [illegible] صح دیگر از برای طالب و مطلوب اسم او مرء را در وسط اسمی بنهاده
تکسیر بید رود و حرکت نکند نام او را باز کرد در مطالب با جزء قرار دهد مطلوب مسخر او شود و اگر طریق باشد اسم او مرء را بیش از اسم
باید کرد که مطلوب تکسیر کنند و در صحت کار کسی که تکسیر کردند طلسم باید نوشت و بعضی باید سوخت و عزیمت باید خواند و
تفصیل مجموع این عمل اینست مثلا طالب زین مطلوب ضرر وسط اوبره باید نوشت بر این طریق زرش ای ام سبوس
ورش م ی ر ن س ر ه تمام این حروف یکسطر است این سطر را تکسیر بیسه به وصف باید کرد تا وقتیکه تمام بکرد شود و این

واین طلسم را باید نوشت که با هفت دانه فلفل و هفت ورق سداب و هفت ورق عود و یکمثقال شکر سفید خام و کندر
کلاب در قاروره نخاجی کند و بر آتش نهند و عزیمت ابومره بخوانند که مفید است و طلسم اینست ابلس
ابلس و هفت شکل الجنین باید نوشت با این عبارت که احرقت قلب ۴۳ بن ۴۲ محبة ۴۲


بالنار المسجوره و بیست و یکنوبت این عزیمت باید خواند عزمت علیک یا ابلیس ابن خالد


بالذی اخرجک من نار السموم واخرک الجحیم الوقت المعلوم وامرک ان تسجد لآدم فلم تسجد ان تحرق قلب فلان بن فلان علی
فلان بن فلان بحق [illegible] ان قاوان دعزمت علی [illegible] صلیا بحق الطور وکتاب مسطور والبحر المسجور انا اشتکی
بخوبه باشد که این نوع اعمال و عزایمات [illegible] باین عمل نتوان آورده که [illegible] غریب باشد واین کارها که ایراد شد که
صاحب ریاضت باشد و با وجود حاجات بقدر مناسبتی پیدا کرده باشد والا بیم خوف و [illegible] حالا عاملان این بعهد [illegible]
این اعمال دانسته اند آنکه بجزویات [illegible] شده اند دیگر نوشتن لوحی که از آن [illegible] لازم آید قانع الله بالذکر [illegible]
ان خلاصی یابد شروط [illegible] و اوراد ها منظور میدارند که [illegible] اکوفت می پسند [illegible] جابی که [illegible] مشغول
شوند از انجمله آنکه اراده دارند که شخصی را از مقام آواره کند نام او و نام مادر [illegible] با نام والده اش [illegible]
و نوشته را بمقراض [illegible] در مقام شخص مدعا نهند [illegible] نوع نوشته در منزل شخص [illegible] کنند دیگری بگو
[illegible] که می نویسند در خانه شخص [illegible] می کنند و در وقت عمل [illegible] سگ و [illegible] مهجور انند با چیزهای [illegible]
و [illegible] در گورستان رفته می نویسند و بجهت [illegible] شخص [illegible] حاضر [illegible] و بعد از آن از خاک سر راهی [illegible] خاک پای آن
یا خاکی که مقبره یهود [illegible] مقابر شخص معاند علیه و [illegible] احد مثلث [illegible] هر کدام که اراده کنند
[illegible] را می نویسند و در شکم صورت نهاده [illegible] صورت را [illegible] می بندند و [illegible] ذکر [illegible]
میکنند و جمیع این عمل را در مقبره یهود [illegible] آورند و صورت را در مقبره دفن میکنند یا در زیر کنج قصابان دفن می نمایند
و گاه هست که این نوع مثلثات را [illegible] و زهر مار و امثال ذلک می نویسند و از [illegible]
تا که به عمل مشغول شدند تا وقتی که [illegible] اعمال خود مبتلا می شوند اعاذنا الله منه و اکثر این طایفه [illegible] این اعمال [illegible] می باشند
کاتب الحروف این اعمال را در جلد [illegible] و جلد حمار و [illegible] واستخوان میت [illegible] و امثال ذلک می نویسند اکنون اگر [illegible]
[illegible] بصیرت ملاحظه این اعمال کند باید که انصاف بدهد که جمیع این اعمال ناصواب در هیچ وقت [illegible] نیست زیرا که عمل
این اعمال [illegible] روسیاهی است و غرض از این عبارات آنکه این فقیر [illegible] مطلقا متوجه این اعمال [illegible]
وامیدوار است که [illegible] این اعمال [illegible] متوجه نشوند که نتیجه اش [illegible] و روسیاهی [illegible]
[illegible] در این باب در این کتاب [illegible] جهت معرفت آنکه حاصل کنند نه جهت کار کردن [illegible]
نتیجه اش بد است [illegible] باعث [illegible] باشد [illegible]
افعال قبیحه شد [illegible] **مؤلف** عرض اینست که [illegible]
[illegible]
[illegible] استادان گفته اند که اگر کسی را [illegible] باشد [illegible] خواهد شد [illegible]
[illegible] یا [illegible] الاسم [illegible]
باشد این عمل کنند [illegible] **یا شمعونا** و بعضی گفته اند که [illegible]
[illegible] یا عباد الله [illegible]
[illegible] طلسم [illegible] نا سخ شود و

و کیرا که بسته اند بگویند که [illegible] طلسمی که [illegible] دخان آن او [illegible] بالا رود که بامر الله تعالی گشاده شود و
طلسمی که بر ظرف [illegible] باید نوشت اینست [illegible]
[illegible]
[illegible] و بعضی گفته اند که بزعفران و [illegible] اسود و [illegible] باید نوشت که همراه خود نگاه دارد
که گشاده میشود باذن الله تعالی **دیگر طلسم المحبة والعزیمة** طلسمیکه بعد از این نوشته میشود [illegible] باید
که نوشته را با هفت دانه [illegible] در قاروره [illegible] را با آتش نهند که [illegible]
بهم [illegible] باید [illegible] عزیمت مشغول شوند و بیست و یکنوبت بخوانند که مفید است و شکل طلسم اینست **اول**
دویم **سیم** و عزیمت اینست عزمت علیکم ایها المؤکلین بهذه الاسماء [illegible]
[illegible] والطلسم ان تجیبونی و تطیعونی و تقضوا حاجتی فان ابیتم [illegible] الله [illegible]
و بحق [illegible] ان [illegible] فارسل علیکم [illegible] الا [illegible]
الوحا فلان بن فلان [illegible] الوحا الوحا العجل العجل الساعة [illegible]
که از [illegible] باشد که قاروره را بر آن نهند **دیگر** بعضی از استادان گفته اند که کلام هذی را خاصیت هست و از آن جمله
دو اسم [illegible] نوشته اند [illegible] آنکه اگر کسی را حاجتی مشروع باشد پنجاه و دو شب هر شب بقصد [illegible] نوبت اسمین
را بخوانند که مفید است و [illegible] باید خواند و بعضی گفته اند که [illegible] باید داشت و صاحب ریاضت باید
بود هر شب [illegible] را با عزیمت باید خواند و اسمین مذکور اینست [illegible] و عزیمت اینست [illegible]
[illegible] سواها و گفته اند که این عزیمت و بعضی [illegible] باید خواند
[illegible] کرده [illegible] و در این باب هر کس [illegible]
[illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] و بعضی [illegible]
[illegible] ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین
فیه آیات بینات مقام ابراهیم ومن دخله کان آمنا بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الحی الذی لا یموت [illegible]
محمد رسول الله [illegible] الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد [illegible]
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا حافظ یا حفیظ یا حافظ [illegible]
یا غیاث من لا غیاث له [illegible] یا ذا العرش المجید یا فعال لما یرید [illegible]
[illegible]
گفته اند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

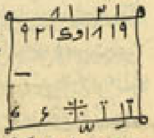
۳ [illegible]

در خواب شود که در خواب بوی نماید کیفیت حالات را و طلسمی که برای کیفیت حال خود باید نوشت و شب جمعه زیر سر
گذاشت این است مصعط مصعلعصعله هجله سمله صهلماح و طلسمی که برای کیفیت غایب
باید نوشت این است صلح مصعصح مصعطع لوح احلح مصعصح مصصیطع دیگر گفته‌اند که اگر خواهند که
دشمنی اواره شود و هیبت و بیچاره گردد در سنگ از ده خانه وقت غروب شمس باید ستد و روز یکشنبه یا سه شنبه هنگام
که در عقرب باشد یا در دلو به بیت و پنج درجه و بر هر سنگی این اسما را باید نوشت و با نام شخص و علیه و نام مادرش و بر هر
سنگی هفت نوبت دعای قریش را باید خواند و بعد از آن سنگها را در جهان روده خانه که سنگها از آن بیرون آمده‌اند دفن باید کرد
یکی یکی دو روز یکی یکی چنانچه فاصله میان سنگها چهار قدم باشد و اسماء که باید نوشت این است دلواش خاواش صاداش
داماش سمرواش لاواش کاواش ساواش حظتمون فلیخوش دیگر گفته‌اند که اگر کسی این اسما که مسطور خواهد شد
با عتق سعد بنویسد و با خود دارد مقصودش حاصل شود و هیبت و یک خاصیت دیگر این اسما است و اسما این است اسطاوث
اسطاوث اصباوث اصباوث هعفون تلتون عطفون شیش شیش عتق سهل یا یهیا اعها دهیا هیاهی هی یا عتق
المستعین اعتق و خاتم این اسماء عظام اینست و عزیمتی که در وقت نوشتن این اسما باید خواند اینست اللهم بلو نوهم
مید ولاتر هقاش بطیاش صعوش صعیوش هادش طهمارش شغاب نغا
هیلوب هیلیا و یاطوب طاطوب طاطوتا طرش طرشا طرطوش
رش عادرش تعالیت یا عظیم الفضل والعطا اجب یا ملک مذهب است در
اعوانك بحق هذه الاسماء العظام و بحق این اسم ملک مذهب هر کدام از پریخانه
علوی و سفلی که اکثر بحق توان خواند والله اعلم فائده در علم سیمیا
بدان رزقك الله من نعمات النعیم که علم سیمیا بعضی از ارباب این علم است و از آن جمله
علمیکه اعتباری بر آن هست و این خبر بعوان لفظ اللفظ از کسی معتبر شنیدم که او خود



از صاحب عمل دیده بود و نقل مینمود و میگفت که عمل اصلی داشت و بی‌سند نبشته بود حتی که در ملازم او بودم از روی
این معنی برکات مشاهده میشد و بعد از آن اکثر را تعلیم کرد و لیکن بواسطه عدم استطاعت بدین امر بر نیامد ختم و سندی که
از استاد دیده بود بفقیر داد و فقیر بنفس خود متوجه آن نتوانستم شد و این چند کلمه در این باب از روی همان سند منقول
نوشته میشود والعهدة علیه و شرح این چنانست که هفت بند ریعی ... باید بر ... هر جا که در جا طرح و سوسه شیطانی نباشد
و خیالات فاسد اصلا آنجا راه نکند و بعد از آن سه روز دیگر روزه بدارد که ابتدا از روز یکشنبه باشد هنگامی که در این
سه روز قرص نان الیون باشد و در برج سرطان باشد و بعد روز سیم صوم آخر و شب افطار بنان و صورتی باید که
و بخوری باید ساخت از اجزای بدن سرطان بحری که خشک شده باشد و کلیه مقل بید و شمع خام اجزا متساوی و سرطان بحری
نیابد به نهری و یا کلیچه بیرون آمده باشد اجزا ساخته که مرتبه باید کرد و اجزا سان نماید این سه روز فرق پاک البابس پاک طاهر
ساکن شوند چنانچه اصلا کسی با او حالا ایکس مطلع باشد و مجمره آتش بر خود حاضر سازند و طلسمی که نوشته میشود بر کف
دست چپ خود کتابت کنند بعد از آن که وضو ساخته باشند و شب قبل از افطار آن طلسم بر کف دست نوشته و این آن خود
لعق کنند و بلیسند چنانچه نوشته تمام محو شود و بعد از آن افطار نمایند و صورت کنند و هر شب چنین باید کرد که هر روز
طلسم بر کف دست چپ خود بنویسند و هنگام افطار بلیسند و بیرون پاره از کاغذ سفید نقطه بر زیر ... کاراده باید
که بچسبند و بر هر بکار که حرفی که نوشته خواهد شد بنویسند بدلا چنانچه بر هر کاغذی حرفی نوشته شود و در روز که اراده
باشند که شود حاضر کنند از آن روز یکی در آن کاغذها گذارند چنانچه اگر شاعر خواهند شاعری حاضر سازند و اگر لاری خواهند

لاری و اگر بیتی خواهند بیتی و در موجود از نقره خالص تمام عیار باشد و شهر وان و در این سه روز و بعد روز
بعد از نهم روز بهفته تمام زینت و یکنوبت عزیمتی که مذکور خواهد شد بخوانند و بخور از آن بجامه خوش باشد و ظرفی سیمین پر
از آب صاف حاضر باشد و علامت حاجت عمل آنست که دست شخص برتعش شود و چون این علامت ظاهر شد کاغذها را
هاء را با کجمیه از بخور در آتش اندازند تا بسوزند و دود کنند و بعد از آن که دود بر طرف شد آتش را در ظرف آب حاضر نهند
که بامر الله تعالی بیرون عدد آن نشانه که اراده کرده‌اند در ته ظرف آب بماند و میان بند و میدارند و خرج کنند که فاسد نمیشود
و طلسم و حروف که بر کاغذها باید نوشت اینست و حروفیکه بر کاغذی حرفی نویسند اینست ح و لا و س ع ب و د
و طلسم که بر کف دست چپ نویسند اینست و الات بخور اینست سرطان بحری کلیچه بری موم کافور چوده و طاس



بر آن آب صاف حاضر باید ساخت و عزیمتی که در هر روز بعد از نهم روز بهفته ۲۱ نوبت باید
خواند اینست یا هکت یا هکت لاهکت لاهکت هوقا و دیموهل یموهل لیوم لیوم
کلیم کلیم تیبل لیسبل اجب یا کمیا ابل و تو کلا یا میمون بقلب هولا الکاغذ ففة
علی ضرب با امرنا هذا ... النجل النجل النا عرالنا عرالنا عرابالله فیکم
و علیکم و ندر ... قبل از شروع در عمل که بعد از وقوع حاصل از ... شروع در ... کنند و اصلا ... حسن
صرف شود و چون ... شد بعمل شروع کنند و بعد از وقوع بند بند و فاکتد تا فاسد نگردد فائده در بعضی از
قواعد اعداد بدان ایدك الله که بعضی از استادان عمل اسماء الهی را چنین قرار داده‌اند که در جاهای اسم اعظم الله نموده
میشود اولا بعضی از استادان این اسم را پنج حرف دانسته‌اند علی ای حال اگر پنج حرف گیرند یا چهار که این عدد حروف را
در اصطلاح بعضی عدد صغیر میخوانند و عدد ملفوظ‌نیش را عدد صغیر میخوانند و مجموع حروف را ... عدد وسط
میخوانند و عدد کبیر در این دستور العمل بعضی عدد ملفوظی اسم دانسته‌اند و بعضی حاصل الضرب عدد وسط در عدد حروف
اسم و بعضی ... عدد کبیر اسم الله در این دستور العمل اینست ملفوظیش ... ۲۴۹ و عدد کبیر در این قاعده علی
مراتب حروف از مراتب عدد قرار میدهند بدین دستور ا ل ل ه و مجموع این هشتصد و یکست و اسم را بهمین
عدد قرائت میکنند جهت تحصیل مدعا و بر این طریق در تمام بر ... مقصودی که دارند اسم از مقصود را بسط میکنند
یعنی بحروف بحروف مینویسند و ملاحظه میکنند که آن چند حرفست و عدد آن حروف را ... که در اسم الله نموده شد عدد کبیری
صغیر میدانند و بقرائت مشغول میشوند و گاه هست که مجموع قواعد عددی ذکر میکنند تا کار محکم باشد و عدد صغیر
صغیر را در دستور العمل اند برای مدت ایام قرائت و عدد کل ... مناسب موقوف داشته باشد میدارند و نیز بجهت
خصمی که بویه باشد و خواهند که پریشان شود اسماء را حساب کرده در هر مرتبه از مراتب اعداد اسمی چند از اسماء الله را که
اسمای قهر و غضب باشد مطابق اعداد جمع کرده میخوانند و عدد ... در مرتبه مثلث مینهند و در وسط اسم خصم که سه حرف
... اسماء مداومت میکنند و عدد وسط این اسم بقاعده این دستور ۷۳۲ میشود و اسمای مناسب این عمل قادر
قهار مهلک احیا ... است و عدد مجموع این اسماء ۷۳۰ تمام است این عدد را در مثلث موقوف میان نهند
در ساعت نحس و اسماء را مداومت میکنند و در عمل دوستی ... عمل شود مثلا اسم شخصی که دوست شود
محمد است و حروف اسم او چهار است چهار روز اسماء را باید خواند و اگر تا ... عمل زیاده خواهند عدد حروف ملفوظ
او که یازده است یازده روز اسماء را باید خواند و عدد حروف ملفوظی این اسم ۲۲۴ است و این عدد را در لوح
مربع در ساعت سعد موقوف داشته مداومت اسماء مشغول میباید شد و اسمای مطابق این عمل اینها است عطوف حبیب
ودود بهی و در جمیع اعمال بر این نسق عمل میباید کرد مثلا در دوستی ... اگر اراده کنند حروف ملفوظی این را

فرموده الله فرا خورد رسانند هر کس بنحو دار جمله فرموده آن حضرت که علم الحروف من علم المخزون لا یعرفها الا العلماء الربانیون

وقال ایضا علیه الصلوة والسلم العلم نقطة کثرها الجاهلون والالف وحدة عرفها الراسخون والباء آلة تعرفها العارفون والجیم

حضرة جملها الواصلون والدال دوحة فهمها الصادقون وقال ایضا علیه السلم ان السر الحروف فی الواح صدور العلماء

مرقوم وسر الاعداد فی صحایف افکار الحکماء مرسوم وسر الکیمیاء فی خزائن کنوز القدماء مخزون والسر المستتر فی اعماق قلوب الاولیاء

مکنون وسر الاسماء فی مرآت بصیرة الانبیاء مرسوم وسر الکلام فی عرش سماء الارواح مکنون **نظم نثر** کلها تشیر الی الذی هو

واحد وکذلک یتکرر کلها هو واحد وتنوع الاشیاء سر غامض فالخلق حق والحق واحد وانچه حقیقت این علم است مخصوص

حضرت صاحب الامر است که والی ممالک ولایت است و از زمان غیبت آن حضرت الی الآن کسانیکه از این علم اندک بهره یافته‌اند

الله بعد قدم صحبت آنحضرت بوده است و حالا وقت است که خورشید وجود کامل الجود ش از برزخ غیب بر افق ظهور سیر

کرده از بعثت انوار حقیقت بر کافه برایا بپرتو انوار معدلت و ظاهر دعوی انبیاء نور صفوی السرور محمود و متلاشی کرده طلیعه

جمال انوار آفاق را مستور و مزین کرده است فعد این باب که محل استولی خورشید حقیقت است در اسرار عالم و خلق را نقش

صلوة ظهور است متوجه باید شد ظهور تمام دارد و در این معنا برهان این ماجرا این که از احادیث معتبر آنحضرت

رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده اند و از حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة

والسلام در وقوع این ظهور کلمات بحد تواتر باشارات و رموز آمده اند و اسم شریف آنحضرت را چنین تعریف کرده اند محمد

مکنت الله که سر قوت یا کبری و قوت یا صغری در این اسم مندرج است قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

یبعث الله مهدینا بین یدی قیام الساعة بالسیف و حین دنا فی تحت ظل یحیی فان سمعتم خلیفة یخرج فی آخر الزمان فقد امتلأت

الارض جورا و ظلما فیملأها قسطا و عدلا و لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد حتی یخرج هذا الخلیفة من ولد فاطمة الزهراء و هو

اقنی الانف اکحل الطرف و علی خده الایمن خال و یعرف بابا الحال اسمه کاسمی و هو شاب مربوع القامة حسن الوجه و الشعر

و یبعث الله به کل بدعة و یحیی به کل سنة الی آخر الحدیث و لو شئنا الاربانکم و لطلع فیتم بنیانهم و نفرقتم فی لحن القول و مصادق

دیگر در این باب بنو چنانکه در کتاب جفر الکبیر منقول از حضرت امیر نوشته است اما صورت الانسان الکبیر صورة العالم من

العرش الی الفرش و اما صورة الحق من حیث الباطن و صورة الحق من حیث الظاهر و هو خلیفة الله فی الارض و السماء و اما الانسان

الصغیر فانه نسخة منتخبة من الانسان الکبیر و هو خلیفة الله فی الارض لا یفتح اقفال الغیوب الا من سلم العیوب و قال رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم مدة عمر الدنیا سبعة الاف سنة و انی بعثت فی الالف الاخیر و قال الصادق بعثت انا و الساعة کهاتین

و اشار باصبعیه السبابة و الوسطی فرموده الله و انچه حضرت امیر المؤمنین علیه فرموده انقضت الباقی الی خراب الدنیا الف

و همین مضمون در توریة هم هست و متفقند اهل ملل اربعه تمامی یعنی مسلمین و نصاری و صابئین و یهودی که عمر دنیا هفت

هزار سالست و ابن عباس در این باب بیان کرده که ان دنیا کم هذه سبعة اسبوع من اسابیع الآخرة و انکم فی آخر یوم منها قال

الله تعالی و ان یوما عند ربک کالف سنة مما تعدون و فی روایة الدنیا جمعة من جمع الآخرة و هی سبع الاف سنة و ان الله

تعالی یبعث فی کل الف سنة نبیا بمعجزات واضحة و براهین قاطعة لرفع اعلام دینه القویم و ظهور صراط المستقیم

زحل	**مشتری**	**مریخ**	**شمس**	**زهره**
الالف الاول	والالف الثانی	والالف الثالث	والالف الرابع	والالف الخامس
آدم	ادریس	نوح	ابراهیم	موسی

عطارد	**قمر**	**والاقلام والفاظم**	آدم	ادریس	نوح	ابراهیم
والالف السادس	والالف السابع		سریانی	بر طاری	عبرانی	بر عبری
عیسی	محمد					

موسی	عیسی	محمد	**و علامات ملل**	الملة الموسویة	الملة العیسویة	الملة المحمدیة صلعم
عبرانی	رومی	عربی	ابجد	[illegible]	[illegible]	[illegible]

کاتب
و الهام [illegible] [illegible]
[illegible]

حساب باید کرد بدین دستور سین لام الف طا یا نون حروف این شانزده است و عدد ش ۲۲۹ اسمای مطابق ۸۳

این باشند در حروف و عدد و آنست **سلام باقی لطیف باسط** و این اسم هارا خاصیت نیست که در عدد و در حروف هر دو

مطابقت داشته باشد موافق باید داشت و اگر اسما را با حروف اسم استخراج داده عدد هر دو برابر نشود

و تعدد هر دو اسماء را بخوانند معتبر است و باجابت مقرون است و مجموع مرادات را بدین نوع عمل باید کرد و اگر کسی

احیانا کسیرا از دشمن ترسی باشد جهت دفع آن ترس به حروف اسم خود را با سهمات حروف اسم بیرون نویسند و اسما

که باعث دفع مضرت باشد از آن حروف بیرون نویسند و مداومت بآن اسماء نماید البته بمراد رسند مثلا اسم محمود

م ی م ح ا م ی م و ا و د ا ل اسما که از این حروف استخراج شده **محی حامی حلیم ودود والی ولی حی**

حمید حامد مولی واحد احد محول وجید این چهارده اسم است مطابق با چهارده حروف اسم محمود و تا

که مطابق عدد محمود است اینست **ودود واحد حامی جمع** واکو در اصل زیاده از این اسماء هم صورت بندد

بیرون باید نوشت اما نوعی دیگر که در عدد و حروف مطابق باشند اینست **محیی حمود** بینات بلا تکرار ی ا ل

اسمائیکه از حروف اسم و بینات بلا تکرار حاصل است **حامد موطی** این است آنچه والله اعلم بالحکم **قابض خاص**

بدانکه ایدک الله که حضرت رسالت پناه محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که انا افصح من تکلم بالضاد یعنی فصاحت

تکلم بضاد من بوده و این چنانکه در همه کلام عرب حرف ضاد نبوده و در کثرت حروف نیز در ضمن معنی

این حدیث نیست با حرف ضاد هست **نکته اول** آنکه بینات تمام حروف ابجدی هشتصد است مطابق است با جمل عدد

حرف ضاد و جمیع حروف بحروف بینات قائم و تمام اند و این مطابقت اشارت بکل حروف دارد چنانچه جمال حضرت فرموده الله

که بعثت بجوامع الکلم **نکته دویم** آنکه از اصل و اجزای عدد حرف ضاد و جمیع بعضی با بعضی بموافقت و استنطاق عدد ها

تمامی حروف ابجدی صورت وقوع می بندد چنانچه شرح کرده اینجا مسطور میکرد تا بر طالبان آسان باشد اینست

اصل	نصفه	ربعه	ثمنه	نصفه والربع	نصفه والثمن	ربع والثمن	نصف الربع والثمن	اصل والثمن	اصل والربع
۸۰۰	۴۰۰	۲۰۰		۶۰۰	۵۰۰	۳۰۰	۷۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰
ض	ت	ر	ق	خ	ث	ش	ذ	ظ	غ
۸۰	۴۰	۲۰	۱۰	۶۰	۵۰	۳۰	۷۰	۹۰	
ف	م	ک	ی	س	ن	ل	ع	ص	
۸	۴	۲	۱	۶	۵	۳	۷	۹	
ح	د	ب	ا	و	ه	ج	ز	ط	

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

لمؤلفه قلم سجوا است تا راز دل از پرده بیرون آرد شد عقل فضولش مانع از تحریر آن حالت

و له ایضا انچه در گوشه گنجینه دل بود مرا خواستم شرح دهم عقل ففر بود مرا **و له** کو ترا هوش بود با ادراک

اینقدر بس که نشان دادم بالک خو محا با نکنی میل عمل که مبادا شوی از بیم هلاک کار دیا کان بطهارت میکن

ده انصاف فرو دست ای جالاک که نگفت حرف تمام ای پسر هرج از خفا نرسی مدد از کس پاک ننوشته نهان

زنهار تا نکردی زخواد شدخاک علمان نورک الله بنور التوحید و المعرفة علم مکتوم داشتن اسرار اعداد و دو

بارنت عمامض این علوم از جمله عنایات فیض عنایات الغیب و این علمیست بزرگوار است و صفت این علم از حد تقریر

بیرون است و انچه حضرت امام المتقین امیر المؤمنین اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلم در باب این علم

کاتب
[illegible] وقت [illegible] از [illegible] جمع [illegible]
از دایره [illegible] و [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دارای [illegible] عشق [illegible]
[illegible]
و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

فرموده الله

وعبارتیکه صاحب جفر الکبیر در صفت هنگام خروج صاحب الزمان در کتاب مذکور ذکر کرده اینست وخروج رجل

بمدینة قزوین اسمه اسم نبی من الانبیاء وعنادیا فوی باسم صاحب الزمان فی لیلة الثالث والعشرین من شهر رمضان

فلا یبقی احد الا اقام ولا قام الا قعد وانه یخرج فی الشوال وتوم من السنین اما فی تسع او فی سبع الا فی خمس او فی ثلث

او فی احد من بعد طف ویبایعه بین الرکن والمقام ثلثمائة وثلاثة عشر رجلا من النجباء والابدال والاخیار کلهم شبان

لا کهل فیهم ویکون دار ملکه الکوفة وبعد ذلک ظهور صاحب الزمان غرض که دقت بسی نزدیکست وهنگام انشاء الله آن دولت نصیب

مؤمنان شود پس اهل ما قب انشاء الله وجود را مستعد دولت بهار رسانند تا که در بد اطوار اوقات پیدا شود که آفتاب

وجود حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه در بتابد و این مرتبه شخص را دست بهم دهد که بدو بتر ریاضت با فن عشق و محبت کلام ختم

شود تا ذره وجود شی خالص شده بصاحب عیار وقت رسد و عرض از عشق و محبت انشاء الله تصور هر کیست و باطن قرار ده الله

کرالجان فطرة الصبغة وجود را در مجازی مقصد داشته اند و اکثر انشاء الله سعی و هوس عمر خود ضایع میکنند الا با بلد انشاء الله

لفنی که مرتبه عشق مجازی است او مرید نیست خود را است زیرا که او محبوب خود را از برای خود میخواهد نه خود را برای محبوب

محبوب و هر نفسی که امر بیه عشق حقیقت او خود مراد نیست مریم است زیرا که خود را از برای رضای محبوب میخواهد

نه محبوب را از برای رضای خود چنانچه اگر بخاک کش اندازند بخاک افتاده محبوب نیست و اگر از خاک کش برگیرد از خاک برگرفته

محبوب نیست داد و اعز رضای محبوب منظور نیست و رضای خود را در رضای او فنا ساخته وجود را از برای رضای محبوب

بقضای محبوب راضی اشته و عز محبوب می بیند و میداند اگر محبوب با او پید دارد و اگر پید دارد ذکر او پید آخر دنا

پیدا خداوست و غیرت رشک در این عشق از جانب محبوبست نه از سوی محب چنانچه اگر محب با او عز محبوب در گل

رشک عزت محبوبیت او دارا اقرف نبود انتعد مصور تجان و عزت در شکل از جانب محبت است نه از قبل محبوب

چنانچه اگر محبوب با عز محب اگر سر داشته باشد محب را انش غیرت در شکل خود شعله ور شود ع نه چقدر از کجاست

تا کجا غرض از عشق نه علت سوداست با مالیخولیا که در مزاج و دماغ شخص غالب شود تا او را مسهل افتیمون و مصد صافن

علاج باید کرد یا الکه بواسطه حرارت بارسائی انتهی در پیرا صورت قد فلانی پدید آید که از غیر الا الوصال المحبوب باب اجتماع

جماع فرو نتوان نشاند غرض از عشق لمعه از لمعات خورشید تجلی الهیست که از دود نره ایمن بایده معن تا بیح طلعت مواسا

از سویدا بر طرف سازد و خلوت دل را چنان مصور سازد که آثار ظلمات ماسوی الله در آنجا نماند و در سراپای وجود چنان اثر کند

که عاشق هرچه بیند بآن نور بیند و هرچه شنود بآن شنود و هرچه گوید بآن گوید بل سراپای وجود او در پرتو اشعه آن نور

محو و متلاشی گشته از غیر ثبت بر او نماند باشد چنان و نمونه او در رباعی عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست

تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست اجزای وجودم همگی دوست گرفت نامیست ز من باقی و باقی همه اوست امید که همه

ازاین بیت اشعر دوری شود الهی از آتش محبت در سویدای دل محمود اخگری نه که شعلات سودای غیر را بسوزاند و انانیت

تجلیات مؤنث بیاطن عز فرمود او سراخری ده که چراغ امن دماش از پرتو آن برفروزد الهی آنچه منقصان در ظاهر و باطن

محمود است از کمال لطف بعد لکمال کن و هرچه در این صورت کمالست از فیض کرامت تو است تا بجمیعها کن الهی آنچه عز رضاک

نیست دل محمود از آن برگردان و باطنش از پرتو تجلیات جمال منور گردان الهی دل محمود را آنچه رضای تو بر آن است

راضی کن و حال مستقبل او را بلطف و کرم بهتر از ماضی کن الهی نطق محمود را بکلمه توحید ناطق و در دل تر اد این کلم با زبان

موافق ساز الهی زبان محمود را از ما لا یعنی نگاه دار و از جمیع ذنوب و معاصی او را بعصمت خود در پناه دار الهی صفات

هدایت براه محمود فرست و او را از راه راست بکعبه مقصود فرست الهی مکان محمود در دار الامان قرب بده در دار الامان

قرب محمود را مکان قرب الهی محمود را داخل خیل تحت قباب کن بدنیای او را تمامی بر نیکی ختم کن الهی محمود را به نیکی حساب

مکرر و نیک و بدش را هیچ در حساب مگیر که هایای ناصوابش از کرم در دیوان صواب بنویس و خواهشش را جواب نجات

ثواب بنویس از آنسب ان تو میخواهد حسنات را عوض سیئات که فرموده تست یبدل الله سیئاتهم حسنات شعر

رحم فرما ز لطف بر محمود حتم کارش بخیر کن معبود ماسوی بر ترابش ار عدقش بیا از تقوی ماسوی بستیش

مادی این رحمت مهانی کن نعیمانی تو اینچه دانی کن رحم فرما بری عیان و نهان که تویی راحم و تویی رحمان اللهم

تحریر چون بر این فقیر بر رسید سر پیوند داشت و بمقتضای جف القلم او فی والنسب بود که کتاب با تمام رسد و ختم

بنام نامی صاحب الامر والزمان باشد امید که الله سبحانه وتعالی این دیه رسد و تیغ وابتو جمال آن حضرت منور گردد

واین دولت بیزوال و سعادت بیمثال این فقیر را میسر گرداند بمنه و فضله وجوده فیهم این الناس بکرم کریم و لطف عمیم

ایزدی انشاء الله هر انچه در این کتاب نه بوجه صواب بوده باشد حضرت وهاب غفور از آن درگذرد و این فقیر را

بدان مواخذت نماید و الا آنکه نظر از روی توجه و صفا بدین کتاب کنند التماس با سرار این کتاب برسانند و از ناخاست

و نا بابت خاطر انشاء الله نگاه دارد بکرم العمیم ای عزیز عزیزان از تنظر این کتاب انشاء الله چو نظر کیمیا اثر اهل دل

رسد این فقیر را بدعای خیر یاد کنند و بفاتحه و تکبیری شاد نمایند و انشاء الله سبب امیدواری خود نمایند امید که حالت همگنان

بخیر و خوبی باشد والتماس از عزیزان در مطالعه این کتاب انشاء الله هرجا سهوی اطلاع یابند که قلم فقیر از آن نرسیده

باشد یا قلم بغلط رفته باشد از آنجا به اصلاح خود باصلاح آورند و آنچه غلط بوده باشد از از صغر اوراق محو نموده

برجای آن آنچه حق و راست باشد رقم نمایند و در اخفا و افشای بعضی از اسرار و نکات حقیر را معذور دارند والحمد

لله اولا و آخرا و ظاهرا و باطنا وصلی الله علی خیر خلقه

محمد و آله وعترته اجمعین الطیبین الطاهرین

کتبه العبد الاثم المحتاج الی غفران

الله الملک الکریم محمد

حاجی مقیم حسینا

غفر الله

۱۲۲۷

تم شد

بسم الله الرحمن الرحیم الهی مشفیق و منصوبی و محزونی و مجهودی ... و العالمین وارحم الراحمین

باواسعی یا متوحد ... العابدین و ... الناصرین ... المتوکلین ... رب

واسئلک ... ان ترزقنی ... و ... نفسی ...

... الا الیک ... علی محمد و آله اجمعین

بسم الله الرحمن الرحیم ... و ...

اسئلک ... الفدیة الکاملة والنعمة السابغة والرحمة الواسعة ان تحیی قلبی و تشرح صدری و تفرج همی و تکشف

کربی و تغفر ذنبی ... المسکین ... صل علی سیدنا محمد و آله عدد کل مصنوع

و مصنوع مخفوض و مرفوع

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم ربنا اغمسني في بحر من نور هيبتك حتى اخرج منه وعلي شعاعات نور هيبتك مختطف ابصار الحاسدين
من الجن والانس اجمعين فتعميهم عن الرمي بسهام الحسد في قرطاس نعمتك علي واحجبني عنهم بحجاب النور الذي احتجبت به
وطاهرة النور اسئلك ان تمحوني في نور اسمك محوا بمحق من كل نفس ما يزيح عني حجبه واودعنا انت نور الحق ونور الحق
نور يرك نخرجك يا خالق النور يا نور النور يا مظهر الاصل ان الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح
في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار
نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم

بسم الله الرحمن الرحيم
رب اسئلك مددا روحانيا تقوى به قواي الكلية والجزئية حتى اقهر بمبادي نفسي كل نفس قاهرة فتنقبض لي اشارة رقائقها انقباضا
تسقط به قواها حتى لا يبقى في الكون ذو روح الا ونار قهري قد اخمدت ظهوره يا شديد يا ذا البطش الشديد يا قهار اسئلك بما
اودعته عزرائيل من اسمائك القهرية فانفعلت له النفوس بالقهر ان تودعني هذا السر في هذه الساعة حتى الين به كل صعب واذل به كل منيع
بقوتك يا ذا القوة المتين [illegible] يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين

اللطف بالاحرف الثمانية المعادل
بسم الله الرحمن الرحيم الهي اسئلك ان تغمسني في ناموس بركتك وتمحوني في بحر لطفك
وتخلقني وتخلصني من درن نفسك محلال قدرتك منه بمحض لطفك وتقربني لي قتعتا ما نمنحني اشعا فيه الدنيا وتسقيني توردا
ليكن قرنه حتى تنقب الظمآن وتخرجني من مقام لطفك مرفقا اكون بها قافيا انا قيتك يا ملك يا مالك يا لطيف
يا مقتدر اسئلك تقصر كل قصاص قد انشب مخالبه ليقبضني في قبضته يا دافع وصلى الله على محمد وآله اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم رب اكرمني بشهود انوار غيبك واتل لي ظهور سطوات سلطان انيك حتى اتقلب
في سبحات معارف اسمائك تقلبا يلطفني على اتم وجودي في عالم شهودي فاشاهد بها الاسود فقد في عوالم الملك
والملكوت واعاين سر سريان قدرتك في عالم شواهد اللاهوت والناسوت وعرفني معرفة تامة وحكمة عامة حتى
لا يبقى معلوم الا واطلع على رقائق مائه المنبسط في الموجودات واذهب بخاطر الاكوان المانعة عن ادراك الحقائق
الاثبات والتصرف في القلوب والارواح بمهيجات المحبة والوداد والرشاد انك انت المحب والمحبوب والطالب والمطلوب مقلب
القلوب وكاشف الكروب يا دليل المتحيرين ويا غياث المستغيثين انت ربي ورب كل شيء ستار العيوب وغفار الذنوب يا من
لم يزل غفارا انك على كل شيء قدير

والارشاد

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
خلقه بلقه خلق خالق بالغ يرجوا والله [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم خلقه بلقه خلق خالق بالغ خشك من لصرى
الاموري [illegible] خلقه بلقه خلق خالق بالغ كشته [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
بلقته خلق بلغ خالقا باالقا كشم [illegible]
خشك شدالي الى الله

[illegible] بسم الله طيبوا الرحمن الطيبوا الرحيم حسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم
النصير وصلى الله على محمد وآله تليخا مشكينا مثليثا مرنوش دبرنوش شاذنوش كشفطيونش قطمير [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] يا ظهورا يا نورا يا مرشي كشفي طلقا افرجي تشنجي طليما شلغيا شلفيا ارقليا غيوثا اساقوثا
قطيلا يا ذكي الطاهر من كل آفة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

٣	٨	١
	٤	٦
٧	[illegible]	٥

٢

١٨	٤٨	٦
	٢٤	٣٦
٤٢	[illegible]	٣٠

١٣

[illegible]

١٢٧١	٤٤٣	١١٩٩	١٧٨٤
وما هو الا ذكر للعالمين	ويقولون انه لمجنون	لما سمعوا الذكر	وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم
١١٩٨	١٧٨٥	١٢٧٥	٤٤٤
١٧٨٦	١٢٠١	٤٤١	١٢٦٩
٤٤٣	١٢٦٨	١٧٨٧	١٢٠٠

وفق ٤٦٩٧

وما هو الا ذكر للعالمين	ويقولون انه لمجنون	لما سمعوا الذكر	وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم
الله المعافي القريب ٥٥٧	الله الواقي السميع ١٢٣٠	الله الشافي السميع ٥٧١	الله الكافي المجيب ١٥٠
يا حافظ ٧٨٦	[illegible] ١٦٨	يا هازم الاحزاب ٣٣٧	يا دافع البليات ٤٢٩
يا جابر يا جبار ١٨	فلو اظاركم معكم ٢٨٨	والقى السحرة ساجدين ١٢٠٨	يا رقيب يا راقب ٥٩٣

[illegible]

١٧٢٧	١٧٣٠	١٧٣٣	١٧٢٠
١٧٣٧	١٧٢١	١٧٢٦	١٧٣١
١٧٢٢	١٧٣٥	١٧٢٨	١٧٢٥
١٧٢٩	١٧٢٤	١٧٢٣	

١٧٣٤

٦٩١٠

11



بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله الذی الصانع من شکر نعمائه و الائه و عرفنا من خواص سوره و آیاته و اسمائه و صلی الله علی محمد بدر النجوم و باهر نعمه و صحبه و آله الطاهرین المعصومین و سلم تسلیما کثیرا **بعد** معروض میدارد فقیر اقدام مؤسس ابن حاجی صفی میرزا حسین صفی عنه که این رساله ایست کثیر الفواید در خواص سوره و آیات و اسماء الهی و کیفیت انتفاع از ایشان بطریق قرائت و طلاق و قواعد تکسیر و دقیق و استخراج اسماء اعظم باری بطریق جفر و اوفاق که منسوبست و مخصوص است بحضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین منتخب از کتب و رسایل اکابر این علوم و تخصیص کتاب جواهر الایمان که آن مشتملست بر خواص حروف و اسماء و آیات و سور قرآنی که تالیف و تصنیف عالم فاضل محقق و کامل مکمل مدقق علی بن الحسین الواعظ الکاشفی قدس سره و دیگر رسایل جفریه که محتوی بر قواعد تکسیر و استخراج اسماء الله و اسامی ملائکه بر حروف و بروج و کواکب و افلاک و ایام اسابیع و کیفیت حروف و طبایع کواکب و بروج و منازل العقول الاشرف و این مختصر را که ذکر کرده شد بدون فصول و ابواب بر محیط تجربه در آورده نوع مرادم آن که دانست و بالله التوفیق **بیت** مختصری مجمل و کان شرح مفصل همه حاصل شود امید که منظور نظر ناظران منصف و مطالعه کنندگان به کمال انصاف منصف گردیده از خواننده دو دستی دعا و ادر دوران این مجموعه مذکور شد و جامع مسکین کاتب حقیر را به دعای خیر یاد نمایند **در بیان خواص سوره فاتحة الکتاب** بیست و هشت اسم دارد و یک اسم وی شافیه است که شفای هر رنجی از امراض روحانی و جسمانی در وی است هر کسی از قلب و قالب از او توان یافت و در شرح السنه حدیثی مرسل آورده است از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که فاتحة الکتاب شفاء کل داء الا السام یعنی فاتحه شفای همه دردهاست الا موت که اجل مسمی را چاره نیست و صاحب درالنظیم آورده که هر که در میان سنت و فریضه با مداد هفتاد و یک بار این سوره را بخواند به نیت شفا بردردی حق سبحانه و تعالی شفا کرامت کند بر نیت هر که خوانده باشد و هم صاحب درالنظیم آورده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده است که هر که یکبار قدری از آب باران و بروی خواند هفتاد بار فاتحة الکتاب و هفتاد بار آیة الکرسی و هفتاد بار قل هو الله احد و هفتاد بار معوذتین و بعد ازان به آن نفس در وی دمد و بنوشد چون جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد که هر که از این آب هفت بامداد و متصل هر صباح و ساعتی بنوشد حق سبحانه تعالی هر رنجی که در بدن او بود دفع کند و صحت عاجل دهد و بیرون برد از عروق و اعضا و گوشت و پوست وی آن مرض را

واگر

واگر کسی را درحین فصد و حجامت هفت بار فاتحه را بخواند فواید عجیبه از اخراج خون در یابد و این تجربی آورده که هر که سوره فاتحة الکتاب را بنوید بر ابطش و بر شیر را سه بار بر عضو دردناک مالد و هر بار بگوید اللهم اشفنی انت الشافی اللهم انت الکافی اللهم عافنی فانت المعافی آن درد و الم باذن الله زایل شود **سوره محمد** صلی الله علیه و آله هر که کتابت کند و بآب غسل کند با آن آب غسل کند جمیع امراض از بدن وی بیرون رود و هر که سوره والذاریات را در غلبه مرضی بخواند که از غلبات مرضی بی تاب بود در غلبه بر تسکین یابد که خواب مستولی کند و اسوده گردد و قرائت سوره تحریم و سوره واقعه نیز همین فایده دارد و اگر کسی سوره یس را بر عضو دردمند بخواند درد فرو نشیند و الم تسکین یابد باذن الله تعالی **بجهة دفع صداع و شقیقه و لقوه و غشی** هر که سوره سجده را کتابت کند و بر صاحب صداع و شقیقه و صرع آویزد خاصیت عظیم دارد و بر مرض خلاص یابد و هر که تعویذ سازد سوره تکاثر را بر صاحب صداع و شقیقه خوانند درد و الم تسکین یابد و هر که سوره تحریم را بنیت دفع صرع تلاوت کند شفا یابد و هر که سوره واللیل را در گوش مصروع خواند صاحب غشی شفا یابد و چون صاحب لقوه بر تلاوت سوره ماعون مداومت کند از آن مرض شفا یابد **بجهة دفع امراض عین و اذن** هر که سوره محمد را کتابت کند و از آب باران محو سازد و در چشم اضافه کند شفا یابد و بیان سوره الکحال آنچه بعد و بیان مرض عین و ظفره و سایر امراض عین را نافع بود و هر که سوره الرحمن را کتابت کند با خود نگاه دارد دفع رمد و سبل کند و هر که سوره مطففین را بر صاحب رمد خواند آن رمد زایل شود و هر که سه روز سوره ملک را بر صاحب رمد خواند شفا یابد و هر که سوره کوثر را بخواند و بر چشمی که ضعیف بود دمد قوت باصره و دفع رمد و غشاوه از دو چشم زایل گردد و هر که سوره فاتحه را با اول ... ... دو روغن در گوش درد مند چکاند نافع بود و هر که سوره الطلاق را در گوش خواند که طنین و درد و غیر عارض شده باشد آن علت را زایل کند **بجهة دفع انواع حمیات** حضرت امام همام جعفر صادق علیه السلام فرموده که هر که سوره فاتحه را چهل و یکبار بر قدح آب خواند و بر آن بدمد و به محموم دهد تب وی زایل شود و هر که سوره والعصر را چند بار بر صاحب تب خواند شفا یابد و هم وی فرموده که هر که سوره لقمان را کتابت کند و بر مکتوب باستر باب عذب و بحرق بدهد کنرسن ... دارد عافیت یابد از انواع حمیات و هر که سوره عنکبوت را بنویسد و با آب عذب بشوید ... تبهای مطبقه و صفرا و سودا دارد و هر که بآن آب بنوشد از تب نافع بود و دفع حرارت کند و هر که سوره والقمر را ... و هر که سوره الم تنزیل را با شراب کتابت کند و آن را صاحب تب ... شفا یابد و تلاوت و کتابت سوره حدید نیز همین خاصیت دارد و هر که سوره الانفطار را کتابت کند و با آب عذب بشوید و صاحب تب بآن آب غسل کند نافع باشد و فرموده که هر که سوره والشمس را کتابت کند و با آب عذب بشوید و بنوشاند تب را دفع کند **بجهة دفع وجع و درد کلیات** چون سوره والعادیات را به کوزه نو نگارد و بر آب باران محو سازد ... بیاشامد ... و هر که با طهارت بر صباح و ... سوره واقعه را تلاوت کند ... و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر که سوره غاشیه را بر طعام بخواند ... و هر که سوره طارق را ... و هر که سوره قریش را بر طعامی خواند ... **بجهة دفع بیرون و امراض درونی و دفع وجع شکم و قولنج** هر که سوره ... فاتحة الکتاب را ... و سایر امراض ... و اوجاع دست و پای این سوره را ... حاجت ...

اذی ... وعضو درد ... مالد نفع بیند اما امراض و رعاف ... و درد شکم و سعال و طحال و زخم و مثانه که منفذ ... اثر الله
هفت بار سوره حجرات را تلاوت کند ... زایل گردد و هر که سوره لقمان را یکبار بخواند از درد شکم خلاص شود و هر که سوره
والعادیات را چهل ... بنویسد و [illegible] ... با آب باران محو سازد و ... بیاشامد ...
[illegible] ... بجای آورد ... و هر که سوره الم نشرح را ... بخواند از ... که در دل
خلاص شود ... و هر که سوره زخرف را ... بنویسد و به آب باران محو کرده ... صاحب سعال ... از ...
خلاص شود و هر که سوره ... را کتابت کند ... از ... خلاص شود و سوره والشمس ... خاصیت
دارد ... و سوره الم نشرح را ... **جهت دفع یرقان و حرارت ... و [illegible]**
و دفع امراض ... و هر که سوره سبا را کتابت کند ... و با آب ... طاهر ... از مرض یرقان خلاص شود و ...
و ... و هر که سوره ... را کتابت کند ... کتابت کرده با ...
و محو ساخته ... باشد ... و هر که سوره مؤمن را کتابت کند ... دارد
هم ... و هر که سوره ... را ... خلاص یابد و هر که سوره ... را ... زایل شود
و هر که سوره والمرسلات را کتابت کند ... و هر که سوره ... را ... مدام ...
خواند ... و هر که سوره ... را ... و ... مکرر ... اعضای او ...
و هر که سوره انعام را کتابت کند ... از جمیع ... باشد
زایل شود و هر که سوره الشقت ... کتابت کند ... از جمیع ... آفات ... مصون ماند
و هر که سوره فاطر را کتابت کند ... محفوظ باشد **جهت حفظ حوامل و تسهیل ولادت و صیانت مولود**
هر که سوره ... را بر ظرف چینی بنویسد و با آب طاهر محو سازد و حامله ... از ... جمیع آفات
و ... محفوظ باشد و هر که سوره ... را کتابت کند ... و جمیع ... آفات و ... مصون باشد
و اگر این سوره را ... بنویسد ... طاهر محو سازد ... شود ... و ...
وی ... و اگر این سوره ... مولود ... مالد
... و از جمیع ... و سایر آفات مصون باشد ... از جمیع ... نفع ...
و اگر کسی سوره ... را ... و ... بنویسد ... و اگر کسی سوره ... را کتابت
کند ... **جهت حصول ولد صالح و وقوع ولد ذکر**
از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که یک سوره والفجر را ... باشد ... حسبی الله
و تعالی ... کرامت کند و هم ... و هر که سوره الاعلی را کتابت کند ...
... **جهت اولاد ذکور**
هر که سوره ... را با گلاب و زعفران هفت بار ... بر ظرف چینی بنویسد ... عذب ... و
... و هر که سوره ...
کتابت کند با گلاب و زعفران و محو سازد ... و هر که سوره ...
دارد **جهت دفع بکا و فزع اطفال و ... و اطلاق ... ایشان** هر که سوره ابراهیم را کتابت کند ...
کامل ... و ... در خواب ... زایل شود و از ...
و ... و هر که سوره ... را ... بر ظرف چینی ... باران ... و آن را ... شیرین ...

جهت دفع حزن و ... [illegible]

جمعی از اطفال ... و هر که سوره ... بر ظرف چینی ... [illegible]

... [illegible]

بر ... [illegible]

جرو بحجم ... [illegible]

ارانی بطعام ... رسید و اگر سوره ... و اعراف ... و جلال کتابت کند و با آب ... عذب شتر ...
ازان ... کرده ... زبان وی ... کرده و اگر ... در زبان وی ... زایل گردد و طلاقت لسان ...
حاصل شود **جهت تقویت اطفال ... و ... و ... مهر** هر که سوره ... را کتابت کند و آن طفل ... باشد ... اول
ولادت وی مصون و محفوظ باشد از ... و هر که ... اطفال صغار بندد ...
ام الصبیان و ... هوام ... حفظ ... و هر سوره ... اول ولادت وی ... از جمیع سوء ... باشد
شود ... و ... رحمه الله تعالی نقل کرده که اسم سوره فاتحة الکتاب ... بیست و ...
و صاحب ... العارف ... و ... اصحاب ... حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و اصحاب
... ایشان ... که ... یکی از احیای عرب ... که ... ایشان ... مار ...
... و ... یکی از اصحاب ...
وی ... و ... کرد ... ایشان ...
کردند ... فاتحة الکتاب ... فی الحال ... شفا ظاهر شد ...
و ... حضرت رسالت صلی الله علیه و آله ... صورت حال ...
... **جهت توفیق توبه و قبول آن و موفق شدن بحفظ قرآن** هر که ملازمت نماید بقرائت سوره والشمس ...
و توفیق و قبول کرده ... و هر که مواظبت نماید بتلاوت سوره ... بحفظ قرآن ...
... حافظ باشد و هر که ... بنیت حفظ کلام الله سوره یوسف ... یکبار ... بخواند
موفق شود بحفظ کلام الله **جهت تحصیل اخلاص و یقین ... و ...** صاحب ... اوده که هر که سوره ...
صفت ... حاصل شود ... جاری گردد ... شیخ بزرگوار ابو الحسن الشاذلی ...
اخلاص ... سوره قل هو الله احد را ...
وی ... و دعای وی مستجاب شود **جهت دفع ... و ... اعتقاد** هر که بتلاوت سوره والمرسلات مداومت نماید ...
شک ... باطن وی ... سوره ... قلب ...
... طلوع ... مواظبت نماید ... از شک و ... سوء اعتقاد **جهت اصلاح ... و ...**
و دفع کذب و تحصیل صدق ... هر که سوره ... و ... باران محو کرده ...
وی ... و از ... شوهر ... فاتحة الکتاب ... جمیع آفات ...
کند ... و ... صواب ...
و ... سوره ... و هر که سوره مؤمن ... کتابت کند ...
بنوشد ... **جهت دفع کسل و ضیق صدر و حصول سرور و ...**
در قلب هر که سوره الم نشرح را چند بار ... و باطن وی منشرح گردد
و هر که سوره عنکبوت را ... کتابت کرده ... آن آب ... خاصیت ... سرور ...
پیدا شود ... **جهت دفع غموم و هموم** هر که سوره نوح را ...
... حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ... سوره ... بخواند
تا شام ... فرح و سرور ... و هر که ... تا صباح در فرح ... غموم ... هموم ...

سبحان المنفس عن کل مهموم سبحان المفرج عن کل محزون سبحان الذی جعل خزائنه بین الکاف والنون سبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون [illegible]

کوید باید که سوره یس را تلاوت نماید وچون ختم کند این دعا را بعد از آن بخواند سبحان المفرج عن کل مهموم سبحان المنفس
عن کل مدیون سبحان من جعل خزائنه بین الکاف والنون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی
بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون پس سه مرتبه بگوید یا مفرج الهم فرج عنی [illegible] و بعضی از علما در این دعا بجای
لفظ مهموم کل مهموم خوانده اند و بعبارت لفظ والنون سه بار کلمه سبحان گفته اند پس دعا را بر وجه مذکور تمام نموده الله
جهت تحصیل صحت باطن و اوصاف کمال و تخشیع و خشوع دفع [illegible] هرکه سوره یس را بنویسد و در بعضی نسخها سوره یونس است و
بشوید و آب آن را بیاشامد در باطن وی هزار دوا و هزار نور و هزار وصفا و یقین و هزار رحمت و هزار برکت داخل گردد [illegible]
و [illegible] کرده [illegible] دفع شود [illegible] سوره [illegible] دل وی از خشوع و خشیت
حق تعالی مملو شود و اگر چند بار این سوره را بر ارباب عذاب [illegible] خواند [illegible] و در وقت سحر بسیار تلاوت کند
صفت خوف و خشیت حق تعالی [illegible] حاصل شود و هرکه سوره قاف را بنویسد و با آب باران شسته بیاشامد دل وی از غم [illegible]
اضطراب خلاص شود [illegible] جهت تقویت ذهن و ازدیاد قوت حافظه منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه
[illegible] عباس [illegible] که میخواهی [illegible] جبرئیل علیه السلام مرا تعلیم کرده است از برای حفظ [illegible]
[illegible] فاتحة الکتاب و [illegible] قل هو الله احد و [illegible] سوره [illegible] سوره حشر [illegible]
و در بعضی روایات بجای الواقعه [illegible] بر آن [illegible] زمزم [illegible] وقت سحر [illegible]
[illegible] مثقال [illegible] مثقال شکر [illegible] نماز بگذارد [illegible] فاتحه [illegible] قل هو الله احد [illegible]
[illegible] ابن عباس [illegible] حضرت تعلیم کرد [illegible]
هم چنان [illegible] حضرت [illegible] وقت [illegible]
[illegible] الا اکثر [illegible] جهت تقویت ذکاوت و فطنت و دفع نسیان
و تقویت ذهن و حفظ هرکه سوره حشر را بنویسد در جام زجاجی [illegible] باز آب [illegible] بیاشامد [illegible]
و فطنت [illegible] وی [illegible] شود و هرکه سوره الاعلی را بنویسد [illegible] ذهن وی صاف شود و قوت حافظه
[illegible] هرکه بنویسد [illegible] در جام زجاجی سوره فاتحه را [illegible] هفت
[illegible] و حافظه وی [illegible] قوت [illegible] و هرچه بشنود [illegible]
[illegible] شود جهت دفع [illegible] هرکه سوره [illegible] را بسیار خواند [illegible]
[illegible] جهت دفع شرارت و جماع و منع خواب [illegible]
هرکه سوره [illegible] را بنویسد [illegible] خواب [illegible] سوره [illegible]
[illegible] زمزم یا آب عذب طاهر بشوید و بیاشامد [illegible] منقطع شود [illegible]
اگر [illegible] کند [illegible] هر شب [illegible] سوره [illegible] بخواند [illegible]
[illegible] و تا صباح خواب [illegible] کند و [illegible] سوره طارق [illegible] منع احتلام کند و هرکه وقت خواب کردن
سوره [illegible] را بخواند [illegible] احتلام و خواب پریشان [illegible] جهت حصول دولت و سعادت و دولت
و نزد خلایق هرکه در وقت نماز جمعه سوره [illegible] را کتابت کند [illegible] عزت [illegible]
[illegible] و سعادت [illegible] و هرکه [illegible] تمام حاصل شود [illegible]
[illegible] کتابت کند [illegible] مقصود [illegible] سوره والشمس را [illegible]
[illegible] زعفران و گلاب در ساعت سعد [illegible] عزیز [illegible] کند [illegible]

[illegible]

تشین عقیق نقش و دایم با آن انگشتری ختم کند و در نظر مردم عزیز و وجیه گردد و دوست وی بیفزاید و قبول تام در خاص و عام
بهم رساند و اگر اعمال ثلاثه این فصل را جمع کند اثر آن قوی بود و اگر با وجود سوره ثلاثه هر روز بعد از ادای فریضه
در تلاوت آن قیام نماید اتم و اکمل باشد بجهت تیسیر حاجات و دوام عزت و اقبال هرکه طهارت کامل نماید و چهار رکعت
نماز گذارد بنیت حصول حاجات و در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره حشر بخواند حضیبا له مراد و حاجتی که دارد به سهولت
برآورده و میسر گرداند و هرکه بر قرائت سوره نوح مداومت نماید هر مقصودی که داشته باشد برای وی حاصل شود و اکثر
علما بر آنند که اسم اعظم در قرآن مجید از دعا سمو تو البیت کند در سوره انعام دنیا به فاذا جاءتهم آیة قالوا لن نؤمن حتی
نؤتی مثل ما اوتی رسل الله الله اعلم حیث یجعل رسالته و بعضی از اکابر دین و اصحاب کشف و یقین گفته اند که هرکه بنیت
تحصیل حاجتی و حصول مقصودی سوره الانعام را تلاوت کند بشرط اخلاص و چون باین آیه شریفه رسد که الله رسل الله
گوید بعد از آنکه الله اعلم گوید همان این دو اسم اعظم بگوید که اسم اعظم کتابت ان انت اینجا بخواند کرا ایهی اللهم من
ذا الذی استغاثک فلم تغثه ومن ذا الذی استعانک فلم تعنه ومن ذا الذی دعاک فلم تجبه ومن ذا الذی سألک فلم تعطه ومن
ذا الذی استجارک فلم تجره ومن ذا الذی توکل علیک فلم تکفه واغوثاه بک استغثت یا مغیث واشفنی بشفائک عاجلا وفرج
عنی فرجا قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین و بعد از آن حاجت خود را عرض کند پس الله اعلم را گفته سوره را باتمام رساند
البته حاجت وی بقضا اجابت مقرون گردد و این از جمله مجربات صحیحه است اگر رضا بنتیجه ظاهر نشود از تقصیر عاملست در رعایت
شرایط مقرره و از بعضی از مشایخ روایت کرده هیچ خانه و بقعه سوره قاف را هر روز تلاوت نکند الا اکثر صاحبان
بقعه و خانه دایم بدولت و سعادت و عزت و کرامت بوده از نکبت و ذلت محفوظ بود بجهت قبول مهابت و قضاء
حوائج نزد اهل سلطنت هرکه در وقت در آمدن بر سلطان سوره والنازعات را بخواند مراد وی بسهولت برآید و در نظر
آن سلطان بهیبت و مهابت بود و اگر کسی این سوره را بر روی دشمن تلاوت کند از وی هیچ ضرر نیابد و عجز و خوف آن
وی حاصل شود و چون کسی در ساعت اول روز جمعه سوره ن والقلم را بر قدح [illegible] بنویسد بمشک و کافور و [illegible]
[illegible] گلاب محو کند و آن گلاب معمول [illegible] و هرگاه خواهد نزد پادشاه جابر و حاکمی قهار برود [illegible]
از آن گلاب در چهره و جبین مالد در وی در دل ایشان مقبول و مهاب گردد و محبت وی در دل آن بزرگ پیدا شود و از غضب
ایمن گردد و هرکه سوره حم سجده را در صد بامداد مداومت کند که در میان اشیا [illegible] در شر پادشاه جابر و حاکم ظالم
ایمن و مطمئن گردد از هیچ دشمن بوی ضرر نرسد جهت حصول هیبت و مهابت در نظر جمیع خلایق و ظهور محبت در قلوب ایشان
صاحب در النظیم فرموده که هرکه سوره حم دخان را کتابت کند و با خود نگاه دارد در نظر خلایق محبوب و مهاب نماید و محبت وی
در دلها قبول کند و هم وی فرموده که هرکه سوره یس را هر روز بمشک و زعفران و گلاب هفت روز هر روز هفت بار بنویسد
[illegible] هفت [illegible] گلاب [illegible] محو کرده بیاشامد در نظر خلایق عزیز و محترم گردد و در مناظره و
خصومات [illegible] و هم وی فرموده که هرکه سوره یوسف را بمشک و گلاب و زعفران بر ظرفی پاک بنویسد و با آب عذب شسته
بیاشامد مقبول و محبوب قلوب گردد و آبروی وی در میان خلق بیفزاید و در بعضی از کتب خواص القرآن مذکور است
که اگر کسی [illegible] مطلوب [illegible] سوره [illegible] و هفت بار آیة الکرسی بر آن خوانده و نفث کند
چون شب در آید [illegible] بحالتی که [illegible] بر آن در جهت که مطلوب
از موی ناصیه محبوب [illegible] و [illegible] حروف این سوره [illegible] بخواند و نفث کند و [illegible] آیة الکرسی [illegible]
[illegible] هم بر آن موی نفث کند [illegible] بجای آورد [illegible] در شب هفتم
[illegible] آن موی [illegible] در حالی که [illegible] مطلوب [illegible]

محبت عظیم در دل وی ثبت بعامل پیدا شود و هم در بعضی از کتب خواص مذکور است که هر که یکروز چهل و یکبار از طفل و مرگی
یکبار سوره والعصر بخواند آن طفل را از رنجها بیارند و پسران بابهای پاره پاره گردد باشد محکم کند و سرشیخ از جیب
امان شیر بیرون آید و آن طفل خلاص شود و در دل باشد آن بعد چنانچه اثر حرارت آتش بآن رسد اما باید که نشود و آنگه نشود
حرارت عظیم در دل محبوب اثر کند **جهة اطفای نایره غضب حکام و سلاطین** شیخ شرف الدین ابو العباس احمد بن علی البونی رحمه الله
در کتاب خمائل القرآن آورده که هر که هفتاد بار سوره اقتربت الساعة را تلاوت کند بالشرایط کلامی که در مقالۀ اول این کتاب ثبت
تحریر یافته از قهر و غضب پادشاه جابر و شر و فتنۀ حاکم ظالم در حصن امان باشد و در کتاب در النظیم از شیخ ابو الحسن
شاذلی نقل آورده که خواص این سوره آورده که هر که وقت در آمدن بر پادشاه جابر و حاکم جابر چند بار بخواند ایمن
شود از قهر و سیاست وی ایمن و سالم باشد و در خواص این سوره آورده که هر که با کسی بر جباری و قهاری در آید و سورۀ اقتربت
را بخواند از شر وی مصون و محفوظ و محروس باشد **جهة ایمنی از شر پادشاه جابر و حاکم ظالم** چون کسی در وقت در آمدن بر پادشاه
جابر و ظالم غضبان کرانه از شر و غضب وی ترسان و هراسان سوره اذا زلزلت الارض بخواند از خوف و رعب آن
در امان باشد و هم اسمی و ضرری بوی لاحق نگردد و هر که از پادشاه جابر ترسان و هراسان بود که از وی طلب نفع نمی
کند باید که سوره جن را بخواند باشرایط بنویسد پیوسته بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
بسم الله الذی لا اله الا هو ذو الجلال والاکرام بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
اللهم انی اعوذ بک من شر ... کتابت شود و هر که سوره نوح را قرائت کند پس کتابت کند و با خود نگاه دارد
و نزد پادشاه جابر و حاکم قهار رود از شر وی ایمن ماند و تلاوت سوره جن همین خاصیت دهد و هر که سوره سبا را کتابت کند
بشرایطش و با خود بدارد و نزد پادشاه ظالم رود از شر وی ایمن ماند **جهة رهائی محبوس و خلاص اسیر از بند ظلم** در کتاب
در النظیم آورده که هر محبوسی که بر قرائت سوره انفطار مداومت نماید زود از حبس و قید رهائی یابد و در حفظ
حق تعالی باشد و اگر زندانی بر قرائت سوره جن بشرایطها مواظبت نماید زود از بند و زندان خلاص یابد و اگر اسیری
بر همین عمل مداومت نماید زود باشد که خلاص شود و بوطن اصلی خود رسد و اگر کسی بر قرائت سوره طور در زندان نماید حق
سبحانه تعالی او را از زندان در اندک زمانی خلاص کرداند و هر محبوسی که بر تلاوت سوره یس مداومت کند زود
از بند و زندان خلاص شود **جهة نصب معزول و مطیع شدن دشمن** ابن عباس آورده که هر که از منصب معزول باشد بر تلاوت سوره
سوره یوسف مواظبت نماید بزودی بر سر عمل خود باز آید و بمنصب خود واصل شود و اگر عامل معزول بر تلاوت سوره
القارعة مداومت کند زود بر سر عمل خود رود و بمقصود و امل برسد و هر که سوره تکاثر را با کهیعص و حم عسق با شرایطش کتابت
کند همه دشمنان سرکش مطیع او شوند و دولت و سعادت روز بروز در ترقی باشد **جهة خلاصی از مهالک و ایمنی از شر چشم
و جادو کردن** شیخ ابونی رحمه الله در کتاب خمائل القرآن آورده که هر که امری عظیم و مهلکۀ خطیر پیش آید باید که یکصد و چهل بار سورۀ
مومنون را بر سبیل اتصال تلاوت کند و چون بخورد باکل و شرب و طهارت مشغول شود آن مهلکه بسلامت بگذرد و ابدا هیچ
مکروهی بوی نرسد و هم وی فرموده که هر که هفتاد بار سوره حدید را بر سبیل دوام تلاوت کند از مهلکه که پیش وی آید بسلامت
بسلامت بگذرد و بصحت رسد و عافیت خلاصی یابد و هم وی گوید که هر که بجهت خلاص از مهلکه سه بار سوره احقاف را بخواند
بسلامت و عافیت از آن در طریق و منزل وجا بخواجه پارسا در تفسیر سوره والعادیات آورده که حضرت امام همام جعفر
صادق علیه السلام فرموده که سوره والعادیات را برای چشم زخم سه بار بخوانند و صاحب در النظیم آورده که هر که سوره والعادیات
را بنویسد و با خود نگاه دارد از جمیع آفات و مخاوف تا ایمن باشد و هر که بر تلاوت سوره القارعة مداومت کند همیشه در
امان حق تعالی باشد **جهة ایمنی از آفات و مخافت دین و دنیا و سلامتی از حوادث سیل و بسیار** هر که بر تلاوت سوره

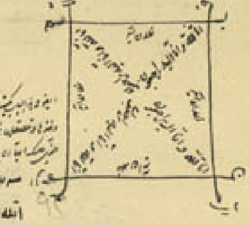
مداومت کند در دین و دنیا ایمن بود و هر که سوره جمعه را کتابت کند و بخواند و هر شب را با خود نگاه دارد و تا وقت صباح از
همه آفات و بلیات محفوظ باشد و هر که در روز جمعه بعد از نماز سوره اعلی را کتابت کند و با خود نگاه دارد از جمیع آفات حق حفظ
حق تعالی در پناه او باشد و هر که سوره شعرا را کتابت کند و با خود بسیار بود از شر هر بلا ایمن باشد و هر که سوره بروج را کتابت
کند در وقتیکه ماه در برج ... باشد تا صباح در امان خدا باشد و هر که در وقت طلوع فجر سوره فجر را یازده بار بخواند تا طلوع فجر
ثانی از همه بلاها و فتنه‌ها در امان باشد و هر که سوره ماعون را صد بار بعد از نماز بخواند تا صبح دیگر در امان باشد و هر که
در سوره که هر که تلاوت کند بر سور مقامات در شب محفوظ باشد و محروس ماند از قرین مرده شیاطین و هر که مواظبت کند
بر قرائت این سوره در روز محفوظ باشد **جهة دفع آفات از نقصان و ایمنی از شر دیو و جنیان** هر که سوره مریم را کتابت کند در
ساعت سعد و با خود در سرای خود آن را در منزل از جمیع حوادث و آفات ایمن باشد و هر که با بزاق و چینی با جام زجاجی این
سوره را کتابت کند و محو سازد خود بیاشامد از همه خوفها ایمن و سالم باشد و هر که سوره بروج را خصوصا آیه والله من
ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ تا آخر سوره هر روز سه بار تلاوت کند و هر شب سه بار بر اهل و عیال و
خوان و مال و متاع و عقار و ضیاع بدمد از اموال و اسعار او و اولاد او و ازواج او از آفات و آفات حادثات محفوظ
و محروس ماند و هر که هر روز چند بار سوره ماعون را بر متاع خانمان خواند و قتیکه مستقبل قبله باشد از شکستن و تلف شدن
و ضایع شدن مصون گردد و هر که هفتاد و یکبار سوره منافقون را بجهت دفع منافقان و بدگویان و حقد الشان ایشان
بخواند زبان همه بدگویان و حاسدان از اهل غیبت و بهتان کوتاه شود و هر که هفت بار سوره طور را با شرایطش تلاوت کند از
تهمت و افترا و بهتان عاملان و حاسدان محفوظ ماند و زبان دشمنان در باب وی بسته شود و بعضی گویند برای حصول
این مقصد بر وجه مذکور هفت هزار بار باید خواند اگر کسی توفیق این عمل یابد اثر و نتیجه عظیم دهد **جهة اکرام و محبت و قبول خلق و اکرام
آدمیان و تسخیر مرغان و وحشیان** اکابر اهل خاصیت فرموده اند که هر که سوره زمر را کتابت کند با شرایطش و با خود دارد
بند شکر بر زبان جاری شود و مهر و محبت وی در دلها جاری شود و همه خلق مطیع و منقاد وی باشند و هم قرآن الله
که هر که سوره محمد صلی الله علیه و آله وسلم بر جام زجاجی یا قدح چینی بنویسد و با آب زمزم یا آب چاه شیرین پاک
محو سازد و بیاشامد نزد همه خلق محبوب و مقبول القول گردد و همه آن اطاعت و فرمان برداری وی کنند و هر که بر تلاوت
سوره ماعون مداومت نماید مستجاب الدعوة باشد و هر که سوره یوسف را با شرایطش بر ظرف چینی کتابت کند و با آب باران
و اگر نباشد با آب شیرین که از نهر بزرگ و شیرین باشد محو سازد و بیاشامد محبت وی عظیم در دل مردمان پیدا شود و هر که سوره
یوسف را کتابت کند بنام مردی و زنی بسته در نزد خود دارد آنچنان دوست گردد که هرگز با او از آن تصور نتوان کرد و
هر که سوره اذا جاء نصر الله را بر لوح رصاص نقش کند با شرایطش که مقرر است و بر دام صیاد مرغان بندد مرغ بسیار در دام
در افتد و اگر بر شبکه ماهی گیران بندد موج موج ماهی بدام آید بقدرة الله تعالی **جهة تحصیل فتح و ظفر بر دشمن** هر که سوره انا فتحنا
لک فتحا را کتابت کند و با خود دارد با شرایطش در وقت مقابله دشمن از شر وی فتنه و جمیع آفات حرب ایمن بود و حضرت حق تعالی
ظفر و نصرت دهد وی را بر دشمن و در خمائل شیخ ابونی مذکور است که هر که بجهت فتح و نصرت چهل و یکبار انا فتحنا را بخواند بمراد
حاصل شود و اگر جمعی از قرا اتفاق کرده بجهت فتح و ظفر پادشاه چهل و یکبار متصل بخوانند فتح کلی و نصرت عظیم روی دهد
و هم شیخ در خمائل آورده که هر که سوره صف را بیست و یکبار متصل بخواند بر همه اعدا مظفر و منصور گردد و هم وی فرموده که چون به
نیت فتح و ظفر و نصرت سوره یس را هفتاد بار بخوانند بمراد حاصل شود و ابن تیمیه در خواص خود آورده که هر که سوره
اذا جاء نصر الله را بر شمشیر خود نقش کند با شرایطش و بآن شمشیر با دشمن حرب کند فتح و ظفر همراه بود و بر همه اعدا غالب آید
جهة حفظ و صیانت از شر اعدا و مضرت ایشان صاحب در النظیم از ابن عباس روایت کرده که اسم اعظم الله تعالی بعدد آیت سوره

۹۳

درستی ابواول بس هر که این سوره را کتابت کند و از خود دارد و بر دشمن بر گرداند ظفر یابد انشاء الله و هر که سوره کوثر را بنویسد و با خود دارد ... نوشته باید و هیچ بکره بی بوی نرسد و هر که در مقابله دشمن سوره والفجر
بخواند از دی هیچ مضرتی بوی نرسد **جهت غلبه و استیلا بر لشکر اعدا** اکابر خواص فرموده اند که هر که سوره هود را بر ورق
آهو بنویسد و در حین محاربه با خود نگاه دارد بر همه اعدا غلبه کند و اگر صد کس یکبار بروی حمله آورند حمله را مغلوب گرداند
و هیچکس بحرب وی دلیری ننماید و اگر کسی این سوره بر عفران و گلاب کتابت کند برایاد جیفه باب باران و اگر باشد
باب عذب که از نظر بر باید که ... متصل در صبح و شام بیاشامد دل وی بغایت قوی شود که جمیع
با وی بمقابله و محاربه بر نخیزد و از همه فارغ بال باشد و هیچکس با وی تحکم نکند الا مواقفت وی و هر که سوره والنجم را بر ورق
آهو بره پاک بنویسد و با خود نگاه دارد استیلای وی بر اعدا قوی شود و هیچ دشمن را با وی مجال مقاومت نباشد و
غلبه و نصرت حاصل وی باشد **جهت القاء رعب در دل دشمنان و شکستن ...** در کتاب در النظیم و خواص ابن تیمیه که چون کسی سوره
را در جهان در وصف لشکر چند بار بخواند خوف و ترس بر لشکر مخالف غلبه کند چنانکه همه یکبار پشت دهند و روی
آورند و اگر کسی در محل تقابل و تعارض دشمن این سوره را بخواند از دشمن مغلوب و مقهور گردد **جهت دفع ظالمان و منافقان
و عاذان و ایمنی از کید ایشان** هر که از ظالمی ترسد سوره تغابن تلاوت کند و بر وی دمد ایمن از شر وی و از شر هر
شیطان و ظالمی ایمن بود و در وقت دخول بر ظالم سوره تبت نیز همین خاصیت دارد و هر که سوره عبس را بر قطعه ای از جامه
حریر بنویسد و با خود نگاه دارد هیچ مکاری بوی نرسد و از شر اهل بغی ایمن باشد و با عمال خیر موفق
شود و کارهای خوب راه دست دارد **جهت کشت و خرابی ... ظالم و سلطان جابر** در کتب اکابر خواص مذکور است که هر که سوره
... را بر ظرف چینی بار جامی بنویسد در شبی که تاریک و مظلم باشد و رعد و برق و باران و طوفان عظیم بود و بعد از آن
باب باران که در آن شب گرفته باشد محو سازد و آن آب بر ... آن شب ظلمانی ... از ظالم باشد و اگر سپری خود
در منزل وی رش کند ... چند روز شود و آن صاحب منصب از خانه خود بیرون آید ... مکروه ...
مکتوب و ابو حامد محمد غزالی نقل کرده که هر که این سوره را در شب تاریک بعد از نماز خفتن ... کتابت کند و هم در ساعت
بر درگاه حاکم یا پادشاه جابر در دروازه حوالی خانه او دفن کند لشکریان وی در هم شکند و متفرق شوند هر کسی بجانبی روند
و رعایا که وی را اعانت نمایند و مخالفت کنند و در عقب او ... غلبه کند و سلطنت
سلطنت وی در هم شکند **جهت ... عزم** صاحب کتاب در النظیم آورده که هر که سوره روم را کتابت کند و او را
در ... زجاج ... و در خانه دشمن دفن کند هر که در آن منزل بود از دشمن و از ازواج و اتباع و
اولاد و عبید و اماء و دواب وی جمله بیمار شوند و اگر کسی از غیر اهل آن منزل قدم در آنجا نهد بیمار شود و اگر کسی این سوره
را بنویسد و با باب باران ... نگاه دارد و از آن ... دشمن که ... چشم وی ... شود و ... و هر که هر صباح و هر شام سوره والقمر را تلاوت کند در حفظ خدای تعالی باشد
و اگر معاندی بدبخت بوی کید ... **جهت تفرقه ... و خرابی منازل ...** هر که سوره نوح را بر اناء چینی
بنویسد ... و در منزل سلطان جابر و حاکم ظالم رش کند اسباب عیش و عشرت وی از دست وی برود و مضطرب
مضطرب گردد و خوف و رعب و اندوه و الم بروی غالب شود و از ملک و دیار خود بیرون گردد و سرگشته شود و هر که سوره
طلاق را بر اناء چینی یا بر جامی کتابت کند و با آب شوید ... صاحبان موضع آواره گردد
و بعد ... صاحبان موضع آواره شوند ... عظیم حادث شود و آخر کار ... انجا ...

باید کرد این امر

را باید کرد و این اسرار ... و بتقالی ... در وقت ... این عمل ... و الاخوف رجعت بود و هر که سوره ...
... نوبنیاد ... سرای ... محکم ... در ... انجماعت تمام مستاصل شوند
و جمعیت ایشان ... کرده و اگر در تحت قدم دشمن دفن کند سلسله وی تمام فرو ریزد و جمعیت ... شود و
اگر ... جاهای ... در زیر خاک دفن کند ... اشجار ... و عامل باید که در این اعمال احتیاط کند
و خود ... بر حق ... والاخوف رجعت و موجب ... و وبال بود و ... ابن تیمیه آورده که هر که کف
خاک از سرای قدیم خراب شده برداشته ... از حمام ... مسجد قدیم ... شده ... هفت بار سوره ... بخواند ...
... هفت بار سوره ... وقت سحر ... ظالم ... داشته باشد ... منزل وی ... شود و ... بر گرداند ... بود که ...
نماند و عامل باید که ... عمل صادق و عزم صحیح شروع کند و از معصیت ... پاک باشد **جهت ایمنی از ضرر جن و انس**
هر که سوره احقاف را کتابت کند ... با خود نگاه دارد از شر دیوان ایمن باشد و در ... هیچ مکروهی ...
و اگر ... نوشته ... بر گردن ... از شر جن و انس و هر ... و صادق محفوظ ... باشد و هر که سوره ...
بگلاب و زعفران کتابت کند و با خود نگاه دارد از چشم بد و ضرر جن و هوام و جانوران ... و الام ایمن ماند و از شیخ حسن ...
نقل نموده اند که چون خواهی که از همه آفات سالم باشی بر تلاوت قل اعوذ برب الناس مداومت کن و این سوره افسون جمیع
دردهاست و هر ... بر تلاوت معوذتین ... باید و هر که ... خواب بخواند از جن و وسوسه ایشان ایمن
گردد و ابن تیمیه در خواص ... آورده که هر که هر صباح و شام معوذتین بخواند از شر هر ذی شری از نفس ... شود
و هیچکس از چشم زخم و سحر بروی کار نکند و همیشه محفوظ باشد **جهت ایمنی از جادو و سحر و ابطال سحر و دفع ضرر چشم بد**
ابن تیمیه آورده که مداومت بر معوذتین دفع وساوس و وسوسه شیطان بود و در ختمات بعضی مذکور است که هر که سوره
... بمشک و گلاب و زعفران بر ورق آهو بنویسد و با خود دارد از ... جن ایمن بود و صاحب در النظیم آورده که
چون کسی سوره حجرات را بر دیوار خانه خود کتابت کند هیچ شیطان بدان خانه در نگردد و هر که سوره ... را بر کسی خواند که ...
چشم ... شده ... باشد ... بر ... صحت و کرامت ... و هر که ... دفع سحر سوره ... را ...
متصل تلاوت کند ... سحر ... باطل گردد **جهت تسکین دادن ریاح عاصفه و دفع ضرر باد و طوفان** چون کسی در وقت تصادم ریاح
و وزیدن عاصفات سوره الم تر کیف را چند بار بخواند آن بادهای عنیف تخفیف و تسکین گیرد و هوا آرام یابد و هر ...
و هر ... بتلاوت سوره ... مداومت نماید از طوارق و حوادث محفوظ ماند و هیچ موذی از هوام ... بوی نرسد
و چون کسی سوره انشقت را بر دیوار ... کتابت کند هیچ ... از ... نکرده و اگر در آنجا ... و کتابت
سوره الرحمن همین خاصیت دارد و اگر ... سوره را ... و سوره انشقت را ... بر ...
باشد ... موجب تسکین ... **جهت دفع ضرر حیات و عقارب و سایر موذیات** علی بن الحسین الواعظ
الکاشفی ... در کتاب ... آورده که هر که سوره سبا را بر کاغذی بنویسد و در حقه ... بپیچد و با خود نگاه
دارد از ضرر مار و کژدم و سایر ... ایمن بود و ما دام که آن نوشته با وی بود هیچ ... نشود و اگر سوره والطور
را کتابت کند بر ظرف چینی ... و باب پاک محو سازد و ... در هر موضعی ... که مار و کژدم بود ... از آنجا ...
و اگر از آن آب ... مار و کژدم ... هر که سوره ... مداومت کند و از ... خود
... که ... مار و کژدم و ... هیچ ضرری
بوی نرساند و ... و در بعضی کتب خواص مذکور است که اگر کسی وقت خواب ... آب ...



سه بار سوره اذا زلزلت بخواند هر بار بعد از خواندن کهیعص بگوید که در آن حوالی باشد هرچه دارد از نگاه آب انداز و بانن الله تعالی **جهة توسیع رزق و تیسر آن** هر که سوره یوسف را بر آن وجهی که نوشته شد با کتابی و یا آب عذب بشسته بیاشامد وسعت رزق از حضرت حق سبحانه مسئلت کند دعای وی مستجاب شود و هر که سوره انا فتحنا را در وقت رؤیت هلال ماه رمضان در اول شب سه بار تلاوت کند حق سبحانه و تعالی در آن سال رزق و روزی بر وی گشاده گرداند و هر که بر قرائت سوره مزمل مداومت نماید حق سبحانه روزی بر وی گشاده کند و هر که سوره والعادیات را کتابت کند و با خود نگاه دارد روزی بسهولت میسر گردد و سوره القارعه نیز همین خاصیت دارد و هر که سوره فلق را بسیار تلاوت کند روزی وی بآسانی بسهولت میسر گردد و خاصیت دیگر فاتحة الکتاب توسیع رزق است و هر که بعد از نماز پنجم از ایام جمعه صد بار سوره فاتحة الکتاب تلاوت کند معیشت بروی فراخ گردد و از خلق مستغنی شود **جهة ادای دین و دفع تنگی معاش** هر که سوره واقعه را بسیار تلاوت کند بزودی که دین وی از بار وام سبک شود و هر که سوره یوسف را بمشک و زعفران کتابت کند و با آب باک محو ساخته بیاشامد قرض وی از عالم ادا شود که در حال هرکجا که وی تنگ نشسته باشد و روزی بروی گشاده گردد و از تنگی معاش خلاص شود و مداومت بر تلاوت این سوره همین خاصیت دارد و هر که بعد از تلاوت سوره تحریم مداومت نماید عنقریب دین وی گذارده شود و هر که سوره حجر را بمشک و زعفران کتابت کند و آن نوشته را در جیب خود نگاه دارد در کسب وی رواج تمام پیدا شود و بازار وی گرم شود و مردم کار وی را پسند نمایند تا وی باشد بیع و شری سود کند **جهة ثروت و دفع فقر و فاقه** هر که در نمازهای خود سوره تکاثر بسیار بخواند بزودی توانگر گردد و هر که هشتاد و پنج بار سوره والذاریات را متصل بخواند با شرایط تلاوت حق سبحانه مال بسیار بدهد و روزی گرداند و از فقر و فاقه بر هاند و هر که بر تلاوت سوره طه مواظبت نماید از فقر و فاقه خلاص شود و منقول است از حضرت رسول صلعم هر که سوره الواقعه را هر شب بخواند فقر بوی نرسد و هر که آن سوره را در بامداد خواند از فاقه ترسد و هر که بر قرائت سوره ن والقلم مداومت نماید و در نمازهای فریضه و نافله خواند هرگز فقر و فاقه وی را نرسد و هر که سوره الکهف را بنویسد با شرایط و در شیشه سر تنگ نهد و سر او را استوار سازد و در منزل جایی پاک ... کند از فقر و فاقه ایمن باشد و از خلق خلاص شود و هر که با اهل دنیا محتاج نشود **جهة اطلاع بر خزاین و انواع دفاین و دفع اسرار و ظفر بر اسم اعظم** در کتاب منبع الفیض مذکور است که هر که در شبها سوره انا انزلناه را بسیار بخواند با شرایط کلام حق سبحانه و تعالی وی را بر خزاین اطلاع بخشد بوجهی از وجوه در خواب یا در بیداری و هم در آن کتاب آورده که هر که در خانه مدفون باشد و فراموش کرده و مکان آن را نداند بخواند هر چه گم شده باشد بیابد و بعضی از مشایخ گفته اند که بر قرائت سوره والضحی مداومت نماید بتوفیق انواع آن اموال یابد و هم در آن کتاب مسطور است که بعضی از عارفان گفته اند که هر که سوره شعرا را با این آیه که واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها الی قوله تعقلون از سورة البقره کتابت کند و مکتوب را از گردن خروس سفید افرق یا درد و در موضعی که گمان دفینه دارد و ... رها کند آن خروس گرد دفینه باز ایستد و منقار در خاک زند و دلالت بر آن کند صحت این عمل آن بود که خروس در دو روز ... مجرب است و در حق اموال این معنی آورده که چون کسی خواهد که از ضمیر کسی چیزی یابد در بیکوید باطن وی اطلاع یابد که سوره الزلزلة را بر حقه از نحاس الشحن بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و در آن اسم مادر وی و اسم وی را در آن نقش نماید و در کلاه آن را استوار دارد و در میان پوست ... و محکم سازد و بعد از آن در هنگام خواب آن کس که سخن گوید و از ضمایر خود خبر دهد الکه بگفتگوی خود شعور داشته باشد **جهة رجوع غایب و آبق و ظهور سارق و دفع المتهم** صاحب کتاب منبع الفیض آورده که هر کرا غایبی باشد و خواهد که بزودی مراجعت نماید بسلامت و غنیمت یا چیزی گم کرده باشد و خواهد که پیدا شود باید که بنام وی هفت بار سوره والضحی ... تلاوت کند و اگر اثری ظاهر نشود هشتاد بار بخواند بس بگوید یا مطلع الغرایب یا رادّ کل غایب یا جامع الشتات یا

مقالید الامور بیدک

مقالید الامور بیدک اجمع علی ضالتی اورده علی ضالتی فانه لا جامع له الا انت برحمتک یا ارحم الراحمین و در رحمات آورده که هر که هفت نوبت سوره شعرا را بخواند بنام بنده که گریخته بود باز آید و هر که سوره والضحی را بر کاغذ سفید نوشته با شرایط که ذکر شد بنام آن بنده که گریخته و یا دزد بیک گره زند و بر گرد سوره هفت دایره بکشد در دیوار یک گوشه دایره کشید یک دفعه سوره والضحی را بخواند و بر آن کاغذ دمد و چون نوشته را بیخ ... داشته در حقه ... کیت ... نارلیث ... که گریخته سرگشته و حیران شود الی اختیار رد ... بخانه مراجعت کند و اگر که گریخته هنوز بعد ... عمل چنان اتفاق افتد که زحل راجع بود البته که گریخته باز آید و اگر بعد که گریخته بود در وقت عمل مریخ راجع بود ... بار گردد هیچکدام اتفاق نیفتد باید که در حال عمل البته طالع راجع بود و از عجایب این که تحرک ... باشد تا دراسریع اوقات گریخته منزوی گردد و هر که سوره یس را بر طشت صینی که خوبی داشته باشد کتابت کند و با آب جوی ... محو ساخته ... بریان ... طشت بحوی ... در ... گذارد ... کنند ... از آن قد ری ... کند پس آن جماعت را بخورد از قطعه ای جز آن کس که دزدی کرده ... هر چند که قدرت نماید ... حیرة بیا شود **جهة نیل حاجات و زیادت برکات** صاحب منبع الفیض فرموده که هر که سوره مریم را کتابت کند با شرایط و در منزل خود ... پاک دفن کند بمعنی برکت و خیر و جمعیت در آن منزل بسیار شود و اگر آن سوره را بر دیوار آن منزل بنویسد از جمیع حوادث و زوال ایمن ماند و هر که سوره یوسف را بنویسد در ساعت سعد و در ظرفی محکم کرده در میان دیوار برای خود محفوظ کند برکت و عجب در آن منزل نهایت شود و قرآن منزل بر ساکنان ... مبارک ... باشد و هر که سوره حجر را در نمازهای نافله بسیار بخواند مال وی زیاده شود و در رزق وی وسیع گردد و هر که سوره تکاثر را در نمازهای نافله بسیار تلاوت کند در مال وی خیر و برکت بسیار شود و روزی بر وی گشاده گردد **جهة حفظ دفینه و محفوظ ماندن زر و اموال** در کتب اکابر اهل خاصیت مذکور است که هر که دفینه نهد و خواهد که مصون و محروس ماند و آفتی بدان راه نیابد بدرست نقره ... باید که از ابتدا تا ... بتلاوت سوره ... شغل کرده تا وقت فراغت لا ینقطع بخواند از دفینه و دفن در حفظ جناب حضرت حق سبحانه و تعالی ماند تا وقتی که صاحب آن بسر وی آید و اگر این سوره را چهار بار بر چهار تکه بنویسد و در چهار زاویه آن موضع دفن کند در آن جمیع ... محفوظ و محروس ماند و اگر سوره جن را بر ... خواند از هر ... و خانه محفوظ ماند **جهة حفظ انبار حبوبات در زمین و شیشه و غیر آن** هر که سوره کهف را کتابت کند و در شیشه سر تنگ نهد و محفوظ کرده در میان انبار غله جای دهد از خوره و شپش و آفات آن مصون ماند و هر که سوره مجادله را بنویسد و در میان انبار حبوبات نهد از آنچه موجب فساد حبوبات باشد سالم ماند و هیچ ماری از آن انبار ... ضایع نشود و هر که سوره والتین را بر ... مطعومات خواند حق سبحانه و تعالی از آنچه سبب تباه شدن اوست نگاه دارد در دیوار مخزن برکت او ابد **جهة سلامت سفر و عود بوطن با حصول مقاصد و رجوع با غنیمت** هر که متوجه سفری شود باید که سوره علق را قبل از سفر ... بر وجه ... کتابت نوشته و از ... ببندد مادام که مکتوب بر اعضای وی باشد از هر ... در سفر ... بر تا وقتی که بصحت و عافیت بوطن خود باز رسد و هر مسافری که بر تلاوت سوره صف مداومت نماید از هر بلایی که در سفر روی نماید ایمن ... ماند تا وقتی که بسلامت بوطن معاودت کند و مواظبت بر سوره والطور همین خاصیت دهد و هر که سوره عبس را کتابت کند بر ورق آهو و با خود نگاه دارد هیچ طریقی در آن سفر بوی نرسد الا که در آن چیزی یابد و بر کتابت بیند و عاقبت آن سفر نیکو بود و هیچ مکروهی در آن سفر بحامل مکتوب نرسد و قرائت سوره بلد نیز همین خاصیت دارد و حصین ... جواهر التفسیر آورده که ... خاصیت سوره فاتحه حفظ و سلامت در سفر ... که در کتاب ریاض الجنان از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام منقول است که چون سفری خواهی کرد سه نوبت فاتحة الکتاب بخوان و بگو اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلّم ما معی ... در آن سفر محفوظ باشی و بسلامت بمقصود رسی و در بعضی روایات آمده که آیة الکرسی با سوره فاتحه نیز همراه کند

٩٥

جهت ایمنی خود یا از غرق شدن و کشتی شکستن هر سواری که خواهد بکشتی نشیند باید که اول سوره انا فتحنا را تلاوت کند که خاصیت
این سوره بزرگوار موجب امانت از غرق شدن در کشتی و خواندن سوره هود نیز همین خاصیت دارد و در ختمات [illegible] آورده
که هر که هفت بار سوره حم را تلاوت کند پس بدریا نشیند سالم بیرون آید و از تباهی دریا و شکستن کشتی ایمن باشد و هیچ ضرری
نیابد **جهت ایمنی از خوف و نگاهداشت از حوادث و دفع سباع و موذیات** هر که بر تلاوت سوره مجادله مداومت نماید از حوادث و طوارق لیل و نهار مصون
و محفوظ باشد و چون کسی خواهد سفر کند سوره والطور را تلاوت کند در آن سفر مصون و محروس باشد و [illegible]
ماند از جمیع طوارق و حوادث که در سفر طاری میشود و هر که سوره قل اعوذ برب الفلق را [illegible] کتابت کند [illegible]
کند [illegible] باشد و باید که آن پوشیده [illegible] باشد که هیچ قطع [illegible] نکرده باشد [illegible]
ضد و در سفر و حضر با خود نگاه دارد از تعرض سباع و جمیع موذیات مثل مار و کژدم و غیر آن محفوظ و مصون باشد [illegible] حفظ حق
سبحانه و تعالی باشد **جهت حفظ مال از تاراج قطاع الطریق و [illegible]** و در ختمات شیخ [illegible] مذکور است که هر که در ابتداء
سفر هفت نوبت سوره تغابن را بخواند مال و متاع او از تعرض دزدان و قطاع الطریق سالم و ایمن ماند و هیچ دزدی [illegible]
بر او دست نیابد و در خواص [illegible] آورده که هر که سوره جمعه [illegible]
[illegible]
[illegible]
تلاوت نماید البته راه یابد و از سرگردانی خلاص شود ان شاء الله تعالی **خواص الآیات** **جهت [illegible]**
قول نزد بزرگان شیخ محمد بن ابراهیم التمیمی در کتاب خواص القرآن آورده که هر که با مهمی و حاجتی نزد پادشاه رود اول باید
که طهارت کامل بجای آورد و جامه پاکیزه پوشد و دو رکعت نماز گذارد و بعد از سلام [illegible] این دو آیه که از سوره
بنی اسرائیل که وقل رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا وقل جاء الحق وزهق
الباطل ان الباطل کان زهوقا [illegible] پادشاه [illegible]
حاجتی که داشته باشد [illegible]
الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله و
فضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم را از سوره آل عمران [illegible]
[illegible]
[illegible] **جهت [illegible]** هر که این آیه وکذلک نری ابراهیم ملکوت السموات
والارض الی قوله [illegible] از سوره انعام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **جهت [illegible]**

هر که آیه الذین ینفقون فی السراء والضراء الی قوله ونعم اجر العاملین از سوره آل عمران در شب جمعه بعد از نماز خفتن بر کاغذ
پاک بنویسد و با خود نگاه دارد [illegible] پادشاه غضبناک و یا حاکم قهار [illegible] پادشاه یا حاکم بر وی اثر غضب
[illegible] و شفق و مهربان وی شود و آثار محبت و عنایت از وی بظهور آید و هم در خواص [illegible] مذکور است که هر که
آیه لا یحب الله الجهر بالسوء الی قوله [illegible] از سوره نساء با طهارت کامل کتابت کند و [illegible] آن مکتوب را
با خود نگاه دارد [illegible]
حاکم [illegible] ظاهر گردد و اگر که پادشاه بر کسی متغیر شود و در مقام قهر و غضب در آید [illegible]
[illegible] باید که آیه ثم قست قلوبکم الی قوله تعملون از سوره بقره بر کاغذ پاک بنویسد و نام پادشاه و پدرش [illegible]
کاغذ رقم زند [illegible] آتش غضب پادشاه فرو نشیند [illegible]
[illegible] و هر که آیه سبحان الله وتعالی عما یشرکون الی قوله تعالی [illegible]
از سوره قصص هفت بار [illegible] تلاوت کند و بر پادشاه و حاکم در آید در حالیکه از غضب وی ترسان و هراسان بوده
[illegible] والله غالب علی امره [illegible]
یا حاکم ظالم در آید [illegible] یا مالک یوم
الدین ایاک نعبد وایاک نستعین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الانعام [illegible]
آن صفت از وی زایل شود **جهت دفع خوف از سلاطین و ظلمه** [illegible]
کامل کند [illegible] الی قوله نعم العزیز الحکیم از سوره آل عمران کتابت کند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الا هو رب العرش العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی [illegible]
[illegible] الظالمین از سوره قصص [illegible]
[illegible] **جهت [illegible]**
[illegible]
[illegible]
[illegible] الحکیم سوره یوسف کتابت کند [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین علی علیه السلام
[illegible] سوره بنی اسرائیل

وادا قرات القران جعلنا بینک و بین الذین لا یومنون بالاخرة حجابا مستورا جهت ستر از جمیع آفات و مخافات هم در کتاب بحر
النظیم آورده که هرکه بر تلاوت آیه الله الذی خلق السموات والارض الی قوله ثم لطلوع کفا از سورهٔ ابراهیم هر صباح
و مسا و وقت خواب و دخول در ولایت و عیال و خزائن و اخوان خود از حوادث زمان در امان باشد و در سفر و حضر
مال و متاع و زرع و دواب او مضبوط و محروس بود و از آنچه ترسان و هراسان باشد حق سبحانه شر آن کفایت کند و خیر و برکت
و دولت و سعادت روزی گرداند و جمعیت تمام روی نماید و هم در آن کتاب آورده که هرکه ترسان باشد از چیزی که آدمی را بیم
میرسد باید که هر صبح و شام و وقت خواب کردن هفت بار [illegible] بر تلاوت این آیه که انی توکلت علی الله ربی
و ربکم الی قوله حفیظ از سورهٔ هود حق سبحانه و تعالی از تمامی آفات و بلیات وی را نگاه دارد و هیچ مکروهی از هیچ مرعوبی بر
وی نرسد و شر همه از او کفایت کند و هم در آن کتاب است که هرکه هر صباح و مسا آیه الحمد لله الذی خلق السموات و جعل الظلمات و
النور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون را از اول سورهٔ انعام قرائت کند و بکف دست خود نفث کند و بر همه اعضای خود
مسح نماید از همه آفات [illegible] محروس و محفوظ گردد جهت رفعت شان و حصول جاه و دولت و افسر عز و ناز هرکه
خواهد که شان وی رفیع شود و مکان وی عالی گردد و نزد سلاطین و حکام و خواص و عوام قبول تمام پیدا کند باید که آیه
واذکر فی الکتاب ادریس انه کان صدیقا نبیا و رفعناه مکانا علیا را از سورهٔ مریم کتابت کند [illegible] بر زعفران که آن را
بعسل مصفی حل کرده باشند و بعد از کتابت موم خالص [illegible] و بعد از تجفیف بازوی خود بندد
و بعد از آنکه مکتوب را بر بازوی خود داشته باشد [illegible] با خود نگاه دارد مقصود حاصل شود [illegible] و چون کسی از
منصب معزول شده باشد و خواهد که باز بر سر عمل خود رود باید که [illegible] و جمعه از اول ماه روزه دارد و [illegible] شب جمعه
سورهٔ یوسف را وقتیکه بفراش میرود بخواند [illegible] بین الصلوتین تلاوت کند چون بآیه و قال الملک ائتونی به الی
قوله المحسنین از آن سوره رسد [illegible] و چون افطار کند باز آن سوره را تلاوت کند و چون نماز ختم [illegible]
دیگر سوره را قرائت نماید و چون بفراش برود باید [illegible] بار لا اله الا الله و صد بار الله اکبر و صد بار الحمد لله
و صد بار سبحان الله و صد بار استغفر الله و صد بار صلوات فرستد پس آن نوشته را در زیر بالین نهاده خواب کند
و چون صبح شود [illegible] که هرگز بر کسی ظلم و تعدی نکند [illegible]
اعانت ظالمان اجتناب نماید و بر امداد مظلومان اقدام نماید [illegible] آن نوشته را بر بازوی خود
[illegible] بر سر عمل رود [illegible] جهت [illegible] هرکه آیه فالق الاصباح
الی قوله ثم تعلمون از سورهٔ انعام بر نگین خاتم لاجورد نقش کند در ساعت [illegible] روز چهارشنبه و آن خاتم را در انگشت
کند هیبت و مهابت وی در دل خلایق پیدا شود و مقبول القلوب گردد و در نظر خلایق عزیز و مکرم شود و حاجات وی
بزودی روا گردد و هرکه آیه یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم الی قوله ثم المومنین از سورهٔ صف کتابت کند بر حریر سفید
[illegible] و زعفران [illegible] و هرکه آن را [illegible] هیبت و مهابت وی در
دلها [illegible] شود و مقبول و مطاع خلق [illegible] غالب [illegible] و هرکه حاجتی [illegible]
لا اقسم بهذا البلد الی قوله ثم النجدین کتابت کرده باشد [illegible] و هرکه [illegible]
بر پادشاه و حاکم [illegible] حاجات [illegible] جهت قبول قلوب و اطاعت خاص و عام
در کتاب بحر الالمان آورده که هرکه خواهد که مقبول و مطاع شود نزد اکابر و اصاغر باید که آیه و لقد جعلنا فی السماء بروجا
و زیناها للناظرین و حفظناها من کل شیطان رجیم را از سورهٔ حجر بر نگین [illegible] نقش کند [illegible]
باشد [illegible] با خود نگاه دارد [illegible] سخن وی همه جا مسموع و مقبول بود

عدد آیه و لقد جعلنا فی السماء بروجا
و زینا
چون عدد ۲۵۳ در خانهٔ اول از مربع
[illegible] نقش کند و نقش موافق
عدد آیه مذکور باشد و وفق
عدد ۳۱۹۹ [illegible]
[illegible] عدد [illegible]
نوشته شد و کلمات این آیه
و لقد جعلنا فی السماء بروجا [illegible]
۱۲ است و حروفش [illegible] مع
همزه و زیناها [illegible]
والله اعلم

وهم خلایق

وهم خلایق مطیع و منقاد وی شوند و هم در آن کتاب آورده که هرکه آیه یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم الی
قوله المتقین از سورهٔ التوبه کتابت کند بر جام بلور یا چینی بگلاب و زعفران [illegible] بعود و عنبر بخور کند [illegible]
[illegible] خالص [illegible] نگاه دارد چون نزد اکابر رود قدری در [illegible] خود مالد [illegible]
قبول تمام در نظر آن بزرگ و سایر مردمان پیدا شود و عزت و جاه وی نزد خلایق زیاده گردد ان شاء الله تعالی جهت القای
محبت و دوستی [illegible] آورده که هرکه آیه واعتصموا بحبل الله جمیعا الی قوله ثم المفلحون از سورهٔ آل عمران
[illegible] روز دوشنبه [illegible] زعفران و گلاب و نام خود و نام مادر خود
[illegible] محفوظ کرده [illegible]
و نظافت [illegible] متوجه [illegible] مردم [illegible] مطیع و منقاد او شوند و هرکه
آیه و القیت علیک محبة منی الی قوله فتونا از سورهٔ طه [illegible] موجب جذب قلوب و توجه نفوس باشد و هرکه
آیه واعتصموا بحبل الله جمیعا [illegible] القلوب [illegible]
اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible] العظام [illegible]
[illegible]
[illegible]
و [illegible] الی قوله ثم [illegible] از سورهٔ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جهت تسخیر نفوس خلق و جذب قلوب ایشان صاحب بحر النظیم آورده که هرکه خاتمی [illegible]
[illegible] الله لا اله الا هو الرحمن الرحیم از سورهٔ البقره [illegible] نقش کند [illegible]
[illegible] خلق مطیع و منقاد وی شوند [illegible] که آیه [illegible]
[illegible] حسبک الله [illegible] از سورهٔ انفال [illegible] ماه رمضان میان ظهر و عصر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مطیع و منقاد [illegible]
جهت [illegible] در خواص ابن [illegible] آورده که هرکه [illegible]
[illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا [illegible] از سورهٔ [illegible] لوح [illegible]
[illegible] لوح [illegible]
[illegible] از سورهٔ [illegible] لوح [illegible]
[illegible]
[illegible]

این ان گردون خود پیدا و پنهان کند که هر لوحی از این الواح نقش در ساعت یکم ساخته شود پر اختر کرده که مجموع در ساعت سیم متوالی
تمام شود زیرا که از ملکت حق وقف دارد در حصول نتیجه دخل عظیم است و هم در خواص وی مذکور است که هرگاه قطعه
از رصاص که در سفره صیاد است بگیرد از آن لوحی تنگ سازد و وقتی که قمر در شرف الحوت باشد از زمان ۲۱ کانون
البروج ۲ ایها الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیه بامره از سوره جاثیه بر آن لوح نقش کند و هم به پیچید در شبکه بندد هر
کران شبکه [illegible] ماهی بسیار [illegible] فراوان [illegible] از شبکه در آیند و ازدحام کنند چنانچه ابتنا
بمعلوم [illegible] و اگر کسی این آیات را [illegible] نقش کند و بر جام [illegible] بیابد احیا [illegible] آید جهت
فتح و ظفر و نصرت بر لشکر در کتاب حرز الامان از کابلی خواص نقل کرده که در قران عظیم چهار آیت در چهار سوره [illegible]
[illegible] خاصیت [illegible] ظفر و نصرت [illegible] و القاء رعب بر قلوب ایشان چون [illegible]
[illegible] علم نویسند [illegible] که آن علم [illegible] فتح و ظفر [illegible] باشد [illegible] ابن الاوقا [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] با [illegible] ملاقات کند هیبت [illegible] اوبه ایشان استیلا یابد
و دشمنان زبون شوند و آیه اول در سوره بقره است قوله تعالی الم تر الی الملا من بنی اسرائیل من بعد موسی الی آخره و
آیه دوم در سوره آل عمران است قوله تعالی قد سمع الله قول الذین الی آخره و آیه سیم در سوره نساء قوله تعالی و اتل علیهم نبا
ابنی آدم بالحق الی آخره و بعضی از کابر گفته اند که آیه دیگر باید افزود از سوره رعد قوله تعالی قل من رب السموات
والارض الی قوله تعالی القهار و چون سپه سالار این آیات را [illegible] علم نویسد باید که [illegible] که در ضمن کلمات
[illegible] بنویسد [illegible] ق [illegible] که این حروف
در حصول مقصد [illegible] تمام دارد [illegible] که اگر کسی این آیه و لکم الا اذی الی قوله تعالی
از سوره آل عمران بر شمشیر نقش کند [illegible] و بعضی گویند در ساعت هفتم از روز یکشنبه
[illegible] در وقت نقش کردن [illegible] و نظیف اللباس باشد [illegible] آلات [illegible] مجرب دشمن [illegible]
[illegible] ابن عمین گوید که هر که این آیه اول سوره انا فتحنا الی قوله تعالی حکیما در ساعت اول از روز
پنجشنبه یا ساعت هشتم [illegible] قطعه از رصاص اصفر [illegible] نقش کند [illegible] و آن قطعه در میان سپر [illegible] کند
وقت محاربه آن سپر [illegible] باشد از [illegible] آلات جارحه [illegible] و هم گویند که چون کسی آیه و ما جعل
الله الا بشری لکم الی قوله تعالی حکیم از سوره الانفال [illegible] هفتم از رمضان [illegible] زعفران بنویسد و
[illegible] بر خاتم [illegible] در حین محاربه [illegible] باشد [illegible] مقصود شود
و صاحب خاتم [illegible] جهت بقای خوف در دل [illegible] دشمن صاحب کتاب حرز الامان از شیخ بهائی نقل کرده
که در کتاب شمس المعارف آورده که اگر خواهی لشکری را [illegible] قبضه خاک از [illegible] میدان [illegible] بخوان
[illegible] که سیهزم الجمع و یولون الدبر از سوره قمر [illegible] خاک [illegible] دشمن [illegible] بطرف دشمن [illegible]
[illegible] خاک [illegible] شاهت الوجوه [illegible] لشکر [illegible] بگیرند [illegible]
شود که [illegible] قرار [illegible] سلام [illegible] حضرت رسول صلی الله
علیه و آله [illegible] مشت خاک [illegible] شاهت الوجوه [illegible]
و هیچ دشمنی نماند [illegible] الا [illegible] از آن خاک [illegible] شد [illegible]
انگه [illegible] حضرت امیر المومنین [illegible] بجانب دشمن انداخت [illegible]
[illegible] اللهم و الیه المشتکی و انت المستعان [illegible] حضرت گفت [illegible]

کلمایکو

لا ینبغی
[illegible] آیه
[illegible]

[illegible]

کلما بگو [illegible] که در [illegible] بنی اسرائیل [illegible] در قران مجید [illegible]
[illegible] و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی الایه از سوره الانفال پس اگر صاحب لشکری برای دفع دشمن
توسل جوید به افعال و اقوال حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت [illegible] فتح و نصرت [illegible]
متابعت آن حضرت [illegible] کتاب آورده که اگر کسی در حین جدال در مقابل دشمن سوره ۲۱ [illegible]
بخواند [illegible] شد [illegible] آورده که چون کسی در وقت مقابله در مقابل دشمن ایستد
و این کلمات را گوید الله الغالب الله القاهر [illegible] الحق [illegible] لا حول و لا قوة [illegible] این آیه از سوره
یس بخواند ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم خامدون چنان [illegible] دشمن غلبه کند [illegible] جهت
[illegible] صاحب [illegible] آورده که چون کسی خواهد که دشمن ظالم فاسق را هلاک کند [illegible]
[illegible] ماه [illegible] از [illegible] حسنه
[illegible] نیم شب [illegible] آید [illegible]
[illegible] و الذین لم یستجیبوا [illegible] از سوره رعد و [illegible] عهد الله من بعد
[illegible] اللهم [illegible] عاجل
[illegible] واحد [illegible] دشمن را [illegible]
[illegible] هلاک [illegible] دشمن [illegible]
[illegible] از طلوع آفتاب [illegible]
[illegible]
[illegible] آفتاب [illegible]
[illegible] فلان بن فلان [illegible] دشمن باشد مقصود [illegible]
[illegible] دشمن [illegible] باشد [illegible]
[illegible] الذین اشتروا الضلالة بالهدی [illegible]
از سوره البقره [illegible] فلان بن فلان [illegible]
[illegible]
[illegible] دشمن [illegible]
[illegible] مظلوم [illegible] جهت [illegible]
در کتاب حرز الامان از قول صاحب [illegible] آورده که هر که خواهد که دشمن [illegible]
[illegible] از طلوع آفتاب [illegible] خاک [illegible]
[illegible] خانه [illegible]
[illegible] از سوره الکهف بخواند [illegible]
قالوا اتخذ الله ولدا الی قوله تعالی [illegible]
[illegible] خاک [illegible]
خاک [illegible] دشمن ظالم
فاسق را [illegible]

۹۸

و قدری خاک از سرای ویران یا سرایی که خالی بود و صاحب آن عنقریب مرده باشد بر دارد و این آیه یا ایها الذین
آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی الی قوله الکافرین از سوره البقره بر آن سفال بنویسد پس آن را نرم بکوبد و با
آن در قبضه خاک سیاه بیزد پس جمیع آن خاکها را در منازل و مواضع آن دشمن پاشد و این پاشیدن در روز شنبه باشد
در ساعت اول یا سوم و بعضی گویند در ساعت هشتم تا در نکبت و خذلان آن دشمن عجایب بیند جهت تسوید وجه عدو و تعجیل
فنای ایشان هر که خواهد که دشمن منکوب و مبهوت و مخذول و بیچاره شود یا هر کدام دشمن ظالم بود و در بعض الامر کرب
عالم الم عظیم کرده باشد و از خدا و رسول نترسد و قول و فعل وی موجب زحمت ارباب دین باشد چون عامل چنین دشمنی
پیش آید در پنجشنبه روزه دارد و چون نماز شام و خفتن بگزارد در وضوی خاص بنشیند و از دو دیگر زیاده نگوید یا
قدیم الازل یا ازلی لم یزل یا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور عدو فلان بن فلانة اخذه عزیز مقتدر سه بار پس
این عار ابجوانند یا قل یا اهل الکتاب هل تنقمون منا الی قوله سواء السبیل از سوره المائده سی بار بگوید خاک از خانه
قدیم ویرانه کهنه باشد وقت کند بعد از آن قبضه خاک را بر سرای آن ظالم پاشد تا عجایب العجایب مشاهده کند جهت تفرقه ظالمان زود
و فنا حال ایشان هر که از ستم ظالمی از ارادت ... رنجید و از جور و تعدی او باز نیاید باید که روزی مشافهه بگوید یا بپیغام فرستد که از این
جور و ستم باز گرد و الا بلای عظیم بر تو نازل خواهد شد همین سه بار اجتماع یا استماع وی کن اگر متنبه شود و از این طریق باز گردد
فبها و الا کارد از نظر خود بیرون کن و شر و فساد وی بر قرار بود و تعصب و تعنت زیاده شود چاهی که از وی معطل یعنی بی آب
کن که آب او از جانب مشرق آید و آن را الکل ظاهر باشد از آن چاه قدری آب بر دارد و این آیه لئن لم ینته المنافقون الی قوله تعالی
الا قلیلا از سوره احزاب بر قطعه ای سفالی بنویسد و آن را بدان آب محو کند و آن آب را در منزل آن ظالم پاشد تا مراد بر سید اگر
عامل ظلوم و مستحق باشد در این عمل و مشار الیها القهر تهدید حبیب بود جهت فساد ظالمان و دفع پریشانی ایشان چون کسی
حال ظالم فاسق را اراده کند و خواهد که سلسله شغل وی از نظام افتد و در هم رود در جهت وی روی به پریشانی آورد
و کار وی به بیچارگی دارد در کشد باید که این آیه یا ایها الناس ضرب مثل الی قوله لقوی عزیز از سوره حج بر لوحی که از چوب جوز تر
تراشیده باشد و اگر میسر نشود چوب کهن بالی که مکتوب ده کلاجه باشد کتابت کند در روز شنبه پیش از طلوع آفتاب پس
آن نوشته را باب جایی که معطل باشد و آنکه در آن است باشد بشوید بعد از آن موضعی که آن ظالم فاسق می نشیند و امر و نهی می کند
بپاشد مقصود حاصل شود و آن دشمن خوار و نگون سار گردد و چون کسی خواهد که دمار از خانمان ظالمی و فاسقی برآورد و دولت
و حال وی را بدی کار و بیجا را بعیر او ویران کند باید که یکی در سه برگ از درخت بید پیش از طلوع آفتاب روز یکشنبه چنانکه هیچ کس
بر آن اطلاع نیابد و بر یکی روی هر یکی این آیه و لو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت الی قوله تعون از سوره انعام بنویسد و بر دیگر
دیگر هر یکی اسم ان ظالم و مادرش را رقم زند و این عمل بر وجهی باید که هیچ فردی بر آن وقوف نیابد و بعد از اتمام عمل آن برگها
در آبی اندازد که آن ظالم می آشامد و بعضی گویند که آن ابراد در سرای وی بریزد که در اول ابلغت و اگر هر دو میسر شود زود تر
مقصود حاصل شود و چون کسی خواهد که شغل حال ظالمی پریشان شود و دار و عمل وی منقطع گردد باید که یک قطعه از
استخوان اشتر که کهنه و فرسوده شده باشد پس آن را پاک بشوید و این آیه فلما نسوا ما ذکروا به الی قوله تعالی العالمین از سوره الانعام بر آن
استخوان بنویسد و در سرای آن ظالم اندازد تا انتظام او از کوه و سلسله وی بالتمام نابود شود جهت خرابی منازل و دیهات ظلمه و فجره
هر که خواهد که سرای ظالمی فاسق خراب شود و باغ و بستان و ضیاع و عقارات وی ضایع گردد و مستغلات وی مثل آسیاب و حمام و دکان
و امثال آن رو به ویرانی نهد باید که روز پنجشنبه و در جمعه روزه دارد و چون شب شنبه به نیمه رسد این آیه قال له صاحبه و هو یحاوره
الی قوله تعالی احدا از سوره الکهف بر پاره ای سر ظرفی که کهنه باشد و در مزبله افتاده و شکسته شده بنویسد بعد از آن که ابرا پاک
شسته باشد و یک شاخه از درخت بید که از بیرون سایه یا جیحون بر آمده باشد در منزل آن ظالم دفن کند تا عجایب

مشاهده نماید

مشاهده نماید جهت هلاک دشمنان در بند و زندان چون دشمنی ظالم در بند و زندان محبوس باشد و خواهی که در آن حبس هلاک
باید که آیه قال ادخلوا فی امم الی قوله تعالی لا تعلمون از سوره الاعراف بر پوست بز غالی سیاه دباغت یافته بنویسد و نام محبوس
و مادرش را در ذیل آن کتابت کند بعد از آن بنویسد که هلک مثل فلان بن فلانة کما اهلکنا بافلان بن فلانة کیتا باشد و کیتا
بکنا طماء طماء واقع شد پس آن نوشته را در زیر آستانه خانه که محبوس در آنجا باشد مدفون سازد و مادام که آن نوشته در
جای خود بود آن محبوس در حبس مبتلا بود جهت دفع ... از جن و دزد و غیرهم هر که بر تلاوت آیة الکرسی تا خالدون
مداومت نماید موجب دفع وساوس شیطان و هواجس دیوان بود و مانع تصرف ایشان و هر که این آیه شهد الله تا آخر
تا مبینا از سوره نساء بر طشتی که بر ظلو کرده باشد و پاک باشد کتابت کند بعضاره برگ زیتون پس آن نوشته را به آب غسل
ظاهر نشوید و بر دیوارهای سرای خود رش کند هر موضعی که در آن موضع بود از جن و هوام جمله فرار نمایند و از ثری لباس
در آن حوالی و نواحی نمانند و هر که این آیه افامن اهل القری ان یاتیهم الی قوله الخاسرون از سوره الاعراف در اول روز از ماه محرم
بر کاغذ بنویسد و آن را باب طاهر بشوید و آن آب را در گوشهای خانه و سرا و دیوارهای منزل خود بپاشد آن سرا و منزل از دزدان و گژدم
و سایر موذیات مثل کیک و پشه و مگس پاک شود و هر کژدم که در آنجا باشد فرار کند و هر که این آیه الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم الی قوله
سوره بقره بر طشتی پاک ... بنویسد پس بعضاره برگ زیتون بنویسد و بعضی گویند بعضاره برگ زیتون بنویسد و هر برگ را که بر آن
خانه رش کند مار و کژدم و کیک و پشه از آن موضع کم شود به وجهی که هیچ از ایشان نماند و اگر بعضی از ایشان در آنجا باشند دفعه
بمیرند و اگر روز پنجشنبه همین آیه را بر چهار برگ زیتون بنویسد و هر برگی به رکن خانه دفن کند هیچ کیک در آن خانه باقی نماند
و صاحب سر المنظوم فرموده که چنین شنیدم که برای کیک بر سه برگ زیتون باید نوشت پنجشنبه اول ماه رجب و در سه رکن
خانه دفن باید کرد و آن رکن را که هر آمدن از جانب اوست خالی باید گذاشت و برای دفع کیک بعد از کتابت آیات بر آن
برگ این کلمات باید نوشت که عطش عطش دخل البق عطش خرج البق عطش مات البق بالله لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم جهت دفع زیادتی سفیدی چشم و ... هر که این آیه یا بنی آدم خذوا زینتکم الی قوله تعالی تعلمون از سوره الاعراف بر ظرفی که با
العسل المصفی که نار رفته باشد و تغیری به راه نیافته باشد و زعفران سحیق کتابت کند و آن نوشته را به گلاب یا باب عذب
حل کند و پاک بود محو سازد و بیاشامد یا در طعام کرده بخورد تا بیمار بعد از محو چون حمام رود و آن آب
معمول بشوید و بدان غسل کند اگر سحر بر وی سحری کرده باشد باطل شود و اگر از چشم بد اثری رسیده باشد زایل گردد جهت
ابطال سحر و تحقیق حال ایشان چون کسی را سحر کرده باشند و خواهد که آن را باطل کند باید که مقداری از آب باران که
کوه سار آن جمع شده چنانچه احدی بر آن اطلاع نیابد و مقداری آب از چاهی معطل بیاورد و بر یکدیگر در و بر جمیع هفت برگ
از هفت درخت که میوه آن خورده شود بنا باشد مثل بید و سفیدار و نارون و غیرهم پس آب باران و آب چاه با هم آمیزد و برگها را
در آن در ریزد و بعد از آن این آیه فلما جاء السحرة الی قوله تعالی المفسدین از سوره یونس بر طاسی بنویسد و نوشته را بدان آب محو کند و محو
بدان غسل کند در پیشه کناره دریا یا آب روان نهر بزرگ و باید که آن آب به اعضای وی برسد بلکه بر جاری کند تا سحر باطل
گردد باذن الله العظیم جهت فتح ابواب رزق و تحصیل اسباب آن علی بن الحسین الکاشفی رحمه الله از کتاب سر المنظوم نقل فرموده که چون
کسی را معیشت روی به تنگی آورد و عسرت و تنگی پیش آید باید که اول آفتاب شنبه غسل کند از جمیع جنایات و نیتهای جز راه
در لحظه جای دهد و صد رکعت نماز بجای آورد و شب جمعه چون به نیمه رسد برخیزد و بعد از طهارت کامل صد بار استغفار
کند و صد بار صلوات بفرستد این آیه و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله الی الکبیر از سوره طلاق صد بار بخواند و بعد از آن
صد بار صلوات بفرستد و دعا کند در خواب کیفیت خلاص از ضیق معیشت بر وی ظاهر گردد و ابواب رزق و روزی مفتوح
شود و اسباب آن به سهولت میسر گردد و هم وی آورده که هر که آیه قل من یرزقکم من السماء و الارض الی قوله تعالی افلا تتقون از سوره

از سوره یونس بر ورقی بنویسد و آن را در خرقه کبود پیچد و بر بازوی راست بندد اسباب ابواب رزق بر وی گشاده شود
و هم وی فرموده که هر که بر تلاوت آیه قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب از سوره آل عمران مواظبت نماید
که در عقب هر نمازی از فرایض و سنن و نوافل و وقت خواب و هر آن بخواند حق سبحانه و تعالی رزق بر وی گشاده کرداند
و فقر و فاقه دور دارد و برکت بسیار در دست و مال او پیدا شود و هرگز محتاج خلق نشود و در حدیث صحیح آمده
از پیغمبر صلی الله علیه و آله که بعد از آیه مذکوره بجهت ادای دین و رفع حاجت هر بامداد اختیار این که تلاوت کند باید
که بگوید یا رحمن الدنیا والاخرة و رحیمهما تعطی منهما ما تشاء و تمنع منهما ما تشاء اقض عنی الدین و اغننی من العیلة
جهت توسیع رزق و ادای دین هر که خواهد روزی بر وی فراخ شود و خیر و برکت و جمعیت زیاده کردد باید که آیه
اذ قال الحواریون یا عیسی ابن مریم الی قوله تعالی خیر الرازقین از سوره مائده بر آوندی که از چوب گز تراشیده باشند کتابت
کند در اول ماه بقلمی که از نقره خام ساخته باشند و آن ظرف را پر آب باران کرده نوشته را بآن آب باران محو سازد
و آن ابواب را بمواضع خود بریزد کند در صباح روز جمعه پیش از طلوع آفتاب و اگر در [illegible] آن آب [illegible]
باشد خیر و برکت و رخصت و رفاهیت در خانمان و در زرع وی پیدا شود و روزی وی گشاده کردد و از بعضی آمده
که هر که بر تلاوت آیة الکرسی الی قوله تعالی خالدون مداومت نماید که از عقب هر نمازی خواه فرض و خواه نفل قرائت کند
و در همه اوقات بخواند بهر وقت که خواند روزی بر وی گشاده کردد و روزی وی از جائی رسد که متوقع وی نباشد و هم وی
فرموده که هر که بر تلاوت آیه آمن الرسول تا آخر سوره مداومت نماید قرض وی بزودی ادا شود و فارغ بال گردد جهت
تحصیل خیرات و بقای عمارات در خواص القران ابن تیمی آورده که هر که آن اول سوره الکهف الی قوله تعالی ابدا
هر سه ماه بر اناء چینی بنویسد و نوشته را با آب باران محو سازد و آن آب را بر دیوار سرای خود هر جا که مر باشد بپاشد و
دیوار کند خیر و برکت بسیار در آن منزل و سرای وی پدید شود و هم وی فرموده که هر که آیه او کالذی مر علی قریة الی قوله
تعالی قدیر از سوره البقرة بر ورق آهو بنویسد بساعتی که از خطا [illegible] باشد در ساعت پنجم از روز یکشنبه پس آن
نوشته را بر بخور [illegible] دارد و در [illegible] بپیچد و در خرقه [illegible] کوزه [illegible] در زمین سرا یا باغ [illegible]
شده دفن کند آبادانی و تعمیر بسیار [illegible] کند در معموری آن بقعه و هر که ترسد از آنکه سرای وی خراب شود انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم
والاخر الی آخر الآیه از سوره [illegible] تلاوت کند جهت وقایه اشجار و اثمار و زروع هر که خواهد که مزارع وی از
آفات ارضی و سماوی ایمن ماند [illegible] بنویسد [illegible] بر حد کمال رسد و خیر و برکت بر آن بیفزاید
باید که طهارت کامل کند و در روز پنجشنبه و روز جمعه روزه دارد و در روز جمعه بیرون آید و در چهار رکن مزرعه یا باغ
در هر رکنی دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه و سوره والتین بخواند و در رکعت ثانیه فاتحه و الم تر
کیف فعل ربک باصحاب الفیل و در میان این رکعت هشت گونه [illegible] از قول و فعل چیزی در میان [illegible] و بعد از آن در وسط آن
باغ و مزرعه چهار رکعت دیگر نماز گذارد [illegible] و آیه یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی الی قوله
تعالی تعلمون از سوره البقرة بزعفران و گلاب کتابت کند بر [illegible] که در آن موضع بود و بعود خوشبو بخور
کند و در [illegible] دفن کند [illegible] بالای آن [illegible] و همین دستور [illegible] کتابت کند و در
پای آن موضع دفن کند [illegible] کتابت کند [illegible] بالای درختی که بلندترین اشجار بود [illegible]
و اگر [illegible] باشد [illegible] نصب کند [illegible] از جمیع بلیات و آفات ارضی و سماوی از آن
باغ و مزارع دور شود [illegible] جهت حصول برکت [illegible] صاحب کتاب جز الامان از صاحب
النظم نقل کرده که هر که آیه ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم را از سوره جمعه نقش کند بر قطعه از نقد

و روز جمعه پس از آن در میان مال و متاع خود بندد برکت در آن پیدا شود و از همه آفات سفر و حضر محفوظ ماند و بعضی
گفته‌اند که اگر سوره را بالتمام نقش کند در صدف اثر و خاصیت وی عظیم بود و هم در آن کتاب آورده که هر که آیه ان الذین
یتلون کتاب الله الی قوله تعالی شکور از سوره فاطر بر چهار رقعه که از پنبه ساخته باشند بنویسد و آن رقعه‌ها را متفرق در
مال تجارت و جمعیت خود نهد و در آن سفر از آن متاع سود بسیار حاصل کند و از نقصان و دزد ایمن و سالم ماند جهت
دفع آفات سفر دریا و ایمن گشتن از کسر و غرق اکابر اهل خاصیت فرموده‌اند که هر که در روز جمعه بر لوح
چوب ساج یا تره آیه فالق الاصباح الی قوله تعالی یعلمون از سوره الانعام نقش کند و بر مقدم کشتی بندد و اگر بر لوح
[illegible] نقش کند اولی بود چون این عمل بجای آورد کشتی از تزلزل و شکستن و غرق شدن ایمن ماند و هر که آیه
بسم الله مجریها و مرسیها الی قوله تعالی رحیم از سوره هود [illegible] همین خاصیت دهد و اگر در بحر باد
مخالف برخیزد و امواج متلاطم شود آیه [illegible] الی قوله تعالی [illegible] از سوره الانعام [illegible] بنویسد
را در بحر افکند طوفان فرو نشیند و تباهی برطرف شود جهت سلامت کشتی و ایمنی از غرق صاحب کتاب جز الامان
از کتب معتبره اهل خاصیت آورده که هر که بسفر دریا اختیار کند [illegible] آیه انی توکلت علی الله ربی و ربکم الی حفیظ
از سوره هود مداومت نماید دایم الاوقات بقرائت آن مواظبت نماید انشاء الله در دریا ایمن و مطمئن باشد و بسلامت
و عافیت و غنیمت بکنار آید و حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرموده است که امانت امت من از غرق شدن چون بر
کشتی سوار شوند و بگویند بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و ما قدروا الله حق قدره الی ما یشرکون
از سوره زمر و هر که آیه الم تر ان الفلک تجری فی البحر الی قوله تعالی شکور از سوره لقمان [illegible] بنویسد و [illegible]
از کشتی بجانب مشرق [illegible] اندازد دریا از طوفان و طغیان فرو نشیند و کشتی بسلامت بکنار رسد و مداومت بر آیه لا تدرکه الابصار
و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر از سوره الانعام تسکین بادهای مخالف دهد [illegible] جهت دفع
آفات و مخافات سفر خشکی هر که بر تلاوت آیه ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض الی قوله تعالی [illegible] از سوره [illegible]
مواظبت نماید و صبح و شام بقرائت آن مداومت کند در هر سفر که باشد خواه خشکی و خواه تری از همه آفات و بلیات
محفوظ و محروس ماند و هم [illegible] و دزدان [illegible] ایمن ماند و مال وی از قطاع الطریق بسلامت ماند و هر که
آیه و لئن سألتهم الی قوله تعالی لمنقلبون از سوره زخرف بر حریر سفید بنویسد و در طاقیه مضبوط کند در هیچ سفر
راه گم نکند و اگر طاقیه را پوشیده باشد و راه گم کند چون طاقیه را بر سر نهد راه باز یابد و هیچ مکروهی در آن سفر بوی
نرسد جهت دفع قطاع الطریق و [illegible] دزدان صحرا در کتاب [illegible] مذکور است که مردی نزد ابن عباس آمد و
شکایت کرد از قطاع الطریق و گفت مرا خوف و هراس بسیار است از این طایفه فرمود که بر تلاوت [illegible] آیه از سوره اعراف
مداومت نمای که ان ولیی الله الذی نزل الکتاب الی قوله سمیع علیم و در خواص ابن تیمی آورده که چون کسی را بیم
رسد [illegible] بسیار [illegible] باشد مثل شیر و [illegible] و غیر آن باید که آیه انی توکلت علی الله از سوره هود که قبل از آن
گذشت بسیار خواند تا بسلامت گذرد و آسیبی از تعرض سباع آن بوی نرسد جهت رفع سباع و حیوانات ذوات السموم
در سفر خشکی صاحب کتاب دعاء المنظم آورده که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده است که هر که بسفری بیرون رود و باوی بود عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را از سوره قصص
تلاوت کند و لما توجه تلقاء مدین الی قوله تعالی وکیل [illegible] از تعرض سباع و موذی
و هر گزنده از مار و کژدم و غیر آن محفوظ دارد تا وقتی که بمنزل خود رجوع نماید و [illegible] در آن سفر هفتاد و هفت
فرشته از ملائکه همراه باشند که برای وی استغفار نمایند تا وقتی که باز گردد و [illegible] شیطانی [illegible] باشد

جهت رجوع آبق وسارق یا گریخته بر طلب کننده هرکس این دو آیه ولو ارادوا الخروج الی قوله تعالی مع القاعدین از سوره توبه
بر رقعه مدور که از گریبان جامه کتان کوتاه کتابت کند در اول ماه و در گردن ان این بنویسد که باسم فلان بن فلان
ان نوشته را از خانه بیرون اورد و در مکانی خالی که هیچ دیار ان نبیند بر زمین بکند و میخی جدید بر وسط رقعه
فرو کوبد و [illegible] ان بنده گریخته یا دزد سرگشته بی اختیار باز گردد و اگر کسی این ایه و لکل وجهة هو
مولیها الی قوله تعالی قدیر از سوره بقره بر رقعه مدور که از گریبان جامه گرفته باشد بنویسد و نام بنده گریخته یا دزد
خانگی را بران رقم زند و بران موضع که دزد یا بنده از انجا فرار کرده ان رقعه را بمیخ آهنین فرو دوزد [illegible]
انرا بپوشد عنقریب ان گریخته متحیر و سرگردان بی اختیار برگردد و [illegible] باز اید و اگر [illegible] این ایه او کظلمات
فی بحر لجی الی قوله تعالی من نور از سوره نور مواظبت نماید [illegible] مراجعت نماید و بعضی این ایه را بر رقعه مدور نوشته
و این کتابت کنند و نام ابق و سارق را در وسط ان نویسند و بطریق عمل سابق مضبوط نمایند همین کار کند **جهت رجوع گمشده
آبق و سارق و رجوع پشیمان با اختیار** هرکه این قل اتدعوا من دون الله الی قوله تعالی رب العالمین را از سوره انعام بر
پاره مشک [illegible] بنویسد [illegible] بر ان [illegible] کرده باشد و [illegible] بر وسط [illegible] نوشته
شود و در بعضی نسخها اورده که این مذکور را بر پوست کدو خشک نویسد [illegible] از خانه بیرون اید و چنانچه
هیچ ادمی را چشم بران نیفتد و خارج [illegible] بنویسد و در موضعی که قدم [illegible] دفن کند
ان گریخته متحیر و سرگردان [illegible] بی اختیار [illegible] مراجعت نماید **جهت قوت [illegible] و دفع نسیان و وسوسه** صاحب کتاب
حرز الامان از کتاب [illegible] النظیم نقل نموده که هرکه ایه هو الذی انزل علیک الکتاب الی قوله تعالی المیعاد از سوره آل عمران
در ساعت [illegible] از روز جمعه بر صحیفه کاشی سبز نو بنویسد بگلاب و زعفران و باب عذب که از نهر بزرگ جاری فرا گرفته
باشد نوشته را محو نماید [illegible] صباح جمعه [illegible] بیاشامد پیش از طلوع افتاب و در ان روز چیزی نخورد و
بیاشامد که دران [illegible] جوانی [illegible] کند چون این شرایط [illegible]
و [illegible] بجای اورده باشد [illegible] قوة حافظه [illegible] وحدت فهم وجودت ذهن [illegible]
فارسی روایت کرده که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرموده که هرکه ایة الکرسی را بزعفران بر کف دست راست خود
بنویسد و هر بار بزبان [illegible] هرگز هیچ حرف فراموش نکند [illegible] استغفار [illegible] و هرکه ایه و اما ینزغنک
من الشیطان الی قوله تعالی مبصرون را از اخر سوره اعراف در روز جمعه وقت طلوع افتاب بزعفران و گلاب کتابت کند
بر هفت ورق [illegible] و ابتلاع کند [illegible] بر بالای هر ورق [illegible]
آب بیاشامد [illegible] وسوسه و حدث النفس و خیالات فاسده [illegible] را از دماغ وی
بیرون برد و [illegible] که از هر چیزی داشته باشد بالتمام زایل کرده **جهت دفع صداع و تسکین اوجاع** صاحب کتاب
شفاء الصدور و الابدان فی منافع القران در علاج صداع و تسکین [illegible] چنین گفته است که این ایه [illegible]
الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا از سوره الفرقان و [illegible] وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم از
سوره انعام [illegible] لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بر رقعه کتابت کند [illegible]
اللهم [illegible] ا ج ج خ ط [illegible] س ص و ی م [illegible]
من ذکره علیه هذه الاسماء [illegible] فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] لو انزلنا هذا القران تا اخر سوره الحشر
[illegible]

> کاتب گوید
> صاحب جواهر القران [illegible]
> [illegible]
> [illegible]
> [illegible]
> [illegible]

> [illegible]

> یقول الکاتب
> [illegible]

واذا ابه

واذا ابه لو انزلنا تا اخر [illegible] اوجاع [illegible] که در اعضا حادث شود چون ایات را بر طهارت کامل و وضو
و نظافت لباس [illegible] خواند شفا یابد **جهت دفع امراض [illegible] و ادرار [illegible]** هرکه [illegible]
جزوی و از صبر [illegible] زعفران و ماء [illegible] جزوی [illegible] باران اول [illegible]
باشد آب عذب [illegible] روز پنجشنبه از ماه کانون الاول پیش از طلوع
افتاب و در بعضی نسخها کانون ثانی [illegible] صلاه کند [illegible]
دیگر [illegible] صلاه کند [illegible] و در بعضی از نسخها [illegible] باشد [illegible]
نارنج [illegible] صلاه کند [illegible] باران کانون اول [illegible]
[illegible] لقد اتیناک [illegible] از سوره یوسف [illegible] زعفران بنویسد و نوشته را
[illegible] باران کانون ثانی محو سازد [illegible] صلاه کند [illegible]
[illegible] و جمیع امراض [illegible] موجب شفای
امراض است و هرکه ایه قل من یرزقکم من السماء الی قوله تعالی افلا تتقون از سوره یونس باب [illegible] کتابت کند
[illegible]
[illegible] **جهت دفع امراض و اوجاع [illegible]** هرکه ایه و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا
ولنصبرن علی ما اذیتمونا و علی الله فلیتوکل المتوکلون از سوره ابراهیم کتابت کند [illegible]
[illegible] و اگر ایه اذا مس الانسان الضر دعانا الی قوله تعالی یعملون از سوره یونس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از اعضای [illegible]
[illegible]
الله بصیر بالعباد [illegible] سوره انعام [illegible]
[illegible] **جهت دفع [illegible]**
هرکه ایة الکرسی را بزعفران و گلاب بنویسد و نوشته را باب عذب محو کند و بیاشامد [illegible]
ایه قل انی نهیت [illegible] از سوره انعام [illegible] باب عذب محو ساخته
و بیاشامد [illegible] خلاص شود و هرکه [illegible] الی قوله تعالی
الخاسرین [illegible] از سوره آل عمران [illegible]
[illegible]
زایل شود **جهت دفع [illegible] و تخفیف اثقال** صاحب کتاب حرز الامان اورده [illegible]
[illegible] ابی السمان [illegible]
حال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
عافیت [illegible] انشاء الله تعالی [illegible]

وهم و در آن کتاب آورده که هر که این آیه الآن خفف الله عنکم الی قوله تعالی
الصابرین را از سوره انفال از عصبه [illegible] زمانی در بیست و هفت روز
تلاوت کند و افتتاح از عصر روز جمعه کند تا وقت نماز جمعه دیگر
و در فراغت از اشغال بدان مداومت کند حق سبحانه و تعالی ازاله [illegible] کند
از وی و انواع هموم که [illegible] بر اسباب [illegible] گفته اند که جهت [illegible]
جای [illegible] اعدا [illegible] دفع هموم [illegible] دعا
و آن دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یرید الله ان یخفف
عنکم وخلق الانسان ضعیفا وعلم ان فیکم ضعفا ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له
الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله **جهت دفع قروح و دمامیل و قوبا و ابتره و قروح و جرب و نزف الدم** صاحب کتاب جزء الامان
از قول صاحب در النظیم آورده که هر که این آیه ویسئلونک عن الجبال الی قوله امتا از سوره طه کتابت کند [illegible]
فارسی و آن نوشته را [illegible] محو سازد و بر عضوی [illegible] احتیاج داشته باشد زایل گردد و هر جرب [illegible]
بدن عارض شود از جراحات و [illegible] موجب [illegible] آن شود [illegible] و هر که این آیه فاصابها
اعصار فیه نار فاحترقت را از سوره البقره [illegible] کند نفع شود [illegible]
که هر صاحب لقوه آیه قد نری تقلب وجهک فی السماء الی قوله تعملون از سوره بقره بر طشت سفید [illegible]
جلا داده باشد [illegible] کتابت کند بمشک و گلاب و نوشته را با آب پاک محو سازد و [illegible] خود را با آن
آب بشوید و بعد از آن سه ساعت متصل در آن طشت نگاه کند بر وجهی که چشم وی بر عکس خود بود و این عمل را سه روز
پیاپی بجای آورد مرض تمام زایل شود و اگر از آن آب صاحب قولنج بیاشامد [illegible]
شود و هر که این آیه واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت الی قوله تعالی العلیم را از سوره بقره بر طشت [illegible] و گلاب
بنویسد و نوشته را با آب انگور سیاه که تازه گرفته باشد [illegible] محو سازد و [illegible] با آن آب
آمیزد و بیاشامد [illegible] دفع [illegible] باشد **جهت بارور شدن زنان عقیمه**
هر که خواهد که زوجه وی [illegible] آورده باید که زوج و زوجه هر دو روزه دارند [illegible] نماز شام [illegible]
هر دو [illegible] بادام [illegible] افطار کنند و اصلا آب [illegible] الی قوله تعالی [illegible] از سوره
مریم بر جام زجاجی بنویسد [illegible]
[illegible]
[illegible] سوره مریم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **جهت محفوظ ماندن جنین در بطن ایشان** هر که این آیه ولقد خلقنا الانسان
من سلالة الی قوله تعالی الخالقین از سوره المؤمنون [illegible]
ابتلاع کند [illegible]
بعد از این عمل کند و بعد از آن مباشرت کند [illegible] حامل شود و آن جنین در بطن وی محفوظ ماند تا وقتی که بسلامت
[illegible] و هر که خواهد که جنین در بطن وی محفوظ ماند تا وقتی که بسلامت [illegible] و حامله مصون و محروس باشد باید

که [illegible] التی احصنت فرجها الی قوله تعالی راجعون را از سوره الانبیا بنویسد با شرایطش و چون زن حامله شود
بر وی ببندد تا مدت حمل و بعد از آن نوشته را از وی جدا کند و چون [illegible] از وضع حمل باقی ماند [illegible]
بر وی ببندد تا وقتی که فرزند متولد شود و بعد از آن نوشته را از گردن مولود بیاویزند تا محفوظ باشد باذن الله تعالی
جهت تسهیل ولادت و ازاله عسر زائیدن هر که این آیه قل من یرزقکم من السماء والارض الی قوله تعالی تتقون از سوره
یونس کتابت کند [illegible] حامله ببندد در وقتی که [illegible] وضع حمل ظاهر شود [illegible]
[illegible] آیه اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض [illegible]
افلا یؤمنون را از سوره انبیا بنویسد و از عقب آن کتابت کند [illegible] اللهم
الارض بالنبات والسماء بالمطر وکذلک [illegible] الوضع [illegible] الانسان الی طعامه انا صببنا الماء صبا ثم شققنا
الارض شقا و آن نوشته [illegible]
[illegible]
جهت حفظ حامله و مولود و دفع [illegible] صاحب کتاب در النظیم آورده که هر که این آیه اذ قالت امرأت عمران
الی قوله [illegible] از سوره آل عمران کتابت کند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که ایها الذی احسن کل شیء خلقه الی قوله [illegible] از سوره الم سجده بر جام زجاجی
بنویسد [illegible]
[illegible]
و چون این عمل بجای آورده [illegible] **جهت تقویت [illegible]**
[illegible] هر که این آیه فاقرؤا ما تیسر من القرآن الی قوله [illegible] از سوره [illegible]
[illegible]
[illegible] **جهت [illegible] مکاشفات [illegible]**
[illegible] صاحب کتاب جزء الامان از کتاب در النظیم آورده که هر که خواهد که مکشوف شود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الی قوله تعالی الحکیم [illegible]
[illegible] الطیبون
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **جهت [illegible]**

١٠٢ **جهت تحصیل علم کیمیا وسایر علوم عجیبه** هر که خواهد که علوم غریبه و حکمای مجهوله بروی ظاهر شود [illegible]
خواب بیند و فهم معانی خفیه متصف گردد باید سه روز روزه بگیرد که اول پنجشنبه و جمعه باشد [illegible]
القول الی قوله تعالی الجاهلین از سوره قصص بجام زجاجی بنویسد [illegible] محو کند و هر صباح پیش از طلوع
آفتاب از آن آشامد تا بر سه روز [illegible] در کتاب در النظیم مذکور است که هر که خواهد
واصل شود بعلم کیمیا و سایر علوم [illegible] اکثر خلق پوشیده است باید که با طهارت کامل سازد و لباس پاک در پوشد و چهل روز
پیوسته روزه بگیرد ابتدای روزه از روز جمعه کند و هر شب از وجه حلال [illegible] و چون وقت خواب آید هفت بار
سوره والشمس و هفت بار سوره والضحی و هفت بار سوره الم نشرح و هفت بار آیه قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب
و در بعضی نسخه مسطور است که بعد از والشمس هفت بار سوره واللیل بخواند و بعد از اتمام سورها و آیات بگوید اللهم
انی اسئلک بقدرتک علی کل شیء قدیر [illegible] یا احد یا صمد یا وتر یا حی یا قیوم ان تصلی علی سیدنا محمد [illegible]
العلم الذی سترته عن کثیر من خلقک و اکرمت به کثیرا من عبادک [illegible] فانک مالک الملک و بیدک
مقالید السموات والارض و انت علی کل شیء قدیر چون این عمل بجا آورد [illegible]
در خواب یا بیداری وی را بان راه نماید **جهت افزایش خیر و برکت و اطلاع بر گنج و دفاین** صاحب در النظیم آورده که هر که بر گنج
یا دفینه اطلاع یابد باید که آیت قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب کتابت کند بر انائی پاک [illegible]
در زعفران [illegible] یا آب باران تازه یا آب عذب زلال محو کند و بعد از آن بگیرد زهره
مرغ سیاه و زهره بط سیاه و پنج مثقال سرمه اصفهانی [illegible] سحق بلیغ کند [illegible]
[illegible] سحق و صلابه [illegible] شعاع آفتاب اصلا بر آن نیفتد پس آن کحل چون مهیا شود در سرمه دان [illegible]
و بعضی گویند در سرمه دان آبنوس [illegible] روز پنجشنبه [illegible] چون شب جمعه
برخیزد و بعد از نماز تهجد هفتاد بار صلوات فرستد و آیات مذکوره را هفتاد بار قرائت کند و بعد از آن هفتاد بار
استغفار کند و هفت بار دیگر صلوات فرستد پس در هر چشم [illegible] میل بکشد [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
هفت پنجشنبه این عمل بجا آورد [illegible] بعد از اتمام عمل آنکه
بروی اشخاص روحانی ظاهر شوند و بوی خطاب کنند و آنچه که مقصود اوست اعلام نمایند و هر که بگیرد خروس [illegible]
ازرق [illegible] الی قوله تعالی [illegible] از سوره الشعرا [illegible]
کتابت کند با شرایط [illegible] و در میان [illegible] پاک [illegible] باشد [illegible]
[illegible] و در آن مکان که گنج یا دفینه [illegible]
آفتاب [illegible] آن موضع که آن دفینه باشد [illegible]
[illegible] کرده باشد [illegible] از بعضی از فضلا شنیدم که از برای اخراج
دفاین [illegible] سوره [illegible]
[illegible] از سوره البقره کتابت کند با شرایط [illegible]
دفینه [illegible] آن خروس [illegible] موضع دفینه [illegible] و علامت [illegible]
و این [illegible] ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها [illegible] از سوره نساء بر قدح زجاج بنویسد [illegible]
[illegible] آن موضع که [illegible] دفینه [illegible] اطلاع دهد
و ما ظاهر کرداند **جهت اخراج ... از دریا و صید دواب بحری** صاحب در النظیم فرموده که هر که از صدف پاک [illegible]

لوحی را زرد [illegible] و روی او را جلا دهد و یکروی آن [illegible] و سخر لکم البحر الی قوله تعالی [illegible] از سوره
نحل نقش کند و بر روی دیگر صورت ماهی بکشد و بر اطراف آن صورت پنج حیوان دریائی نقش کند و این عمل باید
[illegible] وقتی که قمر در برج سرطان یا حوت بود [illegible] مناسب بود پس هر شب آن لوح را
[illegible] آن لوح را به رشته ابریشم سفید [illegible]
[illegible] آیات مذکوره را [illegible] و این عمل متصل ده روز و ده شب
بجای آورد و بعد از اتمام عمل لوح را در [illegible] باشد مضبوط کند و چون خواهد که
شغل کند آن لوح را به رشته ابریشم با شبکه صیادان پیوند کند و آنچه میخواهد از دریا بیرون آورد از جنس [illegible]
یا مرجان یا ماهی و سایر صیدهای بحری [illegible] هر چه مقصود و مطلوب وی
بود بر آن لوح چسبیده با شبکه از دریا بیرون آید و اگر در موضعی این عمل کند که صدف باشد احتیاج بغوص نخواهد
بود بلکه صدفهای بزرگ بر آن لوح چسبیده با شبکه از دریا بیرون آید [illegible] تم و این اعمال عجیب است [illegible]
و صاحب در النظیم فرموده که این سری عظیم است و اخفای آن لازم است [illegible]
که در ستر این عمل سعی و جهد بلیغ نمایند [illegible] **جهت اطلاع بر امور و احوال مخفیه**
در [illegible] آورده که چون کسی خواهد که مطلع شود بر مخفیات امور و احوال [illegible]
مسافر [illegible]
[illegible]
الی قوله تعالی [illegible] از سوره لقمان [illegible]
[illegible] خواب باید که [illegible] سبحان من لا یخفی علیه خافیة سبحان الذی [illegible]
[illegible] **جهت وقوف و اطلاع بر مخفیات** هر که
خواهد که مطلع شود [illegible]
[illegible]
[illegible] پیش از طلوع آفتاب [illegible] ان الله عنده علم الساعة [illegible]
الی قوله [illegible] از سوره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اینست در [illegible] **جهت احضار ارواح جن** [illegible]
[illegible]
[illegible] از سوره احقاف [illegible]
[illegible]
[illegible]

این ابیات بسیار مجرب و عظیم است و در احضار جن **عمل بجهة تسخیر بعض جنیان** ابن تیمیه نیز فرموده که چون کسی خواهد 103
که بعضی از اکابر قبایل جن را تسخیر کند باید که چند بار آیه و اذ صرفنا الیک نفرا من الجن را که مذکور شد با شرایطی که
در تسخیر جن مقرر کرده اند بخواند آنگاه سوگند دهد بدین دعوات بدین عبارت که ایتها یا فلان یا فلان بن فلانه
اقسم علیک باقسام الخالق فتبرهوت والله اعظم منک واکبر و ما بالتذلل و تعظم احضر و ات بالقلب والبصر و بعد
از آن این آیه را بخواند از سوره یس که و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون الی قوله تعالی محضرون
و چون این عمل با شرایط و جود که بر وجه راسخ اوقات یکی از جنیان حاضر شود و بطریق نیازمندی پیش آید باید امر و
نهی عامل قیام نماید **عمل بجهة احضار فوجی از جن و روسای ایشان** و در کتاب سر النظم مسطور است که چون یکی از اعاظم قبایل
جن تمرد و سرکشی نماید و نخواهد که فرمان برد و بجهة تسخیر او باید که بدین سوگند دهی بهمان عنوان که ذکر شده و این
قالت یا ایها الملأ انی القی الی کتاب کریم الی قوله تعالی مسلمین از سوره نمل تلاوت کنی با شرایط و بعد از آن بگوی تا از راه رحمت
نزد تو حاضر شود و اطاعت کند **عمل بجهة تسخیر مرده جن و عصات ایشان** ابن تیمیه فرموده که چون کسی خواهد
که یکی از متکبران و متمردان طبقه جن و سرکشان ایشان را مطیع و مسخر خود گرداند نام او را با اسم دشمنش قرین و معاون بود
باید که از منزل خود بیرون آید و بجای خالی بیابان آید و در آن شب قایم گردد و بگوید فاکشف عنا الی قوله تعالی عظیم از سوره
حم حامیم تلاوت کند با شرایط کلامی و قواعد تسخیر یابد در اثنای آن بجهت هلاک و بعد از آن دعای حاضر ساخته
سوگند دهد بهمان صیغه که گذشت و بعد از تمام عمل یکی از شیاطین و عصات ایشان ظاهر شود و تواضع بسیار کند
و مطیع و منقاد امر و نهی عامل شود **عمل بجهة احضار ملوک جن و سلاطین ایشان** و در کتاب سر النظم و در خواص القرآن نیز مسطور است
که هر که خواهد که یکی از اعاظم سلاطین و اکابر ملوک جن را حاضر کند باید که او را بخواند و بجا آورد و سوگند دهد و کند
و بعضی از ادعیه دیگر که در تسخیرات جن مقرر است و این آیه اول از سوره و الصافات الی قوله تعالی شهاب ثاقب چند
بار تلاوت کند با شرایط مقرره و بعد از آن بگوید احضر یا فلان و نام او را طلب کند و اسماء ملوک جن و اعاظم و روسای ایشان
در کتب اهل تسخیر مثل شامل سکاکی و شامل لطیبی و غیر آن مذکور است و بعد از تمام عمل یکی از ملوک جن حاضر شود و
بمقام اطاعت در آید بعون الله و حسن توفیقه **در بیان اسم اعظم و ذکر بعضی از جوامع اسم اعظم که بعقیده بعضی از بزرگان و خواص است**
بعضی از اکابر فرموده اند که هر اسمی که بنده خود را به آن یاد کند تا وقتی که مستغرق معرفت و یاد کردن وی باشد و
از جمیع ماسوی بحسب فکر و عقل و خیال منقطع گشته باشد آن اسم نسبت بوی اسم اعظم است و جمعی بر آنند که آن اسمی
معین است در میان اسماء الهی پنهان است و کسی را معلوم نیست چون شب قدر و ساعت اجابت دعوات از روز جمعه و
آن که در میان لیالی و ساعات مخفیست مگر آنکه حضرت از عنایت کرده بکسی آن را که اهل آن بود تعلیم آن شرف کرم الله وجه
که جبرئیل اسم اعظم را برای حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرود آورد در میان ورقی از اوراق بهشت سبز و
ارسال کرد در آن نوشته در آن ورق نوشته که اللهم انی اسئلک باسمک المکنون الطاهر المطهر القدوس الحی القیوم
الرحمن الرحیم ذی الجلال والاکرام و در کتاب سر النظم از حضرت شیخ محی الدین ابن العربی نقل کرده که هر که بکرد عدد حروف
اسم خود بحساب جمل اعتبار کند در اسماء الهی که بآن عدد است بیابد اگر یابد یا بند همو المراد و الا عدد او را با اسم یا
چهار اسم طلب کند که نسبت بوی اسم اعظم آن بود و بعد از یافتن آن اسماء فاتحه را بعد از نام خود بخواند و هم چنین
اسم مزج را و بعضی عدد اسماء را کم یا زیاد کند تا با آن عمل موافق کنند که برخی در بواطن و حقایق قرار داده باشد و بعضی از اعلام
ذکر انجیر مراد او بود نام برد و بعضی دیگر از اکابر نیز فرموده اند که من اخذ الرهبر اسماء من اسماء الله تعالی بعد اسم و
للمریع دعا کلمتهم بعد دعا برای الطالب و نجاح المطالب و بعضی از اکابر گفته اند که اسم اعظم الرحمن است و بعضی گفته اند

که السریع است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که اسم الظاهر است و بعضی گفته اند که الغفار است
و بعضی دیگر بر آنند که اسم القریب است و از ابن عباس مرویست که القیوم است و بعضی گفته اند که الوهاب است
و بعضی از اهل تحقیق گفته اند که هو است و بعضی از اکابر برد گفته اند که اسم اعظم لفظ الله است و بعضی دیگر بر آنند
که لفظ رب است و بعضی گفته اند که اسم اعظم خیر الوارثین است و بقول بعضی السمیع است و بقولی الحی القیوم است
و بعضی گفته اند که در آیه سلام قولا من رب رحیم است و بقولی الاحد الصمد است و بقولی السمیع العلیم است و بعضی دیگر
از اکابر فرموده اند که حسبنا الله و نعم الوکیل است و بعضی دیگر گفته اند که لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین است
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که اسم اعظم در حروف مقطعه اوایل سوره است و بقولی لا اله الا هو است و بقولی
در آیه و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم است و بقولی لا اله الا الله است و بقولی ذوالجلال و الاکرام است
بقولی ارحم الراحمین است و بقولی آیت یا الهنا و اله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت بیرون برهمه که توسل با این نام جو
حتما به قبول اجابت مقرون شده و بعضی گفته اند که هر که بعد از نماز صبح صد و نود بار بخواند هر حاجت که بخواهد مطلوب او بود
شود و اسم اعظم اینست بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا حی یا قیوم یا صمد یا ودود یا ذا
الجلال و الاکرام و بعضی گفته اند که اسم اعظم دعای عاشست هر که بعد از نماز صبح سه بار بخواند حاجت وی بر آورده شود
و آن اینست اللهم لا اله الا انت یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا حی یا قیوم صل و سلم علی محمد و آله
وافعل بی کذا و کذا و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که از حق تعالی اسم اعظم را خواستم پس در خواب
کسی را دیدم که مرا دید گفت بگوی اللهم انی اسئلک باسمک الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم و بقولی اسم
اعظم اینست که اللهم انی اسئلک بانک احد صمد لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و نیز فرموده اند که اسم اعظم یا حنان یا منان
یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام از برای اجابت دعوات مقرر است و در قصه آصف و داود و صدق گوید که
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که این دعا اسم اعظم است اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت المنان بدیع السموات والارض
ذو الجلال والاکرام و نیز آن حضرت فرموده که اسم اعظم اینست اللهم انی اشهد انک انت الله الذی لا اله الا انت الاحد الصمد الذی
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و منقولست از اکابر که از اسرار اولیاء الله است و آن لا اله الا انت است که فرموده اند
که هر که بسیار بخواند الی هر وی نماید و فکر و در آن بعضی پیش آید در امر حق به او با باید که در شب جمعه طهارت کامل سازد و در خلوت
نشیند و با هیچ احدی سخن نگوید تا وقتیکه نماز خفتن بگذارد و در پیچیدن آخر آن نماز در سجده صد بار بگوید یا الله یا رحمن یا
رب یا حی یا قیوم بک استغیث یا الله پس از حق تعالی حاجت خود را بخواهد و اجتناب کند از آنکه در هلاک مؤمنی بکار
مضرت مسلمی سعی نماید که تا شر این دعا در حیز و شرع عظیم است **مقاتل بن حیان** گفته است که هر کرا حاجتی بود باید که بعد
فریضه بامداد پیش از آنکه از مصلی برخیزد با کسی سخن نگوید و صد بار این دعا بخواند انشاء الله مستجاب شود و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا دائم یا فرد یا وتر یا واحد یا احد یا صمد یا حی یا
قیوم یا ذا الجلال والاکرام مقاتل گفته است که هر که این دعا را بنیت خالص و اخلاص تمام بخواند آثار اجابت ظاهر شود
کو بر مقاتل بن حیان لعنت کند اگر نتیجه باشد و اگر به دعا از وی منقولست که جمیل ساله آن اسماء را جستم که حضرت
علیه السلام بان مرده را زنده میکرد تا آنکه یافتم و آن در بعضی از محققان علما این اسماء اینست یا قدیم یا دائم یا فرد یا
وتر یا واحد یا احد یا صمد پس اگر طالبی سه روز روزه گیرد و آنگاه این اسماء را بر ورق آهوی سفید نویسد بمشک
و زعفران و گلاب و از آن بر عضوی آویزد فی الحال اثر صحت ظاهر شود و این نوشته با هر که باشد چشم بد بر وی کار نکند
و اگر خواهد برای القای محبت در دلی باید که کتابت کند باید که در روز عمل روزه دارد پس اسماء را بر ورق آهو نویسد

که قمر در منزل سعد باشد یا در برج شرف یا در خانهٔ خود بسعود ناظر و از نحوس ساقط و اگر خواهد برای عداوت از کتاب
کنند باید قمر در منزل نحس یا در وبال یا هبوط باشد و بنحوس ناظر و از سعود بالتمام ساقط تا مقصود بزودی حاصل شود
صاحب بهاء فرموده که این اسمی چند است که هر که عامل این شود و بر قرائت این مداومت نماید اخلاق وی بکرم شود
و جود و کرم وی زیاد کرده و مهربانی وی بر خلق بیفزاید و خلق بوی اقبال نماید و نسبت بوی در مقام لطف و احسان
شوند و از وی معانی لطیف بروز کند که موجب توجه خلق و جذب قلوب کرده و قهر و غضب ظاهر و باطن قبول تام پیدا
شود و در میان این اسما است آن نام اعظم که چون بوی توسل نماید در دعا اجابت مترتب شود و دعا عظم از کار است
و در روایت شریف [illegible] و همچنین این اذکار مداومت نماید مکان آنکه جمیع مهمات و بلیات [illegible] زایل شود
از وی و هر مطلوبی که داشته باشد بزودی و بسهولت میسر گردد و در رزق مرغوب میل بغنی کرده و هر که عادت کند که
در هر نصف شب این اسما را [illegible] عجایب و غرایب عالم بالاشاهده کند و مواظبت این اذکار موجب ظهور اسرار مکنونه
و معانی [illegible] باشد [illegible] عالم علوی نموده گردد و [illegible] اسرار غیب و [illegible] افاضه کند و هر عالم چه علوی و سفلی از
ملائکه و جن و انس و وحش و طیر مسخر وی شوند و این اسماء را شکلات تامات و در وی استار اسرار بدایع و غرایب الحوادث
بسیار و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی [illegible] الحجب المحیط [illegible]
[illegible] الطلب بها الحسنات ادرکت و اذا اصرفت بها السیئات صرفت و بکلماتک التامات التی [illegible] ما فی الارض من شجرة
اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم یا کافی یا ولی یا عفو یا غفور یا رئوف یا لطیف
یا رزاق [illegible] یا فتاح یا واسع یا کریم یا وهاب یا باسط یا ذا الطول یا معطی یا مغنی یا رحمن یا رحیم یا سمیع یا مجیب [illegible]
باسمائه الله لا اله الا هو المجید الرحمن الرحیم اللطیف العلیم الرئوف العفو الغفور المؤمن **در بیان دعائی** که مشتمل بر اسماء
حروف نورانیست [illegible] این اسماء [illegible] اسم اعظم و در کتاب در النظیم [illegible]
ان اسماء الهی که تعلق بحروف [illegible] و عشرین دارد و در دعا [illegible] کرد از این اسماء دعا [illegible] آن اسماء
حسنی الهی که [illegible] حروف نورانیست و آن حروف عبارت از مقطعات صور قرآنیست که بعد از حذف مکررات
چهارده حرف میشود [illegible] حضرت شاه ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام تعیین فرموده اند و آن
اسماء [illegible] اعظم است اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا احد یا اول یا آخر یا لطیف
یا مالک یوم الدین یا ملک الملک [illegible] یا محصی یا مجیب یا صمد یا رب الارباب یا رحمن یا رحیم یا کریم یا هادی یا علی یا عظیم
یا طالب یا طاهر یا سمیع یا سبوح یا حی یا قیوم یا نور السموات و الارض [illegible]
والتقی والعفاف والغنی و اسئلک الیقین والعافیة و اسئلک [illegible] الصالحین
و اسئلک ان تصلی علی سیدنا محمد نبیک [illegible] علی سیدنا ابراهیم خلیلک [illegible] علی الانبیاء و الکرام
والشهداء والصالحین و ان تعطینی سؤلی من خیر الدنیا والآخرة [illegible] و جمیع المسلمین والمؤمنین
والحمد لله رب العالمین بقرائت و تکرار این اسماء [illegible] جمیع مقاصد صوری و معنوی میسر شود در وقت بشرایط
کلامی که [illegible] عمل نماید والله الموفق **در بیان ذکر دعائی که [illegible] اسم اعظم [illegible]** پوشیده نماند که
این دعا [illegible] جمیع اسمائی که علمای [illegible] محققین علی اختلاف [illegible] اسم اعظم گفته اند [illegible]
خود شواهد و دلائل اقامت کرده اند [illegible] و فقرات [illegible] مرامات و حاجات دعوت [illegible]
و هر خاصیتی و منفعتی که در دعوات [illegible] این دعا [illegible] جامع [illegible]
از جهت جامعیت و شمول اسماء عظام باضعاف مضاعفه [illegible] این اسما و فقرات زیاده از مجموع این دعوات

و بهویت و عزیمت از هر چیز بشر و نفع و ضرر [illegible] شرایط کلامی قرائت کنند بعدد کلمات وی که صد و هشتاد است مقصود
بر وجه احسن حاصل شود و اگر خواهند [illegible] دعوات شرایط [illegible] قرائت [illegible] قیام نماید
با طهارت تمام و نظافت لباس در حصول نتیجه ابلغ و ادخل باشد و آثار جلیله [illegible] اوقات و اسرع ساعات
مترتب گردد [illegible] منافع این دعا [illegible] تفصیل
آن [illegible] دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم هو الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت یا حنان یا منان
یا بدیع السموات و الارض یا ذا الطول یا ذا الجلال و الاکرام اللهم انی اشهد انک انت الله الواحد الاحد الصمد الفرد الحق الذی
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا قدیم الاحسان یا دائم المعروف یا نور السموات و الارض و نور الانوار کلها یا رب
الارباب یا الهنا و اله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ربنا ربنا ربنا آتنا فی الدنیا حسنة
و فی الآخرة حسنة و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و تغفر لنا مغفرة من عندک و ارحمنا انک انت الغفار
و اعوذ [illegible] یا مغیث اغثنی [illegible] طه طس یس حم عسق ق ن یا رفیع
الدرجات یا مجیب الدعوات یا سمیع الدعاء یا سریع الحساب [illegible] یا ارحم الراحمین یا قریب یا لطیف [illegible]
الوکیل **در بیان اینکه الله اسم اعظم است و کیفیت اخذ فواید از این اسم** صاحب در النظیم گفته که بعضی از علما در وقت دعا
[illegible] یا الله [illegible] بطریق [illegible] حروف ملفوظیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ابتداء سواد این نسخه که بخود مرکب معظمات بعینها در رشت کلات [illegible] تعریف دانعقد بتاریخ لیکشنبه شهر ربیع الاول سنه ۱۱۳۰ ...

الرحمن المطعم المعتق المصحح الوکیل الرعیم المرسل الوصی الرحیم الطهر المطهر المجیب المبیق المحیح جمعا
۲۹۸ ۱۴۹ ۱۷۸ ۲۳۵ ۴۰۰ ۳۵۹ ۲۵۶ ۳۵۹ ۱۴۴ ۱۲۸ ۱۲۰ ۹۶ ۲۹۱۲

هو

و در مملکت قوت و تاثیر کرامت نماید و بعضی از اکابر در شرح این اسم بزرگوار که اعظم اسما است چنین فرموده الله
که هر که هر روز هزار بار این اسم را بخواند خاطر او آگاهی یابد و زبان او را با موافقت دل یک رو دهد صاحب چنین شود و
از ارباب تمکین گردد **در بیان خواص حروف اسم اعظم الله** صاحب شمس المعارف آورده که حروف اسم اعظم چهار است
ا ل ل ه و هم چنین طبایع چهار است حرارت و برودت و یبوست و رطوبت است و اقطار چهار است که مشرق و مغرب
و شمال و جنوب است و ملائکه حامل عقد ارض هم چهار است جبرئیل میکائیل اسرافیل عزرائیل است و این چهار ملک
مقرب را چهار روز است که مخصوص به ایشان است اما جبرئیل را روز دوشنبه است و او بارد و رطب و اسرافیل را
پنجشنبه است و او حار و رطب و عزرائیل را روز سه شنبه است و او بارد و یابس و میکائیل را روز چهارشنبه است و آن
طبایع اربعه در دور ممتزج است و این چهار را نیز چهار خاتم است یکی مسبع و آن تعلق به جبرئیل دارد و دوم خاتم مربع
یعنی لوح چهار در چهار و آن تعلق با اسرافیل دارد و سیم خاتم مثلث و آن تعلق به عزرائیل دارد و چهارم خاتم مخمس و آن تعلق
به میکائیل دارد پس چون طالب اسم اعظم عمل کند به حروف اسم اعظم باید که مناسب آن عمل را چه در شدت و لطف و قهر ملاحظه
طبایع و اقطار و ملائکه و خواتیم ایشان کند چون عمل شود در جزئیات و لطفیات بود این حروف چهار گانه را در مربع مسبع
یا مخمس رقم زنند و خاتم مسبع انسب بود بر آن لوح را با کاغذ سفید یا نگین فضه خالص نقش کند در روز دوشنبه وقت
طلوع آفتاب بخور و ماه حینئذ ابهی البخور الخشاب باید و مدرس حرف اول باشد و صبح بود تا ظهر یا از عوض ... و اگر که
عمل ... در معصیت بود نعوذ بالله منها بجز بادیه و خسران و عدم اجابت نتیجه نمی دهد اما اگر این را برای دفع شر ظالمی و فاسقی
عمل کند و غرض وی خلاصی و نجات مسلمین باشد باید که این حروف را بعدد اسم آن ظالم فاسق به خاتم مربع یا مثلث نقش
کند و خاتم مثلث اولی بود و این رقم در فتی باید زد که قمر در محاق بود و متصل به زحل یا مریخ و باید که در آن هنگام بخور به خیار ...
حوش کند مثل عود و عنبر بود در اعمال ... و اگر در حین عمل قمر به برج ناری بود مثل ...
... و اگر در برج هوائی بود باد ... و اگر در برج مائی بود ...
... و اگر در برج ترابی بود ... است ...
... کند تا مقاصد کلیه ...
... لوح متسع ... مربع و مخمس و مثلث ... کند ...
... آن ارقام ... **و صاحب** در ... برای حروف اول و آخر اسم اعظم که **ا** و **ه** است
... و مثلا اگر کسی را ... عضوی از اعضا ... باید که حروف
اسم عربی آن عضو ...
... حروف آن عضو ... **اهع اهی اهن** ...
اهی اهن ... **هو الله لا اله الا هو الاحد الفرد**
الاحد الصمد مالک الملک الملک المالک السلام الحامل الکامل الکریم اللطیف المصیح المدیم العاصم المسلم المصور الحلیم العالم العلام
المعلم الشافع المنیع الواسع الودود الراحم المرسل الآمر الحاکم العادل الحکم العدل المؤمن الطاهر المطهر الدال الاکمل المسعد
الشافع الاکرم المحمود ... الحقیقت و خاصیت منقول است که هر که این اسما را ... ربع ... و چهار ...
... تا مداومت نماید ظاهر و باطن وی ...
... و ... تا ... مستفیض گردد ... مرکب

از حروف صوامت عقد اللسان حضانات **بجهت طلب فرج و مراد ...**
الباعث البدیع الجامع الرافع السمیع السریع العدل العزیز العلیم العفو العلام العلی العظیم الفعال الواسع الدافع
المعز المعطی المعید النافع نعم المولی نعم النصیر صاحب کتاب جرز الامان من فتن الزمان علی بن الحسین الواعظ که مجموع این کتاب
و افاضل اهل حقیقت و خاصیت و جامع علوم رحمه الله نقل فرموده که هر که بر تحقیق این اسما مداومت کند حسبما ... تنگی
... ابواب برکت و رزق بروی گشاده گردد ...
دشوار ... و اگر کسی این اسما را نقش کند ... چهار است ...
چهار موضع ... خطیب ...
به برکت این اسما ... در حفظ ... نگاه دارد و ما دام که
این اسما در آن موضع مکتوب و مرقوم باشد از جمیع حوادث و نوایب مصون و محروس ماند و هیچ دشمن ... دست تصرف نیابد بعنایت الله تعالی **بجهت ...** المحیی الممیت القابض
الباعث الوارث الباقی البر الاول الاخر الظاهر الباطن القدوس ... احد چون ...
این ... اسم بزرگوار مداومت نماید ...
...
...
...
اسما را ... نقش کند ...
خاصیت این ... **بجهت**
... الواجد الواحد الوارث الواسع الوافی الوالی الولی الودود الوفی الوکیل الولی
الوهاب علی بن الحسین ابو عطا الکاشفی رحمه الله ...
و او است ...
و عظمت ایشان ...
... چون این دوازده
اسم ... مطلوب حاصل گردد بعون الله **بجهت ... خصومت**
القابض ... القاهر القائم القدوس القریب القهار القوی القیوم ... که هر که این دوازده
اسم ... حروف ... آیات ... اول ...
الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی ... و ... الذی ...
المحرم ... الذین قیل لهم ... آیه ...
آدم بالحق ... رب السموات و الارض الی قوله
القهار ... **بجهت**
کشف امور غیبیه الوهاب الباسط الحی القیوم الفتاح العلیم البصیر العزیز الودود السمیع ...
این ... اسم بزرگوار که اعظم ... موجب کشف عظیم ...
اسم اعظم الله تعالی ... کیفیت

اسماء دلالات
محی قیوم باسط ۳۸۶
الله حی بصیر ۳۸۶
ملک رب عزیز ۳۸۶
قوی مجیب واحد ۳۸۶
الله رحمن حبیب ۳۸۶
کریم وهاب معین ۳۸۶

اقسام این اسماء ظاهر شود بغنای ابدی مستغنی گردد و وسیلهٔ قرب حضرت حق تعالی شود و اگر این اسماء را بالجمع
فصل نقش کند و در وقت ذکر حاملان شود خواص و آثار آن قوی ظاهر گردد و اگر تکسیر کند و در مربع وفقی درج نماید
و در حین تکرار با خود دارد اثر آن اتم و اقوی بود جهت حفظ علوم جلیله البدیع الباطن الحفیظ الکامل المعتدی
العبد المغیث المجیب الصادق الواسع صاحب در النظم فرموده که این ده اسم با خاصیت قوی است و در حفظ علوم
جلیله و اصحاب تقوی و اهل معرفت را با آن مداومت مناسبت دارد این اسماء برای نظم قلب لایق است جهت دفع و قهر اعدا
و تسخیر قلوب ق سبتر العزیز القادر القوی ذو القوة المتین المقتدر الجبار المتکبر الشدید القاهر این اسماء عشره از
برای هیبت و محاربات عظیم است و در بیان این اسماء است شرطی از اسم مکنون و باب این اسماء القوی جمع و جمع تفریق
خیر است کیا اگر مداومت نماید دهر مرض کرد و اعتقاد حق سبحانه برکت این اسماء دفع آن نماید و بقوت این اسماء بر طاغیان
و یا عیان ظفر و نصرت میسر شود و کسیکه نزد جباری رود مناسبت که این اسماء را او رساند تا اثر وی امین باشد
از قهر و غضب وی سالم گردد بلکه با الطاف و انعام وی مخصوص شود و معجزات و حسنات وی حاصل کرده و قلوب ...
وی مسخر شود و نیز فرموده که هر که چهار اسم از این اسماء عشره که الشدید ذو القوة القاهر المقتدر است اسماء قهر و غلبه
استیلاست هیچ ضعیف حقیر بر این اسماء مداومت نکند الا انکه اقوی جمیع شود و اگر از برای استیصال ظالمی در ساعت ...
آتش و اگر آن شب چهار شنبه بود در ساعت هشتم در جانب ... نشیند ... که هیچ ... باشد و بعد
این اسماء به تکرار مشغول گردد و در هر صد بار گوید یا شدید ... فلان ... عقوبت ... تعالی
تعالی ... و هر مطلوب ... حاجتی خواهد و متوسل باین اسماء شود
و بهان اجابت در اسرع اوقات ... روشن کرده ... مشاهده ... که این اسماء
بر خاتمی نقش کند و بان متختم شود ... نفس ... با این خاتم ... جاری ...
دعا ... ظلم ... کنند
مادام که صاحب خاتم منظور ... آسمان ... این اسماء ... ظالم ... بدعا کند
که بغایت سریع الاجابت است و فرموده که هر که حروف اسم ذو الطول و القوة را در این صورت ضبط کرده ... کتابت
کند ... حرف ثانی و سادس ... کتابت کند در ساعت ... صاحب
صداع ... شفا یابد و اگر ... طفل ...
شیخ ... خاتم را حامل شود از علت ... جهت اطلاع بر اسرار غیبیه و حصول مرادات کلیه
العلیم العالم المتعلم الحکیم الخبیر الحافظ الرقیب المبین الهادی علام الغیوب ... خاصیت این
اسمای عشره را از ... جبرئیل ... العباس ... اللغه
قدس سره در کتاب شمس المعارف آورده که این ده اسم شریف از اسماء ... جبرئیل علیه السلام است
هر که خواهد که مطلع شود بر اسرار علوم غیبیه ... این اسماء شریف مداومت نماید
و سعی در آن کند که متخلق و متصف بآن اسماء شود ... خلق و تحقیق ... مناسبت تام ...
و از ... مقاصد کلیه در ... وجود ...
باشد ... این اسماء را ... در مربع ... متفق ...
هر روز ... این اسماء ... علوم ...
کرده جهت دفع امراض و خلاص از خوف و حبس الحسیب الحفیظ القوی الحکم الحکیم الحمید الحنان الحی الحلیم این ده

اسم

اسم است که تعلق بحرف حا دارد و اگر کسی این اسماء را در مربع مثمن وضع کند و حق را بجای حا ... چون این لوح
انام با خود حامل آن از جمیع امراض محفوظ باشد و هر مریضی که آن را با خود دارد هر چند که داشته باشد ... زایل شود
امراض حار و حیات محرقه و اگر با وجود حمل آن لوح بتکرار این اسماء دائم مشغول گردد خصوصا اسم ... که هر مرض عطش
مبتلا نگردد و حرارت هوا در وی اثر نکند و سموم حاره و قتاله و نیش افاعی را دافع بود و اگر حروف حا ... ا بشرایط
کتابت بر خاتمی نقش کند و با خود دارد ... حق تعالی او را از ... حکمت ... دارد و اگر از ... حروف اسماء ...
یک ... نقش کند ... اقوی و حامل آن از حرارت تب و عطش ... اسماء ... و اگر آن خاتم را مجموع
نگاه دارد ... باید جهت تحصیل فتوح ... در عالم البدیع البصیر البار الباری الباسط الباطن الباعث الباقی
الباقی ... صاحب کتاب شمس المعارف رحمه الله ... حروف ... اسماء الهی ... هر حرفی خواص
و نتایج آن حرف را ... بتفصیل ... اگر کسی خواهد ... باید که رجوع بان کتاب شریف نماید ...
خواص اسماء و آیات و حروف ... که این ده اسم ... که تعلق بحروف با ... دارد این عالم
... اسماء ... حاصلست ... که عامل این اسماء را ... مربع وفقی ...
نگاه دارد ... تکرار ... اسماء شود ...
کند که آثار آن ظاهر گردد ... عالم ... شود ... عالم اراده کند ...
و امر میسر گردد جهت حصول مطالب و مشاهده عجایب و غرایب عالم ملکوت المحیط العالم الرب الشهید الحسیب الخلاق
البارئ المصور الکبیر و اعاظم ... فرموده ... این اسماء مشتمل است ... اسم اعظم الله ... که ... بان دعا کند
... اجابت مقرون گردد ... بعطا مرتب شود ... اسماء ...
مداومت نکند الا انکه مقاصد کلیه ... کشف شود و هر مطلوب که ... باشد ...
اسماء قیام ... عجایب ... مشاهده ... اسرار ... مکنونات بود
و مداومت ذکر ... حفظ نفس ... دفع آلام و قهر اعدا ... اسماء مکنون ... این اسماء
نکند الا انکه ... عالم ... عالم ... شرایط آن ... باشد ...
عالم باذن الله تعالی جهت طلب اسباب رزق و ثبات نعمت التواب الغافر الحسیب الوکیل الکافی الرزاق السلام المؤمن
... این اسماء ... جهت ... اسباب رزق و ثبات نعم ... توسیع ارزاق
واقبال ... تسخیر نفوس و برکت ... قوت ... شرایط و آداب ذکر ... تمام ... باشد
این اسماء ... اسباب ... این اسماء را بر خاتم ... نقش کند ... تاثیر ...
اقوی باشد ... کند ... حرف ... البلیغ و الفضل بود جهت امان خانف ...
و ایمن شود ... الرحمن الرحیم الرؤف العفو المنان الکریم ذو الطول ذو الجلال و الاکرام ...
که بر این اسماء مداومت نماید ایمن شود ...
آن ... این اسماء ... کتابت کند ... خاتم ...
ذکر ... جهت دفع وساوس و شهوات و کفایت امور عظیمه
الله العلی العظیم العزیز المتعال ذو الجلال المهیمن الکبیر ... این اسماء ... اسم اعظم ... است
کسیکه ... این اسماء مداومت نماید ... وساوس و غلبه شهوات ... باشد ...
... این اسماء ... نقش کند ...

حروف ۳۶
عدد ...
۲۸۶۲

۴۲۹۳

۱۴۰۹

باین تختم کند در سرعت اجابت امداد عظیم است جهت تصرف در ملک وملکوت الجاعل الجواد الجلیل الجلید الجابر الجبار الجامع ١٠٧ ١٥٥
صاحب کتاب تیسیر المطالب آورده در بیان حرف جیم که هر یکی از این اسماء تعلق بیکی از انبیاء دارد الجاعل آدم راست الجواد
ابراهیم راست الجلید یوسف راست الجلیل ادریس راست الجابر هود راست الجبار موسی را الجامع عیسی را علیهم السلم
فرموده که این هفت اسم از اسمائیست که تعلق بحرف جیم دارد و حکم آن در سموات سبع ساری و نافذ است پس هر طالبی که بر
تکرار این اسما مداومت نماید چندانکه اثر روحانیات آن بظهور آید در آن حال تعلق وامداد ارواح ایشان تصرف کلی در ملک ٣٢٩٣
وملکوت میسر گردد جهت تحصیل علوم وتسخیر نفوس العظیم العلیم الخبیر المبین الهادی علام الغیوب هر که عمل کند باین شش اسم بعدد
وان عدد حق سازد ظاهر شود برو علوم جلیه ولطایف اسماء جلیله و حقیقها نزدیکی مفتوح گردد [illegible] حکمت را
روزی کند [illegible] مبارک [illegible] اهل علم وفضل [illegible] باین اسماء خاص شود [illegible] کشف
تمام جهت تسهیل امور القوی العزیز العلیم القدیر السمیع البصیر چون متوجه شوی بامری از امور [illegible] ٢ ١١٥٤
اسم را بر وجه خطاب بگوید که یا قوی یا عزیز یا علیم یا قدیر یا سمیع یا بصیر [illegible] سهل شود جهت رفع ١٣١٦
اثقال وتسخیر امور صعبه القادر المقتدر القوی القایم این اسما مناسب حال اصحاب اغراض واثقالست چون باین اسما
مداومت کند هر ثقلی و تعبی که در نفس وی بود مرتفع شود و هر که این اسما را بر خاتمی نقش کند و بان تختم شود فی الحال از گرانی
که داشته باشد سبک شود [illegible] هیچ ثقلی [illegible] چون این خاتم را [illegible]
گردد واگر کسی حروف اوایل اسماء اربعه را که قم ق ق است صد بار [illegible] ساعات [illegible]
[illegible] خاتم [illegible] مداومت [illegible] خلاص یابد واگر آن
خاتم را [illegible] حاکم ظالمی [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] نفش کند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جهت دفع وساوس [illegible]
الملک القدوس الخلاق الفعال هر که [illegible] خاطر [illegible]
[illegible] الملک القدوس الخلاق الفعال [illegible]
[illegible] جهت دفع
کروب والام خواطر الودود اللطیف الواسع الشهید این چهار اسم [illegible] کروب [illegible]
اسم اللطیف [illegible] سریع الاثر است [illegible]
[illegible]
[illegible] صادق
[illegible] جهت ایمنی در سفر دریاها العلیم الحلیم العلی العظیم [illegible]
[illegible] یا علیم یا حلیم یا علی یا عظیم [illegible]
[illegible]

مربع الله القدوس الخلاق الفعال

٣٢٣	٣٢٧	٣٣٠	٣١٦
٣٢٩	٣١٧	٣٢٣	٣٢٩
٣١٨	٣٣٢	٣٢٥	٣٢١
٣٢٦	٣٢٠	٣١٩	

٣٣١

١١٧٢
١٢٩٦
٥٤٥
١٣٤٧

که بعد [illegible] رکعت نماز خواند در پی این اسما را بطریق خطاب خواند و همیشه [illegible] وعافیت بیرون آمد
جهت دفع فقر وفاقه الکافی الغنی الفتاح الرزاق بعضی از عارفان محقق فرموده اند که چون این چهار
بیکجا جمع شوند [illegible] از الواح مجتمع کردند در دفع فقر وفاقه و توسیع رزق و تیسیر معیشت بسیار موثر باشد [illegible]
این اسما را ورد [illegible] مقصود واصل گردد جهت حفظ مال وجاه الدافع الدلیل الدایم الدیان شیخ ابو عبدالله مغربی
در کتاب تیسیر المطالب حرف دال آورده که چون این چهار اسم را در مربعی چهار در چهار [illegible] برای بقای ملک و ثبات
سلطنت [illegible] موثر است و این مربع مناسب حال طایفه ایست از ملکان که مال و منال [illegible]
احتراز [illegible] و زوال آن ترسان و هراسان باشند پس چون این مربع را با خود نگاه دارند [illegible] تلطیف
[illegible] مال ومتاع ایشان از آفات [illegible] محفوظ و مصون ماند جهت کشف امور مخفیه در منام النور
الباسط الظاهر هر که اراده کند که چیزی را در خواب مشاهده کند و چیزی معلوم کند از غایب و حادثه از حوادث
[illegible] باید که طهارت کامل [illegible] خالص و عزم صحیح و
توجه تمام بامریکه مطلوب اوست [illegible] این اسما مشغول گردد [illegible] بعدد مجمل بخواند [illegible]
[illegible] چون عمل تمام شود آنچه مطلوبست ظاهر شود [illegible]
ودر کتاب در النظیم از حضرت امیر المومنین علی علیه السلم نقل فرموده اند که اسم اعظم الله تعالی الظاهر است وبعضی
از اکابر در خواص این اسم شریف گفته که اگر کسی [illegible] کند [illegible] بعدد مجمل که ١١٠٦ آ
یا بعدد مفصل که ١٣١٩ است بخواند [illegible]
متوجه بامر مقصود شود [illegible] علوم اطلاع دهد و عجایب ملک وملکوت
بر وی ظاهر گرداند [illegible]
السمیع القریب المهیمن اتم واکمل است [illegible] خطاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
اوست از مکنونات ومخزونات جهت کشف عواقب امور الهادی الخبیر المبین هر کس خواهد که بعضی از عواقب امور
مبهمه را معلوم کند باید که [illegible]
[illegible]
[illegible] عمل تمام کند [illegible]
[illegible]
[illegible] جهت ظهور اشخاص روحانی وحصول مقاصد از ایشان السریع القریب المقتدر علی
[illegible] این اسما [illegible]
تکسیر کند [illegible] ال ال ال س [illegible] قام ق ی ع ی ب ت [illegible]
[illegible]
معروفست [illegible] این اسما [illegible]
[illegible]
[illegible]

وعامل دارد صحبت ایشان ترقی بسیار واقع شود چنانکه اگر خواهد با ایشان بعطا توانند رفت و بمقاصد کلی
عظیمه فایز گردد به برکت عمل و تاثیر این اسما والله الموفق **جهت تسکین دادن خاطر از ترس و تیمان** العلیم الحکیم
العظیم هر که این اسماء بسیار تکرار کند بر ظرف چینی یا از حاجی و باب عذب محو کرده بیاشامد با شامد حق
تعالی دل وی را از عشق و شهوات جسمانی ساکن گرداند و اگر با این سه اسم شریف بعضی دیگر از اسمای الهی یا کرده مطا
حروف باشد بیان ختم کند و در ظرف چینی کتابت کند همه را و باب باکیزه محو کند و بیاشامد بیاشامد آنچه مطلوب باشد
بلیغ و داخل باشد و مجموع اسمایی که در قرآن مجید واقع است و در وسطان حروف باشد سی و هشت اسم است و آن
المثبت البدیع البصیر الجلیل الحسیب الحفیظ الحکیم الحلیم الحمید الخبیر الرحیم الرشید الرقیب السریع السمیع الشدید
الشهید العزیز العلیم العظیم القدیر القاهر القریب القیوم الکبیر الکریم اللطیف المبین المتین المجیب المجید
المحیی المعید المقیت المعتب المهیمن النصیر الوکیل **جهت حصول عزت و عظمت و ظهور فتح و نصرت** العزیز الجبار
المتکبر اکابر اهل خاصیت فرموده اند که این اسماء بسیار تکرار کند بر حال ملوکیت و مداومت بر آن عظمت و عزت او افزاید
و فتح و نصرت اعطا کند و اگر حروف این تکسیر کرده در مربعی درج کند و بر دور آن انا فتحنا الی قوله نصرا عزیزا نویسید
در روز سه شنبه ساعت مریخ و اگر طالع وقت که کتابت حمل بود اولی بود و در حین عمل بخور کند بر چراغ کرد و ادوی
معروف بسی چون لوح مذکور شرایطش تمام شود و پادشاه با خود نگاه دارد در محاربه دشمن در وی اثر فتح و ظفر از
جانب وی باشد و هر که از لشکر خصم بر وی افتد از او بترسد و خوف و عجز بر او غالب گردد و کرمجال اهمال
نداشته باشد فی الحال در فرار باید و دوری جستن و اسماء مذکور از جمله اسماء صفات ذات است و لازم این اسما است
خوف و رهبت و عظمت و هیبت و جمع صوفیه و جمهور ذکر آن مداومت بکنند الا اکثر فیه عزیز شود و نزد همه جا گرامی
و متکبر تواند الا که خاد و خاک سار شود و هر بار که بایش اسماء مداومت کند باید که زمان مشغولی کم از یک ساعت
نجومی نباشد و هر چند زیاده مشغول کند بهتر باشد تا اثر دعا بشتاب این اسماء ظهور کرده خواص و افعال خود را
کار فرماید و عامل هر چند در حضور قلب و صفای نیت و تصحیح عزیمت اهتمام زیاده نماید فایده و منفعت از آن بیشتر شامل
ما به **جهت خوف و خشیت و تحصیل طمانینت** الحلیم الرؤف المنان هر که از امری ترسان بود باید که این اسماء
شریف را با سلوب خطاب کتابت کند بر این وجه که یا حلیم یا رؤوف یا منان نویسد و در وقت هر دو شنبه اول ماه و در ساعت
قمر و آب یا زهره داشته بشد و در پیش حاکم ظالم که از وی خائف بود در دل خود مجمع و در آن شر آن ظالم دور شود
و غضب وی نگاه دارد دل او را نرم گرداند و بحامل این اسماء مشفق و مهربان شود و اگر این اسما را تکسیر کرده
در مربع وفق وضع نماید و این لوح را با خود دارد و بزبان نیز تکرار این اسما کند و در این حال از هیچ یک مضره رساند از
غضب وی ایمن و سالم ماند و هر که را شهوت بر وی غلبه کرده باشد چون با این اسما مداومت کند شهوت او فرو
نشیند و از وعد عذر و وسوسه خلاص شود **جهت ایمنی و سلامتی از آفات و عاهات** الرؤف المنان الکریم
هر که حروف این اسما را تکسیر کند در ساعت مشتری و تسکین آفتاب در قوس باشد و در مربع درج کند و آن مربع را بر صحیفه
ذهب نقش کند و روز جمعه بوقت بانگ نماز پیشین بیند و از آن لوح این آیه بنویسد و هو الذی خلق السموات
والارض بالحق الی قوله و هو الحکیم الخبیر از سوره انعام و آن لوح را با خود نگاه دارد و بشرط مداومت و وضو و طهارت بدن
و نظافت لباس حسب امکان از جمیع آفات و مخافات و بلیات و عاهات محفوظ و مصون دارد چنانچه اگر تیری و زخم
بر وی وی افتاد بدان اثر نکند و مجازی و دیگر آفات خواص این لوح بسیار و بیشمار است **جهت رفع بلیات**
ورفع مکروهات العلی العظیم الکبیر چون این سه اسم را تکسیر کنند بر خاتم ذهب نقش کند و بر دوران خاتم نویسند که

۲۱۳۹	۲۱۴۲	۲۱۴۴	۲۱۳۲
۲۱۴۵	۲۱۳۳	۲۱۳۶	۲۱۴۳
۲۱۳۴	۲۱۴۶	۲۱۴۰	۲۱۳۷
۲۱۴۱	۲۱۳۴	۲۱۳۵	۲۱۴۷

ولا یوده حفظهما وهو العلی العظیم صاحب این خاتم از جمیع بلیات و مکروهات ایمن باشد و هر که را نظر بر وی افتد وی را
دوست دارد و فی اختیار طالب صحبت و شوند و اگر کسی با وی در مقام خصومت و فساد بود مغلوب و مقهور گردد و اگر
در مقام جدل و مکر بود و بال و نکال و وبال بوی برگردد و حامل این لوح همیشه محفوظ و محروس بود و من انه تعالی الشفا
نسبت با حاد و افراد ناس مشاهده کرده ام و در این عمل آثار عجیب و غریب یافتم **جهت توسیع ارزاق و تیسیر مرادات**
الکریم الوهاب ذو الطول هر که مداومت کند بر تکرار این سه اسم ضیق معیشت وی بسعت رزق مبدل گردد و در وقت
وی از حاجات فقیر کرده که هر کس در ضمن وی نکند شتر باشد و بعضی از محققان فرموده اند که بسیار از مردمان ابای
عمل امر کرده ام از برکات این اسماء چیزها مشاهده کرده اند که عجایب عجیب و غریب می بود و هر که نقش کند این اسما را و با خود
دارد دشوار به اجابت پیوندد ایشان شود چنانکه گفته اند که اسم هر خیر از کدام مرمیسر شد و هر که تکرار کند این اسما را بعد کل
اثبات او در موضع خالی بر طهارت کامل و حضور تمام و نیت صحیح صادق و قلب حزین خاشع و بر این عدد منتهز اید و اذ
وی کاهش نعم بانتمام عمل هر دعا کند فی الحال مستجاب شود و صاحب در النظیم فرموده که عامل باید که این تا عدد ابدا لله
کند باید کردن بعد چه که مقر بشده اسراف و نقصان کردن از وی اولا **جهت تیسیر امور و تحصیل المقاصد** الرب
الرحمن القیوم صاحب کتاب بو القیمی و اشاره اهل یقین آورده که چون کسی را مهمی پیش آید و تعلق طلب حاجتی کند باید که روز جمعه
شب غسل کند و بر جای نماز معتکف بنشیند تا نماز شام بگذارد و هم بر جای نماز مکث کند و ذکر گوید تا آن زمان که نماز خفتن
نیز بگذارد و بعد از آن رکعتی چند ادا کند اعتقد که تواند بر چه نماز بگذارد و در سجده آخر آن رکعت در صد بار بگوید که
یا رب یا رحمن یا قیوم بر حق لا ستغیث اکاه مراد خود را در خاطر بگذراند بمه حال حاجت وی روا شود **جهت تسخیر نفوس**
و تصرف در امور جنی و انس القاهر القوی المقتدر صاحب کتاب شمس المعارف فرموده که هر که این اسماء را تکسیر کند و بر
خاتم نقره نقش کند و بر دور آن این آیه بنویسد ان بطش ربک لشدید و در وقت عمل بخور کند با سطرک از بیخ باد خرکه
در دعا روی معروف بر آن خاتم را در انگشت کند اگر بر پادشاه در آید هیبت و مهابت وی در دل پادشاه سرایت کند
و هر جا بود مانند وی بترسند و مطیع و منقاد وی شوند و اگر خاتم را در پیش سلطان جابر و حاکم ظالم دفن کند از ملامت پادشاه
ولایات و حکومت از دست وی بیرون رود و عایا دشمن وی شوند و سرکشی آغاز کنند و دشمنان عظیم از ایشان ظاهر
قائم شود و خواص این خاتم در تخریب دیار ظلمه و فسقه عجایب قوی است **جهت القای محبت و مهابت در دلها و قضا حوایج**
بسم الله الرحمن الرحیم هر که این آیه را که مشتمل بر اسم اعظم الهی بخواند و مقارن آن مواظبت نماید هیبت
وی در باطن اهل عالم علوی و سفلی پیدا شود و این آیه ایجز است که قلم اعلا بر لوح کتاب نموده و باین آیه حقیقتا نزد
نعم طلب سلیمان نبوی رخ نموده و کرامت فرموده هر که این آیه را شصت و یک بقول شصت و چهل بار کتابت کند و آن
مکتوب را با خود دارد هیبت و مهابت وی در دلها مستولی شود و از حضرت امام جعفر صادق نقل کرده اند که هر که را حاجتی
باشد باید که بر رقعه نویسد که بسم الله الرحمن الرحیم من عبده الذلیل الی الله الجلیل رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین
آن رقعه را در جوی آب عظیم اندازد و در آن حال بگوید بحق محمد و آله الطیبین الطاهرین و صحبه الراشدین اقض حاجاتی یا ارحم
الراحمین بی حاجت خود را یاد کند که مراد بر آید و حاجت روا شود **جهت اجابت دعوات و حصول حاجات** السمیع
العلیم صاحب کتاب در النظیم فرموده که بعضی از علما بر آنند که اسم اعظم عبارت از این دو اسم است و مواظبت بر آن بعد
محل باعتقد موجب ظهور اسرار مکنونه و فتح باب کنوز مخزونه است و بعضی از اکابر السمیع الشریع را جمع کرده اند
و در خواص آن فرموده اند که هر که این دو اسم اعظم را در سرعت اجابت دعوات قوت و تاثیر عظیم است هر چه که کسی را اراده
طلب حاجتی کند باید که این دو اسم شریف را بکف دست خود بنویسد و دست بدعا بر دارد و چهار هزار و دو بست

هفتاد و هفت بار این دو اسم را بخوانند بعد از اتمام ذکر فی الحال اجابت متفرع شود بشرط آنکه رعایت کلامی کرده باشد
و اگر کسی را شاهد علوی و سفلی اراده باشد این دو اسم را بهمان دستور که مذکور شد با شرایط کلامی بخواند مقصود
حاصل شود و با ارواح علوی و سفلی مکالمه دست دهد و هر سؤال که کند بر طبق آن جواب شنود و فی الفهار ایشان فرا گیرد
و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که روز پنجشنبه وقت چاشت هشت رکعت نماز گذارد بچهار سلام و بعد از آن با صد
بار بگوید یا سمیع بشرط آنکه در آن حال اصلا سخن نگوید بعد از آن هر دعا که کند مستجاب شود و اگر اسم السریع را بآن ضم کند
عنقریب اجابت مترتب شود و اگر بعد هر نماز ایشان بخوانند او طلب بود و اگر در بیابان زمین و دست جمعه صد بار دو اسم اعظم
السمیع البصیر را بگوید بنظر خاص حضرت حقیقی مخصوص گردد و سمع روح و بصر بصیرت وی مفتوح شود و صاحب اسرار گردد
و اگر هر روز جمعه بعد عمل این دو اسم را تکرار کند اثر عظیم ظاهر شود و اگر این دو اسم را بر سر ابرای عشق یا بیهوشی بخوانند
بعنوان خطاب ببرکت این اسماء صاحب عشق و ذی بیهوش بهوش آید و انه من از زحل و دماغ وی زایل شود و این عمل را غایتی است
و بعضی از اهل اسرار و بعد بگوید از مداومت باید نمود هفتصد است از برای عشق و بیهوشی و اگر کسی این اسماء را بر
لوح ذهب نقش کند بشرط آنکه ... با تو محفوظ ... و با خود نگاه دارد و معتقد که آن نیز باشد لغات جن شود و طبقات
ایشان را مشاهده نماید و بر ایشان حکم کند العیاذ ... و اگر کسی اکثر اوقات خود را مستغرق این دو اسم سازد به
اسرار و صانع جل ... اطلاع یابد و ... بر دل وی روشن شود و بسیاری از احوال مخفیه حق و امور عجیبه ...
بر وی ظاهر شود و بسی اسرار مخفیات عالم غیب بر وی منکشف گردد و شیخ شرف الدین ابی العباس بونی رحمه الله فرموده
که بسیار از این اسماء و خواص مذکوره بسیار مشاهده افتاده **جهة تحصیل علوم حقیقیة** الحکیم العلیم مداومت بر این دو اسم
شریف موجب فتح باب حکمت و صنعت الهیت و هر کار که از امور دین و دنیا بر وی مبهم شده باشد بقوت فکر ادراک
و کشف آن متعذر و متعسر باشد باید که بیکار از این دو اسم بزرگوار مداومت نماید تا حقیقت آن مشکل بر وی حل شود ...
از ... باشان معلوم شود و مواظبت بر این دو اسم بعد ... ایشان باید نمود و اگر عمل قوی تر خواهد بعد ... مفصل
ایشان تکرار کند و اگر از آن قوی تر خواهد باید که این دو اسم را تکبیر کند ... مربع وفق ... نماید و با خود نگاه دارد هر روز
این لوح را نیز حاصل باشد ... شرط طهارت ... مقصود واصل شود **جهة جریان حکمت
بر لسان و دفع غموم و هموم** الرب الرحیم صاحب در النظیم فرموده که در سوره یس اسم اعظم است که اگر کسی جمعه
تکبیر کند ... بطهارت کامله باشد و مستقبل قبله ... از حاجت ... مثل ... ان ... کلا بد
بعد از آن ... این دو اسم را تکرار کند حق تعالی زبان وی را
بحکمت جاری و ناطق گرداند و اسرار ... علماء بر وی اشکار و منکشف گرداند و این اسماء در وسط سوره است و آن پنج
کلمه است ... حرفت ... نقطه است و ... نقطه ... دارد ...
کلام پیشینه باشد که آن پنج کلمه که مشتمل بر اسماء اعظم سلام قولا من رب رحیم است و اگر چه لفظ سلام اسمی است از اسماء
الله ... مجمع ... است و علی بن الحسین الواعظ الکاشفی ... دروی ...
نقل فرموده که هر که این ... ایه را بخواند ... هفتاد و ... سوره یس ... باشد
و باید ... بعد از آن سوره را تمام کند حق سبحانه ببرکت این دو اسم اعظم ... مرتفع گرداند و بفرح و سرور
و نشاط مبدل گرداند و این عمل ... **جهة احیای قلوب میته و دفع فقر و فاقه**
الحی القیوم صاحب در النظیم فرموده ... اسم اعظم الله ... این دو اسم بزرگوار است و شیخ رازی
در لوامع البینات آورده که اهل تحقیق بر آنند که اسم اعظم الحی القیوم است و ابو امامه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله

[illegible]

روایت کرده که اسم اعظم الحی القیوم است و حسن ... در جواهر ... آورده که حدیث ابو امامه از احادیث
مرفوع است و حدیثی صحیح الاسناد مرویست که چون امری عظیم حادث شدی و کربی بحضرت رسول صلی الله علیه وآله
رسیدی دست مبارک بدعا بر داشتی و فرمودی که یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و بصحت رسیده که آن حضرت فرموده
که اسم اعظم که آصف بن برخیا بآن دعا کرد و تخت بلقیس را پیش از طرفة العین پیش سلیمان علیه السلام حاضر کرد یا حی یا قیوم بود و دعای
حضرت عیسی علیه السلام در احیای موتی و اموات یا حی یا قیوم بود و بتجربه یافته و مقرر شده که مداومت بر این دو اسم شریف موجب
حیات قلوب و عقلیات است و از بعضی ... مروی که بر زبان مبارک حضرت بسیار جاری میشود بکلمه لبیک یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت
استبان ان ... این دو اسم شریف در احیای قلب و صفای باطن اثر عظیم است و هر که جمیع
روز ... این دو اسم شریف مداومت کند بر آن وجه که هر صبح ... و ... یکبار دو جمیع ... یا حی یا
قیوم یا من لا اله الا انت برحمتک استغیث ... او را حاصل شود که هر که ... صاحب شمس المعارف آورده
که چون کسی روز ... شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه روزه دارد و ... جمعه شود ... ماه داخل وقت بگذارد و بعد از سلام
قبل از آنکه بشغلی از اشغال ... بگوید ... یا حی یا قیوم قیام نماید و متصل بگوید تا وقتی که آفتاب طلوع کند
فی الحال ... شود و ... در عقب آن ذکر ... طلوع آفتاب ... بگوید که یا حی
یا قیوم ... در حال ... عجایب مشاهده کند از برکت وجمعیت و وسعت رزق و اقبال
... موجب تعجب ... و با این عمل ... و ... النیران با اهل آن خفا
کند و ... صاحب شمس المعارف فرموده که این دو اسم شریف را ... که اگر کاتب و قاری این اسماء حامل آن
شود ... احسن ... و در ... این لوح ... بسیار است مثل دفع ...
قلب و دفع احتیاج با ابنای جنس و خلاصی ... لوح اینست
جهة ... در عالم کون و فساد صاحب شمس المعارف فرموده
که هر که این دو اسم را بر نگین ... نقش کند ... تختم کند و با آن انگشتری
بر این دو اسم مداومت کند ... غالب شود بر ابنای جنس ...
و در ... این عمل اهتمام تمام ... محبوب ... شوند
و ... اذکار ... دقیقه ...
و اگر کسی ... خاتم ... موضع ... مطلوب ...
... شیخ شرف الدین بونی ... آثار
معنی ... مشاهده کردیم ... **جهة ظهور سر توحید ربانی و تجلی صمدانی**
الاحد الصمد بعضی از اهل ... که اسم اعظم الله ... این دو اسم بزرگوار است و مداومت ... این دو اسم بعد از ...
... موجب ظهور سر توحید و انکشاف ... تجلیات ... بعضی از ...
... صاحب ...
کند ... **جهة تسخیر نفوس خلایق** العلی العظیم هر که این دو اسم را تکبیر ... نقش کند ... تختم شود هر که
چشم ... منقاد شود و خاشع گردد ... و در کتاب شمس المعارف آورده که بعضی از خلفای عباسیه این عمل ...
محروم ... است که ... بر ... آمده ...
کرده این دو اسم را تکبیر کرده بود ... که این خاتم در دست ... باشد ... و استیلا باشد والله اعلم

[illegible]

جهت تحصیل علوم و حقایق المهیمن المقیت صاحب در النظیم فرموده که هر که مداومت نماید بر این ذکر بعد مجمل یا مفصل
خاطرش قوی و اعلم و صفت استیلا بر ابنای جنس و مراقبه احوال در امور جزئیه و کلیه جهت اصلاح ملوک و ثبات ملک
الملک العزیز هر که این دو اسم شریف را نزد صاحب ملک و قدرت بخواند حال او به اصلاح آید و اگر ظلم و فسقی دارد برطرف شود
و این دو اسم مخصوص ملوکست و هر ملکی که این دو اسم مداومت نکند الا آنکه ملک وی ثابت و قایم [بماند] و از خلل و فساد
محفوظ باشد و قدرت و تصرف وی شامل و منبسط گردد و سالکان طریق حق را که شهوات بر ایشان غالب بود تکرار این
دو اسم لایق و مناسب باشد و از برکت این ذکر شهوات ایشان تسکین یابد و صفت ملائکه ایشان را حاصل شود و آثار دماغ
علوی تابد و عزت را بیند و بر مخالفان قدرت حاصل کند و بر معاندان غالب آید جهت حصول صفت تمکین در باطن قلب
الملک مالک الملک صاحب تیسیر المطالب فرموده که هر که مداومت کند بر تکرار این دو اسم بطریق خطاب که یا ملک یا مالک الملک
کوید و هر بار سه کرت بخواند در هر مقام که باشد از مقامات سلوک صاحب یقین شود و صفت رضا به یقین [illegible]
حاصل کرده و این دو اسم را اگر تکسیر کنند و در مربعی وضع کنند و با خود نگاه دارند عدد عظیم باشد در انجح مقصود و
مطلوب اوست جهت ثبات و بقای ملک الملک القدوس صاحب در النظیم فرموده که این دو اسم شریف را از برای
دوام ملک مقرر است و هر ملکی که بر ذکر این اسم بعدد مجمل یا مفصل ایشان مداومت کند ملک وی ثابت شود و قدرت
وی منبسط گردد جهت تحصیل ارادات و دفع وساوس و تشویق الکبیر المتعال [illegible] این دو اسم را بر ورق [illegible] نقش کند و به مشک
و زعفران و گلاب و با خود نگاه دارد بجمیع مرادات [illegible] و اگر صاحب وسواس مجمل این مداومت کند از آن مرض
خلاص یابد و اگر شخصی بر وی غالب شود فرو نشکند و اگر از [illegible] متألم و مجروح خاطر بود آن الم برطرف
شود [illegible] بوقت سحر [illegible] جهت دفع امراض جسمانی النافع
النافع صاحب تیسیر المطالب فرموده که این دو اسم شفاست از هر مرضی خاصه امراض بارده و دافع سموم عقارب و سایر سموم
[illegible] چون کسی این دو اسم را در مربع پنج در پنج وضع کند [illegible] باشد
نفع بین مشاهده کند و تکرار این دو اسم [illegible] بعدد مجمل یا مفصل همین خاصیت دهد جهت مشاهده عالم روحانی
صاحب در النظیم فرموده که هر که هفت هفته متصل [illegible] کند و چون شب شود بر طهارت کامل [illegible]
این دو اسم را بعدد مجمل ایشان بخواند [illegible] عالم روحانی بر وی منکشف شود و اگر
این دو اسم را در مربع وفق مربع کند بحروف با اعداد ایشان [illegible] مربع حرفی را
بنویسد [illegible] این دو اسم را [illegible] کند [illegible]
نگاه دارد و شب [illegible]
و گلاب و زعفران [illegible] جهت ایمنی در سفر و حضر
الحفیظ الرقیب هر که بر این دو اسم شریف بعدد مجمل یا مفصل ایشان مداومت کند [illegible] در سفر بود
و خواه در حضر [illegible] جهت تقویت مزاج و حفظ صحت مزاج
القایم القدوس صاحب کتاب شمس المعارف آورده که اگر کسی این دو اسم را نقش کرده با خود نگاه دارد و بر ذکر ایشان مداومت
نماید قوت و شوکت وی بسیار شود [illegible]
درست و صحیح المزاج بود و اگر این دو اسم را بر موم نقش کند [illegible] صداع و سایر امراض راس را نافع بود و شیخ شرف
الدین بونی آورده که [illegible] صاحب صداع [illegible] که اگر کسی
بر موم [illegible] نقش کند [illegible] تمام [illegible]

مربع الکبیر المتعال

٢٠٨	٢١١	٢١٥	٢٠١
٢١٤	٢٠٢	٢٠٧	٢١٣
٢٠٣	٢١٧	٢٠٩	٢٠٦
٢١٠	٢٠٥	٢٠٤	٢١٦

ق ٨٣٥

ازل دع ازل ی ط زعل
عزیز ذو القوه

دفع الصداع

ازنجم احتیا

از نجم احتیاط در [illegible] پاک شود جهت یافتن طریق سداد و رشاد النور الهادی چون طریق سداد و راه صواب و رشاد بر کسی
پوشیده شود و نداند که [illegible] باید که بر تکرار این دو اسم بعد مجمل یا مفصل
مواظب و مداوم باشد تا بوجهی از وجوه طریق صواب از خطا ممتاز شود و حق از باطل جدا گردد [illegible]
بعد مجمل یا مفصل این دو اسم را بخواند راه راست را بیند [illegible] و پریشانی خلاص شود جهت ایمنی از آفات
و مخافات الرحمن الرحیم صاحب کتاب شمس المعارف آورده که این دو اسم جلیل القدر و عظیم الشأنست و هر که در امری
از امور مضطر شود و توسل باین دو اسم شریف جوید و بعد مجمل یا مفصل اسما مواظبت نماید از اضطراب برهد و
مقصود بسهولت میسر گردد و [illegible] از جباری و ظالمی بترسد چون بر تکرار این دو اسم مواظبت نماید ایمن و مطمئن شود
و صاحب در النظیم آورده که این دو اسم پناه مضطرین و امان خائفین است و فرموده که هر که این دو اسم را بر نگین فضه
در ساعت [illegible] نقش کند [illegible] این خاتم در انگشت وی بود از همه
آفات و مخافات ایمن باشد و هر که این دو اسم را [illegible] بر تکرار آن مواظبت نماید حقتعالی در جمیع امور لطف خود را
شامل حال وی کرداند جهت اجابت و سرعت دعوات السمیع البصیر صاحب در النظیم آورده که ذکر این دو اسم
بر کت [illegible]
و دعا [illegible] جهت کفایت امور و دفع مهمات الکافی الکفیل شیخ ابو عبد الله
مغربی رحمه الله [illegible] تیسیر المطالب [illegible] هر که مداومت کند بر تکرار این دو اسم
حقتعالی [illegible]
بر تکرار این دو اسم بعدد مجمل یا مفصل [illegible] و اگر حروف این دو اسم را تکسیر کرده در مربعی وضع کند و با خود نگاه دارد
[illegible] جهت حصول حاجات و اجابت دعوات
السریع مقلب القلوب و الابصار در بعضی از کتب معتبره این طایفه مذکور است که هر که در ساعت اول [illegible]
دو اسم شریف را کتابت کند [illegible] با خود نگاه دارد [illegible] حاجات که داشته باشد حقتعالی [illegible]
رساند القریب المجیب هر که این دو اسم را تکسیر کرده [illegible] نقش کند [illegible]
انعام بدیع السموات و الارض [illegible] اللطیف الخبیر [illegible] طاعت و عبادت قیام نماید و [illegible] طهارت
علی الدوام این دو اسم را تکرار نماید هر چه مراد و مقصود وی بود [illegible]
[illegible]
شود [illegible] جهت ترویج ارزاق و معونت و معیشت
الوهاب الرزاق مداومت بر این دو اسم شریف بعدد مجمل یا مفصل موجب مواهب معنوی و حصول ارزاق [illegible]
و اگر این دو اسم را [illegible] در لوحی از الواح وفق مربع کند بر طهارت کامل با خود نگاه دارد در حصول [illegible]
[illegible] باشد جهت تحصیل مقاصد دنیوی و اخروی الاول الآخر شیخ کامل ابو عبد الله مغربی در کتاب تیسیر المطالب آورده که هر که
این دو اسم [illegible] در لوح مثلث وضع کند [illegible] مقاصد دنیا و آخرت وی بر وجه
احسن میسر گردد [illegible] بعد مجمل یا مفصل این دو اسم را تکرار کند [illegible]
در امور ظاهری پیدا شود [illegible] جهت دفع خاطر پریشان الفعال
صاحب در النظیم فرموده که هر که مغلوب خاطر بود [illegible] باید که مداومت کند بر تکرار این اسم و هر بار [illegible]
صد و هشتاد و [illegible] بار بعدد مجمل [illegible]

احتیاج او بوی صادر شود و دل وی از وساوس خواطر و اندیشهای پریشان و حزن و اندوه خلاص یابد و حجب
باطن وی مرتفع شود جهت مشاهده انوار عالم و طریق صواب النور صاحب تفسیر المطالب در فصل رابع عشر در بیان
حروف نون آورده که هرکه در موضع مظلم این اسم شریف را ورد کند هر روز بعدد مفصل وی بخواند مشاهده انوار
عظیمه وی را دست دهد در عالم حس و شهادت بواسطه غلبه انوار باطن وی و صاحب در النظیم آورده که هرگاه بر کسی
امری مبهم شود که خطا و صواب را در آن امر از هم جدا نتواند کرد باید که این اسم را دویست و پنجاه و شش
بار بعدد مجمل وی ادا کند در روی صحت و عزم درست تمام بخواند طریق روشن و راه راست بر او ظاهر شود و هم وی در غیر وی نکرده که
حروف این اسم را بدین صورت ن و ر چهار کتابت کند و کسی حامل آن شود که مبتلا بود به درد معده یا خفقان حجب
از مرض را از وی دفع کند و اگر آن نوشته را بر عضوی از اعضای دردناک بندد آن درد تسکین یابد جهت ...
مخفیات علوم العلیم نزد بسیاری از اکابر محققین این اسم شریف امام ائمه اسماء سبعه است و از خواص آنکه
هرکه مداومت کند چنانکه امام ائمه اسما ظاهر شود بر وی مخفیات علوم چون علم ما عند الله که عبارتست از علم اکبر است
و بعضی از علوم غریبه و فنون عجیبه و هم چنان حتی از طلب بی صوت تعبیر کرده و در شرح اسماء الله مذکور است که هرکه
این اسم را در ورد خود بسیار گوید صاحب معرفت گردد و اگر بعد از هر فریضه بعدد مجمل یا بعدد مفصل بخواند مقصود
به حصول رسد الخبیر این اسم اعظم از برای اطلاع بر مغیبات و استخراج کنوز و دفاین مناسبت و هرکه بدین
مداومت کند اگر غایبی داشته باشد در خواب بیند از احوال وی اطلاع یابد و خبر صحیح شنود و صاحب شمس المعارف گفته
که هفت روز این اسم را بعدد مفصل وی ورد سازد در روحانیت این اسم وی را خبر دهد از امور یکه در آن سال حادث خواهد شد
از احوال ملوک و انقلابات زمان و امور کلیه عالم علام الغیوب هرکه مداومت کند بر این اسم تجربه شده تا دقیقه کرد تا بر
کند این اسم در وی و بر باطن وی استیلا یابد در آن حال امور مغیبه بر زبان وی جاری شود و در خواب ها راست بیند و کشف
کرده در مدت روزی ترقی کرده بر عالم علوی و دولت یابد جهت تحصیل علوم و تکمیل فهوم الحق هرکه بعد از هر فریضه بعدد
مجمل یا بعدد مفصل بخواند حق تعالی علم و فراست و یاد دوری کرامت فرماید و در آن باب ضمنی حاصل شود که همیشه حق از باطل جدا کند
و در شرح اسماء الله آورده که هرگاه چیزی گم شود بر چهار گوشه مربع این اسم را بنویسد و در میان هر دست کرده و میان آن
کند و ساعتی نگاه دارد و در آن اثنا ۱۹۱ بار بگوید آن گمشده به وی بازیافت شود الخالق صاحب تفسیر المطالب آورده که
هرکه این اسم را در مربع چهار در چهار بحیثیتی وضع کند و نزد مریض بیماری بنهد که وضع مستحیل معنی صورت یافتن
اطلاع و بودن بدان منطبق باشند و تطابق و اتفاق حرفی و عددی را وقتی بیند که در وقت حال بود و شاید انوار در عالم
مبعوث و ساقط از جهت جسمانیه وی را بمقدار اطلاع دهد بر علم کبیر و اگر بدان نظر صاحب وقوف بود مدد عظیم یابد
السریع ذو النون مصری رحمه الله گفته که اسم اعظم الله تعالی این اسم بزرگوار است که هرکه هرگاه تعجیل اجابت خواهد
کرده و صاحب شمس المعارف آورده که این اسم را در سرعت اجابت دعوات تعجیل تمام است و هرکه این اسم را دایم گوید
هرچه از امور خفیه و اسرار و دقیقه خواهد طلب بر وی ظاهر گردد و هرکه خواهد که بجایی نیز برسد زود شود که عز و جاه
از آن حاصل شود باید این اسم شریف را به هر وقت دست خود بنویسد و بکشد هر روز ع ع ع بار بخواند اگر السریع گوید
بالف و لام تعریف که عدد مفصل اوست یا ع ع ع بار بخواند اگر یا سریع خواند که عدد مفصل اوست و هر روز بخواند
برای خطاب و بعد از اتمام ورد و زاید عا بخواند که اللهم انی اسئلک باسمک السریع المجیب القریب الذی جرت به فواتح حقایق
و خواتیم امر دنیا و سرعت اجابتک یا سریع لمن قصده یا قریب لمن سئله یا مجیب لمن دعاه اسرع فی قضاء حاجتی و بلوغ
امالی یا سمیع یا مجیب یا سریع یا قریب آمین و جهت این عدد و شرایط و آداب به تقدیم رسانند حق سبحانه و تعالی حاجت برآرد

مش فا از و هرکه خواهد که مشاهده ارواح کند و با ایشان سخن گوید و از ایشان سخن شنود هر ... تا
مدتیه به نهج روشن شود و با او دیده روشن بر روحانیات مشاهده کند و با ایشان مکالمه نماید و هر سوالی که از ایشان
کند جواب بصواب شنود و هر چه دیگر از ایشان بخواهد ... الغیب صاحب در النظیم آورده که بعضی
از اکابر گفته اند که اسم اعظم الله تعالی این است و خواص وی عظیمه و صاحب شمس المعارف آورده که مداومت بر این
اسم شریف بعدد مجمل یا بعدد مفصل موجب فتح باب مکاشفه و اسرار است به شرطیکه رعایت آداب و شرایط که اشتغال کرده باشد
و اگر بعد از هر فریضه بعدد مفصل مواظبت نماید در حصول مقصود اتم بود المبین در شمس المعارف آورده
که هرکه هر روز هزار بار در خلوت در حالت خلوت مع بخواند و در خلوت ذکر بخواند لا انقطاع دارد و شرایط
کلامی را رعایت کند ارواح بر وی ظاهر شوند و به وصف الغیب پیش آیند و آثار آن الغیب این باشد که در اکثر متکلم شود
با نواع حکم و دقایق و معارف و حقایق که هیچ کسی از آن درک نکرده باشد و بدان متکلم نشده باشد جهت تیسیر اسباب
دنیا و آخرت الملک هرکه کتابت کند این اسم بزرگوار را بدین طریق ال م ل ک و هر روز مجملها بنظر بر حرف
بهم گذارد و در آن حال باید که بر طهارت کامل بوده و هر بار بنا بر آنکه گوید قل اللهم مالک الملک الی قوله تعالی بغیر حساب قرائت
حتی جمیع اسباب دنیا و آخرت وی را به وجه اتم و اسهل میسر گرداند و اگر این اسم را هر روز دویست و شصت و دو بار
بعدد مفصل وی بخواند دل وی روشن شود و ضمیر وی صاف گردد و هرکه بعد از هر فریضه برای ذکر بعدد مذکور
مواظبت نماید نور و صفا حاصل شود جهت تطهیر باطن القدوس هرکه هر روز این اسم را بعدد مجمل یا
مفصل بگوید ظلمت و تاریکی از دل وی زایل شود و روشنی و صفا در باطن وی پیدا شود الفتاح هرکه بعد از نماز
از صبح با مداومت بر سینه بنهد و هفتاد بار بگوید با اخراج ظلمات از دل وی دور شود و باطن وی گشاده گردد و اگر بر
عدد مجمل یا مفصل وی مداومت نماید اثر آن قوی تر باشد القدوس هرکه بعد از زوال بعدد مجمل یا مفصل وی بخواند
دل وی پاک شود و اگر هر روز بر این ذکر مداومت کند صفای تمام حاصل کند جهت تحصیل اخلاق ستوده و تبدیل اخلاق
مذموم الحلیم در شرح اسماء الله مذکور است که هرکه این اسم شریف را بسیار بگوید صفت حلم در وی حاصل شود
و صبر و سکون و ثبات در وی حاصل گردد و اگر کسی هر روز بعدد مفصل وی بخواند اثر قوی کند و اگر کسی بر درخت
نشاند ۸۸ بار که عدد مجمل اوست بخواند آن درخت بخ در زمین محکم شود و نشو و نمای تمام یابد و صاحب در درخت
از آفات برخوردار شود الرحمن در شرح اسماء الله آورده که هرکه هر روز این اسم شریف را بعد از هر فریضه صد بار
بخواند غفلت و نسیان و قساوت قلب از وی زایل گردد و اگر بعد حروف مکتوبه که ۲۹۸ است تکرار کند اولی
بود الرشید کسیکه بر این نام مداومت کند طریق سداد و رشاد یابد و اگر در وقت مباشرت بامری بر این اسم
بسیار گوید فرزندی که از آن نطفه حاصل شود صالح و پرهیزکار گردد و اگر به تکرار این اسم شریف ملاحظه عدد مجمل
یا مفصل کند عمل او اقوی بود العفو در کتاب شمس المعارف آورده که هرکه مداومت بر این اسم کند جلاق
ذمیمه و امراض روحانی باطن و ظاهر وی زایل گردد المعقب در شرح اسماء الله آورده که هرکه بر مصاحب صبر خواند
کرده و تحمل که حضرت شیطانیت بر وی غالب بود یا طفلی داشته باشد که بسیار گریه کند این نام را هفت بار بر کوزه آب
آب نار بسته خواند پس بر آب کرده بیاشامد یا بخورد آن طفل ... از گریه و سکینه بروی خلاص یابد و فرزند ...
خوی شود و اگر بعدد مجمل یا مفصل وی عمل کند اولی و اقوی بود جهت رفع امراض و دفع امراض الشافی صاحب
تفسیر المطالب آورده که هرکه این اسم شریف را در مربع چهار در چهار وضع کند در ساعت نیک و شرایط کتابت و آداب
کاسه چینی با جام زجاجی نقش کند و به مریض آن نوشته که و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین بیاشامند ...

باب باران واگر صبر نشود باید عذب صاف با کتان البتوبید وبجاز ابرابیاشامد هر مرض که داشته باشد زایل گردد
اگر چه مزمن باشد **الشکور** هر کرا چشم تاریکی کند چهل ویکبار این اسم را بر زبان راند وبکف دست خود
بدمد ودست در آب بزند ودر دو چشم مالد شفا یابد **الصمد** صاحب شمس المعارف آورده که هر که بوقت
براین اسم شریف مداومت نماید آثار تجلی صمدیت ظاهر شود اورا از مرض جوع خلاص کرداند واگر هر روز بعد از نماز مفصل
تکرار کند آرام بود وصاحب در النظیم آورده که هر که تکرار کند براین اسم بطریق الاطلاق با حضور هر که بحضرت شود
بالم جوع **القابض** در شرح اسماء الله آورده که هر که این اسم شریف را بر چهل لقمه نان نویسد در مدت چهل روز
تناول کند در آن مدت نیز بکرم اله این اسم ملازم باشد از مرض جوع شفا یابد **المجید** در شرح اسماء الله
آورده که هر که برص وجذام مبتلا باشد در ایام البیض روزه کیرد ودر وقت افطار نود ونه هزار که
بعدد مجمل اوست یا صد ونود نه بار که عدد مفصل اوست بخواند حق سبحانه وتعالی او را از آن مرض خلاص
گرداند عز جاه واکر کسی بعد از نماز صبح نود ونه بار بخواند وبر خود دمد کند بصحت وعافیت ماند ودر میان
اقران واشباه عزیز ومکرم شود **جهة توسیع رزق ودفع احتیاج بخلق** الباسط در شرح اسماء الله آورده که هر که
این اسم شریف را در هر صبح بعد از نماز چاشت دست برداشته وبر روی مالد آورده هر کز بسوال محتاج نشود واکر کسی
شماره آن نیز اید که بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه بر جان آن مداومت نماید اثر آن قوی تر بود ودر کتاب
در النظیم آورده که این اسم را چون بخوانند وبا خود دارند در توسیع رزق ودفع کروب وتفریج نفس تاثیر عظیم
دارد ولیکن عامل باید که چهل روز متصل هر روز چهار ساعت بجومی لا ینقطع این اسم را بخواند تا بر مقصود فایز
کردد واکر هفتاد ودو روز پیوسته هر روز هفتاد ودو بار بخواند حق سبحانه وتعالی دل وی را بر طاعات و
عبادات خود راغب دارد وخاطر وی را از هر آنچه اشغال واعمال سبکبار سازد ودر روزی وی را از حال غنا بگذراند کان نداشته
باشد **الرزاق** در شرح اسماء الله آورده که هر که هر بامداد پیش از نماز صبح در چهار زاویه خانه خود ده
ده بار یا رزاق بکوید واغاز از دست راست کند وبجانب چپ رود از هر فقر وفاقه وتنکی خلاص شود
الغنی در بعضی از رسایل وتحقیقین خواص جناب ارادتین قدس سره مذکور است نکی از اثر علم این حروف
در رسالۀ خود نقل کرده که در روز پنجشنبه بگوشه مسجدی رفت ودر وی همت بقبله نود هزار بار این ذکر
نکو یا غنی بکشود ومن که نظر توجه اخلاص وادب احترام مدخل خاطر مشوش بعقد هزار و هفتاد بار سید کو
از سقف آن مسجد فرود آمد ودر روز پیش از نماز ده خشت وده هزار عدد هر هزار متقال از زر خالص
در آن کو کشت سقف مکنون نقد محفوظ بوده در صحبان دعاکو رحمان کرد بود نزد او بر آن یافت **المغنی** صاحب تیسیر
المطالب آورده که هر که هر روز بعد از نماز چهل کرت عدد حروف مکتوبه این اسم را هزار بار بخواند یا بعدد
مفصل که کاتبان حروف مبسوط است ١٢٦٧ بار بکوید حق سبحانه وتعالی او را توانکر کرداند وهم صاحب
تیسیر المطالب کوید که این اسم شریف لوح مربع است که هر که حامل آن شود بر تلاوت وتکرار این اسم ادمان نماید بعدد
مجمل یا مفصل آثار ثروت وغنا روی در ظهور رسد ودر حصول تعیم اتم واکمل بود وصورت لوح این است که نموده شد
الواسع در شرح اسماء الله آورده که هر کرا آنچه حق سبحانه وتعالی روزی داده
قناعت نباشد این اسم شریف را بسیار بخواند تا بصفت قناعت متصف شود وبر حاصل
دهم کفایت بطریق احسن واکر بعدد مجمل یا مفصل بعد از نماز مداومت کند اولی بود
جهة اثبات محبت ومودت در قلوب ونفوس الحبیب صاحب شمس المعارف

آورده که این اسم شریف مداومت بر اعمال محبت ومودت والفت باید که هر روز نود وسی وسه بار بخواند تعالی بکه
این اسم را بحر باشد یا اسم مطلوب واکر اسماء فرح تراد لوح وفق بعد دی درج کند تا تاثیرات قوی تر شود پس حامل آن لوح
باید که بعد از نماز هر بار بکوید یا رب الارباب مرقب الکل بلطفه وبعینه اسرع الی سریان لطفک الحق بلا عثرة وقلبی
بین اصبعین من اصابع لطفک حتی اشهد لطف اللطف من کل جهة انک لطیف حفیظ علیم **الرحیم** در شرح اسماء الله
آورده که هر که هر روز نود بار یا بکوید در نفس خود مشفق ومهربان کرد وبر خلق خدای اکر بر بنیت کسی بخواند کس نسبت
بوی نیز مشفق ومهربان کردد واکر هر روز بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه بخواند عقل وی قوی ترکردد **السلام**
از برای سلامتی وعرض وامانت از هر بلیتی چون بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه هر روز بخواند اکر از برای محبت و
فواید اثر قوی کرده واکر بر بنیت سلامتی از آفات وبلیات وامراض بخواند اثر عافیت وصحت پیدا شود **اللطیف** صاحب
النظیم آورده که این اسم شریف از اسمای اسماء الله است که قریب الاجابة وسریع الاثر در جمیع اوهام والام واسقام دفع آن
ومصائب تاثیر عظیم دارد وساوس ومحن وشدائد ببلایا دوایر عجیب وغریب از وی بظهور آید وهر که تکرار کند واز کرب
عارض شده باشد بفرج وسرور وامن وامان واطمینان مبدل میشود پس باید که بعدد حروف وسبوط وی که صد وهفتاد
وسه است هر روز بخواند در معالجۀ امراض باید که مبتلا بعدد اوکالابد بر ظرف چینی بازنجاری نویسد وبه باران محو کرده
واکر بیاید باب عذب طاهر بی ماسه تا جمیع امراض واوجاع منتفی شود واثر وی در مغابت زود پیدا الیه واز ارباب کتاب
این اسم شریف ورای آنچه در طریق کتابی که کذشت است انکه این اسم را ١٢٩ بار بنویسد پس باب باران بشوید وبیاشامد
تا نتیجه کلی عنقریب ظاهر شود **الودود** در شرح اسماء الله آورده که هر که از برای زن وشوهر این اسم را هزار بار
بخواند در طعامی بدمد واکر به هر دو بخورند هر یک محبت کند اوقات بود پس ازان در هر دو میان ایشان الفت ومحبت عظیم پیدا شود
واکر ایشان را هم زن کند دم شوهر بیفتد واثر بیشتر بود ودر کتاب شمس المعارف آورده که هر که اسم طالب ومطلوب تکسیر کند
وبا این اسم شریف امتزاج دهد وشرط آن بود که **ان** با این اسماء بایم امتزاج دهد بعد از آن الف بر زبر تنزیه محبت
ظاهر شود واکر این اسماء تکسیر کرده را در مربع وفقی درج کند در ساعات سعد وشرائط مقرره برای طالب باعیون نکاه دارد
مطلوب مطیع ومنقاد وی شود واین عمل چون بوقت متصف شود دعا اوبغایت قوی شود واکر پیش از عمل بخواند اکثر
سوره در دوران اسفاد ورکعت نماز کذارد که در رکعت اول فاتحه با سوره والضحی ودر دوم فاتحه با سوره بروج بخواند
تیماعاز نماز نماده کند وبجای اتمام به بابان باید وی راست بند ودر مطلوب در ابتدا اثر این اتم وابلغ بود وصاحب در النظیم آورده
که هر که این اسم شریف را کتابت کند بر وی درج با مشتیکر زرنیخ بود ومتصل بر بستری بطرفه مودت پس از آن نوشته را با خود نکاه دارد
ورا محبت عظیم در قلوب ظاهر شود وهر که بر تکرار این اسم اعظم مداومت ومواظبت نماید حق سبحانه وتعالی نعمت خود را بر وی دایم وباقی
کند وحامل این اسم شریف همیشه باید که بر طهارت کامل باشد واکثر از امام صاحبچه بعضی از عارفان کفته اند که هر که این اسم را کتابت
کند سی وچهار بار وی سی وچهار بار یحبهم ویحبونه الله ومسی وچهار بار محمد رسول الله رقم زند واین کتابت بعد از نماز جمعه کند
حامل وی را بعضیها بر طاعت وعبادت حضرت رسالت صلی الله علیه وآله دعوت کند واز حضرت شیاطین ایمن وسالم ماند ویک
کسی هر روز در وقت طلوع آفتاب این نوشته را پیش آورده ونظر بر وی کند در حضرت رسالت هم جندبار بصلوات
رسید برکات این عمل بسیار است حضرت دیدار دست دهد **جهة دفع خوف وامراض وحصول حفظ وبرکت** **الحفیظ**
در شرح اسماء الله آورده که هر کرا ترسی وخوفی بود این نام را بر اجکاک کند وعبارتی وی دارد تا بند وامین ومحفوظ
شود واکر بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه کتابت کند اثر آن قوی تر باشد وبعضی عارفان چنین فرموده اند که این اسم شریف
سریع الاجابت است مرتعش کار آن اما ساعت رجب باید که مسافر هر شب تکرار آن مواظبت نماید تا از جمیع آفات محفوظ

محفوظ ماند و هیچ مکروهی به وی نرسد و مجرب بوده است که من در مواطن بسیار این اسم شریف را اقبال کردم و انتخاب
صنع الهی در خواص و عجایب چیزها مشاهده کردم که عقل از دریافت آن عاجز بود و هم صاحب در النظیم آورده که حفظ جهات
و حفظ در چهار در چهار و تکسیر و تشار حروف چون تکسیر و عکس کند تصحیح حروف در لوح وفق وضع کند عددی را به آن
کرده که یا حفیظ احفظنی فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین بصورت لوح وفق چهار در چهار وفق عددی هر دو را ثبت کرده و در وسط
بین چند کتابت کند این لوح را باید که آفتاب یا قمر
بدین صورت
در شرف باشد و در طهارت کامل و بعد از کتابت
آن که کند که در محفظه کهف نهان گذارند و در دهن کفن
از فاتحه صد بار آیة الکرسی و سوره اخلاص سه بار
و باید که آن کتاب به وقت آمدن مریخ به برج سعد واقع شود
پس چون این کتب بشرایطی که مذکور شد و صاحب
شرایط کتاب چیزی دیگر در حامل آن حصاری حفظ دائم در دنیا و آسان گرداند و قدر و عزت وی را در دل خلایق عظیم گرداند و اگر محبوب
با خود نگاه دارد در زندان نبود و زود از آن خلاص یابد و اگر کارکنی حامل آن لوح شود خصم از وی هزیمت کند و اگر کسی در معرض
دارد و دایم بر طهارت بود پس بر لوح شرح این وفق را رقم زند در اول ساعت روز پنجشنبه در حالتی که زهره و مشتری ناظر بود به نظر مودت
یا با آفتاب متصل بود به نظر محبت و با خود نگاه دارد طاعت و عبادت و امور دینی را محبوب شود و در دست و مال وی خدا برکت
برکت نهد و اگر این لوح را در میان اسباب و اقمشه نهند و در همه جمع آن محفوظ باشد و در سفر و حضر به سلامت باشد
و اگر این لوح را بر قدح چینی نقش کند و محموسان و غایبان را آب دهد با شاهد و ابیات و جمیع امراض و فکن بهداد مداومت کنند ایمن شود و
قوت حافظه وی بیفزاید و محفوظ شود از جمیع آفات و هر که آن لوح را با خود نگاه دارد از جمیع آفات و فتن محفوظ ماند و باید که وفق
حرفی را بنویسید و وفق عددی را بر ظهر آن رقم زند و در کتاب شمس المعارف آورده که هر که این اسم شریف را اکبر کرده به
خاتمی نقش کند و با خود نگاه دارد از هیچ چیز نترسد و اگر با وبا و بلا مبتلا شود از آن میان به سلامت بیرون آید و هم بستر
در حفظ حق باشد و تعالی باشد و در دل او ثابت و مطمئن شود و اگر حروف مکسر را با جمع وفق بیاورد افضل و اولی تا به
و کاکل و اقوی بود الرقیب در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم شریف را هفت بار بخواند بر اهل و عیال خود
نفث کند و به سفر رود تا وقت آمدن وی اهل و مال و ضیاع و عقارش محفوظ و محروس ماند و اگر عمل اقوی خواهد عدد حروف
مکتوبه یا مبسوطه وی را باید قرائت نماید الرؤف صاحب شمس المعارف آورده که چون صاحب ترس و خوف این اسم شریف
عدد مکتوبه یا عدد مبسوطه وی در بستان زمان ترس و هراس از وی زایل گردد و مطمئن حاصل شود الکریم
برای تسکین از خوف دشمن و تحصیل مهمات و عظمت در دل ها عدد حروف مکتوبه یا مبسوطه بعد بخواند در شرح
اسماء الله مذکور است که هر که شب در بستر خواب چندان این اسم را بخواند که در خواب رود نزد خلق و خدای عزیز و مکرم
شود المؤمن هر که با این نام شرایط مقرر به عدد مکتوبه یا مبسوطه مداومت کند از هیچ نترسد امان یابد و اگر شرایط
کتابت کند و با خود نگاه دارد و قرائت نیز کند از آفات و تاراج صوری و معنوی ایمن بود و شیاطین و جن و انس مسخر شوند
که بر وی مسلط نشوند و صاحب در النظیم فی منافع القرآن العظیم آورده که هر که با این اسم شریف شد و خوف مرتفع گردد
پس هر که ۱۳۶ بار بخواند یا به همین عدد بنویسد و با خود نگاه دارد شک و شبهه در امور دینی از دل وی برود و ما انه هم
ترسان و هراسان باشد ایمن و مطمئن گردد و هر که در وقت دیدن آنچه موجب خوف اوست چهار بار بگوید با شرایط من شر آن
چیز کفایت شود حمد و دفع اعدا و قطع خصمان المهیمن در کتاب در النظیم آورده که هر که این اسم شریف را پنج بار بر پنج حرف ها

بگیرد

و یقین بواسطه صورت المهیمن نقش کند و وقتی که قمر در شرف بود و هر گاه که خاتم را در انگشت کند ۱۰۱ بار این
اسم شریف را بخواند و بر سلطان جابر یا حاکم ظالم در آید از شر وی و از شر هر شیطان از جن و انس در عصمت و پناه حق
تعالی باشد الخافض در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم شریف را به نیت ظالمی که خلق خدای را آزار
در زبان او یکجا باشد هفتصد هزار بار با شرایط بخواند کارگر شود القهار هر که به نیت قلع و قمع اعدا
و استیصال الیشان هر روز ۳۰۶ بار به عدد مکتوبه وی بعد از ادای فرض بامداد بخواند مهمات کفایت شود و اگر
عدد حروف مبسوطه وی که ۴۹۹ است قرائت نماید در ظهور اثر قوی تر بود و دشمن عن قریب مغلوب و مقهور شود
و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم شریف را بسیار گوید دوستی دنیا و هول آن از دل وی بیرون رود و زایل
گردد المذل در شرح اسماء الله آورده که اگر کسی از ظالمی ترسد هفتصد و هفتاد بار این اسم را بگوید و سر به سجده
نهد که ظالم را بگیر و دو بگوید اللهم خذ حقی من فلان حق تعالی از شر ظالم او را کفایت کند و اگر عامل خواهد که اثر قوی تر بود به عدد
از آنچه مجرب شد عدد مکتوبه یا مبسوطه آن المهلک به نیت هلاک ظالمان و تخریب دیار ایشان به عدد ۲۸۱ بار
بخواند و بعد از آن سر به سجوده نهد و قلع و قطع دشمن را از حق تعالی بخواهد بزودی زود شر او کفایت شود حصول کفایت
مهمات و حل مشکلات در شرح اسماء الله مذکور است که هر که را حاجتی یا مشکلی پیش آید و خواهد که آن مشکل از پیش برخیزد
هر صبح و شام هفت بار بگوید حسبی الله الحسیب از خوف بر خیزد و آن مشکل حل شود و باید که افتتاح عمل از روز یکشنبه کند و اگر
عمل قوی تر خواهد هر صبح و شام عدد مکتوبه این اسم که هشتاد است قرائت نماید و اگر قوی تر خواهد عدد مبسوطه وی که
۱۳۳ است عدد اوست نماید الحکیم هم در شرح اسماء الله مذکور است که هر که را کاری مشکل پیش آید این اسم را بخواند
را بسیار گوید آن کار کفایت شود و این عمل به طریق اطلاق بود و اگر خواهد که عمل حصری کند هر روز عدد مکتوبه وی که ۷۸ است
بخواند و اگر عمل قوی تر خواهد عدد حروف مبسوطه وی که ۲۱۱ است هر روز قرائت کند الکافی در کتاب
شمس المعارف آورده که هر که این اسم شریف را در هر ساعت به هر مراد که خواهد قادر شود و در انتظار است به هر که بیاید
اسم او وقت نماید که چنین دفعه مراجعت کند و این عمل صاحب کتاب مذکور به طریق اطلاق گفته و اگر خواهد که عمل حصری
کند هر روز عدد حروف مکتوبه وی که ۱۱۱ باشد بخواند و اگر عمل قوی تر خواهد باید که عدد حروف مبسوطه آن قرائت
نماید الوکیل به تحصیل مرادات و کفایت مهمات و تسهیل هر کار این اسم را ورد سازد از جمیع آفات و مخافات ایمن باشد
و این به طریق اطلاق است اگر به وجه حصری عمل کند عدد مکتوبه وی ۶۶ است و عدد مبسوطه وی ۱۹۶ باشد الوهاب
صاحب در النظیم آورده که بعضی از علما گفته اند که اسم اعظم الله تعالی الوهاب است چنانچه در دعای حضرت سلیمان علی نبینا و آله
که حق تعالی از وی خبر داد قوله انک انت الوهاب و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که در فضای وسیع که خالی باشد
دست بر دارد و صد بار یا وهاب بگوید مهمات وی کفایت شود و هم حاجت وی روا گردد و اگر کسی در بند باشد بگوید
خلاص یابد و اگر عدد مبسوطه وی است حصن حصین و نگاهبان از دشمنان الشهید در شرح اسماء الله آورده
که هر که در وقت صبح دست بر پیشانی کند و سه بار بگوید یا شهید هر جا که فرزندان و زن وی باشند از آفات ایمن
و خواص و عوام و کمک این عمل بیاسکرد عدد حروف مکتوبه وی که ۳۱۹ است مداومت کند و در آن باطن
بیای خطاب شرایط کلامی و اگر تأثیر قوی تر خواهد عدد حروف مبسوطه وی که ۴۱۲ است به طریقی که مذکور شد
کند تا به مقصود فایز گردد العدل هم در شرح اسماء الله مذکور است که هر که این اسم شریف را در شب جمعه بیست و یک بار
بنویسد و تناول کند خلق خدای مسخر وی شوند العالی هر که با این اسم شریف مداومت نماید با شرایط کلامی خلق خدای تابع
و مطیع شوند الهادی صاحب کتاب شمس المعارف آورده که دو اعتبار حکومت و سلطنت داشته باشد بر شمرده بار یک یا

باید که باین اسم شریف مداومت نماید هر روز بعدد حروف مکتوبی وی که ... است و بعدد حروف ملفوظ وی
که صد و شصت و سه است و این اولیست مواظبت کند دمدم وی فرموده که این اسم بزرگوار از بعضی خواص منفرد است
از سایر اسما پس چون خواهد که کسی را مطیع و فرمان بردار خود کند باید که این اسم شریف را بسط و تکسیر کند بر این وجه ال
ادی بر اسم مطلوب را که سلطانست مثلا بسط و تکسیر کند بر این وجه س ل ط ا ن بر اسمین را یک یک
امتزاج دهد بر این وجه ... تا وقتیکه سطر اول باخر رسد پس آن سطر مکرر را حذف کند و حاصل باقی را
در مربع چهار در چهار وضع کند ... در ساعت مشتری در ان ساعت هشتم روز
یکشنبه است پس معمول را بعد از ... داشته در هر بار ... نگاه دارد و دایم بر زبان بتکرار
کند و در هر صد بار بگوید یا هادی من استهدی ... و ملکتی ناصیه و قلبه تعالی
عمل عجایب مشاهده کند در مطاوعت و منا... معمول له و اگر این عمل در ساعت اول یا هشتم روز پنجشنبه کند که ساعت
مشتریست از او اقوی بود و در این عمل چون بتکرار اسم قیام نماید عدد وی اطلاق بود نه حصری بخلاف عمل سابق هو شیخ
فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات که مشتملست بر شرح اسما حسنی چنین فرموده که بعضی از اهل تحقیق بر آنند که اسم اعظم
الله تعالی هوست چه وقتیکه خواهند در دعوات مبالغه کنند گویند یا هو یا من هو یا من لا اله الا هو یا من بهویته کل هو و این
طایفه را در این دعوت شواهد بسیارست پس طالب صادق اگر خواهد که بنوع باطن ... کند مراتب اسما باین اسم بزرگوار که اسم
ذاتست مداومت کند ... نفس او ... و ... باشد تا وقتیکه ... انوار هو ... مطلقه
روشن گردد و جمله این ... ظاهر شود و این صفت راسخ گردد ... اشیا و ... این اسم اعظم ...
کاعظم ... اسرار ... حضرت تحصیل حرمت و جاه و عزت
الجلیل در شرح اسما الله فقد وة المتکلمین مولانا یعقوب چرخی قدس سره مذکورست که هر که این اسم شریف را ...
دکلاب در ساعت سعد بر قدح چینی بنویسد و بشوید و بیاشامد در میان خلق عزیز و مکرم شود ... و اگر این اسم شریف
را بعدد مجمل وی ... بر قدح چینی بنویسد بدان وجه که مذکور شد و باب باران و اگر نباشد باب ... طاهر
بشوید و بیاشامد اثر و خاصیت وی انچه گذشت اتم و اکمل خواهد بود الرافع هم در شرح اسما الله فرموده که هر که
در ... دست ... این اسم را بگوید در میان خلق بزرگ شود و ... و اگر
بعدد مجمل وی ... و منفعت وی در انچه گذشت ... بود و در سایر اسما ... مناسبت ...
اعداد حروف مجمل ایشان ... در حصول ... العزیز هم در شرح اسما الله مذکورست
که هر که چهل روز متصل هر روز بعدد ... این اسم را بگوید ... عزیز و مکرم شود ... محتاج
خلق نگردد المعز این اسم عزیز ... خاصیت ... مداومت نماید العلی
هر که هر روز صد و ده بار باین اسم بزرگوار ... مکتوبی وی باشد ... باکرام ...
بالعلام ... از ... برکت مداومت ... این
اسم شریف ... در بیان خواص حروف مقطعات قران برسبیل اجمال و مفردات علی حده
صاحب کتاب در النظیم فرموده که مجموع حروف مقطعه قران سی کلمه و هشتاد و هشت حرفست و ان اینست الم المص
المر الر الر الر الر الر کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم الم یس ص حم حم
حم حم عسق حم حم حم ق ن و این عدد ... است که حمعسق را دو کلمه اعتبار کنند چنانکه
بعضی از علما این اختیار کرده اند و اگر مثل کلمه کهیعص کاو را از قبیل حاسبات ... دکلا

۲۹ باشد و چون کسی نظر بترتیب این حروف از حیثیت جمع و ترکیب بعضی را افراد یابد مثل ص و ق و ن و بعضی را مثانی
مثل طه و یس و طس و حم و بعضی را ثلاث مثل الم و الر و طسم و بعضی را رباعی مثل المص و المر و بعضی را خماسی مثل
کهیعص و حمعسق و این با سلوب و قاعده عرب نازل شده است چنانچه در کلمات ایشان واقع است و زبان بیان
از شرح حقایق و اسرار و منافع و اثار حروف مقطعه قران عاجز و قاصراست ... خواص ان اقتصار ... شد
در النظیم از ابو حامد محمد غزالی قدس سره نقل کرده که فرموده که بعضی عارفان ... که بادی حروف مقطعه
قرانی ... سوال کردم که این حیثیت ... کلمات این حروف ... ظاهر شده است ...
حقیقتا ... اذ ... بواسطه حل این کلمات ... در ... واکر حاجتی
... اجابت ... دشمنان ... میکند ... و ما روز ... نگاه
... این کلمات ... با اصل ... حضرت حق سبحانه و تعالی ...
... ابو حامد ... از این حروف علمی حاصل شد که هیچ شک و ریب در ان راه نیافت ... خواص این
... که هر که مجموع حروف اوایل سور قرانی را ... نقش کند ... در ساعات سعد ... باشم
... مقبول و محبوب قلوب گردد و بعضی از اکابر چنین فرموده اند که اگر کسی حروف مقطعه را باین ترتیب گوید که اللهم
بحق الم ذلک الکتاب و الم الله لا اله الا هو و بحق ... و القلم و ما یسطرون ... حاجتی که دارد ...
واحوزی ... مقررست ... نگاه
... ساعت اول روز یکشنبه یا چهارم دوشنبه ... یا پنجم پنجشنبه یا هشتم ...
باید ... در بیان خواص دو فقره کهیعص حمعسق یا یک بکو هر کس ترسان باشد از امری ...
حال بگوید کهیعص حمعسق لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از انچه ... ایمن شود ...
... در النظیم فرموده که ... خواص و منفعت ان ... است که هر که این الفاظ
... عقد اصابع ... شود ...
که عقد اصابع ... بحروف کهیعص ... این ایات واقع است ... عقد اصابع ... حمعسق
... این ایات واقع است ... مقدم ان ایات ... علیحق باید ... در
عقد اصابع ... کذلک ... من السما ... هشیما تذروه الریاح ح ه هو
الله لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم م ر ی یوم الازفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظالمین
من حمیم و لا شفیع یطاع ع ع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس ص ص ص و القران ذی الذکر
بل الذین کفروا فی عزة و شقاق ق ... از امام ... حاجت ... پادشاه ...
... و ... و کرامت ... در بیان خواص فقرات اربعه و خمسه و ستة از مقطعات
اما فقرات اربعه ... الم طسم کهیعص حمعسق الله لا اله
الا هو رب العرش العظیم اسکن کهیعص ذکر رحمت ربک عبده زکریا اسکن بالذی ان یشا یسکن الریح فیظللن
رواکد علی ظهره اسکن بالذی سکن له ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم اما فقرات خمسه اگر ...
... از قطاع الطریق ... اللهم احفظ ... صلی الله علیه ... بالنصر ...
بالمص و کهیعص و حمعسق و ق و القران المجید و ن و القلم و ما یسطرون ... دشمن ... با ایشان ...

الرحمن المطعم المعتق المنعم الزكي الرعصم المرطس الرحيح الرطسم المطهص المحم المبيتق المحيح وحفه

۳۲۹ ۱۱۵ ۳۵۱ ۲۰۹ ۲۶۶ ۴۳۱ ۳۴۰ ۲۹۷ ۳۴۵ ۱۷۴ ۱۵۹ ۲۴۱ ۱۲۷ ۳۳۱۵

۴۵۳

۲۹۱۲

اما فقرات سته بجهت رفع صرع دركوش مصروع بخوانند از ان مرض خلاص شود و اينست بسم الله الرحمن الرحيم المص كهيعص طه والقرآن الحكيم حمعسق ن والقلم وما يسطرون **در بيان خواص مقطعات فقرات ثلثه عشر** در خواص ابن تيمي آورده كه هركه الم البقرة تا هم المفلحون و الم الله لا اله الا هو الحي القيوم المص كهيعص طه طسم حم عسق ن ص حم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم ق ن مجموع را با سوره فاتحه بروقت آنكه بوحيد عشند در زعفران و گلاب در شب جمعه چهارم يا يازدهم از هر ماه كه باشد بعد از نماز خفتن و ان نوشته را در ظرفي نهند از فضه يا مس كه يكطرف وي بند باشد و يكطرف ديگر را بموم كافوري بندكند پس هرگاه كه از ان اب بازخورد راست شود با طهارت كامل و لباس نظيف عزت و مهابت و قبول وي در دلها و نظرها بسيار شود و باطن وي قوي گردد و دل وي ثابت و مطمئن و دلير شود و هيبت عظيم از وي در دلها ساري كند و اگر فقير بود غني شود و اگر مجبوس بود خلاص گردد و اگر ان ان را بر طفلي بندد ذكر آن چيزها در خواب و بيداري نترسد و بسيار سبكي يابد از ترس و نرم از وي زايل شود باذن الله تعالى **در بيان خواص فقرات اربعه عشر مقطعات** الم المص الر المر كهيعص طه طسم طس يس ص حم حمعسق ق ن صاحب در النظيم از شيخ شرف الدين ابو العباس بوني رحمه الله نقل كرده كه هركه بنشند در زعفران و گلاب كتابت كند در روز شنبه كه قمر در وقت ببيت النور بعد از ان بشويد و بخورد چنين باز بر جاي تن محو كند و باشامد و قدري از ان در چشم كشد در ان سال از زحمت ايمن گردد و ببركت غرايب ابن حروف **در بيان خواص فقرات خمسه عشر از مقطعات معرا از ايات** صاحب در النظيم آورده كه هركه حروف الم المر المص الر كهيعص طه طسم طس يس ص حم عسق ق ن بر خاتم نقره نقش كند در پنجشنبه اول ماه رجب و ان را انگشتري كند اگر خايف بود از جباري يا از ظالمي ايمن شود و حال اين خاتم اگر بر سلطاني در ايد بنظر وي بزرگ نمايد و مهابت وي در دل ان سلطان اثر كند و هر مراد كه خواهد بي توقف برآورد و اگر اين خاتم را بر كسي فرو آيد تاكه بجهت آنكه تب ... و اگر نقش اين خاتم را در ديك كرده ... سيلاب شود ... ان تشنگي از وي رفع شود و عطش زايل گردد و اگر اين خاتم را كسي با نفس ... و عبادت ... حافظ وي ... و صاحب تصرف گردد و اگر زني ... آن كودك ... **در خواص فقرات خمسه عشر از مقطعات محلي با آيات** صاحب در النظيم از شيخ شرف الدين بوني رحمه الله نقل كرده است كه هركس كتابت كند ... المص الم البقرة تا هم المفلحون و الم الله لا اله الا هو الحي القيوم و المص كتاب انزل اليك ... و القرآن الحكيم ... والقرآن المجيد ... ان هذا القرآن ... و كهيعص ذكر ... طه ما انزلنا ... طسم تلك ايات الكتاب المبين ... حم تنزيل ... ق والقرآن المجيد ... ن والقلم ... تا الكتاب الحكيم ...

... و قبول تمام ... در قلوب جميع مردمان پيدا شود و اگر فقير و فقد ... باشد ... و خوف داشته باشد ايمن و مطمئن گردد ... و اگر ... باشد از ... در شب ... و صحت ... يابد ...

بالک بود

دماس بود و حقيقتها ميتوانند او را شوهر شايسته بكرامت فرمايد و ان شوهر را بوي راغب و مايل گرداند و اگر ان اب را نه ... نباشد و اگر ان تن ... صاحب دكان بسيار شوند و ان دحام كنند و اگر بر حمامي ... مردم انجا بسيار رغبت نمايند و اگر بر طفلي بندد از جميع افات ايمن شود و از شر جن و انس مصون باشد و حق ... هر دعا كه كند مقرون باجابت شود **در بيان خواص الم البقرة و الم ال عمران** هركس الم البقرة تا هم المفلحون در دو تخته اول نماز بامداد چيني پاك با ظرف زجاجي ظاهر بنشند در زعفران و گلاب كتابت كند پس نوشته را با اب چاه ... بشويد و بعد از طعام بخورد ... از ان اب شربتي ديگر ... و ان طعام اشتها ... حافظه وي بيفزايد ... و فهم ... ثابت گردد و نفوذ معرفت در باطن او ظاهر شود **در اسرار الم ال عمران** در خواص ابن تيمي و در النظيم ناقي رحمه الله تعالى مذكور است كه هركه حروف الم الله تا الفرقان در ساعت دوم از روز پنجشنبه ... نقش كند در نگين انگشتري نقد در بطهارت كامل و نظافت لباس ... در پادشاه يا حاكم ... از پادشاه و حاكم ... هر حكم كه كند نافذ افتد ... و اعدا مغلوب و مقهور شوند ... در نگين انگشتري نقد ... مادام كه ... صدق و صواب ... و اقبال كند ... و اگر اين حروف را تا الفرقان كتابت كند بر كاغذ سفيد پاك بمشك و زعفران و گلاب و ان را در ابريق ... در كودك طفل ... **خواص المص كه در اول سوره اعراف است** صاحب در النظيم آورده كه هركه ... افعال و اقوال وي مقرون بصلاح ... و مصالح امور ... و اخلاق وي مهذب شود ... كه حروف المص را تا ما تذكرون بر صحيفه نقره ... در نگين خاتم ... تا مقصود حاصل شود ... در كتاب ... آورده كه هركه حروف المر ... بر صحيفه ذهب ... كتاب بايد كه طالع وقت برج حمل باشد و آفتاب در وي ... و با خود نگاه دارد عزت و شرف و جاه ... مسخر وي شوند ... و معتقد شوند ... ان دعا ... ببايد داشت

در خواص آنكه اول سوره يونس است

صاحب در النظيم آورده كه هركه خواهد كه امر وي ... بود و قول وي نافذ و خلق مطيع و منقاد

وی شوند باید که ایام البیض از ماه شعبان روزه دارد و بخیر و نان و جو و سرکه روزه افطار کند و چون شام روزه سیم
روزه بگشاید بعد از نماز شام مستقبل قبله بنشیند و بذکر و صلوات بسیار مشغول شود تا از نیم شب نماز تهجد
بگذارد و بعد از آن دو رکعت نماز تسبیح که مشهور است بگذارد و چون از نماز و تسبیح فارغ شود این حروف را با اسم
که بعدد آن است الی قوله تذکرون بر کاغذ پاک بنویسد با بر اس در زعفران و در بعضی نسخ بجای آب اس گلاب است و چون
بنزدیک رسد در زیر بالین نهد و بخواب کند و چون صباح شود بعد از ادای فریضه بام آن ملتوب را بر آب بشوید و
آب را بخورد در جهان خلق بقرآید و جاه وی منتشر شود و زبان وی بصدق و صواب و آنچه صلاح سالک بر آن است
جاری گردد و در نظر خلق مهیب نماید و مقبول و مطاع شود **خواص الرکه در اول هود است** صاحب در النظیم
آورده که هرکه این حروف را با جمله آیت که بعد از آن است المقصود بقدر یک بسم بنویسد در وقت طلوع فجر بمشک و گلاب
اتکاه باب جگاشیر محو کرده چهل روز هر روز بر ناشتا بخورد و تمام عمر او را ذکر علوم الهی
شود و حفظ وی در فهم اشیا و دقیق نکات قوی گردد و حفظ قرآن و غیر آن بر وی آسان شود **خواص المر**
از سوره رعد صاحب در النظیم آورده که هرکه این حروف با آیه که بعد از آن است تا یتفکرون بر چهار بر کند بچوب
بنویسد و در چهار زاویه منزل دفن کند اگر آبادانی آن منزل خواهد و در چهار رکن باغ و مزرعه یا دکان و غیر آن دفن
کند حق سبحانه و تعالی خیر و برکت و جمعیت در آن موضع پیدا کند و میوه باغ و دانه مزرعه او فراوان و دانا را آفات
و از مضرت نگاه دارد **در خواص کهیعص و خاتم وی** حکیم فاضل ابن وحشیه در کتاب هیاکل و تعابیر چنین آورده
که حکمای مصر بر آنند که چون حروف کهیعص را جمع کنند در لوح مربع بقلم طبیعی و عربی و هندسی بر وجهی که در آخر گفته
خواهد شد و کسی حامل آن شود فواید و منافع بسیار دریابد و باید که وقت عمل طالع برج ثور باشد و قمر در برج ثور
یا در برج سرطان که در آن طالع است و سالم باشد از رجعت و احتراق و در آن وقت بخور کند بعیر و عنبر که بعد از تمام عمل آن نقش
را در حرز قرار پاک پیچد و باید که این لوح را بر خاتم سازد از نقره نقش خالص یا مس بزند و قرز ند هر که آن خاتم را با خود نگاه
دارد عجایب و غرایب مشاهده کند که زبان از بیان آن قاصر و عاجز آید و در الفت و محبت خلق و تسخیر قلوب قوی باشد
و در قضای حوائج و طلب جلب رزق و قبول القلوب و دخول سرایت در بدن الحامل و حصول فرج و سرور و کثرت خیر و برکت در
امور دنیا و آخرت بسیار نافع و مفید باشد و سزاوار آن است که حامل این خاتم رفیع همیشه پاک و طیب و طاهر بود و
دایم با وضو و نظافت لباس باشد و در حالت جنابت و عدم طهارت البته همراه این خاتم نکرده و با خود نگاه ندارد
که از جمله اسم اعظم الله تعالی است و از اسما مکنونه مخزونه الهی که از خلق محجوب داشته است از جمله خواص این خاتم مبارک
آنست که چون کسی بوقت خواب در زیر سر نهد در خواب ببیند که از وی هرچه سوال کند از امور مخفیه عالم جواب یابد
شود و اگر در زیر سر نهد هرچه در حدیث اری کرده باشد بخواب اظهار کند و اگر و کسی حال غایب مشکل شود و خواهد
که مرده است یا زنده چون این خاتم را در زیر سر نهد بخواب رود و دانا خبر باید که با وضو و طهارت کامل بود و در
خواب ببیند که از حال آن غایب خبر صحیح دهد و هرچه غیر از این پرسد جواب گوید بوجهی که خاطر وی قرار گیرد و
عاقبت امری پرسد بانچه واقع خواهد شد خبر درست دهد و اگر دروغ نهد و فتنه شک دارد هم در خواب از حقیقت
حال آگاه گردد و برای دفع هر مشکلی که دارد از امور دین و دنیا چون این عمل بجا آورد و خاتم را در زیر سر خود نهاده
خواب کند بطهارت کامله بواسطه معجز غیبی آن مشکل مرتفع شود و این خاتم را در استخراج کنوز و دفاین و خبایا
اثر عظیم و دخل قوی است زیاده از آنکه بتحریر و تقریر در آید پس باید عامل بتجربه مشغول شود تا حقیقت قول مارک
مکشوف شود و اگر اثر متفرع نشود از تقصیر عامل است در رعایت شرایط و آداب و از جمله شرایط کتابت و نقش و...

ابن لوح بزرگوار آنست که وفق حرفی را بظاهر بنویسد که فعل و آثار آن بخاصیت و کتابت آن موقوف نیست بر اختیار کردن
اوقات و ساعات و وفق عددی را بباطن یعنی ظهر آن بنویسد که فعل و آثار آن بطبیعت و کتابت آن منوط است باختیار نظر
علویات و رعایت ساعات و صورت الواح تلک ایست

نقش ... تقدیم ... کتب ...

ق	س	و	ح	ع
ع	ح	لو	۹	۴
۴	ح	ق	س	و
۹	حار	ق	ص	۱
۴	۹	۴	ح	ق

در بیان خواص حروف طس صاحب در النظیم فرموده که هرکه نقش کند بر لوح
زر و صفحه یکی از اشکال در شرف باشد با یک جای با وجهی از وجوه نه حرف طا و نه حرف ها بعد بجمل ایشان بر این صورت
طططططططط ههههههه و آن لوح را با خود نگاه دارد و جبابره و ظالمان در آید مغلوب و مقهور
وی شوند و جن و انس مطیع و فرمان بردار گردند و جمله اعمال او محبوب حامل لوح شود و هر اعمال شر موجب نفرت وی
گردد و اگر صاحب صداع این لوح را بر خود بندد درد وی شفا یابد و اگر این لوح را در ظرف آب باشد و کسی
از آن آب بیاشامد باطن وی منشرح گردد و از امراض باطنی خلاص شود و در نفس و مال خود خیر و برکت و جمعیت بسیار مشاهده
نماید و لا بد است که این کتابت را در روز دوشنبه کند از ماه با صحیفه بایست و هفتم و حامل وی از زهر و هوام و نقش حیات
و لدغ عقارب محفوظ و محروس باشد و هر که این لوح را حامل شود و طهارت بدن و نظافت لباس مرعی دارد مبتلا
گردد و هر که این حروف را بر ورق پاک بنویسد و در موضعی که معصیت می کند جای که پاکیزه باشد بنهد حق تعالی اسباب معیشت
وی را باسهل وجوه میسر گرداند و اگر در وقت خواب در زیر سر خود نهد از خوابهای پریشان و احلام ردیه ایمن باشد
و خوابهای نیکو بیند که موجب فرح و سرور وی گردد و گاه باشد که حضرت رسالت پناهی محمدی را صلی الله علیه و آله
در خواب بیند و در کتاب در النظیم و خواص ابن تیمیه آورده که هرکه حروف طس را با صفت آیه که از عقب اوست القصص اللهم
الحسنی بر زعفران و کافور و گلاب بر انا و مهره یا چینی پاک بنویسد و آن را شسته با روغن البان که در آن خوشبوی است و
دره یا رعوب مستعمل و با روغن مخلوط معروف در بادیه محو سازد و اگر آن روغن مهیا شود بدین کل با بنفشه یا هم
روغن که باشد بکار برد و پیش از آن روغن معمول غالبه سازد و قدری عنبر و کافور اضافه آن کند در وقت احتیاج
بر پیشانی و میان دو ابروی را چرب کند بان و پیش آید قبول قلوب و عزت و جاه و کرامت عظیم یابد و هر کرا نظر بر وی افتد
وی را دوست گیرد و مطیع و منقاد وی شود **در خواص حروف حمعسق** ابو حامد محمد غزالی نقل کرده است که بعضی عارفان
گفته اند که چون حق سبحانه و تعالی حضرت رسالت را صلی الله علیه و آله مبعوث گردانید و حمعسق را بوی فرستاده
دانستم که در ضمن آن سری عظیم است از اسرار مکنونه الهی و بجا آوردم و خود ساختم در هر شدت و بلیتی و خوفی و رنجی که بآن
توسل جستم و هم من کفایت شود و آنچه بسته بود مطلق گشتم و ابواب رزق و برکت بر من مفتوح شد **در بیان**
خواص حم مؤمن صاحب کتاب در النظیم فرموده که هرکه حروف حم مؤمن را با دو آیه که بعد از اوست الی قوله تعالی
المصیر کتابت کند و با خود نگاه دارد هر جراحت و قرحه که در بدن داشته باشد التیام یابد و بالتمام زایل گردد **در خواص**
هم صاحب در النظیم آورده که هرکه خواهد اشجار و اثمار و مزارع باغات وی معمور و سالم باشد و برکت در حاصل ...
شود باید که بگیرد از اول باران که در فصل ربیع پیدا شود و در ظرف نو و روغن داده با آن ... بر جای پاکیزه که هنوز مستعمل

شده باشد ضبط کند و حروف ق ف را بازده فایده کرد انعقاد اوست الی قوله نعم الخروج بوصفت رقعه بمثل ... عزاید
کلاب نوشته باید که بر هر رقعه مجموع این ابیات نوشته شود پس بالای آن بار این هم رقعها را بشوید در وقت طلوع فجر و باید که
در حین تلاوت هفت بار این آیت را تلاوت کرده باشد پس آن آب معمول را در اول شب در بیخ درختان بریزد و باید در زمین
پراکنده ریزد تا آن درختان ازان سوده و تازه شوند و اگر میوه دار بود میوه بسیار آورد و از خطرهای آن زائل شود و آن آب
عزایم این باشد و به جهت نیکی ... و در آن مزرعه ... حاصل آن محفوظ ماند و ...
بر مغز و باید ... بکمال ... **در بیان خواص حروف نورانی** بدانکه حروف باعتبار وقوع آن در اوایل سور
قرآن و عدم وقوع منقسم بدو قسمند اول نورانی دوم ظلمانی اما حروف نورانی که آن را حروف عالیات نیز گویند عبارت
از حروف مقطعات قرآنیست که در اوایل سور واقع شده و جمع آن چهارده حرفست که از اسماء حسنی او تعالی بانتزاع
ایشان ثبت یکی بیان اسم شریف الودود و حروف نورانی بعد از حذف مکررات چهارده است **ا ل م ر ص ی ک ه ع ح**
ط س ق ن و این ترکیب شامل این حروف است علی صراط حق نمسکه صاحب کتاب التحفه رحمه الله آورده که حروف جامع
و اینها مقطعات قرآنی از برای دفع عقارب عظیم نافع است و ... بجام زجاجی با قدح چینی نقش کنند و به آب محو
شربت محو کنند و بیاشامند فی الحال درد ساکن گردد و همچنین گفته که حروف مقطعات قرآنی باعتبار جمل اشاره ثمر جهت
ا م ه ط و باعتبار جمل مغاربه بجهت این چهار حرف **س** و حروف پایه آن باعتبار جمل اشاره قرآنست **ک س ق**
و باعتبار جمل مغاربه هم سه است **ص ک ق** و این حروف حاره با سه بعد از حذف مکررات هشت است **ا م ه ط ک ص ر ق**
و اینجمله معمول به است ... صاحب کتاب التحفه آورده که حروف بارده در طی مقطعات قرآنی از برای ... حیات ...
مفید است چون بجهان ... عمل کنند ... و جمیع حروف باردهٔ مقطعات قرآنی باعتبار جمل اشاره سه است
ص ی ن و باعتبار جمل مغاربه **ی ن** و حروف رطبه آن باعتبار جمل اشاره چهار است **ل ع ح** و باعتبار
جمل مغاربه همان چهار حرفست و این حروف بارده و رطبه بعد از حذف مکررات هفت است **ص ی ن ل ع ح** و
معمول به است و شیخ بوعلی رحمه الله نقل کرده که هر چهارده حروف نورانی را بر خاتم فضه نقش کند طالع ... قمر ...
بود و بیان ... جمیع مرادات وی ... ساخته گردد ... و هر که ... از ... خالی شود و بعضی از ...
صحابه رضی الله عنهم ... حروف چهارده که از نورانی ... کتاب ... از دست ... حفظ مال
و متاع خود ... بعضی از ... چون ... چهارده که ... انشاء الله
که کتاب ... این حروف ... از ... کتاب ... باشد ...
اند ... حروف ... جمع و ... و بعضی از علمای این فن
حروف مذکوره ... حروف ... هفت است **ا ص ع ک ل ن م** که لفظ ...
از آن مرکبست و حروف ... هفت **ح ر س ط ق ه ی** که لفظ ... از آن مرکبست و از مجموع حروف چهارده ...
الفاظ حکیم له سر قاطع ترکیب یافته و ... حفظ ... **اما حروف ظلمانی**
که عبارتست از حروف ظلمانی و آن نیز چهارده است که از آن نیز ... **ب ت ج د ذ ش و**
که لفظ ... ضد جت از آن مرکبست دوم ... و آن نیز هفت است **ث خ ز ش ظ غ ف** که لفظ ... شخظ ...
از آن مرکبست و اگرچه این دو لفظ ... اما بجهت ... حفظ این ترکیب ... و هر گاه که ...
محبت و الفت و جاه و رغبت کند باید که توسل بحروف ... کند و هر گاه که ... اعمال ... عداوت و ...
نماید باید که متوسل بحروف ... شود و هر گاه که حروف ... امتزاج دهد ... در اعمال الطف او ...

و اکمل بود و هر گاه که حروف ... را با ... پیامبر ... در اعمال ... اشد ... و هر گاه که حروف ... با ...
و علوی را با ... مزج کنند از آن صورت هیئات اعتدالی پیدا شود که ... متوسط ...
طریق کتابی و کلامی در هر عمل از اعمال متضاد باید که این اقسام اربعه را ملاحظه کرده کتابت و قراءت اسماء الحسنی و آیات
کریمه ... که از حروف ... مطلوب غالب ... محمد صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین ...
کرده والله التوفیق **در بیان خواص حروف نواطق و صوامت** بدانکه حروف باعتبار ... نقاط و عدم آن منقسم
بدو قسم ... حروف منقوطه که ... معجمه گویند و قسم دوم صوامت یعنی غیر منقوطه که آن را حروف
مهمله گویند اما حروف نواطق و آن پانزده است و اینست **ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق ن ی**
... حجاب ... است ... مراتب ... نقطه ... حجاب ...
ظهور ... مخصوص ... اجمام ... حجاب ... مخصوص ...
و صاحب ... آورده است که این حروف پانزده که نواطق ... اسم مرکبست **ثبت حجذ زشض ظغف قنی**
و هر گاه که این اسماء را ... وقت طلوع آفتاب ... و کلاب ... در ...
... یا ... یا ... یا ... یا ... یا ... یا ...
سخن ... **اما حروف صوامت** و آن
سیزده حرفست ... حروف ... از علمای این فن ... چهارده باشد ...
ا ح د ر س ص ط ع ک ل م و ه لا و صاحب ... آورده است که از این حروف چهارده ...
مرکبست **احد رسه صطع کل موهلا** و هر که این اسماء را ... کتابت کند ... یا وقت خسوف یا کسوف
... در ...
...
... **خواص حروف مواصلات و مفاصلات**
شیخ اعظم ... در کتاب ... آورده که حروف باعتبار انفصال ...
... مواصلات ...
... **ا د ذ ر ز و** ... مفاصلات ...
... مواصلات ...
... مفاصلات ...
... مواصلات ... مفاصلات ...
...
...
و اگر این حروف را ...
...
... **در بیان خواص حروف الارکان** صاحب ...
...
...

١١٨

از ارکان اربعه خواص و فواید بیان کرده و ان مربع مجرب است در منازل و اسماء و ارقام اینست که حروف مقصود و مزبور شده

و فرموده که هر که حروف رکن اول را که ترکیبش اینست **امهطمفش**

بر جامه بنویسد و در آتش افکند بنام موضع آتش و در آن موضع افتد و اگر

بنام پادشاهی بنویسد مطیع و در زمان بیمار شود و هر که حروف رکن

دوم را که ترکیبش اینست **فصغظلکفن** با سر بچهار بنویسد

بر کاغذی بنام غایب در موضعی تاریک دفن کند و در وقت کتابت

نام غایب و مادرش بر زبان راند و اگر در ذیل آن حروف بنویسد

عجب باشد بعد از آن غایب خبر بیچیح باید و بر وجهی از وجوه با احوال

وی مطلع شود و هر که حروف رکن سیم را که ترکیبش اینست **ثلریبنو د** بر پوست آهوی بنویسد بر کوسفند و در

موم کرده بر دام بندد حیوانات بحری و صحرایی بدان دام آیند و با سالک ایشان ازوان کوفت و اگر حروف رکن چهارم را که

ترکیبش اینست **جزی تجث ذ** بسیار خواند و هیبا بعد از آن بدین جذب ... کند که در وقت خواب از زمان ... که

کند دیده قوت دهد و هر قوی ظاهری و باطنی را تقویت کند **در بیان ترکیب سبع ممزوج حروف** بدانکه شیخ شرف

الدین ابو العباس بونی رحمة الله علیه در کتاب تعلیقه کبری از امتزاجات طبیعه حروف که بوضع چهار مرتبه از بنی معادیه

تعیین کرده هفت امتزاج بیان نموده در بیان سبعه مترجم خواص و منافع بیان فرموده طبایع حروف چهار معروف این است

حروف ناری **ا ب ت ث ج ح خ** حروف هوایی **د ذ ر ز ط ظ ک** حروف مایی **ل م ن ص ض ع غ**

حروف ترابی **ف ق س ش ه و ی** و طریق امتزاجات آنکه حرف اول از حروف هر عنصری بگیرد و یکجا ترکیب کند و این امتزاج

اول بود و حروف دوم از هر عنصری بگیرد و ترکیب کند و این امتزاج دوم بود دوم چنین تا آخر و آن امتزاجات هفتگانه که

خواص ایشان اینست **ا د ل ف** **ب ذ م ق** **ت ر ن س** **ث ز ص ش** **ج ط ض ه** **ح ظ ع و** **خ ک غ ی** در بیان حروف

متواخیه و آن هیجده است **ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ** صاحب

در مکنون فرموده که هر که این هیجده حرف را مجتمع در زعفران و شیره نان بنویسد و بر جامه بندد و همیشه نگاه دارد خاصه در

وقت مباشرت شوهر البته سیر ... و این حروف در اعمال از برای محبت و الفت و اخوت عجایب نافع است چون شرایط و آداب

کما ینبغی قیام نماید **در بیان خواص حروف الجان** صاحب در مکنون آورده که نه حرف که آن را حروف جان گویند

محبت انگیز چهار اسم از ان ترکیب میباید که آن اسماء با صحبت از جنیان مکتوم است و آن حروف نعمان استقاط ... اینست

د ذ ص ض ق خ ک ل م و و از این حروف عشرة در وقت ترکیب اسماء اربعه سه حرف که **د ل و** است مکرر شود

و دال سه بار و لام سه بار و واو یکبار و آن اسماء اینست ١ **د لذ ل** ٢ **صدضص** ٣ **ففکف** ٤ **لمود**

پس هر که این حروف و این اسماء را با خود نگاه دارد از مضرت جن و علت صرع و بحیت بند خوف و دعشه و امثال آن محفوظ گردد

و اگر بر طفلی بندد که در خواب بترسد و یا ... از ترس آن ایمن گردد و اگر دو دکی نیک ... و اضطراب او بنویسد

این حروف را با خود نگاه دارد و آن رعد غد و تحت ... **در بیان خواص حروف اصول** ...

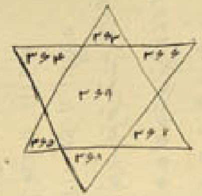
صاحب در مکنون آورده که پنج حرف که اصل حروف عربیه است و باقی حروف بیست و سه گانه از این پنج حروف صورت

یافته و تحقیق و تفصیل آن در کتاب در مکنونه ایراد یافته و شرح آن مناسب این مقام نیست چه مقصود ماذکر حروف و اسماء و

آیات است و حوده قران عظیم حل از ... کرده به مجرد بیان خواص این حروف اکتفا نماید و آن حروف اینست **ا ج ر م ن**

و در آن کتاب آورده که هر حرفی از این حروف خمسه را اسمی است از اسماء الحسنی که چون عامل قصد عمل کند باید که آن اسماء را

باان حروف



مربع ذو الجلال والاکرام ...

٢٧٤	٢٧٨	٢٨١	٢٦٧
٢٨٠	٢٦٨	٢٧٣	٢٧٩
٢٦٩	٢٨٣	٢٧٦	٢٧٢
٢٧٧	٢٧١	٢٧٠	

٢٨٤

و این حروف جمع سازد و فرموده که این حروف با اسماء خود در لوح المحفوظ بدین صورت مرقوم است

لا جرم پس هر که این صورت را بشناسد و در زعفران بنویسد و با خود دارد از همه آفات و عاهات در

امان حفظ باشد و هر که این شکل را بر خاتم عقیق نقش کند و دایم در انگشت خود کند هیچ جلا

هیچ سحر بروی کار نکند و اگر بر وی سحری کرده باشد چون آن خاتم کند سحر باطل شود و اگر کسی

این شکل را بر نگین ذهب یا فضه نقش کند در وقتیکه آفتاب در شرف باشد صاحب این خاتم در نزد سلاطین و اشراف عزیز و

مکرم باشد و خواص این شکل بسیار است و از خوف اطناب چه اینقدر را اختصار رفت و هم صاحب در مکنونه شکل جامع

این حروف خمسه را اسماء ایشان مشتمل بر چهار ده الف و هشت جیم و سه راو شش نون و دو میم با آن اسماء ایشان ... اعداد ...

نموده و فرموده که هر که این صورت را بشناسد و تجربه ...

و کلاب بنویسد بوقت طلوع آفتاب و رو نگیند و با خود نگاه

دارد اطفاء غضب عامل ... کرده و از عاجز

و سواد پید اشود ... و مدت ... از میان ...

و هر که این شکل را با خود نگاه دارد ابواب رزق و روزی

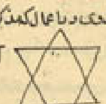
بروی مفتوح شود و اسباب رزق بسیار شود و عامل این

شکل از آفات و مخافات و حوادث و ... محفوظ از

مرکب معاملات سالم و ایمن ماند و اگر کسی این شکل را بر نگین

ذهب نقش کند در وقتیکه آفتاب در شرف باشد اثر **در بیان خواص اشکال سبعه و اشکال اسم اعظم الله تعالی**

و خاصیت وی در اعمال که مذکور شد قوی تر گردد

اینست  ... ١١١١ ه ... صاحب شمس المعارف آورده که حضرت

مقتدی امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة والسلام در صفات و خواص اشکال سبعه

یازده بیت نظم فرموده اند و از آن جمله اند این پنج بیت **ثلث عصی صففت بعد خاتم**

علی راسها مثل السنان المقوم **و میم طمیس ابتر ثم سلم** **الی کل مطلوب و لیس بسلم** **و اربعة مثل الاصابع صففت** **تشیر الی**

الخیرات من غیر معصم **وهاء شقیق ثم واو منکس** **کانبوب حجام و لیس بمحجم** **فیا حامل الاسم الذی لیس مثله** **توق به کل المکاره**

تسلم و در کتاب جفر جامعه که منسوب بحضرت امام همام ابی عبد الله جعفر الصادق علیه السلام اعظم ... فرموده است که

هر که شکل سبعه را در صحیفه با خود نگاه دارد در میان اسعد ... از غرق و حرق و سرقه ایمن و سالم ماند و در

کتاب شریف حضرت امام علیه السلام ... و وسط این خاتم که شکل ... ... و در حصول

شیء ... و ... و صورت نقش اینست و از ذو النون مصری قدس الله سره منقولست که این اشکال سبعه متضمن



اسم اعظم الله تعالی است و عجایب سریع الاجابت چون ... و ... و ... و ... و ...

و مهیت ... که این اشکال سبعه را در سه چیز امتحان کردم از شمشیر ... اول ... کشتی باشد الا آنکه بسلامت

ساحل آید و از شکستن و غرق شدن ایمن ماند دوم در هیچ خانه باشد الا آنکه از سوختن و دزدان خانگی محفوظ ماند سیم آنکه

میان هیچ متاعی باشد الا آنکه از سوختن و آفات سفر و ... قطاع الطریق بسلامت ماند و اگر این اشکال را بر متاعی بنویسند از آفات

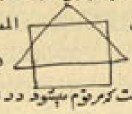
زمان ایمن ماند و ابن ... رحمة الله علیه گفته است که این اشکال سبعه را بر بضاعت و متاع تجارت بنویسند باید که از عقب

این دعا و آیت را نیز بنویسد تا حرز ... بود ... بضاعت و متاع ... دعا اینست یا حافظا لا ... لا تخف





یا من له الاسماء الحسنی احفظ هذا الشی من جمیع الآفات بما حفظت به الذکر فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون بحقک یا ارحم الراحمین **اما اشکال اسم اعظم** صاحب در النظیم اورده که خط مبارک شیخ عارف کامل محقق ابو الحسن الشاذلی قدس الله روحه دیده ام که نوشته است که نزد بعضی از عرفا شایع است که اسم الله اعظم دو قسم من اقسام الله الکریم این اشکال است بدین صورت



المبلغ [illegible] ١١١١ [illegible]

دوم صاحب در النظیم اورده که بعضی از محققان ٥ [illegible]

یاد کنند که اسم اعظم الله عبارت از این اشکال است که مرقوم میشود و در این جا سه نوع و آن اینست

ف د ٢ [illegible] ١١١١ [illegible]

[illegible] و نا دوم صاحب در النظیم اورده که بعضی دیگر از محققان یاد کند که اسم اعظم این اشکال است

پس هر که این اشکال مذکوره را بشرایط و اداب کتابت کند و همراه خود دارد بر جمیع مرادات فیروز گردد ان شاء الله تعالی و تقدس **در بیان خاص حروف عجمیه** صاحب کتاب در مکنون در اول کتاب خود اورده که حروف عجمیه چهار است و آن عجز حروف عربیه است و در لغت عرب این حروف نباشد صورت این حروف بخط جدید بدان عجم اینست **چه به ژ گ** و هیئت این بخط قدیم اعجمیان اینست **[illegible]** و محقق بدانکه خواص این حروف اربعه بخط قدیم اعجم متفرع است پس هر که این حروف را کتابت کند بر جبهه انسان بر یکثت صمیم و قنیکه بر سنار باشد آن انسان در آن روز محفوظ باشد از مرض جن و انس و جمیع محن [illegible] کار کند و هیچ کس او را در آن روز و از سایر موذیات بیرون نکرده و حال این حروف در میان خلایق وجیه و مطاع باشد و اگر این حروف را بر جبهه طفل بنویسد در خواب و بیداری نترسد و اگر بر حریر سفید با مشک و زعفران بنویسد [illegible] و بکند [illegible] کند در میان مردم مهاب و مطاع باشد و خلق از وی بترسند و در زبان بر داری شوند و ابواب رزق و روزی بروی مفتوح گردد و نزد سلاطین و حکام و اشراف اعتبار تمام پیدا کند و معشوق مطلوب شود و اگر این حروف بر ورق ترنج بنویسد و در دهن زن یا کسی انداز... [illegible] ... بر جبهه و جبین ما الله [illegible] نظر بوی افتد محب وی شود و از هر که حاجتی خواهد بی تامل و توقف بدهد و اگر بدانند بر هر چهار یکجا در آب اندازد عضب وی فرو نشیند و در مقام شفقت و مرحمت شود باذن الله و خواص این حروف بسیار است اینجا بقدر احتصار کردیم **در بیان خواص حروف هندیه** هم صاحب در مکنون در اواخر کتاب خود اورده که اصول حروف هندیه ... است موافق [illegible] هندی و آن عجز حروف عربیه و عجمیه است و بخط ایشان صورت این حروف اینست **[illegible]** **[illegible]** و این صورت عجیب و غریب است و در هند گویند که چون آدم علیه السلم بر سر اندیب نزول کرد اول بزبان هندی سخن گفت و این حروف را وضع نمود چون کتابت کنند در طاسی نو یا کلی باده [illegible] مذاب و کلاب و باب عذب بمحو ساحر صاحب ناسور و [illegible] و طحال و الکبد و ذات الصدر و ذات الجنب از آن میاشامد شفا یابد و اگر کسی این حروف را بر لوح از نحاس یا فضه کتابت کند در اول حمل بشرطیکه قمر از عقرب دور باشد و سعود متصل و حامل آن لوح را با خود نگاه دارد حیض در بطن وی از سقوط ایمن باشد و در وقت وضع حمل بسهولت بار بنهد و حامل آن از مرض جن و انس و سحر مصون و محفوظ باشد تمام شد مقاله اول این کتاب

١٢٣

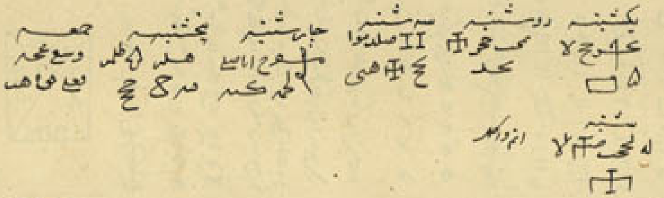
مقاله دوم

مقاله

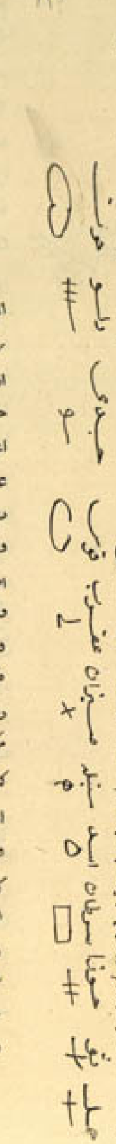
در بیان اسماء ملائکه که اعوان حروف و بروج و کواکب و عناصر اند

در بیان اسماء ملائکه که بر ایام اسابیع موکلند محمد غزالی رحمة الله علیه در کتاب سر المصون و جواهر المکنون آورده که بعضی از ایام هفته و هفت شهر هفت موکلند یکی علوی سماوی و یکی سفلی ارضی و عامل حروف را لازم است که اسماء ایشان را اد اند تا در هر روز یکه بعمل حروف مشغول گردد نامهای آن هفت را بر زبان راند و از ایشان مدد و استعانت جوید بر تحصیل مراد تا زود چون توجه ایشان بر مقصود ظاهر گردد و اسماء ایشان اینست **یوم الاحد** ملک علوی روقیائیل که گویند و قیاف ملک سفلی ابو عبد الله المذهب **یوم الاثنین** ملک علوی جبرائیل و ملک سفلی ابو عبد الله الحارث و جبرائیل خادم بیت از ملائکه سماوی و اسم وی سمکائیل است و در این باب یاد کرد **یوم الثلثا** ملک علوی سمسائیل بیرون سهل و در بعضی نسخها عبائیل آمده و گویند شمشائیل و ملک سفلی الاحمر **یوم الاربعا** ملک علوی میکائیل و ملک سفلی دو نام دارد برقان بن ... و میکائیل خادم بیت از ملائکه سماوی نام وی نوبائیل در این باب یاد کرد **یوم الخمیس** ملک علوی صرفیائیل یعاد کویند بقائیل و ملک سفلی السید شمهورش **یوم الجمعه** ملک علوی عنیائیل و ملک سفلی عبد الرحمن حلقب ابیض **یوم السبت** ملک علوی حصفیائیل یعاد که گویند نقاف و ملک سفلی ابو نوح میمون السحابی **در بیان اسماء اعوان کواکب و افلاک ایشان سوای اسامی که قبل** ملک زحل قربائیل فلک وی عجو بیا ملک مشتری سمعائیل فلک وی بیعقیا ملک مریخ کاکائیل فلک وی یقیقا ملک شمس صاصائیل فلک وی نامو ملک زهره سیبه پایئیل فلک وی ماعون ملک عطارد میخائیل فلک وی بیقید و فلک قمر اسماعیل فلک وی بیقفا **در بیان طبایع حروف و جدول** در حبد ... طبایع حروف

اما بخال ایام اسابیع سبعه مرتبه کرده و ذکر حروف معمول ان روز مرقوم کرده و دو سهار اشاره مع تمام دارد احیت بر انجویست



121



اما حروف تهجی بر طبایع اربعه چنانچه بر این دیباچه قسمت میشود
و حروف تهجی مغاربه بینهما اختلاف با تهجی مشارقه
دارد و ان اینست ا ب ت ث ج ح خ
د ذ ر ز ط ظ ک ل م ن ص ض ع غ
ف ق س ش ه و ی   و طبایع مرکبه حروف
جمل مغاربه بقول الشیخ شرف الدین بونی اینست
ناری **اهطمف** مرکبست از حرارت و
یبوست و حروف ترابی ایشان یعنی **بوینصتض**
مرکبست از برودت و یبوست و حروف هوائی
ایشان یعنی **جزکسقثظ** مرکبست از حرارت و رطوبت و حروف مائی ایشان یعنی **دحلعرخغ** مرکبست از برودت و
رطوبت و شیخ مذکور بوده که هر یک از حروف تهجی بحسب مزاج خاص خود عملی خاص دارد مثلا حروف حاره و اسمائیکه
از ان ترکیب یابند ایجاد حرارت و اطفاء برودت کند و اگر اسمی بود که حروف وی مشتمل بر چهار طبایع بود هر کدام که غالب بود
حکم وی را اقتضا باشد و اگر همچنان را غلبه ظاهر نبود اثر او عند الظاهر شود و شیخ در تعلیقه که بر ان آورده که در اعمال باید که در جمیع
اعمال کلیه و جزئیه ملاحظه طبایع حروف کند و مناسب هر عملی از اعمال ناری و هوائی و مائی و ترابی حرفی چند اختیار کند که تعلق بان
عنصر دارد اختیار کند مثلا در ایقاد نیران و احراق جهت در لادن و سایر اعمال التسکین در حروف ناری اعمال کرده اند و در تهییج
ریاح و تخریب دار ظلمه و عساکر اهل بغی بمواصفه و سایر اعمال که بانها هوا در ان مدخلست حروف هوائی را اعتبار کرده اند
و در تحصیل میاه و امطار و ابقاء آب قنوات و انهار و اعمال که آب را در ان مدخلست حروف مائی را استعمال می نمایند و در
اصلاح اراضی و مزارعات و عمارات و اخراج کنوز و دفاین و اعمالی که زمین را در ان مدخلست حروف ترابی را استعمال کرده الله
و این اصل کلیست در اعمال **و بقول الشیخ ابن العربی و صاحب در مکنونه** حروف ناری جهت اعطاء سهولت مطلوب میکند
و حروف ترابی بعد از ان ثمر میکند و حروف مائی جهت اعطاء سرعت نفوذ میکند و حروف بارده بعد از عمل مینماید و صاحب در
مکنون اورده که کثرت قرات حروف ناری و اسمائیکه از ان مرکبست از اخلاط بلغم کند و هاضم طعام بود و مواظبت بران حجره
را ازاله کند و او الحوش کرداند و دفع رطوبت دماغ کند و جمیع امراض بلغمی را نافع بود و کثرت حروف هوائی و اسمائیکه از ان
مرکبست دافع امراض قلبست و مداومت بان خیرا ساقط کند و جمیع اعضا را قوت بخشد و کثرت قرات حروف مائی و اسمائی
که از ان مرکبست اطفاء حرارت و عطش کند و حیات بحرارت را حل کند و اعمال ان امعاء را گشاده کند و در امزجه حاره و یابسه
احداث رطوبت کند و کثرت حروف ترابی و اسمائیکه از ان ترکیب یابند دفع رطوبات کند از بدن و قوی دماغی را تقویت کند
و تقویت کند و دایم خوانند ان همه اعضا را قوت بخشد و مراد صاحب در مکنون از طبایع اربعه حروف الارکان است
که ناری ان بر بروج ناری قسمت شده و هوائی بر بروج هوائی الثلثه هوائی و باقی بر این قیاس است **و بقول صاحب المجمع** که
از حروف ثمانیه و عشرون بحسب طبایع اربعه اعمال مختلفه دارند بعضی که بر یک طبیعت و حیثیت مباشرت در ایشان
زیاده است منه اثرو ماب قوة مناسبات طبیعت از ایشان صادر شود بعضی که مرکب الطبع اند و حیثیت ترکیب در ایشان
ملحوظ است قوت و اثر ایشان زیاده است بهر نیاوها چنانکه حروف حاره یابسه مقوی حرارت حیاتیه اند که اطبا انرا
حرارت غریزیه گویند و این حروف دافع امراض بارده رطبه اند مثل تب ها که بلغمی و فالج و لقوه و عرق النسا و حروف بارده
و یابسه از برای صاحب طحال و درد آن و ضعف دل و اسهال و لا تقیف و حروف حاره رطبه از برای حفظ صحت و ازدیاد

قوت و تقویت قوی طبیعی و نفسانی نافعست و حروف بارده رطبه از برای حیات محرقه و ادام حاره و امثال ان مفیدست
در خواص حروف الفبائیه وفق کنند که در عمل باشد با نور نا ظر سعود و ساقط از نحوس و برج بکشند و عددی نام طالب
و عادرش نام مطلوب و مادرش بنویسند و دوران صد بار نیم الف بکشند و تنزیل الف الف باسائی اذا نام علیم از عجب
در دل مطلوب ظاهر شود و اگر منتبکم قمر در وبال یا هبوط باشد و نحسی بر متصل و از سعود منصرف و منقطع با برج نحوح
سر به نقش کنند و بروی نام دشمن و مادرش بنویسند و بر دوران صد و پانزده الف نقش کنند و ان لوح را در گورستان کهنه قدیم
در قبری که نام صاحبش معلوم کسی نباشد دفن کنند ان دشمن بچهار دیو پریشان در دنکار شود و هرکه هر روز بام داد هشت ازاکه
حفظ کوید هزار بار الف را بر زبان راند صاحب ثروت و نعمت شود و اگر بهمین عدد بنویسد و با خود نگاه دارد همین خاصیت
دهد و اگر بر سفال الف نارسیده سیصد و پنجاه الف بکشند و با انجام نام دشمن ثبت کنند و دفتیکه قمر در برج نار یا باد بود ان سفال
سرنکون در آب اندازند زبان ان دشمن بسته گردد **در بیان خواص الفات** مسطو حه و مسطوره و معطوفه **ا ب ت ث**
ط ظ ف ک ل لا ی اگر کسی را درد عضوی از اعضا دردی پیدا شود مثل سر درد و صداع و درد چشم و درد دندان و غیره
باید که علاج ان را مراعات از اوجاع ظاهری و باطنی باید که حرف اول از اسم عربی ان عضو بگیرد و در میان این حروف با ان نه کاغذ
درج کند و بعد از ان مجموع حروف را ترکیب کند انگاه آن نوشته را از مریض جدا دیدن ان مریض زایل شود و اگر شفا و حروف دوم
انرا با حروف مذکوره بیامیزد و در تحت ان نوشته را بنویسند و اگر باز هم نشود حرف آخر عربی ان عضو را اخذ کند مثلا درد
حروف اول را که با حروف مذکوره بیامیزد اینست اع بع تع ثع طع ظع فع کع لع لاع یع و چنین ترکیب
کند چنین شود اعبع تعثع طعظع فعکع لعلاعیع باقی عمل بر این قیاس است و در تحصیل بیماری از مطالع و مقاصد
این عمل را جوابی توان کرد و مثلا در اعمال المحبت اسم طعطع را با حروف مذکوره امتزاج داده ترکیب نماید و سیاعات سعد
و با خود نگاه دارد با جای پاکیزه محفوظ کند و در اعمال عداوت ملاحظه ساعات نحس کرده ترکیب کند با نام دشمن و در مواضع
تاریک با زیر قدم دفن کنند تا مقصود حاصل شود **حرف با** اگر روز پنجشنبه و روز جمعه روزه دارند و در روز جمعه
صد و شصت و چهار بار بنویسند ان نوشته را به بازوی راست خود بندد حضرت حقتعالی نسبت به او بلا مفرح کرداند و صفت
کسالت را از نهاد وی بیرون کند و جهت برکت در دروگاری که نه آید و بجای بیوی سر که با این حروف قایم است بطا
کرده اند او را مسکن و در وحانیت بود و در عهد اسمی را اسماء الهی که این حرف باشد خصوصا در اول وی مداومت بران اسما از برای
حصول مقاصد نهایت نافع بود و هر شخص که حرف بارا هزار بار صد بار بجد بار اند از جهت خلاص شود و اگر بهمین عدد بنویسد
و با خود دارد از بلاها و آفتها محفوظ ماند و همچنین اگر بدو کر بعضی از ان رسانید و اگر این حرف را هزار و یکصد با بیعت کرده
دباغت کرده بنویسد و صاحب دق با خود نگاه دارد شفا یابد و اگر بهمین عدد بجهت دفع دشمن بر پوست شغال دباغت کرده بنویسد
و در منزل دشمن دفن کند بزودی دفع شود **حرف تا** ایجحضر برای اعمال القهر نیکو است و اگر بر پوست بچه دباغت کرده
منکوس بکشند و در وقت نحس شب بوقت طلوع مریخ بنام محبوس در پای صنایع مثلث ٤٩ بار این حرف را بنویسد و با خود دارد
از بند و زندان خلاصی یابد و اگر این حرف را بعدد مجیع چهار صد بار بنویسد و با خود نگاه دارد هر نظر مردم عزیز و مکرم شود و اگر
هر روز بعدد مخصوص بخوانند در اقبال بر روی کشاده گردد و فتوح روی نماید **حرف ثا** صاحب البلیم اورده
که هفت حروف بر سوره فاتحه الکتاب بنا نموده است و ان **ث ج خ ز ش ظ ف** است و این حروف سبعه در تهجی جمع
شده است که بدینها محقیق اسم اعظم و ان یکجا مذکور شده در سوره انعام است در باب هر حرفی از این حروف سبعه
روزی از ایام اسابیع مقرر شده است الله و خادمی از ملائکه اسناد کرده و در باب هر یک از حروف ذکری از اسماء حسنی الهی را مرقوم
ببر چون عامل اعمال این حروف در روزی که تعلق بوی دارد مشغول شود نام ان نوشته را برد و از تعالی استمداد جوید و شد که آنرا

[illegible]

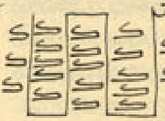
القوه شود ونتایج کلی بر عمل وی متفرع شود روز پنجشنبه از ایام هفته تعلق بحرف ب دارد و بعضی از اکابر بر حرف الف
تا اوده اند که اگر طالب وعهشا دو هزار بر لوح صدف نقش کنند در سفر دریا با خود نگاه دارند از غرق شدن
ایمن ماند و بسلامت بساحل آید واگر ۲۱ بار بر پوست جوز سر هلو کرده ست و بیمغز نبوده او را نقش کند
بصبر با جماعه اندون سقالن دفن کند در ساعت جمیع ایشان پریشان شوند و مضطرب و طرفه اتفاقی واقع شود ازانسان نماند واگر
کسی هر روز بعد نماز مجموعی برزبان راند برای احداث محبت نظیر ندارد واگر همین عدد بنویسد و در دست بکس الاطفال بند
دیگر بر سرخواب و بیداری نترسد حرف جیم یکی از حروف سبعه است که در اسم اعظم واقع شده و روز جمعه تعلق
بوی دارد اهل خاصیت گفته اند که این حرف از برای اخیار در رسالت مستعملست و بعضی گفته اند که اگر در بیست هفتم ماه
بر نبات مصری بنویسند بدین صورت ج و بخورد صاحب تو لنج و هضم شفا یابد واگر بعد معصل وی بعد نخ
محو ساخته باشد دفع هر رهین که باشد بکند و اگر برین نوع مادر را بخورد باشند چنانچه از الهکار رفته و جمیع
باشد این حجفر اهلر باب بر خشت نو پاک نو یاقلوه بنویسند بدین صورت ج و بر سر بر محو ساخته باشد مدفع
مایش تری عود کند دو هر حاصل شود واگر کسی این حرف را طلق بار بر زبان راند حضرت رسالت پناه را صلی الله علیه وآله
در خواب بیند حرف حا بجهت مواصلت واشر واگر کسی بر نگین خاتم خود هشت حرف حا بدین صورت بنویسد ح
و صاحب تب را در انگشت کند شفا یابد واگر آن خاتم را در آب اندازند و صاحب تب آن آب را بیاشامد حرارت وی زایل
شود واگر بآن آب چند بار غسل کند تب وی بالتمام زایل شود و باید در وقت نقش خاتم قمر ناظر بسعود باشد و از
نحوس منصرف در ساعت اول یا هشتم از روز دوشنبه یا چهارشنبه بنویسد و با خود نگاه داشتن این نقوش با برکت دارد واگر
واگر وی را بجهتی باشد بالجمله بوده و صاحب کتاب الجواهر آورده که حرف حا از برای دفع حیوانات موذیه و دوام جماع و جمیع امور منع
کند اشعال حرارت و پوست باشد بغایت نافعست و مواظبت بر تکرار وی و اسما وی احداث محبت و مودت کند و این
حروف مراتب این اعمال که مذکور شد از تمام حروف بار به بقوت تضود و تاثیر آن بسیارست و این حرف را در تسخیر قلوب
و تسکین غضب سری عجیب همراه است در جلب مودت و جذب نفوس تاثیری بغایت عظیم دارد و هر که این حرف را در ساعت
هشتم از روز چهارشنبه اول ماه با اسما بنگار اول اسما این حرف بر خاتمی نقش کند و با خود دارد از شر حیات و لدغ عقارب
ایمن بود و هرکه از زمین عطش در بیابان واگر آن خاتم را در آب بر دهان گیرد حق کرده بدین نهج در عطش نا شد باد بنشیند با
در مرزع بر سر چوب بندد از آن آفت سوختن و تنبیح و باد گرم و سرما ایمن باشد و دفع آن کند که از حرارت هوا پیدا
شود و سابر آفات و صاحب مجمع المطالب از موده که آن هشت حرف را با اسما و آن بر نگین نقش کند خاتم مذکور در دوی
مجرب علی آید حرف خا و آن یکی از حروف سبعه است که در اسم اعظم واقعست و صاحب در النظم گفته که روز یکشنبه
از ایام هفته تعلق بوی دارد و اسم حلال وی در مقابل بیت اکبر شغل دارد و مقصد آنست ذکر او اسم الخافض است و اگر کسی
در دفع فتنه ذکر او الخالق الخبیر است و بعضی گویند که ذکر او معطی ابه اسم اعظم است از سوره انعام قوله تعالی او من کان
میتا فاحییناه و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها کذلک زین للکافرین ما کانوا یعملون
و بعضی از اهل خواص گفته اند که این حرف از برای مدافعت و دفع شیاطین و سحر در وی چون کسی خواهد از غایب
خود خبر یابد این حرف را بعد مجلس بخواند و با جانب وی بعد که غایب وی آنجاست نزد وی خبر وی بازیابد و اگر بداند
که غایب وی در کدام جانب است چون همین عدد بنویسد و در زیر بالین خود نهد در خواب بیند و احوال وی معلوم کند واگر
در قرائت و کتابت اسم الخبیر بر همان عدد اضافه کند در حصول مقصود مانع و داخل باشد و البته بمراد خود رسد حرف دال
حرف دال از اسرار به بیجوهیست و حضیانه بری مجمل الطبایع ار بعه کرده است و برهان است قوت طبایع و اعتدال و طبع

وی علی الجمله بار و است و بعضی گفته اند که دال در اعمال از برای فصل و قطع حقیقت و گویند اگر کسی هر صباح بر زبان وی
دسی بیچار این حرف بر زبان راند در هر شام بر یکو و مثل اندوه جان و شتم و معاندان منزل اداره شود و بعضی از اهل کمال
گفته اند که اگر کسی حرف دال را بعدد هفتاد و چهار بار سی و چهار بار بنویسد بر قطعه سفید حریر و بر قم پکند بر سرطان نبود ناظر
بنظر سعود و نوشته را در تیز نهاد در نگین انگشتری بخورد و در انگشت کند بطهارت سجده اگر منعم نبود نعمت وی بقا یابد و حرمت
بیفزاید واگر فقیر بود ابواب رزق و روزی بر وی بگشاید و وسعت پیدا کند واگر ماهی چهار بار جماع باکند و سی و پنج
حرف دال بر صحیفه ای بنویسد عدد دال در این مربع مذکور در وی کند هر یک را مهر بعید دی و بیش از بیشتر و در قاصور نوشته با خود
دارد حفظ و فهم و دانش و حکمت وی بیفزاید و قدر وی در عالم علوی و سفلی بزرگ شود و محبوبی با خود دارد از بیند
و زندان خلاص شود واگر مربع عدد ه بر او در روز پنجشنبه در وقت طلوع آفتاب در حجره قرآن کند و محبت با خود نگاه دارد از شر
اعدای ظاهری و باطنی ایمن گردد حرف ذال در اعمال از برای بعید و معافیت و فرار بر نفوس ظلمه و قهر تاثیری عظیم است
بیچون این حرف را هفتصد بار مقرون باسم المذل در ساعت نحوس کتابت کنند انگاه آن مکتوب را در چاه بر نسخ ظالم را ظالم
وقتی وی خلایق در محبت باشد دفن کنند برجه که او را از منزل و مکان شود و آن ظالم فاسق سر گردان گردد و اگر کراب
حروف را با آن اسم بهم کرده بر ظرف زجاجی یا چینی بهمان عدد بنویسد و از چاه بایدک صاحب دعا المدوی معلوم بود
در نوشته را محو سازند و بر منزل آن ظالم بر دیوارها و زمینها که ابدانه بود در پاش کنند و هر جا باشد همین خاصیت ده
واگرچه در عمل کیاری آورده نتیجه قوی دهد و بر در وی صاحب منزل را اوراه و بیچاره گرداند واگر کسی این حرف را در دست
رفت او را از وال نویسد و در دو بر وی عزت و اقبال وی بیفزاید حرف را هر که این حرف را بعد سیصد بار بعد مجلس
بنویسد در روز یکشنبه و فلک قمر در برج ثابت باشد و متصل بسعود و منصرف از نحوس بیران نوشته را در زیر
اساس بنای نهند که عمارت محکم شود و بالای آن دیوار برابر که آن بنا با تمام رسد و آن گرد لات محروس ماند و بعضی گفته اند
که این حرف در اعمال از برای لطف و صلحست و در جمیع اعمال خیر مناسبت بود عمل کردن واگر بجهت زر سر با شیعه
در روز چهارشنبه آخر ماه بیچار این حرف را با اطراف حشان بنویسد نافع بود حرف زا و آن یکی از حروف سبعه
که در آنجا اسم اعظم واقعست صاحب در النظم آورده که روز شنبه از روزهای هفته تعلق بآن حرف دارد و
در کتب اهل خاصیت مذکور است که این حرف از برای عقد و منع زحمت و اکابر اهل خاصیت گفته اند که اگر کسی
۷۷ بار این حرف را بر پوست آهو بنویسد و قتیکه قمر در برج دی بود و در برج تحت الارض باشد و نوشته را با خود نگاه دارد
هر کس از وی ترسد و مهابت وی در دلها سرایت کند حرف سین حق سبحانه و تعالی که این حرف را از بهر اعلام
خود با وی هفتصد هزار و سیصد و هشتاد و دو نوشته از ملائکه مقربین از برای تعظیم و توقیر بعه فرزند شاد و بجهت استمداد
و اعانت در حاجت وی و خواص این حرف بسیار و منافع آن بیشمارست و بجهت اجابت دعوات و انجاح مرادات و
حصول مهمات و نیل خیرات و برکات و اعمال امور و اختلاف امور و نفاذ قول در نفوس و قبول قلوب و دفع مرض و رفع قحط
قلب و ایجاد محبت مناسبست پس بجهت دفع امراض و هموم بر جام زجاجی یا چینی باید نوشت بمشک و گلاب و زعفران در
ساعت سعید بعدد مجمل او که شست است یا بعدد مفصل که صد و بیست است مقرون باسم السلام بهمان عدد
و مقرون بآیه سلام قولا من رب رحیم بهمان عدد پس بآب زمزم یا آب باران اگر میسر نشود بآب صاف بعد بکراز زمین کرده
جاری کرده باشد نوشته را محو باید کرد و بمحزون و مهموم اله باید داد و بجهت اجابت دعوات و هموم این حرف را با آن آیت
هر دو در زمان سنت و در بعضه با عداد صد و بیست باید با هم جمع نمود و اگر این حرف را با آن بهمان عدد بمشک و زعفران و گلاب
در ساعت که شرف مکان باشد پاک نو بنویسد در آن کاسی و باوجود قرائت هر دو در با خود نگاه دارد و حصول مقاصد و وصول

۱۲۲

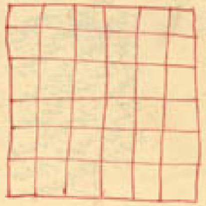
مطالب اتم واکمل بود وسکاکی فرموده که اگر کوشت باران حرف را بنویسد و بر طفلی بندد زود سخن در آید و لکنت از
زبان وی بجهد **حرف ثاء** وان یکی از حروف سبعه است که در اسم اعظم واقع شده و صاحب در النظیم آورده
که **روز دوشنبه** از ایام هفته تعلق بوی دارد و اهل خاصیت کویند که این حرف در اعمال از برای هلاک اعدا است و در
اعمال قهریه بغایت موثر است و بتجربت رسیده که چون ... دختر بکر کشیده باشد ... و در ... بنویسد و ... بر ...
بر ... بنویسد ... و ... دختر ... و در ... چون کسی ... نقش ... بد و ان ...
شاد ... بجهت ... کشاید ... و ... اکر ... بنام کسی ... کاغذ ...
و ... کاغذی ... وزبان ... شود و اکر ...
... باشد ... **حرف صاد**
از برای تحصیل ... برکت و سکون و طمانینت و این حرف ... است و خواص وی بسیار است و در ...
... این حرف ... کنند ... قطع مسافت کند ... شود ... که هر که
... این حرف ... باسم الصمد ... از ... جمیع ...
در باطن ... انشاء الله تعالی **حرف ضاد** در اعمال از برای ...
... است ... قهریات بغایت قوت ... اکر ... دشمن ...
باسم شریف القهار ...
واکر ... دشمنی ... این اعمال ... واقع شود ... دشمن ... نیست و نابود شود **حرف طا**
از برای ... و منفعت و ... برکت ... است ... که خواهد که ... بعضی از اعدا ...
... جمیع ... این حرف ...
... زبان ...
و ... و ... **حرف ی** وان یکی از حروف سبعه است که در اسم اعظم واقع است
صاحب در النظیم ... که **روز چهارشنبه** از ایام هفته تعلق باین حرف دارد و بعضی از اهل خاصیت کفته اند که این
حرف در اعمال از برای ... و ... و سکاکی آورده که اکر کسی ...
... دفع شود و اکر ... عدد ...
بر ... **حرف عین** از برای حصول ... واکر کسی ... این حرف را با ...
... وصاحب ...
... بر این حرف عین را ... **ع** ...
نوشته ...
... شود ...
... اسم شریف العزیز ... وسکاکی ...
...
...
کردد ... **خواص حرف غین** این حرف در اعمال از برای ...
و ... وسکاکی آورده که اکر کسی این حرف را ...

بنوعی نیست کردد و نابود شود و اکر بر برک حنظل ... بنویسد ... و در خانه دشمن ...
شود و اعمال این حرف در ... بسیار است بعضی کویند ... وحصول ... اکر ... باسم شریف
الغنی ... ثروت وحصول نعمت **حرف فا** وان از جمله حروف سبعه است که در اسم اعظم واقع و صاحب در النظیم
کویند که **روز پنجشنبه** از ایام اسابیع تعلق باین حرف دارد و بعضی از اهل خاصیت کفته اند که این حرف در اعمال از برای ...
... وصاحب ... المطالب آورده که هر که ... این حرف را ... باسماء ...
کند ... این حرف ... اسم شریف الفتاح ... انواع معارف وحقایق ...
دل وی مفتوح و مکشوف شود و ابواب مرادات صوری و معنوی ... کرده ...
شود و اکر این حرف را ... بر جام زجاجی یا قدح چینی بنویسد ... اسم شریف الفتاح ...
... از برای ... دراعمال ... اسماء الهی ...
...
... اسم الفتاح ...
... اسم
الفتاح ... نافع است وسکاکی ... آورده که اکر کسی ... این حرف را ...
... دشمن ...
... **حرف قاف** بعضی کفته اند
که این حرف برای تحصیل ... و ... اعمال قهریه ... است ...
مذکور است که هر که ... این حرف را بنویسد ... ظالم ...
... وسکاکی آورده که اکر کسی این حرف را ...
...
خواب ... **حرف کاف** بعضی کفته اند که این حرف در اعمال از برای اعمال محبت است در قلوب وسکاکی
آورده که اکر کسی این حرف را ...
دارد ...
... بعضی ... کاف بنویسد باین صورت



وقتیکه ... باشد ... نوشته ...
... موضع ...
... **حرف لام** از برای ثبات و
استقامت ... اکر کسی این حرف را ...
...
... این حرف ... باسم ...
اللطیف ... وسکاکی کفته که اکر کسی خواهد که ...
حرف ...
و ... **حرف میم** از حروف ... است ... از لوح

محفوظ باشد و چون حضرت حق سبحانه و تعالی دیوارهای بیت المقدس را ساخت به که مطوس بهفده نوبت ... لوح بعدد مفصل
موکل کرد انبیاء و ملک و ملکوت را بیرون قایم ساخت و قلم را سیری که در میم است ظاهر کرد و میم سری بزرگ است که حق
سبحانه در اسم شریف محمد صلی الله علیه و آله و سلم دو بیت نهاده هم در اول و هم در وسط و هر طالب که اسرار میم را حافظ بود و اینچنین
عالم او است منکشف گردد و آن فتح بود عظیم و بعضی از ارباب خاصیت گفته اند که این حرف از برای دفع و مواضعت
مستعملات و در کتب خواص مذکور است که اگر کسی بنام محبوب ۱۸۱ میم را بدین صورت م بر چیپ سرخ پارسی
نقش کند در جلیکه چشم میم مفتوح بود نه مطموس و آن را بخور دود و دهد و اگر خود در غیر بیشتر دارد و کسی که میم
را استشمام کند اثری عظیم در محبت و مودت بر آن مترتب شود و در شمس المعارف مسطور است که هر که حرف میم را
کتابت کند در تحت اسم الملک بدین صورت ال م ل ک و هر روز نهصد و نود بار بر حرف میم نظر کند وقت که بطهارت کامل
کامل بود و هر بار بر قل اللهم مالک الملک تا الی قوله تعالی بغیر حساب بخواند حق تعالی اسباب دنیا و آخرت بر او آسان گرداند
و اگر حرف میم را چهل بار بر جامی نویسد و آب باک محو سازد و بیاشامد حق تعالی بر فهم و علم وی بیفزاید و زبان وی را
بحکمت ناطق گرداند و هر که حرف میم را بنویسد و بنامی هشتاد بار لا اله الا الله کتابت کند و اول بار ذی بر است پیوند
باد بر حامه باد بر طاقیه دوخته بپوشد حق تعالی اصحاب مجلس وی را ذلیل گرداند با آنکه نام وی مجهول بود و اگر بیشتر باطنوبا
و با وصف و لباس پاکیزه باشد و دایم با خود نگاه دارد بر عالم جن مطلع شود و در شمس المعارف بر اینچنین اعمال الکثیره در
نسخها چنین مذکور است و این نسخه مجمل اقتصار بر آن نمود حرف نون در اعمال از برای فرج و سرور مقرر است و
در کتب خواص آورده اند که هر که این حرف را بر بغل بو اسب بنویسد بنام کسی در آتش اندازد آن کس برای او مایل و مبتلا
شود و اگر صد و شصت بار حرف نون را بدین صورت ن بر تیغ کارد پولاد بنویسد تا ده ستره بنام کسی نگاه دارد هر جا که رود مقبل
باشد و زود برسد مادام گران کار در راه دیوار بود و خواب آن کس بسته باشد و اگر بکار ادری بعد مجمل با مفصل مقرون با اسم الخبیر
مداومت کند از اعدا مغلوب و مقهور شوند و حکایت آورده که هر که این حرف را پنجاه بار بنویسد و با خود نگاه دارد
هر جا که بمزهٔ ناب که زود برسد و هیچکس ... حرف واو در اعمال از برای ابتدا و اراده نیست و اگر این حرف را بنویسد
بنام کسی بر ورق آهو بنویسد در آن پیچی نمایید دو خواب آن کس بسته شود و اگر بنام دشمن و معصیت بار بر کاغذی
نویسد در آن باد دهد دور اوفتاده آن دشمن پریشان و سرگردان شود و هیچ جا قرار و آرام نگیرد و حرف واو را دوازده
و خواص بسیار در اسماء این حرف مترتب است و صاحب شمس المعارف آورده که این حرف را لوح ۶ در ۶ که هر که
روز دوشنبه نزد طلوع آفتاب آن را بنویسد و در خاتم را نقش کند حامل او را از جمیع آفات و بلیات محفوظ و محروس
و آن لوح بادی بود از همه اعراض و امراض در پناه حق باشد و آن لوح اینست جاور لوح اینست



و حکایت آورده که اگر اراده سفر داشته باشد و عصر نخود و هر صباح این حرف را شست بار بخواند بیابان جانب مکه
مقصد او است بزودی موانع برطرف شود و آن سفر دست دهد حرف ه در اعمال آن برای جلب منفعت
اگر چه دفاتر بر کسی مستولی شده باشد از بیم آن و آن جمیل تو اگر چهل بار بر چند روز وقت که قمر را به استوار
مسعود بود و چهل حرف ها بر آن سلسله بنویسد و آنجا که خوابگاه او است دفن کند بشرطی که در آن منزل از ابتدا
تا شروع او را سیرش به مصادر نخود حق تعالی در نعم مال و عظمت بیارد کرامت فرماید و جمعیت کلی روی نماید و پنجه
بداند که این حرف از جمله حروف نورانیست که در حیا دو اول سوره قرآن واقع شده اول در طه و مریم و دوم در
نزد جمعی از ارباب تحقیق اسم اعظم عبارت از اوست والله اعلم این حرف نه و اعلام از برای تعریف و در بعضی از کتب
ارباب حروف مذکور است که این حرف از برای زجر اعدا و قهر اعدا و زجر ظلمه و قهر ایشان عظیم مار و چهار این حرف

که عدد مجمل وی پنج

کرعدد مجمل وی پنج است تعلق برابر پنج دارد و اگر کسی ۱۱۷ بار که عدد حروف ملفوظ او است یعنی ه ا ال ف بر صفحه
سرب نقش کند وقتی که قمر منخسف بود و اگر در آن ساعت بطراوت شخص واقع باشد بهتر بود و اگر آن رقم در جاعت مریخ
بار زحل اتفاق افتاده باشد با وجود خسوف تا ثیر وی بغایت قوی بود و بعد از آن عمل آن صفحه را در سرای ظالمی
یا فاسقی که خلق خدای از ظلم وی بتشویش باشند پنهان کنند بر بعد از آن ظالم فاسق از آن دیار آواره شود و منزل
ایشان ویران گردد و حکایت در کتاب مجهود آورده که اگر کسی بهیئت هلاک دشمن ظالم را هفتاد بار این حرف را بر خاک کهنه
قدیم یا خاک وقف خواند و در خانه دشمن بریزد هلاک شود و منزل وی ویران گردد حرف یا در اعمال
از برای فتح و نصرت مستعملست و بعضی برآنند که انبیا در مصر و شکیبایی مقررات و در کتب اهل خاصیت مذکور است
که اگر کسی ده بار حرف یا را بعدد مجمل بر کاردی بنویسد بنام شخصی تا داند بر خاک دفن کند خواب آن کس بسته شود و اگر
کسی این حرف را صد بار بنام شخص بر زبان آرد زبان وی از تهمت و بهتان و غیبت عاجز گردد و اگر بهمین عدد
بر حریر سفید بنویسد و با خود دارد زبان همه خلایق بر وی بسته گردد و صاحب درالنظیم آورده که هر که بیست و یک
در صباح روز پنجشنبه بعد از طلوع آفتاب حرف یا را مکرر کتابت کند بعد از اسما بکند در وسط ایشان این حرف است
مثل حکیم و علیم و ان سی و هشت اسمست از اسمای الهی که در مقاله اسماء ایراد یافته و اگر در هر یک حرف آن اسما کتابت
کند اثری قوی ترتیب دهد و بعضی گویند که با پنصد بار کتابت کند بعد حاصل العزیز و آن را در نقش حرف یا بنویسد
با خود نگاه دارد جمیع مهمات مکروه و مغموم گردد و از جمله مهمات خاطر وی امیدوار گردد در ... زیاده شود
و جودت ذهن وی بیفزاید و اگر این حرف را بعدد مذکور بساعات زهره بخط نقش کند برکت بسیار در آن پیدا شود
از آفات نباتی و ارضی محفوظ ماند و اگر بر کلکی نقش کند و بر آن جاه و مکان بکشد آب بسیار ظاهر شود اما

حروف و اسماء باری تعالی عز اسمه و جل شانه الف
در مراتب ذات و الاهیت و الوهیت الف حرفیست که صفات
تمامیت که اینهمه اشارات است از الف و الف دارد و اقتضا است
و در حالت ظهور جمله اشیاء او اصل بست و هر اسم که اول آن الف بود
چون الله اله اول آخر و غیره از برای مراتب اعلی و درد سیار و کثرت
و ثبوت و کلایت تا ثیری عظیم دارد و تمام ابتدای از نقش آن و سیله
و ... هیچ شی او وجود بست حرف ب بسط ظهور آن ...
باطنی است و هر اسم که اول آن ب باشد چون باری باسط باطن
باعث باقی بدیع بصیر بر بالغ امر و هاله هر ... مرادی
در رابست و بادی است حرف جیم هر عالی و هم جلالت و
آیتی اعلی حقیقی و سعادت و نجابت در وی شاید و هر اسم که
در اول آن جیم باشد چون جلیل جابر جبار جامع جواد جاعل
جمیل در تا ثیر خواص بغایت سریع موثر است و جهد تمام دارد در تاثیر خاصیت حرف دال حکایت دارد
امداد حیر و ادسم و ثبوت و ثبات و دعوت و هر اسم که در اول آن دال باشد چون دائم دایم دلیل دیان و هر دیگر
دیان داعی که اینها تعلق بدولت و دایم بودن دارد و در او خونست جمع الجمع است حرف ه ...
و در قوت دارد و بگمان است که هلاکت وارث و عظیم است و سریع الاثر است و هر اسم که در اول آن ها بود چون هو هادی

ما اهل الق از برای بنیت کردن اعادی محو کردن اعدا و تخویف و نیکدل بودن و از ضلالت بهدایت راه بردن
مفید است **حرف واو** بابدیت ولایت ولی و در امدن نبوت نبی و معجزها ناطلبون بظهور امدن در و او راست
هر اسمی که در اول او واو بود چون واجد واحد وارث واسع وافی والی وتر ودود وفی وکیل ولی وهاب
الفت و محبت و مودت و موانست را عظیم نافع است و مناسبتی دارد در ولادت بقام حیات و ان دیار راست **حرف زا**
آبی بود و تغریق و نباتات ... هر اسم که در اول او زا بود خالی از تاثیری نیست ذکی ذارع زائل
زکی **حرف حا** حاکیت اما حیات و حلیمی و حکیمی و حفیظی و رحمت حصر کرده اند و هر اسم که در اول او حرف حا است
چون حی حنان حق حکیم حلیم حاکم حکم حمید حبیب حفیظ با ازدیاد حیات و حلم و حکم و حفظ و دفع حرارت
و تشنگی و مانند اینها مناسبت **حرف طا** اشتیاق ابر طبیعت و قوت زحل است معونهم با انبیا و اولیا و کو... است
موافقت وهم در دعوت واسم او طاهر طاهر طالب طابق **حرف ی** هم در صفات الف اما
بابدیت و مراتب بپایان کرده و ... اعظم موافقت و اسم او بسیار ... **حرف ک** هم آب است اما کثیر عظیم
دارد و در اعمال کثیر است در صفات اما ظهور ... و اسم وی کافی کبیر کریم کفیل **حرف ل**
جمیل است ... لطیف و در لطافت غالب و حاکمیت **حرف م** ملکوت و اثبات و تمام آن
در قوت ... هر امری از امور و هر اسمی که اول او میم باشد خاصیت ... و تکرار ...
بغایت مبارک و میمون است ... اللهم ... بخوانند بجمیع مرادرسد
ملک و ملکوت ... و هر اسم که اول او میم است ... و اسماء میم ماجد مالک الملک
مانع مبین مجید ملک مهلک محب منان مهیمن مبدی متعال متین متکبر محصی محیی محیط مذل معز
مصور معطی معید مغنی مقدم مقتدر مقسط مقیت منتقم منزل منشی مؤخر مؤمن مهلک
حرف ن حرف انسانیت ... است ... اما ... و ...
... چون ... هر اسم که اول او نون بود چون نافع ناصر نصیر
نور ... **حرف س** سلام ... و سالم ... ان ... و
... سلام سمیع سبوح **حرف ع** ...
... است ... اثبات
چون علی عدل علیم عزیز عظیم عفو علام عالم ... ۱۷۵ عدد ...
... است ... و هر که ... طلوع آفتاب ...
آفتاب ... با عزیز ... فتاح ... والله
حرف فا فا ... مثل فاتح فاتح فارق فاصل فاسق فالق
فتاح فرد فعال مفرق ... **حرف ص** صبور ... هر که الصمد ...
... صادق صمد ... **حرف ق** ...
... و هر اسم که در اول
او قاف باشد مثل قابض قادر قاهر قائم قدوس قدیم قریب قهار قوی قیوم ... مصحوبه ...
... باشد ... سلاطین ... مجموع ...
مسخر ... **حرف ر** ... هر اسم که در

ماجد مالک مغنی مبیع
معطی مجل محسن منم مفضل
مفضل مکرم مفرج مبین
مغنی مستقیل ...
مغنی مخلص معان

اول وی را بود چون رازق رافع رب رحمن رحیم رزاق رشید رفیع رقیب رؤف ... رزق دا ...
... **حرف ش** شد ... است ... شدت ... و گرفتاری بروز
اوردن ... شافی شدید شکور شهید شاهد و اثبات ...
الخواص **ت** ... و بقا باشد مثل التواب ...
... **ث** ... ثابت ... **خ** ... خالی ...
... حافظ خالق خبیر خلاق ... **ذ** ... و اسماء وی ذوالانتقام
ذوالعرش ذوالبطش ذوالفضل ذوالطول ذوالمعارج ذوالمن ذوالجلال والاکرام ذوالقوة المتین **ض** ...
... **ظ** ظاهر ...
... **غ** ...
...
...
...

۳ المستغیثین **خاتمه در بیان تکبیرات و در نوع حرفی و عددی که از ... با تحریر احتیاج** ...
... کیفیت ...
... ابن ...
... **کیفیت انقطاع** ... **اما حوانة** ...
... **دوم ... حصری** ...
... عدد حروف ... عدد ...
... بسم الله الرحمن الرحیم ...
... **۷۸۶** ... **۱۵۰۲** ...
...
...
...
... **۹۲۸** است ...

ا ل ص م د	...
د ا م ل ص د	... اسم
ص د ل ا م	قیام ...
م ص ا د ل	چند ...
ل م د ص ا	...

... حروف ...
... **اما طریق کتابت**
...
...

و ساعات ایشان چنانکه هر حرفی بجریب از کواکب سبعه منسوب باشد و بروز و ساعت ان کوکب بنویسد چنانچه در اسم
شریف الهادی مثال آورده شده که در ساعت هشتم روز یکشنبه بنویسد و پوشیده نماند که حرف اول این اسم ه باشد و بطریق
ابجد مثار قمر هو و زحل منسوب بمشتری و بطریق اهل الحق که ابجد ابوی نیز بوده ح ه ع ی منسوب بزحل است و بهجهة مناسبت
مشتری که ششم ساعت روز یکشنبه است باید نوشت و اگر در عمل تکسیر توقع خواهد باید که اسمای الهی که فضل مناسبتی با مقصد
عامل داشته باشد کلمات با هم جمع از لوح وفق تکسیر کند و عدد ان را بحساب جمل کرفته در خطان لوح تکسیر در مربع چهار در
چهار مرج کند تا از روی تاثیر مناسبت ظاهر گردد و این نیز در دو نوع است اول تعجیمی دوم تکسیری اما تعجیمی چنانکه
مثلا اسماء حکم حی حکیم حلیم حبیب حفیظ حق در لوح مثمن تکسیر نموده [illegible] اسماء در صحیفه ان در وسط [illegible]
و سطور [illegible] مشتمل باشد [illegible] چنانکه گفته شد وضع ایشان در صحیفه ان در وسط [illegible] باشد
اسماء هستند [illegible] در خانه مربع چهار در چهار مرج کند و خاصیت اسماء که شفای کل امراض است [illegible] لوح عددی
چهار در چهار که ذکر شده بنویسد با اسماء [illegible] ملائکه خاتم چهار [illegible] و این لوح عدد [illegible]
تعجیمی خوانند اما نوع دوم که تکسیر است و عمل و خاصیت بر ان اعتماد نموده اند مثلا اسماء [illegible] که ۲۷ حرف
در لوح [illegible] در [illegible] کفته شد و عدد کل [illegible] جمع نموده در مربع [illegible] مثلث با سبع
وفق عددی درج نموده در خطوط ان لوح حرفی ۲۷ در ۲۷ [illegible] و این اتم و اکمل است چنانچه در اسم شریف الودود
کتاب [illegible] ابو العباس [illegible] که این اسم شریف را با اسم طالب و مطلوب [illegible]
[illegible] و در این صورت [illegible] عدد [illegible] مربعات وفق عددی درج کند [illegible]
چنانچه [illegible] کتاب [illegible]
و اکمل است [illegible]
[illegible]
[illegible] و حروف [illegible]
[illegible] کتاب
و انواع ان [illegible] اسم اعظم [illegible] ۱۴۱ [illegible]
[illegible] اسم اعظم [illegible] ف ج ش ث ظ خ ذ [illegible]
[illegible]
[illegible] قهر [illegible] فرد جبار شدید ثابت ظاهر خافض ذکی
[illegible]
و در طریق [illegible]
[illegible] اسم اعظم [illegible] ۱۴۱ [illegible]
[illegible]
[illegible]
و چون در اول رساله مذکور [illegible] در باب استخراج اسماء اعظم باری تعالی [illegible]
[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]
[illegible] مثال اسم طالب حسن و مطلوب حصول المعاش [illegible]

یا مطلوب [illegible] از کواکب و بروج و عناصر و ملائکه هر کدام را که خواهد در این باب مطلوب [illegible]
[illegible] ح م س ی ن [illegible]
[illegible] مثال طالب حسن ح س ن عدد کبیرش ۱۱۸ حروفش ح ی ق و سطش ۱۹ حروفش ط ی صغیرش
یکی حرفش [illegible] ح س ن ح ی ق ط ا ی عدد کبیرش ۲۷۳ حروفش ج ع
و سطش [illegible] حرفش م صغیرش چهار حرفش د جمع کردیم حسن [illegible] ح ا س ی ن ن
ح ی ق ط ی ا ج ع ش م د و دیگر اسم مطلوب [illegible] ع ل ی ی ق ا ی ب جمع کردیم
اسم مطلوب [illegible] ع ی ن ل ا م [illegible]
ی ق ا ی ب عدد کبیرش ۲۳۵ حروفش م ل ش و سطش ۳۸ حروفش ح ل صغیرش د حروفش ب جمع کردیم
اسم مطلوب را [illegible] ع ی ن ل ا م ی ا ی ق ا ی ب ه ل ش ح ل ب [illegible] جمع کردیم اسم
طالب و مطلوب را [illegible]
چنین شد ح ا س ی ن و ق ط ج ع ش م د ل ب ه تکسیر نمودیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
ابجد [illegible] ا ب ج د ه و ح ط ی ل م ن س ع ق ش [illegible]
[illegible]
[illegible] اسم اعظم [illegible]
[illegible]
[illegible]
او ع و ط ن ا ن ی ح ح م ه ا و ه ل [illegible]
[illegible]
[illegible] ح ط ی ل [illegible]
س و ل ق ح [illegible] ج ح ح ق [illegible]
[illegible] س ش ن ط [illegible]
[illegible] د ب [illegible]
[illegible]
[illegible]
قسم ح ط ع ل ب ل ق ح ح ح م ق س ش ل ط د ب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ح ح ح [illegible] ح د م ط [illegible]
[illegible] ط ب ل د [illegible] ح ط ی ح [illegible] د م ح ح

۱۲۷

و در سطر رابع عشر طی حک و در سطر ثامن عشر و بعد از این حروف صدر مؤخر و مکسر را باید کرفت و ترکیب نمود
چنانچه اگر سطر یکم تمام اول او رفیع باشد حروف صدر مؤخر را جای رخ را مزج کند و اگر طاق باشد بج یخ و در تمام تکسیر
اول شانزده حرف حروف را چهار چهار یکجا نموده بر این صورت اشطد بحج شقتم سقل دجط حلط
و بعد از این عزیمت بنویسیم بدین نوع که عزمت علیکم یا ملائکة رب العزة مججا اسل حمدطا سل طیلدا سل حطحا سل
طحیا سل طحنا سل قشطیا سل یحق الملک العظیم رب السموات والارضین و باسمه الاعظم فلان و فلان اگر اسم اعظم باشد
بکوید باسمائه الاعظم کلها ان تسرعوا و تسلطوا و تبادروا الی هؤلاء الاعوان حطیل بلیخ ججتی سشطدب بجزون
مع خیلکم و ایا مکم و فعلعلی قل بهجوا و یحیوا فعل عقیر و علی هذا کذا و کذا و حمدحجیم حو اجرهم و بیتم علی
حب فلان بن فلان عزمت علیکم بالاسماء الارواح العلویه والسفلیه باسماء ربنا و ربکم والهنا والهکم و باسماء ملائکة المقربین
و اسماء ملائکه را اینجا بجای بیشمارد و بحق هذه الحروف المقدسات الطاهرات اشطد بحج شقتم سقل دجط حلط
ان تبهجوا و تحرقوا قلبه و روح و جمیع جوارح بدن فلان بن فلان تا مجلب فلان بن فلان و الا تسلط الله علیکم هذه الملائکه
المقربین من السماء بابهم سواظ من نار و نحاس فلا تنتصران بضربونه وجوهکم و ادبارکم و ان اجبتم فبشرکم الله تعالی الی
الحساب ان لا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون و الوحا ۳ العجل ۳ الساعة ۳ بارک الله فیکم و علیکم
و باید که حروف اسم اعظم را بتکسیر قاعده اعراب سازد بطریق اعراب اصطفقشق بوهفسص حز کمقشط دطع
تخغ و بعد از این باید که ان سطور تکسیر ابلد ثانی از هر سطری اسما و اعظم و اسماء اعوان و اسماء ملائکه تحریر آورده
باشد ان سطور را ان تکسیر جدا کند و سطر سطر را تعجیز بحسب العقد و در ترکیب کند و به صحیح بنویسد و بعد انقلاب کند
در عدد سطر اول ان تکسیر اول عدد و انرا جمع کند و شش شش طرح کند انچه باقی ماند اگر یکی باشد این کلمات مرکبه را
بعد از ان اگر شرایط خوشتر و تجیم کرده دعزیمت بران خوانده باشد بر بازوی راست ببندد و اگر دو عدد باقی ماند بر بازوی
چپ ببندد و اگر سه باشد عمل ناریست اگر چهار باشد بادیست و اگر پنج باشد ابیست و اگر شش بماند خاکیست مثلا که فرد
الفرد میزان ناریست و ان چنین است ۱۱۱ و زوج الزوج میزان بادیست ۱۲۱ و زوج الفرد میزان ابیست
۲۱۲ و زوج الزوج میزان خاکیست ۲۲۲ و چون عمل ناری باشد کلمات مرکبه که کفته شد بر ص یا آهن یا فولاد
بنویسد و بعد از تجیم و عزیمت در ان اتش اندازد و محو بسوزد و عزیمت بخواند تا مطلوب حاصل شود و اگر خواهد
حلیتی کند در مدت غاسوح بر باد بزند باد هیشیش اندازد و اگر بادی بود ان را در بیا دهد معلق و عزیمت بخواند
و باید عزیمت را بعدد حروف سطر اول تکسیر اول بخواند و اگر ابی باشد در اب اندازد و بعد از سه روز ان را بیرون آورد
حل کردن و مطلوب نوشته شده و اگر شود در اب روان اندازد و اگر عمل خاکی بود به تربه ص از ۳۲۰ یا ان مع دیکر
بیارند و ان لوح را در خشت آن پنهان کند و ان سه پایه در او بینی و عزیمت بخواند و مجوس بسوزاند و چون عمل تمام کند در
جنب اتش پنهان کند باد و در زیر خاک در موضع پاکیزه و اگر عمل بغیر اسبلط باشد زمام باب تکسیر اول حقیقی باید
بنوید و دیکر عمل بطریق مذکور است الا تفاوت و بجهت سعادت سعد و مصطکی و عود و عنبر و امثال اینها و بخور
اعمال نحوست حرمل و افیون و کبریت و کندر و مانند ان شرایط این علم طهارت ظاهر و باطن بود و متابعت شرایع
نبوی و آل او صلوات الله علیهم و متخلق باخلاق ذمیمه و خطانا پسندیده نباشد و از جمیع حق مطلق بر ببر و از جمله شرایط
کرمیا لعدد در این باب بسیار است انکه اعمالیکه موجب عبر رضا شود مصالحه و قطعا نکند مکر عطاع بیاید که خلایق امنیت
در ذات و عدد دار اربابشد و بجهت علاج ادشوانند کرد با کافی بسیار باشد چه توسل جستن بحروف و معانی ان کلمات
الهیات داران حقانه رحمت نامتناهی بوده است و روح القدس با انبیا علیهم السلام رابطه است و از این نکات زعماء

و صحیح و پس با حضار کسی که مستحق آنها باشد مستلزم انعکاس است و وخامت عاقبت دنیوی و اخروی و در اوایل جفر
جامع امام جعفر صادق علیه السلام صیغه بابید کردیا عبید عند کل الحروف حرز التقی فادخلت حرز التقی فلا تخبر احدا مابک دخلت
حرز التقی والانت خاب بپ علمی که حقیقت در سینه بود و در سینه ها بود هر ابجد در سینه بود قال یوما هذا العلم
این فن سر این علم الاظهار نکرده اند و در این باب سخن باد ب و رمز گفته اند و حقایق و دقایق از امکنونه تکرده اند بحیث انکه
این اسرار بجو است بپ اسرار جفر افشا مکن تا که نکو نید در درون زنهی هیچ کس ایندی بتری بیت طریقه استخراج
لقب و کنیت بطریق جفر انکه مقتدا و راه نما و پیشوای اذکیاء فرزند علی مرتضی محمد حنفیه علیه التحیة والرضوان جهت ابی
مکی یعنی بوده که از اسم شما استخراج لقب و کنیت بوده اند و از حروف اسماء ترکیب کرده اند و در باب اقسام مومنین بیرنک
حسین ابن حاجی حیی جامع این رساله و کاشف این رموز بجهت دستور العمل از اسم خود استخراج کنیت و لقب بطریق مذکور
نموده بپ حسین بسط حروف ح س ی ن مدخل کبیر ۱۲۸ حروفش ح ک ق مدخل وسیط مجموعه بیت حروفش ک
مدخل صغیر وسیط کبیرش ۱۱ حرفش ای مدخل صغیرش ۲ حرفش ب بسط حروف مع مداخل در زبر و بیانات جاک
ان قاف کاف الف دال ی ا ب ا پس عدد حروف اسم مقطعش ح ی با این حروف جمع کنی دانب
حروف از دو عدد نظیره فراکیرید که انظار بعبارات الطواهر این حروف شود ت س ذ س ج ح س ح ذ ح ح س ص خ ج
خ س ع ت خ و این حروف بجهت جوف و سطر طالب باشد و مطلوب بقرینه اسم بیکی شعف که این حروف را قم خانه پنجم
شوند پس این مثال خانه اولین ت ع س ظ خانه دویم ذ ط س ذ خانه سیم ج ش س خانه چهارم ح ص ع غ خانه پنجم
ذ اش ع خانه ششم ج ح ش خانه هفتم م ض ج ش خانه هشتم ح ص ع ظ خانه نهم ع ر ش ت خانه دهم ث س ع س
و چون این حروف صفوف و خانه بیوت را جمع کنی این حروف شود ع ظ ظ ذ س س ص غ ا غ خ ث خ من ض ط ض ت
پس و چون ابجد را نظیره طلب از این حروف شود ر م م ک ا ا و ن س ن ی ح ی ل ل م د ح و ا
و چون این حروف را تکسیر مصوب کنی این ترتیب باید ابو مع م د ک م ال ا د ی ن ح س ی ت ابهام الحضر
حدود حضرت امیر المومنین علی علیه السلام انشا کرده و باب بنا نهاده و بر دو قسم است باب اول از مقام خود خروج کند و باب
دوم از مقام خود خروج نکند ابتدای عمل ان الله این کلیم که پنج کلمه است و شانزده حروف چون اسم نوح کل بالادهم الکریم
اسم اعظم حق تعالی از ان بیرون اید و ان اسمی باشد که حضرت ایشان را برتری هر چیز را بجز کتمان اسم از بهرهان بند
کردن این اسم واقف شود بمعجزات نمایند جمیع انبیا با این اسم اعجاز نموده اند هر که بدین اسرار واقف کرده حق تعالی هر چیز را بجز
کشف کرداند و بیج کلمه است سلام قول من رب رحیم چون حروف بناده شده و امثع بر یک سطر تکسیر کنند تا اول باخر باز کردد
و چون هر و بسط تمام شود عناصر این سطر کرد چنانچه سطر اولیه پنج ار تا اخر باین قرار باب اول
س ل ا م ق و ل ا م ن ر ب ر ح ی م ر ح ک ل باب تقدیم س ل ا م ق و ل ا م ن ر ب ر ح ی م م ع ح ک ل
ل س ر ک ح ا د م ر ق م د ی ل ح ا د م ب ن د س ل ل ع ا ح م و ق ر د م ل ع ا ح م ر ن ب
دهر و باب را تکسیر کنند تا زمام دهد و بعد از ان از سطر اولیه پنج اسماء بیرون آورد و طریقه حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام چنین است مثلا ایجاد الایات قران یا اسمی از اسم حضرت باری چند اسم از اسماء حسنی که با مقصد
طالب مناسبتی داشته باشد از انها با اسم یا اسماء را تکسیر کنند و از ان خاتمه نهند یعنی اسماء استخراج کنند و عزیمتی از ان
ترکیب کنند و بخوانند بعدد کبیر یا وسیط یا صغیر یا بعدد بخوانند و بخورات کرمناسب عمل باشد بکار برند و در وقت
تکسیر کردن با عزیمت بخوانند تا مطلوب حاصل کردد ان شاء الله تعالی قاعده باید دانست که هر اسمی را عددی باشد و خادمی
و عزیمتی و درجات و دقایق و لوح و شکل باشد و خاتم اسماء مستخرجه و عزیمت ترکیب حروف و اعراب دادن ان در جمیع حروف

۱۲۷ و دقیقه اعداد حروف در عمل که کنند موافق با مبادی دارند تا درست آید و در این مقام مبحوث است که جدول حروف نیمی و ملائکه موکلین حروف و بروج و کواکب و ایام و عناصر را کشد چون ما قبل جدول مذکور بوده شد هذا الاحتیاج بتکرار نبود چنانچه الف اسرافیل ب جبرئیل الی آخره و الف الف تقرب بادی الی آخره اتم و اکمل **قاعده من تنقیحات الجنس**

اسم مطلوب بنویسد و ملاحظه کند که کدام عنصر بروی غالبست حروف آن عنصر را مقدم نماید و بعد از آن ملاحظه نماید اگر حروف مطلوب و عنصر زوج باشد رباعی نظم کند و اگر فرد باشد خماسی یا سباعی که حروفات در ترتیب باشد الکه حروف را الیجیم کرده اخراج عزوه بر توالی بنویسد تا حروف تمام مستظم شود و بعد از آن و بعد از آن حروف را حسب المقدور مستعمل سازد و معرب سازد را عرب مقرره بطریق ابجد بسا تقریر با مقادیر با حروف ارکان چنانچه ما قبل بوده شده که این عزیمت و باید که بعید حروف در محل خالی نجوی دانه نحوی نحوی شود و بعد از آن بعید حروف تابع بنویسد و در سیر قهر تمام منکور متواصل را بنویسد و چون عمل نادری باشد و بالتوفیق الحق بعد باسم مصغر که محصوص موافق باشد بجای اولاد که مطلوب حاصل

قاعده هر بیان حروف بعث و حشمی از ائمه التنزیل از زبان ذات قرار ده اند بطریق ابجد الی آخره و بعضی بطریق اهطم الی آخره و بعضی بطریق حروف الارکان با عمران بنا بر این ضابطه در وقت عمل اسم طالب و مطلوب را حروف بروج طالع و ازمنه کر طالع است و حروف کوکبی که صاحب بروج خانه طالع اوست و هر یکی از کواکب سبعه چهار حروفست بطریق ابجد یا ابتث یا اقیج یا عمران هر کدام را که خواهد استعمال کند و اسم را پیش نویسند و صاحب زاده مثال مثل اگر کسی را محبت باشد سحر فلان بن فلان فوتید و اسم مطلوب در اخر حروف کوکب و برج و منزل بروج بیم و صاحبان و هم تکسیر کنند و طحص از آن زمامات اسماء روحانی بیرون آرند و از مخارج اسما فهم بیرون آرند و تب سازند و صاحب طالب بحق رسول الله در اعمال خیر خبثود و در اعمال شر بدید که مطلب بحصول رسد **قاعده دیگر** آنکه اسم طالب را نگاه کند که چند حرف است و چه حرف اگر یک حرف باشد از حروف اول اسم بشمارد تا پنجم اگر دو حرف باشد تا هفتم مثل قوت و عمران و اگر سه حرف باشد تا هشتم و اگر چهار حرف باشد تا نهم و اگر پنج باشد تا دهم و اگر احمد باشد تا یازدهم و اگر اجماع و مستان باشد تا سیم و اگر بال باشد تا حروف پنجم از دو دوم اسم و دوم و سیم با چهارم اسم بر این قیاس حروفات جمع کند بعد تکسیر و ترکیب کنند و عزیمت از آن استخراج کنند با حروف اول سه عدد و دوم حرف دوم پنجم دوم و سیم نه عدد و حروف چهارم سیزده عدد و حروف پنجم چهارده عدد را اضافه حروف بر هر حرفی بیرون آورند و بعد از آن طریق عمل کند **قاعده استخراجات** احوال مستقبل و انکشاف و صعود و خبید و این با انواع است و معتمد ترین مقابل این نوع است که از اصول حضر که عبارت از اسم و لقب و کنیت و طالع و صاحب طالع استخراج نماید و طریق آنکه اصول حضر را تکسیر نماید که زمام باز آید و باز صد دو موخر این تکسیر اگر فرد تکسیر کند تا زمام باز دهد مثال اسم محمد و صمد و موخر آن اینست پس تا ملا باید کرد که از صد و صفدرش م ح م د مؤخر آن م ح م د ح د و موخر او چه حاصل شده که حاصل آن حکایت کند از ماضی و مستقبل مضبوط و مقلو با و چون این مقدمات معلوم شد اکنون اندرا این فن را در تحصیل احکام از گذشته و آینده از صد و دو موخر و منصوب او و مقلوب او با کلمات موجه و سخنان زیبا است فهو چه آن بر این نهج است که هر کلمه که از صد و صد حاصل شود تعلق با حوال گذشته باید داد و هر چه از موخر حاصل شود از احوال آینده نشان دهد و اما بعضی دیگر بر آنند که هر کلمه که از منصوب حاصل شود تعلق با حوال آینده دارد و هر چه از مقلوب حاصل شود تعلق با حوال گذشته دارد و این فن نیز خالی از صورتی نیست زیرا که با حوال و مفتوح تمام دارد که هر کلمه که منصوب است اشارتست با حوال آینده سایل و مقلوب با حوال گذشته **نوع دیگر** آنکه اسم سایل را هفت مرتبه بسط نماید و از هفت تجاوز ننماید و حروفات خالصات را از آنجا بود او رقم و تکسیر نماید تا مخرج آن دو اکنون در مخرج تکسیر نظر کند و بعضی دیگر همان هفت مرتبه در سیم حرف و تکسیر نظر نمایند و طالع جواب

کند اما اگر همه و ما بجا آورند و در همه و نا مل کنند اتم و انفع خواهد بود **نوع دیگر** استنباط بسط عددی است چنانچه اسم سایل را هفت مرتبه بسط عددی نماید نظر بنیکو در بسط ظاهری بیان کرده ایم و استخصال احوال نماید **نوع دیگر** از استماع لفظ طلب کیفیت بیخ نماید و این چنان است که احوال بیمار را معلوم کند و طریقش آنکه لفظی را که از بیمار با نکلم را با اسم او و طالع وقت بسط و تکسیر نماید و ببیند که چه طبع در آن غالبست هر طبعی که در آن غالب باشد بیمار را آن طبع غالب باشد مرض بیمار از آن طبع باشد و این عمل که ذکر کرده شد از جمله غرایب و نفایس است و اعتبار تمام دارد **نوع دیگر** در استکشاف احوال آینده سئوال نماید لفظ را با مطلب جنیه را با طالع وقت جمع نماید و مجموع را بسط و تکسیر نماید و حروفات را که از کسورات مستحصل است جمع کند و خلاصه کرده نیز تکسیر کند که اشبیران سطور تکسیر کلمه که جواب شافی تواند بود از سئوال بیرون آید اما اصح آنستکه جواب مطابق سئوال باشد بعض جواب عربی بعربی و فارسی بفارسی **نوع دیگر** آنکه طالب را با مطلوب امتزاج کند و آن سطور را با طالع وقت و صاحب طالع نیز امتزاج کند و آن مجموع را تکسیر کند تا زمام باز آید پس در سطور تکسیر نظر کند که جواب مطابق سئوال بیرون آید **نوع دیگر** طریق استخراج و دانستن حالات از طریقت که بعد از آنکه بروج عمل نمایند و اسما اعلم بحقایق الامور **در بیان دوایر ابجد و ابتث و ابقغ و ام که در بعد و اساس مقابلند** ۱۱۱۱ ا ب ب ی ه ح ن ق ط د ث م غ ه ح ب ف و ع و ش ز غ ز د ح ج ب ط ف ل ی ی د ش ی ک ز ذ ن ل س م ص م ش ت ث ن ص م ض ص غ ض ع ع ط ز ظ ط ص ص ع س ص ف ع ع ق ر ذ ث ض ق ع ظ ت ث ذ د ت ط ح ح غ م ف ل ذ ن ض ع ظ م ص غ غ ی ظ غ و اساس ابجدی حالت اوردن چهارده حرف ابجد است و در مقابل چهارده حرف دیگر را بصورت

و اساس حروف ابقغ اینست

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

ای ق غ ب ک ر ج ل ش د م ت ه ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ

و عزایم و آن عبارت از سطر آخر تکسیر است که از دور زمام حاصل آید

و این سطر را حجت آن عزایم گویند از آنکه حروف متفرقه سطور تکسیر را بصورت اول کند بدین مثال

و عزایم ابتث بدین اینست

ب د ه ج ی ل ن ع ص ر ت خ ض غ

ظ ذ ث ش ق ف س م ک ط ز ه ج ا

ث ر ج د س ص ط ع ذ ک م د ی

و عزایم ابقغ بدین اینست

ا ت ج غ ذ ز ش ض ظ غ ق ل ن ه

ی غ ک ج ش م ه ث س ن ذ ف ط ظ

و عزایم اهطم اینست

ص ض ح ع خ و ن ت د ل ر ب ق ا

ه م ش ب ی ص ض ز س ث د ل ر غ

خ ع ح ظ ق ک ج ت ه و ذ ف ط ا

و فایده ابجد دوایر و عزایم آنستکه چون مداخل را اصلاح کنند از مداخل حروف بیرون آورند و هر که خواهد که اسمی ترکیب کند که موافق بود بموجب مداخل آن اسم بیرون آن حروف بیاید که موافق با عزایم با اسوس موافق باشد با آن مداخل اعداد موازین این دوایر ابجد شهرت دارد اعداد ابجدی و بعضی از مغاربه بدوایر چندی عدد داشته کرده اند و بعضی بدوایر اهطم و ابقغ و ابتث و در جفر جامع حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بدوایر بسته عمل نموده است بعضی صفحات جفر جامع را هر دایره بعد دایره دیگر عدد الواح ۲۸ کاف ترکیب نموده و این دایره تراب اقدام مؤمنین میبر را محسن طریق کشاف و در این عدد دایره نموده که **مطالعه کننده** کان از مضمون و بیان العالم الامور خبر ابجاد و بقد یک امیر باشند و این دوایر بستر بر این نوع جبیت اقوال ابجد

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

دوم ابقع اب ق غ ب ک ج ل ش د م ت ه ن ث و س خ
ن ع ذ ح ف ض ط ص ظا
سیم اهطم ا ه ط م ف ش ذ ب و ی ن ص ت ن
ج ز ک س ق ث ظ د ح ل ع ر خ غ

چهارم ابتث

اب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ... ۱۰۰

پنجم اجدش
اج ذ ش ظ ق ل ب ح ر ض غ ک و ت خ س ض غ ل ه ث د س ط ف م ی

ششم داباغ
اد غ ی ب ز ف ت س ق ث ش ک ج ص ل ح ض م خ ط ن و ظ و ذ ع ه
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ... ۱۰۰

تنبیه بر ضمایر عقلاء روشن و بر خواطر اذکیا مبرهن است که هر اسم از اسماء الهی بحرّیست که فیض نامتناهی و منبع لآل رحمت جهانی و معدن جواهر فضل ربانی و مفتاح ابواب نجات و کعبه مقصد حاجات است که وسیله اهل توکل کرده در آن بیم اورا پیشه برغوب و حصول مطلوب [illegible] ملائکه نامی و اعوان گرامی که بر اسماء کرام موکلند در انجام مرام [illegible] شأن مطلب [illegible] خارق عادات که بعلم انجاح جاری ساخته اند و بر همگنان ظاهر است که آصف بن برخیا بصفات علیا انجاح اسم اعظم نموده بیکطرفة العین تخت بلقیس را بخدمت سلیمان علی نبینا و علیه السلام حاضر ساخت و اسمعیل بن حسین از نقب اسم خود استخراج التیمیع نموده [illegible] عالم ثبت گشت [illegible] که یکی از اعاظم ترکستان بوده است از نقب اسم خود کامل عامل اخذ نموده [illegible] و ممتاز فضایل و کمالات و استعداد حالات [illegible] و قدوة المشایخ نجم الدین کبری در [illegible] کفار و اهل ظلام اسم [illegible] را بترکیب [illegible] نموده اسم اعظم از بسط تکسیر و دو استخراج نموده [illegible] [illegible] الوافق [illegible] ابوسعید [illegible] باسم ابوسعید [illegible] حاصل تکسیر [illegible] [illegible] ابوسعید [illegible] و شیخ شهاب الدین مقتول اسم [illegible] [illegible] و شیخ شهاب الدین [illegible] [illegible] [illegible] المعتب القاهر از بسط تکسیر نموده استخراج اسم اعظم نموده [illegible] و امیر غیاث الدین منصور [illegible] ذوالفقار [illegible] [illegible] اسم ذوالفقار [illegible] استخراج نموده مفتح الابواب [illegible] ذوالفقار [illegible] کوتوال [illegible] مولانا کریم الدین شیرازی [illegible] معین عدد اسم

نهما عیانان مجربان را با اسم آن جشم و دلو حیران سبب نقش [illegible] سلطان الاولیا شیخ صفی که بجهت اتصال دولت و حصول جاه و حشمت عدد آیه قل اللهم مالک الملک را با عدد اصول تکسیر اسم خود و کلمه [illegible] رقم فرموده حاصل الضرب از اکبر [illegible] اسماء اساسیه [illegible] طویل با وجود [illegible] پادشاهی ایران باین دودمان انتقال یافت و این قواعد را کردگی نموده از کتب اخذ نموده شد باقی العدد علی الراوی قاعده اسم محمد باقر کنیت ابوالمکارم لقب صفی الدین عدد کنیت بحسب جمل کبیر ۳۴۱ موافق ناصر و عدد لقب ۲۷۵ موافق عادل معین و عدد اسم ۳۹۵ موافق ملک قادر و عدد فاتحه اول باب بنیه ۶۱۶ موافق قوی متین الخاء جمع نمودیم فاتحه اول را با فاتحه ثالثه ۷۳۶ آمد موافق شفیق مدبر و این را نتیجه ثانیه گویند پس جمع نمودیم فاتحه ثانیه را با فاتحه ثالثه ۹۷۵ شد موافق [illegible] و این را نتیجه ثالثه گویند الخاء جمع نمودیم اصول مفتره را ۳۵۳۳ شد موافق بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] باسط مقدس معتقد و این را مجمع الاصول گویند و چون نتایج این عمل موقوفست بر استخراج اسماء طالع و صاحب طالع و ملک که طالع و صاحب طالع موکلست مثلا طالع مولودی محمد باقر قوس است و صاحب قوس مشتری است و عدد قوس ۱۸۶ و حروف ترتیب قوس قوش که عددش ۳۸۸ و حروف طبایعش کان حروف ناریست از جمل [illegible] ۱۱۳۵ و عدد اسم ملک قوس سواطائیل ۱۱۷ و عدد مشتری ۹۵۰ و عدد حروف [illegible] ۲۱۷ و عدد اسم ملک مشتری که سمحائیل است ۱۴۰ چنانچه مجموع کنیت و لقب و اسم و مجمع الاصول طالع و صاحب طالع اسماء ملک مذکوره ۷۱۷۱ باشد موافق این دعاء مأثوره که اللهم استجب دعائی و حصل مرادی و اقض حوائجی العبد الضعیف الراجی الی الله الملک الاعز الا باء القادر محمد باقر یعنی ابوالقاسم محمد رسول رب العالمین و آله الطاهرین المعصومین و بجهت اینکه کنیت و لقب و اسم و طالع و صاحب طالع و ملک موکلین اینها باشتقاق یافته باید که صاحب این اسم و طالع مثلا قبل از ذکر اسماء اعظم [illegible] این دعا نماید طریق استخراج اسماء اعظم طریق جامع از بسط تکسیر اسم ذات که عبارت از الله است و اسماء مستخرجه از اصول و صفات اسم محمد باقر اول ال ه را بسط نمودیم بعد از آن ن ا ص ر ع ا د ل م ر غ ی ث م ل ک ق ا د ر ق ی و م م ت ی ن بعد از آن اسم محمد باقر را مثلا و بعد از آن مخلصه نمودیم شد ا ل ه ن ا ص ر ع د م ی ک ق و ت و تکسیر کردیم بجهار ده سطر بر سیاق [illegible] ترتیب [illegible] و در این تکسیر مبسوط از

ت ا ص ل ق ه ک ن ی ص م ر د ع	از کلام [illegible] با رو یا رشف یا طاهیثا یا عاف یا افیطوس
ع ت د ا ر و م ل ص ق ی ه ن ک	یا اصغار یا [illegible] اسم اعظم با ملائکه [illegible] اصل این تکسیر [illegible]
ک ع ن ت ه د ی ا ق ر ص و ل م	اسم اعظم استخراج نموده [illegible] موافقت
م ک ل ع و ن ص ت ر ه ق د ا ی	نماید اول اسم تدارومیل بحسب ابجدی ۱۹۱ [illegible]
ی م ا ک د ل ق ع ه و ر ن ت ص	بعد [illegible] قرائت نماید دوم اسم [illegible] ۱۰۱ ۳۱ [illegible]
ص ی ت م ن ا ر ک و د ه ل ع ق	[illegible] سیوم [illegible] ابقع [illegible]
ق ص ع ی ل ت ه م د ن و ا ک ر	دستور قرائت نماید [illegible] ابقع [illegible] چهارم
ا ق ی ص ا ع و ی ن ل د و ت م ه	[illegible] نماید اما در استخراج اسم اعظم اقوال بسیار است [illegible]
و ر م ق ت ک د ص ل ا ن ع ی و	یکی آنکه ذکر کرده شد و بعضی از ارباب تحقیق اسم اعظم را [illegible]
و ه ی ر ع م ن ق ا ت ل ک ص د	الحی القیوم میدانند و بعضی اسناد [illegible] قرآن مجید [illegible]
د و ص ه ک ی ل ر ت ع ا م ق ن	
ن ا د ق و م ص ا ع ع ک ت ی ر ل	
ل ن ر د ی ق ت و ک م ع ص ا	

[illegible] ۲۱۹۹

رسم الخط او قرار یابند باشد مثل بسم الله فانه اشارة است باسم علی علیه السلام **وبعضی** از علماء جهت استخراج ملائکه ١٣٩
از اسم خود مینمایند چنانچه اسم خود را بنویسند که چند حرف است و عدد و بطون وی بگیرند و بعد از ظاهر ضم کنند و آنچه حاصل
آید در نفس خود ضرب کنند و حروف ایل که تمام بکند از او نقصان نکنند و ایل بران افزایند که اسم ملکی باشد که در اعمال
بخواهد وی کرده **مثال** اسم محمد چهار حرف ملفوظی وی یازده باشد و حروف ظاهری وی چهار در نفس خود ضرب
کردیم ۱۶ شد حرفش ی س ق آمد ایل بران افزودیم یسقائیل شد طریق قرائت آن قبل از عمل ۱۶ بار نوبت
که مداومت نماید و استعانت باین ملک مقرب بود شروع در اعمال متحصنه نماید بتقویت ملک مذکور تا مراد حاصل شود
ان شاء الله تعالی **تنبیه** در اعمال الطلسمات و اسماء را با اسم خود و اسم مطلوب و حروف طالع عین و ملائکه موکلات
جمع کنند و بایکدیگر امتزاج دهد و تکسیر کنند بحروف مختلفه تا تمام شود و بعد از ظهور موجبات بحروف از سطر اول
صدر خوانند و بحروف از آخر سطر اول که او اسم خوانند تا جمیع حروفات ادا شود و آخر سطور تکسیر کرده شود و بعد
و بعد از آن حروف مذکور را مستعرب درج کنند و اسماء الله و اسماء ملائکه که اسامی ایشان با برتوالی الحروف تهجی شود استخراج
کنند و بعد ها عدد سطور تکسیر را در مربع یا مخمس درج کنند و حروف تکسیر را متواصل نوشته در ظهر مربع نویسد
و با خود دارند یا در عمل آورد و این طریقه کاملات نادرانند **واکر** خواهد بجهة فتح و نصرت و غلبه بر عدو با اعدا
عزمیت به اسم خود را با حروف طالع و صاحب طالع و ملائکه موکلین ذاتیه موافق مطلب با اسماء الله تکسیر کنند و بعد از
تکسیر عدد حروفات بگیرد و در مربع چهار در چهار درج کنند و خاصیت تکسیر را در پشت مربع ثبت نماید با حروف تکسیر
و در طلاقه ضبط نماید بر عدو نصرت یابد و مولانا نظام الدین نوحی رحمه الله که یکی از مشاهیر این علوم است تکسیر اسماء
و اسماء را باین نوع مقرر فرموده که در دو اسم اشرف علی عظیم مثال نموده میشود باین صورت ع ل ی ع ظ ی م
و عدد و موخر ان این ع م م ع ع ل ل ع ع م و بعد به مجموع آن از صدور و موخر
مذکور چنین است عمعمع عللع عم نوعی دیگر نموده که سطور تکسیر را باید معرب
و مجمع نمود سوا از اسمین اول که علی و عظیم است باین صورت معمطلیع عیمعظل
لعیمطیع پس در مربع چهار در چهار درج کند و تمام حروف را مع صدر و موخر در ضمن آن نویسد و با خود دارد در از جمیع

ع ل ی ع ظ ی م	
م ع ع ی ل ظ ی ع	
ع م ی ع ظ ی ل	
ل ع ی م ظ ی ع	
ع ل ی ع ظ ی م	

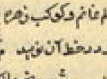
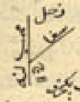
دهد فاما بعد دیگر مقطع از مربع مذکور این دو اسم شریف را بخوانند **در اعمال قهریه** الایات و اسماء مقرره را با اسم
عدو و حروف طالع و ملائکه موکلین تکسیر کنند و صدر و موخر نموده و عدد تکسیر را در مثلث درج و بساعت
طلوع طالع نحس بنظرات نحس و با بد مهبوط و محاق قمر در وقت ۱۲ درج کند و در عمل او دو نحسیت
لی عدو اسم را با حروف زحل با مریخ با عقرب هر کدام که خواهد در ساعات مقرره با اسماء مقرره تکسیر کنند و حاصل
از آن را در مثلث درج کنند و در حکم دراب با چاه یا با مایح یا در کوره حکم نقش کند اثری عجایب دهد و باید که ریب
هلاک نرخ بجوی سکوت نه ... رابح سرنهد ... حوب ... صایح ... معروف
بوده و سرایه ... عجیب آید و بعد از آن تکسیر کند و در مثلث درج کند و ملکی ... حروف طالع هر چهار
کوشد ان پشت کرده بنویسد و بعد از آن بخور و تبخیر در محکن ... کند که البته خاصیت دهد فاما در مثلث باید
کوشید که اکثری عمل بخلاف آن عمل راجع شود و نفس و مال و اهل و عیال او عرضه تلف گردد و اعمالات ناشرعی را از اسم
مسلمان موجب انعکاس است البته احتراز واجب داند **قاعده** عناصر چهار است آتش باد آب خاک و مطالب
انسان نیز چهار است با محبت میانه دوستان یا تفریق میانه دشمنان یا افتتاح کارها کشودن یا عقد و بستگی زبان
یا اعادی بدین سبب اسمای که حروف آتشی او بیشتر باشد بجهت آن او بخواه و اگر بادی بیشتر بود تفریق را شاید و اگر آبی ...

بود در حل مربوط و افتتاح کارها و اگر خاکی بیشتر باشد بستگی و عقد و مانند کیکوب احضار روحانی ماند و چون این مسئله
بیان الواح آتشی بی اسماء اعظم را دانی که هر یک چه خاصیت دارند **مثال** حروف صوامت چهار ده اند ا ح د س ص ق
ط ع ک ل م ر ه لا و از این جمله پنج حروف آن خاکیست ح د ع ل و این پنج حروف را صوامت خاکی خوانند بی
کسی این پنج حروف با اسم کسی تکسیر بروش خاکی و عدد بگیرد و در لوحی آن خانه بنهد و تمام کند و آن لوح را در سرکوبی
باید در چال کند و در بالای آن خاک میل پایان ده در مقابلش بهمین طریق میلی بکوبند و بهر آن طلسم شود که اگر صد
هزار کس هواهای او کنند ... و از ... نسلکی داشته باشد از ان در بند شو اند که نشست و این عمل در روز دو شنبه
کند که آفتاب از ۵ او رجب قوس گذشته باشد و ماه در سنبله و عقده ذنب در ذنب باشد و باید که هر کس که این عمل کند
لوح بدوح را با خود نگاه دارد و از برای عقد لسان و هر عقد بکه خواهد چهار حروف صوامت را با حروف اسم الشخص
و با حروف مستبد درج ترکیب کند بقاعده کنوز المعزمین و آن ترکیب را بنج اک وهد صد تا مقصود حاصل شود و چون عمل تمام
شود پنج لوح بدوح را بر وش نظم طلسم تمام کنند و جدول عدد باب کرده این عمل کنند چهار بار یا پنج بار تا در کار خود که
عقد بکند باشد بر طرف شود و صورت لوح بدوح این است ب د و ح و باید که پنج بار نویسد بعد از اسم بدوح که
بیت است در الواح آتشی و بادی و آبی و خاکی ح ب و د که گفته اند عبارت از خانه های الفنا است و هذه
لوح بجهت مثال نموده میشود باین صورت اول لوح آتشی د ح و ب لوح آبی و آتشی یعنی از سطر اول در خانه نهشتم ابتدا نموده
ب د و ح

ب د و ح	
ح ب و د	
د ح و ب	
ب د و ح	

طریق جامع کل طریق سرچشمه بصورت شده حروف انتکران الفاظ موسوم بان اسماء الهی بعرف اهل تحقیق ذات
حضرت تعالی و تقدس باملاحظه و معنی موجب اینکه مقصد طالب را افضل مناسبتی باشد بخصوصیت آن و سفا اختیار کرده
بسلک ... و در مربعی تکسیر بنماید هر چهار در چهار رقم بنهند که مصحف مساوی حروف اعداد آن اسم با اسمای دعا بر تعلق
اسماء تیز شاید که از اسطر کرده ... مقدار ... اهتمام با عنا و اهتمام کنند و احتراز ... طلبا فرجه ... محوم کپرینده
با خود داشته هر شب از دو نکره و عقبا بتوجه در دق زبان اخلاص در تکلم خضوع و خشوع با ... صورة کلام الله
اسماء ... مذکور و ... احبب ... ظاهرا و باطنا ... بدان که
مایان این ثبت مسعود ان شاء الله تعالی لوح امان و امال ... مقصود که مرقوم گشته علی احسن الحال ...
الکمال ... آلة المستعان الجواد و صورت مذکوره ... ۱۴ اعداد
مثل ... الله حق لطیف جلیل ... الاقدام ... جامع این رسالة
نگاشته کلک ... صورت که در نظر این ورق ثبت شده است بجهت عدم گنجایش آن در این صفحه

معقد دیگر در باب سوره ...
ثبت لوح مکسر مذکور ثبت
با بسم بعد از ثبت آنچه فوق ثبت شد

واکر تواند بلوح مکسر عمل نماید اثر او بسیار قوی تر باشد و هر دو مثال نموده شد و
استعاری نموده شد در خواص حروف صوامت که بالاسم مقصود را بطریق کنوز المعزین
استخراج دهد بسم الله الرحمن الرحیم انا انزلناه حاء منصوب او بلفظ یا بسم رفع
جزم کسر حرف طاء حرف ضبط یا بسم مجرور دم ... و حروف کواکب سبعه سیارات زحل اجب
مشتری وزوذ مریخ یحنخ شمس کسشظ زهره م ف ذغ عطارد نصبض قمر محطق
پس چون عمل لطیفه کند اسم طالب و مطلوب را و حروف کوکبی که مخصوص مطلوب منسوب است استخراج دهد و در خط ان کوکب
بنویسد مثال اسم سالم غانم و کوکب زهره بس ال م

غ ان م
م ف ذغ
و چون عمل عداوت کند اسم مخصوص را با حروف زحل
با سایر استخراج دهد و در خط آن بنویسد مثال اسم مذکور س ال م
غ ان م
اج ه ب
زحل

بعد ها چون شرایط بجا آورده شود بحق الکوکب بسوزد مقصود حاصل گردد
و در این معنی بسیار خواستم که اظهار کنم خود را هوس گفت که بیش از این پرده مدر در خانه اگر کس است یکحرف
بس است و هذا ما ختمت به کلامنا بحمد الله که تمت با برکت الکلام المجید و اسماء الملک الحمید امید چنانست که این مجموعه که
حروف رموز چند است از کتب فخر فقه مکنونه اکابر بر جمیع خواص و عوام مبارک گردد و حکمای از فایده کرده اند
جامع مسکین را بدعای خیر و فاتحه با اخلاص یاد کنند تا حضرت مجیب الدعوات حاجات ایشان را قبول کرداند و اگر به
سهوی رفته باشد باصلاح اورند سنتا استاد اکا بر دنیا که صحیح کنند سقیم یا رب از فضل خود بخشا
جرم و عصیان احمد را بکرم قد فرغت من تسویدها هذه الرساله فی یوم الخمیس عشرین شهر ربیع الاول من شهور ۱۱۱۸
ثمان و عشر و مائة بعد الالف من الهجرة النبویة صلعم
با تمام رسید این نسخه جامعه در دار الخلافه طهران
در مدرسه صدر تاریخ هزار و ...
همنا روحش کاتب الحروف از ایدام
المؤمنین ...
عفی عنه
و لوالدیه

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

النوع الثاني من كتاب شمس المعارف الكبرى للشيخ شهاب الدين احمد ابن علي البوني المغربي القرشي قدس الله سره العزيز وهو في
خواص الحروف وهذا النوع يشتمل على قسمين **القسم الاول** يشتمل على فصلين **الفصل الاول** يشتمل على معرفة اسرار طبائع الحروف وخلافه
في ذلك **الفصل الثاني** يشتمل على خواص اسماء الله الحسنى وما انتهى الينا من خواصها وتلاوتها على الوجه المشروح وخواص ذلك **القسم الثاني**
يشتمل على معرفة خواص الاوفاق العددية والحرفية وهو مشتمل على فصلين **الفصل الاول** في معرفة الكسر والبسط **الفصل الثاني** في
معرفة استنطاقات الحروف ودعواتها وخواص اشكال الآيات القرآنية وبه تم النوع والله اعلم **القسم الاول** وهو يشتمل على فصلين
الفصل الاول بسم الله الرحمن الرحيم اعلم ان الحروف الهجائية العربية ثمانية وعشرون حرفا وهي التي
عليها نزل القرآن العربي العزيز وقد شرحت لك من تفصيل مذاهب العلماء رضي الله عنهم اجمعين واولها ما نذكره جملة الحروف الناطقة التي
تلفظ بها اللسان الفارسي والهندي فجميع المجموع ٣٨ حرفا من غير لام الف فان لام الف لها بحث باق في محله وسبب اسقاط المكرر كونها
لام والف وقد تكررت وتفصيل الحروف فمنها العربية ٢٨ وهي حروف ا ب ت ث الخ ومنها اربعة اعجمية وهي ژ پ چ گ
ومنها ستة هندية وهي ... د ه وهذه الحروف دالة على جميع ما في الموجودات ونطقت بها الالسن وجميع الاسماء العظيمة
كلها ناطقة من حروف الحروف ولا يعرف الشخص الا بعد الالهام ولهم بهم وهي في لوح الخاطر فكل حرف له صورة في العرش تجلى بان ذلك في محله و
ذلك من طريق الكشف والشهود **تنبيه** اعلم ان في الحروف حروفا مختاية **وحروف** متصادقة **وحروف** مكررة **وحروف** رقمية **وحروف**
متواخية **وحروف** معزوزة **وحروف** صامتة **وحروف** ناطقة **وحروف** ظاهرة **وحروف** باطنة في لفظ الحروف **وحروف** متصلة
وحروف منفصلة **وحروف** خاصة **وحروف** عامة **وحروف** روحانية **وحروف** جسمانية **وحروف** علوية **وحروف** سفلية **وحروف**
وحروف جمالية **وحروف** جلالية **وحروف** ليلية **وحروف** نهارية **وحروف** غربية **وحروف** شرقية **وحروف** شمالية
وحروف جنوبية **وحروف** ثابتة **وحروف** ساقطة **وحروف** متحركة **وحروف** ساكنة **وحروف** بسيطة **وحروف** مركبة
وحروف مذكرة **وحروف** مؤنثة **وحروف** شمسية **وحروف** قمرية **وحروف** عظيمة **وحروف** حيرة **وحروف** غالبة
وحروف مغلوبة **وحروف** سعدية **وحروف** نحسية **وحروف** فاتحة **وحروف** خاتمة **وحروف** وترية **وحروف** شفعية
وحروف لطيفة **وحروف** كثيفة **وحروف** حيوانية **وحروف** نباتية **وحروف** معدنية **وحروف** نارية **وحروف** هوائية **وحروف**
مائية **وحروف** ترابية فاعلم هذا التفصيل العظيم الذي لم نضع فيه الا في كتابنا هذا ليغنيك عن غيره من الكتب والتاليف **واما** الحروف
المتحابية ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق و وعدتها عشرون حرفا وكل حرف له شاهد ورابط
فمن خواصها اي خواص الحروف المتحابية انك اذا اردت ان تألف بين اثنين فانها لا ينفك ودهما ولا عطيا فاذا اردت ذلك فاكتب بالقلم
واسم المطلوب حروفا مكسرة ثم امتزج الحروف حروف الاسمين مع هذه الحروف سطرا واحدا ثم تبخره وتتلو عليه من الاسماء المتحابة من الحروف
ويخرج بخورا اليوم **فمثال ذلك** ... **وهذه صورة تاليفها** ...
... ثم تجمع الحروف هكذا ... ثم تكتب ... ثم تكتب ذلك
في المكان وهذه صورة العزيمة التي تجمع **تقول** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسألك ان تؤلف ... وحاجته ... هذه
الاسماء ... يا ... بحرمة هذه الاسماء والاحرف الساعة العجل العجل بارك الله فيكم آمين ثم تحمل **وهكذا** المثال تقيس عليه في جميع الامثلة في الامور الكلية
فاعلم ذلك **واما** الحروف المتصادقة والمتحابية هي التي تقدمت وما عند اهل الاسرار فهي هذه الحروف **اططمفشذ** جزكس ... ثنظ بوحي
صثض دحلع رخغ **قال** جمهور العلماء اهل الاسرار ان النار والهوا ... وان التراب والماء ... وهذه هي الحروف الهجائية ... وسيأتي
تفصيلها ان شاء الله تعالى **واما** الحروف المكررة التي تكون في حديث النفس ... وجميعها الثمانية والعشرين حرفا ...

ذلك **واما** الحروف الرقمية على نوعين ونذكر ... حرف بالحروف واعداد في الهند ... اهل الهند ... واهل الانوار التي بها ... الها
الحروف الرقمية ... **الالف** احد **الباء** اثنين **الجيم** ثلاثة الى اخر الحروف الهجائية وهذه الحروف الخارجة تسمى الرقمية فاعلم ذلك **واما** الحروف
المتواخية فهي هذه الحروف مثل **ب ت ث** ... **واما** الحروف المعزوزة مثل **ه و م** ومعنى المعزوزة ... الحروف ...
واما الحروف الصامتة مثل **ا ح د ر س ص ط ع ك ل م** قال جمهور علماء الاسرار ... الحروف الصامتة في لوح من رصاص ...
... **واما** الحروف الناطقة مثل **ه ن و** وهذا مذهب اهل المغرب ...
اهل المشرق فانهم يقولون ان الحروف الناطقة هي الحروف ذوات النقط فاعلم ذلك **واما** الحروف الظاهرة التي يتلفظ بها الشخص عند النطق **واما**
الحروف الباطنة هي عبارة عن الحروف التي تظهر في نطق الحروف ... الرحمن ... الميم والنون ... ذلك
واما الحروف المنفصلة ... المتصلة التي تكون ...
التكسير فمنها **واما** الحروف الخاصة هي الحروف ... مثل **ا ب ج د** والحروف العامة ... مثل **ز غ ظ ض**
وهي عامة ... الاعمال ... **واما** الحروف الروحانية ... **وحروف** جسمانية مثل **ج ص ض**
وهم ... في تشكيلهم ... **وحروف** علوية ... **والسفلية** هي حروف ... **واما** الحروف الجمالية ... الحروف الجلالية
والحروف الجلالية هي الحروف ... **واما** الحروف الليلية ... ذوات النقط **والحروف** النهارية ... وهي **ن ا م ح ك ى**
لم س ر ق ا ط ع ... **وحروف** شرقية وهي **ا ب ج د ...**
د م ت ه ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ واما الحروف الغربية وهي **ا ص ط ن ف ش** ... واما الحروف الجنوبية
فهي **منصع تخذ** واما الحروف الشمالية وهي **ابجد هوز حط** وهي اصل الاعداد **واما** الحروف المتحركة مثل **الف** ... كلها
... **واما** الحروف البسيطة هي الحروف الهجائية ومعنى التكسير ... الاسم ...
... ان شاء الله تعالى **والحروف** المركبة هي عبارة عن اسم مجموع من التكسير والبسط **و** الحروف المذكرة
مثل حرف الالف والباء والجيم والدال ... الطاء **و** الحروف المؤنثة مثل حرف التاء ... الشخص ...
والحروف الشمسية هي الحروف ... التي يجمعها حروف **اططمفشذ** والحروف **القمرية** هي الحروف ... يجمعها قولهم
دحلع رخغ وحروف عقلية ... عن حروف ... قولهم **ابجد** والحروف ... عند ...
... **واما** الحروف الغالبة ... كان عددها وترا **و** الحروف المغلوبة ما كان عدد ... مزوجا **واما** الحروف
... في اوائل السور **الم المص كهيعص** وهي اربعة عشر حرفا **و** الحروف النحسية يجمعها **ق ج ش ض ظ خ ز ه** والحروف
الفاتحة مثل **الالف واللام والواو والتاء والياء** والحروف الخاتمة مثل الميم والالف والياء والنون **واما** الحروف الوترية ...
... **و** الشفعية ... **واما** الحروف اللطيفة هي النورانية **و** الكثيفة هي الحروف الظلمانية **و**
الحروف النباتية ... **ب ج ك ت ر ق ت د ع** والحروف الحيوانية ... **ب ح ه ك ن ر د ت ص**
واما الحروف المعدنية **ح و ط ي ص ش خ لا** ... ان شاء الله تعالى **واما** حروف الطبائع الاربعة ...
في الفصل الآتي ... ان شاء الله تعالى **اعلم** ايها الطالب ... العلماء والحكماء قد ... في طبائع
الحروف ... العلماء الكبار ... الهندي ...
والغزالي ... **اقول** ... **الاول** ...
... **واما** ...
...
قال صلى الله عليه وسلم ... آدم عليه السلام ... نوح ... موسى ...

ز ع ح ... الحروف النحسية ...
ف ج ش ذ ظ خ ن ...

وهو مذهب الاطباء وقال بعضهم قالوا **نار هوى ماء تراب** وهو على طريقة المتضادة وقالوا الاوائل ثلاثة الثلاثة منها الهواء

ان الماء يجمد الارض وقالوا الف ومنهم من قال اول الطبائع وهي **هواء ماء نار تراب** ومنهم من قال تراب هواء ماء نار

ومن قال تراب ماء هواء نار والخلاف في ذلك كثير ودليلهم في القول انهم يقولون ان النار حارة متحركة وهي مطهرة للكل والنار تخالف الرماد

والرماد من طبع الارض وهو حار يابس على طبعها ولقد قال بعض العلماء بهذا المعنى لولا الحرارة الكامنة في الانسان لما نتج من ذلك الحركة فيه والسكون

في نوع الشخص الانساني فمن ذلك الحركة فهي من قبيل الحرارة لانها علة نشاة الانسان فما دام الحرارة فيه سارية كانت الحركة فيه متصلة الى التسعد

الكمالات الالهية والمعارف فهذا سر من اسرار الحرارة التي اسكنها فيه لانها علة نشاته روحية قال الله تعالى نار الله الموقدة التي تطلع على الافئدة ومن احل حركة

الابدية الروحية النشاءة وسئل بعض العلماء الاخيار عن الحرارة الكامنة في الانسان كيف هي فقال وضعه على النار والقي عليه الماء حتى

عليه من الفتيل شيئا كثيرا فصل الماء وان منه يخطف برعده القطن اوفى ذا شعت النار وقليلا قليلا حتى تبرد فاذا بردت سكنت تلك

الحرارة وكذلك الانسان اذا مات سكن وبطلت تلك الحركة وما دام فيه الحياة فيه الحركة الحارة الغريزية فاذا مات سكنت تلك الحرارة

ورجع الى اصل طبع التراب وطبع التراب بارد يابس واقتضت الحكمة الالهية ان الحركة تكون من قبيل الحرارة وهي مادة الحياة وان السكون

من قبيل البرودة واليبوسة ولقد قدمت النار وقالوا انها اشرف العناصر وانما استقرت لاستقصاءات لشرفها في الموجودات والعلو في فلكها

على جميع الطبائع لما يفناه ولهذا السبب علماء الحرف قدموا عنصر النار وهو فوق الامور الخفية وجعلوها جزءا من اجزاء العالم كان من لوازم الشمس

تفعل بالاشياء في حركتها وتقطع الفلك وتنضجها ولقد ذكرت علماء المتاخرين ان في بعض الاماكن يعيش فيها حيوان ولا ينبت فيها عشب اوفيه

ان الشمس تكون بعيدة عن تلك الارض وتكون حالها عادية وسبب في تلك الحرارة معدومة من ذلك القطر وقال بعض الاطباء ان بعض

الناس يكون بارد الطبع وهو البلغمي ويكون قليل الاكل ضعيف المزاج عند حرارته وفي ثبت قلة الحرارة الغريزية كذلك لا يكون متعويا في الاكل

فينبغي له ان يكون مستعملا الاشياء الحارة كما ان صاحب الحمى يكتب له الحروف البارده وصاحب البارده يكتب له الحروف الحارة وصاحب المزاج

ينظر في طبعه ويداوي على ما ينبغيه وكذلك صاحب السوداء يداوي بالاشياء الرطبة لان طبع السوداء اليبوسة وطبع الصفراء الحار

الرطب وهو طبع الدم وبعضهم يقول ان النار تكون تراب ثم هواء وقال اليهم نار ثم تراب ثم هواء ثم ماء وهذا قول علماء الفلك والنجوم واصحاب

الهيئة ويقولون الف بعد كورة القمر كورة النار وبعد كورة النار الماء وبعدها الهواء وبعدها كورة التراب اليابس **اعلم** ان الحروف هي

مصباح الانوار ومفاتيح خزائن الاسرار وهي تحتوي على السر الغريب والملك العجيب فلا يتصل اليها احاد العارفين وافراد الخاصين

فقال لسان الحال الحمد لله الذي اطلع اسرار المعاني في سماء الحروف واظهر نجوم المعاني في افق ملكوت الظروف ورسم سر كتابه العزيز

في صورة تفصيل وجعل الحروف نظام العالم وبه نطق لسان الحال فجعله للمقال فكانت مركبة فنطق بها القران العظيم وكانت لوح الشارح

السعادة في دقة الاحجار فتسم الرياح بالاذكار فظهر بتنجيز الحروف الاسرار وما كل قلب يصلح للسر ولا كل صديق يحفظ الدر ويطلق

على الدر وان لكل مقام مقال وان لكل علم رجال **تنبيه** اعلم ايها الخائض في بحر الحروف ان الكلام مركب من الحروف والحروف مركبة من الالف

والالف من النقط واما النقطة فغير مستقيمة بل هي متعلقة بلوح النفس من قلم الباري كما قال الله تعالى علم الانسان ما لم يعلم وقال تعالى وعلم

ادم الاسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة يعني الحروف المحيطة بكل نطق وهي ستة وثلثون حرفا تجري في لغات جميع الناطقين في الموجودات كلها

مع اختلاف السنتهم وقد تقدم التفصيل اول جميع ما خلق الله تعالى من المخلوقات ثم تكلم الانبياء بالحروف فلا زيادة على هذه الحروف البتة وان

هذه الحروف بها تم نظام الكون وقد اظهره الله من عالم الغيب الى عالم الشهادة وما ظهر في عالم الشهادة جسم الا وظهر له في عالم الغيب روح

واسم ومعنى ملك موكل حافظ على كل حرف واسم من الروحانيات المسخرات تحت تصرف الحروف وتحت تصرفهم جميع ما خلق الله في الموجودات

وهذا سر عجيب فان الحروف مفتاح من مفاتيح الكنوز الموصل لكل مطلوب ولا يتحققها الا كل ذي حظ عظيم وان الحروف للخواص وكذلك

الدعوات المركبة من الحروف لظهور اسرارها الروحانية بواسطة سورة الجسمانية **تنبيه** اعلم ايها الطالب وفقك الله واياك ان الحروف منقسمة

على المنازل والمنازل منقسمة على البروج والبروج منقسمة على الشهور والشهور منقسمة على الايام والايام منقسمة على الساعات والساعات

منقسمة على الدرج والدرج على الدقائق والدقائق على الثواني والثواني على الثوالث والثوالث على الروابع والروابع على الخوامس ويجمع

ذلك اربع طبائع والاربع طبائع منقسمة الاربع فصول الذي تسمى الربيع والصيف والخريف والشتاء وكل فصل يجمع فيه طبع ففي الربيع يهيج

الدم وفي الصيف الصفراء وفي الخريف البلغم وفي الشتاء السوداء وقد احكم اصنع الموجودات بقدرته فتبارك الله احسن الخالقين **تنبيه**

اعلم ان البروج المشيدة في السماء ١٢ وجعلها منقسمة على اربع طبائع فمنها الحار اليابس وهي البروج النارية وهي **الحمل والاسد والقوس** والتي

تاتي مع النار **والبروج** الترابية ثلاثة وهي **السنبلة والثور والجدي** وهي يابسة باردة **والبروج** الهوائية ثلاثة وهي **الجوزا والميزان**

والدلو وهي حارة رطبة **والبروج** المائية وهي ثلاثة **السرطان والعقرب والحوت** وهي باردة رطبة وكذلك الحروف تنقسم على البروج و

الكواكب والخلاف في ذلك كثير فيتيحه انتم الحروف على الكواكب والبروج لتحصل النتيجة والاستمداد من صاحب البروج والمنزل لتحصل النتيجة

تتصرف في الحروف بالاوقات والساعات ولا يجوز عليك بجحود الكلمة وانا لانذكر ما اذكر لك ان شاء الله في محله واعلم ان لكل منزل حروف ولكل برج حروف

ولكل الاثنين ثلث **وهذه** اللوحة صورة الحروف واسماء الملائكة وتقسيم المنازل والبروج والكواكب والفصول وما يتولد منها من

الايام وهو بحث كبير وامر عظيم لمن القى السمع والفكر والنظر **اعلم** ايها الطالب ان هذه الربعة تحتوي على علوم جمة وهي نافعة الى الطلبة

المتعرفين بهذه الاعمال لتحصل النتيجة في ذلك **واذا** اردت ان تعمل عمل النظر فهذه اللوحة تحصل العمل وتستعمل الطبائع الاربع وتشكل الكل

والخلاف في ذلك كثير اقول وبالله التوفيق



ان النار والهواء والماء والتراب

والدليل في ذلك ان الحروف تنقسم على البروج والبروج منها نارية ومنها هوائية ومنها ترابية ومنها مائية والبروج النارية هي الشرقية والبروج

الهوائية هي الغربية والبروج الترابية هي الجنوبية والبروج المائية هي الشمالية والهواء الذي يهيج النار ويحرقها وينتجها وعلامة الغربية

هي الفلك لان الحروف الهوائية اذا كتبت ونطقت اوكتب عددها في رق وعلقت على جبهة العزيز جاء الريح باذن الله تعالى **تنبيه** اعلم

اذا غرب برج طلع ضده في المشرق فاعلم ذلك **تفسير** اعلم ان العالم العلوي بعد العالم السفلي فلحق بعد عالم الامر وعالم الامر بعد عالم العرش

وعالم العرش بعد عالم الكرسي وعالم الكرسي بعد فلك زحل وفلك زحل بعد فلك المشتري وفلك المشتري بعد فلك المريخ وفلك المريخ

بعد فلك الشمس وفلك الشمس بعد فلك الزهرة وفلك الزهرة بعد فلك عطارد وفلك عطارد بعد فلك القمر وفلك القمر بعد كورة النار وكورة

النار بعد كورة الهوا وكورة الهوا بعد كورة الماء وكورة الماء بعد كورة التراب ولما كان الانسان مركب من اربع عناصر فالحكمة الالهية اقتضت ذلك

ومن هنا الذي وضعنا عليه اعمالنا فنقول النار ثم الهوا ثم التراب ثم الماء ومن العلماء من قسم الطبايع على المنازل والبروج مثل ما ذهب

في مثل الشاموذ وافلاطون وحجة الاسلام الامام ابو حامد الغزالي رحمه الله فمنهم من قسمها على الحروف من حروف الالف الى الياء على مراتب الفلك المستقيم

واما البروج فلكل حرف برجين وبالعكس لكل برج حرفين ومثلث حرف وهو الاصح عندي وقد اجمعت الجمهور ان لكل منازل حروف وافقها

بذلك علماء كثيرة ولو ذكرنا اسماء الحكماء ولمن قال او اختلف لطال الكتاب فيه وسبيان ذلك من قسمة الحروف النارية على الترتيب وان الهوى

حلقه الله لحكمة اقتضاها في العالم وهو الموجود قائم بالعلويات والسفليات وان الاهوية **٧٢** نوعا واشرفها الاهوية هي الاربعة

فالدبور والصبا والشمال وريح الجنوب وجميع الاهوية تخرج من جميع هذه المخارج الاربعة واصول منهما فاما الشمال فمن قبل

بنات نعش وتارة يكون من مكان تكون فيه الشمس ولذلك ان مهب الريح الشمال باق دايما لبعد الشمس عنه وان القطر الجنوبي بارد

لكثرة المطر والثلج والماء الجامد وتغطيه في مقابلة نسر الكواكب واما ريح الجنوب فهو على الجبال الشمس فيكون لخروج الماء من حيث الاشق

فلذلك يكون نديء واما ريح الصبا لانه اعدل الاهوية فان كان في اول النهار فيه ماء الروحة وفي الليل يكون طيبة واما ريح الدبور فانها

عاكس الصبا لانه تهب الشمس مدبرة وتفضيل ذلك في **تنبيه** فنقول النار جرم بسيط طبعه انه يكون حار يابس وشيء حواري

واذا اردت اقتراح من هذه الطبايع بان تقيده والهوى جرم بسيط طبعه ان يكون حار رطب متحرك الى كل شي في رهيو وكذلك الماء جرم

بسيط ثقيل بارد رطب شفاف متحرك الى كل مكان وكذلك التراب جرم بسيط ثقيل بارد يابس علم هذه الحكمة التي اقتضاها البارئ جلت قدرته

وان الحروف امر الله تعالى آدم ان يقسمها على الطبايع الاربعة فحصل التاثير بها بقدرة الله تعالى ونحن نذكر خواص الحروف العنصرية على الجملة

من غير تفصيل فاول ذلك حروف الطبع التي تجمعها **اهطم فشذ** فمن خواص هذه السبع حروف النارية في ذلك اذا اردت ان توالف

بين اثنين ولكن بشرط ان يكون طبع ذلك المطلوب طبع الناري فاذا كان كذلك فتاخذ اسم الطالب واسم المطلوب وتمزجهم بحروف النار ثم تجمع ذلك

برقم ... الطبع وتكتبهم في شقفة نية وتضعها في النار وتتلو عليهم قسم طبع النار الاتي ذكرها **وان** اردت الى البغضة فانك باسم الطالب

المطلوب وتمزج الاسمين مع حروف الطبع وتكون الكتابة بالعكس وتكلم عليهم بالاسماء الاتية فانه تقع من غير ريب بصنع الله تعالى ويكون قدر

الكتابة في دار من اردت في الحانوت والكتابة على شقفة نية **و** كذلك اذا اردت اطفاء النار فاكتب هذا العنصر **و** ان اردت ايقاد النار

فتكتب الحروف وتدفنها في مكان يتوقد به النار وتوكل الخدام بايقاد النار **و** كذلك اذا اردت تبطيل المعاش عن انسان او تبطيل المعاش

من حانوت فتكتب المربع الاتي وتبخره بالمقل الازرق على قطعة من الاسرب وتدفنه في المكان **ومن** خواص هذه الحروف اعني حروف

طبع النار الى ابطال البارده التي تعرض فتكتب على ثلاث اوراق حروفا مقطعة وفي كل ورقة ثلاث مرات وتامر العليل ان يتبخر بها فانه يبرا ان شاء

الله تعالى **و** كذلك ينبغي لصاحب هذا العلم وما ذكرناه هذا الشرح الاعلى التجربة وبيان تفصيل شرح كل حرف من هذه الحروف السبعة هي حروف

الراس الى حد الرقبة وكل مرض يكون في الراس تكتب هذه الحروف وتشد ذلك اذا حصل على راس انسان وجع فتكتب هذه الحروف في ورقة

فتمحاه وتامر الموجوع ان يغسل وجهه وراسه من الماء وان تكتب الحروف في لوح من خشب وتتلو الدعوة المخصوصة لعنصر النار وتقول

٣٨٣	٢٩٢	٢٩١	٣٧٤
٢٨٩	٣٧٧	٣٨٢	٢٨٨
٣٧٩	٢٨٢	٣٨٣	٣٨١
٣٨٥	٣٨٠	٣٧٩	٢٩١

البارده

اطلبوا هذا الصداع من راس فلان فانه يسكن ذلك الوجع واذا اكتب وحمل مربع هذه الحروف

في الرصاص لامراض التي في الدماغ من منازل اثنا والله اعلم **واذا** كتبت الى صاحب الخوانيق

وعلقت له نفعته والى البارده التي تحصل في الراس نفعته باذن الله تعالى وهذه صفة الخاتم

التي لطبع النار فمن خواصه **اذا** اكتب على ذهب في يوم الاحد وحمله صاحب الامراض

البارده مثل وجع المفاصل ووجع الحلقوم ووجع الراس بعد البخور والتقسيم نفعه ذلك **ومن** خواص هذا المربع اذا اكتب على خاتم ووضع

على مريض القلب وذلك انه من الامراض البارده عوفي من ذلك **واذا** كان شخص حصل له برودة في المعدة فليكتب له هذا المربع فانه نافع له فمن طرد له

ان يكتب ويطعم الى ذلك الشخص ويعلق عليه فان الحرارة تعود اليه **وهذه عزيمة** طبع النار تقول بسم الله الرحمن الرحيم اقسمت عليكم ايها الارواح

الروحانية خدام الحروف النارية الهاجيم فغفتم كذا وكذا اجيبوا **اهطمفشذ** يوه ياه يوقد بوقد ... قشعق ... فرقوش

هرقاش هارش هارش بوقش دبش برشبوش هاش هاش ... شوزبر ياش اورش هاش هيهوش ... هيا

شوش اجيبوا وافعلوا كذا **اعلم** ايها الطالب اذا اردت تهييجا وعطفا فتكتب المربع في شقفة نية وتبخره بالبخور اللبان والمصطكى واتلوا

الدعوة وتوكل تهييجه لذلك الشخص فانه يكون ذلك **وان** كتب للصرع وتلوت الدعوة انصرع العون في الجن في حين وما عقدها ...

لصاحب هذا الطبع بكلمات ... من الاعمال فاكتب المربع وتتلو عليه العزيمة والعاقل يكفيه الاشارة **واما** حروف طبع الهوى التي تجمعها

ب و ي ن ص ت ض وطبع الهوى في المصادقة مع النار في رتبة واحدة ... من العلماء يقولون ان الهوى اصل ... في

الموجودات وهو اثر العناصر لانه كل الوجود ولذلك قوام ... الانسان استقامته بالهوى اعني هذه النفس ولولا

الهوى لهلك القلب بالحرارة الكائنة في الجوف ولذلك هو ضد النار في الحسن لان الهوى تخمير النار ولو ذكرنا العلا والعلوم

والمباحث لطال علينا الكلام ولكن نذكر خواص الحروف الهوائية على طريق الجملة **فمن** خواص هذه الحروف تكتب الى من كان طبعه الهوى

مثل جلب وعطف وتحبب وقضاء حاجة ... ما المراد التحقيق المطلوب ان طبعه هوائي فاكتب هذا الطبع واكتب اسم الطالب

والمطلوب وتبخره بالبخور اللايق لهذا المعنى وتعلقه في الريح فان حاجته تقضى ... هذا العمل بقية الاعمال ولا ... الرزق

تكتب الوفق وتعلقه في الريح وكل وجع يكون من قبل الارياح تكتب ويسقى الى صاحبه **و** اذا كان انسان في سفينة وتعذر عليه الريح

فليكتب المربع وتبخره بالعزيمة ويعلقه في الريح فان ... يا في الهوا الريح **و** كذلك يكتب المربع لصاحب ... ويسقي ... وايضا الى

صاحب القولنج تكتب له على لوح من حديد ويتلو عليه بعد التبخير ويجعل ... عند التغني **وان** اردت ابطال ... فتكتب

معكوسا وتوكل ... وتقطيل حانوت وتدفن ذلك الشقفة في الريح مقابل الحانوت فانه تكثر الزبون **وهذا**

صفة الخاتم واما العزيمة تقول بسم الله الرحمن الرحيم اقسمت عليكم خدام هذه الاسماء الهوائية ... هاش ... مواشيم مرموش

هوشلش طوش صوش ... البشوراش ... كرامعيود ... اشطيوش الزبون ...

مواشم ... طوش ... ركرامعيو ... هوش ...

تعليش اجيبوا وتوكلوا بكذا **واما حروف طبع** الماء التي تجمعها **د ح ل ع ر خ غ** الان طبع الماء مع طبع التراب في

٣٧٢	٣٧٥	٣٧٩	٣٦٥
٣٧٧	٣٦٥	٣٧١	٣٧٦
٣٦٧	٣٧٠	٣٧٣	٣٦٠
٣٧٣	٣٦٩	٣٦٩	٣٧٩

المصادقة والموافقة في رتبة واحدة وان طبع الماء وطبع اللطيفة ثم بنفسه وهو جوهر بسيط

وبه تستحيي النفوس وذلك من حيث النسب وان هذه الحروف لها تامة اتفق في الاعمال

فمن ذلك يكتب هذه الاسما الى جميع اعمال المحبات والعطوفات والكثرة الماء **ومن**

خواصها الى المحبة تكتب اسم المطلوب الذي يكون طبعه مائي وتسقيه وان تعقد ... في ماء جاري وتكتب هذه الحروف ...

وتسقي بماء البطيخ او بماء الشعيرة وتكتب ايضا الى اصحاب المحبات وتسقي ولا بد من تلاوة العزيمة في وقت العمل **و** تكتب ايضا ... الانثى

في يوم الثلاث وذلك على قطعة من رصاص وذلك على حاشية من ... ذلك العمل وكذلك ... المعدة تكتب وتوضع كما تكتب الى

الحجرية ويكتب ايضا معكوسة الى الاعمال الموذية مثل تعطيل الحانوت في شقفة نية وتعلق في الماء فتقوش **و** تكتب ايضا في التوحيل كذلك

وفي الهيجا كذلك في شقفة ... المكان **و** كذلك تكتب الى اصلاح بين الخصمين تكتب وتسقي الى المطلوبين **واعلم** ايها الطالب

وفقك الله واياك ان هذه الاعمال كلها لا بد لها من التبخير والتلاوة **وهذه الدعوة** بسم الله الرحمن الرحيم اقسمت عليكم معا

الارواح الروحانية خدام هذه الاسما ... شلاش اشتوش ... هيلبوش

١٤١

هلثلث بهاوش ها لش هلثلثلتلهش شلشل نشدش ارش ارش هادش هادش قادش هيا يوهشلوش جج

ويتوكلوا الوجا الهيل فاعلم ان الطبع الاعظم الحقين على هذا النحو وهذه صفة الخاتم

٣٦٩	٤٠١	٤٢٩	٤٣٥
٤٧٩	٤٣٣	٤٦٩	٤١٠
٤٧٣	٤٣٥	٤٩٣	٤٧٠
٤١٢	٤١١	٤٢٢	٤٧٧

واما طبع التراب وحروفه الترجمها اعلم ان طبع التراب صعب طبع الموت فمن خواص هذه الحروف تنفع الى التشابيح والى التعاطيل والى البغضة والى صاحب الاعمال الترابية المتخذي فوق المعادن ان اردت تحجبا بين اثنين فاكتب هذه الحروف على حر ثواب مسوبة او صفحة في المكان دفنا و الى التعاطيل يكتب بها حروف الرقية مكسورة معكوسة وتتلو عليه العزيمة وتدفنها في المكان و كذلك تكتبها الى التعاطيل جميعها على هذه الصورة وان هذا الطبع صادق مع طبع الماء وهو سواء في الذبة ومن خواص هذه الحروف تكتب على قطعة خبز وتطعم الى من يأكل التراب و ايضا تكتب بالزرقة على قطعة من التراب وتطعم الى ذلك الشخص وهذه صورة المربع وهذه العزيمة بسم الله الرحمن الرحيم اقسمت عليكم معاشر الارواح الروحانية خدام هذه الحروف بحق ششلشع ششلشل باخ بلخ ملخ سحالوخ بعوخ بعوه باوخ شموخ الثالث الياش الياش لشيلوش هرهوش هيش هيش قشا بلخ بوعليخ بوشليخ الخ باخ فحفاصلها دياه بموه اجيبوا وتوكلوا الوجا الوجا العجل الساعة

٣٥٥	٣٧٠	٣٦٥	٣٦٣
٣٦٩	٣٦٣	٣٥٩	٣٦٩
٣٦٢	٣٦٥	٣٧٣	٣٥٩
٣٧١	٣٥٠	٣٦١	٣٦٦

تنبيه اعلم ان الانسان مركب من اربع عناصر ولاجل هذا كان اشرف المخلوقات و ان هذه الحروف ٢٨ حرفا منقسمة على بنيانه باعضائه فمنها الحروف السبعة التي هي الطبع الناري في الراس الى العنق وكذلك الحروف الهوائية السبعة منقسمة من العنق الى السرة والحروف المائية منقسمة من السرة الى رؤوس الفخذين والحروف الترابية منقسمة من رؤوس الافخاذ الى القدمين وقد ذكرنا بتفسير الاربع طبايع في هذا الكتاب في سر الحروف ٢٨ حرفا التي هي منقسمة على الاربع طبايع ان كان للاعضاء وافقا فمن عمد على رياضة ودوات تكون له صورة كاملة من شمع او نحو الحروف الاربع طبايع كل طبع على ما يناسبه من الصورة وان تخرجها بالبخورات فتعطل ما اراد من التشاليط مثل الجاه والفالج والناظور ومن الامراض ومن التعطيل عن البيع والشراء وان تقرأ القسم الجامع الآتي بعد هذا الفصل ثم تعلم

مقدمة اعلم ايها الطالب وفقك الله واياك لما ذكرنا خواص الحروف الاربع طبايع وذلك على طريق الجملة وفي الكلام على كل طبع بجزئه فالآن نذكر لك طبايع الحروف ٢٨ حرفا على كل حرف ما يناسبه فاعلم من الحروف واولها نذكر الحروف **النورانية** وهي التي حصن الله بها القرآن العظيم وجعلها في اوائل السور **ولقد** ذكر بعض المفسرين في قوله تعالى انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون قال هي الحروف التي في اوائل السور **وقال** القرطبي ان كل حرف من هؤلاء الحروف اسم قائم به وان كل اسم في اول سورة مثل **الم والمص** فانها من اسماء الله تعالى **ولقد** روي عن امير المؤمنين علي بن ابي طالب رضي الله عنه انه قال **كهيعص** اسم من اسماء الله تعالى **والمص** كذلك ان عدد جملة الحروف النورانية وهي ١٤ حرفا من خواصها على الجملة اذا اردت ايضا الطلب ان تتصرف بهذه الحروف وتحكم على الارواح العلوية فتريض من اول الشهر الى ليلة ١٤ من الشهر اردت وانت على رياضة كاملة وتتلو الاسماء الحسنى الآتية دبر كل صلاة وفي ليلة ١٤ من الشهر تكتب على رق غزال هذا الشكل المربع وهو ١٤ في ١٤ وترسم الوفق وتنزل الحروف وتكتب حول الحروف هذه الاسماء ١٤ وان اردت عملا من الاعمال مثل التهيج او العداوة او استخدام فيكون المربع معك وانت تتلو الاسماء وتزجر الارواح الموكلين بالايام السبعة وتزجرهم بهذه الاسماء فانهم يقضون حوائجك **وان** حملت المربع رزقك الله المحبة والهيبة والقبول من جميع المخلوقات وكنت مسموع الكلمة عند السلاطين **وان** داومت على التلاوة نطقت بالمغيبات وتزيد قوة اعطيها فقوى الله قلبك

وللفقير بالكلية

ا	ل	م	ص	ك	ه	ى	ع	ط	ح	س	ق	ر	ن
ن	ر	ق	س	ح	ط	ع	ى	ه	ك	ص	م	ل	ا
ر	ق	س	ح	ط	ع	ى	ه	ك	ص	م	ل	ا	ن
ق	س	ح	ط	ع	ى	ه	ك	ص	م	ل	ا	ن	ر
س	ح	ط	ع	ى	ه	ك	ص	م	ل	ا	ن	ر	ق
ح	ط	ع	ى	ه	ك	ص	م	ل	ا	ن	ر	ق	س
ط	ع	ى	ه	ك	ص	م	ل	ا	ن	ر	ق	س	ح
ع	ى	ه	ك	ص	م	ل	ا	ن	ر	ق	س	ح	ط
ى	ه	ك	ص	م	ل	ا	ن	ر	ق	س	ح	ط	ع
ه	ك	ص	م	ل	ا	ن	ر	ق	س	ح	ط	ع	ى
ك	ص	م	ل	ا	ن	ر	ق	س	ح	ط	ع	ى	ه
ص	م	ل	ا	ن	ر	ق	س	ح	ط	ع	ى	ه	ك
م	ل	ا	ن	ر	ق	س	ح	ط	ع	ى	ه	ك	ص

ونطقت بالحكمة الآن وهذا الاسم الاعظم ما تصيب به الا الانجاح وهو الاسم الاعظم وسياق خواص كل اسم وهذه الاسماء الحسنى التي تتلى وهي هذه **السميع العليم الرحمن الرحيم الحليم الكريم الحكيم الصمد المجيد الحي النور اللطيف القدوس الطاهر** فهذه الجملة الاولى تقدم اسماؤها ذكرناها في خلوتها فيما تقدم **واما** الحروف الناطقة فمن خواصها الى استنطاق النائم وذلك كتبت في يوم الاحد عند طلوع الشمس في وقت اشراقها بالمسك والزعفران وو محيت ثم وضعت تحت راس النائم فقرات عليها هذا الكلام فانه ينطق بجميع ما فعل **وايضا** اذا وضعت تحت راس الطفل والمرتد ان يتكلم فانه ينطق **واذا** كتبت على اسم من اردت بالأعين اسود على حجر من رخام اسود في ٢٦ من اي شهر كان ووضعت الحجر في النار وتكلمت عليه بالاسماء وانت تذكر كنية الشخص واسمه واسم امه وتقول كما فرنا ذلك الشخص يحدث بالجنون فانه يأتيه **وان** صورت صورة كاملة على اسم من اردت وتكتبه وتربط اسمه مع هذه الاسماء وتنقشها على الصورة وتكون الشخص وتسميه وتدفن الصورة فانها ذات توكل بابطال ذلك العضو او فالج او عرج **وان** كتبت في فضة او على خرزة ووضعت على صدر مولود تعسر عليه النطق فانه ينطق **وان** كتبت هذه الحروف والاسماء في مربع ١٦ في ١٦ على هذه الصورة تركبتها وكل هذه الاسماء الآتية وجعلتها ان كان معك بقبول لاحد كان من براه لا يكاد ان يفارقه **وهذه الاسماء** التي تتلوها في وقت الاعمال الحق اقسمت عليكم معاشر الارواح خدام الاسماء بحق

ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣
٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا
لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و
و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه
ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م
م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل
ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك
ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع
ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص	ط
ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س	ص
ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د	س
س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د	د
د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح	د
د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا	ح
ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع	ا
ا	ح	د	د	س	ص	ط	ع	ك	ل	م	ه	و	لا	٣	ع

ثبت مجد دستر من كلفه فتى يا كلام يا مجيل يا مجيد يا ذا المن يا الله الا هو رحماه يرو يا بير ديا صمد ها هيرات المتكلم وادبرا فح
اجيبوا ايها الخدام وتطهروا هنا بالاسم **وهذه الاسماء** التي تكتب حول المربع يا باقي يا تواب يا ثابت يا جليل يا حي يا حنب
يا ذا البطش يا زكي يا شديد يا صار يا ظهير يا غني يا فرد يا قائم يا عزيز يا وفي علم ذلك فتحقق **وهذه ب ت ث ج ح ذ ص**
ش ض ظ ف ق ن ى فهذه جملة الحروف الناطقة وقد ذكرنا الحروف الصامتة **واما الحروف** المتواخية وتسمى الحروف
الجالبة وهي **ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ** فمن خواص هذه الحروف الى عطف القلوب فاذا
كتب بالمسك والزعفران وابتلى امراة تكون بنتا في اول ولادتها وجعله الانسان في راسه فان كل من راه احبه **واذا** ربط معها اسم
المتباغضين على طريق ما بيناه وجعلوه في الاحرار كان لهما ما شاء اعطيها دائم مربع **٤** في **٤** اذا رسم هذا المربع والشمس في

١٤١٢	١٣١٥	١٣١٢	١٣٠٥
١٣١٩	١٤٠٦	١٤١١	١٣١٤
١٤٠٢	١٤١٦	١٣١٣	١٤١٠
١٤١٤	١٤٠٩	١٤٠٨	١٣١١

الاسد وحمله انسان كان مهابا مقبولا عند جميع المخلوقات ونال الكلام ما يريد منهم وهذه صورة المربع
المذكور على طريق اهل الانوار فاعلمه **واما الحروف** الحزنيه وهي **ا ف ق ك ل**
م ن و هـ ى وهي ايضا مثال في الحروف ومن خواصها اذا كتب في اليوم **٢٤** في
لوح من نحاس وصور فيه صورة فار او عقرب او حجر او حيوان موذي ودفنته في مكان
اردت منع ذلك منه فانه لا يقربه ذلك الحيوان **وان** نقش في لوح من ذهب على طريق الطلسم وشرب من غليه صاحب الاستسقاء كان له شفا
وان كتب على صندوق او على اربع احجار ووضع في مكان الغلة فلا يقربها سوس ابدا **واما الحروف** التي تسمى الاستقامية من حروف
الاسم **ا ب ت ث ط ظ ف ك ل م** فمن خواص هذه الحروف الى تسليط الصرع وذلك ان تكتب في يوم عطارد في الشمع
اسم من اردت مربعا ثم تنجم وتكلم عليها بالقسم الجامع لاني ذكرها وتدفن في البيت فان المعمول له يصرع فانه باذن الله تعالى **واما الحروف**
المتشابهة لفوائد الفاتحة قد ذكرناها في كتابنا شمس المعارف ولطائف العوارف بحثا كثيرا فكتب ما ذكره ايضا لا تخضب الاسماء فاما الحروف فهي
ف ج ش ث ظ خ ز فمن خواصها على الجملة اعلم ان هذه الحروف مخصوصة بالعذاب فمن خواصها الاسقام والى تسليط الاوجاع فاذا اردت
تسليطها من اعدائك بدا من الجهة واسقم فتنقش صورة من طين كاملا على اسم ذلك الشخص ونكتب عليها الحروف **٧** معكوسة وانت تقرا
الدعوة المخصوصة بها وهي الخافية وتسمى ذلك الرجل فانه يكون **فان** اردت تسليط صداع فكتب على قطعة جلد على عدد سبابطها ثم
توضع في الطاحون ادخلت عود القصاد في الصداع **والحمى** ايضا تكتب على شقفة وتوضع في النار وتتلو عليها الدعوة فانها يكون
ذلك ومن كتب خاتما على هذه الصورة وحملها الحجبة في وجوه الاعداء وجعل الكلام بيده وسلامة كمالها في حواس الاعمال سرا عظيما باقي هذا
ما اوردناه من ذكر خواص الحروف على طريق الاجمال **واما الطريق** خواص الاحرف على التفصيل **اقول** وبالله التوفيق **اعلم** ايها الاخ
ارشدنا الله واياك انا سنكتب صورة اخرى فيما يأتي ان شاء الله تعالى واما من ذكرنا هذا الجدول لمناسبة الحروف لما يأتي من شرح الحروف
التي نعلق بعضها لان كل حرف اذا اردت التصريف بحقائق نسبة ذلك الحرف وما تعرف طبع العمل وشغل الحرف المناسب لذلك الطبع فاذا
رايت الحرف تنظر الى الجدول تقابل ذلك الحرف وما يناسبه من المنازل والبروج وطبيعة ذلك الحرف فيدل ذلك على النشر وقد بينا ذلك تقريبا
للطالب ولنذكر الان خواص الحروف على التفصيل حرفا حرفا وما لكل حرف من الخواص وما له من نسبة والحقائق بما يوافق ذلك الحرف من الاسماء
الحسنى وما لها نبتدي بشرط ذكر العمل **اقول** وبالله التوفيق ان الحروف المعجم **٢٩** حرفا المروي عن ابي ذر الغفاري رحمه الله قال
للنبي صلى الله عليه وسلم يا رسول الله اي كتاب انزل الله على ادم قال كتاب المعجم قلت وما كتاب المعجم قال **ا ب ت ث** الى اخره قلت يا رسول
كم حرف فقال **٢٩** حرفا قلت يا رسول الله عددت **٢٨** حرفا فغضب رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى احمرت عيناه وقال يا ابا ذر والذي
بعثني بالحق نبيا ما انزل الله تعالى الا **٢٩** حرفا فقلت يا رسول الله فيها الالف واللام فقال صلى الله عليه وسلم يا ابا ذر لام الف
حرف واحد قال انزل الله على ادم في صحيفة واحدة ومعها سبعون الف ملك من خالف في العزة فقد كفر **فان** علم الحروف علم جليل وان
الانبيا جميعهم على هذا العلم وكتموه واسره خواص الاشيا الغامضة وهو اول علم انزل على ادم وتبعه ادريس **و** الى ذلك الاشارة الفضل

الالف

الالف سفر ادم المستخرج من مغلقات الاسرار وفيها ياتي ذلك **تنبيه** اعلم ايها الطالب اذا اردت العمل بهذه الحروف فعليك بتحقق طعمه
من الكدورات واعتمد على معرفة المنازل والاوقات كما بيناه لك واعتمد بالرياضة عن المحرمات وتهذيب النفس ثم بعد ذلك
تصرف بالاسماء والحروف لان الحروف خزائن الله وفيها اسراره واحكامه ومعرفة صفات الله وعليك بكتمان سرها لان المثل يقول
من اظهر الاسرار عذب بالنار **اعلم** ان مبادي الحروف العربية حين اوحي في اللوح المحفوظ وكل حرف له دعوة وله ملك خادم
ياتي تفصيل ذلك واما الحروف اشتقاقاتها وتفصيلها فان فيها للنحو **حروف الالفات** واول حرف هو هذا الالف المعروفة وهي **ا**
والباقي منكرات فمنها سبعة منقوطة وهي **ث ص ف ك ل ى** واما السبعة الاخر فمنها الفان مبسوطان وهم **ط ظ** والمعطوف
وهم الجيمات او في الجهات حرف منكر وهو **الحاء** وجيمان معطوفان ومنها الحروف هما العين محذوفات وهم **د د** وجيمان
وهم **ع غ** والزاء ثلاث وهم **ز** فذا الان منكران وهم **و و** والنونات **٦** فمنها واحد معروف والخمس منكرات فهذه المعرف
ن وهولا المنكرات **س ش ص ض ق** واللام جيمات واحد منكر والاخر معروف وهم **م م** وجملة الحروف **١٤** الفا **ن** جيمات
٣ دالات **٦** نونات **٢** ميمات جملة **٣٢** حرفا فمن خواص هذه الحروف على طريق الجملة من نقشها على هذه الصورة في لوح من ذهب والشمس
في اول نقطة الاعتدال وحملها من كان كثير الغضب من الملوك والاكابر سكن غضبه وان كان حاملها مهموما فرج الله عنه همه **وان** كان
ذو معيشة معسرة فرج الله عنه وقدرة من حيث لا يحتسب وان كتب يسلفه بعفوان فيما ذكر من الشروط على رق طاهر وحملها افتقر
من فضل الله **وان** وضع على رجل معتقب سكن غضبه **وهذا صورة وضعها** تنبيه **اعلم** ايها الطالب اوصلنا الله تعالى

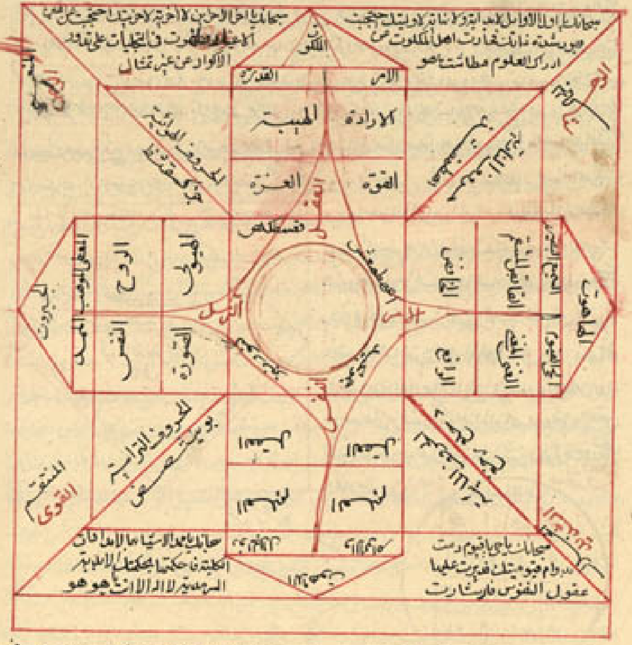


وقد اسمعني لفظ الحروف **الجواب** هو لفظ مشترك يطلق على
اللفظ من اي جنس كان من المخلوقات وكيفيته هو الهواء الخارج من
الصدر المتقطع من الشفتين واللسان المكيف بالحروف
وهذه هي الحروف الطبيعية الحقيقية الاصلية التي عقلها المتكلمون
وتصورها الناطقون على اسرار الحروف وهي **٢٨** وانها تعلق
في الصدر من قدر مخارجها الترتيب في النطق فجعلها من **١٧**
موضعا فمنها من الشفة ومنها من اطراف اللسان ومنها من اقصى
الحلق وقد تكلمت فيه اهل القراءات كثيرة وقد ذكر الصورة
ومخارج الحروف **وضعها صفتها وضعها**



اعلم ايها الاخ ارشدنا الله واياك ان الالف وهو عند الله اللين وتسمى هذه الحروف حروف الوسط لانها بين الحروف الفكر
وقد جعلت في الحروف المعجمة وان اهل المشرق قدموا الهاء واهل المغرب قدموا الواو وان الهاء مقدمة في الجفر الجامع وفي سفر ادم عليه
هذا السر العظيم اللطيف وان كل منهما سر من اسرار الله تعالى وسرها الكتاب المنزل وسره ذلك الكتاب في الحروف والحروف **٢٨** والالف
تمام الشؤون وهي مربع ياتي في فصل الاوفاق ان شاء الله تعالى **تنبيه** اعلم ان هذه **٢٨** حرفا وجميع تخرج اربع اسماء من اسماء الله
الحسنى وهي مكتوبة في اربعة اركان العرش وتحت كل طائفة اسم ملك من الملائكة يسجد على كل اسم ملك واحد من حملة العرش وجميع تنظر دون

الى الاسماء وهم حملة العرش بقوة ادعها الله تعالى من بركة تلك الاسماء والاسماء الاربعة يا باهر الشان عظيم البرهان ومن
مواهب من اللائه سجين ونيعة لمن يشاء من عباده المكرمين في كل زمان وهنا شكل عرش المعروف واصل الخمس
حروف الموضوعة في اللوح فتامل واعرف الاسرار تنال من رتبة المصطفين الاخيار وتحقق الاسرار واعلم ان هذا الشكل كان
موضوعاً في لوح من الذهب وكان على صدر سليمان بن داود عليهما السلام ومن خواص هذا الشكل اذا رسم في رقعة الرق الحلال
وكتب حوله اسماء ملائكة الحروف ودخل به على سلطان او حاكم ذلت له الرقاب وانهزمت له العوالم من جميع المخلوقات واذا كتب
٢٨ وكتب ملائكة البروج والساعات والايام في مربع على هذه الصورة في لوح من فضة فان فوائده لا تعد ولا تحصى من الامدادات
شيئا لا احصيها واذا توجه في قضاء حاجة وكان حاملا لهذا اللوح قضيت ان شاء الله تعالى واذا كتب



وكان في يد حاملة امرأة احبها كل من رآها وتكون الكتابة في يوم الجمعة وان حامل هذا المربع ان الله يحفظه من جميع الآفات ولا يقربه شيء
التوابع من الجن المؤذية **تنبيه** اعلم ايها الطالب ايدنا الله واياك بروح منه انه وضعت في هذا الجدول اسماء ملائكة
والكواكب والايام وقد تقدم الحروف النورانية والحروف الجزوية والموقوفة والمحفوظة والحروفية والتعلقة التي تقدمت **تنبيه** اعلم ايها
الطالب ان النقطة التي على الحروف فانها مبرزة لها وهي كالجبال مرسية الى الارض وان الحروف لا تعمل الا بها ايها الطالب من كتابة
النقطة ان كل حرف له دعوة وكذلك النقطة فلها خلوة ودعوة وان النقطة هي اول الاشياء وبها قام نظام العالم وهي اصل الاشياء
واصل كل شيء واضيفت اليها حروف الكاف فكانت نقطة كن قال الله تعالى انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون وان الحروف

اخذ من الاسم وكل حرف له دعوة وخلوة وخدام وقد جعلت استخدام كل حرف في الصفات التي نعينها ولذكرها

شرطين	بطين	جبهه	زبره	صرفه	بلده	نعايم	سماك	دبران	عوا	ذابح	سعد بلع	سعد السعود	مقدم
عجبائيل	لذابيل	عجائيل	عطائيل	قطائيل	قطائيل	نقائيل	صعدائيل	اسرائيل	ديائيل	لقائيل	بقائيل	عجمائيل	عطرائيل
هقعه	ذراع	غفر	زبانا	اكليل	قلب	نثره	طرفا	ذراع	شوله	فرغ المقدم	الفرغ المؤخر	بطن الحوت	النطح
نوريائيل	لعنائيل	صفصائيل	عكنائيل	حصفائيل	قنايائيل	بخنائيل	حنائيل	طهنائيل	قنائيل	صعطائيل	صعائيل	صعطائيل	دلقائيل
الايام	ملوكها الارضية	اسماء الكواكب	ملائكة الكواكب	الحروف النارية	ملائكتها	الحروف الهوائية	ملائكتها	حروف الماء	اسماء ملائكتها	حروف التراب	اسماء ملائكتها	اسماء البخور	[illegible]
الاحد	روقيائيل	شمس	عنايائيل	ا	ركيائيل	ب	بقيائيل	ج	كوكائيل	د	جعيائيل	زعفران	
الاثنين	جبرائيل	قمر	عطاطائيل	ه	تمتميائيل	و	لقطائيل	ز	بجلجائيل	ح	لقفائيل	مصطكي	
الثلاثا	سمسمائيل	مريخ	دهمائيل	ط	حمايائيل	ي	مخفوفائيل	ك	لطفائيل	ل	كعطائيل	صندروس	
الاربعا	ميكائيل	عطارد	كجلائيل	م	كجكائيل	ن	عزرائيل	س	الوهائيل	ع	دمعائيل	ميعه	
الخميس	صرفيائيل	مشتري	الوكائيل	ف	لططائيل	ص	لطفيائيل	ق	جمغائيل	ر	مجعائيل	كندر	
الجمعه	عنيائيل	زهره	اسعائيل	ش	فطمائيل	ت	مهمائيل	ث	مهمائيل	خ	لوبائيل	عنبر	
السبت	كسفيائيل	زحل	دهيائيل	ذ	ددمائيل	ض	عطمائيل	ظ	لومائيل	غ	لوبائيل	اللاذن	

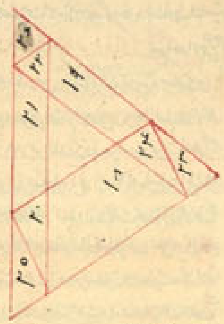
الحروف على الجملة والتفصيل بان ثم اننا نذكر الدعوة كل حرف من الحروف وما يختص من الاسماء وتذكر بعض ذلك الحروف لمناسبة
ذلك الموطن وان الكتاب انا وضعناه تقريبا للابتداء لا لاهل الاهتداء ونشرع في ذلك **فصل في خواص حرف الالف** بسم الله الرحمن الرحيم
الالف من حيث اللفظ غيب لا يدرك ومحيط لا يملك **ومن** حيث اللفظ جوهر بسيط **ومن** حيث الاشارة وحدة مطلقة **ومن**
حيث العبارة نجار مشرقة وهو حرف نوراني نصري رباني روحاني جمالي صاحب معزة وهو اسم المقام الاعلى الذي هو اسم الله الكل
مستحق القيام كادم والكعبة وهو اول المخلوق شرعاً ولما اهبط على ادم نزل بعد ثلاث الاف من الملائكة وفي سر العلوم مراتب العلم الجسم
البهائي وهو العلوي والسفلي من تحقق في ظاهره وباطنه تحصل درجة الواصلين **اقول** ان قوله **الم** ان الالف اشارة الى الله
والميم اشارة الى محمد صلى الله عليه وسلم **واللام** اشارة الى مظهر الامر وهو جبرائيل عليه السلام ولهذا كانت اول الحروف الالف كما
ان الله تعالى اول ما خلق الله الموجودات قال الله تعالى وكان عرشه على الماء العبارة عن كل هو استمراره وهو المستمد على الازل الى الابد
والسرمد والابد فانوار محرقة وشعاعات محتجبة يفنى انصاره ويبقى البقاء والبسها الارتقاء محجبة في جوهر الصفات واستترت بحجب الاسما
وعاصت في لجج الافعال **فالاول** آخر والآخر اول والالف دائرة احاطية والعبارات فيها محدودة الاشارة ولفظة كان الله ولا شيء
معه هي عبارة عن الوجود المطلق وهو اتحاد الازل بالابد ازل برق خاطف وحق خاسف الظاهر بالباطن والباطن في الظاهر التوحيد الازلي

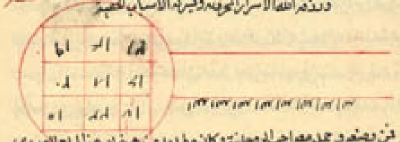
الابدي لا ينقطع والالف شكل حامل ويبين استنباطي بعزية الباطنة روح الحيات ويتصل بعزية الظاهرة اسباب القدرة عن التعلق بالهيا
والتمسك بالاسباب **تنبيه** تفهيمك هذه اللطيفة السرمدية يوصلها الحقيقة الابدية وتوهم وارتها فتعدد انما اصلت نقطة الابد
لان اصل الالف نقطة فانت واستر جت وهي تعرف اهلها من اجوها وكذلك الداير وانهم يتطيبن من حيث التوهم وهذه وجهة الصدق
حيث قال سبحانه من يجعل الحلقة طريقا للحقيقة الالا العجز عن ادراكه وحده العجز الوقوف على التعلقين فان استقطت اشرقت على بور الخاطر
بالمعرفة فقال الله تعالى ورفعنا بعضكم فوق بعض درجات فكان بالعلم والمعرفة وفيه سر قوله ما رايت شيئا الا ورايت الله قبله وبعده ومعه
هذه فتات الاحدية الابدية والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل** الالف حار يابس في الدرجة الاولى على الجملة ومن حيث التفصيل
فبرودة وهو في الدرجة الثالثة وحرارة في الدرجة الخامسة وهواء الحقيقة الحروف وقد جعل الله فيه سر مراتب الحروف ومقام الالف
مقام الجمع ومخرجه من الصدر وهو اول الاسم الاعظم وله من العدد **١١١** والمتعلق به من الاسماء الحسنى اسمه تعالى **كافي** وله كل مربع مثلث
فمن خواص حرف الالف العوة ان من كتب في يوم الجمعة او في يوم الاحد على خاتم من ذهب **٦٦** مرة وكتب اسمه كافي وسطها كان
مقبولا مهابا بين جميع الخلق **تنبيه** اعلم ان الحرف الالف من الملائكة جبرائيل في نسبة التكسير ومن الايام يوم الاحد **ومن** الساعات
ساعة الشمس **ومن** العلوية اسرافيل **ومن** المنازل الثريا **ومن** البروج الاسد **ومن** السفلية المذهب **ومن** الهوائية ...
ومن البخور العود ولونه ذكر **ومن** خواصه يصرف في المحبة والالفة فاذا اردت ذلك فاكتب حرف الالف مربوطا مع اسم المقدم من اليوم والكاتب
وانه بزعفران ويحمله الطالب فانه لا يخفق نية **واذا** اردت عطف القلوب من الاكابر والملوك فاكتب مثلث اسمه كافي في اليوم المذكور على خاتم
من ذهب او فضة ويكتب حول المربع حرف الالف على عدده ويتختم به ويتجهز بالذكر القائم به ويتعرى باسمه فانه يرى من اللطف صنع الله تعالى ما يعجز
العقول عن ادراكه **وهذه** صفة المثلث **ومن** كتب حرف الالف على عدده وكتب معه قوله تعالى يا ايها الذين امنوا اذكروا نعمت الله عليكم
اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا في هذه الكتابة لعطف القلوب انما فككت الابجر حرفا
ومن جمع مع حروف اسم الطالب والمطلوب ويكون الكتابة في حرير اصفر فانها انها عظيم وعطف بلغ
وقال بعض العارفين من كتب حرف الالف على حريرة صفراء ووزن للمعنى عدد بسائطها وكتب معه قوله

٣٢		٣٤
	٣٧	
٤٠		

٣٨ ٤١ ٣٥ ٣٩ ٣٣

تعالى يحبونهم كحب الله الاية والشمس شرقها وحملها احدا للسا عشق راى من حملها الى عظيما **ومن** كان بليد الذهن فليكتب له الالف الف
على حد سواء في ورقة والقرنية منه له الحروف وحملها وعلقها على صدره فان الله تبارك وتعالى يرزقه الفهم **وان** علقت على محموم فرح
عنه **وان** علقت على صاحب وجع الصدر عوفي من جميع الامراض **وقال** بعض الاكابر هذا الحرف مثلث وهو هذا وهو مربع ثلاثة في ثلاثة
فمن رسم في خرقة حرير وكتب حولها الالف الف وذلك في اليوم المذكور وتبخيرها بالذكر
القائم بها وحملها انسان وسخها الله عليه رزقه وكثر خيره وكفاه مكر الفجار وشر الاشرار
والاسم منه **الله** وهو قطب الحروف **ومن** رسم شكل حرف الالف على هذه الصورة
الاتية وتلى عليها الذكر القائم به وتلى بعد ذلك قوله تعالى فسيكفيكهم الله وهو
السميع العليم وحملها معه او رسمها في لوح من فضة في ذلك اليوم المذكور
وتعلق بظهرانيها وعيبة لا يحملها ما تبذلا لا يقع عليه نظر انسان الا احبه وقضى
وهذه صفته
وذخر الله الاسرار الحرفية وسيرة الاسباب الخفية





وله اسم تعالى هو مربع اربعة في اربعة فمن نقشه وحمله صاحب الحاجة وكان مطاعا عندهم خواص هذا المربع العددي

وان حامله يعطى من المراتب ما لا يتناهى وهذه صورة وضعه

هو	هو	هو	هو
٧	٦	١٣	١٠
٤	١٠	٢٠	٣
٥	١٦	٩	٨

ومن الاعمال الحبوانية اذا اردت احاقة ارمن اردت فاكتب حرف الالف
على عدد عدد بسائطه حروفه ثلاثة واثنين وعشرين وتلوت الذكرونات جمعت
ما كتبت في اساس من او الحرارة ثم ادفن اساس مدينة اخرقته فتق الله تعالى
تنبيه اعلم ان الالف سر الاسرار ونور الانوار ومفتاح الغيوب ومصباح
القلوب **قال بعضهم** الباء بهاء الالف **و** التاء تاج الالف **و** الثاء ثناء الالف **و** الجيم جمال الالف **و** الحاء حياء الالف **و** الخاء خلق الالف
و الدال دوام الالف **و** الذال ذات الالف **و** الراء روح الالف **و** الزاي زين الالف **و** السين سناء الالف **و** الشين شرف
الالف **و** الصاد صفاء الالف **و** الضاد ضياء الالف **و** الطاء طيب الالف **و** الظاء ظاهر الالف **و** العين علم الالف **و** الغين
غاية الالف **و** الفاء فهم الالف **و** القاف قلب الالف **و** الكاف كمال الالف **و** اللام لطف الالف **و** الميم ملك الالف **و** النون
نور الالف **و** الهاء هداية الالف **و** الواو ولاية الالف **و** لام الف ولاية الالف **و** الياء يقين الالف **فصل** وللالف خلوة جليلة
القدر يحصل لصاحبها الامر العجيب ويتخلقها من الاسماء الصمدانية وذكرها الاسم الجامع **وصفتها** للخلوة ان هذه العرف وهو ان تكتب شكل
حرف الالف الذي تقدم ويعتمد على رياضة وهو ان لا تاكل الاشياء الكثيفة ولحوم الحيوانات ويعتمد الصيام ظاهرا ويتصب عليه ثلاث
دوائر وتضع الشكل امامك في مصلاك وتجلس في المحراب وتذكر لا اله الا الله وذلك على عدد بسائط حرف الالف وبعد ذلك تتلو
اية الكرسي جامترة وتتلو الذكر القائم بحرف الالف وبيان يكون صاحب هذه الخلوة حاكما على شهوته متخلقا بالصمدانية لا يزنيا
الخلوة من الخيالات الا ما يدخل تحت حصر ان صاحب هذه الخلوة يحصل له كمال في التوحيد ويرى الاشياء على حقيقتها ويبا له حبة العالم الكشف
وهذه الخلوة لا تصلح الا للابدال **وهذه صفة الذكر القائم بحرف الالف** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك بسيد
الاسماء وبيده ملكوت الارض والسموات القائم بكل شيء وعلى كل شيء ثبت له الغنى وافتقر اليه فيضه الاقدس الهوى الا انا اسئلك باسمك
الحق الذي جمعت به متفرقات الامر والخلق والقت به غيب كل ظاهر واظهرت به كل غائب ان تمنحني هداية اسكن بها كل متحرك بتقدير انجح
بحبوب الي به كل ساكن ويسكن لي كل متحرك ان تحققه مثبتة على كل موجود ومتوحدا جامع شتات كل متفرق من حيث اسمك الذي توجهت
وجعلته وجه حق محانك واصحبت عنه كلمتي وكتمت مربوبه من انوار البسط وان انشر حلية من الهيبة والوقار وان توجهني الى ما تقتضي الامور
الذي لولاه لم تثبت الهيبة المقتبس هو هو مولانا السيد بكل اسم اسمى من افق الغيب المحيط بحقيقة كل مشهود ان تشهدني وحدة كل
متكثر في باطن كل حق وكثرة كل متوحد في ظاهر كل حقيقة ثم وحدة الظاهر بالباطن حتى انجلي على ظاهر ولا يغيب على خفي كل باطن وان
تمنحني الكلية الكل يا من بيده ملكوت كل شيء انت الله قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون **ما من عبد** داوم على هذا الذكر دبر كل صلاة في الخلوة
المذكورة انفتحت عليه تجليات الجلال النورانية بحقائق التوحيد وعدة التلاوة **١١١** مرة كل صلاة الخمس **ومن** داوم في الساعة الاولى من
يوم الاحد عند طلوع الشمس وهو خاتم العدد المذكور فان الله يلبسه الهيبة والوقار ولا يقع ابصر احد الا احبه **وان** داوم في العام الثاني
الشرط فان الله يحفظه من العام الاول في بلده قضاره وهذا الذكر من اذكار القطب من تامل عرف ما فيه من الاسرار الالهية والايات من ايات
القران العظيم **الم الله** لا اله الا هو الحي القيوم وهي اية جليلة القدر وفيها الاسم الاعظم وكلها من العدد ارقى **٢٤٣** فمن وضعها
في لوح من ذهب في اشرف الاعظم وكان من ارباب الحكم رزق الله الهيبة في قلوب العالم **وان** كان من ملكا حصلت له الهيبة **وان** كان ذو ريح
او اصل والطلاق حامله فليرسم هذا المربع وليتلو الذكر وليستعين بتلاوة الاية المذكورة
٤٠ يوما فان ذلك يعطف عليه ويرد اليه ما اخذ منه فاعلم ذلك وتحقق
وهذه صفة الخاتم العظيم القدر **ومن** خواص هذا المربع لحفظ الاطفال
من ام الصبيان ومن شر الجن جميعا **اذا** كتب في ذهب او فضة او نحاس

الحي القيوم ١٩٥	الا هو ٤٣	لا اله ٦٧	الم الله ١٣٧
١٣٧	٦٧	٤٣	١٩٥
٤٣	١٣٧	١٩٥	٦٧
١٩٥	١٩٥	٦٧	٤٣

والخاتم

فان حامله يحصل الخوف ويحتجب واذا رسم في رق بماء الذهب المحلول وحمله الشخص كان له قبولا عظيما واذا كتب على درة قوية تعلق بين
الوجه للحي القيوم وكتب شاهت الوجوه وعنت الوجوه للحي القيوم وحمله الانسان فانه يكون عقد السنة الحاسدين والباغين والي
عطف القلوب اذا كتب حول هذا المربع الف الف وحمله الى رجل يكون وضيع المرتبة فان الله يرفعه واذا كتب في لوح من ذهب فان
حامله ينال الهيبة والقبول بين جميع الخلق والبشر ومن علم سر الخواص عرف الاشياء على حقيقتها تنبيه اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك
لكلاوة اسمائه والى معرفتها ان حرف الالف له خواص كثيرة وامور عظيمة وهو حرف الوحدة وقال بعض العارفين من كتب حرف الالف
على عدد بسائطه وهو ١١١ على سكين تداعت في ذبح الاسد وكتب عليها شكل الالف العربي وذا العدد المذكور فانه يحمي الذات
ست كتبه بالمداد وان ينقطع من ارواح الجن وكتب عليه الذكر بنقط ايام وكتب الحرف بشريه على صورة البشر فانه الارواح مطلع من
حيث باذن الله تعالى وكذا للتوفيق لاصحاب التوفيق وينجز بالبخور المتقدم ذكره وقال بعض العارفين من كتب حرف الالف على شقفة بترق
اسم المذهب وبخم الدعوة ودفن تلك الشقفة في ان دعى لهم من به عطفه وحبه للملوك والاكابر كان له تاثيرا عظيما والله يقول
الحق وهو يهدي السبيل فصل في حرف الباء بسم الله الرحمن الرحيم الباء من حيث الحقائق مظهر جليل
ومن حيث اللطائف قلم تفصيل ومن حيث الاشارة مبدا وتعليل ومن العبارة سبب وسبيل وتعليل وهو حرف هوائي ظاهر الى سفلي جسماني
جمالي ناطق متواخي بتحرف في خاصة الخاصة ومعناه انا الباب الظاهر ومنه مبدا اسم الباعث باذن الله تعالى وهو حرف من حروف الاسم الاعظم
وهو حرف اشارة من قبيل الذات وفيه ايضا سر حيث قال كنت كنزا مخفيا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لهم فبي عرفوني فهي
منحرفة في الخلق علوية وسفلية وهي من الحروف الباقية الى يوم القيامة وهي بالنسبة الى الالف وعدده بالفعل لا يخفى ذلك الا عن المحجوب
جمعا وفيها سر الامداد وفيها معرفة اهل الكون والفساد وما كان من حقايق الاكوان تنبيه اعلم انجع العلوم سر سفلية وعلوية
واعلاه واقصاه بكل ذرة او عرف الحق كل ذرة وانما الكل الذرة هي نقطة الاعداد التي هي نقطة الباء التي يسمى نقطة الحيوة الحق
في امتزاج الماء وفيه سر الجبل وهو اول الماء وفيه سر الحي وهو يتفرع منها الاربعين في النقطة الاولى سر الحق وفي الثانية سر الايجاد
الايجاد من تجلي جمال فالذي على تجلي الجلال كان فيه تفصيل الحروف ب و ت ثم ان الذي على نسبة الجلال فكان على نسبة جم جثم
وشق وفا وقاف القهر فلذلك تركبت وكان بها سر التحيز وسر البقاء وذلك من نسبة الارواح ونطق الخطاب ويرجعون والتوجه الى
الحكمة وهو الاصل في ذلك تنبيه اعلم ان العرش الاعظم هو قبض النور الاول والكرسي الواسع هو قبض النور الثاني والكرسي
الاعلى قبض النور الثالث فالقبض الاول هي الثاني والثالث هو اول الحروف اعني الالف والباء وهي عين الالف في النقطة في الباء مقام
النقطة البشرية المعبرة بادم كقوله تعالى خالق بشرا من طين ولما كمل القبض وجب تخطيته حيث قال يا ايها الانسان ما غرك بربك الكريم
والمخاطبة بلفظ يا ومحلي النداء وتنبيهاه القريب من حضرة الرب الى العبد انا هو الاعبد الغنا عليه فكانت هذه النعمة في حق ابو الاشباح وهو
ادم بمعلوماته جميعا وكان هذا العزو من حيث النسبة في قوله ان هو الا عبد ورب فاعلم ذلك ولم يسطنا العبارة لطال المقال والله
يقول الحق وهو يهدي السبيل فصل اعلم ان حرف الباء حار رطب في الدرجة الاولى على نسبة التفصيل وهنا خلق الله حرف الباء
خلق معه ٥٠٩ الف ملك ليحيون الله ويمجدونه والباء هي سر العالم الاحرابي وفيه سر الالف المبسوطة الذي هي مقام النفس الكلية
لها من الايام يوم الاثنين ومن الملائكة اسرافيل ومن الارواح السفلية ابيض ومن الكواكب والساعات القمر ومن
المنازل البطين ومن البروج السرطان ومن الملوك الهوائية بنياسيل ومن الاسماء الحسنى كل اسم يكون اوله حرف الباء مثل
باسط بديع قال بعض العارفين من كتب حرف الباء ٧٢ مرة وكتب في وسطه اسمه تعالى ياباسط في اليوم المذكور وحمله ١١ قبل ان
كان عليه هم فرج الله همه وان كان معسرا فرج عسره ويسره وانشرح صدره وان كتبه في لوح من فضة وحمله صاحب الوسواس السوداء
فقد ذلك فكان له نجاما عظيما وقال بعض العلماء من كتب حرف الباء في ثلاث ورقات وفي كل ورقة يكتب على عدد بسائطه ثم انه
يتجرد بها صاحب الحمى ابرا باذن الله تعالى اقول وبالله التوفيق اذا اردت عطف قلوب جميع المخلوقات من اجناس بني ادم فتقعد

الى اليوم المخصوص المذكور بحرف الالف المبسوطة التي هي الباء ويرسم هذا المثلث على خاتم من ذهب او فضة ويضع عليه من فص ياقوت
او عقيق يماني ويكتب تحت دائرة الخاتم مبسوطا او ممزوجا وهذا صورة الخاتم وهو مثلث الكيفية ورايت مفرجا
عظيم بهذا الحرف الجليل وذلك اذا اردت ان تاتي الى ملك روحانية هذا الحرف ودعوته بترك القمر فلتكتب هذا الحرف في كفك
٧٢ مرة والقمر في المنزلة وتبيط بيدك فيها مقابل القمر فاذا انت تقول هذه الاسماء ٧٠ مرة ويدك مبسوطة والقمر طالع من افقه
يا رحمن يا رحيم يا وكيل يا ناظر يا قاهر يا قادر ارحم عبدك الضعيف واريد بعون منك وقوة يا ذا الجلال والاكرام ثم
تقول اجيبوا يا روحانية هذا الكوكب واخبروني في نومي عن كذا وكذا اعلم ان معنى الباء اية السبب في بنا سر التفصيل
وتكوين الالوان وقد نقل ان اول صحيفة ادم عم بسم الله الرحمن الرحيم وكذا الصحيفة نوح وكذا الصحيفة
ابراهيم وكذا الصحيفة سليمان لقوله انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم وكذا المحاضرات الوحي على رسول الله صلى الله
عليه وسلم لقوله تعالى اقرا باسم ربك قال الله تعالى بديع السموات والارض ومن تعسرت عليه امور دنياه فليكتب الحرف على عدد
بسائطه في الساعة المربع اسم البديع على خاتم من فضة او على رق بماء الفضة المحلول وكتب بسم الله مجريها ومرسيها الاية
وحملها معه بسط الله عليه رزقه وكان له هيبة في قلوب الخلق اجمعين وهون الله عليه مطلوبه ومن كتب دائرة الباء في وسط
الخلوق اشترط عليه ان يخاضع ذليلة واعدة بقواها الروحانية ومن كتب حرف الالف مع الباء وكتب مع ذلك الاسم يكون
اوله حرف باء ويكون معه شرطان يكون المنزلة الحرف وحملها ذلك الشخص وسع الله رزقه ويكون له فيه قال الاستاذ في هذا
الحرف مربع اسمه تعالى الباقي والبديع قال ابو مدين قدس الله سره العزيز ما رايت شيئا الا رايت الباء عليه مكتوبة وفي
شان رفيع لطالب العلوم الالهية ومن كتب ثماني ايات حول مربع اسم البديع وحمله انسان سلمه الله من جميع الافات وسلمه
من سائر المخافات والوضع في اليوم المذكور وهذه صورة الوضع ومن نظر كل يوم ٧٠ مرة الى حرف الباء وهو يتلو الذكر القائم

ع	ى	د	ب
١	٥	٦١	١٢
٦٦	١٣	٢	٤
٢	٣	٦٠	١٦

به ويتلو قوله تعالى قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون فان الله
يبسط عليه الرزق ظاهرا وباطنا وامده الله تعالى بالمعارف وما وقع عليه بصر احد
الا احبه وحسن فيه ظنه واذا كتب اسم البديع وكتب حوله ٧ مرة الباء في اليوم المذكور
وحمله المسجون او المأسور او المغلوب فان الله ستار رحيم بهم ويفرج همهم و
يفك اسرهم تنبيه اعلم ان جميع اسرار الله تعالى في الكتب السماوية وجميع ما في الكتب السماوية
من الاسرار في القران وجميع اسرار القران في الفاتحة وجميع اسرار الفاتحة في بسم الله الرحمن الرحيم وجميع ما في البسملة في سر الجلالة
وجميع ما في سر الجلالة في الباء وجميع ما في الباء في النقطة وقال ابن عباس لو شاء لكم عقال بعيري لوجدته في القران العظيم
و للباء خلق جليل القدر يتعلق العلم بالاسباب والوسايط وتوقفها جاريا على علم الحكمة وتعلقها عن كيفية ربط القوى
بعضها ببعض في الانجذاب طباعها الى الجوع المزاج وتركيبها في تركيب السموات والارض وهي حلوق محفوظة بابواب البدايات
فمن اراد ذلك فليعد الى بيت نظيف ويجلس على طهارة كاملة وهو مستقبل القبلة ويتلو هذا الذكر في اليوم والليل سبعين مرة فان الله
تعالى يعينه ويخاطبه في الطريق ويمده على امره ويرشده الى احسن الطريق الى ذلك وهذا الذكر القائم بها يا سيدي انت
مسبب الاسباب ومرتبها ومصرفها ومقلبها اسالك بالحكمة التي اقتضت ترتيب الاخرة على الاولى وبما تم الاعلى ان تشهدني ترتيب الايجاد
صعودا ونزولا حتى اشهد الباطن منها شهود اللطائف الاولى في غيب الاخر والحفاظ على الترتيب شهود المراتب ومسبب الاسباب
المسبوقة فلا احجب عن العيون بالعزة فاعجز عن ذلك الذي اولي بمفتاح الاذن الذي هو كون من العادة حتى اطوق بكل ابدية وراحة
بحق اسماء البديع يا مبدع كل شيء وعند الانفصال والمقارنة الباعثة على كل طالب اسالك ان تشفي قلبي من كدورات الاغيار
يا مبدع بمجدك وبحق اسمك البديع الذي افتتحت به كلامك ومسطورات من هو المجلى للشكر يا باقي على كل نهاية انت الباقي

ع	ى	د	ب
١	٥	٦٩	١٢
١٢	٦٤	٣	٤
٣	٧	١٠	٦٦

بكل باطن واسئلك ان تيسر لي رزقي يا باسط يا رزاق اللهم بارك لي في العالمين كما باركت على محمد وعلى آل محمد انه صلى الله عليه

بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض ذي الجلال والاكرام **خاصيه** عدد كتب حروف الباقي

حوله هذا الذكر بعد خلوة جيلة الاكتشف الله من الحقايق الخفية وفتح الله عليه ابواب الرزق وصالو جم في ارض الامور

يسر الله له ومن تلا بعقيته البركة وكان من اصل الاسباب بارك الله له **قال** بعض العارفين من كتب حروف الباقي ٧٣ مرة

وكتب حوله كل اسم يكون اوله حرف الباقي يوم الاثنين وحمله معه امنه الله من شر الجن والانس وكان مهابا عندهم باذن

الله تعالى **فصل في حرف الجيم** بسم الله الرحمن الرحيم وهو حرف عالم الملكوت مشترك في جميع عالم العلوي ومن

حيث الحقايق من حروف الجسم وهو مظهر جمالي ومن حيث اللطايف لوح اتصالي ومن حيث الاشارة جمع جمال ومن حيث العبارة

عقل فعال وهو حرف مائي ظلماني سفلي جمالي جلالي متواخي بتميز في العناصر ومعناه انه اسم الجمع العلي الذي تظهر به جميع الاسما

فينطق به الاسم الجامع وهو حرف جليل القدر يظهر فيه اسم الاحد وهذا الحرف يتصرف في الخير والشر **نسبه** اعلم ان حرف

الجيم هو في الاصل العدد بثلاث وينطق منه ثلاث جيمات فاوله الى **جيم** الجمال فكانت مظهر الجمالات كلها وهي الجبروت **وجيم**

الجلال فكانت جيم جمع **وجيم** الجبروت وهي المعبر عنها بجيم القهر وبجيم الجمع مظهر الرحموتية **اعلم** هدانا الله واياك ان

الرافة الرحموتية هي سبيل العارف ومنهاج الصديقين ومخصوصة برب العالمين المخرج للموجودات من عزيز مثال المنزه عن خواص

الذي لم يزل ولا يزال منعوتا بنعوت جيم الجمال دائم الوجود في الازل دافع العلويات بتقديره وحكمته سبحانه وتعالى له

البقا **فصل** اعلم ان حرف الجيم بارد رطب له من الايام **يوم الجمعة** ومن الساعات **الزهرة** ومن البروج **الثور**

ومن المنازل **الجبهة** ومن البخور جلنار جاوى ومن الملائكة العلوية **عنائيل** ومن السفلية زوبعة ومن الهوائية

ومن الاسماء جامع جليل جواد وكل اسم يكون اوله حرف الجيم **و** له من المثلث ثلاثة في ثلاثة اصل العدد

فيه ١٥ فيبقى لنا ان الجيم اصلها في العدد ثلاثة فضربناها في مثلها فكانت تسعة فزدنا عليها ستة اخرى فكانت خمسة عشر

فرتبنا ذلك في مثلث **وهذا صورته** ومن خواص هذا المثلث ينفع في الخير والشر فمن خواصه الى الجلب **الغائب** تكتب هذا

في اليوم المذكور في الساعة المذكورة على اسم الغائب واسم امه وتكتب دائرة المثلث



انما تكونوا يات بكم الله جميعا الآية وتكتب اسماء الموكلين باليوم والطالع والمنزلة حوله

وتتلو الذكر القائم بالحرف تمام الاسماء يجلب الشخص باذن الله تعالى والى الهيبة والقبول

يكتب هذا المثلث على لوح من فضة وتكتب حوله جواد جبار جليل جميل وتكتب اسماء الملوك ويتم بالذكر القائم

وقال من قرا حرف الجيم ٦٠٠ مرة وكتب اسم المطلوب وتكلم بالذكر ووضعت الكتابة في النار مع حصلبان فان المطلوب

يأتي الى المكان باذن الله تعالى **ومن** كتب الشكل الثلاثي القديم ذكره وكتب الذكر القائم به فان الله يرزقه المهابة

والقبول في قلوب جميع المخلوقات **ومن** كتب حرف الجيم على عدده ٩ وكتب حوله كل اسم اوله جيم مثل الجواد الجبار الجليل ذي الجلال

خاتمه رزقه الهيبة وكذلك ينفع لعطف القلوب **ومن** اراد ان لا يصيبه عطش في سفره فلينظر الى الشمس ويقف مقابلها ويذكر حرف

الجيم ٣٣ مرة على ما وحين فانه لا يعطش ابدا **وايضا** الى اصحاب الخلوة اذا كان الانسان يحصل له العطش الشديد في الخلوة فليكتب

هذه الاسماء جميل جواد جبار جليل وليكتب الحرف في يوم الاحد ويشرب من عليه الماء فانه لا يجد عطشا **وحكي** عن الامين بن هرون الرشيد

انه قد حصل له عدو من جنس الخوارج فسأل عن هذا المثلث الجليل القدر فوجده عند الديبوري واخبره انه خاتم آصف ومن عزيز خواص حرفه

فانه يعرف الاسم الاعظم **ومن** كتب هذا الخاتم في كفه وكتب من التراب وعصفور وقرأ قوله تعالى وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى الآية

وقوله تعالى ويولون الدبر من اول الآية ونفخ في ذلك التراب في وجوههم فان الله تبارك وتعالى يهزم ذلك العدو **ولقد** فعلها الامين

ابن هرون الرشيد فهزم عدوه **ومن** كتب حرف الجيم على رغيف واطعمه المختص للطلب وقرأ عليه سورة الرعد وقال اللهم سلط على فلان



كذا وكذا اوسلط عليه البلاء ومن عظامه بمحق هذه الآيات فانه يحل به البلاء **ومن** جمع هذه الاسماء المشتركة العددي وكتب على هذه



الصورة في لوح في باطنه مربع وكتب الاسماء الخمسة وكتب في المربع

قوله تعالى وما رميت اذ رميت وكتب العدد وحمل هذا المربع نال

الهيبة والقبول وعقد الالسن والنصر على الاعدا وكان حامله محترما

في جميع العوالم ورزقه الله الهيبة وهو من حروف العرش لان الله تبارك

الجليل على العرش وكان مبدأه الى حرف الجيم والعرش قائم بالاجلال

الاقدس والعلم محيط ومن داوم عليه وكان الذكر القائم بحرف

الجيم وتعبده له على هذه الاسماء فان الله تبارك وتعالى يعينه بحكمه **واذا**

كتب الشكل المثلث في يوم على شقفة خزف وكتب حوله وكان لك اخذ عليه الخط العرقي الايمن وتلا الذكر القائم به فالقيها في ارض او وادي

على اسم فانها تخرب وتخلى باذن الله تعالى **والى** حرف الجيم ومع عظيم القدر فمن نقش في طالع المريخ والقمر في المنزلة المخصوصة بالحرف

فان حامله لا يخاصم احدا الا غلبه وقهره **و** ايضا يضاف اليه اسم المنتقم القاهر المانع وتلا الذكر على خاتمه وكيفية هلاك الظالم كما علمه

٢٣	١٩	١٠	٧	١
١١	٨	٤	٢٥	١٧
٢	٢١	١٨	١٤ جواد	١٠
ودود ٢٠	١٢	٦	٣	٢٤
٩	٥	٢٢	١٦	١٣

في فضل الروحاني ونقد دعا بهذا الذكر وفضل بهذا المخمس من اكابر الاوليا

فصلا ونقد هلاك الظالم من الظلم على طريق ما بيناه لك **وهذا الذكر القائم**

بحرف الجيم تقول بسم الله الرحمن الرحيم الهي كل الاباء العلوية عبيدك

وانت ربه على الاطلاق وجمعت بين المتقابلات فكنت الجليل الجميل الاكرم

ولا نهاية لوصف انبساط لا غاية له الى شهود ملك سبحانك انت الله الذي لا اله

غيرك كلت الالسن عن وصف ذاتك تعاليت وتباركت جل جلالك

العلو امنع عن الشهوات الخفية بالله اسئلك بالسر الذي جمعت به كل شيء بالجيم الجامع لكل الجميع وان تشملني وان تمدني

واكسني حلة الارتياح بنفسي وتشرفني برفع المعارف والاسرار القدسية وتوجني بتاج الجمال والجلال لتخضع لي النفوس البشرية وتنقاد لي

القلوب الابية فاعلى قدري عندك علو تحفظ في كل مقال وفعال بكل عزيز من ملك وسلطان وملكني ناصية كل روح اذعيه بسمائه

واجعل لي لسان صدق في خلقك وبارك لي واجعلني محفوظا محصورا في بركتك ومحبتك واحجبني عن رق الطبع ودعوات البشرية واعتقني من

رق الاكوان واجعل الجيم هذا يورثني املا ولا تجعل علي لعدو سلطانا واعني بالنظر اليك عن كل مطلوب وارحمني بعنايتك وخذ بيدي عن غوايات

وجهتي وجملتي والبدل الى رجوعات من نجم الكبير وكثير الجبروت بطيا الخافقين والملك الارفع والنظر الاجمع سبحانك لا اله الا انت حسبي

نعم الوكيل **والجيم** خلوة جليلة القدر عظيم الشان تعطي صاحبها الهيبة والقبول والكشف التام عن حقايق المعلومات فمن اراد ذلك

فليعتكف في الخلوة نظيفة وليكتب المثلث المخصوص بهذا الحرف ويضعه في مصلاه ويذكر الذكر عقيب كل صلوة ٩ مرات ومدة الخلوة مخصوصة

الى البدايات من الاربعين لم يعرفوا سر التركيب وذكر كل اسم اوله حرف الجيم فانه يرى الخير الجزيل وليجتنب النساء ويصحب هذا الذكر ما استطاع

ومن كتب هذا الحرف يعني حرف الجيم والقمر في حوت من برج الزهرة وكتب اسم من اراد واسم امه وكتبته وادفنها في الله الذي يشرب منه

فانه يرى لها التحصيل له الفرح والمعرفة والتوجه قد علم ذلك **فصل في حرف الدال** بسم الله الرحمن الرحيم

ومن من حيث الحقايق حضرة كمال ومن حيث اللطايف مقام اعتدال ومن حيث الاشارة دوام واستقلال ومن حيث العبارة تكون ادا

وهو حرف ظلماني ترابي سفلي وهو بارد يابس في الدرجة الاولى وعدده في الدرجة الثانية وله اربعة بابه اربعة من حيث الجلم

ومن حيث التفصيل ٣٥ وجمع كل الله الطبايع في عالم التركيب وظهر هذا الحرف في اسم الدائم خصوصا وفي اسم الودود عموما ولم يتقدم

في اسم الدائم ونطقت به الاسمين الشريفين الذي هما **احمد ومحمد** وكان هذا الحرف خاتم الاسم الشريف وقد كان اسم محمد صلى الله عليه وسلم

ولقد تقدم في اسم الدائم ودوام الاذكار والله [illegible] وهذا الحرف من صفة العرش احق حقيقته يشير الى عالم العرش وان
التبديل لا يجري واقع على السموات والارض واما العرش فلا يتبدل وجوده والله اعلم لان وجوده اول المخلوقات وهو اول عالم الاله
والبر معارج الارواح وفيه انوار الرحمة وقد كشف القوم العارفين بالله على القسم الذي قسم لهم ومن حديث النبي صلى الله عليه وسلم
ارزاق [illegible] العرش [illegible] وقد اشار رسول الله صلى الله عليه وسلم [illegible] الان عالم الارواح كلها ساجدة تحت العرش في عالم [illegible]

تنبيه اعلم ان حرف الدال يشير الى الاركان الاربع طبائع واذا ضرب في نظيره كان العدد **١٦** فاذا ضرب به كان على عدد المربع الطبيعي
المخصوص بهذا الحرف **وهذه صفته** ومن خواص هذا المربع اذا كتب في يوم الجمعة والقمر في شرف على فضة او على زيبق معقود وكتب

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

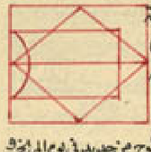
في وسط الاسم تعالى الودود وكتب من حوله **١٦** دال ويختم بالذكر القائم به [illegible]
انسان فان كل من رآه احبه محبة عظيمة ورفع قدره وكتب اسما رب الطالع [illegible]
حامله يكون في حصن الله من كل عيب [illegible] وان شرب من غلبه [illegible] سكن
وجعه باذن الله تعالى **فصل** والدال [illegible] من الايام يوم الاربعا
ومن الكواكب عطارد **ومن** البروج برج الجوزا **ومن** المنازل
الدبران ومن العلوية **دردبايل** ومن السفلية **برقان** ومن الهوائية
ومطايل ومن الاسماء **دائم** ومن البخورات [illegible] **فمن** كتب مربع شكل الدال وكتب حوله **٣٥** مرة في حرير ابيضا
على [illegible] من اليوم المذكور وجعله في خاتم ولبسه على طهارة كاملة ويتلو الذكر القائم به فان الله تبارك وتعالى
يوسع عليه الرزق ويحفظه **ومن** كتب محمد رسول الله الاية خمسة وثلثون مرة وكتب المربع ونظر اليه كل يوم **٣٥** مرة فان الله
تبارك وتعالى يرزقه الفهم **وان** كتب على ما تقدم وشرب من غسله [illegible] فتح الله عليه **وان** شربه من غلبه الكسل
على الطاعات [illegible] **ومن** تلا قوله محمد رسول الله وصلى على النبي صلعم [illegible] النبي صلى الله عليه وسلم **ومن** [illegible]
حروف الاربع اسمه وكتب المربع المخصوص بهذا الحرف في حرير بيضاء [illegible] فان ذلك الشخص [illegible] **ومن** كتب
حروف الدال [illegible] **٣٥** مرة [illegible]
حاملها [illegible] **والدال** حلوق جليلة [illegible]
تشفع الى ارباب القلوب [illegible] **ومن** [illegible]
الاشراقية [illegible] اسمه الدائم [illegible]
الذكر [illegible] **٣٥** مرة [illegible]
الامور المخفية [illegible] **وهذه** صفة الذكر
القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم سيدى دام بقاؤك ونفذ في الخلق قضاؤك تقدست
في علاك [illegible]
والدوام [illegible]
من حقائق الاعمال [illegible]
اسم [illegible]
روحاني من عالم حرف الدال انت العليم العلام تباركت يا ذا الجلال والاكرام **ومن** ناجى الله تبارك وتعالى بهذا الذكر في
الساعة الاولى من يوم الاربعا [illegible] **ومن** اراد الكشف [illegible]
قولهم وعندي مفاتح الغيب [illegible] **تنبيه** قال الله تعالى ان الذين [illegible]

وعملوا الصالحات

وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا اي يوجد في قلوبهم [illegible] بالانكار ولا يتركون من اعمال
ما لا [illegible] ولا يودونه [illegible] ان يتصل [illegible] من قبل الله تبارك وتعالى [illegible]
[illegible] من الحكمة وحركات حرف الدال [illegible] بالحقائق الرحمانية والاسرار الشرعية والانوار [illegible]
[illegible] كشفا [illegible] تبارك وتعالى [illegible] من انواع النعيم [illegible] والعذاب [illegible]
[illegible] في العلويات والله اعلم **فصل**

في حرف الهاء بسم الله الرحمن الرحيم **اعلم** ان حرف الهاء هو من حيث الحقائق وجوب وجوده ومن حيث [illegible]
[illegible] ومن حيث الاشارة [illegible] ومن حيث العبارة [illegible] الارواح وهو حرف [illegible]
[illegible] قائم بنفسه من حيث اللطائف [illegible] الاشارة [illegible] العبارة [illegible]
من بواطن التوحيد [illegible] في العالم الروحاني [illegible] العلويات والهاء [illegible]
العرشية التي من [illegible] التوحيد [illegible] من عالم العرش [illegible]
عباده [illegible]
[illegible] التصريف [illegible]
[illegible] في اول الكلمة [illegible] في الوسط [illegible] في اخر الكلمة [illegible]
واذا كانت في اخر الكلمة [illegible]
[illegible] التعيم [illegible]
[illegible] في الوسط [illegible]
[illegible] الاصوات [illegible]
[illegible]
[illegible]
الى اخر السورة [illegible]
[illegible]
[illegible] **تنبيه** اعلم ان الهاء [illegible] من العدد **٢٥** فاذا [illegible] **٢٦** فاذا
ضرب [illegible] **٦٥** [illegible]
منصورا في الحرب [illegible]
[illegible]
الى [illegible] **فصل** والحرف [illegible]
حيث الاعداد **وله** من الايام يوم **الجمعة** وله من البروج **الثور** ومن الكواكب **الزهرة** ومن العلويات **همهايل**
ومن السفلية **زوبعة** ومن الهوائية **هشمهال** [illegible] من المنازل **الهنعة** [illegible]
[illegible] **تنبيه** ان الهاء [illegible]
[illegible]
[illegible] **فمن** خواص هذا
الحرف [illegible]

الذي تجرب الاطلاع من ادراك علته فانه ينظر وحطم الارواح العلوية يخبر عن مالم واذا اردت تحرك روحانية شخص فاكتب حرف الهاء ٣٥ مرة في مقول واجعل في سراج واتلوا الذكر القائم به فان ذلك الشخص تحرك روحانيته لك ومن كتب شكل خاتم سليمن على هذه الصورة وكتب حرف الهاء وكتب اسم صاحب اليوم في الطالع المذكور على خاتم من ذهب فان حامله يجد المحبة والهيبة بين المخلوقات واذا كتب حرف الهاء في جام زجاج وشرب المضطر كان له نشرة عظيمة ومن كتب حرف الهاء حول المربع المخمس على كل جهة سبع مرات وحمله انسان رفع الله قدره ودرنقر من حيث لا يحتسب واذا كتب هذا الحرف الاربعة البلغية وشربها فانها انفع وشرب ذلك على ... ايام ومن الايات المناسبة لهذا الذكر قوله تعالى وهو القاهر فوق عباده فان هذه الاية تربيع اربع في اربعة وهذه صورته



وهو	القاهر	فوق	عباده
٨٢	١٨٦	١٧	٣٣٧
٣٣٧	١٧	١٨٦	١٧
١٨٦	٨٢	٣٣٧	١٨٦

حمله معه فان ذلك الشكل من نار ملك وكان قد كتبه في شرف الزهرة الرتبة العظمى عنده عبيده وان كان بالذكر القائم بهذا الحرف واما وفق العزيز وهذا العدد مثلث الجفر فمن نقش في لوح من حديد في يوم المريخ من الجبابرة خضع له ورفع مكانه واذا حمل على لوح من ذهب وحمله الملك فانه ينال ودنيا واقبل كذلك نال الرتب العلية وحجبه الهاء عدد قواه ٣ فكان على عدد اسمه تعالى ويصلح الى الحجاب الديوان من الوزراء والامراء يكتب في يوم الحرف على خاتم من ذهب ويجعل في البد فان حامله يكون له هيبة ووقار عند سائر المخلوقات ومن كتب على صحيفة من ذهب وعلق على صدر البليد الثقيل الفهم رزقه الله الفهم ويقوى قلبه وكذا لو كتب الضعيف القلب وشربه ويكتب على اي جسم من الاحجار ويكتب حوله حرف الهاء ثم يحمله على صدره فان عوالمه تمده بقوة القلب تنبيه والهاء حلوة جليل القدر يعطي صاحبه الكشف على حقائق الاشياء فاذا دخلت الى الخلوة اتبها الطالب وكان للاعدها خالصا وادمت قومه فاكتب روحانية اسم القهار واكتب الذكر القائم بحرف الهاء وعلقه مقابلك في الخلوة فانك ترى الروحانية ولكن ذكرك الاسم المقدم ذكرها والذكر القائم بحرف الهاء تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت المحيط بكل شيء وانت المستولي على كل ظاهر وباطن اسئلك يوم جمالك الذي عنت له الوجوه وخضعت له الاصوات الذي تخضع له ... وان تمدني الحرام الخاص هذه تعرفني ... عن كل مطلوب سواك و خذ بناصيتي اليك اخذ عناية ودق بامر خلوتي المطلق وانا الفقير المقيد لا اله الا هو باشهار قهر الجبابرة على الظالمين وقطعة من رقا ... والاندفاع للخيرات واسئلك مدد امر عندك يمنعني من كل من اراد في سوء حتى اكفيه اكفا الباغين واقطع دابر الظالمين وملكني لنفسي ملكا يقدمني عن كل شيء واهدني اليك يا هادي وانت بكل شيء محيط ماض عبد اخلص الله في خلوته ٣ يوما وكان ذكره كل اسم يكون اوله الهاء وهذا الذكر لا انت الروحانية العلوية واخبرته بغرايب الاشياء ... تلاه على جبار اهلكه الله فمن كتبه على لوح من رصاص وكتب الحروف حوله وحمله انسان من اهل العدو وقام عنهم والبخور بهذا الحرف زهر يا اقر ... والله اعلم بالصواب

ع	ف	ي	ن
٦	١١	٥	٧٣
٤	٧٤	٢	٣
١٤	٣٠	٧٧	١٠

ق	م	ا	د
٢٤	١٧٧	٧٧	٢٨
١٢١	٢٠	٢٦	٧٦
٤	٩٩	٢٠١	٢

فصل في حرف الواو بسم الله الرحمن الرحيم الواو حرف من حروف العرش وهو واو من حيث الحقائق وجه مطلق من حيث اللطائف وشهود معلق من حيث الاسرار رفعت الهمة علوا من حيث العبارة وهو حرف هوائي كلي الحجاب صامت منفرد متميز في خاصة الخاصة ومعناه انه اسم القيام الاتحد الاسم منه ودود ولي تنبيه ولما كانت الحكمة سارية في اوائل العالم واخره انه كل استدارة اول وجود ... بكثرة الهاء ... من الاسرار لعنصر وتظهرت الاكوان لسر رق

الاطلاق

الاطلاق فالواو اذا ادبرت صارت شكلا استديرا فهو اصل لان الاحاطة بالاصول فالاطلاق في عالم التركيب لذلك كانت الحروف المسدسة كلها انتهى الاحاطة ومن كتب حرف الواو ٦ مرات وكتب معه لوحا مخطط كتابه صاحب الصداع الكائن من الربيع نفعه ومن كان يعتريه البلغم المالح فليكتب هذا الحرف في زبدية وبتى لصاحب البلغم الخارج في يديه ورجليه نفعه باذن الله تعالى وكل مربع مسدس يكون منسوب الى هذا الحرف لانه يشير الى الجهات الست ومن كتب هذا الشكل المسدس في شرف الشمس وقد لا في ذهب او على رق باوا الذهب المحلول وحمله انسان رزقه الله الهيبة والمحبة في قلوب المخلوقات جميعهم وهذا صورة المسدس

١	٧	١٣	٢٤	٣٠	٣٦
١٢	١٨	٣٤	٢٤	٢٠	٢٥
٣١	٢٧	٢٣	١٦	٩	٥
١٧	٣٥	٨	٢٦	٦	١٩
٢٢	٣	٢٩	١٠	٣٢	١٥
٢٨	٢١	٤	٣٣	١٤	١١

فصل واما الواو فله من الايام يوم الثلث ومن الكواكب المريخ ومن البروج العقرب ومن المنازل العوا ومن العلوية طغيائيل ومن السفلية الاحمر ومن العوالم ديغوش ومن الاسماء الحسنى كل اسم اوله واو ويكون ذلك لاسم ذكرك في الخلوة والواو خلوة جليلة القدر وهي مخصوصة الى اهل التجليات فاذا اردت الدخول الى الخلوة عقد لو كان طاهر ويكون ذكرك اسم الواسع وانت حامل في خلوتك وانت كلما ... ويقطف وتتجنب كل الحيوان وتكتب وفق اية الكرسي وتدخل الى الخلوة فانه يا ... روحانية ... كيفية التركيب ويختص هذا الحرف من الايات اية الكرسي من الاسماء التي عشر اسما من اسماء الله تبارك وتعالى فان لكل حرف واو ومن جمع هذه الاسماء ووضعها في مربع في شرف الشمس في يوم الحرف وطالع فان كل من راه هابه وعظم ورفع قدره وهذه الخلوة تعطي صاحبها الكشف عن الاسرار ويريهم عالم الغيب نورانية ولا يدخل عليك روح من الارواح السفلية ابدا وهذا الذكر القائم بحرف الواو بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا من وسع علمه كل العلوم واحاط خبره بكل معلوم تقدست علاك عن كل مفهوم ... اليك الامر وصعد اليك الكلام انت المتعالي في سمائك قريب ... اليك الشر ... المقدرة ... في اختلافنا اليك ... بكل باطن وظاهر وحدت ... كل اهل واحد سبحانك لا اله الا انت ... الجباه ... الاهواء ونطقت بوحدانيتك الشفاه اسئلك باسمك الذي هو ... كل مشرق ومشرقا ... لكل مغلق ... تشتمل ... العالمين وتفصيل ... عنهم العالمين اسئلك بكل اسمائك بحد الاسماء ان تكشف لي علوم الاولين والاخرين وان تجعل لي معراج التواضع والتذلل كنفسي ... ومن ... كل جاهل ... كل مخلوق ... كل شيء رحمة لا اله الا انت يا حي يا قيوم ماض عبد ناجى ربه في الساعة الاولى من يوم الجمعة الا اتسع عليه الرزق وعظمت هيبته في قلوب الخلق ولا تحجه ... ملك من ملوك الارض الاخضع الله عليه واعطاه سؤله ووسع عليه ملكه وان تلاه ٣ يوم فرج الله همه وان كان طالب حاجة قضيت باذن الله تعالى

و	ا	س	ع
ع	و	ا	س
س	ع	و	ا
ا	س	ع	و

فصل في حرف الالف بسم الله الرحمن الرحيم الالف من حيث الحقائق عظيم ... ومن حيث اللطائف مرتبة للتصوير ومن حيث الاشارة قوة ومن حيث العبارة ... وهو حرف ... من الخلائق ... في اسم ربك ... في اسم العزيز وهذا الحرف من الاحرف ... حقيقة الذات في العالم وقد استوجب ... هذا الحرف ... الاكوان العلوية والسفلية ... الى ابسط ... العوالم المعرفة ... والعالم ... عالم ... وهذا نار ... الماء وكرة الماء ... القمر الى عالم الامر تنبيه اعلم ان اول العوالم عالم الامر ثم عالم العرش ثم عالم

عالم الكرسي ثم عالم فلك البروج ثم عالم زحل ثم عالم المشتري ثم عالم المريخ ثم عالم الشمس ثم عالم الزهرة ثم عالم العطارد ثم عالم القمر
وان القمر بعد كل عوالم النار ثم كون الهواء ثم كون عوالم الماء وعالم كون عالم التراب كون الارض فان جميع هذه العوالم كلها ممتد من بعضها
بعضا بقوة الله وتدبيره وان عالم الامر بيد جبرائيل واللوح بيد ميكائيل والقلم بيد اسرافيل والعرش بيد عزرائيل لانه مظهر الفوق في عالم الملك
فصل حرف الزاء له من الايام **الاربعا** ومن الكواكب **عطارد** ومن البروج **الجوزا** ومن المنازل **الزبانا** وله من الخدام
ميكائيل ومن السفلية **مرقان** ومن الهوائية **هطهائيل** ومن الاسماء الحسنى **زكي** وهو حرف ذكي الشان وفيه اشارة الى
سر الحي وقواه الظاهرة سبعة وله مربع سبعة في سبعة وانه حقيقة الاثار في العالم البناء **ومن** كتب مربع اسم العزيز وكتب لاجل
حرف الزاء في كل جهة سبع مرات على لوح من الزيبق المعقود ومن القرن بهيئة الذكر القائم بمنبه الحرف وحمله راس احد من العوالم السفلية
والعلوية ونال الشرف العظيم بين المخلوقات **ومن** خواص حرف الزاء انه من كتبه في ساق العجل على اسمه وكتب عليه اسماء الملوك ودفنه في
موضع بنام فيه نام لا يحيا **قال** بعض العارفين من كتب هذا الحرف الشريف على عدد عوالمه في رق طاهر وعلقه على ساقه فانه اذا اشتكى
يعيا دة تقربه حيوان مودي البتة ومن كتبه وعلقه على حيوان من النعم او على فرس فان السباع لا تقربه ومن اراد ان يالف الارواح والاطفال

٢٣	٢٤	٢٩	١٦
٢٨	١٧	٢٢	٢٧
١٨	٣١	٢٤	٢١
٢٥	٢٠	١٩	٣٠

والنعام في موضع ليس فيه ذلك فليكتب الحرف في جلد شاة اسود ويضعه على راسه ويبسط يديه
الى السماء ويتلو الذكر القائم بهذا الحرف فان بابا فيه حوانا بالتجاب الطرابين العقعاق
واقول ان الحرف المسبع المنسوب الى الزهرة عند علماء اليونان والزهرة منسوبة الارواح والاطفال
لان الزهرة اذا احصيها مع احد الكواكب او حلت اجتماعا تولد عنها الامطار وبينا ذكر ذلك
الاحكام بعينها في هذا الكتاب ان شاء الله تعالى **ومن** خواص هذا الحرف انه يضع البركة في الاماني
مثل الملح وغيره اذا كتب ووضع في اناء **ومن** كتب حرف الزاء على عدد ضابطه وكتب معه اسم
الرزاق في مربع والقرعة المنزلة المخصوصة بهذا الحرف وحمله في راسه رزقه الله الرزق الواسع من حيث لا يحتسب ومن رآه احبه محبة عظيمة **ولاجل**
حرف جليلة القدر اذا اردت الدخول الى الملوك او دخل في يوم الاربعا في ليلة الاربعا الاخيرة فانك ترى الروحانية بانوار عجيبة
ما تريد من الاسرار المخفية **ومن** كتب المربع وكتب حوله حرف الزاء وتلوت الذكر القائم بهذه الطريقة من الادعاح الروحانية ان تشغل الى عن مقامح
الجاه الملوك وتعظيمه **وهذا صفة مربع** اسم الرزاق **وهذا الذكر** المخصوص بحرف الزاء بسم الله الرحمن الرحيم

٢٨	٣١	٣٤	٢٩
٣٣	٣٢ ٩٤	٢٧	٣٢
٢٣	٣٦	٢٩	٢٦
٣٠	٢٥	٢٤	٣٥

اللهم رب السموات السبع وجامع الناس ليوم الجمع ارسلت محمدا بالهدى ودين الحق واوضحت به
شريعته منهاج الطرق وفضلته على سائر الخلق اللهم صل على محمد خاتم النبيين وانبط باط
الرحمة في زكيته الوزير ذي القرب والفاردة المفتوح للانس فاتت ارواح الارواح وقبض
الارواح باشتباه في فعل الذكر الى ان وصلت تمام المزيد الذي اسالك عنايتك تخلصني منك
اليك حتى لا اوت بعطف فلا ابرح مسرورا بالذكر حتى مشتغلا بك وصلت على ما اراد
ذو سبق قضاه وكن ولا تحرك نفس لا ارادة لم توجد لك اليه حتى لا الطلب تخرج بما لدي من ملك الجبروت العين واصحح بنادرة نصح الملكوت
من المحبوبين وذلك من كل النقص الا بحب المطهرين وان تجعلني من الفرحين بما اتيت من فضلك المستبشرين آمين **ما من** عبد الا ويحب
بعد الذكر الباهر في الساعة الاولى من يوم السبت او الاولى من يوم الاربعا فان كان يجري بالذهب خيرا او مغموما انحلت عنه وهذا الذكر
يصلح لاهل الصفا من اهل الخلوات وصاحبه يكون مهابا مقبولا بين اهل العالم ولا يقع عليه نظر انسان الا احبه **ومن** ذكره في كل يوم
سبع مرات على الاطلاق الا طهرته الرياضة في رزق وكان ممن يجاب دعوته ولا يسال الله شيئا الا اعطاه وعيا بهذا الذكر
قولهم تعالى فيفرجها هو جبر به محجوبة وتكون ذكره في الخلق وانا اتت الى العوالم الالهية في الخلوة راى من البوارق والتجليات ما لا يحصى
حصول ان اهل العلوية يخاطبونه ويتبرج بعضا به ويدرك الشرف الرتبة العلية والله اعلم **فصل في حرف الحاء**

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم الحاء حرف نوراني وهو من حيث الحقايق جرم لا ضد فيه ومن حيث اللطايف حجب لا سبيل
للوصول اليه ومن حيث الاشارة كامل صورة غيبية ومن حيث العبارة خروج من ضيق وعسر وهو حرف ترابي نوراني علوي روحاني
جمالي صفات متواخية في صفاه عن الملامة ومعناه انه اسم للكمال العالي الظاهر الذي هو اسم **الحق** وهو حرف عظيم القدر رفيع
الظاهر فيه ثمانية تشير الى ابواب الجنة وان ضربت الثمانية في مثلها كانت **٦٤** وله مربع ثمانية في ثمانية والحاء حرف حار بارد في الدرجة
الثانية في الحاء وعلى التفصيل حرف حار في الدرجة الاولى ومن نسبة الحي وليس هو من جوهر الروح لانه حرف في نور العقل في آخر
درجة العليا الموتية في الثالث مرتبة وقد خلقه الله في عالم الكرسي فهو سر عالم القمر ويقوم سر كل عالم في الكرسي وهو سر اللطيفة الحياتية
لذلك انه جوهر في اللوح وفي الكرسي ويتبدى في اللوح وفي الكرسي سر الحاء في الحي ح سر تجديد به الا العقلاء من المؤمنين وذلك لعلوه القرب
حكمة مخصوصة الى الافراد وان خصوصا عدد مراتب الحاء ثمانية وعدد الفلك الثامن نسبة ثمانية وهو الكرسي واللوح سر ابسط العلم تجلي
فيه القلم لان صورة العلم مطلق وصورة الكرسي مشكلة فالقلم يكتب حرفا واحدا واللوح يقدم مفصلا من حيث صورة ذلك ما يجمع من وذلك
الا قدمه الشرعية الا ان المرصد بالاسم لا يجد المنزل ويعلم وجود القادرة وكذلك يطلع اللوح مفصلا بالقوة الالهية الروحية على درجته ووجدت
ما اودع من سر ابداعه وانه لا يقوم الحاء وكانت في اول درجة من الفلك الاثير وما بعدها لان الحي في مراتب الصورة ولما كانت نسبة العلم
حق في رتبة التشخيص الكبير من ذرة العالم الفلكي وكانت ايضا في السفلية يجمع الثمانية والطبيعيات من حرارة ويبوسة وان الحاء اذا وقعت في
اول الكلمة كانت نسبتها في العوالم كتبت في اول الكلمة وهو الخاتم على ان الكلمة وقد بينت الطبايع الجوهرية والمراتب العددية وان ظهرت في آخر
الكلمة وهو واقع الحرف الاول موقع جمع الحق وهذا كلمة لطيفة انه من ذكر الاسماء والتي اولها حرف الحاء وهي حليم حنان حكيم حي في ذروة الفيض
في هجير الشمس لم يحبس في ذلك اليوم باسم الحرف فهذه الاسماء وكل ارباب الاحوال من يعمل بها من الناس ولا يحق الطالب في المسالك كشف ذلك وصحيح
ولقد رايت في بلاد الاندلس شيخا يقال له احمد وكان نعوه مريد يجلسون في وسط النار ويلعبون بها فلا يؤذيهم فلما هاجرت وجئت
الى مكة وجمعت منه سنة احدى عشرين وستمائة وكان اسم جعل مسلته عن احوال المعرفة خبر المجمع ما اطلعت عليه من احوال هذه الحروف جميعها
فصل والحاء من الايام يوم **الخميس** ومن الكواكب **المشتري** ومن البروج **القوس** ومن المنازل **الفرع المؤخر** ومن الملائكة العلوية
حوديائيل ومن السفلية **شمهورش** ومن الهوائية **حطائيل** ومن خواص حرف الحاء والاسماء المحمومة يكتب تحت كل اسم ثمانية حاءات
ويقرا صاحب الحمى في الماء على ثلاث مرات فانه يبرا **وان** كان انسانا لا يخاف الله ويخاف جبرته فيكتب هذا الحرف على رايات ويعلقه الاعلى
سبع ايام **ويكتب** المثمن المخصوص بهذا الحرف على لوح من فضة في اليوم المخصوص بهذا الحرف ويعلق على الالة الرجل فانه يخاف الله ويلين قلبه
ويحصل له الرحمة والرافة **واذا** حمل هذا المثمن رجل بعيد الطبع ثقيل الفهم يسر الله عليه الفهم **ومن** كتب هذا المثمن في اللوح المذكور وتلا عليه الاسم
القائم بهذا الحرف **٢١** وحمله انسان فانه لا يعطش ويامن العطش **واذا** كتب الحرف على حجر عقيق او عليها بحر وكتب حول الحرف الاربع اسماء وهو
الحي الحليم الحنان الحكيم وحمله انسان فانه يامن الجنايات
فان شرب صاحب العطش فانه يروى **وهذه صورة**
المثمن الذي فيه ثمانية اسماء **ومن** خواص هذا الحرف انه
ماء الساقية حين يبدو في عقبة او في اشجارها وذلك اذا كتب
هذا المثمن في حجر اسكن شفقة بيضاء في يوم هذا الحرف ووضعه
في راس الماء ويسقي منه انسان فانه يجو ويكثر من اكله
فيه خاصية اخرى للضعف قوة الجماع وذلك اذا احمل هذا
المربع فان اصحب ذلك الشخص به **وفيه** سر اجتلاب
القلوب وتسكين غيظها وذلك سر عجيب **واذا** اراد

حي	حق	حفيظ	حنان	حميد	حليم	حكيم	حسيب
حق	حي	حنان	حفيظ	حليم	حميد	حسيب	حكيم
حكيم	حنان	حي	حليم	حفيظ	حسيب	حميد	حليم
حنان	حكيم	حليم	حي	حسيب	حفيظ	حليم	حميد
حميد	حليم	حكيم	حسيب	حي	حليم	حفيظ	حق
حليم	حميد	حسيب	حكيم	حليم	حي	حق	حفيظ
حق	حسيب	حميد	حليم	حكيم	حق	حي	حليم
حسيب	حق	حليم	حميد	حق	حكيم	حليم	حي

ذلك فاكتب هذا النقش ثم ترتبط اسم المطلوب مع الاسماء والحروف وتكتب داخل النقش ثم تكتب اسم صاحب اليوم والبرج والمنزلة 129

وتكتب ايضا اسماء هذه الروحانية حجيا ابيل حجيا ابيل حليا حمديا ابيل حنا ابيل حنيفا ابيل حنصا ابيل حيا ابيل ثم تبخر بالمصطكي وتتلو

الذكر القائم بهذا الحرف وتعلق المربع في اربع الرياح تجاه المطلوب فانه يكون عطفه واطفاء غضب وتكتب هذه الاسماء والهيكل بالمربع في تبخير

ومن خواص هذا الحرف فانه يذهب بالعقل فاذا اردت ذلك فاكتب هذا الحرف واسماء الروحانية المذكورين والقربهذه المنزلة في

لوح من رصاص وتكتب اذهبوا ايتها الروحانية عقل فلان وتتلو الذكر القائم به فانه يكون ذلك وتدفن ذلك اللوح في مرون فانه يكون ذلك

وتدبّره **والحاء حاء** جليلة القدر ويحيط علوم طاحبها الارواح روحانية ويحصل له تجليات من العالم الاعلى مالا ينتهي ويوافق هذا الذكر من

الايات قوله تعالى فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى وحسبي الله ونعم الوكيل **ومن** عبد ناجى به في خلوة الا غشيته سكينة وقام

وان الروحانية تأتي اليه وتشاهد ويرى الملكوت جميعه **وهذا الذكر** نقول بسـم الله الرحمن الرحيم ربنا حي

روحي بارقة تمثل وتشرق في كل صورة اردت احياءها انك الحق واسئلك ان تمدني ببديع حكمتك في صنعتك حتى احكم صانع الوجود

مجالي لاثبات الحكمة كل مصنوع الى ان اشهدك في التمكين في التكوين الحكمة الالهية يا حكيم واكشف لي التوحيد حتى انظر التجليات بلطف

كل ذرة من الذرات لك وجودي ادق في العوالم كلها حتى اكون بها على اقران دار قابل كل وصف ومعنى برقيقة من رقائقك لا نظر بها جمع

كل موجود والعرف وسر في الكل حتى تجري في قلب كل سبب واسئلك ان تقيد اليه الطاقة النفوس الابيه والارواح الزكية الذي على

شئ قدير **ومن** كتب هذا الذكر حول النقش المذكور وحمله كان مما يا متعبوه لا يتعب فلا يحصل له شيئا من النار ولا يقربه جن ابدا والله اعلم

فصل في حرف الطاء بسم الله الرحمن الرحيم الطاء من حيث الحقايق علم باحاطة ومن حيث اللطائف تجريد باحاطة ومن حيث الاشارة تخلص

ومن حيث العبارة استقال وهو حرف من حروف الاستعلاء وهو سر المبارى وله سر العوالم العلوية وهو اصل في اللطايف الاصلية

واصل في التركيب العلي واصل في السطور التركيبي هذا الشان السطور ولطيفة السماع للكلام المنزه لخطاب خلع النعلين وسقوط الكلفة

للعبد عندها النعلين وبحالي العزاب هو لطيفة القلب هو اصل السماع الحقيقة الاولى وستقر الرحمة بين المشاهد الباطنة والظاهرة

شاهدها نبينا **محمد** صلى الله عليه وسلم لمدحه في حضرته تعالى ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك والطاء سابه ففيه جمع

العوالم جملة وتفصيلا ولما كانت القاف قطب العالم التركيبي كان لها سلطانه في كل العوالم من العلوية والسفلية وبينه في حق رسوله صلى الله عليه وسلم

حيث قال **طه** لطيف ... لما كانت الطاء بجمع الانوار والاسرار حصلت الشاوة في سر الافراد فكانت مبدا اسم الجامع للموجودات

وله سر سار في جميع الاحاطات ويختص هذا الحرف بالاسم اللطيف ذو الطول وحسبك ... قوله ولهذا الحرف مستقر ونشر الى الافلاك السبعة

ومن كتب مربع اسمه اللطيف وكتب حوله ٩ مرات على كل جانبه الاربع ثم تلى اسمه اللطيف خاصية فان كان مهموما فرج الله همه ومن كرك في

مرتبة والطهارة التي عم ذلك **فصل** والطاء من الايام **السبت** ومن الكواكب **زحل** ومن البروج **الدلو** ومن المنازل **طرفا** ومن

البخور **الصندل** ومن الملوك العلوية **شمخاشيل** ومن السفلية **ميمون** ومن الهوائية **مططهائيل** ومن خواص هذا الحرف اذا كتب

ف	ى	ط	ل
٧	٣٢	٧٩	١٢
٣٤	١٣	٦	٧٦
٨	٧٤	٣٤	١١

على سنبلطا المضروبة في نفس حيث بين عفرات وكتب اسم اللطيف في المربع فان حامل

هذا الرق اذا امشى لا يتعب ولا يا خذه الم الجوع والتعب اهل الرياضات ... وكتب

هذا الحرف وتتلو عليه الذكر وشربه فان الله يهديه في عقله وضعه ومن الزلل **ومن**

كتبه على عدد مرتبة ووضعه في مكان بين الله عليه الاسباب ووسع عليه الرزق ...

اللطيف جعل الله سر المحمدي صلى الله عليه وسلم ونبه هذا الحرف في الجسم **ومن كتب** هذا

الحرف واضاف اليه اسمه اللطيف ووضعه الانسان تحت راسه اسقطت عنه الهموم

النفسية ولا يعود يحتلم في منامه وهذا مجرب ولا يتبع شح باى في محل **واما** هذا الحرف ان كتبه ٧٣ مرة وذلك فالحرف وشرب من ...

فان كان مهموما فانه يذهب الهم باذن الله **والطاء** حرف جليلة القدر وذكرها اسم اللطيف ومن اراد الحلق وليعقد الحلق بلطيفه

ويتلو هذا الذكر

ويتلو هذا الذكر القائم بهذا الحرف فانه اذا دعو الله وعيده ويتحقق لحقايق الحرف **وهذا صفة** الذكر القائم بحرف الطاء تقول

بسـم الله الرحمن الرحيم الهي بلطفك الانس بذكرك وقيدت النعم بشكرك وشرحت الصدور لحلول ...

سائر كتاب الاسماء في بواطن عبادك حتى انهم ذوو القرب في بروج بواطن قلوبهم طارت بهم اهل القلوب من اذكارها

تخلصت النفوس من قيودها وعلقت بك ايدي العالمين في سجن الطبع عبد الا يستطيق الاباق وقيد الحرص مثقل الحركات

وانت المطلق لكل قيد والمملك لكل ابد الكنى اسطر علوم من حجاب الغفلة حتى ما يطهرني من درن الطبع ويحفظ على الشرع

عليه ادب الشرع واتضح عليه شاديب برحمتك التي وسعت كل شئ وخطا وكشف كل غطاء وهب لي استعدادا تاما لقبول الفيض

الاقدس حتى اقابل كل رقيقة في حضرة الاسم الالهي مبادا عصمتي في الاخذ والاعطاء والالقاء والتلقي بغواش الغطاء

في ذلك لسر تتقاد اليه النفوس العتيقة محبة ويحبها رغبة وعودة واجعل لي فرقانا اميز به بين الحق والباطل والجائز

العاطل وقدسني عن العلائق تقدسا منزها عن رجز النفس وبطلقني من حبس الحرص حتى ادري الامور الوهمي ولا اقف الاعلى

الزلفى يا من به فرح المقربين اعتني بكونه عون الحجيبين **ما من** عبد نا جي به في وقت من الاوقات الا فرج الله عليه الامور

وان تلاه محبوس فلا اسره ولا صاحب كرب الا فرج الله كربه ويصلح هذا الذكر لمن اراد ان يعتق من رق نفسه **ومن** الكوز

ذكره طهره الله من دنس الاخلاق وصاحب هذه الخلوة بالالطف ولا يحصل رقيق في نفسه السر او يشرف على الحقايق الالهية

ويوافقه من السور طه ما انزلنا عليك القران لتشقى الى قوله الاسماء الحسنى وهي اية جليلة القدر وفيها الاسم الاعظم

بين الخلق والله اعلم **فصل في حرف الياء** بسم الله الرحمن الرحيم الياء من حيث الحقايق عز الابرام ومن حيث اللطائف قوة العام

ومن حيث الاشارة مسند كل ظاهر لقوامه ومن حيث العبارة حصول معلوم وهو حرف من حروف الكرسي وهو نور خلقه الله

الكرسي به تمكنت الاشياء في عالم الابداع وبه يتصرف في عالم الابداع الثاني وان الله تبارك وتعالى لما خلق الياء واستاها

التعريف وسر التصريف وذلك الكرسي له جهات جهة العرش يتلقى منها الانوار العرشية وجهة الافلاك السابع وهي التي يتلقى

منها اسباب الحركات والقدر النفوس العينية وجهة اللوح وهي التي يتجلى فيها حقايق العلوم العالية بما الصور في جهة العلم حتى يتلقى الا

الفلكية ولها ظاهر وباطن وهو الابداع الاول وله اسرية هذه العوالم الخمسة في ظاهر الانواع من الابداع الثاني كانت عشرة

نور حروف الياء في الجملة واما نسبتها الى التفصيل ... عشر هيئات نورها في ذات الكرسي وهو الياء سر المراتب الخمسة المتقدم

ذكرها **وهو** حرف حار رطب لان اصل الرطوبة في الدرجة الثانية والحرارة في الدرجة الاولى وكل كلمة يحتمل فيها فانظر مقابلة

باطنه ... في العوالم الكرسية والعالم العرشي هو حقيقة الروح والاصل في الكل المبادي ولطيفة الاستمدادية العرشية وكذلك

الى الكرسي الكلية علت رتبته في العوالم واذا امرتبه ظهر منه حروف الاحاطة التي هو حروف القاف فعلم ذلك **فصل** والياء واسمائه

كثير والاسم منه حقيق بها ومن الايام يوم **الجمعة** ومن الكواكب **الزهرة** ومن البروج **الثور** ومن المنازل **الدبران** ومن الاملاك

العلوية **عنائيل** ومن السفلية **زوبعة** ومن الهوائية **هطهطائيل** ومن الاسماء **ياه يه يهيه** ومن كتب هذا الاسم الشريف

الجليل القدر ١١ مرة فان اسرية المحصور يحول الكتابة في عنقه وبجعلها **ومن** كتب المربع العشري في شمع وكتب حروف الياء على

سنابطا المضروبة وحملها انسان يسر الله عليه الاسباب الحقيقية وكان محبوبا مقبولا عند جميع المخلوقات **وهذا** الحرف حرف جليلة

القدر يعطي لصاحبه كشفا على الارواح الروحانية العلوية فمن اراد ذلك فليدخل الى الخلوة ويجلس في مصلاه ويرسم الحرف

على عدد مربع ... ثم انه يجعله في مقابلته فانه يرى الروحانية وتأتي اليه ويقعد عنده بما اراد **ومن** خواص هذا الحرف ينفع

صاحب العطش اذا كتب في اناء من حديد في الوقت المذكور ووضع من الماء وشرب قليلا فشرب منه ماجعه يقطع العطش **وان** كتب هذا

الحرف في طاسة على عدد ... وكتب كل اسم اوله يا وشرب منه الضعيف المحموم فانه يقطع عطشه **وان** حروف الياء من حروف

البسملة وبين الكلام عليها وان هذا الحرف اذا ... تعمل فيه العجايب فاعواها الروحانية فانها تهبط الى صاحب الذكر بالبل

15

الرتبة العلية عند الروحانية وقال القرطبي ان اي اسم من اسماء الله تعالى وقيل انه اسم محمد صلى الله عليه وسلم واذا كتب دائرة هذا الحرف الشريف في مرآة من فولاد وكتب فيه محو المدا واحتلطه جميع تلك المرات واراد عونا من الاعوان السفلية واستوط عليه ما يعمانه فانه يراه ويخاطبه فاعلم ذلك واما الذكر القائم بحرف اليا فتقول بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك نظمت طبقات القلبيات كما نظمت طبقات العلويات وفتحت ابواب التنزلات بظهور التجليات وشرعت الى الدين عن الاحتجاب وظهرت في كل شي طهرا قدسا عن التشبيه بالتحيد فلك المثل الاعلى في الارض والسما اسئلك تعوذ من الشبهات وقلبا متواضعا في حبيب السجات واجعلني جليل الفكرة وقلوبهم من اجلك حتى اشهدك في تجلي العبد بشهود الاحجاب واخفض لعباد لجناح الذل واجعني عنهم باشعر الدعا واشهد في افعالهم صادرة عند محجوبة تحت قهرك فلا اغضب الا لك يامن نسبته الحق اليه كنسبة العوق وهو اقرب من حبل الوريد ولكن اكثر الناس لا يعلمون ومن الايات سورة يس وفهم ذلك **فصل في حرف الكاف**

هو من حيث الحقايق كمال الظهور ومن حيث الاشارة رتق وفتق ومن حيث المعنى قوة متشو عن نسبته ونسبة الالف سوا وله من الايام يوم **الخميس** ومن الكواكب **المشتري** ومن البروج **القوس** ومن المنازل **البطين** ومن الملوك العلوية **سمسمائيل** ومن السفلية **شمهورش** ومن الهوائية **عطهيائيل** ومن الاسماء الحسنى من نسبة الاعداد **كافي كريم كبير** فمن خواص هذا الحرف الشريف اذا كتب عدد ربما نظر في خرقة اطلس وكتب حولها ثلث اسماء من الاسماء الحسنى ووضعها تحت فص خاتمه فان حامله يامن من شر الجبابرة ومن شر الحاسدين وهو يطلق من حاملها الغيظ **تنبيه** اعلم ان الكاف هي باطن الامر باطن العلم وباطن العرش وباطن الكرسي وباطن السموات باطن الاملاك وباطن العوالم جميعا والكاف سر العقد والنون سر الفتح والكاف والنون هي حرف الله من قوله كن فيكون والكاف سر الامر والنون سر المامور **والكاف خلوة** جليلة القدر يقطع صاحبها من الطائف والاشارات والاسما لها ويكشف لصاحبها عن سر نفوذ الكلمة ومعرفة الايجاد ويعرف الاشياء على حقيقتها ومن اوقفها من الايات **كهيعص** و اواخر **يس** وهذ **الذكر القائم** بحرف الكاف تقول بسم الله الرحمن الرحيم الكريم كنت لا شي فاوجبت الكلمة بكاف الامر انت مظهر المكونات وقامت بامرك فكلما كان في الموجودات خلق بسطت الرزق فلك الفضل وكفت الكلمة اسئلك وبحاص عندك يشمل لحقيقة كل مكنون حجة الكون بمعنى ومعرفتك فاستقبل بانظار ها ما اريد منه امنك بكلمة جامعة احكم بها من كيفية ما القصد وكم ما اشهد وهبني لسان صدق معبرا عن شهود حق واشهدني الاكوان عارية عنك وجنبني عن شمات الظلة من ابناء الاشر الثرى واجعل لاهوتي المشهد الملكوت المعقد وتنبئني ظاهري بالحجبة وباطني بالحجة واجعلني مترددا بين الرحمة والرهبة وكيفني بذلك كله بعوادي الاشراق فالحقني بالخلاق وتكشف اعاد حجة ومانت الكافي الكفيل **ما انا عبد الله** عبد بهذا الذكر خلوتي اعظمها في الاوقات السعيدة الا الا ان الرتب العلية والخيرات الالهية والله اعلم **فصل في حرف اللام**

اصل بقوة تمام وهو من حروف التعريف وهو من حروف الاسم الاعظم وهو من الحروف العشرة التي في بسم الله الرحمن الرحيم وهو حرف العطف ومن الاسما اللطيف ومن كتب مراتب اللام ووضعها في خلوة ونظر اليها لطف الله تعالى به بعين سابق السعود **تنبيه** اللام من الحروف الالهية وطاوقة العبية وهو من الحروف العلوية من الخفا ونسبة الارض من حيث الاشارة مظهر الجمال والجلال ومن حيث اللطائف ذات الطلف وله من الايام يوم **الاثنين** ومن الكواكب **القمر** ومن البروج **السرطان** ومن المنازل **سعد السعود** ومن العلوية **صلصائيل** ومن السفلية **الحارث** ومن الهوائية **سمطائيل** ومن البخور **مصطكي** ومن كتب حرف اللام على عدد ربما نظر وكتب مع اسم اللطيف وكتب الذكر القائم به وحملها انسان كان محبوبا وفرج الله عنه همه وان كان مسجونا اطلق اسعه وان كان له حاجة فرج الله وقضيت ومن كتب حرف اللام ويبسطه مع اسم امراة معينة وقعت بينهما المحبة والالفة وفيه سر الله عليه الخيرات **وللام خلوة** جليلة القدر يكشف لصاحبها عن لطائف الاشيا من الاشارات الخفية ويناله القوة القهرية عند الروحانية والخلوة ان تعتقد ما يناسبها من المكان وان تتلوا الذكر القائم بها وبكل صلوة ٣٠ مرة فانه

بالميز

يا لهنات وتجز بعني لطائف الاشياء **وصفة** الذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم الحي القطني من الغفلات وحقق من رق الطبع والشهوات سجانك دعوة الاعين وصاح منادياب المعبد من فلك المهد على المدح ويبسط الفتح الفتح اسئلك شوقا يوصلني اليك وعونا يدلني عليك وروحا قدسيا ينفث في ذهني سر كل لمحة قدسية حتى اطلع على بعض الاسرار الخفيه حتى يوصلن من تولي بلا طرق من الرشاد والسالكين القاصدين اللهم رب الاولي الى الافق المبين انك انت اللطيف الرحمن الرحيم **فامن صعيد** ناجي به بهذا الذكر الاعدا اربعا يفتح الله عليه من الاسرار الربانية والمعرفة الالهية **ومن**

٤٠	٤٣	٤٦	٣٣
٤٥	٣٤	٢٩	٤٤
٣٥	٤٨	٤١	٣٧
٤٢	٣٧	٣٦	٤٧

حرف اللام على ربع اسم اللطيف وحمله انسان كان لطيفا به عند جميع المخلوقات فاعلم ذلك **فصل في حرف الميم** من حيث الحقايق نفس كلية لانه لا شكل له في ذاته ولا نطق له في صفاته وهو من حروف اللوح وهو حامل على الجملة وعلى التفصيل جمع بين طرفيه بطاه من حيث النطق لا ينطق به الا بعين صمت **تنبيه** اعلم ان الله لما خلق الميم جعل من استدارة مطموسا في السور جعل النفس الكلية خافية باستدارته منقلبة عن وهو حاملها عليها وهو من حروف العقل وكل حرف قبل الاحاطة ومنه تستمد النفس في الفلك الرابع ومن الميم ايام الله الملك والملكوت اظهرها واعان على الاعمال وهو ايضا من حروف بسم الله الرحمن الرحيم وفيها العالم الذكي من الحضرة المحمدية والحضرة التفصيلية المقربة منها فكل الله تعالى بالميم تتعين ملكا من ملائكة النفس الروح وهو السر الذي وضعه الله تبارك وتعالى في محمد صلى الله عليه وسلم فهذا السر الملكوت ومن وسطه سر الملك وعالم الملكوت وفيه الاشارة في قوله صلى الله عليه وسلم ليغان على قلبي فاستغفر الله تعالى في اليوم والليلة سبعين مرة يعني ان الاسم من الاعداد الكم من الملكية واعتبر منها هنا فاعلم ذلك **تنبيه اعلم** ان الميم في قوله آلم اشارة الى الوسط فيه الحامل للملكوت وهو عالم الاختراع الاول في اللام حقيقة الاول الثاني بالاختراع الاول وهو باطن الملكوت وظاهر الملك في الاختراع الثاني باطن الملك وظاهر الملكوت والميم الثاني حامل لظاهر الحروف في الملكوت لان عوالم الميم متصلة بالاستمداد بالاولى الى ذوات وجودها وما قامت به وفهم ان الميم في حالتها كهف جمع في اوله من الكلمة فيقبل بعض الكلمة وتختلف فيها الحروف في عالم وجودها وهي باقية الوجود اذا كتبت منصوبة واضيف اليها الحرف المقوط في الشرط الاسما القطبين **وان** اضيف اليها سر التوحيد وهو الالف وبقيت مفتوحة وبينهما حقيقة التي حركت على الوسط التي هي الفتحة بقلب شرط الشرط بتوحيد الشرط الاسما القطبين وان اضيف اليها سر التقويم عالم الامر وهو حرف جار بالاجماع وحكمة الامر حكمة طسم وكذلك بقية النسبة الاضافات والطا من حروف القلم والسين من حروف اللوح والميم جامعة في ثلاث مرتبة من عوالمها وكانت الحقيقة ثلاث عوالم في قوله **طسم** تلك ايات الكتاب المبين فكلها حروف اشارة وفيه الا باحاسة العلم العلم حكمة الاشارة على صفح اللوح في انواع الجهات باختلاف العبارات ظهور حكمة الربانية فوق الاشارة في العالم الثالث وهي الايات المنقوشات في الصحائف العلويات المحفوظات ومن الى الايات الكتابية في الاشارة القلبية في العالم الثاني وهو عالم الكتاب والبسط العبارة لطالب الامر **فصل** والميم من الايام يوم **الجمعة** ومن الكواكب **المشتري** ومن البروج **الميزان** ومن المنازل **نعائم** ومن السفلية **شمهورش** ومن العلوية **خطهطائيل** ومن الهوائية **مطائيل** ومن الاسما كل اسم اوله ميم **ومن** خواص حرف الميم المحبة والقبول وعقد اللسان ومن كتب ٤٠ ميما وكتب معها اسم المؤمن المهيمن المجلي الموجب ويسطها باسم من اراد وعلقها عليه انعقد لسانه **و** للمحبة يكتب ٤٠ ميما ويحملها في الوقت المذكور في اليوم المذكور **ومن** ذكر الميم وكتب حولها قوله تعالى قل اللهم مالك الملك ونظر اليها كل يوم ٤٠ مرة فان حامل الميم تعددت بها المحبة والقبول **و للميم خلوة** جليلة تكتب حرف الميم في مصلاك وتدخل الى الخلوة وتكلم بالذكر القائم به فانك تري الارواح الروحانية العلوية وتاتي اليك وتنالك الهمم الاشيا العالية **ومن** كتب اسم الملك في مثلث على هذا الوضع وكتب ابوة حرف الميم على عدد عوالمه نال المحبة وقوة ذلك الامر الاشيا التي هي

ويصلح هذا الوضع الى الاكابر والملوك لدوام الملك والحكم ونفوذ الكلمة **والذكر القائم**

ك	ل	م
٢٩	٤٢	١٩
٤١	١٨	٣١

تقول بسم الله الرحمن الرحيم يا اكمل ملكك فاتم كمالك ختمت به
ما افتتحت واعنت لى ما سئلت انفردت بجلال الملك والقدرة من شرك الشركاء
انت صاحب الليل خضعت لك الاملاك ويتبع لك الاملاك واهل الافلاك وتشهد لك
العرش ما شهدت لك العوالم جميعا سبحانك لا اله الا انت رب الارباب ومنزل
الكتاب اسئلك باسمك العظيم ملك الملك اخذت النواصى باسمك الاعظم الذى اخذت به النواصى وقدرت به الاحوال اسئلك
اسئلك ان تكون فى هذا الوقت سرا تخضع له اعناق المتكبرين وتنقاد اليه اعناق الجبارين وردد فى برد الهيبة والقبول
على برد العصمة متوجا بتاج البها واضرب عليه سرادق المجد بالحفظ وانشر عليه لواء العزة واحجبنى بحجاب القهر واحمنى فى
ذلك كله بعزة نفسى حتى اكون من العالين يا من بيده ملكوت كل شئ واليه ترجعون سبحانك بيدك ملكوت السموات والارض
واعصمنى بعصمتك يا علام يا علام الغيوب لك المجد الاوسع والملك الارفع لا اله الا انت وسعت كل شئ رحمة وعلما
كل شئ قدير **مامن عبد** ناجى ربه بهذا الذكر المبارك الا يسر الله عليه الاسباب الخيرية وناسبه من الايات قبل الاوهام ما لا
ومن والجب عليه القادة له الارواح **فصل فى حرف النون** هو حرف بارد رطب ومن حيث الحقائق حرف نورى ما احاطة
ومن حيث الاشارة نور محض وهو حرف من حيث الجملة حار رطب وهو فى الدرجة الرابعة وهو من صور العرش وحقيقة الامر العظيم
سلط فى الاكوان والقاصدة فى الذات العرشية وحرف تحت الحرف السفلى وهو الحامل المظل والقال والمقاوضة الاشارة بقوله صلى الله
عليه وسلم الصدقة تظل صاحبها تحت العرش يوم لا ظل الا ظله ونطق به من الاسماء الاسم نعم النور وله مربع ارباعه اربعين **فى**
كتبه على فص خاتم من ذهب وكتب حوله على كل جهة حرف نون وحمله كان مصونا به **ومن** كان يشتكى وجع الوتر او وجع الجنب
له هذا المربع ويوضع على العضو الوجيع لم يحصل له ذلك الوجع **واذا** كتب حرف النون على عدد رسالته وعلى شكله العالمات المه
الميات **وان** كتب هذا المربع وكتب حوله الذكر القائم به عيلبـ ز عفران دفن حائط نال الخير والبركة عند كل من يراه وهو ذكر ارباب

٧٧	٧٧٠	٨٣	٧٠
٨٢	٧٠	٧٦	٨٠
٧٢	٨٥	٧٨	٧٥
٧٩	٧٤	٧٣	٨٣

وهذه صفة المربع الانوار والله اعلم **فصل** وللنون من الايام يوم **الثلاثا** ومن الساعات **الثانية** ومن
البروج **الحمل** ومن المنازل **الغفر** ومن النجوم **الجاولى** ومن الملوك العلوية **نوريائيل** ومن السفلية **الاحمر** ومن الحوانية
هطاييل وله خلق جليل القدر يعطى صاحبه من الانوار الرحمانية ما لا نهاية له وصفة الخلق ان تدخل الحمام وتجلس فى بيت كتبت عليه
اسما النورانيات تتلوا الاسم والذكر القائم به فانه يكشف لصاحب هذا الخلق عن الارواح الروحانية المجردة فى الملكوت ويحصل له الكشف
الالهى **والذكر القائم** بحرف النون بسم الله الرحمن الرحيم الهى انوار عظمتك قاهرة واشعة
وسبحات وجهك محرقة ولك اعظم من ان تشهد بل فرديتك بالوحدانية واحتجبت بالحجب النورانية تعاليت من ان تحجبك الالوهية وفى
العظمة جلالك تعالى جدك ومجدك وعظم جلالك وحجبت عظمتك وسبحتك فى جنان قدسك لوامع الانوار وتاهت الطلبات الكمال فى
الاخبار فانت رب العباد وباسط المهاد وقامع الانوار والاضداد وجامع الناس ليوم لا ريب فيه ارتديت بالكبرياء وتعززت بالجبروت
وتصرفت بالرعب لا يعلم جودك الا انت ولا يطيق شهودك وصفاتك عظمته من ان تعقل وانما هى تجليات اسمائك فى مظاهرها لذا احتجبت عن
الابصار لعظمتك فانت البيان المستوحشين الى خشعت الابصار لالهيتك بجلالك تدخل فى القلوب العظيمة جبروتك وتقطعت الا
لخوف مكرك واقشعرت الجلود لهيبة سلطانك وتيهمات قهرك تحرق كل عائد وجحود عظمتك وعدد كل وارد اسئلك يا من هو فى مقالق
ما لانهاية لها باسمك الذى ملئت به القلوب وما اوشرت به الوجوه شرقا وغربا وسى وسبحات وجهك المشرق المحرق ان تمحنى من صفات
القهرية لتفوق على ضعف كل نفس وعز فى بعزتك لنقهر بها وتنقمع كل جبار عنيد حتى اغلب كل غالب فاحتى عند النزوع ذاك اللطف
نوبات الهم ارواح الاولياء ويتقبط له نفوس السعداء وتتعلق بافنائه نور ضياتك دهش بها كل ارواح سجانك نورك جبروتك مقتبس

والنتم للقول

وانت نعم المولى ونعم النصير **مامن عبد** ناجى ربه بهذا الذكر القائم بحرف النون الا رزقه الله القوة النورانية فى جميع حسباته **وان**
تلا هذا الذكر فى الخلوة طلع منها وعلى وجهه انوار وتلالا واو ظهرت عليه الزيادات العلية وكان له مرتبة عند الاولياء **وكيفية** هذا الخلوة
ان الخلوة لهذا الحرف ان تاخذ بالرياضة وتدخل الى الخلوة سبعا وتكتب اسم النور وتكون تحفظ الذكر حتى ترى صورة النورانية المستغرقين
فى بحر النور وهذا الذكر يصلح لارباب القلوب **فصل فى حرف الصاد** بسم الله الرحمن الرحيم الصاد
من حيث الحقائق صفا محض ومن حيث الاشارة حرف صمدانية ومن حيث اللطائف حرف فيه سر الصفات وهو حرف بارد فى الدرجة
الرابعة على الجملة واما التفصيل حار وبسيط وهو حرف من حروف الملكوت وهو الصور المعلوم وهو الحامل للارواح العلوية والسفلية
وهو المكان اللطيف والزمان التصريف ومن اكثر التصريف وتلا هذا الذكر القائم به نال المراد وهو حرف تام بنفسه **وانزل**
من كتب دائرة الصادق ورقة وكتب معه قوله تعالى وله ما سكن فى الليل والنهار الاية وحملها من سلط عليه الصداع شفى باذن
الله تعالى وله من الاسماء كل اسم اوله صاد وهو من الحروف العرشية والله اعلم **فصل** وللصاد من الايام يوم **الاحد** وله من الكواكب
والساعات والابراج ما بيناه اولا وقد ذكرناه فى الحرف الشريف **وان** من كثر تجسد القروح فليكتب هذا الحرف على هيئة رابعة
الذكر القائم به ويوضع فى دهن بنفسج ويدهن به تلك الحروف المكتوبة على القروح فانه يبرا ان شاء الله تعالى **وله خلوة** جليلة القدر
تعطى صاحبها الصفاء الباطنية حتى انه يرى الاشياء على هيئتها ويحصل له صفاء القلب على عالم الارواح والاشباح **وهذا الذكر**
تقول بسم الله الرحمن الرحيم رب من رفعنى فى ملكوتك واعزنى على سعة عامتى عطائك تكشف لى كل مستور
حتى اشاهد وجودى كاملا من حيث انت عن كل مستور ومن حيث انا ضعيف الهى اتقرب اليك بجود صدقى كما تقرب اليه بانه فضله
على رب الاكوان ضعفى العدم مادق الفقر سوى فى وجودك علمى علو ما الدنية اترقى بها واسمو على ابناء جنسى فانت غاية حسبى
كلت الالسن عن وصفك انك انت مع كل شئ ولا معك شئ قدرت المنازل السرمدية المراتب النفع والصروفات فنيع الجزئيات
المحيط الموجودى الكمالات البهية اسئلك باسمك الذى انقضت به النور على القوابل اسئلك ان تملا وجودى بنور من نورك الذى
هو مادة كل كمال وهبنى لسان صدق معبرا عن شهود حق وخصنى من جوامع الكلم ما خصصت به الصديقين من الكمال وصفنى صفاء تقى
به على ابناء جنسى يا صادق الوعد يا رحمن يا رحيم اعوذ بك من قول العقيم وقسوته وانت تفى الكلام وعنك توجه الحكم انت صمد لنا
لانقع على الارض الا باذنك لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد **ما من عبد** ناجى ربه بهذا الذكر فى وقت من الاوقات الا كان فى خلق يتلى
عليه الصور الجميلة وكشف له عن عالم الملك والله اعلم **فصل فى حرف العين** بسم الله الرحمن الرحيم العين المحجب
الملكوتية من حيث الاشارة فيها فوقية عليه ومن حيث اللطائف غيب لا يدرك وهو حرف بارد رطب فى الدرجة الرابعة من حيث الجملة ومن
حيث التفصيل فيها رطوبات وهو اول الصور العرشى واول حروفه اول عوالمه واول عوالم اختراعه وذلك ان العرش اول عوالم
وان عوالم اختراعه **بيت** اعلم ان العرش المجيد هو حامل الكرسى والقلم واللوح والافلاك والارضين وهو حامل لهذه
العوالم الجميعة كان العقل حامل الروح والروح للنفس والنفس للقلب والقلب للجسم والقدرة حاملة للكل والنون هى فى العوالم
خمس والنون هى العين والعين هى النون ولهذا اظهرت فى الاعداد المعروفة الا بعد ظهورها وفى العين فى النون حامل عن تلك
والنون فى العين عالم قلبى والنون فى السين عالم فلكى فانه حقيقته تدرك بالوصول لان العين عددها من نسبة الاعداد ٧ وذلك
لسر لطيف وذلك ان العوالم السبع اعنى الكرى الارضى والفلك السماوى وهو حجب بين الذات الشريفة وبين الحقائق الملكوتية سرا ما
اودع الله من ذوات اسرارها وهو فى سر قوله صلعم ان لله تبارك وتعالى سبعين حجابا من نور وظلمة لو كشفها لاحرقت سبحات وجهه
ما انتهى اليه بصره من خلقه فحجب الظلمة هى الترابيات السفليات وحجب النور هى الافلاك السماويات والمصابيح النور فهو من اول عالم الكرسى
الى العرش واليه انتهى اعمار الامة فى قوله صلى الله عليه وسلم اعمار امتى ما بين الستين الى السبعين فعلم اذا انقطعت نسبتها من ذوات
الكرهم فى تنبؤا اليهم عوالم الانوار المطهرة وهو اول الحجب الاخروية حياة الانوار المطهرة وهو اول حيات الاخروية حيات

بالانوار العرشية والاسرار الجبروتية وقد الصور الجليات التي كانت ترد على قلب محمد صلى الله عليه وسلم فقال انه ليغان على قلبي فاستغفر الله في اليوم والليلة سبعين مرة وقد المان القلب حجب الجبروت الاعلى سواده والعين من الاسرار وحروفه من حروف الاعتقاد علم ذلك

فصل والعمل من الايام يوم **الاحد** فقد تقدم ذكر الاحد وما له من البروج والمنازل مما تقدم من الحروف **ومن** كتب حرف العين على عدد دورانها في اليوم المذكور في خرقة حرير ابيض وكتب الذكر الاتي وحملها انسان رفع الله قدره في العالم فكان نهما بالمقبول نافذ الكلمة عند الحكام وعلم ذلك **وهذا الذكر** القائم بهذا الحرف بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا من [illegible]

خضعت الجبابرة وطيبته خرست الالسن في الافواه جود الهيبة وعجا [illegible] من تهوبات صورة الصور على [illegible] الجبروت للعين فظهرت عجايب الكون والكشف ر[illegible] في الكون فتنزهت الايات [illegible] الحجاب فترتيب الانس فبهت الصعاب تباركت فتعاليت احكم المصنوعات وحجبت نقطة الغيب فظهرت العين وتميز الكيف والاين وجمعت بحكمتك بين الكدرة والصفا وجعلت الاطرارية على الاختفا فظهرت الاسماء والافعال وظهرت الاشياء والاشكال وتجليت بالعين والايات وشرقت الاكوان والعوالم فلك الحمد والتمجيد والتسبيح سبيل علمك [illegible] معلوم ومد بكل مفهوم اسالك [illegible] من مددك [illegible] الكامل ايما توجهت اليه وجهي في [illegible] الحكمة [illegible] انك عليم علام الغيوب [illegible] كاشف الاسرار وبعطفها [illegible]

اعلم ان هذا الحرف حرف جليل [illegible] الكشف من الامور الغيبية [illegible] في الخلق من الاشياء [illegible] العليم العلي العزيز العظيم في مربع في اليوم المذكور [illegible] الذكر القائم بهذا الحرف [illegible] الله [illegible] والزيادة في العلم [illegible]

م	ي	ل	ع
٢٩	٧١	٣٩	١١
٧٣	٣٣	٧	٣٧
٨	٣٦	٧٤	٣٢

شرف الجماعة [illegible] هذا المربع [illegible] شرف الشمس [illegible] الذهب [illegible] العلم [illegible] ذلك **فصل في حرف الفاء** بسم الله الرحمن الرحيم الفا حرف ناري وهو من حيث الحقايق حرف يتعلق بالقربية ومن حيث النسبة حرف مجوف [illegible] من عالم الملك الملكوت وهو حرف حار في الدرجة الخامسة [illegible] وهو حرف [illegible] اللطيف [illegible] **ومن** كتب حرف الفاء على عدد [illegible] اسم اللطيف وكتب الذكر القائم به [illegible] **وفيه** خاصية [illegible] كتب هذا المربع [illegible] الحرف [illegible]

١٦٦ الله لطيف	١٦٩	١٧٢	١٥٩
١٧١	١٦٠	١٦٥	١٧٠
١٦١	١٧٤	١٦٧	١٦٤
١٦٨	١٦٣	١٦٢	١٧٣

[illegible] المربع المذكور [illegible] **فصل** والعمل من الايام يوم **الاثنين** فقد تقدم ما له من البروج والمنازل وهذا الحرف حرف جليل [illegible] الكشف [illegible] الغيوبات [illegible] العوالم الملكوتيات **والذكر** القائم به ما تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم فاتح ابواب الغيوب وكاشف حجب القلوب [illegible] فتقت ورتقت الاكوان [illegible] الاحوال [illegible] بالظاهر على الباطن [illegible] فلك [illegible] كل [illegible] وصل [illegible] بين [illegible] الاقدس [illegible]

يا ذا الفضل والطول يا هو **من ناجى الله** تبارك وتعالى في وقت من الاوقات الاربع الله قدره ومن تحته وردا فتح الله عليه الاسود العزيزة وسيل الله عليه كل خير ووفقه الى كل مرضي [illegible] من الايات القرانية قوله تعم وعنده مفاتح الغيب الاية **ومن** [illegible]

روحانية هذا الحرف [illegible] الصورة [illegible] واخبره عن الاشياء الغيبية والله اعلم **فصل في حرف السين** بسم الله الرحمن الرحيم السين حرف عظيم القدر [illegible] الحقايق [illegible] اللطيف والاشارة وهو [illegible] كل واحد من الاكوان العوالم العلوية [illegible] العرش وهو من حروف الاسم الاعظم وظاهره [illegible] السموات [illegible] من الكرسي العرش [illegible] الملائكة [illegible] العرش [illegible] الباء من معلقات القدرة [illegible] الحضرات [illegible] الملك [illegible] [illegible] وظاهره [illegible] في حروف البسملة والسين حرف السنا وروي عن [illegible] صلى الله عليه وسلم انه قال لكل شيء قلب وقلب القران يس [illegible] سلام قولا من رب رحيم [illegible] والقطب العالي [illegible] لان السين حرف مركب من ثلاثة احرف **السين والياء والنون** [illegible] نسبة العدد **٣٦٠** [illegible] **ومن** كتب هذا المربع الشريف [illegible] الذكر القائم بهذا الاسم الشريف [illegible] الاسم الاعظم [illegible] **وهذا صورته**

٨٩	٩٧	٩٢	٨٢
٩٠	٨٣	٨٨	٩٣
٨٤	١٠٨	٩٥	٨٦
٩٢	٨٣	٨٥	٩٩

اعلم ان هذا الحرف [illegible] منقوطة من الاسفل [illegible] في الحقايق علم السين [illegible] الاسرار [illegible]

٨٩	٩٧	٩٣	٨٣
٩٥	٨٣	٨٨	٩٣
٨٤	١٠٨	٩٥	٨٦
٩٢	٨٣	٨٥	٩٩

بحرف السين وهو مبدا الاطوار التركيبية [illegible] العوالم اعني عالم الملك والملكوت والجبروت [illegible] الاسم الاعظم [illegible] العوالم [illegible] في اسمه تعالى السلام [illegible] **ومن** كتب اسمه السلام في مربع [illegible] السلام [illegible] الروحانية [illegible] وهذا الحرف حرف جليل [illegible] الارواح [illegible]

٤١	٤٤	٣٧	٣٤
٤٦	٣٥	٣٨	٤٥
٣٦	٤٩	٤٢	٣٩
٤٣	٣٨	٣٧	٤٠

الروحانية **وهذا الذكر** القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت السلام ومنك السلام [illegible] المدبر [illegible] بالروح [illegible] عن [illegible] الاسرار [illegible] رب الملائكة والروح [illegible] [illegible] العلم [illegible]

شكرا على ما اوجدتني من ظلمة الاحشاء وامددتني باللطائف حتى ادركت وعلمت بعض ما علمتني انك انت العليم الحكيم يا نور النور يا
كاشف كل مستور يا ملك يرجع الامور وبك تدفع الشرور وادفع عنى شر كل مكروه آمين ماهن عبد ناجي به بعد الذكر واتخذ
وردا الاوردت عليه لوارد الالهية وحصل له الكشف الالهي وامدته الارواح العلوية وتخلق باسم السلام فاعلم ذلك فصل في
حرف القاف بسم الله الرحمن الرحيم القاف حرف احاطية وقهرية من حيث الحقائق فهو من الحروف الاحاطية ومحقق
الانوار وهو حقيقة ما ظهر من القلم ومنها انفصل وهو حرف بارد من حيث الجملة وهو حرف ممتزج في الدرجة الخامسة وهو حرف احاطي
وتشرق الاسماء التسعة والتسعين وهو احد محل الاسم الاعظم كما لا انه تمام المائة فتخلق بالاسم الكافي وان ذلك من الاسرار العشرية
مائة وهي باطن العلم وهي سر العدد في اللام ذات العلم الحامل الشكل وسرها العدد عشرة باسرار العلم واللام ذات العلم الحامل القاف والميم
الميم من عالم اللوح فجمع ذاته واسراره من اللوح وتعينها ظاهر القرآن قال الله تعالى ق والقرآن المجيد وهو حقيقة عالم العرش لانه قائم بالامر
هو سر الاكوان كلها ولذلك كانت حرف القاف وعدد الاربعين ولذلك كان من حروف الاستقلال واصله في الشكل الروحاني على هيئة الافق
العلوي في دورانه لانه جوهر اللوح والقلم ومن كتب هذا الحرف على عدد مراتبه في خاتم من ذهب وضعه تحت فص خاتم فان حامله ينال العز بين
المخلوقات وهذا الحرف مربع عشرة في عشرة وهذه صفته

١	٥٠	٣١	١١	٣٠	٧٤	٩٨	٦٩	٥٣	٨٨
٣٣	١٦	٥٦	٣	٨٧	٩٦	٢٢	٤٦	٧٥	[illegible]
٣٩	٦٥	٢٣	١٠	٩٦	حي	٨٢	٩	٣٦	٥٢
٢٨	٦	١٧	٤١	٦٢	٥٩	٤٠	٨٤	٩٥	٧٣
٩٩	٧٦	٨١	٦٠	٣٩	٤٤	٦١	٢٠	٢٥	٢
٨٦	٩٤	٣٨	٥٧	٦٣	٨٣	٣٢	٧	٧	١٣
٧٢	٨٦	١٠	٦٣	٤٣	٣٧	٥٨	٩١	١٥	٢٩
٥٤	٣٥	٩٣	٢١	٩	٨٣	١٩	٧٨	٣١	٤٧
٦٧	٢٦	٤٥	٩٧	١٤	٥	٧٧	٥٥	٦٥	٣٤
احد	٥١	٧٠	٩٠	٧١	٢٧	٣	٣٢	٤٨	مليك

فمن كتب هذا المربع على رقعة طاهرة وكتب الذكر
القائم به وحمله انسان فانه ينال القوة القهرية بين
جميع المخلوقات ومن كتب هذا المربع وكتب حوله
الذكر القائم به وحمله انسان نال كل ما يريد وان
كتب هذا المربع الحاوي عشرة اسماء من اسماء الحسنى
وكل اسم اوله قاف فان حامله ينال القوة القهرية
بين جميع الخلق وان كان سلطانا او حاكما فقد
قامت عليه الرعية والجند فليكتب هذا المربع المخصوص
بهذا المعنى في يوم الاحد على رق غزال بمسك وزعفران
وكتب الذكر القائم به فانه ينال من نفاذ الكلمة
والقوة القهرية ما لا يدخل تحت حصر فاعلم ذلك وهذا صفة الذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم انت القائم على كل نفس والقيوم بكل معنى قدرت فهذبت فعلمت فقدرت فلك القوة والقهر وبيدك الامر والخلق وانت مع كل
شيء بالقرب ووراءه بالاحاطة والله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ اللهم اني اسالك مدد من اسمائك القهرية تقوى بها
قواي الغيبية والظاهرية حتى لا يلقاني صاحب قلب الا انقلب على عقبيه مقهورا واسالك اللهم لسانا وكلاما مشرقا وخطا محرقا وصوابا معلما
وهيبة باقية وقوة قاهرة ونفسا مطمئنة وقدمني للقدوم عليك وارزقني التقدم بين يديك وثبت قلبي لاقبل اليك اللهم تشوقني
على نهج الفقر وصدق التجريد الشوق واجعل زادي اليك التقوى وصدقي بالقرب الى القبول والذوق والشوق واجعلني بمنك
القبول اللهم اني اسالك مددا من اسمائك القهرية تقوى بها قواي الفكرية حتى لا يلقاني صاحب قلب الا انقهر بقوة اسمائك القهرية اللهم
القي علي السكينة والوقار وحلني بالاستكثار والقني في مقام القبول لانال به مقام توفيق الاجابة الموهوبة برحمتك يا ارحم الراحمين وقدسني
عن علائق الطبع وازل عني عوائق التدبير آمين ماهن عبد ناجي به بعد الذكر القائم بهذا الحرف الا رزقه الله الهيبة والقبول و
ان تلاه في خلوة حصل له قوة قهرية على الارواح الروحانية فاعلم ذلك فصل في حرف الواو بسم الله الرحمن الرحيم
حرف الواو هو حرف بارد في الدرجة الخامسة وفيه سر وهو من عالم الاختراع الاول وفيه سر بعث الارواح لانها اول ما لها وهي باب الطاء

التوحيدية وهو في الذكر وهو في الدائرة النبوية يعني روح كل عالم القدس وهو سر كل باطن فلا حاجة لله وقعت في اول عالم الروح
ليقع عليه الانذار وهو اول حرف كتبه القلم واول حرف اشرق في العرش لما امر ان يكتب فقال وما اكتب فقال اكتب رحمتي سبقت
غضبي ثم اشرق في الكرسي فكان هذا الحرف على هيئة الصور في موضع عالم الارواح علويها وسفليها والسموات فكان عمد الكل
اشرق كل ذلك كما امده فان الرحمن الرحيم فالرحمن رحمة خصوص ورحمة عموم فرحمة العموم في دار الدنيا وهي التي وسعت كل شيء
من كافر ومسلم وغيره ورحمة الخصوص في دار الاخرى وسماها رحيما وهي رحمة الخلود لاهل النعيم فالذي في الكرسي من العلم والذي
في العرش سر التكوين ويتعلق بالاسمين الشريفين الرحمن الرحيم وهما اسمين جليلين وله مربع اربعة اذا كتب على فضة وعلقها الذاكر

رد	٢٢	٢١	نى
٨١	٧٦	٣٠٤	٢١٢
٤٠	٢١٥	٢٨	٢٣٠
٥٢	٢٥٤	٢٣٦	١٥

القائم بحرف الواو وهو سلطان نعتني حق المزاج حصلت له الرحمة وهذه صفته اعلم ان الواو
لها في الصور ثلاث مراتب وهي فوق الكرسي ويتحقق فيها حرف الواو والذي هو اول عالم التفصيل
من المجلات الكليات الاقدسيات وفصل بها ما في ملأ يحيط به وهو صلوات الوارد العالي
بها وتسبيحات الصور كتبه جبرائيل وتسبيحه في اللوح كتب العوالم الثلاث وخفي مكانه ثلاث مراتب
الروحانية والرحمة بالروحية ولا حاجة لذلك كانت نسبة اللوح مضافة الى الامر العلوي
سر الواو يرجع الى الارواح اقول ومن صار على هذه رتبة فليكتب الربع المذكور هذا في يوم الاثنين كما تبين فيما تقدم وبعد كتابة
الذكر القائم بهذا الحرف ٣٠٠ مرة فانه لا تعلم بينه من حيث لا يحتسب وهون الله عليه كل عسير ومن كتب حرف الواو مع اسم من
اسماء الحسنى وتلا الذكر القائم بهذا الحرف فعله كان له يا لقا الاتصاف فاعلم ذلك وهذا وضع ذلك في باب الحكمة ان حرف الواو لمن الاسرار
يوم الاثنين وهذا الذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر لي بلطف رحمتك ومن بك
تربيتي مفتقرة اليك لا استغني الا عنك ودرانيتي بعين عنايتك مراقبة من كل قطيعة وطارق بطرقني بسوء ويثبت في اللوح ذاتي
خطابا من حظوظ فاذا رضيتني بامر الامر ليلتقيني الى المقام الذي يعطيك لا لم يستحق ويقوم موجب كل ما تقتضيه ومن تشاؤه
فيكون حاوي وفات رب كل شيء ومربيه رحمت الذات ورفعت الدرجات قربت روح الارواح وبجمال الاسماء وعنوان الفلاح
وعنوان الفلاح ورائحة كل مرتاح تباركت رب الارباب ومعتق الرقاب وكاشف العذاب وسعت كل شيء رحمة وعلما وغفرت الذنوب
حنانا وجلالا وانت الرحمن الرحيم الرؤوف امين ماهن عبد ناجي به في خلوة بعد الذكر القائم بهذا الحرف الا كشف الله له على ذلك
العلوية ونظر الاشياء القربية الى الروحانيات واعطاه الله الرزق الحلال والهيبة والرحمة الواسعة دنيا سبب كل اسم من الاسماء الحسنى
ان الراء فاعلم ذلك والله اعلم فصل في حرف الشين بسم الله الرحمن الرحيم حرف الشين حرف عظيم القدر ومحقق
حيث الحقائق كلها ظهور وشهود ومن حيث اللطائف حق مشاهد وهو من حروف الله رحمة الساعة ومن حيث التفصيل هو في الدرجة
الرابعة وهو حرف قائم بجميع الاكوان علويه وسفليه وبما كان الا انفصل بالحروف كان الشين اخر حرف الحروف وعدده ثلثمائة
في الحروف كالانسان وسبعة الاخرى في الحروف مثل الجزء وهو من حروف الهواء وعنصره الى الاسفل وعدد لاثنين وهو العلم الثابت
والتجلي والمعنى والمنع والحرف كل علامة مثل الاثنان والطبقة وهو حرف واحد واما الشين فلانها حرف يعطى بها ثلاثة شهادة
شهادة الملائكة وشهادة اولي العلم وشهادة القسط وشهادة الحق سبحانه ومعنى لا اله الا الله كلاهما الذكر مصعده الى العرش وهذا لمن
اتى الحرف العرش ومن كان له حاجة فليكتب اسم الشين ويكتب في الشين على عدد بساطه ويتلو الذكر القائم بهذا الحرف فبهو
في اسمه وتتوجه الى قضاء حاجته فانها تقضى ان شاء الله تعالى وهذا الحرف اذا كان في الاسماء السريانية في اول كل حرف كان له
قوة على السلطان والابطال ولهذا الايام يوم الثلاثاء وما يختص بيوم الثلاثاء فهو له وهذا الحرف حرف جليل القدر ويعطي صاحبه القوة
القهرية على الجن وتراجمهم ومن كتب هذا الذكر وداوم على تلاوته رزقه الله الهيبة القهرية عند جميع العوالم وهذه صفة الذكر
القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم الواحد شديد البطش ايم الاخذ بالقهر العظيم المتعالي الخاضعة له الرقاب وانت مسبب الاسباب

المنزه عن الصاحبة والولد وشانك قهر الاعداء وقمع الجبابرة متكبرين [illegible] وانت جبر الملوك من اسئلك باسمك الذي اخذت
به النواصي وازلت به الصياصي وقذفت في قلوب الاعداء الرعب اسئلك ان تمدني برقيقة من رقائق القبض بما يتجلى
لي بهذا الاسم وتنور قلبي وتكشف على عالم الغيب والشهادة وتحجب عني كيد الظالمين والحاسدين واطمس على اعين الاعداء واشدد
على قلوبهم فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة وظاهره من قبله العذاب انك انت شديد البطش القوي الوهاب
العقاب **ما من عبد** دخل الخلوة وتلا هذا الذكر حتى يأخذه حالة ثم يدعوا على ظالم الا اهلكه الله تعالى وهذا الذكر يقهر الاعداء
ويهلك الظالمين يتلوه في الخلوة فاعلم ذلك **فصل في حرف التاء** بسم الله الرحمن الرحيم التاء يجمع كل التفصيل من حيث الامر
من حيث الاشارة ثبوت الالهية ونفي الاغيار وهو حرف عظيم القدر وينطق به اسمه تواب ومن كان من اهل البدايات فليتلو
هذا الذكر الشريف في خلواته يكشف له من حقائق الامور الغائبة **و** له من الايام يوم **السبت** والمخصوص بيوم السبت من
العوالم فهو لهذا الحرف **والذكر القائم به** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت التواب على من تاب العفو
لمن اناب كاشف ظلمة الحجاب نعم خاتمة الاعمى [illegible] تخفى الصدور وانت دافع الشرور اسئلك اللهم [illegible] عبيدك يا
لمعارف الالهية انت كاشف ظلمة الصدور وانت نور النور وهبني اللهم نورا [illegible] وهبني العلوم الذاتية برزخ
طريق الكون واعلم حقيقة امري تعاليت سموا وعلوا نعم ما في نفسي اسئلك ان توضح لي طرق الرشاد وان تمدني بالمحبة والمودة
والسداد [illegible] طريق الاعتماد وتوكلي في جميع الامور اليك واشرح صدري ويسر امري كلما تقدست سموا وعلوا وتقدس عن
عن معارضة الشبهات [illegible] نورا بين حقيقتي ومجازي [illegible] ظاهري وباطني [illegible]
[illegible] وهبني معرفة [illegible] على اوليائك [illegible] وكاشف الاسرار وكل شي عنده بمقدار **ما من**
عبد [illegible] على تلاوة هذا الذكر الا بعث الله اليه الارزاق وجعله [illegible] بين جميع المخلوقات وعطف عليه القلوب واوصل اليه
ما يسئل من مطلوب من معرفة اسماء الحسنى وغيرها والله اعلم **فصل في حرف الثاء** بسم الله الرحمن الرحيم اعلم ان هذا الحرف
من حيث الفضل حرف ثبوت ومن حيث الاضافات هو الاحق كالجليل العظيم [illegible] اقوى ومن عثر على حرف الثاء [illegible]
الرتبة العلية [illegible] الاسماء كل اسم يتعلق بحرف الثاء مثل ثابت ومعيث وغياث وباعث ومن ادرك سر هذا الحرف نال الكشف على الحكمة
الالهية وهو من حروف المحبة ويرجع [illegible] **و** له من الايام يوم **الخميس** وما يختص بيوم الخميس من البروج والمنازل [illegible]
فمن واظب على تلاوته نال المحبة والوداد بين المخلوقات واهل العوالم **ومن** كتب حرف الثاء على عدد مراتبه [illegible]
[illegible] **ومن** كتب الذكر القائم مع مربع اربعة وهو مربع اسمه ثابت وكتب حرف الثاء وحوله [illegible] المحلول [illegible]

٣	٣٠٠	٢٠١	٣٩٩
٣٤١	٢٠٢	٣٠٠	١٥٤
١٠٠	١	ث	١٠٢
٣٠٣	ت	ب	١٩٠

على تلاوة ذلك [illegible] الراتب وهذا الحرف **خلوق جليلة** القدر يعطي صاحبها الكشف على
اسرار البحر الكريم فاذا دخل الخلوة وتلى هذا الذكر القائم بهذا الحرف نال الكشف [illegible]
[illegible] الارواح تكشف له حقيقة ذلك **وهذا الذكر** القائم به تقول
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الثابت [illegible]
بعد كل شي [illegible] الكبرياء والجبروت والعظمة والملكوت
[illegible] الجبارين [illegible] الظالمين [illegible] بالمتكبرين اسئلك [illegible]
كبريائك [illegible] عظمتك [illegible] هيبتك [illegible] اسئلك ان تكسوني هيبة من هيبتك تجذب لها القلوب
بخشوع [illegible] اللهم [illegible] كل جبار عنيد وشيطان مريد [illegible]
في القول والعمل وانت [illegible] القلوب وكاشف الكروب [illegible] **لا ينادي عبد** ربه بهذا الذكر الا كان مطاعا و[illegible] هذا الذكر
الى ارباب المناصب من الحكام ولابد لك [illegible] والله اعلم **فصل في حرف الخاء**

بسم الله الرحمن الرحيم حرف الخاء حرف خير وخبرة وهو حرف مالي من حيث الجملة ومن حيث التفصيل ترابي
وينطق به كل اسم اوله خاء فمن ذلك اسم الخبير وله مربع اربعة في اربعة وهو اسم جليل القدر وهو من اذكار العلماء بالله ويعطي [illegible]
الخبرة على اصول الحقائق **ومن** اراد كتب مع اسم من يريد مربعا وتلوت الذكر القائم به وكلت بالخوف والرعب قلب الشخص
[illegible] **و** له من الايام يوم **الخميس** وما يختص بيوم الخميس من الكواكب والبروج **ومن** داوم على تلاوة اسم الخبير كتب
[illegible] وداوم على تلاوة الذكر خبر عن الامور المغيبة **وهذه صفة المربع**

١٥٦	١٨٩	١٦٢	١٤٥
١٦٦	١٤٢	١٥٤	١٤٣
١٣٧	١٧٣	١٥٨	١٥٣
١٦٠	١٥٠	١٣٨	١٧١

واذا دخلت الى خلوة وتلوت هذا الذكر اتت اليك روحانية حرف الخاء [illegible]
وكشفوا عن احوال [illegible] **وهذه صفة الذكر** بسم الله الرحمن
الرحيم اللهم خالق المخلوقات ومحي الاموات [illegible] الملك [illegible]
والجناب الارفع رب تعاليت سموا وعلوا الكل عبيدك وانت غني حميد خلقت كل شي
وقدرته تقديرا [illegible] عبادك [illegible] اسمك الخبير [illegible] والافق [illegible] بالمدد الكلي واملأ باطني
بالمعلومات [illegible] وظاهري [illegible] قلوب الاعداء [illegible] الارواح من العوالم العلوية والسفلية [illegible]
[illegible] فضلك [illegible] القدس [illegible]
ما من عبد داوم على تلاوة هذا الذكر ومع ذلك يتلو سورة تبارك الذي بيده الملك الا فتح الله [illegible]
اعلم **فصل في حرف الذال** بسم الله الرحمن الرحيم حرف الذال من حيث الحقائق [illegible] ومن حيث [illegible]
[illegible] القائم به [illegible]
القوي القهار **و** له من الايام يوم **الثلث** ويناسبه من يوم الثلثا من البروج والكواكب ويناسبه من الاسماء ذي القوة ذي الجلال والاكرام
اسم جليل القدر وله مربع [illegible] ومن ربط هذا الحرف مع اسم من اراد [illegible]
[illegible] **وهذه صفة الذكر** القائم بهذا الحرف تقول بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible]
بالقوة [illegible] المتين [illegible] البيان [illegible]
انت [illegible]
[illegible]
[illegible] **ما من عبد** تاجي
بهذا الذكر [illegible] **ومن** [illegible]
من الاذكار [illegible] والله اعلم **فصل في حرف الضاد** بسم الله
الرحمن الرحيم الضاد [illegible] من حيث الجملة ومن حيث التفصيل
هو حرف [illegible] **و** له من الايام يوم **السبت** ويوم السبت [illegible] **و** [illegible] **زحل** [illegible] من الحروف **ومن** كتب
حرف الضاد على عدد مراتبه وكتب الذكر القائم به [illegible] **وصفة الذكر** القائم به وهو هذا تقول بسم
الله الرحمن الرحيم اللهم يا من هو الحافظ الرافع [illegible] الجامع اسئلك باسمك الذي [illegible]
الجبارين [illegible]
كل متكبر [illegible]
انت المولى الجليل وانت حسبي ونعم الوكيل **هذا** الذكر [illegible] **فمن** تلاه [illegible] **١٤** يوما اهلكه الله

تبارك وتعالى واذا كان انسان من اهل الخلوات وتلا هذا الذكر الشريف ونظر من اراد وهو مغضبا حصلت لذلك الشخص الضعف في علمه ذلك

فصل في حرف الظاء المشالة بسم الله الرحمن الرحيم الظاهر في ضياء وظهور وفيه ظهرت كرامات العظمة في التلفظ والنطق من الاسماء العظيمة وصون الحروف العلوية ومن كتب حرف الظاء وكتب مربع اسمه العظيم وهو مربع [illegible] هكذا

٢٢٩	٢٣٢	٢٣٩	٢٣٦
٢٤٠	٢٣٥	٢٣٠	٢٤١
٢٣٤	٢٣٨	٢٤٣	٢٣١
٢٤٣	٢٤٢	٢٣٣	٢٣٠

وكتب دائرة الحرف على عدده مرتبة ثم يكتب الذكر القائم به فيحصل لحامله بنا النجح والقبول بين جميع من يراه من اهل العالم التركيبية وله من الايام يوم الاحد وجميع ما يختص هذا اليوم من العوالم يختص بهذا الحرف فاعلم ذلك والذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم رب ظهرت بنا طالبي منك حتى اظهر لعبادك بكل وصف من صفاتك اليك ومن [illegible] اكشف عن قلبي حجب الظلام والتي تجليات سلطانك واكشف لي عن الارواح حتى اوافق باسماء المخفي وتعني باسمك التصريف باسمك الجامع واشرفني على مقامات وجودي وشهودي حتى لا تقابلني او يقع نظري على ذي نفس الا انقلب [illegible] التوجه الى ظلام الا انقلب عادلا بتجليك واكشف لي عن خفي مستور [illegible] السميع القريب المجيب ظهرت بالانوار واحتجبت بمظاهر الظهور فانت الظاهر في كل ظاهر والظهور لذلك [illegible] الظاهر آمين ومن نقش اسمه مظهر في مربع وكتب هذا الحرف على عدده بباطنه وحمله انسان ظهرت عليه الامور الخفية وهذه صفته مربع اسمه مظهر والظاء خلوته جليلة تعطي صاحبها من الكمالات ما لا نهاية له وكيفيتها تدخل الخلوة وتتلوا الذكر فانه يظهر لك [illegible] من الروحانية [illegible] والله اعلم

٢٥٠	٢٤٠	٢٤٣	٢٤١
٢٤٥	٢٤٠	٢٥٠	٢٤٤
٢٥٩	٢٤٢	٢٤٩	٢٥٢
٢٤٩	٢٥٢	٢٥٧	٢٤٨

فصل في حرف الغين بسم الله الرحمن الرحيم اعلم ان حرف الغين من حيث الحقائق غنا مطلق من حيث الاشارة عبارة عن الاستغناء وهو حرف في الدرجة السابعة على الجملة ومن حيث التفصيل فيه [illegible] في انواع اختصاصه بامر الالهي في ذات العالم وهو عزيز المقدار لا يظهر الا في اسم الغني وهو حقيقة الغنى ولذلك كان من دعائه صلى الله عليه وسلم اللهم اغنني بك عن سواك ومن كتب مربع اسم الغني على هذه الصورة وكتب حرف الغين حوله على عدده وكتب الذكر القائم به [illegible] اتاه الله غناه [illegible] من الخلق [illegible] اهل الله تعالى بالغنى عن النفوس [illegible] ومن كتب اسم من اراد مع [illegible] حرف الغين [illegible] عليه الذكر في يوم السبت وهو مخصوص بحرف الغين [illegible] الكتابة في مكان [illegible] الاعلى ذلك الرجل [illegible] في علم ذلك يوم السبت وله خلوة جليلة تعطي صاحبها الغنى عن النفس والقوة القهرية على الارواح الروحانية وهذا الذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم

٢٨١	٢٨٢	٢٨٥	٢٨٥
٢٨٢	٢٧٨	٢٧٦	٢٨٢
٢٧٧	٢٧٨	٢٨٦	٢٧٣
٢٨٦	٢٧٤	٢٧٥	٢٧١

اللهم اسئلك ان تغنيني بك عمن سواك غنا [illegible] واطلعني [illegible] واشهدني الوجود كله [illegible] وارزقني مراتب النهايات والكشف عن البدايات [illegible] الاسرار التي [illegible] اهل الولايات الذين اوليائك واسئلك [illegible] الجن والانس [illegible] آمين فمن داوم على تلاوة هذا الذكر اعطاه الله تبارك وتعالى الغنى [illegible] وكانت تخدمه العوالم ولقد حدثني [illegible] ابن على [illegible] رحمه الله

الخوارزمي رحمه الله وقد وضع جدول بين فيه الحروف

وما لكل حرف من الكواكب والبروج والايام

والملوك وذلك على مذهب اهل الاسرار

وما لكل حرف من الاسما اهل الحكمة

وهذه صورة وضعه والله

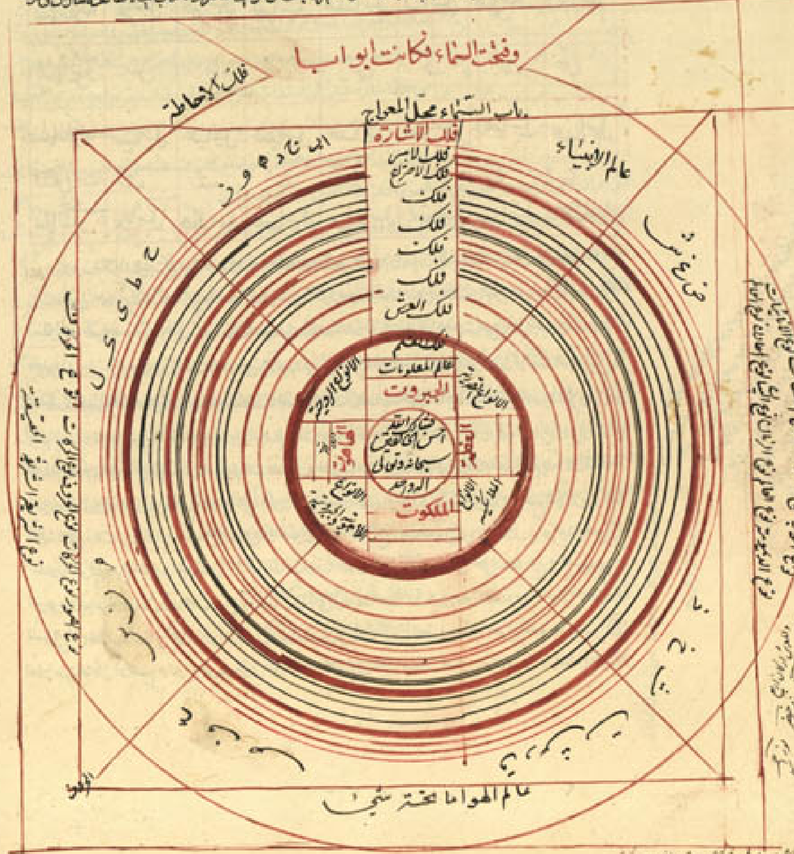
اعلم

اسما الايام	الاحد	الاثنين	الثلثا	الاربعا	الخميس	الجمعة	السبت
اسما ملوكها	روقيائيل	ميكائيل	سمسمائيل	عنيائيل	نوريائيل	ميكائيل	
اسما الكواكب	الشمس	القمر	المريخ	عطارد	المشتري	الزهرة	الزحل
اسما بروجها	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبلة	الميزان
اسما الحروف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز
اسما ملوكها	هشائيل	ابرائيل	هبرائيل	دهمائيل	نشائيل	هشطائيل	مرغائيل
اسما الحروف	ح	ط	ى	ك	ل	م	ن
اسما ملاكها	هرائيل	طهرائيل	بهيائيل	هكشائيل	كيتائيل	هرمائيل	زنبائيل
اسما الحروف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
اسما ملاكها	سنبائيل	غنيائيل	فتيائيل	صنائيل	قهرائيل	رهيائيل	نوريائيل
فالحروف	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
اسما الملوك	بديائيل	هظيائيل	غضائيل	مرغيائيل	بمقعائيل	متفائيل	غنيائيل

اعلم ان لكل حرف له منزلة وهي عشرة كما رايت تفصيله في الجدول وما لزمن [illegible] واما لم نذكر الحروف شيئا من ذلك ولا يلزم من التكرير في ذلك فلم نطول على الاسرار كالالف وما ابدعها الله من المعلومات واذكر الصورة الكونية من طريق الكشف ليقرب لك ذلك في عقلك وتحقق وتنظر الى ما حضر الله تبارك وتعالى الانسان من المعلومات وشاهد ذلك الخبر القدسي الذي وضعت على في خلق وجعلت صدره خزائن معلوماتي وان سر الوجود كله في الالف والالف هو سر الوجود وهو مظهر الامر لا يقبل التقسيم واصل الالف النقطة والنقطة اصل كل شيء والقى النقطة الى حرف الالف من حيث المراتب فكانت كاف فاجتمعت فكانت كن فصارت مظهر الامر وصارت مفتاح اسمه الاعظم وهذا قال المعلم الاول [illegible] الالف سر الوجود بما قام العالم وكانت [illegible] من الحق قوله كن [illegible] الشاهد [illegible] انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فكانت الحروف خزائن الله فاعلم ذلك **تنبيه** اعلم ايها الطالب ان مقام الحروف مقام عظيم ولا يعرف ذلك الا خاصة اهل الله تعالى وقد جمعت الحروف جميع الانواع التي في الكون التي علويا وسفليا ومن ذلك حرف الالف قد جمع جميع الكلام لانه ابو انواعها الكلية وجمع ذلك صورة العالم وتفصيل الانواع على هذه الصورة الموضوعة وجميع ذلك العرش والكون والافلاك وانواعها وما حوت من المعلومات على الجملة رحم الله عبدا علم وتدبر **اعلم** ايها الطالب وفقنا الله واياك ان الكشف الالهي اعطى ان هذه الدائرة الصورة هي دائرة الوجود وهي دائرة الموجودات وقد جمعت انواع المعلومات ولا يخفى اثرها لصاحب الذوق السليم ولمن علم وتدبر فان حالة الالف فيهما للمستحق [illegible] الكتاب والحقائق المجملة من انواعها [illegible] وهذا التصوير [illegible] لتقريب العقول وتقريبا لانواع المعلومات فاصل المعلوم اما واجب واما ممكن او ممتنع **وانواع** الوجود جوهر خلق **وانواع** الالهيات ذات صفات افعال **انواع الصفات** جلال جمال كمال

١٠٦

انواع الانانيات انانية الخفض وانانية الرفع وانانية الاستواء انواع القيومية ازل آن ابد انواع الشاوت مباين
امتزاج انواع العالم جبروت ملكوت ملك انواع الزمان ماضي حال استقبال انواع المعاد جنة اعراف نار انواع عالم
الحقايق الالهي روح وقلب جسد نوع الشهود الانسانية نطفة علقة مضغة انواع الالفات التي لبست بأصول الحروف مطلقا
وهي الالف المايل الايمن الف الاستواء الف المايل الايسر انواع النقطات نقطة الاصل نقطة الفصل نقطة الوصل الغايبة انواع الحركات
الرفع والنصب والجر انواع الحروف مقوية الغايات لاثبات مبهمات انواع جوامع الكتب المكنون المرقوم المسطور انواع الشرايع الايمان
الاسلام الاحسان الاشخاص الاصلية في الدور العام ادم ابراهيم اسحق عيسى الاشخاص الاصلية في دور السيادي خاتم النبوة
الواسطة الاولية آدم الولاية محمد صلى الله عليه وسلم ثم من بعد الاقطاب السبعة السماوية بالنيابة وكل واحد منهم اقليم يحكم عليه ويتصرف فيه بحال الحق
ولا يفعلوا الا الامر لان احاطة الكتاب المصدق بالكل محيطات الكون وجامعة كل الجوامع وتحقيق حافظة الحقيقة الختمية السيادية بكل
الحقايق وقلب الاكوان ومظهر ظهور الحق بوجود العالم بحقيقة اشارة الانواع وكان ظهورة المتنزل في حرف الالف ويرسم الشكل
فظهرت سر الكتاب الكريم في قوله ما فرطنا في الكتاب من شيء باحاطة كونية من حيث الحقايق من كونها حقيقة الحقايق وقلب الكون ومدد فلك
الحق ومعجز العالم ولذلك اسس عليها هذا الكتاب الكريم وكانت هذه الدائرة هي مدار العلم ومبدء لطيفة لتقريب الفهم والتعريف لعلم حقيقة
الاطوار التركيبية وهذا التفصيل لطيف وشكلها بعد في فصل التكسير والبسط من تعريف الظاهر وهذا كتاب جماع لطائف الاشارات في بواطن



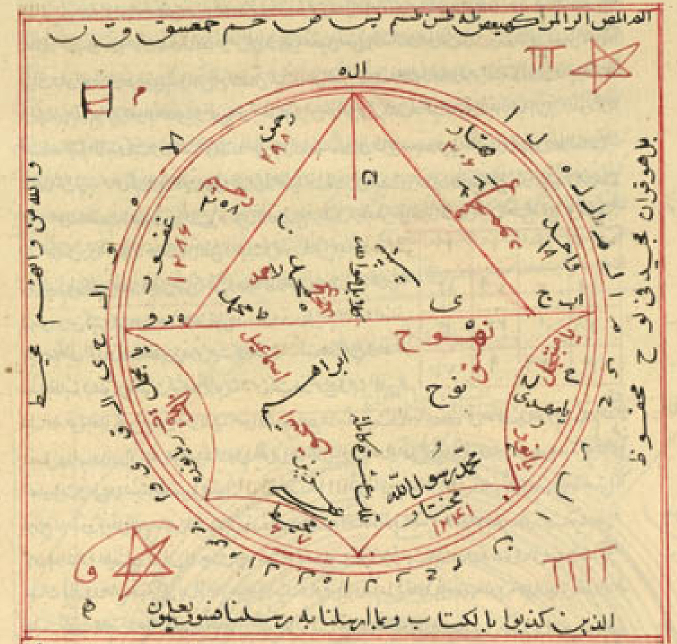
الحروف وانا ما ذكرنا هذه الدائرة الا لشرف اطلاعك على اصول التنويعات لتعلم ذلك وتحققه ولو شرحنا العبارة لطالت علينا المقال
وكثرة الطروس ولم يمكنا تبليغ ذلك في المقال ولكن ما ذكرنا من التفصيل على طريق الاجمال وانا قد ذكرنا تنزيل الحروف في الكون المحفوظ
وما لها من النكرار لان هذه الدائرة عند العلماء العارفين يعرفون مرتبتها على التفصيل والله يقول الحق وهو يهدي السبيل فصل اعلم ايها
الطالب ان حرف الالف هو مظهر الامر وهو مصدر في النشات وسر العبارات واصل الحروف من حيث احرف وسر الالف من النقطة
وقد بينا ذلك في شكل العرش ولنذكر الان خواص الحروف على التفصيل فنقول حرف الالف هو الف الذات ومقام الجمع وله من الاسماء اسم
الذات ومن الصفات اسم القيومية وله من اسم الافعال المبدئ وله من الحضرة الجوف واللام والفا وله من البسائط الالف والميم وله من
المراتب الاربعة وبه مركز العوالم العلوية والتخرج من اسفل الحلق ومن خواص حرف الالف اذا كتب مع قوله تعالى يا ايها الذين امنوا اذكروا
نعمت الله عليكم الاية وكتب حرف الالف على عدد ه على اسم من اردت عطفه في طالع سعيد وبخره بالعود والجاوي عطف الطالب كان
عطفا لمن تريد ومن كتب حرف الالف بجزء ه العنبر والعصفرة اول المنازل بمسك وزعفران ووضع على صدر اي بليد الذهن غليظ
الطبع هون الله عليه بالفهم ورزقه الحفظ و لحرف الالف مربع اربعة في اربعة فمن خواصه اذا كتب في شرف الشمس على لوح من ذهب وبمسك

١٠	٨٠	١	٣٠
١٩	٢	٧٩	١١
٧١	٨	٢٢	٣
٤	٢٩	٩	٧٧

وزعفران رزق حامله هيبة القوة والهيبة في قلوب الخلق اجمعين وهذه صورته
ومن رسمه في خاتم من فضة ونقشه بعود تبر وحمله كان ذهبيه والعقد لسان كل من اراد
لسوء ومن كتبه وكتب حوله حرف الالف على عدده رفق رقة وتلى اسم الذات واضاف
اليه اسمه تعالى الرزاق فان الله يرزقه من حيث لا يحتسب وان كتب هذا المربع في ورقة
بيضا خالية وعلق في حانوت كثر فيه الزبون ومن كتب هذا المربع في يوم الجمعة
كتب حوله قوله تعالى يحبونهم كحب الله والذين امنوا اشد حبا لله الاية وسقيته لمن شئت القى الله المحبة في قلوبهم ووقع في قلوبهم الالفة
فصل اعلم ايها الطالب ان الالف هو صورة الاول وهو اول الاشكال واول الاعداد فعلى الجملة ما بيناه ومادته وهو عدد تركيبي وهو في
العلويات وعلى عدده ونسبة التفصيل فنقول ال ف عددها ١١١ فكان الاسم الناطق كاف وكان تمام المائة في اسماء الحسنى وكان
لمربع اربعة وذكره قبل الالف مائة الاية وقد ذكرنا فيما تقدم وان هذا الحرف مفتاح الاسم الاعظم ولقد ذكرت فيه معجزة
لان فيه اشارة لطيفة وهذا لان لما رحلت وما جرت من صحبتي الى زيارة بيت المقدس ووجه عندي الى ان وصلت الى جبل
لبنان وانا وصاحب فيه ما اكن الله اذ انا برجل من الابدال فتقدم مني وسلم علي وقال يا صاحب الذي انا احب ان تحفظ بخلوتي
جبلية المقدار بحالة الاختبار فقلت له نعم فقال الشيخ بينما انا كنت في خلوتي مستغلا بوردي ومصلوتي اذ كشف لي عن لوح انا شاهده
وارى ما هو مكتوب فيه فوجدت فيه خطوطا ودواير وحروفا واسماء ثم تمثل لي روحانيه او اسبابه ولقي اياه واخذته وقد
رادني فلقي ولم اعرفه فبينما انا كذلك اذ غلبتني عيني ورايت صاحب الموصلين على ابن ابي طالب رضي الله عنه وهو واقف قبالة قبلي على
نبيه عليه السلم فقال لي ابن اللوح فقدمتها صورة خط وقيل فاستعظم وقال اعلم ان هذا اللوح فيه سر الخليقة ومعرفة الاسرار الالهية
وقد جمع السر الذي فيه القدرة ومحته بلوح القضاء والقدر وفيه اسرار الالف وشمائله محصور وعنده الاسم الاعظم ثم ذهب و
خلاني وبها انا قد جئتك بهاذه خذه تماما منه وقد ذكرتها في شمس المعارف الوسطى ولم اذكرتها للمناسبة ما بينه من التاليف و
الى ذكرها فيه المؤلف بالتمام على وجه التفصيل واذكر ما فيها من الاسرار الجبرية وما تضمنت من الانوار الحرفية ورد الشاذلي من نور النبي
صلى الله عليه وسلم وعظم وكرم وذلك اني رايته في النوم وهو ساكن بطيبة الشريف المحابه واصحابه الموصوفين على بكر الدار صم واللوح
فقال هكذا ارايتها في اللوح المحفوظ وقد رايت فيه بسرها السيد جبرائيل عليه السلم على هذه الصورة فعند ذلك اردت ان اشرحها فقال لا تفعل
ولقد انتهت من النوم وذكرتها فيه الكتاب على طريق التفصيل من عالم الغيب الى عالم الشهادة فيه المؤلف وانما دايرة قد حوت
الاسرار وحوت شيئا وترا واسمائها معرفة وجمعا وتفصيلا احكاما وان ذكرت الالف وبينته من هذا المعنى بهذا الشرح الطف

اتم الفصل الاول من هذا الكتاب بعون الله وتوسلنا الى الله تبارك وتعالى ان يلهمني رشدي وان يفتح لنا ابواب المعرفة لكشف اسرار هذه الدائرة فانه يلهمني الصواب ويلقى الثواب انه الكريم الوهاب وان ينفع بكتابي هذا كل طالب مقصد الفتح من الفتاح بمنه وكرمه آمين

وهذه صورة الدائرة الشريفة



اعلم ان هذه الدائرة قد احتوت على ما يظهر في الكون من الملوك والحكام وارباب الدولة وما يحدث من الحوادث وما يظهر من الدول وما يقع بينها من الحروب وكل ما وقع وما يحكمها من الامور واسما ملوكها وسلاطينها وذلك من عرف التكسير وبسط الحروف وتقريب كل اسم باصوله لان كل حرف اذا بسط وعرفت عدده وتحققت من اي مرتبة هو ومن اي دولة فتعلم ما يكون من تلك الدولة وانا كتبنا هذه الدائرة في كتابنا شمس المعارف ولطائف العوارف ولم نذكر لها هذا الشرح وانما نحن ذكرناه في هذا الكتاب لئلا يحتاج صاحبه الى كتاب آخر لان هذه الدائرة جمعت جميع ما وقع في الجفر المسمى مفتاح الغيب بدائرة القدرة وانا رايناه مصادر الجفر وهي ستمائة وسبعة عشر مصدرا ولكل مصدر ثمانية وعشرون جدولا وفي كل جدول ٢٨ خانة في كل خانة منها حروف مقطعة ولقد رايته في خزانة الاندلس حرسها الله من الاسواء ورايت هذا الكتاب بخط بعض اهل البيت فطالعته غاية الفحص فرايت مجموع ذلك كله هذه الدائرة الجفرية وهذه خواصها ان من كتبها وحملها معه رزقه الله الفهم والهيبة والقبول عند جميع الخلق وان كتب في لوح من فضة فان حاملها ينال القوة القهرية ورابطة الفكرية ويحصل له الخير واذا كتب في رق غزال بماء الذهب المحلول فانه قبول عظيم واذا كتبت هذه الاسماء على ربع او على علم فان الله تعالى لا يرد للعلم خائبا ويحفظ الله صاحب المربع واذا

كتبت هذه الاسماء وما فيها في رق غزال وحملها فان الله يحفظه من شر الاشياء المؤذية وعلم ذلك تنبيه اعلم ان اول ما سطر في اول الدائرة الم فقول ان الاسم الهادي ان الالف واللام والميم هم حروف الفتح النهاية الاحدية وانها حروف الاسم الاعظم الم وهي منها الاسم المقدس وهي مشتملة على الاسماء الحسنى والصفات العلية وهو منها الاسم المقدس لان الالف واحد وهو في الجمل مركب من ثلاثة احرف وهي موادها واصلها الف ولام وفاء وهي حرف فرد ثم ان حرف اللام مركب من ثلاثة احرف وهي مواده واصلها لام والف وميم وهي فرد ثم الميم مركب من ثلاثة احرف وهي مواده واصلها ميم ويا وميم وهي فرد ومجموعها سواد الاصول المذكورة ٩ وهي فرد ثم اذا نظرت في الحروف التسعة التي هي الاصول واسقط المكرر يبقى خمسة وهي الالف اللام الياء الميم والفا وهي فرد والخمسة في علم الحروف كناية عن الخاص من الحروف الثمانية وهي فرد ثم نظر الى الفردانية كيف لازمت الى هذه المبادي وهي دائرة معها تدبر فيها ثم الاصل الاول من الاصول الثلاثة من المبدا الاول هو الالف والثاني هو اللام والاصل هو من ثاني المبادي وهو اللام واذا اجتمعت تلك اصول المبادي اشارة عن الاصول الخمسة الباقية وهي كلمة عنه وهو الهاء نسبنا من ذلك الف ولامان وهاء وهذا الاسم المقدس الله فوجدنا الدال الف لام ميم مشتملة على هذا الاسم واما قولنا مشتملة على عدد اسماء الحسنى والصفات العليا التي هي ٩٩ ومن احصاها دخل الجنة وهي مشتملة على الاسم الاعظم الذي من دعى به اجيب ومن سئل به اعطى وكشف سره وهو انك اذا ربعت حروف المبادي وضربت المبادي في الباقي من اصولها واضفت المجموع الى المبادي كان ذلك ٩٩ وهو العدد المذكور وهذا سر الثاني فافهم واذا صح لك السر الاول والثاني تجلى لك ما بين الم والاسم المقدس الصادق بالدليل حتى جاء على هذا النهج الف لام ميم الله وهو تمييز المبتدا والخبر والموضوع والمحمول والمقدم والتالي كما بينا من خروج اعداد اسماء الحسنى في الاصل فالدال الاسم المقدس على هذا العدد المذكور فجمعت حروف الاسم المقدس اعدادها ٦٦ واذا ضربت المبادي بثلاثة فكان ١٩٨ فاذا قسمت عليها اخص المقدم نصفها وقدمناه واختص نصف العدد فخرج عدد اسماء الحسنى وكان في باطن المبادي وهي الم وهذا سر الالف من الاسم المقدس اعلم انما انا من الالهام الالهي على القلب من مبادئه وقع بيد فكره عن هذا السر ومن مبدأ وان اقتضى الفكر ان اشرح هذه الدائرة شرحا كبيرا لا بشرائب الاستاذين ظهر كتبتها قطعة في ترجمة الحكمة عمدت على ما هو الملخص من ذلك واخذت من كل شئ احسنه ودونته في هذا الكتاب لئلا يفتقر صاحبه الى غيره من المؤلفات ما يتعلق بطريق الدائرة ومعرفة الجفر فانما اذكر بتبيين تفصيل اسم المقدس وذلك اذا اردت ان تعلم اصول ذلك في الطريقة لانه ما يخرج منه ذلك وما يحصل في ذلك الوقت من الحق وذلك من تكسير الحروف القول ان الاسم المقدس له اربعة حروف فاذا اسقطنا منها المكرر كانت ثلاثة وهو الاصول فاذا ضربت هذا الاسم المقدس من الحروف الخارج من التكسير على طريق التكسير البسط فكان الخارج من ذلك ١٩٨ والاسم المقدس قسمان فقد تكشف جميع الاشياء باسرها فاما القسم الاول منه وهو الالف واللام فيحصل تعريفها في القسم الثاني وهو اللام والهاء فيظهر استحقاقها فاذا قسمت المرتفع على القسمين كان لكل واحد منهما كان مختصا بعدد الاسماء الحسنى الذي هو ٩٩ واردف بزيادة طريق آخر لتعلم شرف العلم وذلك اذا جمعت من الاسم المقدس طرفيه وقسمتها على حروف الالف وضربت ما يخرج بالقسمة فيما بين العدد حتى علم الحروف ثم ضربتها لكل حرف من اسم المقدس بعد اسقاط المكرر يكون عدد الاسماء الحسنى ومن طريق اهل الانوار ومعنى الاسم الجامع لجميع الاسماء الحسنى وتقريب حتى اذا جمعت حروفا وهو ما على المحيط من المبادي وحروف الاسماء الحسنى الشريفة الاربعة وحروف الاسماء الستة وحروف الاثنين المتقابلين التي خارج الدائرة فيجمع ذلك من هذه الاسماء الحسنى التي يجمع من حروفها الدائرة وان هذا الاسم المقدس سبب تقدمه على الاسماء الحسنى وهو مقسوم على ثلاثة اقسام القسم الاول منفرد بمعنى الايجاد والابداع لرب الاسماء كلا اله الا الله والخالق والبارى والمصور والمبدئ والمعيد وما في معناها القسم الثاني فيه معنى العظمة والعزة والقهر كالملك والوحدانية والتخويف والترهيب والخشية كالملك والواحد والصمد والقهار والمتكبر وما في معنا ذلك والقسم الثالث منفرد بمعنى الرحمة واللطف والتجاوز والترغيب والرجاء والطمع والاعطاء والامان كالرحمن

والسلام والمؤمن والوهاب والباسط والحليم وما في معناها من الاسماء وتفرع الى اربعة اقسام كما ان الاسم المقدس اربعة حروف فجميع
الاسما تخرج بجموع الاسما تتفرع الى اربعة اقسام فمنها اسماء الذات واسماء الصفات واسما الاخلاق واسما الافعال فيجمع ذلك احوال
العالم جميعا لانه **اول وسط اخر** لحالة الاولى حالة الايجاد والخلق والابداع والاخراج من العدم الى الوجود والاظهار الا عالم
الكون والفساد ومواطن الاكتساب للاصلاح والافساد وهذا يصدر عن قوله **لا اله الا هو الحي القيوم** ويندرج فيه الخالق
البارئ والمصور البديع الفتاح العليم المحيي المعيد المقسط الباعث ما الظاهر وما في معناها **الحالة الثانية** حالة القيام في الدنيا وقطع
اوقاتها في مدة عمرها واستبدال القوى البشرية بالتمتع باللذات بشهواتها واستعمال الجوارح في اسباب خطيئتها ولهذا باب **الرحمن الرحيم** الغفور
يقتضي اثبات الصفات التجاوز عن الذنوب والعفو عن الخطايا وادامة نعمته ولطفه بهم وشمولهم احسانه وان الله بالناس
لرؤف رحيم وصفة الرحمن وصفة الرحيم اذا اشتركا في شي بينهما فرق ويندرج تحت هذه الثلاثة اسم من الاسماء الالهية الواحد
المعز المحصي ويحصل الحالة من انه غفور رؤف قدوس تواب سلام مؤمن مهيمن غفار وهاب باسط معز لطيف شكور حليم كريم مجيب
ودود مغني نافع نور هادي مقيت حسيب حليم ولي حكيم رشيد صبور ذو الجلال والاكرام فالاسماء المذكورة الثلاثة اشير بها الى
المطلوب ويرجع اليه والقصر عليها لان الامة على هذه الحالة وان ابطاله ومغفرة للناس على ظلمهم وهذه نتيجة ما بناه من اقسام الاسماء
الحسنى والصفات العليا واستنباط الاية الشريفة في ضبط الدائرة **والله** من ورائهم محيط بل هو قران مجيد لان هذا الحروف الموجودة في القران
وان اولها وجوه حروف الاسم الاعظم في الاركان الاربعة محيط الحروف الباقية في الدائرة فاعتبرها لانه بناه من اجتماع حروف
الظاهرة من المبادي وما الشدة الى الجيم لانها منشأ الكلمة في العدد ثم ذكر الهاء ثم الالف ثم الواو ثم الياء فيجمع ذلك في الدائرة **ابجد**
حب دي طه وهي الحروف التسعة التي هي اصل الاعداد ويتفرع منها جميع المصادر الجزئية كما بيناه ثم رقت الثلاث اسما التي هي **صمد**
واحد قهار ثم اجتمعت الاسماء والاخلاق التي هي **رحمن رحيم غفور** وان جميع الحروف الموضوعة في الدائرة انما هي حروف الرموز وقد
جمعت بين الانتهاء والابتداء واما الاسما الموضوعة مثل محمود ومحمد وابراهيم ونوح ففي التفصيل وتفصيل حروف الرموز ذات
كل اسم من هذه الاسماء الموضوعة في الدائرة اذ الدائرة مبادي معنى علم الحروف فكان عشرة لاجل ان وضعنا اليه تمام الحروف لانه
بالرموز والاستدلال على المبادي هي حروف **الله** ونتيجتها حروف الاسم الاعظم الذي هو اسم الذات واذا تحققت الايات فجمعها نتيجة
الاسم المقدس من قبيل علم الحروف واما حروف الاسم المحيط بالمحيط مع المبادي هي حروف الاسما الالهية الواقعة خارجا وانما خلا للتركيب
الاسماء والجميع مرتبط بعضها ببعض فكلام بنتيجة اثبات من طريق علم الحروف هذه الدائرة وحروفها المذكورة من مراجعة المقدمة التي ذكرها
امير المؤمنين رضي الله عنه فاعلم ذلك وانما بين الحروف الموضوعة الاسماء على طريق الرمز **في قول ذلك** الله جلت الرقم فهم من علم
غلبهم سيغلبون في بضع سنين لله الامر قال صلى الله عليه وسلم لا تقوم الساعة وبقي على وجه الارض من يقول **الله الله** وسر
كل متفق كتابا وسر كتابنا في اوايل السور ومعنى اول الدائرة والحكمة في وضع اوايل السور قال اهل الاسرار ان الله يرفع القران عند
انتهاء العدد الذي في اوايل السور واذا انطوى واسقط منهم الكور ويقتفيهم كانت خرج المحجاب ما اردت وقال بعض العلماء اذا
اجتمعت العدد المذكور وصرتيبه في اسم قائم خرج الدعاء الدنيا وابن الدنيا معنا الاسماء في كل عالم من اول الخلفاء الى تمام السلاطين
وهي الرموز المستخرجة من نتيجة الدائرة ومن لوح القضاء والقدر ويتحقق ذلك ان شاء الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم خالق

اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك ان القصد بكتابنا هذا الرموز لنخبرك عن سر من اسرار الامام قدس الله سره وقصد هذا الرمز
انما هو العدد الخارج من الاسم وفي الله لما اذا اوردت بيان ذلك فخذ في عدد الجلالة وتبسط وتسقط مكرره وتنظر اسم الملك الذي
هو مستول على الكرسي اذا كان اسمه خارج من اسما الرموز فتكرر اسمه وتنظر الى اوايل الحروف التي في المبادي فتجمعها وتكرر علم طريق
علم الحروف وتجمع الجميع كلمات مركبات وتنظر الخارج من ذلك فتعرف كم مدة سلطنته وكيف احوال الخلق في زمنه وسلوكهم الى المخرج
فان كل حرف اسم ملك فلا يمكن ان يكون سلطانا او خليفة الا وهذه الحروف منها في اول اسمه او اخر اسمه او وسط اسمه فاذا كان
ذلك فخذ اسم ذلك الملك واسم الذات واوايل السور والاسم الموافق وتكررهم وتبسطهم على طريق التكسير وتسقط المكرر فان احوال
ذلك الملك فيظهر لك وتعرف كيف امره وحكمه من طريق السر الالهي وقطع المدة تعرف من الدائرة وهو ان تجمع الاسم وتاخذ عدده وتضرب
عدد الخارج من اسم ذلك السلطان مع حروف المبادي وتسقط الالوف وتنظر كم بقي فيكون الباقي هي المدة وهذه الحروف المذكورة **سين**
ميم **ياء** فاء **شين** ياء **الف** جيم عين **ميم** والقول في المعنى **نظم** كم في الخبث منك طرفا ناعسا بيد واسبابنا كل انهمته
تكاد الولد الصغير يهرم لها يزداد يوما كل حركته **وقد سئل** الامام علي كرم الله وجهه عن سبب خراب البلاد فاجاب في الجواب **نظم**
سيطلع من مغيب الشمس نجم لذنب كتيل الوهج عال فتخرب كوفة وديار هيت ويبقى بنو بها قصر اخوالي وتخرب بوصل من بلا
ومدن الشط بالريح العوالي واما النيل يظهر عن قريب ويظهر في الشمال القبيح حال فكم في السيل من جسد غريق وكم نوء
تقذف الاعالي يبادي حساجا في الترك عال بصيح بلبلا من عز حال وتخرب مكة ويدا يستعان من السودان والحبش الرذالي **وقال**
ولولا الدنيا والانبيا لصعدت الاسرار خراب الجبال بالرياح والصواعق خراب المدينة بالجوع خراب **بلخ** بالماء خراب **ترمذ** بالطاعون
خراب **مرو** بالرمل خراب **اليمن** بالجراد خراب **سمرقند** ببني قنطور الذين هم الترك وخراب **فارس** بالقحط خراب **الاندلس** بالسيف
وفي سنة **خلف** تاخذها الروم ويفتحها صاحب الزمان محمد المهدي خراب **مصر** بالنيل ثم يفتح الله بيت المقدس مع القسطنطينية على يد
محمد القائم بامر الله واذا خرج هذا الامام تكون الارض ملئت جورا وظلما فيملاها قسطا وعدلا ولو بقي من عمر الدنيا
يوما واحدا لاطاله حتى يملكها الله ظهر المسيح صاحب الزمان الذي هو المهدي واسمه محمد فيقيم للاسلام السوي ويهدي الرعية ويفصل الامر في
القضية ويفتح المدينة الرومية وهي طاعة سبعون الف من ولد اسمعيل واسحق ويرتفع المذاهب الاربع ويبقى صاحب كشف وشهود في
بيان البقعة التي في الصخرة من بحر الاسود الذي وضعها عليه السلام ويأتي الى دمشق ثم ينزل **عيسى** بن مريم بالمنارة البيضا
من شرقية دمشق والناس في صلوة العصر ويصلي بالناس ثم يأمر بكسر الصليب ويقتل الخنزير ويمن الكلام في زمانه يقتل السفيا في بحيرة
طبرية ودمشق واصلاح مرقبة من قراها يظهر الصلاح والفلاح ويميل الناس يخرج الدجال ويكون خروجه من طبرستان من ارض المشرق
وياتي اصفهان فيتبعه منها سبعون الف يلبسون الطيالسة من يهودها وهو رجل اعور العين مكتوب بين عينيه يقرا كل احد هذا كافر
ويلبث في الارض اربعين يوما يوم كسنة ويوم كشهر ويوم كجمعة وبقية ايامه كايامكم وسئل عن ذلك رسول الله صلى الله عليه واله وسلم
قالوا يكفي في ذلك صلوة يوم فقال لا بل قدروا له ويبعث الله ياجوج وماجوج فيخرجون على الناس فتحصنهم ويبقى منها مرتحلا
ويرسل الله عليهم النغف فيموتوا ويجيء موسى ويقتل المسلمين من نسائهم وجميعهم سبع سنين والاخبار في ذلك كثيرة وانما ذكرها
لتعلم ان الامام المقدم لتعلق ذلك **روى ابن عباس** قال عمر الدنيا على عدد ايام الاسبوع **وقال** وابن المهدي عمر الدنيا على عدد
الكواكب السبعة وكان في كل دورة من هذه الدورات نبي فكان في الاولى **آدم** وفي الثانية **ادريس** وفي الثالثة **نوح** و
في الرابعة **ابراهيم** وفي الخامسة **موسى** وفي السادسة **عيسى** وفي السابعة **محمد** صلى الله عليه وسلم وفيها العقدة
عنه صلى الله عليه وسلم ان في راس كل ماية سنة يبعث الله رجلا يجدد لهذه الامة امر دينها فانه تركتها على بيضاء نقية والله اعلم

فصل اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك اني اريد اضع لك في هذا المحل جمع رموز الجفر الذي ذكره الامام علي كرم الله وجهه ورمز
اسماء القصد بهذه الاسما انما هي عددها ومعرفة تكثيرها في مرتب المبادي في الاصول فلم او ضح لك اكثر من ذلك وانما ذكرت هذه الرموز

بسم الله ليكون كتابنا هذا وتفوق على غيره من الكتب والطرائق على فكره كالبنياء الى وهذه الرموز الموضوعة المجربة الاصيلة
الرحمن الرحيم شعيب جميع شيث حزقيل قابيل طوس دمياط نابلس طرابلس طرسوس حلب حمص دمشق بقا رقا
اخر مراد محمد احمد موسى الياس يوسف محمد هو الملك المبين الله وكيل بلقيس جليل قابض
المص كهيعص حمعسق ن والقلم وما يسطرون مراد يفتح منه محمد احمد محمود عثمان صالح قد طالع الامر
كلا الله يعز من يشاء ويذل من يشاء وهو حسبي وكفى واعلم ايها الطالب ان هذه الاسماء كلها حروف المصادر والعقد وصنعت الجميع
وطريقة لذلك اخذ اسم صاحب الدولة وصاحب التخت والعدد الموافق من اسماء الرموز وتقسطها ثم تنظر الى اسم الذات وتضرب
الجميع وبعد ذلك تسقط الخارج فهو المراد ولتوضح لك ذلك فتقول ان اصل حروف الاسم القدس هي ١١ حرفا وهي مقابلة من اول الهجرة الى سنة
والمبادي مع مواد اصولها ١٣ وهي مقابلة قتل عمر رضي الله عنه واضطراب الشورى واصول الاسم من اصل الشورى الى قتل عثمان رضي

ن	ي	ن	ع
٢٨	٥٢	٢	١٢
٤٢	٦	٣٤	١١
١٦	٢٦	١٥	١

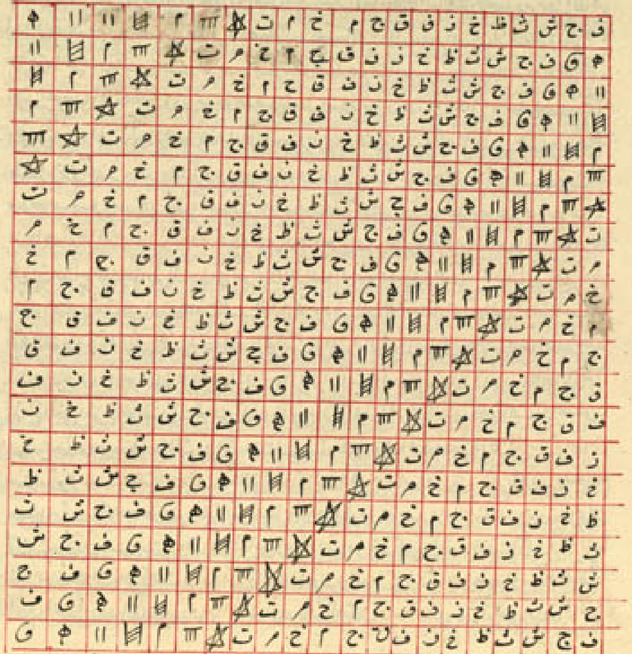
ومن جهة الاخرى من مبادي الاسم كانت وقعة الجمل وقيام الفتن واذا ضربت المبادي
مع الاصول فكانت بع وهي قتل ابن الزبير رحمه الله ثم ضرب المبادي مع اصول الاسم فكان
١٣٢ ومن الحروف قبل فكانت اخر دولة بني امية والقراض ايامهم وحلا ثم ثم ضربنا
اصول حروف الرموز الباقي من هذه الحروف فخرج ثامن الحروف قصر فكانت عام زوال
دولة البرامكة وانقراض مدتهم تمام الاسم المشهور في الدنيا واذا جمع المبادي وحروف الاسم
المقدس ونجاوز ضرب المرتفع في باقي مواد اصول المبادي بعد حذف ذلك يكون ٣٤٥ وهو عام اضطراب في العالم
وشر فانه سقطت الحصون والاسوار وخربت المنازل في القرى من ارض مصر والشام وانقطاع الجبل الاخضر بانطاكية وكان ذلك في
خلافة المتوكل بالله واذا اجتمع حروف الرموز والاسماء التي في شرق الدائرة والعدد الموافق من هذه الرموز فكان الخارج من ذلك
٣١٢ ومن الحروف شيب فكانت هذه الايام اختلاف الناس وظهور القرامطة واذا ضربت جميع الحروف الظاهرة وباب المئة كان الحاصل
منه الى البرجمانية واثنين وثلثين شبل وذلك في الجمعة تختص به ملوك الاعاجم وابتداء دولة السلجوقية واذا ضرب الحروف مجموعها مع حروف
المبادي بكون الخارج ٥١٨ عش وهو ابتداء انقراض دولة الفاطميين واذا ضربت الحروف على اول المبادي مع حروف اسم المقدس فكان
الخارج ٥٠٣ تجف فكان تجديد دولة الافرنج وفتح بيت المقدس وهلاك الافرنج واذا ضربت حروف الرموز مع اصول المبادي كان الحاصل
٦٢٨ حكد وكان ذلك في عام كسر السلطان جلال الدين خوارزم شاه وزوال ملكه واستيلاء التتر على بلاده وقيام الافرنج
في بلاد العرب وهزمهم الله عنهم وهذه قواعد كثيرة وعجائب كثيرة لو جمعت على هذا الحساب وهذا المعنى والله اعلم فصل اعلم ايها الطالب
وفقنا الله واياك ان الحروف التي في خارج الدائرة التي هي ٧ احرف وهي مقسومة على ربع الدائرة



قال بعض العلماء ان هذه الاشكال هي اشكال الاسم الاعظم وقال ذو النون المصري انما هي الاسم الاعظم الذي اذا دعي به اجاب وقال ابو
الدرداء فيها قوة اقوى من السيف وهو من خواص ابراهيم قال الامام هذه الحروف ينبغي ان تكتب الى كلمتين الذهب خاتم
من ذهب او فضة او على حجر من العقيق في شرف الشمس لانه السعد الاكبر وحمله ملك او سلطان او حاكم رفع الله قدره ونفذت احكامه
وان كان حاملا من الخلق رفع قدره وان كتب في اناء وشربه المصاب وان كتب على الارض ويكتب ويوضع في
الاقشر فانها تحفظ وان كتب هذه الاشكال بماء الذهب ١٠٠ مرة في ربع ١٠ في ١٠ فان الله تعالى قد الهيبة والمحبة في قلوب
المخلوقات ومثال الشريف العالي فلقد ذكر الغزالي رحمه الله ان معنى هذا الشكل هو الهم القديم انا الله انا الله الواحد الملك
الحق انا الله الخلاق انا الله الصانع وكفى السميع البصير وقال بعض العلماء ان هذه الاشكال
السبعة كل شكل اسم من الاسماء الحسنى وفيها ايضا ان كل شكل حرف من حروف المعجم ولقد حدثنا الثقات من العلماء ان الامام علي رضي الله عنه
نقلها عن النبي صلعم وهو صلعم راى في اللوح المحفوظ مكتوبة على ساق العرش فسال عنها جبرائيل فقال انها الاسم الاعظم وهي عظيمة القدر

فقهيا

فقهيا وعلما العلي رضي وان السيد علي كرم الله وجهه قد نظم هذه الابيات الشريفة وهي هولاء الابيات ؛ ثلث عصي صففت بعد
خاتم على راسها مثل السنام المقوم ؛ وميم طميس ابتر ثم سلم الى كل مامول وليس بسلم ؛ واربعة مثل الانامل صففت ؛ تشير الى الخيرات
من غير معصم ؛ وهاء شقيق ثم واو مقوس ؛ كانبوب حجام وليس بمحجم ؛ فيا حامل الاسم الذي ليس مثله ؛ توقى به كل المكاره تسلم
واعلم ان في القران اية شريفة قد تضمنت الحروف السبعة وهي قوله تعالى اومن كان ميتا فاحييناه وجعلنا له نورا يمشي به في
الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها كذلك زين ويجمعها هذه الحروف ف ج ش ث ظ خ ز واذا انه جعل المربع
وعشرين في مثل وقد نظمت شكلا غريبا وحققت ذلك على الاقوال الثلثة اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك ان هذا المربع الجليل
القدر الحاوي الاسم الاعظم فمن خواصه اذا كتب بالمسك والزعفران في رق في يوم الجمعة وحملة انسان رزقه المحبة والقبول وكان بين
المخلوقات له سطوة وهيبة وان كتب وعلق في حانوت كثر البيع والربح وان كتب بماء الذهب وحمل على ريق طاهر وجعل من تحت عمامته
فتح الله عليه ورزقه الله من حيث لا يحتسب وان كتب في يوم الجمعة وعلقته امراة فان كان من لها ابعدها المحبة عظيمة ويكتب ايضا والعلق
على المصابين فانه عجيب نافع واذا كتب ووضع تحت حجر خاتم وكان حامله مهابا عند جميع من يراه وان كتب في يوم الاحد على خرقة
حرير وحمله امير كان من ارباب الدولة فان الله تبارك وتعالى يرفع قدره وينفذ كلمته بين جميع المخلوقات واذا كتب هذا المربع
الى البيت المعمور وحمله فان الله تيسر له حاجته قضاها واذا كتب يوم الاثنين على اسم الغائب ودفنه في الريح فان الغائب
ويقم بلا فين عند المواقف ويرجع قريبا وهذه صفة المربع الشريف المذكور



١٥٠

وإذا كان إنسان حصلت له الأمراض التي أعيت الأطباء فليأخذ في نهار السبت ويكتب هذا المربع كل سطر في ورقة على طريق
النشر ويسقى لمائه خفيف فإن داوم على ذلك فإن الله يعافيه وكذلك يكتب على هذه الصفة جميع المضاربين ويسقى وأيضا يكتب
السطر على خرقة زرقاء ويعلق على الفخذ ويسعط بها المتضاب فإنه يطلق وإذا كتب هذا المربع في ورقة بيضاء باسم امرأة صبوغة
أو يسقط الأولاد فإنها لا تعود وإذا كتب وعلق على من يحتلم في الليل فإنه لا يعود ويكتب لبكاء الأطفال ويعلق ويكتب لمن
يحصل من السوداء ويخرج ويحلو فإنه لا يعود إليه ذلك وإذا كتب إلى المتباغضين على أسمائهم ثم وضع في الوسادة فإنهما يصطلحان
ولا يعود إلى الغضب ويكتب للمرأة التي تزني وتعلق على رأسها عند نومها فإنها لا تعود تزني وينفع صاحب القولنج إذا كتب وجعل
وإذا كتب أيضا على طريق النشر فإنه نافع شربا وإن كتب وجعل في المسجون فإنه يخلص بعد سبعة أيام وشرط أن يأمر أن يقرأ السبع الأسماء المشتقة
فإنه نافع إن شاء الله تعالى ومن عرف سر الخواص وعرف الأصول فقد نال بما أراد وإن كتابنا هذا مشتمل على معرفة الأصول الأعمال بالصدق
وحسن الاعتقاد وإن صاحبه لا يحتاج إلى غيره من الكتب وما سميناه شمس المعارف ولطائف العوارف إلا لعظمه وهو يحتاج للعلماء
ولكن لهذا الكتاب رتبة عظيمة ويتصرف فيمن فهم الأمور وعرف الأصول هذا آخر ما أوردناه من الفصل الأول من النوع الثاني
من علم الحروف والله أعلم ويتلوه إن شاء الله تعالى بعون الملك القدير في جميع الأحوال والله أعلم **الفصل الثاني في خواص أسماء**
الله الحسنى وتفصيل ذلك بسم الله الرحمن الرحيم اعلم أيها الأخ
وفقك الله وإياك لمعرفة أسمائه والتصرف بها أن تعلم **اعلم** أن الأسماء يعني أسماء الله تعالى من طريق التحقيق لا تحصر ولا تدخل
تحت حصر ولهذا القول لبعض المحققين أن كل ذرة في الكون تسبح باسم من الأسماء ولذلك أن الأسماء لا تحصى وأما من حيث الظاهر
قوله صلى الله عليه وسلم إن لله تبارك وتعالى ٩٩ اسما من أحصاها دخل الجنة وقد قال بعض المفسرين إن الله تعالى له ألف اسم
التي نطق بها القرآن وجاءت بها السنة ولقد أوردنا في هذا الفصل المبارك جميع أسمائه التي نطق بها الكتاب والسنة وذلك على طريق
الحروف المعجم بأن تبتدأ ذكر أجل ذلك ما روي عنه صلى الله عليه وسلم أنه قال إن الله تبارك وتعالى ٩٩ اسما من أحصاها دخل الجنة
وهي على ثلاث روايات فالرواية الأولى ... الترمذي ... المرتبة ...
متصلا من طريق الحديث ولقد رواه الترمذي ورواه الحاكم وابن حبان في الكتب الست على هذه الرواية قال قال رسول الله
صلى الله عليه وسلم إن الله تبارك وتعالى ٩٩ اسما مائة إلا واحدة وإن الله وتر يحب الوتر من حفظها دخل الجنة **هو الله الذي لا**
إله إلا هو الرحمن الرحيم الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر الخالق البارئ المصور الغفار القهار الوهاب
الرزاق الفتاح العليم القابض الباسط الخافض الرافع المعز المذل السميع البصير الحكم العدل **اللطيف الخبير الحليم العظيم**
الغفور الشكور العلي الكبير الحفيظ المقيت الحسيب الجليل الكريم الرقيب المجيب الواسع الحكيم الودود المجيد الباعث الشهيد الحق
الوكيل القوي المتين الولي الحميد المحصي المبدئ المعيد المحيي المميت الحي القيوم الواجد الماجد الواحد الأحد الصمد القادر المقتدر
المقدم المؤخر الأول الآخر الظاهر الباطن الوالي المتعالي البر التواب المنتقم العفو الرؤوف مالك الملك ذو الجلال والإكرام المقسط
الجامع الغني المغني المانع الضار النافع النور الهادي البديع الباقي الوارث الرشيد الصبور فهذه التسعة والتسعون
اسما من أحصاها أي حفظها دخل الجنة وهي أسماء جليلة المقدار قد نطق بها القرآن العظيم وتفصيل ذلك **ففي سورة الفاتحة**
خمسة أسماء وهي **الله رب رحمن رحيم مالك** وأما التي **في سورة البقرة** فهي ٣٥ اسما **محيط قدير عليم** تواب بصير واسع بديع
سميع كاف رؤوف شاكر إله واحد غفور حليم قابض باسط حي قيوم علي عظيم ولي غني حميد **وأما الأسماء التي** في سورة آل عمران
فثلاثة أسماء يا وهاب يا سريع يا قائم **وأما الأسماء** التي في سورة النساء يا رقيب يا حسيب يا شهيد يا مقيت يا وكيل **وأما الأسماء**
التي في سورة الأعراف يا محيي يا مميت **وأما التي في** الأنفال يا نعم المولى يا نعم النصير **وأما التي** في هود يا قريب يا حفيظ يا مجيب
يا قوي يا مجيد يا ودود يا فعالا لما يريد **وأما التي** في الرعد يا كبير يا متعال **وأما التي** في سورة إبراهيم يا منان **والتي في الحجر**

يا خلاق

يا خلاق **والتي في مريم** يا صادق يا وارث **والتي في الحج** يا باعث **والتي في المؤمنون** يا كريم **والتي في الغافر** يا غافر يا قابل يا ذا
الطول **والتي في الذاريات** يا رزاق يا ذا القوة المتين **والتي في الطور** يا بر **والتي في القمر** يا مليك يا مقتدر **والتي في سورة**
الرحمن يا باقي يا ذا الجلال والإكرام **والتي في الحديد** يا أول يا آخر يا ظاهر يا باطن **والتي في الحشر** القدوس يا سلام يا مؤمن
يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور **والتي في البروج** يا مبدئ يا معيد **والتي في سورة** الإخلاص يا أحد
يا صمد **روي** عن معروف رضي الله عنه ... هذه الأسماء عشرين سنة حتى ... ما كنت أدعو بها فيجاب في دعوتي ... إلى قضاء الحوائج
فمن تلاها شرح الله صدره ويسر عليه الأسباب الخفية **تنبيه** قال الله تعالى ولله الأسماء الحسنى فادعوه بها فيتوقف الدعاء بأسماء
تبارك وتعالى من الأشياء الفرضية المحتومة أن ينبغي للعبد أن يذكر الله تعالى بأسمائه فإنه مجيب له وإن أسماء الله كلها أسماء عظيمة
شريفة وإن معرفة الأسماء والتصريف بها من قبيل الوزن والمساحة وهو أمر عظيم لا يعرفه إلا العلماء الكبار التي يرشدون المريدين بالرياضات
الرياضات وتهذيب الأخلاق وإن العلماء ذكروا المساحة والأشكال المثلثة والمربعة ...
أشكال الحروف بطريق الوزن وذكروا أيضا الأثبات ... بطريق الوزن ووضعوا الأشكال ... في تفصيلها آخر
النوع الشريف وإنه أشرف العلوم الرياضات أحسن من علم الوفق ومعرفة الأسماء الحسنى وأشكال الأثبات وذكر الأوفاق من المثلث إلى
المربع إلى ... وجعلوا لكل حرف شكلا يليق به وسيأتي تفصيل ذلك ... الأعداد ...
ومن فهم الإشارة حل العبارة وإن هذا العلم ... لا يخفى على العلماء العارفين من أهل الرياضات وكالشيخ ... والغزالي
وإلى أصحاب الرياضات ... والرازي ومقاتل بن سليمان وغيره من العلماء الأعيان و
توقف ذهنك عند سماع تصريف من تصاريف هذه الأسماء ... ما خلق الله تعالى حلية الكتاب لقوله تعالى
ما فرطنا في الكتاب من شيء ولذلك ... على جميع ما في الكتب ... في الكتاب حقائق الأمور وإنما تدرك المعلومات بجوهر العقل
وهو أول الأشياء لقوله صلى الله عليه وسلم أول ما خلق الله العقل فقال له أقبل فأقبل ثم قال له أدبر فأدبر فقال وعزتي وجلالي
في أحد الخلق ... العقل ... من صفة العقل ... بالعقل ... كان ذلك
عن طبعها الأصلي فمن ... على حقيقة الخواص ... النظر العقلي ... العقل ...
المقدمات فإن ... العقل ... **تنبيه**
اعلم أنه لما كان ... في كتابنا ... أسماء الله الحسنى ... الأعمال ... حقيقة الخالق وكان الكلام على أسماء الله الحسنى
من أفضل الكلام ولقد ذكر بعض المفسرين ... كان ... مكتوب فإذا كان الله غاية الغايات
فإن معرفتها أفضل العبارات فإذا كان ذلك ... أسماء الله وخواص ... فهي غاية الغايات ولقد كتم العلماء المعرفة بحجب
أسماء الله الحسنى ... العبارات ... الإشارات ... في القرآن العظيم
سر القرآن في الأسماء الحسنى وسر الأسماء في الحروف وسر الحروف في ... في الوضع وسر الوضع في مساحة المربع وأعني بمسبوقية
العدد في كل ضلع من الأضلاع **فصل** اعلم أيها الطالب ... أن الحق ... العمل ... من الاسم
ذلك ... أهل الأرصاد ... في اختيار ... السعيد ... في ...
الأوقات ... صاحب الشريعة ... صلى الله عليه وسلم ... إلى الله ... أبواب ...
الأعلى ... الساعات
والطوالع ... صورة عقرب
على ... فإنه ينفع من السموم ... الساعة ... العقرب ...
الخاصية ... العقرب ...

161

بكلوا فيه اليونانيون من الصابئية والحكماء **واقول** وبالله التوفيق ومذهب اهل التحقيق من علمائنا رضوان الله عليهم ان الفعل على
الاطلاق الحقيقي جهازا ونعم وان ابيره وتكرار الاسماء في كلوت من الاوقات فانما هو العزيمة والعلامة وتحصيل الاذن بالتشريف وهذا الفقير
بعضا العارفون ولقد روي عن النبي صلى الله عليه وسلم انه من امن ووافق تامينه تامين الملائكة غفر له ما تقدم من ذنبه وما تاخر
والموافقة ساعة الاجابة كما قال في ليلة القدر مختبية في عشر الاخير من شهر رمضان وان ساعة الاجابة في يوم الجمعة وان الاسم الاعظم في
الاسماء الحسنى وان هذه الاسماء لها تجليات في العالم الاعلى وكل اسم يتجلى باعتبار الطالع على مراتب تقتضيها وكل مظهر من مظاهر المخلوقات
علويا او سفليا له تجلي باسم مخصوص فيستمد منه بتجلي الاسم على رتبته فاعرفه الى وان من الناس من لا يكون خاصا من الاسماء الا السماع
التلاوة من غير تحقيق ويعرفونها بالنسب والمراتب وقد كانوا من الجهلات واما الاعتقاد فيها فانما هو من دين العامة واما الحقيقة التي جعل عليها
اهل التحقيق كشف اسرارها في قوالب الاعمال فشهود انوارها في حقايق الكمال فصفت اسرارهم وعظم في الملكوت الاعلى مقامهم
وقد قال الله تبارك وتعالى ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها وذروا الذين يلحدون في اسمائه وقال صلى الله عليه وسلم ان اسماء الله
الحسنى هي حجب بين العبد وبين القلب ولها مقامات واطوار فينبغي للسالك ان يتحقق بحقايق الاسماء ويتخلق بها حتى تحصل له النتيجة
الكلية ولقد قيل في الحكم **ان الطرق** الى الله عدد انفاس الخلايق فهو من باب التحقيق وهو ان شاهدنا ان لكل ذرة من ذرات
العالم له اتصال باسم من اسماء الله تعالى وحقايقها لا يعلمها الا الله تعالى وان من دونها اطوار ومقامات ومعارج ودرجات ومراتب
واما اطوار السلف الصالح فما نالوا المقامات والمراتب الملكوتيات وعجايب الجبروت الا بتحقق التخلق والتحقق بالاسماء الحسنى حتى
ينقلب الاسم ويحصل له ترقي في المقام ويبقى في رتبة الاسم الاعظم ويستمد من لطايف العلم **فمن ذلك** ما حكي عن ابراهيم بن الادهم انه راى
رجلا في البادية فعلمه الاسم الاعظم فدعا به فراه الخضر وقال انما علمك اخي داود اسم الله الاعظم اشار بذلك ان الاسم الذي علمه هو الاسم
الذي يليق بمقامه وما وجد له الاسم بحقيقته ازاهه ... كشف الله له عن ذلك فراى الابدال والاقطاب وما خفي عن كثير من السالكين وكذا
ذلك الاسم في حقه الاسم الاعظم وكل اسم الله تعالى عظيم ولذلك لا يشهد لخصوصية الاسم [illegible] سببا لرؤية الاسم الذي علمه داود الاشارة واعلم
وان السالك اذا تحقق باي اسم من الاسماء واستمد من ذلك الاسم على مقامه وحقيقته كان ذلك هو الاسم الاعظم في حقه وكل اسم تجلى
على لسان الطالب فانه يجد الاسم والمكيف كان ذلك هو الاسم والسالك اذا كملوا الاسماء بتمامها وعادة لهم اسماء عظيمة ويبقى اسم الذات معهم
بحقيقة التعلق وكل من ان كانت الاعمال باخلاص ومقاصدها واجتهاد العاملين في انوارها موصلة لطهارة القلوب وصفاء الكمال
وبلوغ الاحوال لان السالكين على طريق يستقيم طرق الاسماء فعند ذلك يكشف لهم عوالم الملكوتية والملكوت الاجابة في اسرع وقت والحق
مرة ونظهر عليهم انوار الحكم لطائف العلوم وحقايق المعارف ولذلك الانال الاقدام فيه باسم من اسم الاعظم فافهم ذلك **فصل** اعلم ايها الاخ
وفقنا الله واياك لما نبين لك كيفية تلاوة اسماء الله الحسنى فانا جعلنا ها الخاطر وذكرنا شرحها على طريق الجلي بحسب النطق وشيئا
تصريف كل اسم بجزوه ماوول ما يبتدئ به كل الشروط التي يعطيها الاستاذ الى المريد من طريق الاسماء اعلم ان المريد اذا اقدم على شيخ دل
ما يتحقق بحفظ الاشياء التي يحتجن بها العقل وينظر كيف يعقل ذلك المريد ثم يامره بالرياضة عن لحوم الحيوانات ويجد من اصول الاسماء
والابيات باسم في كل يوم ودبر كل صلوة ان يستغفر الله **١٠٠** مرة ويصلي على النبي **١٠٠** مرة ودبر كل صلوة وبعد هذه الاربع اسماء وهم
I ٢١ I ككك لهو ٢ ٢ ا ك نسله في اول اسبوع دبر كل صلوة الى تمام الاسبوع ثم يشتغل بقراءتها وما تقتضي
من الحقايق فان دايم روحانيته في اعلى الملكوتيات فادخل عند قبة اسم وهو اسم الذات ويتم بقراءة الاسبوع الثاني وفي الاسبوع
الثالث تبتدي بما عطيه الخط الاول وان دايم تجد في السفليات والعلويات وجلسا كلها في مرام ان يزيد بها التلاوة اضعاف ثلاث
مرات ثم توجه الخط الاول وان دايم في قبر ثاني الربعه الخط الثاني وانظر بحجة الى ثلاث اسما ثم صعبة لله خلا الخلوة وذلك باب
الرياضات فقفنا فيه ذلك ولنذكر لك **صفة رياضة الاسماء** ودخول المريد في الخلوة وذلك الاسماء الله الحسنى من طريق الجلية **اعلم** ان
كل نفس كان الغالب عليها الانوار الالهية وشرايف الخصوصية فنسبتها من نسبة الاذكار الالهية الاذكار الالهية وان كان الغالب عليها الخلوة وكانت

بد حيسها اقا سيتي صرح كانت نسبتها في الاذكار وكذلك وان كانت محجبة بواسيه والاستعلاء فلها نسبتها في الاذكار كالذي
ذكرنا من راعاه لنفسه علما انهما اجمعا وانفيها معا في الارادة والرغبة والكراهة **وان** الرياضة والمجاهدة لا تغلب النفوس
على احوالها الالهية ومناهجها المعين وانما تاثير الرياضة والمجاهدة في ان تضعف تلك الاخلاق ولا تستولي على الانسان فاما
ينقلب من صفة الى صفة اخرى فكذلك المحال والى الاشارة بقوله صلى الله عليه وسلم الارواح اجناد مجندة وبقوله صلى الله عليه وسلم
الناس معادن كمعادن الذهب والفضة فتقول الجنسية علة الضم وكل اسم من اسماء الله تعالى يدل على معنى من المعاني فكل نفس يكون
الغالب عليها ذلك المعنى كانت تلك النفس شديدة المناسبة الى ذلك الاسم لينتفع بالطبع بها **ولقد** روينا عن ابي نجيب السهروردي قدس الله
كان يامر المريدين ان يجلسوا بين يديه واحدا بعد واحد في اول حالهم ويقرأ عليه الاسماء الحسنى الى ان يرى تغير حاله عند اسم منها وكان
ينظر الى بعضهم فان راى عنده عدم التاثير عند قراءته عليه فيقول له اخرج الى السوق واشتغل بحاجات الدنيا فانك ما خرجت لهذا الطريق
وان راه متاثرا عند التلاوة وعند سماع اسماء الحسنى فانه يعطيه الاورادها من اصول الاسماء ومن المشايخ من يعطي الاسم المريد وينظر حسب
الترقي ودرجه بالاسماء وكل الاذكار في المواظبة كلما حصل له ذلك وانما كانت النفوس مختلفة كان لكل اسم مناسب اللطائف التي امرها ان استعملت
النفوس بتلك الحالة التي يناسبها كان خروجها من القوة سهلا كما نرى في الكتابة اذا كان معلم معلومه فقد تكون الكتابة من علومه ولكنك
ان علم الكتابة دالة على الالفاظ ولا شك ان الالفاظ دالة على الصور الذهنية فتلك الحروف الذهنية تكون دالة على معنى آخر والتي لا يعد
كان عزة كل الله لا يحصر فيها الا التركيب فيبقى ان الاسماء الحسنى اسماء دالة على الله وصفاته والمدح لذا ترى ان الاسماء هي المفاتيح اي مفاتيح
الرزق وان الاذكار لا بد من ضبطها وانما كالمفتاح ان زاد المفتاح سنا فانه لا يفتح وان انقص المفتاح سنا لا يفتح وكذلك الاذكار
في التلاوة يكون اسراف وان نقصت يكون اخرا فيبقى كل زيادة ولا نقصان وحد التلاوة في الاسماء على عددها بضرب التسبيع
كلها وشيئا التفصيل في خواص الاسماء معززة **واعلم** ان الاختلاف الحاصل في اختلاف الغرض من الاسماء دون ذلك يحصى ما ذكر
فيما تقدم بعض شيء من تفصيل في الشكل معنى الكثرة البسط ومذهب العلماء المحققين من اهل الاسرار واهل الانوار ان كل اسم يظهر
من علم التكسير فانه اسم من اسماء الله تعالى بلغة من اللغات ويرجع الطالب الاعتقاد فيه ذلك الا ان التلاوة للاسماء والعلوية بالقرآن العزيز
ووجب انما تكون سريعة الاجابة وابلغ في التاثيرات وهذا معنى لطيف **اعلم** انه لما كانت نفوس العبادة متفاوتة فالذاكر واهل الاذكار
المعلومة ان حلوا في التاثير وقربت بالتجليات الواقعة من اشارة ذلك العدد وهم من لا يصلح لذلك ويبقى سلوك الاسم من غير اعيانه
بتابعيهم والاعتناء به فعند ذلك لا يحصل لهم لفظة تجليات العلماء ومنهم من تنفعهم هذه الرياضات وهذه الخلوات
لترقيق نفوس المريدين والكسالة جعلوا لهم ابرار الحقايق على كيفية حصل لهم شرف في التجليات ويبقى الى الاستاذ ان يرى استعداد
المريد ويرى قابليته واستعداده ثم يعطيه انماط الاسماء ويحب على الاستاذ ان اقبل عليه احدا ان ينظر بعين كشفه الى حقيقة المريد وان
ليتخيره الله ثم انه اول ما يبتدئ من طريق اصول الاسماء ان يعطيه الاوراد وكيفية الاوراد الى المريد بمعنى على سبعة اقسام وكل قسم يخرج
منه الى الاجابة لما قال الله تعالى المريد في اول خلوته الاوراد وامره ان يقرأ **I ٢ I ٨ ٤ ٤ ٤ ٢ ٤ ٤ سم عسم ٢ ٣**
ك ٢ ٤ ع ٢ ٤ ع و ح سا I I ٢ ح مع كل اسما على تطهيره عدد تاريعين يوما وهو اسبابه ثم يامره ان يصلي
تلك الاسماء المتقدمة ثم الذي يعطاء بعد من الاسماء ثم يامره بتلاوة ذلك العدد ان يدخل الخلوة اربع ثلاثة ايام ثم في الخلوة حتى تنسى
خلوة سبعة ايام ورابع خلوة على اربع عشر يوما واحد وعشرين الى اربعين اسبوعا الى تمام الطبقات ثم المتقدم في كل اسبوع حظا من الاسماء
والقسم الثاني لتطهير التلاوة من الاسم على جهة البركة فيحب الرزق فان اردت باسم مخصوص فان اردت الذي من كتاب الله **والقسم الثالث**
لتطهير الاسماء على خواص المواقع عند الملوك **والقسم الرابع** لتطهير الاسماء الى الشروط التصريف في عطف القلوب معها **والقسم الخامس**
الى التحقيق والتقلبات للاسماء **والقسم السادس** لتطهير الاسماء على البركة والانقطاع الى الله **والقسم السابع** لتطهير الاسم الى الاستخدام
وتعليق على الجدال الاسم من الروحانية وتبقي انت حكم في التصريف لان الحكيم الذي يضع الاشياء في محلها ومواضعها ثابتة ذلك الامر بالمدد ففيه

اللائق به من اصول الاسماء وان شروط هذه الخلوات ان يعتمد المريد الى بيت نظافة ثم يعتمد الى الخلوة منفردة عن العالم وان تكون في
ايام الصيف وضيقة في ايام الشتاء ثم انه يفرش له حجارة في مصلاه ولا يبقى عنده شيء من الكتب ويعتمد على التلاوة التي ذكرناها ثم
انه يحتجب بالصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم ويبتدى بالاذكار والمواظبة له من الاسماء ومن الايات ومن بعد ذلك ينظر ما يرد عليه
الوقائع التي تعرض له في النوم واليقظة قال السلف الصالح رحمهم الله لم يرتقوا الى حقائق الملكوت وعجائب الجبروت الا بالتحقق بالاسماء
والتحقق بها هو معنى الحديث تخلقوا باخلاق الله اي بالاسماء حتى ينقلب في الكلام في خصم الاسم الاعظم لو اقسم به الطائر في الهواء والماشي
على الماء العقل ومنهج السادة مثل بشر الحافي والجنيد البغدادي والسلف الصالح ما نالوا المقامات الا من طريق الاسماء والصفاء
فيهذه الخلوات الاشياء اللطيفة للطبع وان يجتنب اكل الحيوانات وما خرج منها والبكم ويكون غذاؤه الخبز مع الزبيب او التمر
فاعلم ذلك **تنبيه** اعلم ايها السالك ان التعريج الى التجريد قوي عزمك وقوى يجتذب اليها ما تنشر ومالت اليه وان في نفس
الانسان قوتان قوة قهر وغلبة وقوة شوق ومحبة واصل هاتين القوتين هو ان الجواهر العالية المفارقة للمواد التي هي مبادي الموجودات
واصل المكونات يعني الدراري السبع مع افلاكها لكل واحد منها حالتين حالة بالنسبة الى ما فوقه وحالة بالنسبة الى ما تحته فالحالة
النسبة الاولى هي نسبة الشوق والمحبة والعشق لاجل ما اشرق على السفليات من الانوار العالية فهذا هو نسبة الى ما هو مقبل عليه مشتاق
اليه واما النسبة الى ما تحته هي القهر والغلبة والاستيلاء لان ما تحته مفتقر الى ما يستمد فيرى عليه انما يفيض عليه من فيضانه
لمعاني هاتين الحالتين في جميع الموجودات علويها وسفليها وانتظم العالم الى قوتين مزدوجين فلا يوجد شيء من الاشياء الا وله ضد
وله مقابل كما قيل كل جسم له صورة في عالم الغيب ظهر في عالم الشهادة ومن المقابلات كالخير والشر والحق والباطل والنور والظلمة والكفر
والشفاء والليل والنهار وجميع الاشياء واذا اعتبرتها وجدت بها مزدوجة جزئيها ومحسوسها ومعقولها وان خفي عليك في النظر جزؤها
من الاشياء الموجودة في العالم وعدم الاطلاع على بواطن الاشياء واما الموجودات جميعها لا تخلو من اقتران الازواج وهو معنى قوله
تعالى ومن كل شيء خلقنا زوجين حتى نفس الانسان منفعلة من الزوجين وهو الغضب والشهوة وهما تحققهما في باطن القهر والمحبة
وتسمى في اصطلاح القوم سر الجلال وسر الجمال فاذا قصد العارف بتجريد احدى القوتين استغرق بنفسه المعنى المناسب لتلك القوة من تعزز
واخذ في تلاوة الاذكار التي تنتهي بذلك المعنى من الاسماء وتقوى به وتغلب عوالمها على قدر رشاكلة ذلك السر ويستعمل عند ذلك
وهو بالخلوة والانقطاع الى الله وكان الذي الى الله حتى يرى استعداده والتقى الى ذلك السر الذي هو في طلبه وتعلقت اثاره حتى يرى
الاشياء كما هي وهذا السر للعبيد بالحال الاكمل وحقيقة ذلك ان المريد يجد في نفسه قوة عظيمة بحسب المعنى فان كانت من حيث القهر
وجد قوة في نفسه الى عدوه بالتسلط عليه والقهر الى خلافه بحيث لو طلع في تلك الوقت الاسود ما استهابها وقهرها وان
كانت قوته الى الشوق والمحبة وجد عنده قوة الجلب والجذب اليه والاتصال به ويتمكن هاتين القوتين من عوالمها ويحق
اسمهما ويوصلون على الضرب بها في عالم الكون ما يشاؤن فاذا اعكست هذه الحالة من نفس العارف كما بيناه من قوى
النفس في النفس في خلال ذلك متعظمة على عالمها فاعلم ما يرد عليها من تقاسيمه فعند ذلك يجب للسالك ان يتجرد
ويخلع عن الوصلة الكثيفة بلطيفة كالرياضة فعند ذلك يجد في نفسه استغراق بروحه في الامر المتوجه اليه ويرد عليه من
الموارد العالية والانوار الالهية بحسب استعداد النفس وان كانت المحبة في شوقه تدحما الى العالم العلوي وقل التفاتها الى
ما دونه من القوى الجسمانية على ذلك بالدعوات على تركه نفسه والنفس في خلال ذلك تشرف على عالمها مترقية لما يرد عليها من عالم
نفسه فاذا تجردت النفس عن عالم الجسم بعض تجريد وسلخ تحاوض الها الرقي في العالم العلوي حتى وتبد عليها من الانوار العالية ما لا
مثل برق الخاطف ويطوى عنه بتمكين النفس وان كانت لمكين المحبة صرفت شوقها وقوة جذبها وتخلق بقوله جذبة من جذبات
الحق تعادل عبادة الثقلين وفي الحال تحصل له القوة الكشفية بما في الواردات التي ترد على الشخص في الاوقات المعلومة ولا
بنا الاعتماد على هذه الحالات التي يسلكها المعتمد عليها في توجهه حتى تصير مستقرة عنده لا تفارقه ويعمل بهذا المقام عقلا لا يستغفله

ويكشف له عن الاجسام النورانية ويرى عوالم الاشباح ويتحقق بخلق اوفى مرتبة الولاية انه يكشف له من الفرش الى العرش وهذا اشرف المقام وانت بالجملة
الكامل تامل هذا المقام والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل** اعلم ايها الطالب ان هذه الاسماء الحسنى قد رتبناها على سبع اقسام وكل خط
منها يجب ما يليق به من العدد وذلك على ترتيب ايام الاسبوع وذكر لكل يوم وما يختص من الاذكار وساعاته لان الامم الماضية مثل امة
موسى وامة عيسى افترضت عليهم العبادات على توالي الساعات وكل امة افترضت عليهم عبادات واول ما افترضت علينا خمسين
صلوة وهذه الخمس صلوات فيها مقام الخمسين من الاجور والذكر للسالك الاذكار في الساعات الليلية والنهارية وكل ساعة لها ذكر يناسبها في
ربع الخلوة مع ما يختص من ذلك الخط من الاسماء الحسنى وقال ذكره على طريق الجملة فاعلم ذلك فنقول اما الخط **الاول وهو مخصوص
باليوم الاحد** اقول وبالله التوفيق اذا اردت التخلق بهذا الخط الاول المخصوص بيوم الاحد فانه يخدمه عوالم الشمس جميعها
فاذا اعتمد الى الخلوة وابتدى بتلاوة الرياضة والخلوة كما ذكرنا ثم نعتمد على تلاوة اوائل السور المذكورة وتتلو الاذكار القائم بتلك
ساعة بعينها وانت تصلي بين كل ساعة وساعة ركعتين وتتلو الاسماء ثم تذكر الاذكار القائم بتلك الساعة وان لكل يوم من الايام له
طالع ويكون ذلك الطالع هي الساعة المتولي عليها ذلك الكوكب وتلك الساعة تحكم في اول النهار وتاخر من ساعة منه ثم تعقد من الثانية
الى تمام الاثني عشر وان اثني عشر يكون اول ساعة من الليل فصورة المسئلة مثلا تقول ان يوم الاحد اول ساعة منه للشمس ٢ ساعة
للزهرة ٣ ساعة للعطارد ٤ ساعة للقمر ٥ ساعة لزحل ٦ ساعة للمشترى ٧ ساعة للمريخ ٨ ساعة للشمس ٩ للزهرة ١٠ للعطارد
١١ للقمر ١٢ لزحل ١٣ للمشترى وتعدد ساعات الليل هكذا وتمام الدور في سائر الايام فتحتاج ان تذكر لكل خط من الاسماء وساعة من ذلك
اليوم وما له من الكواكب **الخط الاول** المخصوص بيوم الاحد وذلك اذا دخلت الى الخلوة الكبرى او الى الخلوة الاولى وكان
اول يوم الاحد تتلو هذه العشرة اسماء على خط واحد وهم **الله اله رب خالق بارئ مصور مبدع معيد محيي مميت**
وفيه اشارة فان كنت من اهل البدايات فاتلو الاسماء واما اهل الوسط كلام التعريف ادنيا السنة واما ارباب النهايات كيف ارادوا ويتلوا
الخط وهذا الخط عشرة اسماء فيه ثلاثة اسماء من اذكار الاكابر وهم **الله اله الرب** ومنهم ثلاثة من اذكار الاكابر من السالكين
وهم **الرب الملك المعيد** والاربعة الاخر من اذكار اولياء الله العارفين وهم **الملك المعيد المحيي المميت** وان هذا الخط فيه
خواص ان يكون هذا الخط ذكر الذاكرين لاحوالهم ويشتغلوا من كل واحد منهم على وجه التفصيل ونقول ان هذا الخط له اعمال عظيمة
واسرار كثيرة ولا تدخل تحت حصر الشاهد في ذلك قوله تعالى قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا
وكلمات الله هي اسماء الله الحسنى وقد ذكر السلف من الاولياء واهل الحق ان الاسم الاعظم هو اسم الجلالة وقد اتوا في ذلك الخط الحق
وقالوا ان من ذكر هذه الاسماء الشريفة في يوم الجمعة من طلوع الشمس الى بعد الصلوة ثم يدعو بما شاء استجيب له وان كتب مربع عشرة في
عشرة وكتب فيه هذه الاسماء ويعلق على من شاء الا يجوده نفع وان كتب في يوم الاحد على لوح من رصاص وحمله فانه لا يجوده **ولقد** اخبرني
رجل من البخاريين ان عنده غلام وهو مريض وله اربعة وثلثون سنة مريض فامرته ان يعكف وان يتلو هذا الخط وان يكتب هذا الخط على
خرقة بماء الكرنب وان يحرق الخرقة ويضعها في طرف الانف وان يمحو اللوح وان يكتب شيء اخرى بالماء ويطعمها الافراح ويسقيهما الدواء شيئا
على وجه غلامه ففعل جميع ما امرته به فعوفي الله تبارك وتعالى عليه وطاب الغلام من عارضه بعد اربعة وثلثين سنة **ومن** خواص هذا
المربع اذا كتب على لوح من حديد في الوقت الاول به امن الطالع السعيد وحمله انسان من اصحاب الملوك فانه حافظ يكون مسموع الكلمة
عزيز النفس وصاحب جاه عند جميع الاكابر **فان** كتب هذا المربع الشريف وحمله الطبع الضعيف في نفسه عافاه الله تبارك
وتعالى **ومن كتب** هذا المربع في يوم الاحد وذلك على رق غزال وقد ورد عنوان
وتلا الاسماء سبعة ايام وحمله على الامراة التي لم تحبل فانها تحمل باذن الله تعالى

وهذه صفة المربع عشرة في مثلها

وهذه صفة الذكر القائم بتقول

بسم الله الرحمن
الرحيم رب اغنني بجود من نورك
وهيبة من هيبتك حتى اخرج منها
وفي وجهي شعاعات نور رايته
الاسود بها على ابناء جنسي واكسني
هيبة ووقار من هيبتك حتى
تخطف ابصار الحاسدين من الجن
والانس اجمعين فتفيهم عني
سهام الحسد وتقتل النفث بها
عليه واحجبني عنهم بحجاب النور
الذي بالحمد النور ظاهر النور
واسئلك يا الله يا الله يا بهي يا خافي
يا باقي يا مصور يا مبدئ يا معيد

الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله
٣٤	١٠	٣٠	٧٧	٥٥	٩١	٧١	١٢٠	٢٩	الله
٤٠	٢٥	٩٨	١٥	٤٧	٤٥	٣٢	٦٥	٣٩	الله
١١٩	١٥	١٦	٦١	٧١	١١٦	٧٩	٥١	١٠٨	الله
٤١	٩٤	٩٠	٩٦	٣٥	٤٢	١٠١	٢٨	٣٩	الله
٩٧	٦٨	٣٢	٩٩	٥٤	٦٤	٥٠	٧٨	٦١	الله
٧٧	٧٦	٨٠	٧٣	٥٩	٥٦	٥٦	٦٠	٨١	الله
٧٤	٨٤	٧٠	٣٧	٩٩	٦٢	٤٨	٥٨	٥٦	الله
٢٨	٧٢	٣١	١	٢	٣	٤	٥	٦	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله	الله

يا محي يا مميت يا نور اسئلك باسمك النوراني تمدني بحقيقة من رقائقك لاسود بها على ابناء جنسي وحققني بخلق اهل التوحيد واكشف عني
الحجب الظلمانية لاشرق بشمس الحقائق الملكوتيات واسئلك تجيبني من المقامات المتزحزحة مني من وجوهها واعرض من السلب والانوار محمد
بالاسرار وصور الكل بنور ذلك يا نور النور سبحانك الا اثرت الانوار يا نور النور هذا الذكر من واظب على تلاوته فان الله يطلق الغضب
نفسه وتعد من عوالم النور المحجبة في تحت طاعة ملك النور ومن كل خصه جوهرة من الاعراض البشرية فتدق رسم حس والتاويق فيه
الساعة المخصوصة في ساعة الشمس الاولى والثانية منه وفي التلاوة ٢٠٨ فان اراد لحلق الهيبة والوقار بين جميع الخلق والبشر
وتشرق عليك انوار الهيبة ويكون اهل العالم العلوي نافذ الحج لا مجال وان اجتهدت في التلاوة تكشف الامر السيد رحمه الله
واذا انوت سورة الفاتحة وهذا اللفظ في يوم الاحد استنزلت الارواح الوكت حافظين تنبيه اعلم ان اسماء الله الاعظم من حيث الجملة
هو اسم الله الاعظم باجتماع جمهور العلماء المتقدمين والمتاخرين ومن تلاه في يوم الاحد عند طلوع الشمس بعد تلاوة الذكر حتى يغلب عليه
حال من الاحوال راى من الكرامات ما لا يدخل تحت حصر ولم ينظر الا اهل العلويات بجهيم وهذه الرتبة الى الاكابر من اهل الطريق ومن
كتب بحجارة سقاب ومداد وحد ماء السذاب على حجر منصات احرقه او نقطه في خرزة فانه يحرق ولا يعود ابدا ولقد امرت
الى رجل من اهل مصر من اهل الاندلس يفعل ففعل فعافاه الله تعالى ومن رسم في مثلث على خاتم من ذهب في يوم الاحد وكتب حوله باسم اسم
الشريف فان الله تعالى يرفع قدره بين المخلوقات ويكون مقبولا بين جميع الاكابر عموما وعند الملوك خاصة واذا كتب الاسم الشريف على عدد حسابه

١٩	٢٦	٢١
٢٤	٢٢	ودود ٢٠
٢٣	حي ١٨	٢٥

في اناء وكتب هذا المثلث الشريف كان شفاء لجميع الاسقام وهذه صفة المثلث وهذا
يقوي القلوب والاجسام اذا ... الشخص ... فاعلم ذلك تنبيه واما اسم الله
الرب الحي الخالق فهم اسماء جليلات القدر ينفع ... الى ضعفاء القلوب والى شفاء الاسقام واذا
كان ... ويكون لكثرة الامراض من يكتب هذه الاسماء على لوح من فضة او ذهب
الذهب ... ويكتب ايضا ... وكتب هذه الاسماء الاثنى
ويكتب هذه المربع الاثنى عشر ... وايضا هذا المربع في خواصه ... يكتب في يوم

الاحد على الذهب المحلول الى البنات التزيلم ... نافع وايضا من كتب ... ويكون بها مقبولا سلطان ... وهيبة ومقبول عند جميع من يراه

ا	ل	س	ه	ر	ب	ح	ى	خ	ا	ل	ق
ق	ا	ل	س	ه	ر	ب	ح	ى	خ	ا	ل
ل	ق	ا	ل	س	ه	ر	ب	ح	ى	خ	ا
ا	ل	ق	ا	ل	س	ه	ر	ب	ح	ى	خ
خ	ا	ل	ق	ا	ل	س	ه	ر	ب	ح	ى
ى	خ	ا	ل	ق	ا	ل	س	ه	ر	ب	ح
ح	ى	خ	ا	ل	ق	ا	ل	س	ه	ر	ب
ب	ح	ى	خ	ا	ل	ق	ا	ل	س	ه	ر
ر	ب	ح	ى	خ	ا	ل	ق	ا	ل	س	ه
ه	ر	ب	ح	ى	خ	ا	ل	ق	ا	ل	س
س	ه	ر	ب	ح	ى	خ	ا	ل	ق	ا	ل
ل	س	ه	ر	ب	ح	ى	خ	ا	ل	ق	ا

فاعلم هذا وهذا الوضع واما اسمه
الملك المجيد العلي المحب فهو لاسمائه
عظيم من حيث الجلالة من ذكرهم كان
سلطون فانه وان الله تبارك اسمه
ووداده واعلم ومن بسط هذه الاسماء
الشريفة على طريق البسط ويربط
... اسم الذكر وفاء وقد تكرر
المراة لا تمسك وتسقط الاولاد
فحملها ذلك المربع الذي توضع
تحمل ان شاء الله تعالى وتتلو عليهم الاسماء
سبعة ايام فاعلم ذلك فصل واذا
اردت التلاوة وكتب في الملوح و
كان يوم الاثنين ... ذكر اللفظ

الثاني وهو مخصوص بعوالم القمر وهذا اليوم من الساعات وهي الاولى وهي ساعة القمر وتحكم في الاولى والثانية على ما بيناه من تفصيل
الاحد فاذا اتت ساعة القمر فيسبح بهذه النمط وسكوا الذكر القائم بها وهذا هو النمط الثاني الاحد الواحد الصمد المتعالي البصير
السميع القادر المقتدر القوي القائم وهذا النمط عشرة اسماء وهو ذكر السالكين المتعلقين باسرار التوحيد وذكرهم الواحد الاحد
والصمد ذكر للمستعين على الجوع والمتعالي ذكر لمن يريد دفع الخواطر النفسانية واسم البصير والسميع ذكر لمن يلح في الدعاء ويجب
الاسماء لمن يكون ضعيفا ... وهذه الاسماء من طريق الاعمال لخواص عجيبة واسرار غريبة وذلك اذا كتب هذه الاسماء في مربع عشرة في عشرة

وكتب الذكر القائم بها وذلك
اناء واسقيه الى الممسوح فانه
يبرا من وقته واذا كتب هذه الاسماء
بالمداد وعلق على مولود او من
اردت فان ذلك التحصين لا يقربه
جن ولا عقرب واذا كتب هذه
المربع في لوح من النحاس في يوم
في الساعة المذكورة وتلا الذكر
القائم ثم التلا الاسماء ٣٠٠ مرة
فدفن ذلك اللوح في مكان فان
الخير لا يقرب الى ذلك المكان
فاعلم ذلك واذا اشتغل في الخلوة

الاحد	الواحد	الصمد	المتعالي	البصير	السميع	القادر	المقتدر	القوي	القائم
القائم	الاحد	الواحد	الصمد	المتعالي	البصير	السميع	القادر	المقتدر	القوي
القوي	القائم	الاحد	الواحد	الصمد	المتعالي	البصير	السميع	القادر	المقتدر
المقتدر	القوي	القائم	الاحد	الواحد	الصمد	المتعالي	البصير	السميع	القادر
القادر	المقتدر	القوي	القائم	الاحد	الواحد	الصمد	المتعالي	البصير	السميع
السميع	القادر	المقتدر	القوي	القائم	الاحد	الواحد	الصمد	المتعالي	البصير
البصير	السميع	القادر	المقتدر	القوي	القائم	الاحد	الواحد	الصمد	المتعالي
المتعالي	البصير	السميع	القادر	المقتدر	القوي	القائم	الاحد	الواحد	الصمد
الصمد	المتعالي	البصير	السميع	القادر	المقتدر	القوي	القائم	الاحد	الواحد
الواحد	الصمد	المتعالي	البصير	السميع	القادر	المقتدر	القوي	القائم	الاحد

ينبغي ان تتلو هذه الاسماء العشرة في هذا اليوم ثم الذكر القائم بها في الساعة فان جميع اعمالك تنجح ان شاء الله تعالى وهو من اللطائف في اليوم

والقطر من عوالم اصحاب المشتري حتى لا يدخل تحت حصرها وتقوى من الروحانية ما لا يتصور وهذا الذكر القائم بيوم الاثنين في
اول ساعة المشتري تقول بسم الله الرحمن الرحيم رب صفني بصفائك كمن صفيته من النفوس حتى يتجلى في مرآة
قلبي ويستوي نفسي بكل اسم الطبع في قوة جبرائيل فتقويه على ما كشف في اللوح المحفوظ من اسرار اسمائك وجامع رسالتك [illegible]
اسعد [illegible] ومدني [illegible] ان هيئ لي ومدني بتجلي اسمائك الجامع بحق [illegible] في رقيقة الاسم الجبرائيلي العلم
العلم [illegible] ذا الكرم يا من علم بالقلم [illegible] القلم اسعدني باللوح الالهي والمحتجب الفهم الرباني وامدني بنور [illegible] بحقيقة الاسم
الذي [illegible] بالرقيقة العظمى منه حتى [illegible] عند [illegible] في وجودي من كل [illegible] الاعيان وامدني باسمك الواحد الاحد الصمد المتعالي
السميع القادر المقتدر القوي القائم بامر الله [illegible] جبرائيل [illegible] العليم العلام الغيوب وعالم الخفيات و
[illegible] بهذا الذكر في كل ساعة تكون مخصوصة للمشتري ومن تلاه في اي ساعة كان ٣٥ مرة [illegible] ومن خواص هذا
الذكر الى معرفة الغائب او السرقة او الكنز [illegible] وكيفية العمل [illegible] ان يبتدئ في يوم الاثنين ويتلو هذا الذكر
المذكور ثم [illegible] تعالى وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو الآية ثم تتلو قوله قل اللهم مالك الملك وتتلو اسم العليم علام الغيوب
[illegible] على طهارة كاملة ثم تتلو الذكر والآيات [illegible] من الامور المغيبة وان هذا الامر يعرفه اهل الكشف من
[illegible] الا الله [illegible] ان كل اسم وقع له [illegible] الاجابة بخواص الاعظم [illegible]
ومن داوم على تلاوة هذا [illegible] الذكر القائم به وكتب مربع هذه الاسماء فان الله يفتح عليه من العلوم الخفية [illegible]
ويفتح عليه ابواب الرزق فاعلم ذلك **تنبيه** اعلم وفقك الله تعالى وايانا انا ذكرنا هنا على طريق الاجمال **ان** اسم الواحد الاحد الصمد
القادر في مربع [illegible] على طريق [illegible] وكتب [illegible] الاسماء [illegible]

وهذه صورة الوضع

الاحد	الواحد	الصمد	القادر
القادر	الاحد	الواحد	الصمد
الصمد	القادر	الاحد	الواحد
الواحد	الصمد	القادر	الاحد

فانه لا يعود اليه [illegible] الذكر القائم [illegible] في يوم الاثنين **ومن** كتب اسم
القادر المقتدر في مربع عشرة في عشرة على طريق التكسير في رق طاهر [illegible]
[illegible] **وان** كتب
[illegible]
[illegible] **واذا** اكتب على طريق التكسير [illegible]
فانه يكون ذلك **وهذه صفة المربع الكبرى**

ق	ا	د	ر	م	ق	ت	د	ر	يا
يا	ق	ا	د	ر	م	ق	ت	د	ر
ر	يا	ق	ا	د	ر	م	ق	ت	د
د	ر	يا	ق	ا	د	ر	م	ق	ت
ت	د	ر	يا	ق	ا	د	ر	م	ق
ق	ت	د	ر	يا	ق	ا	د	ر	م
م	ق	ت	د	ر	يا	ق	ا	د	ر
ر	م	ق	ت	د	ر	يا	ق	ا	د
د	ر	م	ق	ت	د	ر	يا	ق	ا
ا	د	ر	م	ق	ت	د	ر	يا	ق

فصل والنمط الثالث وهو يوم الثلث واذا كتب
في الخلوة الكبرى [illegible]
اليوم هذا النمط وتتلو فيه هذا الذكر القائم به في
ذكر ساعة المريخ لان يوم الثلث [illegible]
ساعة [illegible]
القائم به [illegible] وهذه صفة النمط الثالث
من الاسماء وهي **يا حي يا قيوم يا رحمن يا رحيم**
يا ملك يا قدوس يا علي يا عظيم يا كبير يا متعال
وهذا النمط من الاسماء المخزونة المكنونة التي
فيها الاسم الاعظم وهي من اذكار اهل المراقبة
من اهل الله تعالى [illegible] من طلوع الفجر الصادق الى طلوع الشمس [illegible]

عند اهل العالم العلوي ويباركك في رزقه واما اسمه تعالى **الرحمن الرحيم** من اكثر ذكرهما رزقه الله البركة ومن كتب هذه الاسماء
في مربع عشرة في عشرة وحمله معه كان مهابا
مقبولا عند جميع الخلق والبشر **وهذا المربع**
اذا كتب في شرف المريخ على [illegible]
[illegible] عليه الذكر القائم به وحمله السلطان
او الامير او من كان من ارباب المناصب كان
مهابا [illegible] عند جميع المخلوقات **و**
ان اتخذ هذا النمط ذكرا [illegible] في
هذا اليوم اعني يوم الثلث كان له الهيبة
عند ارباب الصلاح **وان** رسم هذا المربع
المبارك في لوح من الفضة وحمله كان
محفوظا **واذا** اكتب الى المصابيح كان

يا حي	يا قيوم	يا رحمن	يا رحيم	يا ملك	يا قدوس	يا علي	يا عظيم	يا كبير	يا متعال
يا متعال	يا حي	يا قيوم	يا رحمن	يا رحيم	يا ملك	يا قدوس	يا علي	يا عظيم	يا كبير
يا كبير	يا متعال	يا حي	يا قيوم	يا رحمن	يا رحيم	يا ملك	يا قدوس	يا علي	يا عظيم
يا عظيم	يا كبير	يا متعال	يا حي	يا قيوم	يا رحمن	يا رحيم	يا ملك	يا قدوس	يا علي
يا علي	يا عظيم	يا كبير	يا متعال	يا حي	يا قيوم	يا رحمن	يا رحيم	يا ملك	يا قدوس
يا قدوس	يا علي	يا عظيم	يا كبير	يا متعال	يا حي	يا قيوم	يا رحمن	يا رحيم	يا ملك
يا ملك	يا قدوس	يا علي	يا عظيم	يا كبير	يا متعال	يا حي	يا قيوم	يا رحمن	يا رحيم
يا رحيم	يا ملك	يا قدوس	يا علي	يا عظيم	يا كبير	يا متعال	يا حي	يا قيوم	يا رحمن
يا رحمن	يا رحيم	يا ملك	يا قدوس	يا علي	يا عظيم	يا كبير	يا متعال	يا حي	يا قيوم

وقيوم يا رحمن يا رحيم يا ملك يا قدوس يا علي يا عظيم يا كبير يا متعال يا حي
عجبا عظيما وصاحب هذه الخلوة ينال الاسرار العجيبة [illegible] هذا الذكر مع النمط واستدعى [illegible] المريخ [illegible] هذا الذكر مع
من الانوار كان له [illegible] عظيما فاعرف [illegible] **واما** الذكر القائم بالساعة الاولى من يوم الثلث ويكون هذا الذكر والنمط من
الاسماء مخصوص لكل ساعة من ساعات المريخ **تقول** بسم الله الرحمن الرحيم رب [illegible] موقف العزة [illegible]
[illegible]
[illegible] والعزة [illegible] يا حي يا قيوم يا رحمن يا رحيم يا ملك يا قدوس يا علي يا عظيم يا كبير يا متعال
يا [illegible] **ومن عمل** بهذا الذكر في هذه الساعة [illegible] ١٦ مرة بعد صلوة [illegible]
وهذا الذكر مخصوص بالسلاطين ومقدمي الجيوش وصاحب هذا الذكر يكون من اهل الكشف [illegible] الاسماء والذكر في الساعة
المذكورة على [illegible] **فصل** النمط الرابع وهو عشرة اسماء [illegible] الكبرى كان اليوم يوم الاربعاء

فتتلو الذكر القائم بالساعة الاولى ومن كان
[illegible] وهذه الاسماء [illegible] **المهيمن**
المقيت العزيز الجبار المتكبر الحفيظ الحافظ
القاهر ذو الجلال والاكرام [illegible]
من اذكار الاولياء [illegible] المهيمن المقيت [illegible]
[illegible]
فان الله [illegible] **واذا** كتب هذا
النمط [illegible] على طريق التكسير [illegible]
وكتب الاسماء في مربع عشرة في عشرة على [illegible]
[illegible]
عليه الحفظ وهذا الذكر [illegible]

المهيمن	المقيت	العزيز	الجبار	المتكبر	الحفيظ	الحافظ	القاهر	ذو الجلال	والاكرام
والاكرام	المهيمن	المقيت	العزيز	الجبار	المتكبر	الحفيظ	الحافظ	القاهر	ذو الجلال
ذو الجلال	والاكرام	المهيمن	المقيت	العزيز	الجبار	المتكبر	الحفيظ	الحافظ	القاهر
القاهر	ذو الجلال	والاكرام	المهيمن	المقيت	العزيز	الجبار	المتكبر	الحفيظ	الحافظ
الحافظ	القاهر	ذو الجلال	والاكرام	المهيمن	المقيت	العزيز	الجبار	المتكبر	الحفيظ
الحفيظ	الحافظ	القاهر	ذو الجلال	والاكرام	المهيمن	المقيت	العزيز	الجبار	المتكبر
المتكبر	الحفيظ	الحافظ	القاهر	ذو الجلال	والاكرام	المهيمن	المقيت	العزيز	الجبار
الجبار	المتكبر	الحفيظ	الحافظ	القاهر	ذو الجلال	والاكرام	المهيمن	المقيت	العزيز
العزيز	الجبار	المتكبر	الحفيظ	الحافظ	القاهر	ذو الجلال	والاكرام	المهيمن	المقيت
المقيت	العزيز	الجبار	المتكبر	الحفيظ	الحافظ	القاهر	ذو الجلال	والاكرام	المهيمن

١٥٠

وذلك في طلب المناصب من الملوك وان واطلب التخصيص منهم على تلاوة ذلك رفع الله قدره عندهم وعند رفقة الجنة وان حامل هذا المربع المعظم
كلل ولا نصب ولا خوف اذا اكتب على الزئبق المعقود المسمى بحجر صيني فان حاملها لا يبقى جائعا وان كان ملكا نفذت كلمته في رعيته وان علق
او على رق وعلق على المولود حفظه الله من شر التوابع وكذلك المرأة لا تحبل وتسقط فانها لا تعود فقط **تنبيه** اعلم ايها الطالب
واما اسمائها ذو الجلال والاكرام هذان الاسمان على طريق الاجمال هما اسمان جليلان القدر من اعظم الاسماء وهو مربع ثلثة عشر في
مثله الفقت على ان هذا المربع الشريف الجليل القدر الموضوع فيه هذه الاسماء ان له اربعة وعشرون تصريفا على عدد ساعات الليل
والنهار وهو سر عجيب لمن صنعه فمن هذا الحال القول **التصريف الاول** اذا كتب في ساعة من يوم الاربعاء على لوح من رصاص وتلى عليه اللفظ الذكر
١٠٠ مرة ودفنت ذلك اللوح في تحت جدار بيت او مكان فانه يهدم **التصريف الثاني** من كتبه في ساعة الثانية على لوح من حديد ووضع في
فقاه حوت كبير ودهنا صغيرا ان يبقيها الكبير وتعلق الاسماء ودعت اسلكم بها الروحانية الموكلين بهذه الاسماء الا ما جمعتم جميع الاسماك الا هذا
المكان فان الاسماك تجتمع الى عند اللوح فاصنع ما اردت **التصريف الثالث** اذا كتب هذه المربع في الساعة الثالثة من هذا اليوم على قرطاس اسود او
على عنبر وكان من ثم انك دخلت الى حلقوم طير حرها ودخلت هذه الاسماء مع الذكر القائم بالساعة الثالثة وكتب الى مكان مظلم حجبوا با خاتم عطارد
والتفول الى من الامور الغيبية فانه يكشف لك عن ذلك وان كتب اللوح في ورقة وتوقد الا شمعة وتقعد الورقة تحت راسك رايت في منامك
الذي تريد من الامر الغيب عند **التصريف الرابع** في الساعة الرابعة من اليوم يكتب هذا المربع الجليل الغالب ويكتب على ورقة بدوات ويعلق في
الريح وتقول بالملائكة رب العالمين امرنا اصحابك بان يلبوا فلان في البلاد ان كان حيا وان كان ميتا فارفع اياه **التصريف الخامس** طالع علي
الفضا وفلان تكتبه على لوح من حديد وتبخره بالذكر وتتلو الاسم فان الى البيت بعض باب واضرع فادرك العون اللوح وامره ان يخبرك عن ما يأتي
من الامور الغيبية فانه يكون ذلك ولذا كتب هذا الاسم الى البيت العسر على ثلاث شمعات يتزاوغ عقدت عليهم في الحق واخذ الله وديت في سجلات
البيت يفرج الله عليها ويجي برزقا عليها وهذه صفة الاسم ... ويقع اقسام الله تعالى **التصريف**
السادس في الساعة السادسة في يوم الاربعاء من الساعات المناسبة اكتب هذا المربع على حجر من كذان وارسم تحت المربع صورة الجنة
وانو الاسماء وضع الحجر تحت جدار المدينة او البيت فانه لا يقرب ذلك المكان شيء من الهوام البتة **التصريف السابع** اذا رسم هذا اللوح في الساعة
المذكورة على رق بمسك وزعفران وعلق على بيت وكتب السخر احرى وتضعت في الريح على اسمها ان ذلك البيت تحفظ وتجلو ذكرها **التصريف**
الثامن اذا رسم في الساعة الثامنة ونجرت الكتابة بعود وحصا لبا وكتب على خرقة حرير ابيض وعلقت في رقبته بخيط ابيض ازرق فانه برئ الحكم
الذي فيه الحجة **التصريف التاسع** في الساعة التاسعة من الاعمال الكبار وهو ان الى على يديك عدو كبير من الخوارج فتعقد بهذه الساعة
من اي يوم كان وتصور صورته رجل على فرس تتصور عدوك كاملة وتكتب المربع على ورقة وتضع في ذلك الفارس في مقابلة العدو وتتلو الاسم
فان العدو يحل وان دفنت في باب البلد في وقت الطاعون فانه لا يدخل من ذلك الباب **التصريف العاشر** في الساعة العاشرة في هلاك الظالم
يرسم المربع في لوح خشبة النجم اسود وتلحق اللوح في قطرات وتتلو الاسم فادفنه في باب داره فانه يهلك **التصريف الحادي عشر** في الساعة المسمى
بساعة الاجابة عند جميع الفلك وفي باب الاعمال **فائدة** اذا اردت ان ترى ما غاب عنك من الاعمال والاحوال فخذ خرقة من كتان مغسول وادم
فيها الخاتم وتتلو الاسم العزيز حتى يغلب عليك النوم وقل يحق ما فيه ارني كذا وكذا فانك ترى ذلك **التصريف الثاني عشر** في الساعة الثانية
عشر اطرد السباع خذ لوحا من رصاص او قطعة وارسم الخاتم واسم ذلك الحيوان معه وادفنه في فقاه وادفن في ذلك المكان فانه لا يطأ ذلك المكان
والادمي حيوان البتة **فهذه** الاثنى عشر تصريفا في النهار **واما** التصاريف التي في الليل فاولها في الساعة الاولى وذلك ان **التصريف الاول**
من الساعة الاولى والاعمال الليل اقوى فعلا في ذلك اذا رسم هذا المربع الشريف على البرقع الذي يهبط على وجه الواهب وكتب بمسك
وزعفران ومحا ودهن ذلك السلطان او الملك فان ملكه لا يضطرب عليه ابدا ويكون رعيته منقادين معه **التصريف الثاني** في الساعة الثانية
اكتب الخاتم على جلد ظبي واتلو الاسم وقل اللهم الو هيبتي في قلوب جميع الخلق وتحمل ذلك الورق فانه يكون ذلك **التصريف الثالث** في الساعة
الثالثة اذا اكتب الخاتم المربع على رق اسد وحمله ملك كان له هيبة عظيمة **وان** حمله انسان كان له هيبة عظيمة **التصريف الرابع** اذا رسمته في

الساعة الرابعة

الساعة الرابعة في الليل على خرقة بمسك وزعفران وماء ورد وحمله امرأة فان كل من ينظر اليها احبها محبة عظيمة **التصريف الخامس**
في الساعة الخامسة يكتب الى نحو الربع على اربع سقف وتدفن في الحلقة كان الزوج يكرم **التصريف السادس** يكتب على لوح من ذهب
على ثلاث مرات ويعلق على النساء فانه يكون قبولا وان كتب على رق بالذهب المحلول كان لطيفا ولد فعلا **التصريف السابع** يكتب
في هذه الساعة العقد النوم وذلك ان تصور صورة من اردت في ورقة ويكتب المربع في باطن الصورة وتوضع مسمارا في
عين الصورة وتتكلم بالذكر والاسماء وتقول باحترام هذه الحروف اعقد نوم فلان فانه يكون كذلك **التصريف الثامن** في الساعة
الثامنة وهو لعقد الالسنة يكتب هذا المربع في رق ويحملها فانه صحيح ويكتب حول المربع الاسماء العزيزة فان يكون ذلك **التصريف التاسع**
للكشف عن الاحياء والكنوز فيوضع تحت الراس فانه يرى من ضع الله وانه يرى حقيقة الاشياء **التصريف العاشر** الى المحبة يكتب
المربع على شقة وتوضع على اسم من اردت في النار فانه تهيجا عظيما **التصريف الحادي عشر** وهو السر الاعظم لمن اراد رؤية الصالحين
والاولياء المقربين فليجلس في هذا الوقت ويرسم المربع في خرقة حرير بمسك وزعفران ويتلو الذكر القائم ويتلو الاسماء ويقول اللهم
بحق هذه الاسماء الا ما غفرت لي ورحمتني وقضيت لي حاجتي وسهلت علي الاسباب الخفية فانه يكون ذلك واذا اكتب **في الساعة**
الثانية عشر وهي عند طلوع الفجر الصادق في لوح الحار صيني فان حاملها يفتح الله عليه ويكون من ارباب القلوب **وهذه الرقوم**

صفة المربع الجليل القدر فاعلم ذلك
وهذه صفة الذكر القائم به فتقول

دام	اک	ال	و	ل	لا	ج	ال	ی	ذ	ر	ها	ق
اک	ال	و	ل	لا	ج	ال	ی	ذ	ر	ها	ق	دام
ال	و	ل	لا	ج	ال	ی	ذ	ر	ها	ق	دام	اک
و	ل	لا	ج	ال	ی	ذ	ر	ها	ق	دام	اک	ال
ل	لا	ج	ال	ی	ذ	ر	ها	ق	دام	اک	ال	و
لا	ج	ال	ی	ذ	ر	ها	ق	دام	اک	ال	و	ل
ج	ال	ی	ذ	ر	ها	ق	دام	اک	ال	و	ل	لا
ال	ی	ذ	ر	ها	ق	دام	اک	ال	و	ل	لا	ج
ی	ذ	ر	ها	ق	دام	اک	ال	و	ل	لا	ج	ال
ذ	ر	ها	ق	دام	اک	ال	و	ل	لا	ج	ال	ی
ر	ها	ق	دام	اک	ال	و	ل	لا	ج	ال	ی	ذ
ها	ق	دام	اک	ال	و	ل	لا	ج	ال	ی	ذ	ر
ق	دام	اک	ال	و	ل	لا	ج	ال	ی	ذ	ر	ها

بسم الله الرحمن الرحيم
رب فاطني بنور عنايتك مقامات علا
وجودي ظاهرا وباطنا حتى يمحو حتى حظوظ
الاشكال كلها فتبدي لي وجود ربي
ما كتبت فلك فقد رايت من كل مودع
في مستقر ولا يخفى عني ما غاب عني النظر
بك والنظر من سواك بنور عنايتك
وارني الكمال المطلق بامودع الاكوان
في قلوب عباده الاسرار باستحوار ايامه
اسئلك ان تمدني برقيقة من رقائق
اسمائك الحسنى لا احوز بها واستود
على ابناء جنسي ابرهيبا هو باذ الجلال
والجمال المطلق والنور المحقق يا مومن يا مهيمن يا مقيت يا جبار يا متكبر يا حفيظ يا قاهر يا ذا الجلال والاكرام آمين **ومن تلا**
ربه هذا الذكر القائم في ساعة العطارد في خلوته فانه يفتح الله عليه ابواب الامور وان تلاه مع الذكر القائم به في اي ساعة يكون
من اي يوم كان بان يكون لعطارد وتوجه الى قضاء حاجته قضيت **ومن تلا** اللفظ وهذا الذكر وتوجه الى قضاء اي حاجة
فانها لا تعسر عليه ابدا وهذا الذكر يحبه اصحاب المكاشفات على مكاشفاتهم فاعلم ذلك والله اعلم **فصل** اللفظ الخامس
ليوم الخميس في ذكر الخلوة او اردت الخلوة لاهل هذا اللفظ فكان يوم الخميس وكانت اول الساعات منه للمشتري وكل الامر فاعلم
فيكون ذكره في الخلوة هذا اللفظ في اليوم وهذا الذكر الاتي في الساعة واللفظ **الحكيم العليم البديع النور** القابض
الباسط الاول الاخر الظاهر الباطن **هذا** القسم من الاسماء الحسنى وهم اسماء عظام جليلات المقدار وهذا الذكر يصلح

ارباب الخلوات واهل البدايات من المريدين وذكر ارباب النهايات في التحقق والتخلق ومن واظب على تلاوة هذا النمط فتح الله عليه معرفة
حل رموز الحجر الكريم وعلم الصناعة ويجد الفطانة عظيمة وفيها اسرار اسما الخفوتية في اسرار الخلوة والمراتب العلية في جميع الاحوال والامور العلية
ومن قال في كل يوم مائة مرة يا عليم يا حكيم يا بديع فتح عليه هذا السر الا انه فاما اسم البديع النور فهو الاسمى الى ارباب المكاشفات والامور الرادة
الكشف على العوالم العلوية وهذا النمط مربع عشرة في عشرة فمن كتبه وحمله نال الرتبة العلية ومن كتبه بالفضة المحلولة على رق في يوم الخميس حصل له
التجرد وتجتمع جميع اموره ومن
اراد حجابا او اراد كشف عن
امر مغيب فليلازم الجهرد
ويكتب هذا الخاتم المبارك في
ورق ويتلو الذكر القائم بهذا
النمط ويعد الكتابة يلفه و
يوضعه تحت راسه وينام فانه
حتى يغيب على عينه النوم فانه
نام فانه يرى ما لا كان الذي
يغيب عنه وهو حجابا عظيم ومن
كان له كاتب المنازلات فيعتمد
على تلاوة هذا النمط فانه يرى

الحكيم	العليم	البديع	القابض	الباسط	الاول	الاخر	الظاهر	الباطن	النور
النور	الحكيم	العليم	البديع	القابض	الباسط	الاول	الاخر	الظاهر	الباطن
الباطن	النور	الحكيم	العليم	البديع	القابض	الباسط	الاول	الاخر	الظاهر
الظاهر	الباطن	النور	الحكيم	العليم	البديع	القابض	الباسط	الاول	الاخر
الاخر	الظاهر	الباطن	النور	الحكيم	العليم	البديع	القابض	الباسط	الاول
الاول	الاخر	الظاهر	الباطن	النور	الحكيم	العليم	البديع	القابض	الباسط
الباسط	الاول	الاخر	الظاهر	الباطن	النور	الحكيم	العليم	البديع	القابض
القابض	الباسط	الاول	الاخر	الظاهر	الباطن	النور	الحكيم	العليم	البديع
البديع	القابض	الباسط	الاول	الاخر	الظاهر	الباطن	النور	الحكيم	العليم
العليم	البديع	القابض	الباسط	الاول	الاخر	الظاهر	الباطن	النور	الحكيم

الاشياء على حقيقتها ويعرف الامور قبل نزولها والذكر القائم باول ساعة من يوم الخميس وفي كل ساعة يكون المشترى فيها اذكرها تقول بسم الله
الرحمن الرحيم رب اوقفني على حقيقة العز منك ابلغ حتى احيط به ذرة ولا دقيقة ولا جليلة الا تحققته منها وامن من ذلك وعز في العز الاعز
عز عزك سالبا القوى بالنبال الاعظم حتى اشهده من سوى العز فيه حتى اشهده ذاته من سوى العز فاجعلني مؤيدا منصورا ومدني بروح من
رقائقك الخضع لجبار عند شاهد مرادك روح روحانيتي والسبب ذا العبودية واشرح صدري بجلاوة اسمائك العظيمة ومدني بالمدد الكلي
من بديع ملكوتك حتى اعلم بلسان بيانك وعليك ذات الشيء كالشيء على ضده حيث شئت ولا الا عن اسمائك الحكيم العليم على الاشيا على
حقائقها والكشف عن دقائقها يا الله يا عليم يا حكيم يا بديع يا نور يا قابض يا باسط يا اول يا اخر يا ظاهر يا باطن آمين ما من عبد تاجي ربه بهذا
الذكر في هذه الساعة من هذا اليوم او في هذه الساعة في اي يوم كان ١٦ بعد صلوة ركعتين وكان في الخلوة فان الله تبارك وتعالى يكشف له عن
الامور المغيبة ويكشف له عما في الجنة مكتوب فعلم الله يعرض على هذه الاعمال بحج والله يقول الحق وهو يهدي السبيل فصل النمط السادس
ليوم الجمعة وتلاوته اذا كنت في الخلوة او عند دلك ويكون تتهجد في هذا اليوم الحليم الرؤف المنان الكريم ذي الطول الوهاب الغفور
الغافر العفو المجيب اعلم ان هذا النمط عليه مدار الكون ومن المعارف العلوية وان هذا اليوم فيه حجاب للارواح ويحجب فيه على النفوس
وفيه ساعة من وافق الدعاء بها قضيت حاجته وهذا الدعاء الشريف الذي يختص بهذا النمط من اذكار الاولياء وهذا النمط مربع عشرة
في عشرة فمن كتبه بمسك وزعفران وحمله معه كرمه اعين الناس وكان مرفوع القدر بينهم وله هيبة في العوالم جميعا ومن
نقش عليه وكتب هذا المربع في نهار الجمعة وحمله معه ويتلوا هذا النمط فان الله يرزقه من حيث لا يحتسب وينال القوة في دينه وماله
ومن كتب هذا المربع وعلقه في حانوته او في مكان ذكره عليه الزبون ومن نقشه على لوح من فضة او نحاس في يوم الجمعة فان
الله تبارك وتعالى يحفظه ويعطف عليه قلوب المخلوقات جميعا بالمحبة والمودة واذا كنت في الخلوة ويكون ذكرك فيها هذا النمط
هذا النمط الشريف والذكر القائم بهذه الساعة وهي ساعة الزهرة وهو مخصوص بها وفي اي وقت انت من الايام وهذا ...

الذكر

الذكر القائم بهذه الساعة واليوم
تقول بسم
الله الرحمن الرحيم رب اسئلك بحق
روحانيا يقوي بها قوى الكلية و
الجزئية حتى افهم بها اشارات
نفسي كل نفس ناطق متصورة فادع
فتقبض في قاتها القبضا انبسط
لي قواها فلا يبقى في الكون ذرة
الا وانا اشهد فيها حتى يطوى باسمك
يا ذا البطش الشديد يا تمام اسئلك
بما اودعت عزرائيل من شدة القهر

الحليم	الرؤف	المنان	الكريم	ذي الطول	الوهاب	الغفور	الغافر	العفو	المجيب
المجيب	الحليم	الرؤف	المنان	الكريم	ذي الطول	الوهاب	الغفور	الغافر	العفو
العفو	المجيب	الحليم	الرؤف	المنان	الكريم	ذي الطول	الوهاب	الغفور	الغافر
الغافر	العفو	المجيب	الحليم	الرؤف	المنان	الكريم	ذي الطول	الوهاب	الغفور
الغفور	الغافر	العفو	المجيب	الحليم	الرؤف	المنان	الكريم	ذي الطول	الوهاب
الوهاب	الغفور	الغافر	العفو	المجيب	الحليم	الرؤف	المنان	الكريم	ذي الطول
ذي الطول	الوهاب	الغفور	الغافر	العفو	المجيب	الحليم	الرؤف	المنان	الكريم
الكريم	ذي الطول	الوهاب	الغفور	الغافر	العفو	المجيب	الحليم	الرؤف	المنان
المنان	الكريم	ذي الطول	الوهاب	الغفور	الغافر	العفو	المجيب	الحليم	الرؤف
الرؤف	المنان	الكريم	ذي الطول	الوهاب	الغفور	الغافر	العفو	المجيب	الحليم

فانفعلت منه النفوس واسئلك ان تمدني برقيقة من رقائقك لتعطف على النفوس الابية وتعاون عليها باعوانا عليم الى اخر النمط
من عبد ناجى بهذا الذكر في هذه الساعة الاولى من يوم الجمعة وفي كل ساعة يكون الزهرة ثم دعا على ظالم اهلكه الله تعالى واذا كتب هذا
الذكر حول المربع المذكور فان حامله يقهر كل سلطان جبار عنيد وشيطان مريد وينال الرتبة العلية وهذا الذكر نافع لمن يكون بالحج
المتقدم يكتب في المربع ويكتب حوله الذكر القائم بسور حوله بهذا نافع جدا فصل النمط السابع فهو ليوم السبت وهو يوم الانفصال
اسمائه الكافي الغني الفتاح الرزاق الودود اللطيف الواسع الشهيد نعم المولى ونعم النصير هذا نمط شريف من اذكار يوم السبت فاذا
كنت في الخلوة فيكون ذلك ذكرك في اليوم وتتلو الذكر القائم به وهذا النمط مربع عشرة في عشرة فمن كتبه في يوم السبت على رق غزال وكتب حوله
الذكر القائم به رزقه الله المحبة والرفعة
بين المخلوقات وان هذه الاسماء من اسماء
ميكائيل وهذا النمط له قوة في الافعال
التي توجب اللطف على من يذهب الاحوال
فيه الاسم الاعظم واذا كتب هذا المربع
في لوح من ذهب او فضة او قلع وكان
صاحبه ملكا رفع الله قدره بين الناس
ونفذ امره كلمته فيهم وهو من اذكار
الابدال ويعطي صاحبه القوة القاهرة
على من يتجبر على صاحبه هذا الخلوة ويلطف
سر الروحانية ومن داوم على تلاوة
هذا النمط الشريف رزقه الله المعارف

الكافي	الغني	الفتاح	الرزاق	الودود	اللطيف	الواسع	الشهيد	نعم المولى	نعم النصير
نعم النصير	الكافي	الغني	الفتاح	الرزاق	الودود	اللطيف	الواسع	الشهيد	نعم المولى
نعم المولى	نعم النصير	الكافي	الغني	الفتاح	الرزاق	الودود	اللطيف	الواسع	الشهيد
الشهيد	نعم المولى	نعم النصير	الكافي	الغني	الفتاح	الرزاق	الودود	اللطيف	الواسع
الواسع	الشهيد	نعم المولى	نعم النصير	الكافي	الغني	الفتاح	الرزاق	الودود	اللطيف
اللطيف	الواسع	الشهيد	نعم المولى	نعم النصير	الكافي	الغني	الفتاح	الرزاق	الودود
الودود	اللطيف	الواسع	الشهيد	نعم المولى	نعم النصير	الكافي	الغني	الفتاح	الرزاق
الرزاق	الودود	اللطيف	الواسع	الشهيد	نعم المولى	نعم النصير	الكافي	الغني	الفتاح
الفتاح	الرزاق	الودود	اللطيف	الواسع	الشهيد	نعم المولى	نعم النصير	الكافي	الغني
الغني	الفتاح	الرزاق	الودود	اللطيف	الواسع	الشهيد	نعم المولى	نعم النصير	الكافي

الالهيات وكان منفقا من حيث لا يحتسب ومن اراد المحبة في قلوب الناس فليكتب هذا النمط في سفرجة ويتلو الذكر القائم به ويحمله
تنجذب اليه قلوب الخلق ويرزقه الله المحبة في قلوب جميع المخلوقات واذا خفت من الخلق او في خلق لم تعرفه فاستعن بهذه الاسماء واما الذكر القائم
به في الساعة الاولى من يوم السبت فهو يخلو وهذا الذكر مخصوص بكل ساعة تكون في يوم السبت تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم

على وجودي واشرق على شمس شهودي واري في حقايق الاكوان بحق جميع الانس والجان الا انا اعظم الرتبة العلية وخصني بكمال
الغرية لا تسر فيه الملك والملكوت واكشف منكلية التكوين فيعقل لي كل مكون بحق الاسم الذي تحرزت به الوجوه وعنوت له الوجوه وتلاحق الحجاب
بحق اسمك النور وطرق وقدمني من رعونات نفسي ومكنني بحقيقة من رياضات لاسود بها على ابنا جنسي ارحمني برحمتك يا الحي يا قيوم يا كافي يا حي يا فتاح
يا رزاق الى اخر اللفظ يا لطيف برحم الحكم ولا حول ولا قوة الا بالله الطيف الودود ما من عبد ما جي به في الساعة الاولى من يوم
والثامنة منه او في كل ساعة يكون فيه هذا الذكر ٤٩ مرة الا كساه الله تبارك وتعالى حلل الجمال في نفسه وكشف له حجاب بعد هذا الذكر
الى ارباب المكاشفات فاعلم ذلك **تنبيه** اعلم ايها الطالب انا قدمنا لك من الاذكار النهارية التي تتلوها في الخلوة وفي كل ساعة
من ساعات النهار ولكل منها روحانية وله تجلى عند الاخر والان نقدم الاذكار الليلية وهي عشرة اسماء والجملة سبعين اسما والان نذكر الاسماء التي تتلى
في ليالي السبعة فاول ذلك **القسم الاول** وهو اربعة اسماء وهي **الشديد ذي القوة** المتين **السريع** هذا القسم يتلى في ليلة الاحد في اي
خلوة كانت فان صاحبه يعطي القوة على الارواح وقال بعض الاولياء من اتخذ هذه الاسماء ذكرا وكان ضعيفا عافاه الله واذا كان
فيه وحدة برا من ذلك **فان** هذه الاربع اسماء مخصوصة بجبرائيل وعزرائيل **ومن** كان له عدو او ظالم فليتلو هذه الاربع اسماء
سبع ليالي في كل ليلة ... مرة وفي ليلة الاحد بعد ذلك يقول اللهم خذ فلان الظالم فانه ظلمني وانت اعلم مني فانه يهلك **ومن** كتب هذه
الاسماء الاربعة على هذه الصورة الاتية من فضة او ذهب فان حامله يعطي القوة القهرية **ومن** تلا هذه الاسماء وزجر بها الروحانية
بذلك وانطقه الساعة ذكرهم تتلى في اول الليل من بعد العشاء الى ان يمضي ... درجات منه تقول بسم الله الرحمن
الرحيم العوات رب الارباب وانت مرتب الموجودات بلطف وصرح بيدك السريع

السريع	المتين	ذي القوة	الشديد
المتين	السريع	الشديد	ذي القوة
ذي القوة	الشديد	السريع	المتين
الشديد	ذي القوة	المتين	السريع

لو صرح بان اللطف الخفي حتى شاهد اللطف من كل جهة ووقعت الاشارة عليها او عجزت
عنها حتى غرقت في بحار اللطف عند ذلك اليهرت مني عند ذلك ...
اسالك وفي اللهم سراً من اسرارك لكشف حجب الغيب ومدني بقوة قهرية لا تطوي
بها على كل وحدة وامدني بروح من الارواح المجردة لاسود بها والطف في لطفها
من لطائف انك لطيف خبير **اقول** ما من عبد يتلو هذا الذكر ويصبح يتوجه الى قضاء حاجته الا قضيت **واذا** كتب هذا الذكر مع المربع
المذكور بماء الذهب المحلول ... من صلاح حاله ... والله يقول الحق وهو يهدي السبيل
واما القسم المخصوص بليلة الاثنين فاربع من الاسماء **السريع الرقيب** المقتدر **القاهر** فهؤلاء الاربع اسماء ثم ذكر ارباب الاختيار من
اهل الله فمن قرا هذه الاسماء في ليلة الاثنين ثم تلا الذكر القائم به فان الله يفتح عليه ابواب الاسرار **وان** كان في خلوة وتلا هذه الاسماء
فان الله يكشف له عن حقايق تلك الخلوة وبها الكشف على عالم الملكوت من العوالم **ومن** كتب هولاء الاربع اسماء في مربع اربعة ليلة الاثنين

القاهر	المقتدر	الرقيب	السريع
المقتدر	القاهر	السريع	الرقيب
الرقيب	السريع	القاهر	المقتدر
السريع	الرقيب	المقتدر	القاهر

مقابل القمر وكتب الذكر القائم بهذه الاسماء وحملها انسان فتح الله عليه ابواب الرزق
وقهر الله اعداءه ونال كل ما يريد **وهذه** صفة الذكر القائم به **تقول** الهي وارث
سرادق الجلال من مسمون الكائنات ومطلع صفاتك اسالك بتقديس الكروبيين ... الصافين
وتسبيح المقربين سبوح سبوح قدوس قدوس رب الملائكة والروح سوض الارواح
في الرواح منور اجزاء البركات ... وخرج الاسماء حتى اشرقت انوارها اشراقة
الظهرت منسر وجوده ... بهاسم الانوار ... من الجن والانس
اجمعين ... من نور الشمس فلا يطيقون ... النور ومعقد النور وحجبتها
ملا حجرات النور اسالك ... بالعلم ظهور وكنت ... ان تنور في بنور من انوار
اسمك العظيم الاعظم واجعل اللهم لي نورا ... في ظاهري وباطني ... النور بالكبير المتعال يا الله **ما من عبد** تلا

فالذكر

هذا الذكر فيه الوقت الا رفع الله قدره عند العوالم العلوية ويحجب له الكشف لا محالة **ومن** كتب هذا الذكر مع المربع المذكور كان له قبول عند
جميع الخلق من البشر فاعلم ذلك **فصل** واما النمط المخصوص بليلة الثلاثا فتلو هذه الاسماء في ليلتها **التواب الشاكر الحبيب الولي**
فهذه اربع اسماء تتلوها انت في الخلوة او في غيره في تلك الليلة ثم تذكر الذكر القائم بها فاسم التواب للتائبين والشاكر للشاكرين والولي
للاولياء الصالحين وهذا النمط يعطي صاحبه الخضوع والخشوع ويتقادم الارواح الروحانية وله مربع اربعة في اربعة **وهذه صورته**

الولي	الولي	الشاكر	التواب
الولي	الولي	التواب	الشاكر
الحبيب	التواب	الولي	الحبيب
التواب	الحبيب	الحبيب	الولي

فمن كتب هذا المربع في يوم الثلاثا او ليلتها في لوح نحاس وحمله انسان يمشي على طريق
الخير فان الله يصلح حاله ويرزقه الهيبة والقبول **ومن** كان من اهل البدايات والمريدين
وتلا هذه الاسماء والذكر القائم بهذه الليلة نجاه الله من رعونة نفسه وفتح الله عليه ابواب
الخير **وهذه** الصفة الذكر القائم بهذه الليلة **تقول** بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم يا سريع التكوين بكلمته ذا قرب الانفعالات بامره اسالك بالظهرت في العرش
من انوار اسمك الرفيع المحيط المجيد فاشتاقت ملائكة ... مناسبا اليك بالحضرة الالهية ... ما خلقته لا بد له روحا
قائمة به انك لطيف خبير انت تمد الارواح الروحانية ... ومن تجليات اسمائك فتعطف
ذواتهم بطلب الذكر فهم ذاكرون من الذاهلون والذاهلون من الذكر ... **انت انت انت** ومن حيث الذاهلون هو هو
ومن حيث العظمة **ا ا ا ا ا ا** ومن حيث البها **ها ها ها** ومن حيث النزه ... ما عظمت ... احاط علمك ...
... من تصريف قدرتك ... تقصد ...
الانوار من ... الظهور ... محفوظة ... مفهومة ...
وبطن اسمك اللطيف الخفي الطف ... برحمتك يا ارحم الراحمين **ما من عبد** تلا بهذا في الليلة ... خلوته ...
الخلوة هو ذكره فان الله يمده بالارواح الروحانية ويشرح صدره برؤية الملكوت **ومن** على تلاوة هذه النمط في كل ليلة ما ذكرنا فانه ينال
رتبة الابدال ويكشف له عن احوالهم ومراتبهم والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل** واما النمط المخصوص بليلة الاربعاء وهي
اسماؤهم **الوكيل الرقيب الصادق الباقي** هذه الاسماء من اذكار اصحاب النوبة من رجال الغيب والابدال من خاصة الله ... ومن تلا هذه الاسماء
على طهارة كاملة ... هذا الذكر ... الاسباب الخفية ... الرسوم والقضاة والحكام **ومن** كتب
هذا المربع المخصوص بهذه الاسماء ... الذكر القائم بها ... والامور الكثيفة

الرقيب	الرقيب	الصادق	الوكيل
الرقيب	الرقيب	الوكيل	الصادق
الصادق	الوكيل	الرقيب	الباقي
الوكيل	الصادق	الباقي	الرقيب

عن حقايق المعلومات **وان** كتب هذا الذكر الشريف في ليلة الاربعاء ... جديد
وشرب من ... **وهذا** الصفة الذكر القائم بهذه الليلة **تقول**
بسم الله الرحمن الرحيم الهي اسالك باسمك المكنون
الذي فصلت به فواصل التفصيل في الوجود ... الظهرت في شان حكمك
العدل ... وتقابلت الافعال وتنوعت الانواع
تحت الاجناس وترتبت الافلاك ... بسطا ...
معقول ... المعرف المقيد ... في الدنيا
عن الشهوات ... بين المتفرقة ... المخلوق
ارجعني ... الحق ... حتى اعلم ...
اعلم انك انت علام الغيوب وكاشف اسرار المقدور **فمن** حافظ على هذا الذكر ... العلوم ويكشف له عن
حقايق المعلومات **ما من عبد** ذكر هذا الذكر ... في خلوة ... تلا هذا الذكر قضيت

جوانحه جميعا فاعلم ذلك **فصل** واما اللفظ المخصوص بليلة الخميس **الخلاق الهادى** الخبير العليم **علام الغيوب** هذه الاسماء مخصوصة
بهذه الليلة فمن تلاها وكرر الذكر القائم بها رفع الله قدره بين ابناء جنسه وفتح عليه ابواب المعرفة وكشف له عن المغيبات وهذا اللفظ المربع
على عدد الاسماء ومن اراد كشفا على سر ما خفيات الحروف فليكتب عليه هذه الاسماء الشريفة

الخلاق	الهادى	الخبير	العليم	علام
الهادى	الخلاق	[illegible]	الخبير	العليم
علام الغيوب	[illegible]	الخلاق	العليم	الخبير
[illegible]	علام الغيوب	العليم	الخلاق	[illegible]

ويتلوا هذا الذكر من اول الليل حتى يغلب عليه حالة من الحالات ثم يضع المربع تحت راسه
وينام فانه يرى ما اضمر عليه من الامور **ومن** كتبه على فضة وكتب حوله يا عليم يا خبير
يا علام الغيوب جوعا متفرقة وقال الجن اعشار الارواح وانقلوا عن هذا الامر
كذا اتهام فانه يرى ما اضمر عليه عيانا وينجم اللوح تحت النجوم ويبقى تشتعل لذلك
وهذه صفة الذكر القائم بهذه الحروف بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك اجمل من تجلى بلبد اعز ملاذ من تعزز
الفرح والسرور والغبطة والحبور والعطاء والافضال والانعام والبسط واسدى من لطائف اسمائك اللطيفة والمتجلى من بواطن الاسرار الخفية
بحق اسمك الفتاح واسئلك بعزائمك المكنونة وما حوى من الاشياء التي اتممتها واسئلك بالهاتك التي حوت الاسرار الخفيات ان تلاذ
وجودى لذة تصرفني في الوجود وافهم حقى صور الاغراض عن حقائق الطبائع والاكوان لا معطى لما انت ولا مانع لعزائك الجلالة بعطيات لك
وكل شى منك ابتداؤه واليك انتهاؤه ولا غاية الا بانتهاؤه ولا نهاية الا بالتعليم ما الهمتنى القيم عنك يا روح الارواح يا راحة الملواح
ويا نعمة قلب المرتاح ومفتاح كل اسم لا يوجد له مفتاح وانت العليم علام الغيوب الفتاح **ما من عبد** ناجى الله بها وقام بهذا
الذكر القائم فيه في الليلة الا لقى بها وتقدمه البسط وذهب عنه الوسواس ومن كان به هذه العلة فليكتب هذا اللفظ والذكر ويتلوه
عليه ٣ ٥ ثم يتركه على مدة اربعة ايام فانه يقع عنه والله اعلم **فصل** واما اللفظ المخصوص بليلة الجمعة وهو منطوع ومتفصل وهو
المؤمن المهيمن الجبار المتين **الحى القيوم** وهى ستة اسماء فنا مكرر فيها اتقدم وذكرا لاوتاد من اهل الله تبارك وتعالى **ومن** داوم على
تلاوتها رفع الله قدره ولها ذكر قائم بها **من خواص** هذه الاسماء العظيمة من كتبها في مربع خشب من خشب وجعلها على طريق الاموار وهل
الاسرار في لوح من ذهب ثم علقت على شخص خطبه الزمان فان الله يرفع له كل المراتب العلية وان الله يقدره على اليزين في العلى **وهو**
هذا

المؤمن	المهيمن	الجبار	المتين	الحى	القيوم
المهيمن	المؤمن	الجبار	المتين	القيوم	الحى
الحى	القيوم	المؤمن	الجبار	المتين	المهيمن
القيوم	الحى	المتين	المؤمن	المهيمن	الجبار
المتين	الجبار	القيوم	الحى	المؤمن	المهيمن
الجبار	المتين	الحى	القيوم	المهيمن	المؤمن

وان الله يقدره على ذلك فليكتب حبله ويعرات على رقعة ثم يتلو هذا اللفظ
في كل ليلة جمعة على مدة سبع جمع فان الله ييسر امره وان كان له حاجة
ايضا يكتب هذه الفاظ من الاسماء ينفع لمن يريد يخلو ويهتدى الارواح
فانها انالى اليه **وصفة الذكر** القائم بهذه الليلة **تقول** بسم الله الرحمن
الرحيم سبوح قدوس سبحانك ربنا تعاليت جلت كبرياؤك وتقدست
قدرتك وتباركت اسماؤك وتعالت صفاتك وتعالت افعالك وكانت
افعالك واشرقت الانوار بتجليها باسمائك يا عليم يا علام الغيوب يا مفرج
الكروب باسمائك على العلويات يا من الصعود اليه والمعارج منه واليه سبحانك تجليت في اسمائك فظهر التجلي في افعالك اشرق كل مكون
باشراق التجلي بما اظهرته من تجليك وتصرفت بما ابطنته من اسمائك بتعريفك بما سبق من علمك اذ انتهت رافع الدرجات ذا الطول
بك توجهت اسئلك بجاه هذا الذكر من اسرار علوك اسمائك عزيك ان ترفع وجودى الى سماء عز ربك الى معراج من معارجك لا احصى ثناء عليك
وبنور سماء اسمك الرفيع واسمك الكبير المتعال الشيخ والحيين فى حصن اسمائك مستقرا على من سواى استرلى الغيبة على
الشهادة فلا يصل الى قوى النفس وعذب نفسى بالكمالات التى تشرق عليها انوار تجليات اسمائك علام من ملك سبوح اوامر اليك بروح با
ومدنى بعوالم اسرار تجليك التجلى الفنى وتخضع له الارواح الروحانية من الشياطين يا آلهى لا حول ولا قوة الا بك يا رب العالمين **ما من عبد**
يتلو هذا الذكر الشريف الا اعلى الله قوته القهرية على الشياطين **وهذه** كتب وادعوا على من اذاه من الجن هذا الذكر وعلى الامر فيما اراد

فان به

فان الله تبارك وتعالى يقضى حاجته **ومن** كتب هذا الذكر والمربع المقدم ذكره فى خرقة بيضاء مداد وحملها انسان كان مقبولا
ما بين جميع المخلوقات فلا يذكر احد هذا الذكر فى وقت غضب الا يبطل سطوته **وان** تلا هذا الذكر من كان شرب عليه الوسواس سرى منه ويشفى
ذهبت عنه باذن الله تعالى ويقرى على ذلك والله يقول الحق ويهدى السبيل **فصل** واما اللفظ السابع وهو ليلة السبت وهو ثمت
الاسماء الحسنى وهو اربعة اسماء وهى **الصادق البر القدوس الصبور** فهولاء الاذكار من اذكار الابدال الساكنين فى القرب الله
هم من خاصة اهل الله تعالى والواقفون فى تعمير المغرب سلام الله عليهم اجمعين وهذه الاسماء تكون تسبيح الطالب فى هذه الليلة والذكر
القائم بها وهو عظيم القدر **ومن** كتب هذا الذكر وحمله على راسه وتلا هذا الذكر يدخل الكثرة الى المكان فيه الجن فانهم يهربون ويخشى
من شر كل شى وهذا الذكر عظيم لمن داوم عليه فاعرف قدره **وهو هذا** بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك اللهم يا من تنزه عن
ما اقترن بسلالة عظمتك عز ائن الاكوان واحاط علمك والفضل الكبير بذلك كل من سبق عليه عقد وعنك ونفقتك قهرك فى كل من
نفذت فيه ارادتك فقصرت كل مكون عن القصور عن اشد وصف وقصرت به كل مكون عن القصور عما اشد وصف به عزائمك
والكل مكون فى التحرى وادراك الحيرة من جهنم فى ادراك الادراك ولكن من جهتك لا هلكت المخلوقات بجنابك ولولا لطفك
الخفى لهلكت الخلق مع انهم من خوف بطشك وسطوتك وانت الله الاعظم شأنك واعز سلطانك وابديع خفيات استارك الالهى
هب لى قوة من قوتك اندرق بها التمكين حتى لا يتعلق فى وجه لوجه اليك من عالم الفعل الحقيقى اسئلك ادراك المعلومات وكشف حجاب
الاوهامات وكشف مفاتح العلوم اللدنية ومعانيها الكشفية بجاه رب العرش العلى من دان له الافلاك وسبحت له الاملاك واسكن
الجبال الراسيات كما اسكن الارضين والسموات اسئلك بالهاتك التى هى ركن الذاكرين ومحجة الكاملين ومسكنة الساكنين وحركة
المتحركين يا سبحانك هو فى كل لحظة تحير وطارفة ومنا لي احسان رب ذى الجلال والاكرام **ما من عبد** يتلو هذا الذكر فى هذا الوقت الا
فتح الله عليه ومن كان له عدو موذى وتلا عليه هذا الذكر اخذه الله وبعثه دون الشمس تعلم ذلك **ومن** تلاه وهو مهموم فرج
الله عنه همه وان كان مطلوبا نجى وان كان من اهل التكلى فهو عليه كصالح **وان كتبه** وحملها الشريف الاعلى من اهل العلويات **ومن**
تلاه على هيئة الخلق فى بيت مظلم وهو عنده ان ذلك وسكون على القطر والسرا لا علنيته وحاينة الاسماء تخاطبه وتخبره بما اراد
من خير وشر والله يقول الحق وهو يهدى السبيل **تنبيه** اعلم ايها الطالب ان السبب الداعى لذكر هذه الاسماء هو قوة الكلام
وذلك انما اذا اراد الداخل الى الخلوة فليعمد الى بيت مظلم بعيد عن الضوء وليستقبل القبلة ويتلوا اولا الذكر كذلك الساعة المخصوصة
ذلك اليوم ساعة بعد ساعة ثم يذكر ذلك الاسم الذى يريد فانه ينال رتب الاولياء الصالحين الاحباب والابرار والشيخ كذلك الشيخ
للشخص ان دخل الى الخلوة فليعمد الى تلاوة هذه الاسماء الشريفة فانه يكون له هيبة ووقار عند اهل عالم الاعلى وينجح جميع اعماله
وان كان ذكره فى وقت الذكر يكشف له عن حقائق ما يريد فى تلك الليلة من الواردات الالهية ومن ذلك الاعمال وتقدير الاسماء له
انتهى الكتاب ذكرها اخوته الوقت فى كتاب الالقاب النورانية والحديث عن ذلك عند الله اعلم **تنبيه** اعلم ايها الاخ الصالح والخليفة
الناصح انتهى ذكر الاسماء الحسنى على الطبائع الاربعة وما الذى من الاعمال الذى اقول وبالله التوفيق **اعلم** ان الاسماء الحسنى
لها اربعة اعمال على الجملة وقد ورتبنا ذلك وجعلناها اربعة اقسام على الاربع طبائع وما لكل طبع من اسمائه الحسنى فاول الاعمال
النارية وطبع ذلك المختص من الاسماء العظيمة وقد جعلناها فى مربع ثمانية فى عشرة وكل اسم من قبيل الوفق على طبع النار وهذا
هذا اول ذلك **ومن** خواص المربع الى المحبة والقبول والعطف والالفة وعقد الالسن والى جميع ما تريد من الامور تكتب فى
وقت الرحمة ورق الذهب المحلول او ماء الفضة او ماء الزعفران المحلول والكافور وان لهذه الاسماء خواص عظيمة
لا يدخل الحصر وهى من خبث الجملة وهى من خواصها **اذا** كتب للاحكام الطبع السوداوى وشرب بها نفعت منفعة عظيمة **وان** كتبت هذه
المربعة وعلقت لمن يغلب عليه البرودة منفعة عظيمة ويصح الى جميع الامراض البادرة جميعا **ومن** هذه الاسماء الشريفة العظيمة
القدرة الجليلة وهى مخصوصة الى كل مخلوق من علم التصريف فقد ذكرنا لكل ما يريد من الاسماء العظيمة فاعلم ذلك وتدبر **ومن** خواص

هذه الاسماء اذا كتبت وحملت
في الراس بصفاء خاطر وجمع
همة وحضور قلب منعت
عن حاملها جميع ما ياتي عليه
من النوازل والاسقام ونال
المحبة والطاعة عند اهل
العوالم السفلي ومن حصل له
وسواس من قبيل حديث النفس
وعجز عنه فليكتب بهذا المربع
ورقا على عدده ويشرب
ذلك على الريق في مدة سبعة
ايام فانها تمنع ذلك ان شاء الله
تبارك وتعالى ويكتب لوجع
الركبة والعرق فهو والله اعلم

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الله	الرب	الرحمن	الرحيم	الملك	القدوس	السلام	المؤمن
المهيمن	العزيز	الجبار	المتكبر	الخالق	البارئ	المصور	الغفار
القهار	الوهاب	الرزاق	الفتاح	العليم	القابض	الباسط	الخافض
الرافع	المعز	المذل	السميع	البصير	الحكم	العدل	اللطيف
الخبير	الحليم	العظيم	الغفور	الشكور	العلي	الكبير	الحفيظ
المقيت	الحسيب	الجليل	الجليل	الكريم	الرقيب	المجيب	الواسع
الودود	المجيد	الباعث	الشهيد	الحق المبين	الوكيل	القوي	الحكيم
المتين	الولي	الحميد	المحصي	المبدئ	المعيد	المحيي	المميت
الحي	القيوم	الواجد	الماجد	الواحد	الاحد	الصمد	القادر

تنبيه الاسماء الثانية التي على طبع البرودة ٥٦ اسما وهي بسبيل واحد تفعل في الاعمال البلغمية الباردة ومن كتبها وعلقها
احتاج هذا الطبع ابراه الله تعالى ومن
غلبت عليه هذه العلة فليكتب هذه
الاسماء في زبدية وتشعل على الريق
فانها توثر اثرا واذا اراد ان يعمل
فعلا من التكبير من جميع الحروف الباردة
فيأخذ من هذه الاسماء اسما او اثنين
ويفعل ما يريد ومن خواص هذا
المربع الشريف يكتب لمن غلبت عليه
الحمى اي حماة كانت تكتب هذه الاسماء
الشريفة على رق من اي رق كان مع
الذهب المحلول وتحمل في الراس فان

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الودود	المجيد	الباعث	الشهيد	الحق	المتين	الوكيل	الحي
القيوم	الحميد	المحيي	المبدئ	المعيد	المحيي	المميت	القيوم
الماجد	الواحد	الاحد	الفرد	الصمد	القدوس	السلام	الدائم
القادر	المقتدر	المقدم	المؤخر	الاول	الاخر	الظاهر	المتعالي
الباطن	المقسط	الجامع	الغني	المغني	النور	الهادي	البديع
الضار	النافع	الباقي	الوارث	الرشيد	الوارث	الباقي	البديع
الرشيد	الصبور	المنعم	القادر	المقتدر	المحيط	القريب	المجيب
المجيب	الباعث	الودود	القائم	الرزاق	الرحمن	الرحيم	الصمد

حاملها ينال المحبة والقبول والعطف ومن كتبها واسقاها لمن غلبت عليه الحرارة السوداوية على طريق التفسير وان اراد الذكر يعلم
واذا كان ملكا او اميرا وكتب هذا المربع الشريف على فضة وحملها انسان او ذلك الملك رفع الله قدره وعظمت كلمته بين جميع المخلوقات
واذا كتب بمبلله زعفران وحملتها امراة تسقط الاولاد حجبت عنه وكتبه ايضا وتسقى الى المراة التي يحصل لها الوسواس فاعلم
ذلك تنبيه الاسماء الثالثة وهو القسم الثالث وهو طبع الهوى فكل عمل اردته من عمل التكبير من طبع الهوى فيكون عملك من
هذا الطبع ولقد كتبت هذا المربع الشريف المجمع العلل الامراض الريحية بنفعها وسورة العمل الذي نظر الى الطبع المذكور فكتب هذه
المربع ويشرب على مدة سبع ايام ويكتب ويحمل وينفع ايضا ينفع الى اصحاب القولنج ويكتب على ورق حرير بالمداد ثم انه ينقض على

مريض وان كتب في لوح من رصاص ووضع في دار ظالم اهلكه الله وذهب من تلك الدار وان كتب هذا المربع ووضع في حانوت
او في دكان فان الرزق ياتي وان الزبون يجتمع في ذلك المكان وهو من علم الاصول بتصرف جماعة وهذه صورة المربع المذكور

تنبيه اعلم ان هذه الاسماء
الشريفة العظيمة القدر وان كانت
اسما او لفظا واحدا ومعناها
مترادف واذا كتب الى الوسواس
نفعه واما الصورة المربعة
التي على طبع التراب وهي هذه
الاسماء التي لجميع الاعمال الترابية
في اعمال الكبر والبسط وهي اسماء
تمنع الارياح واذا كتب على
رق وعلق الى صاحب داء الطحال
نفعه واذا كتبت في اناء ووضع
فيه دهن ودهنت به اصحاب

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ثا	الحسيب	الجليل	الملك	القدوس	السلام	المؤمن	المهيمن	العزيز	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	المتفضل	الرازق	ذو القوة	القديم	[illegible]	[illegible]	٢٢
اب	[illegible]	[illegible]	المتعز	المتين	المتكبر	النور	[illegible]	[illegible]	٢٢
٢٠	[illegible]	[illegible]	القريب	الجبار	الهادي	القوي	[illegible]	[illegible]	٢٢
٢	[illegible]	[illegible]	المبدئ	العزيز	النور	الله	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

الدماميل والجراح نفعه واذا كتبت وسقيت لمن به العلل اوراثه باذن الله تبارك وتعالى وان كتبت ووضعت في اناء فخار و
شرب منه من علته صاحب العلل الحارة التي من قبل الكبد نفعه باذن الله تعالى ومن عرف التصريح استراح في الاعمال وهذا ما اوردنا
استاره من الاسماء الحسنى التي على الاربع طبائع على
ذلك وتحققه والكامل يكفيه الاشارة والله اعلم

فصل

اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك ان اسماء الله تبارك
وتعالى ليس لها حصر بل العظيم الذي ذكر في القرآن
العظيم وانا ذكرنا خواصها على طريق الاجمال ولا
نذكرها على طريق التفصيل فانها ابين للكيفية
بما وقد اختلفت في كيفية ذلك العلماء رضي الله
تعالى عنهم وانا لم نذكر اختلافهم بل نذكر الاصح
من ذلك اقول ان الشخص الذي يريد ان يتلو الاسماء

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	الله	اللطيف	المنعم	الوارث	الرشيد	[illegible]
[illegible]	الشاهد	الحليم	الغفور	التائب	التواب	ح
[illegible]	القدوس	الباسط	الفرد	الصمد	الوتر	٧
[illegible]	احد	سريع	المجيب	الاحد	المحي	[illegible]
[illegible]	القريب	الوكيل	الكفيل	الرقيب	الواسع	[illegible]
[illegible]	اب	[illegible]	ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]

الحسنى من طريق الشريف البرهان الذي هو ... ذلك الاسم تقضي حاجته وما يطلبه من امور الدنيا وهو يجرد التلاوة وذلك بشرط
ثاني والاعمال الحلولية التي يحصل له ... استاذ كامل يدخله الى الخلوة او يجرد النظر الى كتابنا هذا بيان له ذلك وهو الكشف على
ما في الخواطر واستخدام روحانية ذلك الاسم في الخلوة والرياضة والشروط اللازمة الى ذلك الطالب والان اذكر لك الله تعالى طريق
التفصيل اقول اولا ما يجب على التالي الى اسماء الله الحسنى في ذلك طريق شامخ قضاء الحوائج وهو على اقسام القسم الاول فمن ذلك
ان نظر الى تلك الحاجة وما يناسبها من الاسماء الحسنى شاهد المحبة التي هي اصل كل شيء في العالم وتسخير القلوب وقضاء الحاجة وهو على
وجهين الوجه الاول ان نظر الى طلب مثل المحبة فليتلو اسم الودود وما يناسبه من اسمائه من الاسماء وذلك بطريق الى ... التلاوة
على عدد الاسم دبر كل صلوة واما تسخير القلوب فليتلو الاسم الوفق وما يناسبه من الاسماء العدد باسمه والتلاوة لذلك الاسم واما قضاء

الحوائج فاتلوا الاسم الرحيم وما يناسبه على عدد حروف الاسم مع الرياضة **واما** الاعمال التسليطية التي مثل الهلاك وتهييج المفاصل
والاوامر المخالفة على ذلك الشخص في الذات فتريض وتتلوا الاسماء اللايقة لذلك فمن ذلك اسمه المنتقم والقابض وغيره وانبطش
الشديد مع الرياضة والتلاوة على عدد الذي يكون منه الاسم وقس على ذلك **والقسم الثاني** وذلك ان تتلوا الاسم على عدد
المطلوب وتصرفه بهمتك مع الرياضة على ما يناسب ذلك العمل من الاسماء كما بيناه **والقسم الثالث** الذي تدخل الوجوه ويهيج
خاطرك وهمتك وتتوجه على ذلك العمل الى الاسم اللايق به على قدر ربط الاسم وضربه على عظم الاعداد فاذا تم العدد الاكمل
قد هيبت والتلاوة الى ذلك العمل الاسم المناسب لذلك الاعمال وقس على ذلك **والقسم الرابع** فهو ان تحسب اسم الطالب فتعطيه اسما
يوافق ذلك الشخص من الاسماء وله وجه آخر وهو ان تنظر الى سبب الشخص فان كان من ارباب الحرف فتعطيه من الاسماء المناسبة له مثل
الرزاق والفتاح وان كان من اهل الصناعة فتعطيه الاسم العليم الحكيم وان كان من اهل الفقر وقد سلبت عنه نعمته فتعطيه الاسم الغني
وقس على ذلك تنجح جميع اعمالك بها هكذا لكون اعمالك من الربانيات **واما** الاسماء فعملها في الاعمال الجوهرية نصوصا في خاصة اهل الله
تعالى فيها التوسل الى الكشف ومعرفة ما في الملكوت والتحقق بذلك الاسم والتحقق به والكشف على ما لذلك الاسم من العوالم فيها الى حضرة
والاولياء والصالحين وما في العوالم العلوية وتحته العوالم السفلية من خاصة الجن والانس وذلك تتميم الاعمال بها وكشف سرها
وشهود انوارها وعند ذلك صفت انوارهم وتعاظمت افكارهم وعظم في الملكوت الاعلى مقدارهم **قال الله تعالى** ولله الاسماء الحسنى
فادعوه بها وذروا الذين يلحدون في اسمائه سيجزون ما كانوا يعملون **وقال** صلى الله عليه وسلم الاسماء حجب بين العبد وبين الله
ومقامات وانوار الرحمة الناسبة والمنة اللاحقة ويجد السالك مقامات من الاسماء يتحقق بحقيقتها ولولا الحجب الاسمائية لاحرقت
سبحات وجهه ما انتهى اليه بصره من خلقه وان حقائق الاسماء من حيث هي لا يعلمها الا الله تعالى **واعلم** ان سر الاحصاء هو الامانة ونتيجة معرفة
الاحصاء هو سلوك طريق الكشف عن حقائق الاسماء والامانة من حيث المعرفة في الاسماء وكان الايمان من نتيجة العلم فهو مدد
تنبيه روي ان الامانة هي معرفة الاسرار كما روي عنه صلى الله عليه وسلم من طريق حذيفة ابن اليمان قال قال رسول الله
صلى الله عليه وسلم الامانة نزلت في جذر قلوب الرجال فكانت الامانة قد حصلت في جبلة الانسان كان المعرفة حبيبة عليها العقل
في العهد الاول وهو يوم خطاب الست بربكم قالوا بلى **الثاني** اخذ الميثاق في الذر **الثالث** اخذ الميثاق في النفوس **الرابعة** الاخبار
في التركيب **الخامس** ظهور الاحكام في الربوبية والاجابة في الذر ظهور التوحيد مطمس الربوبية الذي سبب على انواع الاوامع دوام
الضلال بالابد والاشارة في اخذ العهد علام الذي هو ظهور العلم بمسالك المصطفين كما قيل حقيقة العلم الاهتداء ثم الاقتداء
اشارة الى الاهتداء حقيقة الجبلة بما اودع الله فيها من السعادة والشقاوة ولذلك قوله صلى الله عليه وسلم كل ميسر لما خلق له واخذ
العهد على النفوس ظهور الحكم بسلطان القدرة وظهور الحكم بسلطان القدرة وهو جمع الحواس الى الامتثال وتسليم القلب والاختيار
ظهور الاستيلاء وظهور الحكم هو امتثال الامر بظهور الرسل صلوات الله عليهم وحقيقته ثبات الحكم الخلافة بالمندوبات جميعها
والله اعلم **فصل** اعلم ايها الاخ العزيز ان كيفية الخلق الى هذه الاسماء هي في الشرع طرق واعتمد والآن اذكرها وانا كتاب قد جمعنا
مبدء الغايات في اسرار الرياضات وبينا فيه طريق الرياضة ولكن اذكر في هذا الكتاب احسن ما ذكرنا في ذلك باختصار **اقول** اذا اردت
التقييد بتلاوة هذه الاسماء اسماء الله الحسنى فاول ذلك ان تبتدي بالصيام وعلا عن معاصي الشبهات **الاول** سلا بقي باليمين صحيحين
وبجوزيلاق ونقس بهما عليه وتضع ظاهرهما وكل فتجمع بهما شيئي وتقدس بهما سري وتثبت امري وهي معرفة وكشفا الافق به على ان
حسني لذلك سوى الانوار وكاشف الاسرار وتكون عندك بمقدار **ما من عبد** يداوم على تلاوة هذا الذكر الشريف الا ارتقى الى الله
في القلوب وانفتحت عنه الخواطر النفسية وبشره الله على كشف احوال الاسماء والله اعلم على احسن ما يكون من الصور وما يأتي تقريبا به
عند حدوث التلاوة ويتم الطالب في الاسم اسرعت خطرات عند غائب وان اعجب ابه هو منهدم لاختصاصه او فعالية جميعها ويكون قد يجب
وايجب لذلك لاتخرج من تلك الخلوة الا بالفتح الاكبر ثم انه تستعمل الغذا بعينه الخلوة الزبيب الاسود واستعمل الاسفاناخ والاشيا الحية

ثم يخفى

مثل البقطين القلي بالشيرج ومثل الفالبوح جميعا في الشراب التوم ولا البصل ولا تكون كثير النوم ولا اليقظة وما دامت مستحضرا قلبك
في الاذكار جميعها والكلب الجرس الشعير لانه بارد يابس يطفئ الحرارة فلذلك صعب في الخلوة وتكون تلاوتك عند طلوع الصادق الا اشتغالا
وذكر ما تقدم من اوقات الساعات في الليل والنهار من الاسماء والاذكار ثم تقرأ آية وسورة تباركت وتقرئ الخلوة تقرئ لطيف لا تنام الا
وانت جالس وعليك بتلاوة القرآن وتلاوة هذا الاسم الشريف فانه اذا تلوته واتعبت ما رأيت من احوال امور العجيبة وعليك بالكتمان السر
وان هذه الخلوات لا يستطيع عليك احد من الجن بالتجربة من نفسك ولا تبرح البيت ابدا وعليك بالاستغفار وكثرة تلاوة سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وعليك بتلاوة لا اله الا الله الملك الحق المبين وان تلك الروحانية
وهم من سكان السموات السبع بحسب ما لهم من الاسماء وعليك بكثرة التلاوة واكل الحلال والرياضة عن جميع اللحوم وما خرج من
الحيوانات ما استطعت وعليك باكل الرطبات وعليك بالصلوة في اوقاتها فاذا استخدمت من الروحانية فانه يتجلى لك في نوم او يقظة
في اليقظة بحسب استعدادك فبعض الروحانية ياتيك بنور محض وبعضهم ياتيك مثل البرق الخاطف وبعضهم ياتيك في عين المراة وبعضهم يتشكل
من ذلك النور وترى صورة كانها القمر على صورة شتى ومن ذلك ما ترى صورة طيور خضر وبيض ووجوههم وجوه الآدمية وهم يتكلمون
باختلاف اللغات فتحقق ذلك وانه لا يخفى شيئا كثيرا ولا احد من المخلوقات الا ويجيبه **واذا** عرفت المراتب وكشف الله عن عين قلبك
كشف الله عن حقائق الاسماء وابواب الاشياء على ما هي عليه وحصل الكشف كان ادنى رتبة الولي ان يكشف له من العرش الى الفرش وهذه
الرياضات جميعها من طريق اهل الخلوات واما التصريف بالاسماء باوفق بحسب مراتب ذلك الاسم وما له من التسريل فاعلم ذلك **تنبيه** اعلم ان
كل اسم له مربع ومثلث ومخمس وكل له من الخواص فاذا شرطت هذا المعنى اذا اردت التصريف بذلك الاسم فتكون قد كتبته في يوم سعيد
في طالع سعيد على معدن مخصوص من المعادن الطبيعية ويأتي كل مربع في محله ولكن عليك بكثرة التلاوة وعليك باكل الحلال وهذا اكبر الشرط
عند القوم وان الشخص اذا عرضت له حاجة من الحوائج كما ذكرنا فليات بمربع الاسم فيكون قد نجحت له كل حاجة في ذلك الاسم العدد
بيناه الله فيه يكون ذلك وانا قد وضعت لكل اسم وما له من المربعات وما لكل اسم من العدد المضروب وما له من الايام وما له من الكواكب والمنازل
والبروج ومن الدعوات والبخورات والتصاريف واسئل الله تبارك وتعالى ان ييسر كتابي هذا وان ينفع به الاخوان فامنوا منه على عارف بما
آمين **فصل في تفصيل سر اسم الله** بسم الله الرحمن الرحيم **اعلم** ايها الطالب وفقنا الله واياك ان هذا
الاسم هو الاسم الاعظم على اتفاق جمهور العلماء من المتقدمين والمتاخرين وان حقيقة الذكر هو التسبيح بلسان التحقيق **اقول** ومن اراد ان ينير
او منازله تكون مطهرة لتقديس وتسبيح وبابه فيجد تحقيقه الى التوحيد والتقديس والتسبيح على السالك الذي اراده والحكم الذي
قد عين الكمال الطهارة الذاتية عن الاوصاف الذميمة بثبوت المحل عنه بحضور القلب وسكون الجلالة عند الصدمة الاولى ويحق الحقيقة تشعر
عند الحقيقة فلا دعوى رتبته في الارض وسمت في السماء في الافق الاعلى **قال الله تعالى** ان الله الاسماء الحسنى او يجاوز ذهابا في معنى التسبيح
هو يرده الاسم في كل نفس من الانفاس **لطيفة** قال بعض العارفين المسبح بسر باطن حقيقته طاهرة طهارة ذكرية في ميدان عجائب الملكوت
ولطائف حقائق الجبروت والسالك المسبح في ارض الهيم الزلزال امواجه والرياح تهيج بفكره وقلبه النار في الكشف عن حقائق الاشياء والمسبح
بروح في بحار الشوق والعارف في بحر ليثرب بحار الغيب والصادق يسبح من شرع في سر الانوار القدسية المشعشعة من معاني سر الانوار الصفاتية
مع ثبوت اقدام التمكين في احتلاف الحالات **تنبيه** فاطلق هذه الاسماء شارحة للاسم الاعظم الذي هو الله وبه يوصل الى معرفة باطن الاسم
هو فاسم الذي هو **هو** باطن الظواهر وهو ظاهر البواطن فافهم وتحقق اسم **الله** احتلف الناس في هذا الاسم هل هو مشتق ام لا فمنهم من قال
غير مشتق وهو مذهب اهل الحقائق لان الاسماء التي مشتقة من نعوت الجلال وهو اما مشتق منها او من اجله لان اعدم الاشتقاق في هذا الاسم
علم من الاسماء شتقت العرب اشتقاقا لا هذا الاسم لم يرد عند العرب قبل الرسول صلى الله عليه وسلم وكانت تستعمل لفظ هذا الاسم على صفة فضلا
وصفة صفة نعتية وقد وردت الاثار انهم كانوا يكتبون في مصحفهم **باسمك اللهم** ومن جملة هذا تعلم ان تسمية هذا قال الجنيد ما عرف الله
الا الله واعطى الخليقة الاسماء ليحجبهم بها فاظهر باسم ربك العظيم واقول والله ما عرف **الله الا الله** في الشاهدين والذين هم اليوم مبين حقيقته

هذا الاسم الشريف انه التخلق لا التعلق ومنهم من قال انه مشتق من التوله وهو الفزع ومنهم من قال انه لا يحيى والرحمن تولد تفريع فيه فلو
خفي ذلك حروف هذا الاسم الاعظم خمسة حروف وهي ا ل ل ا ه فحرفان ساكنان وهما الالف واللام الاولى وليست حركة الالف
بالهمزة وهي اصلية لا ضرورة النطق اذ لا يمكن النطق بالساكن فقوله هو الله وبسم الله ولذلك ان الالف تحتجبت على الحروف فاختفت حقيقتها
بحقيقة الالف مع الحروف ولما ظهرت الحروف بحجابها القهري وذلت الحروف بالرحمة فتشكلت ثمانية وعشرين نوعا الذوات الحروف لا الالف
بل هو هي في التجلي وهو تجلي القدرة ثم تجلي ثاني وهو تخصيصها بالتعريف فعرف العلويات بدلالتها والسفليات بدلالتها هذا التجلي
ارادة ثم اختص حروف اسم العناية تخصيصا بسر التبليغ ثم اختص حروف احاطها القبول السر وجمع الحروف في عين الجمع بعد يوم القرب فالتوى
الهاء وجعلها سر الصدر اذ الصدر سر العلم جملة وتفصيلا ومن الشرح على يدي حبيبه صلى الله عليه وسلم بقوله تعالى الم نشرح لك صدرك
لما كانت الالف تحتجبت ان توصف الحركة ومن بعدها بالسكون لا انفصالها في الاوليات والثانية في العبارات في الاحوجات سوى حرفا
الحات الرفع والنصب والخفض والضرب بين التعريف وليست مفتقرة للتعريف واتت اللام الاولى ساكنة ومن سبقها متحركة من جهة ما اتصل بها
من اللام الثانية لتلقي سر سكونها من سر سكون الالف ما في قواها وذلك تلقى سر اللام الثانية فجزيرة اللام الثانية سر بحر الحركة اذ هي
حقيقتها اللام الثانية سر اعلاها فتلقاه الهاء سر اعلاها فتجتمع فيه سر الحركة والسكون ولذلك كانت باطن الباطن فالهاء سر الشرح
الصدر كما ان الالف اشارة للذات واللام الاولى لعهد الميثاق علما بسر وسطها الالف ثم اللام الثانية لتعهد الفطرة بانه من سر الاحد
ثم اللام الثانية الثالث والاياب في يوم الدنيا القبول التكليف الشرعي لما فيه من واسطة الالف ثم الهاء تمام الامر يوم الشهادة الاخرة تجمع
الاولون والاخرون فعبارات هذه الكلمة الربانية من اربعة عشر حرفا ان وطا الالف واخرها الالف وسر ذلك ان الالف واللامات وتعريف
تعريفها في شيء تكون اثني عشر والهاء باثنين حصة المجتمع اربعة عشر لان اولها كآخرها وآخرها كاولها كما قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
هو الظاهر فليس فوقه احد وهو الباطن فليس دونه احد ولما كانت هذه مجموعة من اربعة عشر كانت السموات والارض اربعة عشر حاسة
من ملك والملكوت ثم سر من هذه الاسماء دليل كل درة من الدعاة فانت سر من اسرار اسم الله تعالى الله فقد فهم عنه
القول بالتوحيد فكل عالم على نحو الذي قام به علم او عالم ام لا قال الله تعالى ولله يسجد من في السموات والارض طوعا وكرها فالالف الالف
دلالة الذات واللام الاولى دلالة صفات الذات واللام الثانية دلالة اسماء صفات الافعال واللام الثالثة دلالة اسماء المعاني القائمة
باسماء الصفات والهاء دلالة اسماء الاشارة ببواطن الاسماء هذه اشارات الموحد في التوحيد تنبيه اعلم ان الالف في دلالة المحققين
المخلوقات هو العقل لتقدمه على من سواه كما تقدم ثم اللام الاولى وهي النفس لانه لا اثر منها النطق والروح صفة الحي ثم اللام
تسمية القلب اذ هو متعلق من النفس من تسمية اللام الثانية المتقلبة عن اللام الاولى ثم الهاء وهي الخاص وهي الذات المعبر عنها بالحلق
وهي الهاء وحيث سر الالف كما قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خلق الله الخلق في ظلمة ثم رش عليهم من نوره فلا بد من اللام الاولى هو عالم الذر كما قال تعالى الست
بربكم قالوا بلى وذلك سر والله اعلم قال بعض العارفين الالف والام سر من سر الجسم وحقيقة من حقيقة الى حقيقة وقال الحزماني
الالف واللام وبينهما سر من السر وبين الالف واللام وسر من سر السر وبين الهاء واللام واللام سر من سر سر الى السر وهذا بين الالف
فتدبر بحق حقيقة ربانية ولطيفة ايمانية بهذه اللطيفة تستغرق الصادق بجانبه ركوب بحر دينه بيهو او يشاهد فيطلب
ربه ويفهم ومعرفة دون قوم ابنيه ولا معرفة كيفية فمنا الذي يحيى الكل واحد وظاهرا وباطنا فصل ولما كانت الهاء باطن الاسم
الاعظم لتقدمها في التوحيد لقوله تعالى هو الله وهو الحي وقد تقدم ان الالف هي اشارة توحيد الذات والهاء باطن التوحيد وقد
جعلت الهاء بهذا الاسم الاعظم اخر المجتمع بظاهر التوحيد لباطنها فيتصل اول التوحيد باخره لتثبت اليقين لقوله تعالى هو الاول والاخر
والظاهر والباطن الاول هو مركب من حرفين لتخفي وهو الله تعالى حين الباطن بحال الحرارات تحت حرارة الشوق الى الله تعالى ومنها حرارة
الطلب ومنها حرارة الذكر ومنها حرارة الفكر ومنها حرارة الطبع فرجم الله تعالى الباطن بان استولت هذه الحرارات تحتفر على اسماء الباطن هو
فاذا قال العارف هو هو اجتمعت الحرارات المحرقة وخرجت بنفس النفس الى روح الهواء فرجع النفس بين الهواء فرجع النفس بين الهو

وهو

وهو هو لانه في الظاهر بهذه وفي الباطن هو الا انه سر لا الهاء الى ابد لا نرجع بين باطن الهو وظاهر الا لفظ في التوحيد ثم الواو
من هو تخرج من الشفتين بالاشمام لتجد النفس مخرجا بحرارته وان الواو اخر حروف وهي توسطت في اخر الهاء متقدمة على ظاهر الترتيب
بقوله هو الله وذلك توحيد بذاته وهي ايضا متقدمة في توحيد الموجودات بتوحيده في معلوماته لقوله تعالى وهو معكم اينما كنتم
واحكام مشيته هو تقدم الاول في معنى الباطن في قوله تعالى هو الاول فهي باطن الاخر وباطن الظاهر وباطن الباطن فقد تقدم وهو
الاول وهو الاخر وهو الظاهر وهو الباطن فهي هو والهاء حاملة لطيفة الحق ثم رجع النفس ثانيا الى الصدر بمنح الحق في اللطيف
استرواح الهو واعلم ان هو هي حقيقة النفس الداخل والخارج نطقت بهما ادم نطق فاذا دخلت النفس تطوق بالطلب هو فيكون
قبضا على لطيف الحق فاذا خرج النفس تطوق بالطلب هو فيكون بسطا لسر الهو فالنفس الداخل القبض والنفس الخارج والواو هو في البسط فالهاء
خارجة بنفس الحق فالواو خارجة باحراق الحرارات لتلقي الواو التي هي حامل الحرارات من الهاء التي هي سر الحق فتصل الحق بسر الامداد فهي
الى ان يأتي اجله اعني العبد بحول الله وقوته وحكمته الى ان يتم حكم القبض والبسط فهي لتعود الى سر رجوعه فتبرئة الله تعالى فتجد الموجودات
جميعها الله تعالى على لطيف الانفاس ولولا ذلك لغشيهم العذاب وذلك معنى قوله ائتيا طوعا او كرها او ظلالهم بالغدو والاصال فهذا انبسط
ما يرونه اهل التحقيق والله اعلم فصل اعلم ايها الطالب ان اسم الجلالة هذا الاسم الاعظم وله خلوة جليلة القدر وتصريف عظيم ويعرف
المحققون من اهل الله تبارك وتعالى وصفة القيام بهذا الاسم الاعظم اولا الرياضة وذلك ع ع بوما وانت تذكر الاسم الشريف ذكر كل
صلوة على عدده المذكور ثم بعد ذلك تعمل الخلوة طاهرا وانت تجاهد نفسك عن الشهوات وسوء الغضب وتخلع عنك الاخلاق
القبيحة والاعمال الردية واجعل قلبك في عالم الملكوت وانت تذكر فتجلت في اول الخلوات الله الله ما تماما القلب دون اللسان الى ان
يغلب عليك حال الانس ويستولي حتى تغدو اهلا لتفتح لك الباب تنظر منه عوالم الارض والملك والملكوت وتنظر ارواح الانبياء و
عباد الله الصالحين وتلاقي الملائكة روحانية في النوم في هذه الخلوة وهي الخلوة الاولى ويحصل الحرية الذاكرين والشاهد قوله تعالى
واذكر اسم ربك وتبتل اليه تبتيلا ومعناه الانقطاع الى الله عن كل شيء وتطهير القلب عن كل شيء والتبتل الابعاد ومن خصوص الربوبية
العلم بحقائق المكانة الحسنى ويحصل الفتح عن معنى لا اله الا الله والله اعلم تنبيه قوله تعالى لا اله الا الله حصن ومن دخل امن من
عقابي وان لا اله الا الله دائرة ومعناها نفي واثبات وهي دائرة تبتدئ في دائرة النفي من دائرة الاثبات فهي لا دائرة النفي الوحدة
ودائرة الاثبات الموحد وهي بطران سطر النفي من العلويات وسطر الاثبات من التجليات ولما كان سطر النفي محمود على حروف خمسة
كانت المعيات خمسة في اخبار من الغيبات وتحق وجوده لانه عن تصريف القدرة وهي قيامه بالاعمال ولطيفته في بالاسماء ونفي
ما بين في الاعمال البهيمة وهذه كيفية بقائك في الاحوال مضاهاة الخمسة من تعلقات النفس فمن قطع هذه العقبات صعد به الى دائرة الاثبات
وهي سبع مراتب على حروفها فتكون حيوة بالتوصل وعلما بالشهود وقدرة بالرضى وتصريفا بالحكمة ونظرا بالبصيرة وشهودا بالحقيقة في
سمعه بالكشف وحيوة بالتوحيد مذكوره هو حقيقة البقاء بالعلم والشهود فشهد انوار اللقاء فيصير فيها الرضا وتصرف بالحكمة وفطرة بالبصيرة
وشهود الحقيقة وسمعه بالكشف فحياة التوحيد دينه كحياة النفس عن الاطلاع عما مضى وبنطقه بالحكمة ويكتب الهداية من الزلل ونظر
بالبصيرة ويكشف له عن حقائق الاقبال وسمعه الذي يسمع به وهي حروف القرآن فمنها المعنى حقيقة الاثبات التي هي لا اله الا الله
في لا نفي له الا اثبات له ولما كانت لا اله الا الله محمد رسول الله اثنى عشر حرفا فكانت حصنا له كما اخبرنا بقوله لا اله الا الله
حصني ومن دخل حصني امن فقال بعض المحققين وحروف لا اله الا الله هكذا ابسطها لا ا ل ه ا ل ا ا ل ل ه وهي اثنى عشر حرفا
دلت على عدد البروج ولما كانت البروج منها منقلب ومنها ثابت فكذلك كانت هذه الحروف منها منقلب ومنها ثابت فلاجل ذلك كانت كلمة نفي
اثبات وان هذه الحروف بعدد ما على روحانية القمر كلما حل يكون عليه في تدبير العالم وان هذه الحروف هي التي تدبر فلك القمر وهي رحمة
وهذه الكلمة تليق بالانسان وان افلاك العالم هي الحركة تحكم انقضائها الكبرى الافلاك وهي دائرة كل الموجودات في النبات والجماد والحيوان
وبين كل الفصول الاربعة والشهور كانت اثنى عشر شهرا وكانت الساعات اثنى عشر وتمام كل حرف عشرة فيكون تسعة وتسعين من هذه الحروف

تنزل الرحمة وتظهر البركة وتنفجر الحكمة وتقع الهداية وتنال ما الرشد وتعظم الموهبة الخصب وتضاعف الحسنات وهذا على الجملة
واما التفصيل فان الله تبارك وتعالى جعل من خفي لطفه ودقيق حكمته ما اودعه في تصريف العالم في يوم الاحد وقد تبرع على
عشر ساعة فجعل منها ... ثلاث ساعات لسر الصيف ثم ثلاث لسر الخريف ثم ثلاث لسر الشتاء ثم
ثلاث لسر الربيع وهذا الزمان تدبيره هذه الحروف المسددة للتوحيد التي هي نتيجة لا اله الا الله والقيومية لا ينبغي الا للقيوم
وان العالم البشري مركب من حركة وسكون ولابد من اقتضائها وكشف ظواهرها فجعل له الليل والنهار وهو لوجوده لسر وجود عالم
حقيقة سر العقل والبعث والارتقاء الارواح وتصاعد العقول وتكون البشرية تحت تلك الظلمة فجعل عدد الليل اثني عشر حرفا
ولكل حرف ساعة فاذا قال لا اله الا الله لا يتم التوحيد الا بها وتمامها محمد رسول الله وهي الاخرى اثني عشر حرفا وهي تمام دائرة
الليل والنهار وقد كملت الحكمة بتمام الرحمة لقوله تعالى ومن رحمته جعل لكم الليل والنهار لتسكنوا فيه ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون وقد فهم
ذلك الناس من قال لا اله الا الله محمد رسول الله باشراطها كما ذكرنا ومن اباه الله فكان بعيدا عنه وهذه الكلمة افضل ما اتى بها النبي صلى الله
عليه وسلم امرت ان اقاتل الناس حتى يقولوا لا اله الا الله وقوله صلى الله عليه وسلم افضل ما قلته انا والنبيون من قبلي لا اله
الا الله واعلم ان الحروف الاربعة والعشرين في مقابلتها اربعة وعشرين عالما وكلها قد جمعت في حرف الالف وقد تقدم صورتها
في الحروف فان بهذه الكلمة كانت حقيقة العالم العلوي والسفلي وتنشق ذات العرش كان من بيانهم فيه بالسطرين المكتوبين بالنورين
اعني النور الابيض والنور الاخضر وهما سطران عن قوله لا اله الا الله محمد رسول الله فتلك السطرين المكتوبين بالنورين وقد
استقبل العرش فافهم حقيقة هذه اللطيفة الروحانية للملائكة الثمانية الذين كانوا يحملون عرش ربك فيصعد عنهم انوار الملكوتيات
وانوار الجبروتيات وانوار الملكيات لان العالم العلوي كلها انوار ونور الانوار هو العرش ونور الانوار هو الله لقوله تعالى
الله نور السموات والارض ... ثلاث احرف ... من كل حرف ما يلايمه اتى كل ملكوت وجبروت فنور الملكوت بعد
العقول ونور الجبروت بعد الارواح ونور الملك بعد القلوب تحت الثمانية وعشرين الاربع املاك الى الثمانية التي هم حملة العرش واصل
ذلك من قال لا اله الا الله محمد رسول الله تحرك العرش ان الله تبارك وتعالى لما خلق العقل قال له من انا فتجلى بنور التوحيد
وعلى الوحدانية فقال انت الله لا اله الا انت فلم يكن العقل يعرف الله الا بها ولقد وجد ان العبد اذا قال لا اله الا الله خرج منه
عامود نور الى تحت العرش ... وهذا تنبيه ... في الملك وعروج في الملكوت وصعود في الجبروت فلا
يتعلق ولا يقف دونها من شيء من الحقائق ... العالم والجميع شاذرة عنها قال الله تعالى اليه يصعد الكلم الطيب وكذلك العدد
من قال لا اله الا الله سبعين الف مرة دخل الجنة وقال بعض المحققين من قال لا اله الا الله الف مرة وهو على طهارة كاملة
يسر الله عليه اسباب الرزق عند ... وكذلك من قالها عند منامه ١٠٠٠ مرة بات روحه تحت العرش ومن قالها عند فوق
الظهر مع طلوع الشمس ... شيطان ... وكذلك من قالها عند رؤية الهلال امن من الاسقام وكذلك من قالها بجمع همه ... رسلها
على ظالم اهلكه ومن قالها العدد المذكور عند دخوله الى مدينة امنه الله من فتنتها وكذلك من قالها بقصد التطلع الى العلويات
كشف له غيب ما قصد وكل الطلب التطلع الى مقام الارتقاء حصل له ذلك وروى عنه صلى الله عليه وسلم انه قال من قال لا اله
الا الله دخل الجنة وقال من كان اخر كلامه لا اله الا الله دخل الجنة ومن كان له حاجة فليدخل الى خلوة ويخلي نفسه ويجمع قلبه
ثم يقول لا اله الا الله سبعين الف مرة ويطلب ما اراده من الحوائج فان الله يقضيها له وقال بعض المحققين ان معنى جزاء الاحسان
الا الاحسان هو قول لا اله الا الله وقال صلى الله عليه وسلم للذين احسنوا الحسنى هم القائلون لا اله الا الله فان العقل
اذا كان ... الاذكار افضل من لا اله الا الله واحسن المعرفة معرفة لا اله الا الله وقال عثمان بن عفان رضي
الله عنه بينما انا جالس عند النبي صلى الله عليه وسلم اذ اتاه ... جبريل عليه السلام قد اقبل وقال يا محمد ان الله
تبارك وتعالى يامرك بالاحسان بالعدل شهادة لا اله الا الله فلما سمعت ... عن الايمان ... عن الاحسان فقال

القيم

القيام بالعبودية وقال ابن عباس رضي الله عنه الاحسان بالعدل شهادة ان لا اله الا الله والاخلاص بها واجتمعت العقول انها كلمة نفي
واثبات وهي لا اله الا الله وقال الله تعالى انها كلمة استقامة واستقامتهم قول لا اله الا الله ومقاليد السموات والارض فاتحة مفاتيح
لا اله الا الله وان ابواب السموات لا تفتح عند الدعاء الا بقول لا اله الا الله وقوله تعالى قولا سديدا هو قول لا اله الا الله ومعنى
التوحيد من عرفه قول لا اله الا الله ومعناها ان لا السواد ولا معبود الا هو وليس تحصل شفاعة الانبياء الا لمن يشهد لا اله
الا الله ولا تقوم الساعة الا على من لا يعرف معنى كلمة لا اله الا الله وقوله تعالى يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين
اي اهل لا اله الا الله واعلم ان جميع ما خلق الله من الخلق وعلم العلوم وعلوم الاولين والاخرين منطوية في هذه الكلمة وان الانبياء
جميعهم قد جاؤا الى اظهار كلمة لا اله الا الله وما انزلت الكتب على الانبياء الا لبيان لا اله الا الله وقد قال الله تبارك وتعالى مخاطبا
لنبيه محمد صلى الله عليه وسلم بقوله فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وقول لا اله الا الله محتاج الى اربعة اشياء تصديق
وتعظيم وحلاوة وحرمة فمن لم يكن له تصديق فهو منافق ومن لم يكن له تعظيم فهو مبتدع ومن لم يكن له حلاوة فهو
مراء ومن ... هذه الا للانبياء والاولياء والافراد المحققين من العلماء الصالحين وقال صلى الله عليه وسلم افضل الذكر لا اله الا الله
وان جميع الاعمال يصعدها الملائكة الا كلمة لا اله الا الله فانها تصعد بنفسها والشاهد قوله تعالى اليه يصعد الكلم الطيب ثم قال والعمل
الصالح يرفعه وان بعض المفسرين قال في معنى قوله تعالى اذا الشمس كورت واذا النجوم انكدرت ان يوم القيمة تجلى كلمة لا اله الا الله فيبقى
لها نور يطفئ نور الشمس والقمر ويحتاط الى النور باهل لا اله الا الله وقد جاء ان جميع الطاعات في يوم القيمة تتلاشى الا التسبيح فانه
يبقى صاحبه النور الخضر حتى يتنزل عليه الانوار في يوم الحشر وان العبادة في اخر الزمان تكون عادات وقد لا يقبل من ذلك في اخر الزمان
الا التسبيح فانه يقبل على اي حال كان وافضل الذكر قول لا اله الا الله وكان يونس عليه السلام يذكرها في بطن الحوت وقال الله تعالى
فلولا انه كان من المسبحين للبث في بطنه الى يوم يبعثون وكان ذكره قول لا اله الا الله واعلم ان كل طاعة للعبد تحملها الملائكة ترفعها
الا كلمة لا اله الا الله فانها تخرج من فم الشخص كانها نور قائم وتطير جلاء التسبيحات وشاهد قوله تعالى اليه يصعد الكلم الطيب
ولا يرجع الى ... من كانت له حاجة عند الله فيجلس في مكان خال ثم يبتدي بتلاوة الذكر وهو قوله لا اله الا الله سبعين
الف مرة وان ما يقوم من مقاصد الاولى الحاجة قضيت فاعلم ذلك فصل والاسم الجلالة ... اذا ثبت باسم الذات ...
فانه يطلق باسم الالوهية فاذا حذفت اللام وجمعه فطلق باسمه اله وان حذفت اللامين يطلق باسمه ا ه وكذلك اذا اسقطت اللام والالف
نطق باسم سر ذي عظيم وهو ال وان اسقطت الالف واللامين ينطق سر الهاء فظهر باسم هو وهو اسم ناطق باسماء الذات وجامع
لجميع الاسماء وجميع الاسماء متعلقة به وجميع الاسماء اذا انفكت تطلق معنى الا هذا الاسم فانك اذا افتكت على ذكره تطلق باسم الرحمن
وسبب اسمه الجامع لانه جامع الاسرار فمن قال اذا اراد يا رحيم يا الله يعني يا رحمن يا الله واذا ارفقت يا غفار يا الله يعني اغفر لي يا الله واذا
كنت في ضيق فتقول افرج عني يا الله وكذلك نسبته في جميع الاسماء ... الا وهو متعلق باسم الذات لان
جميع الاسماء تعلقها معه من هذا المعنى فاعلم ذلك فصل ومن خواص هذا الاسم الشريف العظيم القدر لاشفاء الاسقام لانه ترياق
الملسوعين فمن اصابه مرض من ريح او نظرة او حمى فليكتب له هذا الاسم الشريف على عدده ٦٦ مرة ويشرب منه اصحاب العلل فتنفعهم ذلك
ويكتب اسم هذا الاسم العظيم الى جميع المصابين على عدده ويشرب به فمنفعته عظيمة واذا حبس حيوان فكتب ... على اعضائه فانه
يخبس وان اردت حرق جني فاكتب اسم الجلالة حروفا في خرقة زرقاء واحرق بها على المصاب فان اردت حرقه حرق وان
اردت نطقه نطق واذا كتب مربع هذا الاسم الشريف في خاتم من ذهب في يوم الاحد اذا كان الطالع الحمل ... على ذكر اسم الجلالة
على عدده فان الله تبارك وتعالى يرفع قدره بين المخلوقات واذا كتب في يوم الاثنين على فضة بيضاء ... الشمس فان الله
يرفع قدره بين المخلوقات وقد روي عنه صلى الله عليه وسلم انه قال اذا قال العبد المؤمن يا الله يقول الله لبيك عبدي ... سل تعط
والله اعلم وكان عبد الله محمد ... وقال ان فضل هذا الاسم على بقية الاسماء كفضل ليلة القدر على سائر الليالي فمن خواصها ...

١٧٣

البرانية فمن ذلك الملوك السلاطين ومن يلي الاحكام وارباب الدولة تكتب هذه الدائرة الشريفة بمسك وزعفران وكافور في خرقة
من حرير ابيض وتجمر ويتلى عليها الاسماء وتحمل الى الملك فان الله تبارك وتعالى يرفع قدره عند سائر المخلوقات وتنفذ كلمته
عند رعيته ولا يامرهم بامر الا اطاعوه والقى الله تعالى هيبته في قلوبهم بحيث ان لا ينظره احد الا ويرجف قلبه من هيبته وان كتب هذه
الدائرة الى المراة وحملتها لا تحملها الا عند الطهارة الكاملة فان الله تعالى يلقي محبتها في قلب كل من يراها و اذا كتب في رق غزال الوف
والزعفران ووضعت على الحامل التي تعسرت عليها الولادة وضعت باذن الله تعالى و ان كتبت الى مصروع او مصاب او ضعيف عافاه
الله تعالى ان كتبها انسان طالب تصريف الاسماء وحملها فان الارواح الروحانية ترفع قدره وتسمع كلامه ولا تعصي له امر
علقت على اصحاب الارياح السوداوية ابراهم الله تعالى وان كتب في جام زجاج بماء ورد وزعفران فان من شرب منها عافاه الله



من جميع الاسقام والامراض الا علة الموت وان كتب في يوم السبت الى المحبة والقبول والعطف وابراء الاسقام والبركة في جلب
الرزق وفي مجالب المناصب يكتب على رق غزال ويحمل بشرط ان تكتب الاسم وكان يعيش بحبوبها الموفق ويبرئ بها الاكمه والابرص
اعلم يا اخي ان هذا مما يهدي من الاعمال تصرفه به واعلم ان هذه الدائرة حلوة جليلة القدر عند الخلوة الاتية المخصوصة بالاسم وصحة
العمل ان تدخل الى الخلوة وتكتب الدائرة وتضعها في سجادة المصلي ثم تذكر الاسم حتى يغيب عليك خاطر الحالات وانت تتلو الدعوة
المخصوصة فانه يدخل عليك سبع اشخاص ويقولوا عليك نعم الملوك خدام الاسماء من العلوية ويقولوا لك ايها الولي الصالح قد ... لك

بما تريد

فيما تريد من الاعمال التي ترضي الله تعالى فعند ذلك تعاهدهم على ان لا تتصرف الا في الاعمال التي تنفع المسلمين ثم ان تتصرف
في كل اسم من ابراء المضابين وابراء الاكمه والابرص واصحاب العلل وما اردت من الاعمال القسم على صاحب اليوم من
الملوك العلوية وتوكلهم بالعمل فانه يكون ذلك فلا يمكننا ان نوضح من هذا من التصريف لانا نخاف لان الجهلاء اذا ان وهذه الاسما
التي تدعو بها عند الاعمال وفي الخلوة بعد كل ذكر وهي الاسماء التي في الدائرة فتقول بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسالك يا سيدي بجبرائيل ... العظيم واسالك بعزة اسمك العظيم الله الله الله ان تسخر لي
وخدمتهم ... وخدامهم الملك كسفائيل ودرديائيل وشمخائيل وطاطائيل وعنقائيل وعزرائيل وصمعائيل وطلحكا
وجبرائيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل ودرعائيل وسمسمائيل وجرمائيل وطهطائيل اكرديائيل وكرساية وصرفائيل
وعزرائيل وعطيائيل وعبائيل اجيبوا ايتها الملوك الرؤساء واعينوني على قضاء حوائجي بحق ما تعلمون من عظيم سر الله تعالى
بحق هذا الاسم العظيم الاعظم الله الله الله اللهم بعلمك وقدرتك على الخلائق وباسمك العظيم الكبير المتعال الله الله الله
فضلته على جميع الاسماء اسالك ان تسخر لي هذه الارواح وان ياتوا الي في منامي او في يقظتي لقضاء حاجتي يا الله يا الله يا الله
انه على كل شيء قدير ... تذكر الاسم الجامع ثلاث مرات فتعلم ذلك وتحققه من الاسرار المخزونة فاعلم ذلك واما التقرب بهذا الاسم الاعظم
بجزيه اقول الله اذا اردت ذكر هذا الاسم فاذكره على عدده ٦٦ في دبر كل صلوة من الخمس مع الذكر ... في الخلوة دبر كل صلوة
٦٦ في ضرب ٦٦ فيكون جملة الذكر ستة الاف وسبعمائة وستين فاذا تم ذلك يأتي اليك رئيس خادم هذا الاسم الروحاني المخصوص
بهذا الاسم وهو يتقدم مثل الصعقة واسمه كهيال وهو من ملائكة الصفوف فاذا ذكرت هذا الاسم ... هذا الملك و
الخلوة التي تستعمل الرياضة وتلاوة الاسم دبر كل صلوة ٦٦ مرة ... بصيام ... الى الخلوة ٦٦ يوم
وهذه الخلوة تسمى خلوة الصمدانية وتمامها سبعين يوما وهي عند اهل الخلوات وتتلو الاسم في كل صلوة وتتلو الدعوة الاولى
فانه يهبط الملك الموكل بهذا الاسم وهو على يمين العرش وهو خادم على ٦٦ صفا من الملائكة تحت كرسي كل ... اربع ... مطيعين
لامرك وان هذه الاربعة تهبط لصاحب هذه الخلوة وهي الخلوة الثابتة الى اهل الاسم
واما خلوة الاستخدام الثالثة وهو ان تكتب هذا الاسم الشريف في خاتم من ذهب
في يوم الاحد والقاف ... وتكتب على الخاتم اسم الخادم وتدخل الى الخلوة
وانت قد استعملت البخور والطيب الموافق الى الارواح العلوية وتستعمل الغذاء
الموافق لامثال الطين الخلوة مع السكر والشيرج وتستعمل ذلك في اوقات الخلوة
والتلاوة دبر كل صلوة العدد الخارج من الضرب فان الملك الكريم كهيال ... من راس التاج ويخر ساجدا الى الله تعالى
وهو يقول في سجوده آه آه آه ايل ال الوهيم انت تعلم ... الله عز وجل ... واهبطوا اليه فعند ذلك تهبط
الملائكة وتحقق باجنحتها في الخلوة ولها دوي كالرعد القاصف ويكشف الله على ... الملك الكريم كهيال
عليه السلام ويرى النار والانوار تخرج من فمه عند التلاوة ويحصل لك خشية عظيمة ويحصل له قشعريرة في جسده فاذا استشفعت
فاسئله التصريف ... الى ان ... بنظر الحال ... نعم وسلام على ... الذاكر
والله اعلم ثم ... فتقول اجاب الله دعائك ايها الملك الكريم واحد ... فانه يذهب ويبقى ... تريد وتنال
مرتبة الاولياء ومن من اهل الكرامات ان شاء الله تعالى وان لم تقدر على ذلك فيكفيك العمل الخواص الذي هو بالذكر والتلاوة فاذا
اردت فاكتب هذا المثلث على خاتم من فضة في يوم الاثنين ويبخر ... ثم ... اسم الملك الموكل به ...
وهما ... من الاعمال البرانية مثل محبة وطاعة وعطف وقبول وعقد لسان فتتلو الاسم وقد اقسمت عليك ايها السيد كهيال الا
ما امرت احد ... فانه ... واذا كان انسان عنده اسم ... اسم الجلالة ... هذا الخاتم ...

١٦	١٩	٢٤	٩
٢١	١٠	١٥	ودود ٢٠
١١	٢٤	١٧	١٤
١٨	١٣	١٢	٢٣

بجلاءتم من تبلو الاسم العدد المذكور فانه ينال ما يريد من الخيرات وهذا الاسم مربع شريف القدر وعدده ٢١ في ٢١ فمن وضع
اذا كتب في خرقة حرير في يوم الاحد بمسك وزعفران ويكتب حول المربع اسم الملك الموكل به ويحمله انسان شاهد من الخيرات
ما لا يحصر انسان وشاهد من الخيرات والبركات امرا عظيما واذا كتب هذا المربع وحمله مضار لا يقدر به حتى وان كتب في لوح
من فضة او ذهب وعلق على صاحب منصب لا يعزل ما دام عليه وان علق على ملك او امير يقمع قدره بين الرعايا ويحصل له
الهيبة ونفوذ الكلمة واذا حمله مهموم فرج الله همه او مغموم او طالب حاجة فان الله ييسر حاله وهذا المربع الشريف اذا فعل
نفع وبليغا اذا كتب في شقفة والقي في الماء غوص ولذا نعرفه التكسير وكتابة الغوص كما بيناه في النوع الاول من علم الوحل وله
فعل في طرد الحميات النافضة وترد البارد ويكتب ويسقى ويكتب ويعلق على المراة التي يسقط الاولاد فانها لا تعود ويسقط
تعلق على الاطفال الذين يضرعون من قبيل ام الصبيان فانه يمنع وايضا يكتب لمن يخاف في الليل ومن علم اصول الاعمال يتصرف كما يريد

وهذه صورته

ا	ب	ت	ث	ج	ح	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى
ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م
م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط
ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و
و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف
ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن
ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س
س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع
ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر
ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى
ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م
م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه
ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن
ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل	م
م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ	ل
ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح	خ
خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث	ح
ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت	ث
ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب	ت
ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا	ب
ب	ت	ث	ح	خ	ل	م	ن	ه	م	ى	ر	ع	س	ن	ف	و	ط	م	ى	ا

واما الذكر القائم بهذا الاسم الجليل فهو هذا تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك

يا الله

يا الله يا الله يا الله يا حي يا قيوم احيني حيوة طيبة اعيش بها على ناطق صحيح معرفتك والمبني بها على عند العوالم العلوية وافتح
عين قلبي ونور بصيرتي بنور من انوار روحك حتى ينفتح قلبي لتلقي اسرارك وينطلق بمكنون جواهر حقائقك وافض علي من بحر فيضك
الاقدس وسلم علي حيوة اصل الى ساحل الالطاف حتى اخذ لطيفة احيى بها حلاوتها الى يوم لقائك يا لطيف ٣ اللهم اني
تبضع نسمات نفحات اسرارك وكشف سرابها الذي انبهر لتجلي عطش اكباد او رادعين بركة وقاصد سبوح سرك يا من
له الاسم العظيم الاعظم يا من ليس له حجة يعلم وهو يعلم يا من تقدم على القدم وهو اقدم اسئلك بسر اسمك العظيم الاعظم
بنور وجهك وما جرى به اللوح والقلم وما الهمته عيسى ابن مريم وما ناجيته موسى الكليم على جبل الطور سيناء وما ذبت به
القدرة انا الله ايل ابراهيم ايل وبحق ما انزلته على نبيك محمد صلى الله عليه وسلم بمحل نجح مطالبي وتسهيل مآربي واكشف لي عن
عالم الملك والملكوت واجرى مرادي ما بين حصين من القضاء واسئلك ان تكشف لي عن الارواح الملكوتيات الخفيات المسخرة
من سر اسمك الجامع جامع الاسماء والصفات الذي تقربت به في كل اللغات وتحجبت به الى كل المخلوقات يا الله يا الله يا الله
يا حي يا قيوم يا نعم المولى ونعم النصير يا الله اسئلك ان تسخر لي خادم هذا الاسم بحيال وجميع خدامه اجب ايها السيد بحيال الاباركة الله
اليوحا العجل آمين ماهر عجيد وادم على تلاوة هذا الدعوة الشريفة من غير جنوق الارفع الله قدره ووزنه الفهم وبسط الله عليه
الرزق وفتح عليه اسرار الخفية ومن كتبه وحمله معه كان قبولا عظيما وكان مسيفا من شر ما يخافه من علم ذلك وهذا الحروف اوراه
على طريق الاجمال من شرح اسم الذات والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **تنبيه** اعلم ايها الطالب انك اذا اردت ان تعرف الحروف
التي تضيع العدد لها اللفظ فانظر الى هذه الابيات فالحرف الذي ينبغي لك ان تثبته او تتركه من حروف الفضلة تقال الله يقتضي
بكل بسري ويرتب الضعف حيث كان فما كان مهموزا فوق اللفظ جاريا وما كان مهموزا تحته كانت فهذا الحاسب فعن
منه الضابط فان حروف الجلالة خوف لان الحرف المشدد اثنين في كذا لا تقيد الحروف على هذا التعديد واستعن بحفظ الحروف واتبع
هيئة عند اللفظ

فصل في خواص بسم الله الرحمن الرحيم اذا كان انسان مريضا وتلاها
على عدد ها ٧ ايام عافاه الله واذا اكتب هذا العدد الى قضاء الحوائج اوالحاجي حاجة اردت وان تلاها انسان عند النوم
٣١ مرة امنه الله من شر ما يخوف به في فراشه واذا قلت على وجع الراس ٣ ايام عافاه الله لذلك واذا كتب في وجه ظالم حسنين
مرة فان الله يبارك الله وتعالى يكفيه شره واذا القيت في اذن مصروع اربعين مرة قام لوقته واذا كتب على المصاب او على صاحب
الاوجاع ما دام في فراشه سبعة ايام العشرة فان الله يعافيه وكذا الى الوجع الاحمر يكتب هذا العدد ثلاثة ايام وان تلاها صحيح على
عددها فان الله يسره ويخلصه من سجنه واذا كتب على الخطيب المنبر ١٢٣ مرة وتلوها على تمام طلب من الله ما اراده

قضيت حاجته **واذا** نقشت على ماء عدد بسائطها وسقيت من تريد ان تحبك فانه يكون ذلك **وان** كتبت في انا وسقيت الرئيس العلج فان الله يفتق عن يمين قلبه **وان** نقشت على ما جارى وسقى به حائط الاكثر ثمره ومن شجره **واذا** نقشت **٣٠** صباحا في كل يوم **١٠٠٠** فان الله يكشف عن قلبه ويلهمه غوامض الاسرار ويرى كل شي بحيث العالم **واذا** اردت القوة الاوفق نفس وكشف ما في عوالم بسم الله الرحمن الرحيم فلتتلوها في كل يوم دبر كل صلاة مفروضة **٣٠٥٠** مرة سرا فانه يرى في نومه كل شي يحبه في العالم مرة لك **ولها خواص اخر** وذلك اذا اردت ان تصرع به اصحاب الصرع فتعمد الى البلد الاحد وانت على طهارة كاملة وتصلى بعد صلاة العشاء **١٢** ركعة وتقرا في كل ركعة اية الكرسى وسورة الاخلاص وسورة الفلق وسورة الناس **٤٠** مرة فاذا فرغت من الصلوة فتتلها على عدد بسائطها وتصل على النبي صلى الله عليه وسلم **١٠٠٠** مرة وتصلى الوتر وتفعل ذلك اسبوع ليال ثم في سابع ليلة تكتب في حرز واجعلها على عضدك الايمن ثم ارفعها الى الوقت الحاجة فاذا اردت ان تصرع احدا من الواحد الى **٧٠** فقف مقابلهم وانت تقول يا خدام هذه الاسماء اجيبوا وتوكلوا بصرع هولاء وتشير باصبعك فاذا اردت قيامهم فاتلوها مرة واحدة في اذن كل واحد منهم يقوم **واذا** داوم على قراءتها انسان كانت شاهدة له من النار **واقول** ايضا ان لها خواص عظيمة في قضاء الحوائج عند الملوك والاكابر وارباب الدولة فاذا اردت ذلك فصم الخميس وكن ريضا وافطر على لوز وتمر واجلس بعد صلوة المغرب تتلوها **١٠١١** مرة وعند صبحيك ايضا تتلوها حتى يغلب عليك النوم واذا اصبحت فتتلوها العدد الاول في صلوة المغرب وبعد ذلك ايضا في كل عشر عيش في غرات وجاه وردوا المحبوع عالى وهو جبر خاتم وتحملها في ليلة والكتابة على عدد ما شيا الا اله الا العزيز **٣١٣** واذا اكتب على عدد حروف تكسيرها في مربع وحملها انسان كان مهابا عند جميع المخلوقات **وان** كتبت والشمس في اول درجة في الحمل **٣٦٠** مرة وحملها انسان كان رزقه مقترا فان الله تبارك وتعالى يرزقه من حيث لا يحتسب **وان** حملها مديون وفى دينه **وان** كتبت الخطى العصفر والكتابة على عدد البسائط واقل الكتابة **٩١** مرة فاعلم ذلك **وتكتب** ايضا الى المراة التى لم تحمل على عددها وايضا المتبوعة تكتب وتحمل في خيط على الصدر ولا تفارق الحرز ابدا **ومن** خواصها الى نمو الاشجار والكروم تكتب البسملة **١٠٠** مرة وتوضع في الماء الذى يشرب منه الكروم فانه ينمو **واذا** كتبت في حجر ووضعت في الماء الذى يشرب منه ذلك الحائط فان جميع اثماره تنمو باذن الله **واذا** كتبت في مربع على هذه الصورة في لوح من الرصاص ووضعت في شبكة الصياد كثر الصيد فيها وكذلك اذا كتبت هذا المربع ووضع في حانوت او في دكان كثرت الزبون **ومن** خواص هذا اللوح اذا كتب على الذهب او الفضة وعلق على مولود حفظه الله تبارك وتعالى **واذا** اكتب هذا المربع على خاتم وحمله انسان ويتلو البسملة دبر كل صلوة **٢١** فان الله تبارك وتعالى ييسر عليه اعمال الخير ويفتح عليه كل ما يريد من خير وشر ويدفع عنه ضر ويعود الله عليه كل عسير ومن فضلها قال صلى الله عليه وسلم من كتبها يوم الجمعة في صحيفة **٣٠١** مرة ولو كان موضعا موضعا برا عفا الله عن النار ودخل الجنة **فصل** واسم الرحمن اسم جليل القدر ومن خواصه يعطف القلوب ويجلب كل مطلوب فاذا اردت ذلك فكتب اسم من تريد محبته مكررا ثم تربطه مع اسم الرحمن وتجمع ذلك فكتب الجميع في رق ويحمله وتتلو الاسم على عدد ساعات الوقت فانه يحبك

الله	الرحمن	بسم
بسم	الله	الرحمن الرحيم
الرحمن الرحيم	بسم	الله

فانه من الخواص العجيبة **واذا** اكتب **٥٠** مرة اسم الرحمن بمسك وزعفران وحمله انسان كان مباركا لطلعة مهابا مقبولا بين جميع المخلوقات وورد هذا الاسم في القران في اماكن كثيرة والوارد في الدعاء وقوله تعالى قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى وان روح الخادم لهذا الاسم السيد **طرفاييل** ومعه وتحت يده خمس قواد تحت يد كل قائد **٧٠** من الملائكة فاذا ذكر هذا الاسم الشريف واذا اكتب مربع هذا الاسم في يوم سعيد على ذهب او فضة وكتب اسم الملك ثم تركبه في فص وتدخل الى الخاتم وعلق الخاتم وانو هذا الاسم دبر كل صلوة مفروضة **٢٩٩** مرة في حرز مثمنا فان ذلك الملك يخلع على صاحبه التاج ويقبل الخير

Margin: مفتوح كلام

Margin: تم

ان عبدك قد دعانى باسمك فامره الله تعالى بالنزول فينزل ويقبل الخاتم ويرى الذاكر الملائكة الموكلين فيه وهم تطالب حول الذاكر ويتوكل به احد الارواح في قضاء حوائجه جميعا ومما طلب نال ذلك وله ذكر قائم به باقى في محله **ومن** خواص هذا الاسم في التربية انه يعطف القلوب والمحبة والقبول بين المخلوقات وذلك اذا اراد ما ذكرناه فتاخذ اسم الطالب ومن يطلب بهذا الاسم ويكتبهم حول هذا المربع ويتلو عليهم الاسم فان المعول له يعطف عليك ويحبك محبة عظيمة وهو نافع ايضا الى الملوك والحكام الذين لا تاخذهم رافة على الرعايا يكتب هذا الخاتم وتدفن في محلهم فانه يكون لهم رحمة **ومن** كتب خاتمة وداوم على تلاوته كان مطلوبا بعيد جميع المخلوقات ولطف الله به **وهذا صفة** الذكر القائم به الذى تتلوه بسم الله الرحمن الرحيم الذى يحبك الذى وسعت كل شئ ولا اله الا انت ارحم الراحمين قدرت الاشياء واحكمتها بحكمتك وجعلت العباد رحمتك رحمة العموم ورحمة الخصوص سبحانك انت الله الرحمن الرحيم احاطت رحمتك ملكك احاطة ابدية احدية اسئلك فاتوسل اليك باسمائك الحسنى ان تقدس حقائق الاشياء وان ترحمني لحفظها وانت الحنان المنان الرحمن علينا في الازل والابد يا من كشف عن سر النفس والجسم وحقيقتهما **يا الله يا الله** يا مالك يوم الدين وتسخير خادم هذا الاسم **طرفاييل** ليعيدني في حقيقة من قاتل لا تخطى بابين ابناء جنس يا رحمن يا الله ويبقى لمن تلا هذا الاسم ان يتوسل بعد الذكر فانه ينال ما يريد والله اعلم **فصل** اعلم وفقنا الله واياك لطاعته ان هذا الاسم من عوالم جبرائيل وقيل انه من عوالم **ميكائيل** ومن واظب على قراءته رحمه الله والقى في قلبه المحبة والرافة وكان شريف الرتبة **ومن** كتب على عدد بسائطه وحمله رزقه الله الهيبة والمحبة في قلوب العوام **ومن** كتب مربع هذا الاسم في لوح من فضة ووضعت في رقبة المولود الذى يحصل له الفزع والبكاء ذهب عنه **ومن** كتب هذا المربع في خاتم وحمله انسان رزقه الله الرحمة في قلبه **ومن** دعى بتلاوة على عدد بسائطه رفع الله قدره وله حظوة جليلة القدر **٤٠** يوما بالرياضة مع المواظبة على هذا الذكر القائم بهذا الاسم فانه يرى عوالم الارواح وحاجبه الخادم لهذا الاسم الشريف وصافحه ويكشفوا له عن الالواح التى توجب الرحمة **واذا** اقام خاتما وعلقه على الساعد وكتب عليه اسم خادم هذا الاسم وتلا الاسم على عدد المفرد في كل صلوة فان الخادم ياتى ويقبل الخاتم ويعاهد ايها الطالب على ما تريد من الحوائج **وهذه صورة وضعه** دائما ١ اسم الروحانى الخادم اسمه **جرمائيل** وهو رئيس على اربع قواد تحت كل قائد **٢٨٩** صفا من الملائكة

١٥	٩٠	٨٣
١٤	١٦	١١
١٩	٨٢	١٧

واذا تلا الطالب الاسم على العدد المذكور فان ذلك الملك يضع التاج من على راسه ويهبط الى الخلوة وينظر ما يريد الطالب تتلو هذا الذكر القائم **فتقول** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الرحيم على المخلوقات وكاشف الوجودات وانت الرحمن اسئلك ان تسخر لى عبدك جرمائيل يهبط الى ويقضى حاجتى لهل اسئلك الكشف على وجودى ونيل مقصودى واطلعنى على وجود شمسى لا تحقق في كل رقيقة وامين واسود نبوة شهود امحو عن نقطة غيبى ففوق قلبى بنوركم اسمك الرحيم لتخضع لى ارواح الحيادين وتنقاد الى نفوذ الارواح المتمردين واكشف لى عن حقيقة عالم الملك والملكوت والعزة والجبروت لا خطى القرب منك باقرب باب ودود امين **ما من عبد** تلا هذا الذكر وتلا هذا الاسم الا رحمه الله عليه ورزقه القبول **واذا** تليت الذكر القائم صرف الله شاهدت من عجيب صنع الله ما لا يحصر **بشيد** اعلم ايها الطالب ان هذا الاسم هو اسم جليل القدر قد ذكر في القران وقيل انه هو الاسم الاعظم وهذا نافع الى ارباب القلوب من اهل الولايات وهذا الاسم يعطى صاحبه الهيبة عند اهل العوالم **ومن** خواص هذا الاسم اذا كتب على فضة في يوم الاثنين وكتب اسم الملك الروحانى الخادم لهذا الاسم وتلا اسم الملك على عدد ومع تلا هذا الذكر القائم دفع الله قدره وصفة استخدام هذا الملك واسمه **هبهبائيل** وهو اذا ارتضى الانسان ثم انه يدخل على الخلق ويتلو هذا الاسم على عدد بسائطه وعدده **١٢١**

٧٤	٧٧	٨٠	٦٧
٧٩	٦٨	٧٣	٧١
٦٩	٨٢	٧٥	٧٢
٧٦	٧١	٧٠	٨١

Margin: الاعراف م

Margin: والطالب ر

Margin: انت م

Margin: الرحيم

Margin: فاسم الرحيم ٣

Margin: اسم جرمائيل

Margin: الملك

في ضربها اربعة عشر الف وستمائة واحدى واربعين مرة فاذا وصل التالي الى هذا العدد فان هذا الملك يهبط بقواده الى
الخلوة ومعه ثلاث قواد تحت يد كل واحد ستين الف من الملائكة فيدخلون ويسلمون على صاحب هذه الخلوة شيء ما النهاية ويقبل

٢٩	٣٤	٢٧
٢٨	٣٠	٣٢
٣٣	٣٦	٣١

ذلك الخاتم الذي عليه اسم الشريف ومن كان له حاجة عند سلطان فليتلو هذا الاسم الشريف
على عدده ثم يكتبه ويحمله على راسه ويتوجه الى حاجته فانها تقضى ومن واظب اسمه هذا العدد
كان في حقه هو الاسم الاعظم فافهم هذه الاشارة وان تلاه انسان عند حاكم رفع الله قدره
عنده وهذا دعائه بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الملك القدوس محيي الارواح والنفوس مالك
الرقاب ومسبب الاسباب ومالك يوم الدين ومقرب البعيد ومجيب دعوة المضطرين لا اله الا انت الاحد الابدي ذلت لك
رقاب الملوك وصار كل شيء لك عبيدا وخلوكا اسئلك باسمك الملك القدوس ان تملكني ناصيتي وتكشف لي عن حقائق عالم الجبروت
لاحظي بالاسرار الربانية والآيات الملكوتية [illegible] يا ملك قدوس يا مالك الملك يا ذا الجلال والاكرام
اجب ايها السيد الجليل هيهائيل [illegible] روحانيتك تخدمني في حوائجي بحق هذا الاسم الوجهي آمين اعلم ايها
الطالب ان هذا الاسم اذا تلوته في تسخير القلوب وقضاء الحوائج فترتاض بحسب الطاقة وتتلو هذا الاسم على عدده المذكور او لا
تكتب الملك الموضع هذا الاسم فاذا ارتفعت [illegible] الاسم فوق كل الروحاني المتصرف بهذا الاسم الشريف [illegible]
من الملائكة ان يحكموا به في علم ذلك شهد ومن خواص اسمه القدوس فمن تلاه على عدد المذكور وهو على رياضة كاملة نال
الهيبة والقبول بين المخلوقات والتقرب بهذا الاسم يتلو الانسان دبر كل صلوة على عدده ويكون في رياضة [illegible] ولا يأكل
من الاغذية ويكون غذائه الشيء الطيب من المآكل اللطيفة ويذكر بعد ذلك سبوح قدوس رب الملائكة والروح ويكون صائما
هذا الاسم مستديما على التلاوة والصمت وتقليل الانفاس كما ورد عن النبي صلى الله عليه وسلم انه قال طهروا افواهكم فانها
مجاري القرآن اشار بها الى الطهارة من الحرام والغيبة وعدم ذكر الله تعالى ومن خواصه اذا كتب في ورقة بيضاء بمسك
زعفران وحمله انسان وتلاه كان محبوبا مقبولا ومن كتب مربع هذا الاسم في خاتم من فضة وحمله من كان مواظبا على المعاصي [illegible]
على التلاوة فان الله يقيه شر الشياطين ويرفع قدره ومن كتبه وكتب اسم الملك الموكل به وتلاه فان الله يرزقه الهيبة

س	و	د	ق
٩٩	٣	٧	٦١
٢	٥٤	١٠٣	٨
٩	١٠٧	٥٣	١

والقبول واذا دخلت الى الخلوة وعلقت هذا المربع في بيتك وداومت تتلو الاسم دبر كل صلوة
على عدده ١٧٠ مرة وقلت بقول اجب ايها العون المبارك والروحاني السيد نقيائيل
وهو ملك عظيم القدر اذا تلى الذكر في الرياضة [illegible] تمام الخلوة هذا الذكر وهو اربعة [illegible]
الف واربعمائة وواحد فان هذا الملك يخضع [illegible] يجيب بقول [illegible]
قد دعاني باسم [illegible] فان هذا الملك يهبط [illegible]
وحوله قواده وتحت كل قائد [illegible] من الملائكة [illegible] يكشف لك عن [illegible] وتطلب حاجتك
منهم ويقبل الخاتم وهو [illegible] من الانوار [illegible] علم ذلك ومن خواص هذا الاسم اذا بلغت هذه الرتبة كشف
لك عن الحيوان والنبات والمعادن [illegible] الالهامي واذا كتب في اناء وشربه البليد [illegible] ادام على المعاصي
رفع الله عنه والله اعلم شهد اعلم ان هذا الاسم اسم جليل قد حوى حرفا من حروف القهر وهو القاف فمن داوم اسمه هذا
الاسم وتلاه وتلا الذكر القائم به فذكر اسم الروحاني فتح الله عليه وان دخل الخلوة يكون تلاوته بعد الاسم هذا الذكر اللطيف
تقول بسم الله الرحمن الرحيم رب قد سوى [illegible] الاعيان واشرح صدري بنور الانوار واطلعني على
سر الاسرار واكشف لي عن عالم الملك والملكوت لاحظي [illegible] الاقدس [illegible] واكشف عن قلبي حجاب الغفلة وقربني
اليك يا سبوح يا قدوس [illegible] القدوس [illegible] الابرار الكاملين الاخيار

من الانبياء والصالحين وسخر لي خادم هذا الاسم لاحظى بالتحقيق والتمكين يا مالك يوم الدين اجب ايها السيد نقيائيل [illegible]
تحت اسم رب القدوس آمين ومن داوم على تلاوة هذا الاسم تبارك وتعالى يرفع قدره بين المخلوقات فصل وهذا الاسم
خواص عظيمة وله خلوة جليلة [illegible] ونرسم هذا الاسم في مجموع على فضة ثم يكتب اسم الملك الموكل به
حول المربع ثم يعده [illegible] وتدخل الى الخلوة فانه يظهر لك الملك [illegible] وجهه مثل القمر في ليلة ١٤ ويقول [illegible]
ما طلبت منه الاستعانة وان يعلمك العلوم الغامضة فيفعل ذلك وهذا اسم ذلك الملك طكيائيل [illegible] اربع قواد تحت يد
كل قائد ما شاء الله من الملائكة وان التالي لهذا الاسم دبر كل صلوة ١٤٥ حتى يتلوه كل مرة ١٤٥ فاذا بلغ نهاية العدد هبط الملك
وقضى حوائجك وهذا الاسم ذكر جليل القدر [illegible] على تلاوة الاسم الشريف [illegible] الهيبة على قرائته وبلغ

٣٦	٣٩	٤٢	٣٩
٤١	٣٠	٣٥	٤٠
٣١	٤٤	٣٧	٣٤
٣٨	٣٣	٣٢	٤٣

مرتبة الكشف على حقائق المعلومات وهذه صورة المخمس [illegible] في العددي ومن
خواص هذا الاسم اذا ربطه مع اسم من اراده [illegible] وكتبت في وفق
مربع واستعطفته وحمله فانه تاليه [illegible] وان كتبت على فضة وحمله انسان [illegible]
الذهن فتح الله عليه واذا كان يريد الم [illegible] من الحجابات الكشفية
فليرسم هذا الاسم وحمله ويتلو الذكر القائم بهذا الاسم فان الله يفتح عليه ذلك
ويرزقه الكشف وهذا صفة الذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك ما اعظم شانك [illegible] لا اله الا انت
الارباب ومالك الرقاب انت المهيمن الوهاب اسئلك [illegible] القلوب والاسرار [illegible] على الصالحين الامجاد
ان تكشف [illegible] عن سر الحقيقة يا مهيمن انت عالم ما يكون [illegible] الاوهام عن وصف
ذاتك انت اجل واعظم من ان تدرك [illegible] بعبدك خادم هذا الاسم طكيائيل [illegible] واكشف
لي عن سر الحقيقة [illegible] من العلوم والاسرار يا الله يا مهيمن واسئلك يا رب العالمين ان تخص [illegible] الطاعة حتى الحق
بمقام محبيهم ومحبوبيه يا مهيمن يا من عهد والحب على قرائة هذا الذكر [illegible] من محب ومحبوب والله اعلم
بالصواب والله يقول الحق وهو يهدي السبيل فصل ومن خواص هذا الاسم الشريف ان المتخلق بهذا الاسم [illegible]
على الناس [illegible] الشهوات جميعها ولزم التواضع لله تعالى في احواله كلها ويكون [illegible] وهذا الاسم من اذكار المتوكلين [illegible] على هذا
الاسم يرزقه الله من الغيب ومن خواص هذا الاسم اذا كتب [illegible] خاتم من فضة او ذهب وحمله مع المواظبة على التلاوة رزقه
الله العزة وان كان يعاقر عدده اسم الشخص [illegible] فتح الله عليه ابواب العزة وكان مهيبا عند العوالم العلوية وان كتب [illegible]

ز	ى	ز	ع
٣٩	٥٠	٢	٣
٤٤	١٨	٢٢	٨
٤	١٦	٦١	١٣

[illegible] على [illegible] والامام على المنبر [illegible] من صنع الله [illegible]
ولهذا الاسم خلوة جليلة ورياضة اربعين يوما مع المواظبة على تلاوة الاسم [illegible] كل
صلوة ٩٤ مرة كل مرة ٩٤ فيكون نهاية التلاوة ٩٤١٦ فاذا تمت التلاوة مع [illegible]
الدعوة فانه يهبط اليك الملك ويتضائيل وتحت يده اربع قواد تحت يد كل قائد [illegible]
اربعة وعشرين الف من الملائكة ويطوفوا بالخلوة ويكشفوا لك فعند ذلك اطلب منهم [illegible]
ما تريد فان جميع ذلك [illegible] وان رسمت المربع ووضعته في الخلوة كان المراد وهذه صفة الذكر القائم بهذا الاسم الجليل تقول
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت العزيز الغالب الذي لا يغلب [illegible] اسئلك ان تقويني على طاعتك وان تسخر لي
عبدك [illegible] خادم هذا الاسم [illegible] والوقار ويقضي حوائجي واسئلك [illegible] يا [illegible] لا تعز
نفسك [illegible] الاولياء والصالحين يا رب العالمين [illegible] واهل طاعتك
يا من عبد [illegible] هذا الذكر [illegible] ابواب العزة فصل اعلم ان [illegible] بهذا الاسم الشريف انه يريض ٤٠ يوما

ويتلو هذا الاسم ويكون نفسك ضعيفة حقيرة دائرة بحقيقة ذلك وما اودع الله فيها في العوالم ومها خطر لك شيء من رذيلة النفس من الكبر ورعونات النفس الامارة فاستر على الحق الرجا الاصول الكنايتة والسنة المحمدية وقاصل ذلك **ومن** ربط اسمه بهذا الاسم الشريف على طريق التكبير وكتب في وفق مربع هذا الاسم الشريف القدر وعقله على فضته وكتب عليه اسم الملك القائم بهذا الاسم وحمله انسان يتردد عند الملوك والاكابر رفع قدره بينهم **وان** كان انسان له عدو جبار فليتلو هذا الاسم الشريف بتمامه الحق ويقول اللهم انسالك باسمك الجبار فلانا عبدك قد اذاني وتجبر علي فاسئلك يا جبار السموات والارض ان تقهره وتجبره المجيب كما انت بالله يا جبار فان شئت فقل ايها الملك وتوكل بفلان محق هذا الاسم ويتلو هذا الاسم الشريف فله خلوق جبلة القدير وهو ان تلوه فتقول المجيبوا باعوالم هذا الاسم الشريف حتى كانوا كذا وكذا وهذا الاسم الى قهر الجبابرة والعصاة والمتمردين لقهرهم **واذا** كتب مربع هذا الاسم على جلد نمر وقاه واوقد في انف الحمار احترق ولقد رايت هذه الاية الشريفة وهي قوله تعالى هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم فهو لا اله الا مستقيم ومنها اسم واحد عند استنقاق وخصوص باب تزوج الروح في طريق الاوفاق وعليه مربع وهذه الاية مربع ثلاث عشر في مثله اذا كتب بمسك وزعفران وماء الورد ويكون الكاتب صائما ثم يتلو الاية الشريفة ويذكر اسم من الملوك الارضية وسلم هذا الذكر القائم الآن ذكره فان الملك يحضر ويامر بالابعاد من الافعال القبيحة ويجيب امره ولقد وضعت هذا المربع في ورق والقيته على راس معدوم وتكلمت عليه بالذكر القائم به ٧٠ مرة فدار بهم بالحواقة الى العون فشفوا والم يبيد احد **واذا** كتب على ذهب وحمل حاكم اوملك نفع

واذا كتب وعلقت كلمة وعلق على مولود فان الله يحفظه من شر ام الصبيان لان فيه الاسم الاعظم وهو **صورته وما اسم الجبار** اذا اردت احضار خادمهم فاتلو الاسم الشريف على عدده فاذا اتممت فانه يحضر الملك خادم هذا الاسم وهو من عوالم الملك **سمخايل** عم ويحت بك لاربع قواد كل قائد يحكم على ستين صف من الملائكة وياتوا الى الثاني فيلهم رجلا بالتسبيح حتى يكشف له وهذا من اذكار الاكابر فاعلم ذلك **واذا** ازجرت بالذكر القائم هذا الاسم الى عالم العوالم خضع لك واقبل واسم الملك خادم اسم الشريف **هنقايل** عليه السلم **وهذا صفة المربع** الموضوع فيه هذا الاسم الشريف **واذا** اردت قهر الجبابرة والمردة من الجن والانس فليتلو هذا الاسم وليحمل هذا المربع مع المواظبة على هذا الذكر بتقسيم على المربع الاول

٢٧	٤٠	٣٢	٣٤
٣١	٣٣	٢٨	٣٩
٣٢	٣٥	٤٢	٢٩
٤١	٣٠	٢١	٣٦

نقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك يا معلل العلل وازلي الازل قبل الازمان الزاهرة والاماكن الغائبة يا جبار يا قدوس يا من هو الاول والاخر والظاهر والباطن يا مكون الكون يا مقدر الوقت والحين اعتقني من هذا البحر والحقيقة الغائبة واحمل روح مع ملائكة الكرام المقربين الاخيار وانقذني من طبائع البشرية بانزال الاذان يا منعم الخلائق يا من هو في ملكه جبار لا اله الا انت الواحد القهار العزيز الجبار مدني بعوالم هذا الاسم ليقهر لي كل متكبر يا الله يا الله اجابا ايها الملك **هنقايل** وتوكل بكذا اسمه الجبار آمين وانكوا الاية مع ذلك فانك تنال كل ما تريد والله اعلم **فصل** ومن شاهد كبرياء الله تعالى وكان صاحب تمكين رزقه الله التعريف في عالم وجوده والمتكبر يتلو هذا الاسم يتبعه التواضع في حركاته وسكناته والخضوع والانقياد وتمحى عنه ظواهر الامور في الحركات والسكنات والخشوع في ذلك ان يغلب عليك الخوف والخشوع وحقيقة القلب لان النبي صلى الله عليه وسلم راى انسانا يصلي وهو يعبث بلحيته فقال لو خشع قلبه خشعت جوارحه ومن علامة خشوع القلب سكون الجوارح وان المتقرب بهذا الاسم الشريف لا يدخل الى خلوته بل يخشع جوارحه ويحضر نفسه ويتلوه في كل وقت هو ذكر المتبدئين من المريدين مع اضافة الاية الشريفة وهي انسا الاذكار وخشوع القلب **ومن** خواص هذا الاسم انه يرفع قدر الملوك يكتب ويتلو له مربع تزيد حروفه عددي على المذهبين **فمن** كتبه وعلقه على راسه رفع الله قدره وان كتب على لوح من ذهب وحمله انسان فتح الله عليه بخشوع القلب وبلوغ المراد وذلك ان تكتب حوله ملكه في خلوة مخصوصة ٢١ يوم تتلوه في كل يوم على عدده فانه عوالمه تحضر اليه واسم الملك خادم الاسم الشريف **بسخيايل** عم وهو ذا الاوهاء يحضر ويقضي حوائجه دنيا واخراه **وهذه صفة المربع** فاحفظها فاذا اردت قهر من خضع الجبابرة من الجن والانس **والذكر** القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت المتكبر الكبير المالك الكل المطلق والملك الجبروت القهرية لا اله الا انت يا اول يا اخر اسئلك يا قهار يا الله يا الله ان تعطني في قلبي ومدني بالخشوع والخضوع حتى يخشع قلبي وجوارحي والخضوع اليك يا متكبر يا مذل الخاضعين يا ارحم الراحمين يا ارحم الراحمين انا الا العبد هذا الذكر فتح الله عليه

١٥٩	١٧١	١٦٦	١٦٥
١٦٩	١٦٤	١٥٩	١٧٠
١٦٣	١٦٥	١٧٣	١٦٠
١٧٢	١٦١	١٦٢	١٦٧

باب الخشوع ورزق الهيبة في القلوب ونال سر في الكشف والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل** وصفة الخلوة واورادها لهذا الاسم الشريف **فكيفيته** ذلك ان تتلو الاسم اربعين يوما بايامه ثم بعد ذلك تدخل الى الخلوة بطريق الخلوة وتتلو الاسم الشريف العظيم على عدده وكل يوم تتلو مع الذكر فانه ياتي ملكه ويخلع عليه المواهب الالهية بالمعلومات واللطائف المواهب والتجلي الكريم وعليك بالاتباع والمجاهدة والعزلة وان الملك الموكل بهذا الاسم اسمه **طيايل** عم وفا وهو يهبط اليك ومعه خمسة واربعين صف من الملائكة ولهم رجل منهم بالدعاء وهو ينادي سبحان الوهاب القدوس لا اله الا هو الفعال الجابر يحفك الله بهبة العلم والمعرفة **وحكي** لي رجل من اهل الصلاح انه نزل في خلوة جليلة الى اسمه الوهاب فكنت يهيئ الاعرق فتبينت اسرار الاشياء فلما دخلت الى ذلك فتح الله علي من عوالم هذا الاسم اشياء عجيبة وغريبة من العلوم الالهية واتاني هذا الملك بين الجمال والهيبة فلما اتقيت هذا الملك فاتاني من المواهب الالهية لا يحصر احد واناحر هذا الملك اليك وان من عهده حصل الكمال **و**لقد سئل الشيخ عن ابيه رضي الله عنه ما كان يتلو من الاسماء فقال اسمه تعالى الوهاب فكان الشيخ كثيرا ما يذكر هذا الاسم ومن داوم على تلاوته لم يجد في باطنه حاجة الى مخلوق ولا خطر في خاطره الكون ويفتح عليه من خزائن غيب الوهبية وكنت يوما في بيت المقدس اذ رايت رجلا نائما فقام من نومه وقال الحمد لله لا زال تعطيني الخير وسعه العميم والاكرم فناديت به فقلت في نفسي هذا مجنون ثم عاد ونام واذا برجل قد اقبل ومعه ما طاب من الطعام فاكل حتى شبع والرجل الكل معه ثم ذهب فتبعت الرجل فقلت كيف حالك فقال كنت سائرا في البرية يوما فرايت ذاك الذي تراه قد يقول لي يا فلان اذهب الى الحضرة لان هناك رجلا من اوليائي في طلب حاجته فاطعمه وكلمه فتبت بارا بيت فقلت له انه لقد ربه من صلى الله عليه وسلم انه قال ان كل مع مغفور غفر له واعلم ان العبد اذا صدق مع الله وتعلق بهذا الاسم رزقه الله جميع الاكوان تمده بالمواهب **و**من اكثر من ذكر الشريف فوهابا

منكبر

وهّاب

١٧٨

فتح الله عليه وان تخذه ورداً فليكن على عدد المضروب فيه **ومن** خواص هذا الاسم اذا كتب في مربع وشرب حبس الطمع عنه

الله عليه وان ملاء بعد حمل الوحوش صاحب السوداء هو الله عليه وده اياه ذهابا وانه واذا كتب هذا المربع على لوح من فضة او

ذهب في شرف اي كوكب من الكواكب هو الله عليه وامن عليه من الوهب الالهي وحفظه الله المهابة في العيون **وهذه**

١٣	١٢	١١	١٠
١٦	٧	٨	١٥
وهاب ١٤	٢٥	٢	١
٣	٢	٢١	ودود ٢٠

صفته وهذا الذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت

الوهاب الجواد بالعطايا ذو الانعام باذل المواهب لكل موجود لا يعجز من منه من خزائنك ولا

لا تنقص بكثرة البذل وجود انعامك على ما تشاء من عبادك بما تختار من فضل الكرم

يا وهاب الجزيل من العطايا ويا دافع المظلوم من البلايا ان تعطيني الجزيل من نعمائك وان

تدفع عني الجزيل من نقمك وان تعاملني باملاك الاسماء المعتدين وان تشرح بتقوى صدري

لهاً ويرزق سلطاناً تحيني حالا وان تحيني يا رحمان يا مجيب اليك وسر القلب ترفع به الحجب الظلمانية عن قلبي فاهتدي بك اليك

يا الله يا وهاب اقسمت عليك يا ايها الملك الكريم **هطيائيل** الاما اجبت وظهرت لي بحق الاسم العظيم الوهاب الجليل بارك الله

الوحا **اعلم** ايها الطالب انك اذا كتبت المربع وكتبت حوله ودخلت الخلوة وطلبت هذا الملك فانه ياتي ويحضر اليك في نوم او يقظة بحسب

استعدادك فاعلم ذلك ومن داوم على تلاوة هذا الذكر الشريف هو الله عليه ووفقه لكثير الاذكار وافتح الله من باب الخير

بقول الحق وهو يهدي السبيل **والتقرب** بهذا الاسم الى الله تعالى ان تشتغل بالتوحيد الى الله تعالى من عجز استطاع بالمن جاز

ويعلم ان الله تعالى ضمن رزقه وقدره وان يكثر من الاذكار والاوراد وكيفية الخلوة لهذا الاسم الشريف العظيم ان تدخل الخلوة

وان تتلوه كل يوم على عدده المضروب في نفسه وان تتهيأ وتتلوه وان تقول الذكر وتقول اللهم ارزقني يا رزاق وقف

على من المعارف ورد قانون التوحيد يا رزاق وان تكون مراقب جميع الحالات في السر والعلانية **ومن** كتب هذا الاسم الشريف

في خاتم من فضة وكتب عليه اسم الروحاني الخادم لهذا الاسم ودخل الى الخلوة وبخر بالبخور الطيب ولبس معه وهو يتلو الذكر

القائم به وقام الخادم ان ياتي فيلتفت لما تتلو هذا الاسم الشريف ثلثمائة وثمان مرات كل مرة ٣٠٨ مرة فانه اذا وصل العدد

ق	ا	ذ	ر
٨	١٩٩	٩٧	٤
١٩٨	٩	٣	٩٨
٢	٩٩	٢٠١	٦

العدد واقبل عليك الملك الكريم **جهرائيل** وهو من عوالم ميكائيل وتحت يده اربع

قواد كل قائد اربع صفوف من الملائكة فاذا اسمع صوتك فضع تاجاً من علي راسه فاذا

يارب ان عبدا من عبيدك قد ناداك باسمك الكريم فامره بالهبوط فيهبط وياتي الى

السائل ويخلع عليه باطنه حقيقة الرضا والنظر على الاطلاع على الارزاق وفيه الملك نوم

او يقظة ومن داوم على تلاوته واضاف اليه اسم الفتاح هو الله عليه وفتح عليه

كل باب مغلوق **واذا** كتب في عقوف حانوت كثر عليه الرزق والى بيت والبيع والشرى ويكتب الذكر الفا ثم به حوله واذا داوم تحصن

واتخذه ورداً كان في حفظه اسماً عظيماً ومنهم من كيف شاء ولا حاجة له الا بالرياضة التي هي شروط الباطن كلها ودله لاكل

الحلال والتجنب عن الشبهة **وهذه صفة** الذكر القائم به **تقول** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الكفيل

بالارزاق على الاطلاق الموصل على كل احد من المخلوقات سبحانك يا رزاق السموات والارض بالارزاق وامدهم بالالطاف الربانية

ورزاق اهل البر والبحر ورزاق الحيوانات الجسمانية اسئلك يا رزاق الجنين المخلوق في بطن امه من الغذاء اللطيف والاشربة

الرقيقة اسئلك ان تدر علي الارزاق من جميع الافاق وان تشرح صدري وتمدني بالكشف عن اللطائف الخفية وان

تجعلني في نوع من كرمك يا كريم وافتح قلبي بلطائف المعارف واجعلها سبب رزقي ومددي يا رب يا رزاق واسئلك يا رب

بهاء تجلي قلبي على ابد الاباد يا الله يا رزاق واقسمت عليك ايها الملك **جهرائيل** الاما اجبت وهبطت علي الرحمة الساعة **قام** عليك

هذه الدعوة الشريفة فان الله يفتح عليه ويبارك الخير والبركة ومن تلا هذه الدعوة حصل له الرزق من الفيض الالهي ويبركه في الرزق

رزاق

اسم الله

عليك

والله علي وكيل

والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **ومن تحقق بهذا الاسم** يفتح له انوار البركات وانوار العلوم الموهوبات والحقائق الربانيات

اقول والتقرب بهذا الاسم الشريف ان تدخل الخلوة وتستعمل الرياضة والجوع بحسب طاقتك بالتدريج وتفتح عليك باب التلاوة

انت في الخلوة بلا ونهارا ولا تفتر عن تلاوته كورا كاملا وعليك بحفظ الطهارة وتجنب الفقراء المنقطعين ولا تعتمد على قول

العامة فاذا الحلت انك تحققت يفتح عليك في ساعة وان هذه الشروط كلها اوهام لمن لا يعلم وهي بشارة لمن هو من جوهر واعلم ان من

خاصية هذا الاسم الشريف من كتب مربعه في اول ساعة يوم الجمعة وحمله امان وتلا هذا الاسم الشريف وسع الله عليه رزقه **وهذه صورته**

١٢٢	١٢٥	١٢٨	١١٥
١٢٧	١١٦	١٢١	١٢٦
١١٧	١٣٠	١٢٣	١٢٠
١٢٤	١١٩	١١٨	١٢٩

واعلم اذا كتبت هذا الاسم في اناء وسقيت لمن تثقل لسانه او من يكون بليد الذهن

على طهارة وتامر ان يتلوه يفتح الله عليه واذا وافق عدده عدد اسمه وكتب المربع

وعلقه له التحصين وتلا الاسم شاهد من عزيب صنع الله ما يراه **و** اذا كتب هذا المربع

وكتب اسم الملك الموكل بهذا الاسم الشريف ثم علقت الخاتم في بيتك ودخل الخلوة

وانت تتلو هذا الاسم ٤١٩ مرة كل مرة ٤١٩ فان الملك الموكل بهذا الاسم وهو

السيد **تحيائيل** يضع تاجاً من نور على راسه يقول يا رب ان تعلم ان عبدا من عبيدك دعاني باسمك فيناديه مناد اهبط الى عبدي وا

حاجته فيهبط وله زجل بالتسبيح والتقديس فيخلع عليه حلة كالبيلة بطيب الالهي البها والقبول ويجتمع به في الخلوة في النوم او يقظة

ويبقى له لمعرفته الى حاجته فتلو الاسم وتقول اجب يا الملك تحيائيل وافعل كذا وكذا فانه يكون ذلك وكل ما تلوت الاسم عشرة

تتلو هذه الدعوة الشريفة **تقول** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الفتاح على العباد بما تشاء من معالم الغيب

المسالك المعتدي من اسمك الفتاح الناصر من شاء له الملك القاضي بين العباد بما لك الحكم في العالم العلوي والعالم السفلي بما تشاء

وتختار من خلقك اسئلك يا من ليس كمثله شيء في درجات عالم الملكوت المنزل في حقائق الاسرار الى ان يصل الى اللاهوت الراجع في صعوده في

فضائل عالم الجبروت وان تفتح في قلبي نوراً وبابا لشهود هذه الاسرار وتحقق بحقائق هذه الانوار والاسرار وتجعلني من اهل الكمال

في درجات ذلك والنعم بجميع اسرار صفاتك اللهم ايدني بنصرك العزيز المانع على كل معاند وحاسد وصارع اللهم سخر لي عبدك تحيائيل

خادم هذا الاسم يحيي اسمك الفتاح آمين **فاهل** عبد تلا هذا الذكر الا فتح الله عليه الامور الخفية وفتح عليه ما يشاهد من غرائب الانوار

والله اعلم **ومن خواص** هذا الاسم الشريف الكشف العلوم الغامضة والخلوة جليلة القدر عظيمة المقدار وكيفية ذلك ان تدخل

الخلوة طاهراً بثياب طاهرة وانت تتلو الاسم ١٥٠ مرة كل مرة ١٥٠ وتتلو الذكر القائم به بعد ذلك وانت متجرد وان شئت

كتبت المربع في خاتم من فضة وكتبت اسم الملك الخادم لهذا الاسم وعلقته مقابلا لك في الخلوة وتتلو الاسم الشريف حتى يظهر عليك

عنيائيل وهو يشير على اربع قواد تحت كل سبعين صفاً من الملائكة ياتوا الى عندك ويفيضوا عليك من المعلومات **وهذه**

م	ى	ل	ع
٢٤	٤٣	٤٢	٤١
٤٣	٤٤	٢٦	٨
١٤	٥٣	٩٢	٣١

صفة المربع واذا رايته افض عليك من المعلومات الالهية وامدك بالكشف **ومن** خواص

هذا الاسم اذا كتبته وسقيته الى البليد الذهن فتح الله عليه ورزقه من العلم وان تكلف

علم الصناعة الالهية فاضف اليه اسم **الحكيم** والقوي وان داوم على اسمه تحصن وتلا هذا الاسم

خلوة نال الرتب الالهية وكان الاسم الاعظم في حقه **واذا** كتب على ذهب او فضة وعلق على عضو

العلم رفع الله قدره بين المخلوقات والله اعلم **وهذه صفة** الدعوة تقول

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت العالم العليم العلام علام الغيوب وعالم دقائق الاسرار الخفيات

المحصي لكل ذرة وتفصيل احذيا الموقفات بما قدرت ودونت في الظاهر والباطن من الوجود اسئلك يا من علمك في غيب

واجز اسرار ابدعتك بتفصيل تشكل قدرتك وفضل قدرتك وتخاطبك بانواع ارزاقك تحكمك ان تحرر فيما بين قلبي وبينك

من الحجاب لاطلع على ما تحت ذرة من ذرات الوجود من المعلومات فانغمس ببحر القدم وتزول عني حقيقة القدم يا الله يا عليم

فتاح

بتلوا م اخوانك م

سرہ

عليم

بدل كلا قابلة م

قابض

واسئلك ان تدخل بعبد عنيائيل ليخدمني با لطاعة ويكون عوني بكونها اريد يا الله يا عليم آمين حامن عبد والطب على
تلاوة هذا الذكر في يوم الجمعة من طلوع الشمس الى وقت الصلوة وكتب المربع وكتب اسم الملك عليه وحمله فان الله يرزقه الحفظ
ومن اسمع الشيء عنده وينال المراتب العالية في المعلومات والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل** ولهذا الاسم خلوة
جليل القدر يعطي صاحبها الكشف على اصول القبضتين والتشابه وتنفجر على الناس ينابيع الحكمة وشرطها قطع العلائق الباطنة
والتلذذ بالمناجات في وقت الاسحار وصورة التلاوة على عدد المضروب في نفسه الخارج من العدد ويكون التلاوة دبر كل صلوة
١٠٣ مرة كل مرة ١٠٣ حتى يظهر لك الملك الموكل به واسمه سرائيل عم وهو من اعوان ملك الموت ويعين الاسمين سر القبضة **بقيم**
اعلم ان الله تبارك وتعالى لما اراد ان يخلق آدم عليه السلم امر جبرائيل ان يقبض من الارض قبضة فهبط عليه السلم فاراد ان يفعل ما امر
ربه فاقسمت عليه الارض فخلي عن القبضة وصعد الى الرفيع الاعلى فامر الله اسرافيل بمثل ما امر جبرائيل ففعل كذلك ثم امر ميكائيل
ففعل كذلك فخلق بعزرائيل عليه السلم وامره باسم القابض وامره ان يقبض القبضة فلما هبط اقسمت عليه الارض فقال لها اسمع قهرية
يا هذه الذي اقسم على سيدها الذي ارسلني فقالت نعم فقال الذا اعصيه لا اعصيه ثم قبض من اديم الارض ادم من اسفلها
وصعد ولم رجيلا القبضه باسم القابض فتضاعفت الارض وقبضت اربعين ذراعا فقال الله تبارك وتعالى يا عزرائيل كما انت
مظهر القبض فانت قبضت الاجساد فتكون انت تقبض الارواح اسمي **وان** هذا الاسم هو مظهر القبض وان خادم من عوالم السبك عزرائيل
واذا تلوت هذا الاسم وزجرت به اي ملك من الملوك في طاعة اقبيلا الجن بدهلت فيسوقه هذا الملك **و** اذا تلا الى الان هذا الاسم
اقبل هذا الملك هو من معشر الارواح الروحانية ويعد الطالب الهيبة حتى تنبغي الارواح الروحانية بمنابه ويحشاه **واعلم**
ان هذا الملك تحت يده تسعة الف رئيس تحت كل يده رئيس خا الاثابة لدفان الملك اذا حضر الطالب في يوم او في ليلة عرفه الله على حقيقة
القبض وينا الاسم بهذا الاسم القوة القهرية بين جميع المخلوقات وتتلو بركل صلوة العدد وتتلو الدعوة ٢١ مرة واذا تلوته على ظالم او
وكلت به وقبضت عليه عوالم هذا الاسم واهلكته وانك ترى عوالم هذا الاسم تدل على قرب **و** لهذا الاسم تنزيل عجيب في ذلك من خواصه
الى عقد الالسنة اذا اكتب هذا المربع الشريف في خاتم وتقفت عليه الاسم على عدده المضروب به وكتب اسم الملك القائم به حول المربع وحمله
معك فينكم الى السن الاعداء وهو عقد لسان عظيم **و** اذا اكتب هذا الخاتم يمسك بزعفران وحمله صاحب العلة السوداوية نفعه باذن الله
تعالى **و**اعلم انه اذا تلوت هذا الاسم ٣ع ٣ع ٤ع ٤ع ٤ع ٤ع ٤ع ١١ مرة ودعوت عليه فانه يهلك بقدرة الله تعالى في علم ذلك

٤	ا	ق	٧٩٨
٩٨	ض	ب	٣
٧٩٤	٩٦	٥	٨
٧	٦	٧٩٦	٩٤٠

وهذه صفة الوضع وهذه صفة الدعوة بسم الله
الرحمن الرحيم اللهم انت القابض قابض السموات وباسط الارض والجميع بيدك
وعظمتك وقدرتك الاشياء وقبضت البحار والجبال ان تميد على الارض وقدرتك الاشياء
تقوم سرائيل احياء اسئلك يا من قبض وبسط الانوار واحد الذي المحقق بالجبات في
في اهل الارض والسموات المطهر بقوم التقديس وحقائق التقديس في بسط الركات وقبض
السكنات في ساير الموجودات اسئلك ان تقبض قلبي وجوارحي بما يبعدك عن المعاصي وان لا تحجبني عن فرح بحاني وخلاق
واقبض عني شر كل معاند منكر ومن كل حاسد متجبر واجعل قبضي عند الوفاة مسرورا لا مفتونا ولا مقبوضا ولا مغبونا اللهم ابسط
رزقي وبارك لي فيه واربيها قدرته الى ابد الابد اللهم نور قلبي وابسطه يا باسط يا حي يا قيوم وبارك لي بالقبض اللهم اني اسئلك
برالتائبين وبرالمقبضين ان تنحل لي عبدك **اقبضائيل** بحق اسمك القابض وبحق الملائكة المقربين يا رب اسئلك اللهم افضا
قلبي وسري بنفحات ابتهاج الطائف قدسك يشرح صدري بما يحوي عرشك من الملائكة المقربين وان تنور قلبي وتكسبني نورا
من انوار اسمك القابض يا الله آمين **حامن عبد** داوم على تلاوة هذا الذكر الا فتح الله عليه ورزقه القوة وكان مطلوبه بروانا
تلوت الذكر مع العدد المتقدم ذكره في خلوة وتكلمت على عدوك اهلكه الله تعالى ومن عرف مراتب الاسماء فقد هدي الى صراط مستقيم

والله يقول الحق

خافض

والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **وهذا الاسم خلوة جليلة** تعطي صاحبها هيبة وقبولا فاذا تلوت هذا الاسم في حق ظالم
فان الملك الموكل به يهبط وهو رئيس ويحكم على اربع قواد تحت يد كل قايد الف صف من الملائكة فانه يجيد ويقول يا رب ان عبدا من
عبادك قد حرك فؤادي باسمك فيأتي اليه الذي اهبطه اليه فاذا هبط هو وعوالمه الى الطالب في نوم او يقظة ويعطي صاحب الخلوة
الامدادات الكلية واذا تلوت هذا الاسم قدام حاكم خفض راسه لك واذا كتب مربع هذا الاسم في خاتم فان حامله لا يخاصم احد
الا خفض له **وهذه صفة الخاتم** واعلم انه اذا تلوت هذا الاسم في الخلوة دبر كل صلوة
على عدد دبا انظر فينقض مما اردت من هذا الملك اهدك به واسمه **عتلائيل**
وتتلو بعدها الدعوة **واما اسمه** الرافع اذا تلوته معه على عدد ربا انظر فعل بين جميع
المخلوقات وكشف لك عن انوار تنزلات الرفع والخفض اذا تلوت الاسمين فان
الملكين يا تيان اليك بسبب الملك عتلائيل خادم اسم الخافض والملك الكريم **ميكائيل**

ص	ف	ا	خ
خ	ا	ف	ص
ف	خ	ص	ا
ا	ض	خ	ف

واعلم ان اسم الرافع فيه ثلاثة احرف من حروف الاسم الاعظم وفيه خواص كثيرة من ذلك انه يرفع الاكابر واذا كان انسان قد جاءت عليه
الاوقات فليكتب مربع اسم الرافع على اي معدن اراد ويدوم تلاوة الاسم يرفع الله قدره وكشف عنه جميع العوائق واذا دخلت
الى حاكم هبط اليك وحياك وعرفك كل ترتيب **وهذه صفة وضعه** واذا تلوت الاسمين
فاتلو هذه الدعوة الشريفة **تقول** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم
انت الخافض الرافع في جميع الموجودات من الارضين والسموات وما بينهما من خافض
المشية والارادات سبحانك وتخفض اعدائك عن محل القرب بعدم ولا بينك يترفع احبابك
الى وجه تعالى فيهم في جمال جلالك بان يدخلهم في بحبوحة كمالك اسئلك سر الخفض ادركني في تلك المخصوصات ونفع مقعد

ع	ف	ا	ر
ف	ا	ر	ع
ا	ر	ع	ف
ر	ع	ف	ا

اقدار سرائرك في علو المرفوعات والجامع بين الامرين في خفايا دقائق الغيبيات واسئلك ان تخفض عني الارادات النفسانية
والخطرات الهوائية والنفثات الشيطانية وان ترفع قلبي الحجب الكونية الظلمانية والحجب السماوية النورانية حتى تشرق في سرائرك
قلبي بكل المنزلة في حضرة **عتلائيل** والسيد **ميكائيل** يا خافض يا رافع آمين **مامر عبيد** تلا هذا الذكر الا رفعه الله في
شرح صدره ونال الكمال بعد ان طلب دية الملكين الخادمين واعطاه اعلم **واعلم** ان هذا الاسم له خلوة جليلة تعطي صاحبها
القوة على وافي الملكوت ومن علامة ذلك ان يكون له سطوة وقوة قهرية في العوالم فاذا اراد ان يدخل الى الخلوة فليتلو
هذا الاسم دبر كل صلوة على عدد بسائطه ويتلو الذكر القائم بحق ذات العدد هبط عليه روح الخادم لهذا الاسم واسمه **بركيائيل**
وهو ملك جليل القدر من عوالم جبرائيل عم فانه يهبط الى الثالث الاعلى من زحل الشريف وانقدح في نوم او يقظة فليسأله ويعاهده
اي شيء اراد وان هذا الاسم نافع الى ارباب المناصب والحكام وله مربع اربعة في اربعة اذا كتب في خاتم من فضة وكتب اسم الملك

ح	١٣٣	١٢١	ا
١٢٤	ج	و	١٢٠
ب	١٢٢	١٣٢	ز
١٣٤	م	د	١٣٥

حوله وحمله امام اي حاكم كبير يحكم على جماعة رفع الله قدره وفتح عليه اسبابه وهذا
الاسم موافق الى الملوك لتنفذ كلمته عندهم وان كتبه شخص وحمله على عدده واسمه
وكتب المربع وحمله كان من حملة الاسم الاعظم ويتلو بعد ذلك الذكر القائم به **وهو هذا**
بسم الله الرحمن الرحيم **اللهم** انت الكبير الذي تقدس
كبرياؤك عن بطون الاوهام والشبه وتنزهت ذاتك عن كثرة جانب المخلوقين بل
انت ذو الكبرياء الذي هو اشارة الى الكمال لذاتك العليا المطهرة عن المماثل لشيء من الاشياء انت الكبير المتعال الكريم المتفضل
بجزيل القول الغني عن اضافة السؤال اسئلك بكمال كبريائك ووجود ذاتك ودوام غناك اسئلك ان ترفع عني كثائف الحجب
البشرية بملاحظة كبرياء الربوبية فيزداد قلبي بضياء كبريائك بالنور والبهجة لك ودوام السر اللهم البسني هيبة من كبريائك عن

الكبير

الوكيل

في الدنيا والاخرى **والذكر هذا** بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الحق المطلق الوجود في حقيقة ذاتك الموصوف بحقائق
الصفات الحسنى قد وسيد اسئلك باسمائك الحسنى ان تحقق كل حق في الوجود وتبطل كل معدوم ومفقود اسئلك
وجودك الذي حققت به حقائق صفاتك ترتفع فوائد تحقق الحق لاثبوت حقائق في ذاتك فاكون بالسمع وجود كل موجود
دائما باحق يا الله آمين **وقد** ذكر بعض المشايخ ان هذا الاسم من اذكار الاولياء والسادة المحققين وان هذا الاسم خلوته جليلة
صاحبها اسرار عظيمة ويتصرف هذا الاسم في جميع ما يتصرف به في اسم الجلالة واذا تلوت هذا الاسم في خلوته وبكل صلوة عدد مرات
في تمام الخلوة يهبط الملك القائم بهذا الاسم واسمه **كهيال** وهو يطير مرفوع الى ميكائيل ويهب للذاكر قبول التوكل ويهب الامر
الكلي في الظاهر وتحصل له معارف كثيرة ويخاطبه هذا الملك في نوم او يقظة ويقضي حوائجه على حسب ما يريد **واعلم** ان هذا
الاسم الشريف مربع جليل القدر نافع لمن كتبه في فضته ونزه وحمله فانه يشاهد من البركة والقبول ما لا يوصف ومن اتخذه ذكرا
ودائما اسمه كان ذلك في حفظ الاسم الاعظم وهذا الاسم ذكر قائم به تخضع اصحاب الولاية ويتخذه ذكرا ومن داوم عليه شاهد اسراره

٢٤	١٧	١٩	٦
١٩	٧	٢٣	١٧
٩	٢٦	١٥	١٧
١٥	١٨	٩	٢٦

وهو هذا واما الذكر القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم
انت الوكيل الحافظ الواحد في تفاصيل الجبروت وفي عالم الملك وخزائن الملكوت
المتصرف في عالم العرش والكرسي واسرار عوالم العلوية اسئلك ان تشهدني في مقام التوكل
واسمعني ذلك في كل امور من عالم العرش والكرسي الى عالم الناسوت وان تحقق توكلي عليك
واعتمادي واصطلاحي بين يديك لاكون بتوكلي عليك محفوظا اسرارا ومحفوظا باسمائك

الماجد

الحسنى وبمقاماتك العلى ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم **فصل** واما اسم الماجد معنى المجيد كالعالم بمعنى العليم وقس على هذا
ومن خواص هذا الاسم الشريف اذا كتب هو واسم الواحد في مربع وكتبت اسم الملك الموكلين بها حول ويتلي الذكر القائم
به وتحجب الى قضاء حاجة وقضيت انشاء الله تعالى وهذا الاسم خلوة جليلة تعطي السالك التوسل الى الله تعالى باجابة
الدعوة وقضى الحوائج وان السالك اذا لازم هذا الاسم وتلا الذكر القائم فان الملك الموكل به يهبط واسمه **محابيل** ويعينه
السالك على قضاء حوائج المسلمين مثل انزال المطر ودفع الحاكم الظالم او العدو المخالف **وهذا صفته واما الذكر** القائم

١٩	٢٢	٢٦	١٣
٢٥	١٣	١٨	٢٣
١٤	٢١	٢٠	١٧
٢١	١٦	١٥	٢٧

به تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الماجد المجيد الفعال
لما يريد ذي الوعد المسد به اسئلك ان تقضي حاجتي يا موجد الحي من الميت و
موجد الميت من الحي امرك بين الكاف والنون اذا اردت ان تقول له كن فيكون حي
قيوم مكون الاشياء من عجزه يسأل وصدرها بينما نلك الدلالات اللطيفات
الجبروت الواحد الماجد الفاعل مخفيات الامور وتقدم نظرات بالخفايا
وتمم فعلا على من بك بكمال السر وانت الله الواحد الموجود اسئلك ان تقضي حاجتي وتيسر لي حتام هذا الاسم محابيل عجله
والله اعلم بالصواب واليه المرجع والماب

الفصل الاول من القسم الثاني من النوع الثاني من
علم الحروف وهو يشتمل على معرفة التكسير والبسط بسم الله الرحمن الرحيم

اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك ان علم الحروف من اشرف العلوم واجلها وكيف لا والحروف اصل المعلومات ومبادئ
العيوبية وبها نطق العالم وبها دارت الاكوان وبها نزل القرآن وهي عبارة عن الاشياء لان بها عرفت الاشياء ومن بكثرتها
وبعلمها تحقق انواع الحروف من الحكم واللطائف والاشارات وهي مدخل الاسماء ومنها تركيب الدعوات واستنطقت السور
والآيات وان مباديها عبارة عن حق لا تعم وعلم آدم الاسماء كلها اعني معرفة الحروف كلها لانها امهات الاسماء وكان الكواكب
العلوية تمد السفلية بحسب مراتبها كما ان عالم العرش يمد عالم الكرسي وكذا العالم بحروف المراتب تمد حروف الامتزاج وكما ان

١٨١ القهر عن شر اعدائي وجوار اعاديه واجعلني في حفظ حرزك ونصلك وحراسة امانتك فانا بك يا كبير يا الله **اعلم** ان هذا
الذكر من داوم عليه حفظه الله ورفع قدره عند العوالم فاعلم ذلك والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **وهذا الاسم** خلوة
جليلة تعطي صاحبها المودة والقربة وذلك فلا ان يكثر بالاستغفار في سائر الاوقات مع الرياضة ثم يدخل الخلوة ويضيف
مع هذا الاسم اسم **الرحيم** ويتلوهما ويقول يا رحيم **يا ودود** فاذا تلوت هذا الاسم مع تلاوة الذكر القائم به هبط
الملك الموكل به وله زجل بالتسبيح وهو ينادي سبحان الرحيم الودود يارب ان عبدا من عبادك هو يحبني بين كرسي
الله والترسل فيقول الملك الطالب اطلب مني الحب والمحبة والمودة ويخلع عليه خلع القبول ومعه اربع صفوف من الملائكة كل صف اربعة
وهو الرئيس عليهم وتحت يده اربع قواد يحكم على كل صف واسم هذا الملك **هيهائيل** عم فاذا هبط وداينه في نوم او يقظة

ودود

فاسئله قضاء الحوائج واصرفه **واعلم** ان من خواص هذا الاسم المحبة الدائمة وذلك اذا كتب في باطن خاتم وكتب حوله اسم الملك
القائم به وتلا الذكر وحمله فان الله يرزقه المحبة والقبول واذا كتب هذا الاسم وربط باسم الطالب والمطلوب وتلا الاسم فان
المعمول بهذه المحبة من ذلك الشخص واذا كتب مربع وفق المثلث وكتب في المربع اسم الودود حرفا حرفا وكتب في المثلث اسم
الجلالة وكتب اسماء هو المهلبي واحمله شخص رفع الله قدره بين الملا وحفظه الله من العداوة ومن اراد تسخير القلوب فليرتاض
بهذا الاسم ثم يتلوه دبر كل صلوة الى ان يتم العدد سبع ايام فان القلوب تجري اليه بالمحبة واذا اراد تسخير واحد من الاكابر
والملوك والامراء فليرتاض باسمه مع اسمه ثم يحمل المربع ويتبخر بالبخور الطيب فيتمله في ايسر وان يتلو الدعوة كل صادق وان يقول

د	و	د	و
د	و	د	و
و	د	و	د
و	د	و	د

اجب يا هيهائيل وتوكل بتسخير قلب فلان فانه يكون ذلك ومن اراد القبول فليكتب اسم
الودود والرحيم العطوف في حروف ويأخذ عددهم مع اسم من اراده وضعهم في مربع
نال ذلك واذا كتب على حجر واهمزة في حرف الواو ووضع الحجر في الماء فان كل من شرب يكون تابعا
فانه يحبه محبة عظيمة **واما الذكر** القائم به تقول بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم يا ودود ٣ انت الذي اظهرت سر المحبة والمودة في قلوب اهل الاسرار فتجليت بالنور
القائم والسر الدائم على الارواح والاشباح اسئلك بسر بهانك وذكرك وخفي قلوب انبيائك واوليائك واصفيائك ان
تلقي حبي وودي في قلب فلان كما القيت المحبة بين قلوب انبيائك واوليائك واصفيائك فاسئلك ان تلقي حبه في قلبي وودي في
قلوب جميع عبادك كما القيت الود بين عبدك ونبيك محمد صلى الله عليه وسلم وفيحي روحانية اسماء الودود المحمود سبحانك انت المجيد ذو
الجلال السيد **هيهائيل** الوحا العجل الساعة **اعلم** ان هذا الاسم له خواص لمن تدبرها وهو من حروف الاسم المطابق للحاجة عند عروق
الاعظم ودعا ان هذا الاسم الشريف يكون لاجابة الدعوات وقد ذكرنا بما تقدم ما على الاعتماد عليه **واعلم** ان عليك
بكثرة الرياضة والاخلاص باكل الحلال وان تاركت الاخوان الى الخلوة واستخدام عوالم هذا الاسم على عدد ما نطق به دبر كل صلوة
فانك اذا اتممت العدد المذكور وانت تخادم هذا الاسم واسمه **مزيائيل** وهو يطير وتحت يده اربع قواد وهم ذات بين في الدنيا
يظهر بهذا الحق ان اصحاب الكشف يعرفون الخوض الى طريق هذا العالم ويقف على اصحاب الحق ويتعرفون اسرار الكثيرة
وان المتخلق بهذا الاسم يتم الكلام ويعوز بنتيجة واسراره في نوم او يقظة ويقال انه له **فان** من خواص هذا الاسم في قضاء الحوائج
اذا كتب مربع هذا الاسم وحمله انسان ويتوجه الى قضاء حوائجه فانها تقضى انشاء الله تعالى وان داوم هذا الاسم عدد اسم شخص وتلاه
ذلك الشخص وتلا الذكر القائم به شاهد من عجائب صنع الله تعالى **وهذه صفته**
واذا كتب على فضة وحملها صاحب الابدان البارد تفعى او نكب ووضع مكان
يحكم الحاكم فانه يلهم العدل والحق والسائل اذا داوم على تلاوته رأى اشياء
عجيبة لا يعبر عنها اللسان ولا هذا الذكر دبر كل صلوة كان صاحبه مطلوبا به

٣٤	٣٧	٤٠	٢٧
٣٩	٢٨	٣٣	٣٨
٢٩	٤٢	٣٥	٣٢
٣٦	٣١	٣٠	٤١

الحق

١٨١ عالم الكرسي بعد عالم زحل فكذلك حروف الدرج تمد حروف الدقائق وكما ان عالم زحل بعد عالم المشتري فكذلك عالم
حروف الدقائق بعد عالم حروف الثواني وكما ان عالم المشتري بعد عالم المريخ فكذلك عالم حروف الثواني بعد عالم حروف
الثوالث وكما ان عوالم المريخ بعد عوالم فلك الشمس فكذلك عوالم حروف الثوالث تمد عوالم حروف الروابع وكما ان عوالم
فلك الشمس بعد عوالم فلك الزهرة فكذلك عوالم حروف الروابع تمد عوالم حروف الخوامس وكما ان عوالم الزهرة بعد
عوالم عطارد فكذلك حروف عوالم الخوامس تمد حروف عوالم السوادس وكما ان عوالم عطارد بعد عوالم فلك القمر فكذلك
حروف السوادس تمد حروف السوابع في الرتبة ثم ان كل عنصر من العناصر تمد الآخر كما ان اشرف العناصر الهواء فهو بعد النار
وهما اصدقاء وكذلك الماء والتراب فالماء بعد التراب ثم ان الحروف النارية والترابية اعلى من الحروف الهوائية والمائية
اعداء فاعلم ذلك تنبيه اعلم ان الحروف ٢٨ حرفا ولام الف فيها فتبقى ٢٩ ولاجل تكرارها حذفت وقسمت
الحروف على المنازل لان الحروف فيها خواص كثيرة وهي تنقسم الى اقسام فمن ذلك ان بعض الاعمال تتصرف على قدر مراتب العلماء
وهممهم ومنهم من يصرفها في الطوالع الفلكية والساعات ومطالع الكواكب ومنهم من يصرفها بمجرد تنزيل الحروف في الفوق
ويفعل بالخاصية كالاولياء والصالحين ومنهم من يصرفها بالتكسير ومنهم من يصرفها في اي وقت واننا نبين الى هذه
الاقسام ان شاء الله تعالى اقول وبالله التوفيق ان علم الكسر والبسط لا وقت يحصره فانه عجائب يبطل بل يفعل بالخاصية
الاجماع وهو علم الاولياء والانبياء صلوات الله عليهم اعلم ان معنى الكسر هو تفكيك الاسم وبسط حروفه وهذا علم
عظيم واول من وضعه آدم عليه السلم الى ولده الاكبر ادريس عليه السلم ولابنا الادريسية حتى فيه العلم ويستخرج منه الاسماء
واللغات الى ان رفعه الله مكانا عليا ولان التوارث اولاده جيلا بعد جيل وامة بعد امة الى زمن الافلاطون الالهي
ولقد حدثني بالثقات ان افلاطون يرى في كتب بني نوح لوح من زمرد اخضر فيه مكتوب بقلم ادريس ثم لم يعرفه ووصل
بعض الالواح من ملك من الملوك ان عنده حكيم يقال له [illegible] الى افلاطون الالهي الى ان وصل اليه فوجد شيخا قد كبر سنه
ورق جلده وحوله تلامذته وهم خلق كثير فاولها اقبل عليهم افلاطون قام له قائما وقال له مرحبا بك يا افلاطون لقد جئت
في طلب ما هو موجود في هذه الالواح ثم اتم فقال الحكيم [illegible] حرج له اللوح فاذا فيه ما صورته ذلك بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلق الانسان وهداه الى تبيان البيان وشرفه بالعقل والنطق على كل حيوان وجعله خليفة في الارض على سائر
الخلق من انس وجان واوضح له دلائل يستضيء بها على حل مشكلات ما انطوى من معلومات الاكوان وسخر له الملائكة بالسجود
واخدم له الجان فكلفه [illegible] امداده العيم واظهر سرابر وخاصية واخدم له العقل والنفس والهيولى والجسم بينهما الى اقصى
الاسطقسات الى عدة العقدات [illegible] سبحانه مدبر الاكوان نعم وتبارك المنزه عن الصاحبة والولد فاول ما صدر عنه العقل
الذي عقلت الاشياء به فكان العقل هو المصدر عن الامر لان الامر اخفى من سر العقل فالعقل الذي عقل الاشياء وابدعها
روي عنه صلى الله عليه وسلم اول ما خلق الله العقل فقال له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر فقال وعزتي وجلالي ما خلقت
احب الخلق الي فكان العقل هو المصدر الثاني بعد الامر لان الامر اخفى سرا من العقل وجمع جميع الموجودات اسماء
الاجناس الكلية التي تحت كل اسم من الاسماء الجزئية اسماء جمة لا يعلم تفصيلها الا الله جل وعلا وهي ٢٤ مظهرا
واربعة وستون اسما كليات تنبيه اعلم ان معنى المظهر انه اسم جنس كما زعمت المنطقيون في قولهم ان كل انسان
حيوان ولا عكس الا ان كل حيوان انسان واسم الجنس يطلق على اسم من الاسماء الكلية التي اذا فصلتها ظهر تحت عبارته
اسماء الجزئيات كقول العرب جارية حسناء وفتاة صانع فاسم الجنس هو الجارية وحسناء هو وصف واسم جزئي وكذلك
صانع وهو جمع صنع على وزن فعل وهو جمع صنائع جزئية في امر كليات ان السلسلة اسم عام قسم المقام وجعلها رتب
وقسم اسماءها وتفصيلها اقول الرتبة الاولى يجمعها ٥ مظاهر المظهر ١ مظهر الامر المظهر ٢ مظهر العقل المظهر ٣

مظهر النفس

مظهر النفس المظهر ٤ مظهر الهيولى المظهر ٥ مظهر الصورة الرتبة الثانية وهي ١١ مظهر في المظهر ١ مظهر الجسد الذي هو في
الطول والعرض والعمق المظهر ٢ مظهر التعديل المظهر ٣ مظهر البروج ١٢ البروج المنقسم على ٢٨ منزلة المظهر ٤ مظهر
زحل المظهر ٥ مظهر المشتري المظهر ٦ مظهر المريخ المظهر ٧ مظهر الشمس المظهر ٨ مظهر الزهرة المظهر ٩ مظهر العطارد
المظهر ١٠ مظهر القمر المظهر ١١ مظهر الجلي الرتبة الثالثة تسع مظاهر المظهر الاول مظهر النار والمظهر ٢ مظهر الهوى
المظهر ٣ مظهر التراب المظهر ٤ مظهر الماء المظهر ٥ مظهر المعدن المظهر ٦ مظهر النبات المظهر ٧ مظهر الحيوان المظهر
٨ مظهر الانسان المظهر ٩ مظهر الملك وهذه الاسماء كلها اسماء الاجناس تحت كل جنس اسماء شتى لا يحصيها الا الله ثم
سبوح قدوس ربنا ورب الملائكة والروح تنبيه اعلم ان كل اسم كامل في نفسه موضوع لغيره يقبل النقص والامداد لان الامر
يقبل الزيادة والنقصان ويقبل النقص وهو يحتاج الى العقل الى ان ينتهي الاصل الى مركز الارض فكل منهم يقبل النقص
ويحتاج الى الآخر وهم مستمدون من بعضهم البعض والجميع مستمدون من مظهر الفردانية سبحانه وتعالى ليس كمثله شيء وهو السميع البصير
وابلغ ما احصي من اسماء الجزئيات ستة عشر اسما وتفصيلها ١ المعدن ٢ الحجر ٣ الذهب ٤ الفضة ٥ النحاس ٦
الرصاص ٧ الحديد ٨ الاسرب ٩ الدهن ١٠ الزئبق ١١ الكبريت والجزئيات من الاسماء ٤ الحيوانية ٥ اجناس ١ البالغ
٢ اللطيف ٣ الطائر ٤ المكنون المنتصب الرفيع ٥ الطويل القصير فاما العناصر انما اربعة وضربناها في مثلها
نتجت ١٦ فكانت الحروف الخارجة من اللهات من داخل الحلق التي هي الحروف الحلقية التي اولها الالف واخرها الياء
ولذلك جعل عليها مدار الاكوان وبها نطقت الالسن وبها حصلت المعلومات والصوت بسيط والحرف مركب من الهواء والشفتين
المخارج ولاجل ذلك الحروف والشكل في حيوان الانسان تعلم منه العبودية وصحت له الخلافة والسلطنة على كل حيوان وكان
مظهر الامر جبرائيل عم فعلم آدم الاسماء اعني الحروف وركب منها الاسماء فلما تلاها على الملائكة وقعوا له ساجدين فقد حاز
جميع الاسماء فظهرت الخفايا من عالم الغيب الى عالم الشهادة فظهرت الاشياء على حقايقها بالالفات المختلفة واعلم ان هذا
الواصل الى هذا الكتاب الذي هو ذخيرة الى كل طالب ومفتاح الى كل نتيجة ان اشرح هذا النوع فاعلم ذلك وتحققه ثم اعلم
ان معنى قوله تعالى وعلم آدم الاسماء هي علم الحروف ولا ذكر سند مشايخنا اقول ان اول من نطق بعلم الحروف كان جبرائيل عم
[illegible] الى آدم ليعرف الاسماء ثم علمه علم الكسر والتركيب ليعلم اسماء اولاده من الانبياء ثم ان آدم عم علمها لولده [illegible] وشيث
علمها الى ولده قينان ثم قينان علمها الى ولده مهلائيل ثم علمها الى ولده [illegible] ثم علمها الى ولده اخنوخ وهو ادريس عم
فكانت معجزته ان يخبر قومه بما يفعلون في بيوتهم وعن اسمائهم [illegible] علم الحروف [illegible] ووضع اشكال الرمل وهي ١٦ شكلا
هو مختصة به وسياتي تفصيلها في محله ثم ان ادريس وضع في الطلسمات الاسماء المكنونة [illegible] الى ان ظهر منها ما ظهر وكشف له
عن حقايق الملكوت ورفعه الله الى مكان العزة وقيل انه صعد الى السماء وعلم هذا العلم الى ولده متوشلح وتركها ووضعها في
مغارة الاسرار وكان هذا العلم قد انتشر فيما بينهم [illegible] الى ان علم السبعة الطوفان ولذلك كان نوح
صحفا وحكمه وحاجة الى [illegible] علم ذلك استخراج العلوم ثم اشتغل نوح بالدعوة [illegible] على تحصيل هذا
العلم فتعلموه من ابيهم ولما ركبوا السفينة [illegible] المياه [illegible] الارض اولاد نوح كتموا اهل العلم [illegible] بقي
احد ان يتكلم فيه الى ان ظهرت اليونان ودخلوا الى مغارة الاسرار واستخرجوها الى ان وصلت الى ابراهيم عم ومن ابراهيم
الى ولده الى ان وصلت الى يعقوب فعلمها الى يوسف [illegible] الى ان وصلت الى سليمان بن داود فعلمها الى آصف
فاخذها وكتبها في لوح من زمرد وبعثها الى افلاطون فاستخرجها افلاطون [illegible] ثم كتموها العلماء الى زمان النبي
صلى الله عليه وسلم وكانت احبار بني اسرائيل يعلمونها [illegible] القرآن العظيم [illegible] احبار اليهود
الى النبي صلى الله عليه وسلم واخبرهم عن ذلك فقالوا يا محمد ان ملكك سيكون ٧١ سنة هل نزل عليك غيرها

من شيعها احبار [illegible] جميعهم

الحروف فقال نعم ثم قرأ عليهم اوايل السور فعند ذلك اسلم منهم طائفة وذهب آخرين فعند ذلك تقدم الامام علي كرم
الله عنه وكرم وجهه وقال يا رسول الله اريد ان اتعلم هذا العلم فعلمه صلى الله عليه وسلم هذا العلم واوصاه بان لا يخرج
ما يكون فيه من الاسرار وكتبه في جلد بعير مدبوغ وان ذلك الجلد يسمونه الجفر ومعنى الجفر هو الرق المشروح من الجلد وهو مكرر
مبسوط ثم افاده الى ولده ثم حل من ولده جعفر الصادق ثم موسى الكاظم ثم اتصل هذا العلم منه الى اجلال المشايخ الى زين
العابدين الى معروف الكرخي الى السري السقطي الى ابو القاسم الجنيد البغدادي وحققه تفرعت منه الطرق الى صادق الاربعين وعلم بما
وقع على منصور الحلاج وحصل له ما حصل فعند ذلك امروا المشايخ بعضهم البعض ان يكتموا هذا العلم ثم وصلت ابدال الى عثمان
الروذبادي الى الشيخ ابو علي الكاتب ثم الى عثمان المغربي ثم الى الدي ثم اخفيت هذا العلم من اهل خاصته والقوم به واخذ عني
مشايخ كثيرة وبناء طريق الحق وطريق الحكمة وانا اجزت لمن عثر على كتابي هذا ان يخفي هذا العلم لمن اراده بالحرمة والفضل والامانة
وان ينظر الى الجمال الناد ويعمل بما فيها لما ينتج انشاء الله تعالى **وانا** اول ما اذكر لك كيفية الدخول الى علم الكسر والبسط **اعلم** يا اخي وفقك الله
الى معرفة اسمائه ان هذا العلم عند انفاس الخلائق وغير مذاهب شتى قد وضعها العلماء العارفين واشار فيه عدة اقسام الخلائق
والكلام فيه كثير ولكن لنذكر لك الصواب للطريق في الكسر والبسط **اقول** اعلم انه مدار الكون على هذه الحروف الهجائية ولذا اذا
اردت شيئا فتطلب اسم ذلك الشيء وتبسطه مثل اسماء الطاهر والاجناس فلا يخفاك المصادق والمضاد ومن ذلك النوع والجنس
لك فاعلم ان لكل نوع من الانواع المتشابه يكون صديقا الى آخر والعكس وكما ان الذيب عدو الغنم وكما ان الجارح عدو البهائم وكما
ان السبع عدو الحيوانات وبعكس النتيجة فان الله تبارك وتعالى خلق اجناسه واصنافه والهامه معرفة هذا العلم لمكان التوافق
بين المتضادات وما كون بين الموافقات لحكمة اوجدها الباري تعالى في النسبة والصفات والله خلقكم وما تعملون ثم انهم وقفوا التجارب
بقوانين علمية الهامية توارثوها من صدر الى صدر وعلموا كم قوة كل حرف واي شيء يحصل بالحروف عن اخبر ليعلم اسرار المقادير
والمتاكرات واذا اعلم الشخص في المثال الى الرتبة العليا وكان من فهم القضية **فصل** في ذلك اردنا اعلام الاعمال فنقول ان الكسر والبسط
على ثلاثة اقسام وكل قسم فيه امثلة شتى والكسر والبسط فيها على ثلاثة اوجه تكسير كبير وتكسير صغير وتكسير وسط فالتكسير الصغير
على وجهين تكسير الاسم مع اسم احد وتفريقه وهو اهون الطرق واسهله وهو من غير وقت ولا ساعة ولا سعد ولا نحس **والوجه
الثاني** تكسير طالع الشخص وطبعه وتفريقه **والتكسير الثاني** على اربعة وجوه **الوجه الاول** تكسير اسم الشخص والطالع والعنصر وطبعه
وجمعه وتفريقه **والوجه الثاني** تكسير اسم الطالب والمطلوب واسم من الاسماء الموافقة للعمل من الاسماء الحسنى والساعة **والوجه الثالث**
تكسير اسم الطالب والمطلوب وطوالعهما والاسماء الحسنى واليوم والعنصر والساعة والعمل **والتكسير الثالث** على اربعة اوجه **الوجه
الاول** تكسير اسم الطالب والمطلوب وطوالعهما والبروج التي فيها الشمس والاسماء الحسنى والميزان الآخر مثل المحبة واليوم ثم تبسط
وتفرقه **والوجه الثاني** هو ان تكسر الاسماء وتبسطهم وكذلك تفعل باليوم والبرج والكوكب والعنصر وسلطان الطالع و
اسم الحاجة وتفرقه ذلك **والوجه الثالث** ان تكسر الاسمين وطالعيهما وتستنطق الجميع اسم اليوم وصاحب اليوم من العلوي والسفلي
والشمس وبرجها والقمر وبرجه ومنزلتهما واليوم وطوالعهما من الفلك المستقيم والعنصر ثم تكسر وتجمع **والوجه الرابع** تكسير الاسمين
وطوالعهما الى ١٦ اسطر ثم تفرقه وهذا التكسير الكبير فاعلم ذلك **واشا** ليتا لك معرفة الامثلة من هذه القواعد وشرحها ان يمشى
الوجه وتنظر الوجه من اي تكسير ماخوذ ثم تمشي عليه وتفرقه فتنتج جميع اعمالك ومثال المراد من هذا العلم فان هؤلاء الاعمال على
قسمين **فالقسم الاول** ان يكون الاستاد معتقدا لذلك المثال الموضوع على وجوه التكسير **والقسم الثاني** ان لا يكون معتقدا
لا معتقدا الى ذلك المثال الموضوع فهم فيه كيف اراد وهذا ما بيناه لك واحضناه لتعلم المدخل وتحققه على الوجه المشروح والله اعلم
تنبيه اعلم اني قد صنعت لك من الفرق بين الامثلة لتعلم التفصيل وتفرق بين الاعمال وتقيم فيها على الوجه المشروح في
معرفة الكسر والبسط واول الاعمال في هذا الفن **طب الابدان** اقول ان الحق سبحانه وتعالى لما خلق الانسان في عالم آدم اعلم ان اجسم

الحروف

ذلك م

[illegible]

الحروف ٢٨ على صورة الانسان فتقسم بالحاث من وسط الرأس الى حد الحلقوم سبعة احرف ومن الصدر الى السرة سبعة احرف ومن
السرة الى الحالبين سبعة احرف ومن الحالبين الى القدمين سبعة احرف فكانت ثمانية وعشرين حرفا **وهذه** صورة تقسيم الحروف في
الصورة الانسانية والحكمة في تركيبها ووضع هذه الحروف الى الاعضاء وتقسيمها الشرف ا ه ط م ف ش ذ ب و ي ن ص ت ض ج ز ك س ق ث ظ د ح ل ع ر خ غ

فيه فائدة جليلة القدر ويستعملها الانسان وذلك من طريق
التكسير الصغير وهو المسمى بالطب الروحاني في العالم الانساني
وذلك اذا اردت ان تنظر الى احوال المريض من النساء
والرجال فتستعين بالله وتكتم جميع امورك عن الناس لان
عندهم الحسد ويحمح وكون يبتدى بالعلاج اي وقت
اردت من غير تقييد بطالع مخرج او سعيد بل من وقت سؤالك
وصورة العمل اذا جاءك البائس بمريض قد طالت علته

الحلقوم	ح ح ل ع ر خ غ ح ح ل ع ر خ غ ح ل ع ر خ غ د ح ل ع ر خ غ
الصدر	ج ز ك س ق ث ظ ج ز ك س ق ث ظ
الفؤاد	ب و ي ن ص ت ض ب و ي ن ص ت ض
الطحال	د ح ل ع ر خ غ د ح ل ع ر خ غ د ح ل ع ر خ غ د ح ل ع
الكبد	د ح ل ع ر خ غ د ح ل ع ر خ غ د ح ل ع ر خ غ د ح ل ع
المعدة	ب و ي ن ت ص ض ب و ي ن ت ص ض
الفخذين والقدمين	ب و ي ن ت ص ض ب و ي ن ت ص ض

واعيا الاطباء فتنظر اليه وتسأل عن وجعه فان كان وجعه في رأسه من اليافوخ الى الحلقوم فلا يكون دواءه الا في الحروف الاربعة
التي اولها الالف فتاخذها الاول **مثال ذلك** اذا اشتكى الانسان رأسه بوجع وفيه صداع شديد وبه مدة طويلة فتقول اسمه زيد
وكم عليه اسبوع ثم تسأله فيقول انه وجعه في الصدغين اول شهر جمادى فاخذ حروف الرأس وتكسرها فتاخذ
حروف الصدغين فتقول اسكن الوجع ثم تاخذ الحروف وتمزجها ثم تجمعها بالرقم وتسمى على اسمائها في الفصل الاستنطاق ثم تكتب
الحروف على طبع الوزن وتفرقه **وهذه** صفته وذلك ر ي د س ك ت و ج ع راس **م ر ا ل ر** ص د غ ي ن **ثم** تمزجها على
الصورة ز ه د ي و ج ع س د ك ص ن و ل ج ا ع ن ر م ا ص فكان عدد حروفها ٢٣ حرفا فاخذنا عددهم بالجمل فكان
جملة الف وخمسمائة واحد عشر فكان طبع العمل في الماء ويكتب المربع ويسقى ويطلى به الرأس وكيفية الكتابة ان تضع هذا العدد في وفق
مثلث تقسمه بعد اسقاط اسم **وهذا** تنزيله ووضعه **ثم** بعد ذلك تستنطق مفتاحه ومغلاقه وعدله وقطره وتشغل ذلك على طريق

٣٥٢	٣٥٥	٣٥٣	٣٣٥
٣٥٤	٣٣٤	٣٥١	٣٥٤
٣٣٤	٣٤٠	٣٥٣	٣٥٠
٣٥٣	٣٣٣	٣٣٢	٣٥٢

الدعوة ثم تكتب المربع وتسقيه الى صاحب الصداع وتكتب الدعوة المركبة حوله وتبخر به على ثلاثة
فانه يبرا ان شاء الله تعالى وصورة العزيمة التي تكتب حول المربع تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم
اني اسالك بحق استجابات اسمائك العظيمة ان يشافي يا كافي ان تشفي عبدك فلان
المنحرف عليك **هدتاتيل** اجب حقوق كل ابراج الاذى يحق الله رب سلام شافي عليم
جليل بحق كافي افرحادي تشفي القلوب والسطوة ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اجيبوا
معاشر الارواح واسمعوا امال كتابي هذا اجيبوا يا **هدتاتيل** وانت يا شيتائيل الوحا العجل الساعة وانتم تعلمون عظيم
مثال آخر اذا اتاك احد وسئلت عن مجنون لا عقل له مجنون لا عقل له شافي على بركة الله تعالى وتتمة صورة المثال تقول اسم الشخص علي فتبسط
ع ل ي ثم تقول هذا الشخص مفتقر العقل فتقيم فيه فتبسط اسم **ع ق ل** ثم تقول **ج ل ب** ثم تركيب المثال تمزج الحروف سطرا **ع ج ل**
ع ق ب ل ي ل فكان عدد الحروف ٩ فاخذنا عددهم بالجمل فكان العدد ٤٣٥ فوزناه في مربع مثلث فكان طبعهم ناري فتقول
تكتب هذا المربع المثلث وتجعل ذلك العمل ناري ٩ ثم تبخره بالوفق المكتوب ثم تتلو العزيمة وتعلق الوفق **وهذه صورته**

١٤٧	١٥٢	١٤٥
١٤٦	١٤٨	١٥٠
١٥١	١٤٤	١٤٩

وتكتب الحجاب ثم تاخذ تسع اسماء من اسماء الله الحسنى مع الوفق وتعلقه على المجنون في ٤٠
٤٠ يوما ويحتجب عن المخلطات فانه يبرى باذن الله تعالى وصورة الاستنطاق كما ياتي
وهذا تركيب القسم تقول انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم اقسمت عليك يا تمهائيل
وانت يا همهائيل بحق عليم جليل قيوم باقي الاما اجيبوا وحبسوا العقل المهلا فيجابا شافي ان الكافي

ويحق يخلخ قيلخ بيلخ الوحا العجل الساعة وانتم بو تعلمون عظيم عليم جليل جبيل لطيف عزيز قدوس باق الله نور في القرآن الكريم
الايه ثم تبخر الكاتب بعود طيب وتعلقه عليه والله اعلم **مثال آخر** من الكبير المصغر الجمع المقلوم تاخذ اسم المقلوم وتكتب معه
الحروف التي مكتوبة في المقلوم وذلك كما تقدم ثم تزن العمل وتكتب وتبقى لو هذه صفة المثال **تقول** ذي دط **ر ن ا** دج ع
الح لق د م ب **اسوم** ه الش اف ى ثم اننا جمعنا الحروف **فكان وضعه هكذا**

٣٠١٠	٣٠١٥	٣٠٠٨
٣٠٠٩	٣٠١١	٣٠١٣
٣٠١٤	٣٠٠٧	٣٠١٢

ثم نطقنا على كيفية الاستنطاق ثم اخرجنا الطبع وعزيمته وربتناها هكذا فتقول بسم الله
الرحمن الرحيم اللهم انى اسئلك باسمك الشافى المعافى وباسمك زكى دائم طاهر جليل عليم
حكيم لطيف سلام شكور فرد واسئلك ان تعافى اقسمت عليك **يا حطايل** دات
ويغشايل المعطارية الوجع من حلقوم زيد بحق هذه الاسماء الوحا العجل ثم تكتب آيات الشفاء مع ذلك مدة سبع ايام فانه يزول
انشاء الله تعالى وقس على هذه الامثلة الثلاثة كيفية الاوجاع من هذا الطريق **تنبيه** اعلم ايها الطالب اذا اردت ان تشفى المريض
باذن الله تعالى كما امكنه تاخذ اسم الطالب واسم العضو وطرد الوجع وتبسطهم وتمزج ذلك ثم تاخذ عدد الحروف وتنزل الاعداد وتخرج منه
او مربع او مخمس وتنطق القضاء والعلاق والفقر وتنظم الدعوة وتاخذ من كل حرف اول وتجمع عليه اسم من اسماء الله الحسنى ثم تزن العمل على
ما يليق وتضيف بحسب المطلوب وهذه قاعدة كلية لمن علم وتدبر فاعلم ذلك **فصل** اعلم ايها الطالب انك اذا اردت ان تجلب صديق او غائب
تعرف اسمه ثم تاخذ اسمه ثم تاخذ اسم الجليب ثم تاخذ اسم من اسماء الله الحسنى ثم تكسر الجميع حروفا ثم تمزجهم وبعد المزج تاخذ اعدادهم
الجملة ثم تاخذ بعد ذلك العدد وتوضعه في وفق مربع او مسدس ثم تستنطق القضاء والفقر وتكتب الدعوة وتزن العمل كما يلى وتقرنه على الكرسي
مثاله كان اسم المطلوب **حسن** وكان الطالب **عمر** فرده اليه فكتب امتزاجهم على هذه الصورة **ع ح ع م س ل ط ر ن**
ب و ف ثم تجمع عدد هؤلاء الحروف هكذا **الف وعشرين وستمائة** فضمناهم ووضعناهم في مربع فطقناهم الاربع بيوت التي في الاركان
ثم نزن العمل بالميزان الاول فكان تصريف هذا المربع نكتب على فخارة ثم نكتب حول المربع اسماء الاعوان ونوضع في النار ونتلو عليها
الدعوة المذكورة وتبخر بالعود والجاوى فان المطلوب يحضر انشاء الله تعالى وهذه صورة تركيب

١٥٠٥	١٥٠٩	١٥١٢	١٤٩٦
١٥١٣	١٥٠٠	١٥٠٥	١٥٠٠
١٥٠١	١٥١٤	١٥٠٦	١٥٠٣
١٥٠١	١٥٠٢	١٥٠٢	١٥١٢

الدعوة **نقول** اقسمت عليك يا رقيشائيل وات طهقيائيل بحق علو جليل مجيب سلام
لطيف بديع وبوعد الاجابة عاجلة فلان الى عندكما بحق من يخلق الجبل فجعله دكا وخر موسى
صعقا اجيبوا وتوكلوا الوحا العجل الساعة ولا تكن بحق هذه الاسماء حتى يأتى المطلوب
وعلى هذه الصورة تعمل الاعمال الجارية جميع الشاجر على هذا المثال الشريف **وفيه مثال**
آخر وذلك انك تاخذ اسم الطالب واسم المطلوب واسم من اسماء الله الحسنى واسم الجليب وتمزج الحروف جميعها ثم انك تنظمها ثلاثية
او رباعية او خماسية وتجمع الجميع وتجعل الكسيرة الطلسم وتضعها على خرقة زرقاء وتوقدها على سراج جديد على صفة التهييج وات
تتلو عليها الدعوة التي تضمنها وتجمع ايضا الحروف وتزيد في آخر كل ثلاث حروف حرف الخاء **وهذه** صورة المثال فنقول ان
الطالب اسمه **محمد** واسم المطلوب **يوسف** فنجمع اسم الطالب والمطلوب والاسم الذي من الاسماء الحسنى واسم الجليب فنقول العمل
بالحروف الطبيعية وبعد ذلك فهذه صورة الحروف الممزوجة **دم ح عاج ل ل دهم س وب ط م ف دو ش ق**
جملتها **٢٢** حرف فنطقنا في الوفقة التي توقد في السراج على هذه الصفة دمخ يواجخ لودخ همسخ وبطمخ مقدوخ دفخ
اجيبوا يا خدام هذه الاسماء وتوكلوا بجلب يوسف الى عند محمد بحق ذي الجلال والاكرام به يوم لطيف هادى احب دهيائيل
وات باهيائيل وات يا بطحائيل الوحا العجل الساعة بحق هذه الاسماء التي تكتب على الفتول **واما** كيفية العزيمة تقول
اقسمت عليكم ايتها الحروف النورانية خدام هذه الحروف النورانية اجب يا دهيائيل وات باهيائيل وات يا بطحائيل بحق
دمخ يواجخ لودخ همسخ وبطمخ مقدوخ دفخ اجيبوا بحق الاسماء السريانية والاسماء العربية وتوكلوا بجلب يوسف الى عند محمد

بحق ذى الجلال

بحق ذى الجلال لطيف هادى محى مجيب سلام اجيبوا وتوكلوا واجمعها عليكم الوحا الساعة العجلة ثم تبخر بالجاوى او بعبير وقس
على هذا المثال سائر الاعمال من التكسير المصغر **صفة طريقة اخرى** من هذا المعنى وذلك اذا اردت قبولا او محبة او عطف ملك
او حاكم او صديق فخذ اسم الطالب واسم المطلوب وآية من كتاب الله تعالى وتعلم مع الاسمين على هذه الصورة فنقول **جعفر**
الطالب **موسى** المطلوب وتربط معهما آية من كتاب الله وهو قوله تعالى يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله لو انفقت
ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف ثم تجمع الحروف وتاخذ عددهم وتوسعه في مربع او مخمس او مسدس او مسبع يوم
سعيد ثم تستنطق الوفق ثم تنظم الحروف سريانية وتكتب حول الوفق وتقرن الاعمال وتقرنه على المراتب وهكذا صورته فكان
عدد حروف الطالب والمطلوب فكان ربا جاهم كل عشرة احرف من الآية مع حرف من الاسماء على هذه الصورة **ى ح ب و ن ه م**
ك ح ب ج ال له وال ذى ن ع ا م ن و ا اش د ح ب ف ال ل م ل و ا ن ف ق ر ت م ا ف ى ال ا ر ض
م ج م ى ع ا م ا ال ف و ت ب ى ن ق ل و ب م م س و ل ك ن ال ل م ال ى ف ثم تجمع الحروف جميعا وتنزل في

١١١٠	١١١٣	١١١٢	١١٠٣
١١١٥	١١٠٤	١١٠٩	١١١٤
١١٠٥	١١١٦	١١١١	١١٠٢
١١١٣	١١٠٧	١١٠٦	١١١٧

وفق مربع ونوفقه على حاسبته ثم تستنطقها وتعيد الاستنطاق وتجمع العزيمة عليها يا في
وتكتب الوفق وتقسم بالحاجة وقضائها وقس على هذا المثال فجمعنا الحروف فكان
عددها بالطهطائيل **٥٠٣٩** ووضعناه في الوفق هكذا ثم كان طبعها الهوى وكتب
الوفق وتحمله ثم تكتب نسخة اخرى وتعلقه في الهوى وتتلو الدعوة دبر كل صلوة **٢١** مرة
فان الحاجة تقضى **وهذه طريقة** آخر ان تجمع الحروف سريانية وتنظمها في الدعوة وطريقه
ان تنقط التكسير وتجمعها بالجمل ثم تنزلها في المربع وتستنطقها كما يأتى وتنظمها في الدعوة هكذا تقول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اسئلك
بحق كل اسم سميت به نفسك فاطلعت عليه احدا من خلقك وبحق يجخ نيخ كجخ يالخ طوخ لديالخ وشدوخ بالخ تخخخ
عمخ فيتخ اجيبوا معاشر الخدام خدام هذه الاسماء وتوكلوا بكذا وكذا احب يحق جليل على فرد موجد سلام به عفو وتوكلوا
بكذا الوحا العجل الساعة وانه لقسم لو تعلمون عظيم وهكذا تفعل في سائر الاعمال من هذا الطريق **فصل** اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك
انى اذكر لك قاعدة لطيفة تعتمد عليها فهذا الفصل من علم التكسير وذلك انه اذا كان في انسان مرض من الامراض فتنظر في المرض
في اى عضو من الاعضاء الى اول حرف من الحروف العضو وتنظر الى اول حرف وتاخذ عليه آية من كتاب الله ثم تنظر الى ذلك
الحرف وتاخذ عليه اسم من اسماء الله الحسنى وتمزج اسم الشخص بعد تكسير حروف الآية والاسم وتنظمهم على ما ذكرناه من القواعد
ولقد ذكرنا الصورة الانسانية مما هي من الحروف والان نخبرك ما لكل عضو من الجسد ثم انى اذكر الايات **٢٨** آية على الحروف
المعجمة واذكر لك ما لكل حرف من الاسماء الحسنى من الاستقامة وغيرها واولها ابتدى بالاسماء المرتبة على الحروف واذكر في ضمن
ذلك خواص يليق بهذا الموضع على التجلة **واقول** وبالله التوفيق **اول الاسماء الحسنى** التي اولها **الالف** الله الواحد الاحد ابد اول آخر امام
اعظم اسرع احكم اجل اقدر اوسع اكبر اكرم احسن اصدق اعلى ابقى اهل التقوى اهل المغفرة آمين فجملة هذه الاسماء **٢١** اسما
واما الاسماء التي اولها **الباء** باطن بصير بديع بارئ بر باعث بالغ برو بادى برهان **واما** الاسماء التي اولها **التاء** تام
تواب **واما** الاسماء التي اولها **الثاء المثلثة** ثابت **واما** الاسماء التي اولها **الجيم** جليل جميل جواد جبار جامع جاعل
واما الاسماء التي اولها **الحاء** حى حكيم حليم حنان حق حبيب حفيظ حسيب حكم **واما** الاسماء التي اولها **الخاء** خبير خالق خلاق
خفى خليفة خافض **واما** الاسماء التي اولها **الدال** دائم ديان دافع دهر ديوم دامى **واما** الاسماء التي اولها **الذال** ذو
الجلال ذو الصوة ذى البطش ذى الطول ذو الفضل ذو المعالى ذى العرش ذو الرحمة ذو انتقام ذو مغفرة ذو العقاب الاذى
واما الاسماء التي اولها **الراء** رب رحمن رحيم رضى رقيب راشد رشيد رزاق رافع رفيع الدرجات رمضان رائق
راض **واما** الاسماء التي اولها **الزاء** زكى زارع **واما** الاسماء التي اولها **السين** سميع سلام سامع ستار ساتر سيد سريع الحساب

سريع الحساب سريع العقاب ساخط ساخر ستر سميع سادس محتسر واما الاسماء التي اولها الشين شفيع شاهد شهيد شاكر شكور رشيد شافي شفيع واما الاسماء التي اولها الصاد صمد صادق صبور صانع صاحب صق واما الاسماء التي اولها الضاد ضار واما الاسماء التي اولها الطاء طاهر طيب طالب طبيب واما الاسماء التي اولها الظاء ظاهر واما الاسماء التي اولها العين عليم عالم علام علي عظيم عدل عزيز عفو عاصم عادل واما الاسماء التي اولها الغين غني غافر غفور غفار غالب غيور غضبان غياث المستغيثين واما الاسماء التي اولها الفاء فرد فتاح فعال فاعل فارج الهم فارج الغم فالق فاطر فالق الحب فالق الاصباح فائق فتر واما الاسماء التي اولها القاف قيوم قائم قابض قادر قوي قهار قدوس قاصر قاسم قريب قاضي واما الاسماء التي اولها الكاف كافي كبير كفيل كريم كامل كائن واما الاسماء التي اولها اللام لطيف لا اله الا الله واما الاسماء التي اولها الميم مؤمن مهيمن مجيد موجد محيي مميت معبود مكون منشئ مصور مخرج موجد معيد مبدع محدث مالك الملك يوم الدين مجيد ماجد متكبر مقتدر مقدم مؤخر مقسط مقيت مبين متين منير مستجيب مستعان مدبر مكون متكلم معز مذل منزل مبقي مكرم منزل مدبر موسع ممد موهب معلق مرزق مشفق مكرم مالك متصل مفضل منتقم منور مظهر معذب مبغض محب معادي مستعلي مدبر مرتب محسن ممتحن متوفي مكرم مصور مبشر متمم مقبل واما الاسماء التي اولها النون نور نافع نصير ناظر نظيف نعم المولى ونعم النصير نادر ناصر واما الاسماء التي اولها الهاء هادي هو هاد هادم هو الاول هو الاخر واما الاسماء التي اولها الواو ودود واسع وكيل ولي واحد وافي ودود وهاب وارث وتر واما الاسماء التي اولها لا الف الله لا اله الا هو واما الاسماء التي اولها الياء يه ياه يوه يبر

اعلم ان الله تبارك وتعالى جعل اسماء ومختلفة ليصل بها كلها ليدل ان هولاء الاسماء وردت في الكتاب والسنة ولقد اجتمعت الجمهور على انه لا يجوز ان يذكر اسم من اسماء الله او ينطق به احدا الا ان يكون لذكره في الكتاب والسنة وهولاء الاسماء من ذلك لان هذه الاسماء منها ما هو من جملة ٩٩ ومنها ما هو من الاشتقاقية فاذا اردت التصريف لو كان انسان ضعيف فهو انفع من الاسماء الحسنى اسماء القوي تمزج الاسم مع اسمه وتضيف البياينه من كتاب الله تعالى او الطبائع او الحروف وتمزج الجميع وتاخذ اعداد الحروف وتضعها في وفق مربع او مثلث وتستنطقه بطريق الاستنطاق وتتصرف به كما بيناه انشاء الله في هذا من الكبير والصغير وقد ذكرنا الاسماء الحسنى واذكر الايات التي على الحروف فاولها للحرف الالف الم ذلك الكتاب لا ريب فيه الم الله لا اله الا هو الحي القيوم الله لا اله الا هو الحي القيوم الحمد لله الذي خلق السموات والارض الم تروا ان الله سخر لكم ما في السموات وما في الارض واسبغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ان هذا لرزقنا ما له من نفاد وقس على هذا النمط من هذه الحروف واما التي اولها الباء براءة من الله ورسوله بديع السموات والارض حرف الجيم جاء الحق وزهق الباطل حرف الدال دعويهم فيها سبحانك اللهم الاية حرف الهاء هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة الاية هو الحي لا اله الا هو الاية وقس على ذلك حرف الواو وورزق ربك خير ونصر الله نصرا عزيزا وانتهاه من لدنا علما والموفون بعهدهم اذا عاهدوا حرف الزاي وذوجناهم بحور عين زين للناس حب الشهوات الاية وقس على ذلك حرف الحاء حم عسق كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك حرف الطاء طه ما انزلنا عليك القران لتشقى حرف الياء يا ايها الناس يا ايها الذين يا عباد لا خوف عليكم اليوم وقس على ذلك لسائر الايات حرف الكاف كهيعص كلما دخل عليها زكريا المحراب كلا وانزلناه من السماء حرف اللام لن تنالوا البر حتى تنفقوا حرف الميم ما كان محمد ابا احد محمد رسول الله ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف حرف النون ن والقلم وما يسطرون تنزيلا من غفور رحيم حرف السين سبحان الله عما يصفون فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون سلام قولا من رب رحيم حرف الشين شهد الله انه لا اله الا هو حرف العين عم يتساءلون عن النبا العظيم حرف القاف قيوم السموات والارض ق والقران المجيد حرف الفاء فيها في الكل

مؤكابر مسجد مشهد مستهل ملتقى مفوح مخلص باسط منيبر مشفق مبتلج معلن موسر ماح مسع مفضل ماحي متكلم مريد مجمل مطعم مانع مكين معين ملهم مطعم موسر ممكن مقون

نفيلم

فبح باسم ربك العظيم طا فصى ربك حرف الصاد ص الاية واما التي تجمع الحروف ٢٨ هي قوله تعالى محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعا سجدا يبتغون من الله فضلا ورضوانا الى قوله اجرا عظيما وقد بينا لك هذه الايات ليسهل عليك المأخذ فهذه المعنى والله يفعل ذلك في الاعمال جميعها ثم تنظر الى الوجع ان كان قليلا فلا بد من السقى او اصنعه شيء من المأكل او بقرا وعدد القراة في الاعمال الحرفية ٢٩ مرة وذلك على عدد الحروف وتدهن بدهن البنفسج والزيت فضل دهن البنفسج روى عنه صلى الله عليه وسلم انه قال فضل دهن البنفسج على سائر الادهان كفضلي على سائر الانبياء ويكفي شرف الزيت انه قال بارك الله في الزيت والزيتون واما السقي فتذيب بالعسل فتكون عملت بالحديث وذلك لما روى عن النبي صلى الله عليه وسلم حيث قال الشفاء في ثلاث اية من كتاب الله تعالى او لعقة من عسل او كاس من حجام فاذا كتبت لك فتكون جمعت بين شفائين بين شفاء الاية وبين شفاء العسل فاعلم ذلك وقد بينا لك الاسماء الحسنى والايات والآن اذكر الجدول لا تعرف ما الكل ويح من الاعضاء وما له من الحروف لتعتمد على ذلك ليسهل عليك المأخذ والى افتح لك بعد هذا الجدول

وهذه صورته

الدائرة الموضوعة السابقة



اعلم انك قد وضعنا لك هذه الدائرة لتستعين به على اعمال التكبيرات الثلث وقد جعلنا ما لكل عضو من الاعضاء من البروج والحروف على ترتيب الطبائع الاربع ليسهل عليك المأخذ وتعتمد على الاصول الكلية والقوانين العلمية بالطب الروحاني في العالم الانساني على الطريق الموضوعة وهذا على النفس وسعى الجسد ليس بالمنتج من النتائج بطريق القصد بل بالتمليح فاعلم ذلك وهو قد بيناه لك فاعلم ذلك وتحققه وصورة المثال من الكبير والصغير

اقول وبالله التوفيق ان اسم الشخص محمد وان المرض في بدنه ووجعه فاخذنا اسم محمد فكسرناه هكذا م ح م د ثم اخذنا الاسم من اسماء الله الحسنى فكان اسمين اسم اليد واسم الرجل وهم ى ع د ح ى م ثم اخذنا حروف الاسمين التي لليد والرجل وهما قويا لعقري ى ش ف ص د و ر ق د م م ر و م ن ى ن ربنا لا ت ذ غ ق ل د ب ن ا ب ع ا ذ م د ى ت ن ا د م ب ل ن ا م ن ل د ن ك ر ح م ه ثم تجمع الحروف بطريق المزج هكذا ى ش ف ذ ى ى ص د و ر د ق د م م ح ا و م ن ى ن ى ى س ى ن ن ر ح ى م م ر ب ن ا ط لا ت ذ ر غ ق ل ر د ب ن ا ب ع د ا ذ م و د ى ت ن ج ا د م ب ع ل ن ا م ن ل د ن ج ك ر ح م ل ه ا ن ك ى ا ن ت ا ل ن د م ا ب ثم الذي بعد ذلك تجمع الحروف احق عددهم بالجمل الكبير وتنزلهم في وفق مربع عددهم ٤٠٧٤ فضمناهم ونزلناهم في الوفق المربع

على هذه الصورة

١٠١٨	١٠٢١	١٠٢٤	١٠١١
١٠٢٣	١٠١٣	١٠١٧	١٠٢٢
١٠١٣	١٠٢٦	١٠١٩	١٠١٤
١٠٢٠	١٠١٥	١٠١٣	١٠٢٦

ثم ورنا ذلك لو وجدنا ان يكتب الوفق في اناء ويمحى بزيت عتيق ويمحى ويدهن به اليدين والوجهين وانت عند الدهان تتلو القسم المخصوص بهذا العمل فان الله يفتح انشاء الله تعالى **وهذه** صفة اقسام الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم اقسمت عليكم ايتها الارواح الروحانية خدام الاحرف النورانية الاسماء والكلام وطرم تم هذا الوجع من جسد محمد بحق هذه الاسماء العظيمة ميثق

بصد ودد قوم حواميم نسين رحيم مربنا ربنا ط ترتغ قلود ب صد و ود تتح او هب علنام ذ ملدت حكو حمل احيوا معاشر الارواح انت يا قبيائيل وانت يا بنقائيل وادخلوا الوجد محمد واخرجوا هذا الوجع من يديه ورجليه بحق هذه الاسماء او ما العجل الساعة الوحا الوحا بحق شافي الطبقة محمد وانه لقسم لو تعلمون عظيم وهكذا تفعل في جميع الاعمال التكسيرية جميعا على هذا المثال وهذه الصورة فاعلم ذلك وتحققه **صورة مثال اخر** وذلك من التكسير الصغير والعمل بحسب الارتة **وصورة ذلك** ان ننظر الى العضو وناخذ اسم الطالع والحروف التي تحتها ثم ناخذ حروف اسم من اسماء الله الحسنى ونسطر ذلك سطرا واحدا ثم تمزج ذلك السطر على هذه الصورة **مثاله** تقول كان الوجع في البطن وطبع البطن الهوى وله من البروج الجدي وصفة التكسير اخذنا حروف البطن وهي **ا ط ل ا م ف ش ذ د ح ل ر خ ش** واخذنا اسم من اسماء الحسنى فكان **ب د ي ع** ناخذنا ايضا حروف الاية من كتاب الله تعالى فكانت قوله **بديع السموات والارض واذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون** فجمعنا جميع الحروف ومزجناها هكذا **فكانت** ب ا د ط د ا ل ا ن م ب ا ى ف ا ل ط ل ا ج ب م ك ف ى ف ى ش غ د ب ل د ح ه ك ا ع ل ر ن ى ف ى ك ذ ذ ن ى ف ى ه ك و ن ا ل ح ا ش م د ا ت م ى ف **افكان** عدد هذه الحروف **٦١** حرفا فجمعنا جميع اعداد هذه الحروف فكان عددها **٤٠١٠٣** فجعلناه وزنا لنا في وفق مربع طبيعي

٩٢٨١	٩٢٨٣	٩٢٨٢	٩٢٨٣
٩٢٨٤	٩٢٦	٩٢٨	٩٢٨٥
٩٢٤	٩٢٨٩	٩٢٨٨	٩٢٩
٩٢٨٨	٩٢٩	٩٢٨	٩٢٨٧

ثم نطقناه على الباقي في فصل الاستنطاق فكان خداما من الاربع جهات هؤلاء هطائيل بيفائيل طيطائيل واحدهم بيطائيل فهؤلاء الاربع ملوك الخدام هؤلاء الاسماء الشريفة فصورة العمل يكتب هذا الوفق الشريف في اناء ويمحى بالعسل ويسقى الى الشخص على الريق مدة سبع ايام ويكتب الدعوة حول المربع ويمحى ايضا **وهذه** صفة الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم اقسمت عليكم

معاشر الارواح الروحانية خدام هذه الاسماء انت ايها الملك الجليل هطائيل وانت يا بيفائيل وانت يا طيطائيل وانت يا بيطائيل بارك الله فيكم وتوكلوا بطرد الارواح من جسد فلان من بطنه وجميع اعضائه بحق هذه الاسماء العظيمة عليكم يادح وطوح وناح انخ باح بهاح لطح لجيح مكلح بضيح شعدح بلخ علوخ بيخ بعذخ كوخ الخ اشخ دوخ بمشخ اجيبوا وتوكلوا بالعمل بحق بديع السموات والارض الوحا العجل الساعة انه لقسم لو تعلمون عظيم وعلى هذه الصورة تفعل **بتشبيه** اعلم وفقك الله وهدانا واياك الى طاعته انك تاخذ اسم الشخص واسم العضو وتنظر الى السفلي من الارة وتاخذ الحروف الاية واسم من اسماء الله الحسنى على التقدم ثم انك تمزج الحروف جميعا وتاخذ اعداد الحروف جميعا وتجعلهم في وفق مربع ان تماطبق او مثلث ومستعلق الوفق على ابقياه لك وبعد ذلك تنطق الحروف الممزوجة اسماء بمعيار الاثني الى تمام الحروف ثم تكتبها حول الوفق وتقرا الدهان او تشربا بحسب استعداد الوضع وهكذا تفعل في سائر الاعمال التي من طريق التكسير الصغير الجزئي فاعلم ذلك **وافعل** ايضا من هذا القبيل اذا اردت عقد لسان او عقد فرج او تعسير او تخطيب او تبطيل حانوت او امراة او رجل او بين اثنين فاقرا عليه واعلم فاتوا الله تعم فيجمع السر الواصل اليك **مثاله** اذا اردت ذلك ناخذ اسم الشخص وناخذ اسم تعم **قابض مانع** وتكسيرهم بطريق التكسير على هذه الصورة ق ا ذ م ر ع ى ب ا د ض ن فنجمع هذه الحروف بالجمل الكبير على هذه الصورة فيكون الاعداد

وناخذ الاسم مروف

اوليا السعيدة

الكيفية وننطقهم على ما نبينه لك ثم نجمع الحروف ونجعلهم قسما **مثال** كان عدد الحروف **١٠١٥** فضمناهم في وفق مثلث على هذه الصورة ثم نطقناه فكان ملوكه **هكتائيل** والثاني **ركتائيل** والثالث **هكتائيل** والرابع **اكتائيل** وصورة الكتابة هكذا تكتب هذا المثلث في ملا ابيض في ساعة الاولى على لوح من رصاص وتكتب حول الوفق

٣٣٧	٣٤٢	٣٣٥
٣٣٦	٣٣٨	٣٤١
٣٤٣	٣٣٤	٣٣٩

القسم والاسماء المعروفة ثم تجمد ذلك اليوم **وهذه** صفة العزيمة تقول اقسمت عليكم ايها الارواح الروحانية خدام هذه الاسماء بحق ما تكلمت عليكم اجيبوا ايها السيد **هكتائيل** وانت **ركتائيل** وانت يا **هكتائيل** وانت **يا اكتائيل** بحق قابض مانع راخ مخ بخ راخ دخ اجيبوا بارك الله فيكم وتوكلوا العقد كذا وكذا وتقوية الاجابة ان توكل على ملك اليوم وتشغل على فتح جميع الاعمال والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل في خواص** اسماء الله الحسنى التي ذكرها على ترتيب الحروف **فاعلم** ان الاسماء التي اولها **الالف** فانها اسماء عظيمة وفيها الاسم الاعظم فمن خواصه الفضاء الحوائج اذا كان له حاجة فيصلي ركعتين ثم بعد ذلك ناخذ نفسك في تقول سبع مرات **يا الله** ثم تقول العبد ذلك اسالك ان تقضي حاجتي من فلان فانها تقضي **وما** من عبد يداوم على اذكار هذه الاسماء التي اولها الالف الا رفع الله قدره بين العوالم العلوية واذا رسمت هذه الاسماء في مربع وحمله صاحب الحاجة البغية فان الله تعالى يعافيه فان المربع **١٣** في شكلها وهو مربع الجلالة اذا كتب وسقي لمن به الحمى فان الله يشفيه باذنه وقد وضعناه في اول الكتاب في فصل التعويذ في ذا طلبته فقصده هناك فهذه الاسماء جليلة تنفع صاحبها المتفرج في الملكوت فاعلم ذلك **واما** الاسماء التي اولها **الباء** فانها هي اسماء جليلة القدر فهو من اذكار الاكابر ففي ذلك الاسم الباسط فمن داوم عليه بالبسط الحق في الرزاب وفتح الله عليه وان تعسر على احد امر معيشته فليتلو هذا الاسم فانه يا رب وا واسم الباطن اذا تلاه شخص فان صاحبه تجري اليه واذا اقبل على اهل بلاد هربت اليه اهلها واسم الباقي من تعدده ذكرا فان الله تعالى لا يبتلط عليه مرضا ويحفظه وتتردد من اتخذ هذه الاسماء ذكرا فتح الله عليه الخيرات وعفقه الى كشف الامور الخفية واما اسم البر معناه المحسن فمن كان مدمن الخمر والزنا طالما من ان يتلو هذه الاسماء الشريفة سبعا ثم ترى في كل يوم الى سبع ايام فانه يرجع عن ذلك باذن الله تعالى وكثيرا ما استعمل المشايخ في تربية المريدين **واما** الاسماء التي اولها **التاء** انها الا فرد اسم وهو **التواب** فمن خواصه لمن يريد ان ينتقل نفسه من المعصية الى الطاعة **واما** الاسماء التي اولها **الثاء** فهو اسم عجيب ان يذكره اصحاب الفتد اكثر فوائدهم **بامن** سلطانه **ثابت** وان تلاه وملازمات عليه جنوده فان الله تبارك وتعالى يرده عنه **واما** الاسماء التي اولها الجيم فانها اسماء جليلة فمن ذلك الاسم **الجواد** من داوم على تلاوته فان الله يلقي عليه الجود العميم وكذلك الاسم الجليل **اذا** كتب في شرف الشمس وحمله فان الله تعالى جعل له الهيبة والقبول والمحبة في قلوب المخلوقات **وان** داوم على تلاوته رفع الله قدره عند العوالم العلوية **ومن** كتبها في مربع اعني الاسماء التي اولها الجيم وحمله كان صاحب جمال عند جميع من راه ونضع هذا المربع الى البيت اذا اردت ان يكتب فاحفظه في راسها فانها طلاقة عجيبة **واما** الاسماء التي اولها **الحاء** فانها اسماء جليلة القدر عظيمات المقدار فمن ذلك الاسم **الحي** هو اسم جليل يعطى صاحبه الحروف العلية **فمن** داوم على تلاوته انت اليه العوالم قائمة بقوامه وهذه الاسماء في مربع جليل القدر وهو في شكلها **فمن** خواصه اذا كتب هذا المربع الشريف في

حفيظ	حكم	حق	حبيب	حي	حنان	حكيم	حليم
حكم	حق	حبيب	حي	حنان	حكيم	حليم	حفيظ
حق	حبيب	حي	حنان	حكيم	حليم	حفيظ	حكم
حبيب	حي	حنان	حكيم	حليم	حفيظ	حكم	حق
حي	حنان	حكيم	حليم	حفيظ	حكم	حق	حبيب
حنان	حكيم	حليم	حفيظ	حكم	حق	حبيب	حي
حكيم	حليم	حفيظ	حكم	حق	حبيب	حي	حنان
حليم	حفيظ	حكم	حق	حبيب	حي	حنان	حكيم

الاحد على رق عمل من زعفران ويحمله معه وكل يوم يتلو الاسماء المذكورة في دبر كل صلوة ٢١ مرة فان الله يرفع قدره
ويحفظه في نفسه من كل مكروه وهذه الاسماء نافعة للحكام من يحب ويعلم ويكتب ويعلق ومن كتب هذا المربع في لوح من
فضة في يوم الاثنين وحمله للحاجة الى اعلام فان الله تبارك وتعالى يحفظه من جميع العلل والاسقام واذا كتب وحمل
الى ضعيف عافاه الله تعالى واذا كتب وسقى الى اصحاب الحمى الربع فانه ينفعهم ذلك بقدرة الله وعونه وان كتب في خاتم وحمله
انسان فانه عقد لسان عجيب ومن كتب هذه الاسماء وكتب تحت كل اسم سبع حالات وكتب في الشرفة فانه عظيم وينفع ويكتب
لكل مريض ولكل امر وسر من اعمال المريض في علم ذلك واما الاسماء التي اولها الخاء فانها اسماء جليلة فمن ذلك الاسم الخبير فانه اسم
نافع للمكاشفات اقول ومن اراد ان يكتب هذا الاسم بمسك وزعفران في مربع كما بيناه في محله ثم تحضر الاسم الشريف في
قلبه ويقول اللهم يا خبير خبرني عن امر كذا او ارني حقيقته يا رب ثم ينام فانه يرى ما اضمر عليه من امر غايب او ارتضاه وادمن عليه
عوالم حصلت عليه المكاشفة من علم ذلك واما اسم الخالق اذا تلوته على العدد الذي ذكرناه في خواصه فانه مهما اراد وقدم
عليه راه واذا تلوته احد عشر الف ومائة وخمسة عشر وهو مجتمع خاطر ظهرت الاجابة في الحين واي شيء اراد ويكون
ظهرت له حقيقته واما الاسماء التي اولها الدال فمن ذلك اسمه الدايم تعالى فمن اقام الخمس ودام على تلاوته زاد الله عليه نعمه
وفيه ايضا خاصية عجيبة وهي اذا اراد انسان ان يقوم الى امر ما فيقول ـــــ الله الرحمن الرحيم واذا كتب
مع اسم محمد صلى الله عليه وسلم ووضعه تحت راسه وصلى على النبي صلى الله عليه وسلم الف مرة فانه يرى في رؤياه النبي صلى الله عليه
وسلم ومن كتب الاسماء التي اولها الدال وحملها فانه ينال الشوق والزيادة في ما لم يعلمه واما الاسماء التي اولها الذال المعجمة
فمن ذلك ذو الجلال من داوم عليه ذكرا حتى يغلب عليه حال عظيم في اعين الناس ويلقونه بالكرامة ولقد رايت بعض الشيوخ
[illegible] كان قد اتخذه ذكرا فاذا خرج من موضعه يلقاه الناس بالبشاشة والبر والقبول وهابه كل من يراه وكان له تصريف عظيم
في الارواح وهو من بديع الاسماء وفي الحديث ان النبي صلى الله عليه وسلم قال الظوا بيا ذا الجلال والاكرام واما من وافق
هذا الاسم يعطي المهابة والحشمة في قلوب الناس الذين يرونه واذا اخذ اربع دراهم فضة وصنع منها الواحا في يوم الجمعة
ويكون في اخر الشهر ويرسم الخاتم في وقت الاذان والنقاش صائم وانت تبخر بالعود والجاوي وزعفران واصطرك وحمله
معك وانت تذكر الاسم حتى يغلب عليك حال وترى عجائب المدد في نوم او يقظة وتحصل الانقطاع اليها وربما وان دخلت به
على حاكم رفع قدرك ومن كتب على هذه الصورة يعني المسدس في ورقة في يوم الجمعة وعلقه على من به صداع كان يبرى واذا
نقش في خاتم في الساعة المذكورة ووضع في فم من بلغ داء البلغم ومن عقد عليه اللسان وكتبه وشربه فانه ينطلق عليه لسانه
وهذه صورة المسدس واما اسمه ذي الطول من اراد ان تاتيه الدنيا صاغرة فليتطهر ويصم ثلاثة ايام متوالية وان

٢٠٥	٢١٨	٢١٥	٢١٢		
٢١٤	٢١١	٢٠٦	٢١٣		
٢١٠	٢١٣	٢٢٠	٢٠٧		
٢١٩	٢٠٨	٢٠٩	٢١٤		

ما دام ذكره فانه يأتيه الخير بغير سؤال ومن كتبه سبع مرات
في سبع قطع من الورق من سبع اشهر [illegible] ما يريده من الاعمال
فان الله ييسر عليه ذلك واذا كتب في سبع ورق وحمله
مسجون فك من ذلك فان حمله المسجون فانه ينطلق وكذلك
اذا ربط هذا الاسم مع اسم المتباغضين فانهم يصطلحوا
وشرط الكتابة في يوم الجمعة بمسك وزعفران على ورق [illegible]
فالله اعلم واما الاسماء التي اولها حرف الراء لم نذكرها
احد من انها اسماء من الاسماء الاولى ويستعمل بما ذكره في فصل
الاشتقاق وكذلك حرف الطاء يأتي معه واما الاسماء التي اولها الظاء وهو اسم جليل لا ينبغي الا مع اسمه الاول الاخر الظاهر

وهذا

وهذا ذكره ارباب الخلوات فاذا ذكرهم انسان حصل له الفتح الالهي واما الاسماء التي اولها الكاف فمن اسمه الكريم فمن داوم
على تلاوته رفع الله قدره ووسع رزقه من حيث لا يحتسب واما اسمه الكافي وهو اسم جليل القدر وهو تمام المائة ولنا
في اللطايف [illegible] يتلونه [illegible] في رزق قليل ومن كتب الاسماء التي اولها الكاف
في مربع وحمله رزقه الله البركة واما الاسماء التي اولها اللام فاسمه اللطيف تعالى ما احسنه واسرعه الى الفرج والكرب
وهذا الاسم [illegible] على اهل الزمان ومن تلاه في وقت شدته او هم او كرب فرج عنه واذا قراه انسان وكان في سجن
على عدوه المغضوب في نفسه فانه يخرج من السجن باذن الله تعالى ولا [illegible] الاستغفار الا بعم
واما الاسماء التي اولها الميم فمن ذلك اسمه تعالى المقيت فقد ذكره ارباب الخلوات اذا غلب عليه الجوع وان تلاه انسان في الانق
الخلق فانه ما اضمر عليه [illegible] من عجايب الملكوت [illegible] من قبيل المكاشفة واما اسمه تعالى
المجيب من داوم عليه في الخلوة سهلت عليه رؤية العالم واتوا اليه افواجا واذا تلاه انسان وهو في مصيبة فان الله يفرج عنه
واما اسم المجيد من داوم عليه سهلت عليه المصايب كلها وتقرب [illegible] في الخلوة واتاه [illegible] باذن الله تعالى
واسمه المقتدر من داوم عليه ذكره لا يمتنع [illegible] واذا كتب هذا الاسم الشريف على طريق
التكسير [illegible] اهل المغرب ويكتبونه ويضعونه في الدخر واما اسمه تعالى المحيي ما داوم على تلاوته
[illegible] عليه [illegible] واذا ربط باسم من كان يطلبه [illegible]
فان الله [illegible] واما اسمه المبين فانه اسم جليل القدر فاما من عبد كان في الخلوة وتعسر
عليه الامور [illegible] الاسم الشريف وهو في الخلوة ١٠٠٠ مرة في دبر كل صلوة فانه يرى [illegible]
وان داوم على تلاوته في غير الخلوة وهو على طهارة كاملة فان [illegible] بانواع العلوم والحكم واما اسمه المذل
فانه اسم جليل القدر [illegible] فاذا اردت ذلك [illegible] ويطلق يوم السبت وانت تتلو الاسم
الشريف على عدد [illegible] فاذا كانت ليلة الجمعة [illegible] الفاتحة وتذكر الاسم
في اثناء ذلك [illegible] ثم سلم واذكر الاسم الشريف وان اردت [illegible] فانه يكون
ذلك وان كل اسم من هولاء الاسماء له تصريف الاخر [illegible] فاعلم ذلك
والله اعلم فصل في الاسماء التي اولها النون فمن ذلك اسمه النور فمن كتبه على عدد [illegible] نور الله قلبه وكل
اسم يكون اوله نونا فانه ينور القلب واما الاسماء التي اولها الصاد فمثل اسمه تعالى الصمد فانه ذكر [illegible] من اهل الله من اهل
الرياضات فانهم يستعينوا به على الخلوات ومن داوم على ذكره [illegible] واما الاسماء التي
اولها الضاد مثل اسمه الضار فمن تلا هذا الاسم الشريف مع رياضة كاملة وتلا على اي روح من الارواح فانه يأخذ في النوم
فانه يخبره بما يريد واما الاسماء التي اولها العين مثل اسمه العليم واسمه العلي العظيم فهما اسمان عظيمان جليلان القدر ومن
داوم عليهما رزقه الله الهيبة والقوة في جميع المخلوقات ومن اتخذه [illegible] ثم تلاه [illegible] عليه حال من الحال فانه
[illegible] على [illegible] واما اسمه العليم ما داوم عليه عبد الا فتح الله عليه الخيرات واذا كان صاحب غضب فان الله
يهون عليه الغضب واما الاسماء التي اولها الغين مثل اسمه الغني من داوم عليه اغناه الله تعالى وكشف عن قلبه واغنا
الله عن خلقه بالعلوم الجمة واما الاسماء التي اولها الفاء من داوم على تلاوتها فان الله يحفظ اهله عليه ومن ذلك اسمه
الفتاح من داوم عليه فتح الله عليه الامور المغلقة واذا كان ليلة الجمعة تصلي اربع ركعات ثم تذكر الباقيات الصالحات سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم تقولها ١٢ مرة في قيامك وركوعك وسجودك
ثم تعيدها ثم سلم على النبي صلى الله عليه وسلم وتدعو الى الله فانه يجاب دعاؤك واسم الفعال فانه نافع لكل فعل واذا

علي ضحة وهما بصير فان الله يبصره الامور الخفية في كل ما يريد و اذا لقيت الاسماء جميعها فان الله تبارك وتعالى يجيب
دعاوه و ان تلاها على طريق فان الله يقويه واما الاسماء التي اولها القاف فان الله يقوي قلوبهم فان داوم على تلاوة
صار مهابا مقبولا بين جميع المخلوقات و ان كتب بجمل كانت عقد لسان عظيما و اذا كتب هذه الاسماء في اناء وسقيت
الى الضعفاء فان الله يقويهم و اسم القابض اذا الموتق في بيت مظلم على اسم من اردت هلاكه فان الله يهلكه ويحيي قلب من
داوم على هذه الاسماء فاعلم ذلك واما الاسماء التي اولها السين فانها تنفع الى السلامة و اذا واظب على تلاوة الاسماء
الشريفة فان الله يلقي الهيبة بين جميع المخلوقات وان الروحانية تجاب الطالب فاعلم ذلك فمن ذلك اسم السريع اذا تلى
الى قضاء الحوائج مقابل حاجتك فانها تقضي باذن الله تعالى واسم السلام فهو لسلامة الصدر من الاغيار و اذا تلويته
تلك السلامة في حضرتك وسفرك وكذلك اسم الستار فانك اذا تلوته على اي عمل من الاعمال فان الله يستر ذلك العمل واما
الاسماء التي اولها الشين فانها اسماء شريفة جليلة القدر يصلح الى مطالب القلوب والى قضاء الحوائج واذا كان لك حاجة فتلو
الاسماء فان ذلك الشخص يقضي حاجتك واسم الشديد فانه اذا تلاه صاحب الجوع وضعيف عافاه الله واذا تلوت اسم الشهيد
تلوتا الاسماء فان الله يكشف الشخص اهل الملكوت الاعلى فاعلم ذلك واما الاسماء التي اولها الهاء اذا كتب وامحق
انسان وبعد رفعه الله الهداية على الاثر وتعالى ... المحبة في قلوب جميع المخلوقات واما الاسماء التي اولها الواو اسمه
تعالى الودود فانه الى المودة ومحي تلاه على اسم من اراده دبر كل صلوة ٤٠٠ فانه يحبه ومودته بين جميع المخلوقات تدبير
ذلك المطلوب واسم الوهاب فمن خواصه المواهب العلية ومن تحققه وذكره شاهد من الخيرات اشياء كثيرة ولا يسئل
الله شيئا الا اعطاه الله ذلك ومن كرر اسم الوهاب مع اسم على طريق التكسير فان الله تبارك وتعالى يوجبه كمال التوحيد
ومن كتب الاسماء التي اولها الواو في خرقة بيضاء وكتب معها قوله محمد رسول الله ٣٥ ووضعها على راسه حفظه الله تعالى
ورزقه الله المحبة في قلوب جميع المخلوقات و ان كتب اسمه تعالى الودود في مربع على اسم من اردت وكتب معه الاية على
المذكور شاهد من لطف صنع الله تعالى وشاهد حلاوة الطاعة والكلام ارادها وقمت على تلاوته مع الصلوة على النبي
صلى الله عليه وسلم كثرت المحبة الى النبي صلى الله عليه وسلم واسم الوارث ما من عبد ذكره وداوم على تلاوته الا ورثه الله
الوايتر واسم الوكيل فجميع الخواص التي في اسم الذات ففي هذا الاسم تكون وخواص هذا الاسم اذا ذكره انسان من اهل الكشف
رزقه الله التشريف في الوجود واسم الواحد اسم عظيم من داوم على تلاوته يكشف له عن حقايق الموجودات وعن الاشياء
الغامضة و اذا كتب هذا الاسم في مربع والخرج عالمه ووضع على صدر دعاء انسان فانه يبرء من المهابة مالا يدخل تحت حصر
بعموم الاسماء التركيبة فاعلم ذلك و ان الاسماء التي اولها حرف من الحروف ٢٨ تكون عندك كانت موافقة الى اسمه فالم
اسم صلعم محمد فنقول ان اول الحروف الميم فتاخذ له محي و الحاء اسم الحي و الميم الاخر مجيد و الدال دائم وقس جميع ما اردت
من الاسماء واتقم لم تورد من الاسماء الحسنى تكون ورمه هذا موطن الى جميع المريد وهو من طلب الدخول الى الاسماء من
طريق اهل الاسرار وفيه سر اخر وذلك ان جمع الاسماء وجمعتم في وفق مربع او مخمس او اي عدد كان مواضا الى وفق من الاوفاق
واستخرجت خوادم الوفق وسمت على حد ذلك الوفق وعملت ذلك الشخص وتريض طاعة فان عوالمه اتى اليه وتقضى حوائجه في يوم او
فاعلم ذلك هذا السر العظيم والاكسير الحكيم و قد قال علي كرم الله وجهه معرفة التكسير افضل من علم الكيمياء وهذا اما اوردناه من الاسماء
الحسنى بسبيل الحق واما لم نذكر هنا الخواص بما تقدم فاعلم ذلك والله اعلم فصل في التكسيرات في اقول وبالله التوفيق ان
هذا التكسير هو التكسير الاوسط وهو ثالث مرتبة وفيه وجوه شتى فان اردت ان تكون متقلدا مذهبا من المذاهب وان شئت فكن
مجتهدا فافعل ذلك اذا اردت عملا من الاعمال فتاخذ اسم الطالب واسم المطلوب وتزن الاسمين بالقانون الطبيعي فاذا كان العمل
بالاتيان او دنهم بميزان المصادقة وان كان في اعمال الشر فبميزان الاختلاف اعني المضادة وقال بعض الحكماء فان كان العمل خير

فنقدم

نقدم اسم الطالب وان كان العمل شرا نقدم اسم المطلوب في المزج وعين واعلم ان جميع الاعمال اي اعمال الشر لا تعقاد
الى اسم الطالب الا في اعمال الخير وكيفية الامتزاج في بعض الاعمال الحروف حرفا حرفا وفي الاخر ثلاث حروف او خمسة حروف
من حروف الحاجة وهذا معنى الجمع بين قسم ذلك فاذا وزنت وركبت السطر فسطر طبع العمل فمزجهما اردت وتنظر السائغ
والمناسب الى الابراج السعيد ثم تقسم الحروف اعني حروف المزج وتقسمها في مربع او مثلث او مخمس كل حرفين او اربعة او ثلاثة
في بيت وهلم جرا الى تمام الدور حتى يظهر الزمام والزمام عبارة عن السطر الاول الظاهر في الاخر وانا اذكر لك امثلة ليكون
لك الامر واضحا وانا لم نذكر الطريق الكشف الا في هذا الكتاب فاعلم ذلك صورة المثال وذلك بين رجل وزوجته وصغيرت
كان اسم الطالب محمد واسم المطلوب فاطمه فكسرنا الحروف فكانت هكذا ف ا ط م ه وهذا اسم الطالب م ح م د فكان
اسم المطلوب خمس حروف واسم الطالب اربعة حروف وهو انقص من الاول فقويناه بحرف من حروف العناصر حتى صار مقابلا
بحروف المطلوب و في بعض الروايات ان اسم محمد مقابل في ذلك لان فيه ثلاث ميمات لان الحرف المشدد باثنين فان شئت
زدت من الحروف العناصر وان شئت اضفت الى ذلك حرف من حروف العناصر وهذا في الاسماء الناقصة واما اذا كان
اسم الطالب واسم المطلوب حروفهما سواء فيكون الطالب غالب المطلوب فاعلم ذلك وهذه صفة الحروف ف ا ط م
م ح م د جمعنا الحروف لاجل الميزان فكان حروف المطلوب هكذا فاطمه محمد محمد د م ح د
جمعنا الحروف فكانت حروف اسم الطالب ٢٥ واسم المطلوب ٣١ فكانت جميع الحروف الموزونة في الامتزاج حروف
المراتب والدرج والدقائق والثواني والثوالث والرابعة والخامسة فافهم ذلك وهذا سطر البسط الممزوج ف م ا ح
ط م د م وهذا سطر المزاج وبالنسبة لذلك ف س م ق ا ز ح ب ط م س ك م ج د ع ه س ن ه
جمعنا هذه الحروف وقسمناها في عشر كل حرفين في بيت وهذه صفة الجدول المقسوم ووضعه هكذا

فس	مق	ان	حب	طس	مك	مج	دع	هس	نه
نه	فس	هك	مق	دع	از	مج	حب	مك	طس
طس	نه	فس	حب	هس	مج	حق	ان	دع	مك
دع	طس	ان	نه	مق	مك	مج	فس	هس	حب
حب	دع	نه	طس	ان	كه	مق	كه	مك	مق
مق	حب	مك	دع	كه	هك	مح	طس	ان	فس
فس	مق	ان	حب	طس	مك	مج	دع	هس	نه
مق	سق	ان	حب	ان	مد	دع	حب	مك	طس
نه	مق	طس	ان	مق	مج	مك	ان	دع	طس
طس	فس	مق	سط	مك	نع	مك	مج	دع	هك

وصفة العمل انك تاخذ هؤلاء الحروف وتجمع عددها بالجمل هكذا ٥٠٦ فجمعنا الحروف ووضعناها في وفق مربع فاسقطنا اسه ثم قسمنا ذلك فكان المفتاح هكذا ١٣٣ فنكتب هذا الوفق ويكتب في ظهره العدد الرقمي ثم يعلقه في الهواء وينطق على طريق الاستنطاق من طريق آخر على ما سنبينه بيانا بقاعدة المتقدم ذكرها واما هذا الوفق وهذه صفة الوفق المربع الماخوذ من هذا الوفق

١٣٣	١٣٢	١٣٤	١٣١
١٣٥	١٣٤	١٣٥	١٣٤
١٣٩	١٣٢	١٣٩	١٣٤
١٣٩	١٣٥	١٣١	١٣٢

فاعلم ذلك وهذا من التكسير الصغير وهذا المثال من الاوسط وجه اخر اعلم
ان كل حرف من الحروف له بسطين بسط رقمي وبسط تركيبي حرفي عددي وهذه
صفة ذلك فمثاله محمد اثنين وتسعين وارداه محبة بين علي ونقول على
مائة وعشرة وهذا العدد يقال له البسط الرقمي وادخلنا بين هؤلاء محبة فجمع هذه البسائط وهذه صورة الوضع وهي
ص ب ق ي هؤلاء الحروف هي حروف الاسمين ثم تضيف اليها اسم محبة ثم توزن الاسمين هكذا صنوج فصنج بكب

صق	بج	فص	بج	بلب	هو	سن
بج	فص	بج	بلب	هو	سن	صق
فص	بج	بلب	هو	سن	صق	بج
بج	بلب	هو	سن	صق	بج	فص
بلب	هو	سن	صق	بج	فص	بج
هو	سن	صق	بج	فص	بج	بلب
سن	صق	بج	فص	بج	بلب	هو

فكانت الحروف ١٤ حرفا فجعلناها في مربع مسبع فكان لكل خانة حرفين وهذه صورة ذلك ثم اخذنا الحروف واخذنا عددها كبنا وفقا مربعا وكتبناه في قفاء الوفق فكان عدد ذلك ٦٠٣ ثم جبرناه بواحد فكان عدد الوفق اعني مفتاحه ١٢٤ ثم نطق الحروف على ما سبا لك وتنظم الدعوة كما بيناه لك من صفة تركيب العزيمة ورايناك الغالب على هذا العمل الترابي فيكتب ويدفن في الطريق واعلم ذلك والله اعلم وحجة اخرى في كيفية العمل بالعدد الحرفي واقامة الكعاب فاذا كان اسم الطالب محمد واسم المطلوب محمود والطالع الحمل وكوكب الطالع المريخ وصاحب اليوم العلوي روقائيل وصاحب اليوم السفلي مذهب واليوم الاحد واسم الحاجة محبة فبسط اسم الطالب الحرفي العددي م اربع ى ن ح ث م ان ى ه م اربع ى ن د اربع ه فكان عدد الحروف ٢٣ حرفا فضربناها فكان الكعب ٥٢٩ فنطق الكعب طكث بسط اسم المطلوب م اربع ى ن ح ث م ان ى ه م اربع ى ن و س ت ه د اربع ه فعدد الحروف ٢٦ فضربناها فبلغ الكعب ٦٧٦ فنطقه وعخ بسط اسم الطالع ح ث م ان ى ه م اربع ى ن ل ث لا ث ى ن فكان عدد حروفه ١٨ حرفا فكان الكعب ٣٢٤ فنطقناه فكان دكو ثم بسطنا الكوكب كوكب الطالع م اربع ى ن د م ات ى ن ى ع ش ر ح س ت م اى ه فكان عدد الحروف ٢١ فكان الكعب ٤٤١ فنطقناه فكان امت ثم بسطنا اسم ملك اليوم د م ات ى ن و س ت ه ق م اى ه ى ع ش ر ه ١٠ اح د ى ع ش ر ه ل ث لا ث ى ن فكان العدد ٣٥ فنطقناه فكان ١٢٢٥ فبلغ الكعب هكتغ ثم بسطنا اليوم وهو ١ اح د ح ث م ان ى ه د اربع ه ثم بسطنا ملك اليوم السفلي م اربع ى ن ذ س بع م اى ه ج خ م س ه ب اث ن ى ن فكان عدد حروف اليوم ١٣ فبلغ الكعب ١١٢ فنطقت بيق وكان عدد حروف اسم الروحاني ٢٢ فبلغ كعبها ٤٨٤ فنطقت فكان دفت ثم بسطنا اسم الحاجة فكان م اربع ى ن ح ث م ان ى ه ب اح خ م س ه فكان عددها ٢١ حرفا فبلغ الكعب ٤٤١ فنطقت فكان اسم الكعب امت ثم جمعنا كل الكعاب وزدنا في اخر كل كعب لفظة ايل فكان ملكا علويا متوكلا بهذه الحاجة ثم خذ سبع كعاب ونطقهم وهم كعاب الطالب والمطلوب والحاجة والطالع وكوكب الطالع والملك العلوي والسفلي على حده فبلغوا سبع ملوك علويه ثم اجمع اعداد الكعاب جميعا هكذا وهو هذا العدد بالجمل الكبير فبلغ العدد ٣٢٢٦ فنطق هذا ايضا فكان دكتجغ وهذا هو الملك المسمى بالقطب وهو العمدة عند اهل العلم ونطقنا حروف القطب من طريق آخر عن المثال الاول وهو مزان المصادقة فكانت هذه الحروف حروف القرآن فكانت هذه الحروف هي الطلسم الاعظم تكتب هذه في مربع مخمس ثم توضع كل حرفين من هولاء الحروف في خانة ثم تكتب حول المربع القسم وتاخذ الكل ملك روحاني اسم من اسماء الله الحسنى ثم تركب الدعوة وتكتب هذا المربع في ورق نحاس او تنقشه في النار وتكلم بالدعوة وهذه صفة الدعوة تقول اقسمت عليكم معاشر الارواح الروحانية خدام الحروف النورانية اجيبوا يا ملوك طكثائيل وانت يا وعخائيل وانت يا دكوائيل وانت يا هكتغائيل وانت يا دفتائيل وانت يا امتائيل اجيبوا بحق طيب ودود دائم هادي ذو القوة محي اجيبوا وتوكلوا

وح	كط	فخ	حا	عض
عض	حا	كط	فخ	وح
حا	عض	فخ	وح	كط
كط	فخ	وح	عض	فخ
فخ	وح	كط	عض	وح

بعطف

بعطف فلان بحق بجخ خفش طنقج بيجخ حفج الوحا العجل ثم تبخر بجخور طيب فاعلم ذلك والله اعلم صفة مثال اخر مخمس من التكسير الوسط وهو الثاني فاذا اردت المحبة والتاليف بين اثنين فكان اسم الطالب محمد واسم المطلوب احمد فاخذنا الاسمين فقط وكسرتهم هكذا م اربع ى ن ح ث م ان ى ه م اربع ى ن د اربع ه ثم اسم احمد ا اح د ح ث م ان ى ه م اربع ى ن د اربع ه فجمعنا الحروف جميعا وضبطناها فكانت ٤٣ حرفا فكسرناها في وفق معشر في كل بيت خمسة احرف حتى يظهر التمام وهكذا صفة الحروف الممزوجة ااارب د ببع ع ى ن ن ات م ح ان د ا د اب ع ب ع ه ى ن ت م ارن ب اب رع ه ببع ه ى ع ه ى ع ه ن فنزلناها في هذا الجدول المعشر ثم بعد

ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن
ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع
ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه
اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب
م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت
ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان ط ا	دابع ب
دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان د ا
ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى	ن ن ات م
ن ن ات م	ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د	ببع ع ى
ببع ع ى	ن ن ات م	ح ان د ا	دابع ب	ع ه ى ن ت	م ارن ب	اب رع ه	ببع ه ى ع	ه ى ع ه ن	ااارب د

ان تم لنا هذا الوفق فاردنا التصريف فيه وكيفية ذلك انك تاخذ عدد الوفق ثم تنزله في مربع تحت مربع القسم المركب فيه على ما ذكر وتكتب الوفق في قفاه وتتصرف فيه كيفما اردت على القواعد المعلومة والله اعلم صفة وجه اخر من هذا المعشر في التكسير الوسط وذلك انك تاخذ اسم المطلوب فقط وتبسط حروف الرقمية بسطا عدديا سطرا واحدا عدديا ثم انك تنظر حروف السطر فان كانت بالزوج فنظم الاسماء رباعية وان كان بالفرد فانظمها بالفرد مثل ثلاثة او خمسة فيكون مثل الحروف وهي العوالم وبعد ذلك تنظر في حروف السطر الاول وتاخذ عددها من العدد الاصل العدد فاضربه في نفسه فما بلغ معك فهو الكعب فاستنطق حروفه وزد بعد ذلك لفظة ايل فيبقى ملك علوي وهو القطب فاقسم به على الملائكة التي هم مجموعين من الحروف ثم تنظر ايضا الى الحروف فان كانت بالزوج فكررها اربع مرات وان كانت بالفرد فكررها خمس مرات ثم ابدا في استخراج الملائكة خذ من الاعلى الى الاسفل الى الاخر وزد لفظة ايل ثم انظم القسم وبعد ذلك توكل على العمل كيفما اردت وتقسم على الاعوان بالاسماء الحسنى وتقسم على صاحب اليوم العلوي والبخور على ما يليق العمل الى اخره وهكذا تستعمل هذه الاعمال والعمل في ذلك القطب في الاوقات السعيدة والموضع لهذه صفة المثال فنقول كان اسم المطلوب محمد فكان بسطه العددي هكذا م اربع ى ن ح ث م ان ى ه م اربع ى ن د اربع ه فكان عدد الحروف ٢٣ حرفا فكررناها خمس مرات هكذا كما ترى اربع ى ن ث م ان ى ه اربع ى ن اربع ه في جدول على هذه الصورة طوله ثلاثة وعشرين بيتا وعرضه خمسة

ببو ــــــــــــــــــــــ ووقع الجدول في الظهر

ا	ر	ب	ع	ی	ن	ث	م	ا	ن	ی	ه	ا	ر	ب	ع	ی	ن	ا	ر	ب	ع	ه
ه	ا	ع	ب	ا	ن	ی	ع	ب	ر	ا	ی	ه	ن	ا	ث	ن	ی	ع	ب	ر	ا	ه
ه	ه	ا	ر	ب	ع	ی	ن	ث	ا	ن	ه	ی	ا	ر	ب	ع	ی	ن	ا	ب	ع	ا
ن	ع	ب	ا	ن	ی	ع	ب	د	ا	ی	ن	ه	ا	ب	ن	ی	ع	ی	ر	ا	ه	ب
ب	ب	ب	ه	ا	ن	ه	ع	ث	ن	ا	ع	ا	د	ا	د	ی	د	ب	م	ی	ع	م

ثم اذا اردت ان تستنطق العدد من الحروف فاقسم من الاعلى الى الاسفل فكما لدي قولك ثبت فجمع الاستنطاق **اهمهيابيل** والثاني **راهمنائيل** وهو مجرب يستنطق على هذا المثال الى تمام الجدول وتخرج الاسماء الحسنى ثم تنظم القسم فبقي معك **٢٣** ملكا ثم انك تضرب السطر الاول فكان كعبه **٥٢٩** فنطقت فكان نطقها **هلكث** فزدنا لفظة ايل فكان الملك المسمى بالقطب **هلكثائيل** ثم اخرجنا الاسماء الحسنى من حروف القطب **طاهر كافي تواب** فتتمن العمل من اسم القطب فكان طبعه نارى تكتب ويوضع في النار وعلى هذا المثال ايضا يكون مثال اخر **وصورة المثال** وذلك من الكيفيات ان وهو عمل جليل القدر لمن تدبره وصورة ذلك ان تاخذ اسم الطالب واسم المطلوب واسم من الاسماء الحسنى الموافقة ثم تكسرهم كما ياتي ثم تكسر الحروف في الجدول ثم تنظم القسم وتنظم الارواح العلوية والسفلية كما ياتي **ومثال ذلك** اسم الطالب **محمد** واسم المطلوب **عامر** واسم من الاسماء الحسنى **لطيف** (فكانت ٥) وكتبنا اسم **محبه** ثم نجمع تلك الحروف هكذا **م ح م د م ح ب ه ع ط و ف ع ا م ر** اربع ی ن ث م ان ی ه ا (ذلك ٥) ب ع ی ن **اربع ه** اربع ی ن **ث م ان ی ه** اث ن ی ن **خ م س ه** س ب ع ی ن **ث س ع ه** س ت ه **ث م ان ی ه** س ب ع ی ن **ا ح د** ث س ع ی ن **اربع ی ن** فجمعنا هذه الحروف فكان عددهم **٨١** حرفا فجمعنا هذه الحروف ووضعناها على سبع خانات فكان لكل احد عشر حرفا في خانة على هذه الصورة في الجدول

اربع ی ن ث م ا ن ی ث	ه ارب ع ی ن ا رب ع	ه ارب ع ی ن ث م ان	ی ه ا ث ن ی ن خ م س	س ب ع ی ن ث س ب ع ه س ث	ث م ان ی ن س ب ع ی ن ا	ج د ث س ب ع ی ه ارب ع ی ن
ج د ث س ب ع ی ن ارب ع ی ن	ارب ع ی ن ث م ان ی	ه ارب ع ی ن ارب ع	ه ارب ع ی ن ث م ان	ی ه ا ث ن ی ن خ م س ه	س ب ع ی ن ث س ب ع ه س ث ه	ث م ان ی ن س ب ع ی ن ا
ث م ان ی ن س ب ع ی ن ا	ج د ث س ب ع ی ن ارب ع ی ن	ارب ع ی ن ث م ان ی	ه ارب ع ی ن ارب ع	ه ارب ع ی ث م ان	ی ه ا ث ن ی ن خ م س ه	س ب ع ی ن ن س ب ع ه س ث
س ب ع ی ن ث س ع ه س ث ه	ث م ان ی ن س ب ع ی ن ا	ج د ث س ع ی ن ارب ع ی ن	ارب ع ی ن ث م ان ی	ه ارب ع ی ن ارب ع	ه ارب ع ی ن ث م ان	ی ه ا ث ن ی ن خ م س ه
ی ه ا ث ن ی ن خ م س ه	س ب ع ی ن ث س ب ع ه س ث	ث م ان ی ن س ب ع ی ن	ج د ث س ع ی ن ارب ع ی ن	ارب ع ی ن ث م ان ی	ه ارب ع ی ن ارب ع	ه ارب ع ی ن ث م ان
ه ارب ع ی ن ث م ان	ی ه ا ث ن ی ن خ م س ه	س ب ع ی ن ث س ب ع ه س ث ه	ث م ان ی ن س ب ع ی ن ا	ج د ث س ب ع ی ن ارب ع ی ن	ارب ع ی ن ث م ان ی	ه ارب ع ی ن ارب ع
ه ارب ع ی ن ا رب ع	ه ارب ع ی ن ث م ان	ی ه ا ث ن ی ن خ م س	س ب ع ی ن ث س ب ع ه س ث	ث م ان ی ن س ب ع ی ن ا	ج د ث س ب ع ی ن ارب ع ی ن	ارب ع ی ن ث م ان ی

ثم بعد ذلك جمعنا كل سطر من سطور الجدول وكتبناها على حرفة ووضعناها في سراج جديد وتكلنا عليه بالدعوة كيفية

وذكر

تركيب الدعوة وذلك ان تجمع من كل بيت خمسة احرف ثم تزيد في اخرها لفظة ايل فيصير معك سبعة علوية ثم تاتي الحروف الاخر وتجمعهم ثلاثة احرف وتزيد في اخر كل حرف اسم حروف كاسم لفظة طيش حتى يكمل لك سبع ارواح شيطانية سفلية ثم بعد ذلك تاخذ من كل اسم اول حرف وتنظر له اسم من اسماء الله الحسنى الى تمام العدد ثم تنظم القسم على ما بيناه لك وتبقى تضع الفتول في السراج الى حجة المطلوب وانت تتلو الدعوة اربعة عشر مرة فان المطلوب ان شاء الله ياتي وقس على هذا المثال جميع الاعمال من هذا القبيل وصاحب الاصول العلية لا يعتاز ان يكرر عليه العمل والله اعلم **صورة مثال اخر** وذلك ان تاخذ اسم (اسم ٥) الطالب والمطلوب ثم تاخذ اسم اوحتى اربعة ثم تكسر الحروف على طريق التكسير وتجمع الحروف وتسقط ما تكرر معك ثم تنظر تلك الحروف كم حرفا هل هي زوجية او فردية زوجا او فردية فان كانت فردية فنطقها ثلاثة او خمسة فتزيد في اخر كل ثلاثة حروف لفظة ايل حتى تتم الحروف ثم تعد ذلك وزن الحروف وضم اليها ما كان مقابلها من الحروف واجمعهم ثم تنزلهم فوقى على عدد حروفهم ثم اجمع الحروف اعني ارقامها ثم ضع تلك الحروف ارقمها في دقق ربع او سدس ثم ضع المربع الحرفي وضع الرقمي قبالة وانظر الذي يناسبك من الاسماء الحسنى ثم صرف العمل على جميع الحروف فحصل المقصود ان شاء الله تعالى **مثال اخر** وهو ان تاخذ اسم المطلوب واسم الحاجة وتبسطهم قدامك بسطا رقميا ثم ابسط كل حرف منه بسطا عدديا حتى يصير سطرا واحدا ثم ابسط كل منهم ايضا بسطا عدديا ثم خذ عدد كل حرف السطر العددي بالجمل الكبير ثم انطق العدد حروفا وزد على كل حرف لفظة ايل فيبقى معك ملكا علويا بسهل الطريق وذلك من سطر عددي العدد من كل حرف ملكا ثم انك خذ كعب السطر الاول العددي واستخرج منه ملاكا وهو الذي يسمى القطب وهو لا تخرجوا عن الملوك الاخر ثم انظم القسم وتكلم العمل وتكلل القطب بجمعهم واقسم على القطب بالاسماء الحسنى ثم صف صاحب اليوم وتكل به واسمهم ان يتوكلوا وان يكون معك من الاسماء الملك تحدثه ما تكرره بين الاخرة الثلاثة في طرق سبع مرات او على عدد حروف القطب بالجمل الصغير او على قدر حروف الحاجة ستتوا القسم **ويتوضح ما قلناه** فوردنا جلب **محمد** مثلا فنقول لجلب محمد **ج ل ب م ح م د** ثم نبسط كل حرف من هولاء الحروف هكذا فنقول **ج** ث ل ا ث ه **ل** ث ل ا ث ی ن **ب** ا ث ن ی ن **م** اربع ی ن **ح** ث م ان ی ه **م** اربع ی ن **د** اربع ه فعدد حروفها **٣٩** الكعب **١٩٨١** فنطقه **اصح غ** فزدنا عليه لفظة ايل فكان اسم ملك هو تعالى **اصحغائيل** وهذا هو القطب الذى نقسم به على الاعوان الذي يخرجون معك من بسط العددي والاسماء الحسنى منه **الله صمد تواب غفور واحد لطيف** ثم ابسط الحروف **٩ ٣** هكذا فنقول **ث** خ م س م ا ی ه **ل** ث ل ا ث ی ن **ا** احد **ث** خ م س م ا ی ه **ه** خ م س ه **ث** خ م س م ا ی ه **ل** ث ل ا ث ی ن **ا** اح د **ث** خ م س م ا ی ه **ی** ع ش ر ه **ن** خ م س ی ن **ا** اح د **ث** خ م س م ا ی ه **ن** خ م س ی ن **ی** ع ش ر ه **ن** خ م س ی ن **ا** اح د **د** ا ر ب ع ه **ب** اث ن ی ن **ع** س ب ع ی ن **ی** ع ش ر ه **ن** خ م س ی ن **ث** خ م س م ا ی ه **م** اربع ی ن **ا** اح د **ن** خ م س ی ن **ی** ع ش ر ه **ه** خ م س ه **ا** اح د **م** ا ث ی ن **ب** اث ن ی ن **ع** س ب ع ی ن **ی** ع ش ر ه **ن** خ م س ی ن **ا** اح د **م** ا ث ی ن **ب** اث ن ی ن **ع** س ب ع ی ن **ه** خ م س ه فكانت عدد هولاء الحروف **١٨٣** فتحذف منها ما كان مكررا ثم نسقط الملوك العلوية كما قررنا وتكون اسم القطب وتعرف العمل على الطبع الغالب لذلك العمل وادع الدعوة السبعة ثم تضبر ان شاء الله تعالى **وجه اخر** (نصب ٥) خذ اسم المطلوب وابسط حروفه بسطا عدديا بسطا واحدا ثم خذ كعبه وما يقع معك الكعب فاسقط منه **٤١** بعدد لفظة يال او ايل ثم استنطق ما بقي معك من الحروف وزد عليهم ما ذكرناه فانه يكون ملكا علويا ثم اجمع عدد المطلوب واسقط منه عدد لفظة طيش واجمع فانه يكون ملكا سفليا ثم اقسم على العلوي بالاسماء الحسنى واقسم على السفلي به واقسم على صاحب اليوم السفلي بالاعوان فان عملك ينجح **وبيان ذلك** كان اسم المطلوب **محمد** البسط العددي **م** اربع ی ن **ح** ث م ان ی ه **م** اربع ی ن **د** ار بع ه عدد حروفه **٢٣** حرفا كعبه **٥٢٩** اسقطنا منه واحد واربعين وذلك لفظة ايل فبقي **٤٨٨** فنطقنا (اسقطنا ٢)

١٩٠

فكان حفتبايل الاسماء الحسنى منه حميد فتاح شكور احد واذا اردنا استخراج السطر اسقطنا لفظة ملش
فبقي مائة واثنين فنطقناه نقطهش الاسماء الحسنى منه مانع قوي طيب شهيد وكان يوم الاحد الاحد وصاحبه المذهب
الاسماء الحسنى مجيد ذو الجلال والاكرام والعلوي الحاكم على المذهب السيد روقيابيل الاسماء الحسنى رقيب وارث
قوي وتنظم القسم كما بيناه لك على هذا المثال وقس على هذه الصورة ما ياتي من الاعمال **فصل في**
التكسير الكبير الذي هو افضل من الكبريت الاحمر **قال** بعض العلماء ان علم التكسير افضل من افناء الاكسير وهو يفضل جامع
للاسئلة العزيزة العجيبة التي اخفوها الحكماء مثل افلاطون وشاهود الهندي واما التي تعرف من هولاء الملوك والاكابر
من الحكماء والانبياء اجمع كانت بهم فوائد في علم الحرف وكانوا الهمهم وبقدرة الله تعالى المعجزات وبهم فوائد اربع طبايع ومنهم
الاصول تصرف كيف شاء **واقول** ان علم التكسير هو افضل العلوم وان كيفية الدخل اليه بين وبهم يفون فيه جبل
جبل والتكسير الصغير والوسط قد ذكرناهما وبقي في التكسير الكبير وهو على وجوه شتى **فاول ذلك** اذا اردت علام الاعمال
من خير وشر ونفع وضرر وذلك في التكسير الكبير ان تاخذ اسم الشخص المطلوب وتستخرج نتيجته وان مخرجات شتت اخرجت
اربع عوالم او اثني عشر عوالم او ستة عشر او ثمانية وعشرين او تسعة واربعين عالم او ثلثمائة وستين عالم واما الاربع
فيكونوا على الاربع طبايع واما السبعة فعلى الكواكب واما الاثنى عشر فعلى الابراج الاثنى عشر والثمانية وعشرين هم على المنازل
و٤٩ على الطبايع والكواكب والمنازل والابراج و٣٦٠ على درج الافلاك والدور **وان** جميع الاقسام والطلاسم تستخرج
من هذه العلوم والاسرار والان ابين لك هذا التفصيل **اعلم** وفقنا الله واياك ان معرفة التكسير الكبير وهو الماخوذ من جعفر
الصادق عم **وصورته** الاعمال الاولى في المحبات وذلك ان تاخذ اسم الطالب والمطلوب واليوم واسم الملك العلوي والساعة
والمنزلة والطالع ورب الطالع واسم من اسماء الله الحسنى وميزان العمل مثل محبة او بغضة او طرد او هيجان او امراد وتمزج تلك
حروف ثم تاخذ العدد الاول الذي هو خارج من التكسير ثم تاخذ عدد الحروف العدد الحرفي الرقمي الجملي وتجمع ذلك الجمع فما
تعبد ذلك يتسلط ثمان مرات على عدد الشايع ثم انك تاخذ الحروف الاعالي فتجعلها عوالما علوية ثم تاخذ الحروف السفلية و
تجعلها اروحا سفلية ثم تاخذ الرقم الاول تنزله في فيرق وتعته على اي طبيعة من الطبايع ثم تاخذ الكل حرف اسم من الاسماء الحسنى
ثم ترجع وتاخذ الحروف وتضبطها وتاخذ رقما تمكره حروفا وتسطر تلك الحروف وتبتدي في اول الحرف حرف **ب** وفي اخر الحرف
حرف **خا** ثم تنظر ذلك ثلاثة او اربعة اعني احرفا وتجمعهم وتضبطهم في القسم ثم تركبه فكان فيه اسما معجمية واسماء عربية ثم
تنكو القسم على ما وكلت به ثمان مرات فان العمل نافذ مثل السيف القاطع **وهذا** صفة المثال اقول كان اسم المطلوب **محمد** واسم
الطالب

المطلوب **عمر** واسم اليوم **الاثنين** وكان الطالع **الثور** واسم رب الطالع **القمر** واسم الملك العلوي **جبرايل** واسم الساعة
الشمس والمنزلة **الغفر** واسماء الحسنى **ودود** والعمل **محبة** فجمعنا هولاء الحروف في البسط اعني البسط الاول **م ح م د** ع م
ر **الث ن ي ن** **ا ل ث و ر** **ا ل ق م ر** **ج ب ر ا ي ل** **الشمس** **الغفر** و د و د **م ح ب ة** فجملة هولاء الحروف ٤٢ حرفا وهذا التكسير
الحرفي فتقول **ميم حا ميم دال** عين ميم را **الف لام ثا** نون يا نون الف لام ثا واو را الف لام قاف ميم را
جيم با را الف يا لام الف لام شين ميم سين الف لام غين فا را واو دال واو دال ميم حا با ها **ع ى ن** ميم ا واو دال
فجملة الحروف ١١٣ ثم انا بسطنا هولاء الحروف على
هذه الصورة **م** ا د ب ع ى ن ى ع ش ر ه **م** ا ر ب ع ى ن **ح** ث م ا ن ى ه **ا** ا ح د **م** ا ر ب ع ى ن **ع** ع ش ر ه
م ا ر ب ع ى ن **د** ا ر ب ع ه **ا** ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **ع** س ب ع ى ن **ى** ع ش ر ه **ن** خ م س ى ن **م** ا ر ب ع ى ن
ى ع ش ر ه **م** ا ر ب ع ى ن **ر** م ا ت ى ن **ا** ا ح د **ا** ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **ف** ث م ا ن ى ن **ل** ث ل ا ث ى ن **ا**
ا ح د **م** ا ر ب ع ى ن **ث** خ م س م ا ى ه **ا** ا ح د **و** س ت ه **ا** ا ح د **و** س ت ه **ر** م ا ت ى ن **ا** ا ح د **ا** ا ح د **ل**

ثلاثون

ث ل ا ث ى ن **ف** ث م ا ن ى ن **ل** ث ل ا ث ى ن **ا** ا ح د **م** ا ر ب ع ى ن **ق** م ا ى ه **ا** ا ح د **ف** ث م ا ن ى ن
م ا ر ب ع ى ن **ى** ع ش ر ه **م** ا ر ب ع ى ن **ر** م ا ت ى ن **ا** ا ح د **ح** ث ل ا ث ه **ى** ع ش ر ه **م** ا ر ب
ع ى ن **ب** ا ث ن ى ن **ا** ا ح د **ر** م ا ت ى ن **ا** ا ح د **ا** ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **ق** م ا ى ه **ى** ع ش
ر ه **ا** ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **ا** ا ح د **م** ا ر ب ع ى ن **ا** ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **ف** ث م ا ن ى ن **ى** ع ش
ل ث ل ا ث ى ن **ا** ا ح د **م** ا ر ب ع ى ن **ش** ث ل ا ث م ا ى ه **ى** ع ش ر ه **ن** خ م س ى ن **م** ا ر ب ع
ى ن **س** س ت ى ن **ى** ع ش ر ه **ن** خ م س ى ن **ا** ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **ف** ث م ا ن ى ن **ل** ث
ل ا ث ى ن **ا** ا ح د **م** ا ر ب ع ى ن **ه** خ م س ه **ا** ا ح د **ق** م ا ى ه **ا** ا ح د **ف** ث م ا ن ى ن **ع** س
ب ع ى ن **ى** ع ش ر ه **ن** خ م س ى ن **ه** خ م س ه **ا** ا ح د **و** س ت ه **ا** ا ح د **و** س ت ه **د** ا ر ب ع ه
ا ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **و** س ت ه **ا** ا ح د **و** س ت ه **د** ا ر ب ع ه **ا** ا ح د **ل** ث ل ا ث ى ن **م** ا ر ب
ع ى ن **ى** ع ش ر ه **م** ا ر ب ع ى ن **ح** ث م ا ن ى ه **ا** ا ح د **ب** ا ث ن ى ن **ا** ا ح د **ه** خ م س ه **ا** ا ح د
فجملة هذه الحروف تكسير الحروف التي تقدمت وعددها ٥١٢ حرفا فاخذنا من كل حرف عشرة احرف وبسطناهم هكذا في
جدول مربع طوله تسعة وعرضه ثمانية **وهذه** الحروف المتخرجة الموضوعة في الجدول المبارك
وقد وضعنا في كل بيت من بيوته حروفا معلومة وهو هذا

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

وصورة استنطاق العوالم العلوية فذلك ان تخرج العوالم العلوية من عشابيل شمنوحابيل لهنداييل برهمابيل

رعيشا ييل لسشيا ييل نشهدمايل حفد لسا ييل فهولاء العلوى صلوات الله عليهم اجمعين **واما الارواح**
السفلية الشيطانية اولهم دهلخطيش هشلطش حنشطيش هدعطيش مخلبطيش ملشطيش مدحلطيش سمخلطيش
واذا جمعنا الحروف المعجمة السريانية التي على اي لغة اردت من اللغات وهذه صفة الاسماء العجمية السريانية وكيفية ذلك انجمع
الحروف ثم نظمها على هذه **الصورة** ابرخ عبنخ شمخ تدخ جلخ ربعخ برعيخ تمشدبخ **واما** الاسماء الحسنى الله رحيم
باق عطوف نور هادى تواب ثابت **وصورة** الميزان الاذلاطون كان من الحروف عدد المعجم من حروف الالف عدد ٤١
بقيا ١٣ حرفا ومن حروف الباء ٢٥ ومن العينات ٣٥ ومن الدالات ٣٥ ومن حروف الياء ٥١ ومن حروف الشين
١٥ ومن حروف النون ٥٩ ومن حروف الهاء ٣٥ ومن حروف الثاء ١٠ ومن حروف الميم ٢٢ ومن حروف الحاء ٢٦
ومن حروف الدال ٢٩ ومن حروف التاء ٣٦٠ ومن حروف الخاء ٧ ومن حروف اللام ١٤ ومن حروف السين ١٨ فوزنا
هذه الحروف جميعا ونظرنا الى الحروف الغالبة عليه من الطبائع الاربع فرايناها حرفا الا نفحكنا عليه بطبع النار وفيه طرق
كثيرة فمن ذلك ان تكتب الحروف في فتيلة وتجعل في سراج حديد ثم تشعل بزيت طيب وتتلو العزيمة وصفة تركيب العزيمة
نقول اقسمت عليكم ايتها الارواح الروحانية اصحاب الدعوات النورانية اقسمت عليكم ايتها العلوية بحق هذه الاسماء
انت يا ايها الملك برعيشا ييل وانت ايها الملك شمخيائيل وانت ايها الملك هينفاييل ودرنجمائيل ودعيشا ييل	ولسنيا
ولشمايل وانت يا شديا ييل قشيما ييل اجيبوا وتوكلوا على الارواح السفلية دهلخطيش وحشلطيش وانت يا
هدعطيش وانت يا مخلطيش ملشطيش جلطيش سمخلطيش اجيبوا بارك الله فيكم بحق ابرخ عبنخ شمخ تدخ
جلخ ربعخ برعيخ تمشدبخ **الله رحيم** باق عطوف نور هادى تواب ثابت اجيبوا بارك الله فيكم وعليكم الوحا اجيبوا
وتوكلوا على الذهب وعلى الابيض وعلى الاحمر وعلى برقان وشمهورش ودعيه وميمون الوحا العجل الساعة وعلى هذه
الصورة تقش والله يهدى للحق وهو يهدى السبيل **فصل من التكسير الكبير** اعلم ان الحروف جمعا وتكسيرا وهما قريب عظم	بنطم
والحروف المعربة لما يلائمها وكيفية استخراج العوالم **وهو** ان تاخذ اسم الطالب والمطلوب وتقدم احدهما وتبدا بالبط	ذلك رضاه رقيقه
بسط عددى ثم تبسط الاسم الاخر وتضيف الى كل اسم اعداده الثلاثة لان لكل اسم ثلاث اعداد كبير ووسيط وصغير **ومثال ذلك**
اسم **احمد** عدده بالجمل الكبير ٥٣ وعدده الاوسط ١٧ حرفا وعدده الصغير ٨ فالعدد الاول معلوم والثالث
الحرف والثالث المسقوط **فنعم نعم** وتضيف الى كل اسم اعداده حروفا ثم تسقط جميع الحروف المكررة وتكتب ما تكرر
سطرا واحدا ثم تجعله مكسرا على ما تقدم حتى يظهر لك الزمام فتنظر الى السطور المكسرة ثم تنظر الاسماء فما كان منصوبا او مخفوضا
او مرفوعا ثم تاخذ من الحروف ما كان عكسا وطردا وتجمعها وتتمهم الحروف المعجمة السريانية ثم تاخذ الحروف السطر الاخر	سهام
وتستنطق حروفا حماسية اعداها بعجمة وتنظم العلوية والسفلية وبيان ذلك **قلنا** اسم الطالب **احمد** واسم المطلوب **جعفر**
فبسطنا الاسمين هكذا **ا ح م د ج ع ف ر** ثم نبسط الحروف هكذا فنقول **الف ح** ا ى م **دال** ج ى م ع ى ن
ف ا را ثم بسطنا الحروف فقلنا ا ا ح د ل ث ل ا ث ى ن ف ث م ا ن ى ة ثم **عم** اننا ا ح د م ا د	عج شم اثى ء م
س ب ع ى ن ع ع ش ر م ار بع ى ن د ار بع ة ا ا ح د ل ث ل ا ث ى ن ج ث ل ا ث ة ع ع ش ر م ا د
س ب ع ى ن ع س س ب ع ى ن ى ع ش ر ن خ م س ى ن ف ث م ا ن ى ن ا ا ح د م ا ت م ا ت ا ا ح د
ثم انا بسطنا حروف الاسمين هكذا ا ا ح د ح ث م ا ن ى ه م ار ب ع ى ن د ا ر ب ع ة ج ث ل ا ث ة ع
س ب ع ى ن ف ث م ا ن ى ن م م ا ت ى ن ثم جمعنا الحروف جميعها واخذنا منها من كل حرف ثلاثة احرف ومزجناها
هكذا فكانت **ال ف ح ل ح م د ى م ج ى م ث ل ش ج ى م ر ع ن س ر ف هـ و ح و ح ش** فبسطنا هذه
الحروف في جدول ثم اثبتنا العدة للحروف وجعلناهم حروفا هكذا او دللها حروف الارقام الاول **ج ن ش ك ر** ثم انا

جمعنا الحروف الاخر واسقطنا ما تكرر منها ١٩ حرفا ثم انا اضفناها الى الحروف الاول فكانت ست وستين حرفا
فوضعناها هكذا في جدول طوله اربعة عشر خانة وعرضه ثلاث عشر وسميناه جدول الزمام وهذه صورته

٣٣
٥٠
١٩
٥٧

الف حل	جمد ىم	جىم ثى	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	
كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	
جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	
عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	
عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	
جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	
سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	
هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	
عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	
شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	جىم ثل	
جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	جمد ىم	
جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	الف حل	
الف حل	جمد ىم	جىم ثل	شجى مر	عنس رف	هوح فح	سوج نش	جخم سر	عفذ طم	عسد نم	جكس نم	كها نب	

ثم اخذنا الحروف الاول الفوقية فجعلناها الارواح علوية لكل ثلاث حروف اسم علوى ثم اضفنا الى ذلك لفظ ايل فصار اسما
علويا وهكذا نفعل بالحروف السفلية نجمعهم ونضيف الى كل حرف من لفظ طيش حتى تتم الحروف ثم تجمع من بقية الحروف
السطور المعجمة وتنطق فلك العدد في اخر كل حرف خانة الى تمام العدد وتربط القسم كما مر من الامثلة ونصرفه كما اردت و
بيان مثال اخر صورته اسم الطالب **احمد** والمطلوب **جعفر** وهو مثال التكسير الاول من طريق اخرى لمن تدبر فانا بسطنا
الاسمين فكانا هكذا ا احد ح ثمانية م اربعين د اربعة ج ثلاثة ع سبعين
ف ثمانين ر مائتين **ثم** وضعنا اعداد الحروف فهي **ج ن ش ك ب** ثم مزجنا الحروف هكذا
ك ج د ث ش ن ى م ن ب ع ج د ل س ت م ا فكانت الحروف ١٨ حرفا فبسطنا لهم جدولا وجعلنا

حروف الزمام

وهو هكذا

و	ک	ح	د	ت	ش	ن	ی	م	ر	ن	ع	ج	ر	ل	س	ت	م	ا	
ا	م	ت	س	ل	د	ج	ع	ن	د	م	ی	ن	ش	ت	د	ح	ک	و	
م	ت	س	ل	د	ج	ع	ن	د	م	ی	ن	ش	ت	د	ح	ک	و	ا	
ت	م	س	ر	ج	ع	ب	د	م	ر	م	ع	ن	س	و	د	ح	ک	و	
س	ل	ر	ج	ع	ب	د	م	ر	م	د	م	ع	ن	س	ب	د	ح	ک	
ل	ر	ح	ع	ب	ر	م	س	ر	ن	ن	س	م	ع	ن	س	ف	د	ح	
ر	ح	ع	ب	ر	م	س	ر	س	م	ر	ب	ر	م	ع	ن	س	ف	د	
ح	ع	ب	ر	م	س	ی	د	ت	ک	ح	ر	ا	ر	م	ع	ن	س	ب	
ع	ب	ر	م	س	ی	د	ت	ک	ح	ر	ت	س	ن	ر	م	ع	ن	س	
ب	ر	م	س	ی	د	ن	ک	د	ی	د	ب	ع	ح	د	ع	م	ع	ن	
ر	م	س	ی	د	ق	ک	ب	ع	ج	د	د	س	ن	ع	م	ر	م	ع	
د	م	د	ت	ک	ت	م	س	ک	ب	ا	م	ع	د	د	ب	ع	م	ر	
م	ک	ه	ک	ن	ک	ت	م	س	ک	ب	ع	ا	ل	د	د	ب	ع	م	
ک	م	د	م	ک	ن	د	ت	م	س	ع	ب	ک	ل	و	ر	د	ب	ع	
م	ک	م	ل	م	ک	ن	د	ت	ع	ن	س	ب	ک	ا	و	ر	د	ب	
ک	م	ل	د	ل	م	ک	ن	ع	م	م	ن	س	ب	ک	ا	و	د	د	
ل	ک	م	ل	م	ن	م	ع	ن	ع	م	م	ف	س	ب	ک	ا	و	د	
ک	ح	د	ت	ش	ن	ی	ه	ا	ن	ع	م	م	ن	س	ب	ک	ا	و	

واما الارواح الروحانية الموكلين المستخرجين من هذا الجدول وهم هولاء اولهم مكحاابيل بكيابيل زمنداييل
مجزنابيل مكحابيل قلسابيل فلسابيل و مرادنا تكسير هولاء الحروف تكسيرا زماميا حتى نستخرج منه اسماء الاعوان تكسير
السفلية وهم القائمون في خدمة هذه الاسماء والملوك فاعلم ذلك وتحققه وهذه صفة الحروف م ک ت ح ب
م ی ک ر م ن د ی خ ر ن م ک ج ل د ل س ی فعددها ٢٤ حرفا وهذه صورة تنزيلها

على الطريق الذي

رايناه

وقد ذكرنا

لك

ذلك

و

هذه

صورته

لم

م	ک	ت	ح	ب	م	ی	ک	ر	م	ن	د	ی	خ	ر	ن	م	ک	ج	ل	د	ل	س	ی
ی	س	ل	د	ل	ج	ک	م	ن	ر	خ	ی	د	ن	م	د	ک	ی	م	ب	ح	ت	ک	م
س	ل	د	ل	ج	ک	م	ن	ر	غ	ر	ح	ی	د	ن	م	ر	ک	ی	م	ب	ح	ت	که
ک	س	ی	د	ک	م	ن	ر	ح	ر	ح	د	ح	ی	د	ن	م	ر	ک	ی	م	ب	ح	ت
د	ل	ی	ک	ه	ن	د	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ی	د	ن	م	ر	ک	ی	م	ب	ح
ل	د	ک	م	ن	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ی	د	ه	م	ر	ک	ی	م	ب
م	ک	م	ر	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ن	ح	ر	ح	ر	ح	ی	د	ن	م	ر	ک	ی	م
ک	ح	ن	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ن	ح	ر	ح	ر	ح	ی	د	ن	م	ر	ک	ی
م	ک	ر	ن	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ح	ر	ی	د	ن	م	ر	ک
د	ن	ح	ر	ح	ر	ح	ن	ح	ر	ح	ن	ح	ن	ح	ر	ح	ر	ح	ی	د	ن	م	[illegible]
ح	ر	ن	ح	ر	ح	ک	ر	ن	م	ر	ک	م	س	م	ح	ه	ح	ر	ح	ی	د	ن	م
د	ح	ح	ر	ح	ک	ر	ن	م	ر	ک	س	ل	س	س	م	ح	ر	ح	ر	ح	ی	د	ن
ح	ر	د	ر	ک	د	ن	م	ر	ک	س	ل	م	ن	س	س	م	ح	ر	ح	ر	ح	ی	د
ر	ح	ر	ر	ر	ر	ن	م	ر	ک	س	ل	د	ت	س	م	س	م	ح	ر	ح	ر	ح	ی
ح	ر	ح	ر	ر	ر	ر	د	ک	د	م	د	ر	ب	ن	م	ک	س	د	ر	د	ح	ی	ح
ر	ح	ر	ح	ر	ر	ر	ر	ک	د	م	د	م	ی	ک	س	ر	ر	ر	ح	ح	ی	ح	ی
ح	ر	ح	ر	ح	ر	ر	ر	س	ک	د	م	ر	ک	س	ر	ر	ر	ح	ی	ح	ی	م	ح
ر	ح	ر	ح	ک	ح	ر	ر	ر	س	ک	ر	ک	س	ر	ر	ر	ح	ی	ح	ی	م	ر	د
ح	ر	ح	ک	ح	ک	ح	ر	ر	ر	س	ک	س	د	ر	ر	ح	ی	ح	ی	م	ر	د	ب
ر	ح	ک	ر	ح	ر	ک	ح	ر	ر	ر	س	د	ر	ر	ح	ی	ح	ی	م	ر	د	ب	س
ح	ک	م	د	ن	ب	ک	ح	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ح	ی	ح	ی	م	ر	د	ب	ص	ن
ک	ت	ح	ب	م	ی	م	ر	ک	ر	ح	ر	ر	ح	ی	ح	ی	م	ر	د	ب	س	ن	د
س	ی	ل	د	ح	ک	م	ر	د	ح	ر	ی	ح	م	ک	ی	ن	ک	ی	م	ب	ح	ب	م
م	ک	ب	ح	ن	م	ی	ک	م	ی	ن	د	ی	ح	ر	م	ک	ج	ل	د	ل	س	ی	ی

واما الاسماء التي خرجت من تكسير حروف الملائكة وهم الاعوان السفلية فان كلوا حاشيتهم يا خذ بناصيته ملاعين الارواح
السفلية فاولهم محيطيش منسحطيش منهطيش خمرلطيش سنكطيش تلادم طيش هجلطيش كهسحطيش حنطيش
مزحلطيش دلهيطيش سرحيطيش جبلكمطيش بحطيش وهذه اسماء الاعوان و اما ترتيب القسم فهذه
صفته تقول بسم الله الرحمن الرحيم الذي اذا دعي به اجاب اجب يا مكحاابيل ويا بكيابيل ويا زمنداييل ويا
حزنابيل ويا مكحابيل ويا قلسابيل محخ محجخ بكفتخ بوجوخ بيحخ دماخ اجيبوا وامروا اعوانكم السفلية
ان يتوكلوا بما امرتهم اجيبوا يا محطيش منسحطيش منهطيش حمرلطيش سنكطيش تلدومطيش هجلطيش كهسحطيش
رحطيش مزجلطيش دلهطيش دسرحطيش جبلكمطيش محمنطيش حكلسطيش محمطيش حكلطيش بحخطيش
اجيبوا وتوكلوا وافعلوا ما امرتكم به وان تمتزجوا روحانية بروحانية الوحا العجل امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فانما
تنبيه اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك اني قد اخذت في طلبي الى البراري فاستخرت الله تبارك وتعالى وطلبت ان اتوجه
الى مغارة الاسرار في وادي سرانديب وقصدت ان استخرج سفر ادم عليه السلم فرايت في واقعتي ان جعفر الصادق
عليه السلم حل هذا الكتاب فبينما انا كذلك اذا اقبل علي ثلاث آلاف من الجن قد اقبلوا وناولوني سفر ادم عليه السلم بخط
سيدي فقد وجدت جعفر الصادق قرأه وحله وهذه صورته اقول بسم الله الرحمن الرحيم
هذا ما قراه وحل رموزه جعفر بن زين العابدين بن الحسين بن علي بن ابو طالب عليه السلم وقد للجار اشتر في صندوق
من ذهب بخط اصف بن برخيا فاما نقله من سفر ادم عم قال آدم عم اعلم يا بني ان تعبير العلوم الموسومة بجام الكل

هي الحروف الهجائية التي اولها الالف واخرها اليا وان في الكبرى لها اسرار وحروفا وفيه خبايا ما تحت كل حرف لوبسط
لضاقت الطروس وهي ٢٨ حرفا ولام الف تتمتها وهي مبدا الاوليات والاخريات وقد قدمنا التفصيل بمعانيها بل
ما ذكرنا اما وجدناه في سر ادم عم لقوله تعالى وعلم ادم الاسما كلها الى قوله تكتمون وان الله علم في اللوح المحفوظ رسم
الحروف ومنها اللغات وعلمه النطق من قلبه وجميع اللغات حتى اذا رايت اصوات الحيوانات وجدتها تنطق بالاسما
والحروف الهجائية **وقال** اهل التحقيق ان معنى الحروف هو اسم جنس الحروف ومعناه ما دلت على شرح المعاني المنطوقة
من الحركات واتفاق وقوعها اللائق الهجائية في لفظ مشروح والاسماء علمها الى ادم عم وسر تصريفها توارثه الانبيا
واولو العزم فكان تصريف نوح في عنصر الماء وكان تصريف موسى في المعدن وكان تصريف ابراهيم في عنصر النار وكان
تصريف عيسى في الهوى ثم المحققين ثم المحققين من اهل الله من العلما الواصلين ولو ذكرنا بعض ما فعلوه من علم الحروف
لطال الكتاب وما وسعته الاوراق **اعلم** ان الله تبارك وتعالى لما خلق ادم الذي هو ابو البشر وجعله ناطقا مستقلا فصيحا مميزا
بالقوة الناطقة والروح الشريفة والقوة العاقلة القدسية وجعل صورته احسن الصور وشكله افضل الاشكال وطبيعته اشرف
الطبايع الارضية وجعله سيد الحيوانات كلها وملكا عليها وامرا لها وملكه اياها واكرمها طاعة وانقيادا طوعا او كرها
وقد ملكه الارض ومن عليها كما قال للملائكة اني جاعل في الارض خليفة **ولما** جعله على هذا لم ينبغي ان يكون صامتا كا
لجماد ولا مصوتا كالحيوان بل ناطقا مستقلا فصيحا مفهما معلما عاقلا لانه سبحانه وتعالى نفخ فيه من روح قدسه واثبت كلمه
وعلمه الاسما كلها وصفات الاشيا كلها باسرها وجعل له العقل العاقل واخرج سائر الموجودات من جميع المظاهر واخرج عن
مضارها ومنافعها وما يدل على صلاحها وفسادها الموم بكل ما يحفظ على ترتيب النظام وجعل هذه الاشيا كلها الكبيرها
وصغيرها وحقيرها بهذه الحروف ٢٨ باشكال مختلفة واسماء مسميات **واعلم** ان مثل الحروف كمثل شجرة واحدة من اصل
واحد وقد تفرعت وتفرقت عروقها ودوقها واقتسمها الامم واخذ كل منهم ما اتفق منها في اصول سوالبهم بحسب احتياجهم
بحكمة ملكا وحكيما عارفا وان علماء الحروف هم ورثة الانبيا وخلاصة الخلق فان احدهم اذا كان ذا عقل اخذ اسم من
الاسما وكسره واخرج منه اسما معجمة على بعض من اللغات فصارت حروفا واسماء عظيمة القدر وان نقل من اللغة الى اللغة
وجدته للعرف قال علي كرم الله وجهه بيتا مفردا **شعر** العلم بالحرف سر الله يدركه ٭ من كان بالكشف والتحقيق متصفا
اعلم ان علما الحروف هم كلاء الله على اسراره وهم اصحاب سره وهم خلفاء الانبيا وفيهم قد قال الحديث علماء امتي كانبيا
بني اسرائيل لان علماء هذه الحروف هم اهل الله وكلامه في ارضه وان اول من نطق العربية وكتب هذه الحروف كان يعرب بن
قحطان ابن سام الى ان كثرة العرب وتفرقوا بحسب مواطنهم صار لكل قبيلة من قبايل العرب لغة وقد اختلفوا في الاسما اخترعها
لكل اسم من اسماء الظاهر اسما شتى ولذا الاصح علم العربية اشرف العلوم وهو احسن الالسن وبعث القران عربيا فصاحته
قريش سبحان من خلق الموجودات وجعل الكلام معاني وصفات وقد اختلفت الالسن والالوان واللغات لحكمة اقتضاها
تبارك وتعالى ولو بسطنا العبارة على هذا التقريب لطال الامر وما وسعته الطروس ولكن اول ما اذكر اصول العلم وقد صنفت
العلما الحوالي وبينوها وذكروا فيها الدلالات الابراج والايام وملوكها والطوالع الفلكية وعرفوا كيفية ذلك على
طريق التفصيل ثم الى بعد ذلك ابين الكيفية الى معرفة التكسير فان هذا الباب اعني الباب الكبير معرفته عظيمة جليلة القدر
وقد بسطت لك العبارة في التكسيرات اولا وكيفية الاعمال بطال التفصيل لان الصادق رضي لما اخرج هذا الكلام من سفر
ادم ما صرح به وانا اصرح لك به ثم الى اذكر الطرق من جفر الامام علي كرم الله وجهه واذا عرفت اصطلاحهم حلت الجمع
اعلم ان عند علمائنا ان الزمام هو عبارة عن الحروف المزججة والمدرجة عندهم انما الحروف الهجائية وان جميع العلوم الروحانية
والاقسام كلها ماخوذة من علم الحرف وكذلك الخواتم والعزايم وجميع الطلاسم وان شاء الله تعالى اخبرك على كيفية الدخول

على هذا الاستخراج فاعرف ذلك وما الفتح المحدود لكيفية الدخول الى هذه المعلومات وتعرف كيفية ذلك في جدول — التعريف م
وهذه صورته لا عرفك به وتعرف المراتب وهذه صفة الجدول **فاذا** اردنا عملا من الاعمال مثل الجلب والطرد فقد بينا

اسماء المراتب	الحروف النارية	الحروف الهوائية	الحروف المائية	الحروف الترابية	الاستنطاق	الاملاك	الايام	البخورات	اسماء الطبائع	اعداد الطبائع	استنطاقها
المراتب	ا	ب	د	ج	ی	اهيل	الجمعه	زعفران	احرف النار	اعداد النار	هقغ
الدرج	ه	و	ح	ز	وك	وكيايل	السبت	عود	٧	١١٣٥	هلعقايل
الدقايق	ط	ی	ل	ك	طی	طهايل	الاحد	كندر	احرف التراب	اعداد الهوا	هلقغ
الثواني	م	ن	ع	س	كو	كوايل	الاثنين	ميعه	٧	١٣٥٨	خشغاسبل
الثوالث	ف	ص	ر	ق	عت	عتايل	الثلثا	سندل	احرف الهوا	اعداد الما	صقغ
الروابع	ش	ت	خ	ث	غش	غشطبيل	الاربعا	بزورت	٧	١٩١٢	يطغايل
الخوامس	ذ	ض	غ	ظ	غغ ت	هشتابيل	الخميس	اذخر	احرف الما ٧	اعداد التراب ١٠٩٥	هطهطه هشغاميل

اشياء كثيرة مما تقدم والان نذكر مثال بين الحيوانات فمن ذلك اذا اردنا ان نعمل محبة بين حيوانين متضادين احدهما يخاف
الاخر فمثال ذلك اذا اردنا المحبة بين الذيب والغنم لانهما اعداء لا يتفقان وان احدهما اذا اجتمع مع الاخر يوثر فيه فاردنا
ذلك فاخذنا اسم **ذ ی ب** واسم **غ ن م** واسم **م ح ب ه** ومزجناهم فهم على هذه الصورة **ذ ی ب** م ح ب
غ ن م ثم بسطناهم هكذا فكتبنا **ذ** ا ل س ب ع ه ا ی ه **ی** ع ش ر ه **ب** ا ث ن ی ن **م** ا ر ب ع ی ن **ح** ث م ا
ن ی ه **ب** ا ث ن ی ن **ه** غ م س ه **غ** ا ل ف **ن** خ م س ی ن **م** ا ر ب ع ی ن ثم انا رتبنا الحروف التي هي

ف	ی	ب	م	ح	ب	ه	غ	ن	م	س	ع	خ	ر	ش	
ش									ه	م	س	ع	خ	ر	
ر										ن	م	س	ع	خ	
خ											ن	م	س	ع	
ع												ن	م	س	
س													ن	م	
م														ن	
ن															
غ															
ه															
ب															
ح															
م															
ی															
ف															

البواقي بعد اسقاط المكرر
منهم واسمها حروف الاربع
على هذه الصورة **ذ ی**
س ب ش خ ح م م
غ ع ث ن ف ر
ثم انا وضعنا هذه الحروف
في جدول على اعدادهم
على هذه الصورة فانظره
تراه صحيحا فاخذنا
حروف الاقطار الاربع
فجمعناهم ثم حروف القلب
ايضا اربعة احرف

فكان جملة الحروف دش ذس وحروف الوسط ذس ى د ثم انا جمعنا الحروف ونطقنا في اخر كل حرفين لفظة ايل
وهم دشايل سدايل ذشايل يدايل ثم انا بعد ذلك جمعنا الحروف ونطقنا ها كل ثلاث حروف ملكا علويا وهم هكذا
ذيا بجيا بيل هغفايل سعايل خزشايل فكانوا تسع عوالم فجعلنا بحروفهم فكررناها هكذا ذ ى ب م ج ب
غ ن م س ع ج دش ب ذ ش ب ش ذ ى فبسطنا ابسطا اخر وذلك تعبير الاول في جدول احد عشر في مثلها
وجعلنا كل حرفين في خانة على الصورة الاتية في الصحيفة الاخرى ثم انا انطقنا الحروف وجعلنا كل خمسة احرف
ملكا سفليا وذلك على ما بيناه الملائكة ذ بجخطيش بهفعطيش خزشبدطيش زنبد شطيش ثم جمعنا الحروف ثلاثة ثلاثة
وسميناها الحروف المجمعة وهي دسيخ بوسخ مبيخ حميخ عنمخ خوزخ ونقول فالك في اخر الجدول ثم شغل القسم على
ما بيناه لك لانا من تركيب الدعوة ثم وقفنا العمل في ابيات الغالب على التراب فجعلناه صورة ذيب وغنم من طين ووقفنا
على الحروف المرقومة ثم باجعد وكتبنا عليه المربع الحرفي الاول وكتبنا حوله اسماء الاعوان وتكلمنا عليه بالدعوة و
دفناه فعند ذلك وقعت المحبة بين الذئب والغنم وصار بينهما تالف في ذلك المكان وقس على هذا المثال ما تريد
من الاعمال واعلم ذلك وهذه صورة جدول المذكور الاتي وصبر اخر وقد ضرب بهذا العمل المعلم الاول افلاطون

ج ح	ب ه	ع ف	م س	ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى
ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف	م س	ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر	و ك
و ك	ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف	م س	ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر
ش ر	و ك	ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف	م س	ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب
ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف	م س	ع ج	ر ش	ب د
ب د	ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف	م س	ع ج	ر ش
ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف	م س	ع ج
ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف	م س
م س	ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى	ج ح	ب ه	ع ف
ع ف	م س	ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى	ج ح	ب ه
ب ه	ع ف	م س	ع ج	ر ش	ب د	ت ح ب	ش ر	و ك	ذ ى	ج ح

الا لوح اما صورته فقال الوارد منا تاليفا
بين الذئب والغنم او بين الحية والعقرب
او السبع والذئب وكل حيوان يوذى
كاسر بوذى فتكتب اسم المنع والزجر وتكتب
ما اخذ حروف الاقطار الاربعة وتجمع الحروف
شفعا او وترا وتجمع ذلك فكان الاسم ذ
ى ب م ح ب ه غ ن م فتكتب على
هذه الصفة في
مربع عشرة في
مثلها وهذه صفته

ذ	ى	ب	م	ح	ب	ه	غ	ن	م
م	ن	غ	ه	ب	ح	ا	ب	ى	ذ
ن	غ	ه	ب	ح	م	ب	ى	ذ	م
غ	ه	ب	ح	م	ب	ى	ذ	م	ن
ه	ب	ح	م	ب	ى	ذ	م	ن	غ
ب	ح	م	ب	ى	ذ	م	ن	غ	ه
ح	م	ب	ى	ذ	م	ن	غ	ه	ب
م	ب	ى	ذ	م	ن	غ	ه	ب	ح
ب	ى	ذ	م	ن	غ	ه	ب	ح	م
ذ	ى	ب	غ	ن	م	م	ح	ب	ه

ه ى ب م ح ں ه غ ن م

ثم انا اخذنا حروفنا القطر المستخرجة من الزوايا
والوسط وهي هذه ذ ذ م م ح ب فالطبع
الاعلى لحملا ذ ذ خواص حارة م م ثوالى حران
وحرف ح درجة بردة من الرطوبة وحرف ب
منحرة يبوسته فالطبع حار يابس هذا العمل فالعدد
المجموع ١١٣٥ الاستنطاق هلقغ الموكل به
هلقغايل الجن عود وفتقول والتصريف
لهذا العمل انه يعمل لوح من نحاس تكتب المربع الحرفي
في الاخر ان تكتب صورة الحيوانات الذى
ذكرنا في طالع الحمل الذى هو الحمل والمريخ وتكتب
على اسم الغنم اسم الملك وتكتب الغ على صورة

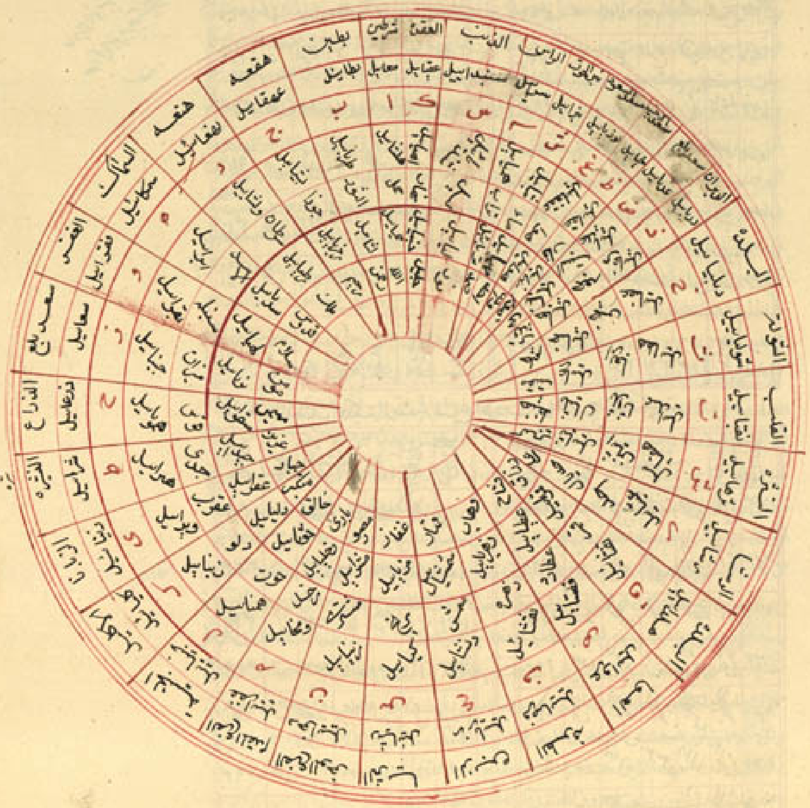
الذيب ثم تدفن في مرعى الدواب فانه تكون الدوالسم فان الذيب والغنم مجتمعان في ذلك الموضع ويصطلحان في
ذلك الموضع ويصنعان وحب سفر ادم عوم وهكذا تعمل في جميع الاعمال وهذه قواعد الرصد من الملوك المتقدمين وكذلك
تركيب الدعوة ثم تزن الحروف المتقدم ذكرها وكتبناها على الصورتين وتفعل في جميع النظام هكذا والله اعلم وحيز الحروف
تنجزا العقل كان ملكا من ملوك الهند وكان عالما بعلم الحروف وصاحب مرتبة في هذا العلم وذلك انه ضرب له مثلا اعلم انه كان
ببلاد الهند ملكا جليل القدر وكان صاحب سطوة وكانت جميع الملوك تهابه وكان قد اطاعه الانس وجميع الجن والوحش و
الطير وجميع المخلوقات وكان قد عاش خمسمائة عام وقد رزقه الله ولدا ومنها السند وهو الذى عمر بلاد السند وكان ابله بلا
عقل وقد بلغ وكبر وبلغ مبالغ الرجال وما كان له عقل فجمعت اليه جميع اكابر الدولة فقالوا له ايها الملك ان ولدك هذا قد
طرا عليه الجنون والبله وليس له عقل ويكون انت متصرف في الهند بحل نقطة الاعتدال ويبقى ولدك قليل العقل وانت رب هذا
الاقليم فقال الملك لابد ما ابين حاله ثم انه اخذ المكان خلوته وافتكر في نفسه فقال في مقدار ولده وهذا ما يحتاج الا
عقل ثم انه احتد الدعاء وافهم وكتب ثم انه بسط هؤلاء الحروف هكذا ا اح د ل ث ل ا ث ى ن س س ت ى ن
ن خ م س ى ن د ا ر ب ع ه ثم بسطنا حروف العقل هكذا ا ا اح د ل ث ل ا ث ى ن ع س ب ع ى ن ق
م ا ى ه ل ث ل ا ث ى ن فبلغ عدد اسم الطالب من الحروف ٣٣ حرفا فضربناه فبلغ كعبها ٣١٤ فنطقناها دقت
فوزنا لفظة ايل فكان ملكا علويا روحانيا خلق الله عنده تمام علم الكلام واسمه دقتايل ثم اخذنا حروف العقل فكان عددها
٣٢ حرفا فبلغ كعبها اكت فنطقناه فكان الملك العلوى اكتابيل ثم كان ذلك اليوم الذى وضع فيه العمل يوم
الاحد فبسطنا حروفه ا ل ا ح د ثم بسطناها هكذا ا اح د ل ث ل ا ث ى ن ا اح د ح ث م ا ن ى ع
د ا ر ب ع ه فعددناها فبلغ عددها ٢٣ فبلغ الكعب هكح فكان استنطاقه هكحايل ثم كان اول ساعة من يوم الاحد
للشمس فبسطناها فكان بسطها ال ش م س فكررناها ا اح د ل ث ل ا ث ى ن ش ث ل ا ث م ا ى ه م ا ر ب ع ى ن
س س ت ى ن فكان عددها ٣٢ حرفا وكان كعبها ٤٢٣ فنطقناه فكان جحايل ثم ان بارب الطالع الساعة
من البروج برج الحمل فبسطناها ال ح م ل ا اح د ل ث ل ا ث ى ن ح ث م ا ن ى ه م ا ر ب ع ى ن ل
ث ل ا ث ى ن فكان عددها ٣١ فنقطناها فكان كعبها ٤٣٥ وكان كعبها هكح فنطقناها فكانت هكحايل ثم نظرنا
الكوكب الحمل الذى كان طالع وزانناه ال م ر ى خ فبسطناه ا اح د ل ث ل ا ث ى ن م ا ر ب ع ى ن ر
م ا ت ى ن ى ا ع ش ر ى خ س ت م ا ى ه فبلغ عددها الرقمى ٤٠٠ فنقطناه ت م ثم نطقناه ه تمايل
ثم جئنا الى المنزلة فكانت الثريا ال ث ر ى ا ا اح د ل ث ل ا ث ى ن ث ث ل ا ث م ا ى ه
م ا ت ى ن ط ت س ع ه ى ع ش ر ه ن خ م س ى ن فبلغ الكعب ٧٤٣ فنطق فكان النطق زست
فاضفنا اليه لفظة ايل فكان الملك زستايل استنطاق كعب المركب دكع استنطاقه دكعايل والمركب العددى
الاحمر جيش الملك الموكل به فسعايل وكعب المركب العددى طغزايل جمعت حروف الاستنطاق فكانت ٣٣ حرفا
وهذه صفتهم دقت اكت هلح هكح هكح هكح اسطو الغنع دكع ادبص اطغز ثم استنطاق الكعب الاسم
خخففففغ الملك الموكل خسخففففغفايل وعدد حروفها المفردة هؤلاء الحروف خ س ع ع غ خ خ
خ ق د ت ثم جئنا ووزنا هذه الحروف فرايناه وزنه من الماء درجة وحرف س و ر ومن الهوى ثانية وحروف
خ وزنه من الماء درجة ووزنه من التراب رابعة وحرف ع وبها نجد حرف م ووزنه من النار ثانية وحروف الخا
ووزنه من الماء رابعة بها نجد حرف الثاء ووزنه من التراب رابعة وحرف غ ووزنه من الماء خامسة وحرف ض ووزنه
من التراب سادسة وحرف الضاد ووزنه من التراب خامسة وكذلك الغين وكذا الغينات جميعا ووزنهم من الماء الطبايع خامسة

وقس على ذلك بقية الاحرف وكيفية التركيب الاحرف بعضها من بعض في الوزن هكذا حوشم حث غفض غفض غفض
غفض غفض فكان الغالب على هذا التركيب عنصر الماء فكان العمل في تركيب هذه الحروف ان تكتب في جام زجاج بمسك
وزعفران وتمحو بماء وتسقى الى المطلوب فتعمل المحبة في ذلك فعمل الاولاد وبنا مدينة وسماه باسمه وهي الى الان تسمى
السنة واسما اعلم صفة مثال اخر وذلك لطرد الفار والسبع والوحوش وهو مثال غريب تستعين به في هذا العمل فتقول
اردنا طرد فار من بلد او من ارض فلاحة فتاخذ باسم اي حيوان اردت طرده فتاخذ باسمه وتكسره بالكسر الكبير وتصرفه في ذلك
مثاله اردنا طرد الفار من مدينة فتقول ا ل ف ا ر ط ر د ن ا ه م ر ن م ر د ى ن ة غ ز ه فبسطنا هذه الحروف
على ثلاثة اوجه الاول الحرفي ثم العددي الرقمي ثم نبتدي نبسط الف لام فا را طا را دال نون الف ميم
ميم نون ون مرى م دال ى ان ون قاف غ ى ن ز ى ن ه ا ثم انا بسطنا هولاء الحروف فكانوا على هذه الصورة
احد ثلاث ى ن ثم ان ى ن ثلاث ى ن احد اربع ى ن ثم ان ى ن احد م ات ى ن
احد تسع ه احد م ات ى ن احد اربع ه احد ثلاث ى ن خ م س ى ن ست ه خ م س ى ن
احد ثلاث ى ن ثم ان ى ن خ م س ه احد اربع ى ن عشر ه اربع ى ن خ م س ى ن ست ه
خ م س ى ن اربع ى ن عشر ه اربع ى ن اربع ه احد ثلاث ى ن عشر ه خ م س ى ن
س ت ه خ م س ى ن اربع م اى ه احد الف عشر ه خ م س ى ن سبع ه خ م س ه احد
ثم جمعنا هولاء الحروف بعد ان اسقطنا المكرر فكانوا هولاء الحروف ا ف ل م ط ر د ن و ى ع ه ح ن ث ت
ب ش خ س ثم انا بسطنا هولاء الحروف في جدول طوله ١٢ في ١٢ خمس مرات على هذه الصورة ثم انا انطقنا حروفه
كاسيان اسحاييل لحشاييل لشاهيل مستبر ياهيل طفشاييل رسندهاييل دحاييل تخضاييل دهحاييل
حلها ييل ثم جمعنا العظيمة وهي تبسطيش بتقطيش بدلطيش دحطيش همطيش ثم الاقفال بالجميع هكذا حتى
تم العدد فاذا تم العدد والاستنطاق في نظم الحروف الى الاخر ثم انا اوزنا هذا العمل فانا فيه طبع التراب وطبع الماء
نجسا وصورنا صورة ثلاث فاطردهم فقط في ثلاث ثم كتبنا الحروف وقسمنا عليهم بالقسم وامرنا الارواح بطردهم ثم اتينا
بالعمل وصفنا في المكان المعهود ثم انا اتينا بجام وكتبنا فيه ايضا ومحيناه في الماء ورششناه في المكان فكان الفار لم يكن
في ذلك المكان وكذلك تفعل في جميع الاعمال على هذه الصورة ثم اعلم انك لا تعمل الا بترتيب الماخذ وذلك ان تنظر الى حروف
الطالب فتاخذ طالعه وتاخذ الملك الموكل فيه ثم اليوم ثم الساعة ثم الكوكب فتجمع الملوك وتسلط عليهم عزيمة ثم تصرفهم على ما
يناسبك واعلم ان الدواير كثيرة وهي البروج ١٢ ولكل برج من العوالم ثم المنازل ٢٨ منزلة ثم عوالمها ثم
اسماء الكواكب ٧ وملوكها ثم الايام ٧ وملوكها ثم ملوك الحروف ٢٨ حرفا وعوالمها فاذا اردت العمل فانظر الى اسم الطالب والمطلوب
ثم تاخذ نتيجته وتاخذ اليوم والساعة على التفصيل في تركيب العمل ثم وضعت لك جدولا وضعت فيه البروج والحروف والمنازل
والطبايع الاربعة وتحت كل منزلة وحرف نتيجته بالوقت الذي تعرف كيفية الدخول ويسهل عليك الماخذ وتبقى تنظر الى الاسماء
وتتامل حاجتك وتستخرج حاجتك منها ذلك بعد ان تجمع العوالم وتنظر الاسماء الحسنى وتنظر ما لكل اسم من هولاء الاسماء على ترتيب
الحروف المعجمة وتنضم الى ذلك ما يناسبك للدعوة وطريقة معرفة طالع المطلوب وهو على طريقتين فالطريق الاول
وهو ان تاخذ مجموع اسم الطالب والمطلوب وتعدهم ثم انك تاخذ اسماء امهاتهم وتجمع ذلك بالجمل وتسقط ١٢ ١٢ فما
فضل معك تبقيه وتعده على الابراج فما استوى معك العدد فثبت ذلك البرج واما الطريق الثاني فكيفيته ان تاخذ
اسم الطالب والمطلوب وتبسطه وتنظر اي حرف غالب عليه فتنظر طبيعته وتكتب بها مثاله كان اسم الطالب محمد فنظرنا الى محمد
فوجدنا فيه ثلاث ميمات وحاء ودال فنظرنا باعتبار اخر فوجدنا حرف الدال هو الغالب على هذه الطبايع وهو حرف ترابي

والثلاث

والثلاث ميمات بنصف مرتبة من طبع النار ووزن الحاء من طبع الماء فوجدنا الغالب على هذا الاسم الماء لان فيه
مرتبة ودرجة ودقيقة فاعلم هذه القاعدة اللطيفة التي لم تسمح بها المشايخ والعلماء بل يتوارثونها من صدر الى صدر

صورة الدايرة المسماة بالفلك المستقيم



جدول مثلثات النارية والترابية والهوائية والمائية وعليها العمل

تاريخ الحروف	اسماء الحروف	المثلثة النارية			اسماء الكواكب	تاريخ المثلث
		الحمل	الاسد	القوس		
٥٧٦	ا	٤٣٤	٤٩٦	٥٥٨	المشتري	١١٥٧
٢٦٢	ه	المريخ	الشمس	المشتري	الزهرة	١١٢٥
٢٦٦	ط	١٢٨١	١٠٥٨	١٠٨١	الطرفة	٨٩٦
٦٩٧	م	الثلثا	الاحد	الخميس	الجبهة	٧٢٢
٤١٠	ف	٩٢٢	١٠٩٨	١٠٣٠	القلب	٦٨٧
١١٦١	ش	٧٢٧	٧٢٦	٧٧٦	الشولة	١١٤٦
١٢٩١	ذ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تاريخ المثلث	اسماء الحروف	المثلثات المائية			اسماء الكواكب	تاريخ المثلث
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٤٩٧	د	٥١١٢	١١٨٧	١٧٠	المريخ	١٣٤٣
٢٩٦	ح	القمر	المريخ	المشتري	النثرة	٩٩١
٥٢٦	ل	٩٤٧	١١٨١	١٢٠٨	الزبانا	١٠٢٢
٦٥٠	ع	الاثنين	الثلثا	الخميس	الاكليل	١٤٠٩
٥٢١	س	٤٦٦	١١٤٢	١٥٧	الجبهة	١٠٥٦
٩٥١	خ	العنصر			الخفق	١٠٥٦
١٤٩١	غ	٣٤١	٣٤١	٣٤٣	المؤخر	١٧١٨

تكملة جدول المثلثات الفلكية الرصدية لتتابع الحروف والبروج الفلكية

تاريخ الحروف	الحروف	المثلثة الترابية			اسماء الكواكب	تاريخ المثلث
١٩٠	ب	الثور	السنبلة	الجدي	العلجي	٧٠٩١
٢٢٤	و	١٢١٣	١٣٩	٣٩٣	النثرة	٩٧٤
٣٦٧	ي	الارض	عطارد	زحل	الزبانا	١٠٧٦
٥٥٨	ن	٩٢٤	١٢١٣	١٤٢	الصرفة	٩٣٥
٥٤٧	ت	الجمعة	الاربعا	السبت	النعايم	٤٦٨
٧٩٣	ص	٩٢٤	٢٥٠	١١١٨	البلدة	٨٠
٩٣٧	ض	عنصر			العوا	١٠٨١
١١٩٣	ظ	١٠٢٤	١٠٢٣	١٠٢٢	بارد	يابس

تاريخ الحروف	اسماء الحروف	المثلثة الهوائية			اسماء الكواكب	تاريخ المثلث
٨٣٥	ج	الجوزا	الميزان	الدلو	العقرب	١٨٤٣
٢٩٦	ز	٥٧٧	١٣٩	١٧٠	الهنعة	٩٩١
٥٢٦	ك	عطارد	الزهرة	المشتري	الزبانا	٩٠٢٦
٦٥٠	س	٩٣٧	١٢٨	١٢٠٨	الاكليل	١٠٣٢
٥٢١	ق	الاربعا	الجمعة	الخميس	الجبهة	٩٠١
٩٥١	ض	١٢٣	٣٣٢	١١١٨	المقدم	١٠٥٦
١٩١	ث	العنصر			المؤخر	١٧١٨
١٤٢	ط	٤١٣ زيبق	٤١٣ نحاس	٤١٣ حديد	بارد	يابس

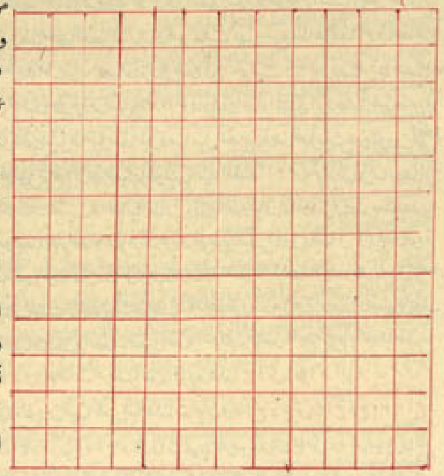
فصل اعلم ايها الطالب ان معرفة علم الحروف من اعظم العلوم وانا قد وضعت لك عن اسل ... جميع ما قالوه اصحاب
الحواني من المتقدمين والمتاخرين في صفة الدايرة وهذه المثلثات والان نذكر لك بحسب المراد فاذا اردت عملا من ذالك
المجات في حساب اسم الطالب واسم المطلوب وخذ طوالعهم من الدايرة وخذ ما لكل طالع من العوالم واثبتهم ثم خذ
ما لكل برج من الحروف وخذ عوالمهم واثبتهم ثم خذ عوالم اليوم والساعة ورب الطالع من الدايرة واجمع ذلك كله
جملة العوالم ١٩ ملكا ثم خذ من اسماء الله الحسنى لكل ملك من اول حرف وادخل به في الاسماء وخذ ذلك الاسم وخفر الذي
فيبقى لكل اسم ملك روحاني مقيد عليه ذلك الاسم ثم خذ الحروف الماخوذة ودنهم ثم عدد تلك الحروف جميعها الموضوعة ثم
اثبتها واستنطق منها ملكا علويا وسمية ثم الملك الحامة وصورتها الصورتين اعني صورة الطالب والمطلوب ثم خذ اسم الغضب
الملك ووزنه واطرح عليه الغالب من الطبايع ثم على المراد في الدفن اوفي الريح او في موضع بعيد ولا يخفا ذلك عليك ثم
اكتب على راس الطالب الرقم وعلى راس المطلوب اسم القطبية ثم اكتب الحروف الموضوعة حول الصورتين وكل العوالم وكل عمل حب
اليوم الذي فيه ذلك العمل ثم اتلو الدعوة واقسم عليهم بتلك الاسماء وتامر العوالم ان يفعلوا ذلك ان شاء الله تعالى على المراد محبة
اردنا عمل المحبة بين اثنين بين يوسف وبين جعفر فاخذنا عدد حروف يوسف فكان عدد حروف العدد الجملة
١٥٦ اسقطنا منها ١٢ في ١٢ فبقي منها ٤ واذ بها طالعها السرطان ثم اخذنا حروف جعفر فكانت ٣٥٣ فاسقطنا منها
١٢ في ١٢ فبقي معنا ٥ فكان نجم الاسد فاخذنا حروف الطالعين وهم د ح ل وهذه ايضا المنازل الذراع والنثرة والزبانا
ثم اخذنا حروف الطالع للمطلوب وهي ط م ف وهذه المنازل الطرفة والجبهة والقلب فمزجنا احرف اسم الطالب واسم
المطلوب وهي ط ح م ل ف ومزجنا احرف الطالب واحرف المطلوب وهي ي ج و ع س ف ف ثم مزجنا احرف الطالب
مع الاسمين وهي هذه الحروف د ي ط ج ح د م ع ل ش ف ف د ف ط ر فكانت الحروف ١٦ حرفا فبنيناها في
الصادقة على هذه الصورة د ب ل ك ح ا و د ح س م ن ل س ق ق د ب ق ط ك د ق فصار ٣٢
وهي السطر الموزون فاخذنا عدد حروفه بالجمل فكانت ١٣٢٢ فنطقناه حروفا على هذه الصفة ا ل ش ب غ وهذه
تكسير حروفها ا ح د ث ل ا ث ... ث ل ث ... ا ث ن ف ت ا ل ف فجمعنا هذه الحروف فكان عددها ... حرفا
فنطقناها فكانت اكت ثم نطقناه فكان اسم الملك العلوي اكتابيل ثم وزنا هذه الحروف في ميزان المصادقة هكذا
فكانت اح ط ك ج ثم دخلنا بالطالعين الى اسماء ملائكة الروحانيين بالبروج ثم اخذنا ما لكل برج من الروحانيين
من دايرة المستقيم وهم هولاء دغيابيل وهمابيل ثم اخذنا روحانية الكواكب والايام وهم هولاء خادمهم وصفابيل
وهغابيل واليوم والكواكب وهم هغابيل ولياييل ثم اخذنا حروف الطالعين ونطقناها الى كل حرف من الروحانية
فاثبتناهم وهم هولاء عنيابيل ودرابيل حكاسيل هفغابيل هشتابيل حشبابيل ثم اخذنا ملائكة المنازل وهم
نصرغابيل هليايبل هكمنابيل همصابيل عجيابيل ولنبابيل فهولاء ١٨ ملكا من غير القطبية ثم اخذنا من اول كل اسم
من الروحانية ملكا علويا اسما من اسماء الحسنى وهم هولاء الاسماء رؤف ودود وهاب وكيل هادي ولي عزيز
والي حكيم جليل نور هو هادي عليم هادي لطيف فجملة هولاء الاسماء ستة عشر اسما فكل اسم من هولاء الاسماء يحكم على
روحاني وهذه صورة الدايرة تكتب في يوم الاحد والطالع الاسد على شقق
اصفر وتكتب الحروف الموزونة التي هي حروف المنطق قلب الصورة على ما رايت
ثم تلقي ذلك في النار وتبخر بالبخور الطيب وانت تتلو العزيمة وهي هذه تقول
اقسمت عليكم ايتها الارواح الروحانية خدام هذه الحروف النورانيات ان
دغيابيل وهمابيل وصفغابيل وهجغابيل وعجيابيل ولياييل وهغابيل



وراسيل وحكاسيل وجفقياسيل وهشتاسيل وجثياسيل بصرغاسيل هلخاسيل حكصاسيل همصاسيل عجياسيل
ولناسيل اجيبوا بحق بدف ودود وهاب وكيل هادى ولى عزيز وافى حكيم خليل نور هو هادى عليم هاكم
لطيف اجيبوا بارك الله منكم بحق لا اخذ بناصيتكم الملك الجليل اكتاسيل بحق الله كافى تواب اجيبوا بارك الله فيكم
الوحا الساعة العجل والله اعلم **فصل** اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك اذا اردت عملا من الاعمال فخذ اسم
الطالب واسم المطلوب واجمعهم واسقط من كل واحد ١٢ ١٢ الى ان يبقى العدد دونها فما بقي فادخل به على البروج
الفلكية وابدا من الحمل اى برج نفد العدد فخذ ذلك البرج فانه شتره وادخل الى دائرة الفلك المستقيم وخذ ما يخصه من
الحروف والمنازل وهم ثلاثة حروف وثلاثة منازل ثم خذ اسم كوكب الطالع واسم يومه واسم عنصره ثم اخرج تناتيجهم
لكل واحد نتيجة فيبقى معك ١٢ نتيجة وان خفت الغلط واردت الصحة والعجلة فادخل الى صفات التناتيج فانا قد
وضعنا وحسبنا لك التناتيج تناتيج البروج والكواكب والمنازل فالكوكب نتيجة محققة والحروف والمنزلة نتيجتها مع
معنى فيصير يعرفه كل احد من ارباب العلم فاذا عملت فاجمع عشر تناتيج ثم خذ نتيجة اسم الطالب والمطلوب وخذ تناتيجهم
فيصير معك ١٢ نتيجة ثم اوزن الحروف في موازينها الاثنى في كل عمل فان كان العمل الخير ففي الجرى فان كان في الشر فكذلك
ثم اجمع ما لكل روحانى من الاسماء وانظم الدعوة ثم اكتب الحروف الموزونة واكتب الصورتين كما بيناه الاخر حولها الحروف
واكتب حروف القطب في قلب الصورة والرقم على جبهة الطالب والاسم على جبهة المطلوب ثم تطلق التناتيج وصنف اليهم الاسماء
ايل لعد اسقاط من كل نتيجة من العدد ١٥ وصرف تعمل كيف ما اردت فاعلم ذلك **و** اذا اردنا بيان ذلك **فنقول** مثاله
اردنا المحبة بين اثنين بين **احمد** وبين **جعفر** فكان عدد حروف احمد ٣ ٥ وعدد حروف جعفر ٣٥٣ فاسقطنا
من كل اسم ١٢ ١٢ فبقى من اسم احمد وجعفر ففضل معنا من كل اسم خمسة فكان الفاضل عشرة فدخلنا بالعدد الى دائرة
المستقيم فوجدنا الطالع برج الجدى ووجدنا ما يخص هذا البرج من الحروف هولاء **ض ن ض** وما يخصه من المنازل **العوا**
البلدة الذابح وهى ٤٩٢ واخذنا نتيجة كوكب الطالع وهى ٤٦٠ ثم اخذنا نتيجة الكوكب وهى ١١١٩ ثم اخذنا نتيجة
الثلاث حروف فعددهم هولاء ٤٢١٢٥٩ ١٩٩ ثم اخذنا تناتيج الثلاث منازل لكل منزلة من جانبها وهى هذه الحروف ٤١٦
٨١٠ ٥٩٣ ثم اخذنا نتيجة العنصر من عنصره وهى ١٣٢٣ وهذه نتيجة اسم الطالب والمطلوب ٤١٤ وهذه نتيجة اسم الكل
٧٩٧ فجمعنا الحروف التناتيج وهى ٣٧ حرفا فنطقناها فكانت ١٢ اسما من الاسماء الروحانية وهذه مجموع الاثنى عشر نتيجة
وهى ٩٢٨١ فعدتها تسعة الاف ومايتين واحدى وثمانين فنطقنا هذه الحروف على مذهبنا فكانت **طغرا** والملك المنطق
به **اطغراسيل** وهذا الاسم اربع حروف وهى اربع احرف القطب **طرف** ايا نجم من الحروف **طك دص فق اج** فكان العمل
على هذا التركيب عنصر النار ثم اخذنا حروف التناتيج ٣٧ حرفا فوزناها مثل ما وزنا احرف الاستنطاق وهذه مجموع تناتيج
حروف التناتيج **تدص بج وح لح** حوبلق **عص طك** نغ دص **اج س وح** بع عفرجوسم **مح اح ضع** حاقق فش
غقص دب لى شعص **د ب بل مح** ده **صر دط** فهذه اربعة وسبعين حرفا فافهم ذلك فقرب نبدا العمل وهو انك
تعمد الى صحيفة من نحاس او فضة نقية وترسم عليها دائرة وارسم فيها اسم الطالب وصورة المطلوب واكتب على راس الطالب
الرقم وعلى راس المطلوب الاسم واسم الملك **طغراسيل** وهذا الرقم ٩٢٨١ واكتب حول صورتهم الحروف الموزونة من التناتيج
٧٤ مرة ثم تجمع الارواح وتاخذ لكل اسم من اسماء الله الحسنى وتنظم الدعوة كما بيناه لك والله اعلم **صفة مثال الاخر** اذا اردت
العمل بالجد اسم الطالب واسم المطلوب واسم الطالع واسم الكوكب واسم الساعة واسم اليوم واسم العنصر واخرج تناتيجهم من حيث
المثلثات على ما بيناه لك فلا تخرج معك سبع اسماء فاحفظها ثم اوزن حروفها على ما تختار من الاعمال ثم زد في اخر كل نتيجة
لفظة ايل فتصير معك اسم ملك روحانى ثم اكتب الحروف الموزونة على حسب الطبع العدد فاكتب في الساعة المخصوصة وبخر وانت

عليه الاسماء المذكورة بقانون انتظام القسم والتلاوة ٢١ مرة وادفن العمل كما بيناه لك **وهذه** صفة المثال
الاول اردنا عمل المحبة بين **احمد** وبين **علي** وهذا مظهر اسم احمد **هشف** وهذا مظهر اسم على **وصق** وهذا مظهر
اسم الطالع الحمل وهو **فكح** وهذا مظهر اسم الكوكب المريخ **ط** وهذا مظهر اليوم وهو يوم الثلث وهو **ظ** واما
مظهر الساعة الثانية وهو **نقع** وهذا مظهر العنصر النارى وهو **دفث** فهذه سبع مظاهر فجمعنا احرف المظاهر فكانت
١٨ حرفا وهى سبعة اسماء فوزناها حروفها في ميزان المصادقة وهى هذه **اج سم شث دج صر قف هر كط حب طد**
طل وح بع فق عظ دب صس نخ فهذه جملة حروف التناتيج ٣٦ حرفا وهذه اسماء الملئكة الروحانية المستخرجة من كل حرف
وهى سبعة **استاسيل** وصفياسيل هكحياسيل طاسيل نغفاسيل دثاسيل القريب لهذا العمل ثم انقش هذه الحروف في قطعة
من النحاس الاحمر يوم الثلث في طالع الحمل ثم تبخره بالبخرة طيبة وانتوعليه اسماء الملئكة ٢١ مرة ثم ادفنها في النار وهذا الى
الطرق واحسنها فهذا المعنى فاعلم ذلك **شبه** اعلم ايها الطالب وفقنا الله واياك اذا اردت ان تستخدم ملكا علويا
او سفليا فتاخذ اسم ذلك الملك واسم يومه واسم الله الاعظم ثم تكسر حروفه على طريق التكسير الاول وانك فى الاربع وجوه ثم
انك تسقط المكرر وتثبت البقية ثم تنظمها حروفا وترد في اخر كل حرف حرف الخاء المنقوطة ثم بعد ذلك تاخذ تلك الحروف وتنظمها
سطرا واحدا وبعد ذلك تقسم على ذلك الملك باى الخلق فانه يحضر اليك ان شاء الله تعالى وينظر في نوم او يقظة ويقضي حوائجك
فاعلم ذلك والله اعلم **فصل** واذا اردنا طرد الجن والعقرب فنقول اخذنا اسم الجنة ثم اخذنا اسم من اسماء الله فاخذنا
الطريقة بكسرنا حروفهم هكذا **اح ى ه ط ر د م ف ت فهم** فكسرنا هولاء الحروف هكذا **ح ا ى ا م ا ط ا ر ا د ا ل مرى م**
ن و ن ت ا م ى م ثم كسرنا هولاء الحروف ايضا تكسيرا ثانيا فكانت **ش م ان ى ه اح د ع ش ره اح د خ م سه اح د**
ث س ع ه اح د م ا ث ى ن اح د اربع ه اح د ث لا ث ى ن اربع ى ن ع ش ره اربع ى ن
خ م س ى ن سته خ م س ى ن اربع م اى ه اح د اربع ى ن ع ش ره اربع ى ن فهذا العدد
فكانت الحروف ١٠٢ فضربناها في مثلها فكانت عشرة الاف ومايتين فنطقناها هكذا **ربعياسيل** ثم بالحروف التى في التكسير
فاسقطنا منها المكرر فكانت هذه الحروف **اخ س ه ى ط ر د م ن و ت ع س ش خ ث ب** ثم انا اوزناها كما بيناه
لك اولا من طريق الوزن ثم بعد ذلك تاخذ حجرا وتكتب عليه صورة عقرب خلف حجرة وتكتب الحروف حوله وتتلوا الاسماء ثم
بعد ذلك تدفنها في اعلى المكانات فانهم يتطرقون ولو كانوا الوفا فاعلم ذلك **وهذه** صفة الحروف الموزونة **اب باهوط**
قرجد ش و ز ت ث شط حطيج ثم انظم الدعوة وتجمع هذه الحروف هكذا تقول **اجب** يا اجباسيل وانت يا هبطيابيل
وانت بارد مياسيل وانت يانواسيل عشاسيل جباسيل وتنظم الدعوة فاعلم ذلك **مثال اخر** في التسليط مثل الحمى
فنقول رجل ظالم ان نوقظ من غفلته حتى يعتبر وتسلط عليه الحمى فاذا اردت ذلك فنقول اسمه **زكى** وعدده الوقتى
٢١ والمرج حروفها ٩٨ واضفنا اليه اسم من اسماء الله الحسنى **ش دى د** فاسم الوقتى عدده ٣١٨ ثم انا جمعنا هولاء
الحروف المزوجة هكذا **اج ل ب ح م ى ل ز ى د ش د ى د** ثم اضفنا الى الحروف البقية وهم الخارجين من اعداد
الاسماء **اب ح ص ى ش ل ز س د ش م ل** ثم انا مزجنا هولاء الحروف هكذا **اج ا ل ب ب ح خ م ص ى ش**
ل ز س د ش د ا ى د م ل فهولاء جملة الحروف وبقى هذا السطر الحروف المزوجة فبسطناها هكذا فقلنا **ج** ث ا ث م
ا اح د **ل** ث لا ث ى ن **ب** اث ن ى ن **م** اث ن ى ن **ح** ث م ان ى ه **خ** مى ات م اى ه **م** اربع ى ن
ص ت س ع ى ن **ى** ع ش ره **ش** ث ال ث م اى ه **ل** ث لا ث ى ن **ز** س ب ع ه **ص** س ت ى ن **د** اربع ه **ش** ث ل
اث م اى ه **د** اربع ه **ا** اح د **ى** ع ش ره **د** اربع ه **م** خ م س ى ن **ل** ث لا ث ى ن فهذه جملة الحروف ثم اخذنا
من هولاء الحروف اخرها وجمعناه وجملتها ١١٢ فضربناه في مثله فحصل معنا هذه الحروف **دق ى غ** فكانت هذه الحروف حروف

القطب ثم اخذنا من هولاء الحروف الجميع ونزلنا[ها] في مربع كل خمس حروف في بيت حتى يظهر الرقام على عدد الحروف ١٣٨
حرفا فاذا كان ذلك فننظم كل خمس حروف ونضيف اليها لفظة ايل ونظمها ملكا علويا ثم تاخذ بعد ذلك الحروف طولا



من الجدول ونضيف اليها لفظ طيش
ونجمعها ثم بعد ذلك ننظم الهيبة
ونتمها الحروف المعجمة ونزيد ذلك
كل آخر حرف خا فنقيل اسما معجمة
من اسماء الله بلغة سر اللغات ونكونه
قسما على هولاء العلوية وهم يتسلطوا
السفلية والسفلية يتسلطوا على
المطلوب بما ذكلنه من الحجاء وغيرها
وقس على هذا المثال ثم اذا نا خذ حروف
القطب ونونها في ميزان المضادة
ونقر فيها على حسب الطبع وذلك ان
تكتب الصورة وتكتب عليها الرقم ونضم
في وزن العمل وهذه صفة الحروف
المنزلة في الجدول وهو مربع ١٣ في
١٣ وهذه صفته كما ترى ثم انا

اخذنا في جمعة الحروف وذلك من طول الجدول كل خمس حروف ملكا وهي ماتى ١ شطلهاييل ٢ دشرشهاييل ٣ سبعجماييل
٤ خشبحماييل ٥ جشطهاييل ٦ شرشهاييل ٧ محجيماييل ٨ دهدساييل ٩ سحماييل ١٠ بالجشاييل ١١ طهماييل ١٢
١٣ بسصساييل تلحماييل شطهاييل اخبحماييل اشطهاييل مشرشاييل اتحماييل
هدشساييل ولا تزال تفعل هكذا الى تمام الخاتات فيجمع الجملة ثمانية وعشرين ملكا ثم تاخذ من الكلمات
التي تحتاجها كل ثلاث حروف وتضيف اليه لفظة طيش واجمعهم هكذا نحطيش شطيش حيطيش خسطيش محمطيش
تحطيش سرطيش سدهطيش دشطيش اهلطيش صبسطيش رسدطيش شدهطيش ناجطيش مصبطيش سرشطيش
دهدطيش طيشا طيش فهولاء حملة السفلية وهم ثمانية عشر ملكا سفليا ثم انك تجمع الحروف المعجمة على عدد الروحانية الثمانية
وعشرين هكذا اسفيخ شدنخ دهدخ طيشخ حمصخ شرشدخ دطخ محجخ طيشخ رشدخ هدخ وهكذا تفعل
الى اخر الجدول ثم بعد ذلك وزنا العمل ورايا الغالب على هذا العمل طبع التراب فراينا ان نأخذ صورة من طين ونقش عليها الحروف
المرقومة بميزان المضادة وتكتب اسم الشخص على الصورة ونقسم على الصورة بهذه الدعوة ثم توضع في قربة او في آتون الحمام على
صورة المطلوب ولا تجعل لتركيب الدعوة الشريفة فاعلم ذلك وكذلك تفعل بغالب الامور والعاقل يكفيه الاشارة فاعلم ذلك
تنبيه اعلم ايها الطالب ان هاهنا اسرار مهمة ثم وضعنا فيه استخدامات وامور عزيزة تتضمن فيه العلم الجليل القدر الذي
هو علم الانبياء صلوات الله عليهم اجمعين ووضعناه في الجزء الثالث من هذا الكتاب في نوع تسخير الكواكب ولنذكر في هذا
الموضع حروفا حروفا كما وضعه قدوتنا الى الحق الامام جعفر الصادق رضي الله عنه وهذه اول المقصود فصل قال الامام قدس الله سره
فاذا اردت العمل بهذا الكتاب فابدا على اسم الله واستخرج الابواب واعني بالابواب هي استخراج عوالم المنازل والبروج والحروف

والايام والكواكب وهي تاتي في فصل الاستطاقات وهو على التكسير الكبير فاستخرج ما يليق حروفها ولغاتها وهي عبارة با
لاسماء المعجمة وتجمع درجاتها والدرجات هي عبارة عن الحروف من موضع حقها اعني من الجداول فوالدسطر او اعضو
به اعني الحروف الخارجة موخرات مقلوبة اعني السطر الخارج من التكسير وقدم واخر وهي الحروف المسماة بالسطر المزاج
اولها اخرها بكلام العافيطوس وقد ذكرنا حروف العافيطوس هي عبارة عن الحروف المعجمة التي اولها الف واخرها
الياء وهذا اللفظ هو لفظ يوناني سرياني فافهم واخرج منها سطورا واستخرج السطور وحروف الساعات التي تمر في اليوم
والليلة وكذلك المنازل التي قد وضعناها في الدائرة وان كل منزلة لها حرف من الحروف ٢٨ التي اولها الالف واخرها
الياء وكل منزلة وكل حرف لها خادم يخدم بها وكل ذلك جرى في اللوح المحفوظ في القدرة المعلومة بمشيئة الخالق البارئ
فاستخرج الابواب من موضع تاليف على القانون ثم قسمها على الحروف كما قسمت في الدائرة واعلم ان السهم مقام الشمس
في كل برج ثلثون يوما والبرج ١٣ درجة تدخل الحمل وهو اول البروج واول الزمان واول ابواب السهام واول الابواب
العمل من التكسير الكبير تخرج بجملة العشرة واول البروج الحمل وقد قسمنا فيما تقدم في المثلثات فقسمه على كل ثلاث بروج
الى الفصول الاربع فانظرها تراها موضوعة صحيحة فاذا عرفت ذلك فاذا اردت العمل فاعرف الطالع وخذ اليوم والساعة
والكوكب وبرج الفصل والمنازل والحروف التي تحت المنازل على عدد المراد الدورات قاصدا وانظم الحروف على القانون
الذي اقسمته فانه في غاية المراد مثال ذلك وهو ان تاخذ المركب العددي لاسم الطالب والمطلوب ثم لاسم الطالب ثم اسم
طالع الوقت الذي بدات فيه بالعمل ثم اسم الكوكب الحاكم في الطالع ثم اسم صاحب اليوم الفعلي ثم اسم الحاجة وهذه تامع الى
وان شئت جعلتها ١٢ ابابا ثم تنظر كم هذه الحروف كم هي حرفا فان كانوا ٢٥ فتضرب في مثلها فكن المال كانوا اقل او اكثر فالحاج
للذي المضروب فيه كعبا وما حصل هذا التكسير الاجل الكعب وهذه خاصية التكسير فاذا جمعت الكعاب فرد في اخر كل كعب لفظة ائيل
ملكا علويا ثم خذ عدد كل حرف من كل اسم الجمل الكبير وزد في اخرها حرف ش وتقسمه روحا سفليا ثم خذ من جميع كل اسم
من الاسماء السبعة التي سمي بها باطن كل حرف من الحروف الرقمية وذلك انك تاخذ من الالف مثلا لام ومن الكاف الف وهكذا
تفعل الى اخر الحروف ثم تجمع جميع حروف الباطن بالجمل الكبير وتستنطقها وتزيد في اخرها لفظة ايل واذا اردت الاسماء زد في اخر كل
اسم حرف الخاء ثم بعد ذلك تقدم حروف الكعاب السبعة وجميع ما اخرجته بالجمل الكبير وتجعل الجميع جملة واحدة وتستنطقها بطريق
الاستنطاق فيصير هذا الملك هو القطب وهو العدد ثم تاخذ حروف هذا الملك المسمى بالقطب وهو العدد وتجعل كل حرف
من هذه الحروف مفتاح القطب والاسماء المعجمة اسم من الاسماء الحسنى ثم تمزج حروف القطب وتقدره بميزان المضادة فان كان
في الشر فخرج بميزان المضادة ثم تنظر ما الغالب على الاسم من العناصر وتقصر فيه في ذلك وانظر الحاجة وضعها على قدر هذه الاسبوع
او في ثلاثة ايام وانت تتلو الدعوة والعزيمة وان تفاوت بعض العناصر فاعرف العملة الاربع طبايع وهذا جميع ما درج ورده الله

اعلم الفصل الثاني في معرفة استطاق الحروف والاوفاق وخواص الاعمال التفصيلية تقدم
النوع الثاني من علم الحروف بسم الله الرحمن الرحيم اعلم وفقنا
الله واياك اول ما نبتدي به استطاق الحروف وبعدها البروج وبعدها الكواكب وبعدها المنازل وبعدها الايام وبعدها
الاوفاق وخواص الحروف مع استخداماتها على التفصيل اقول وبالله التوفيق اعلم ان اول الاشكال الالف واصل الالف
النقطة من كن انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون وان الله تبارك وتعالى نظر الى النقطة فسالت منها الالف
تقديره ولا حيلة الكائنات الا في امهات الحروف ومنها كانت بدايتها فقد ذكرنا ما بيناه من طريق التحقيق في كتاب الطالب الاشارات
واعلم ان الالف سر الله في الموجودات والكلام على حقائقها يطول بل نذكر ما نحن بصدده الالف هو اصل الاشكال العقل
الحروف واول الاعداد بعد الجملة فانه حرف صادر من الله الواحد الاحد وله قوة في باطن العلويات وعنده على المقبل

الف والعدد من ذلك ١١١ فنطق من الحروف اى ق وناسب من الاسماء الحسنى اسم كافى وهذا الاسم تمام
فضربناها في حروفنا التعريف فبلغ عددها ٣٣٣ فنجد عدد قواها في ظاهر السفليات بالتاثيرات الحرفيات في علم المسمى
والمسميات وذلك سر الالفات الثلاث على تبيان اوصافها ولو اصفت حروف الجلالة على عدد التفصيل بين نعز العدد في
٣ ٣ ٣ وان سلكت مسالك الحروف بلغت الرتبة العالية وفيه سر التكسير فتقول الف ثم كسرناها الف لام فا ثم
كررناهم فكانت الحروف احد ثلاثين ثمانين ثلاثين احد اربعين ثمانين
احد فجمعنا هؤلاء الحروف فكان عددهم ٣٩ حرف فضربناها في نفسها فكان العدد الخارج ١٥٢١ فخرجت الاستنطاق بعد
اسقاط الاس ٣٣٠ فكان النطق المسمى بالكعب لشلشائيل فهذا الاستنطاق على التفصيل واما الاستنطاق على الوجه
الجلي الذي هذا هو عدده من غير طرح ١١١ كان يكاسائيل فالوجه الثاني في لفظ الالف لفظ ايل
مكار معها باسم الطريقة على الاوجه الثلاثة فصل في حرف البا من جهة الجلية حرف ٢ عدده ٢
تكسرت هكذا ب الف ثم كسرت اثنين احد احد ثلاثين ثمانين فكان عدد الحروف ٢٣ فضربنا
في مثلها فخرج ٥٢٩ فكان كعبها طعقائيل ثم اسقطنا منها الاس فكان الباقي ٩٩ فكان الكعب طص فزدناه ايل فكان
طصائيل ثم ان حرف البا من حيث السفليات فكان بائيل فهذه الطريقة على ثلثة اوجه فصل في حرف الجيم
حرف الجيم من حيث العدد ٣ وتفصيل الاستنطاق جيم فاذا كسرت ج ي م ثم بسطنا ذلك ثلاثة
عشرة اربعين احد اربعين عشرة اربعين فعدد الحروف فكان جملتها ٣٨ حرف فضربناها
في مثلها فكان الخارج ١٤٤٤ فاسقطنا الاس فبقي ١٣٤٤ فبلغ الكعب جلشد فاضفنا اليه لفظة ايل فكان
جلشائيل فكان هذا باطن العدد في العلويات ثم اتينا بحرف الجيم ٣ فضربت في مثلها فكانت ٩ فضممنا حرف الجيم اليها
فكانت جط فنطقناها فكان الملك جطائيل ثم نطقنا العدد الاول فكان الملك دشائيل فصل في حرف الدال
الدال عددها ٤ وتفصيل الاستنطاق فتقول دال فاذا كسرت دال الف لام فبسطها اربع احد ثلاثين
احد ثلاثين ثمانين ثلاثين احد اربعين فجمعنا هؤلاء الحروف فكان عددها ٢٣ فضربناها
فبلغ كعبها ٥٢٩ فاسقطنا منها الاس فبقي ٥٠٩ فنطق الكعب طقشائيل ثم جئنا بالاستنطاق الثاني فكان
حرف الدال باربعة فضربت في اصلها ١٦ ثم ضربناها على عدد تكسير الحرف فبلغ العدد ٤٨ فنطقت ذلك فكان الملك المسمى
باطن العلويات حمائيل ثم جئنا الى الثالث من غير اسقاط فكان الملك المسمى طشائيل فاعلم ذلك فصل في حرف الهاء عددها
خمسة وتفصيل الاستنطاق ها فاذا كسرت ١١٥ الف فكان بسطها احد احد ثلاثين ثمانين
فجمعنا الحروف فكانت ٢٢ حرف فضربناها في نفسها فكان العدد الخارج المسمى بالكعب ٤٨٤ فاسقطنا الاس ٤٥٤ فكان الكعب
الحرف دنق والملك العلوي دنقائيل فكان هذا الظاهر واما الباطن فكان العدد خمسة فضربت فكان العدد ٢٥ فنطقنا
فكان كهائيل فكان هذا باطن الاستنطاق بالعلويات واما الاستنطاق بغيره فكان دميائيل فاعلم ذلك فصل
في حرف الواو عدده ستة وتفصيل الاستنطاق واو وتكسيره واو الف واو ثم بسطناها ستة احد ستة
احد ثلاثين ثمانين ستة احد ستة فجملة الحروف ٣٣ فضربت فكان الخارج منها ١٠٨٩ فاسقطنا
الاس فالفاضل ٢٠٩ فبلغ الكعب طرائيل فكان ظاهر العدد في العلويات والروحانيات في فلك الواو وسته فضربناها
فكان ٣٦ فنطقناها فكان الملك الموكل المستخرج من باطن العدد ولائيل ثم رجعنا الى الاول فكان طشائيل فهذا منازل الكلمة
فصل في حرف الزاي حرف الزاء عدده سبعة وبسطه زا فكسرت زا الف ثم بسطنا الجميع سبعة احد احد
ثلاثين ثمانين فجمعنا الحروف فكانت ١٩ فضربنا الجميع فكان الخارج ٣٦١ فاسقطنا الاس اق فنطقناها

فكان

فكانت القاسيل فكان نطقها في ظاهر العلويات واما نطقها في باطن التكسير فجعلنا الزاء بسبعة وضربناها في نفسها
٤٩ فنطقنا ذلك جماسيل ثم اضفنا وجمعنا العدد الاول افقاسيل فهذا تمام ذلك فصل في حرف
الحاء فالحاء عددها بثمانية وبسطها ح الف ثم بسطت ثمانية احد احد ثلاثين
ثمانين ثمانين فجمعت الحروف فكانت ٢٤ حرفا فضربت فكان الخارج منها ٥٧٦ فنطق وسق الملك وسقائيل
ظاهرها في العلويات واما باطن ذلك فجعلنا عدد الحاء بثمانية فضربت في مثلها فصار ٦٤ فضربناها في نفسها فكانت ولقائيل
ثم رجعنا الى الاول فكانت ويحائيل فهذه الثلاث انطاقات فصل في حرف الطاء حرف الطاء عدده تسعة
وبسطه ط ا وتكسيره ط ا الف وبسطهم تسعة احد احد ثلاثين ثمانين ثمانين فكانت جملة الحروف
٢٢ فضربت فكانت ٢٠٤ فنطقناها بعد اسقاط الاس فكانت سقمائيل ثم ان هذا المقام هو ظاهر الاستنطاق في
العلويات واما باطن ذلك في السفليات فجعلنا التسعة في مثلها فكانت ٨١ فنطقت فكان افاسيل ثم رجعنا الى الاصل فكان
العدد الخارج دمائيل واعلم ان كل حرف من هؤلاء الحروف له عوالم يختص بها وان كل حرف من هؤلاء الحروف له حكم يوافق
يجتمع بها الاسماء في خلوته فاعلم ذلك فصل في حرف الياء حرف الياء بعشرة وبسطه يا وتكسيره يا الف
وبسطهم عشرة احد احد ثلاثين ثمانين ثمانين فجمعنا الحروف فكانت ٢٢ حرفا فضربناها
فكان الخارج منها على الكعب ٤٨٤ فنطقت بعد الاس فكان دنقائيل فهذا ظاهر الاستنطاق في العلويات ثم جئنا
الى باطن ذلك فجعلنا عشرة في مثلها مائة فاضفنا اليها لفظة ايل فكان اقائيل ثم جئنا الى ظاهر العدد من غير اسقاط
الاس فكان درنائيل فصل في حرف الكاف وعدد الكاف ٢٠ وتكسيرها كاف الف فا فبسطها
عشرين احد ثمانين احد ثلاثين ثمانين ثمانين احد فكان العدد
٤٤ حرفا فضربت فبلغ كعبها ١٩٣٦ فنطقناه فكان دعائيل فكان هو الملك المخصوص من الخدام في العلويات واما
باطن ذلك فجعلنا اصل العدد ٢٠ فضربناه على اعداد باطنه فكان الخارج ٤٠٠ فنطقناه فكان تسائيل ثم رجعنا الى الاصل
العدد من غير استنطاق رشائيل فاعلم ذلك فصل في حرف اللام عدده ٣٠ وتكسيره لام وبسطه لام
الف ميم وبسطهم ثلاثين احد اربعين احد ثلاثين ثمانين اربعين
عشرة اربعين ثم جمعنا الحروف فكانت ٤٩ حرفا فضربت فكان العدد ٢٤٠١ فاسقطنا الاس فكان العدد
المستنطق كتائيل ثم نظرنا الى باطن ذلك اذا ضربت اصل العدد في بسائطه فكان الظاهر ص فنطقنا ذلك فكان
صيائيل ثم رجعنا الى اصل العدد فكان استنطاقه افائيل فصل في حرف الميم فعدده اربعين وبسطه
ميم ثم كررناها وبسطناها فكانت ميم ياء ميم ثم انا بسطناها اربعين عشرة اربعين
عشرة اربعين احد اربعين عشرة اربعين فجمعنا العدد فبلغ ٣٩ حرفا فضربت فكان الخارج
منها ١٥٢١ فاسقطنا الاس فنطقنا الكعب فبلغ ٣٢١ فنطقناه فاذا هو اكتائيل فكان هذا هو الموكل بهذا الحرف
في ظاهر العلويات ثم جئنا الى باطن ذلك فضربناها في باطن العدد فكان الخارج قك فزدناه ايل فكانت قكائيل
ورجعنا الى اصل العدد فكان طيائيل وهذا ظاهره سر الاستنطاقات فصل في حرف النون
فعدد النون ٥٠ وتكسيرها نون وبسطها نون واو نون وتكسيرها الجلي خمسين ستة خمسين
ستة احد ستة خمسين ستة خمسين فكان جملة العدد ٤٥ فضربت فكان
الخارج ٢٠٢٥ فاسقطنا منها الاس فبقي ٣٧٥ فنطقت هعشائيل فكان هذا ظاهر الاستنطاق في العلويات
واما باطن الاستنطاق فضربت في باطن الحروف الاصلية فكان العدد ١٥٠ فنطقنا ذلك فكان نقائيل ثم رجعنا الى

واسقطنا الاس فكان كعبه ٤٠ ٢

٢ وبسطها الكاف م

العدد الاول هكتابيل وهو الظاهر في العلويات **فصل في حرف السين** فحرف السين عدده ستين
وتكسيره س ى ن فبسطنا ذلك س ى ن ى ان ون فبسطنا الجميع فكان ذلك س ت ى ن ع ش ره خ م س
ى ن ع ش ره اح د خ م س ى ن س ت ه خ م س ى ن فكانت جملة هذه الحروف ٣٣ حرف فضربت
فكان الخارج منها ٤٠٩ فاسقطنا منها الاس فبلغ الكعب ٣٥٩ فنطقناه فكان طهتاسيل فكان هذا الملك
ظاهر في العلويات واما باطن ذلك العدد فضربناه في اسول الحروف البسيطة فكان الخارج ١٨٠ فنطقناها فكان الخارج
نقاسيل فكان هذا العدد وهو باطن التكسير في العلويات واما ظاهر الاستنطاق فهو العدد الاصلي فكان الموكل اسمه طهتييل
فصل في حرف العين فعدده على التفصيل سبعين وتكسيره ع ى ن وبسطها ع ى ن ى ان ون ت
ثم بسطنا بسطا ثانيا س ب ع ى ن ع ش ره خ م س ى ن ستة خ م س ى ن فجمعت هذه الحروف
٣٤ حرف فكان العدد الخارج ٣١٦ فاسقطنا الاس فكان الملك وياييل فكان هذا الملك الخادم لهذا الحرف
في ظاهر العلويات واما الباطن فكان عدد العين سبعين فضربت على اعداد حروفها الاصلية وهي ثلاثة فكان العدد
الخارج ٢١٠ فنطقت فكان الملك الموكل بباطن تصريف هذا الحرف في العلويات اسمه عريائيل ثم رجعنا الى العدد
الاول فكان اسم الملك ويتائيل **فصل في حرف الفاء** اعلم ان حرف الفاء عدده ٨٠ وبسطها فا
وتكسيرها فا الف وبسطها ث م ان ى ن اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن وعدد الحروف ٢٦ حرفا
فبلغ عددها ٢٣٠ فبلغ الكعب ولو فنطق بعد الاسقاط وفقائيل فكان هذا مظهر الاستنطاق في
ظاهر العلويات واما باطن ذلك فجمعنا الى اصل العدد وضربناه في ثلاثة لاصل العدد التكسيري فكان الخارج ٢٤٠ فنطقنا
سقبائيل ثم انتهينا الى العدد الاصلي فنطقناه بعينه فكان الخارج ولوائيل فكان كل ملك من هولاء الملوك الثلاثة
لدعوة تقريبة واعمال عجيبة فاعلم ذلك **فصل في حرف الصاد** فعدده على التفصيل ٩٠ وتكسيره صاد
وبسط حروفه صاد الف دال وبسطهات س ع ى ن اح د ا رب ع ه اح د ث لا ث ى ن فجمعنا هذه
الحروف وضربناها في مثلها ٣٢ فظهر من العدد ٤٤٤ فكان الكعب الحرفي دهت فاسقطنا الاس فكان
دهتائيل فكان هذا الملك المتصرف في ظاهر الحروف في العلويات واما الملك الثاني المتصرف في باطن العلويات المستخرج
من اصل الحروف وذلك انا ضربنا اصل العدد في الحروف الظاهرة الخارجية فكان العدد ٨٠ ثم فنطقت عربائيل
والثالث الماخوذ من اصل الاول دهتائيل فكان لكل عامل من العوالم لدعوة قهرية واعمال **فصل في حرف
القاف** هو حرف اجل وعدده مائة وتكسيره ق اف وبسطه ق اف الف ف اوبسطها العددي م ا ى ه
اح د ث م ان ى ن اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن اح د فجمعنا هولاء الحروف فكان الخارج
٣٧ فضربت في مثلها فكان الخارج هو الكعب ٤٠٨ فاسقطنا من ذلك الاس فبقى الرائيل فكان ظاهر في العلويات
ثم رجعنا الى اصل العدد فضربناه في حروفه الاصلية فظهر ٣٠٠ فنطقناه فكان اشيائيل فكان باطن الاستنطاق
واما ظاهره في الاوليات افرائيل **فصل في حرف الرا** فعدده ماتين وتكسيره راو وبسط را الف و
تكسيرهم م ات ى ن اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن فكان جملة الحروف ٢٦ فضربت في مثلها فكان الخارج ٢٣٠
فاسقطنا الاس فبلغ النطق رفق الملك رفقيائيل فكان هذا ظاهرها في العلويات واما نظرنا في باطن التكسير فكان
العدد ٢٠٠ فضربناه مرتين فظهر حرف ث فنطقناه اصفيائيل فكان هو الخارج من باطن العلويات وظاهره ولبائيل
فكان هذا الاستنطاق الثالث **فصل في حرف الشين** فكان عدده ٣٠٠ وتكسيره ش ى ن وبسطها ش
ى ن ى ان ون فكسره وبسطه ث لا ث م ا ى ه ع ش ره خ م س ى ن ع ش ره اح د خ م س ى ن

اح د

اح د م

ى ن ة

س ت ه خ م س ى ن فكان تجمعها فكان ٤١ فضرب فكان ٢٠٤ م فاسقطنا منها الاس دتائيل فهذا ظاهر الاستنطاق
في العلويات واما باطن ذلك فضربنا اصل الاعداد في الاحرف الخارجة فكان الخارج ٩٠٠ فنطقت طيائيل ثم رجعنا الى
المظهر الاول دتائيل **فصل في حرف التاء** فعددها ٤٠٠ وبسطهات ا وتكسيرهات ا الف فبسطناه
اربع ى ه اح د اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن فكان العدد ٢٦ فضربناها فكان الخارج ٦٣٦
فاسقطنا الاس فكان الخارج من الكعب ولقائيل فكان هذا هو الظاهر في العلويات واما باطن ذلك فاخذنا
فضربنا عددها في الحروف الخارجة فكانت ٨٠٠ فنطقت فكان باطن الاستنطاق دقائيل واما ظاهر ذلك دلويائيل
فصل في حرف الثاء المثلثة فكان عددها ٥٠٠ وبسطها وتكسيرها ث الف وكان بسطها خ م س م ا
ى ه اح د اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن فكان عدد الحروف ٢٤ فكان الظاهر ٢١٦ فاسقطنا الاس
فكان الخارج من ذلك وسقائيل فكان هذا في ظاهر العلويات فاخذنا العدد الاصلي فضربناه في البسط الاول
فكان الخارج ٣٠٠ فنطقناه فكان رعبائيل ثم اخذنا العدد الاول ورائيل **فصل في حرف الخاء** عدده
ستمائة وتكسيره خ ا وبسطه خ ا الف وتكسيرهم س ت م ا ى ه اح د اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن
فعدد بسائطه ٢٢ حرف فضربناها فكان الخارج ٢٠٤ فاسقطنا الاستنطاق دنقائيل فكان هذا هو الخارج و
ظاهر في العلويات واما باطنه في العلويات فنظرنا في اصل العدد وضربناه في التكسير الاصلي فكان الخارج ١٢٠٠
فنطقناه غربائيل ثم اخذنا العدد الاول فكان دربائيل **فصل في حرف الذال** المعجمة فكان
عددها سبعمائة وبسطها ذال وتكسيرهم ذال الف لام وبسطها س ب ع م ا ى ه اح د ث لا ث ى ن
اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن ث لا ث ى ن اح د ا رب ع ى ن فكان عدد البسائط ٣٢ حرف فضربت
في مثلها فكان الخارج ٤٣٦ فاسقطنا الاس فكان الخارج ٣١٦ فنطقناها دفتائيل فكان ظاهره في باطن
العلويات ثم جئنا واخذنا العدد الاصلي وضربناه في الحروف الاصلية اعني ثلاث مرات فكان الخارج ٢٠١٠ فنطقت
ثغغيائيل على مذهب افلاطون واما مذهبنا فيغائيل والثالث هو العدد الاول ولتائيل **فصل في
حرف الضاد** المنقطة وهو حرف ظلماني وعدده ثمانمائة وتكسيره ضاد وبسطه ضاد الف دال وبسطه
ث م ان م ا ى ه اح د ا رب ع ه اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن ا رب ع ه اح د ث لا ث ى ن
فعددنا بها ٣٣ حرفا فضربناها في مثلها فكان الخارج ٢٠٩ فاسقطنا الاس فكان الخارج في الاستنطاق طنقائيل
ثم اخذنا العدد الاصلي فضربناه في اصل الحروف فكان العدد ٢٤٠٠ فنطقناها تغغيائيل ثم اخذنا العدد الاصلي فنطقناه
فكان طربائيل **فصل في حرف الظاء** المنقطة وهو حرف عظيم القدر ظلماني وعدده تسعمائة وبسطه
ظا وتكسيره ظا الف وبسطها ت س ع م ا ى ه اح د اح د ث لا ث ى ن ث م ان ى ن فعدده ٣٣ فضربناها
فبلغ الكعب ٢٠٩ فاسقطنا الاس طنقائيل فكان هذا الروحاني في ظاهر العلويات واما باطن ذلك العلويات فكان
العدد المذكور ٩٠٠ فضربناه في الحروف المنبسطة فكان العدد الخارج ١٨٠٠ فاستنطاقه صنغائيل واما العدد الاول
فكان طنكحائيل فاعلم ذلك وهذا بعد من تجربة **فصل في حرف الغين** فكان عدده الف وبسطه غ ى ن
وتكسيره غ ى ن ى ا ن ون وبسطه الحرفي الوفقي الف ع ش ره خ م س ى ن ع ش ره اح د خ م س ى ن ست ه
خ م س ى ن فكان عددهم ٣٢ حرفا فبلغ الكعب ٣٠٢ فنطقناه فكان الخارج دزائيل فكان هذا الملك هو الظاهر
في العلويات واما باطن ذلك فاخذنا الحروف وضربناه في المبادي فكان ثلاث الاف فنطقناه على مذهب افلاطون
غنغائيل ومذهبنا عجيائيل وباطن ذلك في العلويات فاعلم ذلك و هذا قانون الدخول في تكسير الحروف

واما باطن العلويات م

فاعلم ذلك واننا ذكرنا في الاستنطاق حرف الالف في العدد والخارج من اصل الحروف من اسماء الله الحسنى لانا ذكرنا في
حرف الالف ان عدده ١١١ فكان الظاهر من اسماء الله الحسنى اسم كافي فيكون هذا الاسم الشريف هو الاخذ بناصيته هذا الملاك
وانك تاخذ كل عدد وتنظر اي اسم يوافق لذلك العدد ويكون هو هذا الاسم الاعظم الذي تدعو على ذلك الحرف فاعلم ذلك وفقك
الله وايانا والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل في تكسير برج الحمل** والجزء اعلم ان هذا الاستنطاق
على وجهين وجه بالالف ولام التعريف ووجه بغير الف ولام التعريف ومشى على ذلك اكثر العلماء مثل افلاطون وغيره من العلماء
الاسلاميين وح مل فتكسيره ث م ا ن ى ه ا ر ب ع ى ن ث ل ا ث ى ن فكان عدد الكعب ١٠٨ فضربناه في مثله فكان
الخارج ٢٢٣ فاسقطنا الاس دعقاييل ثم نظرنا في باطن ذلك من غير الف ولام التعريف ومن غير اسقاط الاس فكان
الخارج دكوناييل واما برج الثور فتكسيره ث ور وبسطه خ م س م ا ى ه س ت ه م ا ت ى ن ه اضربنا
في اضعافه فكان الخارج ١٣٥ فقطعناه فكان الخارج هكوايل فهذا مذهب بعض العلماء واما مذهبنا فلان فهو بالالف
ولام التعريف فتقول ال ث ور بسيط ومركب فالبسيط اسم الرقمي والمركب اسم الحرفي فالحرفي ال ل ام ر ث ا و ا و را
وعددها ١٣ والمركب العددي اح د ث ل ا ث ى ن خ م س م ا ى ه س ت ه م ا ئ ت ى ن فجملتها ٢٣
حرف فبلغ الكعب ١٠٧٦ استنطقتها وعشغاييل فتقرب فيما ينتسب اليه **واما برج الجوزا** فبسطه كبير
ال ف ل ام ج ى م و او ز ى ن ى ا فهو ١٨ حرف وعليه عمل واما المركب الحرفي اح د ث ل ا ث ى ن ع ش
ث م ا ن ى ن ث ل ا ث ى ن اح د ا ر ب ع ى ن ث ل ا ث ه ع ش ر ا ر ب ع ى ن س ت ه اح د س ت ه س
ب ع ه ع ش ر ه خ م س ى ن ع ش ر ه اح د وعليه هولا الحروف ٧١ حرف وهو على الكبير فتضربه في نفسه فكان الخارج
هو الاستنطاق واما مذهبنا بعدده فتكسيره اح د ث ل ا ث ى ن س ت ه س ب ع ه ث ل ا ث ه فجملة هولا الحروف
٢٤ حرف فبلغ الكعب ٤٠٨ فقطعته رفتاييل تصرف فيما ينتسب اليه **السرطان** بسيط ومركب فالبسيط ال ف
ل ام س ى ن ر ا ط ا ن ون وهو ١٤ حرف وعليه عمل واما الرقمي اح د ث ل ا ث ى ن س ت ى ن
م ا ت ى ن ت س ع ه اح د خ م س ى ن وجملتها ٣٠ حرف وكعبها ٩٠٠ في الملك العلوي طاييل تصرف فيما ينسب
اليه **الاسد** اسم بسيط ومركب فالمركب ال ف ل ام س ى ن د ال واما الحرفي الرقمي اح د ث ل ا
ث ى ن اح د س ت ى ن ا ر ب ع ه فجملة العدد ٢١ حرف فبلغ الكعب ٤٠١ واستنطاقه اتياييل **السنبلة**
اسم بسيط واسم رقمي فالبسيط ال ف ل ام س ى ن ن ون ب ا ل ام ه اوعددها ٢٠ حرفا وبسطها
اح د ث ل ا ث ى ن س ت ى ن خ م س ى ن ا ث ن ى ن ث ل ا ث ى ن خ م س ه وعدد الحروف ٣٣ حرفا
والكعب ٤٩ فقطعناها استطاييل وعليه عمل وتصرف فيما ينسب **الميزان** اسم بسيط ومركب فالبسيط
ال ف ل ام م ى م ى ا ز ى ن ال ف ن ون وعدده ١٧ حرف وعليه عمل الانعت واما الرقمي اح د ث ل
ث ى ن ا ر ب ع ى ن ع ش ر ه س ب ع ه اح د خ م س ى ن وعدد الحروف ٣٠ فبلغ كعبها العدد
٩٠٠ واستنطاقه صنقياييل **العقرب** وهو بسيط ومركب فالمركب ال ف ل ام ع ى ن ق اف
ر ا ب ا وعدده حروفا ١٤ والرقمي الحرفي اح د ث ل ا ث ى ن س ب ع ى ن م ا ى ه م ا ت ى ن ا ث ن ى ن
وعددها ٢٨ حرف فبلغ كعبها ٧٤٧ فقطعناه دمزاييل فتصرف فيما ينسب اليه **القوس** وبسطه ال ف
ل ام ق اف و او س ى ن وعدد حروفه ١٥ احرف والرقمي اح د ث ل ا ث ى ن م ا ى ه س ت ه س ت ى ن ع ش
٣٠ حرف فضربناها فكان الخارج منها ٤٠ فقطعناها سقياييل فتصرف فيما ينسب اليه **الجدي** اسم بسيط ومركب
فالبسيط ال ف ل ام ج ى م د ال ى الجملتها ١٤ حرف وعليها العمل والبسط الرقمي اح د ث ل ا ث ى ن

ثلاثه

ث ل ا ث ه ا ر ب ع ه ع ش ر ه فكان جملتها ٣٣ حرفا فقطعناها فكان الخارج منها ١٤٠٤ فقطعت امتاييل
تصرف فيما ينسب اليه **الحوت** اسم رقمي وهو مركب وتكسيره على الثلاث وجوه ال ح وت ٤٠٥٤ واستنطاقه
على الاول هتاييل والثاني ال ف ل ام ح ا و او ت ا فجملتها ١٣ حرفا ونطقها جاييل والوجه الثالث
التكسير الرقمي اح د ث ل ا ث ى ن ث م ا ن ى ع ش ر ه ا ر ب ع م ا ى ه فجملة العدد ٢٦ حرفا فضربت
فكان الخارج ٣٥٤٣ فقطعناه هلتاييل فتصرف فيما ينسب اليه من الاعمال وهذه كيفية استنطاق البروج على
قول علماء الكبار وتصرف عليه الصورة فيما تريده من خير وشر وقد ذكرت ذلك على وجوه شتى وانت مخير باي عمل اردت
فعلت وتصرفت فاعلم ذلك **فصل في استنطاق الكواكب على الساعات** واعلم ان هذه الكواكب
السبعة تدور على الاثنى عشر ساعة وقد بينا الذي لك اولا ولا يخفى عليك ذلك ان شاء الله تعالى وهي سبع مظاهر وانا اذكر
في ذلك الايام اقول اول ما خلق الله من الايام يوم الاحد واول الساعات الشمس وهو البرج الاكبر وتكسيره ال ف ل ام ح ا د ال
وعدده ١١ حرفا وتكسيره في الكبير اح د ث ل ا ث ى ن اح د ث م ا ن ى ه ا ر ب ع ه وعدد حروفه ٢٠ فنطق فكان
ث فالملك الموكل به شاييل وفي الآخر له ادايل واما الساعة التي هي الشمس فتكسيرها ال ف ل ام ش ى ن
م ى م س ى ن فجملتها ١٥ وعليه عمل والبسيط الرقمي اح د ث ل ا ث ى ن ث ل ا ث م ا ى ه ا ر ب ع ى ن س ت ى ن
فجملتها ٢٧ حرفا فضربناها فكان الخارج منها ٩٠٤٩ فقطعته فكان طتاييل فامره كيف شئت **يوم الاثنين**
من الكواكب القمر الاثنين هو اسم بسيط ومركب فالبسيط ال ف ل ام ا ث ن ى ن ى ا ث ن ون فجملتها ١٨ حرفا وعليه
عمل لمن تدبر وبسطه الرقمي اح د ث ل ا ث ى ن اح د خ م س م ا ى ه خ م س ى ن ع ش ر ه خ م س ى ن فجملة العدد
٣٠ حرفا فكان الخارج ٩٠٠ فقطعناه اطمصاييل فاصرفه فيما تريد **واما القمر** هو اسم مركب وبسيط فالبسيط
ال ف ل ام ق اف م ى م ر ا فجملتها ١٤ حرفا وعليه عمل واما الحرفي الرقمي اح د ث ل ا ث ى ن م ا ى ه ا ر ب ع ى ن
م ا ئ ت ى ن فجملتها ٢٤ حرفا فضربناها فكان الخارج ٤٠٤٤ فقطعناها فكان الخارج دستاييل وهو على احد الاقوال
يوم الثلثا فبسطه اح د ث ل ا ث ى ن خ م س م ا ى ه ث ل ا ث ى ن خ م س م ا ى ه اح د فكان عدد حروفها
٣٥ حرفا واما عددها ٣٠٤٣٠ ونطقها لحفاييل واما الكوكب **المريخ** فبسطه اح د ث ل ا ث ى ن ا ر ب ع ى ن
ع ش ر ه س ت م ا ى ه فكان العدد ٣٠ حرفا ٩١٠ ونطقها يطاييل واما **يوم الاربعا** فبسطه ال ا ر ب
ع ا وتكسيره اح د ث ل ا ث ى ن اح د م ا ى ت ى ن ا ث ن ى ن س ب ع ى ن اح د ٢٩ حرفا ٨١٤ ثم
نطقت افتاييل والساعة وهي **عطارد** ع ط ا ر د فبسطها س ب ع ى ن ت س ع ه اح د م ا ى ت ى ن
ا ر ب ع ه ٢٢ حرفا فكان عددها ٢٢٣ فنطقت وكاييل **يوم الخميس** فبسطه ال خ م ى س وتكسيره ال ف
ل ام خ ا م ى م ى ا س ى ن وتكسيره اح د ث ل ا ث ى ن ث م ا ن ى ن ث ل ا ث ى ن اح د ا ر ب ع ى ن س ت ى ن م ا ى ه
اح د ا ر ب ع ى ن ع ش ر ه ا ر ب ع ى ن ع ش ر ه اح د س ت ى ن ع ش ر ه خ م س ى ن فجملة هولا الحروف
فكان عددهم ٧٨ فضربناهم في مثلهم فكان الخارج من ذلك ٤٩٦ فقطعنا ذلك وطماييل فكان هذا بالتكسير الكبير فاعلم
وتدبر فالكوكب **المشتري** وتكسيره ال م ش ت ر ى اح د ث ل ا ث ى ن ا ر ب ع ى ن ث ل ا ث م ا ى ه اد
س ب ع م ا ى ه م ا ت ى ن ع ش ر ه فكانت جملة الحروف ٣١ فضربناها فكان الخارج ٩٠٠ فقطعناه فكان الخارج
صنقياييل واما **يوم الجمعة** فبسطه ال ج م ع ه اح د ث ل ا ث ى ن ث ل ا ث ه ا ر ب ع ى ن س ب
ع ى ن خ م س ه ٢٩ حرفا فكان جملة العدد ٩٣٠٤ فقطعناه فكان جطتاييل ومن وجه اخر حطتاييل فاصرفه
كيف شئت والكوكب **الزهرة** وبسطه ال ز ه ر ه وتكسيرها اح د ث ل ا ث ى ن س ب ع ه خ م س ه م ا ى ت ى ن ع ش ر ه

مرتان

مرتان

٢٠٣

وحلفناه ٢ فضربناها فكان الخارج ٤٣٦ فنطق فكان الخارج من ذلك **وليتاييل** واما **يوم السبت** فبسطه
السبت وتكسيره **الف لام سين با تا** فجملة هذه الحروف ١٣ حرفا فنطقت ٤٩٣ **حطتاييل** فيصرف بها ينسب
اليه واما الكوكب وهو **زحل** فتكسيره **زين حا لام** وبسطه **سين بع ه ثمان ى ن** ثلاث ى ن فجملة الحروف
١٤ فضربها ١٣٦ فنطقت **وتقاييل** فكان هذا هو الخارج فاصرفه فيما ينسب اليه **تنبيه** اعلم ايها الطالب ان
الاستنطاق على وجوه شتى وقدمنا لك الغالب من ذلك فان اردت فاسقط الاس من اصل العدد ثم الذي بعد ذلك
تنطقه وان شئت خفف العدد الذي انتطق وتنطقه وان شئت فامش على ما بيناه في الكلام من تحسب استعدادك في ذلك
لك مثالا لا بحاص بعيد ده فنقش عليه ونقول مظهر العقل فتكسيره **الع ق ل** فجملته ٢١١ فاسقطنا من اصل العدد فكان
٥١ فكان الباقي ١٦١ فنطقناه حروفا **اسق** وضممنا اليه الاسم فكان **اسقاييل** وجمعنا حروفه بتكسير المركب
الف لام عين قاف لام فجملة المركبات حروفه ١٣ حرفا ٤٤٤ وكان هذا العدد من اصل عدد ها فنطقنا العدد
الاول **حجتاييل** فكان هذا من وجه واما الثالث فقلنا **اح د** ثلاث ى ن س ب ع ى ن مراى ه ثلاث ى ن ٢٤
حرفا فضربناها في مثلها فكان الخارج من ذلك ٥٧٦ فنطقناها فكان الخارج من ذلك **هـتاييل** ثم رجعنا الى الاصل
فنطقناه فكان هو الخارج ما تقدم وهكذا اشتغل فيما بيناه لك تقف على اسرار في سائر الاعمال والله اعلم

فصل في استنطاق المنازل ٢٨ منزلا

فاولها **الشرطين** بسيط ومركب فالبسيط اسم الرقم وهو
الشرطين وهو سبع احرف والمركب الحرفي **الف لام شين را طا يا نون** ١٨ حرفا وعليها العمل وتكسيرها الرقمي
اح د ثلاث ى ن ثلاث مراى ه مراى ت ى ن تسع ه ع ش ر ه خ م س ى ن فكان جملة الحروف ٢٥ حرفا
فضربناها فكان العدد الخارج المسمى بالكعب ١١٢٥ فاستنطقناها فكانت **هقتفاييل** يتصرف فيما ينسب اليه **البطين**
بسيط ومركب فالبسيط اسم الرقم وهو **ال ب ط ى ن** والحرفي **الف لام با طا يا نون** ١٨ حرفا وعليها العمل
لمن تدبره والرقم هكذا **اح د** ثلاث ى ن اث ن ى ن تسع ه ع ش ر ه خ م س ى ن فكان عددها ٢٧ حرفا
وبلغ الكعب ٦٨٣ فنطقت **وهخاييل** ويتصرف فيما ينسب اليه **الثريا** بسيط ورقمي فالبسيط المركب وهو **ال ث
ر ى ا** والمركب **الف لام ثا را يا الف** فجملته ١٥ احرف وعليه العمل واما البسيط الرقمي **اح د** ثلاث ى ن خ
م س مراى ه مراى ت ى ن ع ش ر ه اح د ١٥ حرفا فبلغ الكعب ٧٣١ فنطقناه فكان الخارج العدد **الفاييل** واصرفه
فيما ينسب اليه **الدبران** اسم بسيط ومركب فالبسيط هو الرقمي المركب **ال د ب ر ان** وهو سبعة احرف وعليه العمل
واما البسيط المركب الحرفي **الف لام دال با را الف نون** ١٨ حرفا وعليه العمل واما الرقمي **اح د** ثلاث ى ن
اربع ه اث ن ى ن مراى ت ى ن اح د خ م س ى ن فعدد الحروف ٣٣ حرفا فضربناها فبلغ الكعب **دكغ** فنطقنا
بالاضافة فكان **دكغاييل** واصرفه فيما ينسب اليه **الهقعة** اسم بسيط ومركب فالبسيط الحرفي **ال هـ ق ع ه** وعدد حروفه ٦
وعليه العمل فالمركب **الف لام ها قاف عين ها** وعدد الحروف ١٤ حرفا وعليه العمل لمن تدبره والرقمي **اح د** ثلاث
اث ن ى ن خ م س مراى ه س ب ع ى ن خ م س فجملة العدد ٢٧ حرفا فبلغ الكعب ٢٠٥ فنطقناها **هكاييل** وما
ينسب اليه **الهنعة** اسم بسيط ومركب فالبسيط **ال هـ ن ع ه** وعدده ٦ وعليه العمل والمركب **الف لام ها نون
عين ها** وعدده ١٥ حرفا وعليه العمل لمن تدبره والحرفي الرقمي **اح د** ثلاث ى ن خ م س ه خ م س ى ن س ب
ع ى ن خ م س ه ٢٦ حرفا فبلغ الكعب ٧٧٦ فنطقته **وعقخاييل** وعليه العمل ويتصرف فيما ينسب اليه **الذراع** اسم
بسيط ومركب فالبسيط **ال ذ ر ا ع** والمركب الحرفي **الف لام ذال را الف عين** ١٧ حرفا وعليه العمل واما الرقمي
اح د ثلاث ى ن س ب ع مراى ه مراى ت ى ن اح د س ب ع ى ن ٢٩ حرفا فبلغ الكعب **امص** **امصاييل**

فيخرج

فيصرف فيما ينسب اليه **النثرة** اسم بسيط ومركب فالبسيط **ال ن ث ر ه** وعددها ٥ حروف وعليه العمل والمركب الحرفي
الف لام نون ثا را ها ١٥ حرفا وعليه العمل والرقمي **اح د** ثلاث ى ن خ م س ى ن خ م س مراى ه مراى
ت ى ن خ م س ه فعدد الحروف ٣٢ حرفا وبلغ الكعب ٦١٦ فنطقناها فكان **وفخغاييل** فيصرف فيما ينسب اليه
الزبانا اسم مركب وبسيط فالبسيط الرقمي **ال ز ب ا نا** وعدد الحروف ٧ وعليها العمل والمركب **الف لام زا
با الف** وعدد حروفها ١٤ احرف وعليها العمل لمن تدبرها **اح د** ثلاث ى ن س ب ع ه اث ن ى ن اح د
خ م س ى ن اح د فجملة الحروف ٢٥ حرفا فبلغ الكعب ٨١٤ فنطقته **وعضاييل** فيصرف فيما ينسب اليه **الاكليل**
اسم بسيط ومركب فالبسيط **ال ا ك ل ى ل** وعددها ٧ حروف وعليه العمل واما الرقمي **اح د** ثلاث ى ن
اح د ع ش ر ى ن ثلاث ى ن ع ش ر ه ثلاث ى ن ٣٣ حرفا فبلغ الكعب ١٢٢ فيصرف فيما ينسب اليه
الاخبية فعدده ٧ وعليه العمل والمركب **الف لام الف خا با يا ها** ١٦ احرفا وعليه العمل لمن تدبره والرقمي
اح د ثلاث ى ن اح د س ث مراى ه **اث ن ى ن** ع ش ر ه خ م س ه ٣١ حرفا فضربت فبلغ الكعب ١٠٤٩
فنطقت **طمثغاييل** فيصرف فيما ينسب اليه **المقدم** اسم بسيط ومركب فالمركب **ال م ق د م** ٦ احرف وعليه
العمل والمركب **الف لام ميم قاف دال ميم** وعدد الحروف ١٨ حرفا واما الرقمي **اح د** ثلاث ى ن اربع
ى ن مراى ه اربع ه اربع ى ن فكان العدد ٣٠ ١٠٥٦ فنطق **وفغاييل** فيصرف فيما ينسب اليه
المؤخر وهو بسيط ومركب فالبسيط الرقمي عدده ٦ احرف والمركب **الف لام ميم واو خا را** فجملة الحروف ١٦
حرفا وعليه العمل والحرفي **اح د** ثلاث ى ن اربع ى ن س ت ه س ت ه مراى ه مراى ت ى ن فجملة العدد ٢٩
حرفا فكان الخارج من ذلك المسمى بالكعب ١٧١٨ اخذ غاييل **السماك** اسم بسيط ومركب فالبسيط **ال س م ا ك**
وهو ٦ احرف وعليه العمل والمركب **الف لام سين ميم الف كاف** ١٨ حرفا وعليه العمل لمن تدبره والرقمي **اح**
ثلاث ى ن س ت ى ن اربع ى ن اح د ع ش ر ى ن فجملة هذه الحروف ٢٧ حرفا وبلغ الكعب ٩٢١ فنطق
حكصاييل فيتصرف فيما ينسب اليه **الغفر** اسم مركب وبسيط فالبسيط اسم الرقمي والمركب الحرفي **الف لام عين فا
را** وعدد هؤلاء الحروف ١٣ حرفا وعليه العمل لمن تدبر **اح د** ثلاث ى ن الف ثمان ى ن مراى ت ى ن
٢٣ حرفا فكان الخارج ١٩٣٦ فنطقناه فكان **وظغاييل** فيتصرف فيما ينسب اليه **سعد السعود** اسم بسيط
ومركب فالبسيط اسم الرقمي والمركب الحرفي **س ع و د** وعددها ٤ احرف وعليه العمل والمركب الحرفي **سين عين واو
دال** فالجملة ١٢ حرفا والرقمي **اح د** ثلاث ى ن س ت ى ن س ب ع ى ن س ت ه اربع ه فجملة هؤلاء الحروف
٢٦ حرفا ٧٩٦ فنطقناه **وطذاييل** وعلى هذا القياس ويتصرف فيما ينسب اليه **البلدة** اسم مركب وبسيط
فالبسيط العددي **ال ب ل د ه** والمركب **الف لام با لام دال ها** ١٢ حرفا وعليه العمل والرقمي **اح د** ث
لاث ى ن اث ن ى ن ثلاث ى ن اربع ه خ م س ه فكان عددها ٢٩ حرفا ٩٦٤ فنطقناه فكان
وصتاييل فيصرف فيما ينسب اليه **الجبهة** اسم مركب وبسيط فالبسيط **ال ج ب هـ ه** وعدده ٦ وعليه العمل وا
المركب **الف لام جيم با ها ها** وعدد حروفها ١٥ حرفا وعليه العمل واما الرقمي **اح د** ثلاث ى ن ت
لاث ه اث ن ى ن خ م س ه خ م س ه ٢٧ حرفا فكان الخارج ٥٩٤ فنطقناه **طصناييل** فيصرف فيما
ينسب اليه **القلب** اسم بسيط ومركب فالمركب الحرفي **ال ق ل ب** **الف لام قاف لام با** وعددها ١٤
حرفا وعليه العمل لمن تدبره واما الرقمي **اح د** ثلاث ى ن مراى ه ثلاث ى ن اث ن ى ن ٢٤ حرفا ٢٩
فنطقت **طكراييل** فيصرف فيما ينسب اليه **الشولة** اسم بسيط ومركب فالبسيط **ال ش و ل ه** وعدده ٦

فعلى بكما يل مر
اسم بسيط ومركب فالبسيط
الاخ ب ى ه م
[illegible]

احرف والمركب الحرفي الف لام شين ياء نون واو لام هاء ١٣١ حرفا وعليه العمل واما الرقمي اح د ث لاث ى ن ث لاث
ماىه س ت ثمن ث لاث ى ن خ م س ه ٣١ حرفا ٤٠٦ ١١ فتقيل ومقغاسيل فيتصرف فيما ينسب اليه الطرفه
اسم بسيط ومركب فالبسيط ال ط رف ه والمركب الف لام طا را فا ها ١٣ وعليه عمل مكسره الرقمي اح د ث لا
ث ى ان ث س ع ه م اى ت ى ن ث م ان ى ن خ م س ٢٨٥ حرفا ٧٠٩٦ وقطحنا ائيل فيتصرف الى ما ينسب اليه
البرج اسم بسيط ومركب فالبسيط ال ب ر ج ه فالمركب الف لام را ب را ا ها ١٥ احرف والرقمي اح د
ث لاث ى ن س ب ع ه م اى ت ى ن خ م س ه وعدده ٢٦ حرفا فالخارج من ذلك ٩٢٤ فنطقنا به فكان
دكطاسيل فيتصرف فيما ينسب اليه الصر فالتكسير الاص د ف الكسير الف لام صا د را فا الف ١٤ حرفا وعليه
عمل التدبير وبسط اح د ث لاث ى ن ت س ع ى ن م اى ت ى ن ث م ان ى فاح د فكان العدد ٢٨ حرفا
٩٣٥ طططاسيل فيتصرف فيما ينسب اليه العوا اسم بسيط ومركب فالبسيط ال ع و ا ى والمركب الحرفي الف لام عين
واو يا ١٣ حرفا فتصرف فيما ينسب اليه واما التكسير الحرفي اح د ث لاث ى ن س ب ع ى ن س ت ع ش ره فكان
عددها ٣١ حرفا فكان الخارج ٢٨ ١٢ محكتاسيل يتصرف فيما ينسب اليه الذابح وهو بسيط ومركب فالبسيط ال ذ ا
ب ح فالمركب الف لام ذ ال الف با حاء ١٥ حرفا واما الرقمي اح د ث لاث ى ن س ب ع م اى ه اح د
اث ن ى ن ث م ان ى ه ٢٧ فكان الخارج ١٥٨٣ حقتشغا ئيل فيتصرف فيما ينسب اليه النعايم بسيط ومركب
فالبسيط ال ن ع ا ى م والمركب الف لام نون عين ى ن الف يا ميم ٣٠ حرفا وعليه عمل الضم واما الرقمي اح د
ث لاث ى ن خ م س ى ن س ب ع ى ن اح د ع ش ر ه ا ر ب ع ى ن ٣٢ حرفا فكان الخارج ١١٤٢
بسقغائيل ثم اصرف فيما تريد الرشا اسم بسيط ومركب فالبسيط ال ر ش ا والمركب الحرفي الف لام را شين
الف والبسيط الرقمي اح د ث لاث ى ن م اى ت ى ن ث لاث م اى ه اح د فالخارج من العدد ٢٥ حرفا فبلغ
الكعب ١١٥٧ نقغائيل فهذه طريق استنطاقات المنازل ٢٨ وغير بقية لطيفة وان اردت فخذ العدد
الاول فتضربه وتنطقه وان بقيت العدد الاخر فخذه فتضربه في نفسه وتنطقه وان بقيت فخذ عدد الحروف الرقمية
غير المبسطة وتنطقه وهذا فعله في الاسماء الحسنى لانا اذا اخذت العدد الاصلي وجمعته وعدد جميع نطقه ويسقط
منه الاس الحادي والخمسين او خمسين فانه يكون ذلك ملك اعلم اذا فعلت العمل في الساعة الاولى فكتب الاكرى
وبسط ذلك على ما بيناه فتضم الى اصل العدد وتنطقه حتى يظهر بعد ذلك فاعلم ذلك واعتقده كما ذكرنا ان المظاهر
الذي وضع افلاطون الالهي خافيه وسماها المظاهر وكذلك واقتناه باسماء المظاهر مثل الحيوانات واسماء المظاهر والات
تم الى ذلك شيئا عجيبا فنقول اول ذلك المظهر الاسمي الامر بسيط ومركب فالبسيط الرقمي ال ا م ر والمركب الحرفي الف
لام الف ميم را وعدده ١٣ وله تابع واما الرقمي اح د ث لاث ى ن اح د ا ر ب ع ى ن م اى ت ى ن ٢٣
حرف فاذا انطقنا حروف الخارجة من الكعب فكان ٩٢٩ ه طكتائيل مظهر النفس هو بسيط ومركب فالبسيط الحرفي
الف لام نون فاسين ١٣ حرفا واما البسيط الرقمي ٧٠٩٥ ه فنطقنا ه وعنائيل فيتصرف فيما ينسب مظهر
الهيولي هو بسيط ومركب فالمركب الف لام ها يا واو لام يا فعدد الحروف ١٨ حرفا وله صد خلل واما الحرفي الرقمي
اح د ث لاث ى ن خ م س ى ن ع ش ر ه س ت ه ث لاث ى ن ع ش ر ه ٣٠ فبلغ الكعب ٩٠ فنطق قتائيل فيتصرف
فيما ينسب اليه مظهر المجرد والمعدل اسم بسيط ومركب فالبسيط اسم العدد كما المركب الحرفي مثل ما ذكرنا بيانه الى فصل
اعلم ايها الطالب وفقك الله واياك ان كل نوع من الحيوانات يتصرف في العنصر القائم به فالحيوان المائي تتصرف فيه حروف
عنصر الماء ومن ذلك جميع الحيتان البحرية والصخرية ولها من الحروف حرف د والتمساح وما شاكله في الرتبة فله من الحروف ح

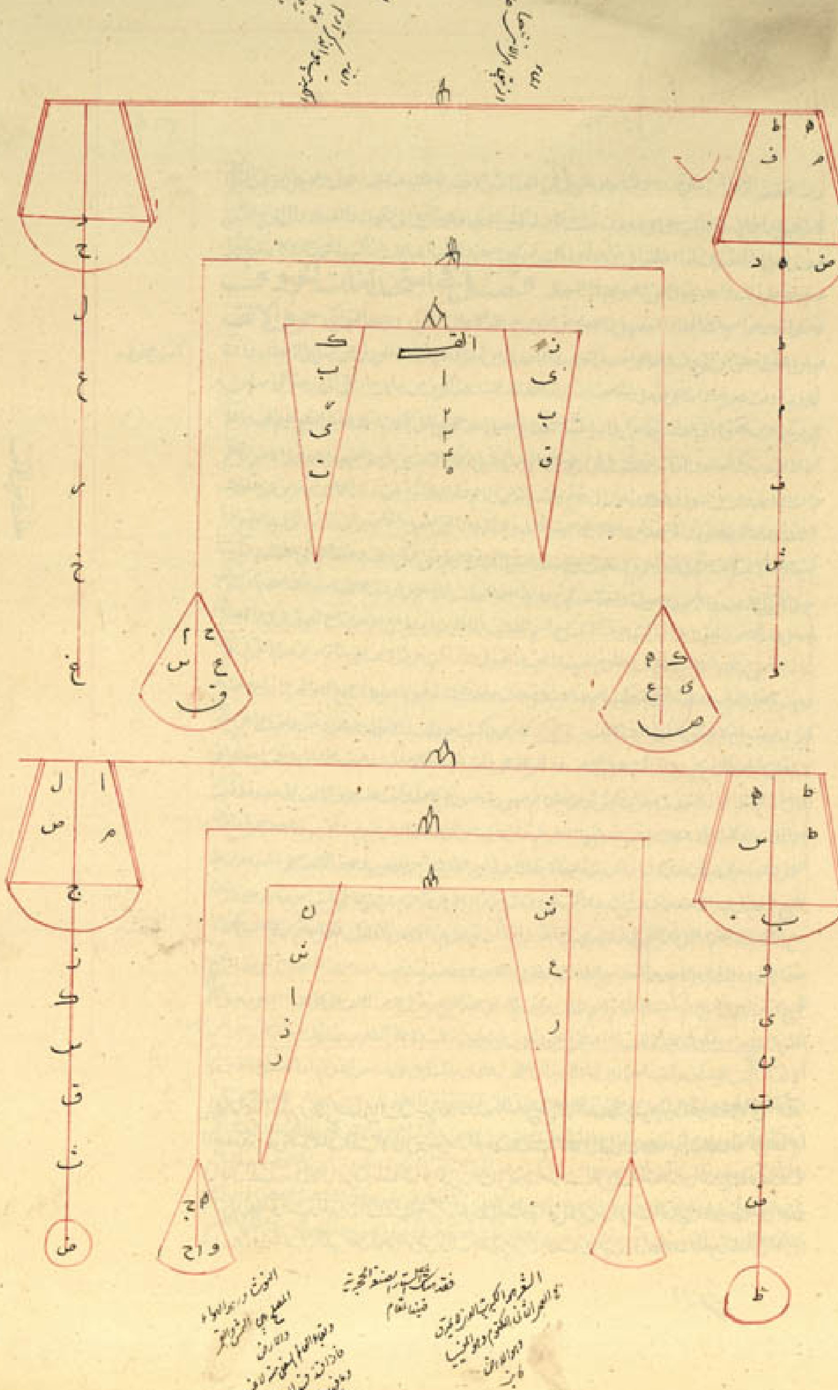
وكذلك

وكذلك قسم بقية الحروف تنبيه اعلم انك اذا اردت ان تتصرف في تجليب ذلك الحيوان من يكون او تحجر باسمائها
او تواياها فاخذ اول حروف اسم ذلك الحيوان وتكسره مع بقية حروف ذلك العنصر على ما بيناه لك من الاعمال وتخرج العوالم كما
بيناه لك وتوكل في تجليبه او في طرده وتعذيبه اي عمل اردته فاعلم ذلك واما مظهر حيوانات الارض مثل السبع وله من
الحروف ب والنمر له حرف و والذئب له حرف ى والخنزير له حرف ن وكذلك باقي الحيوانات فتفعل على قواعد
التكسير واما مظاهر الجماد مثل الياقوت تاخذ من حرف الياء ومن الفضة حرف الفاء ومن الذهب حرف الذال وكذلك
من اي معدن تريد التصريف به فتاخذ اول حرف وتكسره وتبسطه على اي وجه اردت فتتصرف فيما تريد واما نوع الانبياء
صلوات الله عليهم مثل يتصرف في عنصر الماء وسليمان في عنصر الهواء وابراهيم في عنصر النار وعيسى في عنصر التراب فاعلم هذا
واما حيوان الانسان فانا ذكرنا لك انه يتصرف في ٢٩ حرفا علويا وسفليا وهو يتصرف في الاربع طبايع وهو صورة
العالم وهو المسمى بالعالم الاكبر ولولا حجب السموات لارى الملكوتيات كما ورد عنه صلى الله عليه وسلم انه قال لولا ان الشياطين يحومون
على قلب بني ادم لارى ملكوت السموات والارضين ولاجل ذلك وضعوا اهل التهذيب الخلوات والرياضات وكان صلى الله عليه
وسلم يتعبد في غار حراء وقال في المعنى من اخلص لله اربعين صباحا انفجرت ينابيع الحكمة من قلبه وفتح الله عليه
ابواب الكشف فاعلم هذه الاصول ولا يخفاك في السلب الطالب وبيانه هو ان تاخذ اسم الطالب واسم المطلوب وتزن
الاسمين بالميزان الالهي الطبيعي فان كان متصافية او بالمضادة فيهما وان كان العمل جزيا تقدم اسم الطالب فتمزج اسم المطلوب
حتى يكون الطالب مطلوبا فاعلم هذه الدقيقة يجب ما تحتاج اليه وقال بعضهم انه قد لا يحتاج الى التمثيلات
تمزج الحروف ولا بد من المزاج بل القول الاول لا معنى له تدبره وانت تبقى محيرا فان شئت كتبت المثال ومزجت حروف الطالب
والمطلوب فاخذت العدد اعني عدد الاسمين فتضعهم في تقويم واستنطقت العوالم من ذلك الوفق وان شئت خلطت
الحروف في بعضها البعض ثلاثة او اربعة او خمسة بحسب الحروف فاعلم ذلك وتحققه وان شئت جميع النظم على هذه الصورة
وان شئت فاجمع الحروف اما بالعرض او بالطول تصويره ذلك انك اذا وضعت الزمام وحققت الحروف فتضم ذلك بجنب ذلك
وهذا الاستنطاق خمسة ومن يجمع كل خمسة احرف لفظا جليلا وهذا الاسم سر الى معناه مختلف الحالات في الحروف ومعناه ال
اسيل صلعصا ماكا معنى واحد وبعض الاستنطاق على مذهب افلاطون وقد تقرر في المثل لما تقدم من الجدول وذلك انها
على ذلك المثال فنا حرف الالف لفظ اسيل منبغي ملا علوى وكذلك اذا اضفنا حرف الياء لفظ اسيل يبقى ياسيل فكان
ملكا علويا وقس على هذا لك فتزيم انما حروف الطوالع والساعة والسبعة واليوم ونعد ترتيب ذلك ترتيبا ثابتا
فان قول الكعب طريق معرفة الملك تاخذ الحروف وتبسطه كما مر فتاخذ عدد الحروف فتقر بها بالخارج من العدد هو الكعب
والعلماء فيهم اقوال كثيرة فمن ذلك تاخذ العدد وتنطقه وتضيف الى ذلك لفظ اسيل فانه يكون ملكا واقفا بين يدي ذلك الاعلم
الذي ما ظهر في عالم الغيب اسم الاكوان للذي في عالم الشهادة ومنهم ان المؤلف اذا الف الحروف ونظمها وكتب الاس فان الملك يتصور
بذلك ثم اعلم هذا السر وتحققه وطريق ذلك ان كان الفاضل اربعمائة فوجدنا الاربعمائة لهم حرف التاء فضعنا اليه لفظة
اسيل فكان الملك اتياسيل وان اردت الف لام فقط فبقيت اتيال واعلم انه ما في عدد كلية انه اذا ظهر معك حروف كثيرة
العدد فلا تقدم الاحرف الاشارة وقالت المجوس انك تاخذ الاحروف الاحاد وحروف العشرات وحروف المئات وحروف
الالوف وان تكررت معك الالوف فاجعل في عدد علامة التي تنشأ الى الرجال وان ملك تدبيط علامة كثيرة وزد الاستنطاق
في الالوف وجميع العلماء ما صرحوا به لك ولكن قد ذكرت لك السر ايه اعلم انه اذا تكررت معك الحروف اعني حروف الالوف
فانظر كم تكرر حرف واسبط على عدد الالوف وان ظهر معك سبعين الف فتكتب عين وعددها عين وتضيف اليه اسيل
ومثاله كان الخارج سبعة الاف وستمائة وواحد وخمسين فتثبت قبل الغين ط ثم تقطع حروف الغين بعده وتعتبر عليه

الصورة اخطلغياسيل وان تكررت الاوف بان جاوز تكرارها مرتبة الاحاد الى مرتبة العشرات فتثبت ايضا عين وحرف وتثبت قبلها حرفا ان ثم باقى العدد على هذه القاعدة مثال ذلك مثلا اذا خرج معنا ثلاث الاف وسبعمائة وستين فنطقناه هكذا اجغنشعكاسيل وهذه قاعدة عظيمة جليلة القدر وهى تقسيم الحروف على ثلاثة احرف او على اثنين فاسلم لان تحققه مثال اخر كان الخارج اثنين وخمسين الف وخمسمائة وسبعين فتثبت قبل الغين ما وصاد ثم الغين بعدها ثم تكتب بقية العدد مركبا على هذه الصفة بمغهمعاسيل وكذا للسلوبلغ معك العدد الى الاسماء من الاعداد فاعلم هذه القاعدة التى بيناها لك وان لم اذكر هذه القاعدة الا في كتابى هذا المسمى على بابها في الكتب واعلم ان هذا العلم هو افضل العلوم وانه علم الاولياء والانبياء يتوارثونه من نبى الى نبى الى حضرة امير المؤمنين ابى الحسن على رضى الله عنهم وانه ما بعث الله نبيا الا واطلعه على سر هذا العلم وان جميع العلماء قد اختصوا هذا السر وقد وصفناه لك وهذا العلم فى الفاسق استدراج وفى حق الصالح كرامة والغالب ان الشريف لا يبالى الامن كان صحيحه وان الغالب من الفلاسفة والحكماء كلام وضعوا علومهم على البرابى واحكموا علما عجيبة مثل عجبان وغيرهم ولقد نقلت به اهل التاريخ ولقد رأينا عدة بربايات اخميم وبابات الاهرام الصغيرة والكبيرة ولعمرى ان عليهم علوما جمة وتحت الاهرام ستة وثلاثين كنزا وضعها علماء اليونان من قبل الطوفان نوح ع ولقد دخلت الكنزينها اطالعت منه كتابا ووجدت فيه السيميا واعمال الكيمياء والتى قد رزت منها لانه وضعت فى اول كل سطر حرفا فعلم انه من عمل اليونان واعلم ان غالب اهل القرن الثامن والتاسع وما يليهم يكفرون هذه العلوم ويدعون ان مشايخها مفقودة وان احدهم لو طلب لوجده من يرشد وان الله تبارك وتعالى فى كل ملا ذكر على العلوم الخفية مثل علم الصناعة الالهية وعلم الحرف والسيمياء فيزعموا انه مفقوده بل من سوء عقيدة وكتب وان العلماء وضعوا هذه الكتب عبثا بل وضعوا فيها اسرار خفية وقد خلطوها بالرموز والكامل يحصل بعد ما بيدوهه هذه المعلومات لمواظبة على الطاعات وتكرار التلاوة بالاسماء الاعتقاد بالاجابة والصحة فى علم ذلك واعلم ان الحكيم زيادة الكعاب بلفظة اسيل على اقوال فالاول ذكى احدى الاقوال بل اول اذا اخرجت العون وزدت لفظة اسيل صار مقابلا الخادم وهى الف وياء بين ولام وجعلها اكه وهذا المسمى بالاس على العدد المنطرح من اصل الكعب وبعض العلماء بالنقش شيئا من ذلك التحرى بالعدد فظهر واعلم ان هذه الحروف من اربع طبائع مخرجة ١ من النارى من التراب وقد تكرت تبيان ان الالف ناريه والياء ترابية فكانت من هذه الرتبة بمقام حرف فى علم ذلك و ل من حرف الماء واعلم ذلك فان غالب الكتب محصوا بعض الاشياء وقد قلدوا ما جاءت العلماء واجتهد على ذلك بل صنفوا فقلوا ذلك فقال وزعموا ان الاشياء قد خفت عنهم ولكن كان اصل الخلل منهم ولا بد من زيادة الالف والياء بين واللام فى كل كعب وفى كل استخراج مثل المعنى واعلم ان كل علوى لا بد له من خادم سفلى وقاعدة السفلية انك اذا اردت استخراج ذلك العمل تنظر الى الوثام وتاخذ الحروف العالية فتنظم علوية والحروف السفلية محجمها وتضيف اليه ٣ احرف نارية وهى طيش ثم توكل العلوى ان يوكل السفلى المستخرج بتوكيل السفلى الذى المراد الساعة وهنا فى نوع اصطلح فقد ذاعها الا كلمة دان خرج معك سبعة احرف احضر اوثلاثة بحسب الحروف فتضيف اليه لفظة طيش فيكون الخارج سبعة احرف وهم الصحقبفيطيش جاعلى هذه الاستنطاق على السفلية وان اضح لك هذه القاعدة الاصلية فى زيادة طيش فى زيادة اسيل ولفظة اسيل بياء بين ولام والف وكذلك لفظ طيش وهو طاء وياء وشين وعددها ثلثمائة وعشرة وهذا ماخوذ بالقانون بالدليل الهيولى الهندسى وصحح ذلك وجوب دا ضحى بحى اوقات الصلوات الخمس وعدد الساعات التى هى فى الليل والنهار واعلم ان درج الفلك ٣٦٠ درجة ودرج البروج اثنى عشر مقسوم على كل برج ٣٠ درجة واستنبط ذلك بعض العلماء من الكتاب العزيز من قوله تعالى رفيع الدرجات لان عدد رفيع ٣٦٠ وذكر بعدها الدرجات فعلم ان عدد الدرجات هذا العدد وان الاشرع لا يريد ذلك الا اذا

جعفا الاسمين والاسمين هو لفظ اسيل وطيش وكان عددهما ٣٦٠ وهذا العلم يتعلق بالفلك وروابط فانه نا على حروف اسم الملك العلوى لفظة اسيل فيكون قد نقصنا من العدد الذى هو ٣٦٠ نقصنا ٥١ فكان الباقى ٣٠٩ فنزدحينئذ على السفلى الاسم اخر وكذلك اذا اردنا العلوى يال وعددها ٤١ ونعطى السفلى ٣١٩ وبما نقص من هذا ندا على هذا وكل هذه القواعد معمولة بيانا وانه كان وافق الطالب واتفق عند التقليد قلادة الا العمل وعمل علوها عدد صاحب الحاجة وان اراد ذلك بجهد فلينطق كيف اراد بالقوانين ولا بغى الا ذلك وجب لطيف وقد لك اذا بلغ معك عدد وادرت ان تقسم وهذا كثيرا ما يحصل الى الاوفاق فانه كان خرج معك ١٠٠ فان اردنا قسمنا هذا الحرف على ثلاثة احرف هكذا لعكك وتضيف اليها الاس من غير اسقاط وكذلك اذا ظهر معك ٣٠٠ وهو حرف الشين وكان ذلك السفليات او فى العلويات فقسمنا ذلك الحرف على خمسة احرف ففكعاطيش فهذا فى السفليات وكذلك العلويات ولا نضيف الا اكثر من ذلك كذلك تفعل بقية الاعداد مثلا اذا ظهر معك حروف كثيرة الاعداد مثل حرف ذ وحرف ض وحرف ظ وحرف غ فتقسم ذلك على هذه القسمة ويبقى الى ذلك ايضا فثال حرف الذال لانها سبعمائة فاذا قسمنا عددها للاستنطاق العلوى على اربعة احرف او خمسة او سبعة فعلى الربعة هكذا قسمناها فتشقصياسيل وان اردت قسمت على سبعة هكذا فتنهصكعيال وعلى هذا المثال احترز ان معنى اخذ الاسماء والحسنى على طريق شتى فمن ذلك اذا جاء عدد الاصل المستخرج الى النطق على اسم من اسماء الله الحسنى فيكون ذلك الاسم ترجمة صاحب ذلك المنطق ويسمى هذا الاسم هو الاسم الاعظم وجه اخر وهو ان تاخذ اول حرف من حروف الملائكة تدخل فى الاسماء الحسنى فتاخذ الاسم الذى اوله فثالا اذا خرج حرف الالف فتاخذ اسم الله وان خرج باء فتاخذ اسم باقى ومن اللام اسم اللطيف وعلى هذا المثال يكون عملك واعلم ان لكل حرف من هذه الحروف عوالم لا يطلع عليها الا الاخص من اهل الله وان اكشف الله عن عوالم هذه الحروف فانك متى ما جمعت الحروف واضفت اليها الاس تمثل الملائكة بين يديك وقضا حاجتك ويرحمه الله تبارك وتعالى واستغفر الله الى يوم القيمة وعلامة قدوم الملك مقابلك انك تتثاوب فاعلم ذلك وكلا بالترتيب وفيه فايدة اخرى وذلك انك تاخذ اسم المطلوب فقط وتاخذ عدد حروفه وتنظر الى الاسماء الموافقة الى ذلك الاسم تنطق الاسم ايضا وتزن عليه لفظة اسيل وتقسم بحلب ذلك الشخص على هذه المسئلة فثالا كان المطلوب محمد وعدد حروفه ٩٢ فكان الموافق لهذا الاسم اسم باسط وودود وانطقنا الاسم بكعبايل فاذا اردت تقضى حاجته من محمد افاريد تسخيره واردت منه امرا فانك تقوهذين الاسمين على هذا الملك وتامره ان يتوكل على المطلوب فانه يقضى حاجتك على هذا القسم وكذلك الروح فى تلك الحاجة وقد ظهر بالاسرار خفيا فاعرف قدره واذا اردت ان تستخدم احدا فى عمل كما بينا الشيخ انه من بسط الاسماء وفيه وجه اخر وهو انك تاخذ اسم العون وتكسره وتخرج الكعب ثم بعد ذلك تتلو الاسم المستخرج من وجه التكعيب وتوكل على ذلك العون فانه ياتى به وهذا العمل من اعمال العلماء الكبار فاعلم ذلك واما معرفة استنطاق العوالم من الوفق فانك لا تنظر الى الوفق وعقده وبعد ذلك تاخذ اربع اقطار الوفق فتستنطقها ثم تاخذ مساحته وتستنطقه وتضيفها اليه لفظة ايل وتقرأه على الايام وهنا قاعدة لطيفة وهو ان توكل العون المستخرج على ذلك اليوم واذا اردت ان تعرف ذلك فخذ مساحة الوفق واسقط سبعة سبعة فان فضل واحد فاعلم انه على الاحد فتوكل به على ذلك العمل وتامر العلوية المستخرجة بان يخرجوه وان فضل اثنين فالى الخادم فتكتبه وتوكل به فى يوم الاثنين وكذلك ان فضل اربعة فالى ان يرقان الى تمام السبعة ايام فاذا عرفت ذلك فتصرف بما تريد على هذا المنوال وكذلك تستنطق المفتاح وبيت ذرسم والعدل والقلب والاربع اوتاد والوسط فجملة ذلك ثمان عوالم فتنطق ذلك وتقرأها على ما تقدم وان كان الوفق مثلثا فخذ الوسط والمساحة فتنطقه وان كان مربعا تنطق المفتاح والقلب والمعلاقة والمساحة وان كان مخمسا فتنطق المفتاح والاوتاد والمساحة والعدل وتقرأهم على ترتيب ما تقدم وكذلك المسدس تستنطق منه المفتاح والوسط

وهذه صفة الموازين

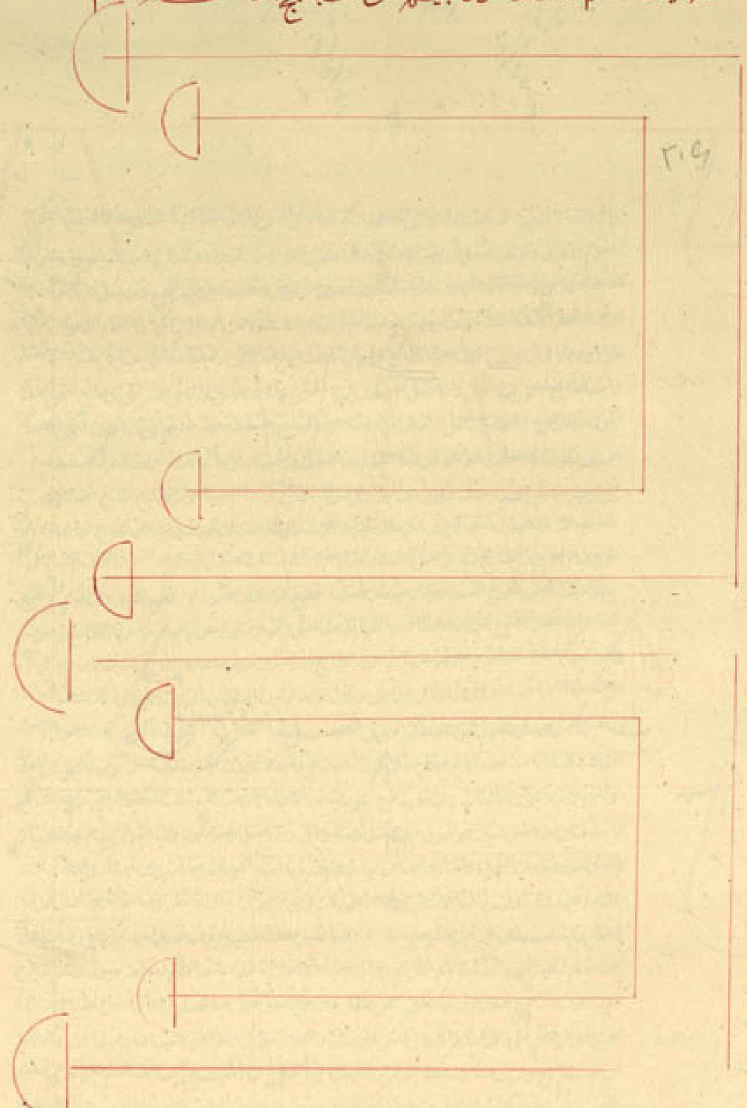


والاوتاد الاربعة والمساحة وتضربه على السطلية وكذلك الوفق المسبع بان تاخذ الاوتاد والوسط والقطب وتخرج العوالم وتصرف وكذلك تعمل في بقية الاوفاق وكلما نطقت العوالم زاد قدرك وكذلك اذا اخذت الحروف سطر الوفق الاعلى بجمعها حروفا وتنطقها ثم بعد ذلك تاخذ الحروف السفلى من الوفق وتنطقها تخرج نظم الجمع وتضيف في كل ثلاثة او اربعة او خمسة لفظة ايل وكذلك تاخذ الحروف السطلى تزيد لفظة طيش الى تمامه وذلك في بعض الروايات تخرج اسماء الاعوان من الوفق طولا وعرضا **وفيه وجه اخر** في معرفة الطالع وهو ان تاخذ مساحة الوفق وتسقطه اثني عشر اثني عشر فان فضل واحد فطالع العمل برج **الحمل** وان فضل ٢ فيكون برج **الثور** وكذلك تفعل الى الاثني عشر ففي اي طالع انتهى العدد فيكون ذلك البرج وهو برج العمل **و**كذلك اذا اردت معرفة الساعة فتسقط سبعة سبعة ففي اي مكان انتهى العدد السبعة فيكون ذلك العدد وهو الكوكب فهذه القواعد اللطيفة واحسنها واقربها كذلك اذا اردت المنزلة فتسقط **٢٨ ٢٨** ففي اي منزلة انتهى العدد ومعك فتكون تلك المنزلة هي منزلة الطالع **واذا** اردت معرفة الطبايع الاربع ففيه وجهين فالوجه الاول هو ان تاخذ الحروف وتزنها وتنظر اي الحروف هي الغالبة واي الحروف نائبة من الدرج او الدقايق واي الحروف من حروف الطبايع كثيرة فاعمل ذلك وتزنه وتضرب على ذلك العنصر **وفيه وجه اخر** في الوفق او في اصل العمل عند اخذ المكعب تطرح العدد اربعة اربعة فان فضل ١ فطبع النار وان فضل ٢ فطبع الهوى وان فضل ٣ فطبع الما وان فضل ٤ فطبع التراب وهذا اقرب الطرق الى هذا المعنى وقد عرفناك معرفة اليوم ثم معرفة الطالع ثم معرفة الكواكب ثم معرفة الساعة ثم معرفة المنزلة ثم معرفة الطبايع الاربعة ومعرفة سلطان الطالع **فمثاله** كان برج الحمل الطالع فكان سلطانه **الثور** وقس على هذا المثال فكذا وان كان طالعا فيكون السلطان الثاني وقس على ذلك وهذا الجزم ما اوردنا من هذا المعنى والله يقول الحق وهو يهدي السبيل **فصل في استخراج البخور** وكيفية ذلك وهو باب جليل القدر وذلك ان تاخذ عدد الضلع وتطرحه ثلاثا ثلاثا فان بقي واحد فالبخور من الحيوان فان فضل اثنين فالبخور من المعدن فان بقي ثلاثة فالبخور من النبات وان نظرت طبع البخور فتاخذ الاوفاق الاربعة وتجمع ذلك وتسقط اربعة اربعة فان بقي واحد فنار فان فضل اثنين فهو الهوى فان فضل ثلاثة فهو مائي وان فضل اربعة فيكون ترابي فهو التراب جميع المعدنيات وجنس الهوى مثل نبات البخور والناري ايضا من النبات وقد ذكرنا اسماء البخورات فيما تقدم من الجدول واسماذكرنا ان لكل يوم بخورا واذا عرفت ذلك اليوم فتبخر ببخوره واعلم ذلك **وفيه وجه اخر** وذلك ان تنظر الى مساحة الوفق او الى جمل ما وتنظر نهاية العدد فان كان كثيرا فاطرحه **٢٩ ٢٨** فما فضل معك تعطيه الحروف فذلك الحرف تجعله بخور ذلك العمل هذه قاعدة كلية تفهمها وكذلك الايام تنظر بخورها **وجه اخر** وهو ان تاخذ مساحة الوفق وتنطقه حروفا وتنظر كم خرج معك حروف فان خرج معك حرف **فا** فيكون البخور فلفل وان خرج معك حرف **حا** فحصلبان وان فضل معك حرف **عين** فعنبر او عود وقس على ذلك الخ سائر الاعمال فقس على ذلك والكلام يطول والعلم لله لاتيناها وهذا القدر كفاية لمن فهم الاصول والان نذكر الموازين وكيفيتها **واعلم ان الميزان** في هذا العلم معرفته امر عظيم وكيفية ذلك انك اذا عملت عملا وكسرت حروفه فتجمع الحروف وتنظر الى حروف المراتب لانها اعلى الرتب وان كل حرف من حروف المراتب مقاوم ستة احرف من حروف الدرجة وكل ١٢ حرفا من حروف الدقايق تقاوم حرفا من حروف المراتب وكذلك كل ثمانية عشر حرفا من حروف الثواني تقاوم حرف واحد من حروف الرتبة وعلى هذا فقس على ذلك **وهذه**

صفة الموازين صفة موازين المصادقة

والموازين هذه

صفة الميزان الاعظم الحاوى للاسرار الجليلة التى قامت بها الحجج الواضحة فافهم



اعلم ايها الحكيم وفقنى الله واياك ان الميزان الاول المسمى بميزان المصادقة فهو ميزان تعرف منه طبايع الحروف المصادقة التى يحتاج اليها فى وقت الاعمال وتعلم منه الحروف وقت الاعمال المحبات واما ميزان المضادة التى يحتاج اليها فى اعمال المضادة فى اعمال الفرقة وما شاكلها و الميزان الثانى تعرف منه نسب الحروف المتقابلة من الدرج والدقائق والثوانى والثوالث والميزان الثالث فهو ميزان الحروف المتقاربة التى تعرف منها مراتب الدرج وهو عظيم جليل القدر لمن تدبر واما الميزان الكبير فله خواص فمن ذلك معرفة ميزان الاعشار والميزان والمعادن والحروف وطرح الاكسير

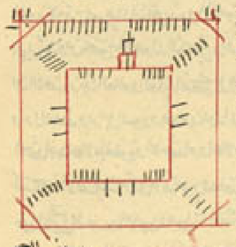
وان تحققه

وان تحققه الانسان علم قدره وتيا ... عليه فى الصناعة الالهية فاطلب هناك اقول ومن خواص هذا الميزان فانه يجلب ما احمل له واذا اكتب على اى معدن شئت كان له تاثير اعظيما وهو نافع الى الكون والفساد والى الخير والشر وعند العلماء المحققين اذا اطلقوا فى قولهم فهو ما كتب له يكون معنى فى الثلث السالك اذا اكتبه للمحبات كان له تاثيرا عظيما فاعلم ذلك والله يقول الحق وهو يهدى السبيل

فصل فى استخدامات الحروف

وخلواتها وخواصها على الجملة والتفصيل والله الموفق من يريد على الاعمال اقول وبالله التوفيق حرف الالف هو اول مخلوق خلق من الحروف وهو الواحد فى العدد والاعداد من سر الاعداد كما ان الحروف من اسرار الافعال وان الحروف لا وقت بحصرها وانما هى تفعل بالخاصية ان اراد الله لذلك وهذا الحرف من سايره ارتقى الى درجة الواصلين الواربين ومن تحقق ما فى عوالمه الظاهرة والباطنة استخدم بفضل الله جميع ما فى الكون وتلك نسبة النعيم نعيم الجنة واعلم ان الالف زينة العالم والغاية القصوى بل هى مرجع كل عالم سر الكحل وتمام الالف من اسم القيوم وهو اول الاسم الاعظم واول الفاتحة واوايل السور وهو حرف نورانى قائم بنفسه امة من الامم وله اعمال كثيرة فمن ذلك اعمال البراهتية من عزيمة خلقه و استخدامه واعماله الابالخلوة والاستخدام واعمال الابالخاصية فاول ذلك الاعمال التى تفعل بالخاصية فمن ذلك الطبيب الطبع اذا كتب حرف الالف الف مرة فى خرقة حرير وعلقت على صدر البليد الذى لا يعلم شى فتق ذهنه وحفظ كل شى حفظه ومن كتب حروف الالف على عددها الابسط وصوابه واحد عشر مرة وربط معها اسمك او اسم من اردت وحملها معه فان الله تبارك وتعالى يسهل عليه الامور الحقيقية واذا كتب حرف الالف مع اسم الطالب والمطلوب وربط مع الاسمين مع الحرف فى يوم الاحد فى ساعة الشمس ثم حملها الطالب راى من مطلوبه الهيبة والمحبة والقبول واذا كتب حرف الالف على خاتم من ذهب والقمر فى الحرف وختمه باشمار الحرف ودعوته الاية وكتب اسم صاحب الحرف فان حامله يكون له قبول عظيما فى جميع العوالم واذا دخلت الى كنز فاردت بابه لا يغلق فاكتب حرف الالف  كما ترى واكتب اسم الملك والاضمار وادخل وخذ حاجتك واخرج فانه لا ينغلق مادام الكتابة فيه واذا كتب حرف الالف وذلك على حجر وكتب عليه اضمار ملكه ودفنت على مال وقلت احفظوا هذا المال فانه يحفظ واذا احذت مصران كبش او من جلده ثم صورت صورة كاملة وكتبت عليه حرف الالف على عدده وكتبت اسم الملك ووكلت باى مكان يدفن فيه يلقوا النار ثم تدفن فى اساس الدار فان النار تقع فيه وتجرب ولا يهدم بعدها مادام فيه العمل وهذا سر من سرايرها لمن تدبر واذا اردت تاليفا لا ينفك فيه اسم الطالب اسم المطلوب وحرف الالف على عدده واربط الجميع واعمله فى يوم الاحد وانت فى الاسد واكتب الحروف فى خاتم او على خرقة حرير وتبخرها ثم تكتب اسم خادم حرف الالف مع الكتابة وتختم وتحمل فان المعمول له لا يصبر عنه ساعة واذا اردت ان تولف بين الاكابر والملوك فتعمل خاتم من ذهب يكون مثقالين وذلك فى يوم الاحد وتاخذ اسم الطالب والمطلوب وتجمع حروفها متفرقة وتكتب عدد حرف الالف مع الحروف وتجمع الجميع وتنزلهم فى مربع ثم تكتب على الخاتم اسم الملك وتضع على كل حجر المربع وتنزل حرف الالف على كل حجر ٣٠ حرف وفى القرينة المربع ١٣١ ويكون جملة ذلك ١١١ وتجزيه بتجور الحروف فانه يكون ذلك ولا يبقى المطلوب يفارقك ابدا ومن خواص حرف الالف اذا كتب على سكين وكتب اسم الملك وادعى به للمطحول وادمى بالسكين على صاحب القولنج او الصداع الكائن ابرا من ذلك وكذلك يعمل السكين على الجن اذا كان مصروعا فى الجنة فانه يقوم فاعلم ذلك ومن خواص حرف الالف الاخفا اذا احذت جلد يومه وتدبغه بالحناء والشب وتكتب عليه حرف الالف وتكتب مع حرف الالف اسم الملك والدعوة والاوراد وتعمل عرقية وتلبسها فانك تختفى باذن الله تعالى واذا كتبت هذا الحرف الشريف العظيم ان تكسره اذا نزل الوحى المسكن فى شرف الشمس فى ساعة المريخ على رق بمداد الاحمر فاذا علق على الانسان لا يقطع فيه الحديد ابدا وان هذه الفوائد لم نذكرها الا فى هذا المكان والى استنطاق ما فى القلوب وهو ان تكتب هذا الحرف فى يدك اليمنى بيدك اليسرى بمداد ... والقمر

في النظر في اي طالع كان ويكون وجهه الى المشرق ناظرا الى المنزلة بيدك اليسرى الى يدك اليمنى وتضع يدك عليها ان كان نائما او
ان كان واقفا فبالصالحة فانه يخبرك عن امور عجيبة فاعلم ذلك واعلم ان هذا الحرف خلوته جليلة القدر وتقعد في الرياضة
٢٨ يوما او المكث في الخلوة ١١ يوما وصورة الخلوة ان تتطهر ظاهرك وباطنك وسرك عن الاشتغال وان تقام الخلوة
وتبخر وتتلو الدعوة وبعد ذلك تتلو الاضمار وعدد التلاوة ١١١ مرة دبر كل صلوة وانت تقول اجب يا ايها السيد
هطمهطلفيائيل عليه السلم الرئيس الاكبر فانك ترى الخلوة قد امتلئت نورا وروحانية السيد الجليل هطمهطلفيائيل
وذلك بين السماء والارض فتاخذ عليه العهد وتستخدمه في جميع ما تريد وهو ترجمان الملائكة الارواح العلوية وخدام الحروف
ولا الف خلوة اخرى وهي على حرف الالف واعلم ان الحروف امة من الامم
وتقصد الى السالك وصورة الخلوة الذي تتلو الدعوة في الخلوة وتكتب
صورة الالف في ورقة وتضعها في المحراب وتتلو الدعوة وانت تبخر بالبخور
في وسط الخلوة فانه يهبط اليك حرف الالف وفوقه اسم محمد نور يتصور
منه روحانية يكلمك ويخاطبك على ما تريد من خير وشر وتصرفه في امورك

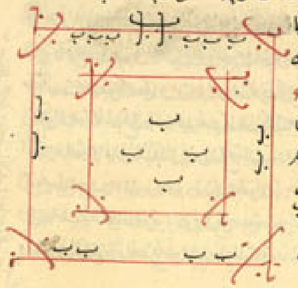


وهذه صورة حرف الالف واعلم ان هذه الدعوة اذا سار بها
من غير خلوة شاهدت [illegible] بتسخير الله تعالى من المحبة والقبول بين
العوالم وبين المخلوقات جميعا وهذه صفة الدعوة لحرف الالف بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسئلك يا من له العظمة والآلاء والمجد والكبرياء يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا هو يا من له
سر العظمة والآلاء ان تنزل لي روحانية من روحانيتك الكتوبية نورا وجلالا وهيبة وقبولا وان تمدني بسر من اسرار الالف الذي
فيها اريد يا ايها الحرف المتحرك من النقطة والمتلقي [illegible] بالنار والنور والحرف [illegible] روحانية
بالنطق [illegible] الجوهر القديم من القديم [illegible] في اللوح المحفوظ من العلم [illegible] بكليليا وطيليا وطيطيليا
وهنيا [illegible] وهيشا [illegible] بشليثا وباهيا
شراهيا [illegible] الامر العظيم انجز الرئيس الاكبر هطمهطلفيائيل ان يتوكل بكذا وكذا
الوحا العجل آمين اعلم ان هذه الدعوة اذا تلاها المعزم [illegible] في قلوب اهل العالم الاعلى
وان اردت استخدام من احد الاعوان والملوك تكتب صورة الالف المقدمة على [illegible] وتتلو الدعوة وتضع البخور في النار
فان ذلك الملك يحضر في اسرع ما يكون [illegible] بهذه الدعوة ولا يخفى على الطالب الاعمال التي تناسب وهذه [illegible] الاقسام
اجب يا ايها الملك الكريم السيد هطمهطلفيائيل الرئيس الاكبر [illegible] هيد هيد [illegible] شلهصيل
[illegible] اجب [illegible] واعلم انه اذا احضرت روحانية
الالف فانك لا تحتاج الى بخور في الاعمال واما في الاعمال [illegible] بالعنبر [illegible]
بخور اذا علق في الهوى [illegible] في النار [illegible] في الهوى [illegible]
ويلقى في النار [illegible] الارواح العلوية [illegible] الطالب [illegible] على الاعمال ويفعل
ما يريد من الاعمال وبعد الاستخدام تقول اجب يا الف وافعل كذا وكذا فانه السيف القاطع والله اعلم بالصواب

فصل في حرف الباء

وهو حرف [illegible] وهي من الحروف [illegible] وهي باطن الالف وسر الوجود [illegible]
قائم [illegible] حقائق الاكوان [illegible] والباء لها اشارة في جميع العوالم علويها
وسفليها وقد شرف الله حرف الباء [illegible] كانت بسم الله الرحمن الرحيم و

كذلك الاسم الذي انزل الله تبارك وتعالى كتابا الا وفيه بسم الله الرحمن الرحيم واعلم ان الله تبارك وتعالى لما انزل القرآن على النبي
صلعم وقال له جبريل يا محمد اقرأ باسم ربك [illegible] الباء للذات والصفات ومضمر الذات سر التجلي في نقطة وعلى حرف
ومضمر الصفات بسر الافعال ولما خلق الله الباء خلق معها اربعة وعشرين ملكا وتحت يد كل ملك ما شاء الله من الملائكة
يسبحون الله ويقدسونه [illegible] مفتاحا للنور الكتاب [illegible] البسط وهي من اشكال الالف واعلم انك اذا كتبت
حرف الباء على عدده الاصلي وكتبت مع ذلك الاسماء التي اولها حرف الباء وعلقتها لمن تعسر عليه رزقه فان الله تبارك
وتعالى يعطيه ما حوله وان كتب هذا الحرف وكتب معه كل اسم في اوله الباء وسقى الى المريض الذى مرضه من اليبوسة فان
الله يطلق عليه ويعافيه ويشفيه باذن الله تعالى وان كتب حرف الباء ١٦ مرة ومع ذلك كتب البسملة ١٩ مرة و
[illegible] وكتب معها قوله بديع السموات والارض الاية واذا كتبت حرف الباء وربطت مع اسم من اردت [illegible]
وكتبت الاسماء الحسنى وكتبت الاضمار وحملته لمن تعسرت عليه الاسباب فان الله ييسرها له باذنه واذا اردت القبول بين
الناس والمحبة والعطف فاستقبل القمر [illegible] في المغرب واكتب الحرف ١٦ مرة في اليد مع الاضمار ثم انك تتلو
الاضمار ١٦ مرة وانت تقول يا خادم حرف الباء [illegible] روحانيتي في قلوب جميع المخلوقات بالمحبة والطاعة والعطف
والقبول بحق حرف الباء وبحق بسم الله الرحمن الرحيم ثم تستقبل القمر وتمسح به وجهك ثم تعبد ذلك تمحو الكتابة وتفعل ذلك
كل ليلة الى تمام البدر واذا كتبت حرف الباء في اناء مزجج وكتب معه الاضمار مع البسملة والآية وكتب الاسماء التي اولها
الباء ووضعت في ذلك الاناء دهن ياسمين وبقيت تدهن به فانه قبول عظيم بين جميع المخلوقات واذا كتبت الحرف في
كفك وكتبت شكل القمر وتلوت الدعوة ومعها الحرف في كفك استقبلت القمر [illegible] اجيبوا يا روحانية القمر واقضوا حاجتي
وامزجوا روحانيتي بين جميع العوالم فانه يكون ذلك وقال بعض مشايخنا من كتب شكل الباء في يوم الجمعة وكتب الآيات التي اولها
الباء مع البسملة والاضمار وحملها [illegible] شرح الله صدره واذا [illegible] الكسل وان واظب على تلاوتها اعني الدعوة والاضمار
الروحانية [illegible] حاجته واذا كان هذا الحرف باسم من الاسماء وكان مطلوبا [illegible] واذا اردت احدا [illegible]
ويجيء اليك فتاخذ اسمه [illegible] كل اسم اوله الباء وتتلو [illegible] وتتوجه اليه فانه [illegible] ويقضي حاجتك
واذا كتبت حرف الباء ١٦ مرة على ثلاثة اوراق وكتب [illegible] باذن الله تعالى واذا طلبت [illegible]
الى جميع المخلوقات [illegible] واعمل خاتما من ذهب واكتب عليه حرف الباء مع اسم سبوح وجعلته
[illegible] وللباء خلوة جليلة
عظيمة القدر على الملك الجليل جرمهائيل عم فاذا اردت استخدام هذا الملك فاكتب صورة الباء واجعلها [illegible] انك تتلو
الدعوة وبعد ذلك تتلو القسم الشريف دبر كل صلوة ٢٨ مرة وانت تتلو العزيمة وانت في الرياضة ٤٠ يوما وتدخل الخلوة
وتصام في الخلوة ١٤ يوما فانه يحضر اليك هذا الملك ويخدمك [illegible]
تريد من خير وشر [illegible] وتقول اجب يا فلان فانه يقضي
حاجتك وهذه صورة حرف الباء



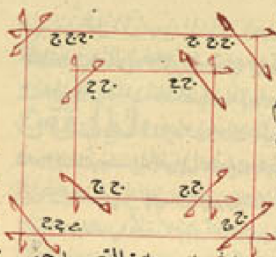
ومن خواصه اذا كتب على حجر ودفن في [illegible] حائط فان المكان
لا يدخله سارق ابدا واما خلوة حرف الباء وهو عام من العوالم
وصورته ان ترتاض وتدخل الخلوة وتتلو الدعوة وتقول
اجب يا حرف الباء فانه يهبط عليك ونوره مثل نور الشمس ويخاطب
[illegible] بما تريد فاذا اردت عملا من الاعمال تجيز وتقضي عملك فانه

كانت
احب

يكون عونك فى سائر امورك والبخور زعفران وبابونج واعلم انك اذا دخلت فى مكان وكان فيه الماء فاكتب الحرف
فى فخارة ثم انك تطرحه فى الماء فانه باذن الله يغور واذا تلوت الدعوة الى كف تراب وادرسها فى وجوه قطاع
الطريق فان الله يعميهم عنك والعقد لا لسنة كتب الحرف ايضا وكتب معه الايات اللائقة الى عقد الالسنة وتحمله
من اردت فانه صم وكذلك لمستعين على فتح الكنوز وتتلوا الدعوة وتقول اجب يا حرف الباء وكن عونى على كذا
وكذا وهذه صفة الدعوة بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اسئلك يا رب الارباب ويا رازق الخلق بغير
حساب اسئلك باسم الكتاب ان تسخر لى روحانية هذا الحرف لقضاء حوائجى واليك اشكو ضعف قوتى وانت
انت المستعان وعليك التكلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم اجب يا الحرف الجليل حرف الباء بهبوب الرياح
وبمستقر الارواح وحرهيوب حرهيوب وكريوب وكريوب وبيعوب وبيعوب وساروب وطاروب
طايوب وطايوب طالوب وشهوب وشهوب اجب بحق من ايلى ايوب وبحق المصطفى المجتبى المحبوب عليه افضل
من الرب فى سلطتك على برك واستخدامك فاخذت ناصيته الذى هو الملك الملك لمن الملك اليوم لله الواحد
القهار فاهب وهاب وارزق برزق من تشاء بغير حساب اقبل يا الحرف واهبط وتنزل فى خلوتى هذا الحرف ولا حول
ولا قوة الا بالله العلى العظيم وهذه صفة الاضمار اجب يا الملك الجليل خادم حرف الباء السيد جرهيا ئيل الحى كشك
كشك كشك كشك كشك هيكل هيكل سلشط سلشط النور اللامع ذو الالاء والكبرياء الوحا العجل آمين واعلم ايها
الطالب انك اذا عملت عملا وقرات الاضمار سدا عن الدعوة فاعلم ذلك

فصل فى حرف الجيم

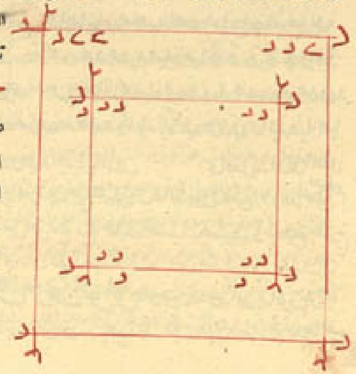
وهو بارد
رطب وهو حرف جمالى جلالى وصفته كانه الريح وبابه لمن اراده وهو من حروف المراتب ومن خواص حرف الجيم اذا
كتبت هذا الحرف الشريف مع الاسماء التى اولها حرف الجيم فى كاغذ او فى اناء وسقيت الى اصحاب الحماة الحارة نفعهم نفعا
عظيما واذا كتبت حرف الجيم ٣٠٠ مرة وكتب الاضمار وكتب اسم صاحب الحاجة فى خرقة وجعلها فى فتيلة ودهن زنبق على اسم
الشخص شعلت الفتيل وتكتب الاضمار فانه ياتى باسرع ما يكون وهذا تسخير عظيم جليل القدر لمن تدبره وهذا الحرف الشكل
المثلث واذا كتبت هذا الحرف والقمر فى المنزلة وكتب ثلاث جيمات فى كل جيم ثلاثة احرف وتكتب اسم الملك وذلك على حجر او على
ذهب او على نحاس احمر فى يوم الثلث وتضع عليها حجرا احمر من اى حجر كان ويكون مثلث فانه حامله تنفذ كلمته وتقوى حجته
وتعلو كلمته بين العالم واذا كتبت حرف الجيم ومعه كل اسم اوله جيم على رق غزال احمر وكتب مع ذلك الاضمار فانه قبول
عظيم وخطه جسيم واذا كتب الشكل المثلث وكتب معه ٩ جيمات وذلك واكتب عليه اسم الملك واسقى لمن غلبه الاخلاق
فانه نافع باذن الله تعالى وان عالم هذا الحرف هى التى تقتل الثلج وتدبير فى الشمس حتى لا تجرى جريا واذا كتب حرف الجيم على خاتم
وكتب معه الاضمار ثم يتلوا الدعوة ١٠ مرة ووقفت ٤٣ جيم فانك لا تعطش ابدا واذا كتب حرف الجيم فى خرقة وزنها من زلبه
على اسم من اردت وشرط القمر فى المنزلة ووضعها فى الماء الذى يشرب منه المطلوب فانه يجيب الفوج باذن الله تعالى وتحميل
لا ينجح فانو كله تعم فيه واذا كتبت حرف الجيم مع اسم من اردت على حرز وكتبت اسمه جبيل جبيل وكررت الحروف وجعلها بام
من اردت كان قبولا عظيما ومن خواص هذا الحرف الى فتح الاقفال تكتب هذا الحرف والقمر فى المنزلة وتتلوا على القفل الاضمار
وتتلوا الدعوة فانه ينفتح باذن الله تعالى وكذلك اذا كتبت حرف الجيم على بيضة وكتبت عليها الاضمار والقيت بها الى المكان
المتهم المتوهم او الى باب الكنز واردت فتح الباب وعلى صخرة فانه ينفتح الباب باذن الله تعالى فاعلم ذلك فصل وهذا
الحرف خلوة جليلة القدر وصورة ذلك فهو ان تدخل الى خلوة طاهرة وتتكلم بالدعوة وتكتب صورة الحرف فى بيت
وهى تجاه باب تتلوا الدعوة مرة فى كل صلوة تنظر الملك الخادم هذا الحرف واسم الملك طلقطيائيل فانه يهبط
وينظر فى الخلوة فاذا حضر فتلو عليه اسماء الميثاق فانه يجد ملك وتراه وتضرعه فيها تريد من خير وشر الى حرف الجيم خلوة



جليلة فتدخل الى الخلوة وتتكلم بالاسماء والدعوة وتقول اجب يا
حرف الجيم فانه يهبط عليك نورا ابيضا اسئلنا وتخاطبه وتقضى
حاجتك والبخور جوزبوا وجاوشير وهذه صفة الدعوة بسم
الله الرحمن الرحيم جليت بجاه جلال الجبروت وعزة العظمة والكبرياء
ويا الواحد الاحد الماجد القيوم الدائم الذى لا يموت جليل تجلط
على الجبل فجعله دكا وخر موسى صعقا جعلت محبوبا من مطلوب الحبيب
محبوب سواه القريب المجيب اجب يا حرف الجيم بما قبلت من البر والمحبة
والتبجيج وبجلجيابيج فو بجيج جلج اجب بحق ومطيلج بحق كيليج بحق النور والوهج وبحق التجهجيج الرجيج
تلجيج رب افوهيج وبس طفج عليك وبسر كهكيج والوجيج جيم جعلت عبادى واقسمت عليك برب العبادى
الذى بيده الحكم والامر ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم اجب يا طلقطيائيل اقول ان هذا الحرف الشريف الجليل القدر
من لطف الارواح الروحانية وهو يقضى جميع حوائج الطالب وهو سعى مجيب لمن تدوم ولا يخفا ايها الطالب المتصرف
وهذه صفة الاضمار فتقول هيدح هيدخ لبطلهف لطلهف هشلخ هشلخ اشمخ شموخ اهوخ موجود فندوك
رب الملكة والروح اجب يا الملك طلقطيائيل الوحا العجل الوحا الساعة تم ذلك

فصل فى حرف الدال

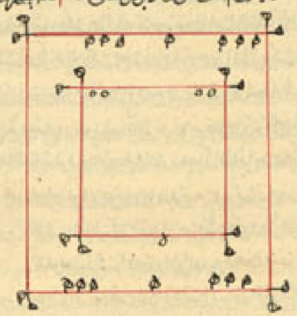
اعلم ان حرف الدال اذا كتبته مع كل اسم اوله الدال مثلثا ثم وضعه فى لوح مربع وحمله انسان وكتب فى كل ناحية من
الوفق اربع دالات فانه محبة عظيمة واعلم ان حرف الدال من اسرار الدعوة والبقاء واذا اردت المودة من احد فاكتب
حرف الدال وتحكم عليه بالاسماء والدعوة واسقيته لمن اردت فانه مقناطيس القلوب فى الود والمحبة والعشق واذا كتب
اسم الطالب والمطلوب وتحيطه بحرف الدال ومن تحت حرف الاضمار وكتب هذا فى خرقة حرير وحمله انسان فان ذلك
الشخص يحبه محبة عظيمة واذا كتب حرف الدال ٣٠ مرة وكتب الوفق المربع وكتمه مع ذلك فان حرف الدال وكتب
ذلك ووضعه تحت فص خاتم ولبسها رجل يخدمه فان الله تبارك وتعالى يبارك له فى ذلك ووسع عليه بنعمه وقد شرحنا ذلك
فيما تقدم وقال من كتب حرف الدال ٢٦ مرة وكتب ذلك فقال الله تعالى محمد رسول الله الآية ٣٦ مرة فى خرقة وكتب معها
اسم ملك الدال والاضمار وحملها معه شاهد انه محبب صنع الله ما الامثال له وللحرف خلوة جليل القدر ملكه القائم اسمه سمحائيل
واذا اردت استخدامه فترتاض ٣١ يوما وادخل الى الخلوة ١٤ يوما وتلوا الدعوة دبر كل صلوة ٣٥ مرة فانه يحضر
اليك وتخاطبه كيف ما تريد من خير وشر وتقع وضر و
تتلو بعد ذلك الاضمار على العدد وهذه صفة
حرف الدال وهذه الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم
دعوتك يا رب العظيم ان توفق الشرف البرهان يا ديان يوم
الدين ادم عليه لطفك والطف صنعك اجب يا
الملك سمحائيل بحياتك الا ما الا ان انت تنزل على
ذلك يا مولاى تسخر لى حرف الدال يا ال الدعاء ويكب
برق متصرف فى امرى وبتوفيق مصلح وحلع ربخع
رحلع رخع هيا بحمل ابادا ال الا انت عنى داعوج
ماعوج فعوج ربخوج دلهوتا اهدنا الصراط المستقيم



صراط الذين تحبوا ولا توتاب ياد ال بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وتبخره بدار فلفل وقصب الذريرة
ومهما اردت هذا الحرف فعل عجيب لمن تدبره وهذه صفة الاضمار تقول دلخيه هيطط هيطيطف مهيا ليح
جوهلج ستيش شلطط شلكطا باه ياه اجب ايها الملك الكريم بارك الله فيك العجل الوحا الساعة

فصل في حرف الهاء

وهو حرف هوائي عظيم القدر له الهمة وهو من حروف اللاهات هوائي روحاني باطني
وهو حرف قائم بنفسه وله القول في العلويات وهذا الحرف نوره مطلق وهو من عوالم العرش وهو يتصرف في الحجات والتهييج
فمن خواص هذا الحرف الشريف الى التهييج وذلك ان تكتب هذا الحرف الشريف ٤٥ مرة على خرقة زرقاء وتضعه في
سراج باسم المطلوب وتتلو الاضمار فان المطلوب يحضر ان شاء الله تعالى وكل اسم اوله هاء واخره هاء فهو في ذلك الاسم يكون
سطوة جليلة ولهذا الحرف اسما وقد شرحناه في كتابنا لطائف الاشارات و من كتب حرف الهاء وعمل اسمه تعالى الحي وكتب
حرف الهاء ٤٥ مرة وحمله صاحب الفهم الضعيف هون الله عليه الفهم و من خواص هذا الحرف الشريف اذا كتبت هذا الحرف على
خاتم من ذهب او فضة في يوم الجمعة والقمر في منزلة الغفر وحمله معه كان محبوبا بين جميع الخلائق وتفتح الله عليه
الامور الصعبة و من خواص هذا الحرف الشريف الكريمة الحلم تكتب هذا الحرف والاضمار وتحمله في الراس واذا كان
ضعيفا قد اعيا الاطباء مرضه فليكتب هذا الحرف الشريف في اناء ويبقى ذلك المريض ثم يكتب الحروف والاضمار وتضعه تحت
راسه فان الضعيف يرى الله ويرى علامة ذلك نبات في ذلك الخادم ويرى في المنام و من كره هولاء الحروف وجمع
اسم من اراد مع حرف الهاء وضبط ذلك في وقته وحمله معه فانه عطف عظيم ولهذا الحرف خلوة جليلة ولهذا الحرف
امر عظيم وخطها جسيما وصورة ذلك ان تدخل الى الخلوة وتتلوا الدعوة والاضمار ثم انك تقول اجب ايها الملك
غفر باسيل ثم انك تتلوها دبر كل صلوة ٤٥ فانه يظهر لك وتنظره وتاخذ عليه العهد ويبقى تصرفه فيما تريد من خير
وشر ونفع وضر ثم تكتب الحروف وتضعه في صورة



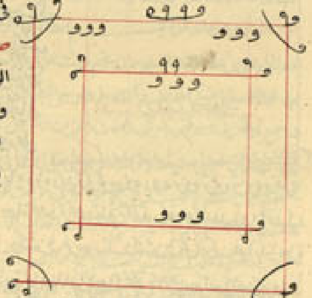
وهذه الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم هبني اللهم
موهبة من مواهبك يا وهاب يا رزاق يا فتاح يا عليم
يا رباه يا سيداه يا غاية مقصداه يا منتهى املاه يا ملجأ
الخائفين انت الاول وانت الاخر وانت الظاهر وانت الباطن
سبحانك لا اله الا انت هبني يا هاه بحرمة الله هبا يا
هاهيا باه ياه اهيه اهوه هياه ابرا ابرا ابراوه
هوه هد هيه هيه اهيا ة ة ة ة ة واحد
عزيز هيا ها اهياه هههد ههههد ههههد
هوهو هو باه ياه ههد هيه ههد ياه ياه ياه هوهد هيه ياه ياه هيه ههد هيه عالي هيا اهيا
ياها هات هفيف الهيوب بهيمد اهند اهيه وهيه اجب ايها الملك وافعل كذا وكذا افعل
العجل اجب يا حرف الهاء ووفقني بالمودة والمحبة والعزة بين جميع الخلائق ها بلا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصفة الاضمار تقول اجب ايها الملك غفر باسيل بحق دلخ دلخ هليك لخمليك هشيطط لمبطيغ شلتموخ
باه هيا اجب وتوكل الوحا العجل وتوكل بكذا وكذا الوحا واعلم ان هذا الحرف اذا استخدمته قضى لك ما يريد عليك من
الاعمال فانه يقضيها لك فاعلم ذلك

فصل في حرف الواو

وهو حرف عدده الف ما الوف فمن خواص
حرف الواو الى اسهال البطن وذلك اذا كتبت حرف الواو على صورته ثم تعدد ذلك نكتب عليه الاضمار ثم تحمله صاحب

الاسهال

الاسهال فقعد ذلك و من كتب حرف الواو مع كل اسم فيه واو وعد يطرح مع اسم من اراد وتلا الاضمار فانه يوقع المحبة والالفة
بين ذلك الشخص ولهذا الحرف خلوة جليلة وهو ان تدخل الى الخلوة وتبخر بالجوز في ثلاثة اوقات وتكتب الحروف وتضعه
في راسك ثم تتلو الدعوة في دبر كل صلوة ٢١ مرة حتى يظهر لك حرف الواو ويعود مثل نور الشمس فيسلم عليك ويقول
لك ما تريد فقل له اريد الخدمة فعند ذلك يقول لك سمعا وطاعة ثم تعاهده باسماء الميثاق ويبقى اذا اردت عملا اما اردته
مجرد ما تلفظ به الى ببر ولهذا الحرف الشريف من الخدام طوبيائيل ١٩ وهو من خدام القسم الجامع و اذا اردت استخدامه
فاكتب هذا الحرف على خاتم من ذهب والقمر في منزلة هذا الحرف وتبخره بالعود والمصطكى وتتلو الاضمار ٤٥ مرة
في دبر كل صلوة فان الملك يظهر لك وتعاهده على ما تريد وهو



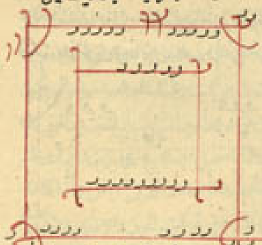
صفة الحرف وهذه الدعوة تقول بسم الله
الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك يا ودود يا وهاب يا والي يا
واحد يا وارث يا الله اسئلك باسمائك العظام وبنور
وجهك العظيم الذي اشرقت له الظلمات ان تنور قلبي وتتوكل
بي لا بد ان تكشف لي الغطاء عن سر الواو وتعلمني بتصريفه
يا وهاب هيا يا واو بحق الله تعالى العظيم الذي ان لك لم
الارضين هيا يا واو اهبط يا طوبيائيل وانت يا واو يا
بامر الله وبحق يا علمون من عظيم قدره اجب يا مبوجيائيل
وصلو يا سيل بحق جبرائيل وميكائيل وبحق اسرافيل وعزرائيل اجيبوا ايها الملوك المقربين وانوني بالواو وبحق من
خلقكم وخلقها يا مولاي ومنا رجائي والطالب وايله بحق هذه الاسرار اسئلك بالقدرة في لوح الابد والامد
اسئلك ان تحفظني يا حفيظ ودعني من يسوؤني يا ارحم الراحمين الوحا يا واو فهليمو آه وغاء وغلو وان عادهو يوم
اووه اووه وهو لي طائعين بحق يا الف لا حول ولا قوة الا بالله العظيم فاذا اردت تسليط الاستسقاء فاكتب هذا الحرف
والاضمار معكوسا على اسم من اردت والق به واغسل في ماء واسقيه لمن اردت فانه يمرض من وقته ويحصل الداء الاستسقاء
فاعلم ذلك وهذه صفة الاضمار اجب يا طوبيائيل تهدده وهيدوه عوه مهدوه طغر طغير سلتموخ شلتموخ
عوه ياه شلتموخ ودوده هاب واجب وتوكل بكذا الوحا العجل الساعة هيا امين و ان تلوت هذه الاسماء
في دبر كل صلوة نار الله قدرك في العلويات فاعلم ذلك

فصل في حرف الزاء

اعلم ان هذا الحرف بارد
رطب فمن خواصه انه يتصرف في جميع الحيوانات الكائنين وما ظهر هذا الالف اسم ذكي وفي اخر اسمه عزيز ومن نقش
حرف الزاء في خاتم ونقش فيه ذلك الخاتم اسمه تعالى العزيز في الخميس والقمر مقابل المشتري فان حامله ينال العزة والهيبة
بين العوالم و من خاصية هذا الحرف اذا كتب على ساق جمل على عدده والقمر فيه الحرف فان حامله ما دامت حامله هذا الحرف
يغيب ابدا وان نام في الصحراء لا يقربه حيوان مؤذي ابدا و اذا اردت ان تاتي بالغمام في مكان لا يكون فيه ذلك فاكتب
هذا الحرف في جلد شاة سوداء وتضع الحرف ايضا على راس الكبش وتتلو الدعوة والاضمار وتقول اجب يا السحاب
بحق الله تعالى فانه ياتي بالسحاب والرياح باذن الله تعالى و من خاصية هذا الحرف انه ياتي بالبركة في جميع الاشياء و
حنوما في السمن كالدبان و من كتب هذا الحرف والقمر فيه وذلك على دهن فضة وكتب حوله الاضمار ووضعه في السمن فان
الله يبارك له فيه و من كتب هذا الحرف مع الاضمار فان الله يرزقه من حيث لا يحتسب فيكثر رزقه و من كتب ما يزع الزين
ع

21

بسك ورعفران وكتب اسم من اراد فانه اذا راه احبه وهذا الحرف خلوة جليلة وصورة ذلك ان تدخل الى الخلوة و
انت تتلو الاسماء وذلك دبر كل صلوة ٢١ مرة حتى يظهر لك النور وترى حرف الزاء بصورتك ويخاطبك على ما اردته
ويخدمك والبخور زعفران وزبيب صغار وبزر الزيتون واذا اردت استخدام خادمه وهو السيد غليث ايل اتلوا
الاضمار مع الدعوة واتلو القسم الجامع وكتب الحرف في خاتم معك واتلو الدعوة فانه يحضر عليك السيد غليث ايل اتلوا
عليه اسماء الميثاق وعاهده فانه يعاودك اذا خطر حصل ذلك ان شاء الله تعالى



وهذه صفة الحرف وهذه الدعوة تقول بسم الله
الرحمن الرحيم اللهم زدني شوقا اليك ورغبت اليك فيما اوجبك لي
ذكرك وما الذي يخفى لحظك واكني بنورك ولا استغني به على كشف
اسرار النقطة التي فوق حرف الزاء وبحق ياه واسالك تغنيني نورا
استغني به على كشف اسرار النقطة التي من خشيتها زالت الجبال
من هيبته رب العزة سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على
جميع الانبياء والمرسلين عجل ايها الحرف حرف الزاء وبحق ياه زياه وزياه زنديك بكوه زوه زوه تزوه تزوه تن وه بن عوع
بن عوع ياه ياه ياه الله رب العالمين حبيل جبيل كفنزوه سبحانه الابد كوالله تطمئن القلوب هيا هيا بطليطليا في عليليه
ديان هيان اصيان شيان طيان بمان سلوان عجل بحق ابالي واكشف لي من نورك واكشف لي عن اسرارك هيا يا ازا بعزة
من اصله وطبوله ويلكه بهكهوا احد وتوكل بجلب كذا وتوكلها هيا الحق لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وهذا
الحرف ذا القوة اسمانه عند البحر اقبل اليك الصيد باذن الله تعالى و اذا كتبت الحرف على صورة اربعة من حيوانات البحر
فانها تاتي باذن الله تعالى والعاقل يكفيه الاشارة لان الحيطان لها اذان وهذه صفة الاضمار تقول ايها السيد غليث ايل
بحق شعد رش هطاط هطاط بجيطها اجب بحق بنوه اهيا شراهيا ديو يوم حيوم زهى يد الوحا العجل
بارك الله فيك الوحا العجل

فصل في حرف الخاء

هو بارد في الدرجة الثانية وحار مع الحرارة
وهو من اسرار الحيات وعددها ثمانية لانها من نسبة الكرسي وهي اول درجة من فلك الاثير و من خواص هذا الحرف ازالة
الاسقام الذي عجزت عنه الاطباء وذلك ان تكتب حرف الخاء مع اسم المريض وتكتب مع ذلك كل حرف اوله الخاء وتكتب
في اناء وتمحو مع قليل من العسل الى الاربعين او مدة ثمان ايام فانه يبرا ان شاء الله تعالى من علته ولقد ذكرت في الاسماء التي اولها
الخاء اذا كان احد في خلوة في ايام الصيف وهو كان مسافرا في ايام الصيف فليتلو هذه الاسماء من طلوع الشمس وعند
الزوال وعند الغروب فانه لا يحس بالحرارة ولا بالعطش وفيه سر لارباب الاحوال في الدخول الى النار وذلك بعد الاستخدام
فانه متى دخلت النار فانها تنطفي و من خاصيتها الى تبطيل الشهوة فانه يبرد مزاجها اذا كتب الحرف على خاتم وحمل مع اسم
الملك والاضمار وذلك لمن غلبت عليه شهوة الجماع نفعه ذلك و اذا ربطت مع اسم من اراد هلاكه السلطان وكتبت
في رق غزال بمسك وزعفران وماء ورد وكتبت الاضمار وحملته امن اهله من ذلك و اذا كتب هذه الحروف ٣٦٦
مرة وكتب معه سورة الملك في جام زجاج وشربه البليد الفهم فانه بعد ذلك مهما سمع حفظ واعلم ان الخاء اذا
وقعت في اسم سيران اوغيرهن كان حكيما واحدا وان ظهرت في وسط الاسم كانت على العوالم اقوى واذا اردت تخبيل
عقل من اردت فكتب حرف الخاء والملك والاضمار والقرينة للحرف على قطعة من رصاص من القبائم او من اردت او
مقابل جلوسه فانه تذهب عقله واذا امزجت مع اسم من اردت واسماك بنجزه واعمال الغيرة بجلب المحبوب جميعا

وعلقت

وعلقت على تفاحة وتكلمت عليها بالاسماء الاضمار شاهدت من عجيب صنع الله تعالى وهذا الحرف خلوة جليلة وذلك
ان تدخل الى الخلوة وما لها من الشروط وتتلو الدعوة دبر كل صلوة ٢٨ مرة وانت تتلو الاضمار بعد ذلك وعدد الملك
في الخلوة ٨ ايام فانه يظهر لك نور ابيض تخاطبك منه صورة روحانية كانه القمر ونا خذ عليه العهد وتبقى اذا اردت امرا
تقول اجب يا حرف الحاء وافعل كذا وكذا فانه يكون ذلك وان اردت استخدام الملك طغيائيل فاكتب الحرف وادخل الى الخلوة
كما ينبغي لها من الشروط وانت تتلو الاسماء وتقول اسئلك يا حرف الحا
الا ما اجبت وجلبت لي الملك طغيائيل فانه يحضر فاذا اتى فاتلو حروف
الميثاق فانه يطيعك فيما تريد من خير وشر ونفع وضر وهذا صفة شكل

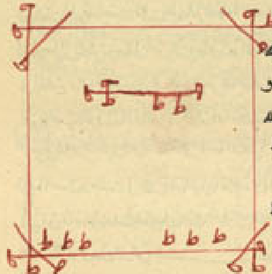


حرف الحاء وهذه الدعوة بسم الله الرحمن الرحيم سبحان
الله الحليم على من عصاه اللهم يا حليم حال مستقيم وانت عالم عليم اسئلك
بجاه محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم وموسى الكليم خذ بيدي
واجمع على امري فحصر قبي بامرك ومدني بالخيرات وصرفني في
قضاء الحاجات واجعلني مسترشدا بامرك واسعفني بقبول العمل في سر هذا الحرف حتى اصرفه فيما اريدها انتي يا حايا حا حميا احلت
بحلحميح حاح حطوح حبيب الحم حم حواحوى حرحت حرحت احرى حواى حراح فوالها اقضيت حاجتي بحق حلشيحا
حلشموشا المستقيم هي الساعة اسرع بالاجابة وتصرف فيما امرتك به الوحا بالعجل ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وافعل
تقول دهكح دهكح كتبالا تمكث بقيت كلا وحج ما اعظم شانه واعز سلطانه اجب ايها الملك طغيائيل واحضر الوحا العجل
كذا ثم تصرف فيما تريد

فصل في حرف الطاء

اعلم ان حرف الطاء هو مجمع الحرارتين وهو من الحروف العالية
وله سر وتصريف في العوالم العلويات وهو طيار في العوالم و من خواص حرف الطاء اذا اكتب في لوح والقمر في الطرفه ٩
طاآت و٥ هاآت وكتب الاضمار واسم الملك فان حاملها يقهر جميع العوالم و اذا اكتب حرف الطاء وعلق على من يشتكي وجع
الراس يبرا و اذا اكتب ٩ طاآت و٥ هاآت والقمر في المنزلة ثم انك علقتها على مولود فان ذلك المولود لا يقربه حيوان مودي
ابدا و من خواص عدد حرف الطاء اذا رسم في رق ٩ في رق في ١٩ يوم في الهلال وعلق على من اراد ان يمشي في نهر
لا يعيا و اذا اكتبت الحرف جولة وعلق على مكان فانه يكثر فيه الزبون وحامله يرزقه الاسباب الخفية و اذا وضع المقسم
تحت راس انسان امن الله من الاحلام الردية قاعدة كلية اعلم ان كل عدد مفرد يتصرف في عوالم البسيط وكل عدد مزوج
فانه يتصرف في عوالم البسط وهذا سر المهيمن الله الى خواص اوفاتها و من خواص الوفق ٩ الموافق لسر الاعداد اذا اكتب
الطاء حوله في كفا وتكلمت عليه بالاضمار وسكنت النار ودخلت فيها فلا تضرك و اذا حمل انسان هذا الوفق قل همه و
بطلت حركته ويصلح الى المحبوبين الذين طالت عليهم الغيبة ويكتب مع محل و ان كتب حرف الطاء في قطعة من كبريت والقيت
تحت سعر وانا يا حرق ذلك المكان و اذا تلوتها ١٨ مرة وكان الانسان بليد الذهن هون الله عليه ذلك و اذا اخذ
من تحت قدم من اردت ترابا وصورت منه صورة كاملة ثم انك تكتب الحرف على عدده ٨١ مرة ثم تتكلم على الصورة وانت في
صورة حلال وتكسر من تلك الصورة عضوا من الاعضاء فان المعمول له يتكسر منه الاعضاء وما كرت ان تق الله ايها الطالب
و اذا اكتبت حرف الطاء في دائرة وتكلمت عليها والقيتها في النار على اسم من اردت كان لها تاثيرا عظيما وهذا الحرف خلوة
جليلة وذلك ان تدخل الى الخلوة وتتلو القسم ١٨ مرة في دبر كل صلوة ٨١ يوما فانه يظهر لك الحرف وتعاهده على ما تريد
فيما تريد واعلم ان ما تقدم من التصريف يحصل لك بكتابة الحرف وتتلو ايضا الاضمار دبر كل صلوة العدد وتطلب
الملك عطيائيل تقول يا حرف الطاء احلب لي الملك عطيائيل فانه يحضر فتتلو عليه الدعوة واسماء الميثاق وانه بها

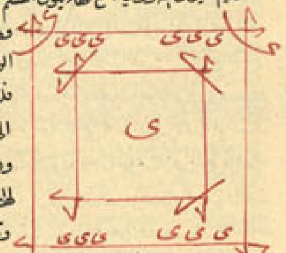
اردت فعل معك وهذه صورة الحرف



وهذه صورة الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم طلبت من الله
المعونة على مطلوبي حتى تطبق الى الطاء نظرة كذا او من طلطش باطاو
نتطاول بعظمة ذى الطول الشديد طيا طيوثا يا الله يا الله يا الله
يا رب العالمين ططيا طا ططلطوط ياه ياط طيطوطا طيوط ططموط
طيقطلوط طيلاط جهيط طيشطيشوط الوحا الوحا طيشطلشط طيشط
ططشكاشط تعطايه وطوله اطرد وامن طلطش بحق هذه الاسماء البطيط
بطيشر منه بطيط ططوه وحكم لا عليكم طلبت من ذى الطول
مطلوبي العجل اليه باحرف الطاء وانصر فيه على اعدائي والا اشكو الى علام الغيوب ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
والعجو طلب واعلم ان لهذه القوة على بابكم هروب العادو اذا اجريت به المصائب وامرته ان يحرقها احرقه والطرد الرياح
وطرد الاعداء من علم ذلك صفة الاضمار تقول اجب يا الملك الكريم عطيا ئيل بحق شمهط مهط شمط شمطوش
شلخ شلخ طلها اجب وتوكل في كذا الوحا العجل والله يقول الحق وهو يهدي السبيل

فصل في حرف الياء

وهو حرف ناري من حروف الكرسي وهو نور خلقه الله تعالى في سر الابداع ولما خلق الياء وكساها حلة التربيع جعل له
نسبة في العالم وكل اسم في اوله ياء النداء يكون امره من عالم الكرسي وهي حقيقة المنادى ولاجل ذلك كان نسبتها
في العدد عشرة ومن خواص هذا الحرف اذا كتب عشر آيات وكتب كل اسم في اوله حرف الياء وشربها السالك تيسر له احتمال ضيق
نيران الشهوات واذا كتبت ١٠ ياء على رق وكتبت الاضمار وسقيته الى من غلبت عليه الشهوات والمعاصي وشرب الخمر لطف
الله به وعوفي من تلك الحالة واذا كتبت العدد المطلوب على فاس وحرز به برى باذن الله بطهر بسرعة وبارك فيه للحال
وقال القرطبي رضي الله عنه ان حرف الياء اسم من اسماء الله تعالى وهو من حروف العظمة وان يس اسم الله واقول
ان كل قسم لا يكون فيه حرف الياء مع الطاء يكون القسم باطلا فاعلم ذلك وهذه صورة حرف الياء

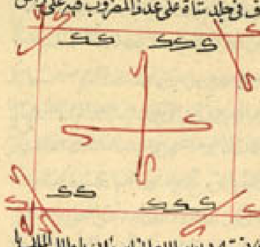


وهذا الحرف خلوة جليلة القدر تعطي صاحبها القوة القهرية على الارواح
الروحانية واذا اردت جلب ملك تقول اجب يا حرف الياء واجلب
فلان الملك او العون فانه ياتي به صاغرا ذليلا وصورة ذلك تدخل
الى الخلوة بشرطها وتمكث في الخلوة ١٠ ايام فانه يجيء عليك حرف الياء
ونوره ابيض فاذا جعت به فقل ما تريد باذن الله تعالى واما الخادم
لهذا الحرف اسمه هرهقيائيل والتلاوة في الاول والثاني ١٠٠ مرة
وتتلو الدعوة والاضمار وهذه الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم
يا دني يا علي يا محيي يا مميت يا حي يا قيوم لا اله الا انت احي قلبي بذكرك واليك اشكو ضعف قوتي وقلة حيلتي هب لي اللهم
موهبة من عندك تعينني بها على مصالح اردتها لطاعتك يا سيدي يا الله يا منعم بالنعم قبل استحقاقها يا محسن يا مجمل يا
متفضل يا ارحم الراحمين بحق حرف الياء حتى تبين ما ارمته من مصالح لي مولاي يعين لي فيه وبه استعين بالله عليه
فاذا لم اقسم عليك واعقل كذا وكذا واجيبني في ليلي ونهاري وعند نومي واصالي مستقيطا في واذعنا في ودعيا به
وسرعيا في صباى هياى سعسعوياى سلمى سلمى كلمن كلمن همن همن همن وسليا يا هيلا يا دا دا مطعو ياي خضر وياي
عذلياى لدوناى اهيا شراهيا ادونى اصبوت طيموت ياه حطوب مهداى وعداى دريايا ايشداى كليم كليم

سبحان من بذكره تطمئن القلوب سلطوناى كنغاى شقطاى شيباى اى اى اى وه ودياى الشداى مولى كليم عليم
سبحان من بذكره تطمئن القلوب سلطوناى كنغاى شقيطياى شنباى اى اى ياى ياه ياه ياه يه
يه يا باكشف لا يسمع وكيف ولا تعجب العجب العجب وقد قلنا ما قلنا واقسمنا اقسمنا عليك بنفسك وكيفيتك
من يكون او يجوز من عصى الله يهيه يهيه يلناى يلناى دقطيشيا سلسلنوه ياى عنياى تمهوشيا مشاى اى
اى اى كيف لا تفعلوا هياى هياى اشتى بامر كذا افكذا ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم والبحور لبو فوجهه نحو
امر عظيم في البعث والاستعانة على بقية الحروف انا بقوته على جميع ذلك صفة الاضمار تقول اجب يا هرهقيائيل
بحق ياه ياه يا هوه يه يه يه يه دمغيغ هلهف هلطف هلهف ملهش اجب وتوكل الوحا العجل والله اعلم واحكم

فصل في حرف الكاف

اعلم ان الكاف باطن الامر واصلها ثلاث الفات وانما تصرف بكل
ما تصرف به حرف الالف ومن سرها اذا نقشت في خرقة رقيقة وكتب معها املاكها والاضمار واوضعتها تحت
حجر في خاتم فان صاحبها ينال قبولا عظيما ومن خواص هذا الحرف اذا كتب مرارة على صورته وعدده ووضعها
في ملعقة ووضعت فوقها جمرة ووضعها على اشمال الطلا الطلا فان اللحم توقد فيه النار ويحترق ويحس انيما
من نار دخلة ذلك الطلا فانه سر عظيم واذا كتب حرف الكاف مع اضماره واسم ملكه على اربع شقف ودفن تلك الشقف
في اربع اركان الوزع ولحرف الكاف خاصية عظيمة يكتب حرف الكاف في جلد شاة على عدد المضروب فيه على راس
من حف وما عنه من الارياح والماخوليا والسوداء ابرءه الله تعالى



وهذه صفة حرف الكاف ولهذا الحرف خلوة جليلة والمستخدم
لهذا الحرف يكون له كفاية ولهذا الحرف معان لطيفة لمن دبرها فاذا
حضر هذا الحرف في الخلوة يحضر ونوره اخضر فيتصور ويخدم الطالب
وتزجر به جميع الارواح الروحانية الهوائية وهذه الدعوة تقول
بسم الله الرحمن الرحيم كتبت بكرم الله وكلمت
بحمد الله وكشف وما النصر الا من عند الله لا قوة الا بالله ولا حول ولا قوة الا بالله اللهم اني اسئلك يا مالك الملك يا
ذا الجلال والاكرام يا من امره بين الكاف والنون يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون اللهم اني اسئلك اللهم
بكاف كفايتك وكرمك وقوة ملكك ولام لطفك وميم مجدك ان تكفيني بنور كاملك آتني به كلا ولا حجابا لا لا اله
يا اكرم الاكرمين يا كافي اكفنا شر كفايتك الله مكون الاكوان حتى يكون بكل الكائنات كنا بجمل لا يرد على روع ولا
يعترك فوق كفاعوك كفكفوك كفك يشرهنوك وطيبوك وعمعوك ومياك ومياك ك ك ك
ك ك ك ك ك كيروك كهيك كافي يكم كاكتم كاملون كلكلو
كلوك كلك كال كاف كيف كي كاكتم كاملون كلمي محل يا كاف تبارك
لا يفوتك كمن كان كاذيا في الكون هيا يا كاف بكل الكل سبحان من بذكره
تطمئن القلوب يعلم ما حوى الضمير وما تخفيه الخواطر وما يريد القلوب آه آه آه آه ياه آه ياه لولاه لولاك
كلمتك كلاما يتضمن استغاثة وبطاعة اجب بارك الله فيك وحفظك ودعالك والسلام عليك ورحمة الله وبركاته
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم والبخور كزبرة كندر وكافور فاعلم ذلك والتلاوة في دبر كل صلوة ٨٠ مرة
والاضمار شدة فاعلم ذلك صفة الاضمار تقول اجب يا السيد بارك الله فيك وعليك بحق سعوراه سعوراه
هميط هميط حيث شعور هميطاه خطش شعد ويش اجب بارك الله فيك الوحا العجل الساعة الساعة

فصل في حرف اللام

فصل في حرف اللام اللام حرف تعريف وهو من حروف الاسم الاعظم وهي من حروف البسملة وظهر
في اسم اللطيف وهذا الحرف هو حرف الطالب وله افعال تاطعة في جميع الاعمال وكل اسم يكون فيه هذا الحرف فانه
يكون عالي الهمة اذا كتبت هذا الحرف على عدد مراتبه وسقيت ذلك الى صاحب العوارض واذا اردت قتل العاشق
فاتلوا القسم وقل احرق يا حرف اللام هذا العون فانه يحرق و من علم التصريف ما لا المراد وهذا الحرف ملك واسمه لطيطائيل
فاذا اردت استخدامه فادخل الى الخلوة بشرط الرياضة واتلوا الدعوة دبر كل صلوة ٣٠ فانه يظهر لك الملك فاتلوا
عليه اسماء الميثاق وخذ عليه العهد وكذلك تتلو الاضمار العدد المذكور واعلم ان حرف اللام امام من الائمة بين
الحروف وهو الحرف المسمى بسيف الطالب وبه تزجر العلوية وياتي بالملوك العلوية سوق واذا احضرك الخلوة فانه يظهر
وله نور ابيض يبهره وينبغي لك ان تكتب صورة حرف اللام في راسك وتتلوا الدعوة فتقول بسم الله
الرحمن الرحيم لله العظمة والكبرياء لا اله الا الله الرحمن الرحيم يا لطيف اللهم اجمع شمل بحقك فلك الحمد ولك الشكر يا من
لي كل صعب يا الله يا الله يا الله يا لطيف يا لطيف يا لطيف يا ا ل م ٣ لك الالاء والنعماء اسألك اللهم بطلع انوار
عظمتك البينة حتى انقضى بنورها على كشف سر اللام ابن الجعلب يا امر فا في دعوتك الله العظيم الذي لا اله الا هو الحي
ايها الملك واتني بمن طغى وتمرد من الملوك والخدام اجيبوا يا من دك
الجبال الشوامخ لهيبته وتقشعر الجلود من خيفته صمد قيوم مجيد
كل شيء لعظمته وخضع كل شيء لجلاله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى
والصفات العليا لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف
الخبير الوحا يا لام لا تقبل مع القوم الظالمين سبحان الله العظيم
لا اله الا هو من اطاعه نجا ومن عصاه هلك اهيا العجل يا لام ما البلاغ
ليال امليال رعنا يال وشرها لعطفطيائيل وعنيائيل وسلسائيل
وشطونائيل وشمشطوليال وصصميائيل وحربائيل وشرخيائيل
اجيبوا بالعرش المجيد والكرسي الواسع لمن لحاجتك اما دعوتك وسلطتك على من عصاني الارواح من يعقل
للشيء كنفيكون هيا يا حرف الطالب وافعل كذا وكذا هيا ايها الخادم من الارواح الروحانيين وبحكم الذي لا شيء
اعظم منه ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم والنجوم قطب لعزا ولوبان وليبوفي و اذا كتبت هذا الحرف واسقيته الى كل
محموم عوفي صفة اضمار حرف اللام تقول اجب عفيط عفيط طهش طهش جليد محلش واحب وتوكل الوحا الوحا العجل
الساعة العجل

فصل في حرف الميم

فصل في حرف الميم اعلم ان حرف الميم يشتمل على ثلاث عوالم عالم الملك وعالم الملكوت
وعالم الجبروت وقد ذكرنا ذلك تفصيلا في كتابنا لطائف الاشارات و من خواص حرف الميم اذا كتب ٤٠ مرة وكتب
مع ذلك قوله محمد رسول الله الاية العدد المذكور وحملها انسان فتح الله عليه الامور الخفية ويعطيه الله تبارك وتعالى
علم الكشف على العالم الملكوت و اذا كتب هذا الحرف ومعه كل اسم اوله حرف الميم فان الله تبارك وتعالى يعطي حامل
هذه الاسماء هيبة وقبولا عند اهل العالم الاعلى ومن رسم حرف الميم في حيطان الخلوة ونظر اليه كل يوم ٤٠ مرة وهو
يتلوا قوله تعالى قل اللهم مالك الملك الاية فان الله تبارك وتعالى يعطيه نفاذ الدعوة بين العوالم و اذا كتب حرف الميم
٤٠ وكتب الاضمار وكتب اسم الملك على خاتم من فضة او ذهب والقمر في الحوت وحمله الشخص فانه يملك قلوب جميع
الناس بالمحبة والقبول بين الناس و اذا كتب هذا الحرف مع اسم من اردت وربطته وتكلمت عليه بالدعوة والاضمار
جلبته لك في ليلة فان المطلوب يهيج هيجانا عظيما ولهذا الحرف خلوة جليلة القدر وذلك ان تكتب حرف الميم في الحائط

وتتكلم بالدعوة ٤٠ مرة وكذلك الاضمار فان الملك يحضر في الخلوة اذا استخدمت هذا الملك فعلت ما تريد من
فتح الكنوز وجلب الامور المعجبة وكذلك اذا اردت استخدام الحرف بنفسه فاتلوا الدعوة دبر كل صلوة ٤٠ مرة وانت
تقول اجب يا حرف الميم وملكني من روحانيتك روحا
يخدمني وهذه صورة الحرف الذي ترسمه وهذه صفة
الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم
ملكني اللهم ملكا من ملائكتك يلكني به يا مالك الملك
ذا الجلال والاكرام يا مؤمن يا مهيمن يا معطي يا مانع يا مالك
الملك اللهم ملكني وامرجيه وحابيني يا ارحم الراحمين اجب
يا ميم واطلع حركات الكنوز واجلب الارزاق والق محبتي
في قلوب جميع المخلوقات والمحنوع لمحبة من لمجالك يا ميم

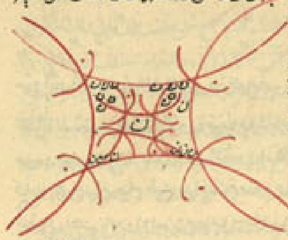


سبحان الله يا نعيم يا منعم الشام المرء فضل العلي يا مجيد السما يوم المروء هيا تعيم تعيم وهيم لا شميم ودميم الاواحد ما
الصراط المستقيم هيا بمستقرئ يام ودوه قونيام وشربايام واه صريام ولقد سلطهم وسلم هوهم الوهيم حليم الله رحمن الرحيم
موجب موهب محي محمد بمنقدم دوبيام مدرديام محفوليام دعليام قطونيام بمهد لوبيام مهد وفنيام مهدق شيام
كيا دبام هيام ميام حيام طيام صيام غنام منام صغيام صغرة من الله عليك بالمهلة بلمهلة والا علنك بالملائكة
المقربين اجب يا ميم والا اجزت جبرائيل وميكائيل واسرافيل واحرم مهرطائيل بقوة الله الملك الكريم شمشمائيل
ميم ملا الدنيا صنعته سبحانه خالق الامر لا اله الا هو الرحمن الرحيم اكرم اللهم حرف الميم حتى يكون بين العوالم من المقربين هيا
وارجع الى كرامتك من ايها الكريم اصطبا ايها الميم واطرد هؤلاء العارض مكانك الوحا العجل وعليك السلام ورحمة الله وبركاته
امين صفة الاضمار تقول اجب يا شل جبل بارك الله فيك بحق تجشيا لق تجح ياه بموهاهيا بحشيط كهيا طوذ
الانور ضوء الانوار بارك الله فيك الوحا العجل اعلم ان بهذا الحرف فتحا كثيرا ان اردته بالاستخدام وتجربه بالتجوز بالمصطفى
فاعلم ذلك والله اعلم

فصل في حرف النون

فصل في حرف النون اعلم ان حرف النون حرف ظلماني نوراني باده يا برو و من
خواص حرف النون اذا كتب ١٣ نونا على مرآة وكتب معها قوله تعالى الله نور السموات والارض الاية واستنزلت فيها روحانية
اي كوكب اجابت لك الارواح الروحانية و من كتب حرف النون على فص خاتم والقمر في بيت الحرف وكتب معه الاضمار وتوضع
لاكن اول الى مكان متوهم فان الروحانية تهابه ولا تقصد اليه و اذا كتب حرف النون على ما ترى ووضعه على من يشتكي
الم القولنج او وجع الجوف فان الله يعافيه من مرضه بعون الله وقوته و اذا كتب هذا الحرف والقمر فيه على لوح من رصاص
وكتب مع ذلك اسم الروحاني فاطلقه في البحر فان الاسماك تاتي اليه وتجتمع الحيتان من كل مكان وايضا الى صيد البر من
الغزلان والارانب وما شاكلها ارسم الصورة وكتب اضمار الحرف والحروف وتوضع في ذلك المكان فان الارواح تجمع
لك تلك الصورة باذن الله تعالى و من كتب حرف النون وكل اسم اوله نون فان حامله يفتح الله عليه الارزاق فاعلم ذلك
و من خواص هذا الحرف لحفظ الاموال واثبات الكنوز وصورة ذلك ان تكتب هذا الحرف على حجر ٥٠ مرة و
تكتب الاضمار وانت تقول اجب ايها الحرف واحفظ هذا المال فان الله يحفظه ولا يقدر احد ان ياخذ منه شيئا الا من يتلو
الدعوة ويتجرا بالبخور وكثيرا ما عملوه اليونان في كنوزهم ويتولد من هذا الحرف مانع السن و اذا اردت الدخول الى المكان
وفيه مال فاكتب الحرف والقمر على كوم المال وخذ بيدك وانت تتلو الدعوة وهذا التصريف كله قبل الاستخدام و اذا
استخدمت الحرف او الملك فان ذلك لا يحتاج الى هؤلاء الاعمال والعاقل تكفيه الاشارة و كذلك تغوص في المياه فتصعد الى

الحرف بهذه المنزلة وترسم الحروف كما تقدم على لوح من رصاص او على حجر او على قطعة شقفة وتكتب الاضمار
حول الحروف وتتكلم بالدعوة ثم ترمي اللوح في الماء فان الماء يغور **و** اذا اتيت بديك او كلب وتكلمت بالاسماء
وكتب على تراب ووضعته في رقبة الديك او الكلب بشرط اذا اهتز التراب في المكان فان العمار تهرب
اذا كان المكان فيه سدة فاكتب هذه الحروف على باب المكان مع الاضمار فانه لا يعود فيه **و** اذا كتبته على لوح
من رصاص محكم قدر الكف ثم رايت رملا ورمل ووضعت اللوح على ذلك الرمل فانه يخمد باذن الله تعالى **وهذا الحرف**
حلوة جليلة القدر يعطي صاحبها امرا عظيما لا يطلع عليه الا من يشاهده واذا هبط حرف النون كانه نور الشمس فيعاهد
يخدمك وقد تمت الشرف الاعلى والتلاوة لهذه الدعوة **٥٠** مرة وكذلك تتلو الاضمار فانه يظهر لك **و** ان اردت استخدام
الملك الموكل بهذا الحرف واسمه **طغوياييل** وان يبطي عليك فاطلبه من حرف النون فانه ياتي فاذا اتى فاتلوا عليه
اسما الميثاق ثم توكله بما تريد **وهذه صورة حرف النون**

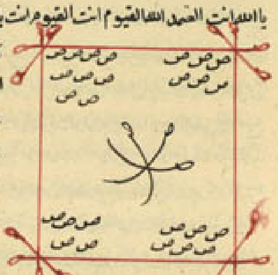


وهذه صفة الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم
نور اللهم قلبي وشعري وبشري وبصري وجوارحي وبدني بنور
المشرق وبنورك الذي نورت به اهل طاعتك يا منور الشمس
القمر بانوار النور اسم نور السموات والارض الاية واسالك
بنورك ان تهديني وان تغشيني بعينك يا ارحم الراحمين وارسل
لي حرف النون ليتولى بنورك يا نور النور يا هادي يا نور
يا سبوح كل نور اسالك ان تويدني بالانوار يا من يجيب المضطر اذا دعاه ان ترسل حرف النون وان يبرز لي في خلوتي هذه
حتى انال منه ما احب بتلالؤ انوار الحجب وبنور الخالق هيا يا نون الذي لا اعظم من نوره هيا النهوض الى دلوقتي
الوا مبنون والقلم وما يسطرون وبالنار والنور والظل والحرور والسنا والحرور وبمستقر الارواح عولها بن بيان
بنوريان شربان جربان شمشون شمشون عليون عليون طليون طليون قهريون ستيان بيان وبان دبان
يوم الدين وبالله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم **وهذه صفة الاضمار** تقول اجب يا ملاك طغوياييل بحق شلشل
شلشليليح شهغيلح شرديخ مرديخ صيفش فخم ياه موه موه نور الانوار اجب وتوكل الوحا العجل الساعة امين وبحق
رجيم جاولى ونطر باللوامع نوره كلمح والله اعلم بالصواب

فصل في حرف الصاد

وهو حرف يابس
في الله حرارة الرعية على الجملة والتفصيل فيه حرارة **و** من خواص حرف الصاد فيه صيانة وحرز **و** من كتب حرف الصاد مع
الاسماء التي اولها الصاد في بطاقة حرير وكتب الحروف وكتب معه قوله تعالى **ص** والقرآن الاية فان حاملها ينال المحبة وا
القبول وعقد اللسان **و** اذا كتب حرف الصاد مع الاضمار وحملها صاحب الصداع الكائن من الشقيقة والاوجاع **و** اذا
كتب حرف الصاد على بيضة وسلقت واطعمت الى النفسا والحامل سهل الله عليها الولادة وهذا الحرف من خواصه الرجيع والسل
والقروح تكتب الحرف الشريف في اناء وتمحاه بزمزم وتكتب ايضا الحرف بعدد ما وتعلق على ذلك الشخص فان تلك القروح تنشف
باذن الله تعالى وهو حرف جليل القدر وهو صد الحروف وهذا الحرف اذا استخدمته فانه لو سلط على مدينة لاخربها وبو
ارسله الى الملك لاتى به في الحال وصورته استخدامه انك تدخل الى الخلوة بشروطها وتتلو الاضمار الشريف **٩** مرة في الاوقات فانه
يهبط اليك ونوره ابيض مثل نور الشمس واذا حضر ما خطر لك حصل لك المراد وينبغي لك ان تكتب له صورته ومعها وتو
في الخلوة وان اردت استخدام خادمه **هطغيائيل** فاتلوا الدعوة والاضمار فانه في الحال يهبط ويتراءى فاتلوا عليه العهد و
الميثاق وعاهده وصرفه في كل ما تريد **وهذه العزيمة** تقول بسم الله الرحمن الرحيم الله صمد يا صمد

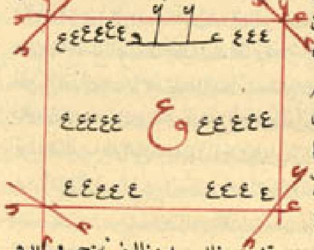
يا الله انت الصمد الله القيوم انت القيوم يا قيوم يا ديان يوم الدين اسالك اللهم بحق اسمائك التي هي اعظم



الاسما واجلها واشرفها واكملها واعزها واوثقها واسالك بحق
اسمائك العظام يا حليم يا مولاي تحسن الي بلطفك والطف بي عند
عند زوال الشدائد وارفق بي راقة المحب والمحبوب يا رؤف يا رحيم
يا لمص شوش لي يا حرف الصاد حتى اشاهدك عيانا واسالك النجاة
وتخدمني فيما ينفعني من امري انك على كل شيء قدير الوحا العجل
يا حرف **ص** هيا بحق القلم في اللوح المحفوظ وتوقي الحوب
بحق صاص صوص مصمص صليص صاد بص صاد بص بصيص
بصيصوص صفبصوص صبيوص صواص صوص صيرف ارقيك وارصدك حتى تحرج لي صبرا وشوير يا بيصيص
يا من الواحد الصمد ان ربك لبالمرصاد لا يضعد بصر كرتيا الله يا صمد اجب يا بان سليمان بن داود وما مات الا
هو عليه راض ولا حول ولا قوة الا بالله العلي **اعلم** انه متى اشرت الى هذا الحرف بامر من الامور في الحال اقضاها لك

فصل في حرف العين

وعليك بالطهارة الكاملة والبخور في ثلاث اوقات بكل صبح هو بخور هذا الحرف
هو بابدر رطب وبه امد العين ينظرها الى النور **و** من خواص هذا الحرف اذا كتب على عدد الظاهر وكتب معه كل اسم
اوله عين في بطاقة والعسر فيه اللذة فان حاملها ينال المحبة والطاعة عند المخلوقات **و** اذا احمل هذه البطاقة بليد
الذهن والفهم فان الله تبارك وتعالى يعطيه الفهم **و** من خواص هذا الحرف انه ينفع ضيق النفس يكتب هذا الحرف ويكتب معه
قوله عالم الغيب الاية ثم تكتب في اناء وتوضع فيها قليل من العسل ثم تذاب وتسقى فان الله تبارك وتعالى يعافيه باذنه
و اذا كتب حرف العين في يوم الجمعة وكتب الاضمار في حرير ابيض ثم انك تضعها في خاتم من الفضة فان حاملها ينال المحبة
والقبول بين الناس **و** اذا كتب حرف العين على عدده ثم انك كتبت الاضمار معكوسا في خرقة حرير زرقاء وتجزم برقع
وتتلو عليها الاضمار وتدفن في المكان الذي تريد تعطيله **و** اذا كتب في رصاص في يوم السبت كان له تاثير في جميع



الاشياء **و** اذا استخدمته هبط عليك وصورته رجال
اعلم انك اذا اردت الدخول الى الخلوة فاعتقد الى خلوة
جليلة وفي الخبر وطاقة انك ترسم هذه الصورة في ورقة
وتحملها في راسك فيحرز العز بعت والعود وانا دخل في
الخلوة ترى هيبة عظيمة والطالع لا يخفاه الطريق وكذلك اذا
اردت استخدام خادم هذا الاسم واسمه **شراهيل** فانه يجد ملك
خدمة عظيمة **و** اذا اردت الدخول الى الخلوة فادخل بشروط
الخلوة واتلوا الدعوة **٧٠** مرة والاضمار كذلك تتلو وبك اذا استخدمت هذا العون او هذا الحرف فانه جميع احوالك
اتى اليك وانما ذلك مسموع وما علم ذلك **وهذه صورة الدعوة** تقول اللهم علمني علما نافعا الذي علمته الى اوليائك والهم
الي قلبي وانفعني بما علمته الى الاخصاء من خلقك وطلب المستعان وعليك التكلان اللهم الطف بي بلطفك حتى استعين
على علوم استخرجها الا اهل طاعتك ودعاني من هذه الذلة وتعطف لي عطف قلوب جميع المخلوقات وتعطف على يا عاطف
بين يا عطوف يا رؤوف يا ودود وسخر لي عبدك حرف العين وثبت قلبي لمخاطبته وارسله ليعطف بهم انبياؤك واولياؤك
الكرام يا عليم **٣** يا غني الوحا يا عين بعلعيع بعلعيع وعضعوع وعسلطيع وعوع وعسلطوع وعسلوع وعنعوع

وعفوع وعلسيع وعسطيع عسطعوع وعيسع وعتيسع وعرتسع وعساء وعمعك اعملوا اما اجب يا نعوايا
امرنك يحق السر العبيبي وبحق عسوع سعوع عمى النعسع عسوع عسعوع عمى عسيع سعه سعه ايات بنيا
احذمني ايها الحرف بارك الله فيك واقسم عليك ايها العون المبارك اسراهيل بعظمة الله والاية واسمائه وبحق من له
العزة والجبروت وله الاسماء الحسنى وبمن لا يطلع وعرش لا يزول وكرسي لا يتحرك الوحا العجل العجاليع العجاليع
بجاع عياء اجب بما فعلت بمن يعلم السر واخفى لا اله الا هو له الكبرياء وهو رب العرش العظيم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم **صفة الاضمار** تقول اجب يا اسراهيل بارك الله فيك بحق تخطط تخطط عدبق عدبق اردبقا اردبقا سع
باه بنوه على طور سيناء ونادى انا الله اين اسيرهلها ياه بنوه اجب وتوكل الوحا العجل **واعلم** ان هذا الحرف اذا
حصل الى الطالب عنايه فان الله تبارك وتعالى يعلمه العلوم ويعلمه الصناعة الالهية وانا قول ان هذه الدعوة هي
عجايب وحفظ الصناعة الالهية والله اعلم بالصواب **فصل في حرف الفاء** وهو حار رطب من التفصيل
وفي المجلة حرارتين **و** من خواص هذا الشريف الابراء الفالج تكتب هذا الحرف على عدده في اناء والقمر فيه الحرف وتحل
بالاربعة عشر ادهان واي الكل دهن بحرف من هولاء الحروف **ذ ب ق ج ن ف س ل ح و ين خ** دهن اناك
تدهن به صاحب الفالج ويكم على تسع مرات يبرأ باذن الله تعالى **و** من خواص هذا الحرف لمن ثقل لسانه من الاطفال يكتب
هذا الحرف والقمر فيه على عدده ويكتب الاضمار ثم تحمله الى المولود فانه ينطق ان شاء الله تعالى **و** اذا كتب هذا الحرف
في جلد يربوع ووضعته في مكان فان الهام تاتى اليه **واعلم** ان هذا الحرف له العمال في الحال مثل طفى النار وطرد العقارب والقاء
النار وما علم السر امم الامر **وهذه صورة الحرف**



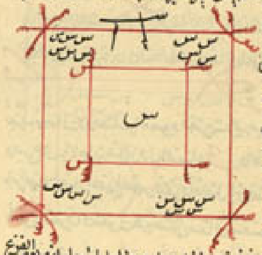
واعلم ان هذا الحرف خلق جليل فاذا اردت الدخول فاعتمد على
بركة الله وعونه بامتثالك على الخلوة واكتب الحرف واتلوا الرقيق
ثم الاضمار ١٠ مرة وادخل الخلوة لميقات المعلوم فان هذا الحرف اذا
حضر اليك واتخذ منه امدك باسود عظيمة لا تدخل الى مخدعك
ولا ينبغي لنا ان في كل حرف ان نظهر الاسرار بل اذا علمت وعرفت
فالزم وكذلك اذا اردت ان تستخدم الملك القائم بخدمة هذا
الحرف فاعتمد الى مكان واحتجب وادخل الدعاء واسمع اليه
والاضمار واسم هذا الملك **شطيطيائيل** فاذا اهبط فاتلوا عليه اسماء الميثاق فانه يخدمك في امورك **و** اما معنى
قولنا هذا الحرف يطفي النيران وذلك اذا كنت في مركب او مكان فيه نار فامره بابطالها فانها تبطل وكذلك اللدغ القاتلة
و اذا كتبت الحرف والقمر فيه في شقفة وكتبت الاضمار وعلقت بابطال النار فعل **وهذه صفة الدعوة** تقول
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسألك يا من يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد له الحكم وله الامر واليه ترجعون
لا راد لحكمه ولا معقب لقضاه ولا مهرب لعبيد عن معصيته لا نتوجه ورحمته اسألك اللهم بالافعال الربانية والانوار
الساطعة الروحانية النورانية يا من له الالاء والنعماء لا اله الا انت هيئ لي من امري رشدا **افريافا** بفعل الاعقد
لي نجد من الاجابة فلسوق اشرف نبوديا بيل فنوفي وفيك يوفق الفوز الجان يفلهنوف فيلوق فيلسوق
نبلسوق بطلسوف سعفروف نكفروف نكبروف وتابوف نبارهوف شهتوف شهوف سهسهوف
شفاشفا شف شففي شفف شففف شفيف شفيف ففيشفشو شف ففيشف شيففسفسيفسو
وففيففيف فلفيش شفشفف فلفيش بابر لبا فاهيا يافا فافا فالك مسلولا وسوفيا واتى ولا تاتي في غضب

التجليه

الرقيه

البهام

ولا قوة الا بالقوة القائم الملف بيني وافعل كذا وكذا الا بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وتنحز بفلفل وفعل **و**
صورة الاضمار تقول اجب يا **شطيطيائيل** بحق شطيف شطيطال كبط كطرزطش بطبش كتم كتم هيك حب
واكشف الحجاب بيني وبينك الوحا العجل **فصل في حرف السين** وهو حرف بارد يابس وهو
من حروف الاسم **و** من خواص هذا الحرف اذا كتب على قطعة حرير والقمر فيه ثم كتبت عليها اسم الملك العلوي مع الا
ووضعت تحت فص خاتم فان حامله بال الهيبة بين العالم **و** من خواص هذا الحرف اذا علقت في مكان تطلب فراغ
باني وان امرته بابطال الريح من مكان فعل ويضر في التهيج اذا كتب وتبطع مع اسم المطلوب وعلق في الهواء مع
التوكيل **و** اذا كتب هذا الحرف الشريف مع الاضمار والدعوة فان حامله بال الخير والبركة ويحفظه الله تعالى من الاشياء
المؤذية ويتصرف هذا الحرف فيكل ما يتصرف فيه حرف الجيم **وهذه**



صورة حرف الشريف السين واما الخلوة والاستخدام فتدخل
الى الخلوة وتتلو الدعوة والاضمار دبر كل صلوة ٦٠ مرة وانت
تقول اجب يا حرف السين واتني وافعل كذا وكذا فانه ياتي من
داوم على تلاوة هذه الدعوة ورزقه الله العشق والمحبة في الله ولكن
لا تفعل في التهيجات **وهذه صفة الدعوة** تقول بسم الله
الرحمن الرحيم سلطانك من وضع المذلة على رقاب عباده انهم من سطانه
خاضعون يا من تفرد بالعزة والبقاء والعظمة والكبرياء بجميع خلقه من خيفته داخلون امره يعز اولياءه وامانهم يوم الفزع
الصنوت اسألك اللهم بالقدرة التي نظرت بها الى السموات فتقعقعت والى الارض فانبسطت والى الجبال فانتصبت والى العيون
فتفجرت وجرت والى القلوب فخشعت وجلت والى الالسن الخرس فنطقت فقالت انت الله الواحد القهار ان تكشف بنور اني
به عن الكشف على حرف السين حتى استمتع بالملك **شمشمائيل** بالاسم الكبير الاكبر السماوي وامرته في شغلي بامر الله فانه
سيدي نكيدم كيدان وكسان سفرت محبوب وار مشقر عشق وهمة عجل الى مرادي سلوس كحبيد الوادي والبادي ولا الو
هو سيد الاسياد يا هو يا هو هو وهيا هيا نمادخول السر ومن سرهذه الالفاظ شسيسلبطيمسليط وهيا بالف لا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم **وصفة الاضمار** تقول اجب **يا هطيفيل** بحق سعطيع سع تسع علطيخ علطيخ
سع طيخ بنوه باه هو هو ياهو سالم من رب رحيم الوحا الوحا اجب وافعل كذا الوحا **و** اذا اردت الاستخدام فافعل
كما تقدم والله اعلم بالصواب **فصل في حرف القاف** وهو حرف قبض وبسط واحاطة وهو حرف يابس
في الدرجة الخامسة **و** من خواص هذا الحرف الشريف انه يجذب الحرف الى قهر الاعداء والى صم الالسن **و** واذا كتبت هذا الحرف
وكتبت معه كل اسم اوله القاف في خرقة حرير ووضعت تحت فص خاتم ووضعت تحت حجر ياقوت او عقيق بان وحمله
انسان فانه قبول عظيم **و** من خواص هذا الحرف انه يزيل السحاب وذلك ان تكتب هذا الحرف الشريف ١٠٠ مرة على ورقة ثم تعلق
في الريح فان الغيوم تتقطع **و** اذا كتبت هذا الحرف على عدده وسقي لمن به مرض من الرطوبة عوفي من ذلك باذن الله تعالى
و اذا كتبت هذا الحرف الشريف في لوح من فضة وكتب معه قوله نعم قل اللهم مالك الملك وحمله معه من تعسرت عليه ارزاقه تيسرت له
ويبرئ عليه ذلك **و** اذا كتب هذا الحرف والقمر فيه على ورق الزيتون وعلق في الاخ نبات الزيتون وادهن به الملفوح مرارا
عوفي من ذلك ان شاء الله تعالى **و** اذا كتب هذا الحرف على عدده وعلق على من به النوازل من راسه عوفي من ذلك **و** اذا
اردت الموضع فقل يا قاف وقف فقف ثم اتلو الاضمار فانه يوقف المراكب في بحره وبه الضارب **واعلم** ان هذا الحرف
فيه قوة الانقلاب وذلك انه يجعل الحلو مرا والمر حلوا وهو على الحار حرف قهري واذا سلطته على مباح خطفها وكذلك خطف

بحرف م

ولا يوجد

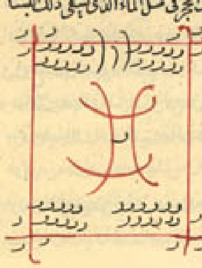
الملوك العلوية وبرميهم في البحر المسجور وكذلك الوحوش واذا استخدمته فعلت كما تريد من الاعمال وصورة الحلوة
ان تدخل الى الخلوة وتدعو الدعوة مع الاضمار وتتلوها دبر كل صلوة ١٠٠ مرة وترسم صورة الحرف في راسك وصحيفة
وهو مثل الشمس وله نور يشرق على الكون يراه السالك في خلوته ولا يكون جلوسك الا على القبلة وصورة الحرف هكذا



وكذلك اذا اردت استخدام الملك القائم به وهو السيد عزرائيل فادخل
الى الخلوة بشروطها واستدعه فاذا حضر اتلوا اسماء الميثاق وخذ عليه
العهد فانه يخدمك في كلما تريد وهذه الدعوة تقول بسم الله
الرحمن الرحيم قد تك اللهم قاهرة لاعدائك وقوتك وهيبتك فانها لا
اطيار لك اسئلك اللهم ان تقبلني على شاطئ قربك يا القريب اليك يا الله
يا قريب قلبي قوي حتى يلحق بابواب بهيمة وتستقر بقاف قدرتك واشد
تقويتك يا قوي قوني بقوتك فقدرتك القوية حتى يقرب البعيد لا
يقرب بوصالك وقربتك بالمقصود فقربت اليه بالقاف وبقلقلة القاف حتى لا يستقر الا بقربه اليه احب يا ق
واسرع لي بالاجابة قبل نزول القضاء ق والقران المجيد فتنو بالقليل من غير قنوط بالاجابة اجب وتوكل على كذا
يا الجبار القهار المقهور المقهر قلقل وتقلقل باق قف عن السكون واسكن من الوقوف حتى تقضي حاجتي وشغلي قففففقو
نلقو وشرق وشقوق هرشقشق شقاق شقشقشق شبقبق شلق شلق شلق على من صعق وعصعيا يا بوشق
شق بوشق دشق رشيق هرشقيق شقاق شقشق شقبق شقبق حرق ودقرق قرنيق رشيق رشيق رشيق وحرق
حرق شريق اهيا الملاء الملكوت وتنجح اسرافيل وقبضة اسرائيل وصيحة جبرائيل واخذ الارواح لعزرائيل لا مهرك
باق في حي تقضي حاجتي وتخدمني بعزة الله ليقضي الله امرا كان مفعولا سبحانه يحكم ما يريد وانت بنور الله مستقر ولولا انت
قف قليلا حتى ترى من قدرة القوة لله الحي القيوم القوي اجب والسلام عليك ورحمة الله وبركاته ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم وتنجز بقضاء الحاجة وهذه صفة الاضمار تقول اجب بحق عطليف عطلطف مقطط معقطا عليه ياه بنوه فهر
بنوه اجب ايها الملك عزرائيل وافعل كذا وكذا الوحا العجل

فصل في حرف الراء

اعلم ان حرف الراء بارد
رطب في الدرجة الخامسة و من خواص هذا الحرف الى تسكين الصداع اذا كتب هذا الحرف على عدد مراتبه في جلد من اهل قديم وتدفن
تحت عمود الدق فاتبيت عليه الاضمار فان الذي على اسمه يحصل له صداع عظيم و اذا كتبت هذا الحرف والقرعة وانت مستقبل
القبلة وانت تتلوا اسم الرحيم وتعبد ذلك لا تجعل ما كتبت فان الله يرزقك من حيث لا يحتسب و اذا كتب هذا الحرف في قطعة
من ساق جمل والقرعة هذا الحرف فان حامله لا يتعب ولا يغلبوا ان هذا الحرف من الحروف المتحابة و اعلم ان هذا الحرف نافع في
الشجر فانها الى الجنين بعد الاستخدام و اذا كتبت هذا الحرف في حجر ووضعت ذلك الحجر في مثل الماء الذي يسقى ذلك البستان

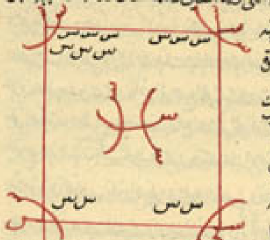


فان اثماره تنمو واشجاره تحمل وصورة هذا الاستخدام ان تدخل الى الخلوة بما ينبغي
من الشروط وانت تتلوا الدعوة الشريفة فانه يحضر بصدره مشقوق فان تخضه
فانك متى ترى المصروع واشرت اليه فانه يبرا باذن الله تعالى وان عالجته قبل ذلك
فعل ذلك علم ذلك وهذه صورة حرف الراء وان اردت ايضا استخدام الملك
القائم بخدمة هذا الحرف واسمه دهريائيل فاذا هبط اتلوا عليه اسماء الميثاق
وخذ عليه العهد واصرفه فيما تريد وهذه صورة الدعوة بسم الله الرحمن الرحيم
رب اسئلك بعدد اروحانيا اضيا بقوى بها بقوى الكلية والجزئية حتى اقهر نفس كل

جبار في الكليات والجزئيات حتى اصير نفسا مقوشة نفيسة فتقبض عليه رقابها فيقاضيا يسقط بالقوافا حتى لا يبقى في
الكون نور روح الاوان انا احمد بها لطهورهم بقوتك يا عزيز سخر لي حرف الراء و س خاصيته حتى اقضي بها شغلي واربي
وامري يا الله يا قوي يا ذا القوة البطش الشديد يا هادي يا نور يا حي يا قيوم بهوه بهوه بموه اهيا شراهيا بهوه يهوه
ياه ياه يوه هوهو هوهو هوهو جني جاهي شاشا شاصرفني بالتلطف والتسخير والامتثال هيا يا راهيا ياه ياه ياه اواه
اه لوم لعلت هو يحوف بالطاعة يا اله الالهة الرفيع جلاله هيا يا ارا بالاجابة بالفلاح ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

فصل في حرف الشين

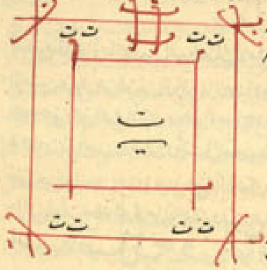
وهو حار رطب ومن خواص هذا الحرف الى الاصلاح بين المتباغضين والى بعض
المتباينين و اذا اردت المحبة فاكتب هذا الحرف الشريف الجليل القدر وتكتب مع اسم المطلوب وتكتب الاضمار ايضا وتجعل و اما
الى البغضة يكتب معكوسا مع الاضمار على رصاص وتدفن في المكان فانه يكون ذلك و اذا كتب الحرف ووضعته على اسم جماعة
بينهم محبة فانهم يفترقوا باذن الله تعالى و اذا كتب حرف الشين مع الاسماء التي اولها الشين وحملها انسان رزقه الله الهيبة والقبول



وهذه صفة حرف الشين وهذا الحرف حلوة شعشعانية بما الفيه
الطالب الانوار وكذلك اذا اردت الدخول الى الخلوة فتريض وادخل الى الخلوة
واسك ٢٨ يوما وانت تتلوا الدعوة مع الاضمار بحسب طاقتك
حتى ترى الحرف وقد هبط عليك وله نور كانه الشمس فخاتم لك ذلك الطالب
منه الخدمة وتوكل على الله وصرفه فيما تريد من خير وشر ونفع وضر
وكذلك اذا اردت استخدام خادم هذا الحرف واسمه جودياييل فانه
يهبط وعليه الانوار فاذا حضر فاتلوا عليه الاسماء الميثاق وعاهده بما
تريد وهذه صفة الدعوة بسم الله الرحمن الرحيم شملني اللهم بلطفك اللهم تجمع عبادك بالنعم السوابغ وتفضلت على خلقك
بالالاء والنعماء وان تجذب لي حرف الشين حتى اصرفه فيما اريد من مصالحي تفضلت بها عليه اللهم بشرفني التوفيق الى والعمل
وزيادة العقل والعمل الشمشمونيهيا باشين بنها بنها بشلونات تات ميتا سهتين شمهريوتا نحونما بشما الجليل الجلال
العظيم هيا احفظ بحفظ الريح الحبوب برب موسى وعيسى ورفا الكفل وايوب ومحمد المصطفى صلى الله عليه وسلم شف شفا
شف شفف لبطشلا شفا يا شعلوب اجب باشين برب العالمين وبشلشلش شلشلش شلشليع بالف لا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم وهذه صفة الاضمار تقول عدحص عدحص طلجيا ش طلح كلمشاء بنوه طلجياش اجب وافعل كذا وكذا

فصل في حرف التاء

حرف بارد يابس طبعه طبع الموت وهو الف منبسط ومن خواص هذا الحرف اذا كان انسان
يرى خيالات فاسدة ويحتلم فليكتب هذا الحرف على عدده ثم يكتب مع الحروف الاضمار وقوله تعالى تبارك الذي وكتب الاسما



وحملها فان الله يحفظه من شر ذلك و ان كتب حرف التاء على قطعة
من الاسرب وكتب اسم انسان والقيت في ذلك البيت فان الله يقلعه
منه ان شاء الله تعالى و اذا رسم هذا الحرف على هذه الصورة كما ترى
على قشر سلحفات وشرب من عليها صاحب القولنج وصاحب المعدة
برى مما يعرض من ذلك وعناء الذي يحصل له الاسهال المعتاد ويكتب
الى عقد الالسن والى الخرس يكتب ويدفن تحت عتبته ويبقى له فانه
كلما اراد ان يتكلم يمسك على قلبه و كذلك اذا اردت حبس السباع وتنع
اشكال الرزق من احد يكتب هذا الحرف على رصاص ويوضع تحت ما ينعو

فانه يكون ذلك وكل هذه الاعمال قبل الاستخدام واما اذا استخدمته هو وغيره من الحروف فلا يعتاد المحو ولا الى شي بل
بمجرد التلاوة حصل المراد وصفة استخدامه الرياضة والتلاوة لهذا الحرف ولرياضته والمكث في الخلوة ٢٨ يوما فانه يهبط لك
نور مثل نور القمر وهو ابيض فانه يساعدك وتراه يفعل على ما تريده من الاعمال و كذلك استخدام العون الخادم لهذا الحرف
اسمه دموسيل وتتلو الاضمار على حسب الدعوة والبخور الجاوي والمصطكي وهذه الدعوة تقول بسم الله
الرحمن الرحيم توسلت اليك يا تواب يا سيد السادات يا محي العظام الرفات يا باعث الاموات يا رافع الارض والسموات
يا كاشف الكربات بجاه محمد صلى الله عليه وسلم المجتبى المخصوص وان تخرج هذا الحرف وتقضي حاجتي انك على كل شي قدير اجب
ايها الحرف بارك الله فيك يا تواب هيا بتعلوت تقلوت مريموت برموت سبحانك لا اله الا انت ما اعظم شانك وصمدت
بشانك ودبرعنوت سبحانك لا اله الا انت ومن البخ الحجاب بك عني وكفني ما يجئ اليك ومن استعان بك يجي اللهم اقض حاجته
الوحا بيه بيه وهبه وهبه نليه نليه تشليه تشليه لا تشاخ عليه الوحا اليه ياه ببوه ببوه ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وبخر بزص وهذه صفة الاضمار تقول اجب يا رعوسيل بحق شهجل شهج هطيل هطيل الوشم طياه ببوه ياه تواب الوحا
العجل الساعة هيا بارك الله فيك والله اعلم بالصواب

فصل في حرف الثاء

اعلم ان هذا الحرف
حرف عظيم جليل القدر نافع الى جميع الحيات ودو مزاره يابس ان كتب هذه الاضمار على قطعة من فضة وحملها صاحب
الحمى او كتب وشرب فان الله يدفع عنه شر الحيات جميعها ويتصرف هذا الحرف فيما يتصرف فيه حرف الالف ويتصرف في
التهيج وذلك ان تكتب الحرف في كفك وتتلو عليه الاضمار والدعوة ثم تضرب به صدر من شئت فانه يهيج اليك وقال وجعلها
انه يوثر في القلوب تاثيرا عظيما في جميع القلوب وصورته ان تكتب الحرف وذلك على اسم المطلوب وتتلو الاضمار وتعزم
على ذلك فانه عطف الملوك وارباب الدولة واذا استخدمته فانه يخطف به الارواح الروحانية وهو خطف عظيم الى الملكوت
العلوية وهذه صورة الحرف وهذه الدعوة الشريفة مجاب عظيم لمن تدبرها ودع حصين لمن تاملها

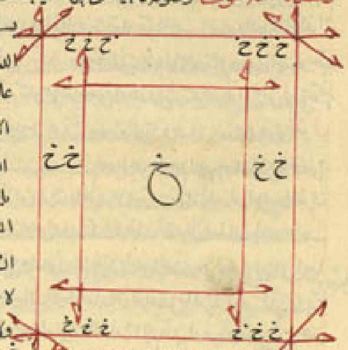


ويجوز به بزر التوم اذا انقع في الخل اربعين يوما واعتد ذلك
شعط به المنصاب فانه محرق الى العون وبه تكتب عوض
المداد وصورة الخلوة ان تدخل الى الخلوة وتتلو اهذا الدعوة
مرة وكذلك تتلو الاضمار حتى يهبط اليك هذا الحرف وتاخذ
عليه العهد وتعمل به ما اردت وهيا خذ الدعوة تقول بسم الله
الرحمن الرحيم ثبتت قدرتك اللهم وجودك وجود وجودك قديم
القدم من غير كيف ولا تشبيه خلقت النطفة علقة والعلقة مضغة
وكسوتها عظاما وكسوت العظام لحما واجريت الطبع في النفس فجعلت
النفس منقادة الى ما انجذبت اليه بانحلات الامر ولا انها ثلاث ثمار توريث نار مصحوبة بيترها طبع الشرف الاقدم تيقنا
او منشئ عن مطلب عن الترتيب او نص لما الامر ولا استمال التحثيث بكلكليث بثيث توثيث حثيث اجب الامر يا حرف
الثاء بحق فالق الحب والنوى وفالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم
به الطاعة لله اجب واعطف وثبت لي القلوب بالمحبة بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وهذه صفة الاضمار
تقول اجب ايها الملك جلشا سيل بحق باكد لبكد وثر طغث هيات ببوه ببوه انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
و اذا اردت استخدامه تدخل الى الخلوة وتستدعيه فاذا حضر فانه تواثقه الميثاق فانك تاخذ طاعته فاعلم ذلك والله اعلم
بالصواب

فصل في حرف الخاء

وهو حرف مائي على الجهل والتفصيل بارد يابس و من خواصه اذا

كتب هذا الحرف على عدده في شقفة نية وكتب الاضمار معكوسا وحط الشقفة في ماء هارب وكتبها في مكان فيه اناس
مجتمعين على الحرام فانهم يتفرقوا باذن الله تعالى و اذا كتب في لوح من رصاص ودفن في مكان تعطل عنه البيع و ان من
خواص هذا الحرف اذا كتبت على اصابعك وتلوت الاضمار وقلت يا فلان خخخ وافتح كفك قبالة فانه يبحامك باذن الله تعالى
وهذه صفة الحرف وخلوته كما بينا في غيره فانه يهبط وفوره احمر باخذ الانبار وهذه صفة الدعوة تقول



بسم الله الرحمن الرحيم خلصني اللهم من هموم الدنيا
الدنية خذ ما صبر الى الطيرات يا خفي انت الخفي خافي الامر
عالم به اسئلك يا خبير يا في الخفايا بختم السعادة وولي
الاسترشاد وفي امري يا خبير من دعى في سبيل حبيبي اسئلك
ان تكسني نورا استضئ به على سر الخفاء حتى اقضي حاجتي
يا مدرك يا خبير يا اهل يا خاه بخيلشو ثا بخشا حق تاخيو
التوكل بك حتم عليك بالختم الخاشوك الاخيوم اسئلك
ان تدلني بحرف الخاء وبخير من خلقك يا من يعلم السر واخفى
لا اله الا هو له الاسماء الحسنى وخيخخخو ثا بالف لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصفة الاضمار تقول
اجب بحق خوطيا الهبوط آل آل اوكش وكش وكش خخخ خخخ ياه ببوه الوحا العجل الساعة واعلم ان حرف الخاء
له تاثير عظيم والله اعلم

فصل في حرف الذال

عند بابل استطعم وعذاب لمن انتسب وهو
حرف حار رطب فيه حرارة مع برودة و اذا اردت تهيجا فاكتب هذا الحرف على خرقة من حرير ابيض والقمر في الحمل
في سراج جديد على اسم المطلوب وتتلو الاضمار فان المطلوب يحضر الى بين يديك و اذا اردت تخبيل عقل
انسان فاكتب الحرف والاضمار معكوسا على صورة المطلوب واتلو الاضمار والدعوة في داره فانه يتخبل له ذلك واعلم ان
هذا الحرف اسود مطلقه الى اطفاء الغضب والى دفع العطش والى قلة التعب و اذا اردت استخدام هذا الحرف فادخل الى

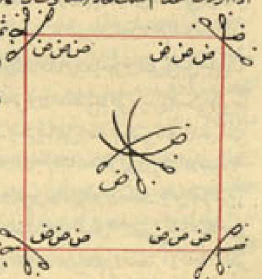


الخلوة واتلو الدعوة دبر كل صلوة ١٠٠ مرة فان الحرف ياتي وفوره
مثل نور حرف الالف فخذ عليه العهد واصرفه فيما تريد وهيا اردته
تعالى لهذا الحرف وهذه صورته وكذلك تفعل بالملك القائم
وهذه صفة الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني ذلك بتلاوة اسمائك يا رب تذللت بين يديك تذلل
العبيد المفتقر بالحاجات اليك فتلذذت باسمائك تلذذا لا
في سري وجهري اللهم صرفني بهذا الحرف وذللني له واخضع لي
واسمع دا طع بحق ذي الجلال والاكرام يا بارقة الى كل جبار
ويسخر لي كل امكنة بحق هذه الاسماء هو هي هيا ياه ٣ ببوه هو ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم صفة الاضمار
تقول احب ايها العون بحق حرف الذال احب ايها الملك دردقعيا سيل بحق دانم علمهص علمه صص علمهصص
صصيع شهليط شهليط الوحا العجل والبخور دري ابيض وجاوي والله اعلم

فصل في حرف الضاد

وهو حرف بارد يابس و من كتب حرف الضاد مع نزول القمر في هذا الحرف على خرقة من حرير وكتب معها الاضمار وحملها

فى راسك وكتبتها الى احد فان حاملها يكون مهابا مقبولا عند المخلوقات و اذا اكتب هذا الحرف على عدده وقالب
لتبخر القنفذ وودفنت ذلك العمل فى باب من اردت فان البق والبراغيث والقمل والضفادع تاتى الى ذلك المكان
و ان اردت حرق بلد فارسم بعد الاستخدام ما تريد فجعل ذلك باذن الله تعالى و اذا نقوت هذا على منصاب فان العدو
وهذا الحرف انه يهيج بالمرهيجانا عظيما و اذا اردت استخدامه فادخل الى الخلوة واتلو الاسما وعمل ما ياتى به ثم انه
وهو كانه الشمس حين خروجها من المشرق وخذ عليه العهد و اذا اردت فعلا تقول اجب يا اضاد وافعل كذا وكذا او
اذا اردت استخدام الملك الخادم لهذا الحرف واسمه كهنائيل فتدخل الخلوة على ما ياتى وتتكلم وتقول اجب وسمه
ثم انك تتلو الاضمار حتى له فاذا اتيته تتلو اسماء الميثاق ثم تتلو
فيما تريد وهذه صورة الحرف وهذه صفة الدعوة تقول



بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا ضاد يا مانع الفقر و
عافنى من بحرى واصرف عنى بنجاة العذاب الاليم واحضرنى
على من يعصى امرى بارك اعطيتك اللهم انى اسئلك يا الله ٣ يا
الفرج وادعوك ان تقبض لى حرف الضاد حتى يجيبنى ويضاف الى ازيد
ادعوه اليه الوحا يا ضاد ان لم تفعل ما امرتك به عليك
بمقامع الحديد من العذاب الاليم فانى ادعو والفرج اليه وهو
يجيب سئوال المضطر بن ظلموتان بن جبراسيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وبحق ثم ادعوك استجب لى
بحق ديان يوم الدين هيا بقرباء العنوايل وضوال وصضوال السا الضاد بلا من داوه الملك حى والساجد
العظيم لا اله الا هو الحى القيوم اجب للداعى يا ضاد ولا تخل ساعة بحق الاسماء وبالف لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
والنجى رصنو يه وهذا الحرف اذا اردت ان تعقد به لاحد من الادواح فهو يفعل ما تريد به صفة الاضماد تقول اجب يا
كهنائيل بحق طشطاطشوط طاطقطاطيوع عموطش الاله الخلق واليه ترجعون اجب وافعل كذا الوحا العجل امين تم ذلك

فصل فى حرف الظاء

المثالة وهو حرف جليل القدر باردياس يتصرف فيما يتصرف به حرف
الطاء و من خواص هذا الحرف اذا اكتب على عود الزيتون وبخر القنفذ فى مكان الثمت اليه البراغيث وجميع الهوام و من خواص
هذا الحرف الى حفظ الاطفال يكتب ويحمل و اذا اكتب هذا الحرف على لوح من رصاص وكتب الاضمار معكوسا وضعته فى بيت
فان اهله يهربون و اعلم ان لهذا الحرف خلوة جليلة واستخدامه وتلاوة هذه الدعوة ٣٠٠ مرة فاذا احضرت هذا الحرف يحفظ عليه
العهد والمواثيق والقصة فيما تريد من خير وشر ونفع وضر وهو حرف يتصرف فى القتل والخنق والهلاك وقتل الغائب و
الشياطين وهو حرف صاحب مكر وحيلة وهذه عزيمته تقول بسم الله الرحمن الرحيم ظهرت قدرتك
يا الله فى الافاق وظل من ظهر بنيته على الاشفاق وظل من ظهر بالاضداد ونظر الى الغير اسئلك اللهم يا سيد السادات يا من
نظر الى الطيف وحلها عنه فى الاعراض اسئلك اللهم بما اوعدت انبياءك واوليائك من الالفاظ اللطيفة الظاهرة العظام ان
تظهر لى على كشف سر الظاء حتى اظهر به من يظاهرنى على خلقك بالاذا والفواحش
نشر الاعراض والضلالة فحا لفتته عن الامر هيا يا ظا اجب وتمثل لى من حوائجى
اياك وخاطبه حتى تقصوا لى من قال انا الله لا اله الا انا الله لا اله الا هو
واسئلك بالاسماء الحسنى هيا يا ظا بحق يا ظا و بعظم ظطيا بل ظود يا بل اظهر
كذا وكذا ذى الفضل الافضل الله واظهر لى ما الاسرار النورانية والابالحكمة



العجل الوحا

العجل الوحا وافض عليه الاسرار بحق عظمة الله وبالف لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم صفة الاضمار تقول اجب
يا كهنائيل بحق مطبوش هطيوش سعدانش سعدان سطول نموه ظاظطوظ ياه نموه الوحا العجل

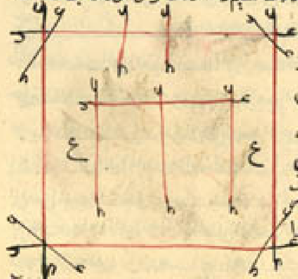
فصل فى حرف الغين

هو حرف بارد يابس و من خواص حرف الغين اذا اكتب وكتبت معه كل اسم او حرف
الغين مثل الغنى وكتبت الحروف على عدده فى بطاقة وجعلت فى الراس فان حاملها ينال المحبة والهيبة والقبول ويكثر رزقه
بين جميع المخلوقات و اذا اكتبت حرف الغين مع اسم من اردت والقمر فيه وتلوت الاضمار ووضعته ما كتبته تحت حجر
فقير فان المعمول له يحصل له البارده المستمانا فضة و اذا اكتبت حرف الغين والشمس فى شرفها وهو تراك الغفر فان
ذلك الشخص ينال الهيبة والمودة بين قلوب جميع المخلوقات و لا تخرج حلية صورة دخول المخفان فهذا هو هذا الحرف وذلك
وذلك لا توقد عندك سراج فاذا هبط ورايته واخذت طاعته هابتك الملوك جميعا وقضوا حوائجك و اذا اردت
استخدام خادم الحرف شلكهائيل وان تتلو الدعوة ٣ الم ارتع وكذلك تتلو الاضمار حتى تو كلما تريد من خير وشر
ونفع وضر وهذه صورة الدعوة تقول بسم الله الرحمن الرحيم اغننى اللهم واغنى عنى شر
البلايا وسوء القضاء وغض طرفى واعزنى بنورك يا الله اللهم الذى نورت به اوليائك واستغفر بقبول الفعل وارزقنى
من الزلل اسئلك اللهم يا غياث المستغيثين غوثا من عندك يجيبنى بغياثك يا الله يا مغيث اغثنى بغياثك يا الله هيا
يا غنى اجب واكشف لى عند اجب وافعل كذا وكذا بحق الاسماء
العظيمة وبحق الاسم الغفور الرحيم العلى العظيم غيلياغ غلياغ
غشوغ عزوغ غنغ غيغيغ شهيغيغ عزوغ ياه ياه
غيغبغيغغغش غوغ غلياغ غغغطوغ عزموغ غدغ
غشنى وغشنى بالرحمن وغشنى يا غنى واعزنى وعزنى بكلما
ما اريد بك يا غفور يا الله يا رحيم اجب بالاجابة من غير قعود
ما بصير مشغشغ بحملت الانوار الغياث الغياث الغياث
يا الغيات واجب بالاجابة من غير قعود بحق الف لا حول ولا قوة
الا بالله العظيم واذا اردت ان تراه صورته فاكتب حرف الغين



غ الليل والنهار من غير فتور م

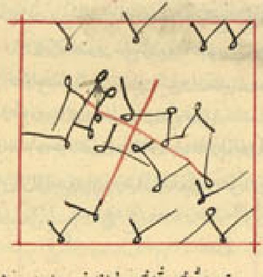
على هذه الصورة وصورة الاضمار تقول اجب
ايها الملك الجليل شلكهيائيل بحق سغطيط شهيغيغ سطط
ليف كلك كلكفف هو طياه نموه قدوس
قدوس غغوغ غغى جهوم قهوم ايها العجل الوحا الساعة والله
اعلم بالصواب



فصل فى حرف اللام الف

وهو حرف عظيم جليل القدر ليس له نظير فى التصريف وكلها يتصرف
بقية الحروف فانه يتصرف هذا الحرف و اعلم ان هذا الحرف وا
الدعوة لكل كاتب له وهذه دعوته تقول بسم
الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله محمد رسول الله لا اله الا انت يا الله يعز جنابك فانه لا يخفى عليه شىء فى الارض ولا فى السما
هو الذى يصوركم فى الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم اللهم يا رحمن يا رحيم وبحق ما انزل الله من الكلام القديم
وبحق سيد المرسلين ان تذلل لى يا حرف لام الف لا تستعصى بنورك وعلى كشف سرك واكشف عنى ويسلك الحجاب فى اسئلك

الطاعة اجب بحق ذى الالاء والنعماء لا اله الا انت اعشنى ويسر لى امرى يا الله ٧ يا الله ٣ مرات وانت مقصودى
واليك حاجتى هيا بالف لام ماد عوتك به بحق كهلا بيلاء هو الله الذى لا اله الا هو ذلت له الرقاب وهو مسبب
الاسباب وهو على كل شى قدير هيا يا لام الف لا تتاخر عنى طرفة عين واخذ منى واكشف لى عن لا لا لا ا ا ا ا
لا الطع بحيلا ونبعسعولا وسلا لاه ل وهطيلا وجيلا وسميلا طيلا علا فلا تخيب سولا اسرع لى كذا او
كذا ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم و صورة الاستخدام ان تدخل الى الخلوة وتستعد بعد الخلوة ٢٧ يوما
فاعلم ذلك و اعلم ان هذا الحرف لما كتب له من خير وشر والله اعلم وهذه صورة حرف لام الف

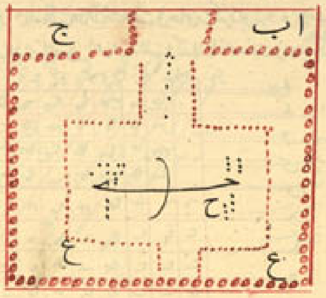


فصل فى خلوة النقطة وهى ثلاثا

وهى خلوة عظيمة جليلة القدر وتسمى برسولة الاحرف واذا
استخدمت النقطة كان لك جميع ما فى العالم من صامت وناطق
الكل يميل اليك ويتعلق ويطيعك من حيث لم يحتسب واعلم
ايها الاخ ان جميع افعال هذه الحروف لا وقت بسعد ولا
نحس بحيث واما ذكرنا لك هذه الاوقات والسعد والنحس
تاديا لما سبق من العلماء الكرام اصحاب التصانيف واصحاب
الاقوال فاما هذه الحروف اذا اردت ان تدخل الخلوة حرف و
تعرف كم خلوته لانا لم نذكر البيان الاهنا وذلك ان تاخذ عدد الحروف وتسقط ثلثين ثلثين فالفاضل معك هو عدد
ايام الخلوة فاعلم ذلك و كذلك اذا اردت حاجة من الحوائج فانظر اول تلك الحاجة تسقط الطرح وتمحض فتطلب حرف الله
وان اردت محبة فتطلب من حروف الميم وقس على ذلك الطرق فى الحروف وعليك بالتقوى وقلة الماكل الجيد والطرف عما قرب
وينبغى لك ان تلبس كل يوم لبس يوم على الاوان التى للكواكب واعلم انك اذا اردت الدخول الى حرف من الحروف فعليك
نظيف طاهر وتدخل اليه ويبتدى بتلاوة الدعوة حتى يظهر لك النور وتسل ما تريد وعليك بالتلاوة بالاوقات الخلية
وعليك بالتلاوة فادخل واتلو هذه الدعوة وامر النقطة بان تقبط لك فاذا كانت ايام الخلوة فتراها قد اقبلت
عليك النقطة مثل الدينار ولا تزال تكبر حتى تبقى مثل القمر وتقصد وتخاطبك ما تريد وهذه صفة الدعوة
تقول بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين ولا عدوان الا على الظالمين ما شاء الله لا قوة الا
بالله يا الله انت العلى العظيم انا لله وانا اليه راجعون الله رب الله ولى الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور
سبحانه لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم بسم الله ابدا تبارك حيطا نتابين سقفنا وشرابنا استغنا وفاستعين
على يا امدا يا النقطة هو يا هو يسر ها لى تجلى يا بسط الوجود يا هو اسئلك يا الله يا قديم الاحسان يا علة العلل يا ازلى
يا ازل يا من كور الليل على النهار اسئلك ان تسخر لى هذه النقطة وان تبسطها الى وتبسطها هيا ٣ يا اجا تعر الى
الى اصل الموجودات ها ٣ اه ٣ ياه ٣ هيا هوب ٢ ها ٧ ايها ٧ اهيه ٧ اهاب ٧ ها هى
٧ هو ٧ ها ها تاهيا اجيبى يا الصلوة الجامعة النقطة نغرة بدوح ٧ حودب ٢ بوحج ٢ وبحى ٢ حويد ٢
وبدوح ٧ دحيوه ٧ ودحب ٧ بحود ياه د وبدبح اججزط ججصيط كلياط قطقطا الحفيط سطسعصطيا
باه بنوه مشقفقطوبال كشفطنو بال شمعطالطعول جلد لويا يال بحجز يوذ يال هيا سيل قولى الحق وملك الملك
طيابيل هيا الوحا مماح لوح من الاسماء وبحق اسطار الاربعة وما فيها وبالحروف المعجم اجيبوا ايتها الارواح بسر
نيشا هو وهيا هيو ركم هممم هجيم بسم الله الرحمن الرحيم بحجيا حمعسوا ا ا احيا ا ا ا ياهيا ياهيا هيه برحمته

العظيم

العظيم ما لك الملك ذو الجلال والاكرام ففقفق فقت شقطقا طف طف صف صف ففقوف فتقتق كما شمهم
كشمهوم بعزة صباصا يا سجان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم والبخور عنبر وكندر وكافور والله اعلم بالصواب **فصل** وفيه
كيفية الاستخدام اعنى استخدام هذه الحروف فى الاعمال على وجه غير الاول ولما قد ذكرنا لك فى هذا الخبر ما فيها
عن كشف اسرار هذه الاحرف وسميناها السر الخافى فى الحروف النورانى اقول ان هذه الحروف ذات اسماء لهم خواص عجيبة
واسرار غريبة يعرفها العالمون من اهل الله تبارك وتعالى واعلم ايها الاخ ان كل نطق وكل علم وكل رسم فهو من الحروف
وان اردت ان تستخدم هولاء الحروف الى المحبة والطاعة وعقد اللسان والجلب وتهييج وابطال السحر والى الرجم والى فتح
الكنز والى ابطال الصواعق والى صيانة المعتنين من الارواح الروحانية والعمار ثم انك تعدد لك تكتب الاضمارات فى ثلاث
اقداح وذلك ممسك وزعفران وتبقى تتلو القسم الجامع وتتلو اعداد الاضمارات كل حرف فانك فى اول اسبوع تبود
قدر الرغيف فقد ولا ترى الارواح الروحانية وقل باخدام هذه الاسماء اكتفوا لى على قدر طاقتى بارك الله فيكم
فانك ترى كل ليلة تكبر النور وتمتد وتسمع تسبيح الارواح الروحانية وفى ٣١ يوما يأتى اليك اربع انفار فسلموا عليك
وقف بين يديك كل واحد منهم حصيف فاول ما ترى ذلك فتقول السلام عليكم ورحمة الله وبركاته اربعتكم ايتها السادة الطاعة الى اسم
العظيم والى اسمائه والبخور الجامع الى المعنى وبعد ذلك يظهر لك ارتفع الى ان يظهر معك ٢٨ ملكا فعند ذلك اتلو الاسماء
الميثاق وقل اريد منكم الخدمة وقضاء حوائجى ومصالحى على ما يوافق الكتاب والسنة وتقول بارك الله فيكم ارضونا بالطاعة
فانهم يجيبون الى الطاعة ما دمت على الطاعة و اذا اردت الى ابطال موانع الكنوز وطرد العمار فى تلو القسم وامر السيد
شرهطاسيل وعليتاسيل وطغاييل وعصاييل فانك تراهم و اذا اردت فتح باب تكتب الاضمارات على اربع سبعات وتكلم
بالاسماء العظيمة وتضرب المكان واحدة بعد واحدة و اذا دخلت الى الخلوة من اجل عون فانظر الى اول اسمه وتكلم على ذلك
الحرف ان ذلك الحرف فى زمان لطالعا و ان اردت تهييجا عظيما فارسم الثمانية وعشرين حرفا فى ورقة وتكتب الاضمارات
ثم تاتى بمسمار حديد وتدق فى ذلك الحرف وتتلو الدعوة الشريفة وتدق المسمار فى الحرف وتقول اجب يا فلان وهات يا فلان
فان جاء والا فانقل المسمار الى الحرف الاخر ولا تزال تفعل ذلك الى تمام ٢٨ حرفا فاذا حضر المطلوب فابق اذا اردت جلب
تطلب من ذلك الحرف فكذلك تفعل فى سائر الحروف على هذه الصورة و اذا اردت ابطال موانع فاكتب اضمار حروف الالف
وحروف الباء والجيم والدال على اربع سبعات فى رقعات وتعلقهم فى رقبة طير حمام ابلق رقبته دبلت وتدفع ذلك الى المكان فان
كان فيه من الحركات ادعى ذلك فانك تراه فى علم ذلك وكتمه و اذا اردت تهييجا لا ينقلب فاكتب المثلث وذلك على هذه الصفة



وتكتب كل حرف على عدده وتكتب الاضمار معه وتعلق
صورة برسين وتحمله معك او تدفنه فى المكان تريد
وكذلك تكتب الى البغضة معكوسا وكذا الاضمارات
معكوسين وتوضعه فى المكان فافهم ذلك ترشد
انشاء الله تعالى والى اذكر لك ايها الطالب المحرب
قاعدة لو تشد بها الرجال لما سمحت لك الرجال
لانا اسمح لك بهذا الكتاب وذلك ان تنظر الى العمل
وتنظر الى اول حرف والى آخر حرف وتاخذ ذلك الاعداد
ثم انك تفرقه على الوجه الذى يليق به ذلك العمل كان

فان كان نجيزا فالاحجارات على ما هي عليه وان كان الى غير ذلك فتكتب الاحجار معكوسا وانما تجرا بعود الجامع والتعرف في ذلك حب
شئت ولستا ذكر للدعوى هذا المعنى لان الجهال لها اذان وحوفنا من غير اهل ولكن كتابنا هذا الله تبارك وتعالى حفظه من غير اهله
واني ارجو ذلك من الله هو الله يقول الحق وهو يهدي السبيل

من خواص بسم الله الرحمن الرحيم

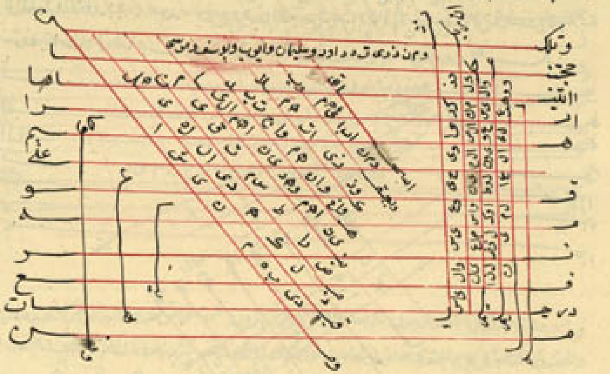
من اكثر ذكر بسم الله الرحمن الرحيم رزق الهيبة عند العالم العلوي والسفلي **وقال** بعض العارفين
من كان له حاجة فليصم الاربعاء والخميس وفي يوم الجمعة يأتي الى المسجد ويتصدق بحسب الطاقة ويتلوا الاية ثم ان يتلو هذا الدعاء
فان الله يقضي حاجته انشاء الله تعالى **وهذا الدعاء** اللهم اني اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذي لا اله الا انت عالم الغيب
والشهادة الرحمن الرحيم واسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم سبحان من خشعت له الابصار و
خضعت له الرقاب وخشعت له القلوب اسئلك ان تصلي على محمد صلى الله عليه وسلم وان تقضي حاجتي **و** من كتبها على آنيا
النحاس فانها تذهب **و** ايضا لقضاء الحوائج من كان له حاجة مهمة فليكتب البسملة ويكتب من العبد الضعيف الى الرب الجليل رب اني
مسني الضر وانت ارحم الراحمين ثم ترمي الرقعة في الماء الجاري ثم تصلي على النبي تذكر حاجتك فانها تقضى انشاء الله تعالى **وقال**
بعض العارفين من قرا بسم الله الرحمن الرحيم اثنى عشر الف مرة في اخر كل الف يصلي ركعتين ثم يسئل الله اي حاجة شاء ثم يعود الى القراة
الى تمام العدد فان حاجته تقضى **وقال** الشاذلي ابو يوسف الكاتب كان رجل من الاولياء وكان مجاب الدعوة وذا على رجل من
القضاة كان ينكر على كرامات الاولياء ان يجعل عقله وشكوا اليه من ظلم ما سل لهم فجمع الناس فتلوا الاية اثنى عشر الف مرة ودعا الله الف مرة
وقال لا اله الا الله الف مرة وصلى على النبي صلى الله عليه وسلم الف مرة ودعى على العامل الف مرة ورجع فاهلك الله العامل ببركة البسملة
والله اعلم بالصواب

خواص اية الكرسي

قوله تعالى الله لا اله الا هو الاية وقوله تعالى فسيكفيكهم الله
هو السميع العليم فمن كتب هذه الاية بمسك وزعفران وكا هو زد وحملها فان الله يحفظه **و** ان علقت على راس صغير حفظه
الله من ام الصبيان **و** من اتخذها وردا امنه الله من الفقر وكثر الله رزقه **و** ان كتبت وعلقت في جوانب البيت اكثر الله بيت
من كتبها ودسه بماء الريق نفعت من خفقان القلب والخوف **و** من كتبها على شقفة جديدة ووضعها في علاج القمح فان الله يحصل
البركة فيه **و** من تلاها في سفر حفظه الله تعالى وعنه صلى الله عليه وسلم ان من شكا قلة الحفظ فليكتب اية الكرسي في اناء ويشربها
على الريق سبعة ايام فان الله يرزقه الحفظ وهي اعظم اية في القران وقد ذكرنا فضلها بلها فيما سياه في دعوتنا في فصل الدعوات
و من كتبها وعلقها عليه امن من شر الجن **و** من كتبها وكتب الاية الاخرى وحملها مهموم فرج الله عنه همه **و** ان كان مديونا يسر الله
عليه دينه **و** ان كان خائفا امنه الله وروي عن السيد موسى قال من قراها بعد كل صلوة اللهم اني اقدم اليك بين يدي كل نفس ولمحة
ولحظة وطرفة تطرف بها اهل السموات والارض كان في علمك وقد كان الله لا اله الا هو الاية فمن داوم عليها غفر الله له
عظم بين الناس وكان سالما مقبولا عند الخلق اجمعين **و** اذا كتب هذه الاية وعلقت في حانوت كثر زبونه **و** ان وضعت في صحيفة
في سلعة نفقها الله تعالى **و** اذا وضعت في مكان يخاف عليه من اللصوص امن من ذلك **و** كذلك اذا وضعت في وديعة
وهذه صورتها



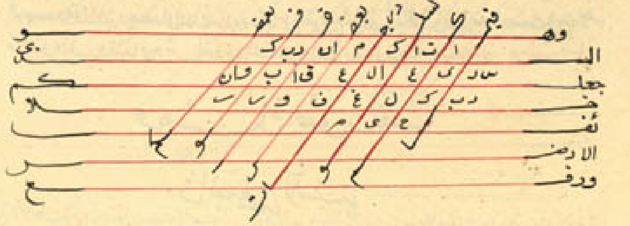
قوله تعالى وتلك حجتنا اتيناها ابراهيم الى قوله من نشاء **قال** المؤلف قدس الله سره العزيز ان هذه الاية قد صحت تجربتها
وعلت بين اهل العلم خواصها واهل الجفر وعلماء الاسرار والاوفاق لان فيها اسماء الانبياء عليهم الصلوة والسلام



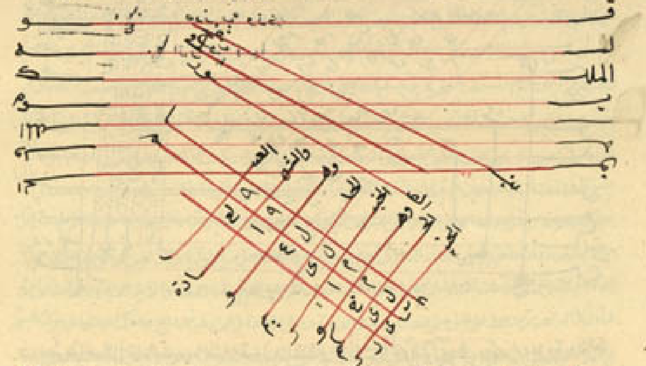
الكامل
فمن بعض خواصها الى انجاز المطلوب والمحبة والقبول والطاعة **و** اذا كتب في ايام النوروز بمسك وزعفران على رق وتبخر بالعود
على الاسم المذكور ويختم ويكتب الاسماء ويحمل في الراس فانها القناطيس وان حاملها لا يكاد يفارقه وهي مخصوصة باهل السلاطين
قوله
وملازمتهم واذا كتب الى ابناء الملوك ويعزهم علم ذلك **قوله تعالى** وهو الذي انشاكم من نفس واحدة الى يفقهون فهي للمحبة
والقبول ولعقد اللسان تكتب في طالع الاسد في يوم الجمعة والاثنين في رق بمسك وزعفران ويحمل في الراس ويتبخر بالعود الطيب
ويكتب اسم الطالب والمطلوب باحرف مقطعة ويحمل في الراس فان حاملها ينال المحبة والقبول **وهذه صورة الوضع**



قوله تعالى وهو الذي جعلكم خلائف الارض
ورفع بعضكم فوق بعض درجات الى غفور
عليها
رحيم هذه الاية اذا رسمت في لوح من قصدير وتلوت عليها
الاية اربعين مرة ويحملها فانه ينال خيرا
كثيرا وينال المحبة والقبول وقضاء الحوائج
فانها تعتبر **وهذه صورتها**



قوله تعالى قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور عالم الغيب والشهادة وهو الحكيم الخبير هذه الاية اذا رسمت في جلد
وحملها فانها عجائب عظيم وهي ايضا تعقد حديد وعقد لسان ومحبة وقبول بين الناس وعند الملوك وان كتبت في فضة
الى الملوك والاكابر وهذه صورة الوضع وفي هذه الاية سر شريف وهو انها للاختفاء تكتب على رق خشف
شروط الاختفاء ان كتابنا في ما افتتح

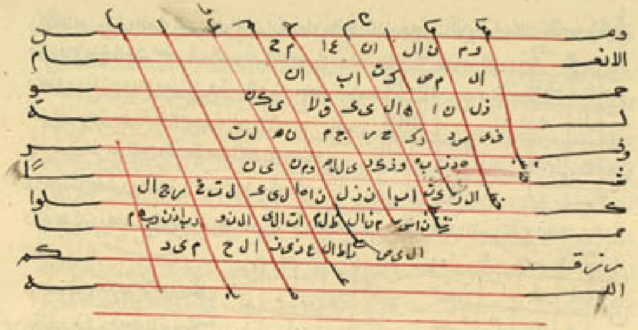


قوله تعالى ومن الانعام حمولة وفرشا الاية هذه الاية الى تمامها اذا نسج مع زوجة تكتب على جزء وترش في طعام
وشراب من عليها صار حبا بينهما ومودة واذا رسمت في لوح من الفلوع وذلك شرف القمر وحمل الشخص بالمحبة والقبول وعطف
قلوب الناس كان ذلك قبولا عظيما واذا كتب ذلك ووضع في محدة ما كان عطفا وفي ذلك مبالغة قوله تعالى المص كتاب انزل
اليك الاية وقوله تعالى الر كتاب انزلناه اليك الاية هذه الايتين الشريفتين نافعتين لمن له رغبة في المناصب فمن اراد ولاية من سلطان
تكتب في صحيفة من فضة او على رقعة من جريد ويحمل مع من طلب المنصب ان اتخذها ودخل الى عند الملك
قدر وفيه عمل عظيم ومنحه ... رغبة كثيرة وهي اذا كان امير او عزيز او معزول او قد غضب عليه الملك او صاحب منصب كبير
او صغير فاخذ على بركة الله وعونه كتبها اسود على اسم الملك يوم السبت ... ويقطع راسه ويخرج قلبه
ويقشر ثم ترسم الاية في ورقة ... يوم الخميس وترسم ... زعفران او يوم الجمعة ثم ... ويضعها في القلب وتشمع
القلب ... ثم يتلو الاية ... الى السلطان وانت تقول الله ... يا صمد يا صمد
... ثم يصعد ويتلو الاية ويصعد الى الملك ... جميع حوائجه واذا كتب في حجر ... ووضعت في بيت ذهب
من البخل والحسد ويمنع الوحوش المؤذية والحيات والعقارب وغيرها وهذه صورتها

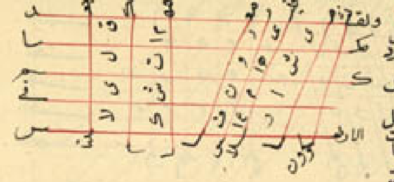
وهذه صورتها

في الصفحة الآتية

من الهلاذم



قوله تعالى ولقد مكناكم في الارض وجعلنا لكم فيها معايش قليلا ما تشكرون من خواص هذه الاية الى كثرة الخير وجلب الرزق
والخصب في الكتابة في يوم الجمعة وتعلق في الحانوت او المكان او حملها شخص كثر رزقه وزاد له الهيبة والمحبة والقبول بين
الناس وهذه صورتها



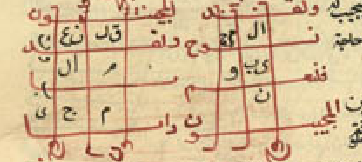
قوله تعالى يا بني انها ان تك مثقال حبة من خردل
الى اخر الاية من خواصها انها تخفي عليك
امراض الامور ومثل كشف السارق ومثل
السؤال عن غائب هل هو حي او ميت
فاذا اردت ان تعمل ذلك فارسم هذه الاية
في صحيفة وتحملها وانت تتلو الاية وضع الصحيفة تحت راسك ثم تتلو الاية حتى يغلب عليك النوم وقل اكشفوا لي عن كذا وكذا بحق
هذه الاية وتقول سبحان من لا يخفى عليه خافية سبحان من اظهر قدرته سبحان العليم الخبير يا عليم يا علام الغيوب الله اكبر رب العالمين

وهذه صورة الوضع



قوله تعالى ولقد نادانا نوح فلنعم المجيبون هذه الآية لمن يريد ان يستجيب الله دعاؤه فيصلي ركعتين ويكتب هذه الآية

في كفه الايمن ويسئل الله اي حاجة اراد اجابه الله وعافى في كل ما اراد ويقول اللهم اني اسئلك يا قريب يا مجيب من دعا نوح فاجبته استجب لي يا رب فان الله يستجيب له دعاءه وان كتبت وعلقت على شخص وتوجه الى قضاء حاجة قضى الله حوائجه وهذا المرقوم صورة الوضع



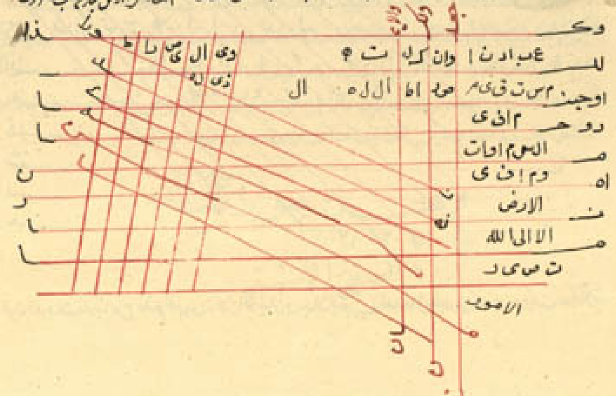
قوله تعالى انا نحن نحيي الموتى ونكتب ما قدموا واثارهم المصيبين هذه الاية لحل المعقود وا طلاقه اذا رسمت على بيضة مقشرة والقي عليها ...... والكل المعقود انحل باذن الله تعالى واذا كتبت وعلقها المسحور فرج الله عنه وهذه صورة الوضع



قوله تعالى اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون ومن خواص هذه الاية عقد الالسنة ومن اراد ذلك فليرسم في رق غزال اتيك بزعفران وماء ورد ويحمل الكتابة بين عينيك فان من استقبلك او دخلت عليه وكلمته يخضع لك وهذه صورتها

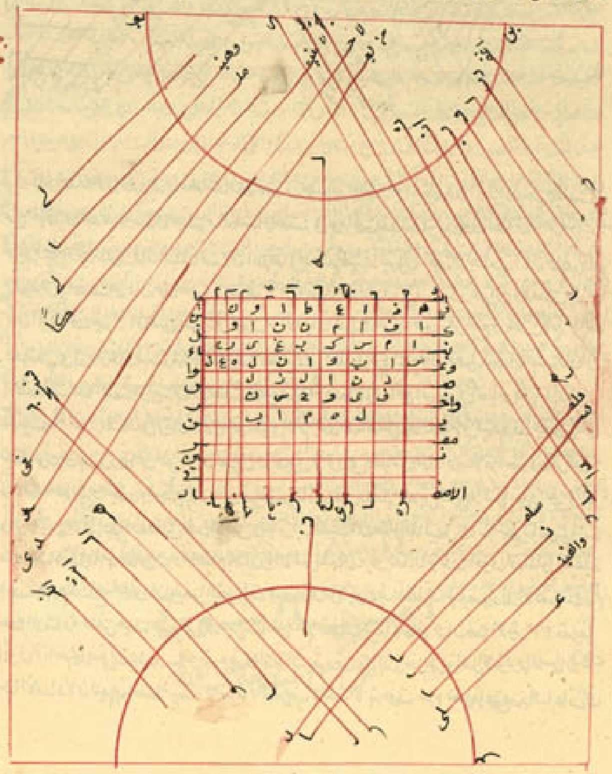


قوله تعالى وكذلك اوحينا اليك روحا من امرنا ما كنت تدري ما الكتاب ... الاسود هذه الاية لجلب الغائب ورد الآبق فاذا اردت ذلك فارسمها في رق ابيض ... صورة ... المطلوب ... ثم ... وتعلق ... في مهب الريح ويبخر بالعود والعنبر وكذلك ... اعمال الجلب ... وهذه صورته



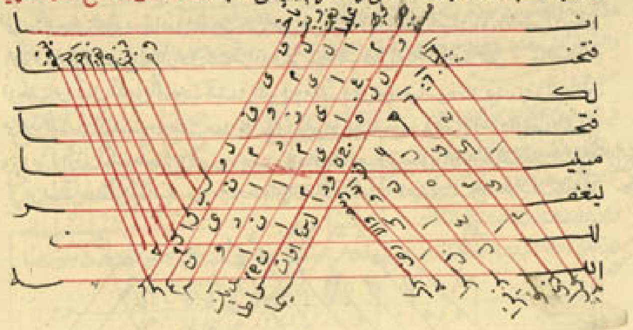
وهذه صورته

قوله تعالى ولقد فتنا سليمان والقينا على كرسيه جسدا ثم اناب قال رب اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي انك انت الوهاب الى قوله حسن ماب هذه الاية لعزل الولاة والحكام واخراجهم من البلد واذا اردت فخذ شقفة الفخار البالي وارسم فيها الاية وتقول كذا لانه يخرج فلان بن فلان والقي الشقفة في مكان يجلس فيه فانه يعزل عن البلد وهذا فعل فتسخر المطلوب القاسية ترسم في رق غزال في يوم الجمعة عند الاذان واذكر فيها اسم من اردت وانت تقول اللهم يا مسخر القلوب ويا مجيب كل محب ومحبوب اسئلك بحق هذه الاية ان تسخر قلب فلان بحق اسماك المحمود حتى لا يستطيع المخالفة بوجه من الوجوه ولها فعل في تصريف ثالث لسجن الجن تكتب الاية وتلف في القصبة وتاتي بالاستشراك ثم تتلوا الاية وتامرهم ان يسجنوه لما اراد في تلك القران ونحن شرحنا لك في فن الوصال كيفية السجن وخاصيته رابعة الجلب الرزق في الكيل والحانوت تكتب في الكيل في يوم الجمعة وتبخرها وقد بينا شروط ذلك فيما تقدم في الجزء الاول من هذا الكتاب وان كتبت ووضعت معك كان لها تاثير ايضا في جلب الرزق ولها فعل خامس وهي قضاء الحوائج وذلك من اراد قضا حاجة فلينقش في صحيفة من فضة وتلاها وحملها معه ويتوجه الى من اراد من الحاجة قضيت انشاء الله ان احلص الله تعالى وكيفية تسبك ورعفران وتلاها وكان صائما من الكل ... الاعيان وكان بعض السلف يتلوها الى



وهذه صورتها

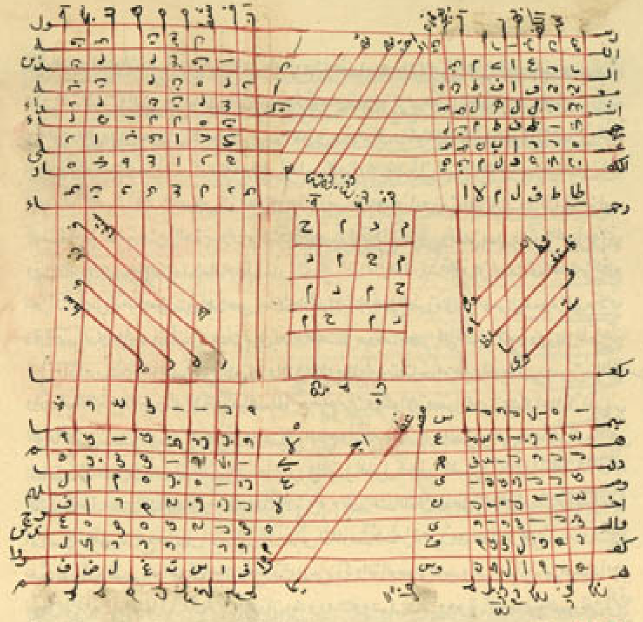
قوله تعالى انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تاخر الى قوله عليما حكيما هذه الاية الشريفة اذا تلاها
ضعيف عافاه الله او ذليل فتح الله عليه واعزه و ان رسمت في قدح من خشب على صورة ما يأتي واغتسلت بها البنت
العزبة يسر الله عليها رزقها و اذا كتبت بمسك وزعفران وعلقت في حانوت كثر عليها الزبون وان شربها معسر فرج الله
عنه عسره و ان كتب بمسك وزعفران في رق غزال وحملها انسان كان لها قبولا ومفتاحا للرزق و عقد جميع الالسنة
و ان كتب ايضا بمسك وزعفران وعلقت على امراة تعسر عليها الزواج خطبت وهذه صورة وضع الاية الشريفة



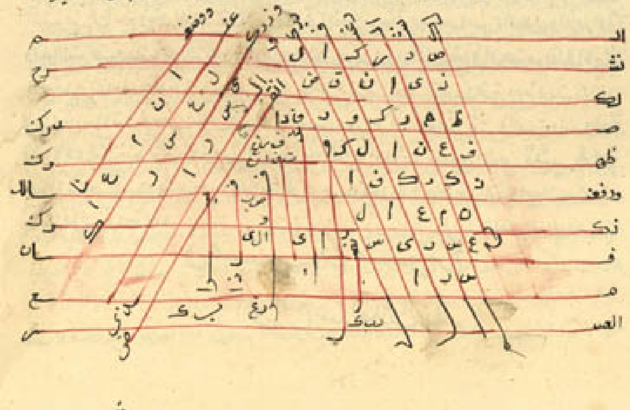
قوله تعالى محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم الى قوله واجرا عظيما هذه الاية اذا رسمت واضعف اسمها
مربع اسم محمد صلى الله عليه وسلم في صحيفة من الذهب والفضة في يوم الجمعة بعد الصلوة ويكون النقاش طاهر الثوب والبدن
ثم يبخره ويبخره ويحمله للملوك وارباب المناصب فان الله تعالى يرزقه الهيبة والقبول والمحبة والعطف و ان حمله المغموم
مهموم فرج الله عنه همه وان حمله معموم ذهب غمه و ان وضعت بعد الكتابة في مسك وزعفران ووضعت بين القماش
فان البركة تكون فيه و اذا صور صورة من اردت من الامراء والملوك وابوابه صورة من شمع ورسمت الاية على القماش
ووضعتها في قدر من فخار ثم سد فمها والقش عليها الاية ثم ادفن ذلك في مجرى الماء فان المعمول له يذل له نفسه ولو كان اميرا
و لقد وقعت هذه القصة الى ابن ابي الصلت فوضع هذا الخاتم وفعل كما ذكرنا مع الرشيد بن العباس فقربه وادناه
تنبيه اقول انه كان في الزمان المتقدم كل امة من الامم يأخذون الاسرار والعلوم من كتبهم وقد اجمعت العلماء
المتقدمون ان يأخذ وهما من السرياني والعبراني والحميري والرومي وخبايا علماء الاسلام فأخذ وهما من القرآن
والاسماء العربية والجميع واو وقروا الالسن وفهموا مفهومها وقد تحققت ملائكة العرش بالعربية والسريانية والعجمية والعبرانية
والرومية والان بحمد الله تعالى بجميع الالسن وبيان لنا الكتب الا ان الغالب في زماننا يتكلموا بالعربية وانما
ما وضعنا في كتابنا من الدعوات والاقسام الا بهذه الالسن المذكورة و لقد رأينا نكتة اخرى ان الملوك السفلية
اخذت عليهم المشايخ العهود ان يطيعوا القطريات جميعها وكل عمل لا يكون فيه مقطرين لم يقضوا له الا بعد مدة فاعلم
هذه الاشارة ونحن جعلنا هذه الايات سرا شاملا لتعلم منه الكيفية الاعمال و ان لهذه الاية ٢٤ تصريفا
اقول ان اسم محمد صلى الله عليه وسلم موضوع في هذه الاية الشريفة وفيها قوة التداخل بطريق اهل الانوار والاسرار وكان
منها الاعداد لان الميم فيها نقطة بيضاء وصناعة التصريف وهذه الاية تحتوي ٢٤ تصريفا على عدد الساعات التي

تمرّ في الليل والنهار فمن ذلك التصريف الاول اذا اردت تحصين روحاني من الارواح الروحانية او جلب انسان
فكتب الاية كما يأتي في الثوب وتتلو عليها القسم الجامع ثم تبخرها وتعلقها في الريح وتقول بحضر فلان بن فلانة و ان كتب
في خلوق وطلي عليه العون من الاعوان ارسم هذه الاية في رق غزال وانلوا عليها الاية وعلقها فان اجيبوا بالملائكة
الايام وتوكلوا بالجلب في ما يأتي كذلك تفعل بجلب الغائب كما بيناه لك فانه يأتي ان شاء الله تعالى التصريف الثاني اذا
اردت ان تحتجب عن اعين اللصوص فخذ قطعة من جلد ارنب وادبغه بحناء ورتب لطالع الساعة الثانية من يوم
السبت والقمر في الحادي عشر من العقرب وارسم الاية وبخرها بلبان وقراءة الكرسي وتعلقها عليه وتمشي في الصحراء في اي
وقت اراد فان اللصوص لا تقربه ابدا ما دام عليه الجلد التصريف الثالث اذا اردت تمريض من اردت فخذ قطعة من الشمع
العذراء واعمل صورة مثل صورته وقل هذه صورة فلان وارسم الاية بابرة على الصورة واتلوا الاسم الجامع وام الخدم تمريض
ذلك الشخص الذي على اسمه وتدفن في مرج فانه يمرض فان وضعت في مدخنة حصلت على المعمول له الحمى علم ذلك التصريف
الرابع اذا اردت ان ترسل الصواعق والامطار والثلج على اي مكان اردت فاخذ من طين احمر وتصور صورة ذلك المكان
وارسم فيها الاية مع الاسم وتتلو الاية وتتلو القسم الجامع سبع مرات وتتلو الاية وتقول اقسمت عليكم يا ملائكة السحاب
بحق ما اقسمت به عليكم الا ما ارسلتم على فلان وعساكره الرياح والثلج والامطار والصواعق بحق هذه الاية الوحا العجل
الساعة فانها تحصل ان شاء الله تعالى التصريف الخامس في المحبة والقبول وعقد الالسن من الاكابر والملوك واصحاب
الشوكة فاخذ فضة وتعملها الواحا وترسم عليها هذه الاية في يوم الجمعة عند الاذان وادخل به على من اردت من الملوك وارباب
المناصب فانه يقضي له جميع حوائجه التصريف السادس اذا اردت قلب امراة على زوجها او الملك على خادمه او السيد على
عبده فخذ شمعا مقصورا واعمل تمثالين من شمع تمثال الانثى وذكر والق الوجه الى الوجه واكتب اسم المراة على الرجل واسم
الرجل على المراة ثم ارسم الخاتم في رق غزال بزعفران وماء ورد وبخره بمسك وعنبر وورق الورد وضع الصورتين في الرق
وادفنهما في البيت الذي هم فيه فانهما يتلاقان ولا يفترقان التصريف السابع اذا اردت ان تعوق انسان عن سفره واسلاكه
عن الزوج وعقدها عن الوطي فخذ عظم شاة اسود وارسم فيه الوفق واكتب الاية حوله وبخره بوشق وحلتيت وقل بحق
فلان عن سفره و كذلك توكل في العقد وتتلو القسم الجامع فانه يكون ذلك التصريف الثامن اذا اردت ان تطرد وضعا
فخذ اربعة صفائح من الحديد وارسم الاية وقل يا رب ١٢ مرة استلك بحق محمد صلعم وفضل صحابه ابي بكر وعمر وعثمان وعلي
يا مجيد يا حميد يا محمود يا الله انت اللطيف انت القادر على كل شي واذا اردت ارانا ما تقول الى كنفيكون فان المطرين الا
التصريف التاسع في جلب الغائب فاذا اردت ذلك فخذ قطعة من خام وارسم عليها صورة المطلوب والاسم الشريف
واتلوا الاية والقسم وعلقه في المحجة التي يكون فيها وامر اصحاب الافطا يجيئه واذا كنتم تعلم في اي جهة هو فاكتب الاية على
اربع قطع من الخام وعلق كل واحدة في جهة بعود رمان حامض التصريف العاشر اذا اردت تجربته دم من اردت ذكرا كان
او انثى فارسم الاية في لوح من رصاص في يوم الثلث وصور صورة من اردت ما انقب في الصورة وضعه في احجار
وضع في ذلك الثقب خيط من الحرير الاحمر واتلوا الدعوة ثم وكلا الزهيف وابرعاف فاعلم هذا التصريف تنبيه اعلم
هذه الاية جمعت التسعة وعشرين حرفا وهي جامعة الخواص جميعا ولاجل ذلك قيدنا تصريفها بالقسم الجامع لتدبر الانسان
ويقف على السر والله اعلم بالصواب

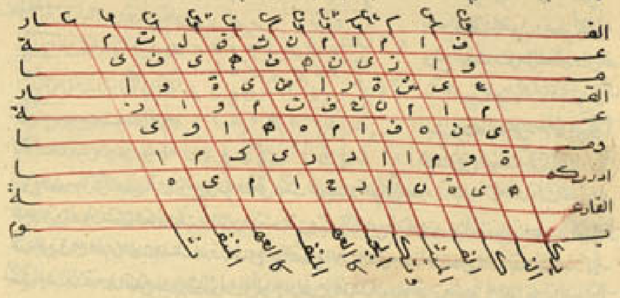
وهذه صورة
الوضع عند انقلاب الورقة



قوله تعالى الم نشرح لك صدرك الى قوله العسر يسرا **اعلم** ان هذه الاية الشريفة قد تقدم لنا فيما تقدم ان لها خواص جليلة
وهذه الاية اذا كتبت في رق غزال بماء الورد والمسك والزعفران وعلقها في راسه وتلا السورة ... مرة فان الله تبارك
وتعالى يرزقه [illegible] والرزق **و** اذا قرئ هذه السورة الشريفة بما تقدم من الدعوة [illegible] في البلاد [illegible] من الجن والمومنين ويأتوك
بالخيرات [illegible] **و** اذا كتب للجلب الرزق والخيرات وقضاء الحوائج والجميع [illegible] **و** ان كتب على لوح
من الاسرب في الوجه الثاني [illegible] والشمس [illegible] والقمر [illegible] الاسماء الاتية [illegible] **وهذه صورة وضعها**

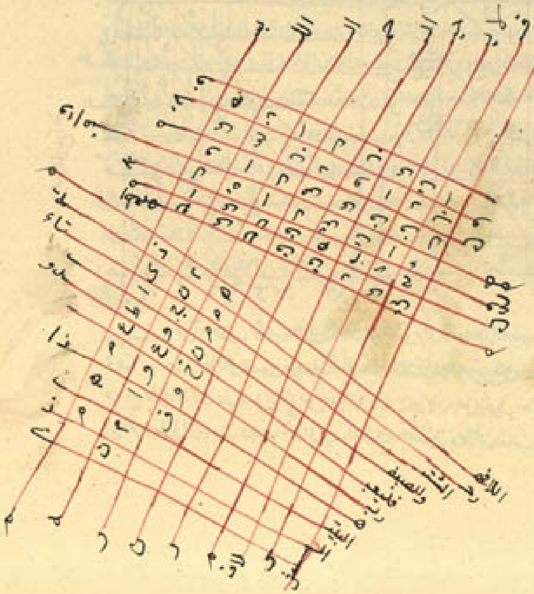


قال رسول الله صلعم من قال لا اله الا الله دخل الجنة **و** قال من كان اخر كلمة لا اله الا الله دخل الجنة ومن كان
له حاجة فليدخل الخلوة ويخلي نفسه ويجمع قلبه ويقول لا اله الا الله سبعين الف مرة ويطلب مطلوبه من الحوائج فان الله يقضيها له قال
بعض المحققين ان [illegible] الاخلاص هو قول لا اله الا الله **و** قال صلعم للذين احسنوا الحسنى هم القائلون لا اله الا الله [illegible]
قوله تعالى القارعة الى قوله كالعهن المنفوش او الى اخر السورة قال الشيخ من خواص هذه الاية الشريفة [illegible] صوتي من اوله
ويكون ذلك يوم الثلاثا والقمر [illegible] سعود [illegible] فانه يكون ذلك [illegible] **وهذه صورة وضعها**



قوله تعالى لايلاف قريش الى اخرها هذه السورة لمن اراد الدخول الى الخلوة [illegible] فاذا تلاها [illegible] **و** اذا كتبت
في طالع سعيد والقمر في منزلة سعد السعود [illegible] في السفر فان الله [illegible] من قلبه الجوع **و** اذا كتبت
هذه السورة [illegible] القمر [illegible] **و** هذه السورة [illegible] الى السالك من جنس الخفا
[illegible] **و** اذا كتبت هذه السورة [illegible] **وهذه صفة الوضع** والله اعلم بالصواب

قوله تعالى اذا جاء نصر الله
الى اخر السورة ولها خواص كثيرة
فمن ذلك الاجتماع الاعداء و
لعقد الالسن والى الهيبة تكتب
هذه السورة على [illegible]
[illegible] من الاحجار ودفنها
في [illegible]
[illegible] واذا كتبت
وعلقت في حانوت جاءه
[illegible] والله اعلم
[illegible]
[illegible]

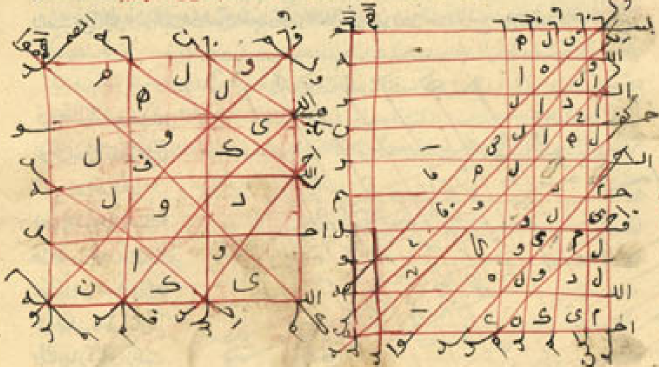


وهذه صورة الوضع

اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس ...

ق	ل	ه	د	ا	ل	ل	ه	ا	ح	ا	د
ا	ز	ا	ج	ا	ف	ص	د	ا	ل	ل	ه
ه	و	ا	ل	ت	ح	د	د	ا	ى		
ت	ا	ل	ق	ا	ص	ى	د	ح	ل	و	
ن	ذ	ى	د	ى	ا	ن	ل	ل	ه	ا	
ا	ف	ا	ح	ا	ذ	ب	ح	ب	ح		
م	د	ر	ب	م	و	ا	س	ت	ع		
ف	ر	ه	ا	ه	ه	ك	ا	ك	ق	و	
ا	ب	ا	ق	ل	م	و	ا	ل	ل	ه	
ا	ح	د	ا	ل	ل	ه	[illegible]	ل	ص	ر	ح

قوله قل هو الله احد الى اخر السورة فيه السورة جمعت اشيا كثيرة وقد تقدم فيها اولا من شروط خلوتها ومن استخدامها وكنا اذكر التصريف اللائق فيه للحل وهو نافع لما كتبت له من جهة ونفع وضرر **فان** ذلك الى المحبة والقبول وعطف القبول ومنع البغضة والحل المعقود والى العقد **فاذا** اردت المحبة فاكتب الاية في ورق زال مسك وزعفران على الاسم فتحل على بركة الله تعالى والى منع البغضة تسقى الى الغرباء او توضع في الطعام والى المعقود تكتب وتوضع في الماء وتسقى وتكتب على بيضة وتطعم على المعقود **و**ان اردت العقد فاكتب السورة على على موسى ونلائان تسقط المكرو وتكتبه على الموس وتضعه تحت عتبة باب الجامع فان كل من مر عليها انعقد باذن الله **و**اذا كتب السورة هذه على ورق مع اسم من اردت ونلك ان تربطها مع اسم الشخص في الوقت اللائق به فاذا حمله المطلوب كان تابعا لا ينفك ابدا **و**كذلك تكتب لجلب الرزق ولها خواص جليلة قد تقدمت في الواح الذهب من هذا الكتاب ولها اقلاب تصريف في الكواغد **اذا** اردت ذلك فانظر الى شروط الكواغد واستخرج عليها الان هذا الكتاب بجميع ابوابه مرتبطة باصول الاعمال **و**اذا كتبت هذه السورة على لوح من الفضة الى السبعة فانها الى ما ترغب له **و**كذا لا يكتب للفرقة تنقش على لوح رصاص **و**ان كتب على عظم ذيب ودفنت في طريق المطلوب فانه ينعقد **وهذه** الحروف هي حروف السورة وهي سقوط الملكه دينا وهي اتي **وهذه صفة السورة والبسملة** والله اعلم



ويناسبه من آي القران العزيز الله لا اله الا هو الحي القيوم الى وهو العلي العظيم **وهي** اية جليلة الشان عظيمة البرهان وفيها اسم الله الاعظم وهي خمسون كلمة وفيها سبع عشر جلالة ظاهر ومضمر حكاه ابو عبد الله القرطبي سبع عشرة اسما وسبع عشرة واوا **قال** عليه السلام اية الكرسي اعظم اية في كتاب الله كان رجل يمشي في سفر فحدث اذ عدا عليه ذيب فقرا عليه اية الكرسي فولى الذيب عنه وهرب **قال** ابو ايوب الانصاري اخذ امراة من الجن فقالت دعني اعلمك كلمة لا يقربك بيتك شيطانا

فرنكا

فربهافقالت اية الكرسي وهي كنز تحت العرش ولها من العدد **١٣٦٧١** ولهذا العدد الشريف مسدس جليل القدر وهو من اعظم المسدسات فائدة واتمها عائدة يوضع في شرف كل كوكب فيعطي صاحبها في قوة ذلك الكوكب والابتداء فيه **٢٢٦١** وهذا **صورة وضعه** فتامله وهو من الاسرار المكنونة **روى** عن رسول الله صلى الله عليه وسلم انه قال ان الله خلق درة بيضاء وخلق فيها الغرائب وكتب بيده العز الاشهب اية الكرسي واقسم بعزته وجلاله ان من قراها خلف كل صلوة مكتوبة فتحت له ابواب الجنان الثمانية فيدخل من ايها شا ومن قراها عند خروجه من منزله قضيت حاجته وغفرت ذنوبه وذهبت همومه ووكل الله بملائكة يحرسونه من كل افة وعاهة وجن وانس ومن كل الحيات وعقارب ومن قراها العزيمة في الساعة

٢٢٨٩	٢٢٨٢	٢٢٧٣	٢٢٨٢	٢٢٨٧	٢٢٧٤
٢٢٨٠	٢٢٦٤	٢٢٩٠	٢٢٦٩	٢٢٦٨	٢٢٧٧
٢٢٧٨	٢٢٩٤	٢٢٦٥	٢٢٦٣	٢٢٩٣	٢٢٧٩
٢٢٧٦	٢٢٦٧	٢٢٨٩	٢٢٦٥	٢٢٦٢	٢٢٨١
٢٢٨٥	٢٢٩٣	٢٢٦٤	٢٢٦٥	٢٢٩١	٢٢٧٢
٢٢٨٣	٢٢٨٨	٢٢٨٤	٢٢٨٥	٢٢٨٦	٢٢٦٨

الثالثة من ليلة الاربعا يجمع الهمة وحضور باطن وذكر اسم لها الى خروب العدد بارع ومحلها بمارع وقد وضعت اية الكرسي في مربع ثمانية في ثمانية التي هي ابواب حقايق الجنان وحقايق حملة العرش ونظرت ما ذا يوافقه من اوقات الفلك فاذا هو المشتري وهو السعد الاكبر فاتفقت النسب الوفقية بالنسب الفلكية وارتبطت القوى العلوية بالقوى السفلية وقربت بعضها ببعض فكثرت القوى من كل الجهات **فمن** وضعه في الساعة الاولى من يوم الخميس والقمر متصل بالمشتري اتصال مودة في لوح فضة وهو طاهر البدن والثوب بعد صوم وصلوة وحضور القلب وبخره بالعود والعنبر وحمله مع راى من جميل صنع الله ما تعجز الالسن عن وصفه ولا يقع عليه بصر احد الا احبه وهابه وانقاد الى كلمته ولا يحله خائف الا امن ولا فقير الا استغنى ولا اسير الا اطلق ولا رقيق الا اعتق وصاحبه يكون امنا من شر الجن والانس ومن شر طوارق الليل والنهار ومن داوم على حمله كثر فرحه وسروره وزال همه وغمه وحفظ في نفسه وماله واهله وحفظ وامن من الاضطراب في جميع احواله وسلم من جميع العلل باذن الله تعالى ولا يحمله ملك من ملوك الارض الا ارتفع ذكره وعلا قدره وانقادت الملوك الى كلمته ورزق العز والهيبة والمحبة **فاذا** داوم على حمله وسع الله مملكته وكثر جنده ونفذ في القلوب مشيئته ولا يقع نظره على جبار الا تواضع من هيبته وان نقش في لوح من ذهب او فضة والمشتري في شرفه في طالع سعيد محمود وعلقه على عنقه ودخل الحروب كان منصورا مؤيدا مسرورا لا يضره كيد حاسد ولا شر معاند مسموع الكلمة مقبول الصورة عند الملوك والاكابر **وينبغي** ان يبخره بالعود والعنبر في كل جمعة به تنزل البركات وترفع الدرجات ولا يحمله بمكان الاوكثرت فيه الخيرات

وهذه صورة وضعه عند انقلاب الورقة

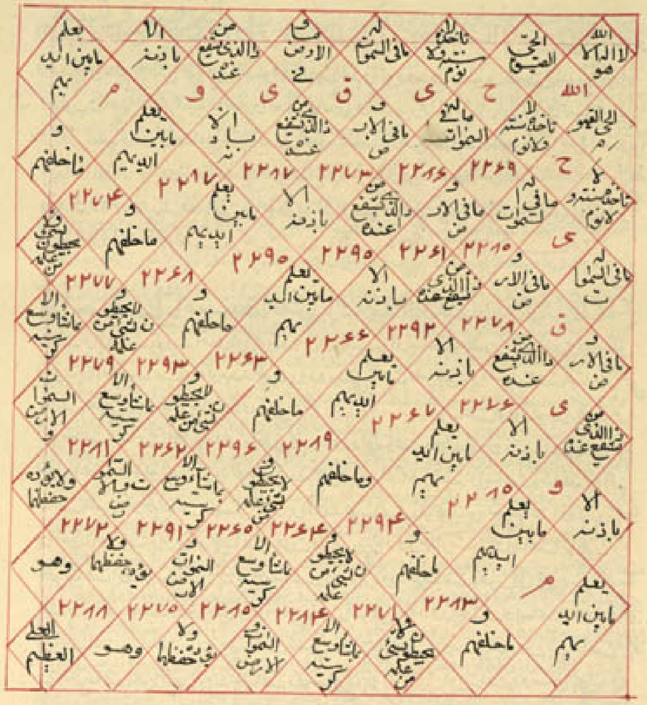
الله لا اله الا هو	الحي القيوم	لا تاخذه سنة ولا نوم	له ما في السموات	وما في الارض	من ذا الذي يشفع عنده	الا باذنه	يعلم ما بين ايديهم
الحي القيوم	لا تاخذه سنة ولا نوم	له ما في السموات	وما في الارض	من ذا الذي يشفع عنده	الا باذنه	يعلم ما بين ايديهم	وما خلفهم ولا
لا تاخذه سنة ولا نوم	له ما في السموات	وما في الارض	من ذا الذي يشفع عنده	الا باذنه	يعلم ما بين ايديهم	وما خلفهم ولا	يحيطون بشيء من علمه
له ما في السموات	وما في الارض	من ذا الذي يشفع عنده	الا باذنه	يعلم ما بين ايديهم	وما خلفهم ولا	يحيطون بشيء من علمه	الا بما شاء وسع كرسيه
وما في الارض	من ذا الذي يشفع عنده	الا باذنه	يعلم ما بين ايديهم	وما خلفهم ولا	يحيطون بشيء من علمه	الا بما شاء وسع كرسيه	السموات والارض
من ذا الذي يشفع عنده	الا باذنه	يعلم ما بين ايديهم	وما خلفهم ولا	يحيطون بشيء من علمه	الا بما شاء وسع كرسيه	السموات والارض	ولا يؤوده حفظهما
الا باذنه	يعلم ما بين ايديهم	وما خلفهم ولا	يحيطون بشيء من علمه	الا بما شاء وسع كرسيه	السموات والارض	ولا يؤوده حفظهما	وهو
يعلم ما بين ايديهم	وما خلفهم ولا	يحيطون بشيء من علمه	الا بما شاء وسع كرسيه	السموات والارض	ولا يؤوده حفظهما	وهو	العلي العظيم

وظهر على اهل الزيادات ويدفع الله عن ذلك المكان كل بلاء وافة وفتنة و من علقه على مصروع افاق من ساعته ومن وضعه في ماء وسقى منه مربوطا انحل من وقته و ان شرب من ذلك المحموم برى من حمته باذن الله تعالى وفيه شان عجيب لطلاب علا الامصار والجهات والاقطار تنفع من اللص والسارق والرجف والطارق والحية والعقرب والسباع وجميع الهوام والحشرات ومن كل ما يخرج من الارض وما ينزل من السماء وهو حجاب عظيم وستر كريم و ان وضع المسدس المتقدم ذكره في باطن هذا المثمن شاهدت منه امورا عزيزة واثارا عجيبة وسرت كلمته في الاسباب واطاعته العلويات والسفليات ولا فيل الله شيئا الا اعطاه ما سئل فتدبر فهو من الاسرار المخزونة وبالاسم الذي نبه نجى الله تعالى ابراهيم عليه السلام وبه نصر الله محمد صلى الله عليه وسلم على الكفار والمنافقين ومن عرف قدره استغنى به عن كثير من الموضوعات فانه من الكمال بغاية لا تصل اليها العبارة فتامله تجده محكم الوضع من حمله على غير طهارة اصيب اما في ظاهره او في باطنه يفهم ذلك ارباب البصائر والله يقول الحق وهو يهدي السبيل

وهذه صورة وضعه

في الصفحة الاتية وهو

هذا



حي	ق	يوم	مالك
ملك	٥٧	٩٩	واحد
١٠٣	٣٥	١٩	٥٤
مجيب	٨١	٢١	مهوب

ع اربعة

واما حرف الواو فان عدده ستة وهي ٦٠٤٣ فلك قوى اسم حي قيوم مالك منه وهي اسماء جليلة من اكثر من ذكرها احيا الله قلبه ووسع رزقه ولها مربع اربعة في اربعة وهو وضع شريف للملوك والاكابر وهذه صورة وضعه واعلم ان اسماء الله الحسنى لها سر عظيم وشان جسيم في جذب القلوب وكشف الكروب والتوصل الى كل مطلوب وقد نظم ارباب البصائر على اسرارها النورانية واثارها الربانية فاذا قصدت شيئا فاقصد الاسما الموافقة لغرض المطلوب والسر المرغوب سواء كانت من التسعة والتسعين اسما ومن شرحها فاسمه الله و الاله للعلو والهيبة ونفوذ الكلمة و الرحمن الرحيم للامن والامان ومن شر حوادث الزمان و الملك و المليك لنفوذ الكلمة عند الملوك والاكابر و القهار الجبار لقهر الاعداء والنصر عليهم و العزيز القوي للعزة والقوة على اعداء الله و المومن و السلام للامن والسلامة من الافات

واللطيف والواسع لتفريج القلب وللخروج من كل ضيق والحليم الرؤف لاطفاء الغضب والحي القيوم لحيوة الرزق والقلوب
والبديع والعليم للاطلاع على دقايق العلوم ولطايف الحكم والودود والعطوف للعطف والمودة وجذب
القلوب والعلي والعظيم للهيبة والعلو والعظمة والسمو والمصور والخالق لارباب الحرف والصنايع والرزاق
والغني لطلب الرزق والغناء والحكم والعدل للحكومة والخصام ونفوذ الكلمة عند الحكام والقابض والمنتقم لكسر
ديار الظالمين والرافع والمعز للرفعة والعز والشامخ والباسط والجواد للبسط والسرور والنافع والمعافي للصحة
وزوال الالام فافهم ذلك فقد فتحت بابا يفضي بك الى روح وريحان وجود وعرفان والله يقول الحق وهو يهدي
من يشاء الى صراط مستقيم

تمت بحمد الله وحسن توفيقه

اما حساب ایام سبعه

اما حساب ایام سبعه اما شویله بیلکه نارنجیات عملن ایشلیان یدی کوندن بیلمک کرککدر (علم) — ساعتلر
دنسنه بیلمناسب روشه آمدی اول کونده روز یکشنبه اول ساعتده طلسم بره ایکنجی ساعت دوستلق
ایچون بره اوچنجی ساعت اوده کوینده دمکیچون بره دوردنجی ساعت دلباغچون بره بشنجی ساعت ایشاره التنجی
ساعت بغلمقیچون بره یدنجی ساعت دوستلقیچون بره روز دوشنبه اول ساعت محو اوده کوینده محبت بره
ایکنجی ساعت ایشاره اوچنجی ساعت بغلمقیچون بره دوردنجی ساعت دوستلق بره بشنجی ساعت طلسم بره
التنجی ساعت دوستلق ایچون بره یدنجی ساعت دلباغچون بره روز سه شنبه اول ساعت دشمانلق بره ایکنجی
ساعت طلسم بره اوچنجی ساعت دوستلق ایچون بره دوردنجی ساعت دلباغچون بره بشنجی ساعت اوده کوینده محبت
بره التنجی ساعت ایشاره یدنجی ساعت دعوت قلمقیچون بره روز چهارشنبه اول ساعت دلباغچون بره
ایکنجی ساعت اوده کوینده محبت بره اوچنجی ساعت ایشاره دوردنجی ساعت دعوت قلمقیچون بره بشنجی ساعت
ایشاره التنجی ساعت دشمانلقیچون بره یدنجی ساعت دلباغچون بره روز پنجشنبه اول ساعت دعوت قلمقیچون
بره ایکنجی ساعت دشمانلقیچون بره اوچنجی ساعت طلسم بره دوردنجی ساعت دوستلق ایچون بره بشنجی ساعت دلباغچون
بره التنجی ساعت دعوت ایچون بره یدنجی ساعت دوستلقیچون بره روز آدینه اول ساعت دوستلق ایچون بره
ایکنجی ساعت دلباغچون بره اوچنجی ساعت اوده کوینده محبت بره دوردنجی ساعت ایشاره بشنجی ساعت دل
باغچون بره التنجی ساعت دوستلق ایچون بره یدنجی ساعت دوستلق ایچون بره روز شنبه اول ساعت ایشاره
ایکنجی ساعت بغلمقیچون بره اوچنجی ساعت دشمانلقیچون بره دوردنجی ساعت طلسم بره بشنجی ساعت دوستلق
ایچون بره التنجی ساعت دلباغچون بره یدنجی ساعت اوده کوینده محبت بره

باب

(ابدی) بیلمک کرککه هر بر ساعت بنده اوّل آق بیلدوز طوغمقیده در ایکنجی ساعت کون یاپلدیغیده در اوچنجی قپا قشلق در
دوردنجی ساعت ایلدز والدر بشنجی ساعت کچدکیده در التنجی ساعت آکنده یا قنده در یدنجی ساعت اکنده — ساعتلر

باب

نارنجیات یز رسالت برابر بکا عمر بز عمل یکشنبه کونی اسد کبی ده هر کیشی که خسته
اولدیغی کوکسندن اوله و یا خود قربندن اولدقوروق دوردنجی کوندکی دوشنبه کونی سنبله تکدر هر
کیشی که خسته اولدیغی قربنده اولا تا ایدی کوندکی قورقوا اوله سه شنبه سرطانکدر هر کیشی که خسته اوله
دیغی قربنده اولا قورقودر تا سکز کوندکی چهارشنبه کونی عطارد کبی ده هر کیشی که خسته اولسه تکلدر
اغزغان اوله قورقودر تا اون الکی کوندکی پنجشنبه کونی مشتری نک در هر کیشی که خسته اولسه دیغی
یوددر بودر و بوندن قورقودر اون کون یا اون درت کوندکی آدینه کونی زهره نکدر هر کیشی که خسته

اولدیغی اسم لکنه ندر قورقودر اون کوندکی تمت

عدد ابجد صغیر و کبیر

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ك	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۸	۶	۴	۲

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰
ساقط	۱۰	۸	۶	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۳	۸	ساقط	۴

اشبو هم حساب کبیر و هم حساب صغیردر بیلکه هر نه ایچون بر دوست ساعتنده
پرمق کرککدر پادشاهلر کورمک ایچون و شریفلر ایچون شمس ساعتنده کرک محبت ایچون زهره
ساعتنده پرمق کرککدر و عداوت ایچون زحل ساعتنده پرمق کرک آدم باغلمقیچون مریخ ساعتنده پرمق
کرک آدم شاشلمق ایچون قمر ساعتنده پرمق کرک دیل باغچون عطارد ساعتنده پرمق کرک صاتو بازار
ایچون مشتری ساعتنده پرمق کرک و دخی زحل ساعتنده پرمق کرک انشاء الله راست کله عقربه افتابک
برادری وار اسد در زهره نک ایکی ادی وار بری ثور و بری میزان عطاردک ایکی ادی وار بری سنبله و بری
جوزا و آینک برادری وار سرطان اول کشنک که طالعی طپراق اولا اف طپراغدن اوتکلیم اودا اوله آتی
اوده برابق آتو بکلیم صوا ولا آتی صوبه برق آتو بکلیم یل اولا آتی یله صاورغل حمل اسد قوس اوددر جوزا
میزان دلو یلدر دخی جدی طپراغدر سرطان عقرب حوت صودر اول کشنک کیم یلدوزی زحل اولا مسک
زعفران بخور اوله آتو کیچون لسنه برجو اوتکلیم یلدوزی مشتری اوله صمغ صنوبر بخور ایده اوتکلیم یلدوزی
مریخ اولا صنوبر افیون دارفلفل بخور ایده اوتکلیم یلدوزی افتاب اولا کندر و چوغان بخور ایده اوتکلیم
یلدوزی زهره اولا عود وشط و زعفران و مزدک و لادن و خشخاش بخور ایده اوتکلیم یلدوزی عطارد
اولا کیک سراپ و صندل و صاپان قوزی ایچنی بخور ایده اوتکلیم یلدوزی آی اولا دخی خطاطق حلطرین بخور
ایده آیوک اولنده اوندکن دوستلقیچون بره یکرمی سندکن دیل باغی وابقوباغی بغلمقیچون بره یکرمی سنده آخرندکن
دشمانلقیچون و حاجات قپچون دخی ایچون بره اوقلم براشلمق و دوستلق ایچون اولکا بیچاق ال دخی براشلمه قلم الدخی
بیچاقی قلم اوستنه قویه یوقی اوقیه قطعت القلم لاجل عمل المحبة اندن صکره قلم یونه دخی یوقی اوقیه القت المحبة والشفقة
بن فلان فی قلب فلان او على ابن فلان اورحی

فلانه دخی دیه کیم بحق طیوش وطلاح و
عسکر جونقلك شفقن ایده سن کیم
شققت القلم لاجل عمل المحبة والشفقة
بن فلان فی قلب فلانه على حب فلان بن فلان
قلم ادجن کیچ ایده کیم قطعت القلم هو
صدقیم لقات نضاجم الاجابة باسمهم
وسلم تسلیما کثیرا قلم براشلمق دشمانلق
ایچون بیچاغی الوکه ال دخی براشلمه تی
قلم الوکه دورت دخی بیچاغی قلم ارزنده

	فجر	شفق	زوال	ظهر	نصف النهار الصلوة	عصر	مغرب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عطارد
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمس	زهره
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عطارد	[illegible]	[illegible]
[illegible]	زهره	عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عطارد	[illegible]

بوی اوقو قطعت القلم لاجل عمل العداوة والبغضاء والفرقة اندن صكره قلم اوزره دخی بونی اوقی قطعت الخرقة فلان

بنت فلانه وابن فلان ابن فلانه تفرقی هذا القلم بحق یوحیر مهیا علوم بتعلم یو رث الاجابة چون قلم شقین ایرا سن بونی

اوقی شققت القلم وفرقت اجزائه لاجل العداوة والبغضاء والفرقة فلان قزی فلانه فلانه یو ناسنده چون قطع ایده سن

بونی اوقی انه بما یحیی هو یوحیر انه عوفی چون دشمن لایحون عمل ایده سن اول لوا کشنده ایدن کیم بری بیرینه دشمن ایده جک

ارقون رقسنر ترناکیم اینك حاصل اوله اکر عمل دوستلغیچون ایده تر شانه قلم لوکا آل دخی قلمك قرا شلغجان یازن

کنندن بکاروت شبلکیم قلمترا شه اول ایکی کشنه ادن بو بیننه دوست ایده سن بری بیرینه باتر تیزناکیم اینك حاصل

اوله چون دوستلغیچون ایده سن اول ادج کوز محمد نام سلیمان اوقه اوله جك کیزه انجیق یو ده بسم الله الرحمن

الرحیم وهو المعین بالمیوش وطلاح وعسکنی بلیل عتما لاقضلم القت بن فلان قزی فلانه علی حب فلان او علی فلانه

بحق هذا الکتاب وبحق سلیمان بن داود ودخی خیر والله اعلم **فصل فی استخراج النجوم** وکیفیة ذلك

وهو باب جلیل القدر وذلك ان تاخذ عدد الضلع وتطرحه ثلاثا ثلاثا فان بقی واحد فالنجوم من الحیوان وان فضل اثنین

فالنجوم من المعدن فان بقی ثلثة فالنجوم من النبات وان نظرت طبع النجوم فخذ الاوتاد الاربعة ونحج ذلك فان

فضل واحد فنار وان فضل اثنین فهواء وان فضل ثلاثة فماء وان فضل اربعة فهو الی قسم التراب جمیع المعدنیات

وحبس الهوی مثل نبات البحری والناری ایضا من النبات ولقد ذکرنا اسماء النجورات فیما تقدم من الجدول وانا

ذکرنا لکل یوم بخورا فاذا عرفت ذلك الیوم فبخره ببخوره واعلم ذلك و غیره وجوا اخر وذلك ان تنظر الی مسلحة الوقت

اوالی عملها وشطر بهایة العدد فان کثیرا فتطرحه ٢٨ ٢٨ فما فضل فعل تقطیع الحروف هذا الحروف تنحج بخوره

ذلك العمل وهذه قاعدة کلیة تفهمها وکذلك الایام تنظر بنجوم وحبا اخرو هوان تاخذ ساعة الوقت وتقطعه حروفا

وتنظر کم خرج لیعمل حوق فان خرج عمل حرف فا فیکون النجوم بفضل وان خرج سعد حا فحصلبان وان فضل معك

عین فعنبرا و عبر وقس علی ذلك سایر اعمالك والله اعلم

ا ب ت ث ج ح خ د

ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی

یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
اول روز شمس	اول روز قمر	اول روز مریخ	اول روز عطارد	اول روز مشتری	اول روز زهره	اول روز زحل
نیم چاشت زهره	نیم چاشت زحل	نیم چاشت شمس	نیم چاشت قمر	نیم چاشت مریخ	نیم چاشت عطارد	نیم چاشت مشتری
زوال عطارد	زوال مشتری	زوال زهره	زوال زحل	زوال شمس	زوال قمر	زوال مریخ
ظهر قمر	ظهر مریخ	ظهر عطارد	ظهر مشتری	ظهر زهره	ظهر زحل	ظهر شمس
میان دو نماز زحل	میان دو نماز شمس	میان دو نماز قمر	میان دو نماز مریخ	میان دو نماز عطارد	میان دو نماز مشتری	میان دو نماز زهره
نماز عصر مشتری	نماز عصر زهره	نماز عصر زحل	نماز عصر شمس	نماز عصر قمر	نماز عصر مریخ	نماز عصر عطارد
آخر روز مریخ	آخر روز عطارد	آخر روز مشتری	آخر روز زهره	آخر روز زحل	آخر روز شمس	آخر روز قمر

باب چون دیله‌کیم بنی بیره سن اکر حب ایچون بو دیله‌ك آفتاب ساعتنده کرك و اکر دلبا ایچون

بو دیله‌ك عطارد ساعتنده کرك و اکر تفریق ایچون بو دیله‌ك مریخ ساعتنده یاز و اکر اوقیو علق ایچون بو دیله‌ك

مشتری ساعتنده یاز **باب** عورت بلدوزین بیان در **کیمون** بلدزنی او تدن اولوبشین اوکذا

کمال کیمون بلدوزی بلدن اوله بشین اماقویه جمعه کون سوکت طالعنده **کوکلکه** طیراقدن اوله اوکشوك

اسکی التده دفن ایده باد و ورت یولدا راسنده که و **اکر** صودن اوله صویلاجوه دیا قویه بر غه کون قتنده کوه

ضایع اولیه **باب** اون ایکی برج بیدی بلدوزه منسوب اولمشدر آنی بیان ایدر **طالع حمل**

آتشی مریخ نر سه‌شنبه

طالع ثور	**طالع جوزا**	**طالع سرطان**	**طالع اسد**
خاکی ماده زهره آدینه	بادی نر عطارد چهارشنبه	آبی ماده قمر دوشنبه	آتشی نر شمس یکشنبه
طالع سنبله	**طالع میزان**	**طالع عقرب**	**طالع قوس**
خاکی ماده عطارد چهارشنبه	بادی نر زهره آدینه	آبی ماده مریخ سه‌شنبه	آتشی نر مشتری پنجشنبه
طالع جدی	**طالع دلو**	**طالع حوت**	**اولکه** اوده دن دروبلد
خاکی ماده زحل شنبه	بادی نر زحل شنبه	آبی ماده مشتری پنجشنبه	

در نحس در واولکه طیراقدن در و صودن در سعد در حساب جمل کرکدر بو طریقی بو ینه کتوره انکی ضایع اولمیه

فصل بلك کرککیم بو بیدی بلدوزك کیمی نحس و کیمی سعد در زحل نحسدر مشتری سعدر مریخ نحسدر

زهره سعد در عطارد نرسعد نحسدر قمر بعضی وقتده سعد و بعضی وقتده نحسدر **فصل** خاك و باد و نور

بیله خاك و آب چشور لر آتش و باد منعدم چشور لر آب و آتش هرکز بو شمز لر **فصل** چونکه بلدوزك بو بیلدوزك

بعضی سعد و بعضی نحس شر پلکی زهره ایله مشتری ساعتنده یوره لر بیکنجکی زحل ایله مریخ ساعتنده یوره لر اوتوز لغلد

قمر ایله شمس ساعتنده یوره لر تغیر و مشتری عطارد ساعتنده یازه لر **فصل** بیلجر نسته نسنه ایله بیجات کوننك

زهره ساعتنده ایشلر قان دوکیجی نسنه ایله بیجات مریخ ساعتنده ایده لر زیرا کیم ای فلکوك یو لیجیدر عطارد فلکوك

یز جیدر زهره فلکوك چنکجیدر کونش فلکوك سلطانیدر مریخ فلکوك جلادیدر مشتری فلکوك قاضیدر

زحل فلکوك کدخدا سیدر هرکیم بلدوزلر ایله عمل قلدن ارقی حفظ ایتمه **فصل** بیجورا حوالن بلدر در بیج آغ

کوبلك و آغ بر وکافور و زنجبیل بو عودی تو تو لر لغز باعنبر قوش فعل و چیباسر و قمع کونلك تو تره لر بکر نجك اید

زفت و قطران و سوسر بو العلق ایلیس و نعین بیجوارلر **فصل** اوقات احوالن بلدور و بیجه ایتمك کرکدیك

لباسلو کیفه ایدبشادر و بیو ز بنی قبلیه قارش ایلیه صوغان و سر ساق بلکه آغزنو قدری نسنه بمیه بلکه چیوانات دن

دخی پرهیز ایلیه بلدور قلم اول بیشر که تاکیم راست کلا اغز باعن بیجه لیه تمام اولی تیری آی طلوع سندن یونی کون طلوع سند

بکا اتمام کوك الته و بیشر قویه کم یوز دن یوکسك اوله طاش کبی نه او نو سه بکر بیجاك بر حق آی اسکنده کبر کبیجاك کبه

ارقه سی قبلدن نیه اوله تاکم مرادی حاصل اوله **فصل** بلدوزك کیجه بیجی احوالن بلدور و در هر بو کوننك قنقی

بلدوزك ساعتنده ایش ایشلیوسن کرك الف بری سنك آدی الیدای فلان بری بو ایشوم بیتور بیره سن تاکم سنوك ایکلو

صحیح اوله **زحل** بو سنك بیجوری بسباق در لقبی ابو النوح جیوه دن بیر جق آکی آدن بیله دیه سن **مشتری** بو سنك آدی

شمهورش در لقبی ابو الیدا النفرانی در **مریخ** بو سنك آدی صلا اللاحر در لقبی محمد بش در جیوه در **شمس** بو سنك آدی

ملك مذهب در لقبی عبد الرحمن در صلا اللذر **زهره** بو سنك آدی ... لقبی ابو الحسن در صلا الله **عطارد**

بو سنك آدی برقا الله لقبی ابو العباس جیوه در **آی** بو سنك آدی ... لقبی ابو الوفاء در صلا الله

شرح دعاء بلخی بودر

هر کیم دوکدوکی کنیه خلق ایجنده اوج کون یاخود اون کون یاخود اتی کون یاخود التمش کون یوندن بغاردیه کلا اشبو دعاء بلخی دلکی سکزنی اقو یوب بیت ایده اوج کون یا اتمش یا التمش کن دخی اوسکزنی دکه قو نمیز یر غمنا حدت تمام اولنجیه که انی کورمیه دیکر هر کیم دسمه یر دشمنان اوزنیه طاش بغدره یاخود طراق بغدره بو دعاء بلخی کری اوزیره اوقیه کوره اوج کره انلن اوله اوره دی اوج اغاجیه دوره سقا اول اوره دی دخی اول اغاجی الوب خلوت یره واره کمسه کمسه کورمزاوله دخی اول اغاجی یره چوکه طقوز ادم ویا خود طقوز باسم قبلسی یکا واره اول اوره دن ایرا جق بعده اوتوره دخی کوزاده یا باکیجه موسط باکلاکاس البار دتمر

قلم الطبیعی هو هکذا

ی ک	ح ط	و ز	د ه	ج	ب	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ل	م ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	تم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

دعاء بلخی بودر

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله البقیرتو ویا تقوزوی
بسم الله البموج یا بموج بسم الله البکولک یا بکولک بسم الله البرقوف یا برقوف بسم الله البدیولک
یا دیولد بسم الله البلوط یا بلوط بسم الله البرلاح یا برلاحی بسم الله البهماق یا بهماق بسم الله البترلاظ یا
ترلاظ بسم الله البقرصاد یا قرصاد بسم الله البرجاص یا برجاص بسم الله البصرخاف یا بصرخاف بسم الله
البلورضاق یا بلورضاق بسم الله البقرطاق یا بقرطاق بسم الله البکرماه یا بکرماه بسم الله البرجام
یا برجام بسم الله البجراح یا جبراحی بسم الله البزمی یا بزمی بسم الله البکلصاح یا بکلصاح بسم الله البرثونا
یا برثونا بسم الله البملاک یا بملاک بسم الله البقرصنات یا قرصنات بسم الله البغرهات یا بغرهات
بسم الله البرعاف یا برعاف بسم الله البرماد یا برماد بسم الله البجرفای یا جرفای بسم الله البطرقاب یا بطرقاب
بسم الله البطغیان یا طغیان بسم الله البصرقام یا صرقام بسم الله البدونام یا بدونام بسم الله البورکاج یا بورکاج
بسم الله البنصراج یا بنصراج بسم الله البمراخ یا بمراخ بسم الله البقلفات یا بقلفات بسم الله البردافی یا بردافی
بسم الله البنزروج یا بنزروج بسم الله البمروج یا بمروج بسم الله البصرفخ یا بصرفخ بسم الله البطزوخ یا بطزوخ
بسم الله البرجام یا برجام بسم الله البشلوط یا بشلوط بسم الله البصلوک یا بصلوک بسم الله البقلوف یا بقلوف
بسم الله البتلوع یا بتلوع بسم الله البنواج یا بنواج بسم الله البنوصنات یا بنوصنات بسم الله البضواص یا بضواص
بسم الله البوثاب یا بوثاب بسم الله البغازوج یا بغازوج بسم الله البقلواک یا بقلواک بسم الله البصمان یا بصمان
بسم الله الهدولد یا هدولد بسم الله البضویات یا ضویات تم دعاء البلخی والحمد لله کثیراً دائماً ابداً

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

هذا الوفق حجاب عظیم مبارک للجن والسباع والخنازیر والمحبة فی طاعة الله ورسوله ولا ذهاب الجادو فی الاضراس والاسنان والشقیقة ولوجع الالم الوصف کله فی سورة الاخلاص والله اعلم والحمد لله اولاً واخراً وظاهراً وباطناً تمام شد کتاب در دار الخلافه طهران در محله ... در سنه هزار و دویست و هشتاد و هشت یوم بیت و هشتم شهر جمیدی الثانی کاتبه اسمعیل ... غفر الله له ولوالدیه فی شهر ١٢٧ ... تمام

فی خواص آیة الکرسی وما لها من البرکات اللدنیات منقول من شمس المعارف الکبری

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلم وفقنی الله وایاک الی فهم اسرار اسمائه ان الاسماء لها معان والتی علی اسماء الله تعالی ومن اعظم الاسماء واجلها ما نبه عنه بعض الاجلاء من ارباب الاحوال والاطلاع علی الاسماء ان اعظم آیة فی کتاب الله تعالی هی آیة الکرسی المعظمة لقوله تعالی وسع کرسیه السموات والارض فان فی قوله تعالی الم معنی جلیلاً لان الالف من الله واللام له ما فی السموات والمیم مالک الملک واعلم ان هذه الآیة الشریفة لما نزلت علی النبی صلی الله علیه وسلم نزل معها اربعون الف ملک اجلالاً لها واعظاماً لقدرها فاعرف قدرها وصل الیک لانها الآیة المنجیة والآیة الکافیة والآیة الواقیة والآیة الدافعة والآیة الواقیة وانها سیدة آی القرآن وانها تعدل ثلث القرآن ورد ذلک فی احادیث صحیحة وورد انه من قرأها اول لیلة لم یقربه شیطان کذلک من قرأها اول النهار اتاه السید المطاع لهم کشف آیة الکرسی فان الآیة الکرسی تعد بمائة حرف وسبعین حرفاً وخمسین کلمة وسبعة فصول ومن قرأها العبد حروفها مائة وسبعون مرة واراد الشفاعة عند ذی سلطان کان ممن کان قبلت شفاعته ومن قرأها وکان فی شدة العدد المذکور مائة وسبعین مرة فی جوف اللیل علی وضوء واستقبال القبلة فرج الله عنه قریباً ومن قرأها عند دخوله علی شیء قلیل بورک فیه وحفظ من نزغات الشیطان ومن قرأها عند دفنه او بعد صلاة العصر فی موضع خال من الاصوات علی وضوء واستقبل وجد فی قلبه حالاً لم یجدها وخشوعاً فیدعو الله یستجاب له من خیر الدنیا والآخرة ومن قرأها وسط اللیل مائة وخمسة وعشرین مرة امن من عدوه واهلکه الله تعالی عنه ومن قرأها ثلثمائة وثلاثة عشر کفاه الله اهم من امره ومن خواص هذه الآیة الشریفة اذا کتبها حروفاً متفرقة فی جام
زجاج بماء ورد وزعفران وشرب بعد ذلک ایاماً ویکون صائماً ولا یفطر الا علیها انطقه الله ینبوع الحکمة ویکون الابتداء فی العمل فی شهر شعبان وان اضاف الیها مائة کان اجود واذا اراد الحضور علی الآیة کما ذکرنا تقرأ آیة الکرسی سبع مرات وتقول اللهم انی اسئلک بحق هذه الآیة الشریفة ان تلهمنی علم الدنی وان اردت علماً من العلوم فقد کرره
٢ بطلب م فانه تعالی ینجح مطلب فقد اشرت لبعض الاخوان فاستعمله فلم یتم العدد المذکور حتی فتح الله لبتی وفنا الا کان یطلبه فوق الذی یرجوه الله یهدیک الی صراط مستقیم ومن خواصها انک ان لبثت تواجیل تقرأها عند حیاطة الثوب وعند لبسه وتقول اللهم کما البستنی جدیداً ان تجعله حجاباً من بل فان الملائکة الخدام لهذه الآیة یستغفرون لک ما دام
٢ والوجع م ذلک الثوب حتی ینقطع وان اضاف الیها سورة انا انزلناه فی لیلة القدر کان اجود ومن خواصها اذا عدت مریضاً
٢ فان کان مرضه م فاسئل عن حال المرض من صداع فی راسه او الم فاکتبها احرفاً متفرقة وعلقها علیه من احب الله وان فی الله المرض من الطب او من جمیع جسده فارسم وفقها المشهور عنها فی جام زجاج ویکون الکتابة بمسک وزعفران وماء ورد ثم اکتب الآیة الشریفة ایضاً حروفاً متفرقة واکتب معها آیات الشفاء وهی قوله تعالی ویشف صدور قوم مؤمنین وشفاء لما فی الصدور وهدی ورحمة للمؤمنین فیه شفاء للناس وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین واذا مرضت فهو یشفین قل هو للذین آمنوا هدی وشفاء ثم تمحی الکتابة بالعسل النحل وتقرأ علیها الآیة الشریفة سبع مرات ویشرب المریض فانه یعافی باذن الله تعالی ومن خواصها من اوذی به البلغم فیاخذ سبع قطع من سکر الملح الابیض ثم تقرأ علی کل قطعة منها الآیة الشریفة سبع مرات ویستعملها علی الریق سبعة ایام متعددة فان الله یذهب عنه ما یجد
٢ ایام م وحکی عن بعضهم انه کان ینظر فی منامه اموراً مختلفة واشیاء مفزعة فاتی الی بعض المشایخ من ارباب الطریق وشکی الیه ما یجد فی نومه فقال له الشیخ اذا اویت الی فراشک فتعوذ بالله من الشیطان الرجیم ثلاثاً واقرأ آیة الکرسی ثلاثاً فاذا وصلت الی قوله تعالی ولا یؤده حفظهما

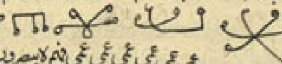
[illegible]

وهو العلي العظيم تكتب بها ثلاثا وتنام فانك تامن مما تحذره ففعل الرجل ذلك فلم يجد بعدها شيئا يكرهه **ومن خواص آية**
الكرسي اذا اردت الدخول الى ملك او جبار وخفت من شره فقل وانت داخل عليه شاهت الوجوه ثلاث مرات وتقرا آية
الكرسي ثلاث مرات ثم تقول **اللهم** انى محتجب من ذنبتك ومحتجب وكرامتك وعموت بربوبيتك ما تمهر به القلوب وتذله
به النفوس وترق له الاقتدار وتبلى له الافكار ويخضع له كل متكبر جبار يا عزيز يا غفار يا الله يا واحد يا احد **اللهم**
احفظني فيما ملكتني مما انت املك به مني وامددني برقيقة من دقائق اسمك الحفيظ فاختطف به ابصار الموجودات وتبقى
دروعا من كفايتك وكلائتك فلا في سيف نصرتك وكن امنك وحمايتك وتوجني بتاج عزتك وكرامتك وودد بيني بيني
منك وعنايتك واركبني مركب النجاة الى المهمات وامددني برقيقة من رقائق اسمائك القهرية ادفع بها عني من اراد بي
بسوء من جميع خلقك وارزقني ولاية تخضع لي بها رقبة كل جبار غشوم مكار يا عزيز يا جبار يا الله يا واحد يا احد يا
قهار **اللهم** سخر لي جميع خلقك كما سخرت البحر لموسى بن عمران عليه السلام ولين لي قلوبهم كما لينت الحديد لداود عليه السلم
فانهم لا ينطقون الا باذنك نواصيهم في قبضتك تقلبها كيف تشاء يا مقلب القلوب يا علام الغيوب طفات غضب
فلان بن فلان وان شئت تقول غضب الناس بلا اله الا الله واستجلبت موده ثم وحبهم بمحمد رسول الله صلى الله تعم
عليه وعلى آله وسلم فلما رأينه اكبرنه وقطعن ايديهن وقلن حاش لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك كريم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم **ومن خواص آية الكرسي** اذا كنت في مكان مخيف فاجلس انت ومن معك على الارض وامرا القوم
يجعلوا ظهورهم بعضا الى بعضهم ثم خط عليهم دائرة وانت من داخلها وانت تقرا على الخط آية الكرسي سبع مرات وتقول بعد
كلها ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم وحفظنا ها من كل شيطان رجيم انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون له معقبات من
بين يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله والله من ورائهم محيط بل هو قران مجيد في لوح محفوظ وانا له لحافظون وحفظنا
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وما انت عليهم بحفيظ ان كل نفس لما عليها حافظ فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم الله حفيظ عليهم وما انت عليهم بوكيل حفيظ ٣ يا حافظا من **اللهم** احرسنا احفظنا
بعينك التي لا تنام واكنفنا بركنك الذي لا يرام يا الله يا الله يا رب العالمين ثم تسكت انت ومن معك ولا تتكلم فانه لو دخلت الخ
عليك اشد ربيعة ومضر فانهم لا يضرونك ولا يؤذونك ويحجبكم الله عن اعينهم وقد جربته مرارا عديدة فافهم ترشد
واعلم يا اخي وفقني الله واياك الى فهم اسراره ان هذه الاية الشريفة والاسماء المنيفة قد انزلت من تحت ساق العرش
ولما انزلت على النبي صلى الله تعم عليه وعلى آله وسلم نزل معها سبعون الف ملك اكراما لها واعظاما وهي المنجية من الخوف
والفزع ومن شر الجن والانس ومن قراها في الخلاء فامن وحرس ويكفي انها آية الكرسي وان لها اثنين وسبعين تصريفا
وقد اعرضت عن ذكرها خوفا من الجهال لئلا يقع في يد من لا يعرف قدرها ويهتك بها المحارم ويعمل بها ما لا يليق وها
نحن قد فتحنا الباب لمن اراد الدخول الى هذا الكنز العظيم الشان والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم **ومن خواص**
آية الكرسي اذا خرج الانسان الى سفر واراد الخروج من بيته فليقل الف الف الف قل هو الله احد آية الكرسي قدامي
مدد الف الف قل هو الله احد وآية الكرسي احرزنا الاهل والمال والولد الف الف قل هو الله احد وآية الكرسي
عن يميني وعن شمالي احترزنا بها من كل احد لبيت ستر الله المحيط العلي وتحصنت باسم الله القديم الازلي وتقلدت
بسيف اسم المؤمنين على وتردت برداء عالي شرام المؤمنين ودخلت في حرز بسم الله الرحمن الرحيم فقالها الحمد
لله رب العالمين ثم يقرا آية الكرسي وقل هو الله احد ثلاث مرات وليلتفت عن يمينه وعن شماله **و** اذا اراد الاختصار
فليقرا ما ذكرناه ثم ينفث في كفيه ويمسح بها راسه ووجهه وشاربه وجسده فانه باذن الله تعم عن كل ما يخافه ويحذره حتى
يعود الى منزله وقد جرب وصح **ومن** قراها صباحا امنه الله حتى يمسي **ومن خواصها** اذا قراتها على راس مصروع

احد عشر مرة افاق لوقته وان اقام العارض ولم يخرج من الجن احترق **ومن خواصها** اذا قرئت عقيب الصلوة
فانها تمحوا ما على المصلي من الخطايا والزلات **ومن خواصها** اذا قرئت عند الدخول على جبار او حاكم جائر وقال في
اثنائها اللهم يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام اسئلك بحق هذه الاية الكريمة وما فيها من الآيات
العظيمة ان تلجم فاه عني وتخرس لسانه حتى لا ينطق الا بخير او يصمت جبرا يا هذا لبيك بديك ومن يعجبك قد ميلك وهذا تكل
فان الله تعم يلجم فاه عنه ولا يحصل له ضرر بان شاء الله تعالى **ومن خواصها** اذا كنت تخاف من شر احد ويحصل لك منه ضرر
فصلي بعد صلوة المغرب ركعتين بالفاتحة وآية الكرسي فاذا كان آخر سجدة تقرا آية الكرسي وانت ساجد ثلاث مرات فاذا
وصلت الى قوله تعم ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم تكرر ثلاث مرات او سبعا وتقول في اثنائها وقولك ثلاث **اللهم** حل بيني وبين
فلان بن فلان كما حلت بين السماء والارض والبحر فاه عني كما الجمت السباع عن دانيال عليه السلم بحق هذه الاسماء الشريفة فانك من
شره ويلجم الله فاه عنك حتى لا يتكلم فيك الا بخير **ومن خواصها** اذا كنت في جماعة واردت ان تكفى شرهم واذيتهم فاقرا
الاية الكريمة ثلاث مرات وانفث في كفيك ثلاث وامسح بيدك على وجهك وجميع جسدك وانت تقول **اللهم** اكفني شر هؤلاء
القوم يا كافي ويا معافي من الالام يا معافي فان الله يا منك شرهم ولا يحصل لك شر سوء باذن الله تعم **ومن خواصها** اذا قراتها
ليلا امنت الى الصباح فاذا قراتها صباحا امنت الى المسا **وحكي** ان رجلا سكن في دار بالبصرة فلما جن عليه الليل فاذا تنفخ وجلبة فائدة
فنظر الرجل فاذا هو شخص اسود يخرج النار من مناخره وفمه وهو يدب على الارض قاصدا الى نحوي فلما رايته خفت منه خوفا
شديدا فالهمت ان قرات آية الكرسي وكنت كلما اتي بكلمة يتقهقر الى ان وصلت الى قوله تعم ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم
فلم يظهر فكررتها عليه مرارا عديدة فغلب عني ولم اره فبت بليلتي فلما كان الصباح نظرت فاذا في ركن من اركان البيت رماد ا ضعيف
من ذلك ثم نصبت قسيس علي اخ لي من لواني وكان صالحا فقال لي انه عفريت اراد اذيتك فرقته هذه الاية الكريمة
لانك لم تسأل قرائتها ما سمعت لك تحكمه تاه ودواه قد كوا البلاد وما رايت من بركتهما شيئا عظيما **ومن خواصها** انها تكتب
للقراء والتوابع فان من علقت عليه امن من ذلك واذا اضيف قوله تعالى والله من ورائهم محيط بل هو قران مجيد في لوح محفوظ الهام
فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم وحفظا من كل شيطان مارد وحفظنا من كل شيطان رجيم وحفظا ذلك تقدير العزيز العليم
ويكتب معها الاخلاص والمعوذتين فانها حجاب عظيم للقراء وغيرهم ان شاء الله تعم **ومن خواصها** اذا وضعت في متاع حفظ
وامن صاحبه عليه من اللصوص وغيرهم واذا رسمت الاية الكريمة في وفق مثمن عدديا كان او حرفيا في ساعة الشمس ثم وضع في
اموال التجارة فانها تزكوا وتربح فان وضع الوفق المذكور في صندوق المال احفظ ولم يهزم من الصندوق المال ما دام
الوفق الشريف فيه **ومن خواص هذه الاية الشريفة** وهي قوله تعم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هذه الاية الشريفة
فيها اسم الله الاعظم ولها من العدد ٣ ١ ٤ ٦ من وضعها بالتداخل في الاوفق من يوم الجمعة على جسم شريف وحمله راي
من عجائب اسرارها لله تعم ما يبهر الالباب ويطرد عنه من الجان والغم والهيبة في اعين الناس ورعية الدخول على الملوك والا
والاكابر والوزراء وطلب الحوائج **وهذه صورة وضعه** كما ترى فافهم
ترشد **وعن الحسين بن علي** كرم الله وجهه انه قال انا ضامن لمن قرا هذه الايه
العشرين آية منها ان يعصمه الله تعم من كل شيطان مريد ومن كل سلطان ظالم
ومن كل لص عاد ومن كل سبع ضار آية الكرسي وثلاث آيات من الاعراف ان
ربكم الله الذي وعشر آيات من اول الصافات وثلاث آيات من سورة الرحمن
يا معشر الجن والانس وخاتمة سورة الحشر وآخر سورة براءة **ومن خواص**

الم	الله لا اله الا هو	الحي	القيوم
٥٠	١٨٤	١٣٨	١٠٩
١٨٥	٤٧	١١٢	١٣٩
كاف	١٣٠	١١٤	٣٨

آية الكرسي اذا هم احدكم بامر فليتوضا في جنح الليل ويصلي ركعتين كل ركعة بالفاتحة واية الكرسي ثلاثة مرات فاذا سلم فقرا
الاية الشريفة سبع مرات ويقول بعدها هذا الدعاء المبارك اللهم انك تسمع كلامي وترى مكاني وتعلم سري وعلانيتي ولا يخفى
عليك شيء من امري ادعوك دعاء البائس الفقير المستغيث المستجير المعترف بذنبه والمقصر واسئلك مسئلة المسكين وابتهل
اليك ابتهال المذنب الحقير دعاء من خضعت لك رقبته وفاضت لك عبرته وذل لك جسده ورغم لك انفه ان تحيي قلوبنا وتشرح
صدورنا وتجعل اسماعنا خالصة لوجهك الكريم وسببا للفوز الى النعيم وفقرا بنا لما هو محض رضاك واختم لنا بالخير
واجعلنا غدا من الذين انعمت عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا واكفنا اللهم ما اهمنا
من امر الدنيا والاخرة ولا تشمت بنا الاعداء والقوم الخاسرين ولا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا ولا تسلط علينا
بذنوبنا من لا يخافك ولا يرحمنا ومتعنا باسماعنا وابصارنا ما احييتنا وافتح لنا ابواب الخير وانت خير الرازقين ربنا
اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا في امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا
عذاب النار برحمتك يا ارحم الراحمين ومن خواصها اذا كتبت على كفن الميت في ثلاث اماكن تكتبها عند راسه وعند وسطه
وعند ساقيه فان ذلك الميت فان ذلك الميت لم يعذب في قبره ويتسع له المكان به وقت السؤال لانها اعظم آية في القران
وقد ابتدا فيها باسم الكريم وقال عز من قائل الله لا اله الا هو الحي القيوم فاعرف يا هذا قدرها وابغ بها في المهمات وقضا
الحاجات وحكى ايضا عن بعض الصالحين انه كان في سفينة فقامت عليهم الريح سوءا قال فسلم منهم احد فكتب آية الكرسي
في قرطاس فعلقها في مهب الهوى وسط كفيه الى الله تعالى بالدعاء وقال في دعائه اللهم اني اسئلك باسمك العظيم الله لا اله الا
هو الحي القيوم الى اخرها واسئلك اللهم ببركتها ان تنجينا مما نحن فيه وانت علام الغيوب وكاشف الكروب واسئلك اللهم بجاه
حبيبك الكريم محمد صلى الله تعالى عليه وعلى آله وسلم فما استتم دعاءه حتى فرج الله عنهم ما نزل بهم وجاءتهم الريح الطيبة فسلموا
بالامن والسلامة ومن خواصها من اراد ان يشفيه الله من كل داء في جسده ومن جميع الاوجاع والاسقام فليكتب في جام
زجاج بمسك وزعفران وماء ورد واية الكرسي ثلاث مرات وليكتب معها والو ان لنا هذا القران على جبل لرايته خاشعا الى اخر
السورة ويقول تعالى ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا فاذا فرغ عليها من الكتابة
يقرا آية الكرسي سبع مرات ويبخرها بما كان من الروايح الطيبة ويشربها على ثلاثة ايام صباحا ومساء فان الله يشفيه ويعافيه
من كل ما يكرهه وان كتبها ايضا وعلقها عليه كان اجود وابلغ والله الشافي الكافي المعافي ومن خواص اية الكرسي يكتب للرمد
ووجع العين وتعلق تكتب اية الكرسي ثلاث مرات وقوله تعالى الله نور السموات والارض الى قوله عليم وتكتب قل هو الله احد
في العين رمد احمرار في بياض باعيان في الشاذ يحيى الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اقسمت عليك ايها
الوجع الموجود المتصل بعروق الراس والجلود فاني اقسم عليك بيوسف بن يعقوب عليهما السلام وقميصه المفقود وبحق توراة
موسى عليه السلام وانجيل عيسى عم وزبور داود عم وبحق القران العظيم وبحق محمد صلى الله عليه وآله وسلم سراج الوجود
رسول رب الكريم المعبود اذهب ايها الوجع عن حامل كتابي هذا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم
وبالف الف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم ومن خواص اية الكرسي الشريفة
لبكاء الطفل تكتب وتعلق عليه تكتب الفاتحة الشريفة احرفا متفرقة وكذلك الاية الكرسي احرف متفرقة ثلاث مرات وتكتب والله
غالب على امره فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم صه صه صه صه صه صه صه
اصمت ايها المولود واسكت بحرمة الرب المعبود وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحي القيوم وقد
خاب من حمل ظلما وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة افمن هذا الحديث تعجبون وتضحكون ولا تبكون وانتم سامدون وانتم ساكتون
اسكن ايها المولود بحق الملك المعبود والرب الودود وذكر م ى ع ص ح م ع س ق والله من ورائهم محيط بل هو قران مجيد
السكوت

في لوح محفوظ محفوظ محفوظ اعيذ من علق عليه كتابي هذا بالله تعالى من شر ما خلق وحصنته بالله الحي الذي لا
يموت وادفع اللهم السوء والضر عن حامل كتابي هذا حصنته بلا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم وتكتب
بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ برب الفلق الى اخرها بالف الف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ومن خواص هذه الاية
الشريفة لعقد الالسن تكتب الاية الشريفة في ورق هندي احرف متفرقة وتكتب معها هذه الاسماء نون ونون وتم نون وقام
لا ينطقون بكل ملك لله مملوك وكل غني فهو عند الله فقير صعلوك وكل جبار فهو عند الله ذليل ولا محيص لمن امر الله
استغنت عليك يا فلان يا ابن فلانة بالله العظيم وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وحيل بينهم وبين ما يشتهون
هذا يوم لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم كهيعص حمعسق ق ن

صم صم صم صم صم صم صم صم بكم بكم بكم بكم بكم بكم عمي
عمي عمي عمي عمي عمي فهم لا يبصرون فهم لا ينطقون فهم لا يتكلمون وجعلنا من بين ايديهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون عقدت لسانك يا فلان ابن فلانة بما عقد الله به السموات

فاذا كانت ليلة الجمعة تقوم في نصف الليل او في الثلث الاخير تتوضا وتصلي ركعتين على نية ما تريد مما ذكرناه فتقرا في الاولى
الفاتحة مرة وآية الكرسي سبع مرات وتفعل في الركعة الثانية مثل الاول فاذا سلمت تقرا آية الكرسي سبع مرات ايضا وتقول
اللهم انت الشديد البطش الاليم الاخذ العظيم ذو القهر المتعالي عن الاضداد والانداد والمنزه عن الصاحبة والاولاد
قهر الاعداء وقمع الجبابرة تمكر بمن تشاء وانت خير الماكرين اسئلك باسمك الذي خضعت به النواصي وانزلت من الصياصي
وقذفت به الرعب في قلوب الاعداء واشقيت اهل الشقاء اسئلك ان تعذب بريقهم من فاق هذا الاسم تسري في عدائي
ومواد الكهنة الخبيثة حتى اتمكن ممن عاداني وبغى علي فلا يصل الي ظالم بسوء ولا متكبر

فاخذهم الله بذنوبهم وما كان لهم من الله من واق ان بطش ربك لشديد فاخذهم اخذة رابية فقطع دابر القوم الذين
ظلموا والحمد لله رب العالمين وتقول اللهم اني اسئلك ببركة وسر هذه الاية ان تقهر اعدائي ومن يريد بي سوءا وطواغيتهم
فوق عباده فقهر فلان ابن فلانة فاني ادرا به في نحره فاكفني شره وامرهم عني عدده ومكره يا رب العالمين فان الله
يحفظك ويجيرك منه وما من شر وان اعتدى عليك هلك من يومه ومكر الله اعجب ما جاء الصادق فلا يقوم من مقامه
الا وقد نجحت حاجته فانه من تعدى واصبح فاجرا على الله والله يؤيد بنصره من يشاء ومما نحى الله تعالى عبده بهذا الكرسي
في الاحد من يوم السبت ودعا على من ظلمه الا اخذه وقهره ومن خواص هذه الاية الشريفة اذا كانت الحاجة من الحوائج

اللهمات فتدخل من الى مسجد من المساجد فتصلي ركعتين تقرأ في الركعتين الفاتحة مرة واية الكرسي سبع مرات فاذا سلمت قم
على حيلك وقف في المحراب واصل اجابة بيدك وهزه ثم قل يا رب سبع مرات وقل يا عظيم سبع مرات وقل يا حليم يا كريم يا رحيم
سبع مرات وقل يا قاضي الحاجات سبع مرات ثم تقول **هذا الدعاء** رب اغنني بك عمن سواك غناء يغنيني عن كل خاطر عوالي
كل ظاهر خلق او باطن وبلغني سري وارفعني الى سدرة المنتهى واشهدني الوجود بالرؤيا والشهود يا علي يا شريف يا اهل العطايا
والجود والى البدايات حيث ينقطع الكلام وتسكن حركة الانام وتمحى نقطة الغين ويغيب الواحد عن الاثنين الذي يسر على من
السر الذي يسره على كثير من عبادك وايدني في ذلك بنعشا ان يختطف بصر كل حاسد من الجن والانس وهبني رتبة
العلي الكل مقام واغنني عمن سواك غناء يثبت فقري اليك لانك انت الغني الحميد **اللهم** اني اسئلك ان تغنيني عن فقري
امري وتجبر كسري وتلم شعثي وتذلل لي ان تقضي حاجتي وهي كذا او كذا او تطلب ما تريد من غناء فقر وتيسير امر وكشف غم وجميع
ما تريد فان الله تعالى يبلغك ما تطلب وما تريد وهو اكرم من سئل فاحسن الظن واليسر تنال الامنية **ومناسبة** من آي القران
قوله تعالى الم يجدك يتيما فاوى ووجدك ضالا فهدى ووجدك عائلا فاغنى **فتامل** هذه الاشارات العزيزة والله يقول الحق
وهو يهدي السبيل **ومن خواص هذه الاية** اذا كان لاحد احد من الاكابر او غيرهم حاجة واردت قضائها فصم ذلك اليوم عن
الرزق وان شئت ان تصوم ذلك النهار كله كان اجود فاذا كان وقت فطورك تفطر على شيء يكون حلوا ثم تصلي صلوة المغرب وبعد الصلوة
تجلس في مصلاك وتبتدي بقراءة آية الكرسي ولا تتكلم بكلام الدنيا ابدا فلم تزل كذلك حتى تصلي صلوة العشاء ثم تجلس وتقرا الاية
الشريفة سبعة عشر مرة وكلما تلوت الاية مرة تقول في اثناء قرائتك **اللهم** سخر لي قلب فلان بن فلانة او ابن فلان فلم تزل
كذلك حتى يتم العدد المذكور وتقول **اللهم** اني اسئلك يا حي يا باقي يا دائم يا ودود ودود اسئلك ان تلقي الود والمحبة في قلب فلان
ابن فلان وان تعطف على قلبه بالود والمحبة لي وسخر نفسه حتى يكون طوع يدي ولا يخالفني فيما آمره به بحق اسماء الود وود
بحق اسرار هذه الاية الشريفة يا وكلوا خدام آية الكرسي اجذبوا قلب فلان بن فلان الى محبة فلان ابن فلانة وحركوا روحانية
المحبة والمودة ما بيني وبينه يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله
الف بينهم انه عزيز حكيم والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني **ثم تكتب** في كاغد نقي ما ياتي بيانه ويكون الكتابة بمسك
وزعفران وماء ورد **تكتب** بسم الله الرحمن الرحيم وتختمها بثلاث ايات **وتكتب** طلوش يا طلوش طلوش
ليطوش سعاب سعاب هيلوش اشليوش اهياوش علشاقش مهراقش شاعوب شهعوب بحوم سحوم مرحوم مرحوم ديوم ديوم
آهيا شراهيا ادوناي اصباوت الشداي اخذت معاني الوفق ووفق السعود من الملك المعبود والملك الموجود بخدام
هذه الاسماء وهذه الوفق حركوا روحانية المحبة والمودة بين فلان ابن فلانة وفلان بن فلانة بحق ما تلوته عليكم من اسماء الله
العظام وان تاخذوا بمجامع قلبه ولبه حتى لا يطيق ينطق الا باسمي ولا ينظر غير شخصي ولا يسمع الا قولي وكلامي اقبل
الذي خر الامين والقيت عليك محبة مني ودحب ودحب ودود ودود ودود الود حاصل مجلوب مجلوب كالسكون القلوب
اجذب واجلب وحب وتدد دوالق على ثوب المحبة وتاج الهيبة ونور المعرفة والاسماء الجليلة والاقسام العظيمة هيهيوه
اهيا هيوه ذل كل جبار لهيبة جلال الله وخضع كل متكبر لامر الله لا تخافا انني معكما اسمع وارى ولا تخاف دركا ولا تخشى
فلما رأينه اكبرنه وقلن حاش لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك كريم يا وكلوا خدام هذه الاسماء اقضوا حاجة فلان بن فلانة من فلان
بن فلانة لا يعصون الله ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون افعلوا يا فلان بن فلانة ما امرتكم من قضاء حاجة وهي كذا وكذا العجل الذي قالتا
السموات والارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين كذلك يطيع فلان بن فلانة الى فلان بن فلان فيما يطلب منه ولا يخالفه
ويمنعني عن قضاء حوائجه توكلوا يا صاحب هذا اليوم وهذه الساعات واعوانه وكونوا كلكم مساعدين فلان بن فلانة على قضاء
حاجته من فلان بن فلانة بحق هذه الايات العظام والاقسام الكرام وبحق اهيا الملك العلام اسمع واطع يا فلان يا ابن فلانة قضى

حاجة فلان بن فلانة لا يتكلم احد في حق فلان بن فلانة الا بخير او يصمت هذا يوم لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون اعتقدي
يا فلان ابن فلانة الى فلان بن فلانة وتقضي له جميع ما يطلب وما يريد بحق الله الحميد المجيد وبحق طهطهوب طهطهوب
هوب لهوب يا صعصعوش دوشا وجلال هوب هوب ذي لطف خفي انت ينبوع حيات كل شيء ما اعطاك عبد الاخرقي
ولا جبار الاول وهلا هيد هيد ها ها هو هو هوا اه يد يدوه وه وهو القاهر فوق عباده لا اله الا الملك البازخ
والعز الشامخ انت هو هو وانت على كل شيء قدير اسئلك اللهم ان تسخر لي ملائكة الخدام لهذه الاسماء والمطيعين لهم
الا فاتيتوا وكلوا وتمثلوا ايها آمرهم بيمن الساعة لفلان بن فلانة على فلان بن فلانة ويجعلونه طوع يده
الاسود هيا ٣ الوحا ٣ العجل ٣ الساعة ٣ بارك الله فيك وعليكم **وتكتب** هذا الوفق المخمس الاتي ذكره ثم تبخر الكاغد
بعود هندي مليح وجاوي ومصطكا وقليل زعفران شعري وعود ند وتبخر على سبع حبات من تفاح الجبل وسبع حبات
شونيز وسبع حبات بخور الكتابي فيه الجرب الكاغد تطويه على اسم من تريد **وتقول** طويت لسانك يا فلان ابن فلانة عن فلان
ابن فلانة كما طويت هذا الكاغد ثم تضع الكاغد على راس من تريد بلا شعرة وان لم يمكنك فتدفن الورقة على بعد كيف ما اتفق
ثم تجعلها الطالب تحت عمامته ما بين عينيه ويدخل على من يريد هذا ان كان باسم تخصيص بعينه وان كان يريد بها لجميع الخلق فانه يكتب
من كل انثى وذكر ويبخرها بالبخور المذكور ويجعلها في عمامته يرى العجائب من انقياد الخلق الى المحبة والشرط ينفذ الساعات لملازم قراءة

كهيعص كفيت

٥٣	٣٠	٦١	٩٤	٤٣
٢١	١٤	٤٤	٣٢	١٠
٣٤	٢٧	١٠	١	٥٤
٣٠	٣١	٣٤	٤٤	٩٢
٣٤	١٤	١٣	٥٤	٢١

آية الكرسي كل يوم سبعة عشر مرة يرى العجب العجاب **وهذه صفة الوفق**
المخمس المذكور فاعرف قدره **ومن خواص آية الكرسي** للمحبة والالفة
بين المتباغضين **اذا** اردت ذلك فتبتدي العمل في ساعة سعيدة
جيدة لما ذكرنا ثم تكتب اسماء المتباغضين في ورقة وتضعها بين يديك
ثم تاخذ اربعين حصوة من لبان ذكر في قدر الفلفل واربعين حبة
من تفاح الجن ثم تعين البخور نصفين من كل شيء عشرين وتبخر بحبتين
من البخور حتى يتم اربعين مرة ولانت تقرأ آية الكرسي وكلما قرأت خمس مرات **تقول** يا وكلوا خدام هذه الاية الشريفة القوا المحبة
بين فلان بن فلانة وفلان بن فلانة بحق هذه السورة عليكم وبركتها لديكم وبحق من قال للسموات والارض ائتيا طوعا او كرها
قالتا اتينا طائعين فاذا فرغت من قراءتك فترسم الوفق المربع الاتي ذكره في ورقة من تلك الورقات وتكتب مع الوفق
الايات الشريفة والاسماء المنيفة **تقول** اللهم اني اسئلك يا الله يا حي يا قيوم يا من لا تراه العيون ولا تخالطه الظنون ولا تصفه
الواصفون ولا تغيره الحوادث يا من امره بين الكاف والنون انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون اسئلك ان تلقي
المحبة والمودة بين فلانة وفلان بن فلانة بحق هذه الايات الشريفات يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله لو انفقت ما في الارض
جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم وانه الخبير بشديد والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني **اللهم** يا من
خلق في السماء الرابعة ملكا نصفه من ثلج ونصفه من نار فلا النار يذيب الثلج ولا الثلج يطفئ النار والملك ينادي بلسان الاتحاد

جبرائيل

٤١٥	٤٥١	٩١	١٢٩
٩٧	عليك	والقيت	٣٥٢
١٣١	مني	محبة	٤٥٠
٤٥٠	٥٤٥	١٣٢	٩٩

اللهم يا من الف بين الثلج والنار الف بين قلوب عبادك فلان بن فلانة
وفلان بن فلانة انك على كل شيء قدير **وهذه صفة** الوفق المربع المذكور
واعلم وفقني الله تعالى واياك الى طاعته ان من خواص آية الكرسي للمحبة
والقبول والجاه عند الاكابر فاذا اردت فارسم **هذا الوفق** المخمس
كالبيضة في رقة غزال بمسك وزعفران وماء ورد وتكتب حول الوفق
آية الكرسي وتبخر عند الكتابة وعند حمله بعود الهندي وجاوي

الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في				
لا تخف	٥٦	١٣٠	٤٥٤	امان
١٤٣	٤٥٢	٦٩	١١١٤	٦٣
٧٢	١١١٢	١١	١٤١	٤٥٠
٦٤	١٣٩	٤٥٣	٧	١١٥
انت	٧٣	١١١٣	٦٢	الأعلى
[illegible]				

الصيب فانهم ترشد ان شاء الله تعالى **وهذه صفة الوفق المجيب**
واعلم وفقني الله واياك الى طاعته وفهم اسرار اسمائه الحسنى
ان لآية الكرسي ايضا خاصية متعلقة بامور المحبة والالفة
بين الاكابر والقاء الهيبة في قلوبهم وتنفع لمقابلة الملوك
والوزراء اذا احملها او تلاها وهي هذه الايات والاسماء
تقول اللهم اني اسئلك يا اله الاولين والاخرين ويا مجيب
دعوة السائلين اسئلك اللهم بحق الله لا اله الا هو الحي
القيوم ان تحرق قلب فلان بن فلانة وتجعله مشغوفا بمحبة
فلان بن فلانة لا تأخذه سنة ولا نوم كما لا تأخذك سنة ولا نوم بحق محبة فلان بن فلانة له ما في السموات وما في الارض كما انت تضيق السموات
والارض على فلان بن فلانة حتى يرى في بلد او بناء الاحباب معروف ذكره على لسانه لشدة المحبة الدائمة بينهم من ذا الذي يشفع
عنده الا باذنه كما لا يشفع هذه الاية الكريمة الشريفة فلان بن فلانة عند فلان بن فلانة ودون شفاعة الخلق بل شفاعة
كلام الحق يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم كما فلان بن فلانة يعلم ان فلان بن فلانة بين يديه كلامه من خلفه طيع طائعا لامره محبا
لدعوته مطيعا لكلمته في حبه لمحبته راسخة في قلبه ومحبته ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء كما لا يحيط فلان بن فلانة بمحبته
فلان ابن فلانة ويكون طوعا ولا يكون يخفى عنه شيئا ولا ينظر عنه بعين البغضة والمخالفة بل بنظر الى فلان بن فلانة بعين المحبة
والمودة والصفاء والوفاء وسع كرسيه السموات والارض كما تسع قلب فلان بن فلانة بمحبة فلان بن فلانة كما وسع كرسيه
السموات والارض اوسعت قلبه ومحبته على فلان بن فلانة حتى يقضي له جميع مصالحه ما طلب وما تريد من غير معاوقة
ولا معاندة ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم اللهم اني اسئلك يا الله يا الله ان تسكن محبة فلان بن فلانة في قلب فلان
بن فلانة حتى يطيعه ولا يعصيه له امرا بحق هذه الاية الشريفة توكلوا يا خدام هذه الاية الشريفة فلان بن فلانة وعطفوا قلبه
لينوا جميع جوارحه بمحبة فلان بن فلانة بحق هذه الاية الكريمة يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله لو انفقت ما في الارض
جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني يا فلان يا بن فلانة
بحق هذه الايات الشريفة **وحكى** عن بعض الصالحين انه كان اذا اجن عليه الليل يقوم الى محرابه ويصلي ما شاء الله فاذا
تم صلوته يقول هذه الدعاء لهذه الاية الشريفة **الهي** انت انت وانقطع الرجاء الا منك وخابت الامال الا فيك
واستدت الطرق الا اليك يا اغوث من لا اغوث له لا تغفر لي ضعف ما اسئلك **اللهم** باسمك العظيم الاعظم **الله** لا اله الا
هو الحي القيوم انت الحي الباقي على الدوام لا تأخذه سنة ولا نوم وانما السنة والنوم للمتناهي تبين لا الخالق له ما في السموات
وما في الارض انت الرحمن في السموات ومن في الارض لا الرحمن من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه من ذا الذي يقدر على
ما تقدر عليه انت كل المخلوقات تحت عظمتك يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم انت العالم بما في الصدور وما تخفي وما
تعلن ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض انت الذي وسعت كل شيء رحمة وعلما
وانت بكل شيء عليم ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم ربنا وربنا سيدنا سيدنا مولانا مولانا انت الذي تعطي
وتمنع وانت الذي ترفع وتضع وانت الذي تبصر وتسمع ولا يخفى عليك شيء في الارض ولا في السماء اسئلك
بخفي لطفك وبجلال عزك ان تصلي وتسلم على الحبيب الاعظم والنبي المكرم والرسول المعظم سيدنا ونبينا محمد صلى الله
تعالى عليه وآله وسلم واسئلك بجاه آل بيته الطيبين الطاهرين وبجاه اصحابه اجمعين وبجاه التابعين وتابعي التابعين
لهم باحسان الى يوم الدين اسئلك اللهم ان تحشرني في زمرتهم وتحت لوائهم وعندك بعدد دعم آمين يا رب العالمين

ومن نجيب

ومن ناجى الله تعالى بهذا الدعاء المبارك في جوف الليل وسئل الله تعالى اعطاه جميع ما طلب فان الله ذو الفضل العظيم فيهم
وديتر **ومن خواص اية الكرسي** الشريفة اذا كان لاحد حاجة من حوائج الدنيا والآخرة فليقم في جوف الليل ويصلي اربع
ركعات يقرأ في كل ركعة الفاتحة مرة وآية الكرسي عشر مرات ويرفع يديه الى السماء ويدعو ويقول **اللهم** اني اسئلك يا الله
٣ يا حي يا قيوم يا من لا تأخذه سنة ولا نوم اسئلك اللهم بحق آية الكرسي عند ان تفعل لي كذا وكذا وان تسهل جميع
مآربي ومقاصدي وما اطلب منك وتقضي حاجتي وتبلغني امالي حق على الله تعالى ان يقضيها ثم يصلي على النبي صلى الله عليه وآله
وسلم في اول الليل واخره فيخرج محله ان شاء الله تعالى **ومن خواصها** ان من اراد ان تقضى حاجته عند كل احد فليقرأ آية
الكرسي ثلاث مرات ثم يلبس عمامته ويقبض ابهامه ويقول اللهم افرج حاجتي بحق آية الكرسي الشريفة ويتوجه الى قضاء حاجته فانها تقضى
باذن الله تعالى **ولنذكر** هذا الدعاء المبارك لآية الكرسي الشريفة فقد اختصرت شرحه والكلام عليه لئلا يقع في يد من لا يعرف قدره
فيدعو به ويفتن به وهو دعاء عظيم البرهان جليل الشان **تقول** الله لا اله الا هو تفرد بالبقاء والدوام لا تثبت ذات المخلوق
وحقيقتهم مع ذاته وصفاتهم مع صفاته ولا اسمائهم مع اسمائه وافعالهم مع افعاله ولا سواه احد لا حال في الحقيقة الا جلاله ولا
جلال الا جلاله ولا كمال الا كماله وهو اب عابد في كماله الحي القيوم الدائم على عرشه بدوام ملكه وكل الخلائق يابون في قهر عظمته وجلاله وكبريائه
الحي الذي لا يفنى والقيوم الذي قام كل شيء بقدرته وارادته وكل الخلائق ينقادون الى معرفته ويعلمون انه واحد في ملكه احد في ملكوته
عزة الربوبية مع اختلاف عقولهم وارائهم كلهم يرجعون الى حقيقة معرفته ويعلمون انه هو الخالق الرازق والمحيي والمميت والامر كله
راجع اليه واما العارفون والمحققون فانهم فقدنا هو الى معرفته مانور قلوبهم وابصارهم بالاطلاع على حقائق معرفة مصنوعاته
وقد ناهو في بحار حبه وانعم به عليهم وغاصوا في امواج لجج بحار بلاط قدرته فكلهم اقروا بالعجز عن ادراك حقيقة معرفته وغرقوا
في بحار ملكوته فعلموا وتحققوا ان لا اله الا هو ودل على انه حي قيوم فاحيى قلوبهم ونور بصائرهم وانفسهم فلم يشاهدوا في الكون
سواه فلا رب الا اياه فقروا اليه بالعجز لا تأخذه سنة ولا نوم اي لا تأخذه فترة عن خلق المخلوقات والمصنوعات ولا نوم عن
ادراك المعلومات انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون جميع الموجودات
تقدس عن الحلول والنظير والاتحاد والبداية والنهاية والاتصال والانفصال يحيي كل شيء وهو قبل الاشياء ويرجع الخلائق والعباد
اليه وهو في الازل والابد واحد احد متفرد بنفسه في الغيوب المحجوب عن العيون والفهوم له ما في السموات وما في الارض
جميع الكائنات المشاهدات والمصنوعات عارفات بانه الاله الرحمن والسموات وان من شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم
كل ناطق الا باذنه وكل متكلم الا بعلمه عالم بكل شيء وغني عن كل شيء وكل شيء مفتقر اليه خاضع ذليل بين يديه يعلم ما بين ايديهم
وما خلفهم سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت علام الغيوب يعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات
الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء احاط بكل شيء علما والله من ورائهم محيط
بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ احاطت قدرته على ملكوت قدرته وعزته فكل اليه خاضع وسعت كل شيء رحمة وعلما وهب
الارواح وتاهت في هياكل اشباحها وتصرفت في مصنوعات ابشارها وتشكلت في قوالب الروحانيات لشهود اختلاف الصور
في قوالب التركيب في مستودع البرازخ لظهور الحكم على الدلالات وظهور العلم ظاهرها ظاهر القدرة وباطنها باطن الامر وهو
التأييد لقبول مجاري الحكم والتصرف به وسع كرسيه السموات والارض وسع لنا من قيومية علما وفهما نتعرف به في الكائنات
حول ولا قوة الا بك قد رفعت فاقتي اليك وتمسكني بين يديك فلا تحجب رجائي منك وانت الواسع الكريم والرب العظيم اسئلك
بينبوع حياة الارواح الروحانية وبابواب اسرارك واسمك العظيم الاعظم الذي افتتحت بتجليه عطش اكباد اهل المحبة الواضح
البرهان فنا هو الى اودية صفاء سرائرهم وانوار ذواتهم فنادوا يا من وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو

العظيم يا واسع يا عليم يا علي يا عظيم يا كريم يا رحيم يا رؤوف يا حليم يا من هو الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في
السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع
كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم اسئلك اللهم بحق هذه الاية العظيمة والاسماء الكريمة ان تنور قلبي
وتوسع ارزاقنا وتحسن اخلاقنا يا مونس القلوب ويا ساتر العيوب ويا كاشف الكروب ويا غافر الذنوب ويا علام الغيوب
قد علمت ما كان من مسئلتي واعتذاري في خلوتي [illegible] من زلتي وتشفعي من خطيئتي وانت الله العالم بهمتي والمطلع على نيتي و[illegible]
العالم بطويتي [illegible] رغبتي واخذ بناصيتي و[illegible] في طلبتي ورجائي عند شدتي [illegible] في وحدتي وراحم عبرتي و[illegible]
عند عثرتي ومجيب دعوتي فان كنت قصرت عما امرتني وارتكبت ما عنه نهيتني [illegible] فيا اكرم الاكرمين ويا
غاية الطالبين ويا مالك يوم الدين انت تعلم ما اخفي الضمير ومدبر الامور الصغير والكبير فان قضيت حاجتي فمن فضلك اسئلك ان
تشفعني نفسي وان ترحمني يا ارحم الراحمين اسئلك اللهم بحق هذه الاية الشريفة الكريمة والاسماء العظيمة ان تصلي وتسلم على سيدنا محمد
وعلى آل محمد وان تعطيني سؤلي وما طلبته منك يا الله ٣ يا رب العالمين ومن خواص اية الكرسي الشريفة ان من خاف عاقبة
امر من الامور واراد سفرا او الخروج منه فليتطهر وليلبس ثيابا طاهرة نظيفة ويطهر مجلسه الذي يخلو فيه فاذا صلى العشاء
الاخرة فيصلي ركعتين قبل صلوة الوتر يقرأ في كل ركعة الفاتحة مرة واية الكرسي احدى عشرة مرة فاذا سلم يقرأ اية الكرسي احدى وعشرين
مرة ويقرأ الم نشرح لك ثلاث مرة والاخلاص ثلاث مرات والمعوذتين [illegible] ثم يقول اللهم [illegible] بجلالك القديم [illegible] ما هو الاصلح لي — *في ليلة الجمعة*
اللهم الى في ليلتي هذه جميع ما سئلت عنه [illegible] الخروج من هذا الامر الذي اخافه واحذر منه اللهم ان كان خيرا لي
فارني بياضا وخضرة وان كان شرا لي فارني سوادا وحمرة وان ترسل لي خادما من خدام هذه الاية الشريفة آية الكرسي يخبرني في
منامي ما هو المكتوم عني اللهم انت الذي [illegible] الحق انك على كل شيء قدير ثم [illegible] ما [illegible] وما تطلبه ثم يقطع صلوة الوتر ويرقد
على جنبه الايمن ويصلي على سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم قدر الاستطاعة وينام [illegible] في حاجتك فان الله تبارك وتعالى
يرسل الخادم من خدام آية الكرسي يخبرك بجميع ما تطلب وما سئلت عنه وما هو [illegible] وان لم تر في الليلة ما تطلب [illegible] — *وما هو خير لك [illegible] مصدق*
عن [illegible] العمل والصلوة في الليلة الثانية والثالثة فانك ترى ما تطلب واخلص نيتك فان النية سابقة العمل والله [illegible]
صراط مستقيم ومن خواص اية الكرسي الشريفة من اراد العشق والمحبة والهيام [illegible] ويخشى الفضيحة من الناس او من
اهله فليكتب اية الكرسي [illegible] في جام زجاج [illegible] زعفران وماء ورد [illegible] ويكتب اسم الشخص الذي تريد [illegible] — *يفعل*
محبته فاذا كان الصباح [illegible] الكتابة بماء ورد [illegible] على الريق ثلاث مرات على ثلاث ايام فان [illegible] ذلك الشخص [illegible]
محبته من قلبه والنية سابقة العمل [illegible] ومن خواص اية الكرسي للصداع والشقيقة تكتب آية الكرسي في [illegible]
غزال [illegible] ويكتب معها لو انزلنا هذا القرآن على جبل الى اخر السورة وقوله تعالى وله ما سكن في الليل والنهار وهو
السميع العليم اسكن ايها الصداع والشقيقة والوجع والضربان عن حامل كتابي هذا كما سكن عرش الرحمن بسر هذه الاحرف الشريفة
المباركة المنيفة اج ج ج ط ل ك ل م ن ع س ص ص د ى اسكنوا [illegible] ذكرت عليه هذه الاسماء بحق هذه الاسماء
الله الشافي الله المعافي الله الكافي فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فهذا مما جرب
وصح اعلم وفقك الله واياك الى طاعته وفهم اسراره ان هذه الاية الشريفة اعني آية الكرسي لها خواص لا تعد ولا تحصى لانها اعظم
اية في كتاب الله وان من خواصها ما ذكره لنا [illegible] كنت جالسا بين يدي الشيخ ابي عبد الله [illegible] ونحن نتذاكر
في بعض العلوم اذ دخل علينا رجل وهو [illegible] مثل السعف في الريح العاصف ثم سلم ووقع على يد الشيخ [illegible] فقال له الشيخ
ما بالك ايها الرجل وما الذي ابكاك فقال الرجل اعلم يا سيدي اني خائف من بعض الاعداء وان [illegible] قد [illegible] عليه

وقد اتيتك

وقد اتيتك يا سيدي [illegible] ان تفرج عني همي وتزيل عني كربي فلما سمع الشيخ ذلك القول من الرجل قال له ابشر يا هذا و
لا تخف بعد هذا اليوم من احد ثم ان الشيخ دعا له برقعة وكتب فيها اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن
الرحيم وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم ثم كتب الفاتحة واية الكرسي والاخلاص والمعوذتين ثم كتب قوله تعالى
لا تخف انك من الامنين لا تخاف دركا ولا تخشى لا تخافا انني معكما اسمع وارى لا تخف نجوت من القوم الظالمين قال رجلان من الذين
يخافون انعم الله عليهما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون وعلى الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين اللهم احرسني — *والكنفة ٢*
بعينك التي لا تنام واكنفني بكنفك وركنك الذي لا يرام واغفر لي بقدرتك علي حتى لا اهلك وانت رجائي رب كم
من نعمة انعمت بها علي قل لك عندها شكري وكم من بلية ابتليتني بها قل لك عندها صبري فيا من قل عند نعمته شكري فلم يحرمني
ويا من راني على البلايا فلم يفضحني يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابدا ويا ذا النعماء التي لا تحصى ابدا اسئلك اللهم ان تصلي على سيدنا
محمد وعلى آل محمد وان تحفظني وتحرسني من اعدائي ومن يريد بي سوءا او مكروها واردد اللهم بأسه عليه [illegible] — *احمل*
ويرده [illegible] ومن يريد بي شرا او عدوا او مكروها [illegible] ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا
خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا صم بكم عمي فهم لا يبصرون فهم لا ينطقون فهم لا يتكلمون هذا يوم لا ينطقون
ولا يؤذن لهم فيعتذرون ص ق ن فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ثم
ان الشيخ طوى الرقعة ودفعها الى الرجل وقال له احملها في عاتقك فانك امن من كل مكروه فلم يظفر الرجل بعدها سوء ابدا واعلم
يا اخي ان هذه الاسماء عظيمة القدر وما حملها احد الا نجاه الله تعالى مما يخاف ويحذر وان دخل بها على حاكم جائر فانه يامن من شره
ولا يخاصم حاملها احد الا قهره وغلب عليه ببركتها وفضلها مشهور عند العلماء وعند من يعرف قدرها والله يؤتي فضله من
يشاء والله ذو الفضل العظيم ولها خواص كثيرة وادعية مطولة عزيزة [illegible] ولكن قصدنا الاختصار والله اعلم بالغيب

فصل في شرح اسماء القمر

ولها من المنافع اعلم ايها الطالب اذا اتاك مصاب من الجن فتوضأ
فصلي ركعتين واجلس قبالته وانت مستقبل القبلة واكتب له بين عينيه ليا خيم وعلى جبهته ليا لغو وعلى ابطه — *سبابته*
ليا نود واتلوا العزيمة فانه يصرع فاستنطقه واسئله من اي قبيلة هو وما اسمه ولاي سبب دخل عليه وامره بالخروج
فان تعاظم عليك فاكتب في كفه هذه الاسماء [illegible] وبخره ايضا بعود طاهر واكتب عليه ليا لغو
واجعله بين اصابعه الوسطى والبنصر واتلوا عليه العزيمة فانه يستغيث ويطلب الخروج فعاهده على انه لا يعود و اكتب — *الوسطى*
له الاسماء في خرقة وعلقه على المصاب فانه لا يعود اليه ابدا وان تمرد عليك [illegible] ونطقه واردت الحكم فيه [illegible]
فاكتب على جبهته هذا السطر [illegible] وتجعل العود المكتوب بين اصابعه كما تقدم واتلوا العزيمة
فانه يطلب الخروج فاصرفه واكتب له الحرز كالاول وان اردت حرقه فاكتب هذا القلم على خرقة زرقاء وادهنها بقطران
واحرقها [illegible] من انف المصاب فان عارضه يحترق [illegible]
[illegible] احرق باسم اسرافيل [illegible] من الجن والشياطين بحق هذه الاسماء وطاعته [illegible] عليكما شواظ من نار
ونحاس فلا تنتصران وان اردت تعذيبه بالسوط فاكتب هذا الخاتم على جراب
وهذه صفة الخاتم
او قصبة واضربه بالسوط فانه يصيح ويطلب الخروج فعاهده ان لا يعود
وان اردت حاجة من سلطان او غيره فاكتب الخاتم الاتي ذكره وتبخره
واقرا عليه الدعوة سبع مرات وامض في حاجتك فانها تقضى ان شاء الله
تعالى وهذه صفة الخاتم الاتي عند انقلاب الورقة

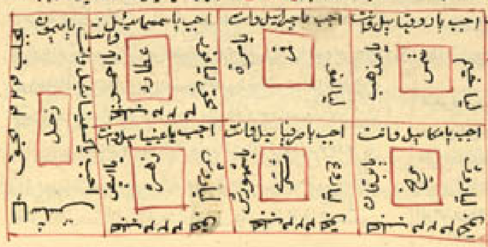
فيعوج فيعوج دبعوج دبعوج
دبعوج دبعوج الله اذن لكرام
على الله تعتدون فضرب بينهم
بسور له باب باطنه فيه
الرحمة وظاهره من قبله
العذاب

وهذه صفة الخاتم المذكور

ياجم	يالعو	يالفود	ياروث	ياروغ	ياروش	ياشلش
ياروش	ياشلش	ياجم	يالعو	يالفود	ياروث	ياروغ
ياروث	ياروغ	ياروش	ياشلش	ياجم	يالعو	يالفود
يالعو	يالفود	ياروث	ياروغ	ياروش	ياشلش	ياجم
ياشلش	ياجم	يالعو	يالفود	ياروث	ياروغ	ياروش
ياروغ	ياروش	ياشلش	ياجم	يالعو	يالفود	ياروث
يالفود	ياروث	ياروغ	ياروش	ياشلش	ياجم	يالعو



وان اردت سجن عارض فخذ قزازة واجعلها على قطعة من كاغد واجعل الاسماء دايرة وادع الجن ثم ان يدخل القزازة فاذا رايت القزازة اظلمت فاعلم انه قد سجنوه فاطبع عليها بالشمع واكتب على الشمع يالعو وادفنها فانه لا يزال مسجونا الا ان تفتح عليه او تنكسر الزجاجة وان اردت قطع عضو من اعضائه فصور صورة واكتب على راسها ياجم وعلى يده اليمين يالعو وعلى الشمال يالفود وعلى ظهرها ياروث وعلى الصدر ياروغ وعلى الساق الايمن ياروش والايسر ياشلش فاذا اردت قطع عضو من اعضائه فاقطع عضوا من تلك الصورة فان العارض ينقطع لعضو مثل ذلك وان اردت مودة احد فاكتب الاسماء على تمر او تين او لوز واطعمه لمن تريد ترى العجايب وان اردت فاكتبهم في انية وامحيهم بماء العنب واسقيهم لمن تريد باسم الطالب والمطلوب ونوع جيد اخر تاخذ لوزة تكون بقلبين واحدهم في انية فيها ماء فان احدهما تنزل والاخرى تطلع فاكتب على التي تطلع يا و اطعمها لمن تريد واكتب على التي ركدت جم وكلما انت تعبان تقرا عليها الاسماء ١٩١ مرة وتقرا الدعوة بعد ذلك على كل مائة مرة وكذا الواحد وتسعين مرة والبخور عال وان اردت جلب انسان ولو كان في اقصى البلاد فصور صورة من شمع يوم الاحد واكتب عليها الاسماء ونكتب على راسها ياجم دردقيايل مذهب اجيبوا اجلبوا فلان بن فلان الى فلان بن فلانة وعلى صدرها يالعو جبرايل مرة اجيبوا اجلبوا ٢ الى ٢ وعلى اليد اليمين يالفود سمسمائيل احمر اجيبوا اجلبوا ٢ الى ٢ وعلى اليسار ياروث ميكائيل برقان اجيبوا اجلبوا ٢ الى ٢ وعلى رجلها اليمين ياروغ صرفيائيل شمهورش اجيبوا اجلبوا ٢ الى ٢ وعلى اليسرى ياروش عنيائيل ابيض اجيبوا اجلبوا ٢ الى ٢ وتوقد تحت الصورة سبع قناديل تكتب على الفتيلة الاولى ياجم اجب يا دردقيائيل وانت يا مذهب اجلب ٢ وتوقدها الى ناحية القبلة وتكتب على الثانية يالعو اجب يا جبرائيل وانت يا مرة اجلب ٢ وتوقدها الى الجوف وتكتب على الثالثة يالفود اجب يا سمسمائيل وانت يا احمر اجلب ٢ وتوقدها الشرق وتكتب على الرابعة ياروث اجب يا ميكائيل وانت يا برقان اجلب ٢ توقدها الغرب وتكتب على الخامسة ياروغ اجب يا صرفيائيل وانت يا شمهورش اجلب ٢ وتوقدها بين القبلة وتكتب على السادسة ياروش اجب يا عنيائيل وانت يا ابيض اجلب ٢ وتوقدها بين وتكتب على السابعة ياشلش اجب يا كسفيائيل وانت يا ميمون اجلب ٢



وتجعل تحت كل قنديل خاتم من هذه الخواتم ويكون القناديل كلهم من توريب المطلوب بالدعوة المذكورة مائة مرة واحدى عشر مرة فان المطلوب يأتي

في اقصى البلاد

في اقصى البلاد او مقيدا بالقيود وان اردت عقد لسان فخذ خيط من سبعة الوان او وان متساوية وابرمهم خيطا واحدا واذكر عليهم الاسماء والعدد المذكور كما تقدم والبخور عال وتقول يا خدام هذه الدعوة اعقدوا لسان ٢ بن ٢ وتعقد عقدة الى تمام سبع عقد وتلف الخيط وتجعل في شمعة وتجعل تحت لسانك وتمضي الى حاجتك من سلطان او حاكم او اهل وان اردت حل المعقود تاخذ ٣ بيضات ولدت يوم الخميس تقشرهم وتكتب على الاولة يا والثمانين ما بايديه الواقع وعلى الثانية خ والارض فرشناها فنعم الماهدون وعلى الثالثة ع ومن كل شي خلقنا زوجين لعلكم تذكرون وتتلو الدعوة العدد المذكور وتطعم الاولى للرجل والثانية للمراة والثالثة تقسمها بينهم فان عقدتهم تحل باذن الله تعالى وان اردت حاجة من سلطان او غيره فاكتب الخاتم في ورقة بيضاء بماء طيب وتبخرها وتتلو عليها الدعوة سبع مرات واجعل الورقة في راسك وامض الى حاجتك فانها تقضى من خطبة او محبة وان اردت المحبة اكتب الاسماء على سبع حبات من تين او تمر يوم الاثنين في الاول وتتلو عليهم الاسماء ثلاث مرات واطعمهم لمن شئت وبعد ذلك تتلو الدعوة خلف كل صلوة حتى تقضى الحاجة وهذا ما تكتب على المحبوب الاولى يحبونهم ياجم ٢ كحب الله يالعو ٣ والذين امنوا يالفود ٤ اشد حبا لله ياروث ٥ انا اعطيناك ياروغ ٦ قلوبهم ياروش ٧ الحمد لله ياشلش واما الصرعيها في الرق فكتب الاسماء معكوسة شلشائيل شوذائيل عودائيل نورائيل روعائيل وغلائيل صخائيل وان اردت سقم احد فخذ طين الفخار واصنع منه صورة انسان واكتب الاسماء عليها كما تقدم وبخرها بجوز السرو واقرا عليها الدعوة ٣٥ مرة تبلغ املك فاذا اردت ان ياخذه الضرب فاصنع تصويرا من شمع غير مقصور واكتب عليها الاسماء وادفنها في قبر منسي واكتب ايضا الاسماء على خرقة من قطن ازرق واجعلها تحت مكانه يكون اوسنان الحمار تبلغ املك وان اردت للتجربة تصور صورة يوم السبت وتكتب عليها الاسماء وتعلقها بخيط حرير احمر على الجاري بعد البخور والدعوة المذكورة وتدفنها في دعاق المكان وان كتبتهم على اربعة احجار من اربع طرق ودفنتهم في الكنيسة حتى بعضهم وتصعهم في المكان فان اهله يتفرقوا وان اردت رجم الحد اربعة احجار من اربع طرق واكتب عليهم الاسماء واجعلهم في ارض تريد يكون ذلك وتش على ذلك وهذه العزيمة تقول اقسمت عليك ايها السيد الحميد السيد الكبير مفتاح النجوم وفارسها بالذي جعلك الفلك النوراني واعطاك النور المعتدل وفضلك على جميع الكواكب فاني اقسمت عليك يا بدر يا قمر يا نور بالسماء بسم الله العظيم وبعبيد الكريم الا ما سخرت لي جبرائيل وكسفيائيل واسمائيل عليهم السلام بحق هذه الاسماء الموكلين بها الا ما اجبتم ٢ الى ٢ الوحا العجل الساعة ولا بد ايها الطالب من حفظ الدعوة واكتب ايضا الدعوة والخاتم واحملهم معك كلما تقرا تم الباب وهذه دعوة القمر تتلوها على باب الاعمال تقول بسم الله الحي القيوم الدائم القاهر الذي خلق الاشياء كيف شاء بقدرته وخلق ادم عليه السلام بعظمته ونفخ فيه من روحه فجعلت له ملكة السموات والارض وامضاها بارادته فاستمسكت بجلاله فسبحانه لا اله الا هو يخرج الاشياء من العدم الى الوجود عزمت عليكم يا معشر الارواح الروحانية الاخيار الساكنين تحت عرش الملك الجبار الساجدين بالذلة والصغار لله الواحد القهار الحافظين في الفلك السيار السائرين بكبريائه المتصرفين في افعاله اقسمت عليكم بالله وعظمته والعرش ورفعته والكرسي وسعته وجبرائيل وامانته وميكائيل وامانته واسرافيل ونفخته وعزرائيل وبطشته وباسم الله العظيم الاعظم القديم القائم على كل نفس بما كسبت والشاهد عليها بما عملت فحققه عليكم يا معشر الارواح الروحانية الطاهرة اجيبوا دعوتي العجل ٣ الوحا ٣ الساعة ٣ بحق ياجم اجيبوا دعوتي واحضروا مقامي وتمموا حاجتي واقضوا حاجتي الساعة ٣ بحق ياجم يالعو يالفود ياروث ياروغ ياروش ياشلش اجب يا دردقيائيل وانت يا مذهب بحق ياجم اجب يا جبرائيل وانت يا مرة بحق يالعو اجب يا سمسمائيل وانت يا احمر بحق يالفود اجب يا ميكائيل

وانت يا برقان بحق ليا روت اجب يا مرفيائيل وانت يا شمهورش بحق ليا روع اجب يا عينيائيل وانت يا ابيض
بحق ليا روش اجب يا كسفيائيل وانت يا ميمون بحق ليا شش وبحق نور الانوار وسر الاسرار ما الملك لا اله الا هو
اجيبوا بحق مهوب ذى اللطف الخفى يا الله عجصعصع ذو الطول والبقاء والكمال يا الله بهليوه الاركيا طهورش
يا دفوف الذى له نور فوق كل نور اجيبوا انحلطاش قد وس الذى بحر البحر لموسى بن عمران عليه السلام ذو النور عالم الاسرار
وما فى ظلمات البحار توكلوا واقضوا حاجتى بحق ما اقسمت به عليكم توكلا يا برقان وانفذ بروحانيتك فى كذا وكذا يا معشر
الملائكة والملوك بارك الله فيكم وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته بخورها للخير عود وجاوى ابيض ومصطكى وكندر
وسعد شابلة بحق الجميع ويجيب بالمعز ويجيب مثل الحمص ويرفع لوقت الحاجة واما بخورها للشر حلتيت وسكر
وطرح نفط اسود وطرح حمام اسود ودم ... سوداء فانهم ترشد تمت دعوة القمر بتمامها وخواتمها والله اعلم بالصواب

فصل فى دعوة الافلاك وما لها من المنافع والخواص

دعوة يتصرف فى امور كثيرة مثل الجلب والتسليط والتمريض والاستنزال وغير ذلك فاذا اردت ان تمرض احدا فاكتب
اسماء الروحانية فى دائرة مرآة واقرا الدعوة ٧ مرات واتبخر بعد ما ذهب حب الحنظل وكبريت وادفن المرآت فى القبور
ترى العجب وان اردت جلب احد فاكتب الاسماء فى خرقة من ثوب المطلوب وتبخره بسبعة شابلة وتعلقها على عود سدر بليلة
الاربعاء وعزم ٧ مرات فانه يهيج هيجا عظيما ولا يهدأ ٧ مرات فان يذ تاب المطلوب ولو كان فى السلاسل والاغلال وان اردت
جلب العقد فاكتب الاسماء على جلد تغلب بالقطران والكبريت وتدفنه فى وسط الدار ترى العجب بعد ان تعزم عليه ٧ مرات وان
اردت علاج صرع المصاب فاقرا العزيمة فى اذنه ٧ مرات فانه يصرع ثم اكتب الخاتم على خرقة كتان ثم تضع عليها سبقة فاس واقرا
العزيمة ٧ مرات حتى تسود البيضة فاطبق الخرقة عليها وادفنها فى مكان خال فان ملك الجن يحضر وان اردت تبلد العين
فخذ حريرا اخضر وادهنه بزيت الخروع وضع جبهته بعد ان تعزم ٧ مرات فانه يمثل الناظر بين حينه وحينه وان اردت
الاستنزال اكتب الروحانيين على دائرة مرات وعلقها الصبى بعد البلوغ او بنت او جارية سوداء او امرات حامل او بزرجى
واكتب فى جبينهم الكشف وتجز بتفاح الجن واقرا العزيمة فانهم يحضروا واسئلهم عما اردت فانهم يجيبوك فانهم ترشد وهذه
دعوة المذكورة وهى دعوة الافلاك بسم الله الملك السبحانى المعيد الفعال لما يريد
الذى دارت بقدرته الافلاك الدارع الاول قبل كل شىء والاخر بعد كل شىء والقاهر لكل شىء لا اله الا هو اليه المصير نفوذ الارواح
ومرسل الرياح اقسمت عليكم يا معاشر الروحانيين الموكلين بالافلاك السبعة اجيبوا بالذى خلقكم من نور عرشه وجعلكم خاتم
لاسمائه تتصرفون فيما شاء بارادته وكيف شاء باذنه بياه ياه قدوس اقسمت عليك يا رقيائيل الملك الموكل بفلك الشمس
بحضور المذهب بحق الله الذى لا اله الا هو كل شىء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون اجب يا مذهب بحق الملك الموكل عليك
روقيائيل وبياه ياه اقسمت عليك يا جبرائيل الملك الموكل بفلك القمر بحضور مرة بحق الله القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير
وبحق الله الذى لا اله الا هو الرحمن الرحيم بقدرته من له العزة والبقاء عالم الغيب والشهادة وبحق من لا يعزب عنه مثقال
ذرة فى السموات ولا فى الارض اجب يا مرة بحق الملك الغالب عليك جبرائيل وبحق سام سام اقسمت عليك يا سمسمائيل
الملك الموكل بفلك المريخ بحضور الاحمر بحق من له الملك والكبرياء والعظمة والسلطان تبارك الله احسن الخالقين اجب
يا احمر بحق الملك الغالب عليك سمسمائيل وبدملخ دملخ اقسمت عليك يا ميكائيل الملك الموكل بفلك عطارد بحضور
برقان بحق من لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير اجب يا برقان بحق الملك الغالب عليك

ميكائيل ويا هيا شراهيا اقسمت عليكم يا صرفيائيل الملك الموكل بفلك المشترى بحضور شمهورش بحق من امره بين الكاف
والنون انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذى بيده ملكوت كل شىء واليه ترجعون اجب
يا شمهورش بحق الملك الغالب عليك صرفيائيل وبحق ددموش اقسمت عليك يا عينيائيل الملك الموكل بفلك
الزهرة بحضور الابيض اجب يا ابيض بحق الملك الغالب عليك عينيائيل وبحق سبوح سبوح اقسمت عليك يا
كسفيائيل الملك الموكل بفلك زحل بحضور ميمون بحق من استوى الى السماء وهى دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعا
او كرها قالتا اتينا طائعين بحق من يسبح له ما فى السموات والارض وهو العزيز الحكيم بديع السموات والارض حمعسق
كهيعص وله ما سكن فى الليل والنهار وهو السميع العليم بحق من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد بحق من يعلم ما تحمل
كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شىء عنده بمقدار اجب يا ميمون بحق الملك الغالب عليك كسفيائيل انك
ان زاد ٣ اجيبوا يا معاشر الارواح الروحانية بحق ما تلوته عليكم من اسماء الله العظام وبحق الملوك الروحانيين الغالبين
عليكم انزل يا مذهب بياه ياه ويا مرة سام سام ويا احمر بدملخ دملخ ويا برقان يا هيا شراهيا
ويا شمهورش بددموش ددموش ويا ابيض سبوح سبوح ويا ميمون بانك ازلى اسرعوا بالاجابة طائعين
مجيبين لله رب العالمين واذ صرفنا اليك نفرا من الجن يستمعون القران فلما حضروه قالوا انصتوا فلما قضى ولوا الى قومهم
منذرين قالوا يا قومنا انا سمعنا كتابا انزل من بعد موسى مصدقا لما بين يديه يهدى الى الحق والى طريق مستقيم يا قومنا اجيبوا
داعى الله وامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم ويجركم من عذاب اليم

بسـم الله الرحمن الرحيم **قال رستوطاس الحكيم** اعلموا وفقكم الله انني
رايت جملة كتب وعلاجات فما رايت في جميع ما وصل الي اشرف مما انا ذاكره لانه اضمن العلاج ولا اشد باسا ولا اقوى
قوة على جميع الجان وللاستخدام والاستجلاب والقهر عليهم باحسن من هذه الاشكال والدعوات فافهمها وخبلتها
فصول واصول **فاما اصولها** فانها منسوبة على السبعة ايام بسبع دعوات **وفصولها** ان لها عفاريت لو سلطوا
منهم على عفاريت الحارث وغيرهم من اولاد ميمون او كل من تحت فلك القمر الى الارض لاقتالوا جملة هذه العفاريت بجميع
تفرقهم وتخليهم من جميع الافاق وترميهم في البحور الزاخرات او في النيران المحرقات او في الشهب القاتلات **واعلم** واعلم ان هولاء
العفاريت لا ينزلون الى الارض ولا يضرون احدا من بني آدم وانما هم رسوليين سلطين على مردة الجن والشياطين وهم من عفاريت
الفلك **وان** هولاء العفاريت ملك الله منهم لادم ما ملكه حين دعا ربه ان يجعل بينه وبين ابليس فعلم الله من علمهم فاحال الله
بينه وبين ابليس واصعق به فانقذ في البحر الخامس وهذا حين ابتدى انشاء الله تعالى **اصحاب يوم السبت** وهي سبعة
فاولهم **أشكنكر** وهو عفريت عظيم يستخدم بليلة السبت ويوم السبت وله قوة عظيمة واشد ما هو في ساعة زحل وانه
يتصرف في طول النهار وطول الليل **وهذا كلامه** شططهيش بكهش ما لش هيطش **وله** مع هذا الكلام تسعة عشر حرفا
[illegible] **العفريت الثاني**
يقال له **شنكشهن** يتصرف في يوم السبت واقوى ما هو في ساعة المشتري وكل يوم السبت وليلة السبت وقد يتصرف
في طول النهار **كلامه** يهيدهيدهار بركيا صاص صبصا هيس سا ياه ياه هلوهلو هلهيف هلفا **و**معه اربعة
وعشرون حرفا [illegible]
[illegible] **العفريت الثالث** اسمه **عنجليوش** وهو يوم السبت
واقوى ما هو فيه في ساعة المريخ من يومه وليلته وقد يتصرف في طول اليوم والليلة **كلامه** فيف فيفعا ليل نيل
ما هو كهاذوكا هكيكهما هلف هاتوفا **و**معه اثني عشر حرفا [illegible]
[illegible] **العفريت الرابع** اسمه **كيلبوش** تصرفه في يوم السبت واقوى ما هو في ساعة الشمس من اليوم
والليلة فافهم **وله** هذا الكلام هربوني هندا ربوني رمارينوني بهكم بهما شنشا روها **و**معه اثني عشر حرفا
[illegible] **العفريت الخامس** اسمه **ملغبوش** تصرفه في يوم السبت وليله
السبت واقوى ما هو في ساعة الزهرة وقد يتصرف في طول النهار والليلة **كلامه** كيف كهكطهو هنده هرش يكي كافوش
ابها **و**معه اثني عشر حرفا [illegible] **العفريت السادس**
اسمه **مصتعيون** تصرفه في يوم السبت وليلته واقوى ما هو في ساعة عطارد من اليوم والليلة **وله هذا الكلام**
هكشند منايا دبا فها هتيا هرودهليا ومعه اثني عشر حرفا [illegible]
[illegible] **العفريت السابع** اسمه **سردوش** تصرفه في اليوم والليلة واقوى ما هو في ساعة القمر **وله هذا الكلام**
فهيف فعفيا معفيوع فيفعا ومعه اثني عشر حرفا [illegible]
[illegible] **قال رستوطاس** يجوز هولاء العفاريت المهر والمقل والند وبخور السودان لمن اراد الاستخدام
بهم تعطل كل عمل وتبطل كل سحر وتعذب كل مارد وتجلب كل من عصا وتغيب حتى تهيج جاجا وكذلك تسلط كل واحد من هولاء
العفاريت على من شئت من الملوك فلا تعمل الا ما انشاء الله تعالى **وهذه دعوة يوم السبت المخصوص بهم** من كتاب احمر
سوداء بن عفران وصلت مع اسماء العفاريت المتقدم ذكرهم كانت لخاتم مختوم ما لقهر به كل شيطان وعفريت وجان **تقول**
بسـم الله الرحمن الرحيم باسم القاهر لما خلق والمدبر لما سبق داهر الدهور وخالق الظلمات والنور

بسم الله

العلي الاعلى خالق الارض والسماء الذي اذل كل جبار وقهر واقمع كل شيء لا اله الا هو العزيز الحكيم الرب العظيم
الاول القديم كلامي ايها الملائكة العلوية وعمار الانوار القدسية كلام من اراد ان يقسم عليكم باسمه العظيم وبجلاله وبنور
وجهه الكريم وبسلطكم على كل شيطان رجيم وبصيركم عليهم بانواع العذاب والنكال الذي بهم من الصغار والاذلال وتو
ثقوهم في السلاسل والاغلال والانكال الثقال واذيقوهم من البحر والاغلال والهوان والعذاب والاشتعال وسلطوا
عليهم هولاء العفارتة اشدهم باسا واقواهم قوة ودمروهم اسراعا وتوثقوهم وثاقا لا ينحل الدهور والايام والسنين
والاعوام بحق هذا الكلام شايندى ... هاهنذا شابرو ... هاكابود ... كبلهاج
كيلنهيا ياياطود طيم هايندا يامعشر العفارتة عليكم بفلان او بعرض فلانة هاينذا هاهلوم ...
... يابعكه عليكم بعرض فلان او بعرض فلانة هاكيا يابايط ياطيماد ... ٢ ...
عجلوا بالعظيم الكريم ياددكيل ياهطيكيل يامقراكيل ياهند ياهيل ياهلكياهل يابهطيل يابهطيا هيل
بما اقسمت عليكم من كلام اللاهوت المكتوب في اللوح المحفوظ فبوركت في كلام اللاهوت وبوركت في النور الاعظم
اصحاب يوم الاحد اولهم اسمه هنداوش وهو عفريت عظيم تصرفه في يوم الاحد وليلته واقوى
ما هو في ساعة زحل وقد يعمل اسمائهم في حرزه بيضا مع الدعوة المذكورة وتصرفهم عمارة بيدهم بمكوني فيها الجن والشياطين
وهذه الدعوة المذكورة بسم الله الرحمن الرحيم باسماء اللهم يا مالك الملوك ومنشي
المبادي ويا اول الاول انت انت رب الدنيا والاخرة وخالق كل غاية ومدرك كل نهاية وانت رافع السموات ومدبر الافلاك
المسخرات اني اسئلك باسمك العظيم ونورك الكريم ان تعينني بعزة من عندك وتجعل لي تاييدا وسلطانا على من عصى من مردة الجن
والشياطين فاذا اسئلك سوال من عرف انهم مسلطون متقمون من كل جني وشيطان وانهم اخذون نواصيهم فلا يبرحون
وانهم لمن دعاهم وكلاتهم يصعقون انا استلكم بهذا الكلام العظيم ان تحرقوهم بنار الجمرات والاقطار وما يقطع من الشهب
والصواعق على مر الليالي والايام بحق هذا الكلام عليكم وبقدرته لديكم هاه هاهدا ... طالي
طالها ... هاه ... طاليا طاطال يايهل هاهد هاهد ياهكهيابيل ياهشرياسيل ياهلطاسيل
يابهشاسيل ياهيفاسيل ياشراسيل ياهرشياسيل ... طالها يمال هالها ... بنرهوم
... بدهما متانول ... بطاهيل بدالوم ... عليكم بامعشر
الملئكة عذبوا فانهم اصحاب العذاب واذهبوا بهم واجعلوهم كايات الذهاب وسلطوا عليهم من الصواعق وما تقتنوا به
قلوبهم ونفوسهم وابلغوا غاية الانتقام بحق ما اقسمت به عليكم وما انا متكلم به اليكم ... باطاهيل الشماخ
... هاكيا ... طاليا ... هطي ... ولا قوة الا بالله العلي العظيم
يوم الثلثاء دعوته وعفاريته اول عفاريته اسمه دشخيل وهو عفريت عظيم واقوى ما هو في ساعة زحل ليلة
الثلثاء ويومها كلامه ... هاكيا ... جلجلم جميا ولد عشرة احرف [symbols]
[symbols] العفريت الثاني اسمه فلطيش تصرفه كلها بطول اليوم والليلة وقوته في ساعة المشتري
كلامه هيلوخ ... هيلا ومعه عشرة احرف [symbols]
[symbols] العفريت الثالث اسمه اهشروش وهو عفريت عظيم تصرفه ليلة الثلثاء
ويومها كلامه ... هكبوش ... ومعه عشرة احرف [symbols]
[symbols] العفريت الرابع اسمه سندروش وهو عفريت عظيم تصرفه
كله طول اليوم والليلة واقوى ما هو في ساعة الشمس كلامه شططهيا هاميا ... هيون فانيف ومعه عشرة

احرف [symbols] العفريت الخامس اسمه ملهش تصرفه
في جميع الاعمال واقوى ما هو في ساعة الزهرة كلامه ... ياطها ليا طيماليا ... ومعه عشرة احرف
[symbols] العفريت السادس اسمه سوذبوش تصرفه في جميع الاعمال
واقوى ما هو في ساعة عطارد كلامه هكيايه هكرهود ... هلكيا يطهوطا ومعه عشرة احرف [symbols] هكلها ع
[symbols] العفريت السابع اسمه جهروش تصرفه في جميع الاعمال واقوى ما هو
في ساعة القمر كلامه فيفهو ... كاكيكم ... ومعه عشرة احرف [symbols]
[symbols] قال رستوطاس والبخور لهولاء العفارتة بالصندلين والميعة والقسط
الازرق والعسل المنزوع الرغوة والزبيب المنزوع العجم والعمل بهولاء العفارتة ان تكتب اسمائهم وما لهم من الكلام
والدعوة وتكتب الكل في حرزة حمراء وهذه الدعوة المذكورة بسم الله الرحمن الرحيم باسماء اللهم
رب العالمين وخالق المخلوقين وخالق السموات والارضين يا من كون الاشياء يا حسن التكوين يا من جعل الكلمتين ميقات وحي
اسئلك باسمائك الطاهرات وكلماتك التامات وباسمك المخزون وكلامك المكنون ان تحول الممتلئ ... الاقدس ... الابرار
وكلامي اليهم كلام من عرف انهم يغلبون ولا يغلبون ويقهرون ولا يقهرون فكلامي اليهم بهذا الكلام الرفيع المقدس ذا النور ...
والبيان القاطع الذي يقهر به كل عفريت لا يطاق ويذل اليه كل من تعدى على بني ادم واصناف الجن والشياطين اجيبني باشهويل
ويا بياجيل ويا شيطاطيل ويا بياهيل ويا شيشطاهيل ويا بهشايل ويا شمعايل ويا شيدهايل بحق هذا الكلام
عليكم هرشا سطيهور ... شيعا شيعبوش واشيا راوش هكيا هاهيا يا معشر العفارتة افعلوا
ما تؤمرون ... بالعذاب ... ياشهود ياشهيد ياشهيل
عليكم بالعذاب المسخط والزجر المقلق والربط المقيد والوثاق المدغث بحق هذا الكلام ... هاشود ...
... ماقدوس ... يا معشر العفارتة ان تنتقموا ممن اراد ... عن طاعة
الله وطاعة ... يوم الاربعا وعفاريته
ودعوته اولهم عفريت اسمه قطربوش واقوى ما هو في اول ساعة من يوم الاربعاء في ساعة زحل كلامه هسيد
... هطايا هاليا ومعه عشرة احرف [symbols]
العفريت الثاني اسمه هكشد وهذا العفريت قوي في جميع الاعمال واقوى ما هو في ساعة المشتري كلامه اشدبوحا بهذا
... شعوع ومعه عشرة احرف [symbols]
العفريت السادس اسمه شطوع واقوى ما هو في ساعة المريخ من يوم الاربعاء كلامه باربيا هرنيا هادوم قطاهوم
بالبطشيا هورهال هود ومعه عشرة احرف [symbols] العفريت الرابع
اسمه دانشم وهو عفريت قوي في الاعمال تصرفه ... في ساعة الشمس كلامه ... هاوش طايا هكش
هادوش ومعه عشرة احرف [symbols] العفريت
الخامس اسمه ... يكلوش تصرفه في كل الاعمال ليلة الاربعاء ويومه واقوى ما هو في ساعة الزهرة كلامه شطي شطاها
هليا ... ومعه عشرة احرف [symbols]
العفريت السادس اسمه ... وهذا العفريت له قوة عظيمة واقوى ما هو في ساعة عطارد من اليوم والليلة كلامه
... ومعه عشرة احرف [symbols]
[symbols] العفريت السابع اسمه شكيوش وله قوة عظيمة واقوى ما هو في ساعة القمر من ليلة الاربعا

ديومه وكلامه اشمهود اسمادوب هلج جلا جليا جليا ومعه عشرة احرف [illegible]
[illegible] قال رستوطاليس العامل بهذه الاسماء ان يكتبها في حرير خضراء بالمسك والزعفران
ويكتب معها الدعوة ويتبخر بها بالميعتين والصندل الاصفر ويتخم عنبر سوداء وعصارة الدوال وعود منزوع الزعفران وزبيب
منزوع العجم ويتبخر بعد البخور وهذه الدعوة المذكورة بسم الله الرحمن الرحيم اسالك اللهم يا بديع السموات
والارض يا ذا العزة والجلال والاكرام يا من ذل لسلطانه كل سلطان يا من ملك الرقاب فخضعت اليه بالتذلل والتعظيم
من انشأ الاشياء وقضاها على ارادته باحسن تقويم وتبيين يا من بسط السماء والارض وجعل عرشه العالمين اسالك
اللهم يا الله ٣ سؤال من عرف انك ربه وخالقه ورازقه وباعثه ومحييه ومدبر امره وخالقه ومسويه يا الله ٣ سخر لي
ملائكتك المستعين بهم على امور الدنيا والمسلطهم على من طغى وعصى اسالكم ايها الملائكة سؤال من عرف انكم حق ان تحضروا
على مردة الجن والشياطين وانحروهم وذللوهم وصغروهم بحق هذا الكلام عليكم الكيا بوعا بليدا مليدا بهودم هلكم
هميذ بطاهود نقطاهود بشالوم بهالوم بعكيا برادد براهود بهيطيث ببلع بهواش بهراش
شاليا بهاليا يا طوعطايل يا دينيايل يا شنعايل يا سمكايل يا هوشطايل يا معيايل انتم ملائكة الله الكرام
ورؤساء اجناده العظام فانا اقسم عليكم بما تدرون من عظيم اسماء الله الكريمة ان تنطلقوا وتطردوا وتدفعوا عني كل طاغ
وعاصي من مردة الجن والشياطين وعذبوهم بعذاب من عند الله لا يكون لهم راحة ولا قرار حتى يحضروا الي ويسمعوا كلامي
ويطيعون امري بحق هلقا هلكيايل يا مهرمايل يا شهطيا يا هيايل شهيا بهدل بهرليا بهراهيا هيل بتلا
نقطاهيل بكليوم باهكليوم يا علام الغيوب يوم الخميس وعفاريته ودعوته العفريت الاول
اسمه هارش وهو عفريت عظيم متصرف في جميع الاعمال وقوته في ساعة زحل من اليوم والليلة كلامه اشرد هيا هكم
طاهيا طاوم طيبها ومعه عشرة احرف [illegible] العفريت الثاني
اسمه دهكش تصرفه في جميع الاعمال ليلة الخميس ويوم الخميس وهو عفريت عظيم وقوته في ساعة المشتري في اليوم والليلة كلامه
اكش معقا ماهوير هيثا اهطال يا ميا ومعه عشرة احرف [illegible]
[illegible] العفريت الثالث اسمه شقطع وهو عفريت عظيم وقوته في ساعة المريخ من يوم الخميس وليلته كلامه دلمكد
مكد ماهاكم شكا طح طحا ياحيا ياحيا ومعه عشرة احرف [illegible]
[illegible] العفريت الرابع اسمه هاشل وهو عفريت عظيم واقوى ما هو في ساعة الشمس من اليوم والليلة كلامه شكبزا هوشم
نعيل بيذوم بيذا يوماهط هطيا ومعه عشرة احرف [illegible]
[illegible] العفريت الخامس اسمه دهروش تصرفه في جميع الاعمال وقوته في ساعة الزهرة من اليوم والليلة
كلامه ضيصضر صدنا هاصدنا ومعه عشرة احرف [illegible]
[illegible] العفريت السادس اسمه هكروش تصرفه في جميع الاعمال واقوى ما هو في ساعة الكاتب من يوم الخميس وليلته
كلامه هكدها مشور هاهيثا ثاش شاش شمشعا ومعه عشرة احرف [illegible]
[illegible] العفريت السابع اسمه شيشطوش تصرفه في جميع الاعمال واقوى ما هو في ساعة القمر
من يوم الخميس وليلته كلامه هياهيا ناضهق فمدروش ياجيا هج هجا ومعه عشرة احرف [illegible]
[illegible] قال رستوطاليس العامل بهذه الاسماء ان يكتبها في حرير بيضاء
بمسك وزعفران ويكون الاسماء والاسماء العفاريت والدعوة جميع ذلك الحرير ويتبخر بالميعتين واللادن
وشحم العنز والمقل الازرق وبخور السودان يجمع هذا بالعسل ويتخذ ويتبخر به فانه جيد حول في كل ما تريد وهذه

الدعوة

الدعوة المذكورة بسم الله الرحمن الرحيم باسم علام الغيوب وكاشف الكروب وساتر
العيوب الذي علا وارتفع عن الشبهات وقامت بامره الارضون والسموات وذلت له جميع المخلوقات وتصرفت في قبضته
جميع الكيانات والكيفيات اسالك يا الله ٣ سؤال من عرف انك عالم بحاله وانك تدفع عنه جميع المكروهات وانت له
حافظ وحايط ودافع ومانع من جميع الآفات اسالك بكل اسمائك وباسمك العظيم وبنور جلالك الكريم ان تسخر لي ملائكة
ليعينوني على جميع حوائجي وبحق عزتك وجلالك ونورك ومجدك يا الله ٣ وبحق هذا الكلام عليكم ايها الملائكة الا ما قمتم
على اعدائي بحق بهبوم هبوما هطيطاجلا اهاليرايش مطروب مطاليا ماراهاها مارهما يا ليايليا الله
موش شقطيا يا ميايل يا رهاهيل يا رباهيل يا مياهيل يا دكشايل يا هفيطايل اسالكم ان تسخروا لي
جميع العفاريت وتعينوني بالغلبة والنصر والتأييد بحق هذا الكلام يهميد ماهفاهفا فبعبوع لامعيا لاميكا
يا خليق خلق مكشهودا مكشهود مرهيا هاجيد عليكم بالانتقام من كل جبار بالاجرام وعفريت لا يضام هكيادا
مهكهود يالي يالي ريح رعجا بعوم يا عونا ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يوم الجمعة وعفاريته
ودعوته العفريت الاول اسمه شكثروح وهو عفريت قوي وقوته في زحل كلامه شاميا فاطا هاطا بكدهسام
شاكوش اهاكلبش ومعه عشرة احرف [illegible] والله اعلم
العفريت الثاني اسمه ميشاش بتصرف في جميع افعالك وقوته في ساعة المشتري من اليوم والليلة كلامه ضاعيد
ضيصعود شاميا هبنوخ هبعقا ومعه عشرة احرف [illegible] العفريت
السادس اسمه شرعبون وهو عفريت قوي تصرفه في جميع افعالك وقوته في ساعة المريخ من يوم الجمعة وليلة الجمعة
فاعلم ذلك

مهكهود طار

الثالث م

صفة استحضار الكلب الأسود منقول من شمس المعارف الكبرى

وهو عون سريع الاجابة قاضي للحاجة اذا اردت العمل به فيكون ذلك ليلة الاحد او ليلة الاربعاء بعد صيام ثلاثة
ايام ويكون القمر في برج السرطان وهو سعيد الاتصال وبعد الصيام تاتي الى تل عال ظاهر المدينة او سطح او جبل
عال ظاهر المدينة او سطح او جبل عال اشرف على المدينة التي بها انت ليلا كان او نهارا وخط عليك دائرة واكتب فيها
اية الكرسي وتبخر بعود قاقلي وانت تتلو العزيمة الى ان يطلع الاصغر كلب اسود او قط اسود وهو ياتي اليك على صورة
ارادكلب اسود او قط اسود فاذا حضر فانه يقف بين يديك ويمتثل امرك ويعاين بك على الارض فاذا كان كذلك فارسل
ديمان به وصرفه كيف شئت فانه يفعل لك كلما تحتاجه وهو يجيء بما تطلبه وهو سريع الاجابة في الاعمال كلها في التسليط
القتل والتعذيب والعذاب كله وتصاريف الخير والشر الحبية والعزلية فصف جميعك وصرفه بينما يريد فانه حسن الصحبة
والمودة وسرعة الاجابة وامنه مجتنب للانس والفته معهم وانه يحب الخلوة بهم والعشرة لهم وانه يبغض ما خطر بالك ... الحاجة مرقوم
وهذه العزيمة التي تتلوها الى ان تطلع ٤ لا تقول طالي فراديش مهتقوش اسطلي بوريش بطخ
اسطيا لودهش اجبني عاجلا هطشد سطوش الوحا ايها الروح بحق روحانية هذه الاسماء اجب انت ايها العفريت عليكم
السامع الطائع بحق روحانية هذه الاسماء بحق هذه الاسماء التي انت لها عارف بحقها اجبني واظهر عاجلا في هذه
الساعة ولا تتاخر عني فتكون من المعذبين الى يوم الدين ولا تزال تكررها الى ان يظهر فصرفه في حاجتك واصرفه
باي امر كان والسلام

صفة كاغذ مباركة

تصوم لله تعالى ثلاثة ايام اولها الاثنين
وتختلي في مكان طاهر وتكتب القسم في كاغذ الشمال وتقطع عليه في كل ليلة وتقرأ العزيمة دبر كل صلوة ٢١ مرة وتبخر
عال وهو صمغ الزيتون **وهذا** ما تكتب وبه تعزم **تقول** اشميل ٣ سميل ٣ عنيلخ ٣ اذنجيح ٣ مرح البحرين
يلتقيان من فضة قد دوها اقدر على سكر سلطانا هذا الوحا ٣ العجل ٣ الساعة ٣ توكل يا شمخيائيل على
هذه الكاغذة واصنع بالشمخيائيل بحق الله ٣ وبحق حندش وشكل بحق خاتم سليمان بن داود عليه السلام اقسمت
عليكم بالشديد القوي القادر المقتدر **وعلامة** الاجابة تنزيل الى الراس من عين اختيارك فاذا تم فخذ عشرة اوراق
تقسمهم على قدر النصف وتلفهم في عجين وتجعل معهم نصف فضة والعلام على راسه واقرأ العزيمة سبع مرات فاذا فرغت
اخرجهم حتى يبرد ما وكل العجين في اناء فيه ماء طاهر تجدهم فضة بعون الله تعالى

فائدة لجلب الرزق

تكتب في اربع قطع اسرب كل خاتم على قطعة وتدفنوا في اربع زوايا المكان وهو سريع الاجابة

سمال سا / حا سا — يجبل رمن / رن — ١١١١ ٥١٥ ٥١ ١١ / ١١١١ ١٧١ ل — سماعا و / با باصر سا

فائدة لازالة الفقر وظهور الغنا وصلاح الأحوال

تكتب في ورقة ألف ألف في عشرة اسطر كل سطر
مائة الف وتجعل على العضد الايسر في اول ساعة من يوم الاحد او اربع ساعة من يوم الخميس تمت تم

فائدة في اسمائه تعالى **قادر ومقتدر**

وما لهم من الخصائص **اذا** اردت العمل بذلك فصم
وطهر ثيابك وبدنك وانقش الخاتم في لوح من فضة وقت ... يوم الاثنين عند طلوع الشمس
وعلقه في موضع يكون ... اعلمه الاسمين دبر كل صلوة ١٢٠٠ مرة وهما قادر ومقتدر فلا اول ... يطيف بك وانزل
الخادم دون الاسبوع او في تمام يقف عليك فقل له اريد منك ايها الملك تكون لي ... في سبع منازل ...

وماهم

وماهم فقل له اريد صرع القرين والقبول عند الحكام وجميع الخلائق وكشف الاسرار وفتح الاقفال وتدمير الجبابرة
والظلمة وتبديل النحاس فضة وذهبا وهزم الجيوش وجميع الجن يقولون التصديد لخذها الروحانية ويكون الاكل في تلك
الايام الزبيب فقط او التمر والبلوط وتشرب من ماء المطر وانت تشاهد اللوح عند كل صلوة ويكون بين عينيك
ولا يراه احد سواك ويكون الخلوة في دارك وان كان في الخلا احسن **و** ان اردت العمل بها بعد ان تحذها فاقرأ
الاسمين وهما قادر ومقتدر سبع مرات وتشير على القوم نحو الجانبين او السين فانهم ينهزموا وعلى المصاب فانه يخرج
منه الجني والقبول تقراها عند استقبال الجماعة والسلطان وما شئت فان مصالحك تقضى والنحاس فضة تقراها بصيرم
عليه سبع مرات واذا قرأت الاسمين واشرت على اي شيء اردت يصير **وهذا صفة الخاتم الذي** يكتب على الفضة او الفرد

فصل في التسليط على الظالم

س	د	ت	ق	م	س	د	ا	ق
د	ت	ق	م	س	د	ا	ق	س
ت	ق	م	س	د	ا	ق	س	د
ق	م	س	د	ا	ق	س	د	ت
م	س	د	ا	ق	س	د	ت	ق
س	د	ا	ق	س	د	ت	ق	م
د	ا	ق	س	د	ت	ق	م	س
ا	ق	س	د	ت	ق	م	س	د
ق	س	د	ت	ق	م	س	د	ا

ولو كان بينك وبينه شهرين تصوم لها ثلاثة ايام
تفطر على طعام بغير ملح وتعزم دبر كل صلوة ٢١ مرة
وتجعل وقت العزيمة تحت لسانك حبة فلفل او ثلاث
حبات فاذا اتممت العزيمة اخرجهم من تحت لسانك واذا
كنت تتلو العزيمة تشير باصبعك نحو موضع الظالم
وهي هذه العزيمة بسم الله العظيم
الأعظم الذي حكم على النار فستوقدت وعلى الجبال
فاستقرت اجيبوا يا طيطيوش اجيبوا يا عطيهوش اثنا ٣
قش ٣ قشقش ٣ احمش ٣ الحمش ٣ اعمش ٣
الكمش انزلوا بحق بعض كذا وكذا النزل بابن فلان وانت يا احمر وانت يا عبد الله ابن عبد الملك وانت يا كيد وشي وانت
يا ساكن جبال الحديد سكطابح ٣ فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم **فاذا** اردت ان يرجع عنه فتجزه بحبس من الفلفل
الذي كان تحت لسانك وقت العزيمة لئلا يموت بسببها فاتق الله

فائدة جليلة لتدمير الظالم

عن ابراهيم بن علقمة عن ابن مسعود رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم عن جبرائيل عليه السلام عن اسرافيل
عليه السلام عن حملة العرش عن الله عز وجل انه قال من قرأ سورة الانعام ولم يتكلم حتى يتمها ثم يقول **هذه الاسماء** المباركة
يا سريع الغنا يا شديد العقاب يا غفور يا رحيم يا خالق كل شيء يا فاطر السموات والارض يا فالق الحب والنوى
يا فالق الاصباح يا مسبب الاسباب يا فاتح كل باب يا قاضي الحاجات يا مجيب الدعوات يا ولي الحسنات يا دافع
السيئات يا مقيل العثرات يا محيي الاموات يا منور الارض والسموات اقض حاجتي في هذه الساعة يا اله
الاولين والآخرين يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله و
صحبه وسلم تمت تم

فصل في بيان لوح الحياة والممات منقول من شمس

المعارف الكبرى **اذا اردت** ان تعلم حال المريض او الغائب فاعرف اليوم الذي مرض فيه المريض او سافر فيه الغائب
واحسب اسمه واسم امه بالجمل الكبير ويضاف اليه ما مضى من الشهر العربي ويزاد عليه لاسمين عشرين ويطرح المتحصل من العدد
كله واسقط ثلثين ثلثين حتى يفضل معك ثلاثين او دونها فانظر العدد الفاضل واعرضه على الاصبع الذي في
اللوحين وقد سميتهما لوح الحياة والممات فحيث ما وقع الحساب فاحكم به من موت او حياة فانه يصيب ذلك ان شاء الله تعالى يرجع
وكذلك حال الزوجين هل يتفقان او يفترقان او يموت احدهما قبل الآخر فاحسب اسميهما بالجمل الكبير ويضف اليهما ما مضى

من الشهر العربي وضعف اليوم الاسن عشرين واسقط وقابل في لوح الحياة والممات فما كان في لوح الحياة فانهما مجتمعان ولا يفترقان وان كان احدهما في لوح الممات فانه اما يفارقه او يموت معه وقس على ذلك وكذلك الحال الصديقين والشريكين واذا اردت قضاء حاجة من الحوائج فافعل الجميع مثل ما تقدم لعلك تعرف اليوم الذي وقعت فيه الشركة وكذلك حال الحاكم حين دخوله الى البلد تعرف اليوم الذي دخل فيه وتحسب اسم الحاكم وتزيد عليه ما مضى عليه من الشهر العربي والاس كما تقدم هنا وخذ الفضل واعرضه على اللوحين واحكم بما يظهر لك من موت او حياة وكذلك حال الحامل وما تلده وهل تعيش او تموت فخذ الولادة وهو ان تحسب اسم المراة واسم امها واسم اليوم الذي انت فيه من ذلك الشهر وتزيد عليه الاس والماضي من الشهر العربي كما علمت واسقط فان وقع في لوح الحياة معزيا تقع المراة انثى وان وقع زوجيا تقع ذكرا وان وقع في لوح الممات فان الولد لا يعيش وكذلك المولود اذا ولد فيه ايضا ايضا في الاس وما مضى من الشهر العربي كما ذكر واسقط وقابل فان وقع في لوح الحيات فاحكم بحيوته وان وقع في لوح الممات فاحكم بانه لا يعيش والله اعلم وكذلك احسب الغالب والمغلوب وكل امر مشكل والله اعلم بغيبه وهذه صورة اللوحين كما ترى

لوح الحيات		
١	٢	٣
٧	١١	١٣
١٤	١٦	١٧
٩	٢٠	٢٢
٢٣	٢٦	٢١

لوح الممات		
٤	٥	٦
٨	٩	١٠
١٢	١٥	١٨
٢١	٢٤	٢٥
٢٧	٢٩	٣٠

فصل منقول من شمس المعارف الكبرى

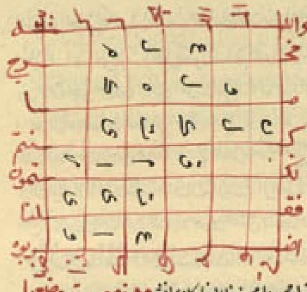
قال الشيخ رحمه الله تعالى اعلم ارشدك الله الى فهم الحقائق ان الكشف الاعظم على ان حروف الجبل اشتمل على ما في الوجود فلنذكر من نواطق الحروف وصوانيها ومعرفة الطبايع والبروج والافلاك العلوية والسفلية والكواكب السيارة وقسمتها على الايام والليالي والاعداد وطريق معرفتها واعلم ارشدك الله تعالى الى فهم ووفقك الى الحكمة المراد ان تحسب عدد اي اسم اردت فاي حرف كان عدده اكثر فهو الغالب في الطبع مثاله وجدنا اسم يعقوب الغالب عليه الهوى لاننا اذا ابعنا حروف ابجد كان الحرف الاول النار والثاني تراب والثالث هوى والرابع ماء فوجدنا حرف القاف عدده مائة فقس عليه واعلم انه لا يقوم هيولا الا من هذه العناصر اذ هي مبادي الاشياء وجميع العناصر تشتمل على جميع الموجودات وما فيها من خير وشر وما يخطر في الاوهام وهذا باب يطول فيه الشرح بل العالم يعلم المراد من ذلك فاذا اردت التصرف في العالم والموجودات بما تريد من خير وشر مثاله اضطررت الى دفع عدو وجلب رزق او صديق فاعرف اسم ذلك الشخص الذي تقصده وابسط حروف اسمه كما علمت بالبسط ثم انظر الى الطبع الغالب عليه من العناصر فتضيف اليه وتضعف ذلك العنصر ثم تعد حروف الاسم ان كان زوجا فيكون العمل بما البسط اربع مرات وان كانت فردا كان البسط خمس مرات ثم تنظم الاسماء المزوجة رباعية والاسماء المفردة خماسية فيخرج لك من ذلك اسماء فاعرف لها فاحفظهم ثم لا بد ان تفصل معك بعد النظم شيء من الحروف فابسطه كما بسطت اولا مرة ثم اعتبر عددها فان كانت مزوجة فانظمها رباعية وان كانت فردية فانظمها خماسية فانه يخرج لك من ذلك اسماء الاعوان ثم لا بد ان يفضل معك حروف بعد نظم الاسماء فابسطها كما بسطت في الاول الثاني ثم تضيف الى تلك الحروف العنصر الذي اثبته في الاول فانه يخرج لك من ذلك اسماء القسم الذي تقسم به على الاعمال فهو الذي تدرك فيه ما اردت من ذلك العمل واعلم ان هذا العمل يبنى على تسع موازين الميزان الاول اسم الشخص

والثاني العنصر الغالب والثالث النهار ان كان نهارا واسم الليل ان كان ليلا واسم اليوم والكواكب واسم الساعة مثلا الساعة التي بدات بالعمل فيقول الساعة الاولى والطالب ان كان المقصود جلبا والطارد ان كان طردا او صحة او سقم فان الامر لا يخلو من هذه الاربع امور والخزان كان خيرا واسم الشر ان كان شرا واسم درجة من درج العنصر الاغلب واعلم ان كل عنصر من العناصر الاربعة له اربع جهات فكل درجة تختص بميزان من هذه الموازين اعني الاعمال التي تناسب تلك الدرجة فافهم ترشد وهذه درج عنصر النار درج عنصر النار فالدرجة الاولى نار مستعدة للوقود والثانية نار تاكل وتذيب والثالثة نار لينة والرابعة نار محرقة واما درج الهوى الاول هوى يهب بما ينفع الناس في البر والبحر والثانية هوى العشق والمحبة والثالث هوى جميع الطير والرابعة هوى مادة مفسد واما موازين الماء وهي خمسة الاول الماء العذب الحلو الفرات والثاني الماء المر المالح والثالث الماء الزعاف والرابع الماء الوسخ الذي لا طعم له والخامس الماء الثقيل على الانسان واما درج التراب فالدرجة الاولى تراب الحب والزرع والثانية تراب المعادن والثالثة تراب المستعمل للعمارة والرابعة تراب السباخ الذي لا يطلع فيه النبات فهذه موازين درج العناصر واعدادها مفهومة لمن طلبها فكل درجة يوخذ منها ما يضاف الى ذلك العمل الذي يناسب تلك الدرجة وسابين الشرح ذلك ان شاء الله تعالى فاذا اردت التصرف في جميع الموجودات من خير وشر وجلب خير ودفع شر وجلب من اردت اليك او عز نفسك او قتل حيوان او ذبح او ماء او مطر او ثلج او ما اشبه لك من جميع الاشياء فابسط حروف اي حرف في ذلك النوع وانظر ما غلب عليه من الطبايع فاضف اليه حروف ذلك العنصر ثم انظر ان كان الوقت الذي بدات فيه ليلا او نهارا فاضف ميزان ذلك ثم ميزان الساعة من اي ميزان هو واي ذلك اليوم من الكوكب فاذا اجتمع معك هذه الموازين على ما تقدم مع بسط الاسم الذي اردته فان كان عدده مزوجا فانظم الاسماء رباعية وان كان معزيا فانظمها خماسية كما تقدم في اول هذا الباب مثاله انك تريد تعلق انسان مثلا اسمه يعقوب فابسطه هكذا ي ع ق و ب ياء عين قاف واو باء ثلاث عدد هذه الحروف ٢١ واعدادها ١٦٩٩ ثم تضيف اليها الموازين الذي ذكرتها جميعا ثم انظر الغالب عليها من الطبايع فان كان النار فهو النار وان كان الماء فهو الماء وان كان التراب فهو التراب وان كان الهوى فهو الهوى فمثال النار فيكون عملك في لوح من نحاس او شقفة او خشبة او بيضة او ورق وتدفنه واعمال الهوى تعلق في الريح او تحل واعمال الماء تلقى في الماء او يدفن في مجرى الماء او في بلة ماء واعمال التراب شيء يدفن او يحرق وشيء يدفن في قبر او تحت عتبة باب او في مفرق الطرق والبخور للجميع كل شيء عرف طيب وللشر نجس واذا اردت تعلم صحة الاسماء من سقيمها فزنها على ميزان طلعها اي صاحب اليوم الذي له الاسماء مثاله يوم الاحد للشمس وخادمه الارضي المذهب فاذا بسطت حروفها واسقطت العدد سبعة سبعة كان الفاضل واحد فكذلك الشمس ليوم الاحد واذا اخذت اسم المذهب وبسطت حروفه كان اعداد الحروف ٧٧٨ فاذا اسقطتها على عدد الايام ٧٧ كان الباقي واحد واذا اخذت الاسم الذي خلق منه المذهب كانت حروفه ١٩ فاذا اخذت اعداده وطرحتها على الايام السبعة والجمعة الذي يعد كان الفاضل واحد وكذا جميع اقسام وعزائمه تعاقب وتوازن على هذه الصفة سائر الايام وساضع لك مثالا لطرح الاعداد اذا حسبت حرف الالف تقول أحد الف واحد حا ثمانية دال اربعة كانت جملة الاعداد الواقعة على ما بسطه حرف الالف ثلثة عشرة اسقطها من ذلك سبعة بقي ٦ وهذا باب اسقاط الحروف من الالف الى الياء

ا ب ج د ه و ز ح ط ي ك ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

في استنطاق النائم

قوله تعالى والله مخرج ما كنتم تكتمون فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم اياته لعلكم تعقلون وهذه الاية اذا اردت ان تستنطق بها النائم عما في ضميره فاكتب هذه الصورة في كاغد وضعها



على سعد والنائم فانه يجد ان شاء الله تعالى **وهذه صورة وضعها**

سورة الفتح للنصر والظفر وجري المياه والبركة

في الثمر وما الرحمن فيها انها لا يذل الا عز ولا ضعيف الا قوي

ولا مغلوب الا انتصر ولا معسر الا يسر الله عليه من حيث لا يشعر ومن

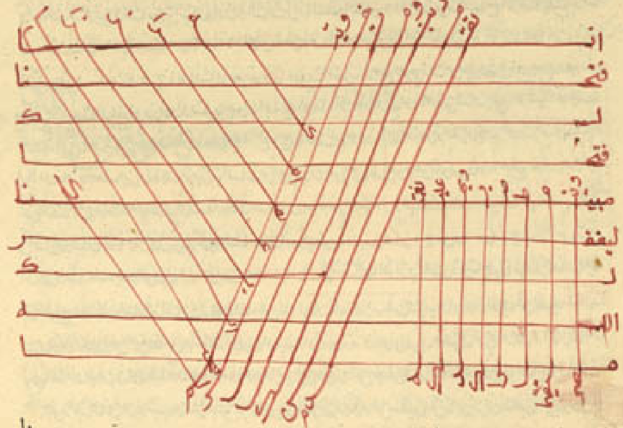
رسمها في رق طاهر بزعفران وماء ورد وعلقها على عضده الايمن

الا استاق تو جاها عند الناس وكان منصورا على اعدائه

فلذلك يصلح حملها للامراء والجيوش وقواد العساكر ومن رسمها

علم وحملها للحروب رزقه الله القوة والنصر على الاعداء ومن

رسمها في قدح من خشب ومحاها بماء وغسل به وجهه كان وجيها مهيبا محبوبا محفوظا اينما كان انشاء **وهذه صورة وضعها**



قوله تعالى فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا يرسل السماء عليكم مدرارا ويمددكم باموال وبنين ويجعل لكم جنات ويجعل لكم انهارا

هذه الآية التي يلازمها في الرزق ونمو التجارة فمن رسمها في خاتم من فضة

في الطلال واتب المطالب فاذا اردت العلاج فاكتب في كف الايمن بعد بزعفران وماء ورد وبخره بمجامر جيد ويكون الكتابة

يوم الاربعاء اول ساعة واتل عليه القسم الكبير الذي اوله بسم الله القدوس الطاهر ثم خف بيده داخل الكم واجعل

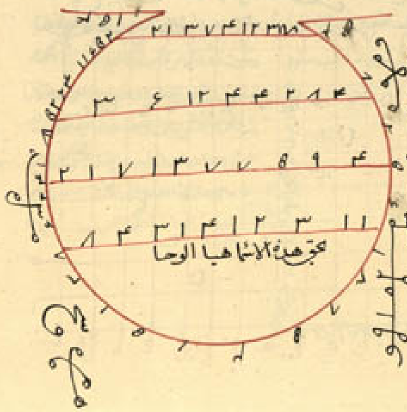
في محجن في بيته حتى يبطل الكتابة ثم تمسح ولا تلتفت الى وراءك فان المطلوب يبتعد حيث شئت **وهذا ما تكتب**

وتعد هو ماه وه للكماى ٩٩ وه ص كحو ع ٩ و ٩ م ٩ مع لا م ١ ٥ لا ١ ٩

لا ١ م ع ٩ ٩ ٩ و ٩ مح و ٩ ط ٩

وهو الفصل الجامع الكبير

انتهى وهو وارد



فائدة للصلح بين المتباغضين يكتب

هذا القسم اعني الدائرة الآتية في صحيفة ويعلق

على من يريد او يوضع تحت الوسادة التي ينامان

عليها فانهما يصطلحان والكتابة يوم الجمعة والخطيب

على المنبر ثم تبخر بعود ومصطكى ومقل ازرق

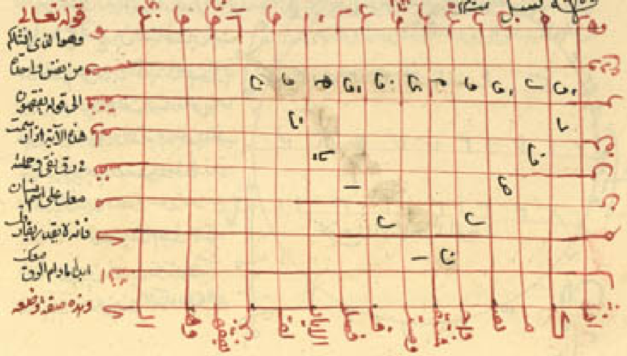
وقصب الذريرة **وهذه صورة وضع**

الدائرة توكلوا يا خدام هذه الاسماء

بالقاء المحبة بين فلان بن فلانة وفلانة بنت

فلانة بحق هذه الاسماء عليكم اللهم

ياموالف القلوب الف قلب فلان بن فلانة وفلانة بنت فلانة بحق من قال للسموات والارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا
طائعين والقت عليك محبة مني ولتصنع على عيني توكلوا اعقدوا بالقاء المحبة بين قلوب المتباغضين على سرير متقابلين
توكلوا يا خادم هذا اليوم وهذه الساعة بجذب قلب فلان الى حامل هذه الاسماء ابوش بدوح حب ودود حب يا سبوح
[illegible] المحبة [illegible] والاشد من الفرقة بحق اهيا شراهيا ادوناي اصباوت ال شداي وانه لقسم لو تعلمون عظيم هيا هيا
الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة **فصل** اذا اردت ان يحب انسان وتثبت محبته في قلبه الى الممات
ولا تفترقان ابدا فاكتب هذه الاسماء في سبع ورقات بيض وتكتب معها اسمك واسم امك واسم المطلوب واسم امه ويكون
الكاتب بريحان ويكون مع المداد شي من المسك وتحرق كل يوم واحدة ترى العجب **الاول** يوم الاحد عطفت قلب
بحق هذه الاسماء [illegible]
[illegible] **الثاني** يوم الاثنين احرقت قلب [illegible] على محبة [illegible] والقيت بينهما المودة والمحبة بحق هذه الاسماء
[illegible] **الثالث** يوم الثلث احرقت [illegible] واخذت وجذبت الى محبة
[illegible] وحرقته بالنار كما تحرق هذه الاسماء توكلوا يا خدام هذه الاسماء بما امرتكم به هيا الوحا بحق هذه الاسماء
[illegible]
الرابع يوم الاربعا توكلوا يا خدام هذه الاسماء والقلفطيريات بالقاء المحبة والمودة في قلب [illegible] وحركوا روحانيته الى
محبة [illegible] لا يفارقه ليلا ولا نهارا ولا يعصي له امرا بحق هذه الاسماء وحرمتها عليكم [illegible]
[illegible] **الخامس** يوم الخميس توكلوا يا خدام هذه
الاسماء بحق الملك الموكل عليكم الطائعين لامر [illegible] ان توكلوا بجذب قلب [illegible] الى محبة [illegible] وان يخلط
بينهما بالمودة والقرب بحق هذه الاسماء عليكم [illegible] كال ابجد عيل
[illegible] كان **السادس** يوم الجمعة توكلوا يا خدام هذه الاسماء بجلب وجذب قلب [illegible] الى محبة [illegible]
والقوا بينهما بالالفة والمودة بحق هذه الاسماء [illegible]
[illegible] **السابع** يوم السبت توكلوا يا خدام هذه الاسماء المباركة وحركوا روحانية
المحبة والمودة والالفة بين [illegible] و [illegible] بالمودة التامة الدائمة بحق هذه الاسماء عليكم وطاعتها لديكم [illegible]
[illegible]
[illegible]



باب لرد الآبق

ولو كان في السلاسل يكتب هذا الوفق الاتي ثم تاخذ خنفس الذكر وكمن الانثى وتربطه
وسط الدايرة بخيط رفيع وتدق مسمارا في قطب الدايرة وتربط طرف الخيط اليه فكلما

[illegible]

تصلي عليها وتضع تحت طرفها الذي قبال الوجه نصفين من ضرب الامير او دينارين من ذهب ضرب الامير ثم تصلي ركعتين مثل القدم
طيطا قل طيطا قل بحق طيطا قل باشروم راجب سلوم
ويكون الصلوة من الغروب الى طلوع الشمس وباكثر
الغماس ونقض الوضوء وتجعل بين كل واحد قد
شبر وكل من مشى والى الى صاحبه فاعرفه والذي لم
يمشي خذه وضعه في كيس والذي يمشي تطرح فيه
فانه يعود الى صاحبه فاعرفه وهذه صفة الدايرة
اللتين فيها الاشخاص

موضع الدينارين
او النصفين

[illegible]

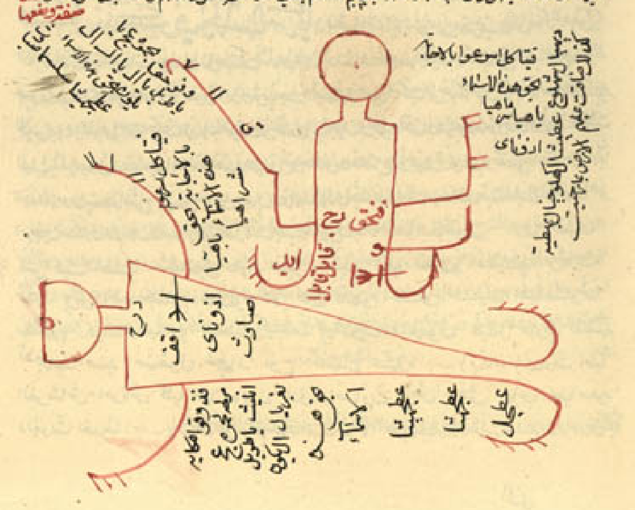
فصل في الجلب السرياني وهو قسم سليمان ابن داود عليه السلم

ادى كهيان . شغشهرش كرش ٣ لطفث الطفيثا . شلهلكيش . بجلش جليش . كشلط . طليطط . برش
شنش . بونغيش . لشرب . شهن . اصيف . بكلشلوم كلوم . كلكش . كلكوم . شلشلوم . طلطيل اهيا .
هشلوم . مشلوم . شلوش . هشلوش . هيشل . هيشلوم . هيشل . كلشوم . هيلطف . كيلطف . طلطف
هيطل . طلوف . لفطيش . بعطهيف . بعطهبوهند . صمهول . عطجل . نوخ . كهيداح . عيشلاه . اجيبوا
ايها الارواح بحق خاتم سليمان بن داود الذى فيه اسماء العزيز الجبار الذى تذلك له ملوك السموات والارض والبحار الذى
خضعت دصم الصخود الثقال الذى هى كوش بكوش . ططشف . كنماش . كنهلشاشل . اشاخ كهش . مهش .
مهلوش . شملوش . دعوش . عزيباش . طرشداد . عقش . بهر بابوش . كشما دش . ذلك الله الذى لا اله الا
هو العزيز الحكيم . مشفع بلعلع . كشعلش لعيلع بلج ٣ بج ٣ مث ٣ نوميثا . زهيث . هيف ٣ هز ٣ خف ٣ ثليخ ٣
نثابخ . اجيبوا ايها الخدام بحق هث ٣ موث ٣ ابولث ٣ ايولة ٣ هيلوث ٣ باه ٣ هبوث ٣ طلطبوث ٣ هيافيا
لوث . نوذا النور خالق السموات والارض اجيبوا بحق هذه الاسماء التى فيها القسم والاسماء وخاتم العزيز القهار على جميع
الرهوط اجب بالقلب البارد والنور الاعلى والميزان والحجر الاسود والبرهان وبكفة الميزان الا ما اجبتم الى عزيمتى هذه
وتوجهتم لمنزلى هذا انتم وجنودكم واعوانكم وخدامكم ومن لا يجب دعى الله احترق بالنار اجيبوا بحق عشقم . برقم . نكشم
كشكم . كلشعا . ام الهى . اليالوم . بمصاص . عفعلوم . اهيا . هطوش . اذوناى . اصباوث آل شداى . الجوش
اهيل . ايل . اه ٣ قدوس ٣ سبوح ٣ رب الملئكة والروح تبارك الله العظيم اجب يا برقان بالمهابات المهيبات بالقضا
بالصاملات المصطلات . اهليوط حار ياب . علشاقش . مرافش . اقش مقش . عقش . اشبانقش . طقش .
مقش . البرق . بهيلوه الاكياط . هيبور . شرباوب . علشقوم . اقبلوا كالبرق الخاطف والريح العاصف العجل بعطش
ملكيث . يطبطم بطش . احما حيث . بمعكن . بهيثا . للمحطفل . قلهيما . يجمعجليها . اهيه . اشراهيه اذوناى
اصباوث ال شداى . طلكلوث . هيلوف . هياف . هلليلها كها . هيشخ . هيشخ . هيشخ . عيشلاه . فكوش . اه ٣
سبوح ٣ قدوس ٣ اهيه . اشراهيه . اذوناى . اصباوث هيكل . مليك . داعوج . ماعوج . فيعوج . ديعوج
ذلك الله الرحمن الرحيم الوحا اجيبوا معاشر القبايل بحق هذه الاسماء العظام قدوس الجوش الشداى رب النور
الاعلى . اه ٣ قدوس ٣ فكوش . برديش . اجب يا برقان صاغرا باجنادك واعوانك وقوادك واهل مملكتك اجيبوا
معاشر الجن بحق هذا الخاتم والجلب اجب يا مذهب اجب يا احمر اجب يا ابيض اجب يا برقان اجب يا شمهورش اجب يا
زوبعة اجب يا ميمون اجب يا قطش اجب يا مرة كلتى بها الا الاوجه لله الحكم واليه ترجعون اجيبوا بجميع رهوطكم وجميع
اجناسكم اينما تكونوا يات بكم الله جميعا ان الله على كل شى قدير وان الله قد احاط بكل شى علما واحصى كل شى عددا لا تدركه الابصار
وهو يدرك الابصار اجيبوا بحق جبرايل وميكايل واسرافيل وعزرائيل عليهم السلام قابض الارواح ارواحنا وارواحكم وبحق
دردائيل وسمسمائيل وروقيائيل وعنيائيل وقصفيائيل واسماعيل مطرون الملك المعظم وسرطيائيل وشتيائيل
وهيائيل عليهم السلم اجيبوا بالاله المعبود ولا معبود سواه عز وجل تمت

هذا شرح الجلب السرياني وكيفية تصاريفه

اعلم ان هذا الجلب يصرف في سبعين عملا وهو اجل الجلوبات السبعة وهو الذى كان سليمان بن داود عليهما السلام يحكم به على الريح فتحمله حيث شاء
واذا دعى به اى رهط اراد اجابه صاغرا ذليلا خاضعا واذا اكتبت فى طست نحاس بزعفران وغسل بماء المطر وشربه

مفلوج او من به ريح او لطمة او نفخة شيطان ويغتسل بباقيه خرج عنه الارياح ها ومجروح و من كان به حمرة وشربه
ذهب عنه وهرب واعلم ان فيه اسماء كان ادم وحوا يبتهلون بها فى الجنة وفيه اسماء كان يبتهل بها ابليس فى الجنة وفيه اسماء
كانت تسبح به الملائكة فى السماء قبل آدم وفيه اسماء كانت فى قوائم العرش فى المكان الذى خرج منه علم سليمان بن داود عليهما السلم
وفيه اسماء عددها اربعة عشر سبعة منها فى فلك الشمس وسبعة فى فلك القمر وفيه اسم مكتوب فى قبة العرش بالنور وفيه اسم
مكتوب على تاج ملك العرش وفيه اسماء مكتوبة فى صور اسرافيل ومن كان عنده هذا الجلب اجابته الجن والشياطين والانس وجميع
جنود الله تعالى فاذا اردت ان ترى سر من الاسرار فخذ قرص من طين الدوار واكتب خاتم هذا الجلب فى اليوم الثالث من الشهر عند طلوع الشمس
واحمل على عضدك ويعود لستر المطلوب فانه لا يفارقك وعند العمل تقول عزمت عليكم يا معاشر قبايل الجن والمردة وكل من يجيب
اسمى فى عزيمتى هذه ومن عليه نار وغضب حتى لا تكونوا لقضا حاجتى الزم تحت شخيا وجنوده واعزم على السبابيد واصحابه واعزم على
رباح وجنوده وعلى ديباج واصحابه وعلى سيد ذلك السابك واصحابه وعلى الطيار واصحابه بحق تجزير وبحق ترجيلا شيثهيارش
شمهورش شعطش منذلة وقيدوا اصحابه الرياح وكل روح يتعرضون بجلب ٣ ٣ ٣ بنث ٣ ٣ ٣ بحق هذه الاسماء
ما الهامن القوة الا ما اسرعتم تحملوا اربعة وانتم والعاتيه بالاخشين الوزرق بين الجبلين المسلين الذى تحتهم واتى
فى انوابهم اخطفوا قلب ٣ ٣ ٣ اضعفوه يا خدام هذه الاسماء بالرجفان والخفقان قلبه مثل النار وجسمه بصفر وعقله لا
قرار له فى ليل ولا فى نهار ولو كان بينى وبينه سبعة بحار اسرعوا به مثل الطيور الطايرة ايتها العمار وسكان الارض وسكان
العمارة والقفار بحق الكرسى العمار وبحق الشمس النار وبالرب مجرى البحار والوكيل بالاحجار لا يكون له قرار فى ليل ولا فى
نهار الهبوا قلبها بالنار بحق هذه الجلالات اجمعوا بينه بالوفاء العجل ٣ الساعة ٣ ان قام يم فهوم وان كان اكل الخنقوه وان كان
شرب شرقوه وان تهوه وارجى اخلقوه الوحا الوحا هوج هوج بعطيلا اجب يا ملك اقبل اقبل ان انتم عجل العجل الحداك
اكلك اكلك كليها اليها ايها الملات بطوه اقلق اقلق شلات شلات كويت رحم دحم الى سبا العجل العجل الساعة الساعة
واعلم ان هذه الابلوفيره والتوكيل انما هو داخل الجلب انما هو النصف الثانى للجلب وهذه صورة خاتم الجلب
السريانى وهو الذى تكتبه على قرص الطين باسماء وانظر الجلب ودخل الجلب وهذه صفة الصورة فتم ترشه بصفة الصورة هذه صفته وقطعها



٢٤٤

واعلم ان هذا الخاتم تصرع به جميع ارهاط برقان وعون فاذا اردت ان تنفذ تكلم سيد هذه الاسماء على ماء ورشه على وجهه ومن يخرج يا
تكلم بشئ في اذنه فانه يفيق ويخرج عارضه تقول انا اخنيف اقوابا انا اخنين زنا امره انا اتفق ثم بانن الله تعالى فاقدامي
تكلم با على جاه و توشر في وجه المصاب تقول برودخ بارودخ شيخ شاخ احرج منا فانه بحيم احرج منا فانما يكون لانه يكره
ويخاف خرج منا فانه من الصاعقين واعلم انك اذا كتبت الجلب في رق غزال بدم سك وزعفران وماء ورد وتعلق وقص
الطين والورق على باب البيت وتكلم بالجلب ٢١ وانت تبخر بحصا البان وذكر وصعتر وسعد وعود قماري وكان اجل انه
مسحوقة مجبولة بخل او ماء ورد و يكون عملك اذا طلعت الكواكب اليمانية وفي نجمه الشعرى اليمانية فان الخصم ياتيك ولو كان
مسلسلا وان كتبته في خرقة خضراء وطويت وبخرتها ودخنتها حتى لمست مصروعا على انفه فان عارضه يصيح ويهرب سريع
وربما نطق وقال انا احترق ملاع الجعل لا اقدر على العذاب هذا اذا كان مسجونا في الجنتر وحكمه جاشت وان اردت ان
ترى عجبا اكتبه في ورقة او في طست واغسلها بالسداب وهو الفيجل وادفعه عند الذي فينته فترى ان تمصابا او تبع عدم من
ذلك الماء فانه يسمع بكائه وبجيع منه الحاضرون ويحلف انه لا يعود اليه وان رايت من به الطعنة او الورقة او حمراء او سقيقة في غسل
وجهه من ذلك الماء فانه يبرا باذن الله تعالى وقيل ان زياد بن لسمعيل كان من سحرة فرعون فجلب بهذا الجلب خلق كثير وهو
الجلب المؤلف بين الاسماء المخزونة وهب للملوك لانه يجمع اللسان العربي واللغة السريانية والعبرانية وبه يحجب جميع القبايل ويأخذ
على ضلالتهم لانه الاقرب فيها لا يرضى الله تعالى واجب هذا لانه كان ثمر بلا نصاب والجن حلقوحش صفت اضمار برقان
صاحب الطلع والعجائب خادم عطارد ومنه الاحضار وتحت الطست ويقلب العجائب تقول هيش ٢ ميش ٢ شنت ٢ شذنت
٢ طف ٢ طت ٢ حت ٢ خفش ٢ الحالحاً شدماخ ٢ ميت ٢ شامخ ٢ اجب يا برقان ابو العجائب بحق هذه الاسماء وبحق
خاتمك افعل ما امرتك به واعلم ان هذه الاسماء تتصرف بها في برقان وادوني تصدبها الجن فانه راس حزب الشياطين فقد نقل
الي عن ثقة عن ابن الشيخ البجي اسد عترت الملك المؤيد في حاجة ففعل البرقان في خطر وعزم فلقى عليه النوم فاتاه من خلفه
وصل اكتافه وهز ثلاث مرات وقال لا تطلبنا وتنام ومادكرنا الا هذا الان الا تاخذ حذرك والله تعالى الموفق للصواب

فصل نذكر فيه الجلب السرياني

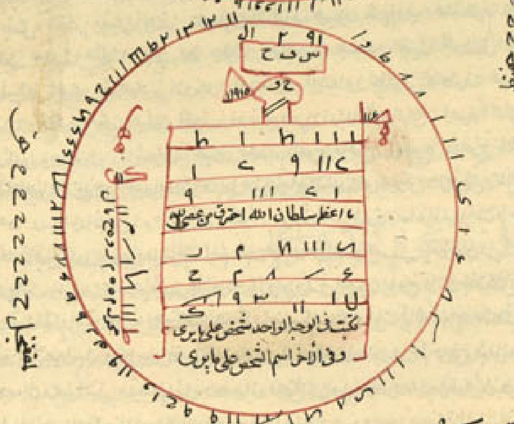
وله تصاريف كثيرة نحو الف تصريف ولكن نذكر البعض فاذا
اردت ان تجلب به غايبا او احدا للاحضار فخذ من طين الدوار واعمل منه رغيفا واكتب على الوجه الواحد منه
صورة برقان وعلى الوجه الاخر صورة الذي تريد جلبه وتجففه في الظل ونكتب على جبهته اسم من تريد واسم ويكون
الجنس برو وعد نحاس احمر وتعلقهما في باب البيت يعني خلف باب البراني والبخور تحتهما وهو بخور خاتم برقان ويكون قد كتبت
الجلب الاكبر ايضا في ورقة بيضاء وانتم تقدد على رق ظبي خالص وتعلقه مع الرغيف ترى عجبا وتقضي حاجتك سريعا باذن
الله تعالى ورايت هذا الشرح بعينه في اصلين جيدين لهذا الجلب الذي اثبته في هذا الكتاب ولقد تعبت عليه زمانا طويلا نحو
اربعين سنة واعلم ذلك وصنه عن غير اهله لانك تجلب به ابليس وجنوده وهو هذا تقول اري ٢ كفتيان ٢
كمش ٢ كيث ٢ لطاطشا . شلملكلش . جيش تحليش . حشيش . كشلع . طلططط . مطيطط . برشين .
لشم . بريش . اجب بكشلوم . كلشلوم . كلوم . كلش . كلكلوم . كلشلوم . طلطيال ٢ اهيا هشلوش .
ملشلوم . هيشا . هيشلوم . هيلطف . كيلطف . هيلطوف . ملطهوف . هيطل . طلوخ . لقطشه .
تفغهمف . صنيه . منهفول . عطهاد . نوح . كفنداخ . عشلاه اجب يا برقان يا شمارت املياش .
الفرشاش . امرناش . كليا مليا حابي تا . ادوناي صباوت . هرش . مرقش . رعاس . عليا سعود .
دبغوث . تعدخا اجب يا برقان بحق خاتم سليمان الذي فيه اسماء العزيز الجبار الذي ذلت له السموات والارض والجبال

الذی

الذی يخضع لمن عزم بها في الليل والنهار التي هي كموش . كهوش . طططنفث . عنماش . كيمشاشل . اشاخج . كهش .
مهش . مهلوش . شملوش . دعوش . عرديش . طرشداش . عفش . طرماهوش . هرماوش . بشمارش . ذلك
الله الذي لا اله الا هو العلي العظيم . شقمع . علطع . كشعلش . كشمش . لعيلع . بعج . بججج . جج . ججح . بجلياوج .
هث . بث . ميث . شده . بذه . هف ٢ طف ٢ هن ٣ خف ٣ شدنجه ٣ يا لج ٢ اجب يا برقان بحق هذه
الاسماء التي في هذا الجلب وفي الاسماء التي في خاتمك العزيز القاهر على جميع الرهط اجب بالله رب النار والنور الاعلى والنيران
والحجر الاسود والبرهان وكفة الميزان الا ما اجبت الدعوة بحق هذه انت وجنودك واعوانك وقوادك وحشمك ومن لا يجب
داعي الله فليس بمعجز في الارض واحرقه بالنار واجيبوا داعي الله وآمنوا به يغفر لكم من ذنوبكم ويجركم من عذاب اليم ومن لا يجب
داعي الله فليس بمعجز في الارض وليس له من دونه اولياء اولئك في ضلال مبين اينما تكونوا يات بكم الله جميعا ان الله على كل
شئ قدير اجب بحق عقشم . برقشم . بكشم . ككم . ككلكم . بعقنا . كشيد . لغونه . بالبيغالوم . عصعص
عصعلوص . اهيا صلوص . اهيه . اشراهيه . ادوناي صباوث . الشداي . الخوش . اه ٣
اصيل ٢ ايل ٣ اه ٢ قدوس ٣ رب الملائكة والروح فتبارك الله العظيم اجب يا برقان بالبيان المنيرات
اسا طلات المسلطات . الطيط . اطلهاوت . جاربهاويب . هلشاقش . مراقش . عقش . اقش .
اشابقش . طقش . مقش . العبق . بهيهليبوم لاركياط . هيبور . شرياويب . علشقوم . اقتلوا الكاتب
الخاطف بعلليشا ملكيشا ببطخ يطم بطيشا احاميشا بسعكن منجيشا الجلجعل للبلها
بجلجليلها باهيه اشراهيه ادوناي اصباوث الشداي كلكلوف كلكلوف هيلوث
طيليها كماكهما هيتنخ عيثملا فكوش اه ٢ قدوس ٣ رب الملائكة والروح اهيه اشراهيه
ادوناي اصباوث الشداي هيكل ميلك داعوج ماعوج فعوج ديعوج ذلك الله الذي
لا اله الا هو الرحمن الرحيم اجيبوا معاشر القبايل بحق هذه الاسماء العظام قدوس ٣ الحوش الشداي
هو هو رب النور الاعلى اه ٢ قدوس ٢ فكوش بروش اجب يا برقان صاغرا ذليلا انت وجنادك و
قوادك واهل مملكتك اجيبوا معاشر الجن والشياطين بحق الخاتم والجلب اجب يا مذهب وانت يا مرة وانت
يا احمر وانت يا برقان وانت يا شمهورش وانت يا زوبعة وانت يا ميمون ابا نوخ وانت يا فطش كلكم هاه
الا وحيد له الحكم واليه ترجعون اجيبوا بجميع رهوطكم واجناسكم اينما تكونوا يات بكم الله ان الله على كل شئ قدير
اجيبوا بحق جبرائيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل قابض ارواحنا وارواحكم وبحق رقيائيل وسمسمائيل
ودردمائيل وعنيائيل وقصفيائيل وسمعيائيل وبحق الملك العظيم ميططرون وسرفطيائيل وسينائيل
وهيليائيل اجيبوا الي وكونوا الي اعوانا بالاله المعبود فلا اله سواه وهذه صورة خاتم الجلب عند انقلاب
الورقة كما تراه والشرح فيه الجلب كما ذكر صاحب كتاب المجمع تاخذ من طين العقار وتعمل منه قرص وتنقش على
الوجه الواحد الخاتم وعلى الاخر صورة من تريد جلبه وتكتب الجلب في رق غزال بمسك وزعفران وماء ورد وتعلق
القرص والرق في سيبا وانت تتلو الجلب ٢١ مرة وانت تبخر بخور الاجلاب وهو كندر ومقل ازرق وصمغ باسبه وقسط حلو
وصندروس ومصطكي وزعفران شعري تسحق الجميع وتجبلهم بميعة سايلة وتعلم بنادق وتجففها في الظل وتبخر بها
لوقت الحاجة

وصورة خاتم الجلب عند انقلاب الورقة





فائدة للملسوع

يبرا من ساعته تقنع بهذا الى الموضع الذى وصل اليه السم وتقول افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون الكو الكى كلم الكليكم آكد هاكوكا ماكوكا فروله معقوده ان ظهرت انكشفت وان وقعت انشقت خبثتك بالف قلهو الله احد **فائدة ايضا للملسوع** تقرأ عليه ثلاث مرات فانه يبرا تقول بسم الله الرحمن الرحيم كيميو اونورا اوكلكر توذقي مثنات قل الى تنترى برير فاسكن تسكوي كعنزك بذنبوكي وتبويلي العقبه ولا حول ولا قوة الا بالله

منقولا هذه العزيمة من خط المرحوم القاضي علاء الدين ابن ذهرا وهو نقلها من خط الفقيه العالم السيد الصالح ابو بكر بن عبد الرحيم بن عبد العزيز بن محمد اليشكرى بلده بالقرب من بلاد الجزاير في الاقليم الاوسط المغربي

باقليم التراب

باقليم التراب **قال** جربتها للملسوع من الحية والعقرب والمصروع فصحت **فائدة** لوجع الضرس ان كان من فوق فاكتب في لوح هذه الاحرف **ا م ل ت** وان كان من اسفل فاكتب هذه الاحرف **س غ د ى** ثم تاخذ مسمارا فتدقه على حرف بعد حرف حتى يسكن الوجع **فائدة** للمحمومة تكتب هذه الاحرف وتبخره بهم ثلاث مرات يبرا باذن الله **م ش د ا د ل ج ع ه ن ى ص ت ط ف ق** **فائدة** لترحيل النمل تكتب في ورقة وتوضع في بيتهم وهو هذا طارش طوش طوش انصرفوا باذن الله من هذا المكان **فائدة** لترحيل النمل تكتب في شقفة قديمة وتوضع في بيتهم ض د خ فطط ص ع **فائدة** لرد اللقطة اكتب هذا الوفق المربع والقمر في برج منقلب في ورقة والصقها في حائط البيت القبلي وينظر العليل فيها يبرا **وهي هذه**

و	لا	ا	ط
ل	م	ل	ك
لا	ل	ا	و
ح	د	ل	ا

فائدة للمنازع لا يغلب قط ما دام عليه يكتب هذا الوفق في وقت سعيد ويحمله فانه يغلب خصمه **وهذا صفته**

الغالب	الشديد	القوي	الله
الله	القوي	الشديد	الغالب
الشديد	الغالب	الله	القوي
القوي	الله	الغالب	الشديد

فائدة للعبري

لا يتعب ما دام معلق عليه

وهو هذا

سابق	طالب	قائم	قوي
١١٦	١٥١	٤٢	١٦٣
٤٢	١٦٣	١١٦	١٥١
١٥١	١١٦	١٦٣	٤٢

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي نفوس ارواح الروحانية ومفصلها في هياكل محسوس اشباح الجثمانية ومصرفها بنون الامر وكاف الكينونية بالقدرة الربانية في عوالم ملكوت عناصر الدهور الدهرانية واتقن ما صنع وفتق ما رتق واخرج من عدم الوجود وجود الاكوان واظهر بالفعل قوة النفوس النفسانية احمده حمد عقول النفوس ارواحنا في هياكل محسوس اشباحنا عقول نفوس ارواح ملائكة الروحانية فقرب من اطاع وابعد من استكبر ولعن وطرد عن باب الرحمة الرحمانية وحكم اسرار علوم جواهر شروع شريعته للعارف في صفو صفاء صفحة لوح القلوب من غوامض الاسرار واللطائف الخفية وحجب مكنون علم عن ادراك ملائكة كنه ادراك معرفته الماثرة فحجبهم بصفة آدم وخصصه بالاسماء النورانية **احمده** على ما انقذنا من ظلمات شبهات حجب النفوس الجثمانية واطلعنا على سر جواهر الاسرار والعلوم الربانية وارشدنا بالطبيعة منه وهدانا الى الصراط مستقيم وامر بالايمان برسله وكتبه وملائكته الروحانية **واشهد ان لا اله الا الله** وحده لا شريك له الواحد الاحد الفرد الصمد المنزه عن الصاحبة والولد والحركة والسكون والانتقال والاين والكيفية العالم بصر يا صطكا كات اجرام الافلاك واختلاف تسبيح لغات الاملاك في مجاري الافلاك السماوية العالم بخفيف دبيب النملة في الليلة الظلماء على الصخرة الصماء والحالكة الدجية **واشهد ان محمدا عبده ورسوله** الناطق بالعلوم الشرعية الصادق في المقال بالارشاد والامر به العالم باسرار اللاهوتية والمنبئ بالاسرار الخفية الربانية صلى الله عليه وسلم **اما بعد** اعلم ايها الواقف على هذا الكتاب والطالب لهذا الفن والملتمس لهذا العلم وفقنا الله واياك ونجح مقصدنا ان الله تعالى وجل اسمه يخاطب بالاسماء الخفية والاسرار الربانية الا العقلاء في الزمان وفقهاء الامم وان هذا العلم هو رحمة من الله تعالى يختص به من يشاء من عباده والاتقياء ولا نظرت في كتب السلف ومشايخ العلم فاحببت ان اجمع

في كتابي هذا شي يشفع به المبتدي ويستفيد منه المنتهي باسانيد صحيحة من علم الرياضات والدعوات والسيميا والكاغدية
والخواتيم المضبوطات نذكر خاتم شريف كثير المنافع صحيح الاسانيد وهو وفق اسم الله الاعظم وهو منتخب من ايات القران العظيم
وفيه عشرة الاف منفعة مستخرجة مجربة وقد اتفقت العلماء رضي الله تعالى عنهم على خواص هذا الوفق الشريف ومنهم من ذكر ان فيه
عشرة الاف منفعة ظاهرة وعشرة الاف باطنة قال جعفر التميمي رضي الله عنهما القدر بيننا من تلك الخواص عجايب وغرايب
فهي تبري الالام والاسقام وتجلب العافية اذا حملها المريض وقال الشيخ ابا حامد الغزالي رحمه الله اتفقت العلماء على هذا
الوفق الشريف ان فيه اسم الله الاعظم وانه كنز من كنوز الجنة في الدنيا والاخرة وانه المطلب الاعظم الذي ما خاب قاصده وقد
تكلموا على بعض خواصه ولم يقدر احد على حصر خواصه جميعها بل اختصروا [illegible] الكثير لئلا يطول الشرح ويحصل الملل قال الشيخ البوني
رحمه الله عليه يقتضي ان يكون [illegible] لاهل العلم [illegible] خواص شريفة ولا يحمله الا من اراد الله له السعادة في الدنيا والاخرة
ومن وضعه في قبر ميت امن من عذاب القبر [illegible] وهو الحصن الحصين من حمله كان في حفظ الله وفي عونه وكفايته وهو قبول
عظيم لمن يدخل على الملوك والسلاطين والعظماء وفيه اسرار [illegible] ان شاء الله تعالى فمنها للقبول والدخول على الاكابر
والحروب والخوف وذوات السموم والوحوش [illegible] فانها تحمي حاملها كما يحمي الراعي الغنم من الذيب وحاملها لا يقهر ابدا
بل يكون منصورا على من يحاربه وهو لابطال الاسحار جميعها وحل المعقود ولمن اصابه [illegible] للمصروع [illegible] الجان
وحاملها يكون منصورا بقدرة الله تعالى وقال مقاتل بن سليمان من حمل هذا الوفق الشريف وكان خايفا امن او مظلوما
انتصر او طالب حاجة قضيت سريعا وان دخل به على سلطان هابه وعظمه وان دخل حربا انتصر وان دخل في مكان خراب
عمر وان حملته امراة عزبا تزوجت [illegible] الخطاب وهو امان من قطاع الطريق وكل [illegible] قال الشيخ البوني
رحمه الله انه كان ملكا من ملوك المسلمين يحاصر مدينة من مدينة الكفار مدة طويلة نحو سبع سنين حتى فني المسلمون حول
تلك المدينة فذكر لبعض خواص الملك ان بالمكان الفلاني رجلا معروفا بالزهد والورع والعلم والصلاح وقد اشتهر عنه
انه [illegible] كثيرا من فعل الخيرات وكشف المهمات وشفاء الالام وكثيرا [illegible] فقال الملك [illegible] وجب علينا
ان نقصد هذا الرجل ونسأله المعونة على هولاء الكفار لعل الله ان يفتح علينا [illegible] ثم نهض الملك من وقته وساعته
ودعى بدعاء الاستخارة وقصد التوجه الى الشيخ فلما قدم عليه قام الشيخ ولقاه وترحب به وقال مرحبا بالمجاهد في سبيل الله
هل لك من حاجة فذكر له الملك ما الذي جاء بسببه وما قاسى المسلمون من الحصار في تلك المدينة وانا قصدناك [illegible]
فقال حبا وكرامة ثم قام الشيخ وتوضا فصلى ركعتين ودخل الى مقصورته واخرج منها صندوقا ثم اخرج من ذلك الصندوق
سفطا مرصعا بالدر والجوهر والياقوت ثم اخرج منه هذا الوفق الشريف فقال للملك خذ هذا الوفق الشريف وامر في
مقدم العسكر ثم ازحف على الكفار فان الله تعالى ينصرك عليهم فاخذه الملك منه ورجع به الى عسكره فلما كان من الغداة امر
المسلمين ان يصوموا [illegible] ذلك النهار ثم اخذ الوفق الشريف وجعله على راية قدام العسكر كما ذكر له الشيخ وزحف على الكفار
قال الشيخ البوني [illegible] لم يكن الا كلمح البصر اذ نصر الله المسلمين واخذ الكفار واخذ الملك ذلك الحصن [illegible]
فيه وغنموا الغنايم ثم قال فاعزل الملك من تلك الغنيمة جزا كبيرا وارسله الى الشيخ فلما دخلوا عليه قال لهم [illegible] الفقرا من بركة
ذلك الوفق الشريف فقال لهم اذهبوا به وفرقوه على الضعفاء والفقرا من عسكركم ثم صونوا هذا الوفق الشريف فلا تبذلوه
الا لمستحقه ومما نذكر من خواصه وفضايله ان رجلا مر على جعفر المنصور وقد طلبه الخليفة ليقتله فلما راه الشيخ [illegible]
دفع اليه رقعة فيها هذا الوفق بعينه فلما صار بين يدي الخليفة امر السياف ان يضرب عنقه فاخذ السيف ليفعل ما امره به الخليفة
فيبست يداه على السيف فامره ثانيا [illegible] فقال الخليفة فتشوا هذا الرجل ففتشوه فوجدوا معه تلك الورقة وفيها
هذا الوفق الشريف فاطلقه الخليفة وامر له بسبعة الاف درهم وامر بكتابة هذا الوفق الشريف وهذا من بعض فضايله قال الشيخ البوني

رحمه الله تعالى لو اردنا ان نذكر فضايل هذا الوفق الشريف لعجزت الكتاب عن حصر فضايله ولكن ذكرنا شيئا يسيرا من ذلك
قال الشيخ ابو عبد الله التميمي رحمه الله من حضر بهذا الوفق الشريف فليصنه من الادناس ولا يحضر في الكارة وان يبخره
بالمسك والطيب لا يحمله جنبا ولا يدخل به بيت الخلاء ويصونه من الجهال ويحفظه الى وقت الحاجة يجد بركته ان شاء الله تعالى
اياما كان اوجب بالخلافة من بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم ومن اوقفه على السفها فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعين
لان هذه الاسماء كانت مكتوبة على باب الكعبة ولها ملائكة يحرسون بها ويتكلمون بخدمتها وجميع ما في الكتب ماخوذ من هذه
الاسماء وان اردت ان توكل الملائكة بروح [illegible] حبيب صديق الى حضرتك [illegible] عندك فهذه الاسماء تدخل في اثنين وسبعين
عملا على عدد الملائكة كل حاجة [illegible] حتى يحضر [illegible] بين يديك وتدخل هذه الاسماء في اخراج المطالب والدفاين والكنوز
والذخاير ولها سر عظيم لا يحد ولا يحصى فاذا اردت العمل بها فاكتبها بزعفران وماء ورد وعلقها في رقبة ديك ابيض افرق
اطلقه في المكان الذي تريد [illegible] فهناك يكون الدفين وان اردت عدم [illegible] والاما[illegible]
وجرابا فاختم به على شمع اصفر وادفنه تحت عتبة الباب الذي تريد خرابه [illegible] وايضا لكسر الجيوش
وكسر الاعدا واهلاك الاعدا والسلطان الجاير تاخذ تراب من ثلاثة قبور وتعجنه بالماء الجاري وتجعله [illegible] وتختم به عليه
ثم تسحقه وتذره في البيت [illegible] ذلك وايضا الهرب [illegible] من بلد الى بلد تاخذ عصفور [illegible] ذكر
وانثى [illegible] وتكتب هذا الوفق مع الاشكال الشريفة [illegible] العصفور بخيط اصفر على اسم من تريد تهجيجه
وتطلقه وتقول اهرب [illegible] من المكان الذي يكون فيه [illegible] هذه الاسماء وايضا للتحويل والنقل تكتب في ورقة وتغسل بالماء الطاهر
وترشه في باب من شئت وايضا للرجم تكتب في قطعة طين [illegible] وتدفنها في المكان مع اشكال الشريفة [illegible] وايضا [illegible]
تاخذ شمعة وتجعل الخاتم في وسط الشمعة [illegible] الى الاسم الاول [illegible] في المكان الذي تريد [illegible]
[illegible] ولا يبقى احد [illegible] في ابوابه وايضا للتعطيل عن السفر والمراكب تغسل بالماء [illegible] وترش في مكان
من تريد وان للمراكب [illegible] البحر [illegible] على المركب تبطل [illegible]
وكان الخليفة المامون اذا اراد الغزو يعلق الخاتم في الهوى في مكان عال [illegible] على البحر [illegible]
كل جانب ومكان حتى [illegible] فيعلمون ان ذلك من اعمال الخليفة فيستغيثون اليه فيطلق عنهم وان اردت حلاب
المطر تاخذ خابية وتثقب فيها ثقب صغير وتضع الخاتم تحت ذلك الثقب حتى يجري عليه الماء فان المطر [illegible] باذن الله تعالى
وان اردت لخراب الحانات والحوانيت والدور تاخذ شمعة كبيرة وتختم به عليها ثم [illegible] الشمع في وسط [illegible]
العزيمة وتدفن في المكان وان اردته لاخراج العارض من البدن اختم به على جبهة المصاب [illegible] واتل عليه العزيمة
فانه يقوم باذن الله تعالى وان اردت لخلاص المسجون تجعل الخاتم مع قليل من تراب المقابر فانه يخرج من يومه وساعته وان
اردت لجلب انسان تجعل الخاتم [illegible] على اسم من تريده واسم امه وتعلقه في الريح فانه ياتيك سريعا ولو كان تحت الحجب وان
اردت لتسليط الحمى تكتب [illegible] الغنم [illegible] في الرماد [illegible] وان اردت لعقد [illegible]
في ورقة بيضاء وخذ [illegible] على اسم من شئت واعقد عليها سبع عقد ثم [illegible] وتجعلها في [illegible]
في موقد نار وتكتب [illegible] اليوم [illegible] وهذه الاعمال من الذخاير ولو اشرت بها الى الجبال
لسارت او الى الطيور [illegible] والوحوش والسباع لانقادت [illegible] وكذلك الهوام جميع الارض وان
لزمت الصوم والتقوى والامساك عن الناس والكف عن المعاصي والعزلة من العالم اربعين يوما ان امكنك يا عبد الله
ان تمشي على الما [illegible] اثنين وسبعين ملكا [illegible] ليلة الجمعة
بعد العشاء الاخرة وهم الخدام العلوية والسفلية [illegible] في حوايجك وان [illegible] الاستخدام [illegible] لا يجتمع

وان تكلمت به على قد فانه لا يخلف عن قدرة وان اردت لجلب الغايب ولو كان في مسيرة سنة تكتب في ورقة وتكتب
حوله والسماء والطارق احرف متفرقة وتعلقه الى ناحية البلاد الذي فيها الشخص في مهب الريح فان خدام الاسماء يحضرونه
ولو كان في البحار و ان اردت للرمد فاختم به على شمع حزن واجعل الختم بين تمثال واعمل في الخاتم [illegible] منه
في كوز ملآن [illegible] ويرش عليه قليل ماء حار او بارد او دكه فانه يبرد سريعا وان اردت ان تبطل انسانا او تغلبه فاختم به
على شمع حزن واجعله ابن تمثال وصوره [illegible] ثم اضربه في اي عضو شئت منهما فانه يبطل منه وان
اردت انسانا لا ينام فادفنه في وكر [illegible] وعلق [illegible] الى فوق مع الصورة في الهوى وان اردت ان تهيج احدا
من الناس فاكتب الخاتم واجعله في قدر [illegible] الراس وضع فيها قليل كبريت فيصيبه القلق والكرب والاضطراب وان وضعت
فيها قليل زيت وفلفل ووضعتها على النار وتكتب في ورقة اسم الشخص [illegible] ثم تصبح تبدد الجميع بين تراب فانه يمرض شديدا و
ان غسلته في قدح زجاج ازرق ورشته على باب من تريد بحبه فانه لا يقدر على فراقك ساعة واحدة وان اردت للبغضة او قلع
احد من مكانه او بغضة بين اثنين فاغسل الخاتم بماء البصل [illegible] واهرقه في [illegible] على اسم من اردت و تقلب
الكلب الى الجانب الاخر ثم تقول كذلك ينقلب كذا عن كذا كما انقلب هذا الكلب و ان اردت ان تصلح بين المراة وزوجها فاختم به
على شمع ختمين ثم خذ قطعتين من رصاص واكتب على كل قطعة اسم من اردت من الطالب والمطلوب واطبق القطعتين على اسم من
اردت ووجه الى وجه بعضها البعض وتدفن عند باب من اردت اصلاحهم وان اردت المحبة عند جميع الناس اغسل الخاتم بماء
ورد واقلبه في خابية من تريد وان غسلت وجهك بماء قد رميت فيه الخاتم كل يوم فانه يهابك عظيمة ومحبة ولو عملت في ذلك
اليوم ذنبا لما عارضك احد وكل من رآك احبك وهابك وخاف منك وان اردت للقبول اجعل في دهن زنبق وبيته تحت النجوم
وتصبح تدهن به وجهك وجبينك فانه قبول عظيم وان اردت لقضاء الحوائج اجعل الخاتم في ماء ورد وعسل ورش عليك في طلب
الحاجة التي تريدها فانها تقضى وان اردت الدخول الى حاكم او قاضي او سلطان فالبس الخاتم واجعل فصه على يمينك فانه يقبله
ويعرض الخاتم الى الكف واطبق عليه يدك ومن لبسه وهو خائف امن من خوفه و من دخل به على سلطان اكرمه وهابه وقضى حوائجه
ومن مسح به على راس غضبان رضي ومن محموم [illegible] وهو عطشان روى و من نقعه في ماء مطر وشربه على الريق قوي حفظه و
ان لبسه معطل تفرجت اموره وان لبسته امراة عزبا تزوجت وان وضع على راس مصروع افاق وان مسح به على بطن مطلقة
وضعت من وقتها وان اردت لجلب الزبون الجميع به على شمع ابيض من فرخ ثلاث ختوم وادفنه في اي مكان اردت يكثر فيه
البيع والشرى وان اردت لعقد الكلب فاجعله في زيت طيب ويطعم المعضوض فانه يحل الجرو من وقته وللملسوع بالحية
والعقرب يجعل الخاتم في لبن حليب ويسقى له فانه يبقيه سالما من وقته وان اردت للمحبة الجميع به على شمع عروس ثلاث ختوم
ويعمل على كل ختم ثلاث [illegible] واعمل به [illegible] الخاتم [illegible] تحت عتبة من تريد بعد ان تلفه في ورقة مكتوب فيها اسم
المطلوب وامه واسمك واسم امك فانه يات ولو كان في رجليه القيود وان اردت لربط الشباب اختم به على شمع ابيض [illegible] واجعله
في [illegible] فانه يصيب وان اردت للاعياء اختم به على كل شمع ختمين واربط كل ختم [illegible] فانه لم تشعب [illegible] ان
تخاف من ظالم فالبس الخاتم [illegible] فانه يكف شره وللمسجون اذا اخذ الخاتم وادخله من طوقه ثم اطلعه من تحت ذيله تخلص من
يومه و من غسله في ماء مطر وشربه امن من الاوجاع وان وضع على مصروع افاق وان طبع به على كند و يحرز به مسحور
بطل عنه السحر والآية لدفع كيد الاعداء وصدهم وردهم وصرفهم وطمس ابصارهم وكف شرهم من كتبها في ربع [illegible] وتقشها
في صحيفة من ذهب او نحاس وسمرها في ترس وقاتل بها العدو [illegible] وامن من شره وكذلك من قراها عند [illegible]
الظالم نصره الله عليه ومن قراها [illegible] دخل بين اللصوص امن من شرهم ومن نقشها على فص خاتم [illegible] في رجب [illegible] والخاتم فانه
وقته ويومه وشهره ويختم به شاهد العجايب وهذا الذي يكتب مع الوفق للاعمال المجربة هذه الاشكال

[illegible] ااااا هو ق وهذه الاشكال التي تعمل مع الخاتم الشريف ٩٩٩٤ د ا٣ ا لا ٩٩٩ لا ق
وهذه العزيمة على العلوية والسفلية تقولها على جميع الاعمال تنجح والكلام سابعا تقول شمخيايل شرحيايل
اسرافيل كربائيل سمحيائيل جبرائيل شراطيل اجيبوا وافعلوا كذا وكذا بحق الم المر المص الر
كهيعص طه طسم طس يس ص حم عسق ق ن الوحا العجل الساعة وهذا
صفة وضع الخاتم المذكور الموصوف



فائدة لتبجيل الكف تكتب هذه الدائرة في باطن الكف ثم تعزم بالآية [illegible] فان الكف ينجذب الى المكان المطلوب

ككككهص



ككككهص

وهذه الآية تعزم بها تقول والطور وكتاب مسطور في رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع والبحر
المسجور ان عذاب ربك لواقع ما له من دافع توكلوا يا خدام هذه الآية الشريفة والبسوا الكف واسحبوه الى مكان
الخبيئة والدفين من ذهب او فضة بحق هذه الآية الشريفة

م م م
م

تم في يوم الثلث من شهر رجب المرجب في سنة [illegible] كاتبه اسماعيل غفر الله له ولوالديه ولمن وجب حقه عليه [illegible]

[illegible]